

بخش اول
خلیج فارس

«انقلاب اسلامی و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس»

سند شماره ۱

۱ فوریه ۱۹۷۹ - ۱۲ بهمن ۱۳۵۷

سری

از: سفارت آمریکا، مسقط - ۱۶۳ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی - فوری
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در ابوظبی، امان، دمشق، بغداد، جدّه، کویت، لندن،
منامه، مسکو، صنعا، تهران، تل‌آویو

موضوع: سلطان افسرده از رفتن شاه

۱- (سری - تمام متن)

۲- خلاصه: در ملاقات روز ۲۴ ژانویه، به نظر می‌رسید که سلطان از عزیمت شاه افسرده است و با من در مورد مقدمات امنیتی آینده جنوب خلیج [فارس] به صحبت نشست. پایان خلاصه مطلب.

۳- در تاریخ ۲۴ ژانویه، درست قبل از ورود فورد، رئیس‌جمهور اسبق آمریکا به سلاله، حدود یک ساعت با سلطان ملاقات و گفتگو داشتیم. سلطان از رویدادهای اخیر ایران نگران به نظر می‌رسید و در حین صحبت چندین بار گفت برای او قابل درک نیست که چرا شاه نتوانسته بود دریابد که مردمش در مورد او چگونه می‌اندیشند. به او گفتم که رابطه شاه با مردم قطع شده بود و او تنها به گروه کوچکی از مشاورینش گوش می‌داد که به جای اینکه چیزهایی را که باید بشنود به او بگویند چیزهایی را که خود می‌خواست به او می‌گفتند. سلطان نیز صحت این امر را تأیید کرد و گفت که خود او شخصاً تصمیم گرفته است در داخل عمان بیشتر سفر کرده و با مردم مستقیماً ملاقات نماید. واقعیت این است که وی به تازگی یک سفر زمینی ۱۰ روزه را بین مسقط و سلاله به پایان برده و در طول این مسیر در چند روستا و جوامع کوچک توقف نموده است. وی گفت برقراری این‌گونه تماسها مفید است و در نظر



دارد در آینده بیشتر به اینگونه مسافرتها پردازد.

۴- سپس سلطان به مطرح کردن موضع گیری همیشگی خود پرداخت و اظهار داشت که آمریکا باید در جهت حراست از منافع خویش در این بخش استراتژیک جهان با قاطعیت بیشتر عمل کند. در مورد عمان وی معتقد است که آمریکا می تواند با پیگیری یک برنامه کوچک کمک های نظامی و اقتصادی مثرتر واقع شود تا عمان بتواند با استفاده از پرسنل نظامی خود به دفاع از خویش پردازد.

۵- من از وی سؤال کردم که نظر وی در مورد انعقاد یک قرارداد چند جانبه نظامی با عربستان سعودی و دیگر کشورهای حوزه خلیج [فارس] چیست. سلطان گفت موضوع قرارداد چند جانبه باید مورد بررسی قرار گیرد لیکن خود او بر انعقاد یک قرارداد دوجانبه رابطه نظامی با آمریکا، تأکید دارد. عربستان سعودی اکنون برای عمان حکم معما را پیدا کرده است. به نظر می رسد که سعودیها در اتخاذ تصمیمات لازم دشواریهایی دارند و نمی توانند به قراردادهای خود عمل کنند. البته، سعودیها باید سهم عمده ای از هزینه امنیتی را که اکنون بر دوش می کشد، تأمین کنند، اما واقعیت امر این است که وقتی عمانیها برنامه پشتیبانی نظامی دیگری پیشنهاد کردند سعودیها می خواستند تنها در مورد بخش ناچیزی از آن تعهد بسپارند.

۶- پس از آن سلطان گفت عبور آزادانه کشتی ها از تنگه هرمز بدون شک برای جهان غرب حائز اهمیت بسیار می باشد، بنابراین عمان را مسئول کامل در زمینه دفاع از تنگه دانستن منصفانه نیست. این هزینه دفاعی باید به طور مساوی میان استفاده کنندگان تقسیم شود.

۷- در اینجا من سؤال کردم که نظر سلطان در مورد مشارکت احتمالی اردن در مقدمات امنیتی خلیج [فارس] چیست. و خاطر نشان ساختم که اردن در زمان بروز شورش ظفار به عمان کمک کرده و بر اساس تجربه ای که در اردن داشته ام می دانم که اردنیها قبلاً نیز پیشنهاد تشکیل یک نیروی بسیار متحرک را با کمک آمریکا مطرح کرده بودند که در صورت تشکیل می توانست در مواقع اضطراری به منطقه خلیج [فارس] کشانیده شود.

۸- سلطان لحظه ای به فکر فرو رفت و سپس پاسخ داد که به نظر او تمام رژیم های محافظه کار منطقه باید از نوعی توان نظامی برخوردار شوند تا در مواقع اضطراری بتوانند یکدیگر را یاری دهند. ولی در مورد اردن، باید گفت که این رژیم، اگر بخواهد به او در منطقه جنوب خلیج [فارس]، علیه نیروهای تندرو کمک کند، ممکن است از سوی عراق و سوریه تحت فشار قرار گیرد. در واقع نیروهای اردنی که در درون ناآرامیهای ظفار به این کشور آمده بودند، زودتر از موعد مقرر و در نتیجه اعمال فشارهای فلسطینی های مقیم اردن توسط رژیم آن کشور از عمان خارج شده بودند. بنابراین وی گمان نمی کند که در صورت بروز یک مشکل حقیقی در جنوب خلیج [فارس]، اردن بتواند به صورت هم پیمانی با عزمی راسخ عمل کند.

۹- سپس از سلطان سؤال کردم که آیا وی نگران این موضوع نیست که اگر وی رابطه نظامی نزدیکتری با آمریکا برقرار سازد ممکن است رژیم وی آماج حملات بیشتر نیروهای تندرو منطقه

گردد. او این استدلال را به سرعت رد کرد و گفت اکنون زمان آن رسیده که کشورهای کوچک و ضعیف منطقه باید بین دو بلوک کمونیستی و غربی یکی را برگزینند. رژیمهای تندرو اتیوپی و یمن جنوبی در کشورهای خویش تعداد قابل توجهی از نظامیان روسی و کوبایی دارند و حتی عراق با شوروی یک پیمان دوستی منعقد ساخته بود. وی ترجیح می دهد که شانس خود را با غرب بیازماید و در این منطقه خطرناک از جهان، این بی خطرتر از تکیه است.

۱۰- سلطان تصدیق کرد که نظامیان ایرانی در حال خروج از عمان می باشند و اظهار داشت که خروج آنها به معنی این است که کشور وی فاقد هرگونه توپ ضدهوایی خواهد شد. نکته مهمتر اینکه او اکنون می داند که بیش از این نمی تواند به «قرارداد دوستانه» خود با شاه متکی باشد تا در مواقع اضطراری فوراً از کمک های وی برخوردار شود. خوشبختانه اکنون عمان قوی تر از اوایل دهه ۱۹۷۰ است و بهتر می تواند نیازهای امنیتی خود را تأمین کند. با این حال عمان هنوز هم به کمک احتیاج دارد چون ممکن است روسها و یا کوباییها و یا آلمان شرقی های موجود در یمن جنوبی بخواهند بار دیگر در ظفار شورش به راه اندازند. بهترین راه مقابله با این خطر این است که آمریکا از نظر نظامی و اقتصادی به عمان کمک کند تا این کشور بتواند نیروهای مسلح خویش را بازسازی نماید.

۱۱- از اینجا به بعد به بررسی رویدادهای ایران پرداختیم و سلطان اظهار داشت که اکنون در ایران هر واقعه ای رخ دهد، آن کشور نخواهد توانست نقش امنیتی گذشته خویش را در رابطه با خلیج [فارس] ایفا کند. سلطان هنوز هم بر این باور است که بزرگ ترین اشتباه شاه این بود که بدون تعمق و اندیشه به مبارزه با عناصر محافظه کار مذهبی پرداخت. وقتی گفتم که علل دیگری نیز موجب بروز نارضایتی از رژیم شاه شده بود، وی موافقت نمود لیکن اصرار داشت که علت عمده مشکلات کنونی وی تضاد رایج بین او و روحانیت شیعه است.

۱۲- نظریه: باید انتظار داشت که سلطان خواستار دریافت کمک از طریق خرید تجهیزات نظامی آمریکایی و نیز دریافت دیگر انواع کمک های اقتصادی باشد. پس از عزیمت شاه از ایران اکنون وی احساس افسردگی و تنهایی می کند و به سوی ما دست نیاز دراز کرده تا چتر حفاظتی لازم را به جای ایران برای وی ایجاد کنیم.

سند شماره ۲

۸ فوریه ۱۹۷۹ - ۱۹ بهمن ۱۳۵۷

خیلی محرمانه

به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

از: سفارت آمریکا، ابوظبی - ۳۵۸

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در دوحه، جده، کویت، منامه، مسقط، تهران

مرجع: تهران ۱۱۴۹

موضوع: تأثیر اقتصادی ناآرامیهای ایران بر امارات متحده عربی (ارزیابی اولیه)

۱- (بدون طبقه بندی) آغاز خلاصه: به علت رابطه نزدیک اقتصادی موجود بین امارات



متحده عربی و ایران، جامعه تجاری محلی نگران رویدادهای آن سوی خلیج [فارس] است. این تأثیر در دوبی بیشتر است چون از رابطه تجاری و مالی بیشتری برخوردار است. مهم‌ترین مسائل عبارتند از انباشته شدن محموله‌ها در بندر دوبی و کمبود محصولات نفتی در امارت‌های شمالی. گرچه تأثیر درازمدت رویدادها قابل پیش بینی نیست، ولی در صورتی که رژیم‌های بنیادگرا و یا سوسیالیست در ایران به قدرت برسند، دوبی به صورت یک مرکز تجاری برای ایران در خواهد آمد. پایان خلاصه.

۲- (بدون طبقه‌بندی) امارات با ایران رابطه اقتصادی مهمی دارد. دوبی و تا حدودی شارجه به عنوان محل تخلیه کالاهایی عمل می‌کند که قرار است عازم جنوب ایران شود، شبکه ارتباطی مالی و تجاری بسیار صمیمانه‌ای بین تجار دوبی و ایرانی به وجود آمده است. بسیاری از شهروندان امارات یا در ایران کسب و کاری دست و پا کرده و یا ملکی خریداری نموده‌اند. بسیاری نیز در آنجا خویشاوندانی دارند. صادرات و صادرات مجدد دوبی به ایران در سال ۱۹۷۷ معادل ۱۵۰ میلیون دلار بود که باید چند برابر بیش از این باشد چون تجار دوبی قاچاق‌هایی را که وارد کشورهای همسایه می‌کنند گزارش نمی‌دهند. دوبی و امارات شمالی از نظر وارداتی تا حدودی به ایران وابسته هستند. واردات POL ایران به امارات سالانه معادل ۴۵ میلیون دلار است. آنچه در ذیل می‌آید ارزیابی اولیه سفارت از تأثیر اقتصادی قطع رابطه تجاری بین ایران و امارات متحده عربی و قطع صدور نفت ایران است.

۳- (بدون طبقه‌بندی) تأثیر ناآرامی‌های ایران را می‌توان در بنادر دوبی و شارجه به وضوح مشاهده کرد. بندر راشد در دوبی که بندری عظیم و مدرن است محل تجمع کشتی‌های گیر کرده شده که باید به ایران سفر نمایند ولی نمی‌توانند محموله‌های خود را تحویل دهند. بندر نشان می‌دهد که میلیون‌ها دلار تجهیزات و کالا در آنجا تخلیه شده که از آن ایران است. مهم‌ترین کالاها عبارتند از محموله‌های پروژه‌ای از قبیل تجهیزات مربوط به پروژه راکتور اتمی در دست احداث در ایران. انبار کانتینرها در دوبی و شارجه نیز پر شده، به طوری که بعضی از شرکت‌های کشتیرانی در صدد هستند محتوای کشتی‌های خود را در این بنادر تخلیه نمایند. بنا به گزارش یکی از این شرکتها ۱۷۰۰ کانتینر به صورت انبار در دوبی دارد.

۴- (بدون طبقه‌بندی) به منظور کمک به تجار و این شرکتها، شیخ راشد نرخ ترانزیت این محموله‌ها را پایین آورده و بعضی از آنها را از گمرک معاف نموده است تا آنها بتوانند مدت شش ماه دوام بیاورند. مقامات دوبی در حال حاضر نمی‌دانند که اگر طرفین قراردادها پس از شش ماه نتوانند کالاها را تحویل بگیرند چه خواهد شد. سؤال این است که آیا امارات متحده عربی می‌تواند کالاهایی را که متعلق به دولت ایران است تحویل بگیرد یا نه. بنا به گزارشات رسیده شارجه اعلام داشته که اینگونه کالاها را تصرف خواهد کرد و اگر بیش از سه ماه در اینجا بمانند آنها را به اختیار خود خواهد فروخت.

۵- (بدون طبقه‌بندی) تا آنجا که می‌دانیم تراکم بندر گرچه رو به افزایش است ولی در

دوبی و شارجه به مرحله بحرانی نرسیده. ظاهراً تمام نگرانیها ناشی از تأثیر درازمدت قطع روابط اقتصادی با ایران است که سبب کاهش تقاضا برای کالاهایی می‌شود که توسط تجار دوبی خریداری می‌گردد و علاوه بر این آنها ممکن است نتوانند کالاهای مربوط به پروژه‌های در دست احداث در ایران را در جایی دیگر به فروش برسانند.

۶- (محرمانه) تجارت نفتی: گرچه امارات متحده عربی یکی از مهمترین صادرکنندگان نفت خام است ولی جهت تأمین نیاز بازار داخلی خود به محصولات نفتی وارداتی متکی است. یکی از مهم‌ترین مسایل پدید آمده در نتیجه رویدادهای ایران کمبود محصولات به خصوص در دوبی و امارت‌های شمالی است. ابوظبی که از طریق یک شرکت دولتی توزیع محصولات نفتی و یک پالایشگاه کوچک ۱۵۰۰۰ بشکه‌ای ام‌النار و شرکت‌های پیمانی کویتی تأمین می‌گردد دچار مشکلات مشابه نیست. شل بریتیش پترولیوم و کالتکس تأمین کننده نیازهای امارات شمالی هستند. (که سهم بازاری هر یک از آنها به ترتیب ۴۷، ۳۹ و ۱۴ درصد است.) اخیراً به وابسته بازرگانی بریتیش پترولیوم توصیه شده بود که برداشتش ۴۵ درصد کاهش یابد در حالیکه میزان کاهش برداشت شل حدود ۷ درصد است، ولی کالتکس اعلام نکرده که آیا محصولش کاهش یافته یا نه.

۷- (محرمانه) با بحرانی شدن بازار محصولات نفتی، شرکت‌ها برای به دست آوردن نفت بیشتر به تلاش پرداخته‌اند. مقداری از این نیاز خود را از طریق پالایشگاههای مدیرانه‌ای به قیمت بازار سیاه خریداری می‌کنند. مهم‌ترین مسئله موجود، متقاعد ساختن دفتر حاکم دوبی به آزادسازی خرده‌فروشی است تا شرکت‌ها بتوانند هزینه سنگین بعضی واردات خود را از طریق مصرف کننده به دست آورند. امارات کوچک‌تر معمولاً در مورد قیمت نفت، روغن موتور و دیگر فرآورده‌های نفتی از تصمیمات دوبی پیروی می‌کنند. از آنجا که دوبی هنوز با افزایش قیمت به منظور جبران افزایش قیمت اوپک در فصل اول سال ۱۹۷۹ توافق نکرده، بالا رفتن نرخ خرده‌فروشی تغییر عمده‌ای خواهد بود، البته در صورتی که تمام هزینه‌های افزایش یافته در مسیر تقسیم شود.

۸- مالی. ارزیابی تأثیر مالی ناآرامیهای ایران بسیار دشوار است. بانک ملی و بانک صادرات در امارات شعباتی دارند که ایرانیها با آنها داد و ستد دارند. بازار مالی غیررسمی استوار بر روابط حاکم میان خانواده‌های تجار دوبی و بازاریهای ایران نیز حائز اهمیت بسیار است. سفارت شایعاتی مبنی بر بحران مالی این بانکها دریافت نموده و گویا مؤسسات دیگری که با ایران رابطه تجاری دارند نیز با همین مسئله دست به گریبان هستند ولی هیچگونه رویدادی که مؤید این شایعه باشد رخ نداده است. شعبات بانکهای ایرانی در امارات همیشه به عملیات بانکی خود ادامه داده‌اند ولی گویا به علت اغتشاش موجود در وضع بانکهای ایران با مشکلاتی دست به گریبان شده‌اند.

۹- یک بانک آمریکایی که در ایران نیز شعبه‌ای دارد گزارش داد که طی دو هفته گذشته نتوانسته با سیستم بانکی تهران ارتباط داشته باشد. ولی بانکهای کوچکتر محلی از آسیب بیشتری برخوردار شده‌اند چون مشتریان آنها باید پولهایی از ایران دریافت نمایند که هنوز موفق به این کار نشده‌اند. کار بانکی با ایران گرچه اهمیت دارد ولی آنچنان عظیم نیست که

- سبب ورشکستگی شرکت و یا یکی از بانکهای موجود در امارات شود.
- ۱۰- (محرمانه) دویی به خاطر نقش آن در تجارت طلا و روابط صمیمانه‌اش با ایران، می‌تواند به عنوان عامل فرار سرمایه از ایران عمل نماید. شایعاتی دال بر فرار سرمایه وجود دارد ولی شواهد قطعی و مبرهن هنوز به دست نیامده است. یکی از بانکداران معتقد است که اخیراً ۵۰ میلیون دلار از طریق دویی به خارج منتقل شده است. معاملات اینگونه‌ای احتمالاً فاقد سوابق و آمار بوده و در بسیاری موارد سبب خروج ارز یا اشیاء گرانبها می‌شوند.
- ۱۱- (محرمانه) انتقال شرکت‌ها. خروج پرسنل و وابستگان بسیاری از شرکت‌های آمریکایی از ایران سبب پیدایش این فکر یعنی انتقال این شرکتها از ایران به دویی شده است. به جز سؤالات مطروحه در تلگرام مرجع، سفارت نتوانسته است حرکتی که نشانگر عملی شدن این فکر باشد بیابد، ولی چند پرسنل خدمات نفتی موقتاً در دویی اقامت گزیده‌اند. هرگونه نقل و انتقال به دویی احتمالاً دربرگیرنده شرکت‌هایی خواهد بود که در خارج از خشکی‌های ایران و در خلیج [فارس] به فعالیتهای خود مشغول بوده‌اند. دویی و شارجه مکانهای مناسبی برای انجام امور تجاری هستند چون هر دوی آنها از نظر امور اجتماعی آزادمنش بوده و از روحیه تجاری استقبال می‌کنند. ایران تحت نفوذ عناصر بنیادگرا و سوسیالیست، سبب جلب توجه امارات شمالی برای اقامت بیگانگان خواهد شد. ولی، همانطور که سفیر اخیراً به حاکم دویی گفته بود، فقدان همبستگی سیاسی در امارات متحده عربی به عنوان عامل بازدارنده برای شرکت‌های آمریکایی جهت انتقال دفاتر خود از ایران عمل کرده است.
- ۱۲- (محرمانه) نظریه: جمع‌بندی تأثیر مالی و اقتصادی رویدادهای ایران بر امارات متحده عربی کاری بس دشوار است. بعضی از تجار امارات به تجارت در سرتاسر خلیج [فارس] مشغول بودند که شدیداً آسیب دیده‌اند؛ ولی بعضی دیگر در فکر به چنگ آوردن منافع بادآورده ناشی از قاچاق و یا انتقال شرکت‌های خارجی به این نقطه هستند. ما در نظر داریم این موضوع را دائماً در مدنظر داشته و در صورت بروز رویدادهای دیگر گزارشات بیشتری ارسال داریم.

سند شماره ۳

۸ می ۱۹۷۹ - ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۸

سری

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی - ۵۹۳۴

به: هیأت نمایندگی آمریکا، SINAI

جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در ابوظبی، الجزیره، آنکارا، آتن، بروکسل، قاهره، دمشق، اورشلیم، کویت، لندن، منامه، مسکو، مسقط، پاریس، تهران، تونس

موضوع: خلاصه اطلاعاتی ۸۰۵ - ۷ می ۱۹۷۹

۱- (محرمانه) ظرف شش ماه گذشته فشارهای خارجی اثرات عمیقی در عربستان سعودی



داشته است. فشارهای داخلی ناشی از جابجایی‌های پیچیده اجتماعی که به دنبال نوسازی سریع در این کشور رخ داده، هر چند کمتر مشهود است ولی در عین حال به همان اندازه مایه نگرانی برای سعودیهاست. این فشارها توأم با تهدیدهای خارجی توجه عربستان سعودی را به ضعفهای داخلی معطوف نموده و احساس حاد آسیب‌پذیری آن را تشدید کرده و باعث شده که آنها در برخی از زمینه‌ها وارد عمل شوند.

۲- (محرمانه - غیرقابل رؤیت برای بیگانگان) شاهزاده سلطان وزیر دفاع می‌کوشد تا یک دستگاه نظامی ضعیف را با واحدهای نظامی خارجی تقویت کند. او اعلام کرده است که قصد دارد نظام وظیفه را به عنوان تلاش برای افزایش تعداد و بهبود کیفیت و توسعه بافت اخلاقی سربازان عربستان سعودی برقرار کند.

۳- (استفاده محدود اداری) تعداد زیاد بیگانگان که اکثریت نیروی کار را تشکیل می‌دهند، تحت عملیات خبرگیری شدید قرار می‌گیرند و بیگانگان غیرقانونی (که بیشتر زواری هستند که بیش از مدت اعتبار روادید خود در عربستان سعودی مانده‌اند) هزار هزار از کشور اخراج می‌شوند.

۴- (محرمانه) نگرانی برای پایگاه مذهبی جامعه عربستان سعودی دولت را به اتخاذ تدابیر زیر وادار ساخته است:

(الف) پایان دادن به پشتیبانی از تحصیل در خارج برای دانش‌آموزان (چنین تلقی می‌شود که جوانتر و تأثیرپذیرتر از آنها تا در مقابل وسوسه‌های زندگی در غرب مقاومت کنند).

(ب) ممنوعیت رفتن کودکان مسلمان به مدارس غیر اسلامی.

(پ) منع شنای مختلط در استخرهای هتل‌ها.

(ت) تأکید مجدد بر محدودیتهای مراسم مذهبی شیعیان در عربستان سعودی.

(ث) به تعویق انداختن انتخابات شهرداری که بیش از حکومت جمعی بر حکومت دمکراتیک تأکید دارد.

(ج) نگهداشتن آموزش و پرورش زنان تحت کنترل روحانیون.

۵- (سری) در حالیکه خاندان سعودی نسبت به بعضی تهدیدها که در نتیجه تحولات اجتماعی به وجود آمده فوق‌العاده حساس است، در عین حال برای اتخاذ تدابیر سازنده مقابله با آنها ظرفیت بسیار محدودی نشان داده است. خاندان سعودی به جز در مورد اعلام نظام وظیفه (به عنوان یک تحمیل اجباری) نتوانسته است با تهدیدهای اساسی در مورد ارزشهای سنتی که مشروعیت رژیم را تحکیم می‌بخشد برخورد داشته باشد.

۶- (محرمانه) نقشه‌های عمرانی اقتصادی جاه‌طلبانه (که مستلزم سرمایه‌گذاری به میزان سیصد تا چهارصد میلیارد دلار ظرف پنج سال است) عربستان سعودی را به سریع‌التغییرترین جامعه در دنیا تبدیل کرده است. این نقشه‌ها با این تصور تنظیم شده که طرق و عادات کار سنتی بدون کاهش ارزشهای سنتی تغییر یابد ولی به نظر می‌رسد دامنه‌ای که ممکن است

فرآیند تغییر در این ارزشها اثر داشته باشد، کمتر شناخته شده است.

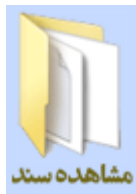
۷- (محرمانه) سعودی‌ها تصمیم گرفته‌اند برای پنج سال آینده تعداد زیادی از بیگانگان را در عربستان سعودی نگهدارند. این حضور وسیع بیگانگان به آن منجر شده که عربستان سعودی برای اداره بخشهای حیاتی اقتصادی تقریباً به طور کامل متکی به مهارتهای خارجی باشد و در دستگاه نظامی نیز عربستان سعودی برای اداره قسمتهای فنی به طور موقت متکی به بیگانگان است. نتیجه این شده است که سعودیها راههای اختیاری محدودی در پیش دارند. وارد کردن بیگانگان، هویت سعودیها را مورد تهدید قرار خواهد داد. اخراج دسته‌جمعی جوامعی که به نحو فشرده‌ای در یکدیگر بافته شده‌اند یا حتی بر آنها کنترل دارند، بالمآل مستلزم نیروهای امنیتی قدرتمندتری از طرف عربستان سعودی است. تأمین کادر چنین نیروهایی بسیار دشوار خواهد بود و ممکن است رژیم را سرنگون سازد. از سوی دیگر راه دیگر در قبال نیروی کار خارجی یعنی آزاد کردن زنان نیز به همان اندازه برای عربستان سعودی غیرقابل هضم است، زیرا چنین کاری، تعدادی از ارزشهای مذهبی و فرهنگی ذاتی عربستان سعودی را به مخاطره می‌اندازد.

۸- (سری) خاندان سعودی نسبت به میزان فساد مالی در عربستان سعودی چه از لحاظ تعداد اشخاص و چه از لحاظ مبالغ مربوطه نسبتاً غیرحساس است. مواردی که تاکنون نسبت داده شده - مربوط به شاهزاده سلطان وزیر دفاع یا محمد پسر شاهزاده فهد - ولیعهد - و موارد دیگری نظیر آن، این عقیده را تقویت می‌کند که خاندان سعودی به نحو نومیدانه‌ای فاسد است و از دست رفتن اعتماد بالقوه به آن بزرگ‌ترین خطر برای ثبات این کشور به شمار می‌رود. سعودیها کوشیده‌اند تا حقوق مقاطعه‌کاران را در مورد معاملات دولتی محدود کنند ولی در این زمینه موفقیت کمی داشته‌اند. این در حالی است که درآمدهای هنگفت و ذخایر مالی سبب شده که اثرات فساد به عنوان یک مسئله قابل انفجار اقتصادی کاهش یابد. اهمیت سیاسی این فساد را نمی‌توان به حساب نیاورد. فساد، به همراه عدم کارایی دولتی و رفتار اعضای خاندان سلطنتی که گاهی ناشی از سست عنصری است، ممکن است بالمآل شالوده‌ای برای یک نهضت مخالف به همراه پشتیبانی محافظه‌کاران دوآتشه و افسران نظامی ناراضی و تکنوکراتها به وجود آورد.

۹- مشکلاتی که برشمرده شد، چنانچه عربستان سعودی از هیچ‌جای دیگر مورد تهدید واقع نمی‌شد، اهمیت کمتری داشت. نفت و ثروت برای سعودی‌ها جایگاه مهمی در سیاست‌های جهان به ارمغان آورده است و نیروی بالقوه‌ای جهت نفوذ ایجاد کرده است. سعودی‌ها با پتانسیلی که دارند نمی‌توانند از مزوی نمودن آنهايي که ممکن است علائقی به استفاده از فرصت‌های برانداز خانواده سلطنتی داشته باشند، اجتناب ورزند.*

* بخشهای بعدی این سند ارتباطی به موضوع نداشت و ترجمه نگردید. م.

سند شماره ۴



۹ می ۱۹۷۹ - ۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۸

سری

از: کنسولگری آمریکا، طهران - ۷۸۱ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در ابوظبی، بغداد، دوحه، جدّه، کویت، منامه، مسقط، تهران.

مرجع: الف) طهران ۱۹۷۸، ۱۵۱۰، ب) جدّه ۱۹۷۸، ۸۹۱۵، ج) طهران ۵۲۷

موضوع: عکس‌العمل جمعیت شیعه استان شرقی عربستان سعودی نسبت به حوادث ایران
۱- (سری - تمام متن)

۲- آغاز خلاصه: اقلیت شیعه در استان شرقی عربستان سعودی نسبت به حکومت شیعه جمهوری اسلامی در ایران با یک احساس غروری که به دقت آن را پنهان داشته‌اند و بدون بروز آشکار عدم رضایت علیه رفتاری که به عنوان شهروند درجه دوم پادشاهی با آنها می‌شود، عکس‌العمل نشان داده‌اند. از طرف دیگر حکومت سنی آشکارا از واکنشی خصمانه، احساس ترس کرده و کنترل سختی را بر شیعه‌های مظنون اعمال داشته و اقدامات پلیسی را در شهرهای شیعه‌نشین تقویت کرده است. این سرکوب‌های اولیه به طور آشکار راه را برای تصمیمات مناسب جهت آرام ساختن وضعیت، از طریق تشدید عملیات بازرسی‌های دولت به نحو اساسی در استان شرقی شامل مناطق مسکونی شیعه‌ها، هموار می‌سازد. از نظر ما، استفاده از هویج به جای چماق، به طور اساسی امکان اقدامات خصمانه از سوی شیعیان سعودی مثل خرابکاری در مناطق نفتی را برطرف می‌سازد. در هر حال اوضاع مستلزم بررسی مستمر است. پایان خلاصه.

۳- سابقه: بر اساس تلکس مرجع الف مورخ ۱۷ دسامبر گذشته جامعه ۱۲۵۰۰۰ نفری شیعیان در استان شرقی از اشکال مختلف تزییقات رنج می‌برد، ولی بهبود شرایط اقتصادی، آنها را به جای تلاش برای سرنگونی حکومت جهت کار در چارچوب سیستم ترغیب کرده است. در این تلکس چنین نتیجه‌گیری شد که علقه‌های این جامعه با شیعیان ایران و عراق در حال حاضر در درجه اول، اهمیت مذهبی داشته و اینکه به نظر نمی‌رسد شورش در ایران اثرات بی‌ثباتی سیاسی بر روی این اقلیت دربر داشته باشد. هدف این پیام این است که وضعیت را در پرتو تحولات ایران از هنگام بازگشت [آیت‌الله] خمینی و استقرار حکومت شیعه جمهوری اسلامی مورد بررسی مجدد قرار دهد. همه افسران کارمند در کنسولگری در تلاش برای جمع‌آوری اطلاعات در خصوص این موضوع حساس ولی کسل‌کننده شرکت داشته‌اند.

۴- سرکوب دولت سعودی. هنگام بازگشت [آیت‌الله] خمینی به ایران، حکومت سعودی در استان شرقی کاملاً عصبی بود و به نحوی در قبال اقدامات خصمانه احتمالی از ناحیه جمعیت شیعه محلی بیش از حد عکس‌العمل نشان می‌داد. یکی از قرائن، اقدام غیرمترقبه

مقامات فرودگاه در خصوص ممنوعیت گسترده مسافرت برای شیعیان سعودی بود که به دلایل سیاسی در اواخر سالهای ۱۹۵۰ دستگیر شده بودند. اکنون متوجه شدیم که این ممنوعیت به سطح قبلی اقدامات پراکنده کاهش یافته است. یکی دیگر از قرائن ترس دولت، تقویت کمی و مسلح کردن گشت‌های پلیس به سلاح‌های نیمه خودکار در مناطق و شهرهای شیعه‌نشین است.

۵- تلقی سنی‌ها. شواهد دیگر مربوط به نگرانی سنی‌هاست که از خلال گفتگوهایی که در این مدت با مسئولین سعودی داشتیم، مشخص گردید. یکی از علمای سنی از الهفوف به سرکنسول چنین گفت: «ما شیعه‌ها را به عنوان سعودی‌های نجیب نمی‌شناسیم.» یک شاهزاده سعودی که همچنین فرمانده یک اسکادران در نیروی هوایی سعودی است تصدیق کرد که شیعه‌ها از تحولات در ایران خوشنودند ولی گفت که آنها «جرئت» مبارزه با دولت سعودی را ندارند چرا که آنها در مقایسه با کل جمعیت سعودی یک اقلیت بسیار کوچک هستند. دیگر گفتگوها با سنی‌های سعودی نگرانی آنها را در خصوص این مشکل، در کنار رضایت آنها مبنی بر اینکه نارضایتی شیعه‌ها در صورت لزوم با خشونت شدید پاسخ داده خواهد شد، تأیید می‌کند.

۶- تلقی شیعیان. این قابل تعمق‌ترین بخش معماست که این مردم (شامل آشنایان تجاری ما، همچنین چندین کارمند شیعه کنسولگری) نسبت به بحث درباره وضعیت خودشان با دیگران یا حتی اعتراف به این مطلب که تزییقات بی‌شماری علیه آنها اعمال می‌شود، بی‌نهایت بی‌میل هستند. یک منبع آکادمیک خارجی با ۲۵ سال تجربه در داخل و خارج کویر الاحساء (در حدود ۴۰ درصد شیعه) از یک گفتگوی تازه با سه شیعه منطقه الاحساء گزارش داد. وی گفت که احساسات ضدشاه تندی از خود نشان داده و از استقرار حکومت شیعه جمهوری اسلامی در ایران طرفداری کردند ولی وفاداری خویش نسبت به خاندان سعودی را اعلام کردند و گفتند که آنها اوضاع در عربستان سعودی را همانطور که هست ترجیح می‌دهند، اگرچه از ادامه تزییقات شکوه کردند. متأسفانه دلایل منطقی وجود دارد تا چنین ابراز دوستی‌هایی زیر سؤال برده شود.

۷- تهدید علیه امنیت مناطق نفتی؟ اگرچه ما با دیدگاه اکثریت سنی موافق هستیم که این اقلیت کوچک برای به مبارزه طلبیدن اقتدار خانواده سلطنتی در این پادشاهی کار کمی می‌تواند انجام دهند، شاید در درازمدت این ریسک وجود داشته باشد که - در پاسخ به برخی اشکال افراطی تشدید سرکوب - شیعیان ناراضی از طریق توقف کار یا اعمال خرابکارانه علیه میدان‌های نفتی آرامکو اعتراض نمایند. تخمین زده می‌شود که ۲۵ تا ۳۰ درصد کارکنان ۱۸۰۰ نفری سعودی آرامکو شیعه باشند. در حالیکه اخیراً امنیت حوزه نفتی به طور فزاینده‌ای شدت یافته و ملیت‌های متعلق به ۶ کشور عربی (فلسطینی، سوری، عراقی، اردنی، یمنی و مصری) صریحاً از بازدید یا کار در رأس تنوره و دیگر تأسیسات حساس آرامکو منع شده‌اند، شیعیان

همچنان در همه بخشهای محوطه آرامکو کار می‌کنند. همانطور که یک مقام رسمی بلندپایه آرامکو اظهار داشت، کمپانی انتخاب دیگری ندارد، چرا که بدون نیروی کار ماهر شیعه کار سریعاً متوقف خواهد شد؛ با توجه به عدم تمایل سنتی سنی‌ها جهت کار به عنوان نجار، لوله‌کش، نقاش، بنا و غیره.

۸- سیاست هویج به جای سیاست چماق. همانگونه که در تلگرام مرجع (پ) متذکر شد، شواهد رو به تزایدی در خصوص تصمیم دولت سعودی وجود دارد که در استان شرقی هزینه‌ها افزایش یابد تا بر احساس موجود در استان شرقی (سنی‌ها و شیعه‌ها به طور یکسان) مبنی بر اینکه آنها سهم عادلانه‌ای از ثروت هنگفت به دست آمده از طریق میدان‌های نفت در استان شرقی برای پادشاهی، به دست نمی‌آورند، غلبه کند. ما اخیراً به دو قرینه دال بر این سیاست جدید برخورد کرده‌ایم: (۱) چراغ سبز قطعی از ناحیه ریاض جهت تسریع در توسعه تأسیسات صنعتی - پتروشیمی جبیل که در حال احداث است. (۲) تخصیص معین پولی دولت سعودی به شهرهای فراموش شده شیعه‌نشین که توسط یک نفر مقیم سیهات به سرکنسول تأیید گردید. وی گفت در شهر وی یک سیستم فاضلاب و اتوبان دوطرفه با هزینه ۸۰ میلیون ریال احداث می‌شود. چنانچه این سیاست‌ها واقعاً اجرا شود، فکر می‌کنیم هرگونه خطر ناآرامی کارگران شیعی یا اقدامات خصمانه علیه میدان‌های نفتی می‌تواند خنثی شود. بنابراین، در حال حاضر چنین نتیجه می‌گیریم که ارزیابی دسامبر گذشته خود را مورد تأکید قرار دهیم که وقایع ایران - که به هیچ طریقی نمی‌تواند مورد توجه قرار گیرد - اثری بر جامعه شیعه اینجا که برای منافع ایالات متحده می‌تواند خطرناک باشد، ندارد. با این حال اوضاع بایستی به دقت از نزدیک تحت نظر قرار بگیرد. مخصوصاً چنانچه دولت سعودی به افزایش سرکوب این اقلیت حساس متوسل شده یا شیعیان عراق که شیعیان سعودی به عنوان عربهای دوست می‌توانند با آنها به طور نزدیک‌تری یکی شوند، بخواهند آشکارا دست به ناآرامی بزنند.

لیندستورم

سند شماره ۵

۱۹ ژوئن ۱۹۷۹ - ۲۹ خرداد ۱۳۵۸

سری

از: سفارت آمریکا، مسقط - الف - ۲۶ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی.

جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در دوی، الجزیره، امان، بغداد، بیروت، قاهره، دمشق،

دوحه، جدّه، خارطوم، کویت، لندن، منامه، مسکو، پاریس، صنعا، ریاض، تهران، تریپولی

مرجع: مسقط ۴ - الف

موضوع: ابعاد خارجی تحرکات سیاسی عمان

(سری - تمام متن)

گزارش مسقط الف - ۴ حاوی تجزیه و تحلیل مربوط به تحرکات سیاسی عمان بود.



بررسی مزبور بر این فرضیه استوار بود که سرنوشت کشور، تابع رویدادهای داخلی آن است. با وجود مطالعه برخی عوامل نفوذ خارجی چون حضور بریتانیا و بازگشت دانشجویان از خارج و خطر حمایت جمهوری دموکراتیک خلق یمن از شورشیان ظفار، موضوع اصلی همان رویدادها و فرضیه مذکور بود. این نفوذها خود را در مجموعه سیاسی کشور نشان داده و یا نشان خواهد داد و بدین ترتیب می‌توان گفت که آنها نتایج صحنه‌های مربوط به رویدادهای داخلی می‌باشند.

به نظر ما گزارش الف - ۴ معتبر است ولی کامل نیست. احتمالاً برخلاف بیشتر کشورها، تحرکات سیاسی عمان از داخل کشور ناشی نمی‌گردد. باید تأثیرات عظیم و فشارهای منطقه‌ای و بین‌المللی را نیز در نظر گرفت. نقطه‌نظرهای ذیل که نشانگر نحوه نگرش مسقط به رویدادهای خارجی است، طوری طراحی شده تا بخش ناپیدای تصویر را هویدا سازد. ابتدا به بررسی نیروهای متخاصم دور افتاده و نزدیک عمان و سپس به بررسی نحوه عکس‌العمل دوستان آن می‌پردازیم. در پایان نیز در مورد نقش آمریکا پیشنهاداتی ارائه می‌کنیم.

خلاصه: گرچه عمان با کشورهای همجوار خود در شبه جزیره عربستان به جز یمن جنوبی دارای روابط خوبی است، ولی همیشه نگران خصومت یمن جنوبی بوده و احساس می‌کند که با خطرهای [نیروهای] رادیکال موجود در دیگر نقاط منطقه تهدید می‌شود. رهبریت عمان معتقد است که در مرکز نهضت‌های دست نشانده مسکو که در شاخ آفریقا و افغانستان و یمن جنوبی ظهور کرده قرار گرفته است، البته به صحت و سقم این ادعا کاری نداریم. این تحولات در رأس مسئله انشعاب قدیمی ایدئولوژیکی موجود در جهان عرب قرار گرفت و تمام رژیمهای عربی محافظه‌کار مانند عمان را در برابر اردوی تندروها قرار داد.

حمایت جسورانه سلطان قابوس از قرارداد کمپ‌دیوید، خشم تندروها را علیه وی برانگیخته است. در صورت سقوط و یا عدم موفقیت کمپ‌دیوید، وی به خاطر همین موضع‌گیری‌اش، چه در داخل و چه در خارج از عمان، مورد انتقاد شدیدی قرار خواهد گرفت. سقوط شاه ایران نیز موقعیت او را به مخاطره افکنده است، علت این امر نه تنها از بین رفتن حمایت نظامی ایران در ظفار، بلکه صرف سقوط عظمت شاه و تاج و تختش می‌باشد. در عین حال روسها در شمال دریاچه خزر به تماشا نشسته‌اند.

مهم‌ترین خط‌مشی دفاعی عمان در دفع این خطرها در آرمان مشترک اعراب محافظه‌کار در برابر تندروها نهفته است. گرچه کشورهای خلیج [فارس] و از جمله عمان حمایت چندان آشکاری از یک «پیمان امنیتی» بروز نداده‌اند ولی عمانیها امیدوارند که نوعی هماهنگی پیشرفته و نه سازمان یافته، آن هم استوار بر روابط دوجانبه که شامل امنیت باشد و نه محدود به آن، به وجود آید. مرکزیت این توافق ناپایدار الزاماً عربستان سعودی است. ولی، حسادت‌های محلی حتی‌الامکان موقعیت یا پیدایش این سیستم ضعیف را از بین می‌برد، بگذریم از مشکلاتی که به خاطر فقدان رهبری سیاسی سعودی در همین رابطه پیش می‌آید.

از آنجا که قابوس، شوروی را مهمترین خطر به حساب می‌آورد، برای او غرب مهم‌ترین عامل خشی کننده است. غرب نیز در وهله اول همان بریتانیاست که در این کشور حضور دارد؛ لیکن با وجود امکان خروج انگلستان در درازمدت، غرب مفهوم آمریکا را به خود خواهد گرفت. آمریکا و بریتانیا هر دو مایل به پشتیبانی از عمان هستند، لیکن آرای عمومی هر یک از این دو کشور آنها را در حمایت از رژیمهای غیردموکراتیکی چون همین سلطان‌نشین بر سر یک دوراهی قرار داده است. به همین علت آمریکا باید از نظر کیفی و کمی در حمایت از عمان جانب احتیاط را از دست ندهد. گرچه حمایت از این کشور نباید القاکننده نوعی پشتیبانی گسترده و درگیری غیرانتقادی باشد، ولی در عین حال نباید به نحوی باشد که این دولت قابل اعتماد نیز از دست برود. در این راه باید روشی ثابت و معتدل در پیش گرفته شود. بعضی از اصول درگیری دولت آمریکا و عمان نیز ناشی از همین تحرکات سیاسی است که می‌توان با بهره‌برداری از آنها به نتایج بسیار مهمی دست یافت. مهم‌تر از همه، ما و بریتانیا می‌توانیم نیروی عظیمی در رابطه با امنیت منطقه فراهم آوریم که تا به حال به خاطر عدم اعتماد کشورهای حوزه خلیج [فارس] نسبت به یکدیگر وجود نداشته است.

نزدیک‌ترین دشمنان عمان: تندروهای منطقه‌ای

این سلطان‌نشین در جناح راست انشعاب منطقه‌ای رادیکالها و محافظه‌کاران قرار دارد. از نظر امنیت مرزی نیز باید گفت که تمام کشورهای همجوار آن به استثناء یمن جنوبی از جمله جناحهای راست به حساب می‌آیند. همین استثنا حتی قبل از رسیدن قابوس به قدرت نیز موجبات نگرانی مقامات عمان را فراهم آورده بود.

اما رادیکالیسم عمیق دیگر کشورهای منطقه نیز علت اصلی و مهم دیگر همین نگرانی بوده است. رویدادهای شاخ آفریقا اولین هشدار را حدود یک سال قبل سبب گردید. همان، بازگشت سومالی را به «آغوش غرب» مورد استقبال قرار داد، اما گرایش اسیوپی به چپ و نمایش خیره‌کننده کمک‌های نظامی کوبا در نبرد آگادن نگرانی‌ها را گسترش داد خصوصاً آنکه کوباییها در یمن جنوبی حضور قابل‌ملاحظه‌ای یافته بودند. سپس افغانستان و وقایع آن پیش آمد، که در نتیجه آن عمان احساس کرد که در میان یک نهضت الهام گرفته از کمونیسم واقع شده است. عمانیها نیز مانند دیگران در خاورمیانه این رویدادها را نوعی توطئه تصور می‌کنند و افغانستان این تصور را در اذهان آنها متصور کرد که در رابطه با عمان و تنگه هرمز از طرف مسکو اعمال فشاری در حال نضج گرفتن است.

این رویدادها به انشعابهای ایدئولوژیکی که از زمانهای گذشته در جهان عرب وجود داشت اضافه گردید. اردوی تندرو مرکب از عراق، سوریه، لیبی، الجزایر، و شبه نظامیان فلسطینی و نیز یمن جنوبی نسبت به عمان روی چندان خوشی نشان نمی‌دهند. البته مسئله‌ای که موجب جدایی رادیکالها از دیگران شده، همان تضاد یا مناقشه اعراب و اسرائیل است. گرچه این

مسئله موجبات نگرانی شدید عمان را فراهم نیاورده، ولی سلطان قابوس در قبال قرارداد کمپ دیوید و قرارداد صلح مصر و اسرائیل موضع مثبتی اتخاذ کرده است. علت این موضع گیری وی نیز احتمالاً این بود که وی معتقد به اهمیت این قرارداد است، ولی بدون شک نشانگر تمایل وی به جلب اعتماد آمریکا نیز می باشد. قرار گرفتن وی در معرض خشم تندروها نیز او را چندان به خود مشغول نداشته است. از دید بسیاری از ناظران در خارج از کشور، خونسردی وی نیز جالب توجه است، چون او بی باکانه به انتقاد از آراء عربی می پردازد. به نظر آنها اگر قرارداد کمپ دیوید طبق وعده های خود آراء عربی را جلب نکند، قابوس دچار دشواریهای بسیاری خواهد شد.

در صورت عدم موفقیت قرارداد کمپ دیوید، نه تنها دیگر حکام عربی بلکه مردم عمان نیز به انتقاد از وی خواهند پرداخت. محفل کوچک عمانیهایی که عموم مطلع کشور را تشکیل می دهند، تا به حال با سیاست وی در حمایت از کارتر و سادات کنار آمده اند، ولی آنان نیز مانند دیگر اعراب گمان نمی کنند که مسئله فلسطینی ها و اورشلیم بتواند از طریق قرارداد کمپ دیوید حل و فصل گردد. در صورتی که قرارداد کمپ دیوید «موفق» نشود، اعتراض نهفته این عمانیها رساتر خواهد شد. بنابراین به فهرست رویدادهای گزارش الف، یک عنصر دیگر را که می تواند برای سلطان مشکلاتی به وجود آورد بیافزاییم که همان عدم موفقیت کمپ دیوید است.

مثال ایرانی

گویی نگرانی های فوق کافی نبود، سقوط اخیر شاه بیش از همه عمانیها را شگفت زده کرد. این سلطان نشین از نظر کمک های نظامی در جنگ ظفار وابستگی شدیدی به ایران پیدا کرده بود و یک گروهان از نظامیان ایرانی تا اوایل ۱۹۷۹ در عمان به سر می بردند. وعده شاه مبنی بر ارسال نیرویی بزرگ تر به عمان در صورت شیوع جنگ ظفار این بار نیز بی نتیجه مانده است. نه تنها از بین رفتن کمک های نظامی ایران، بلکه صحنه سقوط شاه و تاج و تختش نیز قابوس را نگران کرده است. قابوس آگاهانه، به سبک شاه که همراه با شاه حسین تنها سلطان خاور نزدیک بود و می توانست با نیروی نظامی خود سرمشق باشد، عمل کرده است. حتی خونسردی و بی تفاوتی سلطان نیز یکی از خصوصیات الهام گرفته از شاه است. انقراض پادشاهی ایران سبب شده است که قابوس در روش خود تجدیدنظر کند. تکرار سفرهای وی به بخش های دورافتاده عمان نیز ناشی از این تصمیم وی است که نباید اشتباهات شاه را مرتکب شود.

در مورد این نمونه ایرانی متأسفانه می توان گفت که اقدامات تدافعی کارگر نیست. ناآرامیهای سیاسی با وجود شرایط خاص هر کشور که قادر به تغییر مسیر و از میان برداشتن آنهاست باز هم گسترش می یابد. ایدئولوژی محرک اینگونه ناآرامیها نیز در این نمونه به

وضوح ضدشاهی، ضدآمریکایی و ضد مادی‌گرایی به مفهوم اسلامی است. تمام رژیم‌های مسلمان طرفدار غرب در خاور نزدیک که دارای نظام شاهی و وجهه غیر مذهبی هستند، آماج واقعی اینگونه آشوبها واقع می‌شوند. حتی کشورهایی چون یمن شمالی که دارای نظام سلطنتی نبوده و عربستان سعودی که بسیار اسلامی است، تحت‌تأثیر واقع می‌شوند چون دارای خصوصیات بسیار آسیب‌پذیری هستند. جالب توجه این نکته است که هر یک از آنها گمان می‌کند که آشوب و شورش در کشورهای دیگر رخ خواهد داد. به طور مثال سفارت ما در ابوظبی شایعاتی مبنی بر ابراز نگرانی از گسترش جنگ ظفار را دریافت کرده است، در حالیکه سلطان قابوس نگران عربستان سعودی است و سعودیها نیز به نوبه خود از یمن شمالی به عنوان یک حلقه ضعیف نامبرده‌اند. ولی ما نیز فکر می‌کنیم که هر یک از حکام این کشورها به این واقعیت پی برده‌اند که خود قربانیان حتمی این رویدادها هستند. هر یک از آنها می‌داند که پاسخ سؤال «آیا رویداد ایران می‌تواند تکرار شود؟» مثبت است چون واقع امر این است که همین رویداد در ایران به وقوع پیوسته است.

حرکت ابهام‌آمیز روسها

در شمال خزر روسها با خونسردی تمام نظاره‌گر وقایع هستند. لازم نیست برای پی بردن به این مطلب که همه چیز به نفع روسها تمام شده به نظریه عمانیها در مورد توطئه‌گریها گوش فرا داد. در همین حال مسکو از یک استراتژی فاقد تبلیغات استفاده می‌کند و دیگران تنها می‌توانند به حدس و گمان در مورد مقاصد آنها پردازند.

شاید به واقع روسها نقشه صریح و واضحی نداشته باشند. واقعیت این است که آنان نیز از عنصر نظامی‌گری اسلامی در رویدادهای ایرانی با نگرانی یاد می‌کنند چون خودشان دارای جمعیتی مسلمان هستند. رویدادهای اخیر افغانستان حاکی از آن است که قیام جدید مسلمانان تنها دارای وجهه صرفاً ضدآمریکایی نیست، با این وجود حال که شورش ضدآمریکایی آغاز شده، گمان می‌کنیم که کسی در کرملین به فرمول‌بندی طرحی پرداخته است تا بتواند از «تضاد» موجود در جهان خاور نزدیک بهره‌برداری کند. نباید تصور کرد که آنها از این فرصت استفاده نخواهند کرد.

روسها با نظاره رویدادهای خاور نزدیک می‌توانند چنین نتیجه‌گیری کنند که با استفاده از گریزناپذیریهای تاریخی و عدم توانایی آمریکایی‌ها، می‌توانند نفع نهایی را نصیب خود نمایند. آنها رویدادها را مانند یک بازی شطرنج به حساب می‌آورند که در آن، آنها به صورت استادان بازی در برابر نوآموزان قرار گرفته‌اند. به نظر روسها، آمریکا از سالها قبل با «رخ‌های» ایران و عربستان سعودی به صورت «دو رکن» بازی کرده است و پس از آن واشنگتن با نزدیک کردن «اسب» به «رخ» ایرانی، کمک‌های تسلیحاتی خود را به سوی آن سرازیر کرده و از نزدیک کردن «وزیر» به عنوان کمک‌های انسانی خودداری نموده است. روسها اکنون در این اندیشه‌اند

که آیا می‌توانند «رخ» ایرانی را اسیر کنند. این امر نه تنها مهره سعودی را در خلیج [فارس] به مخاطره خواهد افکند بلکه روسها را قادر می‌سازد تا «کیش» داده و آمریکا را وادار به عکس‌العملی سازد که به نحوی بتواند از خطر فوری برحذر بماند. مسکو احتمالاً چنین فکر می‌کند که واشنگتن حرکت معقولی نخواهد داشت، چرا که تمایل، یا به فروش تسلیحات به یکی دیگر از مهره‌ها است و یا وزیر را به نحو زیگ - زاگ به حرکت درخواهیم آورد. روسها احتمالاً مایل به نظاره این حرکت‌ها هستند و هرگاه که بتوانند یکی از مهره‌های ما را اسیر خواهند کرد.

همسایگان صمیمی: کشورهای عرب میانه‌رو

آرمان مشترک محافظه‌کاران عرب علیه تندروها اولین خط‌مشی تدافعی عمان علیه این خطرها و نیز خطر ناشی از مسکو را تشکیل می‌دهد.

همکاری آری، تشکیلات مشترک خیر

در اصل، عمان معتقد است که وحدت کشورهای عربی حوزه خلیج [فارس] می‌تواند به چند طریق تجلی یابد. ولی عمانیها پس از شرکت در کنفرانسها و مذاکرات چند سال گذشته دریافته‌اند که امکان ایجاد یک سیستم تدافعی نیرومند وجود ندارد. موضع منفرد قابوس در قبال تضاد اعراب و اسرائیل این امکان را کاملاً از میان برمی‌دارد. علاوه بر این، اگر قراردادی ملزم به از دست رفتن کنترل امنیتی عمان بر حاکمیت خویش باشد، مسقط نیز از آن استقبال نخواهد کرد. هیچیک از کشورهای خلیج [فارس] تمایل چندانی به حمایت از انعقاد پیمانی «امنیتی» نشان نمی‌دهند.

عمانیها بیش از هر چیز مایل به مشاهده هماهنگی بیشتر، اما نه ساختاری در مورد موضوعات مختلف، بر اساس روابط دوجانبه هستند و نمی‌خواهند که این هماهنگی صرفاً محدود به مسئله امنیت باشد. در حقیقت، آنها خط‌مشی سیاسی خود را زمانی که ایران هنوز هم به عنوان یکی از طرفین مهم قراردادهای خلیج [فارس] عمل می‌کرد به همین روش ترسیم کردند. اکنون که ایران کنار رفته است، عمان «به انتظار نشسته است» و همین امر لجاجت آن را در مورد همکاری نه چندان مستحکم تشدید می‌کند.

یک سیستم متمرکز عربستان سعودی

با در نظر گرفتن موقعیت ژئوپلیتیک، حکومت‌های کوچک خلیج [فارس] مجبورند تلاش‌های هماهنگ خود را به عربستان سعودی که قدرت مرکزی شبه‌جزیره است متوجه سازند. با کمال اطمینان می‌توان گفت که رهبران سعودی هیچ‌گاه استعداد سیاسی از خود نشان نداده‌اند، و باید محدودیت‌های موجود در رابطه با نقش ارشادی آنها را به رسمیت شناخت. با

این وصف، آنها دارای اهرم مالی بوده و احترام همگان را نسبت به خود جلب می‌کنند. علاوه بر این، آنها می‌توانند کلید اصلی روابط در جهان عرب باشند. ریاض به خاطر میانجیگری‌اش در سیاست‌های عربی و روابط خود با رهبران جناح‌های راست و چپ عربی بسیار به خود می‌بالد. همین نقش به خصوص در رابطه با عمان حائز اهمیت است، چون اگر سعودیها از قابوس «حمایت» نکنند، خشم تندروها وی را به سرعت در بر خواهد گرفت.

در این سیستم دفاعی در حال پیدایش، باید عراق را مدنظر داشت. تعهد بعثی رادیکالیسم نمی‌تواند آن را به صورت یک صمیمی با شاهزادگان خلیج [فارس] تبدیل کند. اما رویدادهای ایران، این کشور را نیز که دارای اکثریت شیعه است، مانند سایر کشورهای منطقه، متوحش کرده است. به همین علت، طرز فکر این کشور در مورد دفاع منطقه‌ای باید به دقت بررسی شود. همین امر در مورد سوریه نیز صادق است. شاه حسین اردنی مانعی در این راه به حساب نمی‌آید و حتی می‌تواند به عنوان یک هم‌پیمان فعال عمل کند. در اینجا نیز رابطه سعودی‌ها با این دولتها عنصر بسیار مفیدی است.

حسادت‌های محلی مانع از بهبود امکانات می‌شود

با این وجود، حتی ایجاد یک سیستم غیررسمی به دلیل رقابت‌های کم‌اهمیت کشورهای با این عناصر اصلی آن باشند خالی از موانع نیست. مثلاً عمان و امارات متحده عربی درست زمانی که شایعه کشف نفت در مناطق مرزی‌شان به گوش می‌رسد به مناقشات مرزی بین خود دامن می‌زنند که به پیدایش بحران‌های کم‌اهمیتی می‌انجامد. ولی این تشنج‌ها به سرعت فروکش می‌کنند چون از نظر دو کشور شروع جنگ بر سر این مسائل جزئی قابل توجیه نیست. ولی اختلافات مرزی به قوت خود باقی است، و بر نحوه برخورد دوستانه بین دو کشور در مسائل کلی تأثیر منفی بر جای می‌گذارد.

خوشبختانه، در ماه‌های اخیر بین عمان و امارات متحده عربی مذاکرات دوجانبه به دفعات از سر گرفته شده تا اختلافات از میان برداشته شود. بدون شک انگیزه این گفتگوها همان ترس از گسترش گرایشهای خصمانه منطقه‌ای در این دو کشور است. ولی معلوم نیست که این ترس بتواند قبل از غرق شدنشان در این گرایش‌ها، به یک وحدت مؤثر بین آنها بیانجامد.

اختلافات مرزی از دیرباز بین عمان و عربستان سعودی نیز وجود داشته است. بنا به همین علت و حتی دلایل دیگر، عمانیها احساس مبهمی نسبت به برادر بزرگ خود یعنی سعودیها دارند. از یک طرف می‌دانند که برتری و تفوق عربستان سعودی در شبه جزیره بی‌چون و چراست، علاوه بر این سعودیها یکی از منابع همیشگی کمک‌های مالی هستند. ولی همین قدرت سبب شده که عربستان سعودی نسبت به عمان نوعی شیطنت داشته باشد که از چشمان حساس عمانیها چندان دور نمانده است. قابوس و مشاورینش همیشه در فکر آنند که عربستان سعودی در ازای کمک‌ها و یا امتداد چتر حفاظتی خود چه چیزی خواهد گرفت.

در حالیکه بخش اعظم مرز بین دو کشور در طول منطقه ربع الخالی نامشخص مانده، می‌توان گفت که شاید عربستان سعودی در پی به دست آوردن امتیازات ارضی است. به همین علت قابوس خود را چشم و گوش بسته تسلیم عربستان سعودی نمی‌کند. با این حال، در صورتی که اختلافی در مسائل دوجانبه پیش نیاید، مسقط به راحتی در مسائل امنیتی شبه جزیره از ریاض پیروی خواهد کرد. قابوس نیز تا حدود زیادی منتظر چراغ سبزی از طرف آمریکاست. وی مایل است که تمام سیستم‌های ابداعی توسط سعودیها بخشی از استراتژی واشنگتن به حساب آید.

نیرومندترین دوستان عمان: قدرت‌های هم‌صدای غرب

از آنجا که قابوس روسها را مهم‌ترین خطر به حساب می‌آورد، غرب را به عنوان تنها منبع کمک مکفی تصور می‌کند. در وهله اول بریتانیاست که مفهوم غرب را پر می‌کند، چون هنوز در این کشور حضور دارد؛ لیکن با وجود احتمال خروج انگلیس در درازمدت، آمریکا جای آن را خواهد گرفت.

لرزش ناگهانی و دوباره بریتانیا

از نظر قابوس جای بسی خوشبختی است که خروج بریتانیا از این کشور تا مدتی دیگر به طول خواهد انجامید. معلوم نیست که او به این مطلب پی برده باشد، ولی همین امر نیز می‌تواند در دسرهایی برای وی فراهم آورد. از هم‌اکنون چند تن از افسران عمانی (به خصوص سرهنگ سلیم غزالی معاون جدید وزیر دفاع) نسبت به خروج تدریجی انگلیسی‌ها از عمان ابراز نگرانی کرده‌اند. غزالی می‌خواهد روند عمانی نیروهای مسلح را تا حد امکان تسریع کند، گرچه می‌داند که راه‌حل تدریجی، تنها راه عملی نیل به این هدف است.

طبق سیاست کنونی بریتانیا خروج افسران نظامی انگلیس در دهه ۱۹۸۰ پایان خواهد یافت. به هر حال، این سیاست درازمدت در زمان دولت تاچر بیش از پیش به قوت خود باقی خواهد ماند. روابط تاریخی که تقریباً از دو قرن پیش نضج گرفته محافل محافظه‌کار انگلیس را به این نتیجه رسانده که بر اساس مسئولیت بریتانیا در قبال سرنوشت عمان، این کشور باید به حضور نیرومند خود در عمان ادامه دهد. و از آنجا که ارتباط با عمان برای انگلستان مخارج چندانی نداشته، می‌توان پیش‌بینی کرد که این ابتکار ادامه خواهد یافت.

وقتی می‌گوییم انگلستان به حضور خود در عمان ادامه خواهد داد، به جریان‌های مخالفی که بر طرز تفکر محافظه‌کاران انگلیس و دیگران تأثیر دارد نیز واقفیم.

این نظریه چنین است: هرگاه که اقامت در جایی پرخرج و یا دشوار شود، انگلستان باید از آنجا به سرعت خارج شود. در وایت‌هال انگلستان هر از چند بار این نظریه شدت می‌گیرد. خروج بریتانیا در سال ۱۹۶۰ از «شرق سوئز» نمونه بارز این فرضیه است. هنوز نظریه فوق بر

عمان تأثیر نداشته ولی گمان می‌رود که در آینده نزدیک تأثیر خود را بر این کشور نیز بگذارد. رویدادهای ایران و نیز حمایت احمقانه سلطان از قرارداد کمپ‌دیوید بسیاری از متخصصین انگلیسی را در عمان به وحشت انداخته است. همین احساس به نوبه خود انتقادهای بسیاری از انگلیسی‌ها را در مورد قابوس افشا کرده است که همان عدم هواداری سلطان از دموکراسی* است که بسیاری از ناظران نیز به آن معترفند.

البته این روحیه از نظریات ضدقابوسی جناح چپ انگلستان نشأت می‌گیرد. این جناح به خاطر کمی تعداد تا به حال نتوانسته است بر سیاست انگلستان تأثیر بگذارد. علاوه بر این در مورد عمان برخلاف دیگر رژیمهای «ارتجاعی» به طور پراکنده و گهگاه به اظهارنظر پرداخته است. البته این وضع احتمالاً تغییر خواهد کرد. به نظر ما، همین «افشاگریهای» جدید در مورد سلطان سبب شده است که ناظران انگلیسی جناح‌های مرکزی و راست به لرزه افتند. آنها از تأثیر تبلیغات جناح چپ بریتانیا در مورد عمان، آن هم در رابطه با افکار عمومی به خوبی آگاهند.

به طور مثال یکی از نویسندگان برجسته و بسیار چپ‌گرای انگلستان یعنی فرد هالیدی را ملاحظه کنید. کتاب وی تحت عنوان *عربستان بدون سلاطین*** یکی از ستون‌های اصلی تجلی طرز فکر خصمانه در مورد رژیم‌های سنتی شبه‌جزیره عربستان است. کتاب دیگر هالیدی تحت عنوان *مزدورها**** نیز از آن جهت که بر عمان تمرکز دارد بسیار حائز اهمیت است. وی در این اثر از حضور نظامی بریتانیا در شبه جزیره (تحت عنوان «مزدورها») یاد می‌کند و بیش از همه به موضوع جنگ ظفار می‌پردازد. وی می‌گوید «افراطی‌ترین اقدام ضدشورش بریتانیا و استفاده از مزدورها در عمان به وقوع پیوسته است». چون طبق ادعای وی، در آنجا حضور بریتانیا «سبب سرکوب شدن مقاومت مسلحانه مردم و حفظ قدرت سلطان مستبد این کشور شده است».

در بخش ضمیمه کتاب *مزدورها*، مکاتباتی که در سال ۱۹۷۵ بین ۱۰ تن از ساکنین خیابان دان و گروهی از مردم معترض به حضور انگلیس در عمان صورت گرفته، چاپ شده است. معترضین در مکاتبه خود اظهار داشته بودند که «دولت هارولد ویلسون نیز در کمک به سلطان عمان جهت سرکوب وحشیانه مخالفین خود سیاست اعقاب محافظه‌کارش را دنبال کرده است. اولین پاسخ ارائه شده توسط دفتر خارجی و استعماری صریحاً اعلام می‌دارد که دولت اعلیحضرت «از آن رو به سلطان عمان کمک می‌کند که با آن روابط دوستانه داشته و علاوه بر

* به منظور پی بردن به عمق این نظریه به نامه‌های مندرج در مجله اکونومیست مورخ ۲۸ آوریل رجوع کنید. مهم‌ترین مقاله این مجله توسط جان تونلند نگاشته شده است. این مقاله به طور کامل ترس ناگهانی انگلیس را در مورد آینده عمان منعکس می‌سازد.

** *عربستان بدون سلاطین*، فرد هالیدی، ۱۹۷۴، بنگاه نشر پنگوئن، بروکسل.

*** *مزدورها*، فرد هالیدی، ۱۹۷۷، بنیاد صلح برتراند راسل با مسئولیت محدود، برای سخنگو.

این یک نهضت خرابکاری مسلحانه بسیار سازمان یافته و تحت‌الحمایه بیگانگان با اقدامات خود در این کشور ثبات منطقه را تهدید می‌نماید.» این دفتر به سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی سلطان قابوس نیز اشاره می‌کند. ولی معترضین با این پاسخ قانع نشدند و بار دیگر نوشتند که «حدود نیمی از درآمدهای سلطان در رابطه با جنگ ظفار مصرف می‌شود، و خود سلطان نیز مبالغ هنگفتی در رابطه با اجناس لوکس خرج کرده است.» منشی مخصوص ویلسون به این نامه پاسخ داد و گفت «تعبیر شما از رویدادها با تعبیر دولت انگلستان تفاوت دارد» و در ادامه گفته است که بهتر است این موضوع بیش از این کش نیابد.

این معترضین را می‌توان صرفاً هواداران مارکسیست نامید. تا حدودی این موضوع صحت دارد. ولی باید اعتراف کرد که آنها تنها ذره‌ای از آرای عمومی انگلیسی‌ها هستند که گذشته از مارکسیستی بودن آن می‌تواند بر سرعت خروج انگلیس از عمان تأثیر بگذارد. این مسئله زمانی رخ خواهد داد که نقاط ضعف رژیم قابوس به نحو چشم‌گیرتری در انگلستان مطرح گردد. در مقایسه با پاسخ توأم با خون‌سردی سخنگوی هارولد ویلسون، طرز فکر جدی معترضین نشانگر دوگانگی طرز فکر آراء عمومی بریتانیاییها در مورد عمان است. تا به حال جنبه «لجوجانه» این طرز فکر در سیاست و ایت‌هال نشان داده شده است. و احتمالاً در زمان دولت مارگارت تاچر نیز این سیاست ادامه خواهد یافت ولی باید آن را زیر نظر داشت.

دورنمای آمریکایی

شاید سلطان قابوس نیز تحت‌تأثیر سلیم غزالی از یک سو و آگاهی‌بخشی فرد هالیدی از طرف دیگر دریافته باشد که خروج انگلیسی‌ها خیلی زودتر از موقع مقرر به وقوع خواهد پیوست. همین امر او را بر آن می‌دارد که از قدرت بزرگ‌تر غربی موجود در آن سوی اقیانوس آتلانتیک یعنی آمریکا بهره‌برداری کند. شاید او به این نتیجه رسیده باشد که آمریکاییها تنها کسانی هستند که می‌توانند با موفقیت مانع از پیشرفت روسها شوند.

قابوس از رابطه با آمریکا برداشتی بسیار ساده دارد، و معتقد است که برای جلب نظر یک دولت نیرومند باید کاملاً با آن همکاری کرد تا او نیز به نوبه خود به همکاری کامل بپردازد. او علاوه بر این می‌پندارد که آمریکا نیز باید خطر شوروی را آنچنان که وی تصور می‌کند تلقی کند. به همین علت با استفاده از هر فرصتی از واشنگتن خواسته است که در برابر مسکو قد برافرازد و در این راه از عمان به عنوان یکی از شرکاء کوچکتر استفاده کند.

آمریکا نه تنها به عمان پاسخ مثبت نداده بلکه نظر آن کشور را نیز در مورد خطر موردنظر علناً نپذیرفته است. ولی در ماههای اخیر به قابوس نزدیک‌تر شده است. سلطان نیز با حمایت از کمپ‌دیوید، واشنگتن را وادار ساخته است که بیشتر متوجه آن کشور باشد. با در نظر گرفتن رویدادهای عمان و تأثیر آنها بر دولت آمریکا این حرکت بسیار زیرکانه انجام گرفته است. پاسخ مثبت ما به وزیر خارجه عمان در حین بازدیدش از واشنگتن در فوریه، نشانگر آن است

که ما تا حدود زیادی طرف سلطان را گرفته‌ایم.

اما آمریکای بعد از ویتنام به جنگجوی خسته می‌ماند، و قابوس نیز از ما می‌خواهد که به طریق جنگ سرد به وی پاسخ دهیم. بسیاری از آمریکاییها به رژیم عمان آنچنان می‌نگرند که در مسقط الف - ۴ به صورت مستبد و فاسد توصیف شده است، و ناراحتی‌هایی را که در نتیجه تلاش آمریکا در حمایت از رژیم تیو در ویتنام جنوبی وارد آمد، را به یاد می‌آورند. عکس‌العمل آمریکاییها این است که این واقعه هرگز و حداقل در مورد این شخص که خود را سلطان می‌نامد نباید تکرار شود. سرنوشت دودمان پهلوی نیز همین نظریه و عکس‌العمل را تشدید می‌کند.

با بیان این مطلب، باید افزود که پاسخ نیمه سرد واشنگتن غیرمعقول نبوده است. هواداری دولت آمریکا از سلطان قابوس بهانه تبلیغاتی خوبی به دشمنان منطقه‌ای و بین‌المللی این سلطان‌نشین خواهد داد. بالاتر از همه، موجب تشدید نظرات ضدقابوسهای دنیای امروز به خصوص در آمریکا خواهد شد. این واقعیت که در عمان ممکن است به جای حکومت قابوس یک حکومت مستبدانه‌تری روی کار آید نیز نمی‌تواند طرز فکر آمریکاییها را عوض کند، چون در مورد ویتنام قادر به اینکار نبود.

آنهایی که در مورد تأثیر این جنبه روانی بر روابط آمریکا و عمان تردید دارند بهتر است به تعمق پیرامون نکات ذیل پردازند: بنا به گزارش یکی از سفارت‌های آمریکا در یکی از کشورهای همجوار عمان یکی از خبرنگاران معتبر آمریکایی در نظر داشت مقاله‌ای منتشر ساخته و طی آن به افشاء نقش سازمان سیا در عمان پردازد. وی در نظر داشت از افرادی چون وزیر خزانه‌داری سابق آمریکا یعنی رابرت آندرسون، دو تن از مشاورین مخفی سلطان قسام شاکر و یحیی عمر که در عمان مقیم نبودند و «تیم لندن» مشاور مقیم سلطان به عنوان چهره‌های اصلی یاد کند. وی می‌خواست از شرکت ماهیگیری مارالا تحت سرپرستی چارلز بلک (همسر شرلی تمپل) که مدت کوتاهی در عمان کار می‌کرد ولی اکنون منحل شده است نیز سخن به میان آورد. موضوع اصلی این مقاله این بود که انگلستان قابوس را به قدرت نرسانده بلکه توسط «عمال سازمان سیا» به فرمانروایی رسانیده شده است، و در این راه منافی نیز نصیب شخص خود ساخته‌اند. یکی از مقامات سفارت مذکور تلاش کرد تا این خبرنگار را از درج این مطالب تحریک‌آمیز باز دارد، و ظاهراً نیز موفق شده است، چون این مقاله هرگز منتشر نگردید.

نکته مورد تعمق راست و یا دروغ بودن این مطالب نیست، بلکه موضوع این است که حتی در صورت دروغ بودن، اگر این مطلب منتشر می‌شد بر آراء عمومی تأثیری بسیار فاحش داشت. در محافل کوچک عمان شایعات دیگری نیز پیدا شده است. ولی هیچیک از دیگر خبرنگاران موجود به آنها نپرداخته‌اند: یکی از آنها، شایعه مربوط به ارتباط سازمان سیا با شرکت‌های آمریکایی و عملکرد آنها در عمان است. باید گفته شود که صحت و یا سقم مطلب

مهم نیست ولی تأثیر آنها بر آراء عمومی قابل تعمق و ژرف‌نگری است. بنابراین آمریکا نیز مانند بریتانیا بر سر یک دوراهی قرار گرفته است. ما می‌خواهیم از دوست عرب خود که حرف‌های قشنگی در مورد کمپ دیوید می‌زند حمایت کنیم، و علاوه بر این، این کشور در تنگه هرمز که در آن سوی آن ایران قرار گرفته دارای اهمیت استراتژیک است. شاید آراء عمومی آمریکا در رابطه با اهمیت تنگه هرمز در صحنه نفتی جهان موافق و یا هم عقیده باشند. ولی در عین حال می‌دانیم که احساسات ضدقابوسی می‌تواند به سرعت جای این نظریه را در افکار عمومی آمریکا بگیرد، خصوصاً اگر رسانه‌های آمریکایی نیز به تبلیغ پیرامون آنها بپردازند. طبق شواهد موجود، نقایص و خطاها به سرعت بر همه آشکار می‌گردد.

امکان درگیری آمریکا در عمان

چه چیزی سبب خواهد شد که نقایص و خطاهای قابوس در آمریکا چشمگیرتر شود؟ مهم‌ترین عامل، هجوم نظامیان آمریکایی به داخل عمان و هرگونه افزایش وسیع و ناگهانی، چه از نظر کیفی و چه از نظر کمی، در ورود غیرنظامیان آمریکایی نیز همین خطر را به همراه خواهد داشت. در صورتی که به نظر می‌رسد این موضوع حمایت از قابوس باشد. به همین دلیل نباید خواستار درگیری شدید آمریکا در این سلطان‌نشین باشیم.

حتی اگر سلطان بخواهد این موضوع را رد کند، ما نباید از این قانون کلی منحرف شویم. متأسفانه ما خیلی بهتر از او به تأثیر این جنبه‌های روانی خارجی در صحنه جهانی واقفیم. نکته مهم این است که اگر آمریکا با آغوش باز از قابوس استقبال کند و محرک انتقاد شدید از وی در مطبوعات آمریکایی شود، همین عوامل وارد عمان می‌شود و ثبات رژیم این کشور را عمیقاً برهم می‌زند. همانطور که خوانندگان مسقط الف - ۴ به یاد خواهند آورد، بازگشت دانشجویان عمانی از آمریکا و دیگر کشورهایی که دموکراسی بر آنها حاکم است مسائلی را برای قابوس ایجاد خواهد کرد، البته در صورتی که وی از موضع حکومت مطلق خود عدول نکند. می‌توانید تصور کنید که عکس‌العمل قابوس در صورت روبرو شدن با دانشجویانی که حاوی نظرات خصمانه آمریکایی نسبت به او هستند تا چه حد سرکوبگرانه خواهد بود. به نظر ما یک نهضت مردمی علیه قابوس به سرعت شکل خواهد گرفت. در عین حال آمریکا از حمایت شدید از قابوس سرباز زده است، همین امر نیز می‌تواند عامل برهم زنده ثبات باشد و علت نیز وابستگی شدید وی به غرب خواهد بود. و با از بین رفتن حس اعتماد نسبت به او، حکومتی بسیار سرکوبگرانه طبق شرایط فوق آغاز خواهد شد. می‌بینید که آمریکا در اینجا نیز با شرایطی مانند ویتنام و ایران روبرو شده که به هیچوجه خوشایند نیست. یعنی یا باید از یک رژیم نه چندان خوشایند از نظر اخلاقی حمایت کند و یا آشکارا کنار بکشد؛ با این کار به رژیم مزبور ضربه‌ای وارد ساخته است. ابتدا دست زدن به اقدام اول و سپس اقدام دیگر نیز همین نتیجه را خواهد داشت. پس باید یک روش ثابت را در پیش گرفت. عامل ارشادی در

مورد عمان باید نکات ذیل باشد: باید از قابوس آن قدر حمایت شود که بتواند نقش خود را در زمینه مدرن‌سازی ایفا کند، ولی نباید طوری از وی حمایت کرد که آراء جهانی متوجه نقایص و خطاهای او شود.

در تجزیه و تحلیل نهایی، همانگونه که متذکر شدیم، اگر ایران به دست شوروی بیفتد آمریکا در بازی شطرنج «کیش» خورده و مجبور است از محل خطر فرار کند و شاید به همین خاطر مداخله بیشتر در عمان به نفع ما باشد. ولی باید در نقاط دیگر منطقه خلیج [فارس] نیز این درگیری وجود داشته باشد. شاید قبل از سقوط ایران مجبور به حرکت باشیم چون از تأثیر همه‌گیر ناآرامی در آن کشور آگاهیم، ولی طبعاً نمی‌خواهیم که طبق پیشگویی خود عمل کرده باشیم، آن هم با اقدامات عجولانه که می‌تواند توسط ایرانیها به طرز نادرستی تعبیر گردد. هدف این نامه هوایی تعیین خط‌مشی و اشنگتن در عمان نیست، بلکه تأکید بر اصول درگیری است که به نظر ما در نتیجه تحرکات سیاسی خارجی فوق‌الذکر پدید خواهد آمد. مهم‌ترین این اصول به شرح ذیل است:

الف) از حمایت شدید از قابوس و یا حضور سنگین آمریکایی در صحنه اجتناب ورزیده ولی نباید به طرز مشهودی تنها گذاشته شود. در حمایت خود جانب اعتدال، احتیاط و ثبات را رعایت کنید. گذشته از همه، از عادت بوروکراسی دولت آمریکا (به خصوص در بخش نظامی) که منجر به درگیری و مداخله شدید در هنگام رؤیت چراغ سبز می‌شود جلوگیری کنید. دولت آمریکا هیچ‌گاه عادت ندارد کارهای کوچکی انجام دهد به همین علت یا با ارائه کارهای عظیم و فاقد سوءنیت سبب از بین رفتن دوستانش در جهان سوم می‌شود و یا اصولاً از خودش فعالیت نشان نمی‌دهد. ظاهراً یا همه چیز باید از آن ما باشد و یا هیچ چیز. درست است که باید از منابع کافی برای به کار انداختن پروژه‌ای استفاده شود، ولی باید در مورد عمان روش معتدل‌تری در پیش گرفت و از همه عناصر دولت آمریکا نیز باید خواسته شود که همین مسیر را در مدنظر داشته و طبق آن عمل کنند.

ب) تلاش شود تا میزان فعالیتهای غیرمعمول رژیم قابوس کاهش و حرکت آن در جهت استقرار یک حکومت آزاد بیشتر شود. می‌توانیم این موضوع را یکی از شرایط مداخله خود بنامیم، ولی نباید مانند یک خارجی بی‌تفاوت برای قابوس «وعظ» کنیم. در این مورد نیز باید روش معتدل باشد. همه چیز باید در رابطه با نتایج بالقوه در نظر گرفته شود. همیشه باید از خودمان سؤال کنیم: چه نوع روش موفقی قابوس را به تحرک وادار خواهد کرد و چه عاملی سبب رویگردانی وی خواهد شد؟ می‌گویند او از مشاورین سرسخت، دل‌چندان خوشی ندارد. کلید اصلی مشکلات ظاهراً تکرار دائم، لیکن فاقد خشونت است.

پ) حتی در مرحله عمانی کردن نیروهای مسلح این کشور، از انگلیس بخواهید که همراه ما در صحنه حضور داشته باشد. این امر سبب می‌شود که انگلستان فکر نکند که حضور گسترده آمریکا به معنی پر کردن جای او در عمان است. ولی مهم‌تر از همه، این کار، یعنی

بهبود شخصیت و وجهه رژیم قابوس سبب خاموش شدن آتش انتقاد چپگرایان انگلستان خواهد شد. البته این امر باید به موازات نکته (ب) فوق انجام شود. بریتانیا و آمریکا هر دو در ایجاد یک دولت مساعد در عمان دارای منافع مشترکی هستند.

ت) انتظار نداشته باشید که یک قرارداد یا معاهده رسمی بین دولتهای ضد رادیکال منطقه منعقد شود. سعی کنید با نزدیک ساختن آنها از طریق روابط دوجانبه یک بافت امنیتی غیررسمی به وجود آورید.

ث) بر مرکزیت قدرت سعودیها تأکید داشته باشید ولی حسادت عمان و دیگر کشورهای کوچکتر را نیز در رابطه با تفوق سعودیها حتماً در نظر بگیرید.

آمریکا در اینگونه موارد می تواند کارهای بسیاری انجام دهد. ما می توانیم با استفاده از روابط دوجانبه خود با کشورهای خلیج [فارس]، و نیز روابط دوجانبه بین انگلستان و منطقه، آنچنان امنیت منطقه ای «مستحکمی» به وجود آوریم که تاکنون به خاطر بی اعتمادیهای کم اهمیت حکومت های منطقه موفقیتی برای ایجاد نداشته است. سائز

سند شماره ۶

۲۴ ژوئن ۱۹۷۹ - ۳ تیر ۱۳۵۸

محرمانه

از: سفارت آمریکا، مسقط - ۱۰۹۴
به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی.
جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در بغداد، بیروت، قاهره، خارطوم، کویت، امان، مسکو، پاریس، صنعا، تهران

موضوع: معاون وزیر خارجه عمان پیرامون مسئله اعراب و اسرائیل و

امنیت خلیج [فارس] گفتگو می کند

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲ خلاصه: یوسف العلوی معاون وزیر خارجه در مصاحبه با روزنامه نگاران محلی در اوایل ماه جاری اصول اساسی سیاست خارجی عمان را در مرحله کنونی یادآور شد. مهم ترین اصل یادشده تکرار شرایطی بود که به نظر عمان باید در حل مسئله اعراب و اسرائیل در نظر گرفته شود. از همان اوان پیدایش چهارچوب قرارداد کمپ دیوید، سخنگویان عمانی این شرایط را گوشزد می کردند، لیکن همیشه از اهمیت آنچنانی برخوردار نبود. علوی با تشریح خصوصی مصاحبه در تاریخ ۱۸ ژوئن، گفت این سخنان صرفاً برای شنوندگان عرب ایراد شده بود تا سوء تفاهم های موجود در زمینه حمایت عمان از سادات از بین برود. در رابطه با پیمان مصر و اسرائیل موضع عمان نه کاملاً هوادارانه و نه کاملاً متضاد با آن است، ولی عمان در قبال سادات و چهارچوب قرارداد کمپ دیوید سیاست مثبت خود را دنبال خواهد کرد. هدف عمان این است که تضاد تلخ اعراب علیه سادات را به تدریج از بین ببرد. علوی در ادامه پیرامون امنیت خلیج [فارس] با ما سخن گفت و اظهار داشت که در حال حاضر در میان کشورهای خلیج



[فارس] در زمینه همکاری منطقه‌ای کار چندان مهمی صورت نگرفته است. پایان خلاصه.
۳- در ملاقات کاردار با یوسف العلوی معاون وزیر خارجه عمان در تاریخ ۱۸ ژوئن، وی به تفصیل درباره مسائل خاور نزدیک و خلیج [فارس] گفتگو کرد. کاردار گفتگو را با سؤالی در مورد مصاحبه العلوی با مطبوعات محلی در اواسط خردادماه آغاز کرد که در آن علوی اصول اساسی سیاست خارجی عمان در مرحله کنونی را تشریح کرده بود. همانگونه که در روزنامه‌های مسقط گزارش شده، این اصول عبارتند از:

الف) عمان از ابتکار صلح سادات و چهارچوب قرارداد کمپ دیوید به عنوان یک تلاش مثبت در جهت نیل به یک راه‌حل همه‌جانبه حمایت می‌کند، لیکن بنا به اصرار عمان راه‌حل نهایی باید: ۱) به ماهیت اسلامی اورشلیم احترام گذاشته و شرق اورشلیم را به حاکمیت عربی بازگرداند، ۲) تمام سرزمینهای اشغال شده توسط اسرائیل از سال ۱۹۶۷ را به اعراب بازگرداند، و ۳) حقوق مردم فلسطین را در زمینه خودمختاری به رسمیت بشناسد.
ب) عمان آماده است تا در اجلاس عربی شرکت کند مشروط بر آنکه قبلاً برنامه کار آن «به خوبی پیش‌بینی شده باشد». در اجلاس‌های عربی باید «روحیه جدیدی» حاکم باشد، درست بر عکس اجلاس‌های مشهور در بغداد (این بیانیه با اشاره به درخواست اخیر نمیری، رئیس‌جمهور سودان، که متقاضی تشکیل اجلاس عربی در مکه شده بود عنوان گردیده است).
پ) منزوی ساختن مصر به نفع اعراب نیست. «باید به دنبال وسیله‌ای دیگر برای حل منازعات موجود بین مصر و دیگر کشورهای عربی بود.»

۴- علوی با تأیید سخنان گزارش شده خود به کاردار گفت که هدف این مصاحبه تنها جهان عرب بوده است. وی گفت، رهبران صاحب‌نظر دیگر کشورهای عربی در مورد موضع مثبت عمان در قبال کمپ دیوید راه خط‌اندازی را پیموده‌اند. آنها می‌گویند اگر دولتی کاملاً با سادات مخالف نیست حتماً به طور کامل هوادار آن است. آنها نمی‌خواهند بپذیرند که شاید «نکات مثبتی» نیز در این موضوع نهفته باشد. علوی در ادامه گفت: حقیقت این است که عمان تا زمانی از سادات حمایت خواهد کرد که روش او منتهی به سه هدف فوق‌الذکر شود و یا فرد دیگری روش بهتری ارائه نکرده باشد. به نظر علوی تا به حال هیچکس نتوانسته است روش بهتر از این را ارائه دهد.

هدف عمان نیز از بین بردن تفرقه تلخی است که به خاطر پیمان مصر و اسرائیل در جهان عرب حاکم شده و اگر نتواند این کار را انجام دهد حداقل سعی خواهد کرد از وخیم‌تر شدن تشنج جلوگیری کند. به امید آنکه در نتیجه مذاکرات منطقی و معقول، عقاید جدید و سازنده‌ای پیدا شود.

۵- علوی بار دیگر به قضاوت انتقادآمیز دولت خود در رابطه با نتایج اجلاس بغداد اشاره کرد. وی گفت این اجلاس به تعجیل صورت گرفت و نتایج آن نیز فاجعه‌آمیز بود. علوی اظهار داشت که دیگر دولت‌های خلیج [فارس] به عمانیها اطلاع داده‌اند که آنها نیز از اجلاس‌

بغداد و فلسفه آن که مبنی بر حداکثر میزان رویارویی در جهت حل اختلافات درونی اعراب است، دل خوشی ندارند.

عمان روش مبتنی بر همکاری و تعاون را بیشتر ترجیح می‌دهد. مشارکت اخیر مسقط برای پدید آوردن یک موضع هماهنگ عربی در قبال حرکت احتمالی کانادا مبنی بر انتقال سفارت خود در اسرائیل به اورشلیم، نشانگر نحوه برخورد موردنظر عمان با اینگونه مسائل است. ولی علوی در ادامه گفت که این عمل دیگر ضرورت خود را از دست داده است چون مقاصد کانادا در این رابطه هنوز روشن نشده است.

[۶]- در این گفتگو به مسئله امنیت خلیج [فارس] نیز اشاره شد. علوی این موضوع را با گفتن اینکه هرگونه تلاش امنیتی در این منطقه باید در انتظار حل اختلافات میان آمریکا و عربستان سعودی در رابطه با کمپ دیوید باشد، به مسئله اعراب و اسرائیل ربط داد. در حال حاضر این مسئله بسیار مهم شده است. نه اینکه الزاماً به این دلیل باشد بلکه بخشی از آن به خاطر آن است که در میان کشورهای خلیج [فارس] در زمینه همکاری منطقه‌ای پیشرفت چندانی پدید نیامده است. ممکن است به زودی کنفرانس وزیران خارجه کشورهای خلیج [فارس] تشکیل شود، لیکن علوی از تاریخ دقیق برگزاری آن خبر ندارد. به احتمال بسیار بحرین ریاست هماهنگی کشورهای خلیج [فارس] را به عهده خواهد گرفت، و به همین علت عمان برای اولین بار سفیر خود را برای منامه در نظر گرفته است. (به مسقط ۱۰۷۸ کتبی مراجعه شود). علوی اعلام کرد که به عنوان یک اصل کلی، هرگونه تلاش منطقه‌ای در رابطه با امنیت خلیج [فارس] باید بر عربستان سعودی متمرکز باشد، و کشورهای دوست غربی نیز باید در صحنه حاضر باشند.

۷- نظریه: دو مقام عالی‌رتبه سفارت انگلستان در گفتگوهای اخیر خود با ما اظهار داشته‌اند که علوی در مصاحبه خود اشاره کرده که عمان به طور یک جانبه در قبال موضع خود در رابطه با کمپ دیوید و پیمان مصر و اسرائیل عقب‌نشینی خواهد کرد. به نظر ما این رابطه‌های انگلیسی سخنان وی را اینگونه تفسیر کرده‌اند. سفارت انگلستان بیش از گذشته در مورد موضع توأم با تکروری سلطان قابوس در مورد این مسئله نگران بوده است.

۸- ممکن است در سخنان علوی تأکید جدیدی در افشای خوش‌بینی به چهارچوب کمپ دیوید نهفته باشد، ولی باید به یاد داشت که حمایت عمان از کمپ دیوید از همان ابتدا وجود داشته است. سه شرط تعیین شده فوق‌الذکر برای راه‌حل نهایی نیز در اعلامیه‌های عمانی تازگی ندارند.

سخنگویان عمانی بر این جنبه و یا جنبه دیگر روش «آری - اما»ی خود در رابطه با فرمول صلح کمپ دیوید همیشه تأکید می‌کنند. ولی شواهد موجود حاکی از آن نیست که سلطان‌نشین عمان این سیاست خود را دیگر تعقیب نخواهد کرد.

سند شماره ۷

محرمانه

۲۵ ژوئن ۱۹۷۹ - ۴ تیر ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، دوحه - ۷۶۹
به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در جده، کویت، مسقط، صنعا، تهران
مرجع: دوحه ۷۵۶

موضوع: نگرانی امیر قطر در مورد رویدادهای ایران

۱- محرمانه - تمام متن

۲- طی ملاقات با امیر خلیفه بن حمد آل ثانی در تاریخ ۲۴ ژوئن به منظور تسلیم نامه رئیس جمهور کارتر (تلگرام مرجع)، امیر از اینجانب در مورد اوضاع ایران و اینکه آیا این کشور از نظر آمریکا و اروپا اهمیت دارد سؤال کرد.

بر اساس تلگرام‌های دریافتی اخیر از سفارت آمریکا در تهران امیر را به بهترین وجه در جریان امر قرار دادم. در پاسخ به سؤالی مربوط به اهمیت ایران، گفتم که در این موضوع شکی نیست. صادرات نفتی ایران برای کشورهای صنعتی اهمیت بسیاری دارد و موقعیت فیزیکی کشور و نیز مجاورت آن با مناطق مهم استراتژیکی، ایران را از نظر ژئوپلیتیک بسیار با اهمیت ساخته است.

۳- امیر خلیفه در مورد آیت‌الله خمینی و پیروانش اظهار تردید بسیار کرد و گفت که آنها نه تنها به حیثیت ایران بلکه به حیثیت اسلام نیز ضربه می‌زنند. آنچه که ما در ایران جویای آن هستیم اسلام نیست.

انسان با خدا ارتباط دارد و به هیچوجه نیازمند میانجیگریهای مذهبیون نیست. افراد مذهبی در مورد نحوه حکومت چیزی نمی‌دانند و نباید هرگز به این کار پردازند. وی شنیده بود که اقتصاد ایران وضع چندان خوبی ندارد. ترس امیر از به قدرت رسیدن کمونیسم در ایران از بین رفته است؛ اکنون وی نگران سقوط وضع اقتصادی کشور است.
وی ظاهراً می‌خواست سؤال کند که آمریکا در قبال این وضع چه خواهد کرد، ولی سؤال خود را مطرح نکرد.

۴- نظریه: شاه ایران هرگز در قطر محبوبیتی نداشت، ولی نمایانگر ثبات و مشروعیت ایران در انظار خانواده حاکمه اینجا بود. سقوط شاه نگرانی عمیقی به وجود آورد و قوی‌ترین حاکم منطقه نیز متوجه شد که امکان سرنگونی خود او نیز وجود دارد. بعدها ندای آیت‌الله خمینی برای وحدت اسلامی پاسخ مثبتی به همراه آورد. لیکن کشتارهای غیرقانونی و شواهد مربوط به بی‌نظمی و تقریباً شورش در رژیم اسلامی جدید نگرانیهای عمیق‌تری پدید آورد. اگر قطری‌ها می‌توانستند زمان را به عقب برگردانند و شاه را بر تخت بنشانند همین کار را می‌کردند. پایان نظریه.

کیل‌گور



سند شماره ۸



۸ ژوئیه ۱۹۷۹ - ۱۷ تیر ۱۳۵۸

محرمانه

از: سفارت آمریکا، مسقط - ۱۱۷۰
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در ابوظبی، قاهره، دوحه، اسلام‌آباد، کویت، لندن،
منامه، مسکو، پاریس، صنعا، تهران

موضوع: هیأت نمایندگی عمان از ایران دیدن می‌کند

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- خلاصه: هیأتی به ریاست یوسف العلوی معاون وزارت امور خارجه عمان از ایران دیدن می‌کند و چنین به نظر می‌رسد که موفق شده است شالوده‌ای از مناسبات بهتر بین عمان و ایران را در جریان این دیدار سه روزه از جمهوری اسلامی پی‌ریزی کند. علوی درباره مسئله خوزستان با لحنی مساعد نسبت به ایران علناً سخن گفته است و رهبران ایران خاطرنشان ساختند که آنها از عصیانگران جبهه آزادیبخش خلق عمان که مخالف سلطان است پشتیبانی نخواهند کرد. دولت ایران در مذاکره با این هیأت عمانی ترس قابل ملاحظه خود را از شاه و مصر نشان دادند و به علوی گفتند که خواهان برقراری مناسبات حسنه با ایالات متحده هستند.

۳- یک هیأت عمانی به ریاست یوسف العلوی معاون وزارت امور خارجه عمان روز ۲۸ ژوئن پس از یک دیدار رسمی سه روزه از ایران به مسقط بازگشت. این هیأت عمانی هنگام اقامت در ایران گفتگوهایی با آیت‌الله خمینی و بازرگان نخست‌وزیر و انتظام معاون نخست‌وزیر و یزدی وزیر امور خارجه انجام داد. ما با رئیس بخش سیاسی وزارت امور خارجه عمان و کاردار سفارت ایران در عمان درباره این دیدار تماس گرفتیم، سفیر انگلیس در این کشور نیز به دنبال دیدار با علوی پس از بازگشت او از ایران است. همه این ناظران معتقدند که دیدار هیأت نمایندگی عمان از ایران شالوده‌ای برای مناسبات بهتر بین مسقط و تهران ایجاد کرده است.

۴- پیام اساسی علوی به میزبانان ایرانی خود این است که سلطان‌نشین عمان خواهان برقراری مناسبات حسنه با جمهوری اسلامی است و امیدوار است که پیوندهای نزدیکی که قبلاً بین عمان و شاه وجود داشت مانع این هدف نشود. به ما گفته شد که رهبران ایران به چنین ژستی از سوی عمان پاسخ مثبت داده‌اند و گویی برای تحکیم این مناسبات جدید هر یک از طرفین پشتیبانی خود را از مسئله‌ای که برای طرف دیگر حائز اهمیت درجه یک است، ابراز داشته است:

الف- علوی پس از بازگشت از ایران به نحو آشکاری گفت که استان خوزستان جزء لاینفک خاک ایران است و حوادثی که در آن استان روی می‌دهد باید در چارچوب حق حاکمیت ایران حل شود. این اظهارنظر در مطبوعات مسقط به نحو وسیعی مطرح شد. همان طوری که مدیر بخش سیاسی وزارت امور خارجه عمان در گفتگو با نماینده ایالات متحده

بیان داشت. اظهار نظر علوی مناسبات عمان را با عراق «پیچیده» می‌کند، ولی سلطان‌نشین عمان حاضر است در مرحله کنونی این وضع را بپذیرد.

ب- سفیر عمان در تهران، پس از مذاکره هیأت نمایندگی عمان با رهبران ایران، به نمایندگان مطبوعات در این شهر گفت که حکومت ایران قول داده است از پشتیبانی از جبهه آزادیبخش خلق عمان صرف نظر کند. ما اطلاع یافته‌ایم که خبرگزاری ایران طی اعلامیه‌ای این مطلب را بیان داشته است. بنا به اظهار رئیس بخش سیاسی وزارت امور خارجه عمان، وعده ایران به صراحت اظهارات سفیر نبوده با این وجود به روشنی از آنچه که بازرگان و دیگران گفتند می‌توان از آن این نتیجه را گرفت. اما مقامات ایران درباره این واقعیت که یک هیأت نمایندگی از جبهه آزادیبخش خلق عمان چندی قبل از ایران دیدن کرده است، به علوی اظهار داشتند که حکومت ایران از این هیأت دعوت نکرده بود. و این دعوت از سوی یکی از گروه‌های انقلابی در این کشور صورت گرفته است. علوی این توضیح را پذیرفت زیرا او می‌دانست که در ایران امروز قبول کردن مسئولیت برای اقدامات سیاسی دشوار است.

۵- علوی به طور محرمانه به سفیر انگلیس گفت که ایرانیان درباره مقاصد احتمالی شاه به اندازه قابل ملاحظه‌ای بیمناک هستند و ایرانیان همچنین از مصر نیز می‌ترسند زیرا تصور می‌کنند که مصر پایگاهی برای فعالیتهای طرفداران شاه خواهد شد. ظاهراً به همین دلیل بود که آنها از رفتار عمان برای نشان دادن مناسبات حسنه استقبال کرده‌اند زیرا تصور می‌کردند که عمان ممکن است به عنوان یک پایگاه برای مصر و شاه جهت اقداماتی علیه جمهوری اسلامی مورد بهره‌برداری قرار گیرد. علوی به ایرانیان اطمینان داد که سلطان‌نشین عمان علیرغم موضع آن درباره پیمان مصر و اسرائیل، چنین هدفی را دنبال نمی‌کند. علوی همچنین درباره شایعات کذب حضور سربازان مصری در عمان اظهار داشت که این شایعات بی‌اساس است و بدین ترتیب سوءتفاهم برطرف شد.

۶- علوی همچنین به سفیر انگلیس گزارش داد که ایرانیان به او گفته‌اند خواهان برقراری مناسبات حسنه با ایالات متحده هستند ولی در ضمن اضافه کرده‌اند که «افکار عمومی» ایران مانع از آن است که این تمایل تحقق یابد. ما در مورد این جنبه از گفتگوها اطلاع بیشتری در دست نداریم.

۷- یکی از مطالب ضمنی که به دست آمد این بود که سفیر انگلیس ضمن مذاکره با مقامات عمان چنین برداشت کرده بود که علوی برای مذاکرات خود با [آیت‌الله] خمینی چندان اهمیتی قایل نبوده است. و اطلاعاتی که علوی به دست آورد بیشتر از جانب رهبران حکومت ایران بوده است و ما تصور می‌کنیم که مذاکرات علوی بیشتر درباره همبستگی اسلامی بوده است.

۸- برداشت دیگر سفیر انگلیس این بود که جمهوری اسلامی با میهمانان عمانی خود چنان رفتار کرده است که آنها نیز به اندازه شاه در تعقیب منافع ملی ایران مصمم هستند. این امر نه

تنها در مطالبی نظیر ادامه تأکید در به کار بردن اصطلاح «خلیج فارس» بلکه همچنین در مذاکرات موجود درباره مسائل مربوط به تمامیت ارضی نیز به چشم می‌خورد. سیزر

سند شماره ۹

محرمانه

۲۴ ژوئیه ۱۹۷۹ - ۲ مرداد ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، منامه - ۱۵۳۶ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در بغداد، دوحه، دوبی، کویت، لندن، مسقط، تهران.
مرجع: منامه ۱۵۱۲

موضوع: اظهارات وزیر امور خارجه بحرین درباره روابط با
ایران و فشارهای داخلی شیعیان

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- خلاصه: وزیر خارجه از وزیر خارجه کویت در تهران شنیده است که ایرانیها مایل به برقراری روابط دوستانه با بحرین بوده و به زودی سفیر خود را به این کشور خواهند فرستاد. در صحنه داخلی، دولت از رهبران شیعه خواسته است که از تشدید ناآرامی دست بردارند و فروش مشروبات الکلی و نمایش کاباره‌ها را در پاسخ به درخواستهای اخیر شیعیان و نیز در پاسخ به تعصب مذهبی رو به رشد جامعه تحت کنترل شدید درآورده است. پایان خلاصه.

۳- وزیر خارجه، شیخ محمد بن مبارک آل خلیفه در تاریخ ۱ مرداد به سفیر گفت که روز قبل وزیر خارجه کویت، صباح آل احمد آل صباح در تهران با وی تلفنی تماس گرفته است. آل صباح از نتیجه گفتگوها و نیز محکوم شمردن تهدیدات آیت‌الله روحانی علیه بحرین توسط ایرانیها و نیز ابراز این امر توسط آنها که فقط خواستار برقراری روابط دوستانه با کویت و بحرین هستند اظهار رضایت کرد. وی گفت ایرانیها نام سفیر جدید خود در بحرین را به وی اطلاع داده‌اند که به زودی اعلام خواهد شد.

۴- شیخ محمد با اشاره به «فهرست تقاضاهای» رهبران محلی شیعه، گفت که دولت این تقاضاها را کاملاً رد نکرده است، در حالیکه دو تن از پنج تن رهبران اصلی یعنی العکری و آل‌عصفور درخواستهای متعادلی مطرح نکرده‌اند. امیر اخیراً با این گروه ملاقات کرده و به آنها اطلاع داده بود که خواسته‌های مشروع مردم مورد بررسی قرار خواهد گرفت لیکن نحوه حکومت بر کشور به آنها ارتباطی ندارد. دیگر مقامات نیز با رهبران شیعه ملاقات کرده و به آنها علیه اقدامات آشوب‌برانگیز هشدار داده‌اند. دولت بحرین میل ندارد که این اشخاص را به صورت شهیدان برای جامعه درآورد و نیز نمی‌خواهد با دست زدن به اقداماتی تشنج بین شیعه و سنی را شدت بخشد، لیکن اگر آنها هشدار مزبور را جدی تلقی نکنند به سرعت آنها را سرکوب خواهد کرد.

شیخ محمد گفت که دولت بحرین مسئله تهدید رانندگان تاکسی به اعتصاب را حل کرده و



مانع تبدیل آن به یک تشنج شیعی و سنی شده است.

۵- شیخ محمد در ادامه گفت که دولت تنها در رابطه با یکی از تقاضاها، آسیب‌پذیر است. و آن مسئله مشروبات الکلی و سرگرمی‌ها است. بنابراین تصمیم گرفته شد که فروشگاههای مشروبات الکلی و نمایش‌های کاباره‌ها در ماه رمضان کاملاً تعطیل شود. پس از آن نیز به آنها اجازه بازگشایی داده خواهد شد ولی حق ندارند در رسانه‌های خبری محلی درباره کالاهای خود تبلیغ کنند. وزیر گفت، نمایشهای کلوپ‌های شبانه نیز باید «محترمانه» برگزار شود.

۶- در خاتمه این گفتگو، شیخ محمد گفت که دولت، فعالیتهای این گروه از رهبران مذهبی شیعه را به دقت زیر نظر گرفته است تا مبادا از مذهب جهت نیل به اهداف سیاسی بهره‌برداری کنند. دولت بحرین همچنین مراقب گروههای چپ‌گرای سنی است که سعی دارند با توسل به مذهب به اهداف خود دست یابند.

۷- نظریه: شیخ محمد از اخبار ارائه شده توسط وزیر خارجه کویت از تهران بسیار خوشحال بود. کنترل شدید مشروبات الکلی و کاباره‌ها، گرچه به مذاق جمعیت غیربحرینی خوش نمی‌آید، لیکن جمعیت بحرینی کاملاً از آن استقبال می‌کنند. این امر بیش از آن که یک اقدام خنثی کننده فعالیتهای شیعیان باشد، نشانگر پاسخ لازم دولت در قبال ظهور تعصب اسلامی در جامعه بحرین و نیز نقاط دیگر جهان اسلام است.

پلترو

سند شماره ۱۰

۱۹ اوت ۱۹۷۹ - ۲۸ مرداد ۱۳۵۸

محرمانه

از: سفارت آمریکا، منامه - ۱۶۹۱
به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در دوبی، امان، اورشلیم، جدده، کویت، لندن، مسقط، تهران

موضوع: رهبران شیعه در روز اورشلیم تظاهرات کوچکی در بحرین برپا می‌کنند

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- در پاسخ به درخواست آیت‌الله خمینی مبنی بر برگزاری تظاهرات به حمایت از روز اورشلیم یعنی ۱۷ اوت [روز قدس] آخرین روز جمعه ماه رمضان، ملاهای شیعه در مرکز منامه تظاهرات کوچکی برگزار کردند. بنا به گفته منبع موثق دولتی، گروه تظاهرکنندگان که مرکب از ۸۰۰ نفر بود تحت مراقبت پلیس به راهپیمایی مسالمت‌آمیزی تا قرارگاه ساف پرداخت و پس از ایراد سخنرانی توسط چند نفر این تظاهرات پایان گرفت. حقیقت برگزاری تظاهرات در مطبوعات مورخ ۱۸ اوت مورد توجه چندانی واقع نشد. تلویزیون بحرین در عصر ۱۷ اوت یک برنامه یکساعت و نیمه در مورد اورشلیم پخش کرد ولی از تظاهرات ذکری به میان نیاورد.
۳- بنا به گفته منبع، دولت بحرین درخواست [آیت‌الله] خمینی را چند روز قبل دریافت



کرد لیکن تصمیم گرفت در مورد آن اقدامی به عمل نیاورد. ملاهای شیعه بدون کسب مجوزهای لازم تظاهرات مزبور را برگزار کردند. احتمالاً وزارت کشور آنها را فراخواهد خواند و به آنها هشدار خواهد داد. لیکن اقدامات خشن تری به عمل نخواهد آمد. سفیر انگلستان در تاریخ ۱۷ اوت با امیر ملاقات کرد و او را نسبت به این موضوع ناراحت نیافت.

۴- نظریه: ملاهای شیعه ظاهراً می‌خواسته‌اند با استفاده از روز اورشلیم [روز قدس] [آیت‌الله] خمینی به اهداف سیاسی خود دست یابند. نکته جالب توجه این است که در آخرین روز جمعه ماه رمضان با وجود گرمای بیش از حد و طوفان شن آنها توانسته بودند این تعداد افراد را برای برگزاری تظاهرات از منازل خود بیرون بکشند.

پلترو

سند شماره ۱۱



محرمانه
 از: سفارت آمریکا، منامه - ۱۷۲۴ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی
 جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در جده، قاهره، امان، دوی، کویت، مسقط، صنعا، تهران.

موضوع: دستگیری رهبر شیعه و تظاهرات در روز عید فطر

- ۱- (محرمانه - تمام متن)
- ۲- خلاصه: رهبر مذهبی شیعه محمدعلی العکری به محض مراجعت از تهران در تاریخ ۲۲ اوت دستگیر شد. گرچه تظاهرات مسالمت‌آمیز روز قبل بر جو عید فطر تأثیر چندانی نبخشید، لیکن رویدادها نشانگر تشنج پنهان بین رژیم و افراطیون شیعی بود. گزارش مربوط به انتشار بیانیه تحریک‌آمیز توسط العکری در رادیو تهران عصبانیت خاصی برانگیخته است. پایان خلاصه.
- ۳- سفارت از طریق منابع متعدد به وقایع‌نگاری رویدادهایی پرداخته است که در تاریخ ۲۲ اوت منجر به دستگیری شیخ محمدعلی العکری ملای شیعه و تظاهرات ۲۳ اوت به حمایت از آزادی وی شد. این وقایع‌نگاری ناقص است و به طور کامل مورد تأیید قرار نگرفته است.
- ۴- در دو سه روز قبل از تعطیلات عید فطر مورخ ۲۳ تا ۲۶ اوت، جلسات و سخنرانیهای برگزار شده در مبعادگاههای شیعیان نشانگر اوج بیشتر سخنان ضددولتی و ضدخلیفه بود. بنا به گفته یکی از مقامات میان رتبه وزارت اطلاعات، در همین مدت محمدعلی العکری رهبر شیعیان مخالف اجازه یافت که در رادیو تهران به انتقاد شدید از امیر و دولت بحرین به دلیل عدم پاسخ به تقاضاهای رهبر شیعه پردازد.
- ۵- العکری به محض ورود به بحرین در پای پلکان هواپیما و قبل از آنکه جمعیت گرد آمده بتوانند به استقبال از وی پردازند توسط مقامات امنیتی کشور دستگیر شد. چند رهبر

مذهبی دیگر شیعه که بنا به گزارشهایی یک یا دو و یا پنج تن بودند، نیز دستگیر شده‌اند. دو منبع موثق اظهار داشته‌اند که دستور لغو مرخصی مقامات پلیس به مناسبت عید فطر در تاریخ ۲۲ اوت صادر شده است.

۶- تظاهرات و راهپیمایی در تاریخ ۲۳ اوت در اعتراض به دستگیری العکری سازماندهی شد. سفیر شاهد راهپیمایی سیصد تا چهارصد نفر با مراقبت و نظارت پلیس بود و متوجه شد که یکی از پلاکاردها خواستار برقراری «قانون اساسی اسلامی» شده است. این راهپیمایی ظاهراً مسالمت‌آمیز بود لیکن یکی از منابع گزارش داد که چند تن از تظاهرکنندگان دستگیر شده‌اند. ۷- سفارت صبح روز ۲۷ اوت گزارشهای متناقضی دریافت داشته و نمی‌داند که آیا العکری و همراهانش آزاد شده‌اند و یا هنوز هم در توقیف به سر می‌برند.

۸- گزارش خبری مطبوعات مورخ ۲۶ اوت که ممکن است با این موضوع مرتبط باشد یا نباشد حاکی از آن است که امیر به خاطر عید فطر چند تن از زندانیان را آزاد کرده است.

۹- نظریه: منابع موجود در دولت بحرین هنوز مطالب فوق را تأیید نکرده‌اند، ولی ظاهراً رویدادها در مورد سه واقعه مهم تأیید شده از صحت کافی برخوردار است که عبارتند از: دستگیری العکری، لغو مرخصی مقامات پلیس و تظاهرات ۲۳ اوت. این رویدادها نشانگر اوج مخالفت شیعه با دولت بحرین و عکس‌العمل دولت است. دولت بحرین تا به حال به رهبران شیعه هشدار داده و سعی کرده است خواسته‌های آنها را برآورده ساخته و از ترس اینکه مبادا دستگیرشدگان به صورت قهرمان جلوه‌گر شوند از دستگیری آنها نیز خودداری ورزیده است. گرچه هزاران نفر جهت عرض تبریکات سنتی عید به الریفا هجوم آورده بودند و جو تعطیلات بر منامه و دیگر بخشهای کشور حاکم بود، ولی واقعیت امر این بود که تشنج نهفته میان رژیم و رهبران افراطی شیعه به نقطه اوج دیگری رسیده است. اگر گزارش مربوط به انتشار بیانیه تحریک‌آمیز از رادیو تهران صحت داشته باشد، این امر نیز تشنج دیگری برخواهد انگیخت. پلتر و

سند شماره ۱۲

۲۹ اوت ۱۹۷۹ - ۷ شهریور ۱۳۵۸

سری

از: سفارت آمریکا، منامه - ۱۷۴۹ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در دوی، بغداد، دوحه، جدّه، کویت، لندن، مسقط،

تهران

مرجع: منامه ۱۷۲۴

موضوع: آخرین وضعیت دستگیری رهبران شیعه و ناآرامی جاری شیعیان

۱- (سری - تمام متن)

۲- خلاصه: پنج تن از رهبران شیعه دستگیر و یکی از آنها اخراج شده است. دولت امیدوار



است که این اقدامات و نیز منع تظاهرات، ناآرامی آشکار شیعیان را از میان بردارد. میزان حمایتی که مخالفین شیعی از ایران کسب می‌کنند هنوز نامعلوم است. پایان خلاصه.

۳- در تاریخ ۲۹ اوت منبع موثق دولت بحرین مطالب ذیل را در مورد دستگیری العکری و وضع جاری ناآرامی شیعیان ارائه کرد. پنج تن از رهبران شیعی هم‌اکنون در بازداشت به سر می‌برند:

(الف) شیخ محمدعلی العکری - در غروب روز ۲۲ اوت در فرودگاه بحرین و به محض مراجعت از تهران و ملاقات با آیت‌الله روحانی دستگیر شد. وی بیانیه‌ای در رادیو تهران منتشر نکرده است. لیکن قصد داشته به محض مراجعت تلاشهای ضد رژیم را شدت بخشد. پلیس ضدآشوب حدود ۱۵۰ نفر را که برای استقبال از وی به فرودگاه آمده بودند متفرق ساخت.

(ب) شیخ علی آل‌عصفور.

(پ) شیخ جاسم قنبر - این دو تن خواستار انجام اقدامات خشونت‌بار در صورت به رسمیت نشناختن تقاضای شیعیان توسط دولت بحرین گردیده‌اند.

(ت) علی غلام تقی - دریافت کننده بسیاری از اعلامیه‌های ضد رژیم ارسالی از ایران و توزیع کننده آنها در محل. دولت بحرین حدود ۲۵۰۰۰ اعلامیه ارسال شده از ایران را جمع‌آوری کرده است.

(ث) عیسی الشریفی - یکی از نمایندگان فعال [آیت‌الله] خمینی که دائماً با قم در تماس است. تقی و شریفی تلاش می‌کردند تا انقلاب اسلامی را در بحرین نیز رواج دهند.

۴- علاوه بر این، در تاریخ ۲۶ اوت دولت بحرین شیخ عبدالهادی مدرسی را که دارای اصلیت بحرینی ولی گذرنامه شارجهای است اخراج کرد. مدرسی به فرقه افراطی شیعه به نام شیرازیین که پیرو آیت‌الله شیرازی هستند تعلق دارد. منبع دولت بحرین مدرسی را فردی توصیف کرده است که عامل هرگونه مخالفت موجود در میان شیعیان است. به دنبال اخراج وی، مقام سفارت بحرین در تهران توسط مقامات ایرانی احضار شد تا درباره اقدامات انجام شده علیه مدرسی توضیح دهد. یک پاسخ فاقد رویارویی برای وی ارسال شده است.

۵- مقامات امنیتی دولت بحرین معتقدند که مخالفین شیعه مسئول به آتش کشیده شدن سینمای اوال در عید فطر هستند. قبلاً به این سینما چند بار تلفن شده و گفته شده بود که اگر به نمایش فیلم‌های غربی ادامه دهد نابود خواهد شد. روزنامه دولتی اخبار الخلیج پس از گزارش آتش‌سوزی، به طور تلفتی تهدید شد که اگر نسبت به آرمانهای شیعیان همدردی بیشتری نشان ندهد دفتر چاپ آن نیز به سرنوشت سینما دچار خواهد شد.

۶- علی‌رغم ممنوع شدن تظاهرات از طرف دولت، اعلامیه‌هایی توزیع گردیده که خواستار برپایی تظاهرات در ساعت ۳ بعد از ظهر در مقام المدن در پایین شهر منامه در مخالفت با دستگیریها شده‌اند. پلیس تصمیم گرفته است مانع از برگزاری تظاهرات شود.

۷- در تظاهرات ۲۳ اوت چند تن از تظاهرکنندگان اعلامیه‌های جبهه آزادیبخش خلق

بحرین در ماه مارس را توزیع کردند که نشان می‌دهد مخالفین چپگرا نیز در نظر دارند با پیوستن به شیعیان میزان مخالفت علیه دولت را شدت بخشند. سه تن از اعضای جبهه خلق آزادبخش بحرین در تظاهرات ماه مارس شرکت کرده بودند.

۸- دولت امیدوار است که با این اقدامات فعالیت شیعیان را کاهش دهد. ولی مطمئن نیست که بتواند در این کار موفق شود، خصوصاً اگر موضع رسمی ایران مبهم باشد و یا حمایت آن از شیعیان ادامه یابد.

سند شماره ۱۳

۱۶ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۲۵ شهریور ۱۳۵۸

محرمانه

از: کنسولگری آمریکا، کراچی - ۵۲۶۱ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در ابوظبی، بغداد، داکا، دوحه، اسلام‌آباد، جدّه، کابل، کویت، منامه، مسقط، دهلی‌نو، صنعا، تهران

موضوع: کنفرانس منطقه‌ای خلیج فارس - جنوب آسیا

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- خلاصه: ژوزف توینام معاون وزیر امور خارجه در امور خاور نزدیک در تاریخ ۶ سپتامبر در کنفرانس معاونین نمایندگیها و مقامات ارشد که در شهر کراچی برگزار شده بود شرکت داشت تا به بررسی روابط و همبستگی‌های سیاسی و اقتصادی بین کشورهای حوزه خلیج فارس و کشورهای جنوب آسیا، فعالیت‌های شوروی در منطقه و حضور نظامی آمریکا پردازد. معاون وزیر در امور مربوط به مواد مخدر، کورلد، به بحث و گفتگو در این زمینه پرداخت. آنچه در ذیل می‌آید از یادداشت‌برداریهایی (نمایندگی ما در) کراچی اقتباس شده که باید توسط شرکت‌کنندگان در این کنفرانس تصحیح و رفع ابهام شود. پایان خلاصه.

۳- سفیر هامل در آغاز بحث درباره روابط و همبستگی‌های منطقه‌ای اظهار داشت که پاکستان همیشه درصدد دریافت کمک خارجی به خصوص از اعراب بوده است. اخیراً میزان کمک اعراب به پاکستان به خاطر تنفر آنها از رئیس جمهور ضیاء[الحق] در نتیجه اعدام بوتو کاهش یافته که البته علت دیگر آن بدحسابی این کشور در بازپرداخت بدهیهای خویش نیز است. به طور مثال: کمک ۲۰۰ میلیون دلاری سال گذشته عربستان سعودی هنوز توسط پاکستان پرداخت نشده است.

(تذکر: گزارشات بعدی حاکی از آن است که قرار است در همین رابطه و طی ماه جاری ۱۰۰ میلیون دلار پرداخت شود.) پاکستان نیز به نوبه خود از فقدان کمک‌های عربی ناراحت است.

۴- تنفر و انزجار نسبت به ضیاء[الحق] به خاطر اعدام بوتو توسط چند تن از نمایندگان واحدهای حوزه خلیج فارس تأیید گردید، که یکی از آنها در امارات متحده عربی مستقر است



و می‌گوید رهبر آن کشور از دوستان صمیمی بوتو بوده و معتقد است که از ضیاء[الحق] قول گرفته بود بوتو را اعدام نکند. اعتقاد عموم بر این است که کشورهای عربی نمی‌خواهند شاهد تجزیه پاکستان باشند. بسیاری از کشورهای حوزه خلیج [فارس] و دیگر کشورهای عرب (مانند لیبی) در زمینه آموزشهای نظامی و استخدام مزدور چشم به پاکستان دوخته‌اند.

کویت پس از مشاهده رویدادهای ایران و افغانستان، اکنون به پاکستان به عنوان عنصر ثبات در منطقه چشم دوخته است ولی برای دیگر کشورهای منطقه، پاکستان بخشی از عوامل بی‌ثباتی است و نه بخشی از راه حل این مشکل.

۵- کارگران کشورهای آسیای جنوبی بخش مهمی از نیروی کار مورد نیاز کشورهای ثروتمند حوزه خلیج [فارس] را تشکیل می‌دهند و عمده این کارگران کره‌ای یا فیلیپینی هستند چون شرکت‌های دولتی این کشورها فعالانه به انعقاد قراردادها پرداخته و کارگران مورد نیاز خود را نیز به همراه می‌آورند، هندیها نیز همراه خانواده‌هایشان وارد این کشورها شده و از سمت‌های مهم تا سمت‌های کارمندی بانک‌ها را تحت انحصار خویش درآورده‌اند. درست است که پاکستانیها مشاغل عالی‌تری در اختیار دارند ولی اکثر آنها کارگران ماهر و غیرماهری هستند که بدون خانواده‌هایشان به این کشورها روی می‌آورند، به همین جهت مخارج کمتری متحمل شده و پول بیشتری به کشورشان می‌فرستند.

با بهبود بیشتر وضع و تأکید بیشتر بر کیفیت، کشورهای حوزه خلیج [فارس] خواستار استخدام تکنسین‌های فنی‌تر اروپایی و آمریکایی خواهند شد. در همین حال، بعضی از کشورهای حوزه خلیج [فارس] در حال کم کردن شمار کارگران جنوب آسیایی هستند. یکی از این کشورها امارات متحده عربی است که در آن در نتیجه تأکید بیشتر بر استخدام اعراب به جای پاکستانیها، شمار کارگران پاکستانی شدیداً رو به کاهش است. (البته به استثناء مشاغل نظامی... نمونه بارز این امر این است که فرمانده نیروی هوایی امارات متحده عربی یک فرد پاکستانی است) کشورهای دیگر حوزه خلیج [فارس] مانند کویت کارگران پاکستانی را به اعراب ترجیح می‌دهند چون پاکستانیها خود را وارد مسائلی چون رقابت‌های درونی اعراب نمی‌کنند.

۶- به نوبه خود، پاکستان نیز در برخورد با اعراب مشکلاتی دارد و علت آن نیز تفرقه موجود در میان این کشورهاست (به طور مثال نظامیان پاکستان با این شرط در لیبی استخدام می‌شوند که علیه مصر به کار گرفته نشوند). این امر می‌تواند ایجاد اصطکاک‌هایی را سبب شود و از میزان حسن نیت ناشی از تدارک نظامی پاکستان بکاهد. به هر حال، حتی در مواردی هم که این‌گونه رابطه نظامی خالی از اصطکاک باشد (مانند عمان) ظاهراً هیچ اهرم سیاسی در اختیار پاکستان قرار نمی‌دهد. این موضوع در رابطه با مهاجرت عظیم کارگران به کشورهای حوزه خلیج [فارس] که بدون موافقت بین دولتمن صورت گرفت نیز صادق است.

۷- حضور کارگران آسیای جنوبی در کشورهای حوزه خلیج [فارس] به منظور انجام

کارهای بدنی که اعراب از انجام آنها اکراه دارند بر جوامع کشورهای خلیج [فارس] تأثیر خواهد گذارد. در اینجا یک وضعیت نیمه استعماری حاکم است که در آن اعراب نقش راجه‌های انگلیسی را ایفا می‌کنند و کارگران آسیای جنوبی به صورت خدمتکار و زیردست انجام وظیفه می‌نمایند. تأثیر بازگشت شمار عمده‌ای از این کارگران به کشورهای آسیای جنوبی به خصوص پاکستان بسیار ویران کننده خواهد بود. علاوه بر قطع ناگهانی منبع درآمدهای ارزی خارجی، یعنی ارسال ارز توسط کارگران، بازگشت آنها به این کشورها سبب تشدید بیکاری و کم‌کاری خواهد شد که در نتیجه مهاجرت عظیم کارگران این کشورها به حوزه خلیج [فارس] در دوران بعد از سال ۱۹۷۳ حل شده است. به هر حال اکثر پاکستانیهای حاضر در حوزه خلیج [فارس] به خاطر جمع‌آوری ثروت به آنجا رفته‌اند تا بعدها بتوانند به کشور خود بازگردند و قصد اقامت دائم در کشورهای حوزه خلیج فارس را ندارند.

۸- ثروت کشورهای حوزه خلیج [فارس] به معنی اعمال نفوذ بر سیاستهای پاکستان نیست. پاکستانیها معمولاً از اظهارنظر در مورد خاورمیانه طفره رفته و منتظر سیاست‌های عربستان سعودی و دیگر کشورهای منطقه می‌شوند تا از آن پیروی کنند. پاکستان دارای یک هیأت نمایندگی در قاهره است که به عنوان حافظ منافع چند کشور عمل می‌کند. در عین حال که بعضی از کشورهای عربی خواستار خروج آنها می‌باشند (مانند لیبی و عراق)، کشورهای دیگری (چون کویت و عربستان سعودی) خواستار ادامه حضور این هیأت نمایندگی در قاهره هستند.

۹- ایران نفوذ خود را در منطقه از دست داده است. نگرانی در مورد اوضاع آنجا به خاطر [بُعد] مسافت از بین می‌رود. پاکستان گرچه از اعمال فشارهای شاه ناراحت بود (به خصوص در مورد رفع اختلاف با هند) ولی دیگر تحت تأثیر ایران قرار ندارد. حضور نظامیان پاکستان در کشورهای حوزه خلیج فارس نیز مسئله‌ای حاد بین آنها شده است، چون هر یک خواستار سهم بیشتری در منطقه هستند، ولی [آیت‌الله] خمینی نیز به نوبه خود نمی‌خواهد به هیچیک از آنها چنین سهمی داده شود. عراق نیز کاملاً نگران تصرف توسط کمونیستهای ایرانی است. (عراقی‌ها بین ایدئولوژی کمونیستی که مورد تفرشان است و تسلیحات نظامی کمونیستی که مورد قبول آنها است تفاوت قائل می‌شوند). کویت نمی‌خواهد حتی تصور تجزیه ایران را در سر پیرواند و بنابراین در مورد وقوع آن تردید دارد. در صورتی که شاه کنترل امور ایران را در دست می‌داشت، ممکن بود اتفاقات جاری در افغانستان رخ ندهد. پس از خروج شاه، پاکستان دیگر به عنوان یک عامل ثبات مورد توجه اعراب نیست.

۱۰- روسها به خاطر رویدادهای ایران و افغانستان، در منطقه قوی‌تر شده‌اند. با این حال، روسها نتوانسته‌اند از فرصت‌های بسیار مغتنم موجود در این کشورها استفاده کنند و به همین دلیل این فرصت‌ها جنبه بازی با آتش را پیدا کرده است. در حال حاضر، ایران به شوروی و کمونیست‌های وطنی به دیده تردید و سوءظن می‌نگرد. رژیمهای ترکی و امین تحت‌الحمایه

شوروی در افغانستان در نتیجه مرگ و میر، فرار و ترک خدمت با کاهش نیروی انسانی شدیدی روبرو شده و ممکن است برای دریافت نیروی نظامی دست به دامان شوروی بشوند. در عین حال که شورشیان تنها کمک ناچیزی از خارج دریافت می‌دارند، فرار نظامیان پادگان اسمر می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. افغانها هیچگاه به روسها اعتماد نداشته‌اند. علاوه بر این در افغانستان پناهندگان بسیاری از آسیای مرکزی شوروی وجود داشته که معتقدند دولت خلقی افغانستان آنها را به شوروی فروخته و به عبارتی به آنها خیانت کرده است. رژیم ترکی - امین به احتمال زیاد سرنگون خواهد شد (ولی نمی‌توان روی این موضوع حساب کرد). با این حال، روسها معتقدند هر رژیمی که در کابل روی کار آید باید به آنها باج بدهد، در نتیجه روسها تلاش نخواهند کرد تا شورشیان افغانستان را کاملاً از بین ببرند گرچه ممکن است در حدود اعزام نظامیان خود به منظور حفظ امنیت مناطقی که شهروندان روسی در آنجا مشغول کار و زندگی هستند، برآیند.

[۱۱]- کشورهای حوزه خلیج فارس و جنوب آسیا معتقدند که آمریکا نتوانسته است به صورت عامل موازنه‌ای در برابر روسها عمل کند: طرز فکرهای موجود مبهم است: این امید که آمریکا بالاخره راه ارتقا و ثبات منطقه را خواهد یافت و مانع از گسترش نفوذ شوروی خواهد شد با تردید از انجام اقدامات مؤثر توسط آمریکا و ترس از آنکه مبادا آمریکا دست به حرکتی آشکار بزند که مورد مخالفت آنها واقع شود، آمیخته است. پاکستانیها ترس از این دارند که مبادا سرنگونی رژیم ترکی - امین موجب دخالت مستقیم شوروی در افغانستان گردد و ۵۰٪ امیدوارند که آمریکا نیز وارد صحنه شود ولی واقع امر این است که معتقد نیستند آمریکا این کار را انجام خواهد داد. هندیها زمانی که با صراحت سخن گویند از حضور شوروی در افغانستان به عنوان خطری جدی صحبت می‌کنند (گرچه رسماً اظهار عدم نگرانی می‌کنند) و معتقدند که آنها به عنوان قدرت نظامی اصلی منطقه باید عهده‌دار نقش اصلی شوند که آمریکا به احتمال بسیار، مایل به ایفای آن نیست. سعودیها که از فعالیت شوروی در شاخ آفریقا و یمن بیش از نفوذ آن در افغانستان نگران هستند، خواهان ایجاد یک رابطه تسلیحاتی «صریح و صادقانه» بین خود و آمریکا هستند تا بر اساس آن سعودیها نیاز تسلیحاتی خود را مشخص کرده و آمریکا سریعاً آن نیاز را برآورده سازد، و علاوه بر این آمریکا از سعودیها تقاضایی برخلاف خواست مردم عربستان سعودی نداشته باشد، که یکی از این موارد درخواست حمایت عربستان سعودی از قراردادهای کمپ دیوید است.

۱۲- به احتمالی موضع‌گیری مبهم در قبال آمریکا منجر به افزایش فعالیت نظامی آمریکا در منطقه خواهد شد. کشورهای حوزه خلیج [فارس] و پاکستان در خفا از افزایش فعالیت دریایی آمریکا در اقیانوس هند و آبهای مجاور استقبال خواهند کرد مشروط بر آنکه متقاعد شوند آمریکا عزم خود را برای تغییر مسیر رویدادهای سالهای اخیر راسخ کرده و می‌خواهد به عنوان عامل ثبات در منطقه اقداماتی انجام دهد. در این صورت آنها ترجیح می‌دهند افزایش این‌گونه

فعالیت‌ها بدون جنجال تبلیغاتی همراه باشد تا مجبور نباشند عکس‌العملی توأم با عدم تأیید از خود نشان دهند. در صورتی که افزایش این‌گونه فعالیت‌ها نشان عدم تصمیم‌گیری صحیح باشد مایه اضطراب و نگرانی شدید آنها خواهد شد.

۱۳- عکس‌العمل کشورهای حوزه خلیج [فارس] نسبت به توسعه و تولید تسلیحات اتمی پاکستان متفاوت بوده است. بعضی‌ها (مانند سعودیها) از این نگرانند که مبادا یک انفجار هسته‌ای توسط پاکستان منجر به بروز ماجراجوییهای اسرائیل شود. بدون شک تمام کشورهای حوزه خلیج فارس از این‌گونه موفقیت یک کشور مسلمان در زمینه کسب توان اتمی احساس غرور خواهند کرد. اکثراً از تلاش آمریکا در زمینه عدم تکثیر هسته‌ای به قیمت محروم ساختن پاکستان از کمک‌های نظامی و اقتصادی که می‌توانست منجر به تبدیل آن کشور به صورت عامل ثبات منطقه شود، احساس تأسف می‌کنند.

۱۴- کور (CORR) معاون وزیر خاطر نشان ساخت که موفقیت در زمینه کنترل حمل و نقل مواد مخدر در یک زمینه، منجر به انتقال حمل و نقل در منطقه دیگر خواهد شد. اقدامات موفقیت‌آمیزی در ترکیه و مکزیک انجام شده تا از قاچاق هروئین جلوگیری به عمل آید و اثر این اقدامات در کاهش معتادین آمریکا به تعداد ۵۰۰۰ نفر و کاهش مرگ و میر به میزان ۷۰٪ منعکس گردیده است.

در حال حاضر پاکستان، افغانستان و ایران حدود سه برابر مثلث طلایی تولید تریاک دارند و در اروپا و به خصوص آلمان غربی که در سال گذشته بیشترین میزان مرگ و میر ناشی از استفاده بیش از حد از هروئین را به خود اختصاص داده بود، مصرف هروئین جنبه همگانی پیدا کرده است.

هروئین تولیدی در پاکستان از اروپا نیز گذشته و وارد سواحل شرقی آمریکا می‌شود. استراتژی مربوط به این منطقه هم‌اکنون در دست تهیه است، و در اجرای آن مسئله امکان ادامه درآمدها ماده مربوط به عدم استفاده و کشت خشخاش در قراردادهای کمک و استفاده از سیستم رأی‌دهی در نهادهای مالی بین‌المللی را در نظر خواهد گرفت. در پاکستان چنین وسایلی به خاطر لایحه سمینگتون کارایی چندانی نخواهد داشت. علاوه بر این، منطقه کشت خشخاش تحت کنترل «پاتان» هاست که سود حاصله از فروش مواد مخدر نیز نصیب خود آنها می‌شود.

دولت پاکستان نیز نمی‌خواهد آنها را به آغوش افغانها براند (گرچه این خطر در حال حاضر دور از واقعیت است). با این وجود، روند موجود در نتیجه تأکید مجدد پاکستان بر حفظ تعصب اسلامی که مخالف با استفاده از مواد مخدر و نیز مشروبات الکلی است و نیز آگاهی پاکستان نسبت به افزایش میزان اعتیاد داخلی کمک مهمی در اجرای کنترل و مبارزه با مواد مخدر است.

سند شماره ۱۴

۱۷ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۲۶ شهریور ۱۳۵۸

محرمانه

از: سفارت آمریکا، منامه - ۱۸۵۲ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در دوی، امان، بغداد، دوحه، لندن، مسقط، کویت،
تهران

مرجع: الف) منامه ۱۷۴۹، ب) منامه ۱۷۲۴

موضوع: بحرین در مقابله با تظاهرات شدت نشان می‌دهد

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- خلاصه: وزیر اطلاعات ظاهراً نسبت به تصمیم راسخ دولت به منظور از بین بردن تشنجات فرقه‌ای بدون بروز عکس‌العملها زیاده از حد، مطمئن است. تاکنون شواهدی دال بر وجود احساسات ضدافراد غیر بومی به چشم خورده است، اما زندگی در حومه منامه و بقیه نقاط کشور کاملاً عادی به نظر می‌رسد. پایان خلاصه.

۳- در طول دو هفته گذشته دولت بحرین با شدت و سرعت چند تظاهرات شیعیان در پایین شهر منامه را متوقف ساخته است. گشتی‌های ضدشورش در خیابانهای پایین شهر مستقر شده‌اند و در هفته گذشته مغازه‌ها را زودتر از معمول تعطیل کرده‌اند و در اواخر بعد از ظهر- اوایل شب تعداد کمتری از افراد در خیابانها مشاهده می‌شدند. یک گروه کوچک مرکب از صد نفر در تاریخ ۱۱ سپتامبر به مناسبت فوت آیت‌الله طالقانی گردآمده بودند که پلیس آنها را به دقت زیرنظر داشت و به محض آغاز مشاجره متفرق شدند.

۴- این اقدامات جدی در حفظ و برقراری نظم همیشه با بیانیه‌های مطبوعاتی روزانه وزیران اطلاعات، کشور و دیگران (که به وسیله FBIS ارسال شده) توأم بوده که بر تصمیم راسخ دولت تأکید دارد. بیانیه ۱۴ سپتامبر وزیر کشور به آزادی تدریجی کسانی اشاره داشت که به دنبال تظاهرات زندانی شده‌اند. هنوز نمی‌دانیم که منظور وی آزادی تظاهرکنندگان زندانی است و یا پنج تحریک‌کننده شیعه را نیز که در آغاز عید فطر دستگیر شده‌اند در برمی‌گیرد.

۵- در تلاش برای از بین بردن مسائل تشنج‌آمیز غیرمستقیم میان دولت بحرین و جناح مخالف، امیر دستور اعاده گذرنامه ضبط شده ۴۰ دانشجو را بدون هیچگونه شرط قبلی صادر کرد و وزارت آموزش و پرورش در حال اجرای این دستور است.

۶- در تاریخ ۱۵ سپتامبر، وزیر اطلاعات در گفتگو با سفیر، تاکتیک‌های دولت را دارای سه جنبه توصیف کرد: الف) نشانگر تصمیم راسخ در برقراری و حفظ نظم و ثبات داخلی است؛ ب) مذاکره با کسانی را که با سیاستهای دولت مخالفند ممکن می‌سازد؛ پ) از طریق یک نمونه کار یعنی بازگرداندن گذرنامه‌های دانشجویی، نشان می‌دهد که مایل است در سیاستهای خود تغییری پدید آورد تا امید مخالفین بالقوه تبدیل به یأس نشود. علاوه بر این وزیر به ما گفت که



دولت بحرین هفته جاری را بسیار با اهمیت می‌داند. مدارس در ۱۵ سپتامبر دوباره باز شد در حالیکه در بعضی از بخشهای شیعیان کمتر در کلاسها حاضر شده بودند. اگر هفته اول مدارس خالی از رویداد و میزان حضور شاگردان نیز عادی باشد، دولت بحرین به این نتیجه خواهد رسید که اقداماتش مؤثر واقع شده است.

۷- یک عنصر جدید که در ناآرامیها و تظاهرات پیشین شیعه مشهود نبود، احساسات ضدغربی در تظاهرات هفته گذشته بود. بنا به گفته یکی از مقامات میان‌رتبه وزارت اطلاعات، اعلامیه‌ای که حدود یک هفته قبل منتشر شده بود خواستار اخراج بیگانگان و نیز تأمین تقاضاهای پیشین بود. بنا به شایعاتی که سفارت انگلستان قادر به تأیید آن نیست، یکی از شهروندان انگلیسی در پایان هفته گذشته در یکی از روستاهای شیعه‌نشین هدف ضرب و شتم قرار گرفته است. وزیر اطلاعات به وابسته دفاعی - یونیم - گفت که دو نماینده قبلی نیز از سبک زندگی بیگانگان شکایت کرده بودند. وی گفت هنگامی که به اطلاع آنها رسانیده بود از این وضع سودی نیز عاید آنها می‌شود، آنها حرفی نزده و ساکت شده بودند.

[۸]- اظهارنظریه: دولت بحرین نشان داده است که آماده است برای حفظ امنیت به زور متوسل شود. از اوج گرفتن تظاهرات و نیز گسترش آنها به خارج از بخش مرکزی منامه جلوگیری به عمل آمده است. زندگی در بخش‌های مسکونی و نیز بخش تجاری جدید کاملاً آرام است. وزیر اطلاعات مدعی است که باز گذاشتن راه مذاکره مخاطره‌آمیز است و یکی از سردبیران روزنامه‌ها به ما گفت که دولت بحرین گروه ضدشورش را وارد معرکه کرده است چون مذاکرات با شکست مواجه شده است. بنا به گفته سفیر انگلستان، نخست‌وزیر در هفته گذشته با چند تن از رهبران شیعه ملاقات کرده است. شواهد دال بر وجود احساسات ضدبیگانه، مستلزم مراقبت است، اما به نظر می‌رسد در حال حاضر هیچگونه خطری برای جامعه آمریکایی وجود ندارد.

پلترو

سند شماره ۱۵

۱۹ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۲۸ شهریور ۱۳۵۸

محرمانه

به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

از: سفارت آمریکا، مسقط - ۱۶۸۰

جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در بغداد، امان، دوحه، جدّه، کویت، لندن، منامه، ریاض، تهران، صنعا.

مرجع: سرویس خبرپراکنی خارجی نیکوزیا - ۱۱۳-۱۳ سپتامبر ۱۹۷۹

موضوع: احتمال تشکیل اجلاس نخست‌وزیران کشورهای خلیج [فارس]

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- در مذاکراتی با یوسف العلوی معاون وزیر خارجه عمان، در مورد احتمال تشکیل



اجلاسیه نخست وزیران کشورهای خلیج [فارس] گفت ایده این اجلاس این است که این کشورها بتوانند در مقابل بحرانی که فعلاً در این منطقه وجود دارد و ناآرامیهای شیعیان در بحرین و مناطق دیگر یک استراتژی دفاعی یکسان اتخاذ کنند، با این حال شواهد دال بر انجام این مذاکرات تأیید نشده است. علوی گفت عمان از این اجلاسیه که در سطح نخست وزیران باشد استقبال می کند ولی در صورتی که این طور نشود در سطح وزیران خارجه نیز مطلوب نظر ماست. این کشورها عبارتند از: کویت، عربستان، قطر، بحرین، امارات و عمان. وی تکرار کرد که عراق در این جرگه قرار ندارد.

۳- سفیر پرسید که اگر عراق دعوت نشود آیا کویت شرکت خواهد کرد و علوی پاسخ داد که نمی داند ولی گفت در طول سفر یک روزه آتی خود به عربستان می تواند در این مورد اطلاعاتی کسب کند. در این سفر وی قرار است در مورد تنگه هرمز با عربستان و بحرین مذاکراتی انجام دهد.

۴- نظریه: دورنمای تشکیل یک اجلاس بدون عراق محتمل به نظر نمی رسد ولی با حضور عراق نیز چنین احتمالی کمتر خواهد بود. با فرض اینکه چنین اجلاسیه ای تشکیل شود احتمال حضور وزیران خارجه در مجمع عمومی سازمان ملل کمتر خواهد بود.

وایلی

سند شماره ۱۶

محرمانه ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۳ مهر ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، منامه - ۱۹۲۷ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی - فوری
جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در دوی، امان، بغداد، بیروت، بن، دمشق، دوحه، کویت، لندن، تهران

موضوع: عکس العمل بحرین در قبال درخواست آیت الله مبنی بر سرنگونی
امیر بحرین توسط انقلاب اسلامی

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- خلاصه: وزیر خارجه بحرین معتقد است که تقاضای آیت الله روحانی در جهت سرنگونی رژیم سنی بحرین از حمایت شخص [آیت الله] خمینی برخوردار است. عربستان سعودی، کویت و عراق پیامهای جدی در حمایت از دولت بحرین ارسال داشته اند و هر یک همین موضوع را با یزدی وزیر خارجه در نیویورک در میان خواهند گذاشت. بحرین امیدوار است که روابطش با ایران عادی شود لیکن خود را آماده می کند که با تشنج بین شیعه و دولت در هفته های آتی مقابله کند. وزیر خارجه اطمینان دارد که دولت بحرین می تواند مشکلات امنیتی را با منابع موجود خود مرتفع سازد لیکن بدون شک مایل است از حمایت همسایگان خود نیز برخوردار باشد تا در صورت لزوم به آنها روی آورد. پایان خلاصه.



۳- وزیر خارجه بحرین شیخ محمد بن مبارک آل خلیفه در تاریخ ۲۵ سپتامبر به سفیر گفت که دولت بحرین شدیداً نگران بیانات اخیر آیت‌الله روحانی مبنی بر ایجاد انقلاب اسلامی در بحرین است که اعلام داشته است شخصاً از ایران این انقلاب را زیر نظر خواهد داشت.

(FBIS نیکوزیا ۲۴۱۶۱۷ سپتامبر ۱۹۷۹ حاوی بیانیه روحانی می‌باشد). این بیانیه و بیانیه اخیر روحانی و رهبر اخراجی شیعه یعنی محمدهادی مدرسی از طریق رادیو ایران منتشر شده و یکی از بیانیه‌های روحانی در حضور آیت‌الله خمینی ایراد گردیده است. شیخ محمد گفت همین موضوع نشانگر حمایت رسمی ایران از بیانات روحانی است. وی یادآور شد که در گذشته نیز تبلیغات سیاسی علیه بحرین و رژیم‌های بعثی و کمونیستی توسط شخصیت‌های غیردولتی اعمال می‌شد، لیکن در نهایت جنبه رسمی به خود گرفته است.

۴- شیخ محمد گفت که فرستادگان اخیر به بحرین (القصبی وزیر صنعت سعودی، الصباح وزیر نفت کویت، عدنان خیرالله تلفاح وزیر دفاع عراق) همه مدعی حمایت شدید دولت‌های متبوع خود در قبال طرز برخورد ایران بوده‌اند. عراق با صراحت خاص از حمایت خود در قبال این مسئله مشترک (حمایت ایران از شیعیان) یاد کرده و بنا به اظهارات وزیر خارجه، حاضر است کمک نظامی به بحرین بدهد. وی همچنین یادآور شد که پس از بیانیه اخیر روحانی، رادیو عراق آتش‌بس قراردادی خود را با رادیو ایران لغو کرد و سخن‌پرانی خود به داخل خوزستان را آغاز نمود.

۵- شیخ محمد گفت که بحرین انتظار ندارد در نتیجه تشدید حمایت ایران از مخالفین شیعه، ناآرامی درون کشور سریعاً گسترش یابد. دولت بحرین از اقدامات خود در جهت ختنی‌سازی تظاهرات راضی است. مذاکره با رهبران شیعیان ادامه دارد و یکی از پنج فرد دستگیر شده به دنبال عذرخواهی و اعتراف به خطاهای خود آزاد گردیده است. وزیر خارجه گفت، در درازمدت دولت بحرین به بررسی شکایات شیعیان خواهد پرداخت و در بخش مسکن و خدمات برنامه‌های اقتصادی و عمرانی جدیدی در پیش خواهد گرفت. وی گفت عربستان سعودی و کویت نیز آماده هستند از این برنامه‌ها از نظر مالی حمایت کنند. وی گفت عمران داخلی مهم‌ترین برنامه دولت را تشکیل می‌دهد.

۶- در نهایت، شیخ محمد گفت که نمایندگان چهار کشور (عربستان سعودی، کویت، بحرین و عراق) در نظر دارند در هفته آینده این موضوع را با یزدی وزیر خارجه ایران در نیویورک در میان بگذارند. این کار به ایرانیها نشان خواهد داد که کشورهای مهم عربی با یکدیگر متحد هستند، گرچه یزدی وزیر خارجه نخواهد توانست کاری در قبال آن انجام دهد.

۷- نظریه: آخرین بیانیه روحانی نشانگر اوج شدت بیشتر تبلیغات ایران علیه رژیم سنی در بحرین است. وزیر خارجه و ما گمان می‌کنیم که بقیه رهبریت بحرین به این نتیجه رسیده‌اند که آیت‌الله خمینی شخصاً از صدور انقلاب اسلامی ایران به خلیج [فارس] حمایت می‌کند. در همان حال که رؤسای دولت بحرین امیدوارند که این موضوع واقعیت نداشته باشد، و آیت‌الله

نیز به سادگی قادر به ارسال این پیام است، ولی آنها خود را آماده می‌سازند تا با تشنج بین شیعیان و دولت در هفته‌های آتی مقابله کنند. وزیر خارجه ظاهراً معتقد است که دولت بحرین با توسل به منابع خود قادر است مشکلات امنیتی را مرتفع سازد، لیکن بدون شک می‌خواهد از حمایت همسایگان خود نیز برخوردار باشد تا در صورت لزوم از آنها استمداد نماید. پلتر و

سند شماره ۱۷

محرمانه ۲۷ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۵ مهر ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، مسقط - ۱۷۴۱ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در ابوظبی، بغداد، دوحه، جدّه، کویت، لندن، تهران
مرجع: الف) سرویس خبرپراکنی خارجی ز - ۱۶۱۷، ۲۴ سپتامبر ۱۹۷۹ - ب) منامه ۱۹۲۷
موضوع: یک دیپلمات برجسته شیعه عمان در مورد تأثیر
خمینی‌گرایی بر شیعیان خلیج [فارس] اظهار نظر می‌کند
۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- در طول گفتگو درباره مسائل دیگر در تاریخ ۲۵ سپتامبر، سفیر پیشین عمان در ایران ملالاه حبیب که هم‌اکنون سرپرست امور سیاسی وزارت امور خارجه است و به تازگی از تهران بازگشته، در مورد خمینی‌گرایی و تأثیر آن بر شیعیان خلیج [فارس] و به خصوص عمان چنین اظهار نظر می‌کند (حبیب نیز یکی از شیعیان عمان است).

۳- اصرار آیت‌الله روحانی بر سرنگونی شیوخ بحرین. پس از نشان دادن گزارش آتشین روحانی (مرجع الف) حبیب گفت که اگر این سخنان با حمایت و یا حداقل به تحریک «نزدیکان [آیت‌الله] خمینی» صورت گرفته باشد اصلاً تعجب نخواهد داشت.

خوشبختانه وضع شیعیان عمان با وضع آنها در کویت و بحرین تفاوت بسیار دارد. در آنجا شیعیان کلاً عرب بوده و بخش عظیمی از جمعیت محلی را تشکیل می‌دهند، که شاید در بحرین اکثریت را دارا باشند، و در کویت بنا به گفته شیعیان این کشور ۴۰ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند. در بحرین و احتمالاً در کویت آنها به نسبت جمعیت، سهم خود را در منافع اقتصادی و مقامات سیاسی دریافت نکرده‌اند.

۴- حبیب در ادامه گفت که در عمان حدود ۱۰۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ شیعه در (جمعیت ۷۵۰۰۰۰ نفری این کشور) وجود دارد. شیعیان عمان هندی بوده و اصلیت عربی ندارند. اکثر آنها بازرگان بوده، و فعالیتهای زیادی در زمینه بازرگانی دارند (رئیس اتاق بازرگانی نیز شیعه است) و چون در دولت نمایندگان کافی دارند، نیازی به وارد شدن در سیاست نمی‌بینند. معاون وزیر دارایی عمان (و وزیر دوفاکتوی آن)، سفیر این کشور در آمریکا و دیگر مقامات عالی‌رتبه عمان نیز شیعه هستند.

خلاصه اینکه، خمینی‌گرایی در میان شیعیان عمان جریان ندارد، چون آنها بخش ناراضی و



محروم از جامعه را تشکیل نمی‌دهند.

۵- نظریه: حبیب یک نظریه خوش‌بینانه را مطرح می‌کند ولی سفارت نیز لازم نمی‌داند که در قضاوت او تردید شود. وسایل اطلاعاتی وسیع جامعه عمانی بر فعالیتهای شیعیان محلی نظارت دقیق دارد که ناشی از نگرانی این کشور در مورد بروز مخالفت شیعیان به تحریک [آیت‌الله] خمینی است. اخیراً در مورد شکایات شیعیان چیزهایی شنیده‌ایم لیکن تا آنجا که می‌دانیم در نتیجه این نظارت دقیق، فعالیت مخالف چندانی کشف نشده است. مطلب مضحک این است که مسئله شیعیان عمان در درازمدت نخواهد توانست بروز مخالفت شیعیان را ممکن سازد، لیکن تنفر مسلمانان سنی «اباضی» متعصب نسبت به ثروت و نفوذ جامعه کوچک شیعی غیرعرب این مسئله را احتمالاً به وجود خواهد آورد.

وایلی

سند شماره ۱۸

۲ اکتبر ۱۹۷۹ - ۱۰ مهر ۱۳۵۸

محرمانه

از: سفارت آمریکا، منامه - ۱۹۷۳ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در دوی، بغداد، قاهره، دمشق، تهران، جدده، کویت، مسقط، ریاض، تهران

موضوع: بحرین از پیشنهاد کمک مصر به خوبی استقبال می‌کند: اوضاع محلی آرام است
۱- وزیر اطلاعات بحرین علناً از پیشنهاد کمک نظامی معاون رئیس‌جمهور مصر، مبارک، در مبارزه علیه تهاجم احتمالی ایران استقبال کرده است (FBIS نیکوزیا ز ۲۶۲۱۳۲ سپتامبر ۱۹۷۹). در تاریخ ۲۸ تا ۲۹ سپتامبر وزارت اطلاعات از موضع مصر و نیز پیامهای مشابه دیگری که از کشورهای دیگر عربی دریافت کرده است قدردانی نمود، لیکن خاطرنشان ساخت که بحرین تقاضای دریافت اینگونه کمک‌ها را نکرده و نیز موقعیت را آنچنان حاد نمی‌داند. وی اضافه کرد که دولت اسلامی ایران این کشور را تهدید نکرده است، بلکه افراد خاصی این تهدید را مطرح کرده‌اند.

۲- اظهارات خصوصی وزیر با خودداری علنی آن کاملاً تفاوت داشت. وی به سفیر انگلستان گفت که پیشنهاد مبارک تنها دارای جنبه فرصت طلبی صرف است. در حقیقت، بحرین در مورد این موضوع از مصر پیامی دریافت نکرده است. وی گفت، تبادل بیانیه‌های عمومی به هیچوجه ارتباطی به این موضوع ندارد.

۳- در همین حال، بحرین حمایت‌های کامل مقامات عالی‌رتبه کویتی و سعودی بازدیدکننده از این کشور را تبلیغ می‌کند. نخست‌وزیر خلیفه بن سلمان آل خلیفه نیز بنا به دعوت فهد ولیعهد در تاریخ ۱۱ تا ۱۲ اکتبر به عربستان سعودی سفر خواهد کرد.

۴- تاکنون نتوانسته‌ایم خبر استقرار نظامیان سعودی در بحرین را در پاسخ به مانورهای



نیروی دریایی ایران در خلیج [فارس] مورد تأیید قرار دهیم. وزیر اطلاعات در مصاحبه ۲۹ سپتامبر خود گفته بود که نقل و انتقالات نظامی بین بحرین و عربستان سعودی عادی بوده و با فعالیت‌های ایرانی مرتبط نیست. ولی روز بعد، ولیعهد شیخ حمد گفت که هیچیک از نیروهای عربستان سعودی در بحرین مستقر نشده‌اند لیکن اظهار داشت که در صورت لزوم آنها خواهند توانست به سادگی به این کار پردازند. وزیر خارجه در پاسخ به سؤال مورخ ۲۵ سپتامبر سفیر در مورد شایعه حضور نظامیان سعودی گفت: «ما امیدواریم که این کار لزومی نداشته باشد.» به همین دلیل معتقدیم که تاکنون هیچیک از نظامیان سعودی به این منطقه فرستاده نشده‌اند.

۵- وضع امنیتی محل و پایین شهر منامه کاملاً آرام است. مطبوعات محلی سخنان یزدی وزیر خارجه را در مورد سیاست عدم مداخله ایران در امور داخلی کشورهای خلیج [فارس] منتشر کرده‌اند. اکثر ناظران سیاسی معتقدند که رابطه شیعیان و دولت در اواخر ماه نوامبر یعنی روزهای محرم وعاشورا و راهپیماییها و مراسم سنتی شیعیان به مرحله آزمایش گذاشته خواهد شد.

پلترو

سند شماره ۱۹

۵ اکتبر ۱۹۷۹ - ۱۳ مهر ۱۳۵۸

محرمانه

از: وزیر امور خارجه، نیویورک - ۹۰۱۵ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی - فوری
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در دوی، امان، بیروت، قاهره، دمشق، دوحه، جدّه، منامه، صنعاء، تهران

موضوع: گفتگوی دوجانبه ساندرز با شیخ محمد بن مبارک الخلیفه، وزیر خارجه بحرین

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- خلاصه: در گفتگوی دوجانبه ۴ اکتبر، شیخ محمد گفت دولت ایران مایل است که روابطش را با بحرین بهبود بخشد، لیکن ظاهراً گروه‌های مهم ایرانی می‌خواهند در بخش عربی خلیج [فارس] فتنه برپا کنند. وی معتقد است که کشورهای خلیج [فارس] باید مشترکاً با ایران وارد گفتگو شوند. شیخ محمد خواستار مشورتهای بیشتر کشورهای عربی خلیج [فارس] در زمینه امنیتی است. اما، وی پیشنهاد اخیر عمان را در مورد تنگه هرمز به خاطر نادرست بودن تاکتیک‌های عمان مورد انتقاد قرار داد. وی از روند افراطی ضدغربی موجود در کنفرانس غیرمتعهدها در هاوانا ابراز نگرانی نمود. ساندرز به ذکر آخرین رویدادهای مذاکرات صلح خاورمیانه پرداخت و از بحرین و دیگر کشورهای عربی خواست که تفاهم بیشتری نشان دهند. پایان خلاصه.

۳- ساندرز و شیخ محمد بن مبارک الخلیفه در تاریخ ۴ اکتبر در نیویورک گفتگوی

دوجانبه‌ای انجام دادند. در این گفتگو به مطالب ذیل پرداخته شد:

۴- انقلاب ایران. پس از تبادل تعارفات معمول، آقای ساندرز گفت که پس از اوج‌گیری



انقلاب اسلامی این اولین گفتگوی وی با شیخ محمد به حساب می‌آید، و در مورد تأثیر انقلاب از شیخ محمد سؤال کرد. وزیر خارجه گفت در مورد آینده ایران «هیچ چیز روشن نیست.» وی در هفته‌های اخیر با یزدی وزیر خارجه دو بار ملاقات کرده است که یک بار آن در هاوانا و بار دیگر آن در نیویورک بود و یزدی به وی اطمینان داده است که ایران قصد ندارد در امور دیگر کشورهای خلیج [فارس] مداخله کند. لیکن به محض اینکه شیخ محمد به بحرین مراجعت می‌کند می‌شنود که رادیو ایران تهدید کرده است که انقلاب را صادر خواهد کرد. بسیاری از گروه‌های ایرانی می‌گویند که از ناآرامی در خلیج [فارس] حمایت خواهند کرد، و این می‌تواند منبع اصلی مشکلات باشد.

۵- پس از آن شیخ محمد متذکر شد که وزیر خارجه ایران از حضور شدید آمریکا در بحرین ابراز نگرانی کرده است. شیخ محمد پاسخ داده بود که در مورد حدود حضور آمریکا در بحرین به یزدی اطلاعات درستی نداده است. وی به یزدی گفته بود که بهتر است ایران به انقلاب خود متکی شود و کاری به کار شیعیان بحرین نداشته باشد. مطبوعات ایران رژیم بحرین را مشابه رژیم شاه توصیف می‌کنند، و شیخ محمد در این مورد به یزدی شکایت کرده است. در مورد رابطه بحرین و آمریکا، وی یادآور شده بود که این رابطه به نفع بحرین است و مشابه رابطه دیگر کشورها با واشنگتن است. ایران نباید در این مورد تنها بحرین را سرزنش کند.

۶- سؤال شد که چرا ایرانیها توجه خود را به بحرین متمرکز کرده‌اند، شیخ محمد گفت علت این است که آنها نمی‌خواهند در حال حاضر به مشاجره با عربستان سعودی بپردازند، و به همین دلیل بحرین را انتخاب کرده‌اند. اما، شیخ محمد معتقد است که روابط دوستانه بحرین و ایران رو به بهبود است، چون یزدی به وی اطلاع داده بود که: الف) آیت‌الله خمینی از آیت‌الله روحانی خواسته است که از ایراد سخنان تحریک‌آمیز علیه بحرین خودداری کند و ب) انتصاب سفیر ایران در بحرین که به تأخیر افتاده بود به زودی انجام خواهد گرفت. سفیر جدید بحرین در ایران، روز قبل به سوی تهران پرواز کرد.

۷- در رابطه با پاسخ صحیح به ایران، وزیر خارجه گفت که وی خواستار همکاری صمیمانه‌تر بین کشورهای عربی خلیج [فارس] است. وی از اینکه در تشنج اخیر بین ایران و بحرین، این کشورها حمایت خود را از بحرین اعلام کرده بودند اظهار رضایت کرد. لیکن بحرین و همسایگان عربی‌اش باید فراتر از این رفته و با ایران وارد مذاکره شوند. شیخ محمد یادآور شد که ایران با شوروی هم‌مرز است و نیز در نزدیکی کشورهای عربی خلیج [فارس] قرار دارد، و بنابراین تهران یا باید با شوروی همکاری کند و یا با کشورهای خلیج [فارس] روابط مسالمت‌آمیز برقرار سازد. اعراب خلیج [فارس] باید به ایران بفهمانند که دوستی با خلیج [فارس] محتمل‌تر است. ایران نباید متوجه شود که تنها راه چاره برای آن نزدیکی به مسکو است.

۸- در مراحل بعدی گفتگو، وزیر خارجه سؤال کرد که اگر در نتیجه انقلاب ایران «اوضاع

وخیم شود» آمریکا چه عکس‌العملی نشان خواهد داد. منظور وی پیدایش یک رژیم افراطی چپ‌گرا در ایران بود. آقای ساندرز پاسخ داد که حمله هر کشور به کشور دیگر علت اصلی نگرانی بین‌المللی است، لیکن اگر کشوری از «درون تجزیه شود» اوضاع فرق خواهد کرد. و برای بیگانگان نحوه برخورد با آن خالی از مشکلات نخواهد بود. شیخ محمد سؤال کرد که آیا رویدادهای ایران قابل پیش‌بینی نیست و با صدای بلند گفت ممکن است که کشورهای خلیج [فارس] نیز بدون اینکه خود بدانند به چنین وضعی دچار شوند.

۹- امنیت خلیج [فارس]: شیخ محمد خلیج [فارس] را «زنجیر رابطی» از عمان تا کویت توصیف کرد. وی گفت امیدوار است که میان آنها مشورت‌های صمیمانه‌تری صورت گیرد. آقای ساندرز سؤال کرد که آیا منظور وزیر خارجه مشورت‌های رسمی با «یک سخنگو» است و یا تماس‌های غیررسمی و بدون بافت ویژه. شیخ گفت که وی بیشتر مایل است که در آینده یک سخنگوی مشترک ایجاد شود، ولی در حال حاضر خواهان ایجاد آن نیست.

۱۰- در پاسخ به سؤال شیخ محمد، آقای ساندرز گفت که دولت آمریکا در مورد امنیت خلیج [فارس] برنامه خاصی طرح‌ریزی نکرده است. دولت آمریکا معتقد است که کشورهای خلیج [فارس] باید ایده مربوط به آن را ارائه دهند. سپس ما با خوشحالی تمام هرگونه کمک لازم را در اختیار قرار خواهیم داد. ولی، ما حساسیت سیاسی ناشی از مداخله آمریکا را درک کرده و به آن احترام می‌گذاریم. این بدان معنی نیست که دولت آمریکا به این موضوع علاقه‌مند نیست، اما معنی آن این است که ما احساسات دولت‌های محلی را به خوبی درک می‌کنیم.

۱۱- پیشنهاد عمان در مورد تنگه هرمز. در مورد ابتکار امنیتی تنگه هرمز توسط عمان سؤال شد، وزیر امور خارجه گفت اصل پیشنهاد خوب است، لیکن نحوه مطرح کردن آن درست نبوده است. عمانیها قبل از تماس با «دوستان خود در خلیج [فارس]» به عراق و ایران سفر کرده‌اند. این امر احتمالاً نشانگر «تک‌روی» عمانیها است. قبل از آنکه بحرین بتواند عکس‌العملی نشان دهد، عمانیها متهم به تشکیل یک «پیمان» شده بودند. درست است که بحرین از رد آن اطلاع دارد، ولی پیشنهاد آسیب لازم را دیده است.

۱۲- آقای ساندرز سؤال کرد که چرا عراق با این شدت عکس‌العمل نشان داده است. وزیر خارجه گفت علت آن اولاً موضع خاص عمان در مورد قرارداد کمپ‌دیوید بوده و ثانیاً نشانگر تنفر عراق از مداخله «نیروهای» خارجی است.

۱۳- آقای ساندرز گفت می‌خواهد تصریح نماید که عمان بدون اصرار و پافشاری آمریکا به این کار مبادرت ورزیده است. درست است که ما به امنیت تنگه هرمز علاقه‌مندیم ولی پیشنهاد عمانیها را تنها چند روز قبل دریافت کرده‌ایم.

۱۴- کنفرانس هاوانا. وزیر خارجه گفت که در کنفرانس اخیر غیرمتعهدها در هاوانا شرکت کرده است. وی به آنجا رفته بود تا بگوید که نباید در امور کشورهای دیگر مداخله کرد تا به این ترتیب از فعالیت کاسترو در کشورهای دیگر انتقاد به عمل آید. لیکن به محض ورود به

کنفرانس متوجه شد که همه یا صریحاً از کاسترو تمجید می‌کنند و یا ساکت مانده‌اند. و به همین علت بحرین نمی‌توانست در چنین شرایطی گام اول را بردارد.

۱۵- در ادامه شیخ محمد اظهار داشت که ظاهراً غرب در نحوه برخورد خود با جهان سوم راه خطا پیموده است، که امروزه انتقاد از غرب «مرسوم» شده است. علی‌رغم این واقعیت که کمک‌های شوروی به جهان سوم بیشتر شامل تسلیحات است. کمک‌های آمریکا از جنبه مؤثرتری برخوردار است. مضحک‌تر از همه این است که رهبری محافظه‌کاران موجود در جنبش غیرمتعهدها را یک کمونیست یعنی تیتو به عهده دارد.

۱۶- آقای ساندرز در پاسخ دو نکته را مطرح کرد: الف) برای ملت‌هایی که فقر را تجربه کرده‌اند عصیان امری طبیعی است، و از نظر آنها غرب سمبل ثروت است. ب) غرب باید به این واقعیت که کمک‌های شوروی کفاف جهان سوم را نمی‌دهد اذعان کند، همانطور که وزیر خارجه به آن اشاره کرده است. ما امیدواریم که نتایج عملی کمک‌های آمریکا ثابت کند که آمریکا شریکی بهتر است.

۱۷- صلح خاورمیانه. آقای ساندرز یادآور شد که آمریکا گام‌های قطعی در جهت استقرار صلح در خاورمیانه برداشته است. برعکس، سیاست شوروی در خاورمیانه موفق به ارائه نتایج سازنده و مولد نشده است. هیچکس از روسیه انتظار حل مسئله اعراب و اسرائیل را ندارد.

۱۸- شیخ محمد گفت گمان نمی‌کند که شوروی در خاورمیانه موفق نشده باشد. آنها در چند نقطه از این منطقه نفوذ کرده‌اند. این خطر همیشه وجود دارد «وقتی وارد شدند، خارج نخواهند شد». یعنی رژیم‌های طرفدار شوروی را نمی‌توان به سادگی از بین برد. علاوه بر این، شوروی به فلسطینی‌ها حمایت اخلاقی می‌دهد، که مورد قدردانی است. آقای ساندرز پاسخ داد این یک وسیله تبلیغاتی ارزان قیمت است، در حالیکه آمریکا مسئولیت نیل به نتایج را به دوش می‌کشد.

۱۹- وزیر خارجه یادآور شد که یک سال از قرارداد کمپ‌دیوید می‌گذرد و نتایج جزئی است. آقای ساندرز پاسخ داد که برعکس به نتایج بزرگی دست یافته شده که از جمله تعهد اسرائیل جهت بازگرداندن تمام صحرای سینا به مصر و برچیدن آبادی‌نشین‌های اسرائیل از این صحرا و اعاده نهایی این سرزمین است. در مورد مسئله فلسطینی‌ها پس از سی سال اولین مذاکرات آغاز شده است. ما نسبت به گام بعدی خوش‌بین هستیم. اخیراً به شاه حسین گفتیم که ممکن است نظریات وی در مورد آینده فلسطینی‌ها با نظریات ما تطابق داشته باشد.

۲۰- آقای ساندرز در ادامه گفت که دولت آمریکا در صحرای سینا نشان داده است که اسرائیل باید تحت شرایط توافق شده از آنجا خارج گردد. هرگاه اسرائیل با یک پیشنهاد کلی مانند خروج از ساحل غربی روبه‌رو شده جواب منفی داده است؛ لیکن هنگامی که طرفی یک پیشنهاد ویژه را در برابر آنها قرار می‌دهد، آنها می‌گویند که مایل به مذاکره هستند. ما می‌دانیم که بحرین و دیگران ممکن است از تلاش‌های ما حمایت نکنند. ما فقط خواهان تفاهم هستیم.

۲۱- شیخ محمد گفت از میزان اوقاتی که دولت آمریکا در مورد مسئله خاورمیانه صرف

کرده قدردانی می‌کند و نتایج حاصله را نیز قبول دارد. لیکن وی چندان خوش بین نیست. وی احساس می‌کند که دولت آمریکا همیشه با اسرائیل رفتار بهتری داشته و به ضرر اعراب رفتار می‌کند. آقای ساندرز با اعتراف به رابطه ویژه بین اسرائیل و آمریکا اظهار داشت که امیدوار است اعراب نیز در مورد این مسئله با آمریکا همکاری کنند.

ونس

سند شماره ۲۰

۱۱ اکتبر ۱۹۷۹ - ۱۹ مهر ۱۳۵۸

سری

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی - ۶۳۰۲ به: سفارت آمریکا، دوحه

جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در امان، بیروت، قاهره، دمشق، کویت، منامه، صنعا،

تهران

موضوع: مذاکرات دوجانبه ساندرز با شیخ احمد بن سیف وزیر مشاور قطر

۱- (سری - تمام متن)

۲- ساندرز معاون وزیر خارجه در تاریخ ۴ اکتبر ملاقات صمیمانه‌ای با شیخ احمد بن

سیف آل ثانی وزیر مشاور قطر داشت. در این ملاقات موارد زیر به بحث کشیده شد:

۳- امنیت منطقه‌ای: در پاسخ به پیشنهاد ساندرز، شیخ احمد گفتگوی خود را با مطرح

کردن اوضاع امنیتی خلیج [فارس] به دنبال انقلاب ایران آغاز کرد. وی گفت که ایرانیها سعی

کرده‌اند در خلیج [فارس] مداخله کنند و دولت قطر از سیاست ایرانیها سردر نمی‌آورد. از یک

طرف، وزیر خارجه ایران اعلام می‌کند که ایران در امور شیخ نشین‌های خلیج [فارس] مداخله

نخواهد کرد، ولی رهبریت مذهبی ایران در کویت و بحرین آشوب به پا کرده و در سخنان

علنی خود رژیم‌های عربی خلیج [فارس] را مشابه رژیم شاه اعلام کرده است. قطر وابستگی

خود را در این مورد انکار کرد لیکن گفت که اگر ایرانیها بخواهند به روش کنونی خود ادامه

دهند بین عراق و ایران جنگ درخواهد گرفت. و در صورتی که عراق با کوباییها همکاری

کند، تمام منطقه به انفجار کشیده خواهد شد و دولت‌های میانه‌روی عربی قربانی خواهند شد.

قطر نه تنها از مقاصد کنونی ایران بلکه از آینده نیز بیمناک است. شیخ احمد تکامل سیاسی

ایران را با اتیوپی مشابه دانسته و گفت که رژیم [آیت‌الله] خمینی سرانجام سقوط خواهد کرد و

جای آن را کمونیست‌ها و چپگرایان تندرو خواهند گرفت و خطر مهمتری علیه دولت‌های

میانه‌رو خلیج [فارس] به وجود خواهند آورد. بنابراین قطر نیز نسبت به سیاست‌های ایران به

انگلیس و فرانسه و آمریکا اعتراض می‌کند. شیخ احمد در پاسخ ساندرز در مورد ارائه یک

جواب مشترک از سوی کشورهای خلیج [فارس]، گفت کشورهای خلیج [فارس] ابتدا در

سطح وزیران خارجه و پس از آن در سطح رؤسای دولت در مورد امنیت منطقه بحث و

تبادل نظر خواهند کرد. ساندرز در پاسخ به این سؤال که در صورت به مخاطره افتادن امنیت

شیخ نشین‌های خلیج [فارس]، آمریکا چه اقدامی انجام خواهد داد، خاطر نشان ساخت که ما



حمله مسلحانه زمینی را جدی تلقی کرده و با تمرکز بر تلاشهایمان در شورای امنیت عکس العمل مناسب را نشان خواهیم داد. در صورت بروز خطرهای داخلی نیز ما آماده خواهیم شد تا به روش صحیح به دولت‌های محلی خلیج [فارس] یاری رسانیم. ساندرز در این رابطه گفت که ما در نظر داریم حضور نیروی دریایی خود را در اقیانوس هند گسترش داده و نگرانی خود را درباره امنیت منطقه نشان دهیم، لیکن این مسئله باید به طریقی صورت گیرد که مشکلات سیاسی محلی برای دوستانمان به وجود نیاید.

۴- لبنان و فلسطینی‌ها: شیخ احمد گفت دولت‌های میانه‌رو خلیج [فارس] از نادیده گرفته شدن قراردادهای بیت‌الدین ناراضی هستند. وجود یک دولت نیرومند لبنانی و پایان یافتن تضادهای مسیحیان و مسلمانان امری ضروری است. ساندرز پس از آن به ترسیم سیاست آمریکا در چند ماه آتی در قبال جنوب لبنان و ساف پرداخت و گفت ما در تلاشیم تا فلسطینی‌ها نیز وارد روند مذاکرات شوند. وی اظهار امیدواری کرد که این تلاش و حرکت‌های ما برای اعاده قدرت به دولت لبنان و بازسازی ارتش ملی لبنان، از حمایت متقابل برخوردار شود، ولی ما در این زمینه به همکاری فلسطینی‌ها نیز نیاز داریم. شیخ احمد گفت که ساف سازمان یافته و به رسمیت شناخته شده، در قبال جامعه بین‌المللی مسئولیت بیشتری از خود نشان خواهد داد و از آمریکا خواست که مستقیماً با این مسئله برخورد کند. ساندرز یادآور شد که رهبریت کنونی ساف انعطاف‌پذیری بسیاری یافته است و ظاهراً ساف از ابتکارات نظامی دست برداشته و به ابتکارات سیاسی روی آورده است. وی گفت اگر ساف اهداف مذاکرات صلح طرح شده در قطعنامه ۲۴۲ را بپذیرد، موانع موجود بر سر راه مذاکرات آمریکا و ساف نیز از بین خواهد رفت، لیکن ساف باید اعتراف کند که مذاکره تنها راه رسیدن به هدف است. اسرائیل بسیار نیرومند است. گرچه ممکن است اسرائیل پیشنهاد خروج و اسکان دوباره را نپذیرد، ولی نشان داده است که برای دست یافتن به صلح حاضر به مذاکره است.

۵- توافق شد که آمریکا دائماً در مورد روند صلح با دولت قطر در تماس باشد و ارزیابی‌های خود را در مورد اوضاع سیاسی ایران از طریق سفیر آمریکا، کیل‌گور، در اختیار رهبریت قطر قرار دهد.

سند شماره ۲۱

۱۵ اکتبر ۱۹۷۹ - ۲۳ مهر ۱۳۵۸

محرمانه

از: سفارت آمریکا، منامه - ۲۰۶۰ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی
رونوشت به: سفارتخانه‌های آمریکا در دوبئی، امان، بغداد، دمشق، بحرین، دوحه، کویت، مسقط، صنعا، تهران

موضوع: بحرین، ایران و همکاری امنیتی در خلیج [فارس] شمالی

۱- (محرمانه - تمام متن)



۲- خلاصه: پس از سفر طباطبایی معاون نخست‌وزیر ایران رژیم بحرین از آرامش بیشتری برخوردار شده است و روابط این کشور با ایران نیز ظاهراً رو به بهبود است. در بین کشورهای شمال خلیج [فارس] یعنی عربستان سعودی، بحرین، کویت و عراق در مورد هدف مشترکشان در حفظ نظم داخلی در قبال مخالفت شیعیان، تفاهم جدیدی به وجود آمده است. وضع داخلی بحرین آرام است و نسبت به ثبات اقتصادی آتی کشور اعتماد بسیاری وجود دارد. ولی در درازمدت این شیخ‌نشین با مشکل مربوط به نحوه برخورد با آرمانهای رو به گسترش و تحقق نیافته اکثریت جامعه شیعی خود رو به رو خواهد بود. پایان خلاصه.

۳- پس از گذشت یک دوره تردید توأم با تشنج در مورد مقاصد ایران در قبال بحرین، که با درخواست ۲۴ سپتامبر آیت‌الله روحانی مبنی بر استقرار انقلاب اسلامی علیه رژیم حاکم بر بحرین تشدید شده بود، امیر و دولت متبوعش از آرامش بیشتری برخوردار شده‌اند. علت اصلی رضایت خاطر آنها مسافرت طباطبایی معاون نخست‌وزیر ایران در تاریخ ۱۴ اکتبر به بحرین بوده است که طی آن اظهار داشت که دولت ایران خواستار برقراری روابط دوستانه متکی بر تعاون با کشورهای خلیج [فارس] است و دولت ایران قصد ندارد در امور داخلی بحرین مداخله کند. به منظور به رسمیت شناساندن نقش صحیح سوریه، خدام وزیر خارجه سوریه نیز همزمان با مقام ایرانی وارد منامه شد، در حالیکه کاردار ایران در اینجا با ابراز تنفر گفته است که میانجیگری سوریه ضرورتی ندارد. یکی از نتایج سفر طباطبایی توافق مربوط به تسریع تبادل سفیر بین دو کشور بود، و در واقع سفیر جدید بحرین در ایران یعنی حسین رشید الصباح اعتبارنامه خود را در تاریخ ۱۷ اکتبر به تهران تسلیم کرد سفیر جدید ایران در بحرین نیز در همین هفته انتخاب خواهد شد.

۴- بعضی از بحرینی‌ها می‌گویند که طباطبایی نماینده دولت موقت، فاقد قدرت در ایران است و سخنگوی آیت‌الله خمینی یا شورای انقلابی نیست. اما دیگران معتقدند که با روشن‌تر شدن موضع دولت موقت در رابطه با مداخلات خارجی ایران افرادی چون روحانی یا دیگران در اتخاذ مواضع مغایر با آن دچار مشکلاتی خواهند شد. علاوه بر این، آنها می‌گویند، طباطبایی نمی‌توانسته بدون تأیید [آیت‌الله] خمینی به این سفر آمده باشد.

۵- دومین علت رضایت خاطر بحرین در این واقعیت نهفته است که کشورهای شمال خلیج [فارس] - عربستان سعودی، بحرین، کویت و عراق - بیش از گذشته به هدف مشترک خود در حفظ نظم داخلی رژیمهای متبوع خود علیه نارضایتی شیعیان - گذشته از اینکه انگیزه ناآرامی داخلی باشد و یا توسط ایران تحریک شده باشد - پی برده‌اند. پیامهای حاکی از حمایت کامل، توأم با پیشنهاد کمک نظامی ارسالی توسط سه کشور دیگر به بحرین - که نخست‌وزیر خلیفه نیز به منظور سپاسگزاری به جده، کویت و بغداد در دو هفته گذشته سفر کرده بود - رژیم خلیفه را نسبت به امنیت خود در جهان ناآرام بعد از شاه مطمئن ساخته است.

۶- ثالثاً، ظاهراً تظاهرات اواخر ماه اوت و اوایل سپتامبر بر جوّ ثبات اقتصادی و خوش‌بینی موجود در بازار بحرین تأثیر منفی بر جای نگذاشته است. اوضاع داخلی آرام است، آژانس پول بحرین در تاریخ ۱۳ اکتبر اعلام کرد که در ماه اوت کل ذخایر ارزی بانکهای این جزیره به ۲۵/۳ میلیارد دلار رسیده است. بزرگ‌ترین سردخانه خلیج [فارس] که با سرمایه‌گذاری مشترک بحرین و نیوزلند و ۳ میلیون دلار تجهیزات ساخت آمریکا احداث شده بود در تاریخ ۱۱ اکتبر در بندر آزاد سلمان گشایش یافت. اسناد مناقصه شاهراه ۸۰۰ میلیون دلاری بحرین و عربستان سعودی نیز در چند روز آینده منتشر خواهد شد. کویت نیز توافق کرده است که هزینه مالی لازم جهت احداث یک کارخانه پتروشیمی مشترک را تأمین کند. بانک جدیدی نیز به منظور تأمین وام مسکن ایجاد خواهد شد.

وزارت دارایی نیز بودجه ۸۱ - ۱۹۸۰ را برای در نظر گرفتن ضرائب نفتی مورد تجدیدنظر قرار داده است. وزیر دارایی به ما گفته است که بخش اعظم این بودجه صرف ایجاد بهبود در خدمات اجتماعی از قبیل مسکن ارزان قیمت و خدمات بهتر شهرداری در مناطق روستایی شیعیان خواهد شد.

۷- نظریه: خلاصه اینکه ظاهراً بحرین برخلاف گذشته منافع زیادی در نتیجه رابطه با ایران عاید خود کرده است؛ و به تفاهم بیشتر با همسایگان شمالی‌اش در زمینه امنیت داخلی دست یافته است؛ و علی‌رغم تظاهرات اواخر تابستان به ثبات اقتصادی آتی خود امیدوار شده است؛ و ظاهراً روابط دوجانبه‌اش با ایران نیز رو به بهبود است. البته، در درازمدت این شیخ‌نشین در رابطه با نحوه برخورد با آرمانهای تحقق نیافته و رو به افزایش اکثریت شیعه خود دچار مشکلاتی خواهد شد.

پلترو

سند شماره ۲۲

۱۶ اکتبر ۱۹۷۹ - ۲۴ مهر ۱۳۵۸

سری

از: سفارت آمریکا، دوحه - ۱۱۹۵
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در امان، ابوظبی، بیروت، بغداد، قاهره، دمشق، جدّه، کویت، منامه، مسقط، تهران

مرجع: وزارت امور خارجه - ۲۶۶۳۰۲

موضوع: قطر با کشورهای شبه جزیره عربی در مورد امنیت

خلیج فارس مذاکره می‌کند

۱- (سری - تمام متن)

۲- آغاز خلاصه: در طائف و در تاریخ ۱۶ اکتبر وزیر مشاور قطر با وزیران خارجه عربستان سعودی، کویت، بحرین، امارات متحده عربی و عمان در مورد امنیت خلیج فارس



باب مذاکره را می‌گشاید. این کنفرانس به دنبال اظهار نگرانی شدید کشورهای عربی در رابطه با مقاصد آتی ایران در قبال خلیج [فارس] و نیز ابتکار عمان در مورد امنیت تنگه هرمز برگزار شد. پایان خلاصه متن.

۳- وزیر مشاور قطر در امور خارجی، شیخ احمد بن سیف آل ثانی در تاریخ ۱۵ اکتبر به اینجانب گفت که روز بعد به طائف خواهد رفت تا با وزیران خارجه کویت، بحرین، امارات متحده عربی، عمان و عربستان سعودی در مورد امنیت خلیج [فارس] به بحث و تبادل نظر بنشیند. دردسرها و مزاحمت‌های اخیر که توسط ایران برای بحرین و کویت ایجاد شده و نیز نحوه برخورد نادرست با ابتکار عمان در مورد امنیت تنگه هرمز از جمله مسائل عمده‌ای است که در گفتگوها مطرح خواهد شد. شیخ احمد گفت که قطر شدیداً نگران مقاصد ایران در قبال خلیج [فارس] بوده و از ابتکار عمان در رابطه با تنگه هرمز سردر نمی‌آورد.

۴- شیخ احمد بن سیف گفت که وی در کنفرانس غیرمتعهدها در هاوانا با ابراهیم یزدی وزیر خارجه ایران درباره مقاصد ایران در قبال خلیج [فارس] تبادل نظر کرده بود. یزدی به وی اطمینان داده بود که دولت ایران هیچگونه چشم‌داشت به قلمرو دیگران ندارد و درصدد تغییر هیچیک از رژیم‌های خلیج [فارس] نیست. بن سیف گفت که وی از یزدی به خاطر اطمینانهایی که به وی داده بود سپاسگزاری کرده ولی خاطرنشان ساخته است که سخنان رهبران ایران دردسرهایی برای بحرین و اصطکاکهایی در کویت پدیدار ساخته است. یزدی هرگونه اظهاراتی که توسط ایرانیها به منظور عصبانی کردن رهبران خلیج [فارس] ایراد شده باشد تکذیب کرد. وی گفت که این‌گونه افراد از سوی دولت ایران سخن نمی‌گویند.

بن سیف بیان داشت که او و یزدی از هرگونه اشاره صریح به وضعیت سیاسی آشفته ایران امتناع کرده بودند اما هر دوی آنها اذعان داشتند که فقدان کنترل دولت ایران، از سخنان افراد مختلفی سرچشمه می‌گیرد که به نمایندگی از جانب ایران سخن می‌رانند.

۵- وزیر مشاور قطری در مورد ابتکار عمان مبنی بر امنیت تنگه هرمز اظهار شگفتی کرد. معاون وزیر خارجه عمان یعنی یوسف العلوی بالاخره به دوحه آمده بود تا در مورد نقطه نظرات عمان در زمینه بهبود بخشیدن به وضع امنیتی تنگه هرمز تبادل نظر کند. اما این کار پس از سفر وی به تهران و بغداد و پس از بروز عکس‌العمل منفی عراق با این روش برخورد صورت گرفته بود. عمان می‌بایست در ابتدای امر به طور خصوصی با عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر، بحرین و کویت مشورت می‌کرد، ولی از آنجا که آرمان وحدت بین این دولت‌ها را نادیده گرفته، ابتکار آن نیز مشکوک به نظر می‌رسد و گمان نمی‌رود به نتیجه‌ای برسد. در پاسخ به این سؤال که تصمیم کنفرانس طائف چه خواهد بود شیخ احمد جواب واضحی نداد.

۶- نظریه: مشکل می‌توان تصور کرد که کنفرانس طائف بتواند در مورد امنیت کلی خلیج [فارس] به یک نتیجه مهم دست یابد. تنگه هرمز یک گذرگاه استراتژیک است که تمام

کشورهای حوزه خلیج [فارس] در آن منافع حیاتی دارند. لیکن رقابت‌های نهفته ایرانیها و اعراب که رژیم اسلامی کنونی تهران نتوانسته است آن را تخفیف دهد؛ عدم اعتماد شش کشور شرکت کننده در اجلاس امروز طائف نسبت به عراق؛ و نیز اختلاف نظر کشورهای حوزه خلیج [فارس] در مورد منبع و ماهیت خطرهایی که خلیج [فارس] را تهدید می‌کند سبب عدم تحقق اقدام مشترک خواهد شد. افزایش مبادلات اطلاعاتی و تلاشهایی در جهت تقویت قطر از نظر نظامی از جمله برنامه‌هایی است که این کشور حتماً از آنها حمایت خواهد کرد. پایان نظریه.
کیل‌گور

سند شماره ۲۳

۱۶ اکتبر ۱۹۷۹ - ۲۴ مهر ۱۳۵۸

سری

از: سفارت آمریکا، دوحه - ۱۱۹۸
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در امان، بغداد، قاهره، بیروت، دمشق، کویت، جده، تهران، تل‌آویو

مرجع: الف) وزارت امور خارجه ۲۶۶۳۰۲، ب) دوحه ۱۱۹۵

موضوع: ارزیابی دوره‌ای اوضاع سیاسی در ایران

۱- (سری - تمام متن)

۲- وزیر مشاور قطر در امور خارجی، یعنی احمد بن سیف آل ثانی با خوشحالی به ملاقات خود با معاون وزیر خارجه هارولد ساندرز در تاریخ ۴ اکتبر اشاره کرد. بن سیف گفت از دریافت ارزیابی‌های دوره‌ای در مورد اوضاع سیاسی ایران که قطر شدیداً در مورد آن نگران است خوشحال خواهد شد. من نیز مایلم این ارزیابیها را دریافت کنم تا بتوانم آنها را در موارد لزوم در اختیار وزیر کشور قرار دهم.

۳- نظریه: عکس‌العملهای قطر نسبت به رویدادهای ایران توأم با نگرانی فزاینده‌ای شده است. گرچه شاه ایران در اینجا مورد احترام چندانی نبود، ولی به عنوان رئیس قویترین کشور موجود در این حوالی به دیده احترام نگریسته می‌شد. شاه همچنین ثبات و مشروعیت را نشان می‌داد. بنابراین سقوط تدریجی وی نوعی نگرانی در قطر پدید آورده است. پس از به قدرت رسیدن رژیم اسلامی، علی‌رغم شاخه‌های متعدد اسلامی موجود در قطر و ایران، چنین احساس می‌شد که اسلام تقویت شده است. اما اعدام‌های انجام شده در ایران نهاد حکومت قطر را نگران کرده و تلاشهای اخیر روحانیون ایرانی به منظور مداخله در امور خلیج [فارس] نیز این نگرانیها را تشدید کرده است. ابهام موجود در مسیری که در نهایت ایران می‌رود در اینجا نوعی تردید پدید آورده که بزرگ‌ترین کابوس آن سقوط ایران و به قدرت رسیدن یک حکومت کمونیستی در این کشور است.

کیل‌گور



سند شماره ۲۴

۱۸ اکتبر ۱۹۷۹ - ۲۶ مهر ۱۳۵۸

محرمانه

از: سفارت آمریکا، جده - ۷۳۰۸
 به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی
 جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در ابوظبی، منامه، بیروت، قاهره، دمشق، دوحه،
 کویت، امان، مسقط، تهران.

مرجع: دوحه ۱۱۹۵

موضوع: اجلاس وزیران خارجه خلیج [فارس]

۱- (بدون طبقه‌بندی) مطبوعات عربستان در ۱۶ اکتبر به صورت برجسته‌ای ملاقات وزیران خارجه کشورهای خلیج [فارس] را در طائف که طی آن سعود وزیر خارجه عربستان با وزیران خارجه بحرین، کویت، امارات متحده عربی و وزیران مشاور در امور خارجی عمان و قطر ملاقات کرد منعکس کردند. به دنبال کنفرانس، سعود در گفتگو با خبرنگاران به کلی‌گویی پرداخت. او گفت که کنفرانس به طور ویژه‌ای در مورد همکاری و صف‌بندی کشورهای خلیج [فارس] علاقه نشان داد و نیز اینکه امنیت خلیج [فارس] (یکی از موضوعات اصلی بحث) بایستی انحصاراً در اختیار کشورهای بی‌طرفی که در اطراف آن واقع هستند باشد و تشکیل کنفرانس سران کشورهای خلیج [فارس] در حال حاضر لزومی ندارد.

۲- (محرمانه) نظریه: بیانیه‌های اخیر برخی از رهبران مذهبی ایران، مانورهای نیروی دریایی ایران و ابتکار امنیتی عمان مستلزم پاسخی از جانب کشورهای خلیج [فارس] بود. عربستان سعودی و کشورهای کوچک خلیج [فارس] در کشمکش با مشکل، با معمایی روبرو هستند. نیروهای مسلح آنها برای صیانت از امنیت خلیج [فارس] کافی نیست. با این وجود درخواست برای حمایت غرب تندباد سوزانی از انتقاد را از جانب کشورهای منطقه که میانه‌رو نیستند برمی‌انگیزد، درست مثل واقعه‌ای که در اثر ابتکار عمان پیش آمد. در هر حال این درخواست (حمایت) از جانب بیشتر رهبران کشورهای خلیج [فارس] برای علائق درازمدتشان مفید به نظر نمی‌رسد. از طرف دیگر اتکا به ایران یا عراق برای امنیت منطقه، خطر قرار گرفتن در معرض نفوذ چپی‌ها و بنیادگراها و درگیری در هرگونه بحث و منازعه بین دو کشور را دربر دارد. ایران و مهم‌تر از آن عراق در کنفرانس شرکت نداشتند و احتمالاً از آنان دعوت به عمل نیامده بود.

۳- (محرمانه) اعراب خلیج [فارس] برای حل معما در حال ایجاد یک جبهه مشترک از طریق کنفرانس‌ها و مذاکرات دوجانبه هستند. سفارتخانه (آمریکا در جده) با ارزیابی سفارت (آمریکا) در دوحه مبنی بر اینکه احتمال زیادی جهت همکاری فوق‌العاده و اساسی پس از کنفرانس طائف وجود ندارد موافق است. کشورهای خلیج [فارس] برای نمایش نگرانی مشترک در مورد امنیت دور یکدیگر جمع شدند تا بدین وسیله از انزوای هر یک از آنها به صورتی که عمان پس از ارائه طرح امنیت تنگه هرمز بدان مبتلا شد جلوگیری به عمل آورند.



۴- (محرمانه) سفارت به تحقیق در مورد مفاد اجلاس طائف ادامه می‌دهد و هرگونه تحولی را به وزارتخانه گزارش خواهد کرد.

پلیک

سند شماره ۲۵

۲۱ اکتبر ۱۹۷۹ - ۲۹ مهر ۱۳۵۸

سری

از: سفارت آمریکا، مسقط - ۱۹۱۵
به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در دوحه، جدّه، کویت، لندن، منامه، مسکو، تهران.

موضوع: مخالفت جوانان عمانی با رژیم سلطان

۱- (سری - تمام متن)

۲- خلاصه: سلیم غزالی معاون وزیر دفاع از وجود فساد در مقامات عالی‌رتبه عمان و کندی روند عمانی شدن اظهار نارضایتی کرد. او علاوه بر این از اینکه توسط افسران عالی‌رتبه انگلیسی که مستقیماً در ارتباط با سلطان هستند، دور زده می‌شود، شکوه داشت. به نظر من، سلیم و گروهی از جوانان عمانی دارای طرز فکر مشابه وی به صورت یک نیروی سیاسی در این کشور درخواست خواهند آمد. پایان خلاصه.

۳- در گفتگو با سفیر در تاریخ ۱۶ اکتبر سلیم غزالی معاون وزیر دفاع درباره گرایش‌های نادرست و تأسفبار در عمان به تفصیل سخن گفت. بنا به گفته غزالی، انتقاد عمومی از سلطان قابوس افزایش می‌یابد و پس از مدتی این نارضایتی به صورت اعتصابات و تظاهرات عمومی درخواهد آمد و پس از آن به خشونت و تروریسم تبدیل خواهد شد. بنا به گفته سلیم این نارضایتی تنها بر شخص سلطان که مردی مطلع و تیزهوش است متمرکز نیست بلکه بر افراد موجود در اطراف سلطان که از موقعیت‌های خود برای کسب ثروت بیشتر در حمایت از سبک زندگی پر از تظاهر استفاده می‌کند تمرکز دارد. سلیم به خصوص در صحبت از «تیم لندن» یعنی همکلاسی سلطان در «سند هُرسْت» که اکنون ریاست دفتر کاخ را به عهده دارد، و قیس زواوی وزیر مشاور در امور خارجی به تلخی یاد می‌کند.

۴- سلیم از عدم وجود یک سازمان منطقی در سطوح بالای نهاد نظامی به تلخی یاد کرد. افسران انگلیسی موجود در هر سه نیرو وزارت دفاع را تحویل نگرفته و از طریق نفوذ «تیم لندن» در سلطان افراد مورد دلخواه خود را منصوب می‌کنند. سلیم و فرد مافوق بعد از او گفتند که فهر معاون نخست‌وزیر در امور دفاع و امنیت ملی، به کرات دستوراتی از لندن دریافت می‌کنند و تصمیمات سلطان بدون عبور از کانال ستاد و یا وزارت دفاع و یا افسران حرفه‌ای نظامی وابسته به وزارت دفاع به آنها ارجاع می‌شود.

۵- سلیم گفت که افراد موجود در اطراف سلطان شروع به بدگویی از آمریکایی‌ها کرده‌اند، چون در بهار و تابستان گذشته دریافتند که ارسال کنندگان تجهیزات نظامی آمریکا کمتر از



اروپاییها در پرداخت رشوه به افراد بانفوذ، دارای دست باز هستند. در نتیجه بعضی از محافل درونی به بدگویی از آمریکا در برابر سلطان اقدام کرده‌اند.

۶- سلیم پس از آن گفت که تیم لندن یک دفتر سیستم مخابراتی مدرن شامل کد رمز دیپلماتیک عمان را در مجاورت سفارت آمریکا افتتاح کرده است و در صورت بازنشسته شدن از شغل کنونی، او احتمالاً به لندن خواهد رفت و به فعالیت‌های سری خود برای سلطان ادامه خواهد داد. او کاری خواهد کرد که به فهرست دیپلماتیک سفارت عمان افزوده شود تا جنبه حفاظتی کارهایش نیز تأمین گردد. سلیم تا مدت‌ها قبل قبول نداشت که لندن فعالیت‌های نادرست و نفوذ ضرباری بر سلطان دارد.

۷- نظریه: سلیم نمونه بارز عمانیهای جوانتر و تحصیل کرده است که بدون شک از بافت سیاسی و اجتماعی سنتی عمان اظهار نارضایتی‌های بیشتری خواهند کرد. در حال حاضر تعداد افراد شبیه به سلیم کم است، لیکن با افزایش تعداد فارغ‌التحصیلان دبیرستان و کالج در عمان این وضع به سرعت تغییر خواهد یافت. تعداد کمی هم که برای احراز پست‌های حساس در دولت، ارتش و یا شرکت‌های خصوصی واجد شرایط هستند جذب سیستم موجود شده و سریعاً به موقعیت‌ها و حقوق‌های مهم دست می‌یابند. سلیم اگرچه یک سرهنگ ارتشی است در یک کاخ کوچک در گرانترین بخش پایتخت در مجاورت کاخهای کوچک تحت اشغال رئیس پلیس دوسیلوا، تیم لندن و زواوی وزیر مشاور در امور خارجه به سر می‌برد. لیکن در مورد سلیم، مسکن بسیار مجلل ظاهراً از طرف سلطان به او هدیه شده است تا بدین ترتیب وفاداری مقامات مهم مملکتی را جلب کرده باشد.

۸- معذک، علی‌رغم این عطایای سخاوتمندانه در ازای وفاداری، تعداد عمانیهای جوانتر و تحصیل کرده‌تر روز به روز افزایش یافته و به صورت یک نیروی سیاسی درمی‌آیند. یوسف العلوی معاون وزیر خارجه، سرهنگ المعتمم حمود ناصر آل [بو] سعید فرمانده هنگ مسقط، که گویا اخیراً اولین فرمانده عمانی ارتش عمان نامیده شده بود، و احمد سویدان که به عنوان معاون «تیم لندن» در دفتر سلطان کار می‌کنند علاوه بر سلیم در این گروه به حساب می‌آیند. گرچه این گروه نسبت به سلطان وفادار است، لیکن نسبت به عدم توانایی و یا عدم تمایل سلطان به مهار کردن حس مال‌طلبی تیم لندن، قیس و عمر زواوی، محمد زبیر و دیگرانی که با استفاده از مشاغل دولتی به گردآوری ثروت پرداخته‌اند اظهار نارضایتی و انتقاد می‌کند. با ادامه این روند، این گروه و هواداران آنها با ارتقا به موقعیت‌های عادی در ارتش، خدمات اطلاعاتی، پلیس و وزارت خارجه نیروی بیشتری خواهند یافت.

۹- گرچه سلیم بارها به من گفته است که وجود سلطان برای جلوگیری از شورش و حفظ وحدت کشور ضروری است، لیکن احتمالاً اصرار دارند که در قبال حمایت از رژیم سلطان اصلاحاتی صورت پذیرد. از بین رفتن فساد در موقعیت‌های عالی و برکناری مشاورین خارجی دارای نفوذ بر سلطان در ردیف اول فهرست خواسته‌های اصلاح‌طلبانه آنها واقع شده است.

۱۰- در حال حاضر، سلیم العلوی و دوستانشان تمایل زیادی به آمریکا نشان داده و علی‌رغم تندرویه‌های جوانی از نفوذ امپریالیسم شوروی در منطقه نگران هستند. گرچه نسبت به فساد در مقامات بالا ناراحت هستند ولی آنان نیز مانند دیگران بورژوا بوده و علاقه چندانی به سوسیالیسم تند ندارند. آنان احتمالاً خواستار برقراری یک رژیم غیرانحصارطلب و دارای اقتصاد لیبرال در عمان بوده و در رابطه با ایدئولوژی نیز به غرب گرایش دارند. تنها نگرانی آنها در مورد آمریکا این است که این کشور عزم راسخ نهضت‌های طرفدار شوروی در منطقه را جدی تلقی نمی‌کند. آنها مایل به همکاری بیشتر با آمریکا هستند ولی ترس از آن دارند که به موقع به دوستان و هم‌پیمانان خود کمک نرسانیم.

۱۱- به علت صراحت لهجه و نارضایتی او از نقش وزارت دفاع، ظاهراً مدت زیادی در سمت کنونی باقی نخواهد ماند. گذشته از ماندن و یا نماندن او، سلیم غزالی، یوسف العلوی و دوستانش با وجود تعداد کم، نقش مهمی در آینده سیاسی عمان ایفا خواهند کرد.

وابلی

سند شماره ۲۶

۲۱ اکتبر ۱۹۷۹ - ۲۹ مهر ۱۳۵۸

سری

از: سفارت آمریکا، مسقط - ۱۹۱۹
به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در ابوظبی، بغداد، دوحه، جده، کویت، لندن، منامه، تهران.

موضوع: شرکت زوای وزیر کشور در کنفرانس طائف

۱- (سری - تمام متن)

۲- روز ۱۸ اکتبر من با زوای وزیر مشاور در امور خارجه به درخواست خودم ملاقات کردم. زوای مرا در جریان کنفرانس طائف که اخیراً از آنجا بازگشته بود قرار داد. در این کنفرانس وزیران امور خارجه عربستان سعودی، کویت، قطر، بحرین، ابوظبی و عمان شرکت داشته‌اند. این کنفرانس در پی اجتماع وزیران امور خارجه در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک بوده است. این اجتماع در اقامتگاه «کامل ادهم» در خارج از طائف و در یک محیط آرام و غیررسمی تشکیل شده بود و در جریان آن دیدگاهها و ایده‌ها به نحو بسیار صریح و خالی از هرگونه تشنجاتی مبادله گردید.

۳- طبق اظهار زوای وزیران امور خارجه همگی توافق داشتند که بحث امنیت منطقه‌ای خلیج فارس بیهوده خواهد بود مگر اینکه مسائل مربوط به عراق و ایران در جریان آن مورد بررسی قرار گیرد ولی درباره این موضوع دیگر بحث نشد.

۴- کنفرانس یک علت وجودی دیگری داشته است. شش کشور شرکت کننده در کنفرانس سیستم‌های سیاسی و اجتماعی مشابهی داشته و مقصود از این اجتماع تشویق تفاهم و



همکاری در میان آنها بوده است. در این بحث‌ها، موضوعات امنیت داخلی و خارجی از جمله مسئله قاچاق اسلحه و جابجایی خرابکاران در طول مرزهای بین شش کشور مورد بحث قرار گرفت.

وزیران امور خارجه توافق کردند که بایستی مسئله همکاری در زمینه امنیت داخلی در اجلاس بعدی وزیران کشور شش کشور بیشتر مورد بحث قرار گیرد. مسائل مربوط به تحولات سیاست داخلی و اجتماعی به نحو صریح و آشکارا مورد بحث قرار گرفت.

۵- زواوی گفت یکی از مسائل جالب توجه که در اجلاس طائف مورد بحث قرار گرفت گزارش وزیر امور خارجه کویت بود که طی آن حکومت یمن جنوبی به حکومت کویت مراجعه کرده و از آن تقاضای مساعدت جهت بهبود مناسبات بین یمن جنوبی و عمان را کرده است. دولت جمهوری دمکراتیک خلق یمن (یمن جنوبی) این اقدام خوب را در جریان کنفرانس کشورهای غیرمتعهد در هاوانا شروع کرده بود که طی آن عبدالفتاح اسماعیل به هیأت نمایندگی کویت مراجعه کرده و خواستار توجهات عالیه آنان نسبت به این امر می‌شود. عبدالفتاح اسماعیل پیشنهاد کرد که کویتی‌ها از وزیر امور خارجه جمهوری خلق یمن و وزیر کشور در امور خارجی عمان دعوت کنند تا در یک کنفرانس در کویت که به منظور حل برخی مسائل فیما بین دو کشور طرح‌ریزی می‌شود، شرکت کنند. مقامات یمن جنوبی هیچگونه شرط ویژه‌ای جهت این ملاقات مطرح نکردند ولی اظهار داشتند چنانچه کویت علناً اعلام کند که در عمان سرباز مصری وجود ندارد آنان به میزان زیادی در حل مشکلات سیاسی داخلی کمک خواهد کرد. روشن نبود که آیا کویتها چنین اعلامیه‌ای صادر می‌کنند یا خیر ولی ظاهراً همه وزیران این واقیعت را پذیرفته‌اند که شایعات حضور نظامی مصری‌ها در عمان بی‌اساس بوده است.

۶- زواوی اظهار نظر کرد که ابتکار جمهوری دمکراتیک خلق یمن (یمن جنوبی) در نتیجه اوضاع متشنج داخلی آنجا است و تا زمانی که امکان حل مشکلات داخلی وجود داشته باشد حکومت جمهوری دمکراتیک خلق یمن میل ندارد که هیچگونه آشوبی بین یمن جنوبی و عمان صورت گیرد. از نظر زواوی این تاکتیک موقتی است و معتقد نبود که عبدالفتاح اسماعیل از جاه‌طلبی درازمدت خود درباره اشاعه سوسیالیزم در همه رژیم‌های محافظه‌کارتر در شبه‌جزیره عربستان سعودی منصرف شده باشد. زواوی گفت که به کویتها گفته است که حاضر است در چنین جلسه‌ای، به محض ارسال یک دعوتنامه رسمی از سوی حکومت کویت شرکت کند.

۷- زواوی از نتایج کنفرانس طائف اظهار خشنودی کرد و گفت که این کنفرانس را به عنوان نخستین گام در راه بهبود تفاهم و همکاری در میان رژیم‌هایی که دارای طرز فکر یکسان در شبه جزیره عربستان می‌باشند، به شمار می‌آورد.

۲۳ اکتبر ۱۹۷۹ - ۱ آبان ۱۳۵۸

محرمانه

از: سفارت آمریکا، تهران - ۱۲۰۴ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در ابوظبی، بیروت، قاهره، دمشق، دوحه، جدّه، کویت
مرجع: الف) امان (۲۰۶۰، ب) دوحه (۱۹۵، ج) دمشق (۲۸۷۱، د) بغداد (۲۲۰۱، ه) جدّه
۷۳۰۸.



موضوع: ایران و خلیج فارس

- ۱- (محرمانه - تمام متن)
- ۲- سفارت از گزارشهای دریافتی از پست‌های همجوار درباره مأموریت طباطبایی و نظر اعراب درباره اوضاع خلیج فارس و همچنین روابط ایران و اعراب به طور کلی، تقدیر می‌کند. اخیراً روابط ایران و اعراب لاقبل به لحاظ چهار موضوع مرتبط با یکدیگر پیچیده‌تر شده است:
الف - موضع شیعیان در کشورهای عرب.
ب - مداخله منتسب به عراق در استانهای کردستان و خوزستان ایران.
پ - امنیت خلیج فارس.
ت - توسعه‌طلبی منتسب به ایران در خلیج فارس.
- ۳- برادری تشیع: هر چند میزان علاقه عده‌ای از روحانیون شیعه و حامیان آنها نسبت به وضعیت شیعیان در کشورهای همجوار همچنان بالاست، با این وجود در مبارزه غیررسمی علیه خاندان الخلیفه در بحرین نرمش ایجاد شده است. اکنون چند هفته است که از آیت‌الله روحانی خبری نیست و چنین به نظر می‌رسد یک نفر که شاید خود [آیت‌الله] خمینی باشد به او توصیه کرده است که سکوت اختیار کند. آخرین حمله به رژیم بحرین در اعلامیه‌ای صورت گرفت که در تاریخ ۵ اکتبر ۱۹۷۹ از جانب جبهه آزادیبخش اسلامی بحرین به مناسبت تظاهرات همبستگی با مستضعفان جهان در قم صادر شد. در این اعلامیه جبهه اسلامی تقاضاهای عمده خود را عنوان کرده و خاطرنشان ساخت که نهضت انقلابی در بحرین از انقلاب ایران جدا و مستقل است و مدتها قبل از آن تشکیل شده است.
- ۴- نخستین واکنش ایران نسبت به نگرانی اعراب درباره اظهارات «اشخاص غیرمسئول» تنها بخش نظامی و رسمی سیاست ایران را مخاطب قرار می‌دهد. بدین ترتیب سفیر ایران در جدّه چند هفته قبل به روزنامه الجزیره (متعلق به عربستان سعودی) اعلام داشته است که ایران جاه‌طلبی‌های ارضی یا مقاصد تجاوزکارانه در خلیج فارس ندارد. شاید حکومت موقت ایران تصور کرده است که چنین اعلامیه‌ای از یک منبع رسمی نگرانی‌های اعراب را برطرف می‌کند. در هر حال کاهش اظهارات غیررسمی ضدبحرینی تلویحاً درک ایرانیان را می‌رساند که اظهارات روحانی علیرغم ماهیت غیررسمی آن در میان همسایگان عرب ایران نگرانی جدی به وجود آورده است.

- ۵- ما تصور می‌کنیم که اظهارات طباطبایی برای جلب اطمینان، از پشتیبانی نیرومندتری نسبت به حیثیت متزلزل حکومت موقت ایران برخوردار است. طباطبایی یکی از ملاحی غیرروحانی است که تصور می‌رود مانند یزدی و چمران و قطب‌زاده از اعتماد و پشتیبانی مستقیم [آیت‌الله] خمینی برخوردار باشد. این چهره‌ها گاهی به علت ارتباطات خود با حزب امل لبنان تحت رهبری امام موسی صدر، گروه «امل» نامیده می‌شوند. علاوه بر این طباطبایی دارای ارتباطات خانوادگی هم با موسی صدر و هم آیت‌الله خمینی است. امام موسی صدر دایی طباطبایی به شمار می‌رود و فرزند آیت‌الله خمینی با خواهر طباطبایی ازدواج کرده است.
- ۶- عراق: در مورد عراق دشواری‌های ایران، عمیق‌تر از اوضاع فلاکت‌بار شیعیان عراق است. ایرانیان صریحاً عراق را به دست داشتن در آشوب‌های خوزستان و کردستان متهم می‌کنند. مدنی استاندار خوزستان مدعی است که مدارک مسلمی درباره دخالت عراق در اوضاع آن استان در اختیار دارد و به طوری که گزارش شده، روز ۲۰ اکتبر ایران یازده نفر از اعضای یک گروه خرابکار را که پس از دیدن آموزش در عراق وارد خوزستان شده بودند دستگیر کرده است. اعلامیه‌های ایران درباره کردستان هنگامی که اشاره‌ای به عمال آمریکا و اسرائیل نمی‌کند به حضور «شهروندان یک کشور همجوار» (یعنی عراق) در میان شورشیان آنجا اشاره می‌کند. شعارها و بیانیه‌های انتقادی ضدعراقی در رادیو ایران (مثلاً ۱۷۲۰۴۵ امان FBIS در ماه اکتبر ۱۹۷۹) به نحو بسیار بارزی شباهت به لحن اعلامیه‌های ضدعراقی در سال ۱۹۷۵ در جریان زد و خوردهای کردها در عراق دارد. در آن زمان نیز ایران رژیم بعثی عراق را به داشتن ماهیت غیراسلامی و دیکتاتوری و ضدفلسطینی متهم می‌کرد.
- ۷- بسیاری از ایرانیان احساس می‌کنند که جستجو برای یافتن یک راه‌حل نظامی درباره آشوبهایی که در مناطق عرب‌نشین و کردنشین جریان دارد اشتباه است. هم مطبوعات لیبرال ایران و هم حزب کمونیست توده خواستار «راه‌حل سیاسی» درباره مسایل خودمختاری استانها بوده‌اند. با این وجود این احساس نیز وجود دارد که راه‌حل واقعی این مشکلات و دشواری‌های داخلی از مذاکره بین تهران و رهبران استانها حاصل نمی‌شود، بلکه جزئی از موافقتنامه کلی ایران و عراق برای متوقف کردن تبلیغات و تحریک احساسات در میان اقلیت‌های قومی و مذهبی است. (نظریه: ما تردید داریم که اگر چنین توافقی نیز انجام شود، ایران به شهروندان عرب و کرد، به صورتی که همواره می‌خواستند، آزادی عمل دهد. عراق نیز احتمالاً آزاد خواهد بود تا به نحو مشابه با شیعیان رفتار کند)
- ۸- امنیت خلیج فارس: همانطور که سفارت قبلاً متذکر شده است، ایران خلیج فارس را منطقه نفوذ خود می‌داند و معتقد است که نیروی دریایی ایران می‌تواند امنیت خلیج فارس را حفظ کند. ولی عملاً چنین نیست.
- ۹- ایران نسبت به همسایگان خود در خلیج فارس و اظهارات آنها درباره هماهنگی در امنیت ظنین است. ایران به عنوان یک کشور ساحلی خلیج فارس از اینکه کشورهای عرب،

ایران را از جلسات مربوط به امنیت خلیج فارس کنار گذاشته‌اند، ناراحت است. اینچنین اجتماعاتی از نقطه نظر ایران به شکل توطئه‌هایی درآمده‌اند که موضع ایران را در خلیج فارس تضعیف می‌کنند یا اینکه بدتر از آن انقلاب ایران را عقیم می‌گذارند. به این سوءظن کلی درباره مقاصد اعراب، این ترس را نیز باید افزود که ایالات متحده به نحوی از انحا سرگرم برنامه‌ریزی اقدامات نظامی علیه ایران از طریق بحرین، عمان یا عربستان سعودی است.

۱۰- با این وجود همانطوری که در مرجع ب خاطر نشان شده است، مسئولین حکومت موقت ایران از اضطراب کشورهای ساحلی خلیج [فارس] نسبت به مقاصد جمهوری اسلامی آگاه هستند و سفرهای اخیر طباطبایی معاون نخست‌وزیر و همچنین مذاکرات یزدی وزیر امور خارجه با رهبران خلیج فارس دقیقاً برای تسکین برخی از این نگرانی‌ها بوده است.

نظریه: سفارت معتقد است که مناسبات جمهوری اسلامی با کشورهای خلیج فارس تا مدتی در آینده بی‌ثبات و ناپایدار خواهد بود. دولت موقت ایران علاوه بر جهت‌گیری نیرومند شیعی، یک رژیم انقلابی است که بعضی چهره‌های برجسته آن شیخ نشین‌های ساحلی خلیج فارس و عربستان سعودی را به عنوان پس مانده دوران فئودالی به شمار می‌آورند و این موضع علامت خوبی برای مناسبات آینده ایران با این کشورها نیست.

لینکن

سند شماره ۲۸

۲۴ اکتبر ۱۹۷۹ - ۲ آبان ۱۳۵۸

سری

از: سفارت آمریکا، جده - ۷۴۴۲ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در ابوظبی، بیروت، امان، دمشق، دوحه، کویت، منامه،

تهران

مرجع: الف) جده ۷۳۰۸، ب) مسقط ۱۹۱۹

موضوع: گردهمایی وزیران خارجه خلیج [فارس]

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- عبدالرحمن منصوری معاون وزیر خارجه سعودی در ملاقات خود با کاردار در بیستم اکتبر درباره خطوط اصلی و نتایج گردهمایی وزیران خارجه خلیج [فارس] در ۱۶ اکتبر گفتگو کرد. منصوری گفت دولت عربستان سعودی اجلاس را برای این تشکیل داده بود تا علاوه بر مسائل دیگر در مورد اجلاس عربی آتی نیز بحث شود. (برای جزئیات به جده ۷۳۷۱ مراجعه کنید). با وجود اینکه به طور مختصر درباره امنیت منطقه تبادل نظر گردید ولی مسائل مورد بحث کلی وزیران خارجه شش کشور (عربستان سعودی، کویت، قطر، بحرین و عمان) برای جلسه‌ای در آینده موکول گردید. در همین رابطه، منصوری گفت که پیشنهاد عمان در مورد تنگه هرمز مورد بحث و گفتگو قرار نگرفت. منصوری گفت که یکی دیگر از مسائل مورد



گفتگو مربوط به یمن جنوبی می‌شد و وزیران خارجه تصمیم گرفتند جمهوری دموکراتیک خلق یمن را به عادی کردن روابط با عمان متقاعد کنند و جبهه آزادیبخش خلق عمان را رها سازد.

۳- در ادامه گفتگو درباره مطالب مطرح شده توسط منصوری با کاردار، سرپرست امور عربی وزارت امور خارجه اسماعیل الشوری به مقام سیاسی در ۲۲ اکتبر گفت که وزیران خارجه خلیج [فارس] موافقت کرده‌اند که همکاری میان شش کشور مزبور را گسترش دهند. الشوری گفت این موضوع به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار گرفت لیکن مشکل بتوان همکاری نهایی بین کشورهای خلیج [فارس] را به تعریف درآورد. وی خاطر نشان ساخت که سویدی وزیر خارجه امارات متحده عربی مایل بود همکاری تجاری و مالی بین این کشورها افزایش یابد و یک ریال واحد در این کشورها پدید آید. بحرین مایل بود این همکاری دربرگیرنده مسائل امنیتی نیز باشد، لیکن کویت (به خاطر عراق) مایل بود که این موضوع در همکاریهای موردنظر گنجانده نشود. کشورهای دیگر نیز مواضع متفاوتی اتخاذ کرده‌اند.

۴- الشوری گفت که شاهزاده سعود نیز خواستار همکاری در همه زمینه‌ها حتی امنیتی بوده است ولی سعی نکرد بر این عقیده خود در کنفرانس پافشاری کند چون ممکن بود این سوء تفاهم پیش آید که عربستان سعودی مایل است عقاید خود را بر کشورهای کوچک‌تر خلیج [فارس] تحمیل نماید. الشوری گفت از هر یک از اعضای شش کشور عضو خواسته شده بود که در مورد تعاون و همکاری که مورد نظر آنهاست صحبت کنند. بنابراین می‌توان انتظار داشت که در اجلاس آتی وزیران خارجه خلیج [فارس] مسئله همکاری منطقه‌ای بیشتر مورد موشکافی قرار گیرد. الشوری گفت زمان و مدت برگزاری این اجلاس هنوز دقیقاً مطرح نشده است، لیکن ممکن است در ماه دسامبر یا ژانویه در یکی دیگر از کشورهای خلیج [فارس] برگزار گردد. پلیک

سند شماره ۲۹

۲۴ اکتبر ۱۹۷۹ - ۲ آبان ۱۳۵۸

محرمانه

از: دفتر حفاظت منافع آمریکا، عراق - ۲۲۳۷ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در دوحه، جده، لندن، منامه، مسقط، تهران
موضوع: ممانعت از شرکت عراق در اجلاس طائف

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- دیپلماتهای عرب مقیم بغداد اکنون متوجه عکس‌العملهای دولت عراق مبنی بر عدم مشارکت این کشور در کنفرانس وزیران خلیج [فارس] در ۱۶ اکتبر در طائف هستند. معاون نخست‌وزیر و وزیر خارجه کویت روز ۲۰ اکتبر بازدید کوتاهی از بغداد داشت و گویا در این سفر دیگر همکاران وی در خلیج [فارس] به او مأموریت داده بودند تا درصدد جلب رضایت



دولت عراق برآید گویا وی نیز گویا گفته است که گرچه همه کشورهای خلیج [فارس] می‌خواسته‌اند از افکار عراق بهره‌مند شوند ولی تصمیم گرفته شد که حضور عراق توجه ایرانیها را جلب خواهد کرد و به کنفرانس وجهه ضدایرانی ناخوشایندی خواهد بخشید. آنها بالاخره به این نتیجه رسیدند که تنها راه ممانعت از این کار جلوگیری از شرکت عراق در کنفرانس است. می‌گویند کویت به دولت عراق اطمینان داده است که در کنفرانس به هیچوجه در مورد امنیت خلیج [فارس] گفتگو نشود، ولی ظاهراً به صدام گفته شده بود که در هر جلسه‌ای که در مورد امنیت خلیج [فارس] برگزار می‌گردد، دو قدرت نظامی بزرگ منطقه یعنی ایران و عراق حتماً باید شرکت داشته باشند.

۳- سعدون حمادی وزیر خارجه عراق در مصاحبه با روزنامه الشوره که روز بعد از این دیدار منتشر گردید، اظهار داشته بود که گرچه عراق مخالف بهبود روابط کشورهای عرب با یکدیگر نیست، ولی با تشکیل بلوکهای عربی موافق نیست. گرچه این سخنان در چهارچوب مذاکرات جامعه اروپایی و خلیج [فارس] مطرح می‌شد (که عراق را نیز دربرمی‌گیرد) ولی همکاران عرب ما در اینجا معتقدند که حمادی به طور مبهم به جلوگیری از مشارکت وی در اجلاس طائف اشاره دارد.

۴- نظریه: درست است که عراقیها باید از توضیحات ارائه شده راضی شده باشند ولی احتمالاً احساس می‌کنند که در تلاش خویش برای به رسمیت شناخته شدن به عنوان رهبر منطقه خلیج [فارس] قدری عقب مانده‌اند. با این حال، عراق این نارضایتیها را بروز نخواهد داد. این کشور که خود را حامی اعراب خلیج [فارس] عنوان کرده، اجازه نخواهد داد که با یک عدم مشارکت ساده در اجلاس طائف در روابطش با اعضای کنفرانس طائف تیره‌گیهای پدیدار گردد.

سند شماره ۳۰

۲۴ اکتبر ۱۹۷۹ - ۲ آبان ۱۳۵۸

محرمانه

از: سفارت آمریکا، منامه - ۲۱۱۸
به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در امان، بیروت، دمشق، دوحه، جدّه، لندن، مسقط، پاریس، صنعا، تهران

مرجع: الف) مسقط ۱۹۱۹، ب) دوحه ۱۲۱۳

موضوع: ششمین کنفرانس طائف: ظهور یک نیرو

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- خلاصه: وزیران بحرین در مورد کنفرانس طائف که در ۱۶ اکتبر با حضور وزیران خارجه ۶ کشور عربی میانه‌رو برگزار شده بود با هیجان یاد می‌کنند. با وجود اینکه تعداد تصمیمات اتخاذ شده چندان زیاد هم نبود ولی به نظر آنها چهارچوبی برای تصمیم‌گیری



جمعی در آینده و افزایش وزنه سیاسی کشورهای عربی قدرتمند از نظر اقتصادی در سکوه‌های بین‌المللی فراهم آمده است. ولی اینکه این گروه تا چه حد متحد و مؤثر خواهد بود زیر سؤال است. پایان خلاصه.

۳- هنگامی که در مورد اهمیت کنفرانس اخیر طائف سؤال شد، وزیر امور خارجه بحرین، شیخ محمد بن مبارک الخلیفه در ۲۳ اکتبر به سفیر گفت وی در دو سال گذشته تلاش کرده تا یک گروه سیاسی منطقه‌ای مؤثر تشکیل دهد. با رفتن شاه از ایران گفتگوهای مقدماتی با این کشور لغو گردید. چند اجلاس اخیر در «متن خلیج [فارس]» که طبیعتاً عراق نیز در آنها حضور داشته و آخرین آنها اجلاس نفتی طائف در ماه سپتامبر بوده است، به خاطر اختلاف گرایش موجود بین عراق و دیگر دولت‌های شبه‌جزیره ثمرات گسترده‌ای به همراه نداشته است. شیخ محمد گفت در دو اجلاس اوایل اکتبر که در اقامتگاه وی در هتل والدروف نیویورک صورت گرفته بود تصمیم گرفته شد که مشورت‌های سیاسی فقط در مورد شش کشور میانه‌رو که اهداف و گرایش‌های مشترکی دارند انجام شود. با در نظر گرفتن عدم اتحاد میانه‌روها در هاوانا، و خطاهایی که عمان در ابتکار خود در قبال تنگه هرمز انجام داده بود، و عدم سازش بین شش کشور مزبور و عراق، گروه تصمیم گرفت که در طائف ملاقات کند تا بتواند یک مکانیزم خاص تصمیم‌گیری و مشورتی پدید آورد و سعودیها نیز تاریخ اجلاس را مشخص کردند. مهم‌ترین تصمیمی که توسط این شش کشور در تاریخ ۱۶ اکتبر در طائف اتخاذ گردید این بود که همه موافقت کرده بودند قبل از اجلاس وزیران خارجه برگزاری یک اجلاس عربی در نوامبر ضرورت دارد و با صحنه گذاردن بر این پیام آن را به تونس ارسال کردند.

۴- در این کنفرانس در مورد ابتکار عمان صحبتی نشد فقط خاطرنشان گردید که اگر ابتدا در کنفرانس طائف طرح می‌شد مشکلات کنونی را به همراه نداشت. پس از آن وزیر به گفتگو درباره نحوه برخورد جمهوری دمکراتیک خلق یمن با کویت پرداخت که خطوط اصلی آن در تلکس مسقط ۱۹۱۹ گزارش شده است. وی گفت در مورد تصمیمات ویژه دیگر، چیزی نمی‌تواند بگوید فقط اظهار داشت که مسائل آتی بسیاری مطرح گردید که بر اساس آنها باید سیاست‌های مشترکی اتخاذ گردد؛ از آن جمله این است که در مورد ایجاد روابط با شوروی و کشورهای اروپای شرقی چه باید کرد. وی گفت در این اجلاس درخواست شده است که در قبال ایران نیز یک موضع محکم ولی غیر برخوردی اتخاذ شود.

۵- وزیر خارجه گفت، بعضی از کشورها از اینکه در این اجلاس شرکت داده نشدند اظهار نارضایتی کرده‌اند. عراق به کویت که مأمور بوده است بغداد را در جریان اخبار این گروه قرار دهد گفته بود که از منزوی شدن از این اجلاس چندان خوشحال نیست. حسن ولیعهد اردن که برای گذراندن یک تعطیلات کوتاه به بحرین آمده بود گفت اردن نیز می‌بایست در این اجلاس شرکت داده می‌شد. لیکن به وی گفته شد که موضع اردن بیشتر شبیه عراق بوده است تا موضع

شبه جزیره. وی فکر می‌کند که جمهوری عربی یمن نیز از این موضوع ناراضی است. البته در حال حاضر نمی‌توان این گروه را گسترش بخشید مگر اینکه هدف کاهش تأثیر آن باشد. شاید در آینده پس از ثابت شدن وحدت، از دیگر دولت‌های «میان‌رو» نیز خواسته شود که به این گروه بپیوندند. شیخ محمد گفت ما دیگر درباره «خلیج [فارس]» صحبت نخواهیم کرد. چون از این کلمه بیش از حد استفاده شده است. ما از این پس درباره «شش کشور عضو» صحبت خواهیم کرد.

۶- نظریه: وزیر امور خارجه از کنفرانس طائف کاملاً طرفداری می‌کند. با وجود اینکه نتایج حاصله چندان هم دلگرم‌کننده نبوده است، وی معتقد است که بالاخره برای تصمیم‌گیری جمعی بین شش کشور چهارچوبی فراهم آمده است. دیگر وزیران بحرینی نیز به همین ترتیب هیجان زده هستند. وزیر بهداشت به سفیر گفت این اجلاس گامی برای تشکیل یک بلوک میان‌رو غربی بوده که آمریکا بتواند به طور جمعی با آن سر و کار داشته باشد. وزیر گسترش یوسف شیراوی آن را پیمان عربی رم خوانده است. البته اینها همه اغراق‌آمیز است، لیکن کنفرانس طائف گامی است برای تقویت نقش اعراب میان‌رو در صحنه عربی و بین‌المللی و علاوه بر آن برای مشورتهای مشترک سیاسی در زمینه امنیت منطقه و مسائل موردنظر دیگر، چهارچوبی ایجاد کرده است. ولی آینده نشان خواهد داد که این گروه تا چه حد متحد و یکپارچه خواهد بود. پلترو

سند شماره ۳۱

۲۴ اکتبر ۱۹۷۹ - ۲ آبان ۱۳۵۸

سری

از: سفارت آمریکا، دوحه - ۱۲۱۳ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در امان، بغداد، بیروت، دمشق، جدّه، کویت، منامه، مسقط، تهران.

مرجع: الف (جدّه ۷۳۰۸، ب) دوحه ۱۱۹۵

موضوع: وزیران امور خارجه خلیج [فارس] برای گفت و شنود با رژیم تهران موافقت دارند

۱- (سری - تمام متن)

۲- آغاز خلاصه: از قرار معلوم کشورهای قطر، امارات متحده عربی، کویت، عربستان سعودی، بحرین و عمان در موارد ذیل موافقت کرده‌اند:

الف - گفت و شنود با ایران را به سطح بالاتری ارتقا دهند. ب - بهبود بخشیدن به مشورتهای و تبادل اطلاعات در میان خودشان و پ - از لحاظ نظامی خود را تقویت کنند. پایان خلاصه.

۳- در تاریخ ۲۰ اکتبر ضمن ملاقات با وزیر مشاور قطر برای معرفی ناخدای کشتی آمریکایی لاسال من از شیخ احمد بن سیف آل ثانی درباره اجتماع ۱۶ اکتبر در طائف



مشاهده سند

(عربستان سعودی) پرس و جو کردم. شیخ احمد در پاسخ گفت که وزیران موافقت کرده‌اند که در میان ۶ کشور تبادل اطلاعات بهبود یابد و هر یک از کشورها ظرفیت دفاعی خود را تقویت خواهند کرد. (نظریه: تقاضای فروش نظامی که به تازگی از قطر دریافت شده طی تلگرام جداگانه‌ای گزارش می‌شود) و کشورها کوشش‌های فوق‌العاده‌ای برای بهبود تفاهم با دولت ایران به عمل خواهند آورد. در حالیکه کشورهای خلیج فارس که در مذاکرات شرکت داشتند از رژیم ایران ناراحتی‌های بسیاری دارند ولی معتقدند که یک دولت احتمالی جانشین که تحت سلطه کمونیست‌ها باشد بسیار وحشتناک‌تر از این رژیم خواهد بود. علاوه بر این کشورهای شبه جزیره در خلیج [فارس] ممکن است قادر باشند از طریق سرگرم کردن دولت تهران در مذاکرات تفاهم‌آمیز بعضی از سیاستهای این دولت را معتدل سازند و در نتیجه اثرات این عمل رژیم جدید اسلامی را از دست خودش نجات بخشند. این کار حداقل به آزمایش آن می‌ارزد.

۴- در کنفرانس، موافقت حاصل شد که سعود الفیصل وزیر امور خارجه عربستان سعودی به زودی از تهران دیدن کند، و وزیران امور خارجه سایر کشورهای شرکت کننده در مذاکرات متعاقباً از ایران دیدن خواهند کرد. سفیران کشورهای خلیج [فارس] اکنون همگی در پست‌های خود در تهران مستقر هستند. این سفرها به تلاش‌های خود برای بهبود تبادل اطلاعات و نظرات با وزارتخانه‌های دولتی در تهران ادامه خواهند داد. هدف کلی این است که تفاهم و شناسایی منافع مشترک بین ایران و کشورهای خلیج [فارس] بهبود یابد.

۵- من به شیخ احمد گفتم این روش ظاهراً به نحو بارزی معقول به نظر می‌رسد. ممکن است کوشش هماهنگ و پیگیر از سوی کشورهای خلیج فارس در تحت تأثیر قرار دادن ایران برای جهت‌گیری‌های سازنده بسیار مفید باشد. رهبران کنونی ایران و بویژه شخصیت‌های روحانی تمایل دارند که سیاست را با اصول اخلاقی مطلق سیاه یا سفید تطبیق دهند در حالیکه رژیم به طور کلی اغلب قربانی توهمات ساخته و پرداخته خود می‌باشد. تبادل نظر دائمی اگر از روی حسن نیت و همدردی انجام گیرد به برطرف کردن ساده‌لوحی‌های سیاسی کمک خواهد کرد. یکی از اقداماتی که ممکن است کشورهای خلیج [فارس] تمایل داشته باشند انجام دهند این است که از ایران بخواهند خرد بیشتری نشان دهد و در خرج کردن واقعی پول برای عمران اقتصادی در کردستان عقل سلیم را به کار بندد. ممکن است ایران به خوبی از تجربه عراق درس عبرت بگیرد. سیاست سرکوبی خشن کردها تنها نتیجه‌اش جنگ داخلی بی‌امان و فرسایشی خواهد بود. برای ایرانی‌ها امکان دارد که با عمران اقتصادی و تفاهم - و شاید به کار بردن اندکی زور - به موفقیت‌هایی دست یابند، زیرا آنان بر عکس اعراب با کردها یک نزدیکی تاریخی و زبانی دارند.

۶- گرایش اظهارات شیخ احمد این بود که این کنفرانس بر سر مطرح ساختن موضوع امنیت تنگه هرمز از طرف عمان با این کشور برخورد خشنی انجام نداد. من اظهار امیدواری کردم که سایر ۵ کشور شرکت کننده در کنفرانس به صورت واقعی تلاشهای ویژه‌ای برای

تبادل نظر مستمر با عمان به عمل آورند تا مسقط چنین تصور کند که عضو واقعی این مجمع است. قطر و سایر کشورها گله کرده‌اند که عمان قبلاً با آنان مشورت نکرده است، ولی مقصر کیست؟ آیا قطر و سایر کشورهای شرکت کننده در کنفرانس برای درک مشکلات سلطان قابوس و حصول اطمینان از اینکه وی همه نگرانی‌های آنها را درک می‌کند، تمام تلاش خود را مبذول داشته‌اند؟ وزیر مشاور در امور خارجی اعتراف کرد که آنها چنین تلاشی صورت نداده‌اند.

۷- نظریه: قطر و من معتقد هستیم که دیگران نیز به مرحله نگرانی عمیق در مورد خطرات احتمالی ناشی از رژیم اسلامی در ایران رسیده‌اند. بدترین کابوس این است که رژیم کنونی به صورتی که فعلاً باعث نارضایتی است در اقدامات خود شکست خورده و کمونیست‌ها اداره امور را به دست بگیرند. نتیجه فوری آن تقاضای فروش اسلحه (تلگرام جداگانه) از ایالات متحده خواهد بود. همین مسئله به تنهایی و به وضوح برای ما اسباب دردسر خواهد بود و مجبور خواهیم بود با آن مواجه شویم.

قطر از لحاظ نظامی احساس فقر می‌کند و اگر پاسخ ما به این احساس حاکی از همدردی نباشد آن را درک نخواهد کرد.

۸- ادامه نظریه: تصمیم کنفرانس جهت پایه‌ریزی گفت و شنود مستمر با ایران و نیز در بین خودشان مایه اطمینان است. به ویژه برای من چنین به نظر می‌رسد که مذاکره با حکومت ایران اثرات مثبتی دربر داشته باشد.

۹- ادامه نظریه: غریبه این کنفرانس آشکارا عراق بود ولی با نظر به عدم اعتماد مستمر ایران نسبت به عراق، شاید کشورهای ساحلی خلیج فارس - حداقل در حال حاضر - در کنار گذاردن عراق عاقلانه عمل کرده‌اند. این امر به کوشش‌های آنان جهت افزایش تفاهم با ایران، اعتبار بیشتری می‌بخشد. کیل‌گور

سند شماره ۳۲

۲۷ اکتبر ۱۹۷۹ - ۵ آبان ۱۳۵۸

سری

از: سفارت آمریکا، دوحه - ۱۲۳۰ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در امان، بیروت، قاهره، دمشق، جدّه، کویت، منامه، مسقط، تهران.

مرجع: الف) منامه ۳۱۱۸، ب) دوحه ۱۲۱۳

موضوع: نگرانی وزیران امور خارجه خلیج [فارس] درباره روابط ساف با دولت ایران

۱- (سری - تمام متن)

۲- سفیر آلمان غربی هلنر - درباره گفتگوی خود با شیخ احمد بن سیف آل ثانی وزیر امور خارجه قطر با من صحبت کرد و گفت وی به گفتگویی که درباره سازمان آزادیبخش



فلسطین در ۱۶ اکتبر در کنفرانس طائف انجام شده بود اشاره کرده است. وزیران با نگرانی اظهار داشته بودند که ممکن است روابط بین ساف و ایران آن قدر صمیمی شود که رژیم‌های سنتی عربی در شبه جزیره عربی نتوانند مانند گذشته بر ساف اعمال نفوذ نمایند. وابستگی شدید ساف به کشورهای صادرکننده نفت عربی از نظر مالی سبب شده است که نتواند تندروییهای زیادی به خرج دهد. لیکن رژیم اسلامی تهران علاوه بر منابع عظیم مالی خود درباره اهمیت اورشلیم برای اسلام نیز کارهای زیادی کرده است. این موضوع سبب می‌شود که تهران بتواند انگیزه ایجاد نفوذ در میان فلسطینی‌هایی که به قول سفیر آلمان غربی در بسیاری از کشورهای خلیج [فارس] پست‌های حساسی اشغال کرده‌اند به دست آورد. هلنر گفت این بخش از گفتگوی وی زمانی انجام شد که شیخ احمد بن سیف آل ثانی تقاضای [تشکیل] کنفرانسی از کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا را برای شناخت دیپلماتیک ساف مطرح نمود.

منطق شیخ این بود که به رسمیت شناخته شدن ساف توسط جامعه اقتصادی اروپا سبب خواهد شد که این سازمان از خشونت اجتناب ورزیده و برای حل مشکل فلسطین به دیپلماسی روی آورد.

۳- نظریه: همانطور که در گزارشها آمده است جامعه ۲۰۰۰۰ نفری فلسطینی‌ها در قطر از بنیه مالی خوب و موقعیت استراتژیکی قابل ملاحظه‌ای برخوردارند. فلسطینی‌ها در این جامعه مشخص بخش بالاتر طبقه متوسط و عناصر روشنفکر را تشکیل می‌دهند. و اکثریت آنها از حمایت مالی دولت قطر از انقلاب فلسطین اظهار خوشنودی و رضایت می‌کنند. بنابراین غیرعادی است که قطر و دیگر کشورهای عربی خلیج [فارس] فکر کنند که ایران اسلامی می‌تواند به فلسطینیها بیش از دیگر اعراب کمک کند.

کیل‌گور

سند شماره ۳۳

۲۷ اکتبر ۱۹۷۹ - ۵ آبان ۱۳۵۸

سری

از: سفارت آمریکا، دوحه - ۱۲۳۱ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در امان، بغداد، بیروت، قاهره، دمشق، کویت، منامه، مسقط، تهران.

مرجع: الف) منامه ۲۱۱۸، ب) دوحه ۱۲۱۳

موضوع: وزیران امور خارجه خلیج [فارس] هنوز در نظر دارند

تفاهم جدید خود را غیررسمی نگاهدارند

۱- (سری - تمام متن)

۲- احمد بن سیف آل ثانی وزیر امور خارجه قطر، در گفتگوی جداگانه با سفیران آلمان



غربی و ژاپن در دوحه اظهار داشت که قطر و پنج کشور خلیج [فارس] شرکت کننده در کنفرانس طائف در ۱۶ اکتبر به چنان وحدتی در زمینه اهداف دست یافته‌اند که گویا پیمانی را منعقد ساخته‌اند. شیخ که معمولاً با خوش بینی سخن نمی‌گفت از کنفرانس طائف با حرارت زیاد صحبت می‌کرد. ولی اظهار داشت که کشورهای شرکت کننده در کنفرانس تلاش خواهند کرد این وحدت خود را به طور رسمی علنی نسازند و یکی از دلایل آن نیز جلوگیری از ناراحت شدن عراق است. دلیل دیگر آن این است که ایران متوجه نشود که کشورهای عربی واقع در ساحل جنوبی تلاشهای خود را به شدت هماهنگ کرده‌اند.

کیل‌گور

سند شماره ۳۴

۲۸ اکتبر ۱۹۷۹ - ۶ آبان ۱۳۵۸

محرمانه

به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

از: سفارت آمریکا، جده - ۷۵۲۸

جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در بغداد، کویت، لندن، منامه، مسقط، صنعا، تهران.

مرجع: بغداد ۲۲۳۷

موضوع: جلوگیری از حضور عراق در اجلاس طائف

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- در ۲۳ اکتبر به هنگام گفتگو با اسماعیل الشوری سرپرست امور عربی وزارت امور خارجه، مقام سیاسی در مورد صحت گزارشات مطبوعات (به خصوص گزارش «کنا» در تلکس FBIS لندن ۲۰۰۹۲۸ LD) که مدعی بودند سفر الصباح نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه کویت به بغداد برای این بوده است که آن کشور نیز در جریان نتایج اجلاس وزیران امور خارجه در طائف در ۲۰ اکتبر قرار گیرد، سؤال کرد. الشوری با عصبانیت گفت اگر شیخ الصباح درباره اجلاس طائف با همتهای خود در بغداد گفتگو کرده باشد، بدون اجازه وزیران خارجه خلیج [فارس] این کار را انجام داده است. وی گفت دیدار معاون نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه کویت از بغداد مربوط به دو کشور بوده و بر روابط عراق و کویت با ایران متمرکز بوده است.

۳- نظریه: عربستان سعودی خود را از جمله نیروهای قدرتمند شبه‌جزیره (و کشورهای عربی) می‌داند و احتمالاً تشکیل گردهمایی را که در آن عراق بتواند حضور عربستان سعودی را تحت الشعاع قرار دهد مجاز نمی‌شناسد. اگر هم این موضوع صحت داشته باشد، و الصباح کویتی اجازه توجیه کردن عراق درباره کنفرانس طائف را نداشته باشد، ولی عراق را تا حدی در جریان گذاشته است و اظهار داشته است که تلاش کویت برای ایجاد صلح و آشتی بین جمهوری دمکراتیک خلق یمن و همسایگانش به نتیجه نرسیده است که بغداد با اهمیت ویژه‌ای به آن می‌نگرد.

پلیک



سند شماره ۳۵

۳ نوامبر ۱۹۷۹ - ۱۲ آبان ۱۳۵۸

سری

به: ریاض، رئیس - رونوشت برای تهران - فوری

از: جده - ۳۶۶۹۷

هشدار: شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است

مرجع: جده ۳۶۶۶۷ (NWJ - ۵۸۱۸)

[موضوع]: درگیری پلیس سعودی با زائران ایرانی

۱- جسته گریخته از کارکنان محلی شرکتی آمریکایی شایعاتی شنیده‌ایم حاکی از اینکه آشوب ایرانیان روز ۲ نوامبر به اوج خود رسید. از جمله خصوصیات آن اینکه زوار ایرانی شعارهای ضد خاندان سعودی روی درها و دیوارهای مکه نوشتند که باعث شد پلیس سعودی جهت مقابله با باتوم وارد میدان شود. بنابر ادعاهای واصله در مکه به اموال خسارت وارد آمد و ۱۰۰۰ زائر ایرانی توسط سعودیها بازداشت شدند.

۲- آنچه احتمال صحت بخشی از مطلب فوق را تأیید می‌کند این است که از مقامات تی. دلیو. دلتا و تی. دلیو. فیلتر که معمولاً با آنها در تماس هستیم امروز هیچیک در دفتر خود نیستند. این غیرعادیست. ارسال اطلاعاتی برای ما در این مورد موجب امتنان خواهد بود. در عین حال خود نیز درصدد هستیم با آشنایان و با رابط سازمان اطلاعاتی همکار، وقتی که در دسترس باشند، تماس بگیریم.

۳- برای رئیس: پیشنهاد می‌شود مطلب فوق به عنوان شایعه تأیید نشده به مرکز تحلیلهای خارجی کشور ارائه شود. در اسرع وقت گزارش موثقتری در این مورد خواهیم فرستاد.

۴- بدون پرونده. تا تاریخ ۳ نوامبر ۱۹۹۹ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری

سند شماره ۳۶

۳ نوامبر ۱۹۷۹ - ۱۲ آبان ۱۳۵۸

سری

به: رئیس - فوری - جده - رونوشت برای تهران

از: ریاض - ۱۹۹۳۲

هشدار: شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اطلاعات. تی. دلیو. الویتور

مرجع: جده ۳۶۶۹۷

[موضوع]: تظاهرات در مکه

۱- خبر آشوبی که در تلگرام مرجع به آن اشاره شد توسط تی. دلیو. الویتور / ۱ (الف/۱) تأیید شد. او در حضور سولدانو با رئیس هتل اینترکتینانتال در مکه تماس گرفت و مطلب ذیل را گزارش داد: تعداد «کثیری» از حجاج ایرانی و فلسطینی ضدخاندان سعودی در مکه تظاهرات کردند. آنها شعارهای ضد رژیم سعودی سر داده و تصاویر [آیت‌الله] خمینی و یاسر عرفات را حمل می‌کردند. مشخص نیست که فلسطینی‌ها از کدام جناح بودند. در ۳ نوامبر حدود ۴۰ ایرانی در اینترکتینانتال مکه برای بازجویی دستگیر شدند و هنوز آزاد نشده‌اند.



- اقدامات شدید امنیتی در سرتاسر مکه اتخاذ و وضع آماده‌باش اعلام شده است.
- ۲- ای/۱ با دریافت اخبار جدیدتر تحولات را گزارش خواهد داد.
- ۳- گزارش جداگانه‌ای متعاقباً در مورد استخدام ای/۱ ارسال می‌شود.
- ۴- بدون پرونده تا تاریخ ۳ نوامبر ۱۹۹۹ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری

«نفت در خلیج فارس»

سند شماره ۳۷

۱۷ فوریه ۱۹۷۰ - ۲۸ بهمن ۱۳۴۸

اداری - غیررسمی
بخش خاور نزدیک - ایران

تهران - ایران
جناب ویلیام اچ. هالمن

وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی
[موضوع]: ملاقات با ولیعهد رأس الخیمه

بیل عزیز

من یادداشتی را ضمیمه کرده‌ام که شامل بعضی تفاسیر و دیدگاهها در مورد ملاقات ولیعهد رأس الخیمه شاهزاده خالد با راجر دیویس و میل برور در تاریخ ۵ فوریه است. قسمتهایی از گزارش شاهزاده از گفتگوهای دسامبر با گزارشهایی که ما اینجا شنیده‌ایم وفق نمی‌دهد و ما فکر کردیم که ارزش تفسیر کردن را دارد. شما متوجه خواهید شد که یک بررسی مجدد قضیه توسط CAS (منابع کنترل شده آمریکا) به وسیله یک منبع موثق، شرح و تفسیر قبلی ما را تأیید می‌کند. وان توسانیت فکر کرد که شاید شما علاقمند باشید که این را در معرض توجه بعضی عرب‌شناسان قرار دهید.

با بهترین آرزوها

ارادتمند

چارلز دبلیو. مک کاسکیل

دبیر اول سفارتخانه

گزارش وزارت امور خارجه در مورد ملاقات با شاهزاده خالد ولیعهد رأس الخیمه



نکات متعددی در تلگرام شماره ۱۸۴۹۳ وزارتخانه (پیوست) درباره ملاقات با شاهزاده احتیاج به اظهار نظر دارد:

(۱) اظهار شاهزاده در مورد اینکه شیخ رأس الخیمه «امیدوار است به توافقی در موضوع خط میانی نایل آید... با تقدم کمتر به مسئله تنبها» به نظر می‌رسد که خیالبافی بوده است. در طی سال گذشته ایرانیان بر ترتیبات امنیتی تأکید داشته‌اند و غیرقابل تصور است که ایرانیان شیخ را متقاعد کرده باشند که موافقت خط وسط مقدم بر مسائل اصلی است. در هر حال، بررسی منابع کنترل شده آمریکا با یک منبع موثق این نکته را مشخص می‌کند که خط وسط در طی گفتگوها مورد بحث قرار نگرفته است. اگر رأس الخیمه در صدد این بوده که به این امر تقدمی بدهد، به نظر می‌آید که آنها آن را مطرح کرده باشند.

(۲) ما هیچ دلیلی نداشته‌ایم که رأس الخیمه، به طوری که شاهزاده به وزارت امور خارجه گفت، «حتی مایل به از دست دادن جزیره کوچک‌تر و دادن تسهیلاتی در جزیره بزرگ‌تر به ایرانیها» باشد. اگر مذاکرات تا این حد جلو رفته باشد احتمالاً ایرانی‌ها راهی یافته‌اند که با زرنگی، مسئله حاکمیت بر جزیره بزرگ‌تر را مطرح کنند.

در ۲۹ دسامبر، عَلم خاطر نشان ساخت که دولت ایران موافقتنامه‌ای را ترجیح می‌دهد که در آن به وضوح به حق حاکمیت ایران اشاره شده باشد، زیرا شاه دوست ندارد که به اعراب رادیکال بهانه‌ای بدهد، که بعدها ادعای تخلیه ایرانیان از خاک اعراب را بکنند. منبع سیا می‌گوید که موضوع حاکمیت بر جزیره کوچک که با تهیه مقدماتی برای جزیره بزرگ مربوط می‌شود، در طی ملاقات مورد بحث قرار نگرفته است.

(۳) اظهار ولیعهد دال بر اینکه «زاهدی روشن کرده است که دولت ایران اجازه نخواهد داد» استخراج نفت، در صورتی که حاکمیت جزیره تغییر یابد، توسط غیرایرانیها انجام شود با اطلاعات قبلی، کاملاً ناموافق و متضاد است. زاهدی در ۲۹ دسامبر به شما گفت که او و شاه دلایل حیاتی و مهم بودن جزایر برای امنیت ایران در خلیج [فارس] را شرح داده‌اند و شیخ را مطمئن ساخته‌اند که اگر نفت قابل استخراج یا منابع معدنی کشف نشده‌ای وجود داشته باشد شیخ می‌تواند اقدام به بهره‌برداری از آنها کند، در صورتی که شیخ قادر به این کار نیست، ایران آماده انجام آن به صورتی کاملاً منصفانه با شیخ است. همچنین منابع کنترل شده آمریکا برای مدتی گزارش داده‌اند که ایران حاضر خواهد بود همه ادعاهای خود را در مورد نفتی که بعدها در جزیره یا اطراف آن در دریا کشف شود، پس بگیرد. منبع موثق سیا اخیراً این نکته را مجدداً تأکید کرد و گفت که این تنها زمینه بحث در مورد نفت در طی ملاقات در رأس الخیمه بوده است.

(۴) علیرغم دلایل مخالف در چند ماه گذشته، شاهزاده اظهار عقیده کرد که ایران قضیه بحرین را به مصالحه در مورد جزایر تنب و ابوموسی مربوط کرده است. کسانی که در وزارت امور خارجه روی مسئله کار می‌کردند چند ماه پیش مایل بودند این دو را به هم ربط دهند اما

در ماه‌های اخیر ظاهراً از دربار گفته‌اند که این دو به هم مربوط نیستند. این تلقی شاهزاده احتمالاً یا ناشی از انگلیسیها یا تماس با افرادی است که روی مسئله کار می‌کنند، یا در ضمن دیدار شیخ با وزیر خارجه زاهدی مطرح شده که در گذشته میل داشت این دو را به هم مرتبط کند.

به عقیده من قبلاً هم گزارش داده‌ایم که فعالان قضیه در سفارت انگلیس در اینجا بر این گمان بوده‌اند که علیرغم اینکه هرگز از جزئیات گفتگوها مطلع نشده‌اند ولی دیدار سفیر شروع خوبی بوده است. دبیر دوم که با او ارتباط نسبتاً نزدیکی داریم (دراس فرانسیس) در ۱۱ فوریه گفت که انگلیسیها شواهدی در دست داشته‌اند که ایرانیان آماده بوده‌اند هرگونه ادعای خود را در مورد نفتی که ممکن است کشف شود پس بگیرند و مایل خواهند بود که در استخراج آن کمک کنند. دراس فرانسیس هیچ اطلاعی در این زمینه نداشت که حاکمیت بر جزیره کوچک‌تر، با فراهم آوردن تسهیلاتی در جزیره همراه شده باشد. اختلاف بالا می‌تواند از راههای متعددی شرح داده شود:

الف- شاید سوء تفاهم واقعی بین دو طرف موجود بوده است. ایرانیان در مورد تنبها نسبتاً آسوده‌خاطر بوده‌اند که حل مشکل تنبها از مشکل ابوموسی خیلی ساده‌تر خواهد بود. ب- شاه و زاهدی فقط با خود شیخ گفتگو کرده‌اند. احتمال عدم تماس بین شیخ و افرادش می‌رود.

پ- شیخ احتمالاً در تلاش برای جلب توجه و حمایت از موقعیت خویش است. به نظر می‌رسد سخن او دال بر اینکه وزارت امور خارجه بریتانیا به او گفته است که نقشه ۱۸۸۶ که جزایر را جزو ایران نشان می‌دهد اشتباه بوده است، مؤید این استنتاج باشد.

سند شماره ۳۸

۲۷ دسامبر ۱۹۷۵ - ۶ دی ۱۳۵۴

محرمانه

از: سفارت آمریکا، کویت - ۸۶۰ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در ابوظبی، الجزیره، بغداد، بیروت، بن، قاهره، کاراکاس، جده، لندن، منامه، مسقط، رم، تهران، توکیو
مرجع: الف) سی. ای. آر. پی ۴۲۵، ب) کویت الف - ۱۰۸، ۹ دسامبر ۱۹۷۴

به ضمیمه تحقیقات سالیانه معمول ما درباره رشد صنعت نفت کویت آمده است.

استولت فاز

موضوع: گزارش دورنمای صنعت نفت کویت

الف- مقدمه و خلاصه

سال ۱۹۷۵ برای کویت یک مرحله انتقال به شمار می‌آمد و مشکل مهم امور نفتی، سازمان



صنعت و بوروکراسی شرکت نفت و دولت بود. به دنبال انتخابات معمول پارلمانی در ماه ژانویه، دولت سازماندهی شد و وزارت پیشین دارایی و نفت به صورت دو وزارتخانه جداگانه درآمد. وزیر نفت جدید یعنی عبدالمطلب کاظمی بخش اعظم تلاش خود را به سازماندهی این صنعت چند میلیارد دلاری که اکنون تحت کنترل کامل دولت کویت درآمده، مصروف داشته است. وی با انجام اقداماتی کنترل خود بر شرکت ملی نفت کویت که ۴۰ درصد سهام آن تا سال جاری مربوط به بخش خصوصی بود، تضمین کرد، و مهم‌تر از همه اینکه دولت ۴۰ درصد سهام شرکت نفت کویت را که از آن شرکت گلف و بریتیش پترولیوم بود نیز تصاحب کرده است.

جالب خواهد بود اگر سال ۱۹۷۵ در رابطه با تولید نفت خام و قیمت آن نیز یک مرحله گذار باشد. در بخش اول سال، دولت کویت چندین بار نفت خام خود را به طور مستقیم به فروش رساند. ولی در ماه سپتامبر، اوپک فرمان افزایش ۱۰ درصدی قیمت‌ها را صادر کرد. برای کویت مسئله بدین معنی بود که قیمت هر بشکه نفت خام سنگین آن می‌بایست ۱۱/۴۰ دلار باشد، لیکن این قیمت از نظر شرکت‌های نفتی معقول نبود چون به نظر آنها، بازار قادر به حمایت از این قیمت نیست. نتیجه این شد که دولت کویت یکی از عقب‌نشینی‌های نادر خود را در رابطه با قیمت انجام دهد. مسئله مورد نظر در حال حاضر این است که آیا بازار قادر خواهد بود مقدار کافی نفت کویت را به قیمت هر بشکه ۱۱/۳۰ دلار خریداری کند تا نیاز جاری تولید را برآورده سازد یا خیر. در این رابطه، سؤال مورد نظر این است که حداکثر سطح تولید از نظر دولت کویت چیست. در سال ۱۹۷۵ تولید به پایین‌ترین میزان آن در این سالها رسید؛ میانگین تولید روزانه نفت کویت در سال ۱۹۷۵ حدود ۲/۱ میلیون بشکه بود در حالیکه در سال ۱۹۷۴ حدود ۲/۵ میلیون بشکه و قبل از سپتامبر ۱۹۷۳ سطح «عادی» تولید ۳/۲ میلیون بشکه در روز بود. با این وجود، شواهد موجود نشان می‌دهد که دولت خواهان افزایش تولید است. بر اساس قراردادهای فروش کویت با شرکت‌های گلف، بریتیش پترولیوم، شل و چند خریدار کوچکتر به این نتیجه رسیده‌ایم که در سال ۱۹۷۶ سطح تولید، کمی بیش از ۲ میلیون بشکه در روز خواهد بود.

این امر قطعاً درآمد کافی در اختیار دولت کویت قرار خواهد داد تا برنامه‌های عمرانی جاه‌طلبانه خود را که شامل کارخانه عظیم گاز مایع، پروژه‌های پالایشگاهی و پتروشیمی و نیز خرید کشتی‌های مربوطه است به مرحله اجرا درآورد. علاوه بر این، در سال ۱۹۷۶ فعالیت‌های اکتشافی افزایش خواهد یافت. دولت کویت احتمالاً در جستجو و گسترش جدی ذخایر گازی عظیم و جدید موجود در داخل و خارج از خشکی خواهد بود.

در سال ۱۹۷۶ دولت کویت مجبور نخواهد بود مانند سال ۱۹۷۵ به مسائل سازمانی و بوروکراتیک بپردازد، گرچه مسائل مربوط به نحوه اداره شرکت‌های کاملاً ملی شده به قوت خود باقی خواهد بود. دولت کویت در مورد دو مسئله فعالیت وسیع و مشغولیت ذهنی خواهد

داشت. مسئله اول، مسئله قیمت، فروش و تولید است که هر یک از عناصر آن به دیگری مربوط است. مسئله دوم، وجود پروژه‌های چند میلیارد دلاری اکتشافی و صنعتی است که باید بررسی، طرح‌ریزی و اجرا شوند. در پی این فعالیتها دولت کویت مجبور خواهد شد نیروهای مختلف سیاسی و اقتصادی داخلی و بین‌المللی را فراهم آورد که همیشه با یکدیگر در تضاد هستند. این امر مشکل خواهد بود، خصوصاً آنکه دولت کویت نخواهد توانست از دارندگان امتیاز خارجی به عنوان سپر بلا استفاده کند. با این وجود به گمان ما پس از اعمال کنترل بر ثروت نفتی، دولت کویت سعی خواهد کرد در سال ۱۹۷۶ از صنعت نفت بهره‌فرآوانی عاید خود سازد.

ب- سازمان صنعت نفت کویت

سازمان بخش نفتی کویت از همان اوان ساده بود و نشانگر این است که تعداد امتیازات کم و تولید واقعی و حمل و نقل نفت به سادگی انجام می‌شده است. به خصوص در مورد شرکت نفت کویت که مسئول ۹۰ درصد تولید و صدور آن بود. تا زمانی که شرکت‌های گلف و بریتیش پترولیوم مسائل مربوط به قیمت فروش و تولید را حل می‌کردند، دولت کویت کاری نداشت مگر دریافت مالیات و عواید حاصله.

این وضع ساده در اوایل سالهای ۱۹۷۱ تغییر یافت و در سال ۱۹۷۴ آن قدر نبود که بتواند در خدمت نقش روزافزون دولت درآید. در سال ۱۹۷۴ شورای عالی نفتی به سرپرستی نخست‌وزیر تشکیل شد تا سیاست پایه‌ای دولت را در سطوح بالا هماهنگ سازد. این شورا هنوز هم وجود دارد.

به منظور اداره امور روزمره صنعت، شرکت نفت گاز و انرژی کویت می‌بایست تأسیس گردد. این شرکت می‌بایست یک نهاد دولتی مستقل باشد تا بتواند تمام صنعت را در رابطه با تولید و فروش، پالایش، گاز مایع، پتروشیمی و حمل و نقل نفتی دربرگیرد. ولی در سال ۱۹۷۵ ایده مربوط به شرکت نفت، گاز و انرژی کویت از بین رفت. طبق مطالب مذکور، به دنبال انتخابات پارلمانی در ژانویه، دولت کویت [به این نتیجه رسید] که مسئولیت‌های روزافزون آن نه تنها در زمینه نفت بلکه در زمینه دارایی، سرمایه‌گذاری و کمک اقتصادی ایجاب می‌کند که وزارت دارایی و نفت به صورت دو وزارت جداگانه درآید. عبدالرحمن العتیقی که سالها سرپرست وزارت دارایی و نفت بود به سمت وزیر دارایی، و کاظمی به سمت وزیر نفت منصوب شد. وی مدتی در وزارت دارایی و نفت کار کرده بود، لیکن مهم‌تر از آن، وی سرپرست کمیته دارایی و اقتصادی مجلس ملی بود که مسئولیت اداره مشارکت و لوایح دیگر نفتی را در قوه مقننه به عهده داشت. کاظمی که با تعداد آرای بیش از دیگر نمایندگان در ژانویه گذشته به عنوان نماینده مجلس انتخاب شده بود می‌توانست مدعی تجربه در امور نفتی و قدرت سیاسی باشد. دولت کویت نیز در سال ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ متوجه گردید که می‌تواند

عناصر مهمی در متقاعد ساختن پارلمان به حمایت از سیاست‌های نفتی‌اش به کار بندد. اولین وظیفه کاظمی سازماندهی بوروکراسی بود. به سرعت معلوم گردید که اگر شرکت نفت، گاز و انرژی کویت به وجود آمده بود، وی ملزم به انجام اقدام چندگان مهمی در این زمینه نمی‌بود. بنابراین، وی به سرعت شرکت مزبور را قبل از تأسیس منحل کرد. با وجود فرا رسیدن دسامبر، وی هنوز مشغول سازماندهی است، اما ظاهراً می‌خواهد خود را در مرکز امور قرار دهد تا بتواند وزارت نفت و شرکت‌های بزرگ نفتی را تحت کنترل درآورد.

در داخل وزارتخانه چهار بخش عمده وجود خواهد داشت که از طریق معاونین وزیر گزارشات خود را برای وی ارسال خواهند داشت. چهار واحد مزبور مسئول امور فنی و صرفه‌جویی، امور حقوقی، اقتصادی، اوپک، امور اداری و مالی، و سنجش میزان تولید خواهند بود. علاوه بر گزارشات مستقل سطوح مختلف وزارتخانه، شرکت‌های نفتی نیز توسط رئیس خود به کاظمی گزارش خواهند داد. به این ترتیب کاظمی کنترل شرکت نفت کویت، پروژه بهره‌برداری گاز کویت، پتروشیمی و حمل و نقل نفتی را به دست خواهد گرفت. البته این وزارتخانه همانند گذشته بر شرکت امین اوپل، شرکت نفتی عربی و دیگر صاحبان امتیاز اعمال قدرت خواهد کرد.

چند تصمیم اساسی باید اتخاذ و به مرحله اجرا درآید، لیکن اجرای نهایی آنها باید پس از تصرف شرکت نفت کویت توسط دولت کویت به دنبال تأیید قراردادهای گلف و بریتیش پترولیوم توسط پارلمان، صورت پذیرد. به طور مثال، هنوز مشخص نشده است که کدام یک از شرکت‌ها مسئول فروش نفت خام و کدام‌یک مسئول فروش گاز مایع خواهد بود. علاوه بر این بین شرکت نفت کویت و شرکت ملی نفت کویت تقسیم کار نیز صورت نگرفته است. با این وجود می‌توان گفت تا پایان سال ۱۹۷۵ یکی از اقدامات مهم کاظمی در اولین سال وزارت خود قرار گرفتن در مرکز وزارتخانه، شرکت‌های بزرگ نفتی کویت و صاحبان امتیاز کوچک است، به نحوی که بتواند سیاستها و عملیات نفتی کویت را تعیین کند. در واقع، این موضوع نشانگر تمرکز قدرت و مسئولیت به نحو غیرمترقبه در سطح وزارتخانه است که نشانگر به دست گرفتن کل اختیارات توسط دولت کویت، در نتیجه رویدادهای چند سال گذشته می‌باشد.

پ- دولتی شدن شرکت نفت کویت

دومین کار مهم کاظمی در سال ۱۹۷۵ انعقاد قراردادی با شرکت‌های گلف و بریتیش پترولیوم بود که بر اساس آن دولت کویت سهام شرکت نفت کویت را تصرف خواهد کرد. در ماه می ۱۹۷۴ قراردادی را که بر اساس آن دولت ۶۰ درصد مالکیت شرکت را به دست می‌آورد تأیید کرد، لیکن در پایان سال معلوم شد که دولت سعودی مایل است ۱۰۰ درصد مالکیت شرکت آرامکو را به دست آورد. همین امر سبب شد دولت کویت نیز به دنبال تصرف

مالکیت کامل شرکت نفت کویت باشد. عتیق هنگامی که وزیر دارایی و نفت بود، بارها اظهار داشت که با تملک ۶۰ درصد، دولت کویت بر شرکت نفت کویت نظارت مؤثری دارد و به همین دلیل تصرف کامل آن ضرورتی ندارد. کمی پس از تصدی وزارت نفت، کاظمی اظهارات مشابهی در روزنامه پارسی «فیگارو» منعکس ساخت. لیکن چند روز بعد، در اجلاس اوپک در الجزایر و در حضور امیر کویت، کاظمی «اعلام کرد» که از تاریخ ۵ مارس ۱۹۷۵، دولت، شرکت نفت کویت را کاملاً تصاحب خواهد کرد. کمی پس از آن سومین دور مذاکرات چند ساله با شرکتهای گلف و بریتیش پترولیوم در زمینه تصرف و تملک کامل شرکت نفت کویت آغاز گردید. مذاکرات در بهار به تدریج به پیش می‌رفت و کاظمی گهگاه پیش‌بینی می‌کرد که این مذاکرات به زودی خاتمه خواهد یافت. طبق انتظار، مذاکرات در بقیه سال ادامه یافت و مطابق پیش‌بینی ناظران انتظار می‌رفت دولت کویت عملاً مالکیت گلف و بریتیش پترولیوم را مانند شرکت ملی نفت کویت در بهار، ملی سازد.

بالاخره پس از یک دوره مذاکره سخت در پاییز بین دولت و شرکت‌ها توافق پدید آمد، و مراسم امضای رسمی در تاریخ اول دسامبر برگزار شد. بر اساس این قرارداد که از تاریخ ۴ می ۱۹۷۵ معتبر خواهد بود، دولت، شرکت نفت کویت را به طور کامل تصاحب می‌کند. شرکت‌ها معادل ۶۴/۴ میلیون دلار به عنوان جبران خسارات وارده دریافت کردند و طرفین توافق کردند که از ادعاهای دیگر خود دست بردارند و بدین ترتیب امکان هرگونه دعوی بالقوه شرکت نفت کویت علیه شرکتهای دیگر را از بین بردند. شرکت‌ها نیز توافق کردند که تا تاریخ ۳۱ مارس ۱۹۸۰ معادل ۹۵۰۰۰۰۰ بشکه در روز نفت برداشت کنند. ولی در صورت بروز اختلاف نظر در مورد قیمت، دولت قادر است قراردادهای خرید را فسخ کند. شرکت نفت کویت در بدو امر خواستار برداشت نفت توسط گلف و بریتیش پترولیوم به مقدار ۱/۳ میلیون بشکه در روز شده بود. از طرف دیگر، دولت کویت یک اعتبار ۶۰ روزه و تخفیف ۶۰ سنت در ازای هر بشکه ارائه کرد؛ در حالیکه شرکت‌ها خواستار اعتبار ۹۰ روزه و نرخ تخفیف ۲۲ سنت در ازای هر بشکه نفت بودند.

بدین ترتیب، قرارداد نهایی نشانگر مصالحه است. تا اواسط دسامبر جزئیات بعضی از قراردادهای جنبی مشخص نشد، قرارداد تصرف کامل، در انتظار تأیید مجلس ملی است و دولت کویت پیش‌بینی می‌کند که این کار در اوایل ژانویه ۱۹۷۶ صورت خواهد گرفت.

بر اساس این قرارداد شرکتهای گلف و بریتیش پترولیوم در صورت تمایل می‌توانند درباره خرید نفت بیشتر مذاکره کنند، علاوه بر این، در طول برنامه پنج‌ساله پس از اول آوریل ۱۹۸۰ مجاز خواهند بود ۸۰۰۰۰۰۰ بشکه نفت خریداری که درباره شرایط آن نیز بعداً توافق به عمل خواهد آمد. گذشته از این، هر دو شرکت با دولت کویت قراردادهای و روابط جدیدی منعقد خواهند کرد. انتظار می‌رود شرکتهای مذکور افراد متخصص را جهت ادامه عملیات حوزه‌های نفتی کویت و نیز جهت اجرای پروژه بهره‌برداری گاز کویت تأمین نمایند. علاوه بر

این، حداقل شرکت گلف پیش‌بینی می‌کند که خواهد توانست با دولت کویت در زمینه نفتی و غیرنفتی که به نفع طرفین باشد، همکاری نماید. بنابراین، با وجود اینکه دولت کویت جانشین دو شرکتی شده است که در اصل امتیاز شرکت نفت کویت را داشته‌اند، ولی روابط دوستانه، توأم با همکاری و سودآور به حالت دیگری، ادامه دارد.

ت- قیمت، تولید، فروش، درآمد

طبق معمول سالانه از سال ۱۹۷۲ که کل تولید به رقم کمی بیش از ۱/۲ میلیون بشکه رسیده بود، تولید نفت کویت بار دیگر در سال ۱۹۷۵ کاهش یافت. طبق آمار ماه اکتبر، چنین به نظر می‌رسد که کل تولید، کمتر از ۸۰۰ میلیون بشکه یا در حدود ۲/۱ میلیون بشکه در روز خواهد بود که سهم تولید شرکت نفت کویت ۱/۸۶ میلیون بشکه در روز است.

تولید نفت کویت دائماً رو به افزایش بود تا اینکه در اوایل سالهای ۱۹۷۱ چند فرد کویتی از جمله اعضای پارلمان در مورد پایان یافتن تنها منبع طبیعی کشور ابراز نگرانی کردند. در سال ۱۹۷۲ سقف تولید ۳ میلیون بشکه در روز برای شرکت نفت کویت مشخص گردید، و تا زمان اعلام تحریم نفتی اعراب در ماه اکتبر ۱۹۷۳ این میزان تولید انجام می‌گردید. در نتیجه تحریم، سطح تولید نفت کویت پایین آمد، لیکن هنگام پایان آن در مارس ۱۹۷۴ وضع قیمت‌ها نیز دچار تغییرات فاحشی شده بود. در نتیجه با وجود کاهش تولید، درآمد دولت کویت دوباره بیشتر از پیش می‌شد.

در اوایل سال ۱۹۷۵ از قول یکی از مقامات عالی‌رتبه وزارت نفت در مطبوعات گفته شد که دولت کویت بیش از ۲ میلیون بشکه در روز تولید نخواهد کرد، در حالیکه سطح تولید معادل ۲/۵ میلیون بشکه در روز بود. در ابتدا این گزارش با نوعی خوش‌بینی رو به رو گردید، لیکن طبق شواهد آماری، صحت نیافت.

یکی از علل خوش‌بینی، جستجوی شدید دولت کویت جهت یافتن خریداری برای نفت خام خود بود. به دنبال دو حراج ناموفق در سال ۱۹۷۴، دولت کویت با خریدارانی منتخب در سال ۱۹۷۵ وارد مذاکره مستقیم گردید. مهم‌ترین قراردادهای فروش با کمپانی شل و اکسان منعقد گردید که هر یک توافق کردند به ترتیب ۴۰۰۰۰۰ بشکه و ۱۰۰۰۰۰۰ بشکه در روز نفت خریداری کنند. قراردادهای دیگر نیز با پتروبراس از برزیل، دو شرکت ژاپنی، و چند شرکت ملی از تایوان و فیلیپین و ایتالیا منعقد گردید.

در تمام طول سال قیمت نفت کویت معادل ۱۰/۳۶ دلار بود، لیکن در ماه سپتامبر، اوپک، با افزایش ده درصدی قیمت توافق کرد. رقم ده درصدی نشانگر سازش بین عربستان سعودی و دیگر کسانی بود که خواستار افزایش بیشتری شده بودند. کویت در این مصالحه و سازش نقش مهمی داشت. در این زمان از خارج بر اوپک فشار آمد تا از افزایش قیمت نفت خودداری کند و دولت کویت نیز نمی‌خواست شاهد افزایش آنچنانی قیمت نفت باشد. با این

وصف، دولت کویت به حفظ وحدت اوپک معتقد بود.

– به خاطر تعهد در قبال اوپک، کویت به خریداران خود اعلام کرد که قیمت نفت خام این کشور ۱۰ درصد افزایش یافته و قیمت هر بشکه معادل ۱۱/۳۰ دلار است. ولی، تقریباً تمام خریداران از پرداخت این قیمت طفره رفتند. دولت امید داشت که اختلاف قیمت را در اجلاس نمایندگان کشورهای عضو اوپک خلیج [فارس] در کویت، به بحث و تبادل نظر بگذارد، لیکن عربستان سعودی از حضور در این اجلاس خودداری ورزید و جلسه بی نتیجه ماند. در اواخر اکتبر، دولت کویت اعلام کرد که قیمت اعلام شده به قوت خود باقی است. به دنبال پیش‌بینی افزایش قیمت نفت اوپک، سطح تولید ماه اکتبر بالا رفته بود، لیکن سطح تولید در ماه نوامبر کاهش یافت. واضح بود که وضع موجود بازار نفت سنگین کویت که دارای سولفور زیادی بود، به مقدار زیاد با قیمت ۱۱/۳۰ دلار به فروش نخواهد رفت.

برای اولین بار دولت کویت متوجه شد که تمایل این کشور به پیروی از تصمیمات اوپک و فروش حداقل نفت خود خالی از تناقض نیست. کاظمی وزیر نفت با عجله به پایتخت‌های نزدیک اوپک سفر کرد تا با همکاران خود در این زمینه مشورت کند، و پس از آن دولت کویت اعلام کرد که قیمت نفت خود را در ازای هر بشکه ۱۰ سنت کاهش داده است. (قیمت دیگر انواع نفت خام نیز دچار جرح و تعدیل گردید).

شرکت‌ها از قیمت ۱۱/۳۰ دلاری ناراحت هستند، و اکسان برداشت نفتی خود را موقتاً به تعویق انداخته است ولی اکثر شرکتها به توافق دست یافته‌اند. همانگونه که گفته شد، شرکت‌های گلف و بریتیش پترولیوم مشترکاً ۹۵۰/۰۰۰ بشکه در روز و شرکت شل به تنهایی ۳۱۰/۰۰۰ بشکه در روز برداشت خواهند کرد. شرکت ملی نفت کویت حدود ۲۵۰۰۰۰ بشکه در روز برداشت خواهد کرد. پتروبراس و خریداران کوچکتر نیز احتمالاً حدود ۲۰۰۰۰۰ – ۱۷۵۰۰۰ بشکه در روز برداشت خواهند داشت. در صورتی که سطح تولید امین اوپل و شرکت نفتی عربی حفظ شود، کل تولید کویت حدود ۲ میلیون بشکه در روز خواهد بود.

طبق آمار بانک مرکزی کویت، درآمد نفتی کویت در سال ۱۹۷۵ معادل ۲ میلیارد دینار کویت (یک دینار کویت - ۳/۵۰ دلار آمریکا) یا حدود ۷ میلیارد دلار خواهد بود. گمان نمی‌کنیم که این رقم دربرگیرنده درآمدهای حاصله از محصولات نفتی؛ و نیز دربرگیرنده تغییرات اخیر قیمت یا تغییرات ناشی از کاربرد متقابل قرارداد تصفیه نفت کویت باشد. و فکر نمی‌کنم که درآمد کل نفتی کمتر از ۷ میلیارد دلار باشد. و در صورتی که درآمد سرمایه‌گذاری یک میلیارد دلاری نیز احتساب شود، دریافتی کل دولت کویت در سال ۱۹۷۵ بیش از ۸ میلیارد دلار خواهد بود.

در سال ۱۹۷۶ افزایش قیمت‌ها حدوداً یک میلیارد دلار به این درآمد خواهد افزود؛ در صورتی که سطح تولید معادل ۲ میلیون بشکه در روز حفظ شود، که احتمالاً با در نظر گرفتن قراردادهای جاری نیز همین‌طور خواهد بود.

ث- پروژه‌های مهم نفتی

بنابراین، علی‌رغم کاهش عمده سطح تولید، درآمد نفتی کویت، گرچه از سال ۱۹۷۴ کمتر است، ولی همچنان رو به ازدیاد خواهد بود. این سطح درآمد به کویت اجازه خواهد داد که برنامه‌های جاه‌طلبانه کمک اقتصادی و پروژه‌های عمومی خود را دنبال کند.

مهم‌ترین پروژه در دست احداث، پروژه بهره‌برداری گاز کویت است. هدف این پروژه جمع‌آوری گازی است که قبلاً به هدر می‌رفت، تا به صورت گاز مایع نفتی به خصوص گاز پروپان، بوتان و بنزین طبیعی درآید. در سال ۱۹۷۵ مهم‌ترین پیمانکاران و تدارک‌کنندگان انتخاب گردیدند و ساختمان اصلی آن در سال ۱۹۷۶ آغاز خواهد شد. تأسیسات گاز مایع رسماً ۵/۵ میلیون تن در حال تولید خواهد داشت؛ لیکن اگر سطح تولید مانند سال ۱۹۷۵ باشد، ظرفیت تولیدی موردنظر کارخانه تحقق نخواهد یافت.

در حال حاضر تمام گاز موجود در کویت در رابطه با نفت تولید می‌گردد. یکی از مشکلات تصمیم‌گیرندگان کویت، مشکلی است که در نتیجه افزایش تقاضا برای گاز به عنوان یک ماده خام یا سوخت یا به عنوان یک کالای صادراتی یا کاهش عرضه ناشی از کاهش تولید نفت ایجاد می‌گردد. امکان وجود گاز نامرتبط نیز در کویت هست. یک حوزه عظیم گازی خارج از خشکی وجود دارد و دولت کویت به زودی اقدامات مربوط به بهره‌برداری از آن را آغاز خواهد کرد. گمان می‌رود که در داخل خشکی نیز در بخش تحتانی حوزه نفتی بورگان، گاز وجود داشته باشد و شرکت نفت کویت با آغاز یک پروژه ۱۰ میلیون دلاری سه ساله در نظر دارد وجود آن را به اثبات برساند. دیگر فعالیتهای اکتشافی در بخش بعدی این گزارش مورد بحث قرار خواهد گرفت.

پروژه بزرگ دیگری که مورد بحث است پروژه جدید پالایش گاز است. این پروژه نیز، مانند پروژه بهره‌برداری گاز کویت، بیش از ۱ میلیارد دلار هزینه برمی‌دارد. در حال حاضر شرکت ملی نفت کویت دارای تمام اختیارات مربوط به بررسی جنبه‌های فنی و اقتصادی پروژه جدید پالایش ۲۵۰۰۰۰ بشکه در روز است، که مانند پالایشگاه پروژه بهره‌برداری گاز کویت با ظرفیت ۱۸۰۰۰۰ بشکه در روز در شعبه از تکنیک نفت-هاش (H-Oil) استفاده خواهد کرد. این شرکت نمی‌داند که یک پالایشگاه کاملاً جدید بسازد و یا طبق ترجیح وزارت نفت، پالایشگاه موجود شرکت نفت کویت را مدرنیزه کند.

شرکت ملی نفت کویت یک برنامه ۱۵۰ میلیون دلاری گسترش و بهبود را در پالایشگاه شعبه آغاز کرده است. در طول سال یک پروژه رفع اشکال به اجرا درآمد و ظرفیت اسمی پالایشگاه به سطح ۱۸۶۰۰۰ بشکه در روز رسید. واحدهای جدید ایزوماکس و نفت-هاش نیز به آن اضافه خواهد شد. شرکت ملی نفت کویت علاوه بر پروژه ایجاد ذخیره‌گاه در دماغه کویت و گسترش فعالیت‌های بازاریابی در خارج از کویت، چند پروژه کوچک‌تر دیگر را نیز در نظر دارد. چند پروژه پتروشیمی نیز در دست بررسی است که مهم‌ترین آنها احداث کارخانه

۲۰۰ میلیون دلاری آروماتیک است که وسیله شرکت صنایع پتروشیمید دبلیو. آر. گریس (WRGrac) مشترکاً ساخته خواهد شد. شرکت صنایع پتروشیمی نیز با در نظر گرفتن موجودی گاز، پروژه‌های پتروشیمی دیگری نیز احداث خواهد کرد.

فعالیت‌های تانکری نیز مهم‌ترین عنصر برنامه نفتی کویت است. در سال ۱۹۷۵ شرکت تانکرهای نفتی کویت اولین نفتکش از نوع VLCC را دریافت کرد و سه تانکر بزرگ دیگر را نیز سفارش داده است، و احتمالاً سفارش‌های دیگری نیز خواهد داد. شرکت ملی نفت کویت یک بودجه ۲۰۰ میلیون دلاری را به خرید تانکرهای محصولات نفتی اختصاص داده است. دولت کویت در سال ۱۹۷۵ به منظور اعمال کنترل بیشتر بر بخش نفتی، تصمیم گرفت ۴۹ درصد از سهام شرکت تانکرهای نفتی کویت را که از آن بخش خصوصی بود به خود اختصاص دهد. علاوه بر تانکرهای نفتی، شرکت ملی نفت کویت چهار فروند تانکر مخصوص حمل گاز مایع سفارش داده است. به طور کلی، حدود یک میلیارد دلار به خرید وسایل حمل و نقل نفتی اختصاص داده می‌شود. در میان کشورهای اوپک (عربی) کویت بزرگ‌ترین عملیات نفتکشها را در اختیار دارد و در آینده نزدیک فعالیت‌های خود را در زمینه حمل و نقل گسترش خواهد داد.

ج- امتیازات کوچک‌تر

شرکت نفت کویت بر صحنه نفتی کویت سلطه دارد، لیکن در سال گذشته صاحبان امتیازهای کوچک نیز فعالیت‌های جالبی داشته‌اند. شرکت امین اوایل، پس از دوران تحریم، از تمایل برخی مشتریان خود به خرید نفت این شرکت که دارای سولفور بیشتری بود و قبل از فروش باید تصفیه می‌شد سود بسیار برده است. در بخش اعظم سال، سطح تولید آن بیش از تولید سال ۱۹۷۴ و حدود ۸۵۰۰۰ بشکه در روز بود. در پایان سال وضع بازاریابی امین اوایل وخیم‌تر شد، و مقامات شرکت فکر نمی‌کردند که سال ۱۹۷۶ مانند سالهای ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ سودآور باشد. شرکت مزبور به تلاش مهم اکتشافی خود در منطقه حائل بین کویت و عربستان سعودی ادامه خواهد داد. قرار بود این شرکت با شرکت نفتی گیتی که یکی از صاحبان امتیازش عربستان سعودی است و در حوزه «وفره» و اطراف آن با امین اوایل سهام است، همکاری نماید. لیکن، گیتی ظاهراً با مشکلاتی روبرو شده و مشارکتی نخواهد داشت. ولی با حمایت کامل از طرف دولت کویت، امین اوایل تلاش خود را آغاز خواهد کرد، و احتمالاً در سال ۱۹۷۶ متوجه خواهد شد که نفت مهمی در این نقطه وجود دارد یا خیر.

موقعیت امین اوایل مشکوک است. در حال حاضر شرکتی است ۱۰۰ درصد آمریکایی که بر یک نظام مالیاتی ویژه که معادل ۶۰ درصد سهام است با دولت کویت همکاری می‌کند. وزیر نفت در یک کنفرانس مطبوعاتی پس از قرارداد تصرف شرکت نفت کویت اعلام داشت که ملی شدن امین اوایل مورد بررسی است، ولی معلوم نیست که منظور وی تصرف کامل شرکت

بوده و یا در نظر داشته از پاسخ دادن به سؤالات روزنامه‌نگاران اجتناب ورزد. گرچه مقامات امین‌اوایل متعجب نخواهند شد اگر دولت کویت خواستار تصاحب ۱۰۰ درصد شرکت شود، آنها یادآور شده‌اند که تا به حال از طرف دولت کویت در این مورد فشاری به شرکت وارد نشده است. مقامات امین‌اوایل قبول دارند که تا به حال دولت کویت مشغول مذاکرات مربوط به شرکت نفت کویت بوده است و حال که این مذاکرات خاتمه یافته، نوعی تصاحب دولتی امین‌اوایل بعید نخواهد بود. ولی این امر در حال حاضر قطعی نیست و طرفین ظاهراً آرام هستند.

همین امر در مورد شرکت نفت عربی با مدیریت ژاپنی که یک امتیاز مشترک بین کویت و عربستان سعودی است مصداق دارد. در مورد تصاحب ۶۰ درصد سهام شرکت نفت عربی بین این شرکت و دولت کویت توافق حاصل شد، لیکن این توافق هرگز و به طور رسمی به مجلس ملی تسلیم نشده است. در رابطه با عربستان سعودی، دولت سعودی به شرکت نفت عربی دستور داده است تا اتمام مذاکرات آرامکو منتظر بماند. در عین حال، توافق مالی بین دولت کویت و سعودی که معادل ۶۰ درصد سهام مشارکت است به قوت خود باقی است. تصرف کامل شرکت نفت عربی هنوز تصریح نشده است. مقامات شرکت و نیز کاظمی اظهار داشته‌اند که اداره عملیات خارج از خشکی شرکت نفت عربی بسیار دشوارتر از عملیات کلاسیک داخل خشکی شرکت نفت کویت است. موضوع تصرف کامل شرکت، وسیله یک و یا هر دو دولت موقتاً لاینحل باقی مانده است.

این موضوع، همراه با اشکالات موجود در مورد فروش نفت خام خفجی که مهم‌ترین نفت تولیدی شرکت نفت عربی است، موانعی بر سر راه سرمایه‌گذاری و گسترش ایجاد کرده است. شرکت نفت عربی می‌رفت تا روزانه ۷۰۰۰۰۰ بشکه نفت تولید کند، اما در حال حاضر سطح تولید معادل نیمی از آن است. در صورت افزایش تولید، ممکن است شرکت نفت عربی بخواهد یک کارخانه کوچک گاز مایع نیز احداث کند، لیکن ترجیح می‌دهد که دولت احداث این پروژه را در اختیار بگیرد. علاوه بر این، مشکلات مرزی نیز گسترش حوزه نفتی «دورا» را که بخشی از آن در منطقه شرکت نفت عربی است دچار اشکال خواهد کرد. بعضی از پروژه‌های کوچکتر که مستقیماً با تولید جاری نفتی مرتبط هستند، از قبیل پروژه لکزایی (نفتی) احداث خواهند شد، اما چند ابتکار عمده دربرگیرنده افزایش تولید نفت، نیاز به تصریح ضرایب حقوقی و اقتصادی دارد، و به سرعت انجام نخواهد شد.

به همین ترتیب، به خاطر اختلافات مرزی میان کویت، عربستان سعودی و ایران، شرکت شل نیز نخواهد توانست امتیاز خارج از خشکی خود را گسترش دهد. دولت کویت در سال ۱۹۷۵ به شرکت شل فشار وارد آورد تا در مورد امتیاز خود اقدامی انجام دهد. لیکن شرکت به خاطر اختلافات مرزی از انجام آن خودداری ورزیده است. حضور حوزه گازی دورا و تمایل دولت کویت به بهره‌برداری از این حوزه غنی سبب خواهد شد که توجه دولت کویت به امتیاز

شل متمرکز گردد؛ به خصوص به خاطر رابطه جدید بین دولت کویت و شرکت که پس از شرکت‌های گلف و بریتیش پترولیوم به صورت بزرگ‌ترین خریدار نفت خام کویت درآمده است. ممکن است امتیاز شل نیز مورد مذاکره مجدد قرار گیرد تا نشانگر تغییر اوضاع باشد. در همین حال، دولت کویت در تلاش است تا با همسایگان خود به توافق برسد، گرچه تا به حال عربستان سعودی اصرار ورزیده است که این محدوده از آن اوست ولی دولت کویت نیز معتقد است که این منطقه از آن کویت می‌باشد.

بقیه امتیازات موجود از آن شرکت نفت اسپانیا و کویت، یعنی شرکت ملی نفت کویت و هیسپانول است. امتیازات شرکت نفت اسپانیا و کویت بخش اعظم غرب کویت را شامل می‌شود و شرکت نفت کویت در گذشته و شرکت نفت اسپانیا و کویت در زمان حال نتوانسته‌اند به نفتی که قابلیت تجاری داشته باشد دست یابند. هیسپانول، به دنبال سازماندهی مجدد، تصمیم گرفته است یک بار دیگر شانس خود را آزمایش کند و در نظر دارد تا چاه عمیق (۱۳۰۰۰) به ارزش ۶ میلیون دلار حفر کند. بر اساس نتایج حاصله از حفر این چاهها، احتمالاً شرکت مزبور در سال ۱۳۵۵ تصمیم به «ادامه یا قطع» کار خواهد گرفت.

چ- مسائل نفتی سال ۱۹۷۶ کویت

اولین اولویت برای دولت کویت تحکیم اهداف مهم سال ۱۹۷۵ است. پس از یک سال مشکلات داخلی، کاظمی وزیر نفت، ظاهراً توانسته است تفوق خود را بر بخش نفتی به اثبات برساند. در صورتی که پارلمان قرارداد تصرف شرکت نفت کویت را تأیید کند، روند طولانی مذاکره با دو شرکت بزرگ غربی خاتمه می‌یابد. خلاصه اینکه، دولت به طور کلی و کاظمی بالاخص باید تصمیم بگیرند که اکنون که کنترل کامل صنعت نفت کویت در دست آنهاست، با آن چه بکنند.

سازمان اصلی صنعت تشکیل شده، لیکن تصمیمات مهم مربوط به سیاست آن باید اتخاذ گردد که طی آن باید نقش شرکت ملی نفت کویت و وظایف آن نیز مشخص گردد. کاظمی در فرصت‌های مختلفی در سال ۱۹۷۵ اظهار داشت که این شرکت «به عنوان» یک شرکت ملی نفت از نقش مهمی برخوردار خواهد بود. ولی معنی آن چیست؟ به طور مثال، آیا شرکت نفت کویت اختیارات مربوط به فروش نفت و یا اختیارات مربوط به پروژه بهره‌برداری گاز کویت را به دست خواهد گرفت؟ نقش شرکت نفت کویت و نقش غیرمستقیم گلف و بریتیش پترولیوم چیست؟ در ورای این تصمیمات مربوط به خط‌مشی، مسائل مربوط به مدیریت مؤثر و ارزشمند یکی از بخشهای مهم منابع نفتی جهان نیز نهفته است.

دومین زنجیره مسائل دولت کویت مربوط به سطوح قیمت‌ها و تولید است. معمولاً منابع موثق ادعا می‌کنند که کاظمی خواستار افزایش تولید و رسیدن آن به سطح ۳ میلیون بشکه در روز است. لیکن اگر قرار باشد سطح تولید به ۲/۲۵ یا ۲/۵ میلیون بشکه در روز افزایش یابد،

قیمت نفت خام کویت احتمالاً باید کاهش یابد. در صورتی که دولت کویت این کار را انجام دهد خصومت شرکای خود را در اوپک برانگیخته و به وحدت آن ضربه خواهد زد.

با این وجود فکر می‌کنیم به دنبال فشارهایی که اعمال می‌شود دولت کویت مجبور خواهد شد قیمت نفت خود را حداقل کمی پایین بیاورد، و تعجب نخواهیم کرد که اگر دولت کویت سطح تولید خود را به سطح تولید سال ۱۹۷۴ افزایش دهد، به هر حال، دولت کویت مجبور است برای اولین بار عوامل بازار بین‌المللی را مورد ملاحظه قرار دهد؛ البته در صورتی که بخواهد موقعیت مهم خود را در بازار جهانی حفظ کند.

کویت‌ها احتمالاً در رابطه با پروژه‌های مهم، در سال ۱۹۷۶ در جبهه‌های متعددی حرکت خواهند کرد. همانگونه که اشاره شد، احداث پروژه بهره‌برداری گاز کویت باید آغاز شود و برنامه‌ریزی پروژه‌های مهم پالایشگاهی و پتروشیمی نیز آغاز خواهد شد. به موازات این پروژه‌های مهم، خریدهای مربوط به حمل‌ونقل نفتی آغاز خواهد گردید. گذشته از آن، دولت کویت بر شرکت نفت اسپانیا و کویت، امین‌اوایل و شرکت نفت کویت و برنامه‌های اکتشاف گاز نظارت دقیقی اعمال خواهد کرد به این امید که موفقیت آنها تأمین شود تا بتوانند چیزی به ذخایر موجود کشور بیفزایند. این پروژه‌ها به سرمایه‌گذاری چند میلیارد دلاری نیاز خواهد داشت، لیکن امید می‌رود که درآمد و ثروت کشور را افزایش دهند. بنابراین، این تلاشها در مرکز تلاشهای عمرانی اقتصادی کویت واقع می‌شوند.

دولت کویت با بدوش کشیدن مسئولیت مدیریت صنعت نفت، علاوه بر ملاحظات معمول، متوجه خواهد شد که باید ملاحظات اقتصادی و سیاسی داخلی و بین‌المللی را نیز در نظر بگیرد که روند تصمیم‌گیری را دچار اشکال خواهد کرد.

از نظر داخلی، فشار متناقض مربوط به افزایش تولید به منظور افزایش درآمد و افزایش گاز موجود حائز اهمیت است. از طرف دیگر، در مورد پایان یافتن منابع و نیز کاهش ارزش ذخایر ارزی مازاد ناشی از فروش نفت نیز نگرانیهایی وجود دارد. در صحنه بین‌المللی، کویت سعی خواهد کرد به وظایف خود به عنوان یک تولیدکننده نفتی عمل کند، لیکن همیشه برآورد نیازهای بازار و تطبیق آن با مصوبات اوپک کار ساده‌ای نیست. یک عنصر جدید و در مرحله کنونی نگران‌کننده، کنفرانس همکاری اقتصادی بین‌المللی است که در آن نمایندگان اوپک، کشورهای رو به رشد و کشورهای پیشرفته به استثنای کویت با هم ملاقات خواهند کرد.

فکر می‌کنیم که دولت کویت عوامل متعدد را سبک و سنگین خواهد کرد، لیکن نکته مهم این است که تمایلات دولت کویت نیز خالی از تناقض نیست. بنابراین، مقامات کویتی باید تصمیم بگیرند که به چه راهی بروند و یا چه مصالحه‌ای انتخاب نمایند. تا به حال این تصمیمات یا وسیله دیگران اتخاذ می‌شد و یا اصولاً از تصمیم‌گیری اجتناب می‌شد. از حالا به بعد اجتناب از آن دشوار خواهد بود و به جز دولت کویت هیچکس قادر به تصمیم‌گیری در مورد آنها نیست. این مهم‌ترین جنبه جدید در امور نفتی سال ۱۹۷۶ کویت خواهد بود و نحوه

پاسخگویی مؤثر به چالشهای کشور در پی نحوه اداره منابع نفتی آن در سال ۱۹۷۶ و پس از آن خواهد بود. عملکرد دولت کویت و نیز دیگر سازمانهای دخیل کویتی بر آنها و نیز آمریکا که به نحوی از انحا در تولید، حمل و نقل و یا فروش نفت کویت مداخله دارد، تأثیر مهمی خواهد داشت.

سند شماره ۳۹

۱۶ ژانویه ۱۹۷۶ - ۲۶ دی ۱۳۵۴

محرمانه

از: سفارت آمریکا، مسقط - ۰۳ - الف به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در ابوظبی، امان، دوحه، جدّه، کویت، لندن، منامه، تهران

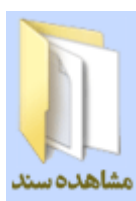
مرجع: ۷۵ مسقط ۳۳ - الف، ۷۵ مسقط ۴۴ - الف، ۷۵ مسقط ۱۴۱۹

موضوع: رویدادهای نفتی عمان در سال ۱۹۷۵

خلاصه: تولید نفتی عمان در سال ۱۹۷۵ به طور متوسط ۳۴۰۰۰۰ بشکه در روز بود که نسبت به سال ۱۹۷۴ معادل ۱۵ درصد افزایش داشت. دولت در سال ۱۹۷۵ حدود ۱/۲ میلیارد دلار درآمد نفتی نصیب خود کرد و درآمد نفتی آن در سال ۱۹۷۶ بیش از ۱/۴ میلیارد دلار خواهد بود. ولی ممکن است روزهای پررونق نفتی عمان به زودی سپری شود. چون حوزه‌های شمالی به تدریج ته کشیده، هزینه‌های عملیاتی افزایش یافته، و احتمالاً تولید پیش‌بینی شده سال ۱۹۸۰ کمتر از سطح تولید چند سال گذشته خواهد بود. مناطق جدید واقع در مرز عربستان سعودی (مانند بلوک سونینا که اخیراً به کوبین تانا اجاره داده شده) نیز چندان مثمرتر نخواهد بود. حفاری‌های نفتی خارج از خشکی توسط شرکت سان اوایل منجر به پیدایش مقادیر ناچیزی نفت در ۱۸ مایلی جنوب جزیره مُصیره شده است.

به منظور به تأخیر انداختن زمان پایان یافتن نفت، شرکت توسعه نفت عمان در جنوب کشور یک برنامه اکتشافی بسیار فعال را مدنظر قرار داده است. متأسفانه، بخش اعظم نفت مکشوفه در جنوب از نوع نفت سنگین است که تولید آن نیز پرخرج می‌باشد. لایه‌های صخره‌ای ناهموار و مشکلات عمده موجود در انتقال این نفت به ساحل نیز مسائل و مشکلات بیشتری را پدید خواهد آورد. طبق برآوردها هزینه سرمایه‌ای لازم برای توسعه و بهره‌برداری نفت ظفار بالغ بر ۵۰۰ میلیون دلار خواهد شد. از آنجا که مهم‌ترین سهامداران شرکت نفت عمان یعنی دولت عمان یا شرکت شل نیز مایل نیستند این مخارج را متقبل شوند، توسعه ذخایر جنوبی امکان‌پذیر نخواهد بود مگر آنکه از طریق عربستان سعودی و یا یکی دیگر از «فرشتگان» خاورمیانه‌ای این منبع مالی لازم تأمین گردد.

در عین هماهنگی بین دولت عمان و مدیریت شرکت نفت عمان، دولت به اعمال فشار بیشتری بر شرکای بخش خصوصی خود پرداخته است. قرارداد ماه دسامبر که منجر به بالا



رفتن عمده قیمت نفت شد، منافع شرکت شل را به شدت کاهش داد. با این وصف دولت عمان در رابطه با تصمیم‌گیریهای نفتی نسبتاً خونسرد است و مسائلی چون اعطای امتیازات نفتی خالی از هدف و نیرو بوده و بیشتر توأم با آشفتگی است. پایان خلاصه.

تولید: میانگین روزانه تولید نفت عمان در سال ۱۹۷۵ معادل ۳۴۰۰۰۰ بشکه بود که نسبت به سال قبل ۱۵ درصد افزایش یافت. سطح تولید که در شش ماه اول سال گذشته به طور متوسط ۳۱۰۰۰۰ بشکه در روز بود، در دو ماهه آخر سال ۱۹۷۵ به ۳۸۰۰۰۰ بشکه در روز رسید. تولید سال ۱۹۷۶ در سطح ۳۸۰۰۰۰ بشکه در روز به نقطه اوج خواهد رسید و پس از آن سیر نزولی در پیش خواهد گرفت. عوارض و درآمدهای نفتی دولت در سال ۱۹۷۵ حدود ۱/۲ میلیارد دلار بود. در همان حال که شرکت نفت عمان (۶۰ درصد در تصاحب دولت عمان، ۳۴ درصد در تصاحب شرکت نفتی شل، ۴ درصد در تصاحب شرکت نفت فرانسه و ۲ درصد در تصاحب شرکت نفت پارتکس) تنها شرکت تولیدکننده به شمار می‌آید، چند شرکت خارجی دیگر نیز به اکتشاف مشغول بوده و یا درصدد کسب امتیازاتی در این کشور هستند.

بنا به اظهار شرکت نفت عمان، مناطق شمالی که مولد تمام نفت حاضر در این کشور می‌باشند به حد بلوغ رسیده، به طور کامل مورد اکتشاف قرار گرفته و گمان نمی‌رود که بتوان در آنجا به کشفیات جدیدی دست یافت. تولید حوزه‌های قدیمی‌تر در نزدیکی فهود سیر نزولی در پیش خواهد گرفت و هزینه تولید چاههای نفتی موجود افزایش خواهد یافت. مدیران شرکت نفت عمان یادآور می‌شوند که حوزه قبا هم‌اکنون معادل ۱۱۵۰۰۰ بشکه در روز و یا یک سوم کل تولید را فراهم می‌آورد؛ لخوریر، که یک حوزه نفتی کوچک است تنها ۱۵۰۰۰ بشکه در روز تولید خواهد داشت، و تا اواخر سال ۱۹۷۶ یعنی پایان احداث خط لوله مربوطه وارد مرحله تولید نخواهد شد.

برآوردهای غیررسمی شرکت نفت عمان در مورد ظرفیت آتی تولیدی در مقایسه با آوریل گذشته بیشتر نشان داده شده است و به شرح زیر است:

سال	برداشت‌های تقریبی (هزار بشکه در روز)
۱۹۷۵	۳۴۰ (واقعی)
۱۹۷۶	۳۸۰
۱۹۷۷	۳۶۰
۱۹۷۸	۳۲۵
۱۹۷۹	۳۰۰
۱۹۸۰	۲۶۰

از آنجا که شرکت نفت عمان ترجیح می‌دهد به طور محافظه‌کارانه برآوردهای تولیدی را

ارائه نماید، سعی می‌کند برداشت‌های احتمالی نفتی درحوزه‌های جنوبی را در این ارقام وارد نکند. شرکت مزبور هنوز هم معترف است که ذخایر تثبیت شده و مقرون به صرفه از نظر بازیافت در شمال عمان کمتر از ۲ میلیارد بشکه است و ذخایر مزبور در کمتر از ۲۰ سال ته خواهد کشید. دولت عمان خوش‌بین‌تر است و معتقد است که کل موجودی این ذخایر حدود ۵ میلیارد بشکه است، البته در صورتی که ذخایر ظفار نیز بدان افزوده شود. با این وصف، دولت شدیداً تلاش می‌کند تا پروژه‌های درآمدزا ایجاد کند تا جایگزین درآمد نفتی شوند.

قراردادهای مربوط به امتیازات: بر اساس قرارداد اصلی بین شرکت نفت عمان و دولت این کشور، حدود ۲۵ درصد از حوزه امتیازاتی شرکت نفت عمان پس از ده سال بهره‌برداری باید به دولت واگذار گردد. در سال‌های ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵، شرکت مزبور به مناطق عظیم نفتی (غالباً غیرمکشوفه) در طول مرز عربستان سعودی دست یافت که دولت عمان سعی کرد آنها را به شرکت‌های خارجی اجاره دهد. در آوریل ۱۹۷۵ دولت عمان امتیازات مجاور مرز عربستان سعودی را به گروهی مرکب از شرکت نفت فرانسه، شرکت نفت اِزِپ، و شرکت نفت ژاپنی سو میتومو اجاره داد. در ماه نوامبر، دولت عمان امتیاز منطقه سونینا در شمال عمان را به شرکت نفت کوین‌تانا که یک شرکت اکتشافی کوچک از آن خانواده مارشال هوستون در تگزاس است اعطا کرد. دولت عمان سعی دارد مناطق وسیع ظفار غربی را نیز اجاره دهد.

دولت عمان امیدوار است که مقادیر زیادی نفت در منطقه مجاور مرز عربستان سعودی کشف گردد. شرکت نفت عمان معتقد است که میزان نفت غیرمکشوفه در این منطقه چندان زیاد نیست (که از واقع‌گرایی بیشتری برخوردار است). همان‌گونه که یکی از مدیران اکتشافی شرکت نفت عمان یادآور شد «اگر ما فکر می‌کردیم که احتمال کشف نفت در این منطقه زیاد است، آن را به حال خود رها نمی‌کردیم.» بعضی از ناظران معتقدند که شرکت کوین‌تانا به دلیل امکانات نفتی منطقه سونینا را اجاره نکرده است، بلکه می‌خواهد امتیازات مربوط به جاده‌سازی و حفاریهای آبی این منطقه را به خود اختصاص دهد.

در حفاریهای خارج از خشکی قدری موفقیت به دست آمد. شرکت سان اوایل که در اوایل سال جاری منطقه‌ای را از شرکت نفت عمان خرید، چاهی در ۱۸ میلی جزیره مصیره حفر کرد. بافت‌های حاوی نفت و مقداری نفت نیز در اعماق ۷۰۰۰ و ۱۱۰۰۰ پایی به دست آمد، لیکن نفت مزبور از کمیت تجاری برخوردار نبود. سان‌اوایل در نظر دارد در پاییز سال ۱۹۷۶ در منطقه‌ای دیگر نیز حفاریهایی انجام دهد. شرکت‌های اِلف و اِزِپ در خارج از شبه جزیره مسندم به حفاری پرداخته‌اند لیکن نتیجه مثبتی عایدشان نشده است.

نفت جنوب عمان: بخش اعظم اکتشافات شرکت نفت عمان در جنوب عمان به عمل می‌آید که تاکنون نفت قابل تولیدی را ارائه نکرده ولی ظاهراً ذخایر عظیمی در بر دارد. سه گروه زلزله‌سنج به کار مشغول بود، و یکی از گروههای اکتشافی نیز دائماً به کار می‌پردازد.

مدیران شرکت نفت عمان معتقدند که پس از توسعه کامل حوزه‌های جنوب این منطقه خواهد توانست روزانه ۲۰۰۰۰۰ بشکه بازدهی داشته باشد. شرکت نفت عمان به منظور ایجاد هماهنگی بیشتر در تلاش‌های اکتشافی خود در جنوب، مناطق مختص به خود را به صورت یک منطقه درآورده است که از هیما و دماغه مصیره تا مرز ظفار و جمهوری دموکراتیک خلق یمن ادامه دارد. وزارت نفت نیز که از امکانات نفتی ظفار به هیجان آمده، در نظر دارد در سال ۱۹۷۶ در سلاله یکی از دفاتر خود را مستقر سازد.

آثار نفتی به دنبال چند حلقه چاه حفر شده در جنوب به دست آمد. دو سفره بزرگ نفتی تاکنون یافته شده که عبارتند از حوزه‌های امل و مرمول در ظفار شرقی. بیشتر نفت یافته شده در جنوب عمان از نوع نفت سنگین ۱۶ تا ۲۰ درجه و در اعماق ۶۰۰۰ تا ۸۰۰۰ پایی است که باید توسط تزریق بخار و دیگر فنون پر خرج تولید تجاری استخراج شود. مقامات شرکت معتقدند که تولید هر بشکه نفت ۳/۵۰ دلار تمام خواهد شد. با این وصف، زمین‌شناسان شرکت نفت عمان یادآور شده‌اند که چند بافت زمین‌شناسی نویدبخش در جنوب وجود دارد که می‌تواند دربرگیرنده ذخایر عمده نفت سبک نیز باشد.

مقامات شرکت نفت عمان بر مشکلات فنی موجود در اکتشاف منطقه جنوب نیز تأکید دارند. بافت‌های صخره‌ای ۳۰۰ تا ۵۰۰ میلیون سال (در مقایسه با بافت‌های ۱۰۰ میلیون ساله شمال) قدمت دارند، و بخش اعظم صخره‌ها ناهموار است. البته تعداد فسیل‌های ثابت‌کننده موجودیت بافت‌های حاوی نفت معدود است، و تعبیر مربوط به اطلاعات زلزله‌سنجی نیز از پیچیدگی بسیار برخوردارند. مقامات شرکت نفت عمان معتقدند که تکنولوژی مورد نیاز اکتشاف و عمران این نفت آن قدر پیچیده است که تنها چند شرکت عمده چون اکسان، شل یا موبیل قادر به توسعه کافی نفت جنوب خواهند بود. شرکت نفت عمان در نظر دارد به جستجوی کامل و وسیع نفت بپردازد که تا سه سال آینده پایان نخواهد یافت و می‌تواند حدود ۱۰۰ میلیون دلار هزینه دربر داشته باشد.

حتی پس از نقشه‌برداری کامل از ذخایر جنوب، مشکلات عمده‌ای در رابطه با انتقال نفت به ساحل وجود خواهد داشت. شرکت نفت عمان در نظر ندارد از طریق خط لوله این نفت خام سنگین را به خط لوله اصلی قبا در شمال متصل سازد. در عوض به بررسی دو راه چاره دیگر پرداخته است:

- کشیدن یک خط لوله از دُقم در مرکز عمان. دُقم که یک روستای ماهیگیری کوچک در جنوب غربی جزیره مصیره است، محل فرود تجهیزات اکتشاف نفتی در ده یا ۱۵ سال قبل بود، و به آسانی می‌توانستند آن را به صورت یک مخزن نفت و یا تجهیزات درآوردند. بادهای تند تابستانی نیز لطمه‌چندانی به این بند وارد نمی‌کنند. مضرات موجود در رابطه با دُقم عبارتند از انزوای کامل این منطقه از مناطق پرجمعیت بعدی تا فاصله ۲۰۰ میلی و فاصله بسیار زیاد خط لوله‌های مستقر در حوزه‌های بعدی جنوب تا اینجا.

- انتقال نفت توسط خط لوله به یکی از بنادر مصنوعی مقابل جزایر کوریا مورییا. شرکت نفت عمان احتمالاً این راه را اتخاذ خواهد کرد آن هم در صورتی که اکثر ذخایر تثبیت شده جنوب در اطراف حوزه‌های امل و مرمول در شرق ظفار واقع شده باشند، تا پمپاژ آن از طریق یک خط لوله کوتاهتر امکان‌پذیر باشد. مشکلات اصلی این استراتژی مسائل مربوط به راندن نفت به ارتفاعات ۵۰۰۰ پایی کوهستانی و از آنجا به خط ساحلی منتهی به دریاست. از آنجا که بادهای تند تابستانی امواج را به ارتفاع ۲۰ پایی ساحل بلند می‌کند، شرکت نفت عمان مجبور است یک اسکله مصنوعی و تأسیسات بارگیری خارج از خشکی نیز احداث کند.

این مشکلات اکتشافی، تولیدی و حمل و نقل، سرمایه‌ای معادل ۵۰۰ میلیون دلار نیاز خواهد داشت. مهم‌ترین مانع موجود در راه گسترش حوزه‌های جنوبی، یافتن این منبع مالی است. شرکت نفت عمان می‌تواند از طریق درآمدهای داخلی هزینه اکتشاف را به عهده گیرد، لیکن هزینه توسعه آن قدر زیاد خواهد بود که شرکت نفت عمان به منابع خارجی نیز نیازمند خواهد شد. قرارگاه‌های شل مایل به تأمین این هزینه عمرانی نیست، مگر آنکه شرکت نفت عمان میزان سود شرکت شل را بالا ببرد. دولت عمان نیز علی‌رغم موضع خود به عنوان مهم‌ترین سهامدار شرکت مزبور، نه مایل است و نه می‌تواند مقادیر عمده‌ای از این سرمایه را فراهم آورد. گسترش کامل ذخایر جنوب تحقق نخواهد یافت مگر آنکه یکی از «فرشتگان» ثروتمند چون عربستان سعودی برای پر کردن این شکاف به پیش آید.

قیمت‌گذاری و پرداخت‌ها به دولت: هر چند عمان عضو اوپک نیست، ولی از سیاست قیمت‌گذاری اوپک پیروی می‌کند. به دنبال ۱۰ درصد افزایش قیمت توسط اوپک در ماه اکتبر، دولت عمان نیز قیمت جدیدی در اختیار شرکت نفت عمان قرار داد. قیمت به ۱۲/۵۰۵ دلار برای هر بشکه از ۱۲/۲۹۸ دلار افزایش یافت، در حالیکه بازخرید مشارکت نفتی از ۱۱/۴۰ دلار به ۱۱/۶۳ دلار در هر بشکه (برای تمام نفت‌های ۳۴ درجه) افزایش یافته بود. مالیاتها (۶۵/۵ درصد) و عوارض (۱۶/۵۷ درصد) نفت خام، وضع سابق خود را در پیش گرفت و تغییری نکرد، لیکن دولت عمان شرکت نفت عمان را متقاعد ساخت که از اول اکتبر در ازای هر بشکه، ۱/۳۷۹ دلار بپردازد. میانگین خالص برداشت دولت عمان پس از تفریق هزینه عملیاتی و سرمایه‌ای دولت، حدود ۱۰/۲۰ دلار در هر بشکه در سال ۱۹۷۶ خواهد بود که بیش از ۹/۲۰ دلار در سال ۱۹۷۵ است.

در عین حال که نه شرکت شل و نه دولت عمان از حساب و منافع داخلی شرکت نفت عمان مطلع نیستند، شواهد موجود نشان می‌دهد که عملیات موجود در عمان برخلاف سالهای گذشته برای شرکت شل سود چندانی به همراه ندارد. علت نیز این است که با ته کشیدن چاه‌های نفت شمال هزینه‌های عملیاتی و سرمایه نیز افزایش یافته است. بانک مرکزی عمان برآورد کرده است که کل منافع داده شده به شل و شرکت نفت فرانسه توسط شرکت نفت عمان در سال ۱۹۷۴ معادل ۹۰ میلیون دلار بوده است ولی علی‌رغم افزایش بازده، این سودها

نیز کاهش یافته است. کل هزینه‌های عملیاتی، اکتشافی و توسعه‌ای از ۹۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۴ به ۱۲۵ میلیون دلار در سال ۱۹۷۵ افزایش یافته است. سود نفتی شل در عمان به ازای هر بشکه نفت از ۰/۷۰ دلار، به ۰/۳۵ دلار پس از آخرین قرارداد کاهش یافت، البته طبق محاسبات تقریبی ما و سخنان مدیران شرکت نفت عمان.

دولت عمان و شرکت نفت عمان، هیچیک، از قرارداد ماه دسامبر راضی نیستند. قیمت بازر خرید (که نشانگر نرخ نفت خام کنونی عمان در بازار است) و قیمت تعیین شده در مقایسه با سال ۱۹۷۴ افزایش ناچیزی داشت، چون تقاضای جهانی برای نفت معتدل بوده است. دولت عمان قیمت‌های بیشتر را ترجیح می‌دهد و قطعاً به شرکت نفت عمان فشار وارد خواهد آورد تا در قراردادهای جاری، هنگام بهبود وضع بازار تجدیدنظر کند. از طرف دیگر، مدیران شل نگران این امر هستند که بازپرداخت‌های نفت کاهش یافته و سبب کاهش منابع مالی داخلی جهت استفاده در زمینه اکتشافات شود. تعدادی از ناظران یادآور شده‌اند که دولت عمان سعی دارد در قبال شرکت نفت عمان موضع شدیدتری اتخاذ نماید که قبلاً هم این کار را انجام داده است. علی‌رغم این عدم توافق‌ها، دولت عمان میل دارد سهام شصت درصدی خود در شرکت نفت عمان را حفظ کند، و خواستار تصاحب ۱۰۰ درصد این شرکت نخواهد شد. عمانیها نیز از تخصص مدیریت و فنی کافی در اداره شرکت و یا طرح قیمت و اکتشاف برخوردار نیستند. مقامات شرکت نفت عمان می‌گویند شل مایل است در سالهای آتی به عملیات خود در عمان ادامه دهد، البته تا زمانی که سود عاید در قبال هر بشکه نفت بین ۰/۳۵-۰/۳۰ دلار باشد. ولی شرکت از دولت عمان می‌خواهد که در ازای هر بشکه ۰/۵۰ دلار را به گسترش تجاری امتیازات اختصاص دهد.

گاز طبیعی: گاز مربوطه تولیدی در حوزه‌های نفتی جنوب در حال حاضر مورد بهره‌برداری قرار نمی‌گیرد. دولت عمان راههای انتقال این گاز را به ساحل جهت استفاده در کارخانه نمک‌زدا و یا کارخانه تهیه کود مورد بررسی قرار داده است. چند شرکت، از قبیل تسورو تگزاس و گس اوشن فرانسه دربارهٔ احداث یک کارخانه گاز مایع نفتی و گاز طبیعی نفتی، با دولت عمان مذاکره کرده‌اند، لیکن در حال حاضر تسورو و گس اوشن دست از این پروژه‌ها برداشته‌اند. دولت عمان پیشنهادات شرکت‌های کوچک و سرمایه‌داران خارجی را چندان جدی تلقی نمی‌کند.

مشکل اصلی این است که ذخایر گازی عمان آن قدر کم است که صدور آن سودآور نیست. کل بازده گازی فهود و حوزه قبا حدود ۲۰۰ میلیون فوت مکعب در روز است، و این مقدار برای سرپا نگاهداشتن پروژه صدور گاز مایع کافی نیست. گاز مایع موجود را می‌توان از طریق خطوط لوله ۱۰ اینچی جهت استفاده تأسیسات محلی به ساحل فرستاد. دولت عمان در نظر دارد با استفاده از همین گاز کیفیت نفت خام صادراتی عمان را بالا برد.

نقش دولت عمان در تصمیم‌گیریهای نفتی: علی‌رغم اینکه اکثریت سهام شرکت نفت

عمان از آن دولت این کشور است، این دولت تا به حال در زمینه تصمیم‌گیریهای نفتی نقشی نسبتاً خونسردانه را ایفا کرده است. تعداد مقامات دولتی مطلع در امور نفتی بسیار انگشت‌شمار است، و معمولاً در زمینه اکتشاف و عمران از شل مشورت می‌پذیرند. شورای نفتی که در آوریل ۱۹۷۵ تشکیل شد، دستخوش تفرقه مشورتی شده است. شریف لطفی مشاور بانک عمران و بازسازی بین‌المللی نیز احتمالاً متنفذترین عضو شورا است، و معاون و سرپرست بانک مرکزی یعنی یوسف نعمت‌الله نیز از اهمیت بسیاری برخوردار است. از طرف دیگر وزیر نفت یعنی الشنفاری در مسائل نفتی کم اطلاع است و به شدت بر نمایندگان تتراتک که یک شرکت مشاوره آمریکایی است متکی می‌باشد.

عدم تجربه دولت عمان در امور نفتی در آشفتگی موجود در اعطای امتیازات مشهود است. یک شرکت نفتی که اخیراً با دولت عمان وارد مذاکره شده بود اظهار داشت که ظاهراً بین مقامات مسئول نفتی هماهنگی چندانی وجود ندارد. به طور مثال، نمایندگان شرکت‌ها چندین بار وادار شده‌اند که در جلسات توجیهی در برابر نعمت‌الله، مشاور حقوقی وزارت نفت حمید الحرثی، مشاور معادن اسماعیل البوشی، و علی البطشی از وزارت نفت چندین بار مسائل مربوط به یک منطقه را جهت یادآوری مجدد تکرار کنند. دولت عمان در زمینه ارائه ارقام گزاف تولید و ذخایر آبی بی‌تقصیر نبوده است، و ما از این می‌ترسیم که مبادا بعضی از مقامات تبلیغات دروغین خود را نیز باور کنند. مدتها باید بگذرد تا دولت عمان بتواند مانند همسایگان خود در خلیج [فارس] شمالی از استقلال در امور نفتی برخوردار گردد.

وئ

سند شماره ۴۰

محرمانه

۲۳ می ۱۹۷۶ - ۲ خرداد ۱۳۵۵

از: سفارت آمریکا، ابوظبی - الف - ۴۰ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در دوحه، جده، کویت، منامه، مسقط، تهران.
مرجع: الف) ابوظبی ۵۷ ۹/۴/۷۵ - الف، ب) ابوظبی ۵۶ ۶/۷/۷۵ - الف، ج) ابوظبی ۱۵ ۳/۱۵/۷۵ - الف، د) ابوظبی ۵۶ ۵/۳/۷۶ - الف، ه) ابوظبی ۱۲ ۳/۳/۷۵ - الف

موضوع: رویدادهای نفتی امارات شمالی

افسر گزارشگر در سفر اخیر خود به امارات شمالی فرصت یافت تا با نورمن استاپی (حفاظت شود) نماینده آمریکایی گروه نفتی ام‌القوین گفتگو کند. این وضعیت نه تنها باعث شد که به عملیات ام‌القوین عمیق‌تر نگریده شود بلکه نکات جالب توجهی نیز در مورد دیگر فعالیتهای نفتی شمال آشکار گردید.

استاپی در رابطه با فجیره، اظهار داشت که مطالبش مکمل گفتگویی است که وی طی همان سفر با شیخ حمد حاکم آنجا داشته است. در مورد هر یک از امارات جزئیات به شرح ذیل است:



دوبی

در دوبی تگزاس - پاسیفیک امتیازات نفتی خارج و داخل خشکی را از طرف مؤسسه نفتی دوبی عهده‌دار است. بنا به گفته استاپی، تگزاس - پاسیفیک چاهی در خارج از خشکی حفر کرده بود لیکن پس از رسیدن به عمق ۱۴۰۰۰ پایی درست چند روز قبل از این گفتگوها از ادامه کار دست برداشته بود. این شرکت توجه خود را به نقاط داخل خشکی معطوف خواهد داشت تا بتواند در تابستان ۱۹۷۶ دو حلقه چاه حفر کند.

شارجه

الف- بنا به گزارش استاپی، شرکت کرسنت در نظر دارد طی تابستان جاری دو حلقه چاه نفتی دیگر در حوزه مبارک حفر کند. بنا به گفته استاپی، کرسنت هنوز هم دچار مشکلات است (مرجع الف و قبل از آن) در حالیکه یکی از چاههای آن بیش از انتظار تولید می‌کند. در حقیقت و با در نظر گرفتن این مشکلات معلوم نبود که آیا این شرکت حاضر است بیش از این در رابطه با گسترش حوزه، سرمایه‌گذاری کند یا خیر. ولی حالا که سومین حلقه چاه حفر شده نیز وارد مرحله تولید شده، شرکا آماده‌اند چاههای دیگری در همین حوزه حفر کنند تا شاید بخت به آنها روی آورد.

ب- در رابطه با امتیازات داخل خشکی شارجه، استاپی گفت که کریستال پترولیوم امتیاز خود را بازپس داده و این منطقه بار دیگر منتظر است تا به فروش رسد. ظاهراً خروج کریستال پترولیوم چندان دوستانه نبود چون حاکم شارجه اعلام کرده که این شرکت نتوانسته است شرایط مندرج در قرارداد امتیازی را برآورده سازد (مرجع ب) ظاهراً منظور شیخ سلطان این بود که کریستال پترولیوم تنها اقدام به تکمیل چاه «جان مکوم» کرده ولی اقدام به حفر چاه جدیدی ننموده است. بنا به گفته استاپی، حاکم شارجه گفته بود که قصد دارد شرکت کریستال را به پرداخت ۳۰۰۰۰۰۰ دلار جریمه محکوم نماید ولی بعدها از این کار منصرف شده است (چون به طور خصوصی و با پرداخت نیمی از مبلغ موردنظر، مسئله فیصله داده شده بود).

تذکر: از زمان تدوین مطالب فوق، اعلام شده است که شارجه حاضر است امتیازات جدیدی واگذار کند. شرکت طالب این امتیاز نیز نماینده مشترک دو شرکت آمریکایی یعنی نیکلوس اویل اند. گس و پیناکل است. طبق نوشته مطبوعات، شرکتها توافق کرده‌اند که سه حلقه چاه ۱۶۰۰۰ پایی حفر نمایند و در طول مدت ۳۰ ماه معادل ۱۲ میلیون دلار سرمایه‌گذاری کنند. خلاصه اینکه، این بار به میل سلطان چاههای جدیدی حفر خواهد شد. جالب توجه اینکه مدیر قبلی کریستال در شارجه که خواهان حفر چاههای جدید شده بود به عنوان نماینده دو شرکت جدید در شارجه وارد عمل شده است.

پ- در نهایت در خارج از خشکی شارجه نیز امتیاز دیگری به شرکت هوستون اویل و مینرالز واگذار شده که همان منطقه حمیرا شمالی شارجه است (که خط ساحلی خلیج فارس

در امتداد شارجه و عمان بین این دو امارت تقسیم گشته است). هوستون اوایل و مینرالز که توجه خود را به ام القوین معطوف داشته فعلاً در نظر ندارد در این منطقه اقدام به حفاری کند. (به مطالب پایین رجوع شود).

عجمان

اقدامات زلزله سنجی شرکت «یونایتد ریفاینینگ» عجمان (مرجع پ) بی نتیجه ماند و امتیاز در سال ۱۹۷۵ پس داده شد که هیچگونه تخصیصی در این مورد به همراه نداشت.

ام القوین

الف- گروه نفتی ام القوین (مرجع پ) شدیداً مشغول اکتشاف است. شرکت نفتی زاپاتا به عنوان عامل اجرا می کند و گروه نیز به خاطر موجود بودن دستگاه حفاری در ژانویه ۱۹۷۶ یعنی زودتر از موقع مقرر اقدام به حفاری نمود. این چاه که در ۱۴ میلی ساحل قرار دارد در تاریخ ۱۲ می دارای عمقی برابر با ۱۵۱۴۰ پا بود. از منطقه ای که امکان تولید داشت، یک نمونه هسته ای برداشته شده است. نمونه دوم می بایستی در تاریخ ۱۲ می از دومین و بزرگ ترین منطقه برداشته می شد. سومین و آخرین منطقه در اعماق ۱۵۸۵۰ پایی آزمایش خواهد شد. پس از آن گروه متوجه خواهد شد که آیا این منطقه دارای نفت هست یا خیر. بنا به گفته استاپی شواهد این منطقه نشان می دهد که گاز موجود بیش از نفت است ولی این امر نیز هنوز به اثبات نرسیده است.

طبق گفته استاپی، حفاری در منطقه ام القوین با ریسک بسیاری همراه است چون بافت نفتی آن شبیه بافت نفتی ابوظبی و رأس الخیمه نیست بلکه نفت گسل است. استاپی گفت گرچه تمام شواهد دال بر وجود نفت در این بافت است ولی امکان دارد نفت موجود ناشی از قرنهای نشت نفت در اثر اقدامات ناموفق انجام شده برای استخراج نفت در حوزه خلیج [فارس] (مانند کویت) باشد. استاپی می گوید اگر این چاه نفت داشته باشد تولید روزانه ۲۰۰۰ بشکه در روز نیز برای این گروه از نظر اقتصادی مقرون به صرفه خواهد شد. طبق قرارداد آنها و دولت ام القوین تا ۵۰۰۰۰ بشکه تولید روزانه ۱۶٪ حق امتیاز پرداخت می شود و میزان آن به تدریج افزایش می یابد. میزان مالیات نیز، مانند دیگر تولیدکنندگان کوچک امارات متحده عربی برابر ۵۵٪ خواهد بود.

طبق اظهارات استاپی اگر این چاه موفقیت آمیز نباشد، گروه اقدام به حفر یک حلقه چاه دیگر خواهد کرد. در حال حاضر آنها ۱/۵ میلیون دلار سرمایه گذاری کرده اند که ۳۰۰۰۰۰ دلار آن حق اجاره سال اول است و ۴۰۰۰۰۰ دلار آن برای سال جاری، که تقریباً مبالغ مشابهی نیز در دو سال بعد پرداخت خواهد شد. استاپی معتقد است که این بار حداقل برای یک بار هم که شده حفر چاه جدید آزمایش می شود. اگر این طور باشد، تلاش جدید در نزدیکی مرز

رأس الخیمه یعنی یک منطقه چهار میلی که بر سر آن بین شارجه و رأس الخیمه اختلاف است صورت خواهد گرفت. البته باید اقدامی در این مورد صورت گیرد تا قبل از آغاز حفاری گروه این اختلافات نیز حل شود.
در نهایت استاپی خاطرنشان ساخت که میزان مشارکت گروه ام القوین بر عکس گزارش مرجع پ تفاوت پیدا کرده که ترکیب آن به شرح ذیل است:

زاپاتا اکسپلوریشن	۲/۷٪ (گرداننده)
کانادین سوپریور	۲۵٪
یونایتد ریفاینینگ	۲۰٪
آسامرا	۲۰٪
کوانی	۱۰٪
آنادارکو پروداکشن	۲/۷٪
گلف اوایل	۱۰٪

آنادارکو که یک شرکت آمریکایی است سهام خود را از زاپاتا و گلف که در ماه گذشته به این گروه پیوسته بودند خرید، که ۵٪ از سهم یونایتد ریفاینینگ و ۵٪ از آسامرا خریداری کرده بودند. در نتیجه ۵۵٪ سهام از آن شرکتهای آمریکایی و ۴۵٪ بقیه از آن شرکتهای کانادایی است. استاپی خاطرنشان ساخت که اکثراً از پیوستن گلف به این گروه ناراضی بودند چون یک شرکت بزرگ است و منافع آن با منافع شرکتهای کوچکتر که گروه را به انحصار خود درآورده بودند در تضاد بود. علاوه بر این، استاپی معتقد است که همین تغییر سهامداران نوعی عنصر بی‌اعتمادی در عملیات ام القوین پدید آورده است. ولی گویا راه دیگری وجود نداشت چون چهار شرکت اولیه (کانادین سوپریور، یونایتد، آسامرا و کوانی) به دنبال عملیات رأس الخیمه با کمبود سرمایه روبرو شده بودند (به مطلب پایین رجوع شود). خلاصه اینکه، گرچه آنها به امکانات نفتی ام القوین امید دارند ولی به سرمایه بیشتری نیاز داشتند که گلف آن را در اختیار داشت.

ب- ام القوین یک امتیاز نیز به هوستون اوایل و مینرالز فروخته که بخش کوچکی از آن در شارجه واقع شده است. این شرکت که یک سازمان آمریکایی است در حال حاضر تنها سهامدار این امتیاز است و دفتری در ام القوین تأسیس کرده که نماینده‌اش نیز یک آمریکایی مقیم آنجا به نام رابرت هارینگتون است (که در واقع در شارجه زندگی می‌کند). این شرکت در نظر دارد در تابستان دو حلقه چاه در داخل خشکی حفر کند که اولین آنها در ژوئن و در نزدیکی مرز رأس الخیمه (در داخل خشکی) و چاه دوم در سپتامبر در جزیره فلج‌المعلا واقع خواهند شد. قرار است عمق اولین چاه ۶۰۰۰ پا باشد که به نظر استاپی در این نقطه به نفت نخواهد رسید. ولی هوستون اوایل معتقد است که پس از رسیدن به این نقطه متوجه خواهند

شد که تلاششان به ثمر می‌رسد یا نه. قرار است چاه واقع در فلج‌المعلا تا عمق ۱۶۰۰۰ پایی حفر شود که معقول‌تر به نظر می‌رسد.

رأس الخیمه

با وجود اینکه (مرجع ت) مهم‌ترین مطالب مربوط به رأس الخیمه است، ولی استاپی در مورد عملیات ویتول نکات جالبی بیان داشت. همانگونه که قبلاً اشاره شد، تلاش اکتشافی رأس الخیمه بسیار گران یعنی معادل ۲۴ میلیون دلار تمام شده است که نیمی از این مبلغ تنها صرف حفاری شد، که در برابر مخارج حفاری ام‌القوین می‌باشد. علاوه بر این، ویتول حفاری خود را چهار ماه زودتر از گروه ام‌القوین شروع کرده ولی گروه ام‌القوین ۴۰۰ پا از آنها جلوتر هستند. واضح است که ویتول با مشکلاتی روبرو شده که از نظر استاپی خود شرکت این مشکلات را به وجود آورده است [که] (استاپی به این موضوع واقف است چون چهار شرکت تحت نمایندگی او نیز در رأس الخیمه مشغول فعالیت هستند). دستگاه حفاری ویتول [مارک] «روان» است [که] بهترین نوع نیست (آنچه که در ام‌القوین به کار رفته در وضعیت بسیار خوبی است) ولی استاپی می‌گوید مهم‌ترین اشتباه ویتول این است که کارمندان از استاندارد کافی برخوردار نیستند. مشکلات اجتناب‌ناپذیر همیشه به وجود می‌آید اما وقتی که هزینه روزانه حفاری ۴۵۰۰۰-۳۵۰۰۰ دلار باشد به همان سرعت نیز باید بتوان مشکلات را از میان برداشت و در اینجاست که ویتول خوب محاسبه نکرده است. مسئله دیگر این است که در ۹ ماه گذشته ویتول کارگران خود را به مرخصی نفرستاده که همین امر سبب پایین آمدن میزان کارایی آنها می‌گردد. بعضی از مشکلات نیز ناشی از رقابت دو امارت هم‌جوار و نیز رقابت طبیعی بین دو شرکت است که در یک بافت و همزمان مشغول حفاری می‌باشند؛ ولی با گذشت زمان و تکمیل اولین چاه در رأس الخیمه و کار خوب انجام شده در ام‌القوین، می‌توان گفت که اوضاع فرق می‌کند.

نکته جالب توجه مذکور در (مرجع ت) نحوه مشارکت در صورت دست یافتن ویتول به نفت است، البته از نظر امارات متحده عربی). در حال حاضر هزینه‌ها تماماً به عهده ویتول است. ولی به محض آغاز مرحله تولید دولت رأس الخیمه ۵۰٪ هزینه‌های عملیاتی را به عهده خواهد گرفت، و پس از آن نیز نسبت به پرداخت سهم هزینه‌های اکتشافی اقدام خواهد کرد. علاوه بر این ویتول ۱۴٪ حق امتیاز و مقداری مالیات خواهد پرداخت تا سهم دولت معادل ۵۸٪ شود.

فجیره

شرکت رزرواویل دنور (مرجع ث) هنوز هم امتیاز خارج از خشکی فجیره و شارجه را در

ساحل شرق در اختیار دارد. طبق اظهارات حاکم فجیره شیخ حمد، رزرو در دسامبر ۱۹۷۶ حفاری را آغاز خواهد کرد. استاپی معتقد است که این کار تا تابستان آتی شروع نخواهد شد. گویا شرکت به حاکم گفته بود که احتمال دستیابی به نفت ۹۶٪ است. استاپی نیز می‌گوید که اعضای گروهش کار زلزله‌سنجی رزرو را دیده و آن را بسیار امیدوار کننده توصیف کرده‌اند. ولی همیشه باید به یاد داشت که نباید حرفی زده شود که توقع و امید حکام محلی بالا برود. گمان می‌کنیم که شیخ منظور رزرو را درک نکرده و ما باید به دنبال به دست آوردن نفت باشیم تا ناراحتی‌ها چندان حاد نشود. در رابطه با حفاری و نیز به خاطر عمق بیش از حد آبهای خلیج عمان، رزرو با مشکلاتی روبرو خواهد شد. بنا به گفته استاپی عمق آبهای این منطقه ۴۰۰ پا (در مقایسه با اعماق ۱۰۵ پایی و ۲۸۰ پایی ام‌القوین و رأس‌الخیمه) و بسیار زیاد است، باید در این نقاط از کشتی‌های حفاری استفاده کرد. علت تأخیر نیز این است که نتوانسته‌اند چنین تجهیزاتی به دست آورند. در صورتی که نفت به دست آید قرارداد بین شرکت و دولت نیز استاندارد است، یعنی ۱۴٪ حق‌الامتیاز و ۵۱٪ مالیات است. (گرچه شیخ حمد می‌گوید که رزرو از او به عنوان یک مذاکره‌گر سرسخت یاد می‌کند. یعنی چاپلوسی امتیازهای بسیاری نصیب این شرکت کرده است). گمان نمی‌رود که شارجه نیز در درآمد و یا کل موضوع سهیم شود.

نتیجه‌گیری

این امید همیشگی که در مرجع پ نیز از آن یاد شده هنوز هم در اندیشه امارات فقیر وجود دارد. تاکنون هیچیک از این امیدها تحقق نیافته، لیکن امیدهای عجمان کاملاً مبدل به یأس گشته‌اند. ولی دیگران هنوز هم امیدوارند.

استرنر

سند شماره ۴۱

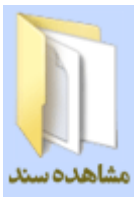
محرمانه

۸ ژوئیه ۱۹۷۶ - ۱۷ تیر ۱۳۵۵

از: سفارت آمریکا، دوحه - الف - ۱۶ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در ابوظبی، جدّه، کویت، تهران

موضوع: صنعت نفت در قطر



خلاصه: نفت قطر تنها توسط دو شرکت یعنی شرکت نفت قطر و شرکت شل تولید می‌شود. این شرکتها روزانه در حدود ۴۷۰۰۰۰ بشکه نفت یعنی حداکثر میزان تولید مجاز شمرده شده توسط دولت قطر را تولید می‌کنند. قطر علاوه بر این، عواید مربوط به ۱۵۰۰۰ بشکه نفت در روز را از منطقه نفتی مشترک این کشور با ابوظبی دریافت می‌دارد. علاوه بر این در بخشهای خارج و داخل خشکی اکتشاف صورت می‌گیرد. دولت از ژانویه ۱۹۷۴ حدود ۶۰ درصد سهام این شرکتها را به خود اختصاص داد و در دسامبر ۱۹۷۴ اعلام داشت که قصد

دارد کنترل ۱۰۰ درصد این شرکت‌ها را در اختیار گیرد. در حال حاضر مذاکرات در حال پیشرفت است و مقامات این شرکت‌ها معتقدند که مقدمات تحویل آنها به دولت قطر تا پایان تابستان جاری صورت خواهد گرفت. مؤسسه نفتی قطر در اول ژانویه ۱۹۷۵ تشکیل شد تا بر منافع دولت در شرکت نفت قطر و شل نظارت داشته باشد و در نهایت مسئولیت تمام جنبه‌های عملیاتی، پالایش و بازاریابی را به عهده گیرد. ولی به علت کمبود نفقات کارآزموده، این سازمان در فعالیت‌های نفتی به صورت اسمی شرکت داشته و دولت قطر مجبور است حتی پس از در اختیار گرفتن کنترل تمام این شرکتها باز هم به تخصص خارجی در صنعت نفت متکی باشد. قطر سالهاست که از سیاست صرفه‌جویی در منابع نفتی پیروی کرده و تنها ۷۵ درصد ظرفیت تولیدی، مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. قطر علاوه بر نفت، مقادیر بسیاری گاز غیرمرتبط با نفت دارد. گرچه این حوزه‌ها به طور کامل مشخص نشده‌اند، ولی کل ذخایر گازی این کشور برابر با ۱۳۰ میلیارد فوت مکعب برآورد شده است. دولت، شرکت گاز قطر را با همکاری شل ایجاد کرده است تا بتواند چند پروژه مربوط به مطالعه امکانات گازی و بهره‌برداری آن را انجام دهد. پایان خلاصه.

تولید و اکتشاف

شرکت نفت قطر: شرکت نفت قطر کنسرسیومی است متشکل از اعضای مشابه شرکت نفت عراق. شرکت‌های عضو عبارتند از: بریتیش پترولیوم، رویال داچ شل، شرکت نفت فرانسه، موبیل و پارتکس. در حال حاضر، این شرکت‌ها ۴۰ درصد سهام شرکت نفت قطر را در اختیار دارند، ولی قرار است که دولت قطر پس از چندی سهام کامل آن را در اختیار گیرد. تاریخ تولید نفت در قطر با تأسیس شرکت نفت قطر که امتیاز آن را در سال ۱۹۴۵ کسب کرد، آغاز شد. این امتیاز در ابتدا شامل تمام شبه جزیره قطر و مناطق خارج از خشکی بود، اما به تدریج کاهش یافت تا اینکه شامل حوزه دُخان و مناطق مجاور ساحل غربی قطر گردید. تولید شرکت نفت قطر در سال ۱۹۷۳ معادل ۹۱/۶ میلیون بشکه (یا ۲۵۱۰۰۰ بشکه در روز) گردید. در سال ۱۹۷۴ دولت قطر سقف تولیدی ۲۲۵۰۰۰ بشکه در روز را برای شرکت نفت قطر مشخص کرد آنهم بنا به دلایل صرفه‌جویانه، و در آن سال تولید به سطح ۲۲۳۰۰۰ بشکه در روز رسید یعنی ۹ درصد کاهش یافت. تولید شرکت نفت قطر در سال ۱۹۷۵ به دنبال کاهش قیمت‌های نفتی در ابوظبی که نفت قطر را در مقایسه با دیگر عرضه‌کنندگان، گرانقیمت نشان می‌داد، ۲۰ درصد دیگر کاهش یافت. پس از امتناع دولت قطر نسبت به جرح و تعدیل قیمت‌ها، برداشت نفتی در ژانویه ۱۹۷۵ کاهش یافت و شرکت نفت قطر باز خرید قراردادهای خود را لغو کرد و تولید در ژوئیه ۱۹۷۵ به پایین‌ترین مقدار یعنی ۱۰۴۰۰۰ بشکه در روز رسید. تصمیم قطر مبنی بر اعمال ۱۰ درصد افزایش قیمت اعلام شده توسط اوپک در سپتامبر ۱۹۷۵، قیمت نفت این کشور را با قیمت دیگر نفت‌های خام خلیج [فارس] متناسب ساخت.

از آن پس، تولید در سطح ۲۲۵۰۰۰ بشکه در روز تقریباً ثابت مانده است. شرکت نفت قطر نفتی مرغوب و کم سولفور از سه ذخایر موجود در حوزه دُخان تولید می‌کند. نفت خام مرکب از قوه جاذبه ۴۱ - ۴۰ درجه و محتوای سولفور ۱/۲ - ۱/۱ درصد برخوردار است. این نفت خام توسط لوله‌های نفتی از شبه‌جزیره قطر به یک پایانه آبی در ساحل شرقی - ام‌سعید - منتقل می‌شود. گاز مربوطه تولیدی در دُخان به عنوان سوخت در یک کارخانه کود شیمیایی به مصرف می‌رسد، و از سال ۱۹۷۵ در کارخانه گاز مایع طبیعی ام‌سعید به صورت گازهای پروپان و بوتان درآمده و صادر می‌شود. ۶۰ درصد سهام این کارخانه نیز مانند دیگر بخشهای شرکت نفت قطر از آن دولت قطر است.

شرکت شل قطر: شرکت شل قطر در سال ۱۹۶۴ بهره‌برداری از منطقه امتیازی خود را در شمال شرق منطقه اصلی قطر آغاز کرد. ۶۰ درصد از سهام شل نیز مانند سهام شرکت نفت قطر از آن دولت قطر است. میزان تولید شرکت شل در سال ۱۹۷۳ به ۳۲۰۰۰۰ بشکه در روز رسید و پس از آن با تحمیل اقدامات توأم با صرفه‌جویی از طرف دولت، برداشت آن به ۲۹۵۰۰۰ بشکه در روز تقلیل یافت. شل نیز در سال ۱۹۷۵ تحت‌تأثیر کاهش قیمت قرار گرفت و کاهش شدید تولیدی را تجربه کرد تا اینکه قراردادهای بازرخیرید جدید در نوامبر ۱۹۷۵ منعقد گردید. از اول ژانویه ۱۹۷۶ دولت بار دیگر تولید را محدود کرد و میزان تولید شل را ۵۰۰۰۰ بشکه در روز کاهش و به میزان ۲۴۵۰۰۰ بشکه در روز رساند. اعلام شد که هدف از کاهش، صرفه‌جویی در گاز طبیعی است که در آن زمان به هدر می‌رفت. یک کارخانه گاز طبیعی که قرار است احداث آن در سال ۱۹۷۸ به پایان برسد از گاز تولیدی توسط شل بهره‌برداری خواهد کرد.

نفت خام شل نیز از سه حوزه خارج از خشکی استخراج می‌گردد و از طریق خطوط لوله به پایانه صادراتی واقع در جزیره هلول منتقل می‌گردد. نفت مرکب این شرکت، از قوه جاذبه ۳۶-۳۶/۸ درجه و محتوای سولفور ۱/۴۵ تا ۱/۵۰ درصد برخوردار است.

حوزه البوندوق: علاوه بر ۴۷۰۰۰۰ بشکه تولیدی شل و شرکت نفت قطر، این کشور از حوزه تحت کنترل مشترک خود با ابوظبی یعنی حوزه البوندوق نیز عوایدی دریافت می‌دارد. این حوزه حدود ۳۰۰۰۰۰ بشکه در روز تولید می‌کند و عملیات آن به عهده مارین اریاز ابوظبی است. شرکت نفت البوندوق مرکب از سه سهامدار است که عبارتند از بریتیش پترولیوم، شرکت نفت فرانسه و یونیورسال پترولیوم دولپمنت (ژاپنی). در حال حاضر دولت در این منطقه فعالیتی ندارد و تمام نفت برداشتی نصیب شرکت ژاپنی می‌گردد. عواید ناشی از این برداشت نیز به طور مساوی بین دو دولت تقسیم می‌شود.

اکتشاف

ویترشال ا. جی. خارج از خشکی قطر: در ژوئیه ۱۹۷۳ یک کنسرسیوم شش شرکت به

سرپرستی شرکت نفت کاج (۳۵ درصد) و وینترشال (۳۲/۵ درصد) امتیاز مربوط به منطقه خارج از خشکی شمال و غرب شبه جزیره قطر را به خود اختصاص داد. شرایط قرارداد فیما بین گروه و دولت متضمن هزینه‌ای به مبلغ ۶ میلیون دلار در زمینه اکتشاف تا ژوئیه ۱۹۷۷ گردید که پس از آن کنسرسیوم می‌تواند این قرارداد را رها کرده و یا آن را به مدت چهار سال تجدید کند. مسئول عملیاتی این کنسرسیوم وینترشال است. اعلام تصمیم دولت مبنی بر در اختیار گرفتن ۱۰۰ درصد صنعت نفت، انعقاد یک قرارداد جدید را به جای قرارداد مشارکت منعقد در سال ۱۹۷۳، ایجاب می‌نمود. مذاکره دربارهٔ انعقاد یک قرارداد مشارکت در تولید و مشکلات مربوط به دستیابی به ماشین‌آلات حفاری در آبهای عمیق، حفر اولین چاه را تا فوریه ۱۹۷۶ به تأخیر انداخت. حفر چاه اخیراً در منطقه‌ای واقع در شمال شبه جزیره و کمی به سمت غرب منطقه شل به پایان رسید و نتایج آزمایش‌های اولیه حاکی از وجود نفت در منطقه عربی (در اعماق ۷۰۰۰ پایی) و گاز طبیعی آزاد غیرمرتبط با نفت در بافت‌های خوف (در اعماق ۱۰۰۰۰ پایی) است. طبق برداشت سفارت آمریکا ذخایر نفتی اینجا از عمق مناسب تولیدی برخوردار نیست. وینترشال همیشه خواستار حفاری در مناطق آبی کم‌عمق در خارج از ساحل غربی قطر و در مجاورت منطقه شرکت نفت قطر بوده است ولی به علت اختلاف مرزی و ارضی موجود بین قطر و بحرین قادر به حفاری در این نقاط نبوده است.

قرارداد مشارکت تولیدی بین وینترشال و دولت قطر مقرر می‌دارد که هزینه کامل اکتشاف و گسترش حوزه‌های نفتی باید توسط شرکت‌ها پرداخت گردد. اگر نفت یافته شده دارای اهمیت تجاری باشد، ۴۰ درصد تولید به شرکتها داده می‌شود تا بتوانند هزینه‌های اکتشاف و گسترش تولید را از طریق آن تأمین نمایند. ۶۰ درصد باقیمانده بین دولت قطر (به نسبت ۸۰ درصد) و شرکتها (به نسبت ۲۰ درصد) تا میزان ۲۵۰۰۰ بشکه در روز تقسیم می‌گردد. اگر تولید بیش از ۲۵۰۰۰ بشکه در روز باشد درصد مربوط به شرکتها سیر صعودی می‌پیماید تا اینکه در سطح تولیدی ۱۰۰۰۰۰ بشکه در روز یا بیشتر، نسبت تقسیم تولید ۹۰ درصد به ۱۰ درصد می‌شود.

اعضای کنسرسیوم امیدوارند که حتی پس از تحویل ۱۰۰ درصد مدیریت شل و شرکت نفت قطر به دولت این کشور، شرایط قرارداد به قوت خود باقی باشد.

شرکت نفت هولکار: در ژانویه ۱۹۷۶، شرکت جدیدالتأسیس ۱۰۰ درصد آمریکایی هولکار یک امتیاز دوساله در خارج از خشکی شرق منطقه اصلی به دست آورد. این منطقه قبلاً در اختیار شرکت نفت منحل شده قطر (ژاپنی) بود که در سه نقطه در سالهای فعالیت خود یعنی از سال ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۲ به نفت دست یافته بود. لیکن در آن موقع با قیمت‌های موجود از نظر تجاری مقدار نفت یافته شده تولید آن را ممکن نمی‌ساخت. به نظر هولکار، افزایش بعدی قیمت‌ها این حوزه‌های کوچک‌تر را پرمفعت ساخته، و طبق شرایط قرارداد این شرکت باید علاوه بر حفاری مجدد و رسانیدن چاهها به سطح تولید، یک برنامه اکتشافی ۱۲ میلیون دلاری

را در دو سال مدت امتیاز خود به اجرا درآورد. قرارداد مشارکت تولیدی هولکار و دولت قطر مشابه قرارداد منعقد شده با گروه ویتترشال است. هولکار برنامه حفاری خود را درست پس از انعقاد قرارداد آغاز کرد، اما طبق برداشت ما رساندن چاهها به مرحله تولید به خصوص به علت وجود هیدروسولفید زیاد نفت به تأخیر افتاده است.

سازمان نفتی دولتی

سوابق و سیاست: همان گونه که در دیگر کشورهای منطقه رایج بود، دولت قطر قبل از ۱۹۷۳ هیچ سهمی از شرکت‌های نفت در حال فعالیت در اختیار نداشت و عواید نفتی خود را از طریق پرداخت‌های مالیاتی و عوارض دریافت می‌کرد. دولت در تاریخ اول ژانویه ۱۹۷۳، ۲۵ درصد سهام شرکت شل و شرکت نفت قطر را خواستار شد. قرارداد بعدی که در تاریخ اول ژانویه ۱۹۷۴ منعقد گردید، سهم دولت را به ۶۰ درصد افزایش داد، و در دسامبر ۱۹۷۴ دولت اعلام کرد که تصمیم گرفته است ۱۰۰ درصد شرکت‌های در حال عملکرد را در اختیار گیرد اما این تصمیم هنوز به مرحله اجرا درنیامده است.

بر اساس قرارداد مشارکت ۱۹۷۴، شرکت‌ها پس از پرداخت مالیات بر درآمد و عوارض که در حال حاضر به ترتیب ۸۵ درصد و ۲۰ درصد است، می‌توانند ۴۰ درصد از نفت خام تولیدی را به خود اختصاص دهند. علاوه بر این، شل و شرکت نفت قطر با دولت این کشور قراردادهایی منعقد ساخته‌اند که طی آن ۶۰ درصد نفت خام مربوط به دولت (۳۶ درصد کل تولید) را به ۹۳ درصد قیمت تعیین شده خریداری کنند. باقیمانده تولید که برابر ۲۴ درصد کل تولید است توسط خود دولت آن هم به ۹۳ درصد قیمت تعیین شده فروخته می‌شود. شرکت‌های امرادا، هس، چارتر اوپل و یونیون راینیکر در مارس ۱۹۷۴ یک قرارداد خرید سه ساله با دولت قطر امضا کردند.

در رابطه با سیاست نفتی، دولت قطر دائماً از سیاستهای اوپک پیروی کرده است. در سال ۱۹۷۴ می‌توانستیم قطری‌ها را در رابطه با قیمت نفت میانه‌رو بخوانیم چون از موضع عربستان سعودی در مسائل اوپک پیروی می‌کردند. ولی از سال ۱۹۷۵، دولت به افزایش دهندگان قیمت نفت در اوپک پیوسته و در اجلاس‌های اخیر اوپک بر بالا رفتن قیمت‌های نفتی اصرار می‌ورزیده است. مقامات نفتی معتقدند که محدودیت تولید و ذخایر قطر برخلاف عربستان سعودی که ذخایر عظیمی دارد، ضرورت‌های متفاوتی برای قطر پدید آورده است.

اداره امور نفتی: یکی از دو اداره موجود در وزارت دارایی و نفتی، یعنی اداره امور نفتی تنها عنصر دولتی است که در زمینه هماهنگی منافع نفتی خارجی برای اکتشاف، عملیات و بازاریابی و نیز توصیه‌های مربوط به سیاست‌های نفتی مسئولیت دارد. سرپرستی وزارت دارایی و نفتی را شیخ عبدالعزیز بن خلیفه آل ثانی (که فرزند امیر است) عهده‌دار است و سرپرستی اداره امور نفتی را نیز علی جیده به عهده دارد.

می‌گویند وزیر در زمینه سیاسی و فنی نفتی اطلاعات وسیعی ندارد و جیده که فردی مطلع و باهوش است، نقش مهمی در تمام جنبه‌های تصمیمات نفتی ایفا می‌کند. وی معمولاً سرپرستی تیم مذاکره کننده در امور مربوط به قراردادهای خرید و تصرف ۱۰۰ درصد شرکت‌ها را به عهده دارد و در هیأت‌های نمایندگی قطر در اوپک از چهره‌های بسیار با اهمیت و برجسته تلقی می‌گردد. جیده مبتکر قرارداد مشارکت در تولید با شرکت‌های ویتزشال و هولکار بوده است.

با در نظر گرفتن بافت الیگارش‌گونه حکومت، می‌توان گفت که اداره امور نفتی قطر به هیچ‌وجه مسائل نفتی را در انحصار خود نگرفته است. امیر قطر معمولاً همه تصمیمات نفتی را تصویب می‌کند و از مشاورین مهم خارج از این نهاد نفتی خواستار ارائه نظریات و توصیه‌هایشان می‌گردد. در زمینه مسائل مهم مربوط به خطی مشی، اداره امور نفتی، تنها یکی از سه یا چند سازمان یا افراد موجود در قطر است که پیشنهادات خود را تقدیم امیر می‌کند.

مؤسسه عمومی نفتی قطر: مؤسسه عمومی نفتی قطر یک سازمان ۱۰۰ درصد دولتی است که در تاریخ ۴ ژوئیه ۱۹۷۴ به فرمان امیر تأسیس گردید تا جای شرکت ملی نفت قطر را پر کند. مؤسسه عمومی نفتی قطر کار خود را در تاریخ اول ژانویه ۱۹۷۵ همراه با هیأت مدیره‌ای به سرپرستی وزیر دارایی و نفت و متشکل از چهره‌های مهم دولت قطر در زمینه امور نفتی رسماً آغاز کرد. اعضای هیأت مدیره مؤسسه عمومی نفتی قطر عبارتند از؛ عیسی الکواری، وزیر اطلاعات و رئیس دفتر امیر؛ علی جیده، سرپرست امور نفتی؛ عبدالله سلط معاون سرپرست امور نفتی؛ طاهر حیدری، مشاور عالی وزارت دارایی و نفت؛ سعید میشل، سرپرست مرکز گسترش فنی.

قدرت تفویض شده به مؤسسه عمومی نفتی قطر بسیار وسیع است و تمام جنبه‌های صنعت نفت در خارج و داخل کشور را دربر می‌گیرد. این وظایف عبارتند از اکتشاف، حفاری، تولید، پالایش و حمل و نقل و فروش نفت خام و محصولات گازی و پالایش یافته. علاوه بر این، سهام دولت در شرکت شل و شرکت نفت قطر به مؤسسه عمومی نفتی قطر واگذار شد و نیز سهام دولت قطر در دیگر سرمایه‌گذاری‌های مربوط به انرژی چه در داخل کشور و چه در منطقه در اختیار آن قرار داده شد. مؤسسه عمومی نفتی قطر با سرمایه اولیه ۵۰۰ میلیون دلار که بعدها به یک میلیارد دلار تبدیل شده بود آغاز به کار کرد. بخشهای موجود در این مؤسسه عبارتند از بخش مهندسی زمین‌شناسی و نفتی، پالایش، تصفیه گاز و پتروشیمی، مهندسی و احداث، بازاریابی و حمل و نقل و دارایی.

علناً اعلام شده است که دولت پس از به دست گرفتن کنترل ۱۰۰ درصد صنعت نفت، کنترل تمام جنبه‌های عملیات نفتی حوزه‌ها را به مؤسسه عمومی نفتی قطر خواهد سپرد. در عین حال که مسئولیت‌های عملیاتی و بازاریابی به عهده مؤسسه عمومی نفتی قطر است، وزارت دارایی و نفت نیز مسئول تعیین خط‌مشی در رابطه با استراتژی‌های اوپک و تعیین

قیمت نفت و شرایط پرداخت و تعیین سقف تولید است.

عملاً هجده ماه پس از آنکه قرار بود عملیات آغاز شود، مؤسسه عمومی نفتی قطر [هنوز] آغاز به کار نکرده و علت اصلی آن نیز کمبود کارمند است. تاکنون تنها ۲۰ سمت اجرایی و یا حرفه از ۸۰ سمت موجود پر شده است. هنوز برای احراز سمت مدیرکل شخصی یافته نشده است. کمبود شدید مسکن و امتناع دولت از تصویب پرداخت حقوقها و مزایای زیاد موانعی بر سر راه استخدام کارمندان عالیرتبه ایجاد کرده است. شاید بتوان یکی از مهم‌ترین علل عدم تکامل مؤسسه عمومی نفتی قطر را عدم تمایل چهره‌های مهم داخل و خارج از نهادهای نفتی دانست که فکر می‌کنند اگر این مؤسسه کار خود را آغاز کند آنها اختیارات خود را از دست خواهند داد. در دولتی که حدود و اختیارات و مسئولیت‌ها به خوبی مشخص نشده و نفوذ هر شخص بستگی به رابط‌های وی در سمت‌های سازمانی دارد، و این واقعیت که اعضای هیأت مدیره مؤسسه عمومی نفتی قطر از جمله افراد سرشناس دولتی هستند و نسبت به قدرت یکدیگر حسادت می‌ورزند و سعی می‌کنند تغییری صورت نگیرد تا نفوذ دیگری افزایش نیابد، وضع طوری است که همه توافق کرده‌اند که افزایش نفوذ مؤسسه عمومی نفتی قطر مساوی با کاهش نفوذ خود آنهاست.

گاز طبیعی: در قطر ذخایر عمده‌ای از گاز مرتبط و غیرمرتبط با نفت وجود دارد که بهره‌برداری نشده است. گاز مرتبط با نفت حوزه دُخان شرکت نفت قطر به عنوان سوخت نیروگاهها و کارخانه کود شیمیایی و کارخانه گاز مایع طبیعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. گاز مرتبط با نفت حوزه‌های خارج از خشکی در هوا سوزانیده می‌شود، ولی یک کارخانه گاز مایع طبیعی ثانی در دست احداث است. قرار است احداث این کارخانه در سال ۱۹۷۸ پایان یابد که از اکثر گاز تولیدی بهره‌برداری خواهد کرد. باقیمانده گاز موجود نیز به عنوان سوخت یک مجتمع پتروشیمی در دست احداث به کار گرفته خواهد شد.

مقادیر زیادی از گاز غیرمرتبط با نفت نیز در مناطق خارج و داخل خشکی وجود دارد. ذخایر این نوع گاز در بافت‌های زمینی خوف در اعماق ۱۰۰۰۰-۹۰۰۰۰ پایی نهفته است. گاز واقع در داخل خشکی خوف در طبقات تحتانی حوزه نفتی دُخان واقع شده، و قرار است گاز ناشی از این حوزه نیز در یک نیروگاه جدید در دست احداث در نزدیکی دوحه مورد استفاده قرارگیرد. این نیروگاه که قرار است احداث آن در اواخر سال ۱۹۷۷ پایان یابد اولین تأسیساتی است که از گاز خوف استفاده خواهد کرد. در خارج از خشکی، شل، در بافت زمینی خوف چند حلقه چاه حفر کرده تا وجود بزرگ‌ترین منبع گازی منطقه را اثبات کند. در مورد میزان و وسعت واقعی این حوزه اطلاعات دقیق در دست نیست، اما بعضی از برآوردها حدود ۱۳۰ میلیارد فوت مکعب است. می‌گویند که این حوزه وارد منطقه ویترشال می‌شود.

در سال ۱۹۷۴، دولت قطر و شل شرکت گاز قطر را با مشارکت ۳۰-۷۰ به وجود آوردند. شرکت گاز قطر کارخانه گاز مایع طبیعی در دست احداث را تصاحب خواهد کرد و مطالعاتی

در دست انجام است تا برای استفاده از گاز غیرمرتبط با نفت حوزه شل، یک کارخانه گاز مایع طبیعی دیگر به ارزش ۱/۵ میلیارد دلار ساخته شود.

آینده: هجده ماه پس از آنکه امیر اعلام کرد دولت صد در صد صنعت نفت کشور را تحت کنترل خواهد گرفت، مذاکرات جدی بین دولت و شرکت‌ها در حال انجام است. طرفین تا به حال در مورد شرایط تحویل بقیه صنعت به دولت به توافق نرسیده‌اند، ولی احتمالاً تا پایان تابستان جاری راه‌حلی پیدا خواهد شد. گذشته از نتیجه این کار، شرکت‌های مزبور باز هم نقش مهمی در گردش صنعت نفت قطر تا چند سال بعد ایفا خواهند کرد. با وجود فقدان قطریهای آموزش دیده و واجد شرایط، این شرکت‌ها بخش اعظم نفقات لازم در زمینه صنعت نفت را چه مستقیماً و چه از طریق یک شرکت قطری تأمین خواهند کرد.

در حال حاضر دولت در رابطه با تحقیقات زلزله سنجی دقیق در خارج و داخل خشکی با چند شرکت در حال مذاکره است. این تحقیق برآورد دقیق‌تری از ذخایر نفتی قطر فراهم خواهد ساخت که گمان می‌رود حدود ۳/۶ میلیارد بشکه بوده و کشور را قادر خواهد ساخت که به مدت ۲۰ سال دیگر نفت تولید کند. در حال حاضر تمام نفت خام قطر به خارج صادر می‌شود، ولی دولت در نظر دارد با احداث پالایشگاهی به ظرفیت ۸۰۰۰۰ بشکه در روز، وارد بازار محصولات نفتی شود. گرچه احتمال پیدایش ذخایر دیگر نفت بسیار است که تولید را طولانی‌تر خواهد کرد، ولی ظاهراً آینده اقتصاد قطر بر گاز استوار خواهد بود. ذخایر موجود در بافت خوف آن قدر وسیع است که گمان می‌رود بتواند نیاز یک کارخانه گاز مایع طبیعی را به مدت ۲۰۰ سال برآورده سازد.

یانگ

سند شماره ۴۲

۲۱ ژوئیه ۱۹۷۶ - ۳۰ تیر ۱۳۵۵

محرمانه

از: سفارت آمریکا، مسقط - الف - ۵۳ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در ابوظبی، دوحه، کویت، لندن، منامه، تهران.

مرجع: الف) مسقط ۰۳ - الف، ب) مسقط ۲۶۱، ج) مسقط ۴۰۲

موضوع: دورنمای نفتی عمان

خلاصه: در سال جاری عمان به صورت یک تولیدکننده نفت متوسط در دهه آینده درخواهد آمد. ناظران قبلاً معتقد بودند که عمان نخواهد توانست به منافع نفت تجاری جدیدی دست یابد تا بتواند کاهش تولید حوزه‌های شمالی خود را جبران کند. در سال ۱۹۷۶، اکتشافات جدید داخل خشکی توسط شرکت نفت عمان در ظفار و نیز اکتشافات موفقیت‌آمیز خارج از شبه جزیره «مسندم» عمانیها را امیدوار کرده است که درآمدهای نفتی آتی کامیابی اقتصادی عمان را به همراه خواهد داشت. گرچه برآوردهای مدیران خارجی همراه با



محافظه‌کاری است، ولی مشخص است که شل و دیگر شرکت‌های نفتی خارجی به اکتشافات خود افزوده‌اند و ارزیابی‌های آنها نیز در مورد امکانات عمان بهبود بیشتری داشته است. پس از حدود یک سال عدم فعالیت، اخیراً حرکت‌هایی در جهت بهره‌برداری از منابع هیدروکربور عمان به عمل آمده است. شرکت توسعه نفت عمان در حال تهیه پیشنهادی است تا با ارائه آن به دولت عمان نحوه تولید ظفار را در سال ۱۹۷۹ مشخص سازد. اخیراً دولت عمان سرمایه لازم برای احداث خط لوله گاز طبیعی را از داخل کشور به سمت ساحل به دست آورده است که سبب رشد معتدل صنعت در منطقه پایتخت خواهد شد. این رویدادها نفوذ وزارت نفت را در محافل دولتی عمان تقویت خواهد کرد. متأسفانه، وزارتخانه از نظر افراد عمانی با تجربه و آگاه در این زمینه با کمبود روبرو است و بیشتر به مشاورین آمریکایی متکی است. پایان خلاصه.

دورنمای تولید آینده

آینده عمان به عنوان یک تولیدکننده متوسط نفتی به سرعت و موفقیت اکتشافات نفتی در جنوب این کشور بستگی دارد. تولید نفت حوزه‌های شمالی اکنون به اوج رسیده است، و در ده سال آینده تولید سیر نزولی خواهد پیمود. مقامات نفتی در عمان معتقدند که حوزه‌های شمالی تا پایان قرن حاضر روزانه معادل کمتر از ۵۰۰۰۰ بشکه نفت تولید خواهند کرد. جبران این نزول تولید تنها از طریق تولید نفت متوسط و سنگین منطقه ظفار امکان‌پذیر خواهد بود. یکی از مدیران عالی‌رتبه شرکت نفت عمان معتقد است که با وارد شدن نفت ظفار به مرحله تولید، کاهش تولید کنونی از بین خواهد رفت و عمان خواهد توانست در سال ۱۹۸۵ نیز روزانه معادل ۳۷۰۰۰۰ بشکه نفت تولید کند. مقامات وزارت نفت معترفند که در پنج سال آینده بازده نفتی کاهش خواهد یافت لیکن در دهه آینده سطح تولید به سطح پیشین باز خواهد گشت و بعدها فراتر از آن خواهد رفت.

تولید در سال ۱۹۷۶

تولید در سال ۱۹۷۶ معادل ۳۶۸۰۰۰ بشکه در روز خواهد بود. این رقم ۴۰۰۰ بشکه در روز کمتر از میزان قابل انتظار است و علت آن نیز میزان بیش از حد اسید نفتنیک موجود در تولید چاه نفتی قرن‌العلم منطقه قبا می‌باشد. شرکت نفت عمان تولید نفت قرن‌العلم را به ۱۰۰۰۰۰ بشکه در روز محدود کرده است تا مخلوط و ترکیب تمام نفت عمان خارج از محدوده تعیین شده نباشد. مدیران شرکت نفت عمان چندان هم نگران اسید موجود در نفت قرن‌العلم نیستند، چون هیچیک از حوزه‌های دیگر این مسئله را ندارد، و کاهش تولید یک وسیله مؤثر در جهت صرفه‌جویی است. حوزه لخوریر در ماه اوت روزانه معادل ۷۰۰۰ بشکه نفت تولید خواهد کرد (ولی انتظار می‌رود که در صورت بهره‌برداری کامل بتواند روزانه ۱۵۰۰۰ بشکه تولید کند).

نفت جنوب عمان

مدیران شرکت نفت عمان بیش از سال گذشته به عمران مناطق نفتی ظفار علاقه نشان می‌دهند. این امر نیز نتیجه چند حفاری آزمایشی موفقیت‌آمیز بود که نشان داد نفت ظفار سبک‌تر بوده و به سهولت استخراج می‌شود. شرکت نفت عمان در تلاش عظیم تجربی خود از ۵ گروه زلزله‌سنج و سه تیم حفاری استفاده می‌کند.

آزمایشی بسیار موفقیت‌آمیز در نصیر در مجاورت حوزه مرمول صورت گرفت. نفت ۲۵ درجه غلظت متوسط با فشار قوی در اعماق ۸۰۰۰ پایی کشف شد. ذخایر نفتی حدود ۱۶۰ پانزده عمق داشته و یک بافت دولومیت میان دو لایه نمکی قرار گرفته است.

مقامات شرکت نفت عمان از اولین چاه نصیر بسیار راضی هستند، گرچه معتقدند که باید چند چاه موفقیت‌آمیز دیگر نیز حفر شود تا حوزه نصیر از نظر تجاری با ارزش قلمداد شود.

حوزه‌های مرمول و امل از موفقیت بیشتری برخوردار بوده است. یکی از چاه‌های نفت مرمول در حال حاضر روزانه ۱۰۰ بشکه نفت تولید می‌کند، و دو چاه آزمایشی دیگر نیز به زودی حفر خواهد شد. دو حلقه چاه موجود در حوزه امل روزانه چند صد بشکه نفت تولید می‌کند و مقامات شرکت نفت عمان معتقدند که در سه سال آینده حوزه امل قادر خواهد بود روزانه بیش از ۲۰۰۰۰ بشکه نفت تولید کند. نفت حوزه‌های امل و مرمول کلاً از نوع متوسط (۲۴ درجه) بوده و به سادگی و بدون به کار بردن وسایل گران‌قیمت تزریق بخار از چاه‌ها استخراج می‌شود. بهترین مانع موجود در این زمینه وجود یک سفره آب زیرزمینی است که می‌تواند تولید را با مشکلاتی همراه سازد. در عین حال که شرکت نفت عمان از ارائه برآوردهای دقیق در مورد ذخایر نفت مرمول و امل امتناع می‌کند، ولی شواهد موجود حاکی از وجود بیش از یک میلیارد بشکه نفت در این منطقه است.

به علت وجود دورنمای مساعد ظفار، شرکت نفت عمان آماده است تا در سال آینده در مورد تولید نفت منطقه ظفار پیشنهاد قاطعی به دولت عمان بدهد. پیشنهاد شرکت نفت عمان دربرگیرنده احداث یک خط لوله از حوزه امل به دماغه کوریا موریاست تا نفت در آنجا ذخیره شود و پس از آن حمل و نقل گردد و هزینه تانکرها و مخزن معادل ۱۰۰ میلیون دلار خواهد بود، و توسعه کامل چاه‌های امل و مرمول به ۶۰ میلیون دلار هزینه دیگر نیاز خواهد داشت. ظاهراً شل به عنوان مهم‌ترین سهامدار خصوصی شرکت نفت عمان آماده است قدری از سرمایه موردنیاز را فراهم آورد، ولی انتظار دارد دولت عمان بخش اعظم سرمایه مورد نیاز را فراهم آورد، اگر کارها بر وفق مراد به پیش رود، در سال ۱۹۷۹ نفت امل صادر خواهد شد و در صورت امکان حوزه‌های مرمول و نصیر نیز به خط لوله امل مرتبط خواهند شد.

امتیازات خارج و داخل خشکی

نتایج اکتشافات خارج و داخل خشکی توسط شرکت‌های نفتی مستقل مختلط بوده است.

تاکنون شرکت نفت فرانسوی اِلف در تنگه هرمز مهم‌ترین موفقیت را کسب کرده است (مرجع ب). شرکت اِلف در عمق ۱۲۰۰۰ پایی به نفت ۴۱ درجه دست یافت که در منطقه آبهای ایران واقع شده است؛ این نفت در بخش تحتانی یک لایه نمکی یافت شد که از بافت شکننده خوبی برخوردار است. مدیر مقیم عمان اِلف معتقد است که چندین سال طول خواهد کشید تا این نفت از نظر تجاری مورد بهره‌برداری قرار گیرد، (چون شرکت مزبور در عایق‌بندی چاه با دردهای زیادی روبه‌رو شده بود).

قرار است در زمستان جاری یک چاه دیگر حفر شود، لیکن اِلف نسبت به نیازهای سرمایه‌ای خود حساسیت بسیاری پیدا کرده است و در نظر دارد در این حوزه با یک شریک عمده آمریکایی به اکتشاف بپردازد. شرکت نفت سان اوایل، که در اولین اکتشاف نفتی خود در جنوب مصیره در سال ۱۹۷۵ به نفت دست یافت، چاه دیگری در ماه اکتبر حفر خواهد کرد، ولی مدیریت این شرکت در مورد دورنمای دست‌یابی به نفت محتاطانه سخن می‌گوید. اکتشاف داخلی خشکی توسط شرکت‌های مستقل با جدیت چندانی آغاز نشده است. شرکت نفت کوین‌تانا اورسیز اینترنشنال که متعلق به شرکت نفت مارشال تگزاس است به اکتشاف مس در عمان پرداخته است و اولین کار زلزله‌سنجی خود را در منطقه سونینا آغاز کرده است و سال بعد اولین حفاریهای خود را آغاز خواهد کرد. مقامات وزارت نفت معتقدند که به احتمال زیاد شرکت نفت کوین‌تانا به مقادیر کم تا متوسط نفت دست خواهد یافت. شرکت‌های نفتی اِلف و سومیتومو اکتشافات مقدماتی را در منطقه بوپبول در مرکز عمان آغاز کرده‌اند، لیکن اکثر ناظران معتقدند که شانس دست‌یابی به نفت در این منطقه بسیار ناچیز است.

علاوه بر این، دولت عمان در خارج از حوزه امتیاز شرکت نفت عمان در جنوب ظفار دارای سه منطقه نفتی است که مایل است آنها را به شرکت‌های مهم نفتی واگذار کند تا با سرمایه و مهارت خود آنها را گسترش داده و مورد بهره‌برداری قرار دهند. شرکت گلف که به دنبال منابع دیگر نفتی است، نسبت به خرید یکی از این مناطق اظهار علاقه کرده است (و در مورد احتمال مشارکت در منطقه سونینا نیز مذاکراتی انجام داده است). شرکت‌های آرکو، موبیل و آموکو نیز با وزارت نفت تماس برقرار کرده‌اند.

خط لوله گاز

در ژوئن سال ۱۹۷۶ عمان برای احداث یک خط لوله گازی بین حوزه گازی بیال در شمال بخش داخلی کشور و حوزه غیره در بخش ساحلی سرمایه لازم را تأمین کرد. وام ۶۰ میلیون دلاری دریافت شده از کویت و ابوظبی با نرخ بهره ۴ درصد به این کشور داده شده است. بخش اعظم خط لوله ۲۰ اینچی مورد نیاز در کشور فراهم شده، ولی ۱۱ کیلومتر خط لوله دیگر باید خریداری شود تا احداث لوله کامل شود.

دولت عمان توافق کرده است که مناقصه شرکت‌های بین‌المللی جهت احداث خط لوله و نظارت بر احداث آن توسط شرکت نفت عمان مورد بررسی قرار گیرد. دولت‌های کویت و ابوظبی نیز در انتخاب شرکت‌ها مؤثر خواهند بود. ظاهراً چند شرکت مهم آمریکایی در انجام این کار علاقه نشان داده‌اند.

طبق پیش‌بینی دولت عمان پروژه خط لوله در عرض ۵ سال سرمایه مصرف شده را بازپس خواهد داد، البته به خاطر نفتی که به جای تأمین انرژی دستگاه‌های نمک‌زدا به خارج صادر خواهد شد. این خط لوله به رشد صنعتی در منطقه پایتخت کمک خواهد کرد؛ مقامات وزارت نفت در نظر دارند یک کارخانه ذوب آلومینیوم بسازند که با استفاده از گاز طبیعی به کار افتد و نیز در نظر دارند یک شبکه ارزان قیمت توزیع گاز نیز برای شهرک‌های جدید در نزدیکی فرودگاه بین‌المللی «سیب» ایجاد کند. گاز طبیعی عمان مدتی دوام خواهد یافت، چون ذخایر تثبیت شده حوزه پبال معادل ۴ میلیون فوت مکعب برآورد شده و در حوزه سونینا نیز ممکن است گاز بیشتری وجود داشته باشد.

بازاریابی نفتی

عمان در فروش تمام نفت تولیدی خود با مشکلاتی روبه‌رو نیست. نفت خام مختلط عمان که میانگین غلظت آن ۳۵ درجه است، بهتر از نفت سبک عربی به شمار می‌آید. قیمت جاری نفت عمان معادل ۱۱/۷ دلار برای هر بشکه است.

علاوه بر فروش نفت به سهامداران خصوصی (شل، شرکت نفت فرانسه و پارتکس)، دولت عمان مستقیماً به شرکت‌های نفتی روزانه ۸۰۰۰۰ بشکه نفت می‌فروشد. شرکت سی‌ایچی ژاپنی نیز روزانه معادل ۵۰۰۰۰ بشکه خریداری می‌کند و گفت روزانه معادل ۳۰۰۰۰ بشکه نفت به دست می‌آورد. مقامات شرکت نفت عمان از نوسانات اخیر سفارشات شرکت ایچ راضی نیستند، چون برنامه تحویل نفت شرکت نفت عمان را به هم ریخته است، لیکن ایتو و گلف در مورد تساوی جریان نفت به توافق رسیده‌اند.

نقش دولت عمان

مقامات دولت عمان پس از طی یک دوره رویارویی با شرکت شل در زمستان و بهار گذشته، از عملکرد شرکت نفت عمان بیشتر راضی شده‌اند. هشتاد درصد مالیات و ۲۰ درصد حق امتیاز نفت خام که در ماه مارس مقرر گردید بافت مالیاتی عمان را مطابق بافت مالیاتی دیگر کشورهای اوپک گرداند (مرجع پ)، و منافع شل در نتیجه عملیات ۰/۲۵ دلار به ازای هر بشکه تقلیل یافت. دولت عمان معتقد است که شرکت شل در فروش نفت با وجود کاهش تقاضای بازار تلاش مکفی به خرج داده و لازم نیست قراردادهای آن مورد تجدیدنظر واقع شود. پیشرفت عمده شرکت نفت عمان در گسترش ظرفیت را بهبود بخشیده و اذیت و

آزار شرکت‌های نفتی توسط دولت عمان را کاهش داده است. دولت عمان برای به دست آوردن بیش از ۶۰ درصد سهام شرکت نفت عمان فشار چندانی اعمال نمی‌کند و گویا میل ندارد در مشکلات مدیریتی شرکت شل سهمی شود. با این وجود، از نوامبر ۱۹۷۵ دولت عمان نشان داده است که می‌خواهد نقش مهم‌تری در تصمیم‌گیریهای نفتی ایفا کند، و به طور کامل به مشورتهای مقامات شرکت شل در رابطه با شرکت نفت عمان گردن نمی‌نهد و با استفاده از مشاورین خارجی و شرکت‌های نفتی مستقل، فعالیت‌های شرکت نفت عمان را زیر نظر می‌گیرد.

از آنجا که نفت منبع حیاتی اقتصادی عمان است و دولت این کشور نیز باید فعالیت بیشتری از خود نشان دهد، قدرت وزارت کشاورزی، ماهیگیری، نفت و معادن عمان نیز در حال افزایش است. ولی معلوم است که مقامات برجسته وزارت نفت قادر نیستند امور نفتی را جهت بخشند. وزیر سیداحمد الشنفاری بسیار ضعیف و فاقد قاطعیت بود و از تجارت نفتی سر در نمی‌آورد.

علی البطشی، سرپرست مالی وزارت نفت و معاون وزیر، فردی بسیار آگاه و مطلع است و مسئولیت‌های بسیاری در زمینه تصمیم‌گیریها دارد. بطشی گذشته از حسابداری از تخصص فنی چندانی برخوردار نیست و بیشتر بر مشاورتهای تخصصی تکیه می‌کند. خلیفه الریایی، سرپرست جدید خدمات فنی، همین اواخر کارشناسی ارشد زمین‌شناسی خود را از دانشگاه تگزاس دریافت کرده، لیکن فاقد تجربه است. بطشی و ریایی اهل آفریقای شرقی هستند، و به همین دلیل ممکن است مورد تنفر عمانیها نسبت به «زنگباریها» واقع شوند.

بنابراین مسئله طرح‌ریزی و تصمیم‌گیری به عهده شرکت‌های مشاورتی آمریکایی تترا تک (با کمک شرکت توماس برگر، که سرپرست پیشین آرامکو بود) است. تترا تک به تدریج به صورت یک تصمیم‌گیرنده و نیز یک سازمان مشاورتی فنی درآمده است، و احتمالاً یکی از نیرومندترین شرکت‌های خصوصی آمریکایی در عمان است.

گمان نمی‌رود که دولت عمان بخواهد و یا بتواند نقش عمده‌ای در مذاکرات نفتی بین‌المللی و یا سیاسی از قبیل مشارکت در اوپک ایفا کند. و

سند شماره ۴۳

۱۵ فوریه ۱۹۷۸ - ۲۶ بهمن ۱۳۵۶

محرمانه

از: سفارت آمریکا، ابوظبی - ۱۳۵۸ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در دوحه، جده، کویت، لندن، منامه، مسقط، تهران

مرجع: الف) ابوظبی (۸۱ - A ، ب) ۷۷ ابوظبی ۸۲ - A

موضوع: یادداشت‌های نفتی - امارات شمالی

طی سفر اخیر سفیر به امارات شمالی در تاریخ ۲۸ تا ۳۰ ژانویه، در مورد وضع نفتی این



منطقه از امارات متحده عربی، وی اطلاعات ذیل را به دست آورد.

رأس الخیمه

بنا به گفته شیخ سلطان حاکم شارجه، هزینه‌های عمرانی چاههای نفتی در دست حفر در خارج از خشکی رأس الخیمه از طریق وامهایی تأمین شده که توسط هیأت وزیران امارات متحده عربی به رأس الخیمه داده شده است (به بند ۲۷ و ۲۸ ابوظبی ۱۹۳۵ رجوع شود)

رأس الخیمه ۵۰٪ هزینه ده میلیون دلاری اولین چاه حفر شده را پرداخت کرده، بقیه هزینه را کنسرسیومی متشکل از ۹ شرکت نفتی که ابتدا توسط روتردام گروپ ویتول سرپرستی می‌شد تقبل کرد (در حال حاضر این سرپرستی به عهده دوچه شاختابو و دمنکس که سهام ویتول را خریداری کرده، گذاشته شده است) ولی هزینه دو حلقه چاه دیگر را که به ترتیب ۹ و ۸ میلیون دلار بود دولت رأس الخیمه به طور کامل تأمین کرد. همین امر در مورد چهارمین حلقه چاهی که در آبهای مورد اختلاف با عمان واقع است نیز صادق می‌باشد. شیخ سلطان گمان نمی‌کرد که هیأت ارزی امارات بتواند پول خود را پس بگیرد چون تولید این چاهها خارج از خشکی بسیار ناچیز است و برای بهره‌برداری از دو حوزه کوچک مکشوفه باید هزینه‌های عمرانی بسیاری صرف گردد. (منابع موجود در رأس الخیمه به ما گفته‌اند که کل تولید دو چاه (ب - ۱ و الف - ۱) روزانه ۶۵۰۰ بشکه نفت و ۱۷ میلیون فوت مکعب گاز مرتبط است). ولی این مقدار تولید نمی‌تواند رأس الخیمه را به صورت یک تولیدکننده نفت درآورد. شرکت نفت کرسنت پنجمین چاه جدید خود را در جنوب جزیره ابوموسی حفر خواهد کرد. شیخ سلطان، حاکم شارجه بافت جدید را بسیار عظیم و امیدوارکننده توصیف کرده ولی مدیر شرکت کرسنت یعنی حمید جعفر در مورد آن اظهارنظر نکرده است. وی گفت شرکت آمریکایی (بوتس) به علت مشکلاتی که کرسنت در حوزه مبارک داشت می‌خواست در این بافت اقدام به حفاری کند. در حال حاضر تولید این حوزه حدود ۲۸۰۰۰ بشکه است. این بافت از نظر بهره‌برداری مشکلاتی پدید آورده چون شرکت مزبور با ریزش طبقات که مشکلات فنی را به وجود می‌آورد روبرو می‌شود.

بنا به گفته جعفر، امارت شارجه مایل است حفاری در جزیره سر ابو نویر (که در قلمرو آبی ابوظبی واقع شده) را آغاز کند، ولی هنوز مشخص نشده که مرز آبی جزیره باید سه میل یا ۱۲ میل دریایی باشد. ابوظبی مخالف این نیست که جزیره از آن شارجه باشد ولی محدوده ۱۲ میل دریایی را نیز نمی‌پذیرد. در حقیقت، خط مرزی آبی اطراف جزیره ابونویر مشخص نشده که علت آن نامشخص ماندن این مسئله است. کرسنت مایل است در منطقه‌ای واقع در محدوده ۱۲ میلی جزیره به حفاری بپردازد. از آنجا که وضع اقتصادی شارجه چندان خوب نیست و هزینه‌های زیادی از نظر ساختمان‌سازی بیش از حد متقبل شده، شیخ سلطان از رئیس امارات متحده عربی و حاکم ابوظبی یعنی شیخ زاید خواهد خواست تا به حل مسئله مرزی به

خصوص در رابطه با جزیره سر ابو نویر پردازد.

فجیره

شیخ حمد حاکم فجیره اظهار داشت که گروه رزور (متشکل از یک کنسرسیوم آمریکایی و کانادایی) نتیجه اولین حفاری آبی خود را که تابستان گذشته و به دنبال ریزش طبقات بافتی آن را رها ساخته بود، ارزیابی کرده است. قرار است یک حلقه چاه جدید در نزدیکی چاه قبلی (حدود ۱۲ میلی شرق فجیره در خلیج عمان) حفر گردد.

این بافت نیز مشابه بافت موردنظر شرکت نفتی کرسنت در آبهای جزیره ابوموسی بوده و بهره‌برداری از آن بسیار دشوار است. ولی حاکم بسیار خوش‌بین بود و معتقد است که می‌توان به یک بافت مهم از نظر اقتصادی دست یافت. ولی او از بروز شایعات جلوگیری می‌کند تا از حاد شدن مسائل بین رأس‌الخیمه و شارجه جلوگیری کرده باشد. (شاید منظور شیخ حمد نه تنها خرجهای گزاف اولیه امارات قبل از درآمد نفتی بلکه بروز ادعاهای مرزی عمان در رابطه با نقاط مورد حفاری باشد).

دوبی

شرکت نفت دوبی به عملیات عمرانی خود در فلاح جدید (شمال ۲۵/۳۵ شرق ۴/۱۰) و راشد (شرق ۵۴/۳۰ - شمال ۲۵/۲۵) ادامه می‌دهد. حوزه فلاح که در نزدیکی مرز آبی ابوظبی واقع شده، قبلاً از طریق کارهای زلزله سنجی شرکت مارین آریاز ابوظبی کشف گردید ولی در سال ۱۹۶۸ این شرکت اخراج گردید چون شیخ زاید یک ساحل ۱۰ میلی را به دوبی داد (آن هم از طریق منحرف ساختن مرز به سمت چپ قبل از رسیدن به ساحل) تا دوبی نیز حمایت خود را از تشکیل فدراسیون امارات متحده اعلام کند. هاوارد مک کینلی رئیس شرکت نفت دوبی گمان نمی‌کند که حوزه فلاح بتواند روزانه بیش از ۱۵۰۰۰ بشکه تولید کند ولی احتمال کاهش تولید حوزه فتح را از بین خواهد برد تا تولید نفت دوبی در سالهای ۱۹۸۰ نیز روزانه برابر با ۳۰۰۰۰۰ بشکه باشد. شرکت مارین آریاز ابوظبی نیز قرار است در حاشیه غربی این بافت که در خشکی‌های منطقه ابوظبی امتداد می‌یابد حفاریهایی انجام دهد.

حوزه راشد که در جنوب حوزه فلاح واقع شده روزانه ۲۰ میلیون فوت مکعب گاز غیرمرتبط و فشرده (کمتر از ۵۰۰۰ بشکه در روز) تولید خواهد کرد. از گاز حاصله در منطقه صنعتی جبل‌علی استفاده خواهد شد. با وجود روزانه ۸۰ میلیون فوت مکعب گاز حاصله از حوزه فتح، ۲۰ میلیون فوت مکعب از حوزه راشد و ۴۰ میلیون فوت مکعب از ام‌القوین، مجتمع صنعتی جبل‌علی از انرژی کافی برخوردار خواهد بود و طرح احداث یک کارخانه مولد گاز مایع نیز به اجرا درخواهد آمد.

دیکمن

محرمانه

۱۵ فوریه ۱۹۷۸ - ۲۶ بهمن ۱۳۵۶

از: سفارت آمریکا، ابوظبی الف - ۰۰۸ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

موضوع: مشکلات کرسنت پترولیوم در رابطه با مالیات و عوارض

به پیوست یک نسخه از گزارش گفتگو بین آقای حمید جعفر مدیر شرکت کرسنت پترولیوم و سفیر در رابطه با مشکلات مالی این شرکت در حوزه عملیاتی مبارک ارسال می‌گردد. این شرکت معتقد بود که موضوع در تابستان سال ۱۹۷۵ حل شده اما اخیراً بار دیگر مطرح شده چون بنا به گفته جعفر، شرکت ملی نفت ایران در رابطه با حوزه‌هایی که در آن سهم است از نظر مالیات و عوارض اعمال فشار می‌کند.

از نظر کرسنت، این حوزه حائز اهمیت چندانی نیست و هزینه‌های عمرانی خیلی بیش از انتظار بود چون سقوط طبقات، باعث به وجود آمدن مشکلات فنی در رابطه با بافت نفتی شده است. کرسنت به حفر چاه جدیدی در جنوب جزیره ابوموسی اقدام کرد که ممکن است در صورت تحمیل مالیات و عوارض بیشتر از طرف حاکم شارجه و به اصرار شرکت ملی نفت ایران عملیات خود را متوقف سازد. این امر بر اقتصاد شارجه تأثیر بسیار خواهد داشت، در حالیکه وضع اقتصادی آن با گسترش بیش از حد و پروژه‌های شهری جاه‌طلبانه به عنوان پیش درآمدی بر افزایش درآمد نفت و جذب سرمایه بخش خصوصی، بسیار بحرانی است. شرکت ملی نفت ایران اعلام کرده است که در صورت عدم پذیرش مالیات و عوارض بیشتر توسط کرسنت پترولیوم، شرکت ایرانی حاضر است ادامه عملیات را به عهده گیرد، ولی حتی‌الامکان حرکت ایرانیها به این منطقه تشنجات سیاسی را سبب خواهد شد که در سال ۱۹۷۱ و در زمان تصرف جزایر تنب و اصرار ایران بر مشارکت در حاکمیت جزیره ابوموسی همراه با شارجه در خلیج [فارس] به وجود آمد.

دیکمن

گزارش ملاقات

محرمانه

۱۲ فوریه ۱۹۷۸ - ۲۳ بهمن ۱۳۵۶

شرکت کنندگان: حمید جعفر، مدیرکل کرسنت پترولیوم، فرانسوا ام. دیکمن سفیر آمریکا

موضوع: مشکلات شرکت کرسنت پترولیوم

بعد از ملاقاتمان در هفته گذشته (رجوع شود به ابوظبی الف - ۰۰۷) حمید جعفر بار دیگر به سفارت آمد تا درباره یکی از مشکلات کرسنت پترولیوم که ناشی از افزایش میزان مالیات و عوارض عملیاتی آن در حوزه مبارک یعنی خارج از جزیره ابوموسی است، گفتگو کنند. این وضع که بنا به گفته او در نتیجه اعمال فشار شرکت ملی نفت ایران بر شارجه پدید آمده منجر به یک رویارویی و تصمیم‌گیری بوتس که گرداننده و سهامدار اصلی کرسنت است خواهد شد، تا ببیند که آیا ماندن در شارجه مقرون به صرفه است یا نه.



جعفر توضیح داد که حوزه مبارک که در خارج جزیره ابوموسی قرار گرفته از نظر عملیاتی چندان مهم نبوده است. طبق برآورد بوتس ذخایر قابل بازیافت معادل ۶۰ میلیون بشکه بوده که برآورد شرکت ملی نفت ایران ۷۵ میلیون بشکه است. از آغاز تولید در سال ۱۹۴۷، کرسنت تقریباً بیش از ۴۵ میلیون بشکه نفت استخراج کرده است و میزان تولید حوزه قطعاً سیر نزولی پیدا خواهد کرد. بوتس پس از آغاز مرحله تولید، نمی‌دانست که وسعت حوزه تا چه حدود است اما تولید را آغاز کرد، چون افزایش قیمت نفت، بهره‌برداری از این حوزه را بر اساس پروتکل امضا شده بین بوتس و شارجه در نوامبر ۱۹۷۱ مقرون به صرفه از نظر اقتصادی می‌دید. در آن زمان میزان مالیات بر درآمد ۵۵٪ و حق الامتیاز معادل ۱۲/۵٪ بود.

جعفر گفت پس از ادامه تولید، شرکت ملی نفت ایران (که شارجه نیمی از درآمد نفتی حاصل از حوزه ابوموسی را طبق توافق سال ۱۹۷۱ یعنی قبل از تشکیل امارات متحده عربی به ایران می‌پردازد) اصرار داشت که شرکت کرسنت مالیات و حق الامتیاز بیشتری بپردازد. گرچه میزان مالیات و حق الامتیاز در کشورهای اوپک سه بار یعنی از زمان امضای پروتکل بین بوتس و شارجه در سال ۱۹۷۱ افزایش یافت، ولی از شرکت خواسته نشد که در این زمینه تغییراتی بپذیرد. ولی پس از پیدایش و قبول «فرمول ابوظبی» در آبان ۱۹۷۴ برای کشورهای عضو اوپک یعنی ۸۵٪ مالیات و ۲۰٪ حق الامتیاز، شرکت ملی نفت ایران خواستار ایجاد تغییر در میزان مالیات و حق الامتیاز مربوط به حوزه مبارک گردید. ولی از آنجا که امتیاز توسط شارجه واگذار و پروتکل ۱۹۷۱ اساس آن بود، کرسنت نیز خود را با شارجه طرف می‌دانست نه با شرکت ملی نفت ایران.

کرسنت در پاسخ به دولت شارجه در اوایل سال ۱۹۷۵ خاطر نشان ساخت که این حوزه دارای اهمیت بسیاری نیست، چون میزان سرمایه‌گذاری سهامداران بیش از انتظار (۱۳۰ میلیون دلار به جای ۷۰ میلیون دلار) بود. علت نیز مشکلات بافتی و سقوط طبقات است، و فرمول جدید مالیات و حق الامتیاز اوپک در مورد عملیات بزرگ مصداق دارد (مانند حوزه آرامکو) و نه در مورد حوزه‌های کوچک. شرکت ملی نفت ایران از شارجه خواست که به قرارداد خود با شرکت کرسنت خاتمه داده و در مورد میزان مالیات و عوارض تصمیم‌گیری و در مورد آن مصالحه نکند. حاکم شارجه این امر را نپذیرفت و اظهار داشت که هرگونه تغییر باید بر اساس پروتکل صورت بپذیرد. پروتکل شارجه و کرسنت شامل یک بند است که در آن ذکر شده که اگر دولت شارجه بخواهد تغییراتی در زمینه درآمدهای نفتی خود بدهد، شرکت مزبور و دولت باید مشخص کنند که آیا این تغییر به نفع طرفین است و آیا شرکت استطاعت آن را دارد. البته باید وضع اقتصادی شارجه نیز در نظر گرفته شود. با در نظر گرفتن موضع حاکم شارجه، شرکت ملی نفت ایران عقب‌نشینی کرد.

در بهار سال ۱۹۷۵، جعفر و دیگر نمایندگان کرسنت به تهران رفته بودند تا به شرکت ملی نفت ایران توضیح دهند که افزایش مالیات و حق الامتیاز چه تأثیری بر عملیات سهامداران

خواهد داشت. این ملاقاتها نتیجه‌ای به همراه نداشت. به شرکت کرسنت پاسخ داده شد که شرکت ملی نفت ایران پس از مطالعه مطالب ارائه شده نتیجه را اعلام خواهد کرد. این موضوع مختومه تصور می‌شد تا اینکه در اوت ۱۹۷۵ حاکم شارجه یعنی شیخ سلطان تصمیم گرفت کتباً شرایط قرارداد را تغییر نپذیرد و همان ۵۵٪ مالیات و ۱۲/۵ درصد حق‌الامتياز را اعلام کند. بنا به گفته جعفر این موضوع تا ماه اوت مسکوت ماند. در همین حال شرکت وفادارانه کار و سرمایه‌گذاری کرده بود، با این امید که در شرایط مالی تغییری داده نخواهد شد. متأسفانه پس از اصرارهای شرکت ملی نفت ایران حاکم شارجه جلسه‌ای با کرسنت تشکیل داد و خواستار افزایش مالیات به ۶۶/۶۵٪ و حق‌الامتياز به ۱۴/۵٪ از ماه ژوئیه سال ۱۹۷۵ گردید. اگر کرسنت آن را می‌پذیرفت غائله ختم می‌شد و ادعای دیگری مطرح نمی‌شد. ولی بنا به گفته جعفر این کار برای کرسنت ۳۰ میلیون دلار خرج به همراه داشت. پس از تشکیل جلسه سهامداران کرسنت، به شارجه اطلاع داده شد که افزایش مالیات و حق‌الامتياز از ماه اوت ۱۹۷۵ پذیرفته خواهد شد و نه قبل از آن.

شرکت فکر می‌کرد که شارجه این پیشنهاد را پذیرفته است لیکن با امتناع شرکت ملی نفت ایران روبرو شد. شرکت ایرانی می‌گفت که کرسنت باید از ژوئیه ۱۹۷۵ معادل ۷۷٪ مالیات و ۱۴/۵ درصد حق‌الامتياز بپردازد. کرسنت نیز به هیچوجه قادر به پذیرفتن این موضوع نبود. به علت نارضایتی شیخ سلطان از موضع کرسنت، جان بورتا رئیس بوتس در سپتامبر ۱۹۷۷ به شارجه آمد و گفت که ۷۷٪ مالیات و ۱۴/۵٪ حق‌الامتياز را از ژوئیه ۱۹۷۵ می‌پذیرد ولی تاریخ قبل از آن را خیر. اختلاف بین این پیشنهاد و میزان ۶۶/۶۵٪ در هر بشکه یک دلار بود. اگر باقیمانده نفت حوزه حدود ۱۵ میلیون بشکه - طبق برآورد کرسنت - باشد ۱۵ میلیون دلار دیگر باید پرداخت شود. ولی اگر برآورد شرکت نفت ایران - ۷۵ میلیون بشکه - درست باشد این رقم به ۳۰ میلیون دلار خواهد رسید.

با وجود مناسب بودن این راه‌حل، ایرانیها با آن توافق نکردند. حاکم شارجه نیز نامه‌ای به نخست‌وزیر - یعنی آموزگار - نوشت و در آن ایرانیها را غیرمنطقی توصیف کرد، یعنی پیشنهاد آنها سبب وارد آمدن خساراتی به کرسنت خواهد شد که آن شرکت نیز به نوبه خود مجبور می‌شود از شارجه خارج گردد. به نظر جعفر این کار اشتباه بود چون آموزگار از شرکت ملی نفت ایران توضیح خواسته بود و کارمندان شرکت نیز به دفاع از نتیجه‌گیری خود پرداخته و مدعی بودند که حاکم شارجه بی‌تجربه بود و توسط شرکت کرسنت خام شده است. بورتا بار دیگر به شارجه آمد و در تاریخ ۷ فوریه با شیخ سلطان ملاقات کرد. این بار شیخ سلطان گفت که ایرانیها به وی فشار زیادی وارد کرده‌اند بنابراین کرسنت باید ۷۷٪ مالیات و ۱۴/۵٪ حق‌الامتياز را تا اول ژانویه ۱۹۷۷ بپردازد. در نتیجه بورتا موضع خود را با کمال ناراحتی پس گرفت. یعنی شرکت می‌بایست ۱۲ میلیون دلار بپردازد. کرسنت نمی‌دانست که آیا شرکت ملی نفت ایران پیشنهاد اخیر سلطان را می‌پذیرد یا نه.

شرکت ایرانی به حاکم گفته بود که حاضر است پس از متوقف شدن عملیات کرسنت عملیات را به تنهایی انجام دهد. شیخ سلطان نیز بورتا را در جریان امر قرار داده بود. کرسنت ۵۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری کرده و چاه جدیدی نیز در دست حفاری داشت. در صورت ملی شدن کرسنت، اگر این شرکت ۵۰ میلیون دلار دریافت کند خوب است، لیکن وی معتقد است که اگر شرکت مزبور حاضر به ترک محل شود، شرکت ملی نفت ایران از شارجه خواهد خواست که میزان مالیات و حق‌الامتياز را تا سال ۱۹۷۵ محاسبه کند که معادل ۵۰ میلیون دلار می‌گردد و چیزی به شرکت نخواهد رسید.

جعفر گفت اگر این موضوع حل نشود، کرسنت با وزارت امور خارجه تماس خواهد گرفت تا سفارت آمریکا در ابوظبی نیز در این باره با شیخ سلطان تماس بگیرد. احتمالاً کرسنت از وزارت امور خارجه خواهد خواست که از طریق سفارت آمریکا در ابوظبی شیخ سلطان را وادار به تماس با آموزگار یا شاه بکند تا معلوم شود که اگر کرسنت از شارجه خارج شود بر اقتصاد شارجه تأثیر عمیق برجای خواهد گذاشت، چون اگر شرکت ملی نفت ایران جای آن را بگیرد ثبات آن از نظر سیاسی برهم خواهد خورد. اگر شرکت ملی نفت ایران اداره این حوزه را در اختیار بگیرد تمام تشنج‌های سال ۱۹۷۱ که ناشی از آزمایش نیروی ایران در برابر امارات عربی ضعیف بود بار دیگر تکرار خواهد شد. وی گفت شاید کرسنت از وزارت امور خارجه بخواهد از طریق سفارت آمریکا در ایران با رهبران ایران تماس گرفته و به شرکت ایرانی دستور دهند که دنباله موضوع را رها کند تا کرسنت نیز به کار خودش پردازد.

سند شماره ۴۵

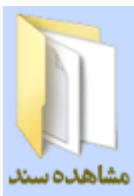
۱۸ فوریه ۱۹۷۸ - ۲۹ بهمن ۱۳۵۶

محرمانه

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی - ۴۰۳۴
به: سفارت آمریکا، ابوظبی
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در جده، کویت، منامه، دوحه، مسقط، لندن، تهران
مرجع: ابوظبی ۴۴۳ و ۴۱۹

موضوع: مشکلاتی که در رابطه با مالیات و عوارض برای کرسنت پترولیوم پدید آمده است

۱- بورتا از شرکت بوتس و الی مشاور حقوقی بوتس در شارجه طی تماسهای خود با وزارت امور خارجه موارد مطروحه در تلگرام ابوظبی ۴۴۳ را در میان گذاشته‌اند. بورتا تأکید داشت که در صورتی شرکت کرسنت خواهد توانست سرمایه خود را بازباید که شارجه به اقدامات متقابل مبادرت نرزد. وی گفت در غیر این صورت کرسنت چاره‌ای جز متوقف کردن عملیات و اقامه دعوی نخواهد داشت. بورتا و الی گفته‌اند که در نهایت این امر به وضع اقتصادی وخیم شارجه ضربه وارد خواهد ساخت و در صورتی که شرکت ملی نفت ایران بتواند امتیازات نفتی را به دست آورد در روابط بین ایران و اعراب بحران‌های سیاسی بسیاری



به وجود خواهد آمد.

۲- وزارت امور خارجه این امر را با نگرانی دنبال می‌کند زیرا اجرای یکنواخت توافق بین ایران و شارجه در مورد ابوموسی (که امارات متحده عربی آن را به رسمیت نشناخته) در رابطه با جو همکاری در خلیج فارس اهمیت بسیار دارد. واحدهای مخاطب به یاد می‌آورند که قرارداد ابوموسی به سختی و با تلاش بسیار امضا شده و مسائل ضد و نقیض بسیاری به وجود آورده بود که منجر به قتل حاکم شارجه شد ولی با گذشت زمان عناصر ناسیونالیست عرب آن را به عنوان یک بهانه انتقادی به دست فراموشی سپردند.

با این وجود، برخلاف توجه ایرانیها به جزایر تنب، این موضوع یک نکته مثبت به حساب می‌آید، چون متعاقب پیگیری، آن عراق با انگلستان قطع رابطه کرد و لیبی نیز شرکت نفت انگلیس را ملی اعلام کرد. از نظر وزارتخانه، حضور صاحب امتیاز شارجه در فعالیتهای نفتی ابوموسی تداوم حکومت غیرنظامی شارجه بر این جزیره است و ورود شرکت ملی نفت ایران به این جزیره برای اعراب حوزه خلیج [فارس] به سادگی قابل توجیه نیست.

۴* - جهت اطلاع ابوظبی: به سفیر دیکمن اجازه داده شد تا موضوع را در شارجه مطرح کند و نکات ذیل را با دولت مرکزی در میان بگذارد.

- دولت آمریکا از مشارکت شرکت‌های آمریکایی در زمینه توسعه نفتی شارجه استقبال کرده است تا همکاری بین آمریکا و امارات متحده عربی ادامه یابد.

- می‌دانیم که کرسنت و شارجه با جرح و تعدیل شرایط مالی کنونی موافق هستند تا منعکس کننده شرایط دقیق‌تر امتیازهای دیگر منطقه باشد.

- ولی باید یادآور شویم که در رابطه با امتیازات کوچک‌تر، دولتهای میزبان روش انعطاف‌پذیرتری در کاربرد شرایط جاری اوپک مدنظر قرار داده‌اند و نیاز سیاسی ادامه عملیات را شرایط مساعدتر مالی تشخیص داده‌اند.

- گرچه دولت آمریکا در مورد محتوای اصلی شرایط مالی موضعی نگرفته، ولی امیدواریم که تمام طرفین بتوانند به راه‌حلی دست یابند تا فعالیت‌های کرسنت در آنجا ادامه پیدا کند.

- ما معتقدیم شارجه نیز معترف است که توقف عملیات صاحب امتیاز به نفع هیچکس نیست و به همین جهت باید با در نظر گرفتن شرایط مندرج در قرارداد امتیاز، مسئله حاضر را حل کرد (پایان جهت اطلاع شارجه).

۵- جهت اطلاع تهران: با در نظر گرفتن اهمیت سیاسی قرارداد ابوموسی و اینکه شاه و نخست‌وزیر کنونی فعالانه تلاش می‌کنند تا این قرارداد تحقق یابد، تعجب می‌کنیم که چرا دولت ایران به شرکت ملی نفت ایران اجازه داده است تا به دنبال منافع ناچیز مالی باشد؛ آن هم تا جایی که عامل مهمی در رابطه با قراردادی است که همکاری در خلیج [فارس] را سبب

شده است، به حساب می‌آید. سفارت مایل است به دولت ایران در مورد نحوه برخورد دیکمن در امارات متحده عربی توصیه‌هایی داشته باشد و بدون جنجال، نگرانی ما را در مورد حفظ منافع شرکت‌های آمریکایی و نیز تأثیرات سیاسی توقف عملیات شرکت نفتی حاضر در ابوموسی یادآور شود.

ونس

سند شماره ۴۶

۲۲ اوت ۱۹۷۸ - ۳۱ مرداد ۱۳۵۷

سری

از: سفارت آمریکا، ابوظبی
به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در آتن، دوحه، جدّه، کویت، لندن، منامه، مسقط، تهران
مرجع: ۷۷ ابوظبی ۰۰۶۹ - الف

موضوع: وضع مالی دویی

آغاز خلاصه: مقاله‌ای که در نشریه یورومانی (Euromoney) مورخه اوت ۱۹۷۸ درج شده است، برای اولین بار تأثیر پروژه‌های مهم دویی را بر اقتصاد این امارت تشریح می‌کند. این مقاله زمانی منتشر شد که دویی سعی داشت ۵۰۰ میلیون دلار وام جدید دریافت نماید تا بتواند هزینه‌های پیش‌بینی نشده را تأمین کند. ما کلاً با مندرجات مقاله در مورد میزان قروض دویی و نرخ بهره آن که به ۲۵ درصد می‌رسد موافقیم ولی با نتیجه‌گیری آن مبنی بر اینکه دویی خواهد توانست با پرداخت دقیق وام‌های خارجی خود مانع از کسری بودجه در چند سال آینده گردد مخالفیم چون این نتیجه‌گیری بسیار خوش‌بینانه است.

بر اساس آخرین اطلاعات دریافتی، مطلع شده‌ایم که دویی خود را به خطر افکنده و این وضع در دو یا سه سال آینده از وخامت بیشتری برخوردار خواهد شد مگر آنکه حاکم یعنی شیخ راشد تصمیمی بر خلاف انتظار مردم اتخاذ کند. پایان خلاصه.

مقاله اخیر توسط شریف قالب یکی از اقتصاددانان چیس بانک تدوین یافته و به تاریخ اوت ۱۹۷۸ در نشریه یورومانی برای اولین بار به هزینه مالی سرسام‌آور این امارت در رابطه با پروژه‌های مهم آن می‌پردازد. این مقاله زمانی منتشر شد که دولت دویی توسط مهدی تاجر از بانک بازرگانی انگلیس - مورگان گرنفل - درخواست ۵۰۰ میلیون دلار وام برای اتحادیه‌های صنفي کرده است. معادل نیمی از این وام جهت بازپرداخت اعتبارهای موجود و نیمه دیگر برای تأمین هزینه پروژه‌های مهم دیگر از قبیل احداث پروژه خشکی دویی و مجتمع بندری جبل علی به کار خواهد رفت.

هزینه‌های پیش‌بینی نشده

مهم‌ترین هزینه پیش‌بینی نشده به بندر خشکی دویی مربوط است که به «رؤیای راشد» معروف شده است. این پروژه که قرار بود قبلاً با هزینه ۲۲۳ میلیون دلار ساخته شود (که سه



برابر هزینه بندر خشکی اوپک عربی در بحرین است) در سال ۱۹۷۶ به خاطر هزینه‌های پیش‌بینی نشده و تغییرات لازم به ۳۶۰ میلیون دلار افزایش یافت. یک وام پنج‌ساله ۱۵۰ میلیون دلاری همراه با یک اعتبار صادراتی انگلیس به مبلغ ۳۵/۵ میلیون دلار برای تأمین هزینه‌های مورد نیاز فراهم شد. لیکن از پایان سال گذشته معلوم شد که منابع مالی بیشتری لازم است چون کف اسکله باید تقویت شود و گذشته از این بعضی هزینه‌های پیش‌بینی نشده دیگر به وجود آمده است. چنین تصور می‌شود که با ۱۵۰ میلیون دلار وام دیگر و نیز تأمین مقدار بیشتری وام صادراتی، می‌توان پروژه را به پایان رساند. حتی پس از پایان نیز این اسکله تنها به کمک یک یارانه ماهیانه ۲/۵ میلیون دلاری قادر به عمل خواهد بود و درآمد حاصله از آن هیچگاه نخواهد توانست اصل وام و یا حتی مقدار بهره وامهایی که برای احداث آن به کار رفته جبران کند. از آنجا که شیخ راشد مدیر این اسکله را تعیین نکرده، این اظهارات منفی در مورد وضع مالی بسیار فرضی و محافظه‌کارانه است. راشد در تلاش است تا اوپک عربی را متقاعد سازد که این اسکله و اسکله موجود در بحرین را تحت یک مدیریت درآورد تا از رقابت بین این دو نیز جلوگیری به عمل آید.

هزینه پیش‌بینی نشده دیگر مربوط به بندر جبل علی است. طبق اظهارات و مطالب مندرج در مقاله یورومانی، هزینه برآورد شده این بندر ۷۴ اسکله‌ای (به استثنای کارخانه آلومینیوم، پروژه گاز مایع، نیروگاه برق و نمک‌زدایی) ۷۶۹ میلیون دلار بود. لیکن بر اساس اطلاعات دریافتی از دفتر دومی تا تاریخ ۱ می ۱۹۷۸ جمعاً ۷۰۰ میلیون دلار خرج شده، در حالیکه کار مربوط به نیمی از این بندر به پایان رسیده است. علاوه بر این، به مقامات دومی توسط مشاورین آنها سر ویلیام هالکرو - و شرکا - اطلاع داده شده که اگر قرار باشد جبل علی جاذب شرکت‌ها و یا صنایع باشد باید از زیربنای خاصی نیز برخوردار باشد.

حداقل نیاز مسکن، جاده‌ها، تأسیسات توزیع برق، تأمین آب، فاضلاب، تسهیلات مورد نیاز دیگر و غیره برای نیروی کاری معادل ۷۶۰۰ نفر و نیز گروه مدیریتی معادل ۸۵۰ نفر حدود ۱۷۵ میلیون دلار تا آخر سال ۱۹۸۰ خرج برمی‌دارد. به این مبلغ باید چند هزینه فرعی دیگر از قبیل متصل ساختن شاهراه ابوظبی و دومی، کشیدن کابل‌های جدید تلفن، راههای موردنیاز دیگر، دفاتر و مسکن بیشتر نیز اضافه شود که برای خود بندر و عاملان آن مورد نیاز است و تقریباً ۷۰ میلیون دلار دیگر خرج برمی‌دارد. با وجود اینکه اعلام شده تاریخ پایان کار این بندر از ۱۹۸۰ به ۱۹۸۲ موکول گردیده و نیز تعداد اسکله‌ها کاهش خواهد یافت، شیخ راشد علناً گفته است که تصمیم دارد این بندر را به موقع تکمیل کند. ولی راشد در مورد پیشنهاد هالکرو مبنی بر ایجاد زیربنای لازم و تصمیمات لازم تأخیر روا داشته است.

هزینه‌های پیش‌بینی نشده پروژه ذوب آلومینیوم جبل علی از ۵۵۰ میلیون دلار به ۸۲۰ میلیون دلار افزایش یافته ولی مانند پروژه‌های دیگر چندان حاد نیست. اقتصاد ذوب آلومینیوم ترغیب‌کننده است چون قیمت آلومینیوم در اوایل دهه ۱۹۸۰ بالا خواهد رفت. هزینه سه کوره

تأمین شده و قرار است منبع لازم برای کوره چهارم نیز تأمین شود، البته در صورتی که بازار کنونی بتواند مقاومت خود را حفظ کند. اگر منابع مالی مورد نیاز دیگر نیز تأمین شود هزینه کوره ذوب به ۱ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت.

هزینه مربوط به پروژه گاز مانند هزینه پروژه ذوب آلومینیوم افزایش نیافته است، بنابراین برآورد هزینه‌های آماده‌سازی آن ضرورتی ندارد. لیکن هزینه‌ها افزایش خواهد یافت چون دویی نخواهد توانست از حوزه ام‌القوین روزانه معادل ۴۰ میلیون فوت مکعب (نگاه کنید به ابوظبی الف-۷۰۰) و از بخش مکشوفه توسط کوین‌تانا در عمان (نزدیکی بریمی) همین مقدار گاز را به دست آورد. دومین چاه گازی خارج از خشکی نیز توسط گروه نفتی ام‌القوین مسدود شد و نشان می‌دهد که این گروه قادر نیست در این رابطه به تعهدات خود عمل کند. دومین چاه گازی که در منطقه کوین‌تانا حفر شده نیز نتایج مطلوبی نداشته است. گاز مرتبط حوزه‌های فتح و حوزه جنوب غربی فتح نیز نمی‌تواند نیاز این پروژه گازی را تأمین کرده و گاز مازاد آن را در پروژه‌های صنعتی جبل‌علی به کار برد، شیخ راشد برای استفاده از بخشی از گاز ابوظبی که سوزانده می‌شود حاضر به مذاکره نشده است.

وامهای خارجی و بهره وامهای دویی

محاسبات مندرج در مقاله یورومانی مبنی بر اینکه دویی ۱۳۵/۷ میلیون دلار بین اکتبر ۱۹۶۷ تا ژوئن ۱۹۷۳ و ۱/۸۳ میلیارد دلار از دسامبر ۱۹۷۳ به صورت وام و اعتبار صادراتی دریافت داشته تقریباً با ارقامی که در تلگرامهای مرجع سفارت گزارش شده مطابقت دارند. ولی کلاً دربرگیرنده ۲۰۰ میلیون مارک آلمانی (یا ۱۰۰ میلیون دلار) وام دریافتی برای پروژه ذوب آلومینیوم در ماه می ۱۹۷۸ نیست. گذشته از اینها این محاسبات بعضی از وامهای غیر رسمی از قبیل ۱۴۰ میلیون دلار بدهی دولت دویی به بریتیش بانک میدل ایست را دربر نمی‌گیرد که برای شرکت برق دویی دریافت شده که اکثر آن توسط دولت یارانه می‌شود. شرکت برق دویی هر کیلو وات ساعت برق را به قیمت ۱۵ فلس به افراد مقیم، مدارس و بیمارستانها می‌فروشد و برای صنایع، دفاتر تجاری و غیره قیمت آن ۲۵ فلس است؛ در حالیکه تولید هر کیلو وات ساعت ۳۶ فلس خرج برمی‌دارد. علاوه بر این راشد در ازای سرمایه‌گذاری، به سهامداران ۱۵ درصد سود می‌دهد و مسئولیت هزینه‌های سرمایه‌ای شرکت برق دویی را نیز به عهده می‌گیرد.

مسئولیت تأمین هزینه بهره وامهای خارجی دبی نیز طبق مطالب مقاله به عهده شرکت نفت دبی است و چون تنها منبع درآمد این امارت است، شیخ راشد نیز آن را تنها عامل تأمین هزینه مربوط به بهره وامهای خارجی اعلام کرده است. گرچه وامهای بازپرداخت شده تا حدودی از بدهیهای کلی این امارت کاسته ولی بدهیهای خارجی آن به صورت وام خارجی و اعتبار میان مدت صادراتی حداقل ۱/۷ میلیارد دلار است که با ارقام بانکهای تجاری مطابقت دارد.

تجزیه و تحلیل یورومانی میزان بهره بدهیهای خارجی دویی را در سال ۱۹۷۸ معادل ۲۹۵

میلیون یا ۲۲/۳ درصد که پنج برابر درآمد دولت کویت است تخمین زده است. این برآورد مبتنی بر اطلاعاتی است که دفتر دویی مستقلاً دریافت کرده است. گذشته از ۲۰۰ میلیون دلار وام کلی و ۱۵۰ میلیون دلار وام مربوط به شرکت برق دویی (که در می ۱۹۷۷ دریافت و باید در طول سه سال بازپرداخت شود)، وام ۱۰۰ میلیون دلاری ذوب آلومینیوم (که باید در مدت ۱۱ سال بازپرداخته شود) و قروض غیر رسمی دیگر مانند (وامهای BME جهت استفاده در شرکت برق دویی) بازپرداخت وام آن در هفت سال آینده و با در نظر گرفتن تکالیف موجود به شرح ذیل خواهد بود:

سری	میلیون دلار
۱۹۷۸	۱۳۳
۱۹۷۹	۳۴۵
۱۹۸۰	۴۲۸
۱۹۸۱	۳۴۹
۱۹۸۲	۲۸۹
۱۹۸۳	۱۸۹
۱۹۸۴	۹۸

در مقاله یورومانی آمده است که باید سالانه ۱۴۶/۲ میلیون دلار دیگر برای مدت سه سال متوالی پرداخت شود تا وام دریافتی در اوت ۱۹۷۷ نیز پرداخت گردد. اگر همین رقم را به بازپرداخت وام سال ۱۹۷۸ اضافه کنیم، بدهی سال ۱۹۷۸ معادل ۲۸۰ میلیون دلار، سال ۱۹۷۹ معادل ۴۹۲ میلیون دلار و سال ۱۹۶۰ معادل ۵۷۵ میلیون دلار خواهد شد. طبق پیش‌بینی یورومانی درآمد دولت دویی از ۱/۳۲۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۸ به ۱/۳۶۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۹ و ۱/۴۴۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ خواهد رسید در حالیکه قیمت نفت در سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ معادل ۵ درصد افزایش خواهد یافت. همین امر سبب می‌شود که بازپرداخت وامها در سال ۱۹۷۹ معادل ۳۶ درصد و در سال ۱۹۸۰ معادل ۴۰ درصد باشد. حتی اگر قرار باشد قیمت نفت بیش از این افزایش یابد، میزان بازپرداخت وامهای دویی باز هم بیش از ۳۵ درصد در دو سال آینده خواهد بود. بنابراین جای تعجب نیست اگر دویی بار دیگر در صدد یافتن منابع مالی دیگر باشد.

کسری و یا اضافه بودجه

مقاله یورومانی چنین نتیجه می‌گیرد که وضع مالی دویی پس از سال ۱۹۸۱ بهبود خواهد یافت و این شیخ‌نشین بدون اینکه با کسری بودجه‌ای مواجه شود خواهد توانست در سال ۱۹۸۲ - ۱۹۷۹ تمام بدهی خود را بپردازد. بر اساس آخرین اطلاعات، ما معتقدیم که این نتیجه‌گیری بسیار خوش‌بینانه است؛ حتی اگر وام جدیدی دریافت نشود و در چند سال آینده دویی پروژه جدیدی برای احداث در مدنظر نداشته باشد. در سال ۱۹۷۷، هزینه جاری دویی (شامل یارانه آن

به شهرداری دویی) بالغ بر ۱۴۰ میلیون دلار و هزینه پروژه‌های آن معادل ۸۱۰ میلیون دلار بود. به این ارقام می‌توان ۶۰ میلیون دلار بازپرداخت وام و ۲۰۰ میلیون دلار یارانه و هزینه سرمایه شرکت برق دویی را نیز افزود. از آنجا که بخشی از هزینه پروژه و سرمایه از طریق وام‌های خارجی یا اعتبار تأمین می‌شود، دولت دویی قادر بود ذخایر ارزی خارجی داشته باشد در حالی که درآمد آن با هزینه‌های آن برابر بوده است. ولی در سال ۱۹۷۹ هزینه سرمایه و جاری حداقل ۱/۱ میلیارد دلار، بازپرداخت وامها نزدیک به ۳۰۰ میلیون دلار، یارانه و هزینه سرمایه «دویی الکتریک» ۲۵۰ میلیون دلار خواهد بود. در صورت ادامه همین روند ارقام مربوط به سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ بیشتر از اینها خواهد بود. بدون تأمین هزینه لازم برای تکالیف موجود و یا برداشت از ذخایر ارزی دولتی (که بین ۲ میلیارد و پانصد میلیون دلار برآورد شده)، دویی در سه سال آینده حتماً با کسری بودجه روبرو خواهد شد. کمبود مالی از هم‌اکنون محسوس شده است. شیخ راشد مانند غربی‌ها در رابطه با بازپرداخت وام‌های خود حدود ۴۵ روز تأخیر روا داشته است. او از طریق مهدی تاجر به شرکت نفت دویی فشار وارد می‌آورد تا تولید خود را به مقدار روزانه ۴۰۰۰۰ بشکه دیگر بالا برد. این شرکت روزانه ۳۶۰۰۰۰ بشکه تولید می‌کند که حداکثر ظرفیت تولیدی است؛ آن هم در صورتی که قرار باشد از حوزه نفتی به طرز صحیحی بهره‌برداری کند. در چند ماه گذشته، شرکت نفت دویی قادر بود تولید خود را به این سطح برساند چون نتایج بهتر بود ولی حتی با تزریق آب و انجام کار حفاری بیشتر، امکان افزایش آن وجود ندارد. حتی اگر حوزه جدید نیز قابل بهره‌برداری شود، تولید کلی دویی در سال ۱۹۸۰ سیر نزولی خواهد داشت و تا سال ۱۹۸۲ کمی بیش از ۳۰۰۰۰۰ بشکه خواهد بود و پس از آن در یک دوره ده ساله به روزانه ۲۰۰۰۰۰ بشکه خواهد رسید.

نتیجه‌گیری

گرچه دولت دویی یکی از اولین دولتهای جهان عرب بود که برای تأمین هزینه لازم پروژه‌های خود به بازار سرمایه بین‌المللی روی آورد، ولی معلوم نیست که درخواست وام جدید ۵۰۰ میلیون دلاری آن مورد قبول واقع خواهد شد یا نه. عدم موفقیت آن در دریافت این وام بر موضع دویی و حیثیت شیخ راشد به عنوان یک بازرگان لطمه خواهد زد. به هر حال، راشد در چند سال آینده با رویدادهای ناخوشایندی روبرو خواهد بود: یعنی مجبور خواهد شد یا از ذخایر رسمی دولت برداشت کند، یا کار مربوط به پروژه‌های خود را به تأخیر اندازد و یا به جلب حمایت مالی امارت ابوظبی بپردازد تا بتواند کار مربوط به پرخرج‌ترین پروژه‌هایش را ادامه دهد. با در نظر گرفتن هدف راشد در مستقل ساختن امارت خود از نظر سیاسی و بازرگانی از دیگر امارات، هیچیک از این رویدادها یا روشها دلخواه نیست. لیکن گرگ هم‌اکنون در برابر طعمه ایستاده و باید سخت‌ترین تصمیم را به سرعت اتخاذ کند.

۹ اکتبر ۱۹۷۸ - ۱۷ مهر ۱۳۵۷

محرمانه

از: سفارت آمریکا، ابوظبی ۲۶۸۷
به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در قاهره، منامه، تهران.
مرجع: الف) وزارت امور خارجه (۲۵۲۸۴۳، ب) منامه ۲۲۰۲

موضوع: سفر پیشنهادی کوپر، معاون وزیر، به منطقه

۱- سفارت از سفر کوپر معاون وزیر و آقای مورس استقبال می‌کند. از نظر ما این سفر موقعیت بسیار مناسبی برای تبادل نظر مقامات عالی‌رتبه در مورد منافع دوجانبه با تصمیم‌گیرندگان مالی و اقتصادی امارات متحده عربی پدید می‌آورد.

۲- سفارت در تلاش است تا ترتیب ملاقات معاون وزیر با وزیر امور خارجه احمد خلیفه السویدی (که نقش مهمی در فرمول‌بندی کمک‌های مالی امارات متحده عربی داشته)، العتیبه وزیر نفت و معادن طبیعی، سعید غباش وزیر برنامه‌ریزی (سفیر اسبق امارات در واشنگتن) را بدهد. غباش در جریان سفر معاون وزیر قرار گرفته و در تاریخ ۲۵ - ۲۶ اکتبر به ابوظبی خواهد آمد. در حال حاضر سویدی در نیویورک به سر می‌برد تا در مجمع عمومی سازمان ملل شرکت کند، و العتیبه نیز در شهر نیست. هنوز قادر به تعیین وقت ملاقات نیستیم مگر آنکه آنها به اینجا مراجعت کنند. قرار است هر دوی آنها در تاریخ ۲۵ - ۲۶ اکتبر در اینجا باشند.

۳- علاوه بر موارد فوق، در نظر داریم ضیافت‌هایی (شام یا ناهار) ترتیب دهیم تا با چهره‌های اقتصادی دیگری چون عبدالملک الحمر، مدیرکل هیأت ارزی امارات متحده عربی ناصرالنویس، مدیرکل صندوق عمران اقتصادی ابوظبی محمد هبروش، مدیرکل سرمایه‌گذاری ابوظبی؛ و جواد هاشم مدیرکل صندوق پولی عربی، ملاقات گردد.

۴- بند ۲ مرجع الف حاکی از آن است که معاون وزیر مایل است با تجار محل نیز ملاقات‌هایی داشته باشد. ما هنوز مطمئن نیستیم که او میل داشته باشد با تجار بومی ابوظبی که تعداد آنها بسیار کم است و یا شهروندان آمریکایی و اتباع کشورهای ثالث که به عنوان نمایندگان شرکت‌های آمریکایی مستقر در ابوظبی هستند، ملاقات کند. فکر نمی‌کنیم در هیچیک از گروه‌های مزبور کسانی وجود داشته باشند که بتوانند در مورد سیاست پولی بین‌المللی، امور نفتی و یا مسائل شمال و جنوب بحث و تبادل نظر کنند. اگر می‌دانستیم که معاون وزیر در چه موردی گفتگو خواهد کرد، برنامه ملاقاتها را طوری تهیه می‌کردیم تا تجار محلی و شخصیت‌های بانکی مناسب و مطلع در آنها شرکت کنند.

۵- در رابطه با پیشنهاد مرجع ب، سفارت مایل نیست مانع از سفر معاون وزیر به بحرین شود. ولی باید یادآور شویم که ورود معاون وزیر به ابوظبی در ساعت ۲۲/۴۵ دقیقه ۲۵ اکتبر سبب می‌شود که امکان هیچگونه ملاقاتی در آن زمان وجود نداشته باشد. از آنجا که دفاتر دولت امارات متحده عربی رأس ظهر پنجشنبه برای گذراندن تعطیلات آخر هفته تعطیل



می‌گردد، معاون وزیر تنها خواهد توانست در ابوظبی یکی دو ملاقات داشته باشد. در صورتی که ایشان در بحرین توقف داشته باشند، آیا می‌توانند این کار را در راه خود از ابوظبی به تهران در تاریخ ۲۶ اکتبر انجام دهند؟

۶- مقام بررسی بازدیدهای سفارت آقای بروکس رامپل مایر و دستیار ایشان افسر اقتصادی فرانک اسپیلمن خواهد بود. تلفن‌های سفارت ۶۱۵۳۴، ۶۱۵۳۵، یا ۶۱۹۹۸ است. تلفن محل سکونت رامپل مایر ۶۱۶۹۷ و تلفن محل اقامت اسپیلمن ۶۹۰۸۳ است.

۷- به محض اینکه ترتیب ملاقات با مقامات مندرج در بندهای ۲ و ۳ فوق داده شد، پیشنهادات خود را برای معاون وزیر ارسال خواهیم داشت تا تصویب شود.

رامپل مایر

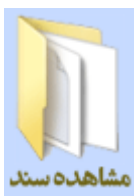
سند شماره ۴۸

۴ نوامبر ۱۹۷۸ - ۱۳ آبان ۱۳۵۷

محرمانه

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی - ۱۰۰۲

به: سفارتخانه‌های آمریکا در قاهره، دوحه، جده، کویت، منامه، لندن، پاریس، بغداد، تهران، مسقط



موضوع: سفر کوپر، معاون وزیر، به ابوظبی

۱- خلاصه: ریچارد کوپر معاون وزیر در امور اقتصادی از تاریخ ۲۵ تا ۲۶ اکتبر با مقامات اقتصادی و سیاسی عالی‌رتبه امارات متحده عربی در ابوظبی ملاقاتهایی داشت. در این گفتگوها معاون وزیر درباره (الف) وضع اقتصاد جهان و امکان تقویت دلار، (ب) ادامه اعتدال و حتی جلوگیری از افزایش قیمت نفت اوپک و (پ) نیاز به انعطاف‌پذیری بیشتر گروه ۷۷ به خصوص در رابطه با مذاکرات شمال و جنوب در اجلاس آنکتاد ۵ مانیل تبادل نظر کرد.

۲- مقامات امارات متحده عربی از سفر معاون وزیر که فرصتی برای پیگیری این مذاکرات با آمریکا را پدید آورده بود قدردانی کردند. در پاسخ به نکات مطروحه توسط معاون وزیر آنها (الف) ابراز اطمینان کردند که شرایط موجود و اقدامات آمریکا به منظور تقویت دلار در نهایت موفق خواهد شد اما یادآور شدند که در همین حال امارات متحده عربی به خاطر کاهش ارزش دلار و افزایش بیش از حد قیمت کالاها و خدمات وارداتی حدود ۱۲ تا ۱۵ درصد خسارت متحمل شده است؛ (ب) آنها اعلام کردند که قصد دارند در کنفرانس شهریور ماه اوپک در مورد قیمت نفت اعتدال پیشه کنند لیکن یادآور شدند که امارات متحده عربی قیمت‌های اعلام شده را رعایت خواهد کرد؛ و (پ) اظهار داشتند که برخورد بین کشورهای اروپایی و گروه ۷۷ در مذاکرات شمال و جنوب خوشایند نبوده و باید از ادامه آن جلوگیری شود. آنها گفتند که بهتر است این‌گونه موارد در اجلاس‌های کوچکتری مورد بحث و تبادل نظر قرار گیرد. علاوه بر این، مقامات امارات اظهار داشتند که کمک‌های کشورهای پیشرفته به

کشورهای رو به رشد باید افزایش یابد و از آمریکا خواستند ژاپن و آلمان غربی را به افزایش کمک‌های خود متقاعد سازند. در این گفتگوها به قرارداد کمپ دیوید، کمک به مصر و اوضاع در ایران نیز پرداخته شد. پایان خلاصه.

۳- معاون وزیر کوپر، همراه با کاردار و ادوارد مورس مشاور معاون وزیر طی سفر دو روزه معاون وزیر به ابوظبی با مقامات سیاسی و اقتصادی امارات ملاقاتهای فشرده‌ای داشتند. شرکت‌کنندگان دیگر عبارت بودند از سعید عبّاش وزیر برنامه‌ریزی، مناسعد العتیبه وزیر نفت، ناصر نویس مدیر صندوق مالی ابوظبی، سویدی وزیر امور خارجه، راشد عبدالله وزیر کشور، محمد هبروش مدیرکل شرکت سرمایه‌گذاری ابوظبی، و عبدالملک الحمر مدیرکل هیأت ارزی ابوظبی. دولت امارات از معاون وزیر به عنوان میهمان خود پذیرایی می‌کرد و معاون وزیر اقتصاد و تجارت یعنی سعید غانم نیز به افتخار دکتر کوپر ضیافت شامی ترتیب داد.

۴- امکانات دلار. در گفتگو با مقامات امارات متحده عربی معاون وزیر سه موضوع مهم مطرح کرد. اولین موضوع دورنمای بهتر تقویت دلار در مقایسه با دیگر ارزهای موجود بود. معاون وزیر گفت هیچیک از مقامات نباید در کوتاه‌مدت تغییرات ارزی را پیش‌بینی کند ولی در درازمدت، در نتیجه سه عامل وی پیش‌بینی می‌کند که ارزش دلار به طرز عمده‌ای افزایش یابد که سه عامل عبارتند از:

الف- شتاب میزان رشد اقتصاد اروپا و ژاپن در سال ۱۹۷۹ همراه با کاهش رشد صادرات آمریکا، به خصوص صنایع سرمایه‌ای به دیگر کشورهای صنعتی.

ب- تصویب برنامه انرژی پیشنهادی کارتر توسط کنگره، تقاضای نفتی آمریکا را در سال ۱۹۸۵ به روزانه کمتر از ۳ میلیون بشکه در روز خواهد رساند. البته باید آن را با میزان واردات غیر انرژی مقایسه کرد.

پ- اخیراً رئیس‌جمهور برنامه ضد تورمی اعلام کرده که شامل صرفه‌جویی در هزینه‌های دولت فدرال، تجدید نظر در مورد تأثیر تورمزای اقدامات محیطی و دیگر اقدامات دولت، مهمتر از همه تعیین شاخص‌های غیر اجباری دستمزد - قیمت است که باید تمام شرکت‌ها درباره با آن همکاری کنند. این سیاست جدید تورم قیمت را که از هم‌اکنون یعنی از اوایل سال ۱۹۷۸ سیر نزولی پیدا کرده دچار محدودیت خواهد ساخت. نفوذ میزان تورم داخلی آمریکا به عنوان ضریبی در نوسانات تبدیل ارز خارجی عراق آمیز بوده است. در نتیجه این رویدادها و کاهش ارزش گذشته دلار، معاون وزیر معتقد است که وضع کسری بودجه جاری آمریکا بهبود یافته و در سال ۱۳۵۸ معادل ۴۰ - ۳۰ درصد خواهد بود.

۵- در واقع تمام مقامات امارات متحده عربی مورد تماس، نگرانی خود را در مورد نوسانات ارزش دلار اعلام داشته‌اند. عتیبه اظهار داشت که امارات متحده عربی ماهانه ۱۵ - ۱۲ درصد از قدرت خرید خود را از دست می‌دهد. دیگران از تأثیر کاهش ارزش دلار بر منابع ارزی امارات متحده عربی در خارج یاد می‌کنند که بسیاری از آنها به صورت دلار است.

هبروش گفت که وی مطمئن است دلار به موقع تقویت خواهد شد. عتیبه نیز گفت که امارات متحده عربی سعی دارد صبر کند تا فرصتی برای برخورد با مشکلی که فکر می‌کند تقصیر آن متوجه ما نیست به دست آید. دولت امارات متحده عربی همیشه پیشنهاد اوپک را در مورد تغییر ارز مخصوص پرداخت قیمت نفت از دلار به یک ارز دیگر نپذیرفته است. ولی به عنوان یک کشور کوچک، امارات عربی نمی‌تواند همیشه منتظر بهبود این وضع باشد. از داخل و خارج فشارهایی بر امارات عربی وارد می‌شود تا اقدامی مناسب در جهت جبران کاهش ارزش دلار انجام دهد.

۶- قیمت و عرضه نفت: دومین نکته طرح شده توسط معاون وزیر در مورد اجلاس آتی وزیران اوپک در ابوظبی بود. آمریکا معتقد است که بنا به دلایل زیر می‌توان مانع از افزایش قیمت نفت در سال ۱۹۷۹ شد:

الف- افزایش قیمت نفت بر تورم جهانی تأثیر روانی مستقیم و غیرمستقیم دارد. افزایش قیمت نفت در سال ۱۹۷۹ مخالف هدف دو جانبه‌مان - پایین آوردن میزان تورم جهانی است. ب- هنوز اروپا به طور کامل نتوانسته است دوران خروج از عقب افتادگی اقتصادی اواسط سالهای ۱۹۷۰ را پشت سر بگذارد. دولت آمریکا از این نگران است که مبادا افزایش قیمت نفت، ثبات سیاسی اروپا را بر هم زند.

پ. ارزیابی آمریکا این است که بازار نفت در کوتاه‌مدت مانند سال ۱۹۷۸ خواهد بود چون نفت غیر اوپک از آلاسکا، دریای شمال و مکزیک به بازار عرضه خواهد شد. دلایل خاصی عامل افزایش تقاضای نفتی است که عبارتند از ذخیره‌سازی، خرید بیش از حد به خاطر نگرانی از افزایش قیمت در سال ۱۹۷۹ و کاهش برداشت آرامکو که در نتیجه موجب به فروش رفتن بیش از حد نفت سبک سعودی در سال ۱۹۷۸ گردید. اما اینها عواملی موقتی و زودگذر هستند. معاون وزیر گفت بنا به همین دلایل وی خواستار میان‌روزی شدید در قیمت‌گذاری نفتی است. در همین حال وی از نقش معتدل و سازنده امارات در قیمت‌گذاری نفت، به نمایندگی آمریکا قدردانی کرد.

۷- عکس‌العمل کلی مقامات امارات متحده عربی این بود که امارات نقش معتدلی ایفا خواهد کرد لیکن افزایش قیمت نفت آن هم به روش سیاسی اجتناب‌ناپذیر بوده است. راشد عبدالله اظهار داشت که «امارات متحده عربی سعی خود را به کار خواهد گرفت.» بنا به گفته عُباش امارات متحده عربی نمی‌خواهد مسبب آشفتگی وضع دنیا باشد ولی باید طبق توافق عمومی عمل کند. به نظر هبروش نظریه میانه‌روها در اجلاس ابوظبی غالب خواهد شد، اما افزود «به عنوان میزبان کنفرانس، باید بی‌طرفی خود را حفظ کنیم.» عتیبه گفت دبیرکل کنفرانس جیده در تماسی از او خواسته که عربستان سعودی را متقاعد کند تا با افزایش قیمت مورد نظر اوپک موافقت نماید. بنابراین باید تلاش کرد تا مانع از بروز اختلافی که در سال ۱۹۷۶ در دوحه رخ داد، شد. عتیبه گفت امکان جلوگیری از افزایش قیمت نفت نیست چون

این کار برای جبران کاهش ارزش دلار و تأثیر تورم جهانی ضروری است. حتی افزایش اسمی قیمت نفت نیز خوب است چون سبب تحرک بیشتر سیاست رئیس‌جمهور کارتر در زمینه صرفه‌جویی انرژی می‌گردد. عتیبه به اهمیت حفظ سلامت بازار مصرف نفت جهانی واقف است، لیکن قیمت نفت اوپک نیز باید برای مردم کشورهای عضو این سازمان قابل توجیه باشد. عتیبه در نظر دارد قبل از تشکیل کنفرانس به پایتخت‌های کشورهای اوپک سفر کند تا در مورد قیمت نفت قبلاً از آرای عمومی مطلع گردد.

۸- معاون وزیر در مورد نگرانی آمریکا از تلاش عراق سخن گفت. چون این کشور در نظر دارد در کنفرانس، سبب افزایش قیمت نفت شود و نفت را در اصل به یک مسئله سیاسی تبدیل کند. سویدی گفت در مورد این پیشنهاد عراق خبری ندارد ولی او و دیگر مقامات امارات متحده عربی اعلام کرده‌اند که در اجلاس بغداد راجع به نفت سخن نخواهند گفت. در اجلاس بغداد به هیچوجه نباید دربارهٔ موضوعی سخن گفت که به هر حال شامل منافع اعضای غیرعرب اوپک نیز بشود. مقامات امارات متحده عربی از معاون وزیر خواستند که این موضوع را جدی تلقی نکند.

۹- سیاست تولید نفت امارات متحده عربی در گفتگوهای با عبّاش و عتیبه مطرح شد. عبّاش گفت که به نظر او امارات عربی بیش از نیاز مالی خود نفت تولید می‌کند. از آنجا که عمر نفتی امارات حدود ۵۰ سال است، باید این منبع را حفظ کرد تا بتواند اساس رشد آتی امارات متحده عربی باشد. بر عکس عتیبه اظهار داشت که ابوظبی در نظر دارد تولید نفت خود را از ۲/۵ میلیون بشکه در روز تا سال ۱۹۸۲ به حدود ۴/۵ تا ۵ میلیون بشکه در روز برساند. ابوظبی دارای ذخایر گازی بسیار عظیم و دست‌نخورده است که می‌تواند آن امارت را به صورت یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان گاز طبیعی جهان درآورد.

معاون وزیر از اینکه امارات بنا به میل آمریکا تلاش دارد تا بیش از نیاز مالی خود تولید کند قدردانی کرد چون جهان صنعتی در دهه آینده هنوز هم بر انرژی هیدروکربن متکی خواهد بود تا اینکه منابع انرژی جدیدی به دست آید.

۱۰- مذاکرات شمال و جنوب. سومین موضوع طرح شده توسط معاون وزیر مربوط به مذاکرات شمال و جنوب بود. تعدادی مسائل واضح در چند نشست مذاکرات مورد تبادل نظر واقع خواهد شد. یکی از مهم‌ترین مسائل آغاز مذاکرات دربارهٔ تشکیل یک صندوق مشترک است. آمریکا و دیگر کشورهای صنعتی آماده‌اند تا دربارهٔ این موضوع قدری انعطاف نشان دهند، لیکن اصرار دارند که صندوق مشترک بر اساس حمایت از اعضا به وجود آید. ولی نگرانی ما از این است که مبدا گروه ۷۷ به خاطر نظریات متفاوت از این انعطاف برخوردار نباشند. آمریکا می‌داند که شاید امارات متحده عربی به طور غیرمستقیم از این صندوق مشترک نفع می‌برد، ما امیدواریم که امارات با استفاده از نفوذ خود، گروه ۷۷ را به نادیده گرفتن ندای رادیکالها تشویق کند که بیشتر رویارویی را به همکاری ترجیح می‌دهند. و سعی کند گروه ۷۷

را به انعطاف‌پذیری بیشتر در مذاکره با کشورهای صنعتی دعوت نماید. اگر انعطاف‌پذیری طرفین کافی باشد، مسائل بنیادین آمریکا حول و حوش صندوق مشترک متمرکز خواهد شد. آمریکا از دولت امارات متحده عربی انتظار دارد که در جلسات منطقه‌ای - مقدماتی گروه ۷۷ نیز که قبل از اجلاس نهایی آنکتاد در مانیل برگزار می‌شود از انعطاف‌پذیری بیشتر حمایت کند.

۱۱- سویدی و راشد عبدالله هر دو خواستار ادامه مذاکرات شمال و جنوب بوده و معتقدند که رویارویی کشورهای روبه‌رشد و توسعه یافته به نفع طرفین نیست. عتیبه گفت وی سعی دارد عقاید خود را در مورد نحوه پیشرفت مؤثر مذاکرات شمال و جنوب فرمول بندی کند. بدون اینکه وارد جزئیات شود، عتیبه اظهار داشت بهتر است مسائل در اجلاس‌های کوچک‌تری متشکل از گروه‌های کار مطرح شود. باید گروه‌های کار متخصص نیز تشکیل شود، گرچه این کار بسیار دشوار است. عتیبه به آغاز مذاکرات عرب - آمریکا در مورد مسائل اقتصادی که مشابه مذاکرات آمریکا و اروپا است، ابراز علاقه کرد. کوپر معاون وزیر نیز معتقد است که CIEC مفید بوده و نشانگر ارزش مشارکت چند کشور نسبتاً محدود می‌باشد. ایجاد توافق بین اعضای گروه ۷۷ مشکل است. توجه به مسائل ویژه، مانند FUBBER می‌تواند مشارکت را تنها به طرفین ذیربط محدود سازد. عتیبه نیز معترف است که اختلاف سلیقه‌های موجود در جامعه اقتصادی اروپا و نیز در میان اعراب مشکلاتی در مذاکرات اعراب و اروپاییها پدید آورده است.

۱۲- چند تن از مقامات امارات متحده عربی به کوپر معاون وزیر اظهار داشتند که میزان کمک‌های کشورهای پیشرفته به خصوص آلمان غربی و ژاپن به هیچوجه کافی نیست. سویدی و هبروش گفتند که آمریکا باید با استفاده از نفوذ خود این کشورها را به تلاش بیشتر در این زمینه ترغیب کند. نکته اینجاست که امارات متحده عربی ۲۵ درصد از درآمد خود را به کمک‌های خارجی اختصاص داده اما این مقدار کمک، انتقاد بسیاری برانگیخته است. دیگران نیز باید سهم به سزایی در این رابطه داشته باشند تا باری از دوش امارات متحده عربی برداشته شود. معاون وزیر در پاسخ از کمک‌های بی‌دریغ امارات متحده عربی برای توسعه دیگر کشورها قدردانی کرد. آخرین اجلاس اقتصادی مسئله کمک را نادیده نگرفته بود و دولت آمریکا سعی داشت ژاپن را متقاعد سازد که میزان کمک‌های امتیازی خود را در مدت سه سال افزایش دهد که فوکودا نخست‌وزیر نیز از آن حمایت کرده بود. آمریکا میزان کمک‌های خود را در سال ۱۹۷۹ برخلاف سال ۱۹۷۸ افزایش خواهد داد.

۱۳- هنگام بحث درباره سیاست مالی ابوظبی با معاون وزیر، نویسنده اعتراف کرد که سرمایه‌گذاری در منابع انسانی شرط اصلی پیشرفت است. ولی در همان حال، وی اظهار داشت که سیاست این امارت در تأمین اولیه بر تأمین زیربنا و سپس به پروژه‌های صنعتی متکی است و دیگر «فعالیت‌های اجتماعی» از قبیل آموزش و پرورش باید وسیله دیگر نهادها از نظر

مالی تأمین گردد. ابوظبی نه تنها در این زمینه بلکه در زمینه پروژه‌های «سیاسی» نیز سرمایه‌گذاری نمی‌کند، ولی می‌تواند از طریق دیگر آژانس‌های امارات متحده عربی وام‌هایی در اختیار آنها قرار دهد. صندوق عمران اقتصادی ابوظبی هزینه محلی پروژه‌ها را تأمین نمی‌کند اما در مورد هند و مصر استثنائاً این کار را انجام می‌دهد. چون تجهیزات و نیروی کار مربوط به خود این کشورهاست معاون وزیرگفت این کار دارای جنبه‌های مثبت بسیاری است و آمریکا نیز سعی دارد در مورد کشورهایی که علاوه بر نیروی کار بسیار، قادرند خود کالاها را تهیه کنند از تأمین هزینه تفاوت ارزش خارجی جلوگیری کند.

۱۴- سناتور «گود» از هبروش سؤال کرد که نظر امارات متحده عربی در مورد سازمان خلیج [فارس] برای عمران مصر چیست. هبروش گفت که سرمایه این سازمان افزایش نخواهد یافت. تمام سرمایه‌گذاران از نحوه کار سازمان و نیز عدم موفقیت طراحان اقتصادی مصر در جلب اعتماد آنها ناراضی هستند چون فعالیت‌های آنان نتوانسته است سبب تأمین منابع مالی لازم برای سرمایه‌گذاریهای مجدد گردد.

هبروش گفت «ما تلاش کافی کرده‌ایم. اکنون نوبت کمک کشورهای دیگر است.» کوپر معاون وزیر نیز گفت عملکرد مصر تاکنون موفقیت‌آمیز نبوده است. در همان حال، کشورهای وام‌دهنده، کمک‌های خود را به مصر ارائه می‌کنند و ما امیدواریم که امارات متحده عربی نیز با خوش‌بینی با این مسئله برخورد کند. مردم مصر احتمالاً توقعات بیش از حد انتظار در رابطه با منافع اقتصادی ناشی از امضای قرارداد مصر و اسرائیل دارند. تلاش‌های کشورهای کمک‌دهنده، اوضاع مصر را با ثبات نگاه خواهد داشت. بنابه اظهار هبروش رسانه‌های مصر چنین تلقین کرده‌اند که پس از امضای قرارداد صلح، وضع اقتصادی مصر بهبود چشمگیری پیدا خواهد کرد. نقطه نظرات امارات متحده عربی در مورد مخارج مصر نیز به اطلاع دولت مصر رسیده است.

۱۵- خاورمیانه. قرارداد کمپ دیوید در ملاقات با عتیبه و سویدی نیز مطرح گردید. عتیبه گفت امارات متحده عربی خواستار حل کامل مسئله خاورمیانه است. آمریکا نباید تنها تلاش خود را به صحرای سینا متوجه سازد بلکه باید فلسطینی‌ها را نیز که هسته اصلی این مسئله هستند مورد توجه قرار دهد. وی گفت حل همه جانبه این مسئله نه تنها سبب جلب اعتماد مردم منطقه نسبت به آمریکا می‌شود بلکه سادات را نیز از انزوا خارج می‌سازد. معاون وزیر در مقام تأکید گفت از نظر دولت آمریکا تلاش‌های کنونی سبب موفقیت طرح صلح در خاورمیانه خواهد شد. کارتر رئیس‌جمهور و ونس وزیر خارجه هر دو عمیقاً سرگرم مذاکرات مربوطه هستند.

۱۶- ایران. معاون وزیر از سویدی خواست که ارزیابی خود را در مورد اوضاع داخلی ایران ارائه کند. وزیر خارجه گفت «این مسئله نگرانی بسیاری برای ما فراهم آورده است.» امارات متحده عربی مایل است امنیت و ثبات سیاسی ایران حفظ شود چون این کشور در منطقه خلیج

[فارس] وزنه‌ای در برابر تجاوزات کمونیست‌ها از شمال تا شاخ آفریقا به حساب می‌آید. دولت امارات متحده عربی با ایرانها تماس دارد و امیدوارند که وضع به زودی آرامش پیدا کند تا شاه نیز قادر باشد سیاست آزادسازی خود را دنبال کند. معاون وزیر گفت دولت آمریکا به خوبی در جریان اوضاع ایران قرار دارد ولی از نقش عناصر شیعه در اوضاع جاری چندان با خبر نیست. با وجود اینکه می‌دانیم شیعیان از فرقه‌ای متفاوت هستند، آیا در جهان اسلام راهی وجود دارد که مخالفین مذهبی شاه را نسبت به برنامه مدرن‌سازی‌اش به اعتدال بکشانند؟ سویدی در پاسخ گفت آمریکا می‌بایست از سالها قبل اقدام می‌کرد و علاوه بر ارائه سلاحهای مورد نیاز شاه به او می‌فهماند که باید انعطاف بیشتری در سیاست‌هایش نشان دهد تا ثبات اوضاع از بین نرود.

در حال حاضر نه تنها ایران بلکه دوستان ایران در خلیج [فارس] و نیز منافع غرب در خلیج فارس به خطر افتاده است. در کشورهای رو به رشد دیگر نیز آمریکا باید حاکمین مستبد و یا سنتی را متقاعد سازد که به آرمانها و خواست‌های طبقه تحصیل کرده ارج نهند. معاون وزیر خاطر نشان ساخت که در ایران نه تنها شاه بلکه عناصر شیعه نیز باید متقاعد شوند که جهان دستخوش تغییر شده است.

۱۷- نظریه سفارت: سفر کوپر معاون وزیر، یکی از مقامات برجسته وزارت امور خارجه پس از استقلال امارات متحده عربی در سال ۱۹۷۱ با استقبال کم‌نظیری روبرو بود. واضح بود که آنها می‌خواهند با یکی از سیاستمداران برجسته واشنگتن در وطن خود به مذاکره پردازند. ابراز اطمینان‌های معاون وزیر در مورد وضع روبه بهبود دلار ممکن است بر مقامات امارات متحده عربی تأثیر آنی نداشته باشد (امارات متحده عربی، همراه با قطر و بحرین در ۲۶ اکتبر به ارزیابی مجدد ارزش پولی خود پرداختند)، اما علت اصلی سفر معاون وزیر این بود که می‌خواست نظر ما را در مورد بهبود وضع دلار به مقامات امارات برساند و نیز از سیاست آینده نفتی و سرمایه‌گذاری آنها باخبر شود. در مورد قیمت نفت، امارات متحده عربی جانب اعتدال را از دست نخواهد داد، ولی در کنفرانس سپتامبر اوپک، امارات به هیچوجه با افزایش قیمت مخالفت نشان نخواهد داد. امارات در مورد قیمت نفت خود با عربستان سعودی هماهنگ خواهد بود و سعی خواهد کرد تا در کنفرانس، قیمت نفت را برای سال ۱۹۷۹ به طرز معتدلی افزایش دهد. امارات متحده عربی هنوز هم در مذاکرات شمال و جنوب نقش چندان فعالی ندارد و پیشنهاد عتیبه نیز برای محدود کردن شرکت‌کنندگان اجلاس چندان سازنده نیست. این سفر به هر حال نشان داد که آمریکا از نقطه نظرات رهبران امارات در مورد این مسائل استقبال کرده و در حفظ منافع آنها در مذاکرات مربوط به ارائه کمک به کشورهای در حال رشد مفید خواهد بود. سفارت امیدوار است بتواند از این سفر بهره کافی ببرد و بتواند در مورد مسائل چند جانبه مورد علاقه طرفین با رهبران امارات به تبادل نظر بیشتری پردازد و نیز نشان دهد که ما میانه‌روی امارات را در مسائل منطقه‌ای و اقتصادی دست‌کم نمی‌گیریم ولی امیدواریم که مذاکرات ما ادامه یابد.

۱۸- پیش‌نویس پیام فوق و انتقال آن مورد تأیید کوپر معاون وزیر قرار گرفته است. طبق ماده «ای»، واحد از وزارت امور خارجه می‌خواهد که پیام را به واحدهای ذیل مخابره کند: قاهره، دوحه، جدّه، کویت، لندن، منامه، پاریس، دفتر حفاظت منافع آمریکا در بغداد، تهران و نس

سند شماره ۴۹

۳۰ نوامبر ۱۹۷۸ - ۹ آذر ۱۳۵۷

محرمانه

از: سفارت آمریکا، ابوظبی ۳۱۶۲ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی. جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در قاهره، جدّه، تهران، دوحه، مسقط، منامه.

مرجع: گزارش وزارت خزانه‌داری ز - ۱۵۰۰، ۲۹ نوامبر ۱۹۷۸

موضوع: ملاقات وزیر بلومنتال با شیخ خلیفه ولیعهد ابوظبی

آغاز خلاصه: طی ملاقات مورخ ۱۹ نوامبر با ولیعهد ابوظبی شیخ خلیفه، وزیر بلومنتال از وی خواست تا در رابطه با قیمت نفت اعتدال را حفظ کرده و نیز تلاشهای شدید کارتر رئیس جمهور را در جهت کاهش تورم و بالا بردن ارزش دلار برای وی یادآور شد و تأکید کرد که هرگونه افزایش چشمگیری که در قیمت‌های نفتی پدید آید وضع جدید دلار را به خطر خواهد انداخت و منافع درازمدت امارات متحده عربی بر باد می‌رود. رئیس هیأت همراه وزیر از حمایت دو حزب آمریکا از برنامه ضد تورم رئیس‌جمهور یاد کرد و خاطرنشان ساخت که میانه‌روی سعودی و امارات متحده عربی در کنگره به خصوص مسائل خاورمیانه‌ای آن تأثیر بسیار مساعدی داشته است. ولیعهد ضمن قدردانی از برنامه رئیس‌جمهور، به ذکر مطالبی درباره نقش امارات متحده عربی در به اعتدال کشاندن قیمت نفت پرداخت، لیکن گفت که این بار امارات متحده عربی به عنوان میزبان کنفرانس اوپک باید از بروز اختلافات شدید در میان اعضا جلوگیری کند. ولیعهد با استفاده از این فرصت خواستار تغییر سیاست تسلیحاتی آمریکا در قبال امارات متحده عربی شد چون عدم ثبات منطقه افزایش یافته است. پایان خلاصه.

۱- بلومنتال وزیر خزانه‌داری، همراه با سفیر دیکمن، سناتور لوگار، نمایندگان کنگره هاید، کاوانو و استانتون، دستیار وزیر برگستن و نماینده مدیر بخش خاور نزدیک توینام با ولیعهد ابوظبی شیخ خلیفه بن زاید روز ۱۹ نوامبر ملاقات نمودند. این اولین ملاقات عمده وزیر پس از ورود به ابوظبی بود. طرفین ابوظبی در ملاقات عبارت بودند از شیخ حمدان وزیر دارایی، احمد سویدی وزیر خارجه، عتیبه وزیر نفت، هبروش مدیر اداره مالی ابوظبی و مدافع سفیر امارات متحده عربی در واشنگتن.

۲- پس از احوال‌پرسی‌های معمول، وزیر بلومنتال با ارائه آخرین ارزیابی ما از اوضاع ایران جلسه را افتتاح کرد و خاطرنشان ساخت که گویا از نظر تولید نفت روزانه معادل ۳/۶ میلیون بشکه ثبات بیشتری یافته است. وزیر بر حمایت علنی کارتر از شاه تأکید کرد و گفت



امیدوار است که شاه بتواند پس از اعطای آزادیهای بیشتر و پس از بازگشت ثبات به ایران انتخابات را برگزار کند. شیخ خلیفه از اهمیت حمایت از شاه سخن گفت و اظهار داشت که ثبات به ایران اجازه خواهد داد تا تولید نفت خود را بار دیگر افزایش دهد.

۳- وزیر سپس به کنفرانس آینده اوپک در ابوظبی اشاره کرد. کارتر از نقش متعهدانه امارات متحده عربی در مقاومت علیه فشارهای مبتنی بر افزایش قیمت قدردانی کرد و گفت که امیدوار است این سیاست ادامه یابد. شیخ خلیفه پاسخ داد که همگان از نقش معتدل امارات متحده عربی آگاهند، لیکن به عنوان میزبان اوپک، وظیفه خود می‌داند که با جلب توافق همگانی از بروز تفرقه در میان اعضا جلوگیری کند. وزیر بلومنتال از موضع خاص امارات متحده عربی به عنوان میزبان کنفرانس تشکر کرد، با این وجود گفت امیدوار است که این موضوع مانع از تلاش امارات متحده عربی در جهت نگاه داشتن قیمت‌های اعتدالی نباشد.

۴- وزیر بلومنتال با اشاره به وضع دلار از اقدامات شدید رئیس‌جمهور کارتر برای بهبود وضع دلار سخن گفت. ولی، افزایش چشمگیر در قیمت نفت، آن هم در ژانویه، پیشرفتهای حاصله در این زمینه را با ناکامی روبرو خواهد ساخت چون افزایش قیمت نفت، سبب پیدایش یک تورم جدید جهانی خواهد شد. صادرکنندگان نفت از افزایش قیمت‌ها سودی نخواهند برد چون مجبور به پرداخت پول بیشتر در ازای واردات خود می‌شوند و ارزهای خارجی آنها نیز کاهش خواهد یافت. به عبارت دیگر هر پنج درصد افزایش قیمت سبب افزایش معادل ۰/۴ درصد در تورم جهانی خواهد شد. شیخ خلیفه از اقدامات دولت آمریکا به منظور تقویت دلار قدردانی کرد و گفت امیدوار است دلار از ثبات بیشتری برخوردار گردد، ولی خاطرنشان ساخت که گرچه قیمت نفت در دو سال گذشته ثابت بوده، ولی قیمت کالاها و خدمات وارداتی امارات متحده عربی افزایش عمده‌ای یافته‌اند.

۵- وزیر گفت روند تورم مدتهاست که سیر صعودی داشته لیکن می‌توان آن را مهار کرد. قیمت‌ها پایین نخواهند آمد ولی می‌توان تورم را عمدتاً کاهش داد. رئیس‌جمهور کارتر اکنون گامهایی در جهت کاهش رشد اقتصادی در آمریکا برداشته، گرچه ممکن است معنی آن بیکاری، کاهش بودجه فدرال و حمایت از میزان تخفیف بی‌سابقه اخیر باشد. کنگره نیز لایحه انرژی را تصویب کرده است که صرفه‌جویی بیشتر را ترغیب خواهد کرد، لیکن در این راه کارتر به تداوم حمایت کنگره و مردم آمریکا نیاز دارد تا برنامه‌اش موفق گردد. وزیر یادآور شد که اگر قیمت نفت افزایش نیابد جلب حمایت مردم آمریکا با سهولت بیشتری انجام خواهد گرفت. قیمت نفت را نیز باید از نظر سیاسی مشاهده کرد. سیاست‌های معتدل کشورهای صادرکننده نفت در رسیدن به صلح در خاورمیانه و حفظ یک بنیه دفاعی قوی جهت سرکوب خطرهای ناشی از عناصر تندرو و مقاصد تهاجمی شوروی به کارتر کمک خواهد کرد.

۶- سناتور لوگار، با یادآوری این مطلب که سه تن از اعضای هیأت همراه از حزب اقلیت هستند گفت که هر دو حزب جمهوری‌خواه و دمکرات از اقدامات رئیس‌جمهور کارتر در

جهت کاهش تورم و تقویت دلار حمایت می‌کنند. اکثریت مردم آمریکا کاهش قیمت نفت را به عنوان بخشی از تلاش جهانی جهت کنترل تورم تلقی خواهند کرد. استانتون نماینده کنگره، نیز همین مطالب را اظهار داشت. وی معتقد است که روش متعادل کنگره در قبال مسئله خاورمیانه در دو سال گذشته نتیجه مستقیم نقش مثبت عربستان سعودی و امارات متحده عربی در اوپک بوده است. شیخ خلیفه از مطالب طرح شده توسط اعضای هیأت همراه تشکر کرد و گفت که امارات متحده عربی اعتدال خود را حفظ خواهد کرد لیکن به عنوان میزبان کنفرانس اوپک درست نیست که قبلاً گفته شود که چه موضعی را اتخاذ خواهد کرد.

۷- پس از آن، وزیر بلومنتال، به ذکر اظهاراتی در مورد نقش مهم امارات متحده عربی در زمینه کمک خارجی پرداخت. دولت آمریکا از این نقش امارات متحده عربی قدردانی می‌کند چون حتی برای آمریکا به عنوان یک کشور نمونه درآمده است. وزیر گفت امیدوار است امارات متحده عربی به برنامه کمک‌های خارجی خود به خصوص در رابطه با بانک جهانی و مصر ادامه دهد، چون آمریکا نیز مهم‌ترین برنامه کمکی خود را به همین بخش اختصاص داده است. این اختصاص نتیجه تعهد شدید رئیس‌جمهور کارتر در ایجاد صلح در خاورمیانه و اجرای قرارداد کمپ دیوید بوده که امیدوار است امارات متحده عربی آن را درک کرده و تحت حمایت خویش قرار دهد. شیخ خلیفه تأکید کرد که امارات متحده عربی نقش خود را در این زمینه حفظ خواهد کرد. وی از وزیر خارجه سویدی خواست تا در مورد جنبه‌های سیاسی موضوع اظهار نظر کند، چون اخیراً در کنفرانس بغداد شرکت داشته است.

۸- پس از تشکر از این سفر، سویدی گفت صلح خاورمیانه برای امارات متحده عربی از نظر امنیتی، عمرانی و نیز ثبات منطقه حائز اهمیت بسیار است. امارات متحده عربی از تلاش‌های کارتر در خاورمیانه قدردانی می‌کند، اما معتقد است که قرارداد کمپ دیوید مسائل بسیار حیاتی و مهمی را در نظر نگرفته است. یعنی اصولاً به فلسطینی‌ها، اردنی‌ها و سوری‌ها اشاره‌ای نکرده است. این طرفها نیز باید وارد صحنه شوند تا صلحی پایدار در خاورمیانه ایجاد شود. تا زمانی که به تمام مردم فلسطین اجازه مشارکت در روند صلح داده نشده، امارات عربی نمی‌تواند تصور کند صلحی در خاورمیانه به وجود خواهد آمد.

۹- وزیر بلومنتال در پاسخ گفت که کارتر این مطالب را درک کرده و منافع و زیانهای تمام طرفین را در نظر گرفته است تا صلح ایجاد گردد. قرارداد کمپ دیوید آخرین قرارداد نیست اما می‌تواند به عنوان گامی در جهت از بین رفتن اولین مانع موجود بر سر راه صلح باشد. صلح برای اقتصاد کشورهای عربی و نیز اسرائیل بسیار مفید است و به کشورهای منطقه فرصت می‌دهد تا با دیگر خطرات موجود در منطقه دست و پنجه نرم کنند؛ که می‌توان مقاصد تهاجم‌آمیز شوروی و خطر عناصر تندرو را از این مقوله به حساب آورد.

۱۰- قبل از پایان ملاقات، شیخ خلیفه مسئله سیاست تسلیحاتی آمریکا را در قبال امارات متحده عربی مطرح کرد. با یادآوری افزایش ثبات منطقه، وی گفت که امارات متحده عربی

بارها مسئله را با سفیر کنونی و قبلی مطرح کرده بود تا منجر به خرید تعدادی از تجهیزات دفاعی گردد، ولی هیچگاه این تقاضاها پذیرفته نشد. وزیر پاسخ داد که دولت آمریکا هر یک از تقاضاهای مربوط به خرید تسلیحات را از دید نیاز و خطر احتمالی مورد بررسی قرار می‌دهد. از نظر ما ایجاد ارتباط دوستانه بین امارات متحده عربی و کشورهای همجوار بهتر می‌تواند به امنیت امارات منجر گردد. ما گمان نمی‌کنیم که تسلیحات بتواند متضمن امنیت باشند. در محدوده این سیاست خودداری، ما آماده بررسی تقاضای مربوط به تجهیزات دفاعی هستیم اما پاسخ دولت آمریکا نیز مطابق همین سیاست باید باشد. شیخ خلیفه گفت در حال حاضر امارات عربی دارای روابط بسیار خوبی با همسایگان خود است لیکن احساس می‌کند که تأسیسات حیاتی آن به خصوص تأسیسات نفتی باید از وسایل حفاظتی خوبی برخوردار باشند. وی سؤال کرد که آیا در صورت ارائه مجدد فهرستی از تجهیزات دفاعی مورد نظر امارات می‌توان موضوع را به نظر دولت آمریکا رساند. وزیر بلومنتال پیشنهاد کرد که در این مورد با سفیر گفتگو شود. در چارچوب سیاست جهانی تسلیحاتی آمریکا و سیاست خودداری در خلیج [فارس] جنوبی، دولت آمریکا از هیچ کمکی فروگذار نخواهد کرد.

۱۱- نظریه سفارت: شیخ خلیفه و همراهانش از سفر وزیر به امارات بسیار خشنود به نظر می‌رسیدند. به عنوان معاون فرمانده کل قوا، شیخ خلیفه گفت مایل است با یکی از مقامات کابینه آمریکا در مورد مسئله دیرین عدم تمایل آمریکا به فروش تجهیزات دفاعی پیشرفته به امارات متحده عربی بحث و تبادل نظر کند. به نظر رسید تأکید سخت وزیر بلومنتال در رابطه با سیاست تسلیحاتی ما مانع از آن نخواهد شد که شیخ خلیفه بار دیگر موضوع سیاست تسلیحاتی را در خلیج [فارس] جنوبی با سفیر عنوان نکند و از رویدادهای ایران، افغانستان، جمهوری دمکراتیک یمن و شاخ آفریقا به عنوان عواملی جهت تجدید نظر درباره این سیاست یاد نکند.

سند شماره ۵۰

سری
از: سفارت آمریکا، ابوظبی - الف ۰۰۵۶ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در دوحه، جده، کویت، لندن، منامه، مسقط، پاریس، تهران.

مرجع: الف) وزارت امور خارجه ۲۷۰۰۲۹، ب) وزارت امور خارجه ۲۸۱۵۱۳، پ) ۵۴۴ -
CM - USICA، ت) وزارت امور خارجه ۶۸۸۴ - CA مورخ ۷۳/۱۰/۸، ث) ابوظبی -
ابوظبی ۷۶ - الف مورخ ۷۷/۸/۱۱

موضوع: روابط با کشورهای کمونیستی

آغاز خلاصه: (محرمانه) در سیاست امارات متحده عربی مبنی بر اجتناب از برقراری روابط



دیپلماتیک و کنسولی با کشورهای کمونیستی تغییری پدید نیامده است. با این وصف رشد رادیکالیسم تحت‌الحمایه شوروی در منطقه خاورمیانه در سال ۱۹۷۸ نظریه آنهایی را که معتقدند امارات متحده عربی باید با کشورهای کمونیستی روابط عادی سیاسی و اقتصادی برقرار سازد تا موضع عدم تعهد آن نشان داده شده و فرصت‌های تجاری را افزایش دهد، تعمیم خواهد بخشید. لیکن در آینده نزدیک در این سیاست تغییر عمده‌ای پدید نخواهد آمد چون شیخ زاید رئیس‌جمهور امارات متحده عربی از نظریات ضدکمونیستی عربستان سعودی حمایت کرده و از خرابکاریهای کمونیسم محلی به دل ترس راه می‌دهد.

(بدون طبقه‌بندی) بعضی از کشورهای کمونیستی سعی داشتند با تلاشهای مهم خود روابط اقتصادی و تجاری با امارات متحده عربی را در سال ۱۹۷۸ گسترش دهند و در همین رابطه چین، چکسلواکی و مجارستان در امارات شمالی عربی نمایشگاههایی دایر کردند. حتی آلبانی نیز یک نمایشگاه در این منطقه برگزار کرده است. صادرات کمونیستی به امارات متحده عربی افزایش ملایمی در سال ۱۹۷۷ داشت و چین و لهستان درصد مهمی به خود اختصاص دادند (به ترتیب ۳۸ درصد و ۵۴ درصد). لیکن واردات کمونیستی به امارات متحده عربی به طور کلی از ۴ درصد به ۳ درصد کاهش یافت. لهستان نیز مقادیر بسیار ناچیزی نفت از ابوظبی خریداری کرده است. (بدون طبقه‌بندی) در سال ۱۹۷۸ بین امارات متحده عربی و کشورهای کمونیستی فروش نظامی یا آموزشی صورت نگرفت.

(بدون طبقه‌بندی) فعالیت‌های فرهنگی کمونیستی نیز محدود به یک نمایش فولکلوریک از طرف چکسلواکی و نمایش مد لباس مجارستان در نمایشگاههای تجاری این کشورها بود. در طول همین سال کشورهای کمونیستی فعالیت آموزشی و اطلاعاتی چندانی از خود نشان ندادند.

(خیلی محرمانه) نهضت کمونیستی محلی در این نقطه وجود ندارد لیکن بعضی از کمونیست‌های خارجی در میان کارگران بیگانه امارات متحده عربی مشغول فعالیت هستند. پایان خلاصه.

بخش اول - ارزیابی روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی

(سری) روابط سیاسی

در هنگام تهیه این گزارش در سیاست خارجی ضدکمونیستی امارات متحده عربی تغییری مشاهده نشد. علی‌رغم تصمیم سلطان‌نشین عمان جهت برقراری روابط دیپلماتیک با چین، امارات متحده عربی اقدام به چنین عملی نکرده است. در ماه ژوئن، السویدی وزیر خارجه به سفیر آمریکا گفت که امارات متحده باید فواید حاصله از روابط دیپلماتیک خود با چین و دیگر کشورهای کمونیستی در رابطه با مخالفت‌های همسایگان اصلی امارات متحده عربی یعنی ایران و عربستان سعودی را مورد ارزیابی دقیق قرار دهد. السویدی گفت دولت امارات متحده عربی به

این نتیجه رسیده است که بهتر است با چین روابط دیپلماتیک برقرار نسازد (ابوظبی ۱۶۸۸) (خیلی محرمانه) با این وجود امارات متحده عربی نگران افزایش موج رادیکالیسم تحت‌الحمایه شوروی در خاورمیانه است که موجبات تشنج بسیاری در شبه جزیره عربی شده است. نقش شوروی و کوبا در نبرد شاخ آفریقا، کودتاهای یمن جنوبی و افغانستان که نفوذ شوروی را در این کشورها افزایش داده است و خطری که از طرف چپگرایان و عناصر افراطی مذهبی حکومت شاه را تهدید می‌کند، همگی نقشه‌های شوروی برای محاصره خلیج فارس و کنترل منابع نفتی و بنادر آبی این منطقه عنوان می‌گردد. در همین رابطه نگرانی دیگر امارات متحده عربی تلاش کنونی آمریکا در تقویت صلح بین مصر و اسرائیل است که از حمایت اعراب برخوردار نبوده و رژیم ضدکمونیست سادات را منزوی و تضعیف کرده و نیروی اعراب رادیکال و رژیم‌های ارتدادی مانند عراق را در برابر اعراب میانه‌رو همکار با آمریکا تقویت کرده است. رهبریت امارات متحده عربی نسبت به این فشارهای رادیکال روزافزون مصونیت ندارد. در همان حال سیاست‌ها و اقدامات دولت آمریکا در منطقه، مانند عدم حمایت نظامی از سومالی در نبرد اوگادن آن طور نبوده است که بتواند این نیروهای رادیکال را محدود سازد.

(خیلی محرمانه) در جو کنونی، مقاومت نیرومند پیشین امارات متحده عربی در برابر برقراری روابط سیاسی با کشورهای کمونیستی علی‌رغم ترس و عدم اعتماد رهبریت این کشور نسبت به مقاصد کمونیستی در منطقه، تضعیف خواهد شد. در محافل امارات متحده عربی این اعتقاد رایج است که روابط عادی با کشورهای کمونیستی می‌تواند اثرات و اعتبار امارات را در موضع عدم تعهد خود بالا برده و در برابر انتقادات اعراب کمونیست و رادیکال در خصوص گرایش غربی این کشور مصونیت بخشد. اگر در رژیم ایران در نتیجه اغتشاشات ضدشاهی تغییری پدید آید ندای حامیان این سیاست تقویت خواهد شد. ممکن است حامیان عادی شدن روابط با کشورهای اروپای شرقی و چین در اثر نفوذ اقتصادی و دیگر منافع، خواستار اتخاذ این سیاست شده باشند. این موضوع در رابطه با امارات شمالی از قبیل شارجه و دوبی که نابسامانی‌های اقتصادی سبب شده به جذب تجارت‌های جدید روی آوردند صحت بیشتری دارد. در سیاست امارات تغییری ناگهانی پدید نخواهد آمد چون شیخ زاید بر نظریات ضدکمونیستی و عربستان سعودی تکیه بسیار دارد و علاوه بر این، مقامات امنیتی امارات ترس از آن دارند که حضور دیپلماتیک دائمی کمونیستی منجر به خرابکاری‌های سیاسی در امارات شود. با این وجود در تماس‌های بین امارات و کشورهای کمونیستی در سال ۱۹۷۸ افزایش قابل ملاحظه‌ای به چشم می‌خورد و نشان می‌دهد که حتی این کشور عربی سنتی نیز در رابطه با تلاش‌های کشورهای کمونیستی به منظور توسعه حضور خود در منطقه مصونیت ندارد.

(بدون طبقه‌بندی) روابط تجاری و اقتصادی. مقاله مندرج در نشریه خلیج تایمز دوبی در ۳۰ دسامبر اعتراف کرده است که مخالفت با ایجاد روابط رسمی با کشورهای کمونیستی در بسیاری از پایتخت‌های خلیج [فارس] معتدل‌تر شده است. این مقاله مدعی است کشورهای

اروپای شرقی در رابطه با این رویداد محتاطانه عمل کرده و به جای برقراری روابط سیاسی به برقراری روابط تجاری و اقتصادی اولویت می‌دهند. این مقاله از گزارشهای بی‌نام و نشان یاد می‌کند که طی آن تماسهایی بین سازمان عمران نفتی رومانی، روم پترول و شرکت ملی نفت ابوظبی رخ داده و رومانی خواستار همکاری در زمینه نفت و سرمایه‌گذاری مشترک بین رومانی و امارات متحده در زمینه ساختمان حوزه‌ها شده است.

(بدون طبقه‌بندی) علی‌رغم فقدان روابط دیپلماتیک، کشورهای اروپای شرقی روابط تجاری خود را در طول سال ۱۹۷۸ گسترش دادند. چکسلواکی یک نمایشگاه تجاری و برنامه فولکور در ماه مارس (الف - ۰۱۹، ۲ آوریل ۱۹۷۸) در شارجه برگزار کرد که گویا ۶۰۰۰۰ نفر تماشاچی را جذب کرده بود. چند شرکت ساختمانی لهستانی نیز در اواخر اکتبر و اوایل نوامبر یک مرکز اطلاعات در نمایشگاه ساختمانی خاورمیانه‌ای دویی برگزار کردند. در اواخر نوامبر معاون وزیر تجارت خارجی مجارستان، هم‌زمان با برگزاری نمایشگاه و نمایش مد لباس این کشور از امارات متحده عربی دیدار کرد. او ملاقات‌های پر سر و صدایی با معاون رئیس‌جمهور امارات و فرمانروای دویی شیخ راشد بن سعید آل مکتوم و فرزندش، وزیر دارایی و صنایع شیخ حمدان بن راشد آل مکتوم داشت و به بحث درباره همکاریهای اقتصادی پرداخت. نمایندگان تجاری مجارستان با مقامات اطاق بازرگانی و صنایع ابوظبی دیدار کردند و درباره برگزاری احتمالی نمایشگاه مجارستان در آن امارت در سال ۱۹۷۹ بحث و تبادل نظر کردند. چکسلواکی و مجارستان علناً اظهار داشتند که امیدوارند بتوانند دفاتر دائمی تجاری خود را در امارات متحده عربی تأسیس کنند. (رومانی قبلاً دو تن از نمایندگان شرکت صادراتی خود را به مدت چند سال در این نقطه مستقر کرده بود). یک هیأت بازرگانی چهار نفره آلبانیایی در اواسط ژوئیه از ابوظبی دیدار کردند. بنا به گزارش خلیج تایمز موقعیت برای این سفر مناسب نبود و قرارداد بازرگانی خاصی بین دو کشور منعقد نگردید.

(بدون طبقه‌بندی) روابط بازرگانی با چین کمونیست نیز امسال از فعالیت خاصی برخوردار بود. یک نمایشگاه تجاری چینی در اوایل سال ۱۹۷۸ در دویی برگزار گردید و در ماه اکتبر نمایندگان اتاق بازرگانی و صنایع ابوظبی و دویی قبل از سفر به تایوان و کره شمالی از نمایشگاه تجاری کانتون دیدار کردند.

(بدون طبقه‌بندی) در رابطه با تجارت بین امارات و کشورهای کمونیستی ارقام خاصی موجود نیست. ارقام مربوط به سال ۱۹۷۷ (که فقط صادرات و واردات امارات دویی و ابوظبی را در بر می‌گیرد) نشان می‌دهد که چین مهم‌ترین شریک تجاری امارات است. صادرات چین به امارات در سال ۱۹۷۷ نسبت به سال ۱۹۷۶ معادل ۳۸ درصد افزایش داشت و تقریباً نیمی از صادرات کمونیستی به امارات را در سال جاری تشکیل می‌داد. در میان کشورهای اروپای شرقی لهستان در سال ۱۹۷۷ به صادرات خود در این امارات ۵۴ درصد افزود که بخش اعظم این افزایش مربوط به فروش ۱۵ میلیون دلاری دیگ‌های بخار نیروگاه برق امارات ابوظبی

است. بلغارستان و چکسلواکی در سال ۱۹۷۷ درصد کمتری به خود اختصاص دادند و واردات امارات از رومانی یعنی مهم‌ترین شریک تجاری امارات نیز ۱۴۰ درصد کاهش یافت. شوروی، مجارستان و آلمان شرقی نیز در سال ۱۹۷۷ در میزان صادرات خود به امارات متحده عربی شاهد سیر نزولی بودند. به طور کلی، صادرات کشورهای کمونیستی به امارات در سال ۱۹۷۷ به طور مطلق بهبود یافته بود، و از ۳۶/۴۳ میلیون دلار به ۱۵۹/۳۴ دلار افزایش یافت. لیکن از ۴ درصد واردات امارات به ۳ درصد تقلیل یافته است. (به جداول ۱ و ۲ پیوست مراجعه کنید) [جداول ۱ و ۲ را در لوح فشرده ملاحظه کنید].

(بدون طبقه‌بندی) لهستانیها تنها کشور کمونیست خریدار نفت امارات بوده و ۱/۱ درصد کل صادرات نفتی ابوظبی را در سال ۱۹۷۷ به خود اختصاص داد.

(بدون طبقه‌بندی) تلاش خطوط هوایی کشورهای کمونیستی به منظور کسب امتیاز فرود در سال ۱۹۷۷ ثمری نداشت. ارسال گوشت و دیگر مواد غذایی توسط خطوط حمل و نقل هوایی رومانی و دیگر کشورهای اروپای شرقی ادامه دارد. لیکن خط هوایی لهستان تنها توانست از دومی امتیاز فرود عملیاتی در سفر هفتگی خود بین ورشو و بانکوک کسب کند و نتوانست امتیاز آمد و شد معمول را به دست بیاورد.

بدون طبقه‌بندی) آموزش نظامی

کشورهای کمونیست در سال ۱۹۷۸ نتوانستند تجهیزات نظامی و آموزشی مهمی به نیروهای مسلح امارات متحده عربی بفروشند. در ماه نوامبر وزیر دفاع امارات یعنی شیخ محمد بن رشید آل مکتوم به روزنامه کویتی گفت امارات متحده عربی در نظر ندارد موشک‌های زمین به هوا از شوروی خریداری کند لیکن ممکن است مقداری سلاح سبک از کشورهای کمونیستی خریداری کنند.

(محرمانه) در نتیجه سفر مرموز و بی‌سر و صدای تابستانی دو برادرزاده رئیس امارات و فرمانروای ابوظبی شیخ زاید به آلمان شرقی شایع شد که امارات در نظر دارد از کمونیست‌ها تسلیحات خریداری کند. علی‌رغم شایعات دیپلماتیک مبنی بر اینکه شیخ حمدان بن محمد آل‌نهیان معاون نخست‌وزیر و برادرش شیخ مبارک وزیر کشور در مذاکرات محرمانه خرید سلاح شرکت جسته‌اند، باید گفت که آنها احتمالاً با یکدیگر به آلمان شرقی رفته بودند تا تحت درمان و مداوا قرار گیرند. این سفرها ممکن است منجر به بکارگیری نفرات پزشکی آلمان شرقی در ابوظبی شود.

بخش دوم - عضویت حزب کمونیست محلی

(محرمانه) در امارات متحده عربی سازمان کمونیستی و یا نیمه کمونیستی آنچنانی وجود ندارد. البته ممکن است بعضی از کمونیست‌ها در میان کارگران خارجی عربی، ایرانی و آسیای

جنوبی نفوذ کرده باشند لیکن در مورد موقعیت سازمانی و فعالیت آنها اطلاعی در دست نیست.

بخش سوم - روابط دیپلماتیک، کنسولی و نمایندگی تجاری با کشورهای کمونیستی
(بدون طبقه‌بندی) از طرف کشورهای کمونیست نماینده دیپلماتیک و یا کنسولی در امارات متحده عربی مستقر نشده است. بعضی از دیپلماتهای اروپای شرقی مقیم کویت در رابطه با برنامه برگزاری نمایشگاههای تجاری، از امارات متحده دیدار کرده‌اند.
(بدون طبقه‌بندی) نمایندگی رسمی تجاری مقیم نیز در امارات مستقر نشده است. لیکن از طرف رومانی و مجارستان در دوی دفاتر تجاری تأسیس شده که تعداد کارکنان آنها یک یا دو نفر مجارستانی و یا تبعه رومانی هستند.

بخش چهارم - ارزیابی فعالیتهای فرهنگی و اطلاعاتی (بدون طبقه‌بندی) مبادلات فرهنگی و آموزشی

فعالیت‌های فرهنگی کشورهای کمونیستی محدود به نمایش فولکلوریک چکسلواکی و نمایش مد لباس مجارستان در نمایشگاههای تجاری آنها در امارات بوده است. مبادلات آموزشی در رابطه با شهروندان امارات اصلاً وجود ندارد ولی وابستگان کارگران خارجی مقیم امارات ممکن است از طرف کمونیست‌ها بورس تحصیلی دریافت کرده باشند. فیلم، انتشارات و دیگر مطالب فرهنگی کمونیستی نیز به امارات وارد نمی‌گردد.

(خیلی محرمانه) فعالیت‌های اطلاعاتی

هیچیک از کشورهای کمونیستی، نتوانسته‌اند در امارات دفتر خدمات ارتباطاتی و یا روزنامه‌نگار مستقر کنند. ولی گویا بعضی از گزارشگران خبرگزاری تاس گهگاه به امارات سفر کرده‌اند و به دو تن از روزنامه‌نگاران روسی نیز از طرف وزارت اطلاعات امارات متحده عربی اجازه داده شده بود تا برای تهیه گزارش از اجلاس وزیران نفت اوپک به این کشور وارد شوند.
دیکمن

سند شماره ۵۱

۲۰ دسامبر ۱۹۷۸ - ۲۹ آذر ۱۳۵۷

محرمانه

از: سفارت آمریکا، ابوظبی - الف - ۰۰۵۷ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در تهران، دوحه، مسقط

مرجع: ابوظبی - ۳۱۴۷

موضوع: حل اختلافات موجود بر سر مالیات و حق‌الامتيازات نفتی

(محرمانه - آر.دی.اس. ۴-۸۸/۱۲/۲۰) متن یادداشت قرارداد مورخ ۲ نوامبر ۱۹۷۸ بین



بوتس اوایل گاس (نماینده شرکت کرسنت) و حاکم شارجه در مورد افزایش مالیات و حق الامتیاز به آگاهی وزارت امور خارجه می‌رسد. شرایط و روش پرداخت در تلگرام مرجع مطرح شده است. متن قرارداد در تاریخ ۱۱ دسامبر توسط حمید جعفر از کرسنت در اختیار سفیر قرار داده شد تا با آن به عنوان یک سند محرمانه برخورد شود.

(محرمانه - جی.دی.اس - ۸۴/۱۲/۱۲) همانگونه که از محتوای متن برمی‌آید، مالیات و حق الامتیاز در دو مرحله افزایش یافته است: یکی در شش ماهه اول سال ۱۹۷۷ یعنی از ۰.۵۵٪ به ۰.۶۵٪ و دیگری در شش ماهه آخر سال ۱۹۷۷ که ۰.۷۷٪ بود و می‌بایست از تاریخ اول ژانویه به مرحله اجرا درآید. میزان حق الامتیاز نیز از ۱۲/۵ درصد به ۱۴/۵٪ در تاریخ اول ژوئیه ۱۹۷۷ افزایش یافت و از آن پس ثابت ماند، میزان مالیات و حق الامتیاز قابل پرداخت از تاریخ اول ژوئیه ۱۹۷۷ تا ۳۰ ژوئن ۱۹۷۸ معادل ۱۳۱۰۷۸۲۴ دلار است. از تاریخ اول ژوئیه ۱۹۷۸ قسط‌بندی خواهد شد تا از اول ژوئیه ۱۹۷۸ به ترتیب پرداخت گردد تا میزان نفت صادراتی نیز به ۷۵ میلیون بشکه برسد.

ضمیمه:

۱- موافقتنامه (محرمانه - جی.دی.اس - ۸۴/۱۲/۲۰)

(محرمانه - جی.دی.اس - ۸۴/۱۲/۱۲) اعلام می‌گردد که نفت صادر شده از حوزه مبارک تا تاریخ اول ژوئیه ۱۹۷۸ معادل ۵۰۲۹۲۸۱۸ بشکه بوده است. یعنی مبلغ قابل پرداخت ۱۳۱۰۷۸۲۴ باید به رقم ۲۴/۷۰۷۱۸۲ تقسیم گردد تا به قیمت هر بشکه ۰/۵۳۰۵۳ دلار اضافه گردد آن هم تا زمانی که تولید کلی معادل ۷۵ میلیون بشکه شود. در صورتی که رقم معادل ۷۵ میلیون بشکه نشود، بنا به گفته منبع، کرسنت مسئول پرداخت اختلاف و یا تقسیم حق الامتیاز بر تعداد بشکه نفت صادر شده نیست.

(محرمانه - جی.دی.اس - ۸۴/۱۲/۱۲) در ازای این قرارداد، حاکم شارجه توافق کرده است که مالیات و حق الامتیاز حوزه مبارک را بعدها افزایش ندهد و شرکت نیز اقامه دعوی خود را که ناشی از نارضایتی موجود درباره شرایط مالی بود دنبال نکند.

(محرمانه - جی.دی.اس - ۸۴/۱۲/۱۲) شرکت ملی نفت ایران در حل این اختلاف نقش بی‌تفاوتی ایفا کرده است. همانگونه که قبلاً در ابوظبی ۲۷۷۱ گزارش شده بود، پس از ملاقات سهامداران کرسنت و جان بورتا در شارجه در تاریخ ۲۵ شهریور به منظور تشریح این مطلب که حوزه مبارک ۷۰ میلیون بشکه نفت در بر ندارد، شیخ سلطان یک فرمول افزایش مالیات و حق الامتیاز دو مرحله‌ای پیشنهاد کرده بود که در نتیجه تولیدهای آتی می‌بایست پرداخت می‌شد. بارتا گفته بود که باید با سهامداران دیگر نیز مشورت نماید ولی حاکم شارجه پیشنهاد خود را به اطلاع شرکت ملی نفت ایران رسانیده بود. این شرکت نیز به نوبه خود پیشنهاد «بارتا» را رد کرده و پروفیسور نفیسی استاد اقتصادی تهران را به عنوان وکیل شارجه در دادگاه

بین‌المللی اعزام نموده بود. حاکم شارجه که از پاسخ شرکت ملی نفت ایران بهت‌زده شده بود به اسماعیل عبدالوهاب (رئیس شرکت نفت و معادن) دستور داد که با شرکت ملی نفت ایران تماس بگیرد. اسماعیل به شرکت ملی نفت ایران گفت این پیشنهاد از طرف بارتا عنوان نشده بلکه حاکم شارجه آن را مطرح کرده است. شرکت ملی نفت ایران نیز پس از تعجب گفت که اطلاعات خود را از طریق قاضی یسری دویک (که مشاور حقوقی فلسطینی‌الاصل شارجه است) دریافت می‌کرده است. پس از آنکه شیخ سلطان متوجه شد، طی تلگرامی توضیح داد که این پیشنهاد خود او بوده است چون ادامه شکایات شرکت کرسنت مانع از جذب خریداران امتیازات نفتی دیگر توسط شارجه می‌شده است. بنابراین شرکت ملی نفت ایران نیز موافقت خود را اعلام کرد و مسئله را بیش از این کش نداد. بنا به گزارشات واصله قاضی دویک نیز دیگر در امور نفتی شارجه دخالتی ندارد.

دیکمن

سند شماره ۵۲



۳۱ مارس ۱۹۷۹ - ۱۱ فروردین ۱۳۵۸

محرمانه

از: سفارت آمریکا، مسقط - ۵۰۹ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در برن، دوحه، جدّه، کویت، منامه، پاریس، ریاض، تهران

مرجع: کویت ۱۴۳۵

موضوع: فرار سرمایه از عمان

۱- گزارش مرجع در مورد فرار سرمایه از کویت و علل آن، مشابه همین رویداد در عمان است. نرخ بهره مربوط به وامها در حال حاضر کمتر از ۱۰ درصد است که کمتر از سطوح نرخ بهره بین‌المللی است. در نتیجه سرمایه بیشترین حد بازدهی را داشته است. در داخل نیز همین امر نشانگر رشد کند عرضه پولی و فشار صعودی نرخ بهره است که بانک مرکزی تلاش می‌کند آن را پایین نگاه دارد. بانکهای محلی نیز در صدور اعتبار به مشتریان مهم خود روش جیره‌بندی در پیش گرفته‌اند و آنان نیز با باز کردن حساب در بانکهای دیگر به امید اینکه بتوانند اعتبار بیشتری کسب کنند، عکس‌العمل نشان داده‌اند. وضع صدور اعتبار به شدت بحرانی است، چون بانکها با صدور اعتبار در بازارهای بین‌المللی بیش از بازارهای محلی سود می‌برند، به همین دلیل مشتریان آنها نیز برای تحصیل منابع مالی با نرخهای بهره بیشتر به منابع خارجی روی می‌آورند.

۲- ریال عمان وابسته به دلار است و فرار سرمایه و منابع مالی تحت کنترل درنیامده است. بنابراین اقتصاد محلی شدیداً وابسته به بازار بین‌المللی است و در درازمدت نرخهای بهره باید معادل نرخهای بهره بین‌المللی شود. گمان نمی‌رود که فرار سرمایه در حال حاضر ناشی از

عواملی غیر از عوامل اقتصادی باشد. در مورد رویدادهای ایران نوعی حساسیت پدید آمده است، ولی کارها روال عادی خود را حفظ کرده است. وایلی

سند شماره ۵۳

۳ آوریل ۱۹۷۹ - ۱۴ فروردین ۱۳۵۸

محرمانه

از: سفارت آمریکا، ابوظبی ۰۸۸۲ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در الجزیره، بغداد، بن، بروکسل، قاهره، دمشق، ژنو،
جاکارتا، کویت، منامه، لندن، مسقط، اوتاوا، پاریس، تهران، توکیو، تریپولی
مرجع: الف) وزارت امور خارجه ۰۷۹۵۷۲؛ ب) ابوظبی ۰۷۵۳
موضوع: مقاصد کشورهای حوزه خلیج [فارس] عضو اوپک در رابطه
با قیمت نفت و سطح تولید



۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- خلاصه: معاون وزیر نفت ابوظبی در مقام تأیید گفت، آن دسته از کشورهای عضو اوپک که پس از انقلاب ایران تولید خود را بالا برده بودند در کنفرانس مشورتی ژنو توافق کرده‌اند که در صورت بازگشت سطح تولید نفت ایران به ۴ میلیون بشکه در روز به تدریج به سطح تولید قبلی خود بازگردند. امارات متحده عربی در نظر ندارد در سطح تولید خود تغییر چندانی صورت دهد؛ حوزه کوچکی که در اواسط سال ۱۹۷۹ آغاز به کار خواهد کرد از این قاعده مستثنی است. میان‌روهای اوپک نیز به علت وضع بحرانی بازار نفتی که بسیاری را وادار به کاربرد اضافه بها کرده، قادر نیستند قیمت نفت در فصل چهارم را معادل قیمت‌ها در سال ۱۹۷۹ نگاه دارند. اوپک از افزایش قیمت در کوتاه‌مدت استفاده می‌کند ولی اساس فرمول قیمت‌گذاریهای آتی آن را تشکیل نخواهد داد. از آنجا که آمریکا قبل از کنفرانس ژنو بیانیه‌ای مرتبط با انرژی صادر نکرده، هواداران افزایش قیمت نفت نیز از فرصت استفاده کرده‌اند. پایان خلاصه.

۳- در تاریخ ۳ آوریل با عبدالله اسماعیل معاون وزیر نفت ابوظبی ملاقات کردم تا نکات طرح شده در تلگرام مرجع (الف) را به نظر ایشان رسانیده باشم. عتیبه وزیر نفت هنوز به اینجا بازنگشته (او به لندن رفته است تا در جشن فارغ‌التحصیلی سومین فرزند شیخ زاید - محمد - در تاریخ ۶ آوریل شرکت کند). اسماعیل هنوز هم نتوانسته تصمیمی در رابطه با قیمت نفت خام سنگین امارات اتخاذ کند ولی در رابطه با نفت سبک امارات عربی این تصمیم اتخاذ شده (در تلگرام جداگانه گزارش گردید) است.

۴- اسماعیل گفت، همانطور که طی ملاقات گذشته گفته بود (مرجع ب) در اوپک بیش از همه درباره مسئله تولید نفت ایران گفتگو به عمل آمد. بنا به گفته او، نمایندگان ایران اظهار داشته بودند که می‌خواهند سطح تولید ایران را به ۴ میلیون بشکه در روز برسانند تا حدود ۳/۳

میلیون بشکه به خارج از کشور صادر گردد. ایرانیها شدیداً از کشورهایی که به خاطر انقلاب ایران تولید خود را بالا بردند خواستند که تولید خود را کاهش دهند.

منظور آنها پنج کشور عمده یعنی: عربستان سعودی، کویت، عراق، ونزوئلا و نیجریه بود، در حالیکه چند کشور دیگر نیز تا حدودی تولید خود را بالا برده بودند. ایرانیها گفتند که به قوانین و تصمیمات اوپک در رابطه با قیمت‌گذاریها گردن خواهند نهاد.

۵- برای اینکه ایران از نظر سیاسی خشنود شود و صنعت نفت ایران نیز بتواند روی پای خود بایستد، پنج کشور فوق توافق کردند که در صورت رسیدن سطح تولید نفت ایران به ۴ میلیون بشکه در روز، آنان به تدریج تولید خود را کاهش دهند. از آنجا که ایرانیها نمی‌دانستند سطح تولید چه خواهد بود و آیا خواهند توانست این سطح تولید را حفظ کنند، زمان مشخصی برای کاهش تولید پیشنهاد نشد، فقط در مورد آن به طور اصولی توافق به عمل آمد.

۶- وی گفت امارات متحده عربی در سال ۱۹۷۹ تولید خود را افزایش نداده اما سطح تولید ایران هر طور باشد امارات تولید خود را کاهش نخواهد داد. با وارد شدن حوزه «امرادا» - هس ارزنه» به مرحله تولید در اوایل تابستان جاری، سطح تولید ابوظبی به ۴۰۰۰۰ بشکه در روز خواهد رسید چون این حوزه جدید است و محدودیت تولید درباره حوزه‌های داخل و خارج از خشکی به کار می‌رود.

۷- در رابطه با قیمت‌ها، عربستان سعودی و امارات متحده عربی بر اساس توافق، قیمت نفت فصل چهارم را مطابق تصمیم کنفرانس اوپک در ابوظبی در سال ۱۹۷۸ بالا برده‌اند. ولی به خاطر بحرانی بودن وضع بازار اکثر اعضای اوپک خواستار تعیین اضافه بها نیز شده‌اند. اضافه بهای تعیین شده توسط الجزایر و نیجریه در رابطه با نفت سبک صادراتی مشکلاتی برای امارات متحده عربی به وجود آورده که نمی‌توانند به سطح قیمت نفت در فصل چهارم پای‌بند باشند (تلگرام جداگانه). وی تأکید کرد که اضافه بها به صورت اقدام میانه باقی می‌ماند و نمی‌تواند به عنوان اساس افزایش قیمت‌های بعدی اوپک نگریده شود. بسیاری از تغییرات به وضع بازار در سه ماه آینده بستگی دارد چون اوپک در نظر دارد در اجلاس آتی خود در ماه اوت به بحث درباره مسئله اضافه قیمت پردازد. در صورتی که تقاضا پایین بیاید آنها خواهند توانست یک سیستم منظم و منطقی به کار گیرند تا با فرمول قیمت‌گذاری سال ۱۹۷۸ کنفرانس در ابوظبی مطابقت داشته باشد.

۸- تأثیر عرضه بر قیمت نفت و تأثیر ناشی از آنها بر کشورهای رو به رشد نیز مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. وزیران توافق کردند که شرکت‌های نفتی اعلام کنند که نباید میزان نفت ارسالی به کشورهای رو به رشد را کاهش دهند و در صورت تخلف از این امر شدیداً تأدیب خواهند شد. در صورتی که کشورهای تولیدکننده مستقیماً به کشورهای رو به رشد نفت بفروشند، طبق توافق همان میزان نفت مورد نظر را به آنها خواهند داد.

وزیران نفت به کشورهای متبوع خود پیشنهاد خواهند کرد که این مسئله را مورد بررسی

قرار دهند لیکن پیشنهاد خاصی ندارند. وی گفت اگر این نتیجه حاصل نمی‌شد کشورهای رو به رشد می‌توانستند مستقیماً علیه اوپک شکایت کنند.

۹- اسماعیل گفت آن دسته از کشورهای اوپک که دارای تولید مازاد هستند پس از عادی شدن وضع تولید ایران سطح تولید خود را کاهش خواهند داد تا دیگر کشورهای اوپک بتوانند از «اضافه بها» استفاده کنند. وی با در نظر گرفتن ملاحظات فنی و نیاز به درآمد بیشتر باید گفت که موضوع سطح تولید موضوع بحث اصلی بوده است. او نیز معتقد است که در صورت کاهش سطح تولید عربستان سعودی، کویت و دیگران، وضع بازار و بحران آن ادامه نخواهد یافت، ولی گفت که هدف اجلاس تحقق نیازهای سیاسی ایران بوده است. علاوه بر این، سعودیها و کویتیها با افزایش تولید بیش از حد نیاز خود، به دیگران لطف می‌کرده‌اند. اسماعیل گفت اوضاع کنونی بازار و نه رویدادهای سیاسی خاورمیانه در تصمیمات مربوط به تولید و قیمت نفت دخیل بوده‌اند.

۱۰- با اشاره به اینکه دولت آمریکا انتظار دارد به زودی چند اقدام مورد نظر را اعلام کند تا درخواست آژانس انرژی بین‌المللی نیز برآورده شود، اسماعیل گفت اگر رئیس‌جمهور کارتر قبل از ۳ آوریل بیانیه انرژی خود را اعلام می‌کرد وضع خیلی بهتر از اینها می‌شد. وی از واشنگتن به خاطر درگیری در مسئله موافقت‌نامه مصر و اسرائیل قدردانی می‌کند ولی یادآور شد عدم اطمینان در خصوص چگونگی سیاست انرژی آمریکا در نتیجه تعدد دست‌اندرکاران، ایالات متحده در مورد این قضیه، فرصت مغتنم در اختیار طالبان قیمت گزاف‌تر نفت قرار می‌گیرد.

دیکمن

سند شماره ۵۴

۲۴ آوریل ۱۹۷۹ - ۴ اردیبهشت ۱۳۵۸

محرمانه

از: سفارت آمریکا، مسقط - ۰۶۶۶
به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی.
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در دوحه، کویت، لندن، منامه، تهران، توکیو.

موضوع: عمان در نظر دارد قیمت نفت خود را بالا ببرد

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- مشاور نفتی آمریکایی در وزارت کشاورزی، ماهیگیری، نفت و معادن محرمانه به سفارت اطلاع داده است که دولت عمان به شرکت «سی. ایتو» ژاپنی گفته است که قیمت نفت عمان از اول آوریل ۱۸ دلار برای هر بشکه خواهد بود و این شرکت در حال حاضر روزانه ۵۰۰۰۰ بشکه نفت برداشت می‌کند. پس از طرح این موضوع با شرکت ژاپنی، دولت عمان در نظر دارد همین موضوع را به دیگر خریداران نفت خود، شرکتهای گلف و شل نیز اطلاع دهد.

۳- در همین حال یک شرکت دیگر ژاپنی به دولت عمان اطلاع داده است که حاضر است نفت مورد نیاز خود را به قیمت ۱۸/۵ دلار خریداری کند. کمی پس از آن، یکی از واسطه‌های



مشهور و با تجربه کوییتی اعلام کرد که حاضر است با انعقاد یک قرارداد یک ساله هر بشکه نفت عمان را به قیمت ۱۹/۷ دلار بخرد. دولت عمان در حال حاضر به بررسی این پیشنهادها مشغول است.

۴- بنا به گفته مشاور آمریکایی، دولت عمان نمی‌داند چگونه اقدام نماید. قیمت‌های بیشتر اغوا کننده است، لیکن دولت عمان مایل است با خریدار، سهامدار و گرداننده مهم حوزه تولید شرکت نفت عمان، شرکت شل، روابط حسنه دیرین خود را حفظ کند.

۵- نظریه: سفارت مایل است ارزیابی وزارتخانه را در مورد وضع بازار نفتی دریافت کند. درست است که عمان در حال حاضر روزانه بیش از ۳۰۰۰۰۰ بشکه نفت به فروش می‌رساند، ولی این قیمت‌ها باید نصیب ما شود؛ احتمالاً نیز رابطه بسیاری با قیمت‌های موجود در بازار سیاه دارند و با قیمت‌های قراردادهای درازمدت نفتی مرتبط نیستند. با این وجود موضوع موازنه پرداخت‌های آمریکا و پیشنهاد ما در زمینه کنترل تورم وحشتناک به نظر می‌آید، به ویژه آنکه افزایش اخیر سطح تولید نفت ایران حتماً بر قیمت‌های بالای بازار سیاه در این چند ماه تأثیر منفی داشته است.

وایلی

سند شماره ۵۵

۴ می ۱۹۷۹ - ۱۴ اردیبهشت ۱۳۵۸

بدون طبقه‌بندی

از: اخبار آمریکا، واشنگتن دی - سی - ۱۲۰۶۵
به: سفارت آمریکا، جده
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در کویت، منامه، ریاض، امان، بیروت، خارطوم، تهران، تل‌آویو، مسقط، ابوظبی، داکا، اسلام‌آباد، دهلی‌نو، بغداد.

[موضوع]: مقاله مجله فورچون

(مطالب سرویس خارجی ذیل نباید منتشر گردد)

مقاله زیر تحت عنوان «مشکلات وزیر خارجه مردم ما در امور خاورمیانه» که توسط «جوآن کامرون» نگاشته شده در نشریه مورخ ۱۷ اردیبهشت مجله فورچون منتشر می‌گردد. (آغاز متن)
محیط کنونی، محیط کار عادی جیمز شلزینگر نبود. در سپیده‌دم، او دوربینی به دست گرفته و پرندگان را که در ساحل عربستان سعودی پرواز داشتند، تماشا می‌کرد. آن هم موقعی که از مذاکرات نفتی خود با مقامات دولتی این کشور فراغت یافته بود. افکارش از پرنده‌ها به مسئله‌ای متمرکز می‌شد که فکر او را از زمان تصدی وزارت دفاع در زمان رئیس‌جمهور نیکسون و فوراً به خود مشغول داشته بود. برای حفظ بهترین گنجینه جهان یعنی نفتی که در زیر شنهای کشورهای حوزه خلیج فارس نهفته است، چه باید کرد؟ او می‌دانست که اگر توازن یا تعادل قدرتها در منطقه به هم بخورد، به این گنجینه آسیب بسیار وارد خواهد آمد. گذشته از این، اینکه شوروی با چه سهولتی می‌تواند مداخله کرده و جریان نفت خلیج [فارس] را قطع



کند. اینکه خنثی‌سازی این خطر توسط آمریکا چقدر دشوار است نیز، فکر او را به خود مشغول داشته بود.

این موضوع مربوط به یک سال قبل بود. از آن موقع به بعد خطر بیشتر شده است. ایران که هنوز هم دستخوش انقلاب است می‌تواند ناآرامیها را به آن سوی مرزهای خود منتقل کند. قرارداد صلح بین مصر و اسرائیل گرچه موقعیت استراتژیک آمریکا را بهبود بخشیده ولی سبب تقویت و شدت احساسات ضدآمریکایی در سرتاسر خلیج [فارس] شده است.

ولی تا به حال هیچیک از این رویدادها نتوانسته است سبب کاهش یا توقف جریان نفت از مهم‌ترین صادرکننده آن یعنی عربستان سعودی گردد، نتایج قطع صدور نفت به خصوص از عربستان سعودی برای اروپا، ژاپن و کشورش بسیار ترس‌آور خواهد بود. بیش از نیمی از نفت مصرفی اروپا و ۵۸ درصد نفت مصرفی ژاپن از طریق عربستان سعودی، عمان، امارات متحده عربی، قطر، ایران، کویت، عراق و بحرین تأمین می‌گردد. در حال حاضر نفت این کشورها بخش نسبتاً کوچکی از واردات نفتی آمریکا را تشکیل می‌دهد که ۱۱ درصد است. ولی در سال ۱۹۸۵ بیش از نیمی از نیاز ما از طریق واردات تأمین خواهد شد و نفت خلیج [فارس] نیز نقش عمده‌ای در آن خواهد داشت.

هارولد براون، وزیر دفاع نیز اعلام داشت که خطرات نظامی که می‌توانند بر جریان نفت تأثیر داشته باشند «بسیار جدی و حاد بوده و ما باید خود را آماده مقابله با آنها بنماییم». این خطرات به اشکال گوناگون و به طور ناگهانی ظاهر خواهند شد. تصرف عمان توسط شورشیان تحت حمایت یمن جنوبی، «گلوگاه» نفتی خلیج فارس را که همان کانال ۱۹ میلی تنگه هرمز است به خطر خواهد انداخت. حملات تروریستی علیه حوزه‌های نفتی فاقد حراست عربستان سعودی و نیز علیه مراکز توزیع نفت این کشور می‌تواند سبب قطع جریان نفت گردد. بروز درگیری بین عراق و کویت یا عربستان سعودی در پی اختلافات دیرین ارضی نیز یک خطر واقعی دیگر به حساب می‌آید.

مهم‌ترین خطر که از نظر طراحان نظامی واشنگتن وقوع آن بعید است، حرکت آشکار شوروی به درون منطقه است. نفت خلیج [فارس] ممکن است برای شوروی و اقمارش از نظر اقتصادی بسیار اهمیت داشته باشد. گرچه شوروی فاقد ارز خارجی برای پرداخت قیمت نفت اعراب است، ولی دارای بیست و چهار لشکر زمینی و هفت لشکر هوای و حدود ۵۰۰ هواپیمای تاکتیکی درجه یک در ناحیه قفقاز و چهار تا شش فروند ناو جنگی مستقر در اقیانوس هند است. بنا به گفته براون این نیروها از آمادگی چندانی برخوردار نیستند ولی اگر قرار بر آغاز جنگ باشد یعنی بنا به گفته پنتاگون اگر «آمادگی درجه یک» آغاز شود، آمریکا نیز باید اقداماتی در جهت خنثی‌سازی آن به وجود آورد.

براون و برژینسکی مشاور امنیتی رئیس‌جمهور کارتر اعلام کرده‌اند که آمریکا از هرگونه اقدامی از جمله نیروی نظامی استفاده خواهد کرد تا منافع ما را در عربستان سعودی حفظ

نماید. لیکن طراحی یک اقدام نظامی در خلیج [فارس]، مقامات وزارت دفاع را دچار کابوس ساخته است. زیرا نیروهای مسلح شاه ایران که به عنوان یک عامل پدید آورنده ثبات اعتماد شده بود نتوانست به این مسئله بپردازد. یکی از مشاورین براون اعتراف می‌کند که در مورد نوع اقدام اضطراری آمریکا در خلیج [فارس] مطالعه چندانی نشده است. زمان هشدار تا چه حد است، چه نوع نیروهایی و با چه سرعتی باید توسط آمریکا به کار گرفته شود. علاوه بر این مشورت چندانی درباره مشخص شدن نیروهای هم‌پیمان آمریکا نیز به عمل نیامده است. دولت آمریکا معتقد است که در صورت بروز جنگ، آمریکا در اروپا متحدان چندانی نخواهد داشت. ولی، شواهد موجود در بریتانیا امیدوار کننده است، چون محافظه‌کاران این کشور پیشنهاد کرده‌اند که یک ناوگان مشترک متشکل از اروپا و آمریکا در جزیره دیه‌گو گارسیا که پایگاه دریایی انگلیس در اقیانوس هند است، تشکیل گردد.

بنا به گفته یکی از مقامات وزارت دفاع، با وجود اوضاع کنونی «گمان نمی‌رود» که آمریکا از نظر تعداد از آنچنان نیرویی جهت مقابله با خطرهای احتمالی علیه منافع اقتصادی خود برخوردار باشد، وی در تشریح می‌افزاید «این کشور، هرگز دارای نیرویی نبوده است که بتواند در نقاطی که تسلیحات استراتژیک نقش دافع ندارند منافع حیاتی خود را حفظ کند.» با یادآوری بحران موشکی سال ۱۹۶۲، یکی از مقامات عالی‌رتبه نظامی آمریکا می‌گوید «خلیج فارس، کوبای بعدی ما خواهد بود.»

آمریکا که فاقد یک استراتژی صریح و نیروهای مجری آن است، برای خنثی‌سازی خطرات آشکار به مذاکرات شدید و دیپلماسی ناوی متوسل شده است. هنگامی که در زمستان گذشته یمن جنوبی با کمک مستشاران کوبایی و آلمان شرقی و نیز با دریافت اسلحه از شوروی به یمن شمالی حمله‌ور شد، ناو هواپیمابر کانستلیشن و ناوچه‌های همراه آن به سرعت وارد دریای عربی شدند. ارسال این ناو هواپیمابر یک «هشدار جهانی» بود و به روسها خط تمایز ترسیم شده در خلیج فارس را نشان می‌داد، نمایش قدرت تا مدتها ادامه خواهد داشت. بنا به گفته پنتاگون پس از بازگشت کانستلیشن به وطن، ناو هواپیمابر دیگری جای آن را خواهد گرفت.

پرواز اسکادران اف - ۱۵ به عربستان سعودی، سودان و مراکش در همان زمان، نشانگر یک پیام دیپلماتیک متفاوت بوده که عربستان سعودی می‌بایست آن را دریافت کرده باشد. پس از سرنگونی شاه، عربستان سعودی در اعتماد به آمریکا به عنوان یک هم‌پیمان تردید پیدا کرده است، [آمد] با مأموریت این جت‌های جنگنده، واشنگتن به این کشور فهماند که در موقع لزوم به سرعت به یاری آن خواهد شتافت. دو فروند هواپیمای پیشرفته آواکس نیز که پس از پرواز اف - ۱۵، وارد عربستان سعودی شدند، نشان می‌دهند که آمریکا با پیشرفته‌ترین تجهیزات شناسایی خود به دفاع از حریم هوایی این کشور خواهد پرداخت.

علاوه بر کاربرد محتاطانه نیروی هوایی برای رسیدن به اهداف سیاسی، آمریکا در تلاش

است تا محدودیت نظامی خود را در این منطقه دور افتاده با یک استراتژی دوپهلوی از بین ببرد. طراحان سیاسی آمریکا می‌گویند یک جنبه این سیاست عبارت است از تقویت امنیت داخلی کشورهای حوزه خلیج [فارس] در برابر آنچه که دولت کارتر عدم ثبات سیاسی روزافزون نامیده است. طبق دید مقامات واشنگتن، فساد همه جانبه، ثروت بیش از حد و حضور تعداد بیشماری از کارگران فلسطینی و یمنی و دیگر کارگران خارجی این بی‌ثباتی را شدت می‌دهد. (تعداد کارگران خارجی در کویت به نسبت دو به یک از بومیان این کشور بیشتر است) کارگران مهاجر از امتیازات شهروندان کویتی برخوردار نیستند، گرچه مدتهای مدیدی در این کشور به سر می‌برده‌اند. این افراد ناراضی می‌توانند به سرعت توسط نهضتهای مخالف موجود در خاورمیانه به کار گرفته شوند. به منظور حفظ ثبات، وزارت امور خارجه آمریکا و پنتاگون درصدد ترغیب وحدت منطقه‌ای و افزایش کمکهای تسلیحاتی برآمده‌اند. ارسال تسلیحات به یمن شمالی در حال حاضر افزایش یافته است.

جنبه دوم استراتژی، که هنوز به مرحله اجرا گذاشته نشده است، یافتن راهی برای گسترش حضور آمریکا و یا حرکت سریع آن در منطقه خلیج [فارس] هنگام بروز بحران است. پیشنهاد معتدلی جهت افزایش میزان نیروهای ناچیز دریایی در خاورمیانه که هم‌اکنون شامل یک ناو موشک‌انداز، یک ناوشکن و یک ناو فرماندهی است، ارائه شده (ناو هواپیمابر کانستلیشن موقتاً از ناوگان هفتم به این منطقه مأمور شده است). پیشنهاد مهم‌تر عبارت است از تشکیل یک ناوگان جدید در اقیانوس هند. این ناوگان به اصطلاح پنجم، مرکب از یک ناو هواپیمابر، یک گردان نظامیان ضربتی مجهز به تانک که به وسیله ناو یا ناوهای دیگری به منطقه اعزام خواهد شد، توپخانه، هلیکوپتر و هواپیمای هاریر عمودپرواز خواهد بود. لیکن، برای به وجود آمدن این ناوگان جدید باید نیروی ناوهای هواپیمابر آمریکا از دوازده فروند بیشتر شود که هزینه آن نیز میلیاردها دلار خواهد بود.

طراحان دفاعی آمریکا هنوز هم از اقدامات لازم لجستیکی دوربرد برای اینچنین نیروی خاورمیانه‌ای وحشت دارند. با گذشت زمان، ممکن است قرارداد مصر و اسرائیل سبب انعقاد قراردادی شود تا بتوان از شبکه وسیع پایگاههای هوایی، دریایی موجود در این دو کشور بهره‌برداری کرد. اما در حال حاضر آمریکا فاقد پایگاههای زمینی در منطقه خلیج [فارس] است، ولی می‌تواند از تأسیسات دریایی بحرین واقع در سواحل عربستان سعودی و نیز یکی از پایگاههای هوایی سابق در جزیرهٔ مصیره استفاده محدود کند. پایگاه دیه‌گو گارسیا ۲۲۰۰ میل از منطقه دورتر و پایگاه دماغه «سویک» نیروی دریایی در فیلیپین نیز ۵۰۰ میل دورتر است. شاید بتوان با سعودیها به توافق رسید تا با گسترش پایگاههای موجود نظامی آن کشور، آمریکا نیز بتواند از آنها استفاده کند. یکی دیگر از راه‌حلهای جلب توافق جهت ذخیره‌سازی قبلی تجهیزات است تا بتوان در مواقع ضروری از آنها استفاده کرد. این تلاشها تا به حال موفق نبوده است. کشورهای حوزه خلیج فارس خواستار حمایت

بدون حضور آمریکا هستند. طی یک همه‌پرسی از سفیران آمریکا در کشورهای منطقه معلوم شد که ایجاد نیروهای زمینی و یا افزایش نیروهای دریایی در منطقه به جای تقویت کشورهای ذریبط آنها را ضعیف‌تر خواهد کرد و گروه‌های تندرو از احساسات «ضدامپریالیستی» که از دیرباز یعنی زمان استفاده از سرزمینهای عربی به عنوان مستعمرات توسط قدرتهای اروپایی و انگلیسی در اذهان باقیمانده، بهره‌برداری خواهند کرد.

نظریات سفیر کویت در آمریکا، خالد محمدجعفر نمایانگر ابهام موجود در طرز تفکر بسیاری از کشورهای حوزه خلیج [فارس] است ولی با کمال بی‌توجهی می‌گوید: «هیچکس از شما نخواهد خواست که وارد منطقه شوید چون ما نمی‌دانیم که خطر از کدام طرف متوجه ما شده است.» وی معتقد است که حمله عراق به کویت و یا تهاجم شوروی به منطقه نوعی خیال‌پردازی است ولی آیا هیچکس نگران امکان خرابکاری فلسطینی‌ها و یا یمنی‌ها در کویت نیست؟ وی در پاسخ می‌گوید: «این حرف مضحک است چون آنها برادران ما هستند.» بنا به گفته سفیر، کشورش مهم‌تر از هر چیز از آن می‌ترسد که مبدا درگیر مناقشات بین آمریکا و شوروی و یا دیگر قدرتها بشود. وی علاوه بر این نگران بهره‌برداری آمریکا از اسرائیل به عنوان یک نیروی نظامی است. گذشته از این، جعفر به آمریکا به عنوان یک هم‌پیمان اعتماد ندارد و می‌گوید «دوستی شما با شاه برای او چه فایده‌ای داشت؟ شما ۴۰۰۰۰ نفر در ایران داشتید، آنها در آنجا چه می‌کردند؟ شما شاه را وادار کردید تا برای خرید هواپیماها و دیگر تسلیحات هزینه‌های گزافی بپردازد، ولی او رفته است و هواپیماهایش نیز ساقط شده‌اند.» امروزه در خاورمیانه همه اینگونه صحبت می‌کنند. ولی با این حال جعفر صریحاً می‌گوید که کویت به آمریکا به عنوان یک دوست واقعی ارجح می‌نهد، گرچه طبق ادعای وی شرکت‌های نفتی آمریکایی در رابطه با پرداخت‌های نفتی کویت را فریب می‌دادند.

اکثر مقاماتی که با طرح‌های مربوط به بحران خاورمیانه سر و کار دارند، معتقدند که این طرز فکر ابهام‌آمیز عربی علیه آمریکا در آینده نزدیک تغییر نخواهد کرد. یعنی آمریکا باید به نظامیان، ناوها و هواپیماهای خودش که هزاران میل دورتر از خلیج فارس مستقر شده‌اند متکی باشد تا بتواند هرگونه نیاز نظامی خاورمیانه‌ای را تأمین کند.

در تئوری، آمریکا دارای نیروهای قراردادی غیرهسته‌ای است که قادرند از پس یک جنگ عمده برآیند، که معمولاً «استعداد جنگی ۱/۲» می‌نامند. مهم‌ترین نیروهایی که آمریکا طرح‌ریزی کرده تا در مواقع ضروری در خاورمیانه به کار ببرد و پنتاگون آنها را استعداد نیمه‌جنگی می‌نامد، مرکب است از چهار تا پنج لشکر دریایی و ارتش ۹۲۰۰۰ نفره، و پنج تا شش جناح هوایی و دریایی توأم با ۷۲ تا ۱۰۲ فروند هواپیمای تاکتیکی در هر یک از جناحها. پنتاگون می‌تواند بدون کاهش نیروهای موجود در نقاط دیگر یک یا دو گروه هواپیما (با به طور موقتی) شامل ۹۵ هواپیما به این نیروها بیافزاید. ویلیام کافمن استاد انستیتو تکنولوژی ماساچوست که از سالهای دهه ۱۹۶۰ با وزیران دفاع در بخش طراحی همکاری داشته،

می‌گوید اگر این نیرو همیشه آماده بماند و تمرینات لازم انجام دهد می‌تواند در برابر هرگونه خطری که منطقه خلیج [فارس] را تهدید نماید، به عنوان یک «دافع بالقوه» عمل کند.

اولین نیروهایی که به خاورمیانه اعزام خواهند شد عبارتند از لشکر ۸۲ هوابرد فورت براگ کارولینای شمالی و لشکر ۱۰۱ هوابرد فورت کامپ بل کنتاکی که هر یک به ترتیب دارای ۱۵۲۰۰ و ۱۷۹۰۰ نفر نیروی انسانی می‌باشند. هر دو واحد مزبور از واحدهای سبک پیاده به شمار رفته و فاقد تانک و توپخانه سبک هستند و به جای مقاومت طولانی در برابر نیروهای زرهی دشمن تنها به عملیات ضربتی سریع می‌پردازند. چتربازان لشکر ۸۲ بسیار مجرب هستند، گرچه فرمانده آنها می‌گوید که این لشکر از نظر افراد وظیفه و بعضی از تجهیزات دچار کمبودهایی است. در لشکر ۸۲ همیشه یک هنگ به حالت آماده‌باش است. درست هجده ساعت پس از صدور فرمان، عناصر اولیه هنگ مزبور همراه با جیپ‌ها، کامیون‌ها و توپخانه‌های سبک چتردار آماده‌اند تا فرودگاه پاپ را ترک کرده و با هواپیماهای حمل و نقل عازم جبهه مورد نظر شوند. طرح تمرینات نشان می‌دهد که این لشکر قادر است ۲۰۰ نفر را در عرض ۳۵ ساعت، ۱۲۰۰ نفر را در ۴۸ ساعت، ۳۰۰۰ نفر را در عرض ۸۲ ساعت و کل لشکر را در عرض ۲۶۴ ساعت، آن هم در صورت موجود بودن تعداد کافی هواپیماهای حمل و نقل، از کارولینا به ترکیه منتقل سازد.

بنا به دلایل منطقی پنتاگون نمی‌خواهد فاش سازد که چه واحدهایی این نیروی به اصطلاح ضربتی را در شرایط متفاوت تشکیل می‌دهند. ولی، تحلیل‌گران جنگ در خارج از وزارت دفاع سناریوهای مختلفی طرح‌ریزی کرده و مشخص کرده‌اند که چه نوع نیرویی باید عکس‌العمل لازم را در شرایط خاص نشان دهد. یکی از این تحلیل‌گران جفری رکورد مشاور نظامی سناتور سام نان از ایالت جورجیاست که قبلاً نیز عضو بخش تجزیه و تحلیل معروف انستیتیوی بروکینگز بوده است. «رکورد» به پیدایش چهار سناریو کمک کرد که به نوبه خود سبب پیدایش این مقاله گردید. حدود این سناریوها از یک کودتا در عربستان سعودی توسط تروریست‌ها و یا افسران ناراضی (احتمال متوسط) شروع و تا هجوم شوروی از ایران به سمت کشورهای خلیج [فارس] (احتمال کم) خاتمه می‌یابد.

البته این‌گونه بازیهای جنگی تمرینات کاملاً ساده‌ای هستند که هر چند بر فرض استوار هستند، ولی بسیار ارزشمند می‌باشند چون طراحان استراتژی‌ها با استفاده از آنها می‌توانند پیش‌بینی کنند که چه نیرویی برای مقابله با دشمن و یا دیگر سناریوها موفق می‌شوند ولی در اجرای آنها با موانع و محدودیتهایی روبرو خواهند شد. ابتدا باید گفت که آمریکا هنوز از چنان استعداد حمل و نقل هوایی برخوردار نیست که بتواند همزمان نیروی ضربتی پیاده و نیاز جناحهای تاکتیکی هوایی را از نقطه‌ای به نقطه دیگر اعزام کند.

بار اصلی نقل و انتقال افراد و تجهیزات بر دوش بخش نقل و انتقال استراتژیک نیروی هوایی یعنی ۷۰ فروند هواپیمای غول‌آسای C-5A و ۲۳۴، هواپیماهای کوچکتر باری C-1۴۱، و

نیز چند صد تانک ۱۳۵ - KC سوخت رسانی قرار خواهد گرفت. طبق محاسبه طراحان لشکر ۸۲، انتقال یک لشکر از آمریکا به خاورمیانه یعنی ۶۰۰۰ میل دورتر نیاز به ۹۲۰ فروند هواپیمای C-۱۴۱ دارد. اسکادران‌های تاکتیکی هوایی مجبورند با استفاده از همین بخش تجهیزات و افراد پشتیبانی خود را به منطقه نبرد اعزام کنند.

به طور مثال، ارسال دوازده فروند هواپیمای اف - ۱۵ از لانگ‌لین ویرجینیا به عربستان سعودی از زمستان گذشته سبب شد که چهل و دو فروند هواپیما شامل تانکرهای KC-۱۳۵، C-5 A، C-۱۴۱ و دیگر هواپیماهای پشتیبانی نیز آنان را در سفر همراهی نمایند (که چندین میلیون دلار خرج برداشت). گرچه کمبود در زمینه انتقال هوایی به سهولت قابل سنجش نیست، ولی افسران نیروی هوایی می‌گویند که مشکل عمده حرکت همزمان نظامیان و اسکادران‌هاست.

انجام عملیات در گرمای طاقت‌فرسای خاورمیانه نیز وحشتناک است. ناوهای هواپیمابر مستقر در منطقه خلیج [فارس] دریافته‌اند که سیستم‌های خنک‌کننده آنها نمی‌توانند دستگاه‌های حساس الکترونیکی را خنک نگاه دارند. بنا به گفته سرلشکر «ادوارد جی مگار» تانک‌ها و دیگر تجهیزات مکانیزه در اثر گرما و طوفان شن به سرعت فرسوده می‌شوند. ابزار مخصوص تعمیر تانک‌ها نیز باید در سطل‌های آب فرو برده شوند تا گرمای آنها از بین رفته و قابل استفاده باشند. حرارت ۱۲۰ درجه منطقه خلیج [فارس] مانور نیروهای پیاده را محدود می‌سازد. سپهد «ولتی وارنر» فرمانده سپاه ۱۳ هوایرد که لشکر ۸۲ وابسته به آن است می‌گوید «بین ساعات ۱۱ صبح تا ۲ بعد از ظهر کاری نمی‌توان کرد مگر آنکه به حفر چاله‌ای پرداخت تا از دید تانک‌ها و هواپیماهای دشمن محفوظ ماند.» «طبق گفته سپهد وارنر، تدارک آب افراد پیاده در این گرمای سوزان یک کار لجستیکی بسیار دشوار است چون هر نفر روزانه به دوازده گالن آب نیاز دارد.» گذشته از مشکلات عملیاتی ویتنام، لازمه کاربرد مؤثر نیروهای ضربتی، قاطعیت سیاسی است. سوابق کارتر نشان می‌دهد که اتخاذ این تصمیمات با کندی صورت می‌گیرد. اینها نیز شامل زنجیره‌ای از تصمیمات ناچیز و کم‌اهمیت است که معمولاً در محفل کوچک از مقامات مرکب از رئیس‌جمهور و وزیران دفاع و خارجه و مشاور امنیت ملی اتخاذ می‌گردد. پس از آغاز بحران ایران، کاخ سفید هرگز نتوانست در مورد زمان دقیق مداخله، تصمیم‌گیری کند. این وضع در تصمیم‌گیری ناهنجار مربوط به حرکت ناو هواپیمابر کانستلیشن از فیلیپین به منطقه خلیج [فارس] که پس از حرکت این ناو از سنگاپور صادر شده بود، منعکس گردید.

محافظه‌کاری طبیعی مرتبط با هرگونه حرکت نظامی به خاطر «فاجعه ویتنام»، بیشتر مشهود شده است. تجارب جنگ مزبور تأثیراتی بسیار منفی بر اذهان مشاورین عالی‌رتبه کارتر بر جای گذاشته است. به همین دلیل آنها معتقد شده‌اند که تنها راه حفظ تداوم جریان نفت خاورمیانه روشهای دیپلماتیک است و نه روشهای نظامی. یکی از مقامات وزارت دفاع که نقش مهمی در جنگ ویتنام داشت می‌گوید: «در نتیجه این تجربه، تردید مربوط به کارایی قدرت نظامی در

حل مشکلات سیاسی داخلی خلیج فارس و یا نقاط دیگر افزایش یافته است.» در حالیکه بعضی این تردیدها را معادل عدم قاطعیت خوانده‌اند. این مقام می‌گوید «ما ترجیح می‌دهیم که آن را منطقی و درایت بخوانیم.»

اکثر نمایندگان کنگره آمریکا نیز به همین علت خواهان کاربرد نیرو در خارج نیستند. قطعنامه قدرتهای جنگی که در سال ۱۹۷۳ تصویب گردید رئیس جمهور را ملزم می‌سازد که در صورت نیاز به درگیر شدن نیروهای آمریکایی در عملیات مرزی، ابتدا باید کنگره را در جریان امر قرار دهد.

مقامات دولت آمریکا نیز معتقدند که تنها در صورت مداخله مستقیم شوروی است که کنگره آمریکا با استفاده از نظامیان آمریکایی در منطقه خلیج فارس موافقت خواهند کرد. ارسال جنگنده‌های غیر مسلح اف - ۱۵ به خاورمیانه در عین حماقت، نشانگر این محافظه‌کاری، حتی از نظر بعضی از مشاورین کارتر است و این کار تحت‌تأثیر محدودیتهای ناشی از قطعنامه ۱۹۷۳ صورت گرفت.

ولی اگر آمریکا مشخص نکند که در چه زمان و مکانی به مقاومت در منطقه خلیج [فارس] خواهد پرداخت خطر عظیمی را به جان خریده است. در مورد ایران نیز سیاستمداران آمریکا آن قدر تأمل کردند که فرصت‌های لازم برای هرگونه اقدام کاملاً از بین رفت. این وضع می‌تواند سبب پیدایش وضعی شود که در آن یک نیروی متخصص با محاسبه اینکه آمریکا اقدامی نخواهد کرد به یک حرکت تهاجمی دست بزند، ولی با عکس‌العمل خشونت‌آمیزی از سوی آمریکا مواجه خواهد شد که جای مانوری برای او باقی نخواهد گذاشت.

یکی از مشاورین امنیتی کارتر می‌گوید: «اگر خدا نفت اعراب را کمی نزدیک به غرب قرار می‌داد، ما مشکل کنونی را نداشتیم» این گفته ممکن است مربوط و یا نامربوط به مطلب ما باشد.

ولی جای تأسف است که این مقدار نفت در نقاطی واقع شود که از نظر سیاسی اسباب مزاحمت هستند. ولی نباید به این بهانه از طراحی دقیق جهت حفظ منافع آمریکا در خلیج فارس، یا از بین بردن نقائص موجود در نیروهای ضربتی و یا وسایل انتقال هوایی، دریایی آنها طفره رفت. آنچه هنوز لاینحل مانده مسئله پایگاههای نظامی است که علت آن نیز عدم استفاده از تأسیسات موجود در آفریقای جنوبی و یا عدم گسترش پایگاههای دیه‌گو گارسیا توسط آمریکاست. کشورهای عرب صمیمی هنوز نمی‌دانند که آیا ما مایل هستیم نسبت به منطقه آنها به تعهداتی عمل کنیم یا خیر؟

بنا به گفته جورج بال معاون اسبق وزیر خارجه آمریکا، کنگره و کاخ سفید آمریکا را در برابر فشارهای اعمال شده از طرف کشورهای که ما به نفت آنها نیازمندیم آسیب‌پذیر ساخته‌اند. بخش اعظم مشکلات آمریکا در خلیج [فارس] ناشی از اعمال و رفتارهای خود آنان بوده است.

سند شماره ۵۶

۱۱ ژوئیه ۱۹۷۹ - ۲۰ تیر ۱۳۵۸

سری

از: سفارت آمریکا، ابوظبی - ۱۸۰۵ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در الجزیره، بن، بغداد، کاراکاس، دمشق، دوحه، جاکارتا، جده، کویت، لاگوس، لندن، منامه، مسقط، آتاوا، ژنو، اسلو، پاریس، توکیو، تهران مرجع: الف) ابوظبی ۱۲۹۲، ب) ابوظبی ۱۳۵۴، ج) ابوظبی ۱۶۹۵

موضوع: چه کسی خط‌مشی نفتی امارات متحده عربی را

تعیین می‌کند - مباحثات شدت می‌گیرد

۱- (سری - تمام متن)

۲- خلاصه: توجه به نقش مدیرکل شرکت نفت ابوظبی، «حمرا کروها» در تعیین خط‌مشی نفتی امارات متحده عربی یا حداقل ابوظبی، در نتیجه دو رویداد، از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. یکی از این رویدادها چاپ مقاله‌ای در نشریه حوادث مورخ ۶ ژوئیه است که توسط سالم [اللوژی] نوشته شده و در آن از «کروها» به عنوان تنها شخصی که تصمیمات مربوط به سیاست نفتی امارات متحده عربی را اتخاذ می‌کند یاد کرده و می‌نویسد که وزارت نفت در این زمینه فاقد هرگونه نقشی است. رویداد دیگر استعفای احتمالی عبدالله اسماعیل معاون وزیر نفت ابوظبی است که به علت عدم توافق موجود در رابطه با خط‌مشی تولید و قیمت نفت در تاریخ ۱ اکتبر تسلیم خواهد شد، چون سیاست شرکت ملی نفت ابوظبی، روابط نفتی امارات متحده عربی و عربستان سعودی را تیره ساخته است.

رفتن اسماعیل بر وزیر نفت، عتیبه فشار بسیاری وارد خواهد کرد تا یا مجبور به استفاده از قدرت خود به عنوان وزیر نفت شود و یا به خاطر عدم تمایل به درگیر شدن با شرکت ملی نفت ابوظبی و مدیر آن شیخ «طحنون بن محمد» که شدیداً تحت تأثیر «کروها» است تحقیر شود. پایان خلاصه.

۳- در تاریخ ۱۱ ژوئیه قبل از عزیمت عبدالله اسماعیل برای گذراندن چند هفته تعطیلات با وی که معاون وزیر نفت است تماس گرفتم. اسماعیل در تأیید آنچه که شنیده بودم گفت که دولت ابوظبی را از تاریخ ۱ اکتبر ترک خواهد گفت و شیخ خلیفه ولیعهد ابوظبی نیز استعفای او را پذیرفته است. وی تا سپتامبر ۱۹۷۹ سرپرستی هیأت اداره کننده اوپک را به عهده خواهد داشت. اسماعیل گفت سعی داشت سال قبل استعفا دهد لیکن وزیر خارجه، سویدی او را از این کار منع کرده بود و وزیر نفت، عتیبه نیز مانع از این کار شده بود. ولی در نتیجه سیاست نفتی امارات متحده عربی از سپتامبر ۱۹۷۹ و کنفرانس اخیر اوپک او طاقت خود را از دست داده و پس از ۱۱ سال خدمت برای وزارت نفت ابوظبی و ۲۸ سال تجربه در امور نفتی، دولت این امارت را ترک می‌گوید (وی قبلاً معاون وزیر نفت عراق بود).

۴- اسماعیل گفت علت استعفای وی این است که احساس می‌کند نمی‌تواند نقش مؤثری



ایفا کند، ولی تلاش می‌کرد تا بر اساس تجربه عمیق خود در امور نفتی در صدد مشاوره و ارائه توصیه برآید، ولی متوجه شده که شرکت ملی نفت ابوظبی همیشه عکس آن تصمیمات را اتخاذ می‌کند.

در حال حاضر سیاست نفتی ابوظبی کاملاً توسط حمرا کروها (دومین نفر پس از سوناتراک) تعیین می‌گردد. امتناع وی از پذیرفتن پیشنهادات وزارت نفت برای افزایش موقتی تولید، عدم پیروی از سیاست مربوط به قیمت‌گذاری و اصرار بر اینکه سیاست قیمت‌گذاری نفتی امارات متحده عربی باید در مقایسه با نفت الجزایر و نه عربستان سعودی در هفت ماه گذشته تعیین گردد، به وجهه سیاسی امارات متحده عربی لطماتی وارد ساخته و روابط نفتی آن را با عربستان سعودی تیره کرده است. وی گفت در صورتی که نتواند در تصمیم‌گیریها مؤثر واقع شود نباید در مجامع بین‌المللی به عنوان نماینده امارات متحده عربی حاضر شود.

۵- یادآور شدم که در مورد نقش کروها و تغییر سیاست نفتی امارات متحده عربی و جدا شدن آن از سیاست نفتی عربستان سعودی در نشریه الحوادث مورخ ۶ ژوئیه که در لندن منتشر می‌گردد توسط سردبیر «سالم اللوزی» مطالبی نوشته شده (بندهای مربوط به این موضوع به مخاطب‌های مناسب ارسال می‌گردد). اسماعیل گفت در دولت متبوعش این مقاله را دریافت کرده و همه از وجود آن مطلع هستند، ولی نمی‌داند که تأثیر آن چیست. وی گفت شاید محرک اصلی سعودیها باشند. در همین رابطه وی به مطالب بسیار جالب توجهی در رابطه با نقش کروها در کنفرانس اوپک اشاره کرد. پس از تشکیل کنفرانس سعودیها و امارات‌ها توافق کردند که با تشکیل یک گروه، سقف قیمتی را پدید آورند (که معمولاً تلاش بر این است که قیمت جدیدی تعیین شود). به نماینده امارات متحده عربی یعنی شیخ یحیی دستور داده شد تا اختلاف قیمت‌ها را که از تاریخ اول ژانویه وجود داشت اعمال نماید. پس از پافشاری نماینده امارات متحده عربی در این خصوص، نماینده الجزایر در کمیته که گویا قنوعی بود جلسه را ترک کرد تا پس از بازگشت کروها به جلسه بازگردد. وی گفت او با اظهارات یحیی به عنوان موضع امارات عربی موافق نیست و اعلام داشت که امارات موافق دو برابر شدن تفاوت قیمت‌هاست چون همین فرمول‌بندی در مورد نفت خام ابوظبی به کار رفته است (به بند ۵ مرجع (پ) رجوع شود). کروها در اوپک به این گروه گفته بود که باید قیمت مورد نظر خود را در رابطه با قیمت نفت خام الجزایر تعیین کند نه قیمت نفت عربستان سعودی. کمی پس از آن، معاون وزیر نفت عربستان سعودی، «العزیز التركي» با هیأت امارات عربی تماس حاصل کرد و سؤال نمود که چرا تغییر سیاست داده‌اند. یمانی وزیر نفت عربستان سعودی نیز از عتیه به خاطر همین موضوع ناراحت بود و به نظر اسماعیل این امر بر روابط نفتی صمیمانه امارات متحده عربی و عربستان سعودی لطماتی وارد می‌سازد.

۶- اسماعیل گفت که وی سریعاً از وزیر نفت، عتیه (که البته مدیرکل شرکت نفت ابوظبی نیز هست) خواست که درحین پذیرش استعفای وی دو موضوع را در نظر بگیرد، یکی اینکه

یا به عنوان وزیر و مدیرکل نفتی عقاید خود را ابراز کند و یا اینکه مسئولیت عکس‌العمل خصمانه سیاسی علیه امارات عربی را به عهده گیرد و اجازه دهد که به خاطر این بی‌تفاوتی تحقیر گردد. او نیز منتظر استعفا بود و مقاله اللوزی نیز بحث و جدل درباره این سؤال را که آیا امارات متحده عربی نیز باید سطح تولید نفت خود را بالا ببرد یا نه تشدید خواهد کرد. وی گفت عتیبه سعی دارد شیخ زاید و ولیعهد ابوظبی، شیخ خلیفه را متقاعد سازد که اجازه دهند تولید نفت داخل خشکی ابوظبی در سال ۱۹۸۰ حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار بشکه در روز افزایش یابد. از آنجا که این تصمیم را در ماه سپتامبر هر سال اتخاذ می‌کنند، وی امیدوار بود که قبل از عزیمتش «اخبار خوب» را دریافت کند. وی احساس می‌کرد که امارات متحده عربی دلایل سیاسی بسیار قاطعی در اختیار دارد که بر طبق آنها به جهان ثابت کند یک کشور تولید کننده مسئول است. وی متقاعد شده بود که افزایش تولید به خصوص در زمانی محدود و به علت وجود تأسیسات تزریق آب متعدد، به ذخایر نفتی آسیبی وارد نخواهد ساخت. علاوه بر این نشان داده می‌شد که تصمیمات مربوط به سیاست نفتی را امارات متحده عربی بدون در نظر گرفتن منافع الجزایر اتخاذ می‌کند.

۷- نظریه: هنوز معلوم نیست که آیا تبادل نظر و گفتگو درباره شناخت کسانی که تصمیمات نفتی امارات را اتخاذ می‌کنند منجر به افزایش تولید نفت این امارات خواهد شد و یا سیاست‌های نفتی امارات (و یا حداقل ابوظبی) با سیاست سعودیها منطبق خواهد شد یا خیر؟ گروهها هنوز هم بر شیخ «طحنون» سرپرست شرکت نفت ملی ابوظبی که تنها چهره سیاسی ناآشنا به موارد فنی است نفوذ بسیاری اعمال می‌کند. از آنجا که عتیبه نیز در گذشته سعی نکرده در برابر طحنون ایستادگی کند (چون عتیبه شیخ نیست ولی طحنون یکی از اعضای قدرتمند شاخه بنی محمد از خانواده حاکمه است) در حال حاضر نیز به این کار خود ادامه خواهد داد. این موضوع باید وسیله شیخ زاید حل شود مگر آنکه زاید نیز تصمیم بگیرد که سیاست نفتی را در اختیار طحنون و گروهها باقی بگذارد. نخست‌وزیر و حاکم دومی، شیخ راشد نیز مایل نیست در سیاست مربوط به تعیین قیمت نفت دخالتی داشته باشد. با در نظر گرفتن مشکلات ارزی دومی، راشد نیز سعی کرده است از منطبق شدن سیاست نفتی دومی و ابوظبی جلوگیری نماید (به تلگرام جداگانه توجه شود) علاوه بر این راشد نمی‌خواهد کاری کند که راه مداخله دولت فدرال در سیاست‌های نفتی هر یک از امارات که بر اساس قانون اساسی باید توسط خود آنها مشخص شود، باز گردد.

۸- استعفای اسماعیل سبب محروم ماندن ابوظبی از وجود یک مسئول دولتی لایق خواهد شد. علاوه بر این سفارت نیز ناظر مطلع و رک‌گوی خود را در زمینه امور اوپک از دست خواهد داد. جانشین او هنوز مشخص نشده است. دولت سعی دارد یکی دیگر از اهالی ابوظبی را که دارای شرایط لازم باشد بیابد ولی کاندیدای مناسبی نیافته است. اسماعیل که یک حقوقدان است در نظر دارد دفتری در لندن ایجاد کرده و به عنوان مشاور حقوقی در امور

مربوط به امتیازات نفتی عمل کند. ولی ولیعهد ابوظبی، شیخ خلیفه از او خواسته که این دفتر را در ابوظبی ایجاد کند تا او بتواند از تجارب او بهره بگیرد. اسماعیل گفت که او برای مدتی این کار را خواهد کرد.

سند شماره ۵۷

محرمانه

۱۶ ژوئیه ۱۹۷۹ - ۲۵ تیر ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، ابوظبی - ۱۸۳۸
به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در بن، بغداد، کینهاک، دوبلین، لندن، لوکزامبورگ، پاریس، رم، تهران، توکیو، جده، بروکسل.

مرجع: الف) پاریس ۲۲۵۹۶، ب) ۷۶ ابوظبی ۳۳۷۵، ج) ابوظبی ۳۳۹

موضوع: خریدهای دوجانبه نفتی فرانسه

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- تحلیل جالب سفارت آمریکا در پاریس در مورد افزایش قراردادهای خرید نفتی دوجانبه فرانسه از کشورهای عرب صادر کننده نفت در امارات متحده عربی نیز منعکس است. طی ملاقات اخیر عتیبه وزیر نفت فعلی امارات گفت که وزیر خارجه فرانسه، «فرانسوا پونس» طی سفر خود به امارات در ماه سپتامبر (مرجع ب) از عتیبه سؤال کرده بود که آیا امارات متحده عربی می‌تواند روزانه ۶۰۰۰۰ بشکه نفت بیشتر در اختیار شرکت نفت فرانسه قرار دهد. عتیبه نیز پاسخ داده بود که ابوظبی این مقدار نفت مازاد را در اختیار ندارد ولی امارات متحده باید تصمیم جدیدی درباره افزایش تولید اتخاذ نماید. وی قول داد که امارات متحده عربی برای کمک در این راه از هیچ کاری فروگذار نخواهد کرد. همین موضوع طی سفر سفیر سیار فرانسه بار دیگر در ماه ژانویه مطرح گردید (مرجع پ).

۳- بنا به گفته عتیبه، پس از این تماس فرانسویها، شیخ زاید و دیگر رهبران امارات متحده عربی به شرکت ملی نفت امارات و وزارت نفت دستور دادند که به خاطر نقش مفید فرانسه در جهان عرب از نظر سیاسی امکانات موجود را بررسی نمایند. جالب توجه این است که مدیر شرکت نفت ملی امارات، حمرا کروها صریحاً مخالفت خود را نسبت به افزایش میزان نفت ارسالی به فرانسه اعلام کرد. کروها گفته است که نفت مازاد باید در بازار سیاه و با استفاده از قیمت‌های بالا به فروش برسد. ولی به محض اینکه وزارت نفت مطلع شد شرکت نفت محصول مازاد خود را در ماه فوریه در بازار سیاه به فروش رسانیده (بنا به گفته عتیبه این عمل متوقف شده است) و از آنجا که امارات متحده عربی قادر نخواهد بود در آینده نزدیک نفت مازادی بیش از این تولید کند (عتیبه امیدوار است که این وضع در سال ۱۹۸۰ تغییر یابد) ترتیبی داده شد تا روزانه ۳۰۰۰۰ بشکه نفت دیگر به فرانسه تحویل داده شود.

۴- سؤال شد که آیا کاهش ۵ درصدی برداشت شرکت‌های مهم نفتی مرتبط با شرکت ملی



نفت امارات نصیب فرانسه خواهد شد؟ عتیبه در پاسخ اظهار داشت که ۳۰۰۰۰ بشکه مورد نظر از دو منبع تأمین خواهد شد (الف) شرکت ملی نفت امارات طبق قراردادی می‌تواند میزان برداشت شرکت‌ها را تا ۵ درصد پایین بیاورد (ب) و می‌تواند مقداری از نفتی را که قرار است در داخل پالایش شود در این راه مصرف کند.

۵- تذکر: در گزارشاتمی که جدیداً و به تاریخ ۹ ژوئیه به دست ما رسیده (فقره ۷)، گزارشی حاکی است که عتیبه نیز اختصاص ۳۰۰۰۰ بشکه نفت اضافی به فرانسه را تأیید کرده است.

دیکمن

سند شماره ۵۸

۳ اوت ۱۹۷۹ - ۱۲ مرداد ۱۳۵۸

سری

از: سفارت آمریکا، ابوظبی - ۱۹۴۲ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در بن، بروکسل، بلگراد، کپنهاگ، قاهره، دوبلین، دوحه، جدّه، لندن، لوکزامبورگ، منامه، مسقط، پاریس، رم، تهران، توکیو.

موضوع: ابتکار دیپلماتیک امارات متحده عربی

۱- (سری - تمام متن)

۲- خلاصه: در نتیجه سفر کوتاه اخیر ژیسکاردستن رئیس‌جمهور فرانسه به ابوظبی، امارات متحده عربی به طور ضمنی طرحی را شروع کرده که نظرات اعراب را راجع به مسایل زیر بداند. الف: گسترش گفتگوهای اروپایی - عربی به طوری که آفریقا را نیز دربرگیرد.

ب: بررسی احتمال مذاکرات تولیدکننده - مصرف‌کننده در سطح دولتها راجع به عرضه نفت و قیمت آن به منظور وادار ساختن اروپا جهت پشتیبانی بیشتر از اعراب.

پ: بررسی مواضع راجع به امنیت خلیج فارس در سایه گفتگوهای اخیر در آمریکا درباره استفاده نیروی نظامی ویژه برای امنیت خلیج فارس و اخطار اخیر وزارت امور خارجه آمریکا به نفتکش‌هایی که از تنگه هرمز عبور می‌کنند.

۳- در دیدار خداحافظی با راشد عبدالله وزیر امور خارجه امارات متحده عربی، من از وی راجع به هدف مسافرت اخیرش به کشورهای خلیج فارس که شامل عربستان سعودی، عراق، کویت، بحرین، قطر و عمان می‌شد سؤال کردم. روزنامه‌ها گزارش کرده بودند که وی پیامهایی از جانب شیخ زاید رئیس امارات متحده عربی به این دولتها رسانیده است. همچنین به گزارش روزنامه کویتی الوطن، در نتیجه این طرح امارات متحده عربی، کشورهای عربی حوزه خلیج فارس توافق کرده‌اند یک کنفرانس در سطح رؤسای کشورها برای بحث درباره وقایع سیاسی منطقه خلیج [فارس]، بحران جهانی انرژی و استراتژی واحد راجع به مسئله کاهش تولید نفت خام تشکیل شود. من اشاره کردم این غیرمنتظره است که امارات متحده عربی چنین طرح دیپلماتیکی ارائه دهد.



۴- عبدالله گفت که مقاله روزنامه الوطن درست نیست. وی گفت که مسافرتش به کشورهای حوزه خلیج [فارس] که در آینده شامل کشورهای دیگر عربی خواهد شد (او مخصوصاً از لیبی نام برد)، نتیجه توقف اخیر ژیسکاردستن رئیس‌جمهوری فرانسه در ابوظبی است (یادداشت‌های شماره ۱۸۴۴ و ۱۸۴۹ ابوظبی). عبدالله گفت گفتگوهای وی روی سه موضوع متمرکز بوده است:

الف: اول اینکه آیا امکان دارد گفتگوهای اعراب و اروپاییان گسترش یابد به طوری که شامل کشورهای آفریقایی نیز شود. ژیسکاردستن در گفتگوهایش با شیخ زاید در ابوظبی راجع به تلاش برای تحکیم روابط و گسترش گفتگوهای بین اروپا، خاورمیانه و آفریقا به منظور جلوگیری از رشد نفوذ کمونیستها در قاره آفریقا، صحبت کرده است.

ب: موضوع دوم راجع به انرژی بوده است؛ با توجه به علاقه و میل فرانسویها برای مذاکرات تولیدکننده - مصرف‌کننده بین دولتها راجع به تولید و قیمت نفت. عبدالله گفت وی راجع به امکان انجام مذاکرات بین دولتهای عربی تولیدکننده نفت و دولتهای اروپایی مصرف‌کننده نفت در خصوص احتیاجات نفتی آنها و همچنین قیمت نفت بر پایه طرح مرحله‌ای و زمان‌بندی شده صحبت کرده است. عبدالله گفت که اروپایی‌ها رابطه بین نفت و مسئله خاورمیانه را تشخیص می‌دهند و این مهم است و عربها راهها و وسایل زیادی برای گرفتن حقوقشان ندارند و اروپایی‌ها باید به کشورهای عربی کمک کنند تا به اهداف خویش برسند. منظور این بود که ببینیم که آیا یک مذاکرات اروپایی - عربی راجع به عرضه آینده نفت باعث پشتیبانی بیشتر اروپایی‌ها از نظرات سیاسی اعراب خواهد شد یا نه.

پ: موضوع سوم بررسی اوضاع فعلی خاورمیانه، سفر اخیر یاسر عرفات به وین و اوضاع امنیتی در خلیج فارس مخصوصاً اعلامیه بعضی‌ها در آمریکا که خواهان نیروهای نظامی آمریکا برای امنیت در خلیج فارس هستند و به ویژه اخطار اخیر وزارت امور خارجه آمریکا در مورد حمله احتمالی به نفتکشهایی که از تنگه هرمز عبور می‌کنند بوده است. ملاقات یاسر عرفات در وین چیز به خصوصی نداشت فقط یک کانال ارتباطی دیگر را باز کرد. اخطار آمریکا راجع به خلیج [فارس] و نیز این‌گونه اعمال و تلاشهای ناپخته از سوی وسایل ارتباط جمعی و برخی از سیاستمداران در آمریکا به خاطر ترسانیدن تولیدکنندگان نفت است. راجع به این موضوعات زیاد غلو شده است. به هر حال اینها باید جدی گرفته شود چرا که همیشه احتمال دارد اسرائیلی‌ها اوضاع را شلوغ و درهم کنند تا بهانه‌ای برای مداخله یابند. در این رابطه، این مطلب جالب است که به نظر عبدالله، اخطار آمریکا در مورد تنگه هرمز از گزارش جاسوسی اسرائیل سرچشمه می‌گیرد. او عقیده داشت که این گزارش به وسیله اسرائیلی‌ها طراحی شده تا اوضاع را در خلیج [فارس] مختل کنند و بهانه‌ای به دست بگیرند تا در آینده به بهانه حمایت از منافع غرب در منطقه مداخله نماید.

۵- من راجع به نظر عبدالله درباره اخطار ما به کشتی‌هایی که از تنگه هرمز عبور می‌کنند

صحبت کردم و گفتم که ما گزارشهای اطلاعاتی از منابع مختلف دریافت کرده‌ایم که حکایت از احتمال چنین حمله‌ای دارد. ضمن اینکه اینگونه وقایع احتمالاً تنگه را نخواهد بست ولی بدون شک اثرات روانی خیلی بدی خواهد داشت. ما خودمان را در موقعیتی یافتیم که اگر به کشتی‌ها در خلیج [فارس] اخطار نمی‌کردیم مورد سرزنش قرار می‌گرفتیم. اگر پس از اینکه ما این گزارشات را دریافت کرده بودیم و اخطاری هم به کشتی‌ها نکرده بودیم، چنین اتفاقی افتاده بود، بهای سختی باید پرداخت می‌کردیم. با هشدار دادن به کشتی‌هایی که از تنگه هرمز عبور می‌کنند آنها را تشویق کرده‌ایم که حواسشان بیشتر جمع باشد. آن چیزی شبیه دریافت تهدید بمب از طریق تلفن بود. شما هیچ وقت نمی‌دانید که این تهدید تلفنی یک شوخی تلفنی است یا خیر و جرأت هم نمی‌کنید که در این مورد ریسک کنید. عبدالله اشاره کرد که در نتیجه اخطار آمریکا نرخ بیمه شرکت بیمه لویز برای کشتی‌هایی که وارد تنگه می‌شوند شدیداً بالا رفته است و خلیج فارس به عنوان یک منطقه جنگی اعلام شده است، در نتیجه اعلام خطر جنگ نرخ بیمه خصوصی دریافت می‌شود.

۶- عبدالله از اظهار نظر درباره عکس‌العمل کشورهایی که وی به آنها سفر کرده بود، (در قبال طرح امارات متحده عربی) امتناع ورزید. هر چند که وی گفت اوضاع در عراق در حال حاضر بحرانی است و این به خاطر سعی صدام حسین برای کنترل بیشتر چپی‌ها در عراق است. وی گفت که همه در بغداد، حافظ اسد و سوریه را مقصر تلاش برای کودتای اخیر می‌دانند و این پاکسازیه‌ها به منظور حذف عوامل طرفدار سوریه می‌باشد. او نمی‌دانست که دیگر چگونه اتحاد بین عراق و سوریه پایدار خواهد ماند.

۷- نظریه: مشکل است دقیقاً مشخص کنیم که چه انگیزه‌ای باعث شده است که امارات متحده عربی این طرح عجیب و غریب و احساساتی را ارائه کند؛ طرحی که در پی توقف کوتاه رئیس‌جمهور فرانسه در امارات متحده عربی به وجود آمده است. احتمالاً رهبری امارات متحده عربی به وسیله فرانسویها متقاعد شده‌اند که اروپایی‌ها را می‌توان از آمریکایی‌ها در مسئله خاورمیانه جدا انگاشت. همچنین احتمال دارد فرانسویها به امارات متحده عربی گفته‌اند که معتقدند مذاکرات فعلی مصر - اسرائیل و آمریکا راجع به کرانه غربی رود اردن و نوار غزه شکست خواهد خورد و ارتباط نزدیک عربها با اروپاییها می‌تواند در صورت به بن‌بست رسیدن مذاکرات فعلی صلح خاورمیانه، موقعیت عربها را در طرح صلح دیگری استحکام بخشد.

۸- نظریه بعدی: ضمن اینکه عکس‌العمل کشورهای خلیج [فارس] نسبت به اخطار ما به کشتی‌ها این است که دولت آمریکا نسبت به گزارش اطلاعاتی مشکوکی خیلی عکس‌العمل نشان داده و تند رفته است و مسئول بالا رفتن نرخ جدید بیمه می‌باشد، موضوع اینکه امارات متحده عربی قدمهایی در جهت مشورت با سایر دولتهای خلیج [فارس] برداشته است ممکن است باعث شود اهالی منطقه نسبت به نیاز به یک نیرو و سیستم نگهبانی برای تنگه هرمز توجه بیشتری نشان دهند. سیستم امنیتی منطقه‌ای خلیج [فارس] به این زودیه‌ها انجام نخواهد

یافت اما در این میان کشورهای خلیج [فارس] ممکن است بیشتر حواسشان متوجه این خطر باشد که امکان دارد گروههای فلسطینی تندرو عملیات عجیبی در خصوص کشتیرانی در خلیج [فارس] انجام دهند. اگر هیچ چیز دیگری محرک آنها برای این کار نشود، افزایش نرخ بیمه خواهد شد.

دیکن

سند شماره ۵۹

۲۳ اوت ۱۹۷۹ - ۱ شهریور ۱۳۵۸

سری

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی - ۱۹۳۵

به: مرکز جمع‌آوری اطلاعات، با اولویت

موضوع: خلاصه اطلاعات ۸۸۱ - ۲۳ اوت ۱۹۷۹

هشدار اطلاعاتی: این سند حاوی منابع و روشهای حساس اطلاعاتی غیرقابل رؤیت برای بیگانگان است. (بندهای ۱ تا ۷ سری - غیرقابل رؤیت برای بیگانگان است.)

۱- EC-ARA وزارت امور خارجه: کنفرانس پیشنهادی: تجزیه و تحلیل سیا شامل موارد ذیل: تشکیل جلسه‌ای مرکب از وزیران انرژی کشورهای جامعه اروپا و چند کشور تولیدکننده نفت حوزه خلیج فارس که توسط فرانسه و کویت برای پاییز جاری در نظر گرفته شده می‌تواند به رشد بیشتر روابط اروپای غربی و خاورمیانه منجر گردد.

۲- به دنبال عدم پذیرش مداوم روند صلح کمپ دیوید از جانب اعراب و نیز فقدان هرگونه نقش سازمان آزادیبخش فلسطین در این روند، بعضی از کشورهای اروپای غربی احساس خطر کرده‌اند. طرز رفتار اسرائیل در لبنان و نیز حرکت‌های اسرائیل در جهت تأسیس یهودی‌نشین‌های جدید در سرزمینهای اشغالی و نیز تلاشهای اخیر ساف جهت کسب اعتبار و شهرت بیشتر، اروپاییان را در مسیری به طرفداری از ساف قرار داده است. بسیاری از آنها نیز می‌خواهند به اروپا نقش بیشتری ببخشند تا مکمل تلاش آمریکا در رابطه با اسرائیل باشد؛ تعدادی نیز هستند که شکاف موجود در روابط بین اعراب و غرب را که در نتیجه کناره‌گیری اکثر اعراب از آمریکا ایجاد شده پر می‌کنند.

۳- انگیزه اروپاییان: برداشت اروپاییان از منافعی که بیش از همه از وابستگی عمده این قاره به نفت خاورمیانه متأثر می‌گردد. شش کشور حوزه خلیج فارس حدود ۶۰ درصد واردات نفتی جامعه اروپایی را در سه ماهه اول سال ۱۹۷۹ تأمین کرده‌اند. مشکلات مربوط به عرضه ناشی از وضعیت ایران و نیز افزایش قیمت اخیر اوپک تقریباً موجب بروز عکس‌العمل «پاولف»ی کشورهای اروپایی گردیده و در تلاش برآمده‌اند تا در زمینه قیمت‌ها و نیز عرضه نفت تضمین‌های «ویژه‌ای» دریافت نمایند. نگرانی از تأمین هزینه خریدهای نفتی نیز از سال ۱۹۷۳ بسیار شدید بوده است.

۴- اروپاییها تا به حال دریافته‌اند که روش برخورد چند جانبه آنها با تولیدکنندگان نفت



تأثیر و کارآیی لازم را ندارد. مذاکرات اروپاییها و اعراب که از سال ۱۹۷۴ آغاز گردید تا موجب ارتقای سطح همکاری اقتصادی گردد، اکنون به حالت تعلیق درآمده است. تشکیل جلسه‌ای بین نمایندگان جامعه اروپا و اوپک در اواخر ماه ژوئن نیز بی‌نتیجه ماند.

۵- شاید اروپاییها در صدد دنبال کردن روش برخورد چند جانبه جدیدی باشند. به این طریق راهی برای کانالیزه کردن موج فعالیت‌های دیپلماتیک اخیر بین تک تک کشورهای اروپایی و تولیدکنندگان نفتی ایجاد می‌شود که تاکنون منجر به انجام معاملات بین دولتین گردیده است. برخورد مشترک با اعراب، به اروپای غربی کمک می‌کند تا خواستار برخوردی مشترک با سیاست انرژی شوند.

۶- به نظر فرانسه، شاید این کنفرانس، عراق را نیز به پیوستن به اعراب میانه‌رو ترغیب کند چون فرانسه شدیداً به نفت عراق وابسته بوده و در برنامه هسته‌ای عراق نیز مداخله شدیدی دارد. فروش تسلیحات این کشور به خاورمیانه که ۶۰ درصد کل صادرات تسلیحاتی فرانسه را تشکیل می‌دهد، فرانسه را به صورت کشوری دارای منافع بسیار در این منطقه درآورده است.

۷- دیگر کشورهای اروپایی مانند فرانسه فعال نیستند. آلمان غربی، گرچه به بازنگری سیاست‌های خود پرداخته ولی هنوز هم خود را در قبال اسرائیل و خط‌مشی آمریکا مسئول می‌داند. آلمان غربی و انگلستان هر دو اصرار داشته‌اند که آمریکا در جریان تلاش‌های جامعه اروپایی قرار داشته باشد و قبل از برگزاری اجلاس وزیران انرژی در توکیو نیز فرصت کافی برای مشورت وجود خواهد داشت. هلندیها نیز، علیرغم شواهد اخیر که نشانگر بهبود و عادی شدن روابط با عربستان سعودی است، می‌توانند به عنوان حامیان دیرین اسرائیل در جامعه اروپایی، از موضع توأم با خویشتن‌داری بیشتری استفاده کنند.

۸- (سری) منافع اعراب: اعرابی که احتمالاً شرکت می‌کنند عبارتند از بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و احتمالاً عراق (که بنا به گزارشهای رسیده خواستار مشارکت الجزایر و لیبی نیز است). آنها خواستار مذاکره با اعضای جامعه اروپا هستند تا بتوانند حمایت آنها را در قبال موضع اعراب درباره مذاکرات خودمختاری فلسطینی‌ها جلب کند. آنها احتمالاً از اروپاییها خواهند خواست که سازمان آزادیبخش فلسطین را به رسمیت شناخته و از آمریکا نیز بخواهند همین کار را انجام دهد. آنها معتقدند که بدون حضور ساف مسئله اعراب و اسرائیل لاینحل باقی می‌ماند.

(بند ۱۲ - ۹ سری - غیرقابل رؤیت برای بیگانگان)

۹- چشم‌اندازها: برگزاری کنفرانس اعراب و اروپاییان در پاییز جاری در زمینه نفت یا مسائل اقتصادی به نتیجه خاصی منجر نخواهد شد مگر آنکه با مسائل سیاسی نیز به نحوی ترکیب شود. موضع‌گیری مشترک اروپای غربی و اعراب در مورد مسائل نفتی آن قدر قوی نیست که به خودی خود، به نتایج جدیدی منجر شود. علاوه بر این، میزان و میدان مانور هر یک از طرفین نیز محدود است. کشورهای حوزه خلیج [فارس] از حقوق حاکمیت خود در

زمینه منابع نفتی دفاع خواهند کرد. اروپاییان نیز به نوبه خود با آن دسته از قراردادهای نفتی که با تعهدات بین‌المللی‌شان جور نباشد موافقتی نکرده و به هیچوجه در جهت متوقف ساختن تلاشهای آمریکا در حل مسئله خاورمیانه حرکت نخواهند کرد.

۱۰- اگر تنها به مسائل سیاسی پرداخته شود، کنفرانس فشار بسیاری به روند صلح جاری تحمیل خواهد کرد. تلاشهای ویژه کنفرانس در مورد فعالیت‌های آمریکا نیز بیش از همه به عکس‌العملهای اسرائیل بستگی خواهد داشت.

۱۱- هرگونه افزایش در عرضه نفت برای اروپاییها، حداقل منافع کوتاه‌مدتی نیز برای کل کشورهای صنعتی و نیز آمریکا به همراه خواهد داشت. از طرف دیگر، «تضمین‌های» تولیدکنندگان نفت به اروپاییها نیز ممکن است عملاً به ضرر آمریکا و دیگران تمام شود. همکاری نزدیک اقتصادی بین اروپاییها و اعراب حوزه خلیج [فارس] احتمالاً از دست رفتن بعضی از امتیازات بازرگانی آمریکا را نیز به دنبال خواهد داشت. تا جایی که ممکن است اروپاییها و اعراب، دلار را از قیمت نفت و درآمدهای نفتی خویش جدا کرده، توجه و علاقه آنان به ثبات دلار کاهش خواهد یافت و هزینه واردات نفتی آمریکا حتی در صورت افزایش اسمی قیمت‌ها، بالا خواهد رفت.

۱۲. این کنفرانس چه برگزار شود و چه نشود، پیشرفت حاصله از زمینه برقراری روابط نزدیکتر بین اروپاییها و اعراب ناهمگن خواهد بود. برای هیچیک از طرفین نیل به مواضع هماهنگ آسان نخواهد بود و مذاکرات نیز بدون اشکال به پیش نخواهد رفت. اروپاییان اصولاً در پی منافع اقتصادی هستند، ولی اعراب منافع سیاسی و استراتژیک را ترجیح می‌دهند. با این وجود، برقراری رابطه نزدیک‌تر در آینده ممکن می‌شود. در این حال، اروپای غربی در مورد مسئله اعراب و اسرائیل به طور کلی و وضعیت فلسطینی‌ها به ویژه، بیشتر به جانب مواضع اعراب میانه‌رو سوق داده خواهد شد.*

سند شماره ۶۰

۱۲ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۲۱ شهریور ۱۳۵۸

محرمانه

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی - ۰۴۵۴

به: تمام پست‌های دیپلماتیک ایالات متحده در آسیای جنوبی و خاور نزدیک

موضوع: نظرسنجی از افکار عمومی درباره حضور سربازان برای

اطمینان یافتن از جریان نفت خاورمیانه

۱- گزارش زیر در مورد مواضع ایالات متحده نسبت به استفاده از سربازان در شرایط مختلف جهت اطلاع شما ارائه می‌شود.

* ادامه سند خارج از موضوع بود و ترجمه نشد.



۲- تمایل عامه به اعزام سربازان آمریکایی به خاورمیانه برای اطمینان یافتن از جریان کافی نفت عمدتاً به شدت کاهش نفت بستگی دارد. بر اساس یک تحقیق اخیر، اکثریت بزرگی (۷۳ درصد) با استفاده از نیروی نظامی برای مبادرت به اعمال فشار بر اوپک جهت تولید نفت بیشتر مخالف هستند. تحقیق دیگری به این نتیجه رسید که اکثریت کوچکتری (۵۲ درصد) با استفاده از نیروی نظامی برای اعاده حمل نفت به ایالات متحده، در صورت قطع کامل آن، مخالف هستند.

۳- نظرخواهی ماه ژوئیه (مؤسسه) «روپر» به این نتیجه دست یافت که اکثریت عظیمی از آمریکائیان با استفاده از سربازان آمریکایی برای مجبور ساختن اوپک به افزایش تولید نفت آن مخالف هستند:

بیشتر نفت ما از کشورهای عضو اوپک یعنی لیبی، ایران، ونزوئلا، عربستان سعودی و دیگر ملل عرب وارد می‌شود. کشورهای عضو اوپک اخیراً میزان نفت تولیدی خود را کاهش داده و اعلام کرده‌اند قصد ندارند تولیدشان را اکنون و یا در هیچ زمانی در آینده نزدیک افزایش دهند. آیا شما فکر می‌کنید ایالات متحده بایستی به اعمال فشار بر کشورهای عضو اوپک برای تولید نفت بیشتر اقدام کند و در این راه چنانچه لازم باشد برای دستیابی به آن از نیروهای نظامی ایالات متحده بهره جویید؟

۷۳ درصد — ایالات متحده نباید از نیروی نظامی استفاده کند.

۱۷ درصد — ایالات متحده باید از نیروی نظامی استفاده نماید.

۱۰ درصد — نمی‌دانم

۴- نظرخواهی (مؤسسه) «گالوپ» در نوامبر گذشته به این نتیجه دست یافت که برای اعزام سربازان آمریکایی در صورت قطع کامل حمل نفت از جانب اعراب به ایالات متحده، تمایل بیشتری وجود دارد. ۳۶ درصد از جامعه از اعزام سربازان تحت چنان شرایطی حمایت کردند ولی در هر حال اکثریت (۵۲ درصد) مایل به پاسخ‌های غیرنظامی بودند: ۱۳ درصد مایل به اعمال تحریمات اقتصادی علیه کشورهای عربی تولید کننده نفت بودند، ۳۴ درصد اظهار داشتند ایالات متحده بایستی بر مذاکرات تکیه کند، و ۵ درصد گفتند که ایالات متحده به هیچ کاری نباید دست بزند. پاسخ‌های منفی ۱۲ درصد بود.

۵ - تمایلات آمریکائیان برای استفاده از سربازان آمریکایی در شرایط مختلف با یکدیگر اختلاف فاحشی دارد. گالوپ در نظرخواهی خود به این نتیجه دست یافت که اکثریت جامعه (۵۸ درصد) از اعزام سربازان «در صورت امتناع پاناما از دادن اجازه به ایالات متحده برای استفاده از کانال» حمایت کردند و یا «چنانچه سربازان روسی اروپای غربی را اشغال نمایند»، ۵۴ درصد از این نظر حمایت کردند. حدود دو پنجم، از اعزام سربازان برای مقابله با حمله‌ای از جانب روسیه به ژاپن حمایت نمودند (۴۲ درصد). تنها حدود یک پنجم از اعزام سربازان برای دفاع از: (۱) اسرائیل در مقابل تهاجم و اشغال آن توسط نیروهای عرب (۲۲ درصد)، (۲)

کره جنوبی در قبال تهاجم و اشغال خاکش توسط کره شمالی (۲۱ درصد)، (۳) و یا اشغال یوگسلاوی توسط روسیه (۱۸ درصد)، حمایت نمودند.

ونس

سند شماره ۶۱

محرمانه

۱۶ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۲۵ شهریور ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، ابوظبی - ۲۲۲۰
به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در الجزیره، بن، بروکسل، قاهره، کاراکاس، دمشق، دوحه، ژنو، جاکارتا، لاگوس، کویت، تهران، لندن، منامه، مسقط، اوتاوا، اسلو، پاریس، توکیو.

موضوع: مذاکرات خلیج [فارس] و جامعه اقتصادی اروپا

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- خلاصه: ظاهراً امارات متحده عربی نسبت به پیشنهاد فرانسه و کویت درباره مذاکرات خلیج [فارس] و جامعه اقتصادی اروپا به شدت علاقه‌مند است. ولی ممکن است گام‌های بعدی کشورهای خلیج [فارس] برای فرمول‌بندی موضع خود در این مذاکرات با تصمیم وزیران اوپک برای دنبال کردن مذاکرات بین جامعه اقتصادی اروپا و اوپک خالی از ارتباط نباشد. این در حالی است که علاقه زیادی نسبت به این مسئله نشان داده شده کمیته اوپک پیشنهادات خود را در ۲۲ اکتبر برای وزیران اوپک تهیه می‌کند و آنها نیز یا در اجلاس معمول خود در ماه دسامبر و یا در یک اجلاس فوق‌العاده در ماه نوامبر درباره آن تصمیم خواهند گرفت. پایان خلاصه.

۳- بنا به اظهار منبع ما در سفارت انگلیس، عتیبه وزیر نفت امارات متحده عربی به مذاکرات خلیج [فارس] و جامعه اقتصادی اروپا علاقه بسیار نشان داده است. وقتی مقام سفارت انگلیس از وی سؤال کرد که به نظر وی این مذاکرات باید چه مسائلی را دربر گیرد وی گفت «انرژی». ولی عتیبه نگفت که منظور وی کدام جنبه خاص انرژی است که در مذاکرات باید بحث شود.

۴- در ملاقات مقام سفارت در ۱۲ سپتامبر با عبدالله اسماعیل معاون وزارت نفت ابوظبی که در حال حاضر سرپرست هیأت مدیره اوپک نیز می‌باشد، ما از وی در مورد اوضاع مذاکرات پیشنهادی خلیج [فارس] و جامعه اقتصادی اروپا سؤال کردیم. وی گفت تا آنجا که می‌داند از سوی کشورهای خلیج [فارس] در این باره تصمیمی گرفته نشده، چون آنها منتظر نتیجه بررسی کمیته اوپک در مورد استراتژی آتی پیشنهاد مذاکرات وسیع بین اوپک و جامعه اقتصادی اروپا هستند. اسماعیل گفت این مسئله نیز به وسیله یمانی وزیر نفت سعودی به کمیته استراتژی محول گردید. این کمیته قرار است در اوایل اکتبر در ژنو به مدت دو هفته تا



۲۲ اکتبر اجلاسهای خود را تشکیل داده و در پایان گزارشات و پیشنهادات خود را به وزیران اوپک تقدیم نماید. آنان نیز باید تصمیم بگیرند که آیا لازم است برای عنوان کردن موضوع یک جلسه فوق العاده تشکیل دهند و یا منتظر بمانند تا موعد اجلاس معمول ماهانه وزیران فرا رسد.

۵- اسماعیل یادآور شد در هر مذاکراتی که محدود به جامعه اقتصادی اروپا و تولیدکنندگان عربی نفت خلیج [فارس] باشد مشکلاتی وجود دارد. وی گفت اروپاییها فقط به دو مسئله علاقه مند هستند: افزایش تولید و میانه روی در زمینه قیمت نفت. از طرف دیگر تولیدکنندگان خلیج [فارس] مشکل خواهند توانست درباره آنچه که از این مذاکرات انتظار دارند به توافق برسند. صحبت درباره انتقال انرژی متفاوت است. کشورهای خلیج [فارس] به تنهایی نمی توانند در مورد قیمت نفت و عرضه آن جوابگو باشند و اوپک به طور کلی باید به آن پاسخ دهد. البته بعضی از اعراب خیلی خوششان می آید که این مذاکرات مسائل سیاسی خاورمیانه را نیز دربر گیرد. اسماعیل گفت این واقعیت که سعودیها نیز نسبت به مذاکره با اروپاییان علاقه مند هستند، نشان می دهد که آنها نیز از سیاست خاورمیانه ای آمریکا پس از کمپ دیوید ناراضی هستند.

۶- نظریه: از نقطه نظر امارات متحده عربی امکان مذاکره بین جامعه اقتصادی اروپا و کشورهای تولیدکننده نفت خلیج [فارس] وجود دارد ولی برخلاف عقیده بسیاری از اعراب غیرتولید کننده نفتی، تحقق آن به این زودیها امکان پذیر نیست (تونس ۷۱۱۱۱). حتی گروه کوچک و هماهنگی چون کشورهای تولیدکننده خلیج [فارس] نیز نخواهند توانست مشکلات خود را با عراق برطرف نمایند، به خصوص اگر مسائل سیاسی نیز به همراه مسائل اقتصادی در این مذاکرات مطرح گردد.

دبلیو. رامپل مایر

سند شماره ۶۲

۱ اکتبر ۱۹۷۹ - ۹ مهر ۱۳۵۸

محرمانه

از: سفارت آمریکا، منامه - ۱۹۵۷ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی
جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در ابوظبی، امان، آتن، بیروت، بن، بروکسل، قاهره،
دوبلین، جده، کویت، دمشق، مسقط، پاریس، تهران.

موضوع: مذاکرات خلیج [فارس] و جامعه اروپایی

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- خلاصه: در طائف، وزیران خلیج [فارس] در زمینه دستور کار مذاکرات خلیج [فارس] و جامعه اروپایی که دربرگیرنده گفتگو درباره امنیت عرضه و سرمایه گذاریهای نفتی و خرید کالاها و خدمات اروپایی توسط کشورهای حوزه خلیج [فارس] است توافق دست یافته اند.



هدف سیاسی مرتبط با این مذاکرات، اعمال فشار بر آمریکا در مورد مسئله فلسطین است. این مذاکرات ممکن است به نوعی تعهد گروهی منجر نشود، اما می‌تواند بعضی از کشورها (از جمله فرانسه) را از وضعیت بهتری در زمینه انعقاد قرارداد مرتبط با عرضه نفتی برخوردار سازد. بدین ترتیب، مذاکرات جامعه اروپایی و خلیج [فارس] ممکن است به جیتی سوق داده شود که به نفع آمریکا نباشد. پایان خلاصه.

۳- طی ملاقاتی که در تاریخ ۲۷ سپتامبر صورت گرفت (یوسف الشیراوی وزیر عمران و صنایع (که سمت وزارت نفت را نیز عهده‌دار است) سفیر را در زمینه کنفرانس اخیر وزیران نفت خلیج [فارس] که در تاریخ ۲۳ سپتامبر در طائف برگزار گردید توجیه نمود. کشورهای شرکت‌کننده در کنفرانس عبارت بودند از عربستان سعودی، عراق، قطر، کویت، امارات متحده عربی، عمان و بحرین.

۴- بنا به گفته شیراوی شرکت‌کنندگان از عدم موفقیت مذاکرات وسیع‌تر جامعه اروپا و خلیج [فارس] که به نظر شیراوی با مشکلات ناشی از جمع‌بندی منافع متضاد کشورهای عربی در یک زمینه مشترک مرتبط بود، عبرت گرفته‌اند. کشورهای تولیدکننده نفت حوزه خلیج [فارس]، که کویت در رأس آنها قرار داشت، گمان می‌کردند که مذاکرات، زمانی جنبه موفقیت‌آمیز پیدا می‌کند که گروه کوچک‌تر و منسجم‌تری از کشورهای عربی یک دستور کار محدود را مدنظر قرار دهند.

۵- بنابراین، در طائف وزیران نفت موافقت کردند مذاکرات محدود به موارد ذیل باشد: (الف) امنیت عرضه نفت (شیراوی تأکید نمود که قیمت نفت مورد مذاکره قرار نخواهد گرفت؛ زیرا تعیین قیمت و مذاکره درباره آن در حیطه مسئولیت‌های اوپک قرار دارد)؛ (ب) امنیت سرمایه‌گذاریهای کشورهای عربی در اروپا و امنیت کشورهای اروپایی در حوزه خلیج [فارس]؛ (پ) نقش اروپا به عنوان تأمین‌کننده کالاها و خدمات صنعتی مورد نیاز کشورهای حوزه خلیج [فارس]؛ و (ت) اتخاذ یک استراتژی دوجانبه در جهت تماس با جهان سوم. شیراوی افزود که نکته آخر نتیجه مستقیم انتقاد از کشورهای صنعتی اروپا و اعراب تولیدکننده نفت توسط کشورهای جهان سوم به خاطر سیاست‌هایشان در زمینه قیمت‌گذاری است. شیراوی همچنین خاطرنشان ساخت که ژاپنی‌ها نیز اعلام داشته‌اند مایلند باب مذاکرات مشابهی را با کشورهای حوزه خلیج [فارس] بگشایند و کشورهای حوزه خلیج [فارس] نیز به این درخواست پاسخ مثبت داده‌اند. در نهایت، مذاکرات ممکن است بسط یافته و دربرگیرنده تمام کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی شود. شیراوی تأکید نمود که با این وصف در حال حاضر انجام مذاکره با آمریکا امکان‌پذیر نیست زیرا اوضاع کلی سیاسی چنین اقتضا می‌کند.

(نظریه: شیراوی در مورد این مطلب بیش از این سخن نگفت، اما به نظر ما او به شکافی اشاره دارد که کشورهای حوزه خلیج [فارس] پس از قرارداد کمپ دیوید، بین خود و آمریکا

به وجود آورده‌اند. پایان نظریه).

۶- بنا به گفته شیراوی، عراق مایل بود دستور کار جنبه سیاسی بیشتری پیدا کند، اما دیگر شرکت‌کنندگان خواست وی را نپذیرفته بودند. اما شیراوی نیز اذعان دارد که در مذاکرات پیشنهادی، یک عنصر سیاسی نهفته است. با نشان دادن این مطلب که آنها می‌توانند از اروپا به عنوان یک برگ برنده در زمینه مسائل نفتی و مالی استفاده کنند، کشورهای خلیج [فارس] امیدوار بودند بتوانند به آمریکا فشار بیشتری وارد سازند تا مسئله خاورمیانه را به نحوی حل کند که مورد قبول اعراب نیز باشد.

۷- شیراوی گفت که وزیران نفت در طائف یک کمیته کار تعیین کرده‌اند تا جزئیات دستور کار را مشخص نماید و این کمیته طی دو هفته آینده دائماً تشکیل جلسه خواهد داد. برگزاری اولین جلسه متشکل از نمایندگان کشورهای حوزه خلیج [فارس] و جامعه اروپایی تا قبل از سال نو امکان‌پذیر نخواهد بود زیرا قرار است تا آن زمان جلسات مختلف دیگری تشکیل شود و علاوه بر این تعطیلات مسلمانان و مسیحیان نیز در پیش است.

۸- شیراوی نسبت به عکس‌العمل آمریکا در قبال مذاکرات پیشنهادی خلیج [فارس] و جامعه اروپا قدری حساسیت نشان داد. در قسمتی از گفتگو وی سؤال کرد که آیا آمریکا قصد دارد به این پروژه «حمله‌ور» شود. سفیر نیز در پاسخ اظهار داشت که آمریکا در این زمینه انتقاداتی دارد؛ ما می‌خواستیم کاملاً در جریان امور قرار بگیریم تا بتوانیم پاسخ مناسب را نیز آماده کنیم.

۹- هنگامی که سفیر در گفتگو با «بن دین» سفیر هلند در تاریخ ۲۹ سپتامبر به بررسی مطالب عنوان شده توسط شیراوی پرداخت، سفیر هلند اظهار تعجب نمود. وی گفت تصور نمی‌کند که تک تک دولت‌های حوزه خلیج [فارس] از جمله قطر با قراردادهای تضمینی درازمدت عرضه نفتی که از کنترل و حاکمیت آنها بر تصمیمات مربوط به تولید خواهد کاست موافقت نمایند. وی گفت، امنیت عرضه، قراردادهای مستقیماً منعقد بین یک دولت و دولت دیگر و انعقاد قراردادهای وسیع در زمینه‌های دیگر مانند فروشهای نظامی، اهداف درازمدت فرانسه را تشکیل می‌دهند، اما دولت فرانسه نیز گمان نمی‌کند که این مذاکرات به توافق مطلوب منجر شود. فرانسه قصد دارد در حین مذاکرات حمایت از اعراب موضع‌گیری کند، گرچه می‌داند این کار برای دیگر طرفین وی در جامعه اروپا قابل قبول نیست اما این عمل راه را برای نیل به توافقات دوجانبه بین فرانسه و کشورهای حوزه خلیج [فارس] هموار می‌سازد.

۱۰- نظریه: این اولین باری است که ما با دولت بحرین در مورد مذاکرات اروپا و خلیج [فارس] سخن به میان آورده‌ایم. شیراوی در گفتگو با سفیر انگلیس اعتراف کرده است که گمان نمی‌کند این مذاکرات برای بحرین حائز اهمیت باشد و بالعکس و قبل از کنفرانس طائف نیز این موضوع را با جدیت دنبال نکرده بود. به همین علت بهتر است منتظر تأیید نتایج

کنفرانس طائف از سوی دیگر شرکت کنندگان باشیم و پس از آن در مورد موضع گیری آمریکا در قبال آنها تصمیم گیری نماییم. در نتیجه آنچه که گفته شد، لحن و محتوای مذاکره پیشنهادی خلیج [فارس] و جامعه اروپایی به نفع منافع آمریکا نیست.

پلترو

سند شماره ۶۳

۲۷ اکتبر ۱۹۷۹ - ۵ آبان ۱۳۵۸

محرمانه

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی - ۰۱۱۸
به: سفارت آمریکا، ابوظبی
جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در وین، امان، بیروت، بن، دمشق، دوحه، دوبلین، کویت، لندن، رم، تهران

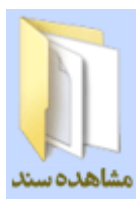
مرجع: وزارت امور خارجه ۲۰۹۶۹۹

موضوع: عتیه مذاکرات خلیج [فارس] - جامعه اقتصادی اروپا را

به مسئله ساف ربط می دهد

گویا عتیه در مصاحبه ای حقوق فلسطینی ها را در ایجاد یک حکومت مستقل در نوار غزه و ساحل غربی به مذاکرات نفتی کشورهای خلیج [فارس] و جامعه اقتصادی اروپا ربط داده است. خواهشمند است در اولین فرصت مسئله را برای وی تشریح کنید. هنگام مطرح کردن موضع آمریکا از تلگرام مرجع استفاده کنید تا بدانند که آمریکا با شمول مسائل سیاسی در مذاکرات مربوط به انرژی مخالف است.

کریستوفر



«نقش نظامی غرب، به ویژه آمریکا، در خلیج فارس»

سند شماره ۶۴

۱۵ اوت ۱۹۷۲ - ۲۴ مرداد ۱۳۵۱



سری

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

به: سفارتخانه‌های آمریکا در ابوظبی، امان، جدّه، کویت، لندن، تهران

مرجع: وزارت امور خارجه ۱۴۴۷۹۲ - ۹ اوت ۱۹۷۲

موضوع: سیاست تسلیحاتی آمریکا در قبال کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس

برای هر یک از مخاطبین یک نسخه از پیش‌نویس سیاست تسلیحاتی در قبال کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس ارسال می‌شود (تلگرام مرجع). این پیش‌نویس وسیله کمیته معاونین وزیران تأیید و تصویب شده است و در مرحله‌ای است که باید مورد تأیید و تصویب کاخ سفید نیز قرار گیرد.

راجرز

به پیوست: سیاست تسلیحاتی در قبال کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس

۱۲ ژانویه ۱۹۷۲ - ۲۲ دی ۱۳۵۰

سری

از: بخش امور خاور نزدیک، جوزف. ج. سیسکو

به: معاون وزیر

سیاست تسلیحاتی آمریکا در قبال کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس

گزارش پیوست سیاست تسلیحاتی آمریکا در قبال کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس است که در پاسخ به NSDM۹۲ و یادداشت ۱۷ اوت «دیک هلم» برای شما ارسال می‌گردد و وسیله کمیته معاونین وزیران برای مطالعه و بررسی تهیه شده است.

ضمیمه: گزارش به کمیته معاونین وزیران

پیش‌نویس گزارش به کمیته معاونین وزیران
فروش سلاحها و خدمات دفاعی به شیخ‌نشینهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و عمان

مقدمه

در حال حاضر نه شیخ‌نشین حاشیه جنوبی خلیج فارس و شیخ‌نشین عمان برای خرید سلاحها و خدمات دفاعی آمریکا که در برنامه فروشهای نظامی خارجی گنجانده شده واجد شرایط نیستند. پس از استقلال این کشورها، انگلیس فروش تجاری تجهیزات نظامی به آنها را تأیید نکرد و آنها خود باید منبع دریافت سلاحهای مورد نیاز خود را بیابند. در گذشته تعداد محدودی از تجهیزات ساده آمریکایی از قبیل سلاحهای کوچک و مهمات از طریق منابع تجاری و با تأیید انگلیس در اختیار بعضی از این کشورها قرار داده شد. تغییر اوضاع ایجاب می‌کند که دولت آمریکا سیاست قطعی‌تری در قبال فروش سلاحها و خدمات دفاعی به منطقه تا پایان سال ۱۹۷۵ در پیش گیرد.

البته برآورد بازار تجهیزات و خدمات نظامی منطقه تا چند سال آینده کار دشواری است. فروش کلی نظامی که در بیست سال گذشته منحصراً توسط انگلستان و بلژیک در این منطقه انجام گرفت بالغ بر ۱۰ میلیون دلار بوده است ولی احتمالاً سرعت بیشتری خواهد یافت. اگر در مقام مقایسه برآیم می‌بینیم کویت که ثروتمندتر و پرجمعیت‌تر و به طور کلی پیشرفته‌تر از شیخ‌نشینهای جنوبی خلیج فارس و عمان است، در همین مدت ۴۳ میلیون دلار خود را به خرید تسلیحات اختصاص داده است.

۱- منافع آمریکا

حوزه‌ای برای گسترش روابط تجاری آمریکا در کشورهای کوچک نفتی بحرین، قطر، امارات متحده عربی و عمان وجود دارد. آنها جمعاً یک بازار نیم میلیارد دلاری را تشکیل می‌دهند که سهم آمریکا از آن فقط ۱۰ درصد بوده است؛ و در تولید نفت آنها نیز آمریکا سهم عمده دارد. ولی رابطه آمریکا با این کشورهای در حال ظهور نوعی رابطه سیاسی و غیرمستقیم است. توسعه سیاسی و اقتصادی همراه با ثبات این کشورهای کوچک استراتژیک در رابطه با منافع مهم و مستقیم اقتصادی آمریکا در عربستان سعودی، کویت و ایران بسیار با اهمیت است. تا زمانی که قراردادهای امتیازاتی کنونی پابرجا بماند آمریکا از نفت خام عربستان سعودی، کویت و ایران سود مهمی خواهد برد. روابط آنها در صنعت بین‌المللی نفت هر چه باشد، ذخایر عظیم نفت خام و ذخایر ارزی کشورهای بزرگ‌تر خلیج [فارس]، روابط آمریکا با این کشورها را دارای اهمیت استراتژیک و تجاری خواهد کرد. تا آنجا که به شیخ‌نشینهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و عمان مربوط می‌شود، منافع وسیع آمریکا ایجاب می‌کند که نه تنها روابط دوستانه برقرار بماند بلکه امنیت و توسعه منظم نیز در آنجا برقرار گردد. از نظر

ماهیت منافع آمریکا در خلیج [فارس] و اوضاع آنجا، آمریکا در بالا بردن میزان امنیت منطقه اهداف زیر را دنبال می‌کند:

الف) نفوذ گروه‌های رادیکال خارجی و یا داخلی ضدآمریکایی یا ضدغربی را مورد مطالعه قرار می‌دهد؛

ب) کشورهای دوست ساحلی از قبیل ایران، عربستان سعودی و کویت را به همکاری در به عهده گرفتن مسئولیت امنیت تمام منطقه خلیج [فارس] دعوت می‌نماید؛

پ) انگلیس را به ایجاد نیروهای مؤثر داخلی تشویق می‌نماید؛

ت) انگلیس را از ایفای نقش دوفاکتو در برقراری امنیت بخش جنوبی خلیج [فارس] و عمان به تدریج وارد یک مرحله گذار می‌نماید؛

ث) و در ظاهر و در واقعیت سعی دارد از ایفای نقش حامی و طرفدار بخش جنوبی خلیج [فارس] و عمان به جای انگلیس امتناع ورزد.

۲- اوضاع امنیتی

با وجودی که وظیفه رسمی انگلیس در حمایت از کشورهای بخش جنوبی خلیج [فارس] رو به اتمام است، ولی این کشور در ابقای ثبات حاشیه جنوبی خلیج [فارس] منافع دارد. برای حمایت از امنیت بخش جنوبی خلیج [فارس]، انگلیس در نظر دارد افسران انگلیسی را تعویض کرده تجهیزات نظامی در اختیار نیروهای محلی قرار دهد و با آنها قراردادهایی منعقد سازد که در صورت نیاز، نیروهای انگلیس بتوانند برای بازدید مکرر از بنادر و تمرینات آموزشی وارد منطقه شوند. در رابطه با خطرات نظامی که ممکن است علیه بخش جنوبی خلیج [فارس] وجود داشته باشد، این قراردادهای انگلیسی تلاش می‌کنند توانایی و استعداد دفاعی کشورها را بالا ببرند.

تهدید

حضور دریایی شوروی در خلیج [فارس] افزایش خواهد یافت ولی نوعی خطر نظامی مستقیم به شمار نمی‌رود و برای حمایت از نفوذ دیپلماتیک شوروی است. نقش چین کمونیست در منطقه تجاری است و در صورتی که امکان داشته باشد به جای ایفای نقش نظامی مرسوم، به عملیات منحرف کننده می‌پردازد. مداخله نظامی عراق در جنوب خلیج [فارس] و یا کویت با عکس‌العمل ایران و اعراب و نیز ضعف‌های خود عراق خنثی می‌گردد. متأسفانه باید گفت دو کشوری که در آینده خواهند توانست مسئولیت امنیت خلیج [فارس] را به دنبال «خروج» انگلیس تقبل نمایند -ایران و عربستان سعودی- تنها نیروهای «مهاجم» علیه کشورهای خلیج [فارس] جنوبی به شمار می‌روند. ولی مداخله ایران و یا عربستان سعودی در آینده قابل پیش‌بینی، یا به منظور دست‌یابی به اهداف ارضی محدود در

نقاط مورد اختلاف خواهد بود - که بحث و مذاکره درباره این مسائل هم‌اکنون آغاز شده است - و یا دستیابی به اعاده نظم - در صورت وقوع عدم ثبات سیاسی - خواهد بود که ما هم سعی داریم این عدم ثبات سیاسی از بین برود.

عوامل داخلی تنها خطرات جدی واقعی علیه ثبات حاشیه جنوبی خلیج [فارس] هستند. هسته‌های بسیاری از نهضت‌های انقلابی عربی در سرتاسر منطقه پراکنده‌اند. اطلاعات موجود نشان می‌دهد که این گروه‌های خرابکار از نظر تعداد اعضا کوچک بوده و سازماندهی درستی نداشته و در حال حاضر نیز تحت نظارت و کنترل هستند. آنان از طرف عراق و جمهوری خلق یمن از نظر ایدئولوژیک و تبلیغاتی حمایت می‌شوند و عراق سلاح و آموزش در اختیار عناصر بعثی حاشیه جنوبی خلیج [فارس] قرار می‌دهد. اگر کمونیست‌های چین و روسیه حضور دیپلماتیک خود را در جنوب خلیج [فارس] افزایش دهند باید انتظار داشت که به حمایت از این گروه‌های خرابکار نیز پردازند که نیروی واقعی آنها در برابر هیأت حاکمه قبل از خروج کامل انگلیس به مرحله آزمایش گذاشته نخواهد شد. تمام این عناصر انقلابی با منافع آمریکا در منطقه متخاصم هستند. آنها با استفاده از خصومت ناسیونالیستی اعراب در قبال حمایت آمریکا از اسرائیل به تحریک احساسات ضدآمریکایی در بین جمعیت‌های آگاه از نظر سیاسی می‌پردازند. بروز این عکس‌العمل‌های مردمی سبب خواهد شد که حکام خلیج [فارس] نتوانند با آمریکا، به خصوص در امور برقراری امنیت، همکاری نمایند.

در استان ظفار عمان غربی یک گروه انقلابی به نام جبهه خلق آزادیبخش خلیج غربی با کمک جمهوری دموکراتیک خلق یمن و تعدادی از کمونیست‌های چینی و احتمالاً تحت حمایت عراق توانسته است کنترل انقلاب جدایی طلب را به دست گیرد و اعلام کرده است که منطقه ظفار دیگر تحت کنترل نیروهای سلطان عمان نیست. با وجود اینکه ظفار از دیگر بخش‌های عمان و خلیج فارس جداست حالت ارتجاعی این نیروی کوچک چریکی و هدف آن که «آزادسازی» بخش عربی خلیج [فارس] است، اگر دارای فوریت نباشد، نشانگر جدیتی است که در خطر رادیکالها علیه ثبات سیاسی کل منطقه نهفته است. و تعدادی از ظفاریهایی که در نیروهای مناطق بی طرف خدمت می‌کنند نیز به عنوان مخالفین سیاسی شناخته شده و احتمالاً با جبهه خلق آزادیبخش خلیج عربی همکاری دارند.

نیروهای دفاعی و امنیتی

هیچیک از کشورهای حاشیه جنوبی خلیج [فارس] قادر به مقاومت در برابر حمله کشور بزرگی چون ایران نیستند. ولی در رابطه با مأموریت اصلی آنها که همانا برقراری نظم داخلی است نیروی دفاعی و امنیتی آنها از نظر تعداد، تجهیزات و آموزش کافی به نظر می‌رسد. نیروی دفاعی بحرین نسبت به کل جمعیت این کشور که بیش از ۲۰۰۰۰۰ نفر است بالغ بر ۲۰۰۰ نفر می‌باشد. قطر (جمعیت کمی بیش از ۱۰۰۰۰۰ نفر) حدود ۲۵۰۰ نفر نیروی مسلح

دارد. امارات متحده عربی که کمتر از ۲۰۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد دارای یک نیروی مسلح دفاعی و امنیتی ۹۰۰۰ نفره است که مهم‌ترین بخش این نیروها را نیروی ۱۸۰۰ نفری پیشاهنگ عمان بیطرف و نیروی ۶۰۰۰ نفری دفاعی ابوظبی تشکیل می‌دهند. نیروهای دفاعی و امنیتی کشورهای جنوبی خلیج [فارس] و واحدهای اطلاعاتی این کشورها نیز به وسیله انگلیس رهبری و هدایت می‌گردند. آنها از توانایی و قدرت آتش برای مبارزه علیه قیام عناصر انقلابی ضد رژیمهای محلی برخوردارند.

نیروهای مسلح سلطان عمان که به افسران و تجهیزات انگلیسی مجهز شده‌اند ظاهراً در خنثی کردن فعالیت گروههای کوچک عصیانگر در کوهستانهای دور افتاده ظفار موفقیت‌هایی به دست آورده‌اند. نتیجه مبارزه کنونی هر چه باشد، باید گفت این نیرو از نظر تعداد، تجهیزات و تحرک قادر است فعالیت‌های چریکی منطقه را محدود کرده، به حمایت از رژیم در مناطق حیاتی مسقط و عمان پردازد.

خلاصه اینکه نیروهای امنیتی کشورهای خلیج [فارس] جنوبی و عمان از نظر فیزیکی قادرند امنیت داخلی را در مناطق مهم برقرار کرده و به حمایت از رژیمهای موجود مبادرت ورزند. اینکه آیا این نیروها به هیأت حاکمه وفادار خواهند ماند و یا خود به صورت یک نیروی انقلابی محرک درخواهند آمد، احتمالاً مسئله اصلی ثبات سیاسی منطقه خواهد بود. به طور خلاصه باید گفت امنیت کشورهای حاشیه جنوبی خلیج [فارس] و عمان بیشتر یک مسئله سیاسی است تا نظامی.

نقش انگلیس

با وجود اینکه تمام شیخ‌نشینهای خلیج [فارس] از تصمیم انگلیس مبنی بر اعطای استقلال کامل به آنها استقبال کردند ولی هیچیک از آنها به جز قطر با خروج نیروهای نظامی عملیاتی انگلیس از خلیج [فارس] موافقت نکردند و همه این کشورها و نیز قطر موافقت کرده‌اند که انگلیس به ایفای نقش به عنوان نیروی دفاعی محلی ادامه دهد و افسران انگلیسی بر اساس تغییر قرارداد در آنجا بمانند. انگلیس در عمان نیز به همین نقش خود ادامه خواهد داد.

نقش افسران انگلیسی در برقراری امنیت داخلی خلیج [فارس] و عمان بسیار حائز اهمیت است، چون شایع است که نیروهای دفاعی و امنیتی محلی که مرکب از مزدوران عربی و غیرعربی هستند نسبت به افسران انگلیسی بیش از رژیم‌هایی که داعیه دفاع از آنها را دارند وفادار هستند. آیا این فرضیه، اکنون که کنترل امنیت جنوب خلیج [فارس] از دست انگلیس خارج و به عهده حکام محلی گذاشته شده باز هم کاربرد خواهد داشت یا خیر، در حال حاضر غیرقابل پاسخگویی است؛ علاوه بر این معلوم نیست مسئله استقبال از افسران انگلیسی تا چه حدی ادامه داشته باشد. ولی واقعیت این است که تداوم حضور انگلیس در برقراری امنیت در جنوب خلیج [فارس] و عمان عامل ایجاد ثبات بوده و به نفع آمریکاست.

انگلیس منبع اصلی ارائه تجهیزات، آموزش و نیز رهبریت نظامی در نیروهای دفاعی عمانی و خلیج [فارس] بوده است. انگلیس سعی دارد این موقعیت را حفظ نماید چون علاوه بر منافع تجاری، کنترل منبع تسلیحاتی خلیج [فارس] می‌تواند کارایی و نفوذ نقش مستشاری انگلیس را نیز افزایش دهد. ظهور دیگر کشورها به عنوان منابع تسلیحاتی منطقه، از نفوذ انگلیس در امور امنیتی خلیج [فارس] و عمان خواهد کاست. ما نباید حساسیت شدید انگلیس را نسبت به نقش فزاینده نیروی بیگانه در خلیج [فارس] در نظر داشته باشیم.

نقش انگلیس در خلیج [فارس] دیر زمانی است که هدف انتقادهای ناسیونالیستی واقع شده است؛ گروههای انقلابی به مبارزه علیه حضور انگلیس که سعی در برهم زدن برنامه‌های آنها را دارد خواهند پرداخت. حتی گروههای حاکمه میانه‌روی منطقه نیز گهگاه این نقش انگلیس را مورد انتقاد قرار می‌دهند، به خصوص اگر این ایفای نقش شدید باشد. ایران و به خصوص عربستان سعودی نسبت به تداوم نفوذ انگلیس حساسیت نشان خواهند داد. با این وجود تداوم حضور انگلیس در امور امنیتی خلیج [فارس] مورد قبول دولت و دشمن است و ریشه در تاریخ دارد و آشناست و مهم‌تر از همه در حال ضعیف شدن است. از طرف دیگر، حضور آمریکا یا یک نیروی خارجی دیگر در صحنه خلیج [فارس] به خصوص اگر قرار باشد جانشین انگلیس شود به وسیله بعضیها یک اقدام جدید تحریک‌آمیز و خطرناک تلقی خواهد گردید. علاوه بر این، انگلیس مانند آمریکا برای حمایت از اسرائیل هدف حملات گروههای ناسیونالیستی قرار نمی‌گیرد.

نقش آمریکا

مسئله نقش آمریکا در اینجا مطرح می‌شود، حال چه آمریکا بخواهد و چه نخواهد منبع اصلی تجهیزات و خدمات نظامی کشورهای خلیج [فارس] و عمان واقع می‌گردد. حتی اگر کشورهای جنوب خلیج [فارس] مایل باشند به انگلیس از نظر کمک‌های امنیتی متکی باشند، باز هم مایل خواهند بود منبع جایگزین دیگری داشته باشند و آمریکا اولین انتخاب آنها خواهد بود.

ممکن است رژیمهای محلی بخواهند از حمایت آمریکا علاوه بر کمک‌های انگلیس استفاده کنند و سازندگان آمریکایی تجهیزات نظامی توجه رهبران خلیج [فارس] و عمان را به سلاحهای آمریکایی از قبیل تجهیزات نسبتاً پیچیده چون هواپیما، کشتی‌های گشتی و سلاحهای ضد هوایی جلب خواهند کرد. با ثروتی که این ملت‌ها در اختیار دارند خواهند توانست سلاحهای مورد نیاز خود را از هر جای دیگر خریداری کنند. اگر آمریکا تقاضای آنها را به خاطر نقش انگلیس نپذیرد، موجبات رنجش خاطر این رژیمها فراهم خواهد آمد و سبب خواهد شد که آنها به منابع تسلیحاتی دیگر چون اروپای غربی به استثنای کشورهای کمونیستی روی آورند. ولی اگر تقاضاهای آنها را در مورد تجهیزات و خدمات آمریکایی

برآورده سازد چند مسئله پیش خواهد آمد. فروش تجهیزات دریایی و هوایی و غیره که برای این نیروها تازگی دارد، ممکن است آموزش و تعمیرات درون کشوری توسط آمریکا را ایجاب نماید که به معنی جایگزین شدن آمریکا به جای انگلیس خواهد بود. علاوه بر این، ما باید خود را آماده پذیرش این واقعیت بکنیم که اگر به یک کشور تجهیزاتی بفروشیم کشورهای دیگر نیز خواهان خریدهای مشابه خواهند شد.

از نظر نقش آمریکا و انگلیس، بحرین واجد شرایط خاصی است. بحرین مرکز شبکه نظامی و سیاسی انگلیس در کنترل جنوب خلیج [فارس] بوده است، ولی خروج انگلیس سبب می‌شود که فقط نیروی دریایی آمریکا در آنجا بماند و منافع نفتی نیز به جای انگلیس از آن آمریکاست. در حالیکه بحرینی‌ها برای جلب حمایت به کشورهای بزرگتر منطقه و آمریکا روی می‌آورند، منافع انگلیس در این کشور نیز برخلاف بقیه نقاط جنوب خلیج [فارس] به سرعت از بین می‌رود.

۳- نتیجه‌گیری

خطری که ثبات کشورهای حاشیه جنوبی خلیج [فارس] و عمان را تهدید می‌کند یک خطر سیاسی است تا نظامی. این کشورها و کشور عمان نیاز چندانی به تجهیزات اضافی نظامی نداشته و منابع خود را می‌توانند در مورد اهداف غیرنظامی دیگر مصرف نمایند. با این وصف آنها سلاحهای بیشتری خواهند خواست و قادر نیز هستند مبالغ لازم را پردازند. فروش تجهیزات نظامی در منطقه به نسبت فروش تسلیحاتی جهانی حائز اهمیت نیست، لیکن شرکت‌های آمریکایی را از موقعیت ممتازی برخوردار می‌سازد. ممکن است کشورهای جنوب خلیج [فارس] و عمان بر تجهیزات و آموزشهای نظامی انگلیس متکی باشند ولی نمی‌خواهند انگلیس تنها منبع تسلیحاتی و آموزشی آنها باشد. ما باید خود را آماده سازیم تا در صورتی که انگلیس قادر نباشد سلاح در اختیار آنها بگذارد و یا در مورد سلاحهای آمریکایی ترجیح قابل ملاحظه‌ای رؤیت شود، مقدار معقولی از سلاحهای آمریکایی را به آنها بفروشیم.

امتناع آمریکا از پاسخ به تقاضاهای کشورهای خلیج [فارس] و عمان در قبال وسایل دفاعی و به خصوص در قبال میزان منطقی سلاحهای ساده، نوعی توهین به این کشورها بوده و سبب ورود دیگر کشورها، احتمالاً اروپای غربی و شاید کشورهای کمونیستی به این منطقه خواهد شد. در چند سال آتی سیاست ما در زمینه فروش تجهیزات و خدمات دفاعی به این کشورها باید طوری باشد که تا حد امکان، نقش انگلیس در امنیت منطقه، منافع تجاری و اجتناب‌ناپذیر رابطه مستقیم و نزدیکتر آمریکا با این کشورها را کاهش ندهد. همچنین مهم است که ما در انتخاب نوع تجهیزاتی که مایل به فروش آنها هستیم دقت کرده، فروش تجهیزات نسبتاً ساده‌ای را که می‌تواند کمکی در ایجاد ثبات باشد تأیید نماییم و به این کشورها بقبولانیم که به دست آوردن سلاحهای پیچیده و گرانقیمت درست نیست چون ممکن است به جای حفظ امنیت منطقه موجبات بر هم زدن آن را فراهم آورد.

۴- پیشنهادات

لازم است در پیش‌بینی تقاضاهای کشورهای حاشیه جنوبی خلیج [فارس] و عمان برای خرید تجهیزات و خدمات نظامی آمریکا، دولت آمریکا سیاستی واقع‌گرایانه اتخاذ نماید که بدون ایجاد تناقض، قابلیت کاربرد داشته باشد و به اهداف امنیتی آمریکا در منطقه کمک کند. ما باید با در نظر گرفتن این واقعیت که در حال حاضر آمریکا منبع اصلی تجهیزات و خدمات نظامی عربستان سعودی و ایران یعنی دو کشور مسئول در امنیت خلیج [فارس] است و اخیراً رئیس‌جمهور نیز شرایط کویت را برای ورود به لایحه فروش نظامی خارجی تأیید کرده است، سیاست خود را در این زمینه اتخاذ نماییم. همچنین باید نشان بدهیم که از نقش بی‌چون و چرای انگلیس در برقراری امنیت کشورهای حاشیه جنوبی خلیج [فارس] و عمان آگاه بوده و تا زمانی که مورد قبول مقامات و افراد محلی باشد ما نیز نسبت به آن اعتراض نداریم.

اگر سیاست آمریکا، خلیج [فارس] را منطقه انحصاری نفوذ تسلیحاتی انگلیس بداند نوعی کوته‌فکری نشان داده است و کشورهای منطقه آن را غیرمعقول و غیرقابل پذیرش خواهند دانست. از طرف دیگر، سیاست آمریکا مبنی بر فروش همه نوع تجهیزات نظامی به منطقه ممکن است این تصور را به وجود آورد که آمریکا می‌خواهد جای انگلیس را به عنوان حامی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج [فارس] بگیرد و دیگر کشورها از جمله شوروی را به مبارزه برانگیزد، و سبب خواهد شد کشورهای منطقه به جای مصرف کردن منابع خود در اهداف غیرنظامی، را برای خرید سلاحهای نظامی غیرضروری مورد استفاده قرار دهند.

برای برقرار کردن موازنه منافع خود در منطقه، سیاست زیر را پیشنهاد می‌کنیم:

الف- با انگلیس مشورت نماییم و به آنها نشان دهیم که مایل هستیم رابطه آمریکا و انگلیس در همکاری پیرامون برقراری امنیت خلیج [فارس] ادامه یابد و با آنها درباره خطوط اصلی و منطقی نهفته امنیت صحبت و مذاکره نماییم.

ب- ما باید تلاشهای بخش تجارتي آمریکا را در فروش مقدار معقولى از تجهیزات و خدمات دفاعی مورد نیاز واقعی امنیتی منطقه از قبیل تجهیزات ارتباطی، سلاحهای کوچک، توپخانه سبک، هواپیماهای شناسایی سبک، وسایل حمل و نقل نظامی، هلیکوپتر و وسایل گشتی ساحلی و غیره مورد تأیید و تصویب قرار دهیم. ما باید تقاضاهای فروش را مورد ملاحظه قرار داده و گواهی کنترل صدور مهمات را در قبال هر مورد خاص صادر نماییم.

پ- ولی کانالهای تجاری برای خرید بعضی از انواع تجهیزات مناسب نیستند و ما انتظار داریم تقاضاهای کشورهای خلیج [فارس] از طریق لایحه فروش نظامی خارجی برآورده شود. ابتدا باید ببینیم که آیا می‌توانیم این تجهیزات را از طریق انگلیس و شاید عربستان سعودی، ایران و کویت به آن نقاط منتقل نماییم یا خیر. اگر این کار امکان نداشته باشد باید آماده شویم که تعداد محدودی از این تجهیزات را از طریق فروش نظامی خارجی در اختیار آنها قرار دهیم.

ت- در رابطه با فروش مستقیم از طریق فروش نظامی خارجی و انتقال از یک کشور دیگر،

بایستی طبق بخش ۳ (الف) (۱) لایحه فروش نظامی خارجی، صلاحیت کشورهای حاشیه جنوبی خلیج [فارس] و عمان مورد تأیید قرار گیرد و رئیس جمهور ثابت نماید که فروش این تجهیزات می تواند «امنیت آمریکا را تقویت کرده و صلح جهانی را افزایش دهد.» و باید این کشورها را نیز در فهرست کشورهای دارای صلاحیت فروش نظامی خارجی وارد نماییم. این امر سبب می شود که رئیس جمهور مجبور نباشد تنها به تعیین صلاحیت مشغول شود.

ث- البته فروشهایی که حضور نیروهای نظامی آمریکایی را در سطح مستشار و یا ابقای وسایل در جنوب خلیج [فارس] و عمان ایجاب می کند نباید مورد تأیید قرار دهیم. البته شرکت های خصوصی می توانند این کار را انجام دهند مشروط بر اینکه مسئله سلاح های آمریکایی باشد. ما سعی داریم از رقابت با انگلیس در سطح مستشاری اجتناب ورزیم.

ج- در سیاست کلی خود، ما نباید تقاضاهای کشورهای حاشیه جنوبی خلیج [فارس] و عمان را برای خرید تجهیزات پیچیده نظامی از قبیل توپخانه سنگین، ناوهای جنگی، هواپیماهای جنگی و تانک تصویب نماییم.

تقاضاهایی که در مورد این تجهیزات می شود بایستی به طور جداگانه مورد ملاحظه قرار گرفته با ضرائبی از قبیل خطر نظامی، تعادل نظامی منطقه، امکان ایجاد مسابقه تسلیحاتی محلی و امکان افزایش تشنج منطقه ای، تأثیری که اینگونه فروشها بر موازنه پرداخت های آمریکا خواهد داشت و راههای دیگر (مثلاً خرید از بلوک شوروی) در صورت عدم پاسخگویی ما به این تقاضاها و غیره، سبک و سنگین شوند.

سند شماره ۶۵

۲۹ اوت ۱۹۷۲ - ۷ شهریور ۱۳۵۱

سری

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

به: ابوظبی، امان، جده، کویت، منامه، مسقط، لندن، تهران

مرجع: الف ۸۳۰۲ - ۱۵ اوت ۱۹۷۲

موضوع: سیاست تسلیحاتی آمریکا در قبال کشورهای حاشیه جنوبی خلیج [فارس]

نسخه ای از یادداشت شماره ۱۸۶ تصمیم شورای امنیت ملی که نشانگر تصویب ریاست جمهور درباره فروش تجهیزات نظامی به کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و عمان بر اساس اولویت های خاص در یادداشت کمیته معاونین وزیران است برای شما به پیوست ارسال می گردد (تلگرام مرجع)

برای منامه و مسقط - چون واحدهای شما این تلگرام مرجع را دریافت نکرده اند، رونوشت هایی از این یادداشت را به همراه این نامه هوایی برایتان ارسال می داریم.

راجرز

ضمیمه: یادداشت شماره ۱۸۶ تصمیم شورای امنیت ملی



کاخ سفید
واشنگتن

۱۸ اوت ۱۹۷۲ - ۲۷ مرداد ۱۳۵۱

سری

یادداشت شماره ۱۸۶ تصمیم شورای امنیت ملی به: وزیر امور خارجه، وزیر دفاع

سرپرست کمیته معاونت وزیران شورای امنیت ملی

موضوع: فروش تجهیزات نظامی آمریکا به کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و عمان
رئیس جمهور گزارش کمیته معاونین وزیران را که به همراه یادداشت ۲۴ آوریل سرپرست
کمیته معاونین وزیران در شورای امنیت ملی تحت عنوان «فروش تجهیزات و خدمات دفاعی
به شیخ‌نشین‌های جنوب خلیج فارس و عمان» ارائه شده بود مورد ملاحظه قرار داد.

رئیس جمهور اظهار داشت که سیاست ما درباره این مسئله باید بر اصولی استوار باشد که
مسئولیت امنیت منطقه خلیج [فارس] به عهده کشورهای منطقه گذارده شود و برای نیل به این
هدف آمریکا آنها را تشویق به همکاری خواهد کرد و نقش انگلیس در منطقه باید ادامه یابد و
در همان حال و با پیروی از سیاست‌های بالا، آمریکا نیز باید نقش فعال و مستقیم خود را ایفا
نماید. تداوم نقش آمریکا مشورت‌های نزدیک با انگلیس و کشورهای غیرمتخاصمی را که درگیر
تأمین امنیت منطقه خلیج هستند ایجاب می‌کند. رئیس جمهور فروش تجهیزات نظامی بر اساس
روش انتخابی در یادداشت کمیته معاونین وزیران را به کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و
عمان تصویب کرده است و شرایط زیر به خصوص مورد تأیید قرار گرفته است:

- شرکت‌های خصوصی آمریکایی می‌توانند میزان معقولی از تجهیزات و خدمات دفاعی
مورد نیاز امنیتی این کشورها را به آنها بفروشند و تحت حمایت قرار می‌گیرند.

- در صورتی که کانالهای تجاری کفایت نمایند این کشورها باید برای دریافت تجهیزات و
خدمات نظامی لایحه فروش نظامی خارجی واجد شرایط درآیند، البته در صورتی که هدف،
گسترش همکاری در میان کشورهای منطقه باشد.

- به عنوان یک سیاست کلی، فروش این تجهیزات باید به نحوی انجام پذیرد که حضور
نیروهای نظامی آمریکا را در زمینه آموزش و تعمیر و نگهداری به طور موقت در این مناطق
تعیین نماید. شرکت‌های خصوصی آمریکایی در رابطه با فروش تجهیزات نظامی آمریکایی
می‌توانند از نظر اداری و آموزش، نیروهای خود را به منطقه گسیل دارند، لیکن باید از هرگونه
تلاشی که سبب به هم خوردن نقش مستشاری انگلیس می‌گردد امتناع و اجتناب ورزند.

- فروش سلاحها و دیگر تجهیزاتی که ممکن است برای بر هم زدن ثبات مؤثر باشد، در
رابطه با منافع آمریکا در منطقه مورد مطالعه وسیع قرار خواهد گرفت.

کمیته معاونین وزیران شورای امنیت ملی باید بر اجرای این سیاست نظارت داشته و قبل از
صدور جواز و تصویب اعتبار، تقاضاهای عمده فروش را مورد بررسی و تجدید نظر قرار دهد.

هنری. ا. کی سینجر

نقش نظامی غرب، به ویژه آمریکا، در... ۱۸۳

سند شماره ۶۶

۳۰ نوامبر ۱۹۷۲ - ۹ آذر ۱۳۵۱

محرمانه

از: سفارت آمریکا، تهران، ۷۱۹۰

به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در امان، بیروت، جدّه، کویت

از نمایندگی کویت درخواست می‌شود این تلکس را برای ابوظبی و مسقط نیز ارسال دارد.

موضوع: سیاست تسلیحاتی برای کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس

خطوط اصلی تصمیم دولت آمریکا درباره سیاست تسلیحاتی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس به وسیله کاردار در ۲۹ نوامبر به میرفندرسکی معاون وزارت امور خارجه ارائه شد. او از این تبادل اطلاعات اظهار قدردانی نمود که این امر می‌تواند به ما در نظارت بر اعمال دولت ایران در عمان و یمن کمک کند.

سند شماره ۶۷

۱۰ ژانویه ۱۹۷۶ - ۲۰ دی ۱۳۵۴

محرمانه

به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

از: سفارت آمریکا، دوحه

جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در ابوظبی، جدّه، کویت، منامه، مسقط، تهران.

مرجع: دوحه ۱۳۱۵، دوحه ۱۴۳۸

موضوع: سفر فرمانده نیروهای خاورمیانه‌ای به قطر

۱- خلاصه: پس از تأیید دولت قطر، دریاسالار «توماس. جی. بیگلی» فرمانده نیروهای خاورمیانه‌ای در تاریخ ۸-۷ ژانویه به طور «خصوصی» از قطر بازدید کرد. بین دریاسالار و شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی فرمانده کل نیروهای مسلح قطر رابطه خوبی ایجاد شد و این دیدار ظاهراً راه را برای ورود ناوهای آمریکا به قطر هموار کرده است. پایان خلاصه.

۲- دریاسالار توماس. جی. بیگلی در تاریخ ۸-۷ ژانویه وارد دوحه شد. در این دیدار که سفیر وی را همراهی می‌کرد، بیگلی با شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی فرمانده کل نیروهای مسلح قطر و فرزند امیر در تاریخ ۷ ژانویه ملاقات نمود و همان روز شیخ حمد برای صرف ناهار به اقامتگاه سفیر آمد و به دریاسالار بیگلی پیوست.

۳- در ماه دسامبر و به درخواست سفیر، شیخ حمد از امیر قطر برای سفر دریاسالار بیگلی تأییدیه‌ای دریافت کرد. ولی حمد اظهار داشت که دولت قطر مایل است این بازدید جنبه خصوصی داشته و فاقد هرگونه تبلیغات باشد. در آن موقع سفیر اظهار داشت که ما در نظر داریم در این سفر بار دیگر موضوع ورود ناوهای آمریکایی را به دوحه در حضور بیگلی مطرح سازیم. حمد این بار نیز از «مشکلات سیاسی» ناشی از ورود این ناوها برای دولت قطر سخن به میان آورد و گفت مطرح شدن آن اشکالی ایجاد نمی‌کند (تلگرامهای مرجع).

۴- ملاقات ۷ ژانویه، دریاسالار به تفصیل در مورد مأموریت نیروهای خاورمیانه با شیخ



حمد سخن گفت و به ورود ناوهای آمریکایی به بنادر منطقه پرداخت و در مورد آموزشهای مشترک سعودیها، کویتها و دیگران در عرشه ناوها گفتگو کرد. وی بر روابط دوستانه بین نیروهای خاورمیانه با تمام کشورهای منطقه از جمله ایران تأکید کرده و گفت امیدوار است نیروهای خاورمیانه‌ای بتوانند در آینده نزدیک وارد دوحه نیز بشوند.

۵- حمد بار دیگر اظهار داشت که در صورت ورود این کشتی‌ها به دوحه بین دولت قطر و دیگر کشورهای عرب «مشکلات سیاسی» پدیدار خواهد شد. با این حال وی اظهار داشت که ناوهای فرماندهی نیروهای خاورمیانه به دیگر بنادر منطقه وارد شده و در سال گذشته به انگلیسی‌ها، فرانسویها، هندیها و حتی عراقیها اجازه ورود به بنادر این کشور داده شده است. در اینجا حمد اظهار داشت که دولت قطر با درخواست ورود ناو به دوحه با دید مثبتی برخورد خواهد نمود. ما به حمد اطمینان دادیم که درخواست رسمی در آینده نزدیک تسلیم دولت قطر خواهد شد.

۶- نظریه: مخاطبین به یاد دارند که دولت قطر حدود یک سال قبل چنین درخواستی را رد کرده بود، چون معتقد بود که آمریکاییها می‌خواهند به کشورهای تولیدکننده نفت حوزه خلیج [فارس] حمله‌ور شوند. ظاهراً این نظریه خریداری ندارد و می‌توانیم چنین تصور کنیم که امیر بیش از این با ورود ناوهای ما به بنادر کشور مخالفت نخواهد کرد زیرا خود حمد قادر نیست بدون اجازه امیر حتی آب بخورد. ولی تغییر رویه نهایی دولت قطر، زمانی آشکار خواهد شد که ما تقاضای رسمی خود را مطرح سازیم، ولی خوش‌بین هستیم. دریاسالار بیگلی رابطه خوبی با شیخ حمد ایجاد کرده و سفر وی به موقع انجام گرفته و عامل خوبی در حل مشکل مربوط به بازدید ناو نیروی دریایی آمریکا از قطر است. پاگانلی

سند شماره ۶۸

۶ آوریل ۱۹۷۶ - ۱۷ فروردین ۱۳۵۵

سری

[موضوع]: محدودیت‌های احتمالی انتقال سلاح به خلیج فارس

خلیج فارس

۴* - محدودیت‌های احتمالی در مورد انتقال سلاح به خلیج فارس

به نظر می‌رسد راه‌حل آسان و سریعی در ایجاد تفاهم کلی برای محدود سازی انتقال سلاح به خلیج فارس وجود نداشته باشد. وجود سؤالات بی‌جواب در مورد آینده امنیت سیاسی و نظامی منطقه ایجاب می‌کند که سیاست انتقال سلاح آمریکا از شدت و حدت بسیاری برخوردار نباشد. ممکن است طی شرایط خاصی انتقال سلاح به کشور خاصی قابل توجیه و

* بخش پیشین سند یافت نشد.



طی شرایط دیگری خودداری از این کار به نفع آمریکا باشد. به هر حال، باید انتقال سلاح به خلیج [فارس] تحت کنترل شدیدتری درآید تا اهداف سیاست آمریکا تحقق یابد و در همان حال با به وجود آوردن چند کنترل منطقه‌ای، ثبات خلیج [فارس] نیز افزایش یابد. در همین رابطه اقدامات یک جانبه آمریکا می‌تواند شامل (۱) ایجاد محدوده دلاری در مورد قراردادهای جدید و یا شاید تعیین محدوده فروش به هر کشور باشد تا از کل خریدهای یک کشور در پنج سال گذشته فراتر نرود؛ (۲) فهرستی از سیستم‌های تسلیحاتی ممنوع‌الفروش به کشورهای دیگر چون ناوهای LPH/LHA و نیز دیگر تجهیزات و موشک‌هایی با برد ۲۵-۱۵ میل تهیه شود، چون این وسایل می‌تواند توانایی کشور را در نبرد نیروهای خود در خارج افزایش دهد.

در صورتی که آمریکا تصمیم بگیرد به طور یک جانبه صدور تسلیحات خود را به خلیج [فارس] کاهش دهد، نوع سیستم‌های تسلیحاتی و شدت کاهش صدور می‌تواند مشخص نماید که آیا دیگر عرضه‌کنندگان غربی خواهند توانست نیازهای آن کشور را در کوتاه‌مدت برآورده سازند یا خیر. به طور مثال عرضه‌کنندگان غربی می‌توانند مقادیر زیادی نفربرهای زرهی و توپخانه در چند سال آینده به فروش برسانند. از طرف دیگر، عرضه تجهیزات بسیار پیشرفته چون هواپیماهای جت یا احتیاج به گسترش خط تولید دارد و یا آنکه باید متقاضیان را در صف نگاهداشت، در نتیجه انتظار زمان تحویل آنها نیز طولانی‌تر گردد. گرچه شوروی قادر است به سرعت نیازهای کشورهای حوزه خلیج [فارس] را تأمین نماید ولی هیچیک از کشورهای میانه‌رو این حوزه نمی‌خواهند با شوروی قراردادهای عظیم تسلیحاتی منعقد سازند. علی‌رغم مشکلات نهفته در ایجاد امنیت سیاسی و نظامی خلیج [فارس]، آمریکا باید سیاست تسلیحاتی خود را مشخص کند، تا ما نیز بتوانیم به سؤالات اساسی‌تری در رابطه با آینده سیاسی و استراتژیک خلیج فارس پاسخ دهیم.

رهنمودهای ذیل می‌تواند در مورد سیاست انتقال سلاح ما به کار رود:

۱- مشخص کردن سیستم‌های تسلیحاتی بر هم زنده ثبات

صریحاً می‌توان گفت که بین فروش یک اسکادران جت بمب‌افکن شکاری و فروش ۱۰۰ تانک و یا ۲۰۰ نفربر زرهی تفاوتی وجود دارد، گرچه تمام این تجهیزات «تهاجمی» هستند و هزینه آنها نیز تقریباً یکسان است. برای ارزیابی این اختلافات و اطمینان از اینکه کدامیک از این تسلیحات برای کشورهای همجوار محرک‌تر و خطرناک‌تر است باید به سؤالات مهم ذیل پاسخ داده شود:

(الف) نقش محیط فیزیکی و یا جغرافیایی که در آن تسلیحات مزبور به کار خواهند رفت چیست؟ عواملی چون هوای صاف، زمین هموار، فقدان پوشش و استتار چه تأثیری بر خرید این تسلیحات خواهد داشت؟

(ب) در رابطه با توازن موجود در منطقه، عکس‌العمل کشورهای همجوار در رابطه با یک

سیستم تسلیحاتی چگونه خواهد بود؟
مثلاً، هند در رابطه با خریدهای تسلیحاتی مهم توسط ایران بی تفاوت نخواهد ماند چون برنامه مشترک دفاعی پاکستان و ایران در نهایت خطری برای مرزهای غربی هند به وجود خواهد آورد.

(پ) توانایی‌های فنی این سیستم‌های تسلیحاتی چگونه است؟
در رابطه با عوامل فوق، خرید تجهیزات چون موشک‌های سام و رادارهای دفاع هوایی می‌تواند مورد ترغیب قرار گیرد و در عین حال فروش سیستم‌هایی چون موشک‌های دوربرد و یا جنگنده‌های جدید ضربتی چون A-4M و A-7 را به تأخیر انداخت.

۲- بررسی سیستم‌های «تهاجمی» در برابر سیستم‌های «تدافعی»

در رابطه با جوّ نظامی موجود در خلیج فارس باید بین سیستم‌های تسلیحاتی «تهاجمی» و «تدافعی» تمایزهایی قایل شد. با این وجود، واضح است که بعضی سیستم‌ها می‌تواند توانایی‌هایی را در زمینه اقدامات تهاجمی پدید آورد. (به خصوص در رابطه با حملات نفوذی به شهرها) و می‌تواند زمینه آشوب‌های کلی‌تری را فراهم بیاورد. از آنجا که هیچیک از کشورهای خلیج [فارس] نمی‌توانند جنبه‌های قانونی رفتار نظامی را رعایت نمایند، بهترین راه‌حل، پی‌ریزی نوعی سیاست عرضه تسلیحاتی است که بتوان از طریق آنها ارائه بعضی از سیستم‌های تسلیحاتی را کاهش داد تا توانایی آنها در زمینه اجرای بعضی از مأموریت‌های نظامی نیز کاهش یابد.

سؤالاتی که باید پاسخ داده شود عبارتند از:

(الف) کشورهای خریدار همجوار چه نوع مأموریت‌های نظامی را محرک و خطرناک قلمداد می‌کنند؟

(ب) این مأموریت‌ها با چه نوع سیستم‌های تسلیحاتی قابل اجراست (و باید به همین علت فروش محدودی داشته باشند)؟

۳- محدودیت‌های نیروهای آمریکایی

کشورهای حوزه خلیج [فارس] از نظر آموزش و مشورت‌های فنی در زمینه تجهیزات نظامی که توسط ما عرضه می‌گردد به نیروهای آمریکایی متکی هستند. به عنوان یکی از راه‌های محدود سازنده خرید تسلیحات و به خصوص سیستم‌های تسلیحاتی پیشرفته، باید تعداد نیروهای نظامی مستشاری و یا قراردادی که می‌توان در اختیار آنها قرار داد محدود کرد و یا فروش تسلیحات مورد نظر را محدود به تکنسین‌های مربوطه نمود. این محدودیت سبب محدود شدن احساسات ضدآمریکایی در حین بی‌ثباتی داخلی شده و در صورت بروز خصومت‌های محلی، از افزایش بی‌حد و حصر نظامی آمریکا نیز ممانعت به عمل خواهد آورد.

۴- محدود کردن ذخایر مهمات و قطعات یدکی

باید دقت بسیاری به خرج داد تا مانع از ایجاد ذخایر، آن هم به مقدار افراطی و بیش از حد نیاز شد.

۵- تسلیحات مناسب برای تروریست‌ها

سیستم‌های تسلیحاتی خاصی چون موشک‌های زمین به هوای قابل حمل توسط نفر و صدا خفه‌کن‌ها می‌توانند توسط تروریست‌ها مورد استفاده واقع شوند. با وجود اینکه شوروی موشک‌های سام - ۷ را به کشورهای عرب صادر کرده است، به نفع آمریکا است که از صدور موشک‌هایی چون «رد آی» [چشم قرمز] و لائو جلوگیری به عمل آورد تا تعداد آنها که می‌تواند توسط تروریست‌ها به کار رود محدود گردد و در نتیجه از خصومت‌های سیاسی ناشی از کاربرد سیستم‌های ساخت آمریکا توسط تروریست‌ها نیز جلوگیری به عمل آید.

قراردادهای احتمالی بین‌المللی جهت محدودسازی جریان تسلیحات

گرچه دو ابرقدرت موجود به احتمال رویارویی نهایی در نتیجه بروز هرگونه خصومت جدی در خلیج [فارس] اعتراف دارند، جلب توجه مسکو به محدودسازی دوجانبه تجهیزات مهم نظامی در کشورهای خلیج [فارس] دشوار است مگر آنکه کشورهای خلیج [فارس] نیز راضی به این کار باشند. برخوردهای رسمی آمریکا با شوروی در قبال محدود سازی دوجانبه تسلیحاتی در رابطه با تضاد اعراب و اسرائیل در گذشته ناموفق بوده است. به منظور کسب موفقیت در این زمینه، محدودسازی جریان تسلیحاتی به خلیج فارس باید با تمایل کشورهای حوزه خلیج [فارس] مرتبط باشد. آمریکا یا دیگر عرضه‌کنندگان، باید آماده قبول خطرات سیاسی و اقتصادی ناشی از کشورهای خلیج [فارس] باشند چون در صورت محدود شدن عرضه تسلیحات، آن هم بدون رضایت دریافت‌کنندگان خلیج [فارس] این اقدامات ممکن است علیه آنها صورت گیرد.

به منظور عقد قرارداد کنترل تسلیحاتی باید چند مسئله مهم حل شود. اولین مسئله این است که کدامیک از کشورها باید در این مذاکرات شرکت نمایند. ایران مطمئناً می‌خواهد به همراه عراق، افغانستان و هند در این مذاکرات شرکت جوید. سعودیها در این مذاکرات شرکت نخواهند کرد مگر آنکه اسرائیل و چند کشور تندرو عربی نیز در مذاکرات درگیر شوند. بنابراین محدودسازی اینگونه مذاکرات به کشورهای خلیج [فارس] اگر غیرممکن نباشد دشوار هست. منطقه مورد نظر، بازاری عظیم برای تسلیحات نظامی بوده و یکی از منابع خطیر نفتی غرب به حساب می‌آید، به همین جهت نمی‌توان انگیزه ملل عرضه‌کننده تسلیحات را از بین برد تا بتوان به یک قرارداد محدودکننده تسلیحاتی دست یافت، چون منبع مهم درآمد آنها از بین می‌رود. بنابراین وسعت منطقه و نیز تعداد زیاد کشورهایایی که باید در این مذاکرات شرکت

داشته باشند حتی تصور مذاکرات تسلیحاتی را نیز دشوار می‌سازد.

تلاش کشورهای عرضه کننده برای تحمیل این کنترلها، آن هم بدون رضایت کشورهای دریافت کننده، بدون شک از نظر کشورهای خلیج [فارس] خالی از حب و بغض نخواهد بود. با مشاهده سابقه تسلیحاتی شرق و غرب، بسیاری از این کشورها خواهند گفت که تلاش کشورهای عرضه کننده در جهت محدودسازی انتقال خارجی تسلیحات، امری مزورانه است؛ علاوه بر این، آنها این تلاش را امتیازی غیرمنصفانه برای کشورهای می‌دانند که با یکی از قدرتهای مهم قراردادهای امنیتی ویژه‌ای منعقد ساخته و طی سالهای متمادی تجهیزات نظامی مهمی دریافت داشته‌اند.

ولی نباید کاملاً مأیوس شد، چون بعضی از کشورهای خلیج [فارس] در رابطه با جذب تسلیحات اضافی به محدودیت‌های منابع خود واقف بوده و نسبت به کاهش تحویل یا ارسال تسلیحات نارضایتی نشان نمی‌دهند، تأثیر اختصاص بیش از حد منابع مالی بر سفارشات نظامی از هم‌اکنون در ایران مشهود است. گرچه شاه از آمریکا به خاطر تأخیر در ارسال تجهیزات نظامی انتقاد کرده، ولی به طور محرمانه به مقامات وزارت دفاع آمریکا گفته است که این کندی ارسال «ممکن است دارای خیر و برکتی باشد». پس شاه دریافت کرده است که با وجود تحریک توقع و چشمداشت ارتش خود در سالهای اخیر، وی نمی‌تواند یکباره خود را منزوی ساخته و گوشه عزلت برگزیند.

با وجود عدم کارآیی یک قرارداد یک جانبه جهت کنترل جریان تسلیحات به خلیج فارس، و با وجود مخالفت کشورهای خلیج [فارس] با هرگونه قرارداد محدودسازی تسلیحاتی که از خارج منطقه تحمیل شود، می‌توان گفت که آمریکا باید سه راه احتمالی را در پیش بگیرد:

- آمریکا می‌تواند تلاشهای خود را ادامه دهد تا همکاری کشورهای خلیج [فارس]، به خصوص ایران و عربستان سعودی را در پیدایش توافق امنیتی خلیج [فارس] جلب نماید، و هدف این توافق ایجاب خواهد کرد که انتقال تسلیحات به صورتی معقول باشد و در مورد انواع خاص تسلیحات نیز حد و حدودی معین گردد.

- گفتگوهایی می‌تواند بین آمریکا و شرکایش در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی آغاز شود تا با محدودسازی صدور بعضی از سیستم‌های تسلیحاتی به منطقه، همچون سیستم‌های جدید پیشرفته، تسلیحات هسته‌ای و یا تسلیحات مناسب برای تروریست‌ها، منافع این سازمان نیز حفظ شود. در صورت توافق ناتو می‌توان با شوروی نیز وارد مذاکره گردید. در طرح چنین تصمیماتی، باید کشورهای حوزه خلیج [فارس] را نیز کاملاً در جریان امر قرار داد و این خطر نیز همیشه وجود دارد که ممکن است استراتژیهای اتخاذی قبل از موقع مقرر فاش شود، ولی مشورت با آنها مانع از بروز عکس‌العملهای خصمانه ناشی از ترس در برابر همدستی عرضه‌کنندگان خواهد شد.

- آمریکا باید با شوروی تماسهایی داشته باشد تا بتواند توجه آن کشور را به محدودسازی

صدور تسلیحات به منطقه جلب نماید. همانطور که قبلاً گفته شد، اینگونه تماسها نیز باید با مشورت با کشورهای دریافت کننده صورت گیرد تا نشان داده شود که کشورهای حوزه خلیج [فارس] از این ابتکار آمریکا حمایت می کنند و علاوه بر این مانع از بروز اقدامهای متقابل سیاسی و اقتصادی این کشورها علیه آمریکا گردد. توافق محدودسازی دوجانبه به نفع آمریکاست چون علاوه بر کاهش جریان تسلیحات روسی به منطقه، سبب برقراری تعادل تسلیحاتی سبک تر شده و امنیت کشورهای دوست در حوزه خلیج [فارس] را نیز تأمین می نماید. اینگونه تماسها می تواند اتهام کنگره را مبنی بر عدم توجه نسبت به کنترل تسلیحاتی نیز از بین ببرد. گرچه شوروی در گذشته نیز علاقه چندانی به محدودسازی دوجانبه نشان نداده است، ولی ممکن است در مورد خلیج [فارس] به این کار تن دهد تا برتری نظامی ایران در منطقه کاهش یابد و دوستان شوروی در منطقه از قدرت نسبی بیشتری برخوردار شوند.

در صورتی که پس از بررسی دقیق مسئله برقراری تماس با شوروی به نفع آمریکا تشخیص داده شد، در مذاکرات باید دید که آیا شوروی به محدودسازی تسلیحات علاقه مند است یا خیر. در صورت تمایل شوروی، باید تجزیه و تحلیل سیستماتیک به عمل آید تا قابلیت کاربرد و روشهای مربوط به توافق ارزیابی شود که ممکن است به طور مثال، شامل موارد ذیل باشد:

- توافق در مورد عدم صدور بعضی از سیستم های استراتژیک چون موشک های زمین به زمین با برد ۱۰۰ میل و یا هواپیماهای بمب افکن که بتوانند ۲۰۰۰۰ پوند یا بیشتر مواد منفجره حمل نمایند.

- توافق در مورد ایجاد محدودیت کمی بعضی از سیستم های تسلیحاتی مهم، به صورتی که برای هر سیستم خارج از رده، یک سیستم تحویل داده شود. این محدودیت می تواند به صورت منع صدور یا محدودسازی تعداد سیستم های تسلیحاتی مهم باشد؛
- توافق بر سر عدم صدور سیستم هایی که تا به حال به منطقه صادر نشده است.

سند شماره ۶۹

۳۰ آوریل ۱۹۷۷ - ۱۰ اردیبهشت ۱۳۵۶

محرمانه

از: سفارت آمریکا، دوحه - ۵۲۵ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در جده، منامه، کویت، مسقط، تهران

موضوع: ورود فرمانده نیروی خاورمیانه ای و ناو نیروی دریایی آمریکایی لاسال به قطر

خلاصه: سفر فرمانده نیروی خاورمیانه ای و ناو لاسال به قطر ظاهراً در نحوه همکاری این کشور با نیروی نظامی آمریکا تغییر مهمی ایجاد کرده است. توجه مقامات عالی رتبه، پذیرایی عموماً گرم و تبلیغات وسیع درباره این دیدار حکایت از آن دارد که دولت قطر بیش از پیش به نزدیکی بیشتر روابط علاقه مند شده است. همین امر سبب شده که دولت قطر درخواست



نماید نیروهای مسلحش آموزش ببینند. به هر حال سفر بسیار موفقیت‌آمیز بوده و موجب افزایش غرور و حضور آمریکا در قطر است. پایان خلاصه.

۱- فرمانده نیروهای خاورمیانه دریادار «ویلیام کراو» و ناو نیروی دریایی آمریکا به نام لاسال تحت فرماندهی سروان «جی. اچ. فترمن» با رئیس ستاد «سروان آ. اسمیت» در تاریخ ۲۵ تا ۲۷ آوریل وارد دوحه شد.

۲- فعالیت‌ها عبارت بودند از ملاقات با شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی فرمانده کل نیروهای مسلح قطر و فرزند ارشد امیر که در این ملاقات شیخ عبدالله بن خلیفه آل ثانی، فارغ‌التحصیل از مدرسه نظامی «سند هرست» که روز به روز نقشهای مهم‌تری در نیروهای مسلح عهده‌دار می‌شود و فرزند سوم امیر است حضور داشت؛ معاون فرمانده نیروی هوایی قطر، سرتیپ محمد العتیه در عرشه کشتی به ملاقات ما آمد، ملاقات با شیخ عبدالعزيز بن خلیفه آل ثانی وزیر دارایی و نفت و فرزند دوم امیر؛ ملاقات با شیخ سُهیم بن حمد آل ثانی وزیر خارجه این کشور صورت نگرفت، لیکن سُهیم در ضیافت برگزار شده توسط سفیر به ملاقات دریادار کراو آمد. (در این ضیافت شیخ عبدالله نیز حضور داشت). در ضیافت ناهار واقع در عرشه کشتی، سرهنگ صلاح‌الدین فرمانده جدید نیروی دریایی (وی از اهالی مصر است) و دیگر افسران ارشد نیروی مسلح قطر شرکت نمودند.

فرمانده کل نیروهای مسلح قطر نیز در هتل گلف برای فرمانده نیروهای خاورمیانه و افسران ناو لاسال میهمانی ناهاری ترتیب داد. سفیر ضیافتی ترتیب داد که در آن حدود ۵۰۰ نفر میهمان شرکت داشتند که عبارتند از وزیر خارجه سُهیم و سُهیم عبدالله. در ضیافت برگزار شده در عرشه کشتی برای ۵۰۰ میهمان موسیقی نیز نواخته شد.

۳- فعالیت‌های دیگر عبارت بودند از بازدید حدود ۹۰۰ نفر از ناو لاسال، پذیرایی شخصی از افسران و دیگر دریانوردان لاسال توسط جامعه آمریکاییان مقیم قطر؛ و دیدارهای ورزشی، بازدید از موزه ملی و غیره.

۴- در مورد این دیدار تبلیغات کافی انجام شد و تمام ملاقاتها و ضیافت سفیر در تلویزیون منعکس گردید. در بولتن خبرگزاری قطر نیز در مورد ناو و فعالیت‌های انجام شده در این مدت مطالبی منعکس گردید.

۵- در ملاقات با شیخ حمد، دریادار «کراو» وی را در مورد حضور نیروهای خاورمیانه در بحرین توجیه نمود. حمد گفت نمی‌داند که چرا دولت بحرین نمی‌خواهد حضور نیروی دریایی آمریکا در آنجا ادامه پیدا کند. وی گفت چنین حضوری برای دولت قطر هیچگونه مشکلی پدید نمی‌آورد، وی اظهار داشت که در این مورد با بحرینی‌ها صحبت نخواهد کرد. در مورد وضعیت عمومی امنیتی، حمد در خصوص رویدادهای اخیر آفریقا، به خصوص آنگولا و اتیوپی عمیقاً ابراز نگرانی نمود. وی در حین همین گفتگو در مورد امکان آموزش نیروهای مسلح قطر و افسران آن کشور در آمریکا و همراه با نیروهای خاورمیانه‌ای سخن گفت. سرتیپ

العطیه همان داستان همیشگی را گفت که قطریها از آمریکا کمک امنیتی می‌خواهند اما ما هیچگاه نسبت به درخواست‌های دولت قطر عکس‌العملی نشان نداده‌ایم؛ العطیه در مورد کمک آموزشی برای نیروهای قطری بسیار آرام‌تر از حمد بود. در ملاقات با عبدالعزیز وزیر دارایی و نفت قطر در مورد خطر ربوده شدن تانکرهای نفت‌کش در خلیج [فارس] صحبت شد. عبدالعزیز خاطرنشان ساخت که با وجود خطراتی که در زمینه ربودن تانکرها وجود دارد باید بتوانیم در این مورد با یکدیگر همکاری نماییم. علاوه بر این در مورد پیشنهادات رئیس‌جمهور کاتر در مورد انرژی گفتگوهایی انجام شد که جداگانه گزارش شده است.

۶- دیدار و سفر فرمانده نیروهای خاورمیانه‌ای و ناو لاسال موفقیت‌آمیز بوده و پذیرایی گرم و ملاقات اعضای عالی‌رتبه خاندان سلطنتی بسیار جالب توجه بود. ملاقات فرمانده کل نیروهای مسلح قطر با فرمانده نیروهای خاورمیانه و حضور وی در ضیافت ناهار و نیز حضور وزیر خارجه در ضیافت برگزار شده توسط سفیر، نشانگر توجه خاندان سلطنتی به این سفر است. طرح موضوع آموزش توسط حمد نشانگر تغییر روحیه گذشته وی می‌باشد. تبلیغات وسیعی که درباره این بازدید به راه افتاد نشان می‌دهد که دولت قطر خواستار همکاری نزدیکتر با نیروهای خاورمیانه‌ای و با ارتش آمریکاست.

صمیمیت قطریها بدون شک ناشی از صراحت و دوستی و ظاهر بسیار آراسته و رفتار مؤدبانه سروان فترمن و اسمیت و دیگر افسران و خدمه لاسال می‌باشد. این سفر قطعاً وجهه آمریکا و میزان حضور آن را در قطر افزایش داده و به همین دلیل امکان همکاری نزدیکتر بین آمریکا و قطر پدید آمده است. پیشنهاد می‌شود از فرمانده نیروهای خاورمیانه، افسران و خدمه لاسال به خاطر تلاش بی‌شائبه در گسترش روابط ما با این کشور قدردانی به عمل آید.

پاگانلی

سند شماره ۷۰

۳۰ آوریل ۱۹۷۷ - ۱۰ اردیبهشت ۱۳۵۶

محرمانه

به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

از: سفارت آمریکا، دوحه - ۵۲۶

جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در جده، کویت، مسقط، تهران.

مرجع: دوحه ۵۲۵

موضوع: علاقه نیروهای مسلح قطر به آموزش دیدن با نیروهای

خاورمیانه‌ای و افسران در آمریکا

۱- در ملاقات روز ۲۵ آوریل شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی فرمانده کل نیروهای مسلح قطر با فرمانده نیروهای خاورمیانه‌ای و سفیر، امکان مشارکت نیروی دریایی قطر در مانورهای مشترک ناوهای نیروی خاورمیانه‌ای، آموزش این نیروها بر روی عرشه این ناوها، توسط حمد پیش کشیده شد. (اظهارنظر: اکنون دو سال است که ما این مسئله را با حمد در میان می‌گذاریم



و همیشه به سردی از آن استقبال شده است. پایان اظهار نظر).
 ما از ابتکار عمل حمد استقبال کرده و گفتگوهای قبلی را به سمع وی رسانیدیم. ما مطمئنیم که حمد اجازه می‌دهد اقدامات عملی داشته باشیم و فرمانده جدیدالانتصاب ارتش دریایی سرهنگ صلاح‌الدین غراب نیز که در آنجا حضور داشت در جریان امر قرار گرفت. در گفتگوهای بعدی، سفیر به پیگیری اقدامات پرداخت و او اظهار داشت که به زودی با وی در این زمینه تماس برقرار خواهد ساخت.
 ۲- علاوه بر این حمد به آموزش در تأسیسات نظامی آمریکا علاقه نشان داد و گفت مایل است «افسران قطر» در آنجا آموزش ببینند. وی گفت قطریها از وضع سند هرست و تأسیسات دیگر راضی نبوده و می‌خواهند بدانند که آمریکا در این رابطه قادر به انجام چه کاری است.
 ۳- نظریه: در رابطه با بند ۱ باید گفت که مطرح شدن مسئله آموزش با نیروهای خاورمیانه‌ای از طرف حمد حائز اهمیت است و ما با هماهنگی با نیروهای خاورمیانه‌ای مسئله را پیگیری خواهیم نمود. در مورد بند ۲ نیز ظاهراً منظور حمد آموزش دانشگاهی نظامی و آموزش کوتاه‌مدت افسری در آمریکاست. لطفاً ما را در جریان مقررات مربوط به ورود بیگانگان به دانشگاههای نظامی آمریکا قرار دهید.
 علاوه بر این اطلاع دهید که آیا در تأسیسات آموزشی آمریکا به بیگانگان آموزشهای نوع OCS نیز داده می‌شود یا خیر.

پاگانلی

سند شماره ۷۱

مارس ۱۹۷۸ - اسفند ۱۳۵۶

سری

شماره گزارش: ۱۴۰۲۰۱۰/۴

موضوع: کویت - هواپیماهای اسکای هاوک

اطلاعات احتمالاً صحیح است.

در تاریخ ۵ مارس ۱۹۷۸ دو هواپیمای اسکای هاوک که خلبانان آمریکایی آنها را هدایت می‌کردند در پایگاه هوایی (وفره بیاض) در جنوب غربی کویت به زمین نشستند.
 این هواپیماها از طریق فرودگاهی در جنوب مصر از ایالات متحده به کویت انتقال یافته بودند. با پیوستن این دو هواپیما به ناوگان هوایی کویت، این کشور هم اینک دارای ۱۷ فروند هواپیمای اسکای هاوک است.
 ایالات متحده قرار است تا پایان سال ۱۹۷۸ نوزده هواپیمای اسکای هاوک دیگر نیز به نیروی هوایی کویت تحویل دهد.
 بهره‌برداری از پایگاه هوایی (وفره بیاض) در منطقه مناقیش در ماه نوامبر ۱۹۷۷ شروع شده است.



نقش نظامی غرب، به ویژه آمریکا، در... ۱۹۳

سند شماره ۷۲

سری
از: قرارگاه گروه کمک مستشاری نظامی آمریکا به: سازمان مساعدتهای امنیتی دفاعی
موضوع: گزارش سفر مدیر سازمان مساعدتهای امنیتی دفاعی (آمریکا) به خاورمیانه
عمومی



(بدون طبقه‌بندی) سپهبد ارنست گریوز مدیر سازمان مساعدتهای امنیتی دفاعی در ماه آوریل ۱۹۷۸ به عربستان سعودی و ایران سفر کرد. از زمان انتصاب به عنوان مدیر سازمان مساعدتهای امنیتی دفاعی در اول ماه مارس ۱۹۷۸ این اولین سفر سپهبد گریوز به خارج از آمریکا و نیز اولین سفرش به عربستان سعودی و ایران که دارای برنامه‌های وسیعی در زمینه فروش نظامی خارجی آمریکا هستند، محسوب می‌گردد. پس از سفر به عربستان سعودی و ایران، سپهبد گریوز از تاریخ ۲۶ تا ۲۷ آوریل در کنفرانس کمک امنیتی سالانه فرماندهی اروپا در هایدلبرگ آلمان شرکت نمود. مهم‌ترین هدفی که در این سفر دنبال می‌شد نگرشی کلی بر برنامه‌های کمک امنیتی دولت آمریکا در هر دو کشور، ملاقات با مقامات ذیربط دو مملکت و مشاهده نحوه اجرای برنامه‌های خاص بود.

عربستان سعودی (۱۱ تا ۱۷ آوریل)

(بدون طبقه‌بندی) سفر به عربستان سعودی اصولاً به منظور آشنا شدن وی با این کشور صورت گرفته بود. ولی مقامات نظامی عربستان سعودی درخواست کردند که یک روز کامل برای بحث و تبادل نظر در مورد برنامه‌های جاری کمک امنیتی دفاعی اختصاص داده شود. آخرین بار از ژوئن ۱۹۷۷ و طی بازدید مدیر قبلی، سپهبد «هاوارد ام. فیش» از عربستان سعودی فرصت انجام این کار پیش آمده بود. در آن سفر طرفین توافق کرده بودند که اینگونه تماسها هر شش ماه یک بار برقرار شود. همچنین پیشنهاد شده بود که در ژانویه ۱۹۷۸ نیز ملاقاتی در واشنگتن صورت گیرد. پس از تغییر مدیریت، این کار ممکن نشد، بنابراین مقامات وزارت دفاع و هوانوردی عربستان سعودی با استفاده از سفر سپهبد گریوز مراتب را بار دیگر مطرح کردند.

(بدون طبقه‌بندی) سپهبد گریوز عصر روز ۱۱ آوریل وارد طهران شد. عناصر نظامی آمریکایی مقیم عربستان سعودی سپهبد گریوز را در موارد مختلف توجیه نمودند و وی توانست از تأسیسات متعددی بازدید کند. تأسیسات مورد بازدید عبارتند از پایگاه نظامی شاه خالد در الباطن، بندر وزارت دفاع و هوانوردی در المیشاب، پروژه‌های در دست احداث سپاه مهندسی در ریاض، پایگاههای دریایی دمان و جُبیل و تأسیسات نیروی هوایی در طهران، برای جزئیات بیشتر به جدول الف رجوع شود. [جدول یافت نشد]
(محرمانه) در تاریخ ۱۵ آوریل پس از برگزاری جلسات توجیهی بسیار مفصل در مورد

برنامه مدرن‌سازی گارد ملی عربستان سعودی توسط مدیر آمریکایی برنامه، سپهد گریوز با معاون مالی و اداری برنامه «شیخ تویجیری» که نکات ذیل را مطرح نمود ملاقات کرد: آمریکا به عنوان رهبر جهان آزاد مسئولیت عظیمی برعهده دارد. دولت عربستان سعودی و دولت آمریکا مشترکاً علیه کمونیسم مبارزه می‌کنند. سؤالی که در اینجا باقی می‌ماند این است که عربستان سعودی از رابطه‌اش با آمریکا چه نفعی می‌برد؟ ادامه تصرف سرزمینهای عربی توسط اسرائیل مسئله‌ای حاد است که می‌تواند اعراب را وارد درگیری دیگری بنماید. آمریکا باید تلاش کرده و از بروز جنگ دیگری ممانعت به عمل آورد. اعراب تندرو مایل به ادامه تضاد هستند تا راه برای پیشرفت کمونیسم هموار شود و آمریکا به عنوان هم‌پیمان اسرائیل که خود فرصت‌هایی برای کمونیسم پدید می‌آورد، بیش از پیش شناسایی شود. آمریکا باید در صدد تحمیل راه‌حلی باشد که در نهایت به نفع اسرائیل نیز باشد.

(بدون طبقه‌بندی) در تاریخ ۱۶ آوریل، تمام روز صرف گفتگو با مقامات وزارت دفاع و هوانوردی کشور شد. این گفتگوها صبح آن روز با رؤسای نیروها و ستادها و بعد از ظهر آن روز با معاون وزیر دفاع یعنی شاهزاده ترکی ابن عبدالعزیز انجام شد. جزئیات گفتگو با مقامات وزارت دفاع و هوانوردی و نیز اقدامات پیگیری آن به جدول ب ضمیمه شده است. [جدول یافت نشد]

(محرمانه) شکایت سعودیها به طور خلاصه به چند مسئله دیرین از جمله افزایش تورمی هزینه برنامه فروش نظامی خارجی و تأخیر در مرحله ارسال تجهیزات و امثالهم مربوط می‌شد، اما معلوم بود که مهم‌ترین نگرانی آنها مربوط به درخواست خرید هواپیمای اف-۱۵ است. سؤال دیگر آنها این بود که آیا ایجاد تأخیر، حذف برنامه‌ها، یا ناقص بودن تجهیزات ممکن است نتیجه تلاش تعمدی کسانی باشد که می‌خواهند روابط بین دولتین آمریکا و عربستان سعودی را تیره کنند. در اینجا شاهزاده ترکی به بروز مسائلی که در زمینه ارسال اولیه تانکهای ام-۶۰ به وجود آمده بود اشاره کرد. وی گفت این مشکلات هیچگاه در مورد دیگران وجود نداشته، حتی اسرائیل توانسته است از تانکهای ام-۶۰ در صحرای سینا و دیگر مناطق صعب‌العبور استفاده کند. سؤالات مشابهی نیز در مورد حذف بعضی از مهمات، آن هم زمانی که عربستان سعودی تفاهم‌نامه‌های مربوطه را امضا کرده بود، مطرح گردید که یکی از آنها مربوط به مهمات ضدتانک، توپهای تانک ام-۶۰ می‌باشد، گرچه گفته شد که این مشکلات موقتی هستند، ولی ارتشبد حُمید اظهار داشت که بعضی از نظامیان کشور معتقدند که آمریکا نمی‌خواهد مهمات مربوط به سلاحهایی را که به فروش می‌رساند، تأمین کند.

(محرمانه) گذشته از این نگرانیهای سعودی که شاید ناشی از تعلیق تصمیم‌گیری در مورد هواپیمای اف-۱۵ باشد، چنین به نظر می‌رسد که سعودیها نقش و حضور گروه کمک مستشاری نظامی و گروه آموزش نظامی آمریکایی در این کشور را مورد ارزیابی و سنجش مجدد قرار می‌دهند. برداشت آمریکا این بوده که سعودیها خواهان ادامه کار بیشتر نیروهای آمریکایی می‌باشند، ولی رویدادهای اخیر حکایت از امکان تغییر این خط‌مشی دارد. وزارت

دفاع و هوانوردی، پذیرش موافقت‌نامه‌های مربوط به پشتیبانی از گروه آموزش نظامی آمریکایی را به تعویق می‌اندازد، در مورد شمار نیروها به خصوص در بخش اداری سؤالاتی مطرح می‌کند و محدودیت‌هایی نیز در مورد نیروهای همراه و ایجاد مسکن خانوادگی به وجود آورده است. ظاهراً تلاش سپهبد گریوز، برای جلب موافقت وزارت دفاع و هوانوردی با پذیرش پنج افسر (که در حال به پایان رسانیدن دوره آموزش می‌باشند) به عنوان همراه موفق بوده است، ولی پس از آنکه وی عازم تهران شد در این تصمیم نیز تغییراتی پدید آمد.

(خیلی محرمانه) نتیجه اینکه، مسافرت وی به عربستان سعودی در بررسی برنامه‌های جاری فروش نظامی خارجی بسیار مثمرتر بوده و در مورد نحوه اجرای آن در داخل کشور اطلاعات دست اول تهیه شده و علاوه بر این، بین مقامات مهم آمریکایی و سعودی نیز مذاکرات مهمی انجام گرفته است. با وجود مشکلات، می‌توان گفت که عصیت سعودیها در مورد بروز نتیجه بررسی کنگره درباره فروش هواپیماهای اف-۱۵، حساسیت آنها را افزایش داده است.

ایران (۱۷ تا ۲۵ آوریل)

(بدون طبقه‌بندی) در سفر به ایران نیز هدفهای مشابهی چون آشنایی با این کشور و بررسی برنامه فروش نظامی خارجی، آشنایی با رهبریت نظامی ایران و ارزیابی عناصر نظامی تیم کشوری، دنبال می‌شد.

(بدون طبقه‌بندی) سپهبد گریوز روز ۱۷ آوریل درست موقعی وارد تهران شد که توانست در ضیافت شام سفیر به افتخار ارتشبد «آر. ای. هایزر» و معاونت فرماندهی کل نیروهای آمریکا و اروپا که مشغول ارزیابی فرماندهی و کنترل ایران بود، حضور به هم رساند. در این ضیافت فرصتی پدید آمد تا وی بتواند با گروه کوچکی از فرماندهان نیروهای ایرانی ملاقات نماید که خود آغازی بسیار مؤثر بود. چهار روز از روزهای اقامت سپهبد گریوز صرف سفر و بازدید تأسیسات نیروهای ایرانی در سراسر این کشور پهناور گردید. در این سفر وی موفق به بازدید از مرکز پشتیبانی و تعمیر هلیکوپتر در تهران؛ مرکز آموزش هوانیروز در اصفهان؛ پایگاه اف-۱۴ در اصفهان؛ محل استقرار موشک‌های هاوک در بوشهر؛ بخش هوابرد نیروی دریایی در بوشهر؛ کارخانه اردنانس تهران؛ پایگاه هلیکوپترهای ارتش در کرمانشاه؛ مرکز آموزش نیروی دریایی در بندر پهلوی؛ قرارگاهها و تعمیرگاههای کشتی نیروی دریایی در بندر عباس؛ پایگاه هواپیماهای اف-۴ و P-۳F در بندرعباس؛ پایگاه هوایی و دریایی در چابهار (در دست احداث) شد. جزئیات و برنامه سفر در جدول ج آمده است. [جدول یافت نشد]

(محرمانه) در این سفر هیچگونه مسئله حادی مطرح نشد، ولی در مورد چند موضوع و مسئله گفتگوهایی صورت گرفت. ظاهراً ایران در جذب و کاربرد تجهیزات خریداری شده در نیروهای مسلح خویش به پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای دست پیدا کرده است و گروه کمک مستشاری نظامی آمریکا نیز به خوبی با وظایف خویش آشناست و توانسته مشکلات سازماندهی خویش را در رابطه با مدیریت برنامه فروش نظامی خارجی در قبال نقش سنتی

مستشاری مرتفع سازد. سفیر نیز به تمام برنامه‌های وزارت دفاع در ایران آشنایی و توجهی خاص نشان می‌دهد.
(محرمانه) نگرانیها و مشاهدات خاص به شرح زیر است:

فهرست تجهیزات مورد نیاز

نیازهای درازمدت ایران که به درخواست آمریکا در دسامبر ۱۹۷۷ مطرح گردید، انجام ارزیابی کامل و سریع توسط آمریکا را ایجاب می‌کند. پس از آن وزارت امور خارجه خواهد توانست پاسخ مناسبی به ایران بدهد.

سیستم‌های رزمی دریایی برای ناوچه‌های آلمانی و هلندی

نیروی دریایی ایران اعلام نمود که مایل به دریافت این سیستم‌هاست. به همین دلیل مرحله بررسی به سرعت در حال پایان یافتن است. در مورد مشکلاتی از قبیل انطباق‌پذیری فنی تجهیزات آمریکایی با ناوچه‌های خارجی و نیز میزان مشارکت و مسئولیت آمریکا در آموزش و امور لجستیکی نیز پیش‌بینی‌هایی شده است.

چابهار

این یک بندر و پایگاه دریایی بسیار عظیم است که در بخش جنوب شرقی فاقد پیشرفت ایران، در دست احداث است. یک شرکت آمریکایی به نام «براون اوروت» مستقیماً با نیروهای دریایی ایران پیمانی منعقد ساخته است. این پروژه مرحله به مرحله ساخته خواهد شد و کل هزینه آن ۴ میلیارد دلار برآورد شده است. مرتفع ساختن مشکلات و وسعت این پروژه دورافتاده به خصوص در رابطه با بخش کشتی‌سازی، با در نظر گرفتن میزان هزینه برآورد شده کنونی نیل به اهداف موردنظر را دشوار می‌نمایاند.
(بدون طبقه‌بندی) یادداشت‌های مکالماتی گفتگو با ارتشبد توفانیان معاون وزیر جنگ؛ ارتشبد ازهری رئیس ستاد عالی فرماندهی؛ دریاسالار حبیب‌اللهی فرمانده نیروی دریایی ایران؛ سپهبد ربیعی فرمانده نیروی هوایی و سفیر سولیوان در جداول د - ۱ آمده است. [جدول یافت نشد]

سند شماره ۷۳

۸ می ۱۹۷۸ - ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۷

خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا، دوحه - ۵۱۱
به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در ابوظبی، جدّه، کویت، منامه، مسقط، تهران
موضوع: ورود فرمانده نیروهای خاورمیانه‌ای و ناو سمز به قطر

۱- خلاصه: ورود فرمانده نیروهای خاورمیانه‌ای و ناو سمز (SEMMES) به قطر به طرز



بی‌سابقه‌ای موفقیت‌آمیز بود. میزبانان قطری که تحت تأثیر رفتار درست و ظاهر باشکوه افسران، خدمه و خود ناو قرار گرفته بودند، به گرمی از آنها استقبال نمودند. احتمال همکاری در زمینه آموزش و تمرین بین فرمانده نیروهای خاورمیانه‌ای و ارتش دریایی قطر نیز وجود دارد. پایان خلاصه.

۲- دریادار توماس جی. بیگلی توسط ناو جنگی سمز آمریکا تحت فرماندهی فردریک ام. ویلیامسون از تاریخ ۴ تا ۶ می از قطر بازدید نمود. پس از جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۷۳، این اولین ورود یک ناو آمریکایی به این کشور بود. اولین تقاضای ما در سال ۱۹۷۵ برای انجام این سفر مورد قبول دولت قطر واقع نشد، چون گمان می‌کردند که آمریکا در نظر دارد به کشورهای تولیدکننده نفت حوزه خلیج [فارس] حمله‌ور شود.

۳- سرتیپ محمد العطیه معاون فرمانده نیروهای مسلح قطر میزبان این دیدار بود. (فرمانده کل نیروها شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی فرزند ارشد امیر قطر در داخل کشور بود ولی به علت اینکه به تازگی پس از معالجات پزشکی از اروپا برگشته بود نمی‌توانست در آنجا حضور داشته باشد). العطیه با دریاسالار بیگلی و فرمانده ویلیامسون که با سفیر همراه بودند بارها ملاقات نمود. علاوه بر این، العطیه یک ضیافت سنتی (کباب بره) به افتخار فرمانده نیروهای خاورمیانه‌ای و افسران ناو سمز برگزار کرد. در این سفر با وزیر خارجه شیخ سهیم بن حمد آل ثانی نیز ملاقات گردید.

۴- فعالیتها عبارت بودند از صرف ناهار بر روی عرشه ناو سمز به افتخار افسران ارشد نیروی مسلح قطر و رؤسای نمایندگیهای سیاسی و ضیافتی دیگر در باغ محل اقامت سفیر که در آن حدود ۳۵۰ نفر از مقامات دولت قطر، تجار، اعضای سفارتها و جامعه بیگانگان مقیم آن کشور حضور داشتند.

خدمه ناو سمز با قطریها به بازی بسکتبال (ما برنده شدیم) و فوتبال پرداختند و در بازی فوتبال ما باختیم. زیرا قطریها در بازیهای منطقه خلیج [فارس] سوم شده بودند. حدود ۲۵۰ نفر از عرشه ناو سمز بازدید کردند و ۲۰۰ نفر از نیروهای ناو از مناظر و دیدنیهای محلی به خصوص موزه ملی قطر دیدار به عمل آوردند.

۵- از نظر سیاسی، ما از وزیر خارجه قطر خواستیم که نظرات خود را در مورد حضور نیروی دریایی آمریکا در بحرین ابراز نماید. سهیم در اینجا سؤال کرد که آیا نیروی خاورمیانه‌ای در این منطقه نقش حفاظتی ایفا می‌کند یا خیر. دریاسالار بیگلی در پاسخ گفت که این نیرو در منطقه اهدافی چون حضور و حسن نیت را دنبال می‌کند. در بخش نظامی، عتیه به امکان برگزاری مانورهای مشترک بین ناوهای نیروی خاورمیانه و نیروی دریایی قطر و نیز امکان آموزش نیروهای قطری در روی عرشه ناو آمریکایی اظهار علاقه نمود. (نظریه: ما موضوع را با العطیه و شیخ حمد پیگیری خواهیم کرد). در مورد امنیت خلیج [فارس] و جمهوری دموکراتیک خلق یمن نیز گفتگوهایی انجام شد.

۶- نظریه: سفر فرمانده نیروهای خاورمیانه‌ای و «سمز» بسیار موفقیت‌آمیز بود. رفتار شایسته افسران و خدمه ناو و ظاهر آراسته ناو جو بسیار صمیمانه‌ای در میان میزبانان قطری ایجاد کرده بود. بارها از ما دعوت شد که بار دیگر به دوحه سفر کنیم. این سفر در زمینه حضور آمریکا در اینجا بسیار موفق بوده و کمک زیادی به روابط آمریکا و قطر کرده است. با سپاسگزاری عمیق از دریاسالار بیگلی، فرمانده ویلیامسون و افسران و خدمه سمز به خاطر کمک بسیارشان در بالا بردن وجهه آمریکا در اینجا.

پاگانلی

سند شماره ۷۴

۲۳ دسامبر ۱۹۷۸ - ۲ دی ۱۳۵۷

سری

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی - ۱۳۹۳

به: سفارت آمریکا، تهران

موضوع: گزارش سیاسی در مورد ثبات خلیج [فارس] و امنیت منطقه

(سری - تمام متن)

۱- در رابطه با نگرانی واشنگتن در مورد ثبات منطقه به دنبال وقایع ایران، از اقدام‌کنندگان مخاطب خواسته می‌شود که با اولویت به گزارش بافت و عامل تحرک سیاسی هر یک از کشورهای خلیج [فارس] پردازند. آنچه واشنگتن می‌خواهد عبارت است از ارزیابی (۱) اوضاع داخلی هر یک از کشورهای خلیج [فارس] (۲) درک دولت‌های منطقه درباره تعادل نیرو و منطقه و نظر آنها درباره امنیت آنها، و (۳) تغییرات احتمالی در سیاست‌های خارجی.

۲- ضرابی که باید در این زمینه در نظر گرفته شوند عبارتند از:

- پایه قدرت رژیم، میزان نیرو و وفاداری آن؛ که در این زمینه نقش خانواده حاکم را به عنوان یک منبع ثبات نیز باید مورد بحث قرار داد؛
- تأثیر نیروهای امنیتی در تداوم ثبات؛
- نقش عناصر خارجی در جامعه؛
- نفوذ همسایگان نیرومندتر و نیز نفوذ نهضت‌های سیاسی عربی و اسلامی بر شرایط سیاسی هر کشور؛ و

- تمایل و یا عدم تمایل به همکاری نزدیکتر میان دولت‌های خلیج [فارس] به دنبال وقایع ایران.

۳- در این رابطه بهتر است واحدهای دیپلماتیک درباره نظر هر یک از کشورهای خلیج [فارس] در مورد نقش امنیتی آمریکا در منطقه و نظر آنها درباره اینکه آیا سیاست تسلیحاتی ما با نگرانی درباره امنیت خلیج [فارس] مطابقت دارد و دیگر اینکه آیا دولت‌های مزبور در آینده مایل خواهند بود در زمینه برقراری امنیت با آمریکا همکاری نمایند، گزارشاتی ارسال دارند. در همین رابطه بهتر است از عکس‌العمل کشورهای مزبور در تداوم و یا گسترش



حضور تأسیسات و یا نیروهای نظامی آمریکا در منطقه نیز اطلاعاتی برای ما بفرستید.

۴. ما اعتراف می‌کنیم که وزارتخانه از میزان کار سنگینی که بر دوش هر یک از واحدهای مخاطب قرار داده آگاه است و نمی‌خواهد با ایجاد برنامه زمانی مشخص و نحوه تهیه گزارش به آن کارها اضافه نماید. ولی با تغییرات سریعی که در متن شرایط سیاسی، نظامی و امنیتی پس از وقایع ایران در خلیج [فارس] به وجود آمده است واشنگتن نیز نیاز شدیدی به دریافت گزارش‌های مربوط به امور سیاسی، نظامی و امنیتی دارد. با در نظر داشتن این مسئله و ماهیت وسیع منابع (که محققین اخیراً درباره آن تأکید کرده‌اند)، ما به دریافت ارزیابی سفارت (تا ۲۷ دسامبر در صورت امکان) در مورد سؤالات زیر راغب هستیم: (الف) در رابطه با گزارشهای مربوط به امور نظامی و امنیتی: آیا انتصاب یک وابسته نظامی منطقه‌ای به یکی از واحدهای دیپلماتیک خلیج [فارس] که مسئول ارسال گزارش امنیتی منطقه‌ای و کشوری، باشد از نظر سفارت درست است و آیا توسط دولت میزبان مورد قبول واقع می‌گردد؟ آیا این فرد خواهد توانست به افراد و منابعی دسترسی داشته باشد که سفارت در تهیه گزارشهای مربوطه این امکانات را ندارد، البته باید توجه شدید و فزاینده واشنگتن را به اطلاعات و جاسوسی در نظر داشت؟ (ب) در رابطه با گزارشهای سیاسی: آیا ارسال افراد موقتی و یا بازدید مقامات سیاسی از منافع منطقه‌ای جهت فرستادن گزارش مفید است؟ آیا این فرد خواهد توانست باری از دوش دیگر مقامات سفارتی بردارد؟ میزان دسترسی او به منابع و افراد چگونه است؟ اگر این فرد در مورد منطقه تجاربی داشته باشد آیا خواهد توانست با در نظر گرفتن نیازهای واشنگتن به کارهای سفارت کمک نماید؟ (پ) در رابطه با نیاز شدید واشنگتن به دانستن رخدادهای سیاسی کشورهای خلیج [فارس]: آیا در این جوامع بخش‌ها یا افرادی وجود دارند که منابع اطلاعاتی باشند و سفارت به علت کمبود نیرو نتوانسته است در گذشته با آنها تماس حاصل نماید؟ منظور ما از این بخش‌ها دانشجویان، کارمندان دولتی و نظامی میان‌رتبه و رهبران قبیله (اگر مناسب است)، رهبران مذهبی و بازرگانان طبقه متوسط و غیره است.

۵- این وزارتخانه می‌داند که همه مخاطب‌های اقدام‌کننده در سالهای اخیر درباره این مسائل در گزارشات خود کار کرده‌اند و بعضی از این گزارشها (مسقط ۱۶۱۱، منامه ۱۶۶۴، کویت ۶۶۵۰، دوحه ۱۵۷۷) اخیراً دریافت شده است. علاوه بر این در مورد طرح گزارشی واحدها چیزهایی دریافت خواهیم کرد و در رابطه با آن شما را از نیاز گزارش خود آگاه خواهیم نمود.

۶- این وزارتخانه مایل است بگوید که واحدها باید در گزارشهای خود به سؤالات مربوطه در رابطه با شرایط خاص دولت میزبان و منابع خودشان پاسخ دهند. به طور مثال، گزارش الف - ۷۴ ابوظبی که در نوامبر ۱۹۷۷ (پیام سالانه سفیر در مورد «وضع اتحاد») که مانند گزارش ۴۱ (۷۶) قبلی ابوظبی است، دقیقاً مورد نظر ماست و می‌دانیم که قرار است سفارت گزارش سالانه خود را تا چند هفته دیگر برای ما ارسال دارد. گزارش تمام واحدها در مورد جمعیت

ایرانی شیعه (مانند گزارش کویت ۶۶۵۰) در مورد روند سیاست خارجی نیز مورد تقاضا و درخواست است.

۷- بخش گزارش سالانه نیز در حال تهیه یک پیش‌نویس غیررسمی در مورد ارزیابی سیاسی کشور شما می‌باشد، که البته این متن وضع خاصی ندارد و برای شما ارسال خواهد گردید تا به عنوان نمونه گزارشی توسط شما مورد استفاده قرار گیرد و الزاماً منعکس‌کننده نتیجه‌گیریهای ناپخته‌ای در مورد شرایط است و ما آن را برای شما ارسال خواهیم داشت تا به عنوان یک فرضیه مورد آزمایش قرار دهید و ابتدا تصور کنید که این فرضیه‌ها درست است ولی در گزارش‌های خود آن نکات را بسط و گسترش دهید. به همراه آن مطلب دیگری نیز تحت عنوان «تأثیر ایران بر شبه جزیره عربی» برای شما فرستاده خواهد شد.

۸. اقدامات مورد نیاز: (الف) در صورت امکان تا ۲۷ دسامبر واحدها، پاسخ سؤالات طرح شده در بند ۴ را به این وزارتخانه ارسال دارند؛ (ب) درست است که برنامه زمانی معینی تعیین نمی‌کنیم ولی خوشحال می‌شویم که سفارتها پاسخ سؤالات آمده در بندهای ۳-۱ را هر چه زودتر ارسال نمایند.

کریستوفر

سند شماره ۷۵

سری ۲ می ۱۹۷۹ - ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، مسقط - ۷۳۳
به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی.
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در امان، منامه، بیروت، دمشق، دوحه، جده، کویت، لندن، مسکو، پاریس، صنعا، تهران

مرجع: الف) وزارت امور خارجه ۷۰۵۹۷، ب) لندن ۶۴۵۶، پ) کویت ۱۷۱۲

موضوع: سیاست انگلیس در قبال عمان

۱- (سری - تمام متن)

۲- خلاصه: علی‌رغم بیانیه‌های اخیر مقامات انگلیسی مبنی بر ترس از عدم ثبات در عمان، منابع سفارت انگلیس در مسقط معتقدند که سیاست دولت انگلیس در قبال عمان در چند سال آینده روند کنونی خود را ادامه خواهد داد. افسران انگلیسی در نیروهای مسلح عمان باقی خواهند ماند، در حالیکه حضور آنها کاهش و عمانی کردن نیروها افزایش خواهد یافت. افسران پیمانی انگلیس مورد استفاده بیشتری قرار خواهند گرفت. ولی سفارت انگلیس معتقد است که در میزان تأکید بین اینجا و لندن تفاوتی وجود دارد، به این ترتیب که لندن در مورد آینده نزدیک بدبین است. سفارت انگلیس فکر می‌کند که تا پنج سال آینده مشکلی به وجود خواهد آمد ولی در حال حاضر چنین نیست. پایان خلاصه.

۳- ما با همکاران خود در سفارت انگلیس در چند هفته گذشته درباره سیاست انگلیس در قبال عمان گفتگوهای انجام داده‌ایم. پرس و جوها نیز ناشی از نتیجه‌گیری افراطی و نظریات



بدبینانه سرآنتونی پارسونز معاون وزیر خارجه و «فرانک جود» وزیر مشاور در بخش امور خارجه در مورد این سلطنت نشین بوده است. (به مراجع الف و ب نگاه کنید) این گزارش و گزارشات دیگر (مراجع پ) چرخش مهمی در افکار رسمی انگلیس در قبال عمان نشان می‌دهد، که می‌تواند منجر به تسریع خروج انگلیس به خصوص در حوزه نظامی گردد.

۴- ما اساساً با کاردار دونالد پراگنل و وابسته دفاعی «نیگل ناگر» تماس داشتیم، لیکن تماسهای دیگری نیز گرفته‌ایم. خواهشمند است از این منابع حفاظت لازم به عمل آید.

۵- تمام گفتگوهای ما به یک نتیجه‌گیری خاص ختم شد: در سیاست انگلیس در قبال عمان در چند سال آینده تغییر چندانی پدید نخواهد آمد. درست است که «جود» در گفتگوی خود با «زواوی» وزیر خارجه تندروی کرده است، لیکن بنا به گزارش مطبوعات انگلیسی، پیام اصلی وی این بوده است که دولت انگلیس نمی‌تواند متضمن امنیت عمان باشد و کشورهای خلیج [فارس] باید به وحدت میان خود در برقراری این امنیت متکی باشند. این نظریه با منافع قبلی انگلیس در عمان و سیاست پیشین دولت انگلیس مغایرتی ندارد.

۶- پراگنل اظهار داشت که بین لندن (وایت هال) و سفارت انگلیس در عمان در مورد تأکید بر این مسئله اختلافاتی وجود دارد، به این ترتیب که لندن در مورد استعدادها و کیفیت رهبری سلطان قابوس و دورنمای ثبات عمان نظریات همراه با بدبینی دارد. سفارت معتقد است که آشوبهای داخلی در پنج سال دیگر بروز خواهد کرد، چون دانشجویان در حال بازگشت از کشورهای دموکراتیک غربی، گروه قابل ملاحظه‌ای تشکیل خواهند داد. از طرف دیگر بعضی از مقامات وایت هال معتقدند که در آینده نزدیک از طرف افسران ناراضی ارتش کودتایی علیه قابوس صورت خواهد گرفت. سفارت انگلیس این نظریه را رد می‌کند چون:

الف) تعداد انگلیسی‌ها در میان افسران این کشور خیلی زیاد است، ب) افسران عمانی شدیداً به سلطان وفادار هستند، و پ) اعتراضات مربوط به اشتباهات گذشته سلطان شکل خاصی پیدا نکرده است.

۷- پراگنل در تأیید باور خودش که سیاست انگلیس تغییری نخواهد کرد، به بیان مواضع انگلیس در قبال عمان از طرف دولت کالاهان قبل از انتخابات اشاره کرد. به نظر ما این بیانیه شدت حمایت انگلیس را در قبال این سلطنت نشین مانند برنامه‌های گذشته نشان می‌دهد که همان خروج افسران از ارتش به طور تدریجی و پذیرش انعطاف‌پذیری است. پراگنل و ناگر هر دو معتقدند که این میزان حمایت تا بعد از انتخابات نیز ادامه خواهد داشت و پیروزی محافظه‌کاران نیز سبب خواهد شد که حضور انگلیس ادامه بیشتری یابد.

نظریه: دولت انگلیس در قبال اعزام افسران خود پول خوبی دریافت می‌کند بنابراین از نظر اقتصادی هزینه‌ای برای خزانه‌داری انگلیس به وجود نمی‌آورد. پایان نظریه.

۸- ناگر گفت دولت انگلیس بدون شک سلطنت را تشویق خواهد کرد که از افسران رابط انگلیسی در نیروهای مسلح سلطان به جای افسران کمکی انگلیسی استفاده شود. ولی عمانیها

باید شرایط خدمت و پرداخت را جذابیت بیشتری ببخشند تا افراد نظامی انگلیسی نیز حاضر به کار شوند. ناگر گفت، دولت انگلیس احتمالاً وزارت دفاع عمان را به انجام این کار متقاعد خواهد ساخت. وی اعتراف کرد که دولت انگلیس همواره نگران درگیر شدن افسران کمکی انگلیس در اختلافات مرزی رایج در این نقطه از جهان بوده است. ولی، درگیر شدن افسران پیمانی در این مشاجرات نیز موجبات شرمساری را فراهم خواهد آورد، چون مطبوعات جهان بین این دو نوع خدمت تفاوت چندانی نمی‌بینند.

۹- ناگر سه پیش‌بینی زیر را در مورد کارهای آتی انگلیس در نیروهای مسلح سه گانه سلطنت نشین ابراز داشت:

الف) نیروی زمینی سلطان عمان: عمانی کردن این نیرو به خوبی به پیش می‌رود و خروج افسران کمکی از مواضع فرماندهی و ستادی تا سال ۱۹۸۱ آغاز خواهد شد. ولی پس از آن گروه بزرگی از افسران کمکی به کار آموزش اشتغال خواهند یافت.

ب) نیروی هوایی سلطان عمان: عمانی کردن به خصوص در زمینه خلبانی جت در حال تحقق است، لیکن تا قبل از سال ۱۹۸۵ چهره انگلیسی این نیرو تغییر چندانی در جهت عمانی شدن نخواهد یافت. نیروهای فنی را نیز تا چند سال دیگر بیگانگان تشکیل خواهند داد.

پ) نیروی دریایی سلطان عمان: عمانی کردن این نیرو به کندی انجام می‌شود، چون به گفته ناگر افسران انگلیسی این نیرو سنت‌گرا بوده و علاوه بر این تجهیزات الکترونیکی کشتی‌های خریداری شده و یا تبدیل آنها توسط نیروی دریایی عمان، مانع از پیشرفت سریع‌تر در این زمینه است. ناگر گفت که کندی عمانی شدن این نیرو وی را قدری نگران ساخته است.

۱۰- نظریه: اگر ارزیابی رابطهایمان در سفارت انگلیس قدری هم درست باشد، ما فکر می‌کنیم که افسران انگلیسی هر قدر که لازم باشد در نیروهای مسلح این سلطنت نشین خواهند ماند تا یک بنیه دفاعی معقول فراهم آید. انگلیس تا حدودی وظیفه خود می‌داند که این کار را انجام دهد تا از میزان اعتبارش در میان دیگر هم‌پیمانان کوچک و بزرگش کاسته نشود.

۱۱- لیکن نگرانی‌های ناشی از وایت‌هال واقعیت دارد. این نگرانی‌ها انعکاس ارزیابی‌های بسیاری از ناظران غربی در مورد نواقص سلطان قابوس در نحوه فرمانروایی خود برخلاف ارزشهای غربی است. با در نظر گرفتن تأثیرات روانی اوضاع ایران و وضع خطرناک سلطان به خاطر موضع وی در قبال روند صلح کمپ دیوید، به آسانی می‌توان دریافت که چرا مقامات لندن اظهار نگرانی کرده و مایلند قبل از بروز فاجعه از آنجا خارج شوند. با این وجود لندن نیز می‌داند که انگلیس و دیگر جهان غرب منافی در این منطقه داشته و خروج ناگهانی انگلیس بحران را بیشتر خواهد کرد. تا به حال حس وظیفه‌شناسی انگلیس غالب بوده و به نظر ما ادامه خواهد یافت.

۱۲- پراگنل گفت که «آیورلوکاس» سفیر جدید انگلیس به زودی وارد مسقط خواهد شد. (توجه: او در یکم ماه می وارد مسقط گردید.) این امر و موضوع انتخابات انگلیس وضع را

نقش نظامی غرب، به ویژه آمریکا، در... ۲۰۳

روشن تر خواهد ساخت. پراگنل گفت بهتر است چند هفته دیگر به او سر بزنیم. وایلی

سند شماره ۷۶

محرمانه

۴ می ۱۹۷۹ - ۱۴ اردیبهشت ۱۳۵۸

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی - ۳۷۳۳ به: سفارت آمریکا، کویت با الویت
جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در منامه، مسقط، ابوظبی، جدّه، صنعا، تهران، قاهره،
تل آویو، امان، مسکو.

موضوع: مقاله «فورچون» درباره نقش نظامی آمریکا در خلیج فارس

۱- ما متن مقاله فورچون را به وسیله بایگانی بی سیم خود در تاریخ هفتم ماه می برای
مخاطبها می فرستیم.

۲- در صورتی که در مورد این مقاله با شما صحبت شد، از سیاست زیر پیروی نمایید:

- این مقاله نوعی طرز تفکر است و نشان دهنده سیاست آمریکا نیست.

- دولت آمریکا در مورد وجود یا عدم وجود برنامه های اضطراری اظهار نظر نمی کند.

- سیاست آمریکا در قبال خلیج فارس از اهمیت عمومی برخوردار است. ما از تلاش

دولتهای منطقه برای بالا بردن بنیه دفاعی خودشان حمایت می کنیم. اقدامات ما در مورد توسعه
این سیاست اخیراً اتخاذ شده است.

- به خاطر اهمیت عمومی، دولت آمریکا معتقد است که منافع مهمی در منطقه دارد و در

صورتی که این منافع مورد تهدید واقع شود، این دولت گامهای مناسبی که با مراحل قانونی
تطابق داشته باشد، بر خواهد داشت. کریستوفر

سند شماره ۷۷

محرمانه

۸ می ۱۹۷۹ - ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۸

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی - ۶۶۱۰ به: سفارت آمریکا، ابوظبی
جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در امان، قاهره، دوحه، جدّه، کویت، لندن، امان،
مسکو، صنعا، تهران

مرجع: (الف) وزارت امور خارجه ۱۱۳۷۳۳، (ب) مسقط ۷۶۳

موضوع: مقاله «فورچون» درباره نقش نظامی آمریکا در خلیج فارس

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- علاوه بر مطالبی که در مرجع الف آمده، نمایندگی ها باید دقت داشته باشند که (چنانچه

این مقاله مطرح گردید) دولت ایالات متحده هیچ برنامه ای حتی به صورت استفاده محدود از
جزیره مصیره در خلیج عمان ندارد.

ونس



سند شماره ۷۸

۱۶ ژوئن ۱۹۷۹ - ۲۶ خرداد ۱۳۵۸

سری

از: سفارت آمریکا، ابوظبی - ۱۵۸۰
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در دوحه، جده، کویت، منامه، مسقط، تهران
مرجع: منامه ۱۲۵۱

موضوع: درخواست سیستم موشکی هاوک از سوی بحرین

۱- (سری - تمام متن)

۲- از سفارت (آمریکا) در منامه به واسطه تکرار ارسال پیام به وزارت امور خارجه در خصوص تقاضای دوباره بحرین در مورد سیستم موشکی هاوک و فرصتی که به من می‌دهد تا نظراتی ارائه گردد، تقدیر می‌نماید.

۳- هنوز فضای فکری در وزارت امور خارجه در مورد درخواست مستمر بحرین معلوم نیست، ولی به نظر من این تقاضا نمونه خوبی است که نشان می‌دهد چرا ما سیاست سلاح کمتر در خلیج [فارس] را ضروری احساس می‌کنیم و اینکه چرا خودداری از فروش سلاح‌های پیشرفته طی این همه سال منطقی تصور شده است. در حالیکه بحرین پالایشگاهی دارد که باید حراست شود، در امارات متحده عربی و دیگر کشورهای کوچک تولید کننده نفت در خلیج [فارس] نیز صدها تأسیسات نفتی (سکوه‌های آبی، کارخانه‌های تولید گاز مایع، پالایشگاه، انبارهای ذخیره و غیره) وجود دارد که باید به همین ترتیب حفاظت شوند. ما تردید داریم که هر مهاجم مشخص در خلیج [فارس] که در نظر دارد به تأسیسات نفتی صدمه بزند، بخواهد در بحرین این کار را انجام دهد، چون می‌تواند هدفهای موفق‌تری انتخاب کند.

۴- با در نظر گرفتن تجربه سعودی و کویت، هیچیک و یا کشورهای معدودی در شبه جزیره، نیروی انسانی متخصص لازم برای اداره سیستم پیچیده موشکی هاوک در اختیار دارند. در مورد امارات متحده عربی این موضع از طریق اظهارات رئیس ستاد معلوم شد که به ما گفته است اصلاً مایل به دریافت سیستم موشکی هاوک و یا هر سیستم موشکی مشابه و پیچیده ضدهوایما نیست. ولی به هر حال چنانچه بحرین بخواهد هاوک‌ها را دریافت کند، دیگر رهبران امارات متحده عربی نظر رئیس ستاد این کشور را تغییر خواهند داد. در نتیجه اگر ما فروش هاوک به بحرین را مورد بررسی قرار دهیم و عربستان سعودی نیز به دلایل سیاسی تأمین مالی آن را به عهده بگیرد، آن گاه این مسئله مانند مسابقه بی‌ثمر و پرهزینه‌ای بین دیگر کشورهای خلیج [فارس] برای به دست آوردن سلاح مشابه تشدید خواهد شد، در حالی که هیچ حفاظت واقعی دربر نخواهد داشت.

۵- به نظر من زمان آن فرا رسیده که دولت آمریکا در رابطه با این نوع تقاضاها چنین پاسخ دهد که امنیت کشورهای کوچک حوزه خلیج [فارس] تنها از طریق همکاری امنیتی میان خود این کشورها شامل کویت و احتمالاً عربستان سعودی امکان‌پذیر می‌گردد. ما باید اضافه کنیم



نقش نظامی غرب، به ویژه آمریکا، در... ۲۰۵

که به علاوه ما در پاسخ خود به فروش تسلیحاتی مبتلابه منطقه خلیج [فارس]، این مطلب را مورد بررسی قرار خواهیم داد که آیا یک ترتیبات امنیتی ملموس در منطقه خلیج [فارس] در حال شکل گیری است. دیکمن

سند شماره ۷۹

۱۹ ژوئن ۱۹۷۹ - ۲۹ خرداد ۱۳۵۸

سری

از: سفارت آمریکا، کویت ۲۹۷۴ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در دوی، جده، منامه، مسقط، تهران

مرجع: الف (منامه ۱۲۵۶، ب) ابوظبی ۱۵۸۰

موضوع: تقاضای بحرین برای دریافت سیستم موشکی هاوک

۱- (سری - تمام متن)

۲- خلاصه: بر اساس عوامل نظامی و ملاحظات استراتژیک و چشم‌اندازهای فزاینده برای همکاری در زمینه امنیت منطقه‌ای، من حمایت از توصیه سفیر پلترو جهت فروش سیستم کوچک دفاع هوایی موشک هاوک به بحرین را امکان‌پذیر می‌دانم. پایان خلاصه.

۳- قبل از ارائه نظر خود درباره تقاضای بحرین برای سیستم موشکی هاوک، من از کارشناسان هاوک از MIRCOCM در گروه مستشاری نظامی سفارتان تقاضا کرده‌ام تا ارزیابی مختصری درباره عملی بودن ارائه این سیستم تسلیحاتی به بحرین تهیه نمایند. ارزیابی شتابزده VSLOIS/MICOM بر اساس اطلاعات محدود درباره استقرار آتشبارهای هاوک در عربستان سعودی نشان می‌دهد که سه آتشبار هاوک در بحرین می‌تواند یک منطقه مهم از نظر حیاتی برای بحرین را مستقیماً در شرق و شمال این جزیره پوشش دهد که به وسیله آتشبارهای هاوک عربستان سعودی مستقر در منطقه ظهران تأمین نمی‌شود. این ارزیابی همچنین توصیه می‌کند که نظر به فاصله نزدیک بحرین به حریم هوایی عربستان سعودی، هر سیستم هاوک در بحرین باید در قلمرو شبکه دفاعی عربستان سعودی قرار بگیرد تا به بهترین نحو بتوان آن را به کار گرفت. من طی تلگرام جداگانه این ارزیابی را مخابره می‌کنم.

۴- نگرانی اولیه من درباره گزارش جالب‌توجه پلترو (مرجع الف) برای آن بود که یقین حاصل کنم که برای تقاضای بحرین یک توجیه نظامی معقول وجود دارد. بر اساس این ارزیابی نظامی، چنین به نظر می‌رسد که چنین چیزی وجود دارد.

۵- از لحاظ استراتژیکی همانطوری که من قبلاً ضمن گزارشی خاطر نشان ساختم، معتقد هستم که پی‌ریزی حضور معتدل ولی مشهود آمریکا در منطقه خلیج فارس یک امر اساسی است. کمترین نوع تهاجمی حضور نظامی آمریکا در زمین از طریق گروه کوچک مستشاری نظامی در ارتباط با یک برنامه کمک امنیتی محدود می‌تواند حاصل گردد.

۶- من در گذشته چندین بار به وزارت امور خارجه خاطر نشان ساختم (هر چند ظاهراً



نتیجه‌ای نداشته است) که در خلیج [فارس] از ترتیبات امنیت منطقه‌ای حمایت نمی‌شود. تا زمانی که ایالات متحده زمینه‌ای برای آن ایجاد نکند تا مدت‌ها این حمایت وجود نخواهد داشت. تصمیم جهت فراهم کردن موشک‌های هاوک برای بحرین در وهله اول به منزله آغاز همکاری نظامی در سطح دوجانبه و احتمالاً در وهله بعدی در سطح منطقه خواهد بود. برای آنکه سیستم موشک‌های هاوک بحرین صورت معناداری داشته باشد، باید از لحاظ فرماندهی و کنترل به سیستم عربستان سعودی پیوند داده شود، زیرا حداکثر برد هر یک از این دو سیستم (با شعاع ۳۸ کیلومتر) تا اندازه‌ای قلمرو هوایی هر دو کشور را دربر خواهد گرفت. ادغام این دو سیستم در یکدیگر ممکن است شامل استفاده سیستم بحرین از رادار دوربرد عربستان سعودی و همچنین سهیم شدن بحرین در پشتیبانی لجستیکی عربستان سعودی (لوازم یدکی و غیره) و تعمیر پشتیبانی پیمانکاری «ریتون» به خارج از عربستان سعودی باشد. این کار مخارج سیستم موشکی بحرین را به نحو قابل توجهی کاهش خواهد داد، هر چند مخارج اساسی باقی خواهد ماند. ارزیابی نظامی که در تلگرام جداگانه گنجانده شده در این زمینه وارد جزئیات بیشتر می‌شود، ولی کافی است گفته شود ادغام بخش قابل ملاحظه‌ای از سیستم‌های بحرین و عربستان سعودی در یکدیگر باید عملی گردد.

۷- همچنین این امکان وجود دارد که کویتی‌ها با نیروی دفاع هوایی موشک‌های هاوک خود، نسبت به توسعه یک سیستم مشابه از سوی پسرعموهای بحرینی‌شان که با آنها بسیار نزدیک هستند، ابراز علاقه کنند. من تردید دارم کویتی‌ها نگران آن باشند که معلومات پیشرفته خود درباره سیستم هاوک را به نمایش بگذارند، و در واقع چنین تحولی ممکن است پیشرفت کنونی آنها در مستقر کردن سیستم هاوک در یک سطح قابل قبول‌تری را تشدید نماید. بدین ترتیب تبادل کویت با بحرین ممکن است به پی‌ریزی شالوده یک همکاری امنیتی منطقه‌ای واقعی کمک کند.

۸- درباره همین موضوع من در برداشت سفر دیکمن (مرجع ب) دشواری‌هایی یافته‌ام که اگر آن را درست درک کرده باشم، قبل از اینکه هرگونه فروش تسلیحاتی به منطقه خلیج فارس انجام گیرد، نیازمند همکاری امنیتی منطقه‌ای «ملموس» می‌باشد. شاید چشم‌انداز مربوطه در خلیج [فارس] جنوبی متفاوت باشد ولی اگر از قسمت خلیج [فارس] شمالی نگاه کنیم هنوز هیچگونه نشانه‌ای از تمایل احتمالی در جهت توسعه یک ترتیبات امنیتی در خلیج [فارس] وجود ندارد.

۹- بنابراین من به این نتیجه می‌رسم که از نقطه نظر استراتژیکی و معیارهای سیاسی - نظامی که در بالا ذکر شد، اگر مایل به فروش سیستم دفاع هوایی موشک هاوک به بحرین باشیم، دست‌آوردهایی برای موقعیت سیاست ایالات متحده در خلیج فارس دربرخواهد داشت. اگر ما چنین قدمی برداریم، به عقیده من نباید متقابلاً در به دست آوردن منافع بیشتر در چارچوب ترتیبات نیروی دریایی خودمان در بحرین تعلل ورزیم؛ مانند تمدید مدت اقامت در بندر که به کشتیهای نیروی خاورمیانه‌ای ما داده شده است.

سند شماره ۸۰

۲۰ ژوئن ۱۹۷۹ - ۳۰ خرداد ۱۳۵۸

سری

از: سفارت آمریکا، کویت - ۲۹۸۷ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در ابوظبی، دوحه، جده، منامه، مسقط، تهران
مرجع الف) کویت ۲۹۷۴، ب) منامه ۱۲۵۱، ج) ابوظبی ۱۵۸۰
موضوع: موشکهای هاوک برای بحرین؛ ارزیابی و ملاحظات نظامی



۱- (سری - تمام متن)

۲- این پیام حاوی ارزیابی مقدماتی از امکان نظامی استقرار آتشبارهای هاوک در بحرین است که برای سفیر مایسترون تهیه شده و در مرجع الف) بدان اشاره شده است. خلاصه‌ای از این ارزیابی در بند بعدی آورده شده است.

۳- خلاصه: تحویل یک سیستم موشکی سه آتشباری هاوک به بحرین، تأسیسات کلیدی این کشور را تحت پوشش خود قرار خواهد داد. همچنین سیستم دفاع هوایی بحرین حفاظت از سیستم دفاع هوایی عربستان سعودی در منطقه ظهران را بهبود خواهد بخشید، بدین ترتیب این امکان را فراهم می‌آورد که با هواپیماهای دشمن در فاصله بیشتری از حریم هوایی عربستان سعودی درگیر شود، تا اینکه آتشبارهای عربستان سعودی بخواهند به تنهایی به این هواپیماها دسترسی داشته باشند. برقراری یک سیستم در بحرین عبارت از تعهد اساسی شامل ترتیبات مهم عملیاتی، نفراتی و لجستیکی و ملاحظات پشتیبانی مستشاری خواهد بود. پایان خلاصه.

۴- از لحاظ نظامی آرایش یک سیستم موشکی هاوک مرکب از سه آتشبار (۱۸ پرتاب کننده) جهت دفاع از تأسیسات استراتژیک که در بند ۷ مرجع ب) برشمرده شد، عملی است. چنین به نظر می‌رسد که آتشبارهای هاوک عربستان سعودی مستقر در ظهران، نخواهند توانست از این تأسیسات به اندازه کافی دفاع کنند. حداکثر بُرد هاوک (۳۸ کیلومتر) به آتشبارهای عربستان سعودی اجازه خواهد داد، تنها در صورتی که هواپیماهای دشمن بر فراز اهدافی بر منطقه «سیترا» در منامه نزدیک شوند با موفقیت به این هواپیماها که از شمال شرقی و شرق و جنوب شرقی به آن نزدیک می‌شوند حمله کنند. سیستم هاوک مستقر در بحرین برای این کشور توانایی شناسایی هواپیماهایی را که در ارتفاع کم و متوسط در فاصله‌ای حدود ۱۱۰ کیلومتر پرواز می‌کنند، فراهم خواهد کرد و این امکان را خواهد داد تا در بُرد ۳۸ کیلومتر با هواپیماها درگیر شوند.

۵- به علاوه همکاری بین بحرین و عربستان سعودی امکان شناسایی و درگیری با هواپیماهای دشمن را که از مسیر شمال شرقی، شرق و جنوب شرقی نزدیک می‌شوند در فاصله دورتری از منطقه ظهران (با تأسیسات بسیار حیاتی آن) در مقایسه با چیزی که اکنون با آتشبارهای هاوک مستقر در آن سرزمین امکان‌پذیر است، به وجود خواهد آورد.

۶- ملاحظات عملیاتی: تجربه ما در کویت بیانگر این مطلب است که در استقرار موشکهای

هاوک در بحرین ملاحظات عملیاتی ذیل باید در نظر گرفته شود:

الف) با توجه به نزدیکی حریم هوایی عربستان سعودی و بحرین به یکدیگر، سیستم موشکی هاوک در بحرین باید در سیستم موجود در عربستان سعودی ادغام شود تا با حداکثر کارایی مورد استفاده قرار گیرد. یک موافقتنامه بین عربستان سعودی و بحرین درباره ادغام فرماندهی و کنترل لازم خواهد بود. زیرا سیستم‌های موشکی این دو کشور ممکن است اهدافی را در قلمرو هوایی خود مورد حمله قرار دهند.

ب) برقراری یک تأسیسات فرماندهی در بحرین یعنی یک دستگاه AM/STQ-73 برای هماهنگ کردن عملیات آتشبارها.

پ) ادغام رادارهای هشداردهنده دوربرد در فرماندهی دفاع هوایی و شبکه کنترل.

ت) برقراری یک شبکه ارتباطاتی در داخل سیستم فرماندهی و کنترل.

۷- ملاحظاتی در خصوص نیروها بر اساس تجربه کویت: قبل از اتخاذ تصمیم درباره به کار بردن سیستم هاوک نیازهای نفرات زیر باید مدنظر قرار گیرد:

الف) نیاز به فراهم کردن چهارصد نفر بحرینی برای انجام عملیات و پشتیبانی از سیستم هاوک. نیاز برای حصول یک توافقنامه فنی و امنیتی بین ایالات متحده و بحرین که به موجب آن مشخص شود که همه پرسنل شاغل در هاوک باید از اتباع بحرین و یا اتباع کشور ثالثی باشند که هر دو طرف آن را تأیید می‌نمایند. (بر اساس تجربیات پیشین بین کویت و اردن).

ب) نیاز جهت تأمین حفاظت بیست و چهار ساعته از همه تجهیزات هاوک.

پ) نیاز به ایجاد یک گردان دفاع هوایی از سطح اپراتور تا سطح فرمانده گردان و تأمین کادر برای آن.

ت) نیاز برای ادامه پر کردن خلأ نیروی انسانی برای هاوک توسط اتباع بحرینی.

ث) نیاز برای تأمین نفرات برای مستشاران و پیمانکاران آمریکایی.

۸- نیازهای آموزشی مورد انتظار بر اساس تجربه کویت: برنامه آموزشی جهت کاربرد موشکهای هاوک عبارتست از آموزش زبان انگلیسی، آموزش آمادگی حرفه‌ای و آموزش انفرادی در حد ۳۰ نوع حرفه. یک طرح آموزشی نیازمند دو سال وقت جهت فارغ‌التحصیل شدن اولین دانشجو است. آموزش تکمیلی پس از بازگشت به بحرین برای کسب حداکثر خودکفایی لازم خواهد بود.

۹- پشتیبانی لجستیکی مورد نیاز بر اساس درسهایی که در کویت آموخته شده است:

عناصر پشتیبانی مورد نیاز عبارتند از نگهداری از همه تجهیزات مربوط به سیستم و تجهیزات فرعی، یک موافقتنامه پشتیبانی تدارکات جهت ادامه پشتیبانی قطعات تعمیراتی، اندازه‌گیری تجهیزات آزمایشی، تغییرات در تجهیزات که به طور مرتب اتفاق می‌افتد، اعلان‌هایی برای عملیات تجهیزات و نگهداری و تسهیلات جهت تأمین جا برای عملیات نگهداری و تدارکاتی. کمک فنی پیمانکاری و خدمات مهندسی از سوی کمپانی (ریتیون) و سیستم‌های اطلاعات لیتون* و دیگر شرکتهای آمریکایی ضروری است. قراردادهای همکاری پشتیبانی با عربستان

* Litton, Data Systems.

سعودی و کویت و اردن ممکن است از تعداد پیمانکاران و تأسیسات آنها در بحرین بکاهد.
۱۰- مدیریت برنامه و پشتیبانی مستشاری پیش‌بینی شده: بر اساس برنامه مربوط به کویت ما توصیه می‌کنیم که مدیریت فشرده‌ای از سوی ارتش آمریکا فراهم شود. یک دفتر مدیریت طرح تحت فرماندهی موشکی در «ردستور. آرسنال. آلاباما» با یک عامل رابط در کویت، همه جنبه‌های برنامه را توسعه داده، تکمیل و هماهنگ نموده و برای تجهیزات و خدمات قرارداد بسته و از نزدیک استقرار و آموزش در کشور را کنترل می‌نماید. علاوه بر این کویت از مستشاران نظامی آمریکا به عنوان کارمندان سفارت بهره‌مند می‌باشد تا آموزش جاری را فراهم آورده و در بهره‌برداری از سیستم پس از استقرار به کویت کمک کند. در گروه مستشاری نظامی و پیمانکاران مختلف، حدود ۹۰ نفر در آمریکا و کویت برای اداره کردن و آموزش و کمک به کویتی‌ها جهت ۴ آتشبار و پشتیبانی مربوطه لازم است.

۱۱- هزینه‌ها - پیش‌بینی‌های تقریبی بر اساس تجربه کویت: برنامه اصلی جهت خرید تجهیزات، آموزش، ادامه برنامه و کمک فنی برای سیستم کویت بالغ بر حدود ۲۰۰ میلیون دلار بوده و بین سالهای ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۹ به مورد اجرا گذاشته شده است. انتظار می‌رود هر یک سال پس از آن ۲۵ میلیون دلار خرج داشته باشد، بسته به این که سطح پشتیبانی مورد لزوم و پیشرفت آموزش در خود کشور و موافقتنامه‌های همکاری با کشورهای همسایه به چه ترتیب باشد. سیستم کویت شامل ۲۴ پرتاب‌کننده موشک است. فرضاً اگر سیستم کوچکتر بحرین شامل ۱۸ پرتاب‌کننده باشد، بدان معنی نخواهد بود که به تناسب دقیق، از لحاظ مالی هزینه کمتری خواهد پرداخت. با این وجود ممکن است بحرین صرفه‌جویی‌های دیگری از لحاظ تطبیق سیستم خود با سیستم عربستان سعودی بنماید. (سیستم عربستان سعودی و کویت اندکی متفاوت هستند) و بدین ترتیب صرفه‌جویی‌های مربوط به اندازه‌ای که در یک سیستم مشترک عملی خواهد بود، اجازه خواهد داد که از لحاظ آموزشی و پشتیبانی لجستیکی و اداره برنامه و پشتیبانی مستشاری، کاهش‌های متناسبی در هزینه فراهم شود.

مایسترون

سند شماره ۸۱

۲۵ ژوئن ۱۹۷۹ - ۴ تیر ۱۳۵۸

محرمانه

به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

از: سفارت آمریکا، دوحه - ۷۶۶

جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در بغداد، جدّه، کویت، منامه، مسقط، صنعا، تهران.

مرجع: دوحه ۷۶۵

موضوع: سؤالات امیر قطر در مورد پایگاه نظامی آمریکا در خلیج فارس

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- در ملاقات مورخ ۲۴ ژوئن با امیر خلیفه درباره موضوعی دیگر (تلگرام مرجع)، ایشان



در مورد وضع نیروی دریایی آمریکا در منامه سؤال کرد. من در مقام تشریح گفتم که ناوهای فرماندهی خاورمیانه‌ای می‌توانند تنها چند روز در سال را در منامه به سر برده و علاوه بر این در بحرین سوخت‌گیری نمایند. ولی طبق اطلاع اینجانب برای نیروی دریایی آمریکا هیچگونه تأسیسات تعمیراتی در آنجا وجود ندارد.

۳- امیر خلیفه در ادامه در مورد امکانات نیروی دریایی ما در عمان سؤال کرد. در تشریح مطلب اظهار داشتم که ناوهای فرماندهی خاورمیانه‌ای دو یا سه بار در سال به این سلطان‌نشین سر می‌زنند لیکن ما در آنجا برای نیروی دریایی خود تأسیساتی مستقر نکرده‌ایم. امیر ظاهراً از پاسخ من راضی نبود. ناگهان این فکر به خاطر من رسید که شاید منظور وی اشاره به شایعات مربوط به خرید یک پایگاه عظیم دریایی در جبل علی دوی توسط آمریکاست. هنگامی که امیر گفت منظورش همین بوده، به وی گفتم که آمریکا در امارات متحده عربی پایگاهی نداشته و در نظر ندارد پایگاهی به دست آورد. گفتم که داستان مربوط به پایگاه جبل علی چندین بار پایان گرفت ولی هنوز هم گهگاه مطرح می‌شود.

۴- نظریه: ظاهراً حاکم قطر گفته‌های مرا پذیرفته بود، اما گمان نمی‌رود که با تکذیب‌های من کاملاً متقاعد شده باشد. خلیفه و دیگر مقامات قطر، حتی آنها که در غرب تحصیل کرده‌اند، آنچنان نیرو و حضوری به آمریکا نسبت می‌دهند که آن را خداگونه می‌سازد. به طور مثال من با سفیران عربی در دوحه و مشاورین عالی‌رتبه امیر صحبت کرده‌ام و همه آنها گفته‌اند که شاه نمی‌توانست حداقل بدون تأیید ضمنی آمریکا سقوط کند. این پدیده عجیب، یعنی باور کردن چیزهایی که به وضوح خلاف واقع هستند، در مورد این تصور نیز صدق می‌کند که آمریکا واقعاً در جبل علی پایگاهی دارد و یا در نظر دارد چنین پایگاهی را بنا کند.

کیل گور

سند شماره ۸۲

۱۵ ژوئیه ۱۹۷۹ - ۲۴ تیر ۱۳۵۸

سری

به: سفارت آمریکا، ابوظبی

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در دوحه، کویت، منامه، مسقط، صنعا، تهران،

اسلام‌آباد، جده

موضوع: پروازهای ۳ - P به عربستان سعودی

۱- (سری - تمام متن)

۲- جهت اطلاع شما: مخاطب‌های اقدام‌کننده باید مطلع باشند که دولت عربستان سعودی و دولت آمریکا موافقت کرده‌اند که در آینده نزدیک پروازهای ۳-P شناسایی خود را آغاز کنند. هواپیما هر ماه از حوزه هوایی طهران به مدت ۳-۵ روز استفاده خواهد کرد. هر مأموریت شامل پرواز از دیه‌گو گارسیا به طهران، طهران به طهران و طهران به دیه‌گو گارسیا خواهد بود.



نقش نظامی غرب، به ویژه آمریکا، در... ۲۱۱

مقامات نظامی سعودی در مأموریت شاخه طهران به طهران شرکت خواهند کرد و به اطلاعات جمع‌آوری شده نیز دسترسی خواهند داشت.
۳- هدف این مأموریت، اجرای مأموریت‌شناسی دریایی در دریای عربی، خلیج عمان، خلیج فارس، خلیج عدن و دریای سرخ است.
پایان - جهت اطلاع شما
کریستوفر

سند شماره ۸۳

۱۷ ژوئیه ۱۹۷۹ - ۲۶ تیر ۱۳۵۸

محرمانه

از: سفارت آمریکا، کویت ۳۹۲۴
به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در ابوظبی، امان، منامه، جدّه، تهران
مرجع: الف) وزارت امور خارجه - ۱۳۳۱۳۶، ب) وزارت امور خارجه ۱۱۵۴۰۹، ج) وزارت امور خارجه ۱۱۵۲۴۴، د) کویت ۱۶۴۷

موضوع: ارزیابی برنامه‌های کمک امنیتی آمریکا برای سال مالی ۱۹۷۹ به کویت

۱- بلا تکلیفی برنامه کمک امنیتی در مورد کویت

گرچه در مرجع الف از اینجانب درخواست پاسخگویی نشده است (ظاهراً به این خاطر که در اینجا با هیچگونه سرمایه‌گذاری مالی آمریکا سر و کار نخواهیم داشت)، ولی از نظر من بررسی وضعیت و گسترش بیشتر کمک امنیتی ما به کویت حائز اهمیت است. ما تصمیم گرفتیم افکار خود را به رشته تحریر درآورده و مطالب مربوطه را با وزارت امور خارجه و واحدهای منطقه‌ای در میان بگذاریم، زیرا در زمینه رابطه کمک امنیتی خویش با کویت، خود را در مقطعی حساس یافته‌ایم که باید تصمیمات لازم اتخاذ گردد. آنچه در ذیل عنوان می‌شود، عوامل مهمی است که موضع ما را در این موقعیت زمانی متأثر می‌سازد:

الف- علیرغم مسئله خاورمیانه و سیاست‌های خارجی محتاطانه و فاقد هرگونه هم‌پیمانی کویت، رابطه ما با این کشور سبب فزونی سرمایه‌گذاریهای آن در آمریکا، افزایش شدید واردات آن از آمریکا و موضع‌گیری معتدل کویت در زمینه قیمت نفت اوپک شده است.

ب- در جهان عرب و در حمایت از تلاشهای آمریکا به منظور حل مسئله تضاد اعراب و اسرائیل، کویت نقش نسبتاً مثبت و میانه‌روی ایفا می‌کند و نقش آن در قبال همسایگانش در منطقه خلیج [فارس]، با علائق و منافع آمریکا در صلح، ثبات و اطمینان از ادامه عرضه نفت خلیج [فارس] مطابقت دارد.

پ- عدم موافقت دولت آمریکا در ارائه (یا مجاز شمردن صدور) سلاح برای تأمین نیازهای مشروع دفاعی کویت، از نظر رهبران این کشور به عنوان عدم توجه آمریکا به کویت (در رابطه با خطری که از جانب عراق آن را تهدید می‌کند) و نیز عدم پای‌بندی و صداقت آمریکا در روابط خویش با جهان عرب تلقی خواهد شد.



ت- کویته‌ها، حداقل در مورد جنگ افزارها و آموزش نظامی، همیشه سعی کرده‌اند که ابتدا آن را از آمریکا خریداری کنند ولی در نهایت مجبور شده‌اند به منبع دیگری روی آورند. (مثال: خرید تانکهای چیفتن انگلیسی پس از اینکه تانک‌های ام-۴ آمریکایی به آنها فروخته نشد؛ خرید موشک‌های سام-۷ روسی پس از آنکه از ارائه موشک‌های استینگر به آنها امتناع شد؛ خرید موشک‌های لونا‌ی روسی زمانی که موفق به خرید موشک‌های لنس آمریکایی نشدند؛ خرید هواپیمای میراژ ۱ فرانسوی پس از آنکه با درخواست آنها برای خرید هواپیماهای A-۷ آمریکایی موافقت به عمل نیامد؛ و خرید قریب‌الوقوع قایق‌های گشتی انگلیسی مجهز به موشک بعد از آنکه دولت آمریکا از انعقاد قرارداد فروش نظامی خارجی در مورد این‌گونه تجهیزات سر باز زد.)

ث- به استثنای مورد مربوط به فروش ۱۷۵ نفربر زرهی که قرارداد آن نیز به تازگی (۱۲ ژوئیه) لغو گردیده، حدود دو سال است که آمریکا هیچگونه قرارداد فروش عمده خدمات و جنگ‌افزار با این کشور نداشته است، حال آنکه انگلیسی‌ها و فرانسویها هر یک قراردادهای فروش جنگ‌افزارهایی، هر یک به ارزش ۱۰۰ میلیون دلار با کویت امضاء کرده و ژاپنی‌ها و یوگسلاوها نیز در حال احداث یک پروژه بزرگ نظامی در آنجا هستند. بدین ترتیب، در کویت اصولاً ما در حال اجرای مفاد قراردادهای فروش عمده قبلی مربوط به هواپیماهای A-۴ و سیستم موشکی هاوک-۱ بوده‌ایم و بس.

ج- در حال حاضر نیز قرار است کویته‌ها دو درخواست دیگر را مطرح سازند که یکی از آنها مربوط به هویتزرهای خودکششی ۱۵۵ میلی‌متری یعنی نوعی توپ ضد‌هوایی است (تا سیستم پدافند هوایی هاوک-۱ آن تکمیل شود)؛ و دیگری به موشک‌اندازهای تاو و سیستم فرماندهی و کنترل مربوط می‌شود. طبق برآورد ما ارزش کلی این اقلام جدید، که شرح مفصل آن در ذیل خواهد آمد، بسته به خدمات و نوع و کمیت اقلام انتخابی بین ۳۰۰ تا ۸۰۰ میلیون دلار خواهد بود. (ارزش قراردادهای جاری منعقد در رابطه با خدمات و جنگ‌افزارهای آمریکایی تقریباً معادل ۷۰۰ میلیون دلار است).

چ- سیاست فروش تسلیحاتی ما به کویت که تا قبل از تجدیدنظر در سیاست صدور تسلیحات آمریکا در ماه می ۱۹۷۷ عمده‌تاً با ناتوانی آمریکا در ایجاد هماهنگی به منظور اجرای مفاد قراردادهای فروش قبلی، ملاحظات سیاسی عمومی منطقه خلیج [فارس]، و توان جذب غیرمکفی کویت، محدود شده بود، اکنون نیز بر طبق آنچه که در مرجع‌های (ب و پ) گفته شده، تابع محدودیت‌های بیشتر صدور تسلیحاتی خواهد گردید.

با این وصف، وضعیت ما در اجرای قراردادهای فروش گذشته و آتی، به خصوص پس از استقرار دفتر رابط نظامی آمریکا در کویت در سال جاری که دارای ۱۷ کارمند بوده و در مورد فروش نظامی خارجی در ازای دریافت وجه نقد عمل می‌کند، به طرز چشمگیری بهبود یافته است (دفتر رابط آمریکا در کویت).

۲- ارزیابی فروشهای نظامی به کویت به عنوان «اجرای یک سیاست خارجی استثنائی» از نظر نظامی، گرچه انتقال تسلیحات متعارف به کویت را نخواهیم توانست به عنوان عاملی مؤثر در پیشبرد اهداف امنیتی ملی خویش توجیه نماییم، ولی از نظر سیاسی و اقتصادی می‌توان برای ادامه محدود کردن فروش تسلیحات به این کشور مورد منطقی ایجاد کرد. در همین رابطه، اینجانب ارزیابی ذیل را در زمینه عوامل مرتبط با منافع ملی مان تقدیم می‌نمایم:

الف- منافع آمریکا. به خاطر وجهه مالی خارجی آن که از منابع نفتی آن کشور نشأت می‌گیرد و نیز مفهوم سیاسی ذخایر عظیم نفتی‌اش، کویت علی‌رغم کوچکی‌اش برای آمریکا اهمیت قابل‌ملاحظه‌ای دارد. آن دسته از منافع آمریکا که در نتیجه برقراری یک رابطه کمک امنیتی با کویت تأمین می‌گردد به شرح زیر است (اقتباس از ارزیابی سالانه سیاستها و منابع، مرجع پ).

(۱) آرامش و ثبات. منافع نهفته آمریکا در آرامش و ثبات سیاسی کویت و به طور کلی در خاورمیانه، با منافع جهانی و منطقه‌ای آمریکا کاملاً مطابقت داشته و با آنها مغایرتی ندارد. نقش و نفوذ همراه با اعتدال و میانه‌روی دولت کویت در میان کشورهای خط مقدم و سازمان آزادیبخش فلسطین که ناشی از کمک‌های مالی قابل‌ملاحظه‌ای است که توسط آن ارائه شده، می‌تواند در حمایت از تلاشهای آمریکا در حل مسئله تضاد اعراب و اسرائیل مؤثر واقع شود. ثبات کویت را خطراتی نیز تهدید می‌کند که در داخل آن مملکت به صورت یک اقلیت عظیم فلسطینی (برابر با یک چهارم جمعیت کویت) که تاکنون بدخیم نبوده خودنمایی می‌کند و از خارج نیز خطری دیگر به صورت تهاجم احتمالی عراق وجود دارد که علاقمند به تصرف دو جزیره کویتی است که کاملاً بر کانال کشتیرانی منتهی به بندر ام‌القصر مسلط است.

(۲) تضمین ادامه عرضه نفت و تعادل قیمت نفت کویت گرچه برخلاف همسایگانش یعنی عربستان سعودی و عراق، یک تولید کننده عمده نفتی به شمار نمی‌آید، ولی میانگین تولیدی ۲ میلیون بشکه در روز کویت برای خریداران نفت در خاورمیانه به خصوص ژاپن و نیز بعضی از کشورهای اروپایی حائز اهمیت است. افزایش تولید گاز مایع شده نفتی که قرار است در پایان سال ۱۹۷۸ آغاز شود، بسته به نتایج مذاکرات جاری بین کویت و شرکت‌های بزرگ آمریکایی دارد و ممکن است به مقادیر هنگفتی به آمریکا صادر شود. موجودیت این مایع انرژی‌زا و ارائه آن به قیمت مناسب و منطقی مراکز اقتصادی دریافت‌کنندگان، از اهمیت چشمگیری برخوردار خواهد بود. نقش فعال دولت کویت در سازمان اوپک و طرز برخورد آن با سطوح قیمت و تولید نفت خام نیز در رابطه با منافع جهانی آمریکا چشمگیر است.

(۳) ارتقاء میزان سرمایه‌گذاری و تجارت. غنای مالی کویت و به ویژه ذخیره عظیم مالی آن، به دنبال افزایش قیمت نفت موازنه پرداخت‌ها و چرخش مجدد دلارهای نفتی در صادرات آمریکا شایان توجه است. دولت کویت بخش اعظم دارایی‌های خود را در آمریکا سرمایه‌گذاری کرده و در رابطه با نقل و انتقال آنها هم بسیار محافظه‌کارانه عمل می‌کند که

پیگیری این خط‌مشی نیز به نفع آمریکاست. در عین حال که نیاز وارداتی کویت به خاطر کوچکی قلمرو آن محدود است، ولی حجم فروش کالا و خدمات آمریکایی به آن کشور شدیداً به نفع موازنه پرداختها در موازنه تجاری دو کشور افزایش یافته است. عملاً می‌توان گفت کویت به سومین وارد کننده بزرگ کالاها و خدمات آمریکایی (پس از عربستان سعودی و الجزایر) در جهان عرب درآمده است.

ب- تهدیدات نظامی و عکس‌العملهای کویت. کویتی‌ها عراق را عمده‌ترین خطر موجود علیه خود تلقی می‌کنند که این امر اصولاً ناشی از اغتشاشات مرزی دیرین بین دو کشور و نیز خصومت ایدئولوژیکی عراق با کویت و دیگر رژیمهای سستی حوزه خلیج [فارس] است. احتمالاً کویتی‌ها معتقدند که این خطر همیشه به قوت خود باقی خواهد ماند؛ گرچه ممکن است در نتیجه موفقیت نهایی تلاشهای جاری که به منظور بهبود وضع مذاکرات مرزی دوجانبه انجام می‌شود، در ذهن آنها تا حدودی تخفیف یابد. ایدئولوژی، ژئوپولیتیک و رفتار غیرقابل پیش‌بینی رژیمهای آینده عراق از جمله مهم‌ترین عواملی محسوب می‌شوند که بر این طرز تفکر کویتی‌ها تأثیر دارد. به عنوان عکس‌العملی در قبال این خطرات داخلی و خارجی، کویت به اتخاذ یک استراتژی نظامی مبادرت کرده که هدف از آن ایجاد یک نیروی نظامی عکس‌العمل سریع، کوچک و مدرن (دفاع هوایی و ضدزره با قدرت آتش بسیار قوی) است تا بتواند حتی برای مدت زمانی بسیار کوتاه به عنوان عامل بازدارنده در برابر نیروهای مهاجم عمل کند و این فرصت را برای کویت پدید آورد تا از همسایگان و دوستان بزرگترش و احتمالاً از آمریکا و سازمان ملل کمک نظامی و دیپلماتیک درخواست کند. از نظر سیاسی، کویت سعی دارد با تمام همسایگانش و نیز اقلیت فلسطینی موجود در داخل کویت روابط حسنه خود را حفظ کند. این کار را هم از طریق اتخاذ سیاست‌های خارجی مناسب که مانع از بروز ناراحتی آنها شود و هم با ایفای نقش رهبری در حل مسائل ضد و نقیض موجود در منطقه و امور سیاسی عربی انجام می‌دهد. از آنجا که کویت در برابر خرابکاری و تهاجم داخلی نیز آسیب‌پذیر است، داراییهای عظیم خود را به طور همزمان در جهت تطمیع و جلب رضایت رهبران دشمنان بالقوه خود و خرید تسلیحات موردنیاز به کار گرفته است.

پ- نظر سفارت در مورد خطرات و عکس‌العملها

نظریات ما در مورد خطراتی که کویت در معرض آنها قرار گرفته و نیز درباره عکس‌العمل‌هایی که این کشور در قبال آنها نشان داده با نظریات خود کویتی‌ها تفاوت چندانی ندارد. در اینجا باید خاطر نشان شود که سیاست خارجی این کشور مبنی بر اتخاذ روش «میانروی در بلوک موجود» بر سر تمام مسائل مهم عربی و منطقه‌ای، در حال نیل به نتیجه قابل انتظار است. در رابطه با استراتژی نظامی کویت هم باید گفته شود که کویتی‌ها در حل مسئله مهم خود یعنی فقدان نیروی انسانی آموزش دیده و مجرب مورد نیاز برای تشکیل یک نیروی عکس‌العمل سریع، حرکت لاک‌پشتی و کند دارند.

در این مورد آنها می‌توانند سریع‌تر عمل کنند ولی موانعی نیز در این راه وجود دارد یعنی ابتدا باید سیستم سربازگیری برای دو برابر شدن نیروی انسانی موجود در نیروهای مسلح به کار گرفته شود و پس از آن منابع لازم برای ارائه آموزش کافی و ابقای این نیروها صرف شود. برنامه زمانی طولانی که برای تحویل تسلیحات خریداری شده و نیز سلاحهایی که درباره آنها در آینده قراردادهایی منعقد خواهد شد، باید خود پدیدآورنده فرصت‌هایی باشد که طی آن می‌توان با این مسائل برخورد ضروری داشت. راه‌حل منطقی دیگری که در رابطه با مسئله نیروهای نظامی کنونی این کشور وجود دارد این است که یا این نیروها به طور کامل غیرمسلح بمانند و یا با یکی از قدرتهای «محافظت‌کننده» منطقه‌ای یا جهانی نوعی هم‌پیمانی ایجاد شود. ظاهراً کویتی‌ها هر دو راه‌حل را نپذیرفته‌اند، ولی می‌توان گفت که از نظر فرضی راه‌حل اول در مورد آن صادق‌تر است، زیرا کویت هر قدر در مسلح کردن نیروهای خود بکوشد باز هم در مقایسه با نیروهای مسلح همسایگان خود ضعیف خواهد بود. به همین دلیل ما به این نتیجه رسیده‌ایم که در عین حالی که یک کویت مسلح‌تر احتمالاً خواهد توانست مانع از انجام تهاجماتی علیه خود شود، ما به کویت در دفاع از قلمرو خویش کمک کنیم زیرا در این راه میزان حسن نیت و نفوذ خویش را در این کشور بالا برده‌ایم، و در همان حال فروشهای نظامی آمریکا به کویت نیز باعث به هم خوردن توازن قدرت نظامی منطقه‌ای نشده است.

ت- خریدهای احتمالی کویت طی سال مالی ۱۹۷۹

در مرجع (الف) خاطر نشان شده که در رابطه با درخواست‌های مربوط به اقلام و خدمات دفاعی طی سال ۱۹۷۹ نوعی «اولویت» تعیین شود. در حقیقت، گمان نمی‌کنیم که دولت کویت از نظر منابع مالی، در داخل کشور تعیین اولویت را ضروری بداند، زیرا قادر است هر وسیله‌ای را که بخواهد نقداً خریداری کند. از نظر زمان دریافت، اولویت‌های کاملاً نظامی و محدودیت‌های مربوط به قدرت جذب نیز مسائلی است که قابل برآورد است. طبق آنچه قبلاً گفته شد، ما هنوز هم تعدادی از درخواست‌های کویت را در اختیار داریم که کار مربوط به آنها به پایان نرسیده است. این موارد عبارتند از:

(۱) فروش نظامی خارجی هویترهای خودکشی ۱۵۵ میلی‌متری (ام - ۱۰۹).

این درخواست به تعویق افتاده است زیرا تحقیقات مقدماتی دولت کویت در واشنگتن نشان داده که قادر نخواهد بود این سلاحها را تا قبل از ۱۹۸۲ دریافت کند. بر اساس ارزیابی نظامی رئیس دفتر روابط کویت که نیاز دفاعی به این نوع توپ را مشروع و اساسی می‌داند، اینجانب پیشنهاد کرده‌ام فروش آن مورد تصویب قرار گیرد و یک آتشبار از آن زودتر از موعد ذکر شده به این کشور تحویل گردد تا مرحله آموزش مربوطه آغاز شود، ولی بقیه هویترهای خریداری شده در سال ۱۹۸۲ به این کشور ارسال شود (کویت ۳۶۷۰).

(۲) قیمت و اطلاعات مربوط به قابلیت توپ ضد هوایی وُلکان.

احتمالاً در سال مالی ۱۹۷۹ در رابطه با قیمت و قابلیت توپ ضد هوایی امرسون امراد - ۳۰

به عنوان جانشین سیستم متحرک وُلکان (که دستگاهی بسیار پیچیده است و عملکرد آن نه چندان مؤثر) درخواستی تسلیم خواهد شد تا از آن به عنوان توپ قایقهای گشتی انگلیسی‌الاصل هم استفاده شود. از آنجا که آمریکا سیستم هاوک - ۱ را به کویت فروخته است، به نظر من چاره‌ای نداریم جز اینکه اقدام به فروش یک سیستم توپ ضدهوایی نیز بنماییم تا سیستم پدافند هوایی آن کشور تکمیل شود. در حقیقت، من توانسته‌ام وزیر دفاع کویت را از خرید توپهای ضدهوایی روسی منصرف سازم، چون او نیز به سیستم نظامی ما به عنوان بهترین سیستم موجود اعتراف دارد و علاوه بر این چنین استدلال کردم که به خصوص با نظر در گرفتن وضعیت طبقه‌بندی شده سیستم هاوک، توپهای پدافند روسی با این سیستم موشکی سازگار نیستند (۷۶ کویت ۵۷۱۰۸).

(۳) علاوه بر آنچه که تاکنون گفته شد، درخواستی نیز برای فروش موشک‌اندازهای بیشتر تاو تسلیم خواهد شد تا تعداد موشک‌اندازهای موجود کویت از این نوع (۵۰ موشک‌انداز) افزایش یافته و نیز بتوانند از آنها به جای چند موشک تاو و نصب شده بر روی PACS‌های جدید خود استفاده کنند.

(۴) علاوه بر این، ما مطمئن هستیم که کویتی‌ها بالاخره به این نتیجه خواهند رسید که به یک سیستم کنترل و فرماندهی نظامی نیازمندند تا حداقل اگر نتوانند تمام نیروهای زمینی، دریایی و هوایی خود را هماهنگ کنند، بتوانند نیروهای دفاع هوایی خود را تحت پوشش آن قرار دهند. این درخواست ممکن است در سال مالی ۱۹۷۹ ارسال شود، ولی ممکن است تا مدتها بعد نیز حتی مطرح نگردد.

(۵) طبق انتظار ما، ممکن است این کشور خواستار دریافت کامیونهای نظامی بیشتری نیز بشود.

ث- کاربرد تجهیزات آمریکایی توسط کویت: تأثیر آن بر منافع آمریکا. تمایل دولت کویت نسبت به دریافت توپخانه، نفربرهای زرهی مدرن و موشک‌اندازهای تاو از ترس این کشور به خصوص در قبال خطر زرهی عراق و نیز به طور کلی قدرت فائق نظامی همسایگانش سرچشمه می‌گیرد. در مورد کویت حتی تصور نیز نیست که این کشور بخواهد از سلاحها استفاده تهاجمی به عمل آورد و حتماً از آنها در ضد حمله استفاده خواهد نمود، زیرا کاربرد آنها به صورت تهاجمی خطر نابودی ملی را شدت خواهد بخشید. تجهیزات دفاع هوایی خاطر نشان شده در بند قبلی نیز به صورت تدافعی استفاده خواهد شد تا آن کشور را در برابر قدرت هوایی غالب عراق و اهداف نظامی ثابت و جبهه‌های جنگی متحرک و اهداف دریایی محافظت کند. از تجهیزات فرماندهی و کنترل کویت هم در راه هماهنگ‌سازی بیشتر نیروهای دفاعی کویت در وضعیت‌های رزمی استفاده خواهد شد، به این امید که سیستم‌های مخابراتی مدرن همراه با قدرت آتش و تحرک بتواند مقصود بیان شده در رابطه با استراتژی ملی آمده در بند (۲ب) فوق را عملی سازد. استفاده آتی از تسلیحات آمریکایی در این حالت‌های دفاعی

می‌تواند به منافع آمریکا که در ثبات خاورمیانه (و به خصوص منطقه خلیج [فارس]) نهفته است خدمت کند. همین امر امکانات ما را در محدود ساختن گسترش نفوذ شوروی در کویت و منطقه خلیج [فارس] و نیز اعمال نفوذ ما بر یک نهاد جدید کویتی یعنی نهاد نظامی آن که در آینده به صورت یک عامل مهم سیاسی خودنمایی خواهد کرد، افزایش می‌دهد.

عامل ثبات هم به نوبه خود به نفع سرمایه‌گذاری و تجارت آمریکاست و مهم‌تر از همه ادامه صدور نفت کویت را به اروپا و ژاپن بیش از پیش تضمین خواهد کرد. حضور نیروهای آمریکایی لازم برای تحقق این خریدهای احتمالی و کمک به جذب آن توسط نیروهای نظامی کویت نیز ارتباط بی‌چون و چرایی با منافع آمریکا در این کشور دارد. درست است که وزارتخانه بر اساس تجربیات خویش در نقاط دیگر بهتر از هر ارگان دیگری قادر است تعداد نیروهای مورد نیاز در این کشور را برآورد نماید ولی طبق برآورد تقریبی ما میزان نیروهای کمک امنیتی آمریکا دو یا سه برابر خواهد شد، یعنی از تعداد ۱۰۰ نفری که در کویت به سر می‌برند به ۱۸۰ تا ۲۸۰ نفر بالغ خواهد شد که تنها بخشی از آنها را کارمندان دولت و بقیه را نیروهای غیرنظامی قراردادی تشکیل خواهند داد. از نظر کل تعداد آمریکائیان مقیم این کشور نیز شمار آنها از ۲۷۰۰ نفری که هم‌اکنون در کویت به سر می‌برند، با احتساب شمار وابستگان آنها، به سطح ۳۳۰۰ نفر خواهد رسید. حضور این تعداد آمریکایی در کویت به نظر ما هیچگونه مسئله یا مشکل سیاسی یا فرهنگی پدیدار نخواهد ساخت زیرا تعداد بیگانگان مقیم این کشور هم‌اکنون بیش از اتباع کویتی است و گذشته از این، همه در اینجا آمریکائیان را دوست داشته و آنها از رتبه اجتماعی برتری برخوردارند.

۳- دیگر منابع تجهیزاتی و خدماتی.

افسران نظامی حرفه‌ای کویت همیشه ترجیح می‌دهند که سیستم‌های تجهیزاتی مهم مورد نیاز خود را از آمریکا خریداری کنند. این احساس نیز ظاهراً از تحسین برانگیز بودن تکنولوژی آمریکایی و نیز اقدامات مداوم ما در پی‌گیری مسائل مربوط به تجهیزات فروخته شده قبلی سرچشمه می‌گیرد. با این وصف آنهایی که بر کویت حاکم هستند، حتی برخلاف اعتراضات نظامیان حرفه‌ای در منابع تأمین تسلیحات و تجهیزات مورد نیاز کویت تنوع ایجاد می‌کنند و از چند کشور اروپایی (و اخیراً روسی) خرید می‌کنند. خرید تجهیزات و خدمات آمریکایی نیز ظاهراً دو علت اساسی دارد: عامل اول سیاسی است و مرتبط با سیاست خارجی این کشور، یعنی کویت با خرید تسلیحاتی خود همان سیاست خارجی دوستی با همه کشورها را دنبال می‌کند؛ و عامل دوم، عدم همکاری آمریکا در تصویب یک مورد فروش نظامی چه به دلیل سیاسی و چه به دلیل عدم وجود اقلام مربوط به آن، می‌باشد. (به مثالهای طرح شده در بند (ا)- (د) رجوع شود). گذشته از این، تصمیماتی که علیه تجهیزات آمریکایی، با در نظر گرفتن خصوصیات مثبت بعضی دیگر از تجهیزات اتخاذ می‌شود، نتیجه عیوب و نقائصی است که توسط عرضه‌کنندگان خارجی روی آنها گذاشته می‌شود، که البته برای اثبات این موضوع

شواهد قطعی در اختیار نداریم. (تمام فروش‌های نظامی و بازرگانی آمریکایی در نتیجه مذاکرات مستقیم با مقامات دولت کویت تحقق یافته است.) به نظر ما این الگو در آینده نیز دنبال خواهد شد، زیرا در سیاست خارجی کویت تغییری نمایان نشده و علاوه بر این، برای اکثر خریدهای موردنظر و احتمالی کویت که در بند (د۲) مشخص شده معادل‌های غیرآمریکایی وجود دارد. از جمله مواردی که از این قاعده مستثنی است (یعنی مواردی که در آنها کویت «چاره‌ای» جز خرید تسلیحات (آمریکایی ندارد) می‌توان از سیستم کنترل و فرماندهی، حداقل بخشهایی از آن که مربوط به پدافند هوایی است و توپهای ضدهوایی نام برد، بهره جست زیرا ممکن است ملاحظات امنیتی دولت آمریکا به ما اجازه ندهد که بگذاریم نیروهای یک کشور ثالث، هنگام استقرار تجهیزات جدید در کنار تجهیزات و تکنولوژی طبقه‌بندی شده آمریکایی که هم‌اکنون در کویت موجود است وارد فعالیت شوند.

۴- * رهبران کویت نیز قطعاً موافقتی که مسلح شدن ملت‌ها برای تأمین امنیت خود امری [ناخوانا] است و احتمالاً در صورتی که امنیت کویت در معرض تهدید قرار نگیرد، با محدود شدن خریدهای تسلیحاتی در سراسر جهان و حتی در منطقه خلیج [فارس] نیز موافقت خواهند کرد. ولی در غیاب یک قرارداد معتبر منعقد شده بین تولیدکننده و عرضه‌کننده برای تحقق بخشیدن به این خواست، کویتی‌ها در برابر هرگونه تقاضای آمریکا مبنی بر خودداری از خرید نوع خاصی از سیستم‌های تسلیحاتی به خاطر تأثیر آن بر کنترل تسلیحاتی در منطقه، مقاومت خواهند کرد. با این وجود، پس از اعتراض ما به خاطر خرید موشک‌های روسی توسط کویت، دولت این کشور نسبت به این مسئله بیش از پیش حساسیت به خرج می‌دهد.

واقعیت بی‌چون و چرایی که متأسفانه بر همه کویتی‌ها روشن است این است که ضعف نظامی کشورشان در مقایسه با همسایگان آنها وضعیتی است که حتی با دو برابر شدن سطح نیروی انسانی نیروهای مسلح این کشور و نیز خرید خدمات و تجهیزات فوق‌الذکر تغییری نخواهد کرد. کویتی‌ها به این مسئله وقوف کامل دارند و با استراتژی کنونی خود تنها سعی در به تعویق انداختن فتح کشورشان [توسط دشمنان] را دنبال می‌کنند و تغییر موازنه قدرت در خلیج [فارس] که در بند (۲ب) به آن اشاره شد، هدف نهایی آنها نیست.

۵- نتیجه‌گیری و نظریه.

دولت کویت در بخش اعظم برنامه تسلیحاتی خود همان توصیه‌هایی را به کار بسته که در تحقیقات نظامی آمریکا در مورد نیازهای دفاعی آن کشور، در سال ۱۹۷۲ در اختیار کویت قرار داده شده بود. حتی قبل از تجدیدنظر در سیاست انتقال تسلیحاتی مان، من معتقد بودم که آمریکا باید درخواست‌های دولت کویت را در زمینه خرید اقلام ضروری برای دفاع مشروع از سرزمین خود مورد بررسی قرار دهد. در همان زمان من به این نتیجه رسیده بودم که چون

* بخشی از بند ۴ ناخواناست.

سیستم موشکی پیشرفته هاوک-۱ و هواپیماهای A-۴ را به کویتی‌ها فروخته‌ایم، خود را ملزم به تجهیز سیستم دفاع هوایی آنها و ارائه سیستم کنترل و فرماندهی برای هدایت آن سیستم‌ها ساخته‌ایم. البته نباید از روی همدردی در مورد تقاضای کویتی‌ها مبنی بر دریافت تسلیحات محرمانه و پیشرفته‌ای که انتقال آنها به منطقه خلیج [فارس] می‌تواند عامل از بین بردن ثبات آن باشد به بررسی پرداخت. به همین دلیل بود که من به وزارت امور خارجه پیشنهاد کردم که در رابطه با خرید موشک‌های سام-۷ و فراگ روسی توسط کویت مطالب مندرج در بند ۴ را با کویتی‌ها در میان بگذاریم. البته می‌دانم در صورت تصویب حجم دلاری فروشهای بالقوه نظامی به کویت در سال مالی ۱۹۷۹ می‌تواند مسئله‌برانگیز باشد. ولی با در نظر گرفتن زمان بسیار طولانی تحویل سلاحهای مورد درخواست، دولت کویت محدودیت‌های تحمیلی بر تأمین اقلام ضروری نیازهای مشروع دفاعی خود را به سهولت درک نخواهد کرد. برخلاف اکثر مشتریان برنامه فروش نظامی خارجی ما، کویتی‌ها از ابتدای امر در صدد ساختن یک بنیه دفاعی معتدل برای خود بوده‌اند.

مایسترون

سند شماره ۸۴

۱۷ ژوئیه ۱۹۷۹ - ۲۶ تیر ۱۳۵۸

سری

از: سفارت آمریکا، ابوظبی ۱۸۴۱ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در جده، جیبوتی، اسلام‌آباد، کویت، مسقط، ریاض، صنعا، تهران.

مرجع: الف) وزارت امور خارجه ۱۸۳۷۲۹، ب) ابوظبی ۱۵۷۴
موضوع: پروازهای P-۳ به عربستان سعودی

۱- (سری - تمام متن)

۲- چنانچه پروازهای مربوطه جهت عبور بر فراز امارات متحده عربی برنامه‌ریزی گردد، مخاطبین بایستی آگاه باشند که سفارت احتمالاً مشکلاتی در کسب مجوز کرایدور هوایی پروازها از دولت امارات متحده عربی خواهد داشت. تلگرام مرجع (ب) مشکلاتی که ما طی پرواز اخیر P-۳ با آن مواجه بودیم، تشریح می‌کند.

۳- از آنجا که تلگرام مرجع (الف) دلالت می‌کند که این پروازها با حمایت و مشارکت عربستان سعودی انجام می‌گیرد، ما پیشنهاد می‌کنیم دولت عربستان سعودی ممکن است به طرح موضوع با دولت امارات متحده عربی به منظور تسهیل در کسب مجوز پروازها علاقمند باشد. به عقیده ما این امر، مسئله را برای ما بسیار ساده‌تر خواهد ساخت تا به موقع بتوانیم مجوز پروازها را - چنانچه هواپیما بخواهد طبق برنامه از فضای امارات متحده عربی استفاده کند- دریافت کنیم.

دیکمن



سند شماره ۸۵

۲۳ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۱ مهر ۱۳۵۸

محرمانه

از: سفارت آمریکا، مسقط - ۱۷۱۳
به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در لندن، بغداد، اسلام‌آباد، جدّه، کویت، منامه،
دهلی‌نو، پاریس، صنعا، تهران

مرجع: الف) فرماندهی خاورمیانه ز ۱۵۰۹۲۰ سپتامبر ۷۹، ب) CNO واشنگتن دی. سی
ز ۱۳۲۳۳۴ سپتامبر ۷۹، پ) فرماندهی ناوگان هفتم ز ۹۱۱۰۰ سپتامبر ۷۹، ت) وزارت امور
خارجہ ۲۲۹۸۴۰، ث) USCA7 ۱۵۱۲، ج) فرماندهی ناوگان هفتم ز ۲۴۰۳۰۲ اوت ۷۹.
موضوع: مانور بیکان کامپس ۷۹

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- تلگرامهای مرجع حاکی از آن است که تدارکات مربوط به عملیات گسترده چند ملیتی
مشترک (بیکان - کامپس ۵۸) که «در نوع خود بی‌نظیر است به خوبی آماده شده است و با
هیچیک از عملیات قبلی انجام شده در اقیانوس هند مرتبط نیست.» آخرین پیام دریافتی ما در
مورد موضوع (تلگرام مرجع الف) حاوی این تقاضاست که «در صورت احتمال مشارکت
نیروی دریایی یا هوایی دولت میزبان مشورت‌هایی صورت گیرد.»

با این وصف وزارتخانه (مرجع ث) خاطرنشان ساخته بود، «که ترتیب عملیات به گونه‌ای
است که باید قبل از اجرای مرحله بعدی، وزارت دفاع، وزارت امور خارجه و دیگران حاضر
در واشنگتن را رسماً توجیه کند.»

۳- در رابطه با عمان عملیات بیکان کامپس، پیشنهاد عملیات مشترک با نیروی دریایی و
نیروی هوایی عمان را می‌دهد که شامل حملات دریایی و زیردریایی علیه گروه میانی و نیز
شامل مشارکت نیروی دریایی عمان در خارج از «ریسوت» - یکی از بنادر ظفار که از مرز
جمهوری دمکراتیک خلق یمن و عمان چندان فاصله‌ای ندارد، است - و علاوه بر این در
حوالی جزیره مصیره که مطبوعات درباره استقرار نیروهای آمریکایی در آنجا جنجال زیادی
برپا کرده‌اند نیز عملیاتی صورت خواهد گرفت.

۴- بسیاری از تلگرامهای مرجع، و نیز تلگرامهای دیگری که مرجع نیستند، متقاضی کسب
اطلاعات در مورد «جزئیات عملیات» شده‌اند، چون گمان می‌کرده‌اند که متعاقب آن سیاست
مزبور باید تصویب و تأیید گردد.

۵- طبق اطلاع وزارتخانه، ما چند روز جالب را پشت سر گذاشته‌ایم، چون طی این چند روز
یک روزنامه کویتی ورود یک تیم ۱۲ نفره تحقیقات نظامی کوتاه‌مدت (دو هفته‌ای) را اشتباه گرفته
و آن را ورود یک نیروی نظامی آمریکایی «۲۰۰۰۰» نفره عنوان کرده بود و رادیو مسکو نیز تکذیب
سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا را دروغ و غیرمنطقی قلمداد نموده بود. بغداد نیز حملات
علنی خود را علیه عمان آغاز کرده که چرا یک پیشنهاد منطقه‌ای را مطرح کرده تا امنیت تنگه هرمز



افزایش یابد. بنا به گفته عراقیها، این گونه ترتیبات امنیتی، آغازی است بر گسترش سلطه نظامی آمریکا در خلیج [فارس] (JN۲۰۱۰۲۶). این واقعیت که عملیات بیکان کامپس نیز در همان ماهها صورت می‌گیرد که طی آن عملیات ستو انجام شده بود (میدلینک)، موجبات انتقادات بیشتر عراقیها و دیگران را در منطقه فراهم می‌آورد. عامل مهمتر ابراز نگرانی سعودیها مبنی بر این است که مبادا افزایش فعالیت نظامی آمریکا در منطقه نقصان‌های سیاسی خصمانه‌ای پدید آورد. آخرین نمونه این ابراز نگرانیهای سعودی در سخنرانی پسر وزیر دفاع این کشور یعنی فرزند سلطان در مرکز کندی بود که توسط نشریه لوس‌آنجلس تایمز در تاریخ ۲۰ سپتامبر گزارش شده بود. «بندر» هشدار داد که «به اهتزاز درآمدن پرچمهای بیگانه و نمایش قدرت آنها» در منطقه، به سهولت موجب تضعیف روابط حسنه و مشترک خواهد شد.

۶- در رابطه با حملات علنی علیه عمان و هشدارهای سعودیها، به نظر من بهتر است که فعل و انفعال نظامی خود را گسترش نداده و تنها به عبور و مرور نیروی دریایی خود در تنگه هرمز و «ارتباط‌های» بین نیروی هوایی عمان و هواپیماهای مستقر بر ناوهای هواپیمابر خود در اقیانوس هند اکتفا کنیم. گسترش فعل و انفعال بین نیروهای ما، موضع سلطان را در جهان عرب تضعیف خواهد کرد و مطالب بسیاری در اختیار دستگاههای شایعه پراکنی دشمنان وی قرار خواهد داد.

۷- علاوه بر این، من از این مطلب نگرانم که چرا نیروی دریایی قبل از کسب توافق رسمی در مورد امکانات سیاسی عملیات، این گونه تدارک عملیاتی برای مانور بیکان کامپس تهیه دیده است. در این منطقه با هم‌پیمانی سر و کار نداریم که با برداشت‌های امنیتی- سیاسی جهانی و منطقه‌ای ما هم عقیده باشند. در صورتی که صف‌آرایی نیروهایمان در متن صحیح سیاسی منطقه صورت نگیرد، به منافع خود بیش از همه ضربه زده‌ایم.

۸- به نظر من تا زمانی که توافق مربوط به امکانات سیاسی این مانور کسب نشده، وابسته دفاعی نباید طرح‌ریزیهای بیشتری انجام دهد. وایلی

سند شماره ۸۶

۲۵ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۳ مهر ۱۳۵۸

سری

از: سفارت آمریکا، اسلام‌آباد - ۹۲۱
به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در ابوظبی، بغداد، دوحه، کویت، لندن، مسکو، مسقط،
پاریس، صنعا، تهران.
مرجع: مسقط ۱۷۱۳

موضوع: مانور بیکان کامپس

۱- (سری - تمام متن)

۲- اوضاع عمان در رابطه با بیکان کامپس ۷۹ سبب پیدایش رویدادهایی شده که تمام مخاطب‌ها ممکن است در جریان آنها واقع نشده باشند. به نظر اینجانب عقیده سفیر وایلی را



که دولت آمریکا باید در مورد مسائل سیاسی و امنیتی قبل از آغاز هرگونه تماس عملیاتی، توافق آرا را به دست آورد؛ تشدید می‌کند.

۳- اگر قرار است در مورد عمان و عربستان سعودی جانب احتیاط را از دست ندهیم در مورد پاکستان نیز باید همین کار انجام شود. طبق قضاوت ما، اگر قرار باشد عمان و عربستان سعودی در این عملیات شرکت جویند پاکستان نمی‌تواند یکی از طرفین این مانور دریایی چند ملیتی باشد. در واقع، در یاسالار «نیازی» رئیس ستاد نیروی دریایی پاکستان در ماه ژوئن به در یاسالار «پاکس پاکر» گفته بود که تنها راه پیوستن پاکستان به این عملیات مشترک (بدون ذکر نام عملیات بیکان کامپس) این است که عربستان سعودی از پاکستان برای این کار دعوت به عمل آورد. در این صورت نیز ممکن است وزارت امور خارجه پاکستان به مخالفت برخیزد.

۴- اکنون که اعتبار پاکستان از نظر عدم تعهد به خوبی پیش رفته، حساسیت‌ها نیز احتمالاً کاهش یافته است؛ ولی به نظر من حساسیت‌های اصلی هنوز به قوت خود باقی بوده و این حساسیت‌ها با توجه به این که انتخابات سراسری در اینجا در همان زمان بوده و مانور بیکان کامپس همانند تمرینات سالانه سنتو نیز در فصل مشابه قرار دارد، تشدید می‌شود. علاوه بر این هرگونه اشاره یا اظهار نظر دولت‌های عربی مبنی بر اینکه این عملیات با تشکیل نیروهای ضربتی مرتبط است، برای پاکستانی‌ها عامل عکس‌العمل قوی به حساب خواهد آمد؛ این موضوع بعضاً به دلیل ترس از مقاصد آمریکا نسبت به تأسیسات آتی پاکستان است.

۵- واضح است که ملاحظات سیاسی و امنیتی بسیاری باید در نظر گرفته شود تا عملیات به صورت صحیح آغاز شود.

هامل

سند شماره ۸۷

۲۶ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۴ مهر ۱۳۵۸

سری

از: سفارت آمریکا، لندن - ۸۹۶۱
به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در ابوظبی، بغداد، بن، جدّه، مسقط، پاریس، رم، تهران، توکیو

موضوع: درخواست ناوهای مین جمع‌کن توسط عمان

خلاصه: (سری - تمام متن) مقام بخش خارجی از ناگهانی بودن و ناهنجاری تقاضای عمان از کشورهای عربی، اروپایی و آمریکا برای تأمین هزینه مالی و نیروی انسانی مین جمع‌کن‌ها برای حراست از تنگه هرمز شگفت‌زده شده است. دولت انگلیس مایل است در مورد پاسخ به این مطلب با آمریکا مشورت کرده و در صورت ارسال مطالعات بررسی امنیتی تنگه موجبات امتنان خواهد شد. پایان خلاصه.

۱- در طول ملاقات رئیس بخش خاور نزدیک در ۲۴ سپتامبر در بخش خارجی، «هنی» رئیس اداره خاورمیانه، در مورد عکس‌العمل دولت آمریکا در رابطه با درخواست شفاهی عمان برای



نقش نظامی غرب، به ویژه آمریکا، در... ۲۲۳

دریافت چهار فروند مین جمع کن سؤالاتی مطرح نمود. «هنی» خاطرنشان ساخت که یادداشت عمان که شامل بررسی‌های نیروی دریایی عمان بود (و احتمالاً بنا به گفته او توسط یکی از افسران انگلیسی در وزارت عمان نوشته شده است) در چند روز گذشته به آمریکا، انگلیس، آلمان غربی، ایتالیا، ژاپن، عراق، ایران، عربستان سعودی و امارات متحده عربی ارسال شده است.

۲- هنی گفت که «H.M.G» قبلاً در مورد ماهیت این تقاضا اطلاعی نداشته و از شأن غیر دیپلماتیک در این امر اظهار نارضایتی کرد. این تحقیق دریایی که به طور مثال به عنوان یک سند درون کشوری عمان تهیه شده است، درباره «قابلیت اعتماد» دولت‌های عربی دریافت‌کننده تحقیق، سوءظن ایجاد می‌کند. علاوه بر این، به گفته هنی، تقاضای عمان برای فراهم آمدن نیروی انسانی خارجی نیز با تمسخر بغداد روبه‌رو خواهد شد.

۳- عکس‌العمل مقدماتی انگلیس در رابطه با این «خبر داغ» این است که ابتدا پیشنهاد مشورت داده شود و پس از آن به راه‌حل‌های احتمالی پرداخته شود. هنی در همین حال گفت که بهتر است عمانیها (به خاطر دست پاچگی‌شان) مورد تمسخر واقع نشوند. انگلیس در نظر دارد تقاضای عمان را در حاشیه اجلاس خبرگان سازمان ناتو در خاورمیانه مورد بحث و تبادل نظر قرار دهد.

۴- لمبراکیس و مقام سفارت گفتند که آنها از وجود تقاضای شفاهی عمان بی‌خبر هستند ولی به وزارتخانه اطلاع خواهند داد که انگلیس مایل است در مورد ارائه پاسخ با آمریکا مشورت کند. هنی پرسید که مطالعه آمریکا در مورد تنگه هرمز چگونه ارسال و در چه زمانی به دست دولت انگلیس خواهد رسید.

۵- اقدام مقتضی: چون وزارتخانه احتمالاً با سفارت انگلیس در مورد بررسی تنگه تبادل نظر داشته است، لطفاً اطلاع دهید که آیا متن تحقیقی وجود دارد که به انگلیس داده نشده و آیا ما باید آن را به هنی بدهیم یا خیر.

۶- به نظر می‌رسد در نتیجه دریافت اعلامیه عمومی عمان همه از آن خبردار شده‌اند.

بروستر

سند شماره ۸۸

۲۷ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۵ مهر ۱۳۵۸

سری

از: سفارت آمریکا، تهران - ۱۰۴۳۹
به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در لندن، ابوظبی، بغداد، دوحه، جدّه، کویت، مسکو، مسقط، منامه، پاریس، صنعا.

مرجع: الف) مسقط ۱۷۳۲، ب) تهران ۱۰۴۲۲

موضوع: تقاضای عمان در مورد مین‌روب‌ها

۱- (سری - تمام متن)



۲- سفارت آمریکا در تهران نیز مانند مرجع (الف)، معتقد است آمریکا در پاسخ گفتن به تقاضاهای عمان در مورد مین‌یابها باید شدیداً جانب احتیاط را رعایت کند.

۳- همانگونه که در مرجع (ب) گفته شده، ایران در مورد فعالیت‌های نظامی آمریکا در منطقه خلیج [فارس] بسیار نگران و به آنها به دیده شک و تردید می‌نگرد. همکاری آمریکا با عمان در اموری چون تنگه هرمز که به نظر ایرانیها در حوزه نفوذ آنهاست برای تهران قابل پذیرش نیست.

لینکن

سند شماره ۸۹

۲۹ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۷ مهر ۱۳۵۸

محرمانه

از: هیأت نمایندگی آمریکا، سازمان ملل - ۶۶۶۱

به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در ابوظبی، بغداد، دوحه، جدّه، کویت، لندن، منامه، مسقط، تهران.

موضوع: تقاضای عمان مبنی بر دریافت کمک برای امنیت خلیج [فارس]

۱- در مشورتهایی که در ۲۵ سپتامبر در لندن صورت گرفت «تتام» معاون سرپرست بخش خاورمیانه‌ای FCO به «گلپی» مقام سفارت در لندن و «لمبراکیس» میهمان او از بخش خاور نزدیک گفت که عمانیها در میان کشورهای منطقه و دولت‌های غربی پیرامون مسئله امنیت تنگه هرمز گفتگو می‌کنند و زمانی که فهمید واشنگتن در این باره چیزی دریافت نکرده است، «تتام» یک نسخه از متن ارائه شده به انگلیس را به ما داد (که به ARP و RA خاور نزدیک ارسال شده است)

۲- متن عمانی شامل مطالعه‌ای درباره امنیت تنگه هرمز بود که ظاهراً توسط افسران انگلیسی نیروهای مسلح سلطان عمان تهیه شده است. «تتام» بدون مطالعه اظهار داشت از اینکه این مطالعه در اختیار کشورهای مختلف قرار گرفته خوشحال نیست. در یک جا به ذکر نیروهای دریایی مستقر در منطقه می‌پردازد و نیروهای سوری را «غیرقابل اعتماد» قلمداد می‌کند. تقاضای اصلی عمان درخواست یک کمک ۱۰۲ میلیون دلاری برای خرید نیروی مین جمع‌کن عمانی متشکل از سه تا چهار قایق برای حفاظت از تنگه است.

۳- انگلیسی‌ها این ابتکار را بی‌ثمر می‌دانند و از اینکه دیگر کشورهای خلیج [فارس] نیز نسبت به آن عکس‌العمل منفی نشان داده‌اند تعجب نمی‌کنند.

بنا به گزارشهای رسیده عمانیها در نظر دارند مسئله را با کشورهای اوپک و کشورهای مهم مصرف‌کننده نفت از قبیل ژاپن و آمریکا در میان بگذارند.

بنت





۴ اکتبر ۱۹۷۹ - ۱۲ مهر ۱۳۵۸

محرمانه

از: سفارت آمریکا، تهران - ۰۶۹۶
به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در لندن، دوی، بن، دوحه، جدّه، کویت، منامه، مسکو،
مسقط، رم، پاریس، صنعا
مرجع: الف) تهران ۱۰۴۳۹، ب) تهران ۱۰۶۵۸

موضوع: تقاضای عمان جهت دریافت مین جمع کن

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- در هفته گذشته با آشکار شدن تقاضای عمان برای دریافت مین جمع کن، منافع ایران در خلیج فارس و شک و سوءظن آن نسبت به فعالیت‌های آمریکا در منطقه نیز آشکار شد. ایرانیها ظاهراً معتقدند که در پشت طرح عمان انگیزه‌های آمریکایی نهفته است. این برداشت آنها ظاهراً در نتیجه گزارش مطبوعات عربی که مدعی هستند این طرح با حمایت آمریکا، انگلیس و آلمان غربی تهیه شده، به وجود آمده است.

۳- عکس‌العمل عمومی در رابطه با طرح عمان کاملاً منفی بوده است. در نیویورک، وزیر خارجه یزدی به گزارشگران الانباء گفت «ایران با تبدیل منطقه خلیج فارس به صحنه ابرقدرت‌ها مخالفت خواهد کرد.» و دیگر اینکه ایران طرح عمان را برای حفاظت تنگه هرمز رد کرده است. دکتر چمران وزیر دفاع جدید ایران در مصاحبه خود با یک روزنامه لبنانی در مورد «مداخله» آمریکا در خلیج فارس گفت که ایران با هرگونه مداخله خارجی در خلیج فارس مخالف است. علاوه بر این سفیر ایران در کویت، علی شمس اردکانی، در مصاحبه خود با روزنامه فارسی زبان بامداد از مقاصد آمریکا برای ایجاد یک نیروی اضطراری صد هزار نفری در خلیج فارس و تبدیل عمان به پلیس منطقه شدیداً انتقاد کرد. وی گفت ایران به علت موقعیت جغرافیایی خود قادر است از تنگه هرمز حمایت و حراست کند.

۴- ولی فرمانده نیروی دریایی دریاسالار مدنی در ۲۷ سپتامبر به مطبوعات گفت که نیروهای آمریکا در خلیج فارس تأثیری بر ایران نخواهند داشت و «نیروهای آمریکایی بارها به خلیج فارس آمده‌اند.» مدنی در گفتگوهای خود از قدرت‌نمایی‌های نیروی دریایی در مانور خود در خلیج فارس نیز سخن گفت.

نظریه: این مانورها ربطی به اعلامیه عمانی‌ها نداشته است ولی احتمالاً می‌خواسته‌اند که ایرانیها و کشورهای همسایه از قدرت نیروی دریایی مطلع باشند. ولی اگر عملیات نیروی دریایی در دریا موافقت‌آمیز هم باشد، نمی‌توان آن را یک قدرت بالقوه به حساب آورد (به گزارش وابسته دفاعی آمریکا به شماره ۷۹ ۰۳۱۱ ۶۸۴۶ برای دریافت اطلاعات بیشتر مراجعه کنید).

۵- گرچه طرح عمانیها چندان مشخص و واضح نیست، ولی سفارت مایل است بار دیگر

درباره اهمیت نظریات ایران درباره نقش خود و نقش آمریکا در خلیج فارس متذکر شود. همانگونه که در گزارش تهران ۱۶۵۶۸ یادآور شدیم، مهم است که ما هم از جریان ورود نیروها به منطقه و طرحهای آینده خبر داشته باشیم.

۶- مطبوعات فارسی داستانهای اغراق آمیزی درباره نیروهای مستقر در بحرین چاپ می کنند. برای خنثی کردن این مقالات لازم است ما از تعداد و ترکیب تأسیسات آمریکا در بحرین مطلع شویم.

لینگن

سند شماره ۹۱

۲۸ اکتبر ۱۹۷۹ - ۶ آبان ۱۳۵۸

سری

از: سفارت آمریکا، دوحه - ۱۲۴۴
به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی
جهت اطلاع: سفارتخانه های آمریکا در جدّه، کویت، منامه، مسقط، تهران
مرجع: الف) دوحه ۱۲۱۳ ب) دوحه ۱۲۲۱

موضوع: درخواست قطر مبنی بر خرید تسلیحات دریافت شد

۱- (سری - تمام متن)

۲- طی ملاقات مورخ ۲۰ اکتبر بین معاون فرمانده کل نیروهای مسلح قطر سرتیپ محمدالعطیه و ناخدای کنونی ناو لاسال آمریکایی، سرتیپ گفت قطر مایل است از آمریکا در زمینه دفاعی خریدهای مهمی انجام دهد.

شیخ عبدالله بن خلیفه آل ثانی فرزند سوم امیر خلیفه و فرمانده تام الاختیار ارتش قطر نیز در این ملاقات حضور داشت و در گفتگو شرکت کرد. جهت اطلاع آنها گفتم که سیاست فروش تسلیحات آمریکایی به کشورهای خلیج [فارس] جنوبی محدودیت بسیاری یافته است. این سیاست تحت بررسی است لیکن اینجانب از تغییرات آن مطلع نیستم. با این وجود، اگر قطر تقاضای خود را مطرح کند من نیز آن را همراه با توصیه ای به وزارت امور خارجه خواهم داد و اظهار داشتم که تقاضانامه باید کتبی باشد.

۳- در تاریخ ۲۹ اکتبر، معاون فرمانده کل قوا تقاضانامه کتبی که شامل تجهیزات نظامی زیر است به اینجانب داد ولی مقادیر آن مشخص نشده است:

(۱) رادار

(۲) موشک های پیشرفته هاوک

(۳) توپ های ضد هوایی

(۴) توپخانه هویتزر ۱۵۵ میلی متری قابل تحرک

(۵) توپخانه هویتزر ۸ میلی متری قابل تحرک

(۶) موشک های هوا به دریا

(۷) موشک های دریا به دریا (اژدر)



۸) هواپیماهای شکاری مدرن

۴- نظریه و اقدام مقتضی: علیرغم شواهد موجود در دو سال گذشته مبنی بر اینکه قطر می‌خواهد بنیه دفاعی خود را بهبود بخشد، تنها تقاضانامه دریافتی ما از سوی این کشور، در رابطه با فروش چند هویتزر ۱۵۵ میلی‌متری بوده است. وزارتخانه این تقاضانامه را نپذیرفته بود. ولی پس از انقلاب ایران، کشورهای کوچک خلیج [فارس] مانند قطر نمی‌توانند در سایه عربستان سعودی و دیگر غول منطقه‌ای یعنی ایران به امنیت خود امیدوار باشند. و قطر اخیراً در رابطه با اعدامها، اظهارات نامربوط و بی‌ثباتی ایران خود را آسیب‌پذیر یافته است. چند کشور دیگر کوچک نیز ظاهراً همینگونه فکر می‌کنند و تصمیم آنها در کنفرانس طائف - تاریخ ۱۶ اکتبر - برای تقویت بنیه دفاعی خود نیز نشانگر همین روحیه است.

۵- ادامه نظریه: رژیم اسلامی تهران در ابتدا به مذاق دولت قطر خوش آمد. لیکن اعدامها و ادعاهای بی‌ربط ارضی در مورد خلیج [فارس]، رژیم سنت گرای قطر را گوش به زنگ کرده است. این موضوع در قرارداد قطر با دیگر کشورهای عضو کنفرانس طائف مبنی بر تقویت بنیه دفاعی و گسترش روابط بهتر با تهران گنجانده شده است. همه آنها امیدوارند که بتوانند رژیم ایران را به میانه‌روی بکشانند، لیکن ترس از آن دارند که مبادا این کشور سقوط کند و در نهایت کمونیست‌ها به قدرت برسند. تقاضای خرید اسلحه و تقاضای آموزش در ناوهای نیروی خاورمیانه‌ای نشانگر همین ترس است.

۶- ادامه نظریه: قطر در اصل بی‌دفاع است. افسران انگلیسی وابسته به نیروهای مسلح قطر می‌گویند که در دفاع از تأسیسات نفتی مستقر در خارج از خشکی و حتی تأسیسات داخل خشکی بنیه دفاعی چندانی وجود ندارد. عامل دیگر این است که دولت قطر باید به زودی در مورد گسترش حوزه گازی غیرمرتبط خارج از خشکی در شمال غربی کشور تصمیمی اتخاذ کند. حدود پنج تا شش میلیون دلار باید صرف این حوزه شود، در حالی که نظام دفاعی کنونی به هیچوجه قادر به حراست از این تأسیسات نیست.

به نظر من قطر هماهنگ با عربستان سعودی و دیگر همسایگان خود در خلیج [فارس] در مورد این شبه‌جزیره اقدام کرده است. امیدوارم وزارتخانه با احساس همدردی بیشتری نیازهای قطر را مورد بررسی قرار دهد. اگر ما آن را تصویب کنیم قطر احتمالاً تمام موارد ذکر شده را خریداری نخواهد کرد و علاوه بر این گمان نمی‌رود که هیچیک از آنها را به مقادیر زیادی خریداری نماید. مضاف بر این من امیدوارم که در مورد این تقاضا اقدام عاجل به عمل آید. در سفارت، ما فاقد تخصص نظامی جهت ارزیابی این تقاضانامه هستیم. شاید سفر یک و یا چند تن از نظامیان قطر به واشنگتن و گفتگو با متخصصین آمریکایی بتواند روشن سازد که چگونه وضع دفاعی قطر را بهبود بخشد.

۷- عکس‌العمل عاجل آن وزارتخانه موجب امتنان و سپاسگزاری خواهد بود.

کیل گور

سند شماره ۹۲

۳۰ اکتبر ۱۹۷۹ - ۸ آبان ۱۳۵۸

سری

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی - ۳۳۸۰
به: سفارت آمریکا، منامه
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در ابوظبی، دوحه، جدّه، مسقط، صنعاء، تهران
مرجع: منامه ۱۵۱۲

موضوع: تقاضای بحرین برای دریافت سیستم موشکی هاوک

۱- سری - تمام متن

۲- خلاصه: ما آماده هستیم با دولت بحرین درباره تقاضای آن کشور جهت خرید سیستم دفاع هوایی موشکی هاوک وارد مذاکرات جدی شویم. موافقت ما جهت گفتگو با دولت بحرین درباره سیستم موشکی هاوک منوط به آن است که آتشبارهای بحرین با شبکه دفاع هوایی عربستان سعودی چنان ارتباط پیدا کند که به وسیله بحرینی‌ها و سعودی‌ها مشترکاً به کار رود. تصور می‌کنیم دولت بحرین در این باره از عربستان سعودی تقاضای پول خواهد کرد. موافقت ما برای بحث جهت عرضه سیستم موشکی هاوک به بحرین مشروط به استثنا قایل شدن در سیاست آشکار ملی و روال‌های بررسی عادی ۳۶(ب) - تصویب رئیس‌جمهور و بررسی کنگره - خواهد بود. پایان خلاصه.

۳- سابقه: سیستم موشکی هاوک می‌تواند تنها در بُعد نقش دفاع هوایی به کار رود. بُرد آن (حدود ۳۵ کیلومتر) و مأموریت این سلاح برای بحرین (و سایر کشورهای خلیج [فارس]) جهت به کار بردن در مقابل حمله هوایی بسیار مناسب است. سیاست ایالات متحده در بیشتر سالهای دهه گذشته عبارت از پشتیبانی پی‌گیر و همکاری در میان کشورهای عربی میانه‌رو خلیج فارس در امور دفاعی و آموزش و پرورش و صنعتی کردن کشور و سایر زمینه‌ها بوده است. فروش سیستم موشکی هاوک به عنوان یک اظهارنظر مشخص مبنی بر جدی بودن مقاصد ما خواهد بود. علاوه بر این استقرار چنین سیستم موشکی دفاع ضدهوایی ما را قادر خواهد ساخت تا از تقاضاهای احتمالی بحرین در خصوص هواپیماهای دارای بال ثابت طفره رویم. پایان خلاصه.

۴- شما مجاز هستید نکات ذیل را برای دولت بحرین عنوان کنید. ما پیشنهاد می‌کنیم که شما به ولیعهد و وزیر دفاع و همچنین وزیر امور خارجه مراتب را اطلاع داده و درباره طرح این نکات به سایر مقامات بحرینی طبق صلاحدید خود اقدام نمایید.
- ما با گفتگوهای جدید و مفصل با دولت بحرین درباره تقاضای آن کشور جهت خرید سیستم موشکی هاوک موافق هستیم.

- دولت بحرین باید آگاه باشد که هرگونه توافق نهایی منوط به استثناء قایل شدن در سیاست آشکار ملی و روال‌های بررسی عادی ۳۶(ب) - تصویب رئیس‌جمهور و بررسی کنگره - است.



- موافقت ما مبتنی بر این استنباط است که عربستان سعودی حاضر است خرید این سیستم را از نظر مالی تضمین کند. ما درباره این سیستم مشکل سیاسی نداریم بلکه معتقد هستیم که یک سیستم موشکی که جداگانه از سوی بحرین تماماً تأمین مالی شود از لحاظ اثرات هزینه قابل توجیه نخواهد بود.

- ما دستیابی بحرین به سیستم موشکی هاوک را یک گام مهم در پیشبرد همکاری دفاع هوایی منطقه‌ای تلقی می‌کنیم و معتقدیم که تنها در چنین چارچوب منطقه‌ای این سیستم معنی خواهد داشت.

- ما در نظر داریم درباره مفاد تصمیم خود، دولت عربستان سعودی را آگاه سازیم.
- ما حداکثر ارتباط ممکن بین سیستم موشکی بحرین و سیستم موشکی عربستان سعودی را تشویق می‌کنیم و انتظار داریم که لاقلاً فرماندهی‌های دفاع هوایی دو کشور به وسیله یک شبکه ارتباطی مشترک و همچنین به وسیله استفاده از رادارهای دوربرد مشترک به یکدیگر مرتبط گردد.

- یک چنین ارتباطی مانع از آن نخواهد شد که بحرین بتواند مستقلاً از خود در برابر حملات هوایی دفاع کند، بلکه در امور پشتیبانی لجستیک این سیستم، برای بحرین مقرون به صرفه خواهد بود و تا حد ممکن از دوباره‌کاری در سیستم‌ها اجتناب خواهد گردید.
- دولت ایالات متحده تنها در عرضه این سیستم موشکی و اجزای آن به بحرین درگیر خواهد بود.

- هر چند فروش این سیستم طبق برنامه روش نظامی خارجی انجام خواهد شد، [اما] به علت ارزش دلاری آن، ما پیش‌بینی نمی‌کنیم که در ارتباط با این فروش، حضور رسمی گسترده یا درازمدت [در بحرین] داشته باشیم.

- ما تصور می‌کنیم که تکنسین‌ها و آموزش‌های ضروری طبق قراردادها به شرکت‌های خصوصی آمریکا واگذار خواهد شد، همانطور که در عربستان سعودی و کویت این کار انجام خواهد شد. این کار با همکاری نزدیک سعودی‌ها انجام خواهد گرفت تا از دوباره‌کاری تلاش‌ها و هزینه‌های غیرضروری پرهیز شود.

- به محض اینکه بحرین به ما اطلاع دهد که تأمین مالی از ناحیه عربستان سعودی قطعی است و بحرین و عربستان سعودی درباره ارتباط دادن دو سیستم هوایی خود به توافق کلی رسیده‌اند، ما حاضر هستیم بر اساس شرایط بازپرداخت، گروهی از کارشناسان دفاع هوایی را به بحرین اعزام کنیم تا با وزارت دفاع به مشورت پرداخته و نیازهای فنی جهت برقراری یک سیستم دفاع هوایی را بررسی کنند.

- در صورت توافق دولتین بحرین و عربستان سعودی، این گروه همچنین می‌تواند برای بررسی نیازهای مربوط به مرتبط ساختن قابلیت‌های دفاع هوایی دو کشور به عربستان نیز سفر کند.
- چنانچه دولت بحرین تصمیم بگیرد این موضوع را بیشتر پی‌گیری کند باید از طریق

سفارت تقاضا کرده و نامه پیشنهادی برای گروه ارسال کند.

- استقرار و کاربرد این سیستم تسلیحاتی پیچیدگی‌های بسیاری دارد. موشک هاوک نه تنها گران‌قیمت است بلکه نیازمند افسران و افرادی با تحصیلات عالی برای استفاده مؤثر از آن است. یک آتشبار موشک هاوک مرکب از دو واحد آتش به تعداد کل شش پرتاب‌کننده می‌باشد که توسط تکنسین‌های رادار و کامپیوتر پشتیبانی می‌شود. به طور عادی هر آتشبار بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ نفر و چند صد نفر دیگر جهت پشتیبانی در امور لجستیکی، اداری و فنی است.

- یک آتشبار هاوک متشکل از شش پرتاب‌کننده حدود ۳۰ میلیون دلار ارزش دارد. ارزش هر موشک ۱۳۵ هزار دلار است. هر پرتاب‌کننده در هر بار دارای سه موشک است. به این مبلغ نیازهای قابل‌ملاحظه حفاظت و لجستیک و آموزش اضافه می‌شود. ما معتقدیم که جمع کل قیمت با توجه به تجهیزات مورد نیاز برای بحرین و میزان استفاده بحرین از تسهیلات پشتیبانی عربستان سعودی، ممکن است بین ۷۰ تا ۱۰۰ میلیون دلار هزینه در برداشته باشد.

- بنابراین با توجه به کلیه موارد فوق، اگر دولت بحرین خواهان خرید سیستم موشکی هاوک باشد بایستی آگاه باشد که این سیستم ظرف ۲ تا ۳ سال آینده از خط تولید خارج خواهد شد و سفارش‌ها باید طی ۱۲ ماه آینده ارسال شود. (برای اطلاع شما: ایالات متحده سیستم موشکی دفاع هوایی جدیدی به نام پاتریوت وارد عمل خواهد کرد.)

۵- برای ابوظبی، دوحه و مسقط: اگر دولتهای میزبان نسبت به سیستم موشکی هاوک اظهار علاقه نمایند، شما مجاز هستید آنها را بر اساس مفاد این تلگرام مطلع ساخته و اضافه کنید که ما آماده هستیم به طور کلی با آنها درباره موضوع نیازهای دفاع هوایی در یک چارچوب منطقه‌ای وارد گفتگو شویم ولی نمی‌توانیم برای فروش یک سیستم مشخص تا زمانی که درباره نیازهای نظامی توافق مشترک حاصل نکرده‌ایم، تعهدی بدهیم.

۶- برای جده: مفاد این پیام با «وست» سفیر آمریکا مورد بحث قرار گرفته است. او این موضوع را پس از بازگشت به عربستان سعودی با شاهزاده سلطان در میان خواهد گذاشت.

ونس

سند شماره ۹۳

بدون طبقه‌بندی اول نوامبر ۱۹۷۹ - ۱۰ آبان ۱۳۵۸

از: مرکز اطلاعات ایالات متحده - واشنگتن دی. سی - ۶۰۱۵ به: سفارت آمریکا، مسقط
رونوشت به: سفارتخانه‌های آمریکا در جده، تهران، منامه، دوبی، کویت

موضوع: نیروی دریایی آمریکا در بحرین

نمود حضور ارتش آمریکا در اینجا، بحرین، آنچنان ضعیف است که می‌توان گفت عملاً از دیده‌ها پنهان است. پرچم راه راه و ستاره‌دار آمریکا بر فراز تأسیسات نیروی دریایی که به ۵ کشتی نیروی خاورمیانه سرویس می‌دهد، در اهتزاز نیست. این کشتی‌ها در خلیج فارس و



غرب اقیانوس هند گشت می‌زنند. یک ستوان جوان آمریکایی می‌گوید: «ما از دولت بحرین هر سال اجازه می‌گیریم که یک بار یعنی در روز ۴ ژوئیه پرچم آمریکا را به اهتزاز درآوریم.» نیروی دریایی می‌گوید در اینجا ۶۰ افسر و سرباز یک «واحد پشتیبانی اجرایی» را تشکیل می‌دهند. لفظ «پایگاه» از طرف بحرینی‌ها و آمریکا به کار نمی‌رود. آمریکاییها باید برای بیرون رفتن لباس «غیرنظامی» بپوشند. دروازه ورودی علامت شناسایی ندارد و به جای ملوانان آمریکایی، به وسیله مأمورین امنیتی بحرین حفاظت می‌شود.

چرا نیروی دریایی چهره نشان نمی‌دهد؟ چون بحرین چنین می‌خواهد. همچون بسیاری کشورهای جهان سوم، دولت (بحرین) یک پایگاه نظامی خارجی را با استقلال سازگار نمی‌داند. یکی از اعضای کابینه می‌گوید: «ما تأسیسات نظامی آمریکایی در اینجا نداریم.» اما وقتی پرسیده می‌شود آن ۶۰ آمریکایی در منامه چه می‌کنند تنها جوابش این است: «ما بانکهای خارجی زیادی با ۶۰ یا ۷۰ نفر کارمند در اینجا داریم.» ناو فرماندهی نیروی خاورمیانه‌ای که یک زیردریایی تبدیل یافته، با نام لاسال است دائماً در منطقه حضور دارد. خدمه‌اش سالی یک بار به خانه بازگردانده می‌شوند.

چهار کشتی دیگر حاضر در منطقه، کشتیهای جنگی از ناوگان ششم آمریکا در مدیترانه هستند که در منطقه رفت و آمد می‌کنند. آنها فقط دیدارهای اندکی از بحرین داشته‌اند چون دو سال پیش دولت منامه از آنها خواست که بروند. حتی هنگام این دیدارهای اندک، آنها وارد اسکله‌های تجاری می‌شوند. واحد پشتیبانی ساحلی نیروی دریایی خدماتی از قبیل تدارکات، نقل و انتقال نیروها و پست را انجام می‌دهند. همچنین، هواپیماهای باربری اغلب از ناو فرماندهی به فرودگاه بحرین پرواز می‌کنند تا مواد و ملزومات را عرضه کرده و ملوانان را تعویض کنند.

تأسیسات آمریکایی در منامه یک دسته ساختمانهای کوتاه قهوه‌ای رنگ و انبارهای سبزرنگی است که در یک دماغه کوچک پیشرفته در اراضی آبگیر و مردابی خلیج فارس به مساحت ۶ جریب آمریکایی [۴۰۹۵ متر مربع] واقع شده‌اند. آمریکا یک اجاره ۲ میلیون دلاری را سالانه به بحرین می‌پردازد و هر سال درباره قرارداد اجاره مذاکره می‌شود. یک مدرسه وزارت دفاع برای فرزندان نیروهای آمریکایی مستقر در پایگاه وجود دارد که در آن فرزندان تجار خارجی و اهالی منطقه نیز درس می‌خوانند. فقط ۲۰ درصد از ۷۰۰ شاگرد مدرسه آمریکایی هستند.

از بقیه یکی هم فرزند حاکم بحرین است. ژنرال «رابرت چونینگ» فرمانده نیروهای خاورمیانه‌ای و همسرش خانه‌ای در بحرین به دعوت دولت بحرین دارند. واحد ساحلی ۴۷ خانواده مقیم دارد اما خانواده کلیه نیروهای دریایی باید در آمریکا بمانند. آمریکا به منظور اجتناب از رنجاندن امیر از خود انعطاف نشان می‌دهد. واحد ساحلی حتی اگر فقط اداری نیز باشد موجودی مهمی در خلیج فارس است.

سند شماره ۹۴

[موضوع]: دو ابرقدرت در خلیج فارس



... * بنادر و پایگاههای دریایی را در برخی کشورهای منطقه در حکم علایمی برای نشان دادن حضور نظامی در این منطقه و کمک به دوستان و متحدان به منظور تقویت استعداد بالقوه اقتصادی و نظامی آنها تلقی می‌کند و بدین ترتیب اتحاد شوروی بر این باور است که هیچگونه پایگاه نظامی در منطقه ندارد. از سوی دیگر، ایالات متحده با این استدلال موافق نیست و این اقدام اتحاد شوروی را بیانگر حضور نظامی این کشور در منطقه می‌داند. اگرچه هر دو ابر قدرت، ظاهراً، از کاهش مسابقه تسلیحاتی در منطقه حمایت می‌کنند، [اما] به نظر می‌رسد که با توجه به ملاحظات کنونی، هیچ اقدام عمده‌ای در این ارتباط از سوی آنها اتخاذ نشود.

با توجه به این ملاحظات و نظر به منافع هر دو ابر قدرت در منطقه اقیانوس هند، پیش‌بینی می‌شود که آنها به فعالیت‌های نفوذی خود در کشورهای ساحلی منطقه ادامه دهند، که در نتیجه این سیاست، احتمال افزایش آشوب‌ها، جناح‌گرایی و گروه‌بندی‌ها در منطقه نیز همچنان وجود خواهد داشت.

«تنگه هرمز»

سند شماره ۹۵

محرمانه

۱۰ اوت ۱۹۷۸ - ۱۹ مرداد ۱۳۵۷

دفتر اطلاعات و تحقیقات وزارت امور خارجه تهیه کننده: آر. دبلیو. اسمیت

موضوع: تنگه هرمز منطقه کنترل تردد نفتکش‌های خلیج فارس

تنگه هرمز توجه جهان را به خود معطوف داشته است چرا که تنها راه عبور نفتکشها به مقصد خلیج فارس و بالعکس است. نزدیک به نیمی از نفت مصرفی دنیای غیرکمونستی از طریق این تنگه می‌گذرد.

ایران و عمان که به وسیله تنگه هرمز از هم جدا می‌شوند، آشکارا اهمیت استراتژیک و موقعیت جغرافیایی شان را در کنار این گذرگاه درک می‌کنند. سیاست‌های کشتیرانی آنها با توجه به مسئله کشتیرانی به طور کلی و تردد نفتکش‌ها به طور مشخص، مورد توجه جهانی است.

مشخصه‌های موقعیت

تنگه هرمز که بین ایران در شرق و شمال، امارات متحده عربی در غرب و عمان در غرب و جنوب قرار دارد، تنها راه عبور از خلیج فارس به خلیج عمان و اقیانوس هند است. محدوده‌های جغرافیایی تنگه می‌تواند در قسمت خلیج عمان به وسیله یک خط که «رأس دبه» (در امارات متحده عربی) و «دماغه کوه» (در ایران) را به هم وصل می‌کند مشخص شود. در بخش خلیج فارس خطی که «رأس شیخ مسعود» (عمان) و جزیره هنگام (ایران) را به هم وصل می‌کند، محدوده‌های غربی تنگه جغرافیایی را معین می‌کند (به نقشه ضمیمه مراجعه



نمایید).

طول تنگه هرمز حدود ۱۰۴ مایل* است. عرض آن از حداقل حدود ۲۳/۵ مایل بین جزایر لارک (ایران) و قوین بزرگ (عمان) تا حداکثر حدود ۵۲ مایل بین «رأس دَبّه» و «دماغه کوه» امتداد دارد. به علت دعاوی ۱۲ مایلی دریای سرزمینی ایران و عمان، حدود ۱۵/۴ مایل طول تنگه - بین لارک و قوین بزرگ - تماماً تحت رژیم دریایی سرزمین مورد ادعا قرار می‌گیرد.** به طور کلی عمق تنگه کمتر از ۶۰ «فتم» [فتم واحد عمق پیمایی دریایی و معادل ۶ فوت است] می‌باشد. در شمال شبه جزیره مسندم (عمان) مناطق کوچکی قرار دارد که عمق آن به ۱۰۰ فتم می‌رسد. در طول خطوط اصلی کشتیرانی، عمق بین ۴۵ تا ۶۰ فتم متغیر است.

کشتیرانی

تنگه هرمز به علت تردد نفتکش‌هایی که نفت خلیج فارس را به بازار جهانی حمل می‌کنند شاید استراتژیک‌ترین تنگه در دنیا باشد. به طور جاری تقریباً ۴۵ درصد نفت مصرفی از ناحیه جهان غیرکمونیسست به وسیله کشورهای حوزه خلیج فارس تولید می‌شود.*** ۹۹ درصد این نفت، تقریباً ۲۰ میلیون بشکه در روز، از طریق تنگه هرمز عبور می‌کند.

در سال ۱۹۷۷، ایالات متحده حدود ۳ میلیون بشکه در روز نفت از خلیج فارس وارد می‌کرد که تقریباً معادل ۳۴ درصد کل واردات ایالات متحده، ۸/۷ میلیون بشکه در روز یا معادل ۱۶ درصد کل مصرف، ۱۸/۴ میلیون بشکه در روز بود. ۶۱ درصد از کل واردات نفت، ۱۳/۱ میلیون بشکه در روز اروپای غربی از خلیج فارس، تأمین می‌گردد. واردات ۳/۹ میلیون بشکه در روز ژاپن از خلیج فارس نمایانگر ۷۲ درصد کل واردات نفتی ژاپن می‌باشد.

تردد نفت‌کشها به طور کلی از طرح ترافیک جداسازی تنگه هرمز تبعیت می‌کند که از سوی «سازمان بین‌الدولی مشورتی دریانوردی» (IMCO)، «آژانس تخصصی سازمان ملل مسئول سلامت کشتیرانی و کارایی دریانوردی» تهیه شده است.

استفاده از برنامه جداسازی ترافیک اجباری نیست: ناخداها پس از ارزیابی وضعیت تصمیم می‌گیرند که از راه‌های عبوری توصیه شده تبعیت نمایند. به هر حال مشخص است که تردد کشتی‌ها در نقطه مقابل مسیر توصیه شده ترافیک در بین مسیرهای ترافیک مصوب از سوی

* تمام اشکال مایل که در این گزارش به آن اشاره شده است ناتیکال مایل [مایل انگلیسی] است. یک ناتیکال مایل = ۱/۱۵ مایل قانونی = ۱/۸۵۲ متر می‌باشد.

** ایالات متحده هیچگونه ادعایی در مورد دریای سرزمینی در پهنه‌ای بیش از اندازه ۳ مایل را به رسمیت نمی‌شناسد. در قانون مذاکرات دریاها در سازمان ملل به هر حال، ایالات متحده تمایل خود را جهت پذیرش حداکثر پهنه دریای سرزمینی به مقدار ۱۲ مایل همراه با عبور ترانزیت از طرفین، برفراز و تحت تنگه‌ها در داخل چارچوب یک قانون قابل درک و قبول مربوط به قرارداد دریا اعلام کرده است.

*** در زمینه تولید کلی، ۸ کشور تولیدکننده نفت خلیج فارس اینها هستند: عربستان سعودی، ایران، عراق، کویت، امارات متحده عربی، قطر، عمان و بحرین.

IMCO، ناقض ماده ۱۰ قانون IMCO، مربوط به برنامه جداسازی ترافیک است. امن‌ترین راه برای یک کشتی که مایل به پیروی از مسیر توصیه شده نیست، این است که کاملاً خارج از مرزها قرار گرفته و عبور و مرور سازمان داده شده را مختل نکند. برنامه مصوب IMCO برای جداسازی ترافیک در عبور و مرور تنگه هرمز در نقشه ضمیمه نشان داده شده است. دو مسیر داخل باند نیز وجود دارد که به سوی شمال و جنوب جزایر عمان یعنی قوین بزرگ و قوین کوچک حرکت می‌کند. مسیر خارج باند نزدیک‌تر به سرزمین اصلی عمان و درست در شمال شبه جزیره مسندم قرار دارد.

دعاوی کشتیرانی

در سال ۱۹۷۲ عمان فرمانی صادر کرد که در میان آن خطوط اصلی مستقیم در اطراف سواحل بخش عمان را مشخص کرد. اگرچه در این فرمان آمده بود که محدوده‌های «دقیق» دریای سرزمینی، به همراه پیچیدگی خطوط اصلی در نمودارهای رسمی نشان داده می‌شود، اما از انتشار چنین نقشه‌هایی اطلاعی در دست نیست.*

عمان جزایر قوین بزرگ و قوین کوچک را به عنوان بخشی از خط اصلی‌اش در نظر گرفته و آبهای منطقه بین این جزایر و سرزمین اصلی را آبهای داخلی می‌داند. طی مذاکرات ایران - عمان بر سر بخش فلات قاره در سال ۱۹۷۳، موضوع جزایر به عنوان خط اصلی عمان، به یک بن‌بست اولیه منجر گردید. شناسایی این جزایر به عنوان بخشی از خط اصلی عمان، به نتیجه موفقیت‌آمیزی در مرزهای فلات قاره تنگه هرمز منجر گردید.**

یکی از خطوط مسیرهای کشتیرانی داخل محدوده و خارج محدوده IMCO بین شبه جزیره مسندم و جزایر قوین بزرگ و قوین کوچک قرار دارد. *** کشتی‌هایی که از این مسیرهای IMCO در تنگه هرمز پیروی می‌کنند بایستی از طریق آبهای داخلی مورد ادعای عمان به علاوه دریای سرزمین عمان عبور نمایند.

ایران و عمان، هر دو مدعی ۱۲ مایل آب سرزمینی هستند. همانگونه که در نقشه نشان داده شده است، آبهای سرزمینی آنها در بخش شمالی تنگه روی هم قرار می‌گیرد. بنابراین عبور و مرور از طریق تنگه، نمی‌تواند بدون داخل شدن حداقل به یکی از «رژیم‌های» دریای سرزمینی

* جهت تجزیه و تحلیل کاهش [مسیرها در فرمان سال] ۱۹۷۲ به محدوده‌های دریاها، شماره ۶۱، خطوط اصلی مستقیم: عمان (فرضیه‌ای)، دفتر جغرافی‌دان، ۴ ژوئن ۱۹۷۵ مراجعه کنید.

** طبق قرارداد ۱۹۷۵ ژنو در مورد دریای سرزمینی و منطقه متوالی، کشورها بایستی به روشنی خطوط اصلی تنگه را در نقشه‌ها مشخص کنند که بر اساس آن تبلیغاتی صورت بگیرد. (بند ۴ [۶]). عمان نه به عنوان بخشی از قرارداد، چنین نقشه‌ای منتشر نکرده است. با این حال برخی سئوالات مبنی بر اینکه ادعای این کشور اثراتی داشته است، وجود دارد.

*** برای تجزیه و تحلیل این محدوده، به منبع ذیل مراجعه شود. «محدوده‌های دریاها» شماره ۶۷، محدوده فلات قاره: ایران - عمان، دفتر جغرافی‌دان، ۱ ژانویه ۱۹۷۶.

مورد ادعا، انجام پذیرد.

طراحی ایران برای تسلط تنگه

ممکن است آینده عبور و مرور نفتکش‌ها، مادام که ایران تلاش می‌کند بر منطقه خلیج فارس تسلط یابد، توسط این کشور مختل گردد. به نظر می‌رسد نقطه تمرکز توجه ایران تنگه هرمز باشد. از اوایل سالهای ۱۹۷۰ حوادثی رخ داده، که نمایانگر اهمیتی است که ایران برای این منطقه قایل است.

در پی خروج بریتانیا از خلیج فارس در سال ۱۹۷۱، در دسامبر این سال ایران سه جزیره (ابوموسی و دو تنب) که مورد ادعای امارات متحده عربی است را تصرف کرد. این سه جزیره به طور استراتژیک در خلیج فارس [و] در فاصله نزدیکی از دهانه تنگه هرمز واقع است. با شروع سال ۱۹۷۳، ایران بنا به تقاضای دولت عمان نیروهای نظامی برای جنگ علیه نیروهای شورشی در استان ظفار به عمان گسیل داشت. تا اواسط سال ۱۹۷۷ اکثر نیروهای ایران فراخوانده شدند ولی حضور محدود نظامیان ایران در عمان ادامه دارد.

طی گفتگوهای ایران - عمان در خصوص مرزهای کشتیرانی در سال ۱۹۷۳، گزارش شد که ایران از عمان درخواست کرد تا (۱) وارد موافقت‌نامه‌ای شود که طی آن دو کشور مشترکاً کلیه کشتی‌های عبوری در تنگه را بازرسی نمایند تا از حمل اسلحه به خلیج فارس جلوگیری کنند و (۲) وارد موافقت‌نامه‌ای جهت جلوگیری از آلودگی در تنگه و خلیج فارس گردد. طی موافقت‌نامه اخیر ممکن است از همه کشتی‌ها خواسته شود تا در ایستگاههای معینی توقف نمایند و مواد آلوده نفتی را دور بریزند. از کشتی‌ها، جهت عملیات تخلیه هزینه‌هایی دریافت می‌گردد.

بر سر هیچیک از اقدامات کنترل نظامی و برنامه جلوگیری از آلودگی توافقی حاصل نشد. هدف اصلی ایران این است که کنترل مؤثری بر عبور و مرور تنگه داشته باشد و قادر به یک حضور دریایی در تنگه باشد. در حالیکه احتمالاً عمان که در مورد کنترل تسلیحات و آلودگی نگرانی بزرگی داشت، ممکن است در وهله اول به قرار گرفتن در یک «اتحاد بزرگ» از لحاظ ژئوپولیتیکی تشویق شده باشد. اگرچه هیچ توافق رسمی دریایی بین دو کشور حاصل نشده، آنها از نزدیک در مورد گشت دریایی همکاری کرده‌اند.

در آوریل ۱۹۷۸ کنفرانسی درباره آلودگی در خلیج فارس در کویت برگزار گردید و منجر به تصویب چندین موافقت‌نامه شد که اساس اقدامات هماهنگ توسط کشورهای خلیج [فارس] و برنامه محیط زیست سازمان ملل برای قطع آلودگی کشتیرانی در منطقه پی ریخت. اگر چه این موافقت‌نامه‌ها کلی هستند ولی برای کشورها زمینه‌هایی جهت اتخاذ اقدامات لازم در مبارزه با آلودگی کشتی‌ها، هواپیماها، منابع مستقر در خاک، از بین رفتن بستر دریا و سایر فعالیتهای بشر مهیا می‌کند.

ممکن است وجود این توافقنامه‌های چند جانبه در آینده یک پایه منطقی برای توافقنامه‌های

استاندارد دوجانبه بین ایران و عمان - در خصوص مسئله آلودگی تنگه هرمز - باشد. ایران و عمان در قانون کنفرانس دریاها، بر بندهای مربوط به متن مذاکرات غیررسمی که آزادی کشتیرانی و پرواز از طریق یا برفراز تنگه‌های بین‌المللی را تدارک می‌بیند، صحنه نگذاشته‌اند. دو کشور مخالفت خود را بارها اعلام کرده‌اند و در مواجهه با حمایت جهانی از این بندها، تمایل خود را بر حداقل اعمال کنترل بر تنگه اعلام کرده‌اند.

نتیجه

بر اساس شواهد قابل دسترس، به نظر می‌رسد که حق عبور از تنگه هرمز هرگز برای نفتکش‌ها نفی نشده است. در عین حال شواهدی وجود دارد که ممکن است در آینده از سوی ایران و احتمالاً عمان محدودیت‌های مشخصی برای عبور نفتکشها در پیش گرفته شود. به نظر می‌رسد چنانچه این قبیل محدودیت‌ها رخ دهد به صورت اقدامات کنترل آلودگی از ناحیه ایران و با توافق و کمک عمان، اعمال خواهد شد.

اگرچه ممکن است این دو کشور حاشیه تنگه از کنترل آلودگی نفع ببرند، [اما] دیگر کشورها شامل ایالات متحده نگران اقدامات کنترل گسترده و اثرات آن بر کشتیرانی از طریق تنگه حیاتی هرمز هستند. کشورهای جهان وارد کننده نفت به علت وابستگی شان به نفت که به وسیله نفتکش‌ها از طریق تنگه هرمز عبور می‌کند، سیاست‌های مربوط به کشتیرانی از سوی ایران و عمان را با دقت زیر نظر خواهند داشت.

سند شماره ۹۶

۵ می ۱۹۷۹ - ۱۵ اردیبهشت ۱۳۵۸

سری

از: سفارت آمریکا، ابوظبی - ۱۹۶۱ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی - با اولویت جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در بن، دوحه، کویت، لندن، منامه، مسکو، پاریس، تهران، توکیو.

مرجع: به مسقط ۷۳۱ مراجعه شود

[موضوع]: برنامه اضطراری امنیت تنگه هرمز

۱- سری - تمام متن

۲- خلاصه: ما نیز موافقیم که باید درباره برنامه اضطراری امنیت تنگه هرمز بیشتر پیش‌بینی شود. امارات متحده عربی نیز درباره این مسئله فکر کرده است و به خصوص به امنیت تأسیسات نفتی خارج از خشکی که ممکن است بیش از تنگه مورد تهدید و خطر واقع شود اندیشیده است. ولی در رابطه با اقدامات امنیتی پیشنهادی یک مسئله فراموش شده است؛ و آن نیز تشویق دولت عمان به همکاری با امارات متحده عربی است. تلاش بسیار باید مبذول گردد تا عمان و امارات متحده عربی دریابند که پس از رفتن شاه آنها خودشان باید اقداماتی برای



برقراری امنیت خلیج [فارس] انجام دهند. اگر آنها موفق به برقراری آن نشوند، دیگران این کار را برای آنها انجام خواهند داد که در نتیجه با منافع آنها مغایرت خواهد داشت. پایان خلاصه.

۳- ما از پیشنهاد سفیر وایلی درباره اینکه باید در مورد نقشه اضطراری امنیت تنگه هرمز بیشتر فکر کنیم خوشحال هستیم. ما نیز می‌دانیم که هواپیماهای کوچک به آسانی و با استفاده از جزایر و مناطق بخش مسندم خواهند توانست حملاتی انجام دهند، لیکن اقدامات آنها چندان مؤثر نخواهد بود مگر اینکه از جای دیگر از نظر لجستیکی حمایت شوند که ممکن است به طور مثال ایران باشد. این بدین معنی است که آنها باید زمانی از تنگه عبور کنند که هلیکوپترها بتوانند آنها را یافته و با آنها به نبرد بپردازند.

۴- عمانیها نسبت به شیخ «صغر» از رأس‌الخیمه بسیار مظنون هستند. ولی ما نمی‌دانیم که منظور عمانیها از عناصر ناجور رأس‌الخیمه چیست. البته ما نیز می‌دانیم که «صغر» از اهداف خود در منطقه مسندم پیروی می‌کند و تا حدی نیز موجبات شرمساری دولت مرکزی یا فدرال امارات متحده عربی را فراهم آورده است، لیکن فکر نمی‌کنیم که این اقدامات ناچیز ارضی بتواند به عنوان خطری علیه امنیت تنگه هرمز و یا حاکمیت سلطان در منطقه مسندم به شمار آید. مهم‌ترین خطری که حاکمیت سلطان را در مسندم تهدید می‌کند کامیابی اقتصادی قابل مقایسه (اگر به طور نسبی صحبت کنیم) رأس‌الخیمه و فجیره است که نزدیک‌ترین همسایگان امارات متحده عربی هستند و سبب شده است که قبایل شیعی در امارات متحده عربی و به خصوص در منطقه رأس‌الخیمه سکنی گزینند. صغر نیز سعی کرده است جمعیت و نیروی انسانی خود را در آنجا افزایش دهد و به آنها مسکن، کار و دیگر انگیزه‌ها را داده است. ولی ما فکر نمی‌کنیم که صغر نگرش سیاسی کافی نداشته باشد و یا تحت تأثیر مشاجرات خود با عمان، از ماجراهایی حمایت کند که با کشتیرانی در تنگه هرمز پیوند دارد و موجب وقفه در توانایی ابوظبی در صدور نفت شود که موفقیت کامل امارات متحده به آن بستگی دارد.

۵- تنگه هرمز نه تنها برای آمریکا و جهان غرب بلکه برای امارات متحده عربی و دیگر کشورهای ساحلی خلیج فارس نیز حائز اهمیت است. هرگونه مداخله در تنگه هرمز بر اقتصاد آنها نیز تأثیر خواهد بخشید. امارات متحده عربی نیز درباره امنیت تنگه هرمز و بسیاری از تأسیسات نفتی خارج از خشکی (که بیش از تنگه هرمز می‌توانند هدف خرابکاری و حملات ناگهانی واقع شوند) اندیشیده است. امارات متحده سفارش ساخت سه ناو گشتی به آلمان غربی داده است که به موشک‌های آگزوست مجهز شوند. این کشور همچنین در حال خرید ناوهای گشتی ساحلی ساخت آمریکا است تا بتواند امنیت ساحلی را نیز بیشتر برقرار سازد.

۶- ما نیز معتقدیم که اقدامات پیشنهادی بند ۱۳ تلگرام مرجع باید مورد ملاحظه و تعمق قرار گیرد. به نظر ما با کمک به امارات متحده عربی در جهت بهبود وضعیت نیروی دریایی و بالا بردن کیفیت نیروهای خود، چه به طور رسمی و چه به صورت آموزش در محل، ما نیز می‌توانیم به این کشور یاری دهیم، به خصوص اگر وقایع داخلی سیاسی اخیر به اتحاد نظامی

بیشتر در این منطقه منجر شده باشد.

۷- لیکن در مورد برقراری امنیت تنگه هرمز اقدام دیگری نیز می‌توان انجام داد که در پیام سفیر وایلی در نظر گرفته نشده و به نظر ما از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این اقدام همانا متقاعد ساختن دولت عمان به همکاری با همسایه خود، امارات متحده عربی تا زمانی که «حسین آل رحمه» نماینده دولت عمان در امارات متحده بماند که حتی «اختیارات سلطنت عمان را در دوی» نداشته و حتی نمی‌تواند ویزا صادر نماید، ما از وضع خوبی برخوردار نخواهیم بود. در حالیکه تلاش بر آن است تا کشورهای خلیج [فارس] با همکاری نیروی خاورمیانه و نیروی دریایی فرانسه به نظارت بر تنگه بپردازند، ولی باید اعتراف کرد که آمریکا، انگلیس و دیگران باید اقدامات بیشتری انجام دهند تا بتوانند عمانیها و امارات متحده عربی را در زمینه امور امنیتی مورد علاقه دو طرف، به همکاری وادار سازند. قبل از هر کار، عمانیها باید به برقراری روابط دیپلماتیک با امارات متحده عربی و انتصاب سفیر در آنجا بپردازند. گام بعدی این است که سران نظامی دو کشور اجلاسهایی تشکیل داده و درباره امنیت تنگه هرمز و اقدامات احتمالی دیگر (به طور مثال، گشتی دریایی مشترک، مانورهای دریایی مشترک، بهره‌برداری از بندر یا فرودگاه رأس‌الخیمه توسط هواپیماهای گشتی عمان) بحث و تبادل نظر نموده و نتایج را به رهبران سیاسی مربوطه ارجاع نمایند. البته می‌دانیم که تعدادی موانع عملی و سیاسی در دو طرف وجود دارد که پیشنهاد این سناریو را از اجرای آن آسانتر می‌نماید. با این وجود باید تلاش کنیم که عمانی‌ها و امارات متحده بفهمند که پس از رفتن شاه آنها خودشان باید برای برقراری امنیت خلیج [فارس] اقداماتی انجام دهند. اگر آنها دست به اقدام نزنند دیگران اقدام خواهند کرد، که ممکن است بدون همکاری دوجانبه با منافع آنها مغایرت داشته باشد.

دیکمن

سند شماره ۹۷

۲۰ می ۱۹۷۹ - ۳۰ اردیبهشت ۱۳۵۸

سری

از: سفارت آمریکا، مسقط - ۰۸۷۵

به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی

جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در ابوظبی، بغداد، بن، جدّه، کویت، لندن، منامه، مسکو، پاریس، تهران، توکیو.

مرجع: الف) ابوظبی ۱۱۹۶، ب) مسقط ۷۳۱

موضوع: امنیت در تنگه هرمز

۱- (سری - تمام متن)

۲- سفارت از همیاریهای آگاهانه سفیر دیکمن نسبت به پیشنهاد ما در رابطه با بهبود امنیت

تنگه هرمز استقبال کرده و با بسیاری از نکات طرح شده توسط سفیر موافق است.

۳- لیکن با این نظر که باید در پیگیری اهداف امنیتی بر همکاری منطقه‌ای تأکید داشته



باشیم موافق نیستیم. درست است که همکاری بیشتر منطقه‌ای ما را در بهبود وضع امنیتی تنگه هرمز یاری خواهد داد، ولی به نظر من تحقق این همکاری تا حدود زیادی غیرممکن است. البته تمام اقدامات ممکن را باید برای فراهم آوردن زمینه مساعد انجام دهیم، اما منافع ما در این منطقه آن قدر عمیق است که نمی‌توانیم بر همکاری منطقه‌ای به عنوان ستون اصلی سیاست امنیتی خود تکیه کنیم. تاریخ، فرهنگ و سازمان قبیله‌ای مردم منطقه، به سهولت افزایش همکاری منطقه‌ای را پدید نمی‌آورد، و ما از اهرمی آنچنان مؤثر برخوردار نیستیم که با وجود عدم تمایل طرفین مربوطه، بتوانیم آنان را وادار به همکاری بیشتر بنماییم.

۴- نمی‌دانم چرا عمان در بازگشایی سفارت خود در امارات متحده عربی تأمل و تأخیر روا داشته است، و تنها بی‌توجهی و دیوانگی سلطان می‌تواند توجیه‌گر این موضوع باشد. ولی این شرایط تصویرکننده مشکلاتی است که با آنها روبه‌رو خواهیم شد، آن هم در صورتی که طبق پیشنهاد سفیر دیکمن بر همکاری منطقه‌ای تأکید نماییم. به نظر من معقول‌تر این است که برنامه‌هایمان را طوری طرح‌ریزی نماییم که گویا همکاری مؤثر منطقه‌ای بروز نخواهد کرد. اگر هم این همکاری پیش آید، از آن به گرمی استقبال خواهیم کرد.

وایلی

سند شماره ۹۸

۲۱ ژوئیه ۱۹۷۹ - ۳۰ تیر ۱۳۵۸

محرمانه

از: سفارت آمریکا، مسقط - ۱۲۵۷ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در بغداد، ابوظبی، قاهره، جدّه، کویت، لندن، منامه، تهران، توکیو

موضوع: ابتکار دیپلماتیک احتمالی عمان در رابطه با امنیت تنگه هرمز

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- طی ملاقات مورخ ۱۷ ژوئیه توسط کاردار و دریاسالار چونینگ، فرمانده جدید نیروهای آمریکایی در خاورمیانه، با سرهنگ «سالم الغزالی» و سرگرد «پیتر تویتس» رئیس ستاد مشترک، غزالی و تویتس فاش ساختند که دولت عمان مشغول بررسی خطرات تروریستی در تنگه هرمز است. وزارت دفاع قریباً این گزارش را به وزارت امور خارجه تسلیم خواهد کرد. با در نظر گرفتن اقدام وزارت امور خارجه، دولت عمان بین کشورهای خلیج [فارس]، کشورهای اروپایی، آمریکا و ژاپن دست به اقدامات دیپلماتیک خواهد زد تا اقدامات مشترکی در همین رابطه پدید آید. این ابتکار ممکن است موجب پیدایش یک اجلاس چند جانبه گردد، ولی طبق گفته غزالی احتمالاً دولت عمان فرستادگان ویژه خود را به پایتخت‌های مورد نظر جهت مشورت گسیل خواهد داشت.

۳- سپس غزالی بخشی از گزارش وزارت دفاع خطاب به وزارت امور خارجه را به



فرمانده نیروهای آمریکایی در خاورمیانه نشان داد. مهم‌ترین نتیجه‌گیریهای این بخش عبارتند از: الف) اقدامات شناسایی و اطلاعاتی عمان می‌تواند مانع از انجام حملاتی به نفتکش‌هایی که از تنگه عبور می‌کنند بشود، ولی رادارهای بیشتری مورد نیاز است. ب) امکان ربوده شدن نفتکش نیز وجود دارد، ولی جهان آن را رویدادی محدود به حساب خواهد آورد و این امر تأثیر چندانی بر حرکت کلی تانکرهای حامل نفت نخواهد داشت. پ) مهم‌ترین خطر عبارت است از مین‌گذاری در مسیر تانکرها، چون این کار مانع از حرکت آنها از طریق تنگه هرمز خواهد شد تا اینکه در مورد فقدان مین در مسیر خود مطمئن شوند. بدین ترتیب حمل و نقل نفت احتمالاً دو سه ماه متوقف خواهد گردید و نتایج اسفباری برای جهان به همراه خواهد آورد. ت) عمان فاقد تسلیحات یا اقدامات ضد مین در نیروی خود است. ث) هزینه خرید ناوهای مین جمع کن نیز بسیار سنگین است.

۴- در تشریح ابتکار دولت عمان، غزالی گفت که [تنها] نفت تولیدی توسط عمان از طریق تنگه هرمز به نقاط دیگر جهان ارسال نمی‌گردد. منظور وی این است که دیگر کشورهای خلیج [فارس] منافع بسیاری دارند که در گرو این همکاری امنیتی است و ضرری متوجه عمان نخواهد شد. علاوه بر این، وی گفت کشورهای مهم مصرف‌کننده نفت نیز منفعی دارند که در گرو این اقدام مشترک است.

به عبارت دیگر، طبق گفته غزالی، عمان این ابتکار را در پیش گرفته است چون می‌داند که در حراست از این تنگه مهم که در مجاورت کشورش قرار دارد «مسئولیت» خطیری دارد.

۵- نظریه: گذشته از استدلال‌های طرح شده توسط غزالی، باید گفت که عمان نیز در این ابتکار منفعی دارد. فرض کنیم که وزارت امور خارجه در مورد گزارش وزارت دفاع اقداماتی صورت دهد، به این ترتیب ابتکار مزبور به دیگر کشورهای عرب خلیج [فارس] یادآوری می‌کند که آنها نباید تنها به خاطر کمپ‌دیوید، عمان را منزوی نمایند. علاوه بر این دولت عمان خواهد توانست نشان دهد که حراست از این تنگه از نظر اقتصادی برای دیگر کشورها بیش از عمان منفعت دارد.

سیزر

سند شماره ۹۹

۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹ - ۶ مرداد ۱۳۵۸

محرمانه

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی - ۶۳۶۱

به: سفارت آمریکا، مسقط

جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در ابوظبی، بغداد، قاهره، دوحه، جدّه، کویت، لندن،

منامه، تهران، توکیو

مرجع: مسقط ۱۲۵۷

موضوع: ملاقات ساندرز، معاون وزیر، در تاریخ ۲۵ ژوئن با سفیر جدید عمان

۱- (محرمانه - تمام متن)



۲- سفیر جدید عمان بنام سلیمان در تاریخ ۲۵ ژوئیه با ساندرز معاون وزیر ملاقات کرد. پس از احوال‌پرسی‌های معمول، سلیمان در مورد وضع مذاکرات صلح، به خصوص نقش رو به رشد فلسطینی‌ها در مذاکرات سؤال کرد. وی خاطرنشان ساخت که آرمان فلسطینی موضوع اصلی وحدت کشورهای عربی است. بنابراین از نظر دولت عمان ایجاد پیشرفت بیشتر در این جهت بسیار حائز اهمیت است.

۳- ساندرز پس از اشاره به قدردانی دولت آمریکا در رابطه با موضع مفید عمان در قبال قراردادهای کمپ‌دیوید و حمایت آن کشور از سادات، گفت دولت آمریکا امیدوار است پیشرفت مهمی در زمینه ایجاد خودمختاری در ساحل غربی - نوار غزه صورت پذیرد. وی گفت دولت آمریکا امیدوار است این پیشرفت قبل از پایان سال آینده صورت پذیرد. ساندرز اظهار داشت که این پیشرفت ضمن اهمیت، منافع خاصی برای دولت عمان دربر دارد و می‌تواند اعراب میانه‌رو را متقاعد سازد که قرارداد کمپ‌دیوید می‌تواند پیشرفتهای مهمی سبب شده و فشار وارده بر عمان از طرف بلوک عرب را تخفیف بخشد. ساندرز همچنین یادآور شد که گذشته از مذاکرات جاری بین مصر و اسرائیل در مورد ساحل غربی - نوار غزه، در مورد قطعنامه‌ای مبتنی بر حقوق فلسطینی‌ها در شورای امنیت سازمان ملل طی هفته‌های آتی گفتگوهای صورت خواهد گرفت.

۴- سلیمان خاطرنشان ساخت که منافع عمان در مسئله فلسطین تنها جنبه انتزاعی ندارد، بلکه به طرز قریبی با نگرانیهای امنیتی دولت عمان نیز ارتباط دارد. در همین رابطه وی به هشدار دریایی اعلام شده از طرف دولت آمریکا درباره احتمال بروز فعالیت‌های تروریستی در تنگه اشاره کرد.

وی گفت دولت متبوعش در نظر دارد فعالانه به تأسیس یک «نیروی ویژه» پردازد که بتواند با اعمالی از قبیل مین‌گذاری و یا حمله از طریق قایق‌های کوچک مبارزه نماید. توینام اظهار داشت که در گفتگوی اخیر خود با فرمانده نیروهای آمریکا در خاورمیانه اطلاع یافته است که نیروی دریایی دولت عمان در هنگام اجرای عملیات گشتی در جزایر تنگه، ضمن «تمرینات جنگی» با نیروهای آمریکا در خاورمیانه، وضع خود را بسیار بهبود بخشیده است.

سلیمان یادآور شد که طرز تفکر دولت عمان در رابطه با تنگه هرمز هنوز در مراحل اولیه است ولی امیدوار است آمریکا نیز درباره مذاکرات مربوطه تفاهم نشان دهد.

ساندرز و توینام گفتند که ما امیدواریم دولت‌های منطقه بتوانند با همکاری یکدیگر با اینگونه مخاطرات مقابله نمایند و دولت آمریکا نیز قطعاً آماده است تا به روش‌های مفید نسبت به این مسئله پاسخ دهد.

۶ اوت ۱۹۷۹ - ۱۵ مرداد ۱۳۵۸

سری

از: سفارت آمریکا، منامه - ۱۶۰۷ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در ابوظبی، دوحه، جدّه، کویت، مسقط، تهران.
موضوع: گزارش گشتی سامپسون آمریکا در تنگه هرمز



۱- (سری - تمام متن)

۲- ناخدای ناو جنگی سامپسون آمریکایی که نابود کننده سلاحهای هدایت شونده است در تاریخ ۴ اوت درباره مأموریت خود در تنگه هرمز که اخیراً پایان یافته است با سفیر گفتگو نمود. در پاسخ به اطلاعات رسیده درباره اقدامات جبهه آزادیبخش خلق فلسطین علیه تانکرهای نفتی که از تنگه هرمز می‌گذرند، ناو سامپسون آمریکایی در یک عملیات شبانه‌روزی شش روزه ۲۵ عملیات گشت‌زنی در سرتاسر تنگه انجام داد. هیچ حرکت یا رویداد مشکوکی مشاهده نشد.

۳- در هنگام روز یکی از دو قایق گشتی عمان از یک بندر نامعلوم در شبه جزیره مسندم برای شرکت در عملیات گشت‌زنی سر می‌رسید. ارتباط رادیویی و همکاری بین سامپسون و آن قایق گشتی عالی بود. قایق گشتی عمان لنج‌هایی را که از تنگه عبور می‌کردند متوقف می‌کرد و به بررسی اوراق، مسافرین و محموله آنها می‌پرداخت. سامپسون سعی در توقف و یا ایجاد ارتباط با لنج‌هایی که تعدادشان زیاد بود و در طول و عرض تنگه از طرف ایران و به سوی این کشور در رفت و آمد بودند ننمود. سامپسون روز بعد به نیروی دریایی عمان گزارش داد که در هنگام شب نیز این لنج‌ها رفت و آمد می‌کنند ولی آنها گفتند که در این باره کاری نمی‌توانند انجام دهند.

۴- نتیجه‌گیریهایی که ناخدا در رابطه با این عملیات کرده بود عبارتند از: الف) دولت عمان قادر نیست رفت و آمد و فعالیت شبانه لنج‌ها را کنترل نماید، ب) امکان دارد گروه کوچکی از تروریستها با استفاده از یک یا دو لنج مزبور در طول شب به یک تانکر نزدیک شوند و یا در طول شب کار خود را در تنگه انجام دهند، و پ) در طول شب این لنج‌ها به آسانی خواهند توانست مین‌ها را در تنگه کار بگذارند. تعداد کمی از این مین‌ها خواهد توانست رفت و آمد تانکرها را حداقل به مدت دو هفته به تعویق بیاورد چون آمریکا و نیروهای دریایی خلیج [فارس] وسایل جمع‌آوری مین را در این منطقه ندارند.

۵- ناخدا گفت که شرایط کار در تنگه هرمز در طول فصل تابستان بسیار کمرشکن است. میانگین درجه حرارت دریا ۹۸ درجه فارنهایت بود و می‌بایست آب دریا را قبلاً با وسایل مکانیکی و برای استفاده در خنک کردن موتورها سرد نمود. این امر سبب می‌شود تأثیر دستگاههای خنک کننده هوا نیز در شرایط کاری در درجه حرارت ۸۵ - ۸۰ مثبت نباشد. طوفانهای شن نیز قدرت دید را از بین می‌برد. گاهی یک کشتی نمی‌توانست کشتی دیگری

را که در فاصله چهار هزار پایی در حرکت بود ببیند. از طرف دیگر، در روزهای روشن و آرام، یکباره شش کشتی در حال رفت و آمد از تنگه مشاهده می‌گردید.
۶- نظریه: آنچه در بالا گفته شد نشانگر پیچیدگی‌هایی است که در عملیات گشت‌زنی تنگه هرمز وجود دارد. پلترو

سند شماره ۱۰۱

سری
از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی - ۲۲۶۸۷۴/۰۱ - سی: سفارت آمریکا، ابوظبی
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در اسلام‌آباد، جدّه، کویت، لندن، منامه، مسقط،
دهلی‌نو، صنعا، تهران



۲۹ اوت ۱۹۷۹ - ۷ شهریور ۱۳۵۸

موضوع: آسیب‌پذیری‌های تنگه هرمز

ممکن است فلسطینی‌های تندرو بخواهند در تنگه هرمز به یک کشتی حمله کنند؛ با اینکه می‌دانند قادر به غرق ساختن آن و یا بستن تنگه هرمز نیستند. این حرکت به طور حیرت‌انگیزی توانایی فلسطینی‌ها را در حمله‌ور شدن به منافع آمریکا و اروپا نشان خواهد داد. البته غرق کردن یک کشتی سبب بسته شدن آبراهی، که حدود یک سوم نفت مورد نیاز روزانه جهان از طریق آن عبور می‌کند، نمی‌شود.
با این وصف، نفس این کار سبب ایجاد تشنج گردیده، احتمالاً بی‌ثبات شدن دلار را در بازار پول بین‌المللی به همراه خواهد آورد و قیمت نفت در بازار سیاه را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

تنگه هرمز

مهم‌ترین کانال کشتیرانی که از طریق هرمز می‌گذرد کوتاه‌ترین راه در اطراف شبه جزیره مسندم و یا عمان به شمال می‌رود که ۳۰ تا ۳۵ کیلومتر طول و ۸ تا ۱۳ کیلومتر عرض دارد. معبر ورودی و معبر خروجی تنگه شامل یک منطقه ممنوعه به عرض ۲ کیلومتر است. عمق کانال نیز بین ۷۵ تا ۲۰۰ متر تغییر می‌کند.
معبر خروجی کانال آن قدر عمیق است که حتی اگر دو نفتکش عظیم‌الجثه نیز در آن غرق شوند باز هم مانعی برای کشتیرانی به وجود نخواهد آورد.

صادرات نفت خام

محموله ۲۰ - ۱۸ میلیون بشکه در روز کشورهای تولیدکننده نفت منطقه چون عربستان سعودی، ایران، عراق، کویت، امارات متحده عربی، قطر و بحرین، حدود ۵۰ درصد واردات نفت خام و محصولات پالایش یافته جهان را تشکیل می‌دهد. به استثنای مقدار نفتی که از

طریق خط لوله صادر می‌شود، کل صادرات نفتی این کشورها از طریق تنگه هرمز می‌گذرد (بدون طبقه‌بندی).

سه خط لوله منطقه که دارای ظرفیت روزانه ۲/۵ میلیون بشکه هستند از طریق دریای مدیترانه نفت صادر می‌کنند و در صورت بسته شدن تنگه هرمز بخشی از خسارات وارده را می‌توان از طریق افزایش صادرات از این دریا جبران کرد.

خط لوله نفتی عراق - ترکیه با حداکثر ظرفیت خود، ۶۰۰۰۰۰ بشکه در روز مشغول به کار است؛ و دو خط لوله دیگر، خط لوله عراق - سوریه و خط لوله «تپ» سعودی روزانه در مجموع ۲۵۰۰۰۰ بشکه نفت را حمل می‌کنند. خط لوله چهارمی که حوزه‌های نفتی عربستان سعودی را به دریای سرخ مرتبط می‌سازد تا اوایل سالهای ۱۹۸۰ به پایان نخواهد رسید. راه خروج و یا راه کشتیرانی جایگزین دیگری در آینده نزدیک برای ادامه صدور نفت منطقه وجود ندارد. (بدون طبقه‌بندی)

آسیب‌پذیری

واردات نفتی آمریکا از طریق منطقه خلیج فارس معادل یک سوم کل واردات نفتی آمریکا و حدود یک ششم مصرف کل آمریکا را شامل می‌گردد. از طریق خلیج فارس حدود سه چهارم نیازهای نفتی ژاپن تأمین می‌گردد؛ و اروپای غربی نیز حدود ۶۰ درصد نیاز نفتی خود را از این طریق به دست می‌آورد. (بدون طبقه‌بندی)

گرچه عبور نفت منطقه مهم‌ترین مسئله مورد نگرانی صحنه بین‌المللی است، لیکن میزان واردات مصرفی و کالاهای صنعتی کشورهای خلیج [فارس] از غرب نیز با ایجاد وقفه در کشتیرانی در این تنگه آسیب خواهد دید.

بخش اعظم مواد خام و تجهیزات ساختمانی و بخش اعظم مواد غذایی ملتهای خلیج [فارس] از خارج وارد می‌گردد. کشورهای خلیج [فارس] در سال ۱۹۷۷ معادل ۴۵ میلیارد دلار کالا وارد کردند و حدود ۸۰ درصد این واردات به وسیله اروپای غربی، ژاپن و آمریکا تأمین می‌گردد. (بدون طبقه‌بندی).

چون در خشکی برای حمل و نقل این میزان واردات، سیستم معتبر و قابل اعتمادی وجود ندارد، واردات از طریق تنگه هرمز انجام می‌شود. حمل و نقل واردات از خشکی باید از طریق ترکیه یا شوروی یا سوریه انجام شود که خود این کشورها مهم‌ترین تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان کالاهای صنعتی و یا مواد غذایی به خلیج [فارس] به شمار نمی‌روند. علاوه بر این، این کشورها با کشورهای حوزه خلیج [فارس] نیز از نظر سیاسی در تضاد بوده‌اند. عربستان سعودی که به دریای سرخ دسترسی دارد تنها کشوری است که میزان وابستگی آن به تنگه هرمز بسیار کم است. (بدون طبقه‌بندی).

سند شماره ۱۰۲

۳۱ اوت ۱۹۷۹ - ۹ شهریور ۱۳۵۸

سری

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی - ۰۲۳۵
به: سفارت آمریکا، ابوظبی
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در دوحه، جدّه، کویت، اسلام‌آباد، لندن، دهلی‌نو،
منامه، مسقط، صنعا، تهران

موضوع: امنیت تنگه هرمز

۱- (سری - تمام متن)

۲- دو پیام که به ارزیابی مسئله امنیت تنگه هرمز می‌پردازد برای همه نمایندگی‌های ذیربط ارسال می‌گردد. پیام نخست که به وسیله فرمانده نیروهای خاورمیانه تهیه شده و به ارزیابی آسیب‌پذیری تنگه هرمز پرداخته و پیام دیگر که به وسیله جامعه اطلاعاتی تهیه شده و به ارزیابی همان مسئله پرداخته، مکمل یکدیگر هستند و بایستی بتواند ارزیابی دولت آمریکا را در قبال این مسئله که در هفته‌های اخیر توجه بسیاری به خود جلب کرده در اختیار شما قرار دهد.

۳- مخاطبین باید توجه داشته باشند که در بند اول پیام جامعه اطلاعاتی در مورد مسئله تأثیر غرق شدن یک تانکر نفتی صحبت شده است: این کار تنگه را مسدود نخواهد کرد. ولی تأثیر روانی بسیار خواهد داشت.

البته تأثیرهای اقتصادی نیز به همراه خواهد داشت چون سبب بالا رفتن تعرفه‌ها خواهد گردید که آن هم به نوبه خود موجب افزایش قیمت نفت خواهد شد. (هنوز چیزی نگذشته است که کویت نسبت به تعرفه کشتیرانی در خلیج [فارس] اعتراض کرده و از پرداخت آن امتناع ورزیده است).

۴- با اشاره به بند ۲۲ (پ) پیام فرماندهی نیروهای خاورمیانه که آغاز آن اینگونه است: «به محض اینکه یک کشتی غرق شود رفت و آمد به مدت دو ماه امکان‌پذیر نخواهد بود...» ما متوجه شدیم که برآورد جامعه اطلاعاتی این است که با در نظر گرفتن تواناییهای منطقه، دو هفته طول می‌کشد تا عملیات مین‌یابی کانال آغاز و پایان یابد (عربستان سعودی در حال حاضر مین‌روب در اختیار دارد، ایران پنج مین‌روب دارد لیکن با وضع کنونی اقدامات ایران خالی از اشکال نخواهد بود، عراق نیز پنج مین‌روب دارد ولی دو روز طول می‌کشد تا بتواند کشتی‌های خود را وارد تنگه نماید. ولی مین‌گذاری کانال به وسیله تروریستها کاری بسیار دشوار خواهد بود.

ما دریافته‌ایم که مین‌های زمینی در آنجا تأثیری نخواهد داشت چون عمق آب بیش از ۲۰۰ متر است. اگر تروریستها بخواهند از مین‌های شناور استفاده کنند متوجه می‌شوند که مین‌ها در عرض چند روز با جریان آب از تنگه خارج خواهند شد.

ونس



۲۶ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۴ مهر ۱۳۵۸

سری

از: سفارت آمریکا، مسقط - ۱۷۳۲
به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در بن، دوحه، کویت، لندن، منامه، پاریس، رم، تهران، توکیو.

مرجع: الف) مسقط ۱۴۵۰، ب) وزارت امور خارجه ۲۳۰۲۳۵، پ) وزارت امور خارجه
۲۲۶۸۷۴

موضوع: تحقیق عمان در مورد امنیت تنگه هرمز

۱- (سری - تمام متن)

۲- یوسف العلوی معاون وزیر خارجه عمان در ملاقات خود با سفیر و معاون نمایندگی در ۱۸ سپتامبر یک نسخه از گزارش تحقیقی عمان در مورد امنیت تنگه هرمز را به ایشان داد. بنا به این گزارش ربه شده شدن یکی از تانکرها در تنگه سبب می‌شود که تروریستها یک وسیله تبلیغاتی به دست آورند، لیکن مین‌گذاری مهم‌ترین خطری است که آمد و شد تانکرها را در تنگه تهدید می‌کند. حتی اگر مین و یا مین‌های کار گذارده شده در تنگه خسارتی به بار نیاورند و فقط یکی از آنها مشاهده شود، باعث می‌شود رفت و آمد تانکرها در تنگه متوقف شود و حدود ۲۰ روز طول می‌کشد که عملیات مین جمع‌کنی به پایان برسد. طبق مطالعه عمانیها، بهترین راه حل این است که مقداری پول در اختیار عمان قرار داده شود تا بتواند مین‌یاب خریداری کرده و به گشت‌زنی در تنگه پرداخته و جلوی مین‌گذارها را بگیرد. علوی مدعی است که یمن جنوبی می‌تواند مین‌های ساخت شوروی را از داخل لنج‌ها به آب پرتاب کند و چون جریان آب قادر نیست این مینها را از تنگه بیرون ببرد، رفته رفته در بستر دریا قرار می‌گیرند.

۳- سرمایه: طبق برآورد علوی، یک مین جمع‌کن و تجهیزات کمکی آن معادل ۴۰ میلیون ریال عمانی (که برابر با ۱۱۷ میلیون دلار است) خرج برمی‌دارد. سرپرست امور سیاسی وزارت امور خارجه «ملالاه حبیب» (که اخیراً به سمت سفیر در ایران انتخاب شده است) برای ارائه پیشنهاد عمان به بغداد و تهران رفته است تا تقاضای این کشور را برای دریافت کمک نیز مطرح نماید. (برای اطلاعات بیشتر دربارهٔ عکس‌العمل منفی عراق به تلگرام مرجع سپتامبر مراجعه کنید). عمان از طرف عراق و ایران انتظار کمک ندارد ولی خواسته است قبل از اتفاق هر رخدادی آنها را مطلع کرده باشد تا بعدها نگویند که آنها از ماجرا خبر نداشته‌اند.

۴- عمان درباره عملیات مین جمع‌کنی خود از شش کشور اصلی مصرف‌کننده نفت یعنی انگلیس، فرانسه، آلمان غربی، ایتالیا، ژاپن و آمریکا درخواست کمک کرده است. علوی یک نسخه از این پیشنهاد را به ما داد که سفیر گفت آن را به واشنگتن خواهد فرستاد و از دولت آمریکا خواهد خواست تا نظریات خود را در مورد امکان ارائه کمک به آنها بدهد.



۵- در محموله پستی بعدی یک نسخه از گزارش و یادداشت دیپلماتیک عمان که حاوی تقاضای کمک عمان است به واشنگتن برای امور خاور نزدیک فرستاده خواهد شد. البته یک نسخه از این مطلب را در اختیار گروه تحقیق نظامی نیز قرار می‌دهیم.

۶- نظریه: بررسی عمانیها که به سفارت داده شده قدری تصنعی بود و فاقد تحلیل‌های فنی و حرفه‌ای مربوط به امور کشتیرانی در خلیج [فارس] است. گرچه راه جدیدی که عمانیها در حال ایجاد آن هستند برای مین‌گذاری مناسب است ولی طریق موجود برای این کار اصلاً مناسب نیست. اگر خطری مشاهده شود، کشتیرانی را به آسانی می‌توان به وضعیت کنونی بازگرداند.

از طرف دیگر، گویا عمانیها خطرات دیگر را سرسری گرفته‌اند. خصوصاً اینکه عمانیها در این بررسی (و مطالعه‌ای که به وسیله جامعه اطلاعاتی آمریکا تهیه شده) گویا متوجه نشده‌اند که امکان دارد تروویستها با استفاده از قایق‌های کوچک بخوانند سکان کشتی‌های نفت‌کش را از کار بیندازند. چون اگر سکان هدایتی این نفت‌کش‌ها از کار بیفتد تانکرها به سرعت در آب فرورفته و در اثر برخورد با امواج و صخره‌ها در هم می‌شکنند. به نظر ما سکان هدایتی آنها می‌تواند هدف خوبی برای قایق‌ها و یا لنج‌های سریع حامل موشک‌های هدایت شونده باشد. این مطالعه همچنین راجع به تحویل چهار مین جمع‌کن به عربستان سعودی که دو فروند آنها قرار است به عملیات جمع‌آوری مین در بندر جبیل خلیج فارس مشغول باشند نیز چیزی نگفته است.

۷- من توصیه می‌کنم قبل از پاسخ به عمانیها ابتدا مطالعه‌ای کامل در مورد جنبه‌های فنی - امنیتی تنگه و با استفاده از تخصص خودمان در مورد مین‌های دریایی، عملیات خنثی‌سازی مین و عملیات پلیس ساحلی در زمینه کانالهای کشتیرانی دور از خشکی بنماییم. به نظر من تحقیقاتی که تاکنون ارائه و تهیه شده به طور عمقی با این مسائل برخورد نکرده است. می‌توانیم پس از آگاهی از جنبه‌های فنی مسئله به عمانیها نشان بدهیم که چگونه باید همکاری کشورهای ذینفع را در برقراری امنیت تنگه جلب نمایند.

۸- پیشنهادات: سفارت توصیه می‌کند بخش امور خاور نزدیک گروهی را تشکیل دهد که به مطالعه جنبه‌های فنی امنیت تنگه بپردازند، البته قبل از ارائه پاسخ به عمانیها. در این مطالعه و تحقیق باید درباره مشکلات مین‌گذاری، عملیات ضد مین‌گذاری، آسیب‌پذیری تانکرها در برابر قایق‌های کوچک، و راههای گشتی و شناسایی، با استفاده از تخصص موجود در وزارت دفاع، گارد ساحلی، سازمان سیا و جاهای دیگر در دولت آمریکا بررسی نماییم. پس از آنکه این تحقیق پایان یافت، آن را به همراه پیشنهاد درباره اقدامات بعدی، به سفارت در مسقط ارسال نمایید تا ما هم آن را به عمانیها بدهیم و روش تماس گرفتن با کسانی را که مایلند در هزینه این عملیات مشارکت نمایند، به آنها نشان بدهیم.

وایلی

از: سفارت آمریکا، منامه - ۱۹۳۹ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در ابوظبی، بغداد، بن، قاهره، دوحه، کویت، لندن،
مسقط، پاریس، رم، صنعا، تهران.

موضوع: عصبانیت بحرین در قبال ابتکار عمان در مورد تنگه هرمز

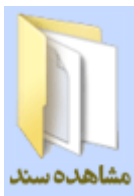
۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- وزیر خارجه بحرین شیخ محمدبن مبارک آل خلیفه در گفتگوی ۲۵ سپتامبر خود با
سفیر از ابتکار عمان جهت تأمین کمک مالی از ملتهای خلیج [فارس] و مصرف‌کنندگان مهم
نفتی جهت گسترش توانایی جمع‌آوری مین‌های تنگه هرمز شدیداً انتقاد کرد. وی گفت
مهم‌ترین خطاهای حیاتی موجود در پیشنهاد عمان، عبارتند از عدم موقعیت دولت عمان در
مشورت با دولت‌های دوست خود در منطقه و عدم درک آن از این مسئله که یک پروژه امنیتی
مشترک با مداخله آمریکا در خلیج [فارس]، از سوی سایر کشورهای منطقه قابل قبول نیست.

۳- وزیر خارجه در ادامه گفت: «اصلاً گمان نمی‌رفت» که عمان فرستاده خود را قبل از
اعزام به عربستان سعودی (و بحرین) به عراق بفرستد. طبق انتظار، زمانی که فرستاده عمانی
یعنی یوسف‌العلوی به بحرین رسید، عراق ابتکار عمانی را یک پیمان بغداد جدید توصیف کرد
و اعتبار آن را کلاً از بین برد. شیخ محمد گفت، ما می‌توانستیم به عمانیها بگوییم که برخورد
یک جانبه عمان با عراق شکست خواهد خورد و علت آن نیز طرز برخورد عمان با معاهده
مصر و اسرائیل است.

۴- وزیر خارجه ظاهراً در ادامه انتقادات خود علاوه بر عصبانیت از برقراری تماس عمانیها با
عراق قبل از گفتگو با دولت‌های میانه‌رو از این ناراحت بود که درباره این پروژه قبل از گفتگو با
برادران عرب خود با دولت آمریکا مذاکره کرده است. سفیر گفت درباره صحت این گفته تردید
ندارد (تا آن موقع گزارش مسقط ۱۷۳۲ را دریافت نکرده بودیم) لیکن وزیر خارجه گفت که
نسبت به صحت آن اطمینان کافی دارد. (اظهارنظر: بنا به عقیده وزیر خارجه، این موضوع نشان
می‌دهد که عمانیها تا چه حد از طرز تفکر منطقه و روش مورد قبول آن دور افتاده‌اند. در مورد
این مسئله، بحرینی‌ها انتظار داشته‌اند که مشورتهای درون عربی به خودی خود قبل از انتشار به
«خارج» صورت پذیرد. همانطور که روزنامه «خلیج» در تاریخ ۲۰ سپتامبر متذکر شده وی گمان
می‌کند که آمریکا، عمان را در صدر این پروژه قرار داده است. پایان اظهارنظر).

۵- در گفتگو پیرامون شایستگیهای پیشنهاد عمان، شیخ محمد گفت بد نبود عمان در تلاش
به دست آوردن تجهیزات جمع‌آوری مین ۱۲۰ میلیون دلاری خود به کشورهای خلیج [فارس]
روی می‌آورد. منافع مشترک حاصله به رسمیت شناخته شده است و این مقدار پول نیز در توان
مالی این کشورها وجود دارد. ولی این مذاکرات می‌بایست تنها دربرگیرنده کشورهای منطقه



بوده باشد و نه ملتهای مصرف‌کننده نفت. وی گفت پس از انجام این امور، عمان می‌توانست از هر کشور دیگر و یا حتی آمریکا تجهیزات مورد نیاز خود را خریداری کند. لیکن بنابر شواهد موجود هیچگونه تعهدی به فرستاده عمان داده نشده بود و وی نمی‌داند که این پروژه چگونه انجام خواهد شد.

۶- نظریه: احتمالاً این روش دیگری است برای ابراز این موضوع که به نظر بحرین ابتکار عمان چه در فرض و چه در اجرا با موفقیت چندانی روبه‌رو نخواهد شد. لحن انتقادی وزیر خارجه خالی از احساس همدردی نیز نبود. امنیت تنگه از نیازهای بسیار ضروری به حساب می‌آید و طبیعی است که عمان به خاطر وضع جغرافیایی خود این وضع را در پیش بگیرد. لیکن عمان در تاکتیک‌های خود به خطا رفته است، که بنا به گفته وزیر خارجه، ناشی از عدم تجربه دیپلماتیک عمانیها و نیز ناشی از انزوای کنونی آنها نسبت به حساسیت‌های جاری عربی است. وزیر خارجه در مورد غیرقابل قبول بودن مشارکت آمریکا در این پروژه گفت دولت وی معتقد است که بین عدم پیشرفت «ناراحت کننده» مسئله فلسطینی‌ها در مذاکرات جاری و تمایل بحرین به همکاری با آمریکا در موضوعات دیگری از قبیل امنیت خلیج [فارس] پلترو ارتباطی وجود دارد.

سند شماره ۱۰۵



محرمانه ۲۹ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۷ مهر ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، مسقط - ۱۷۵۱ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در بغداد، امان، دوحه، جدده، کویت، لندن، منامه، پاریس، رم، صنعا، تهران، توکیو.

مرجع: الف) مسقط ۱۷۳۲، ب) سرویس خبر پراکنی خارجی - امان ز ۲۴۱۵۵۰ سپتامبر ۷۹، پ) سرویس خبر پراکنی خارجی - امان ز ۲۳۱۰۳۰ سپتامبر ۷۹، ت) سرویس خبر پراکنی خارجی - لندن ز ۲۲۱۰۲۶ سپتامبر ۷۹، ث) بغداد ۱۹۹۵، و) مسقط ۱۶۸۰، ج) سرویس خبر پراکنی خارجی ز ۲۵۱۲۳۱ سپتامبر ۷۹، چ) لندن ۱۸۹۶۱، ح) تهران ۱۰۴۳۹. موضوع: پیشنهاد عمان درباره تنگه هرمز و احتمال برگزاری

اجلاس امنیتی خلیج [فارس]

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- «ملاله حبیب» رئیس امور سیاسی وزارت امور خارجه عمان اخیراً از سفر خود به بغداد و تهران که به منظور ارائه پیشنهاد عمان در مورد تنگه هرمز انجام شده بود (مرجع الف) و در ۲۵ سپتامبر با مروری بر عکس‌العمل کشورهای خلیج [فارس] در رابطه با این پیشنهاد در اختیار معاونت نمایندگی قرار داده شد، بازگشت.

۳- عراق و کویت. عراقیها هنوز آنچه را که حبیب در اختیار وزیر خارجه عراق، «حمادی»

قرار داده بود نخوانده بودند که روزنامه الثورة به آن به عنوان فرم جدیدی از پیشنهاد قبلی امنیتی عمان در اواخر ۱۹۷۶ حمله ور شد. شیخ سالم الصباح وزیر دفاع و وزیر امور خارجه کویت قبل از آنکه العلوی معاون وزیر خارجه عمان قادر باشد به کویت وارد شده و پیرامون پیشنهاد این کشور توضیحی بدهد، از مواضع عراق در رابطه با آن استفاده کرد. انتقاد از پیش پرداخته شده و غیرآگاهانه از عقاید عمان قابل توجیه نبود. عمان پیشنهاد معاهده امنیتی منطقه‌ای را نداده بود، بلکه خواهان آن بود که منطقه مقداری از منابع مالی خود را در اختیار نیروهای گشتی عمان قرار دهند تا این کشور بتواند در حوزه مسئولیت خود در عمان به برقراری امنیت پردازد. پیشنهاد عمان هنوز از پختگی خاصی برخوردار نبود، و برای تغییر آن، عمان حاضر بود پیشنهادات سازنده کشورهای غیرمتخاصم خلیج [فارس] را بپذیرد.

۴- ایران. حبیب پیشنهاد عمان را به معاون وزارت امور خارجه و معاونش در ایران تقدیم کرد. ایرانیها نسبت به عقاید عمان حالت خصمانه نداشتند، ولی روشن بود که پاسخ ایران پس از مورد ملاحظه قرار گرفتن پیشنهاد توسط مقامی بالاتر از دکتر یزدی وزیر امور خارجه (که در آن زمان در تهران و در تشییع جنازه طالقانی شرکت کرده بود) داده خواهد شد.

۵- عربستان سعودی و بحرین. در تاریخ ۲۰ سپتامبر، العلوی با وزیر خارجه سعودی شاهزاده سعود و هم‌تای بحرینی‌اش ملاقات نمود. العلوی به طور مختصر به بحث درباره نتایج مأموریت خود و حبیب پرداخت، ولی حبیب معتقد بود که سعودیها و بحرینی‌ها به نحو منطقی پیشنهاد را مورد استقبال قرار داده بودند. (وقتی که سؤال شد آیا عربستان سعودی ممکن است با استفاده از مین‌روب‌های جدید خود به عمانی‌ها در برقراری امنیت تنگه هرمز کمک کنند یا نه، حبیب گفت آنها اصولاً از این عقیده طرفداری چندانی نکرده بودند.)

۶- اجلاس احتمالی نخست‌وزیران خلیج [فارس] (مرجع ث) پیشنهاد معتدل عمان درباره ایجاد یک صندوق مالی منطقه‌ای، در مطبوعات صرفاً به عنوان نوعی پیمان واردکننده نیروهای بیگانه تلقی و مورد حمله قرار گرفت. با در نظر گرفتن سوءظن محلی و تفسیر نادرست (تلگرام مربوط به عراق را بخوانید)، حبیب فکر نمی‌کند که در حال حاضر اجلاسی جهت بحث درباره موضوع حساسی چون امنیت منطقه‌ای تشکیل گردد.

۷- چون العلوی به تازگی از کویت بازگشته بود، حبیب نمی‌توانست درباره سفر العلوی به کویت به ما چیزی بگوید. ولی اگر بخواهیم به مطبوعات کویتی اعتماد نماییم، باید بگوییم که کویتی‌ها این بار هم موضع عراق را در مورد پیشنهاد عمان تکرار کرده‌اند.

۸- نظریه: ابتکار عمان را می‌توان به این ترتیب توصیف کرد که در سطوح سیاسی و فنی کارایی و کاربرد ندارد. تا ۱۸ سپتامبر یعنی هنگامی که حبیب عازم بغداد و تهران شده بود درباره این ابتکار چیزی به سفارت گفته نشده بود. ما از حبیب پرسیدیم که چرا قبل از سفر به بغداد با کشورهای دوست در خلیج [فارس] جنوبی مشورت نکرده است وی در جواب گفت این بخش از مشورت‌ها به عهده العلوی بوده که در آن زمان به مسایل دیگر مشغول بود.

۹- ظاهراً عمانیها می‌خواسته‌اند قبل از آنکه اتفاقی در تنگه هرمز بیفتد برای تبرئه خود در قبال اتهامات مبنی بر اینکه آنها برای دفاع از تنگه به قدر کافی تلاش نکرده‌اند کاری کرده باشند. آنها می‌خواهند بتوانند بگویند که تلاش خود را کرده و چون دیگر دوستان با آنها همکاری نکرده‌اند این مسئولیت از عمان ساقط شده است.

۱۰- گرچه عمانیها انتظار نداشتند عراق عکس‌العمل مثبت نشان دهد ولی از شدت عکس‌العمل منفی آنها نیز حیرت زده شده‌اند. آنها فکر می‌کردند که در ماههای اخیر عراق در رابطه با آنها قدری ملایم‌تر شده است.

۱۱- در رابطه با پاسخ آمریکا نسبت به روش عمان درباره امنیت خلیج [فارس]، ما هنوز هم معتقدیم که توصیه‌های ما که در مسقط ۱۷۳۲ مطرح شده دارای اعتبار است. امیدواریم پاسخ ما به سرعت عملی شود چون ظاهراً عمانیها سعی دارند از ناراحتی‌هایی که برایشان در نتیجه این مشورت‌های سیاسی در منطقه پیش آمده بهره‌برداری کنند. وایلی

سند شماره ۱۰۶

۸ اکتبر ۱۹۷۹ - ۱۶ مهر ۱۳۵۸

محرمانه

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی - ۳۹۵۳

به: سفارت آمریکا، مسقط - با اولویت

جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در ابوظبی، امان، بغداد، قاهره، دمشق، دوحه، جدّه، کویت، منامه، صنعا، تهران.

موضوع: گفتگوی دوجانبه ساندرز با یوسف العلوی معاون وزیر خارجه عمان

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- خلاصه: در گفتگوی دوجانبه ۴ اکتبر، علوی معاون وزیر تأیید کرد که عمان به حمایت خود از تلاشهای صلح آمریکا در خاورمیانه ادامه خواهد داد. وی امیدوار است که دولت آمریکا سریعاً به ابتکار عمان در رابطه با تنگه هرمز پاسخ مثبت بدهد. و فکر می‌کند که پاسخ آمریکا مثبت خواهد بود. پایان خلاصه.

۳- آقای ساندرز در گفتگوی دوجانبه در نیویورک در تاریخ ۴ اکتبر با یوسف العلوی معاون وزیر خارجه عمان درباره مسائل ذیل تبادل نظر کرد.

صلح خاورمیانه

در مقدمه، آقای ساندرز مراتب سپاسگزاری آمریکا را از حمایت عمان در قبال تلاشهای صلح آمریکا در خاورمیانه ابراز داشت. ما می‌دانیم که این حمایت برای عمان مضراتی نیز داشته است که از آن جمله می‌توان انزوای آن را در جهان عرب برشمرد. آقای العلوی پاسخ داد که حمایت عمان بر این محاسبه استوار است که در درازمدت روابطش با کشورهای عربی



عادی خواهد شد. وی در همین حال از پیشرفت ماههای اخیر در مورد مسئله فلسطینی‌ها راضی است. اگر این روند ادامه یابد موضع عمان سهل‌الوصول‌تر خواهد شد. در حال حاضر چند کشور عربی به درستی موضع عمان پی برده‌اند. عمان موضع خود را حفظ خواهد کرد و به ترغیب استقرار صلح در خاورمیانه خواهد پرداخت.

در ادامه اظهارنظرهای نویدبخش معاون وزیر، آقای ساندرز گفت که اکنون به سادگی می‌توان «مانع» موجود در روابط آمریکا و اعراب را رؤیت نمود. وزیر ونس اخیراً به شاه‌حسین گفته بود که نکته مورد بحث بین شاه حسین و عرفات، رابطه فلسطینی‌ها با اردن و اسرائیل، با تلاش آمریکا در جهت تحقق خودمختاری کامل فلسطینی‌ها در ساحل غربی و نوار غزه مطابقت دارد. به وجود آمدن مباحثات منطقی در بخش عربی امیدوار کننده است و دیگر آنها صرفاً به محکوم شمردن کمپ دیوید نمی‌پردازند.

لبنان

آقای ساندرز معاون وزیر را در جریان تلاشهای آمریکا در لبنان قرار داد. وی گفت ما سعی داریم به یک منطقه آتش‌بس یا «منطقه صلح» در جنوب لبنان دست یابیم. در مراحل بعدی سعی خواهیم کرد بر اساس قطعنامه ۴۲۵ اختیارات را به دست دولت لبنان بسپاریم. آقای العلوی سؤال کرد که آیا در مورد مسئله لبنان، آنچنان که وی شنیده است، به زودی کنفرانسی تشکیل خواهد شد. آقای ساندرز گفت که کلمه «کنفرانس» درست نیست و گفت که ما با دیگر دولت‌ها در نیویورک درباره اقدامات مقتضی به مشورت پرداخته‌ایم. پس از پایان این مرحله، ما عقاید خود را مشخص خواهیم کرد و با دولت لبنان و دیگر گروههای ذیربط بیروت همکاری خواهیم نمود.

پیشنهاد عمان در رابطه با تنگه هرمز

گفتگو به پیشنهاد دیپلماتیک عمان در مورد تنگه هرمز متمرکز گردید. آقای العلوی گفت که هدف از این تلاش مطرح ساختن موضوع و نشان دادن خطرات موجود است. زمانی می‌توان با این مسئله مقابله کرد که دیگر دولت‌ها نیز از تلاش عمان در تجهیز ظرفیت‌های حفاظتی آن حمایت به عمل آورند.

آقای العلوی گفت عمان می‌داند که عراق از طرح مزبور حمایت نخواهد کرد. بغداد دائماً با برخورد جمعی با مسئله امنیت خلیج [فارس] مخالفت می‌ورزد ولی عمان نمی‌خواست چنین نتیجه گرفته شود که عراق در این موضوع منزوی شده است. در رابطه با عکس‌العمل دیگر دولت‌ها، سعودیها اظهار علاقه کرده و ظاهراً مانند عمان فکر می‌کنند. کویت، بحرین، قطر و امارات متحده عربی نیز پاسخ مثبت داده‌اند لیکن ظاهراً از این حرکت متعجب شده‌اند. کویت مجبور است رابطه خود با عراق را در نظر گیرد و عمان نیز هنوز منتظر دریافت عکس‌العمل

اروپا و آمریکا است ولی امیدوار است این عکس‌العمل مثبت باشد. آقای العلوی و سفیر عمان در آمریکا، صادق سلیمان که در این گفتگو نیز حضور داشت، گفتند که می‌خواهند بدانند، دیگر کشورها در گفتگو با آمریکا و در رابطه با ابتکار عمان چه عکس‌العملی نشان داده‌اند. آقای ساندرز پاسخ داد که چند کشور معتقدند که این پیشنهاد شایسته است، لیکن آنها ناراحت هستند که چرا ابتدا با ایران و عراق تماس گرفته شده است. علاوه بر این، موضع عمان در قبال کمپ دیوید مانعی برای یک عکس‌العمل مثبت بود. العلوی اظهار داشت که مسئله دیگری نیز وجود دارد و آن این است که کشورهای دیگر «تصور می‌کنند» آمریکا عمان را وادار به اتخاذ این روش کرده است. ولی العلوی معتقد است که عمان عدم صحت این موضوع را به آنها ثابت کرده است.

آقای ساندرز گفت که نباید طرح عمان را نظریه‌ای پدید آمده از سوی آمریکا تلقی نمود، و او در گفتگوهای خود نیز این مطلب را تصریح کرده است. آقای ساندرز با یادآوری این مطلب که تنها چند روز قبل ما از این مسئله مطلع شده‌ایم، به العلوی اطمینان داد که ماهیت «بسیار حرفه‌ای» آن مورد بررسی دقیق قرار خواهد گرفت. العلوی تأکید کرد که امیدوار است هرچه زودتر پاسخ دولت آمریکا را دریافت دارد. دریافت این پاسخ سریع به موضع عمان کمک خواهد نمود. وی ظاهراً چنین تصور کرده است که پاسخ حاصله مثبت خواهد بود.

آقای ساندرز با اعتراف به این واقعیت که نمی‌توان در «وهله اول موضوع را با همه در میان گذاشت» سؤال کرد که چرا قبل از تماس با کشورهای دیگر با ایران و عراق تماس حاصل شده است. پاسخ آقای العلوی و سفیر سلیمان دارای دو جنبه بود.

الف) العلوی مسئول مسافرت به دیگر کشورها بود، ولی یکی دیگر از مقامات وزارت امور خارجه مکلف به مسافرت به ایران و عراق شده بود. و چون مقام وزارت امور خارجه وقت آزاد بیشتری داشت زودتر به انجام این مأموریت پرداخته بود.

ب) اینگونه مشورتها، هنگامی که عمان سعی داشت خطوط دریانوردی تنگه هرمز را تغییر دهد صورت گرفت و از سوی دیگر کشورها و حتی عراق عکس‌العمل منفی پدید نیامد.

انقلاب ایران و امنیت خلیج [فارس]

آقای ساندرز سؤال کرد که عمان پس از انقلاب ایران امنیت خلیج [فارس] را چگونه ارزیابی می‌کند. آیا با شیعیان عمان اختلافاتی وجود دارد؟ آقای العلوی گفت که شیعیان عمان با ایرانیها «مرتبط» نبوده و خود را کاملاً عمانی می‌دانند. نگرانی مهم‌تر طبق گفته العلوی، امکان کمک ایران به جبهه آزادیبخش خلق فلسطین و یا دیگر گروههای تندرو فلسطینی است. این گروهها ممکن است از ایران به عنوان پایگاهی جهت تهدید تنگه هرمز استفاده کنند و از طریق همین تهدیدات ثبات رژیم عمان را بر هم زنند.

آقای ساندرز معاون وزیر را در جریان نظریات آمریکا در رابطه با امنیت خلیج [فارس] قرار

داد. با اعلام این مطلب که امنیت باید توسط کشورهای منطقه ایجاد شود، وی گفت که اکثر کشورهای خلیج [فارس] از آمریکا می‌خواهند نقش جهانی خود را ایفا نمایند. بدین ترتیب، هنگامی که رئیس‌جمهور کارتر چند روز قبل اظهار داشت ما نیروهای خود را در اقیانوس هند افزایش داده‌ایم، منظور وی افزایش حضور «در مسافت دور» بود. ما مراقب نیازهای امنیتی منطقه هستیم ولی حساسیت‌های سیاسی آن را نیز در نظر داریم. ما نمی‌خواهیم «در جهان به عملیات گشت‌زنی» بپردازیم، ولی هرگاه که لازم باشد در این زمینه کمک خواهیم کرد.

العلوی گفت به نظر سلطان قابوس حضور آمریکا در منطقه باید با حضور شوروی در منطقه همسان باشد. در همان حال وی معتقد است که کشورهای خلیج [فارس] باید با همکاری یکدیگر با این خطرها روبرو شوند، البته به استثنای عراق که گویا مایل به همکاری در این زمینه نیز نیست. خوشبختانه دیگر کشورهای عربی خلیج [فارس] نیز به این نیاز پی برده‌اند.

اعزام تیم تحقیق آمریکا به عمان

سفیر سلیمان سؤال کرد که آیا گروه تحقیق آمریکایی که اخیراً به عمان سفر کرده بود گزارش خود را کامل کرده است؟ آقای ساندرز پاسخ داد که وی فرصت بررسی توصیه‌های تیم را نداشته است چون به تازگی از سفر بازگشته است.

نقش سفیر سلیمان

در ادامه آخرین اظهارنظر العلوی مبنی بر اینکه دولت آمریکا باید آزادانه و به طور کامل از سفیر سلیمان «بهره‌برداری کند»، آقای ساندرز گفت سفیر باید در آمریکا به مسافرت پرداخته و با افراد آمریکایی بیشتر صحبت کند. روش عمان در رابطه با منافع آمریکا و اعراب قابل تعمق است و سفیر باید در نشان دادن این روش سازنده مساعی بیشتری نشان دهد.

ونس

سند شماره ۱۰۷

۹ اکتبر ۱۹۷۹ - ۱۷ مهر ۱۳۵۸

محرمانه

از: سفارت آمریکا، کویت - ۴۶۳۳ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در ابوظبی، بغداد، بن، منامه، مسقط، لندن، پاریس، رم، صنعا، تهران

مرجع: الف) مسقط ۱۷۳۲، ب) (SECTO ۸۰۱۵، پ) سرویس خبر پراکنی خارجی
LD ۳۱۷۰۶، ت) منامه ۱۹۳۹.

موضوع: امنیت منطقه خلیج [فارس] - طرح عمان درباره هرمز

۱- (محرمانه - تمام متن)



۲- خلاصه: راشد الراشد معاون وزارت امور خارجه، در اظهارنظر پیرامون ابتکارات عمان جهت حفاظت از تنگه هرمز، از موضع استاندارد دولت کویت مبنی بر اینکه برای دولت‌های خلیج [فارس] تنها راه برقراری امنیت ایجاد نظم در داخل خودشان است صحبت کرد و گفت در این صورت نیازی به پیمانهای اتحاد نخواهد بود. به عقیده وی عمانیها به جای ناوهای مین جمع کن به اصلاح داخلی نیازمندند. آنها نتوانسته‌اند هیچیک از خطرهایی را که متوجه تنگه است از میان بردارند، بنابراین کویت نمی‌تواند آن را جدی تلقی کند. نحوه بازاریابی برای طرح‌هایشان در رابطه با کویت بسیار توهین‌آمیز است، چون کویت با عمان بیش از ایران و عراق اشتراک منافع دارد و به نظر وی عمانی‌ها در مورد این پیشنهاد خود نمی‌توانند چندان جدی باشند. الراشد احتمالاً باور نمی‌کند که عمانیها می‌خواهند از نیروهای غربی برای حراست از تنگه هرمز استفاده کنند. پایان خلاصه.

۳- معاون نمایندگی و من در ۶ اکتبر با راشد الراشد معاون وزارت امور خارجه ملاقات کردیم تا پیرامون سخنان رئیس جمهور در مورد نظامیان شوروی در کوبا گفتگو کرده (تلگرام گزارشی سپتامبر) و در مورد حضور دریایی آمریکا در اقیانوس هند نیز شرحی داده باشم. پس از آن از الراشد خواستم که نظر خود را درباره ابتکار عمان برای برقراری امنیت در تنگه هرمز بیان نماید. در مقام توضیح گفتم که مبتکر این طرح آمریکا نبوده است، و هدف من نیز قبولاندن موضع عمان نیست لیکن مایلیم عکس‌العمل دولت کویت را درباره این طرح بدانم چون نمی‌توان به سخنان عمومی منفی در قبال این ابتکار متکی بود (کویت ۴۳۷۷).

۴- الراشد با «قدری فلسفه‌بافی» در مورد روحیه دولت کویت در قبال امنیت منطقه مانند گذشته سخن آغاز کرد. وی گفت کویتی‌ها می‌دانند که «امنیت یک ملت مربوط به خود آن ملت است»، بنابراین عنصر اصلی این امنیت اعتماد مردم به خود و رهبران‌شان است. برای ایجاد این اعتماد باید عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه و مناسب منابع در میان مردم صورت پذیرد. ثالثاً، مشکل موجود در میان ملت‌های خلیج [فارس] باید از بین برداشته شود و کویت در این جهت فعالیت بسیار کرده است. و بالاخره اینکه تمام کشورهای منطقه باید از اتکای کامل به بیگانگان امتناع ورزند. بنابراین به عقیده کویت برای برقراری هرگونه معاهده امنیتی رسمی ابتدا باید این چهار شرط را برآورد و اگر این شرایط بر هر یک از کشورهای خلیج [فارس] حاکم باشد اصلاً نیازی به اینگونه اتحادها و پیمانها نیست.

۵- سلطان قابوس: با گفتن این که این مطالب باید محرمانه بماند و با درخواست از معاون نمایندگی که دست از یادداشت برداری بکشد، راشد گفت که رابطه بین قابوس و «افراد نظامی‌اش» تنها مانع ایجاد امنیت در عمان است. وی گفت عمان و جمهوری دموکراتیک خلق یمن هر دو از دو طریق جداگانه به همین موضع می‌رسند. در هر دوی این کشورها رهبریت متکی به تعدادی مستشار خارجی است و در تماس کافی با مردم نیستند. الراشد گفت دولت آمریکا از نقایص موجود در رژیم عمان آگاه است و می‌تواند در تصحیح این نقایص مداخله

نماید. البته وی معتقد نیست که رهبریت باید عوض شود بلکه معتقد است که باید قابوس را متقاعد ساخت که در مقابل مردم خود بهتر عمل کند و خود را در میان مستشاران مورد بحث محصور ننماید.

۶- هیچ خطری متوجه تنگه هرمز نیست: الراشد پیامی را که عمانی‌ها با تاکتیک‌های خاص خود به کشورهای خلیج [فارس] ارسال داشته‌اند کم‌اهمیت خواند. وی می‌گوید عمان ابتدا راه‌حل را یافته است و هم‌اکنون به دنبال مشکل است تا در مورد راه‌حل کاربرد داشته باشد. العلوی معاون وزارت امور خارجه عمان در توقف خود در کویت در ۲۴ سپتامبر نتوانسته بود به این سؤال راشد که چه کسی تنگه هرمز را تهدید می‌کند پاسخ گوید. «شما افرادی را که می‌خواهند کشتی‌ها را غرق نمایند به ما نشان دهید ما راه مبارزه با آنها را می‌دانیم.» الراشد گفت قطع جریان نفت برای هیچکس منفعی به همراه ندارد، حتی عوارض حاصله از صدور نفت شریان حیاتی فلسطینیها را تشکیل می‌دهد. گفتم ممکن است بعضی از ارتدادیون به این کار مبادرت ورزند، و وی در پاسخ گفت هر کشور تعدادی آنارشیست دارد که باید با آنها درافتد. وی معتقد است هیچ گروه یا نیروی دریایی موجود از تکنولوژی لازم برای مین‌گذاری تنگه‌ها برخوردار نیست و آمریکا نیز در اثر تجربه خود در مین‌گذاری بندر «هایفونگ» این را می‌داند.

۷- عمانی‌ها چندان هم جدی نیستند: درست مانند بحرینیه‌ها، طبق گزارشهایی که از منابع رسیده است، الراشد نیز از نحوه بازاریابی عمانیها برای طرح خودشان احساس تنفر نمود. «آنها پس از سفر به بغداد و تهران به کویت آمدند» و فرستاده عمانی در اوایل بعد از ظهر وارد کویت گردید و صبح روز بعد خواستار ملاقات با یک مقام بلندپایه دولتی گردید و حتی مایل نبود که شب را در اینجا به سر برد. بنابراین می‌توان گفت عمانیها نمی‌خواسته‌اند حمایت دوستان طبیعی خود را در این زمینه جلب نمایند.

۸- راشد گفت از عمانی‌ها پرسیده است که نیروی انسانی لازم برای کشتی‌های گشتی تنگه را چه کسی فراهم خواهد کرد، که آنها باز هم نتوانسته بودند جواب قانع‌کننده‌ای بدهند. وی گفت عمان نمی‌تواند به تنهایی این نیروی انسانی را فراهم آورد، و استخدام «پاکستانیها» و یا دیگر بیگانگان برای انجام این وظیفه خطیر دعوت به خرابکاری با رشوه دادن است و در نتیجه امنیت تنگه بیش از پیش به خطر می‌افتد. راشد در پایان گفت البته کویت علاقه‌مند به امنیت محموله‌های نفتی عبوری از تنگه هرمز است، لیکن مایل است با این مسئله به طور جدی و منظم برخورد نماید.

۹- نظریه: من انتظار داشتم که راشد بین افکار عمانیها در مورد حفاظت کشتیرانی در تنگه هرمز و نیروهای خاورمیانه‌ای ما ارتباط قایل شود و این موضوع را عمداً پیش کشیدم و گفتم که آمریکا برانگیزنده این فکر و ابتکار نبوده است. راشد بین این دو، ارتباط قایل نشد فقط به رژیم عمان به عنوان رژیم‌ری می‌که با مردمش در تماس نیست حمله کرد. و البته اصلاً اشاره نکرد

که ممکن است این ایده عمانی‌ها منجر به ورود نیروهای آمریکایی یا اروپایی به منطقه خلیج [فارس] شود، بر عکس وی مطبوعات بغداد به طور مؤثر از این نتیجه‌گیریها کرده است.

۱۰- اظهار نظر بیشتر: فرصت نکرده بودم محتوای گفتگوی ساندرز معاون وزیر را با وزیر خارجه بحرین (مرجع ب) مطالعه کنم چون درست قبل از ملاقات صبحگاهی من با راشد دریافت گردیده بود. نکاتی که ساندرز با وزیر امور خارجه بحرین (بند ۱۰، مرجع ب) درباره منبع اصلی امنیت خلیج [فارس] مطرح کرده بود و نیز این واقعیت که آمریکا از حساسیت مداخله خود آگاه است، همه مورد قبول راشد می‌باشند، ولی با استفاده از موقعیت و با در نظر گرفتن عقاید محلی درباره «نیروهای واکنش سریع» و هیجان مشهود درباره ابتکار عمان، در این رابطه موضع آمریکا را به وزارت امور خارجه یادآور خواهم شد.

ساترلند

«زندگی نامه‌هایی از شیوخ خلیج فارس»

سند شماره ۱۰۸

سپتامبر ۱۹۷۱ - شهریور ۱۳۵۰

سری

سازمان اطلاعات مرکزی (سیا)

[موضوع]: بحرین و فرمانروای آن

یادداشت اطلاعاتی

شیخ عیسی بن سلمان آل خلیفه

فرمانروای بحرین جدیدالاستقلال

هشدار

این سند حاوی اطلاعاتی است که به تعریف فصل ۱۸ بخشهای ۹۷۳ و ۹۷۴ مجموعه قوانین اصلاح شده ایالات متحده از دفاع ملی ایالات متحده تطبیق دارد. انتقال یا افشای محتویات آن به افراد فاقد صلاحیت یا دریافت آن توسط این افراد طبق قانون ممنوع است. تعیین تاریخ خروج خودبخودی از طبقه‌بندی نامقدور است.

کشور بحرین

مساحت: ۲۳۰ میل مربع به اضافه چند جزیره کوچکتر

جمعیت: ۲۱۰۰۰۰ نفر

مذهب: مسلمان

زبان: عربی

رهبر دولت: شیخ عیسی



بحرین

امیر عیسی بن سلمان آل خلیفه

شیخ عیسی فرمانروای بحرین در تاریخ ۱۴ اوت ۱۹۷۱ استقلال جزیره کوچک خود را از انگلیس اعلام کرد. شیخ عیسی در نوامبر ۱۹۶۱ به عنوان امیر بحرین جانشین پدرش سلمان بن حمد آل خلیفه گشت. او نه به خاطر ابتکارات خود، بلکه به علت تغییر اوضاع خلیج فارس از اهمیت بسیاری برخوردار شده است. پس از خروج بریتانیا در اواخر سال ۱۹۷۱، کشور نفت خیز وی در خلیج [فارس] موقعیتی مهم از نظر سیاسی و اقتصادی خواهد داشت. پس از اعلام استقلال توسط شیخ عیسی، دو قدرت خلیج فارس یعنی ایران و عربستان سعودی با ارسال پیامهای تبریک این کشور را به رسمیت شناختند. آمریکا نیز به دولت بحرین اطلاع داد که «... آمریکا از اعلامیه استقلال بحرین استقبال کرده و ... و در صورت درخواست، کشور بحرین را به رسمیت خواهد شناخت.» در تاریخ ۱۸ اوت، شورای امنیت سازمان ملل به مجمع عمومی این سازمان توصیه کرد که درخواست عضویت بحرین را در این سازمان با نظر مثبت مورد ملاحظه قرار دهد.

شیخ عیسی که ظاهراً میل ندارد به عنوان وارث مسلم به فرمانروایی پردازد، در به دست گرفتن ابتکار به عنوان فرمانروا تأمل بسیار نشان داده، لیکن میل نداشته است که اختیارات خود را نیز از دست بدهد. او با مشکلات و خطراتی که همیشه بر سر راه یک مدیر و سرپرست با نبوغ قرار دارد دست به گریبان است که عبارتند از: اختلافات مذهبی، نژادی و اقتصادی و عدم محبوبیت خود در میان توده‌های مردمی. بسیاری از زیردستان وی سرنگونی وی را با استقبال پذیرا خواهند شد. علاوه بر این شیخ عیسی به خاطر جاه‌طلبی‌های سیاسی احتمالی برادر و رقیب بالقوه خود یعنی شیخ محمد بن سلمان آل خلیفه که رئیس پلیس و امنیت عمومی است در معرض خطر قرار گرفته است. استقلال، هیچیک از مشکلاتی را که بحرین دچار آن شده، از بین نخواهد برد.

استقلال بحرین - گذشته و دورنما

بحرین از سالهای ۱۸۵۰ یکی از نه امارات خلیج فارس به شمار می‌رفت که با انگلیس روابط ویژه‌ای برقرار کرده بود. بر اساس هر یک از معاهده‌های منعقد، انگلیس روابط خارجی و دفاعی هر یک از امارات را اداره می‌کرد؛ حال آنکه خدمات داخلی دولتی آنها نیز توسط انگلیس رتق و فتق می‌گشت. در سال ۱۹۶۸ انگلیس اعلام کرد که قصد دارد تا پایان سال ۱۹۷۱ از خلیج [فارس] خارج گردد، و در همان حال پیشنهاد کرد که این نه امارت فدراسیونی تشکیل دهند و فدراسیون امارات عربی خوانده شوند. هر یک از شیوخ از انزوای استقلال در جهان خصومت بار ترس به دل راه می‌داد... کویت و عربستان سعودی نیز در امور همسایگان کوچک خود مداخله کرده و از آنها می‌خواستند که سرانجام این فدراسیون را تشکیل دهند. لیکن هر یک از این شیوخ ترس از آن داشت که مبادا در نتیجه متحد شدن با شیوخ دیگر

اهمیت و قدرت خود را از دست بدهد. انگلیس معاونین فرمانروایان را در اکتبر ۱۹۷۰ به یک اجلاس سازمانی در ابوظبی دعوت کرد. هر یک از شیوخ در تلاش برای حفاظت از منافع خود و نفی دیگران بود، و در نتیجه مشاجرات حاصله پیرامون نمایندگی، رأی و بودجه، مسئله تشکیل فدراسیون لاینحل ماند.

بحرین پیشرفته‌ترین و از نظر اقتصادی در بین این سه امیرنشین مهم‌ترین بوده و حدود نیمی از جمعیت آنها را در بر گرفته است. پس از پیشنهاد شرایط تشکیل فدراسیون که مورد قبول دیگر امارات قرار نگرفت، بحرین توانست از آنها جدا شود. شش امارت از هشت امارات باقیمانده در تاریخ ۱۸ جولای ۱۹۷۱ یعنی یک ماه قبل از اعلام استقلال توسط بحرین، تشکیل اتحادیه امارات عربی را اعلام نمودند. ولی بحرین در اعلامیه خود اظهار داشت که در آینده تحت شرایط صحیح و مناسب حاضر به تشکیل فدراسیون با دیگران خواهد بود. این بیانیه پاسخی در قبال تقاضاهای کویت و عربستان سعودی نیز به حساب می‌آمد.

سیاست‌ها و اوضاع داخلی

بحرین با وجود کوچکی یک تمامیت منسجم نیست. بیست درصد ساکنین آن را افراد غیر تبعه تشکیل می‌دهند؛ بعضی از آنها از کشورهای عربی آمده‌اند، لیکن بسیاری از آنها خود را تبعه ایران که یک کشور غیرعربی است، می‌دانند. جمعیت محلی نیز دچار اختلافات اجتماعی، اقتصادی و مذهبی است. از دو گروه مسلمان بحرین، سنی‌ها از نظر مذهبی خود را وابسته به شبه جزیره عربی و شیعیان خود را وابسته به شیعیان ایران می‌دانند.

به قدرت رسیدن شیخ عیسی با خوش بینی روبه‌رو گردید. طبقه تجار محافظه‌کار که تنها به وضع موجود انباشت ثروت وابسته است، اظهار هم‌دردی می‌کرد. گروه‌های جوان و تحصیلکرده علاقه‌مند به اصلاحات اجتماعی، امیدوار بودند. شیخ عیسی نیز ظاهراً به روش‌های غربی علاقه داشت و مدرنتر از پدرش می‌نمود و اقداماتی در جهت اصلاحات اجتماعی انجام داد و احداث چند پروژه مسکن عمومی را نیز پایه‌گذاری کرد.

با این وصف، امیر، شخصی اساساً محافظه‌کار بود و الزاماً سیاستش بر این است که کاری انجام ندهد. با خروج انگلیس از مشارکت فعال در دولت، امیر محافظه‌کاری بیشتری پیشه کرد و در اتخاذ تصمیمات روزمره قاطعیت چندانی از خود نشان نمی‌داد او به هیچیک از گروه‌ها اجازه دخالت در امور دولت را نمی‌داد، و عدم اعتماد او به زیردستان خود مانند عدم اعتماد اعراب ناسیونالیست موجود در آنها نسبت به او بود. او شورش سال ۱۹۴۲ زنگبار را نمونه بارز تأسیس دموکراسی پارلمانی در یک جامعه ناآگاه ذکر می‌کرد.

سیاست داخلی شیخ عیسی خشم جوانان ناسیونالیست و تندرو را برانگیخت و او را آلت دست انگلیس و مرتجع قلمداد می‌کردند. بعضی از رفتار شخصی او نیز تنفر دیگر بحرینی‌ها را نسبت به او برانگیخته است: او به جمع‌آوری ثروت و زن علاقه بسیار دارد و معمولاً مردم به

او دسترسی ندارند. تمام این عوامل دست به دست هم داده، فعالیت‌های مخرب پنهانی را در جهت سرنگون کردن خانواده حاکمه موجب شده است.

سیاست خارجی

در سال ۱۹۶۸ و قبل از اعلام خروج انگلیس از خلیج [فارس]، عیسی در اداره امور خارجی تجربه بسیار محدودی داشت. در آن زمان انگلیس امور خارجی و دفاعی کشور را اداره می‌کرد و عیسی نیز اجازه می‌داد که توسط آنها هدایت شود. از زمان انتشار اعلامیه انگلیس، شیخ عیسی لزوم به دست گرفتن ابتکار و استقلال عمل را دریافته است. ولی او که نمی‌داند چطور باید این کار را انجام دهد تنها به شکوه و شکایت پرداخته است. او از انگلیسی‌ها ناراضی است و ادعا می‌کند که آنها مسئولیت‌های خود را نادیده می‌انگارند. (اشاره بدین مطلب که اداره بحرین از مسئولیت‌های انگلیس است موجبات رنجش خاطر ناسیونالیست‌های عربی را فراهم آورده است). شیخ عیسی به عنوان نمونه عدن را ذکر می‌کند: خروج سریع انگلیس در نوامبر ۱۹۶۷ از عدن سبب شد که جبهه آزادیبخش ملی چپ‌گرا با توسل به زور در یمن جنوبی به قدرت برسد. او با اشاره به وضع خود می‌گوید که اینگونه اقدامات انگلیس سبب می‌شود که مردم با توسل به خشونت به قدرت برسند. مهم‌ترین عامل نگرانی شیخ عیسی این بود که ایران ادعا می‌کرد بحرین از آن ایران است، تا اینکه پس از تحقیقات سازمان ملل پس از می ۱۹۷۰ ایران دعوی خود را پس گرفت. (ایران بر سر بحرین حدود یک قرن با انگلیس اختلاف داشت؛ ولی اکثر بحرینی‌ها ترجیح می‌دادند مستقل باشند). شیخ عیسی برای از بین بردن این خلاء قدرت در سال ۱۹۷۲ فعالانه از تشکیل فدراسیون امارات عربی حمایت می‌کرد. ولی مشکلات موجود بر سر راه تشکیل فدراسیون سبب شد که وی نیز استقلال را انتخاب کند.

طرز تلقی نسبت به آمریکا

شیخ عیسی تنها فرمانروای عربی بود که در طول جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷ اجازه داد نفت این کشور توسط نیروهای آمریکا در ویتنام مورد استفاده قرار گیرد. او گفته است که میل دارد آمریکا حضوری قابل رؤیت، به شکل یک حضور در حکومت، در بحرین داشته باشد. پس از تکمیل مراحل به رسمیت‌شناسی، سفیر آمریکا در کویت نیز احتمالاً با حفظ سمت به سفارت این کشور در بحرین منصوب خواهد شد. سفارت آمریکا در منامه نیز در اواسط سپتامبر ۱۹۷۱ افتتاح خواهد شد.

سوابق و مشاغل پیشین

شیخ عیسی بن سلمان آل خلیفه بزرگ‌ترین فرزند از سه فرزند فرمانروای اسبق در تاریخ ۳

ژوئن سال ۱۹۳۳ در «جرا» متولد شد. (خانواده خلیفه در سال ۱۷۸۲ بحرین را فتح و از آن زمان در آنجا فرمانروایی کرده است.) شیخ عیسی نزد معلمین خصوصی توانست تحصیلات دوره ابتدایی را بگذراند. در سال ۱۹۵۲ او در شورای سلطنت خدمت نمود و در سال ۱۹۵۵ ریاست شورای شهرداری و کمیته آب را به عهده گرفت و در سال ۱۹۵۷ عضو شورای سلطنتی گردید. چون استعدادهای وی در زمینه مدیریت درخشان نبود، وظایف تشریفاتی به عهده او گذارده شد، که از جمله آنها شرکت وی در مراسم تاجگذاری شاه عراق در سال ۱۹۵۲ را می‌توان نام برد. او اصلاً به نحوه عملی اداره امور دولت توسط پدرش توجه نمی‌کرد. در سال ۱۹۵۷ بنا به توافق خانوادگی، وی وارث مسلم فرمانروایی اعلام گردید و در سال ۱۹۶۰ به محض فوت پدر، امیر بحرین شد.

عدم قاطعیت شیخ عیسی پس از رسیدن به قدرت، وی را آماج انتقادات مخالفین قرار داد و مهاجرین عربی نیز فعالانه از آنها بهره‌برداری می‌کردند. او در سال ۱۹۶۲ با کمال قاطعیت و عزمی راسخ تعدادی از معلمین مصری را که دانشجویان را برای اتحاد اعراب به تظاهرات تحریک کرده بودند، اخراج کرد. عکس‌العمل وی در قبال اعتصاب شرکت نفت بحرین در سال ۱۹۷۴ کاملاً فاقد کفایت و لیاقت بود. در طول همین اعتصاب و تظاهرات دانشجویی متعاقب آن، برای اولین بار صدای اعتراض و مخالفت علیه خود فرمانروا شنیده شد. در حالیکه نحوه کنترل و اداره شورشهای داخلی توسط شیخ عیسی در طول جنگ اعراب و اسرائیل یعنی دو سال پس از اعتصاب مزبور، تمجید و تحسین ناظران غربی را برانگیخت.

در مارس ۱۹۶۸ فرمانروا تشکیل گارد ملی را (که اکنون نیروی دفاعی بحرین خوانده می‌شود) به فرماندهی فرزند و وارث فرمانروایی، شیخ حمد بن عیسی که اخیراً از دانشکده افسری «مونس» در «الدرشات» انگلیس فارغ‌التحصیل شده است، اعلام نمود. گارد ملی تحت کنترل رئیس پلیس و امنیت عمومی نبوده و محمد برادر شیخ عیسی نسبت به تشکیل آن روی خوشی نشان نداده است.

سفرها

شیخ عیسی مسافرت‌های بسیاری انجام داده است. او در سال ۱۹۵۲ به انگلیس، فرانسه و ایتالیا و در سال ۱۹۵۴ به انگلیس و آمریکا از طرف شرکت «بک» سفر نمود، و در سال ۱۹۵۵ و ۱۹۵۷ نیز در اروپا به سر می‌برد.

از زمان رسیدن به قدرت وی در سالهای ۱۹۶۳ و ۱۹۶۶ به انگلیس سفر کرد و چند بار نیز از عربستان سعودی و کویت بازدید به عمل آورد.

در اوایل سال ۱۹۶۷ شیخ عیسی سعی داشت به استحکام روابط در منطقه بپردازد؛ و به همین منظور به قطر، کویت، عربستان سعودی و دوبی سفر کرد. سفر او به قطر در سال ۱۹۶۷ سفر اولین فرمانروای بحرین به این کشور در ۱۰۰ سال گذشته به حساب می‌آید. در سال

۱۹۶۸ وی به عنوان میهمان شرکت نفت کالتکس («بک» نیز احتمالاً یکی از شاخه‌های کالتکس است) به آمریکا سفری داشت. در طول همین سفر وی از پاریس نیز بازدید کرد. در سال ۱۹۶۹ او به قاهره رفت تا در تشییع جنازه ناصر، رئیس‌جمهور متحده عربی شرکت جوید و پس از آن برای ملاقات با شاه به تهران سفر کرد.

خصوصیات فردی

شیخ عیسی مردی کوتاه‌قد (۵ پا و ۵ اینچ) و چاق بوده و معمولاً لباس عربی به تن می‌کند. او خجول و خوش‌برخورد بوده و از سرگرمیهای غربی و کلوب‌های شبانه خوشش می‌آید. او در انظار مشروب نمی‌نوشد لیکن در کوکتل‌پارتیها شرکت می‌کند. او زمانی از طرفداران ماشین‌های اسپورت بود و در سال ۱۹۶۰ در یک سانحه شدید اتومبیل زخمی شد. فرمانروا یک مسلمان سنی مذهب است. او و همسرش «هیسا» در سال ۱۹۴۹ ازدواج کردند. او حداقل چهار فرزند پسر به نامهای صمد، رشید، عبدالله و محمد و یک فرزند دختر به نام منیره دارد. شیخ عیسی علاوه بر زبان اصلی خود یعنی عربی به زبان انگلیسی نیز صحبت می‌کند.

سند شماره ۱۰۹

۲۴ می ۱۹۷۲ - ۳ خرداد ۱۳۵۱

محرمانه

سفارت آمریکا، تهران - گزارش پرونده

موضوع: احمد سویدی، وزیر خارجه امارات متحده عربی

در گفتگوی مورخ ۲۲ می با ان. دبلیو براون، دبیر سوم سفارت انگلستان در تهران، براون یادآور شد که دولت متبوعش به احمد سویدی وزیر خارجه امارات متحده عربی اعتماد ندارد، و سویدی را مسئول اعمال ضد و نقیض حاکم امارات متحده عربی یعنی زاید می‌داند. براون، سویدی را فردی «چپ‌گرا و دارای احساسات ناسیونالیستی عربی» توصیف نمود که می‌تواند مشکلات زیادی پدید آورد. پس از آنکه گفتم در طول سفر کوتاه خود به منطقه متوجه شدم که سویدی مردی بسیار توانا در منطقه است، براون پاسخ داد که او نسبتاً صلاحیت‌دار است و یک سر و گردن بالاتر از دیگران در ابوظبی و نیز احتمالاً در تمام امارات متحده عربی است. در ادامه، براون اظهار داشت که «فرد دانای ارشاد نشده» بدترین «نوع از افراد موجود است» و یادآور شد که از نظر دولت انگلستان، مشکلات آنها در رابطه با زاید و سویدی هنوز برطرف نشده است.

از نظر هر دوی آنها، امور بین‌المللی «یک بازیچه جدید» است و به گفته براون، انگلستان از این وضع به هیچوجه خوشنود نیست.

سی. دبلیو. مک کاسیکل



ژوئن ۱۹۷۳ - خرداد ۱۳۵۲

گزارش بیوگرافی

سری سازمان اطلاعات مرکزی (سیا)

[موضوع]: فیصل بن علی بن فیصل آل بوسعید سفیر عمان در آمریکا

هشدار

این سند حاوی اطلاعاتی است که به تعریف فصل ۱۸ بخشهای ۷۹۳ و ۷۹۴ مجموعه قوانین اصلاح شده ایالات متحده از دفاع ملی ایالات متحده تطبیق دارد. انتقال یا افشای محتویات آن به افراد فاقد صلاحیت یا دریافت آن توسط این افراد طبق قانون ممنوع است. تعیین تاریخ خروج خود به خودی از طبقه‌بندی نامقدور است. عکس سند کلیشه شود.

رؤیت برای بیگانگان ممنوع

سری

فیصل بن علی بن فیصل آل بوسعید

سفیر عمان در آمریکا و نماینده دائمی این کشور در سازمان ملل متحد

در تاریخ ۱۴ ژوئن ۱۹۷۳ فیصل بن علی بن فیصل آل بوسعید اعتبارنامه خود را به عنوان سفیر عمان در آمریکا تقدیم نمود. او با حفظ سمت در مقام نمایندگی دائمی عمان در سازمان ملل انجام وظیفه خواهد کرد که از آوریل ۱۹۷۲ نیز در این مقام خدمت می‌کرده است. شیخ فیصل که از زمان ورود به نیویورک در محافل سازمان ملل فعالیت چندانی نشان نمی‌داد تنها یک بار به نمایندگی آمریکا در سازمان ملل سر زد. در آن زمان وی صمیمانه در مورد لزوم روابط با آمریکا، اهمیت خلیج فارس از نقطه‌نظر منافع آمریکا و اهمیت روابط حسنه بین ایران و عمان سخن می‌راند. او در مورد خاورمیانه از خط عربی دنباله‌روی می‌کرد، لیکن نظریات خود را با میانه‌روی ابراز می‌داشت. فیصل که دارای گرایشات سیاسی است، کمونیسم را مورد مطالعه قرار داده و با کمونیست‌های چین و شوروی در تماس بوده است. او قبلاً عضو شورای فرماندهی انقلابی نهضت انقلابی عمان بود.

زندگی و سوابق پیشین

فیصل بن علی بن فیصل آل بوسعید در سال ۱۹۲۷ در مسقط متولد شد. وی عموی سلطان قابوس ابن سعید است. فیصل دوران تحصیل را در عمان، عراق و اروپای شرقی گذراند. او مدعی است که انجمن آمریکایی دوستان خاورمیانه به او بورسیه تحصیل نداده بود. فیصل یک بار به یکی از مقامات آمریکا گفت که در سال ۱۹۵۲ سرپرست آموزش و پرورش بود، لیکن به علت اختلاف با سلطان وقت، به قاهره تبعید و در آنجا به عنوان یک



ناشر اخبار به کار مشغول شد. ظاهراً این اختلاف بر سر امتناع فیصل از ریش گذاشتن بود. ولی در اواسط سال ۱۹۶۴ به یک گزارشگر چینی گفته بود که وی به عنوان دبیر وزارت امور خارجه در مستقط مشغول به کار بوده، لیکن در سال ۱۹۵۷ جهت مبارزه علیه امپریالیسم انگلیس به قاهره می‌رود. فیصل در مقام یک سخنگوی، مطالب زیادی علیه انگلیس در رادیو بیان می‌کرد. در سال ۱۹۵۹ وی در کنفرانس وحدت آفریقا و آسیا در قاهره شرکت جست. فیصل به نهضت انقلابی عمان به سرپرستی «غالب بن علی آل هیناوی» امام تبعید شده عمان پیوست. (امام مزبور رهبر معنوی مهم‌ترین گروه عمان یعنی مسلمانان عبادی است؛ وی به عنوان یک شورشی در سال ۱۹۶۰ از عمان اخراج گردید و پس از آن نهضت انقلابی عمان را تشکیل داد.) در سالهای ۱۹۶۰ - ۱۹۶۱ فیصل ریاست دفتر امامت عمان در دمشق را به عهده داشت. در اواخر سال ۱۹۶۳ وی به همراه امام مزبور به پایتخت‌های عربی سفر کرد تا درباره نهضت انقلابی عمان تبلیغ کند و در ژوئیه ۱۹۶۴ به ریاست دفتر امامت عمانی در پاریس منصوب شد. او در سال ۱۹۶۵ به آمریکا آمد تا نظرات امام را در سازمان ملل مطرح سازد. در سال ۱۹۶۶ بار دیگر به عنوان نماینده دفتر امامت به دمشق بازگشت.

در اواسط سال ۱۹۶۷ فیصل از امام روی گرداند و با طارق بن تیمور آل بوسعید عمو و برادر سلطان وقت هم‌پیمان شد. (طارق که در تبعید به سر می‌برد در تلاش برای جانشینی به جای برادرش به دنبال جلب حمایت بود.) وی مدتی معاون طارق بود. ولی فیصل در سال ۱۹۶۹ در قاهره اظهار داشت که با وجود حمایت از طارق میل ندارد همکار نزدیک وی شناخته شود، چون گرایش طارق به غرب او را نیز متمایل به غرب نشان خواهد داد.

پس از آنکه سلطان قابوس بن سعید آل بوسعید در سال ۱۹۷۰ پدر خود را سرنگون کرد، فیصل به سرپرستی وزارت آموزش و پرورش منصوب گردید. در این مقام وی با شایستگی کار کرد، چون وزیر این وزارتخانه یعنی سعود بن علی آل خلیفه از تجربه و تحصیلات رسمی کافی برخوردار نبود. فیصل چند پروژه را که شامل گردآوری اسناد، تشکیل یک موزه و یک کتابخانه بود آغاز کرد. در مارس ۱۹۷۱ فیصل به سمت وزارت اقتصاد عمان منصوب شد. کمی پس از آن نیروهای سفارت آمریکا برنامه‌های عملی و غیرعملی اقتصادی وی را ارزیابی کردند. یک منبع فرانسوی وی را فردی پرکار، انعطاف‌پذیر و «مبتکر عقاید خوب» خواند. زمانی وی میل داشت به آمریکا آمده در زمینه مشاورت تخصصی اقتصادی آموزش ببیند.

در تابستان سال ۱۹۷۱ بین فیصل و دیگر همکاران وی در کابینه درگیری آشکار شد، چون او اصرار داشت به عنوان عضو خانواده آل بوسعید بر وزیران غیرفامیل ارجحیت داشته باشد. در ژوئیه ۱۹۷۱ فیصل از سمت وزارت اقتصاد برکنار گردید. ولی معلوم نیست که بین درگیری وی با دیگر وزیران و خروج وی از کابینه رابطه‌ای وجود داشته باشد. فیصل ظاهراً از آن زمان تا ژانویه ۱۹۷۲ به مقامی منصوب نشد، لیکن پس از آن در فهرست کارداران وزارت امور خارجه درآمد.

سفرها

فیصل در ژانویه و فوریه ۱۹۶۴ جهت تماس با کمونیست‌های چین به سوئیس سفر کرد. او در سال ۱۹۶۵ به عنوان نماینده عمان در کنفرانس ضدپایگاههای نظامی خارجی جاکارتا و در سال ۱۹۶۶ در کنفرانس سه قاره در هاوانا شرکت کرد. در بهار سال ۱۹۷۱ فیصل به عنوان وزیر اقتصاد به مدت سه هفته از انگلیس و اسکاتلند بازدید کرد. او از شرکت‌های ساختمانی و ماهیگیری بازدید کرد و برای اداره ماهیگیری عمان یک کشتی سفارش داد و در مورد غلات و آب و هوا با متخصصین انگلیسی به گفتگو نشست.

سوابق شخصی

فیصل گاهی با لباس عربی و در حالیکه خنجری به کمر داشت به کار می‌پرداخت. او یک بار به یکی از مقامات سفارت آمریکا گفت که دولت آمریکا باید به دانشجویان عمانی بورس تحصیل اعطا کند. او گاهی بسیار لجباز می‌شود. طی یکی از مصاحبه‌ها «با حالتی تهاجمی» درخواست کرد که به وی اجازه داده شود به صورت یک جهانگرد به آمریکا سفر کند. یکی از مقامات سفارت آمریکا اخیراً گزارش داد که فیصل بسیار خرافاتی و به کتابهای خواب عقیده دارد. او مجرد است. سفیر با حرص بسیار کتاب می‌خواند و از موسیقی کلاسیک غربی نیز لذت می‌برد. او به زبان انگلیسی مسلط است و قدری فرانسه نیز می‌داند.

۱۹ ژوئن ۱۹۷۳

سند شماره ۱۱۱

ژانویه ۱۹۷۴ - دی ۱۳۵۲

سری - غیرقابل رؤیت برای بیگانگان

گزارش بیوگرافی

سازمان اطلاعات مرکزی (سیا)

[موضوع]: احمد عبدالنبی مکی سفیر عمان در آمریکا و نماینده

دائمی این کشور در سازمان ملل متحد

هشدار

این سند حاوی اطلاعاتی است که به تعریف فصل ۱۸ بخشهای ۷۹۳ و ۷۹۴ مجموعه قوانین اصلاح شده ایالات متحده، بر دفاع ملی ایالات متحده تأثیر دارد. انتقال یا افشای محتویات آن به افراد فاقد صلاحیت یا دریافت آن توسط این افراد طبق قانون ممنوع است. تعیین تاریخ خروج خودبخودی از طبقه‌بندی نامقدور است.

احمد عبدالنبی مکی

سفیر عمان در آمریکا و نماینده دائمی این کشور در سازمان ملل متحد

در تاریخ ۱۱ دسامبر ۱۹۷۳ آمریکا انتصاب احمد مکی را به عنوان سفیر جدید عمان در



آمریکا پذیرفت. او به عنوان نماینده دائمی کشورش در سازمان ملل نیز انجام وظیفه خواهد کرد. مکی که به تازگی پا به سن ۳۴ سالگی گذاشته و جدیداً به خدمت دولت درآمده، در چشم مقامات آمریکایی یکی از با استعدادترین افراد دولت عمان به حساب می‌آید. او فردی است آگاه، باسواد و میانه‌رو.

او قبل از انتصاب کنونی، به مدت ۲ سال معاون وزیر امور خارجه کشورش بود و به همراه وی از طرف سلطان قابوس بن سعید آل بوسعید به خارج سفر می‌کرد. سلطان قابوس شخصاً وی را به عنوان سفیر انتخاب کرده است که نشان می‌دهد سلطان قابوس بر روابط عمان و آمریکا اهمیت بسیار قائل است.

تجربه‌های دیپلماتیک

مکی علی‌رغم جوانی‌اش یک دیپلمات باتجربه است. مکی در اوت ۱۹۷۱ در سمت معاون نخست‌وزیر وقت طارق بن تیمور آل بوسعید، به عنوان سرپرست هیأت نمایندگی سلطان به بیروت آمد تا با نمایندگان «غالب الهیناوی» امام تبعیدی عمان در اتحادیه عرب گفتگو و مذاکره نماید. مکی از اکتبر ۱۹۷۱ تا ژانویه ۱۹۷۲ سرپرستی نمایندگی دائمی عمان را در سازمان ملل به عهده داشت و در جلسات بیست و ششم و بیست و هفتم مجمع عمومی این سازمان نیز شرکت کرد. اخیراً نیز وی در مذاکرات سری بین ایران و عمان جهت تعیین خط وسط بین دو کشور - مرز بین‌المللی در تنگه هرمز - شرکت داشته است.

نظریات مربوط به کمک خارجی

در اوایل سال ۱۹۷۱ مکی آشکارا به تحسین تخصص فنی و علمی آمریکا پرداخت و گفت در زمینه اکتشاف و گسترش منابع طبیعی، آمریکا می‌تواند کمک‌های بسیار زیادی به عمان داشته باشد. در آن زمان وی آمریکا را به حضور در عمان تشویق می‌کرد. لیکن هنگامی که مقامات آمریکایی در آوریل ۱۹۷۲ با وی در مورد ارسال پاسداران صلح به عمان گفتگو کردند، وی آنها را بسیار تازه‌کار قلمداد کرد. مکی معتقد است که عمان در زمینه برنامه‌ریزی کشاورزی، ماهیگیری و نفت به متخصصین بسیار با تجربه نیاز دارد. مکی ظاهراً نسبت به انگلیس و به خصوص مستشاران انگلیسی حاضر در دولت عمان بدبین است. او از ورود بیگانگان به بخش خدمات مدنی متنفر است.

زندگی و سوابق پیشین

احمد عبدالنبی مکی در تاریخ ۱۷ دسامبر ۱۹۳۹ متولد شد. وی گفت که از آمریکا و انگلیس تقاضای بورس تحصیلی کرده بود، لیکن هیچیک از آنها این امر را نپذیرفته بودند. در سال ۱۹۶۵ وی در دانشگاه قاهره که در آنجا سرپرستی سازمان دانشجویان عمان را به عهده

داشت، در رشته بازرگانی لیسانس گرفت. بعدها برای ادامه تحصیل به پاریس رفت، و بنا به گفته خودش سعی کرد فلسفه سیاسی را که در مصر آموخته بود از یاد ببرد. مکی که ظاهراً در نتیجه تجربه‌های خود در مصر از خواب بیدار شده بود، گفته است که بسیاری از عمانی‌های دارای تحصیلات کمونیستی پست‌های مهمی در عمان اشغال کرده‌اند.

مکی مشاور یک شرکت کانادایی در ابوظبی بوده و علاوه بر آن با یونسکو نیز همکاری می‌کرد؛ تاریخ و مدت استخدام وی در این مشاغل معلوم نیست. او در اواخر سال ۱۹۷۰ مشاور شخصی طارق بن تیمور آل بوسعید شد و تا زمان انتصاب در سازمان ملل در همان مقام باقی ماند. در فوریه ۱۹۷۲ او به عمان فراخوانده شد تا پست‌های معاونت وزارت امور خارجه و سرپرست اداره بین‌المللی وزارت امور خارجه را برعهده گیرد.

سوابق شخصی

مکی که یک فرد پرکار است، گاهی در گفتگوها نقش مسلط را به دست می‌آورد. او سابق براین با «پی‌یدا مانسو فرناندز» اسپانیایی ازدواج کرده و یک فرزند دختر به نام «دینا» دارد. برادر مکی یعنی سالم حسن مکی رئیس وزارت منابع طبیعی و نفتی است. مکی به راحتی به زبان انگلیسی تکلم می‌کند و خانم مکی نیز قدری انگلیسی می‌داند. هر دوی آنها به زبان فرانسه نیز صحبت می‌کنند.

۴ ژانویه ۱۹۷۴

سند شماره ۱۱۲

۵ دسامبر ۱۹۷۵ - ۱۴ آذر ۱۳۵۴

محرمانه

به: سفارت آمریکا، قاهره

از: وزارت امور خارجه، ۷۳۰۴ - الف

جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در مسقط، تهران.

موضوع: اطلاعات بیوگرافیک: صادق جواد سلیمان

(کنسول سفارت، سفارت عمان، واشنگتن)

طبق برداشت وزارت، سلیمان به زودی به عنوان سفیر جدید عمان در مصر منصوب خواهد شد، گرچه این موضوع هنوز علناً اعلام نشده است.

سلیمان در تاریخ ۳۰ ژوئیه ۱۹۳۳ به عنوان فرزند یک مغازه‌دار کوچک در «موترا» عمان متولد شد. تحصیلات اولیه وی چندان منسجم نبوده و وی بخش اعظم اوقات خود را صرف کار در مغازه پدرش می‌کرد و مشغول تجارت بین بندر و دیگر مناطق ساحلی عمان بود. وی هنوز هم ظاهر خشن تجار بخش‌های کوهستانی را و حتی تجار ظفاری را که بر شترهای عظیم‌الجثه خود سوار بوده و عمامه‌ای بزرگ بر سر داشتند که بر روی آنها فهرست خریدهای موردنیاز مردم نصب شده بود و در کنارشان کیسه‌های بزرگ پول (معمولاً دلارهای ماریا ترزا)



که مهم‌ترین وسیله یا پول تجارت آن زمان بود، به یاد می‌آورد.

در سال ۱۹۵۲، در نتیجه به توصیه پدرش، سلیمان با کشتی از موترا به دوبی رفت. وی می‌گوید در آن زمان این کار برای جوانانی که در عمان از تحصیل تحت حکومت جابرا نه سلطان تیمور محروم می‌شدند معمول و مرسوم بود. پس از شش ماه اقامت در دوبی که به طور پراکنده کار می‌کرد، وی به بحرین رفت و در بانک انگلیس (بانک شرق؟) به کار مشغول شد. بانک مزبور قصد داشت سلیمان را پس از طی دوره آموزشی در بحرین به عربستان سعودی بفرستد، لیکن وی احساس می‌کرد که زندگی در عربستان سعودی محدودتر از عمان خواهد بود و به همین دلیل به کویت رفت.

در کویت از سال ۱۹۵۴ تا سال ۱۹۶۳ در یک کارگاه دولتی به عنوان مسئول تدارک و تجهیز دفاتر متعدد دولت کویت به کار پرداخت. در همین مدت وی به تحصیل نیز پرداخت. وی می‌گوید از طریق کنسولگری آمریکا درسه‌های بسیاری را از دانشگاه لندن گذرانید. وی در امور اقتصاد، زبان انگلیسی و عربی و تاریخ درسه‌هایی گذراند و توانست پایان‌نامه‌ای معادل پایان‌نامه دبیرستان انگلستان را دریافت نماید. (حدود یک سال تحصیلات کالج) در سال ۱۹۶۲ وی در نشریه کویتی تایمز به کار پرداخت و در بخش سردبیری به تهیه مطالب از نشریه عربی برای نشریه انگلیسی زبان پرداخت.

در سال ۱۹۷۰، سلیمان برای اولین بار به خارج از جهان عرب یعنی اروپای غربی سفر کرد. وی به ایتالیا و آلمان رفت و هنگامی که در زاگرب به سر می‌برد دریافت که سلطان پیر سرنگون شده و به جای وی قابوس بر تخت سلطنت نشسته است. وی به کویت بازگشت و بار دیگر در روزنامه تایمز کویت به کار پرداخت. در سال ۱۹۷۲ وی به مسقط رفت، چون می‌دانست که دولت جدید قابوس به استخدام عمانی‌های خارج از وطن مشغول است. ولی یکی از اقوام احمد مکی معاون وزیر خارجه وقت بود. مکی هنوز هم یکی از حامیان سلیمان به حساب می‌آید. سلیمان به کویت بازگشت و در سال ۱۹۷۳ دعوت‌نامه‌ای برای کار در وزارت امور خارجه عمان دریافت کرد.

با کمترین آموزش رسمی، از ژوئیه ۱۹۷۳ سلیمان به سفارت عمان در واشنگتن منصوب شد. وی به مقام دبیر اولی رسید و در سال ۱۹۷۴ به عنوان کنسول سفارت به کار مشغول شد. وی در این سفارت که مرکب از سه مقام بود به عنوان مقام دوم کار می‌کرد و در غیاب سفیر مکی به عنوان کاردار عمل می‌کرد.

سلیمان فردی متفکر، کنجکاو و دارای نظریات جنجال سیاسی کمتری است. وی شدیداً معتقد است که دولت‌های عربی باید با کندی هم که شده در جهت نوعی از مشروطه اقدام کنند. وی معتقد است دولت عربستان سعودی بسیار محافظه‌کار است و نمی‌تواند به عنوان یک نمونه سیاسی در خاورمیانه درآید. و می‌گوید این محافظه‌کاری به کشورهای تندرو منطقه چون جمهوری دموکراتیک خلق یمن از نظر ایدئولوژیک امتیاز بسیار می‌دهد. وی معتقد است

عمان نیز باید در جهت پدید آوردن نوعی از مشروطه قدم بردارد، لیکن زمان را برای این کار مناسب نمی‌داند. او از طرفداران سید طریق عمومی سلطان قابوس و نخست‌وزیر پیشین عمان است، که خواستار ایجاد سلطنت مشروطه در عمان می‌باشد.

ظاهراً سلیمان تحت تأثیر سالهای اقامت خود در کویت قرار گرفته است. وی کویت را کشوری پیشرفته و همراه با آزادیهای قابل ملاحظه دموکراتیک و نهادهای دموکراتیک بسیار می‌داند و آن را در عین حال دارای خانواده حاکمه نیرومند می‌داند. هنگام کار در تایمز کویت، وی شاهد آزادی کامل مطبوعات کویت در مورد رویدادهای خبری خارج از کویت بود، لیکن معتقد است که این نشریات در انتقاد از خانواده سلطنتی آزاد نیستند.

سلیمان از نقش خارجی‌ها در دربار سلطان متنفر و منزجر است. وی می‌گوید که او و دیگر عمانیها مانند سفیر مکی مایل هستند این وضع را در موقع مناسب تغییر دهند. خلاصه اینکه نظریات وی منعکس‌کننده نظریات یک ناسیونالیست میانه‌رو ناراضی است.

سلیمان دیپلماتی آگاه است و در طول خدمت خود در واشنگتن به رویدادهای سیاسی آمریکا علاقه نشان می‌داد و از هر فرصت برای فراگرفتن تجارت دیپلماتیک بهره‌برداری کرده است. عمق درک سیاسی و کنجکاووی وی مربوط به محدودیت تحصیلات رسمی اوست. اگر بخت یار وی باشد، احتمالاً یک حرفه دیپلماتیک بسیار مهم را در پیش خواهد داشت. او دارای همسری به نام فخریه و سه فرزند است.

سند شماره ۱۱۳

۴ ژوئن ۱۹۷۹ - ۱۴ خرداد ۱۳۵۸

محرمانه

از: سفارت آمریکا، کویت - ۲۶۸۶ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی
جهت اطلاع: سفارتخانه‌های آمریکا در مسقط، تهران
مرجع: الف) وزارت امور خارجه ۱۶/۱۳۲۰، ب) مسقط ۷۸۴، پ) کویت ۲۹۹۳
موضوع: انتصاب سفیر جدید عمان در ایران

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- سفیر عمان در کویت، «قاسم الجمالی» به طور محرمانه در ضیافتی که برای بازدید رئیس‌جمهور بنگلادش در ۳ ژوئن ترتیب داده شده بود به من گفت به عنوان سفیر جدید کشورش در ایران برگزیده شده است و فکر می‌کند در پایان رمضان کار جدید خود را آغاز کند.

۳- سفیر الجمالی گفت که جان سفیر کنونی عمان در تهران چندین بار مورد تهدید قرار گرفته بود و همین موضوع سبب عصبی شدن و تمایل وی به مراجعت از ایران شده است. الجمالی در مورد ناراحتی‌هایی که ممکن است در انتصاب جدید برایش پیش بیاید اصلاً نگران نبود، فقط می‌گفت که چون مدارس انگلیسی زبان تهران تعطیل شده‌اند وی نمی‌تواند همسر و



دو فرزندش را به همراه خود به آنجا ببرد.

۴- سفیر عمان با من و دیگر کارمندان سفارت آمریکا بسیار صمیمانه برخورد می‌کرد. با وجود مشورتهای زیادمان قبل از وارد شدن به صحنه سیاسی کمپ دیوید و قراردادهای مصر و اسرائیل، پس از حمایت اخیر سلطان عمان از اعمال رئیس‌جمهور سادات، به طور مکرر و بیشتر با یکدیگر مشورت می‌کردیم.

۵- الجمالی در کویت بسیار فعال بود و با اعضای مختلف جامعه محلی کویتی و غیر کویتی دائماً در تماس بوده است. او به جمع‌آوری اطلاعات «جاسوسی» بسیار علاقه‌مند است و دائماً هم آنها را با من در میان می‌گذاشت. ظاهراً وی با وزارت امور خارجه نیز دائماً در تماس است. بنا به گزارشات، وی از مواضع کنونی عمان کاملاً حمایت کرده است.

۶- سفیر الجمالی می‌تواند یکی از بهترین رابط‌ها برای سفارت آمریکا در تهران باشد. نمی‌دانم که آیا وی خواهد توانست با همان حرارت پیشین در ایران نیز به جمع‌آوری اطلاعات بپردازد یا نه، ولی بد نیست آخرین مواضع آمریکا که نشانگر منافع دوجانبه نیز هست با وی در میان گذاشته شود.

۷- خانم مونا الجمالی یک زن زیبا و دارای شخصیتی آرام و جالب است. وی بیش از دیگر همسران سفیران در اجتماعات محلی فعال بوده و در میهمانی دیپلماتهای کویتی چندین بار جای سرو کرده است.

مایسترون

سند شماره ۱۱۴

سری

[موضوع]: حکام شیخ‌نشین‌های خلیج فارس

ابوظبی - شیخ زاید بن سلطان آل نهیان

وی در سال ۱۹۶۶، پس از برکناری برادر محافظه‌کار و پول‌دوستش شاخبت (که بنا به گفته‌ای منابع عظیم ثروتش را در جعبه‌هایی در زیر تخت خود نگاه می‌داشت) به دست انگلیس به قدرت رسید. در ابتدای تکیه زدن بر تخت فرمانروایی، انگلیس او را به دیده احترام می‌نگریست لیکن سیاست‌های نادرست مالی و ولخرجی‌هایش که ابوظبی را به ورطه ورشکستگی کشاند، سبب شد انگلیس در طرز فکر خود نسبت به او تجدیدنظر کند. گرچه درآمد نفتی ابوظبی (که امسال حدود ۹۰ میلیون پوند انگلیس خواهد بود) امتیاز رهبری او را در میان شیخ‌نشینها بیشتر می‌کند، لیکن گمان می‌رود رقیب اصلی او یعنی شیخ راشد از دویی مدیر و رهبر شایسته‌تری باشد. زاید ظاهراً مردی منطقی است و از لزوم همکاری بین ایران و شیخ‌نشینها شدیداً حمایت می‌کند. در دو سال گذشته او چند بار به ایران سفر کرد. او یک فرزند پسر به نام خلیفه دارد که احتمالاً معاون یا جانشین فرمانروا خواهد بود.



عجمان - شیخ راشد بن حمید

راشد که یک چهره مردمی میانه‌رو در میان شیخ‌نشین‌ها است وزنه سیاسی چندانی به حساب نمی‌آید. عجمان که یک جزیره کوچک محصور در شارجه است، پایگاه سیاسی چندانی برای وی فراهم نیاورده و احتمالاً او را به عنوان یک چهره ثانی در دورنمای خلیج فارس حفظ خواهد کرد. یکی از دختران وی همسر فرمانروای فجیره است.

بحرین - شیخ عیسی بن سلمان آل خلیفه

شیخ عیسی که از سال ۱۹۶۱ فرمانروای بحرین بود کمتر از برادرش یعنی شیخ محمد بن سلمان آل خلیفه توانمند است، چون برادر وی مهم‌ترین فرمانروای با نبوغ خانواده حاکمه به حساب می‌آمد. تصمیم انگلیس مبنی بر خروج از بحرین سبب شد که عیسی به لزوم به دست گرفتن استقلال و ابتکار عمل پی ببرد، و تلاش کرد اعتبار بیشتری برای خود دست و پا کند. محافظه‌کاری اساسی او سبب تحریک ناسیونالیست‌ها و شورشیان عرب که او را بازیچه انگلیس می‌خوانند شده است. به نظر ناظران در بحرینی که رادیکال‌های مختلف عربی در آن نفوذ کرده‌اند، عیسی شانس زیادی برای حضور در قدرت در چند سال آینده نخواهد داشت.

دوبی - شیخ راشد بن سعید بن مکتوم

راشد که مستعدترین و آگاه‌ترین حکام شیخ‌نشین‌ها است، به نظر بسیاری از جمله معهود شیوخی است که تضادهای سیاسی و اقتصادی موجود در خلیج فارس را به خوبی درک کرده است. تقریباً به تنهایی او دوبی را به صورت یک شهر - کشور مترقی - درآورده است. راشد در فدراسیون امارات عربی نقش مهمی داشته گرچه این نقش همیشه سازنده نبوده است. در واقع او و دامادش شیخ احمد از قطر متهم به در هم شکستن اتحاد فدراسیون در پاییز گذشته شده بودند. راشد نیز مانند زاید، حامی همکاری ایران و شیخ‌نشینهاست، و چندین بار به ایران سفر کرده است. در پایان اجلاس فدراسیون امارات عربی، بعضیها وی را متهم کردند که بنا به دستور ایران سعی دارد در کنفرانس خرابکاری کند.

فجیره - شیخ محمد بن حمد الشرقی

شیخ محمد که در میان شیخ‌نشین‌ها از محبوبیت چندانی برخوردار نیست از طرف انگلیس نیز مورد اعتماد شمرده نمی‌شود، چون او را یک توطئه‌گر می‌دانند. او در منطقه خلیج [فارس] از نظر سیاسی دارای اهمیت چندانی نیست.

قطر - شیخ احمد بن آل ثانی

احمد که پس از خلع پدرش در سال ۱۹۶۰ به قدرت رسید، هرگز نتوانست قدرت و

اندیشه مشابه با عمو، ولیعهد و معاون فرمانروا یعنی خلیفه را نشان دهد. احمد می‌داند که خلیفه سعی دارد در فرصت مناسب وی را سرنگون سازد ولی او تاکنون از این کار ممانعت به عمل آورده است. او به قیمت تحمل برچسب طرفداری از غرب در سیاست‌های عربی خود را بی‌طرف نگاه داشته است. اعلام خروج انگلیس از خلیج [فارس] سبب شد که احمد فعالیت سیاسی بیشتری از خود نشان دهد، ولی هنوز معلوم نیست که این انرژی از خلیفه و یا از خود او ناشی می‌شود.

رأس الخیمه - شیخ صفر بن محمد القاسمی

شیخ صفر که یک فرمانروای خوب و سخت‌کوش است آگاهی بیش از حد میانگین است و دوبار به ایران سفر کرد تا پیرامون ادعای ایران در مورد تصرف جزایر تنب که رأس الخیمه نیز دعوی تصرف آن را دارد مذاکره نماید. ایرانیها در گذشته فکر می‌کردند که صفر به دعوت آنها پاسخ گوید، لیکن تلاش ایرانیها تاکنون نتیجه مثبتی نداشته است. در مانورهای فدراسیون امارات عربی، صفر همیشه خود را با احمد از قطر و راشد از دوی پیوند داده و اصرار داشته که قرارگاههای دفاعی پیشنهادی در پایتخت او واقع شود.

شارجه - شیخ خالد بن محمد القاسمی

خالد که یک محافظه‌کار بوده و بنا به گزارشهای رسیده یاران بدوی را ترجیح می‌دهد، قبل از رسیدن به قدرت در سال ۱۹۶۵ یک مغازه رنگ‌فروشی پرمفعت در دوی دایر کرده بود. در اثر فشار ایران در مورد جزیره ابوموسی، او با لجبازی تمام ادعای آن کشور را نپذیرفته است. ایران فکر می‌کرد که مسئله دعوی ابوموسی خیلی سخت‌تر از دعوی تنب باشد، چون شیخ نسبت به عکس‌العمل‌های تندروانه خیلی بیش از شیخ رأس الخیمه حساسیت نشان می‌داد.

ام‌القوین - شیخ احمد بن رشید آل مولی

از احمد که چه در خارج و چه در داخل محبوب است و مردی با استعداد خوانده می‌شود به عنوان فردی دانا، رک‌گو، لایق و صلح‌طلب یاد می‌شود که معمولاً برای واسطه شدن در اختلافات ساحلی شیخ‌نشین‌ها از وی یاری طلبیده می‌شود. ولی چون شیخ‌نشین او کوچک است، نمی‌تواند در زمره فرمانروایان قدرتمندتر درآید و در امور خلیج [فارس] نیز نقش چندان مهمی ندارد.

مسقط و عمان - شیخ قابوس بن سعید آل ابوسعید

تنها فرزند و وارث سلطان سعید بن تیمور آل بوسعید که اخیراً به جای پدر بر تخت نشست، در ۱۸ نوامبر ۱۹۴۰ متولد شده است. او دوره دبیرستان را به انگلیس رفت و در

سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۶۲ در دانشگاه سند هرست انگلیس به تحصیل پرداخت. او گویا تحصیلات خود را به خوبی به پایان رسانیده بود. به علت حسادت و محافظه‌کاری، پدرش چندین سال او را مخفی نگاه داشت. به علت دوران طویل تحصیلات در انگلیس طرفدار بریتانیاست و در یکی از هنگام‌های انگلیس نیز از اوت ۱۹۶۲ تا فوریه سال ۱۹۶۳ خدمت کرده است. کسانی که قابوس را ملاقات کرده‌اند او را فردی آگاه، سخت‌کوش و کاملاً توانا توصیف می‌کنند.

سند شماره ۱۱۵

محرمانه

موضوع: ولیعهد بحرین؛ شیخ حمد بن عیسی بن سلمان آل خلیفه

محل و تاریخ تولد: بحرین، ۱۹۴۹

وی علاوه بر ولیعهدی، وزیر دفاع و فرمانده کل نیروهای مسلح نیز است. وی در بحرین و انگلستان (سند هرست) تحصیل کرده است. و با یک دختر تحصیلکرده بحرینی ازدواج کرد که با او در انجام امور مشترک مساعی دارد. هر دوی آنها به زبان انگلیسی صحبت می‌کنند و حداقل یک فرزند (پسر) دارند.

حمد طرفدار غرب بوده و با مستشاران اردنی مستقر در ارتش خود رفتاری صمیمانه دارد. فکر می‌کنم که حمد به آمریکا سفر کرده و مسافرت‌های بسیار دیگری نیز انجام داده است. وی فردی جوان و خوش‌برخورد و در وهله اول گوشه‌گیر است ولی این اشکال نیز خیلی زود مرتفع می‌گردد. بحرین دارای یک ارتش ۱۱۰۰ نفری است، نیروی دفاعی بحرین متشکل از یک گردان پیاده و یک دسته زرهی (تانک و نفربر) است. علاوه بر این، یک نیروی گارد ۳۰۰ نفره متشکل از افراد قبیله‌ای عربستان سعودی نیز در این کشور وجود دارد.



بخش دوم

روابط نظامی ایران و آمریکا

۱۷ نوامبر ۱۹۷۴ - ۲۶ آبان ۱۳۵۳

محرمانه

به: سفارت آمریکا، تهران

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی

مرجع: الف - تهران ۸۷۵۲ ب - تهران ۹۶۴۴، پ - امان ۵۶۲۸

موضوع: مراحل انتقال [تسلیمات] به کشور ثالث



۱- پیرو درخواست مطرح شده در مرجع الف می‌توانید اطلاعات زیر را در ارتباط با رویه‌های دولت ایالات متحده برای انتقال اقلام دفاعی با مبدأ آمریکایی به کشورهای ثالث به مقامات ذیربط دولت ایران ارایه دهید. ادامه متن (بدون طبقه‌بندی).

۲- رویه‌های دولت ایالات متحده در ارتباط با انتقال اقلام دفاعی با مبدأ آمریکایی به کشور ثالث بر قوانین آمریکا و مقررات دولت مبتنی است. مرجع اساسی قانونی مربوط به چنین انتقال‌هایی بخش (E) 505 از قانون اصلاح شده مساعدت‌های خارجی مصوب ۱۹۶۱، و بخش ۳۸ از قانون اصلاح شده فروش‌های نظامی خارجی مصوب ۱۹۶۸ است. (هر دو بخش دارای زبانی مشابه است به جز اشاراتی که در آنها به بخش یا بند قبلی قانون شده است) بدین شرح: «رئیس جمهور نمی‌تواند با هیچ درخواستی برای تصویب انتقال هرگونه سلاح، سیستم تسلیحاتی، مهمات، هواپیما، قایق نظامی، کشتی نظامی و یا سایر تجهیزات جنگی به یک کشور دیگر موافقت کند... مگر آنکه ایالات متحده خود حاضر باشد رأساً اقلام دفاعی مورد تقاضا را به آن کشور انتقال دهد و رئیس جمهور باید پیش از اعلام موافقت با چنین درخواستی، رئیس مجلس نمایندگان و کمیته روابط خارجی سنا را کتباً از قصد خود، دلایل موافقت با درخواست، اقلام دفاعی مورد نظر و کشور خارجی که قرار است اقلام دفاعی مزبور به آن انتقال یابد، مطلع سازد. علاوه بر این رئیس جمهور نمی‌تواند... با انتقال هر گونه اقلام دفاعی قابل توجه مندرج در فهرست تجهیزات نظامی ایالات متحده موافقت نماید مگر اینکه کشور خارجی درخواست‌کننده با خارج کردن اقلام دفاعی مورد نظر از حالت نظامی پیش از انتقال آنها موافقت نماید، و یا کشور خارجی دریافت‌کننده کتباً به دولت ایالات متحده تعهد دهد که چنانچه اقلام دفاعی مورد نظر از حالت نظامی خارج نشده باشند بدون کسب اجازه از رئیس جمهور، آنها را به یک کشور یا شخص خارجی دیگر انتقال نخواهد داد.»

۳- بخش‌هایی که در بالا از قانون مساعدت‌های خارجی و قانون فروش‌های نظامی خارجی ذکر شد برای انتقال هر گونه اقلام دفاعی چه با مبدأ مساعدت‌های نظامی (قانون مساعدت‌های خارجی) و چه با مبدأ فروش‌های نظامی خارجی به شخص ثالث، به استثنای انهدام اقلام اسقاطی، صدق می‌کند (حتی در ارتباط با انهدام اقلام اسقاطی نیز کسب اجازه ضروری است). این امر بدین معناست که چنانچه ایالات متحده یک هواپیمای نظامی را در اختیار کشوری قرار می‌دهد، حال چه به صورت کمک‌های بلاعوض تحت قانون مساعدت‌های خارجی و چه از طریق فروش نقدی یا اقساطی تحت قانون فروش‌های نظامی خارجی، مفاد این بخش‌های

قانونی باید رعایت شود. این امر در ارتباط با اقلام دفاعی تولید شده تحت لیسانس آمریکا در خارج از کشور، چنانچه محصول نهایی شامل اقلام دفاعی مشمول قانون مساعدت‌های نظامی خارجی و یا فروش‌های نظامی خارجی باشد، صدق می‌کند. سیاست‌های ایالات متحده چنین اقتضا می‌کند که معیارها و رویه‌های یکسانی نیز در ارتباط با [انتقال‌های مجدد] همه اقلامی که از طریق فروش‌های نظامی خارجی تأمین شده‌اند، به کار گرفته شود. صرف نظر از اینکه یک قلم چند بار ممکن است انتقال یابد، هر بار باید این مراحل طی شود.

۴- سه محور اصلی مطرح شده در این بخش‌های قانونی عبارتند از: (۱) آیا ایالات متحده خود حاضر است اقلام دفاعی تقاضا شده را رأساً به کشور مورد نظر انتقال دهد؛ (۲) اطلاع قبلی به کنگره در صورتی که رئیس جمهور قصد موافقت با درخواست انتقال را داشته باشد؛ و (۳) خارج کردن اقلام دفاعی مورد نظر از حالت نظامی و یا کسب تعهدنامه کتبی از کشور دریافت کننده در ارتباط با اقلام قابل توجه دفاعی (پیش از موافقت با درخواست). در ارتباط با محور اول، ممکن است کشور ثالثی که برای دریافت اقلام پیشنهاد شده است به موجب قانون مساعدت‌های خارجی و یا قانون فروش‌های نظامی خارجی صلاحیت دریافت مستقیم هیچکدام و یا برخی از اقلام دفاعی را از ایالات متحده نداشته باشد، و یا شاید کشور مزبور به موجب سیاست‌های جاری دولت سلب صلاحیت شده باشد. در هر دو حالت، آمریکا رأساً اقلام دفاعی را به کشور مورد نظر انتقال نخواهد داد و بنابراین نمی‌تواند انتقال آن اقلام را به کشور مورد نظر از یک کشور دیگر تصویب کند.

شرط اطلاع قبلی به کنگره در ارتباط با تصویب انتقال‌های شخص ثالث در سال ۱۹۷۳ توسط کنگره در قانون مساعدت‌های خارجی گنجانده شد. پیش از آن کنگره فقط گزارش‌های نیم‌سالانه‌ای در ارتباط با این نوع انتقال‌ها دریافت می‌کرد.

تعهد مربوط به انتقال شخص ثالث که باید به موجب قانون مساعدت‌های خارجی و قانون فروش‌های نظامی خارجی از دریافت کننده پیشنهادی کسب شود، باید دارای شرایط زیر باشد: (الف) کتبی باشد؛ (ب) به دولت ایالات متحده تسلیم شود؛ و (پ) تصویب پیش از انتقال کسب شود.

۵- چنانچه [یک کشور] اقلام دفاعی قابل توجهی تحت شرایط صرفاً تجاری کسب کند، یعنی بدون طی مراحل برنامه مساعدت‌های نظامی و فروش‌های نظامی خارجی، آنگاه شرایط قانونی فوق در مورد آن قابل اجرا نخواهد بود. با وجود این، ایالات متحده همسو با سیاست‌هایش و مقررات اجرایی، همچنان معیارهای مربوط به صلاحیت کشورهای دریافت کننده و تعهد شخص ثالث را به کار خواهد بست. شرط تعهد شخص ثالث همیشه در ترتیبات مربوط به صدور مجوز و یا اسناد صادرات از سوی دولت آمریکا گنجانده می‌شود، که به موجب آن کشور دریافت کننده تعهداتی در قبال انتقال اقلام دفاعی مورد نظر به دولت آمریکا تسلیم می‌کند، که این شرط در مورد انتقال‌های بعدی اقلام مزبور نیز صادق خواهد بود.

۶- این مسئله که چه چیزی یک قلم دفاعی «قابل توجه» را در فهرست تجهیزات نظامی ایالات متحده تشکیل می‌دهد در پاورقی‌های مربوط به بخش‌های (D) ۱۲۳.۱۰ و (M) ۱۲۴.۱۰ مقررات انتقال بین‌المللی سلاح توضیح داده شده است (برای اطلاع می‌توانید رجوع کنید به FAM ۱۸۰.۱۰، ضمیمه A) نسخه‌های این مقررات از اداره انتشارات دولت ایالات متحده قابل تهیه است. با وجود این، مسئله فوق در گذشته مشکلی ایجاد نکرده است، زیرا عملاً همه درخواست‌های انتقال شخص ثالث به اقلام قابل توجه، نظیر آنچه در جمله اول بخش‌های مربوط به قوانین مساعدت‌های خارجی و فروش‌های نظامی خارجی آمده، مربوط بوده است. چنانچه ابهامی در این ارتباط وجود داشته باشد، کشوری که پیشنهاد انتقال را ارائه داده است باید از دولت ایالات متحده کسب تکلیف کند.

۷- کشوری که پیشنهاد انتقال اقلام دفاعی را دارد باید با تسلیم درخواست تصویب پیشنهادش به دولت آمریکا، مراحل رسیدگی را به جریان بیاورد. در ارتباط با انتقال شخص ثالث، وزارت امور خارجه وظایف ریاست جمهوری را بر عهده دارد. بنابراین درخواست انتقال اقلام دفاعی باید به وزارت امور خارجه تسلیم و رونوشت آن برای اطلاع به وزارت دفاع ارسال گردد. وزارت امور خارجه پس از مشورت با وزارت دفاع در این مورد تصمیم‌گیری و (در صورت لزوم) آن را جهت تصویب به کنگره ابلاغ می‌کند. پس از یک دوره انتظار ده روزه به دنبال ابلاغ تصمیم به کنگره، به کشوری که درخواست تصویب انتقال اقلام دفاعی را تسلیم کرده است اطلاع می‌دهیم که قصد تصویب درخواست مزبور را داریم، ولی پیش از آن تعهدات مربوط به انتقال شخص ثالث باید از دریافت‌کننده پیشنهادی کسب و تسلیم دولت ایالات متحده گردد. ایالات متحده خود رأساً از طریق سفارتش در کشور پیشنهادی، مبادرت به این امر خواهد کرد. پس از دریافت تعهدات مزبور و حصول اطمینان از مطابقت آنها با قوانین و مقررات ایالات متحده، به کشوری که درخواست تصویب انتقال را کرده است ابلاغ می‌کنیم که موافقت نهایی با این درخواست صورت گرفته است. پایان متن (بدون طبقه‌بندی)

۸- برای اطلاع شما، در ارتباط با گزارش انتقال هواپیماهای اف-۵ از سوی دولت ایران به اردن، چنانکه در تلکس مرجع بگفته شد، وزارت امور خارجه پیش از به جریان انداختن مراحل انتقال شخص ثالث که در بالا ذکر شد، منتظر روشن شدن تعداد هواپیماهای فوق است.

کیسینجر

سند شماره ۱۱۷

۲۷ اوت ۱۹۷۵ - ۵ شهریور ۱۳۵۴

محرمانه

به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی

از: سفارت آمریکا، تهران

موضوع: انتقال سلاح از سوی ایران

۱- چنانکه وزارت آگاهی دارد، به کرات توجه مقامات دولت ایران را به قوانین و مقررات



دولت ایالات متحده در ارتباط با انتقال [تسلیحات] به کشورهای ثالث جلب کرده‌ایم، و باز هم این کار را خواهیم کرد. سفیر اخیراً در تاریخ ۱۸ اوت درباره این موضوع با شاه گفتگو کرد. او نیز مثل همه مقامات عالی‌رتبه ایرانی کاملاً از این قوانین و شرایط آگاه است و مطمئن هستیم که قصد رعایت کلیه این مقررات را دارد.

۲- با وجود این، فشارهای خارجی و ماهیت سازمان ارتش ایران بر خلاف این قصد و اراده است. ابتدا اینکه ایران سخت‌افزار نظامی معتناهی کسب کرده و دارد کسب می‌کند. ایران در محاصره کشورهای فقیرتری است که خود را با تهدیدهای امنیتی و در نتیجه نیاز به تجهیزات نظامی مواجه می‌بینند. ایران در حکم کشوری با سنت دیرینه همبستگی اسلامی و کمک به همسایگان فقیرترش و همچنین آرمانش برای نفوذ در منطقه، احساس می‌کند که باید به درخواست مساعدت‌های نظامی همسایگانش، به ویژه اردن و پاکستان پاسخ مثبت دهد. مسئله انتقال سلاح دو سر دارد که آمریکا می‌تواند بر هر دو اعمال نفوذ کند، یعنی دریافت‌کننده و انتقال‌دهنده. تا به حال ما عمدتاً مسئله را از سر دوش، یعنی انتقال‌دهنده، مورد بحث و بررسی قرار داده‌ایم.

۳- نکته دوم اینکه ارتش ایران ماشینی با بازده کامل نیست که فرمانی از سوی مافوق صادر شود و بدون هیچ انحرافی از سوی زیردست اجرا گردد. چنانچه انتقال [تسلیحات] به دست افسران بی‌تجربه‌ای انجام گیرد که با قوانین دولت ایالات متحده آشنایی ندارند، آن وقت باید منتظر نقض غیرعمدی قوانین نیز باشیم. نیروهای مسلح ایران دارای نیروهای کارآزموده و یا کاملاً هماهنگی نیستند که چنین امکانی به صفر برسد.

۴- بنابراین، پیشنهاد می‌کنیم از سفیران آمریکا در امان و اسلام‌آباد خواسته شود تا با مقامات عالی‌رتبه کشورهای میزبان (از جمله حسین و بوتو) تماس بگیرند و خطرات ذاتی ترتیبات پنهانی انتقال تجهیزات نظامی با مبدأ آمریکایی از ایران به کشورهای ثالث را برای آنها تشریح کنند. چنین ترتیباتی بالاخره فاش خواهد شد. باید تأکید شود چنانچه قوانین و مقررات ایالات متحده نقض گردد، در نتیجه واکنش کنگره، احتمالاً به نقش آمریکا در این منطقه و روابط نظامی این کشور با ایران، اردن و پاکستان لطمه وارد خواهد شد. محور گفتگوها باید اصرار بر این نکته باشد که دولت اردن و دولت پاکستان ما را از تقاضایشان برای تجهیزات نظامی با مبدأ آمریکایی از ایران مطلع سازند. زمانی که از پیش نسبت به انتقال چنین تجهیزاتی اطلاع یابیم، آنگاه می‌توانیم رویه‌های لازم برای انجام انتقال مزبور را آغاز کنیم؛ البته اگر چنین ترتیباتی با سیاست‌های ایالات متحده موافق باشد.

۵- به اعتقاد ما چنانچه وزارت چنین طرحی را مفید تشخیص می‌دهد، باید در اسرع وقت رهنمودهایی در اختیار سفیران آمریکا در امان و اسلام‌آباد قرار گیرد، البته پیش از آنکه تیمسار توفانیان بابت انتقال تجهیزات نظامی بیشتر به پاکستان (که در یک تلکس جداگانه برایتان ارسال می‌گردد) با ما تماس بگیرد. اگر چنین پیشنهادی به جای اینکه در اختیار توفانیان قرار

بگیرد به نیروی هوایی و یا نیروی زمینی ارتش شاهنشاهی ارسال می‌شد، احتمالاً مراحل کار بدون مشورت با ما صورت می‌گرفت. همین مسئله بر لزوم حل مشکل انتقال [تجهیزات نظامی] از هر دو سو، یعنی انتقال دهنده و دریافت کننده، تأکید دارد.

هلمز

سند شماره ۱۱۸

۲۱ اکتبر ۱۹۷۵ - ۲۹ مهر ۱۳۵۴

محرمانه

به: سفارت آمریکا، ایران

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی

مرجع: تهران ۶۴۷۹

موضوع: درخواست شاه برای اطلاعات مربوط به انتقال [تسلیمات] به کشور ثالث

۱- موارد زیر رهنمودی برای پاسخ به درخواست شاه (بند های ۲ و ۳ تلکس مرجع) برای اطلاعات مربوط به قوانین آمریکا در انتقال اقلام نظامی تولید شده در یک کشور خارجی با استفاده از اطلاعات فنی کسب شده از ایالات متحده به یک کشور ثالث است.

۲- قوانین آمریکا به منظور کنترل انتقال تجهیزات و فناوری دفاعی برای حصول اطمینان از همسو بودن صدور اقلام حساس با سیاست خارجی ایالات متحده، وضع شده است. قوانین موجود حوزه شمول کنترل های مزبور را به کل صادرات تجهیزات و فناوری نظامی، و نه فقط اقلام موجود در انبارهای نیروهای مسلح ایالات متحده، بسط می‌دهد. محدود ساختن حوزه شمول چنین کنترل هایی به اقلام موجود در انبارهای ایالات متحده، در واقع نقض غرض کنترل های صادراتی خواهد بود، زیرا کلیه صادرات بالقوه تجهیزات و فناوری دفاعی در این مقوله جای نمی‌گیرند.

۳- اختیارات دولت در ارتباط با انتقال فناوری دفاعی به موجب دو مرجع اساسی محدود می‌شود. ابتدا قانون فروش های نظامی خارجی است که به موجب آن انتقال هر گونه اقلام دفاعی فروخته شده از سوی آمریکا در چارچوب این قانون باید به تصویب دولت آمریکا برسد. طبق تفسیر، قانون مزبور اقلام دفاعی را نیز که با استفاده از اطلاعات فنی ارایه شده از سوی دولت ایالات متحده در چارچوب این قانون در خارج از کشور تولید می‌شوند شامل می‌شود. قانون فروش های نظامی خارجی فقط اجازه تصویب مورد به مورد را به دولت آمریکا داده است. دومین مرجع «مقررات انتقال بین المللی سلاح» است که به استناد بند ۴۱۴ قانون اصلاح شده امنیت متقابل مصوب ۱۹۵۴ تدوین شده است. مقررات فوق ناظر بر صادرات تجاری اقلام و فناوری موجود در فهرست تسلیماتی ایالات متحده و همچنین صدور مجوز تولید چنین اقلامی در خارج از آمریکاست. طبق این مقررات، شرط موافقت با صدور مجوز تولید اقلام مزبور در هر کشور، آن است که کشور دریافت کننده مجوز موافقت کند که بدون موافقت قبلی دولت ایالات متحده هیچگونه اقلامی را که با استفاده از فناوری خریداری شده



از آمریکا تولید می‌کند، به هیچ شخصی خارج از حوزه مشخص شده در مجوز، که در واقع حوزه مجاز برای فروش آن اقلام است، انتقال ندهد. طبق مقررات انتقال بین‌المللی سلاح، ایالات متحده به لحاظ تئوری می‌تواند در مجوز اصلی با حوزه فروش وسیعی موافقت کند. با وجود این، رویه ایالات متحده عملاً این بوده که همسو با مسئولیت‌هایش برای اجرای اهداف بند ۴۱۴ قانون فوق، حوزه فروش را بسیار محدود کند. در بسیاری از موارد، حوزه فروش به کشوری که فناوری را خریداری کرده، محدود می‌شود. موافقت با انتقال اقلام به خارج از حوزه فروش مشخص شده در مجوز، فقط با بررسی‌های مورد به مورد امکان‌پذیر است.

۴- علاوه بر این محدودیت‌های دولتی، ممکن است ملاحظات تجاری مهمی نیز وجود داشته باشد. هر شرکت آمریکایی به هنگام تقاضای مجوز صادرات فناوری، حوزه فروش پیشنهادی خود را نیز بر اساس طرحش برای تقسیم بازار بالقوه محصول مورد نظر با خریدار خارجی به ضمیمه تسلیم می‌کند. ممکن است دولت آمریکا در بررسی تقاضای مزبور از شرکت فروشنده بخواهد حوزه پیشنهادی محدودتری انتخاب کند. پس از آنکه مجوز صادر شد، درخواست برای تصویب فروش محصول مورد نظر به خارج از حوزه فروش مجاز باید توسط شرکت آمریکایی به دولت آمریکا تسلیم شود و نه خریدار خارجی؛ احتمال دارد شرکت آمریکایی به منظور حفظ بازار خودش از تسلیم چنین درخواستی به دولت خودداری کند. دولت ایالات متحده هیچ کنترلی، تأکید می‌کنم، هیچ کنترلی بر چنین تصمیماتی ندارد.

۵- در ارتباط با قابل اجرا بودن قوانین و مقررات ایالات متحده در ارتباط با موارد خاصی که شاه ذکر کرده است، بند ۲ همین پیام دلایل لزوم تصویب قبلی انتقال هر گونه تسلیحاتی که دولت ایران ممکن است تحت قراردادش با شرکت «ارس» تولید کند به کشورهای ثالث را توضیح می‌دهد. حتی تحت مقررات انتقال بین‌المللی سلاح نیز برای سلاح‌ها و هلیکوپترهای نظامی و سایر اقلام قابل توجه، رویه دولت آمریکا در تصویب مجوز تولید این بوده که با تصویب حوزه‌های نسبتاً محدود حوزه فروش در مجوز اصلی، گزینه بررسی‌های مورد به مورد پیشنهاد برای فروش محصولات مورد نظر را برای خود محفوظ نگاه دارد. تعقیب چنین رویه‌ای به آمریکا اجازه می‌دهد در صورت تغییر روابط دیپلماتیک و لزوم تغییر سیاست‌ها از منافع خود حفاظت کند. می‌توان تصور کرد که روابط ایالات متحده با کشوری که در محدوده یک حوزه فروش بزرگ قرار دارد ممکن است به قدری تغییر کند که دیگر ایالات متحده مایل نباشد آن کشور تجهیزاتی را که با استفاده از فناوری آمریکایی ساخته شده است، خریداری کند. ما، در حال حاضر نمی‌توانیم نظریه‌ای داشته باشیم.

۶- در بحث بر سر مسئله هلیکوپترها با شاه، پیشنهاد می‌کنیم این خط را دنبال کنید که تجربه نشان داده تصویب مورد به مورد درخواست‌ها لزوماً کار شاقی نیست و اینکه دولت ایالات متحده حاضر است درخواست برای تصویب انتقال هلیکوپترهایی را که ممکن است در ایران تولید شود فوراً مورد بررسی قرار دهد. فرض ما این است که اولین هلیکوپترهای تولید

شده در ایران برای رفع نیازهای داخلی مورد استفاده قرار گیرد و در سالهای اولیه تولید، کمتر تقاضایی برای انتقال هلیکوپترها مطرح شود. هر زمان صنایع هلیکوپترسازی ایران به نقطه‌ای رسید که صادرات زیاد هلیکوپتر امکان یافت، چنانچه شرکت آمریکایی صاحب فناوری تمایلی به این امر داشت، دولت آمریکا حاضر است مسئله بسط حوزه فروش را مورد بازبینی قرار دهد. در حال حاضر نمی‌توانیم هیچ تعهدی بر عهده بگیریم.

اینگرسل

سند شماره ۱۱۹

۳۰ اکتبر ۱۹۷۵ - ۸ آبان ۱۳۵۴

سری

به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی

از: سفارت آمریکا، تهران

مرجع: الف - وزارت امور خارجه ۲۴۹۵۴۸، ب - تهران ۶۴۷۹

موضوع: درخواست شاه برای اطلاعات مربوط به انتقال [تسلیمات] به کشور ثالث

۱- توجه شما را به مطالب مندرج در مرجع‌ها در ارتباط با امکان فروش سیستم‌های تسلیحاتی تولید شده تحت لیسانس آمریکا در ایران به کشورهای ثالث جلب می‌کنم. چنانکه آگاه هستید، مسئله تولید مشترک تجهیزات دفاعی اهمیت ویژه‌ای برای شاه در تلاشش برای ارتقای پایه فنی ایران دارد. یکی از ابعاد اقتصادی مهم طرح شاه شامل صدور اقلام تولید شده در ایران به کشورهای منطقه است. ماههاست که آژانس‌های مستقر در واشنگتن، شرکت‌های آمریکایی، و ما مشغول بحث و گفتگو درباره این مسایل بوده‌ایم و ظاهراً داریم به تصمیمات مهم و نهایی در ارتباط با تولید هلیکوپتر و موشک‌های تاو و «ماوریک» نزدیک می‌شویم. شاه خیلی واضح گفته است که مصر به خرید هلیکوپترهای تولید شده در ایران ابراز تمایل کرده است.

۲- به اعتقاد ما دولت ایران مستحق آن است که اطلاعات دقیق‌تری از آنچه در مرجع الف درباره مواضع آمریکا در قبال فروش سیستم‌های تسلیحاتی تحت لیسانس آمریکا در ایران به کشورهای منطقه آمده است، دریافت کند. ما هیچ مشکلی در ارتباط با ابلاغ بخش مربوط به قوانین و مقررات ایالات متحده به دولت ایران نداریم زیرا شخصیت‌های اصلی ایران با قوانین مرتبط با انتقال تجهیزات خریداری شده آشنا هستند. ولی مشکلی که صرفاً با ابلاغ قوانین وجود دارد این است که پاسخی به دل‌مشغولی شاه نمی‌دهد. او صدها میلیون دلار در پروژه‌های تولید مشترک سرمایه‌گذاری خواهد کرد، بنابراین باید حتی‌الامکان اطلاعات کاملی درباره امکانات اقتصادی این تعهدات داشته باشد. آیا او می‌تواند به فروش‌های منطقه‌ای متکی و امیدوار باشد یا خیر؟ مطمئناً تأیید می‌کنید که هیچ شاه یا تاجر باکفایتی بدون انتظار سود یا مسایل جبرانی دیگری نظیر آموزش و انتقال فناوری، دست به اجرای چنین پروژه‌هایی نمی‌زند.



۳- به این نکته توجه داشته باشید که برخورد انتزاعی دولت آمریکا با این مسئله که آیا فروش سیستم‌های تسلیحاتی تولید شده در ایران را تصویب خواهیم کرد یا خیر، برای دولت ایالات متحده بسیار دشوار است. مسئله فروش‌های آتی برخی تسلیحات به برخی کشورها نیز بسیار مشکل‌ساز خواهد بود، ولی به اعتقاد ما این مشکلی است که می‌تواند، و باید، هم اینک حل شود. بنابراین، در صورت موافقت شما، اطلاعات حقوقی مندرج در مرجع الف را در اختیار دولت ایران قرار بدهیم و از ایرانی‌ها بخواهیم تا اطلاعاتی درباره طرح‌های پیشنهادی‌شان برای فروش سیستم‌های دفاعی به کشورهای منطقه به ما ارائه دهند. آنگاه از وزارتخانه خواهیم خواست تا تصمیم بگیرد آیا ایرانی‌ها اجازه دارند برای فروش مثلاً فلان تعداد هلیکوپتر به مصر ظرف مثلاً فلان مدت برنامه‌ریزی کنند یا خیر. به عبارت دیگر، اجازه بدهید بررسی‌های مورد به مورد را به جای آنکه پس از سرمایه‌گذاری ایران در تأسیسات تولید مشترک انجام دهیم، همین حالا انجام دهیم. البته بدیهی است که می‌توانیم در پاسخ‌مان به ایران مفادی نیز برای تعویق اجرای این برنامه‌ها جهت حفاظت از مواضع‌مان در صورت بروز هرگونه رویداد غیرمنتظره در آینده، بگنجانیم.

هلمز

سند شماره ۱۲۰

۵ نوامبر ۱۹۷۵ - ۱۴ آبان ۱۳۵۴

محرمانه

به: سفارت آمریکا، تهران

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی

مرجع: الف - تهران ۱۰۵۷۳، ب - وزارت امور خارجه ۲۴۹۵۴۸

موضوع: درخواست شاه برای اطلاعات مربوط به انتقال [تسلیحات] به کشور ثالث

سفیر: از معاون وزیر اینگرسل

۱- مواضع‌مان را در پرتو نگرانی‌های قابل درک شما که موجب ارسال آن پیام شد بار دیگر مرور کردم. مایل بودم می‌توانستم در حال حاضر کمک بیشتری به شما بکنم، ولی به خود اطمینان خاطر داده‌ام که سیاست ما با تصمیم رئیس جمهور و همچنین منافع دولت ایالات متحده همخوانی دارد.

۲- متعاقب تحقیقاتی که از سوی کمیته معاونت وزیران بر روی مسایل مربوط به تولید مشترک در ایران صورت گرفت، ماه مارس گذشته به رئیس جمهور توصیه کردم که فروش کلیه اقلامی که به طور مشترک در ایران تولید شده، به کشورهای ثالث، باید قبلاً به طور کتبی و مورد به مورد به تصویب ایالات متحده برسد... دولت ایران باید در طول مذاکراتی که بابت یک پیشنهاد خاص صورت می‌گیرد از این امر اطلاع یابد. این توصیه در تاریخ ۲ می به تصویب رئیس جمهور رسید.

چگونگی توضیح این مسئله را در گفتگوهای آینده شما با شاه به خودتان وامی‌گذارم، ولی



به هر حال باید اطمینان حاصل کنید که او کاملاً سیاست ما را درک کرده باشد.

۳- پاسخ ما به درخواست شاه برای ابراز مواضع قطعی مان در ارتباط با این موضوع (مرجع ب) در واقع تا حدود زیادی بر جنبه‌های حقوقی - قانونی آن متمرکز بود، به این دلیل که به اعتقاد ما باید بتوانید توضیح کاملاً روشنی از محدودیت‌های حاکم بر اقدامات ما به ایشان ارائه دهید. بسیار گمراه‌کننده - و شاید هم بدتر از آن - بود که نشان دهیم حاضریم تعهداتی بر عهده بگیریم که در واقع ممکن است تحت شرایط متفاوتی در آینده توان ایفای آن را نداشته باشیم. آنگونه که از وضعیت موجود برداشت کرده‌ام، چنانچه ایران تصمیم بگیرد یک یا چند پروژه تولید مشترک را به مورد اجرا بگذارد، سالها طول می‌کشد تا اولین اقلام مورد نظر از خط تولید بیرون بیاید.

فرض ما این است که اولویت ایران برای تأمین نیازهای داخلی و پر کردن انبارهای خودش باشد و همین مسئله می‌تواند تا زمانی که امکان صادرات اقلام فوق‌جدی‌تر شود، اهمیت صادرات را به تعویق بیندازد.

۴- چنانکه می‌دانید، انتقال تجهیزات تحت کنترل ایالات متحده به کشورهای ثالث فقط می‌تواند به کشورهایی مجاز باشد که ایالات متحده خودش حاضر است مستقیماً همان تجهیزات را به آن کشورها انتقال دهد و یا بفروشد. بنابراین نباید وانمود کنیم که در حال حاضر می‌دانیم چه سیاست‌هایی در موقعیتی نامعلوم در آینده در این ارتباط قابل اجرا خواهد بود، به ویژه در ارتباط با مصر.

در حال حاضر، مسئله کلی روابط آتی دو کشور در زمینه تأمین ملزومات نظامی در حال بررسی است. بسته به نوع نتایجی که به دست خواهد آمد، ممکن است مشورت مفصل با کنگره ضروری باشد. این هم یک دلیل خاص و اضافی برای اینکه در حال حاضر نمی‌توانیم هیچگونه تعهدی در قبال فروش آتی تجهیزات تولید شده مشترک در ایران را به مصر تقبل کنیم.

۵- زمانی که برای توضیح این مسئله به دیدار شاه رفتید، پیشنهاد می‌کنم در خلال توضیحاتتان درباره جوانب حقوقی این مسئله، به ایشان تأکید نمایید که تجربه نشان داده که شرایط ایالات متحده در این ارتباط بی‌اندازه شاق نیست. می‌توانید به ایشان اطمینان بدهید که به محض ابلاغ هر درخواست، در اسرع وقت به آن رسیدگی خواهد شد. علاوه بر این، با توجه به روابط به ویژه نزدیک ایالات متحده و ایران و اشتراک بسیاری از منافع، دلمشغولی‌ها و دیدگاه‌های سیاسی - استراتژیک دو کشور، انتظار داریم در اکثر موارد، فروش یا انتقال [تسلیمات] از ایران با نظر مساعد مواجه گردد.

به اعتقاد من شما نباید پا را از این فراتر بگذارید و نباید آنگونه که در بند ۳ پیامتان نوشته‌اید از دولت ایران درخواست اطلاعات نمایید.

سند شماره ۱۲۱

۱۰ نوامبر ۱۹۷۵ - ۱۹ آبان ۱۳۵۴

محرمانه

از: سفارت آمریکا، تهران
مرجع: الف- وزارت امور خارجه ۲۱۰۲۱۵ ز - ۲۱ اکتبر ۱۹۷۵، ب- وزارت امور خارجه
۱۶۰۱۶۰۴ ز - ۴ نوامبر ۱۹۷۵

موضوع: درخواست شاه برای کسب اطلاعات مربوط به انتقال [تسلیحات] به کشور ثالث
۱- نامه مورخ ۹ نوامبر سفیر به وزیر دربار. تحویل ملزومات بسیار به موقع است زیرا مذاکرات کارخانه بل و دولت ایران برای تولید مشترک هلیکوپتر در مرحله بسیار حساسی است.
۲- رونوشت نامه با پُست ارسال می‌گردد.

هلمز

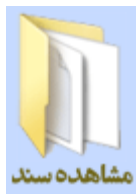
تهران - ۹ نوامبر ۱۹۷۵

عالیجناب اسدالله علم

وزیر دربار همایونی - تهران

وزیر محترم

چندی پیش اعلیحضرت همایونی از بنده خواستند قوانین و سیاست‌های دولت ایالات متحده را در ارتباط با فروش و یا انتقال اقلام نظامی که ممکن است با استفاده از اطلاعات فنی کسب شده از ایالات متحده در ایران ساخته شوند، به اطلاع ملوکانه برسانم. پوزش بنده را از بابت تأخیر در ارایه اطلاعات مزبور که به تازگی از واشنگتن دریافت شده است، بپذیرید. اجازه می‌خواهم پیش از آنکه مقتضیات حقوقی مسئله را مورد بحث قرار دهم، مواضع ایالات متحده را با بیان دو اصل بنیادینی که راهنمای اقدامات ما در این زمینه است، به اجمال توضیح دهم. اول اینکه انتقال اقلام دفاعی تولید شده با استفاده از فناوری آمریکایی به کشورهای ثالث، فقط به آن دسته از کشورهایی مجاز است که ایالات متحده خود حاضر باشد تجهیزات فوق را مستقیماً به آنها انتقال دهد و یا بفروشد، و دوم اینکه ایالات متحده درخواست برای انتقال اقلام دفاعی را فقط به صورت مورد به مورد و در زمان ابلاغ پیشنهاد انتقال آن اقلام به کشور ثالث مورد بررسی قرار خواهد داد. تجربه نشان داده است که شرایط ایالات متحده برای بررسی درخواست انتقال [تسلیحات] بی‌اندازه شاق نیست و به ایران اطمینان می‌دهیم که در زمان ابلاغ هر درخواست به دولت ایالات متحده، در اسرع وقت به آن رسیدگی خواهد شد. علاوه بر این، با توجه به روابط به ویژه نزدیک ایالات متحده و ایران و اشتراک بسیاری از منافع، دلمشغولی‌ها و دیدگاه‌های سیاسی-استراتژیک دو کشور، انتظار داریم که در اکثر موارد، فروش یا انتقال [تسلیحات] از ایران با نظر مساعد مواجه گردد. در آمریکا قوانین ناظر بر کنترل انتقال تجهیزات و فناوری دفاعی، به منظور حصول اطمینان از



همسو بودن صدور اقلام حساس با سیاست خارجی ایالات متحده وضع شده است. قوانین موجود حوزه شمول کنترل‌های مزبور را به کل صادرات تجهیزات و فناوری نظامی، و نه فقط اقلام موجود در انبارهای نیروهای مسلح ایالات متحده، بسط می‌دهد. محدود ساختن حوزه شمول چنین کنترل‌هایی به اقلام موجود در انبارهای ایالات متحده، در واقع نقض غرض کنترل‌های صادراتی خواهد بود، زیرا کلیه صادرات بالقوه تجهیزات و فناوری دفاعی در این مقوله جای نمی‌گیرند. با توجه خاص به شمول قوانین ایالات متحده در ارتباط با فروش سلاح‌های تولید شده در ایران با مشارکت شرکت آمریکایی «ارس»، انتقال هر گونه سلاح تولید شده تحت این قرارداد که در آن از فناوری آمریکایی استفاده شده باشد، باید قبلاً به تصویب ایالات متحده برسد.

اختیارات دولت در ارتباط با انتقال فناوری دفاعی به موجب دو مرجع اساسی محدود می‌شود. ابتدا قانون فروش‌های نظامی خارجی است که به موجب آن انتقال هر گونه اقلام دفاعی فروخته شده از سوی آمریکا در چارچوب این قانون، باید به تصویب دولت آمریکا برسد. طبق تفسیر، قانون مزبور اقلام دفاعی را که با استفاده از اطلاعات فنی ارائه شده از سوی دولت ایالات متحده در چارچوب این قانون در خارج از کشور تولید می‌شوند نیز شامل می‌شود. قانون فروش‌های نظامی خارجی فقط اجازه تصویب مورد به مورد را به دولت آمریکا داده است. دومین مرجع، مقررات انتقال بین‌المللی سلاح است که به استناد بند ۴۱۴ قانون اصلاح شده امنیت متقابل مصوب ۱۹۵۴ تدوین شده است. مقررات فوق‌ناظر بر صادرات تجاری اقلام و فناوری موجود در فهرست تسلیحاتی ایالات متحده و همچنین صدور مجوز تولید چنین اقلامی در خارج از آمریکا است. طبق این مقررات، شرط موافقت با صدور مجوز تولید اقلام مزبور در هر کشور آن است که کشور دریافت‌کننده مجوز، موافقت کند بدون موافقت قبلی دولت ایالات متحده هیچ‌گونه اقلامی را که با استفاده از فناوری خریداری شده از آمریکا تولید می‌کند، به هیچ شخصی خارج از حوزه مشخص شده در مجوز، که در واقع حوزه مجاز برای فروش آن اقلام است، انتقال ندهد. طبق مقررات انتقال بین‌المللی سلاح، ایالات متحده به لحاظ تئوری می‌تواند در مجوز اصلی با حوزه فروش وسیعی موافقت کند. با وجود این، رویه ایالات متحده عملاً این بوده است که همسو با مسئولیت‌هایش برای اجرای اهداف بند ۴۱۴ قانون فوق، حوزه فروش را بسیار محدود نماید. در بسیاری از موارد، حوزه فروش به کشوری که فناوری را خریداری کرده است، محدود می‌شود. موافقت با انتقال اقلام به خارج از حوزه فروش مشخص شده در مجوز، فقط با بررسی‌های مورد به مورد امکان‌پذیر است. (صفحه ۳ سند یافت نشد)

در صورتی که اعلیحضرت همایونی، یا خود شما و یا تیمسار توفانیان مایل به توضیح بیشتر باشند، با کمال میل در خدمت خواهیم بود.

با احترام و ارادت شخصی

ریچارد هلمز

سفیر

سند شماره ۱۲۲

۱۶ نوامبر ۱۹۷۵ - ۲۵ آبان ۱۳۵۴

بدون طبقه‌بندی

از: بخش سیاسی اچ. پرشت به: هیأت مستشاری نظامی - رئیس ستاد - سرهنگ فریلند
موضوع: مراحل انتقال [تسلیمات] به کشور ثالث

درخواست ایران برای انتقال اقلام دفاعی ساخت ایالات متحده (چه از محل برنامه مساعدت‌های نظامی و چه از محل خریدهای نظامی خارجی) به کشورهای ثالث باید طبق مراحل زیر صورت گیرد:

۱- دولت ایران درخواست خود را برای انتقال برخی تجهیزات دفاعی به یک کشور خاص به سفارت تسلیم می‌کند. در گذشته، معاون وزیر جنگ در امور تسلیمات این درخواست را از سوی دولت ایران انجام داده است.

۲- سفارت درخواست ایران را به وزارت امور خارجه و وزارت دفاع مخابره می‌کند. این وزارتخانه‌ها تصمیم می‌گیرند که درخواست ایران را قبول و یا رد نمایند. اصلی‌ترین ملاحظه در این تصمیم‌گیری آن است که آیا ایالات متحده خود حاضر است چنین اقلامی را به دریافت‌کننده مزبور انتقال دهد یا خیر.

۳- چنانچه با این درخواست موافقت شد، ایالات متحده از کشور دریافت‌کننده می‌خواهد تا کتباً تضمین نماید که اقلام انتقال‌یافته را بدون اطلاع قبلی ایالات متحده به کشور دیگری انتقال نخواهد داد.

۴- زمانی که این تضمین کتبی دریافت شد، وزارت امور خارجه درخواست مزبور را به مجلس سنا و مجلس نمایندگان ابلاغ می‌کند. معمولاً تشریفات تصویب درخواست فوق در کنگره ۱۰ روز طول می‌کشد.

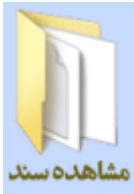
۵- پس از تصویب در کنگره، سفارت به دولت ایران اطلاع می‌دهد که با انتقال اقلام مورد نظر موافقت شده است.

شایسته است بخش‌های خدمات، مراحل فوق را به طور مقتضی به اطلاع هم‌تایان [ایرانی] خود برسانند، و در عین حال توجه آنها را به نکات زیر جلب نمایند:

- تلاش ایالات متحده بر آن است که درخواست‌های ایران برای انتقال سلاح در اسرع وقت مورد رسیدگی قرار گیرد. در گذشته حتی یک درخواست ایران برای انتقال سلاح نیز رد نشده است.

- به منظور تسریع رسیدگی به درخواست ایران برای انتقال اقلام دفاعی، باید این درخواست به محض اتخاذ تصمیم از سوی دولت ایران به سفارتخانه ابلاغ شود. بهترین کانال ارتباطی معاون وزیر جنگ در امور تسلیمات است.

- تأکید نمایید که هیچگونه اقلام دفاعی نباید قبل از کسب موافقت دولت آمریکا به



کشور ثالث انتقال یابد. در صورت نقض این مسئله، طبق قوانین آمریکا عواقب وخیمی گریبانگیر برنامه‌های فروش تسلیحات به ایران خواهد شد. - بر این باوریم که با همکاری متقابل، هر گونه پیشنهاد انتقال [تسلیحات] به کشور ثالث مراحل مقتضی را به نحو احسن طی خواهد کرد.

سروان. اچ. پرشت

سند شماره ۱۲۳

محرمانه

از: سفارت آمریکا، تهران

به: وزارت امور خارجه آمریکا، واشنگتن دی.سی

مرجع: وزارت امور خارجه - ۱۶۷۹۰۱

موضوع: گزارش اقتضانات مساعدت‌های امنیتی

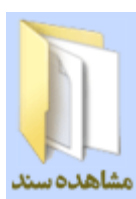
گزارشی که به پیوست ارسال می‌گردد بنا بر دستور مندرج در تلکس مرجع وزارت امور خارجه و پیام‌های توضیحی بعدی تهیه شده است. بخش‌های این گزارش بر اساس توضیحات مندرج در بند ۳ تلکس وزارت امور خارجه به شماره ۱۶۷۹۰۱ تنظیم شده است، ولی برخی از بخش‌های درخواستی در بند مزبور پوشش داده نشده‌اند، که این امر بر اساس درک ما از دستورات وزارتخانه و پیام‌های توضیحی بعدی بوده است. گزارش پیوست محصول مشترک هیأت مستشاری نظامی آمریکا و بخش‌های متفاوت سفارت است.

سولیوان

گزارش روابط ایران و آمریکا در چارچوب برنامه مساعدت‌های امنیتی

الف- (۱) منافع آمریکا در ایجاد رابطه مساعدت امنیتی با ایران:

اهمیت اصلی ایران به موقعیت مهم جغرافیایی آن، جایگاهش در حکم یک تولیدکننده عمده نفت و کشوری دارای ذخایر گازی عظیم، وابستگی شدید برخی از هم‌پیمانان اصلی ما و همچنین وابستگی کمتر ما به نفت ایران، و نقش نوظهور ایران در رهبری منطقه خلیج فارس به طور اخص و در منطقه به طور اعم است. ایران اساساً کشوری متمایل به غرب است، و این تمایل ناشی از مقاومت سنتی ایران در برابر هژمونی شوروی (و قبل از آن روسیه) بوده است. ایالات متحده آمریکا از زمان جنگ جهانی دوم به این سو تلاش کرده است با حمایت از ایران در ایجاد اقتصاد و ارتشی قوی- و در نتیجه با ثبات- این نقش را تقویت کند. ایران نیز از طریق همکاری در چارچوب پیمان سنتو به طور دو جانبه حقوق، اختیارات و تسهیلاتی در اختیار ایالات متحده قرار داده است. به طور خلاصه، تقویت روز افزون ایران سهم به سزایی در حفظ منافع ملی مشترک ما دارد.



اهداف مشخص مساعدت‌های امنیتی شامل موارد زیر می‌شود:

- مساعدت به ایران در پرورش توانایی استفاده و تعمیر و نگهداری سیستم‌های تسلیحاتی کسب شده از ایالات متحده،
- مساعدت به ایران در توسعه نیروهای نظامی متعارف به منظور تضمین امنیت کشور، که به نوبه خود به حفظ ثبات کشور و حفاظت از منافع آمریکا کمک خواهد کرد،
- مساعدت به ایران در ایجاد و حفظ نیروهای رزمی و پشتیبانی لجستیک به منظور برآوردن نیازهای پیش‌بینی شده،
- مساعدت به ایران در ایجاد و حفظ توان کافی و عملیاتی بسیج نیروها،
- حمایت از ایجاد و حفظ همکاری‌های نزدیک‌تر منطقه‌ای به منظور مقاومت در برابر نفوذ کمونیسم علاوه بر اهداف دیگر،
- تضمین دسترسی مستمر ایالات متحده و جهان آزاد به منابع نفت و گاز،
- تشویق مشارکت ایران در ترتیبات امنیتی جمعی طرفدار غرب.

الف- (۲) تهدیدهای خارجی و داخلی به زعم ایران:

ایران تهدید اصلی را از سوی اتحاد شوروی متوجه خود می‌داند. البته منظور این نیست که ایران حمله مستقیم اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی به کشورش را محتمل‌ترین رویداد فرض می‌کند. در واقع ایران اذعان دارد که در صورت وقوع چنین حمله‌ای، در بهترین وجه، حتی با توجه به برنامه گسترده مدرن‌سازی ارتش، نیروهای مسلح ایران فقط می‌توانند امید داشته باشند که برای مدت بسیار کوتاهی - شاید فقط چند روز - در برابر یک حمله همه جانبه شوروی مقاومت کنند- یعنی تا وارد عمل شدن نیروهای سیاسی جهان آزاد. با وجود این، اتحاد جماهیر شوروی از نظر ایران تهدید غیر مستقیمی به همان اندازه بزرگ، از طریق دولت‌هایی که نیابتی عمل می‌کنند نظیر عراق، متوجه ایران ساخته است. از نظر ایران، رویدادهای اخیر افغانستان این تهدید را پیچیده‌تر ساخته است. اگرچه پاکستان نزدیک‌ترین شریک ایران در منطقه است، بی‌ثباتی این کشور نیز مایه نگرانی ایران را فراهم آورده است، و نهایتاً اینکه در جنوب، ایران به وضوح لزوم باز نگاه داشتن تنگه هرمز و ثبات وضعیت در خلیج فارس و دریای عمان به منظور تأمین ضرورت استمرار جریان نفت که اقتصاد ایران شدیداً به آن وابسته است را حس می‌کند.

استراتژی ایران برای فائق آمدن بر تهدیدهای خارجی کاملاً واضح و بدون ابهام است. چنانکه در بالا ذکر شد، ایران حمله اتحاد جماهیر شوروی به کشورش را محتمل نمی‌داند. اگر چنین حمله‌ای واقع شود، هیچ راهی برای مقاومت یک تنه ایران در برابر آن متصور نیست. نیروهای ایرانی باید به منظور دلسرد کردن متجاوز دست به اقدامات ایذایی بزنند و از این رهگذر زمان لازم را برای وارد عمل شدن جهان آزاد جهت مذاکره و ختم تجاوز به دست

آورند. در یک درگیری عمده با عراق، پیش‌بینی می‌کنیم که نیروی هوایی شاهنشاهی ایران می‌تواند پایگاه‌های هوایی عراق را از کار بیندازد و برتری هوایی را از آن خود کند. عملیات نیروی زمینی شاهنشاهی ایران نیز با هدف دفاع و، در صورت لزوم، بازپس‌گیری خاک ایران، انجام خواهد شد. همزمان با آن، نیروی هوایی شاهنشاهی و نیروی دریایی شاهنشاهی ایران مسئولیت دفاع از تأسیسات مهم نفتی و خطوط دریایی ایران را بر عهده خواهند داشت. عوارض طبیعی در ایران قابلیت جابجایی نیروها را در این کشور پهناور به مسئله‌ای بسیار مهم مبدل ساخته است. با توجه به رویدادهای اخیر افغانستان، ایران تلاش دارد سیستم‌های هشدار سریعتری در مناطق شرقی کشور مستقر سازد و همچنین در حال بررسی اقداماتی برای ارتقای قابلیت جابجایی تاکتیکی نیروی‌های نظامی خویش است.

تهدیدهای داخلی برای ثبات و امنیت ایران عمدتاً از دو منبع نشأت می‌گیرند. مهمترین منبع گروه‌های مخالفی هستند که اخیراً تظاهراتی را در این کشور به راه انداخته‌اند. در میان این مخالفان، رهبران مذهبی به ویژه می‌توانند موجب تحریک مردم و ایجاد آشوب در راهپیمایی‌ها و مراسم دیگر شوند. برخی از این مخالفان از هم‌پیمانان بالقوه‌شان در عراق، لبنان و لیبی الهام، و در برخی موارد کمک‌های عمده‌تری، می‌گیرند. منبع دومی که در حال حاضر اهمیت کمتری دارد، ولی به طور بالقوه خطرناک‌تر به حساب می‌آیند، گروه‌های تروریستی در درون ایران هستند. فعالیت آنها در حال حاضر که فرایند آزادسازی فضای سیاسی رو به پیشرفت است، در سطح حداقل قرار دارد. این گروه‌های تروریستی که ظرف سه سال گذشته از دست نیروهای امنیتی ایران لطمه فراوانی دیده‌اند، ولی هنوز کاملاً محو نشده‌اند، توانایی سرقت، آدم‌ربایی، ترور و سایر فعالیت‌های مخمل نظم عمومی را دارند.

دولت ایران یک استراتژی دو لایه را برای مقابله با تهدیدهای داخلی اتخاذ کرده است. یک لایه شامل افزایش آزادسازی فضای سیاسی به منظور کاهش انگیزه خشونت در میان کسانی است که مایلند فعالیت‌های سیاسی داشته باشند. شاه در نطقی که به مناسبت روز مشروطه در ۵ اوت ایراد کرد، اظهار داشت که از این پس انتخابات ایران «صد در صد آزاد» خواهد بود و آزادی بیان و مطبوعات به طور کامل اجرا خواهد شد. هدف ایران استقرار یک دموکراسی به سبک غربی است. قانونی که قرار است برای اعطای حق تجمع به تصویب برسد، به نامزدهای انتخابات مجلس اجازه خواهد داد تا گردهمایی‌های سیاسی برگزار کنند. دولت ایران بدین ترتیب امیدوار است گزینه‌های مقبول‌تری نسبت به شورش سیاسی در اختیار مردم بگذارد. دومین لایه استراتژی ایران برای مقابله با تهدیدهای داخلی تلاش برای حفظ نظم عمومی است. مأموریت نیروهای پرشمار امنیتی هر چه بیشتر معطوف به کنترل تهدیدهای تروریستی و در عین حال پشتیبانی از نیروهای پلیس در حفظ نظم عمومی در برابر عناصر تفرقه‌افکن، و متمایل به خشونت، است. شاه اظهار داشته که در عزم خود برای ادامه آزادسازی فضای سیاسی مصمم است، ولی این فرایند باید در محدوده قانون صورت بگیرد- و حقوق همه محترم شمرده شود.

الف- (۳) تهدیدها به زعم هیأت آمریکایی:

به طور کلی، هیأت آمریکایی نیز نظر ایران درباره تهدیدهای موجود را تأیید می‌کند، یعنی این نظر که تهدید اصلی از سوی اتحاد جماهیر شوروی و تهدید عاجل‌تر از سوی عراق، و رژیم‌های تندرو در خلیج فارس و افغانستان متوجه ایران است.

الف- (۴) نظرات ایران در ارتباط با نوع ارتشی که برای برآوردن نیازها و مقابله با تهدیدها مناسب است: ایران در حال حاضر برنامه بسیار گسترده‌ای در ارتباط با تقویت نیروهای نظامی و دفاع از کشورش دنبال می‌کند. نظرات ایران درباره نیازهای ارتش علاوه بر عوامل نظامی مشخص بر عوامل دیگری نیز استوار است:

- تجربه اشغال قبلی ایران توسط قدرت‌های خارجی و تمایل به بازداشتن قدرت‌ها از هر گونه اشغال بعدی ایران در آینده.

- نقش سیاسی روز افزون ایران در حکم یک قدرت منطقه‌ای.

- اثرات جانبی برنامه‌های نظامی بر اقتصاد غیرنظامی، به خصوص در حوزه نیروی کار ماهر از لحاظ فنی، توسعه زیربنایی و کاربرد تکنولوژی غربی.

- توانایی ایران در کسب اولیه سیستم‌های تسلیحاتی جدید و نهایتاً نیل به خودکفایی در این زمینه، یعنی کاربرد، حفظ و نگهداری و پشتیبانی سیستم‌های تسلیحاتی فوق با مساعدت محدود و یا بدون مساعدت خارجی.

- اولویت بالای حفاظت از میدان‌های نفتی ایران.

- تمایل شاه به عدم وابستگی به فقط یک کشور برای تأمین سلاح.

- برخی شک و تردیدها نسبت به حمایت نهایی آمریکا از ایران در صورت حمله یک قدرت خارجی به این کشور.

- تمایل ایران به کسب توانایی، در صورت امکان، حمایت از حکام سنتی در منطقه در برابر نیروهای انقلابی از آنجایی که، از نظر شاه، چنین حکام سلطنتی یا شبه سلطنتی دارای تداوم و قابلیت پیش‌بینی در روابط داخلی و منطقه‌ایشان هستند.

نظرات ایران در ارتباط با نیازهای نظامی مشخص به شرح زیر است:

نیروی زمینی

به دلیل عوارض طبیعی صعب‌العبور در ایران و فقدان یک شبکه حمل و نقل مناسب، نیروی زمینی شاهنشاهی ایران برای دفاع از مرزها و تأسیسات نفتی استراتژیک مستقر در مناطق همجوار با مرز عراق در مقابل تهدید ارتش بزرگ و بسیار مجهز عراق با سلاح‌های شوروی، به هلیکوپتر، تجهیزات جابجایی نیرو در زمین، و سلاح‌های مرتبط نیاز دارد. لشگرها و تیپ‌هایی باید برای حفظ و دفاع از ثبات در مناطق محوله به آنها و همچنین انجام اقدامات ایذایی در مقابل حمله شوروی در مناطقی از کشور مستقر شوند. در صورت تجاوز عراق به

خاک ایران به نیروهای مختلفی برای دفاع از مرزهای غربی نیاز است. استقرار دو لشکر پیاده، یک تیپ پیاده، و دو لشکر زرهی، به همراه یک لشکر زرهی و بخش‌هایی از لشکر گارد به حالت ذخیره، برای مقابله با حمله عراق لازم است.

برای حفاظت از نواحی مرزی شرق نیز به یک لشکر پیاده نیاز است.

لشکر زرهی چهارم نیز، پس از فعال‌سازی کامل، در بخش شرق-جنوب-شرق کشور مستقر خواهد شد و مأموریت آن استقرار پاسگاه‌های ملی و تأمین امنیت در بخش شرق-جنوب شرقی کشور خواهد بود.

تیپ‌های پیاده هوارد باید همچون نیروی ذخیره عمل کنند، و در عین حال از تیپ نیروهای ویژه باید در عملیات ویژه و جنگ‌های غیرمتعارف استفاده شود.

تمامی فاکتورهای برنامه‌ریزی در سطوح بالا نشان می‌دهد که بخش هوانیروز ارتش ایران باید گسترش یابد. به دلیل پهناوری کشور و شبکه حمل و نقل ناکافی آن، افزایش توانایی تحرک هوایی به ارتش ایران کمک خواهد کرد تا از مرزهای کشور و میدان‌های نفتی استراتژیکش دفاع کند. بین سالهای ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۸، هوانیروز ارتش ایران احتمالاً دارای پنج گروه پشتیبانی مستقیم هوانیروز (DSAG)، هر یک با ۱۷۶ هلیکوپتر و یک گروه پشتیبانی عمومی هوانیروز (GSAG) با ۲۵۳ هلیکوپتر خواهد بود. به منظور دفاع از مرزهای صعب‌العبور غربی در برابر بالقوه‌ترین تهدید، یعنی حمله عراق، به دو گروه پشتیبانی مستقیم هوانیروز نیاز است. این دو گروه در محل استراتژیکی مستقر خواهند شد که بتوانند در مقابل تهدید روسیه از شمال‌غربی نیز واکنش نشان دهند. یک گروه پشتیبانی مستقیم هوانیروز در جنوب‌غربی نزدیک خلیج فارس مستقر خواهد شد تا از واردات کالا که از طریق بنادر خلیج فارس وارد کشور می‌شوند و همچنین میدان‌های عظیم نفتی واقع در آن منطقه حفاظت کنند. یک گروه پشتیبانی مستقیم هوانیروز نیز در محلی استراتژیک در جنوب شرقی کشور مستقر خواهد شد تا از مرزهای کشور با پاکستان و بقیه خلیج فارس حفاظت کند؛ و نهایتاً یک گروه پشتیبانی نیز در نزدیکی مرزهای شمالی و شرقی کشور مستقر خواهد شد و مأموریت آن حفظ و دفاع از ثبات در مقابل تهدید تجاوز شوروی یا افغانستان است. گروه پشتیبانی عمومی هوانیروز نیز در مرکز کشور مستقر خواهد شد تا در صورت لزوم بتواند در جهات مختلف پشتیبانی کند. هوانیروز ارتش ایران باید مأموریت‌های جابجایی هوایی را با امکان حمل ۱۰ گردان پیاده و پشتیبانی توپخانه در میدان نبرد؛ پشتیبانی آتش هوایی (AH-1J)؛ جنگ ضد تانک؛ پروازهای شناسایی؛ لجستیکی، تدارکاتی، و تخلیه مجروحین را داشته باشد.

این نیرو برای حفاظت از شاه و دربار شامل لشکر گارد و یک تیپ پیاده خواهد بود.

نیروی دریایی

کل نفت صادراتی ایران از خلیج فارس و بخش اعظمی از واردات کشور از همان طریق و

تنگه هرمز در ورودی آن می‌گذرد؛ بنابراین، کشور ایران از لحاظ اقتصادی و سیاسی نیاز به ورود و خروج امن، به و از، این منطقه به و از اقیانوس هند و دریای عربی دارد. ایجاد یک نیروی دریایی مدرن، اهمیتی اساسی برای تأمین امنیت تجارت آزاد در این منطقه برای ایران دارد.

دو کشتی پشتیبانی [ضد زیردریایی] ASW، چهار رزم‌ناو سی.جی-۹۹۳، چهار ناوشکن-اسکورت کلاس ووسپر، نزدیک به ۱۲ ناوچه سریع و قایق‌های مجهز به سیستم موشک‌های هدایت‌شونده، و شش تا نه زیردریایی تهاجمی دیزلی توانایی ضدهوایی، ضدسطحی و [ضد زیردریایی] ASW را برای حفاظت از LOCs در خلیج فارس، خلیج عمان، و دریای عربی، و مناطق شمالی دریای هند به ایران خواهد داد. یک اسکادران گشتی ASW/توانایی ASW و ASUW را به واحدهای سطحی خواهد بخشید. برنامه‌ریزی برای خارج کردن DDG، و SP/DDG کنونی و توسعه عملیات در خلیج فارس و دریای عمان خرید ناوچه‌های مدرن یا کشتی‌هایی در کلاس مشابه را ضروری ساخته است.

افزوده شدن دو نوع هاورکرافت و تعدادی هلیکوپتر، توانایی نیروی دریایی شاهنشاهی را برای سرکوب نفوذ نیروهای برانداز از نوار ساحلی بسیار بلند این کشور ارتقای داده است، که همراه با ایجاد یک نیروی کماندویی دریایی، نیروی واکنش سریع را برای دفاع از جزایر ساحلی ایران در اختیار این کشور قرار خواهد داد. نیروی دریایی شاهنشاهی ایران به منظور ارتقای نیروهای گشتی و ضربتی سطحی خود، دوازده قایق گشتی ۲۷۵ تنی فرانسوی مجهز به سیستم موشک‌های هدایت‌شونده را به خدمت گرفته است.

از آنجایی که ساخت و ساز در بندر چابهار به تعویق افتاده، گسترش پایگاه بندر عباس به منظور پشتیبانی زیردریایی‌ها و رزم‌ناوهای سی.جی-۹۹۳ (کلاس کورش) برای انجام عملیات دریایی در دریای عربی و کنترل ورود و خروج به خلیج فارس ضرورت یافته است.

تهیه کشتی‌های تدارکاتی بیشتر به نیروی دریایی شاهنشاهی توانایی لجستیکی بیشتری خواهد بخشید و اجازه انجام عملیات طولانی‌تری به آنها خواهد داد. کشتی‌های آبی-خاکی چند منظوره امور تدارکاتی پایگاه‌های ساحلی و جزایر را تسهیل خواهد ساخت. دو کشتی تعمیرات و یک سکوی بزرگ خشک شناور نیز می‌تواند توانایی تعمیرات شناور را که برای گسترش ناوگان ضروری است تأمین کند.

نیروی هوایی

نیروی هوایی شاهنشاهی ایران باید توانایی مقابله با تهدید هوایم‌هایی با عملکرد بالا را داشته باشد. به منظور دفاع معنادار از تأسیسات نفتی بسیار آسیب‌پذیر کشور، نیروی هوایی شاهنشاهی ایران باید به هوایم‌های پیشرفته و تسلیحات دفاع هوایی مجهز باشد. علاوه بر این، نیروی هوایی شاهنشاهی ایران باید بتواند از نیروی دریایی شاهنشاهی و نیروهای زمینی

شاهنشاهی ایران پشتیبانی کند.

از آنجایی که واحدهای نیروی هوایی شاهنشاهی ایران فقط دارای هشت پایگاه اصلی یک پایگاه عملیات FORWARD هستند، و از آنجایی که تأسیسات تولید و حمل نفت عمدتاً در منطقه جنوب مجتمع هستند، تقویت توانایی‌های دفاع هوایی ایران به منظور تأمین امنیت کشور و اقتصاد آن حیاتی است. بنابراین، ابتدا برنامه‌ای برای تکمیل سریع یک شبکه راداری به همراه یک سیستم ارتقا یافته فرماندهی و کنترل برای هشدار سریع و کنترل کلیه هواپیماهای دفاعی و تاکتیکی تهیه شده است. علاوه بر این، ارتقای سیستم کنترل ترافیک هوایی در کنار سیستم دفاع هوایی کشور امری ضروری است.

وجود اسکادران‌های فعلی و پیش‌بینی شده برای ایجاد یک نیروی قوی رهگیری، و در عین حال ایجاد توانایی تلافی‌جویی علیه پایگاه‌های هوایی دشمن به منظور نابود کردن تهدید هوایی در مبدأ ضرورت دارند. نیروی هوایی شاهنشاهی ایران در حال حاضر هواپیماهای اف-۵، اف-۴ و اف-۱۶ را در خدمت دارد و در حال خرید هواپیماهای اف-۱۶ است که توانایی پاتک هوایی، بمباران مواضع دشمن، پشتیبانی نزدیک از نیروهای زمینی، و پوشش هوایی به واحدهای دریایی را در اختیار آن می‌گذارد.

هواپیماهای ایوکس موجب تقویت توانایی فرماندهی و کنترل، کمک به کسب و حفظ برتری هوایی و تجسس دریایی خواهد شد.

موشک‌های آی-هاوک و سایر موشک‌های زمین به هوا نیز برای ارتقاء عملیات هواپیماهای رهگیری به منظور دفاع منطقه‌ای از تأسیسات کلیدی نظیر پایگاه‌های هوایی و تأسیسات نفتی ضروری هستند.

وجود اسکادران‌هایی از هواپیماهای شناسایی تاکتیکی برای ارایه اطلاعات به موقع هوایی برای کلیه نیروها ضرورت دارد.

هواپیماهای باربری دوربرد برای پشتیبانی لجستیکی بین ایران و منابع تدارکاتی، و اصلی‌ترین آنها ایالات متحده، ضروری هستند. به سبب محدود و آسیب‌پذیر بودن خطوط ارتباطی داخل کشور، باربری هوایی به منظور انجام عملیات تدارکاتی برای نیروی هوایی و زمینی ضرورت دارد.

هواپیماهای مختص سوخت‌رسانی هوایی برای افزایش بُرد و مدت عملیات جنگنده‌ها و هواپیماهای شناسایی، و به نوبه خود، افزایش توانایی تجسسی و رزمی آنها ضروری هستند.

پی-۳، با پشتیبانی تجسسی هواپیماهای ایوکس، برای عملیات گشتی و تجسسی هوای در دریایی مورد استفاده قرار خواهند گرفت. علاوه بر این، از پی-۳ها برای عملیات ضدزیردریایی به منظور حفاظت از خطوط دریایی ارتباطی در خلیج فارس به کار گرفته خواهند شد.

هلیکوپترها نیز برای انجام عملیات جستجو و نجات و پشتیبانی مستقیم سایر عملیات

پروازی ضروری هستند.

مدرن‌سازی سیستم‌های لجستیکی، ارتقای توانایی ارتباطات دور بُرد، و گسترش و بهبود آموزش‌شده‌های داخل کشور پیش شرط کسب کارایی و اثربخشی بالا هستند.

الف- (۵) ارزیابی نیروهای مسلح ایران در ارتباط با منافع و جایگزین‌های ایالات متحده پیش‌بینی می‌کنیم که با اجرای برنامه‌های فوق، ساختار دفاعی ایران توانمند و کارآمد خواهد شد. این توانمندی نیز به نوبه خود موجب حمایت از اهداف مساعدت‌های امنیتی و منافع ملی ایالات متحده خواهد شد. با وجود این، به منظور جذب موثر و مدیریت سیستم‌های پیچیده‌ای که ایران قصد اکتسابش را دارد، به ارتقای کنترل فرماندهی، عملیات مشترک، برنامه‌ریزی دراز مدت، و هماهنگی‌های داخلی نیاز است. دولت ایران کاملاً از مشکلات موجود و بالقوه توانایی خود در جذب این سیستم‌ها آگاه است. به همین سبب شاه همکاری نزدیکی با مستشاران ارشد نظامی، چه ایرانی و چه غیرایرانی، برای تضمین ارتقای این توانایی‌ها دارد.

الف- (۶) رابطه هزینه‌های دفاعی با متغیرهای اقتصادی

بودجه پیش‌بینی شده برای امور دفاعی و واردات اقلام نظامی در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۲ در ارتباط با کل بودجه و کل واردات، به ترتیب ۲۸ و ۱۰ درصد خواهد بود، که چند درصد کمتر از آمار و ارقام فعلی است. سهم بودجه دفاعی در تولید ناخالص ملی پیش‌بینی شده چیزی بین ۱۳/۵ و ۱۳/۹ درصد است، که عملاً با میزان فعلی تفاوتی نخواهد داشت. جدول پیوست نسبت بودجه دفاعی را در اقتصاد ایران تا دوره پیش‌بینی شده ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۲ نشان می‌دهد.

در ۲۰ مارس ۱۹۷۸ ذخایر رسمی ارزی و طلای ایران ۱۱/۷ میلیارد دلار بود. با افزودن سرمایه‌گذاری خارجی و اعتبارات، سبد رسمی دارایی‌های خارجی ایران در حدود ۲۰ میلیارد دلار است. تا به امروز، هیچ رابطه‌ای بین سیاست‌های بودجه‌ای و ذخایر ارزی ایران وجود نداشته است. بنابراین، از زمانی که ایران برنامه استقراض خارجی خود را در سال ۱۹۷۶-۱۹۷۷ آغاز کرد، این کشور مبالغ هنگفتی وام دریافت کرده ولی در عین حال افزایش حجم ذخایر ارزی آن از سطح استقراض‌هایش تجاوز می‌کند. با توجه به ذخایر ارزی فعلی ایران که برابر است با شش ماه هزینه واردات کالا و خدمات، نسبت بسیار پایین بازپرداخت اصل و فرع وام‌ها (بین ۴ تا ۵ درصد) و رتبه‌بندی بسیار عالی از لحاظ ریسک اعتباری، می‌توان فرض کرد که استقراض خارجی می‌تواند مکمل خوبی برای درآمد‌های نفتی و سایر درآمد‌های ارزی باشد و هیچ مشکلی در ارتباط با پرداخت اصل و فرع اعتبارات ارزی در دوره ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۲ پیش نخواهد آمد.

۱۹۷۷-۱۹۸۲

هزینه‌های دفاعی ایران به نسبت کل اقتصاد آن

(به میلیون دلار)

۱۹۷۷	۱۹۷۸	۱۹۷۹	۱۹۸۰	۱۹۸۱	۱۹۸۲	
۷۵۸۵۲	۸۹۵۰۵	۱۰۴۷۲۱	۱۲۳۵۷۱	۱۴۵۸۱۴	۱۷۳۵۱۹	الف. تولید ناخالص ملی
۳۳۹۰۴	۴۱۶۳۰	۴۹۹۵۶	۵۹۹۴۷	۷۱۹۳۷	۸۶۳۲۴	ب. بودجه کلی
۱۰۱۶۹	۱۱۶۰۸	۱۳۹۳۰	۱۶۷۱۶	۲۰۰۵۹	۲۴۰۷۰	پ. بودجه دفاعی
۱۳/۴	۱۳/۰	۱۳/۳	۱۳/۵	۱۳/۸	۱۳/۹	درصد C/A
۳۰/۰	۲۷/۹	۲۷/۹	۲۷/۹	۲۷/۹	۲۷/۹	درصد C/B
۲۲۱۷۳	۲۵۴۹۹	۲۹۳۲۴	۳۳۷۲۲	۳۸۷۸۱	۴۴۵۹۸	ت. واردات کالا و خدمات
۲۶۸۵	۳۹۳۵	۳۵۷۷	۴۱۵۳	۳۱۹۴	۴۲۵۹	ث. واردات نظامی
(۲۲۳۹)	(۳۴۰۰)	(۲۹۳۵)	(۳۳۸۳)	(۲۲۷۰)	(۳۱۵۰)	(خریدهای نظامی خارجی)
۱۲/۱	۱۵/۴	۱۲/۲	۱۲/۳	۸/۲	۹/۵	درصد R/D

الف- سال ایرانی از ۲۰ مارس شروع می‌شود.

ب- نرخ برابری دلار ۷۰/۵ ریال بر اساس قیمت فعلی بازار است.

پ- کلیه آمار و ارقام از منابع رسمی دولت ایران صادر شده است، به جز ردیف مربوط به واردات نظامی

ت- ردیف مربوط به واردات نظامی برآورد سفارت است.

الف- (۷) اقلام و خدمات دفاعی که احتمالاً ایران از ایالات متحده درخواست خواهد کرد: جدول شماره یک میزان اقلام و خدمات دفاعی را که ایران مایل است در طول چهار یا چند سال آینده از ایالات متحده خریداری نماید نشان می‌دهد. ارزش دلاری هر یک از این اقلام و خدمات در جدول شماره ۲ نمایش داده شده است.

به منظور کمک به مدیریت برنامه خریدهای نظامی خارجی دولت ایران تا سقف مجاز انتقال تسلیحات، برنامه‌ای در ارتباط با خرید تسلیحات نظامی به همراه دلایل توجیهی آن تهیه شده است که از این می‌گردد. اطلاعات مربوط به قیمت‌ها و موجودی که در تهیه این برنامه مورد استفاده قرار گرفته بر اساس بهترین برآوردهای موجود در داخل کشور است. برای آنکه دولت ایالات متحده بتواند نیازمندی‌های پیش‌بینی شده دولت ایران را تأمین کند، این برنامه افزایشی انباشتی را توصیه می‌کند. یکی از ملاحظات اصلی به هنگام تهیه این برنامه توانایی‌های ایران برای جذب این سیستم‌ها بوده است. یکی دیگر از ملاحظات مهم برای دولت ایران، تداوم تولید به منظور پرهیز از هزینه‌های هنگفت و حفظ پایه آموزشی است. هر دو

مورد در برنامه مزبور ملحوظ شده‌اند.

مقدار قابل توصیه به تفکیک سال تصویب نامه پیشنهاد و قبول				مقدار برنامه‌ریزی	سیستم
سال	سال	سال	سال		
مالی ۸۲	مالی ۸۱	مالی ۸۰	مالی ۷۹		
-	-	-	-	۱	آماد هلیکوپتر ۱
-	-	۱۵۶	۵۸	۲۱۴	اس.پی. هویترز ۱۵۵ م.م. ام-۱۰۹ ای.ا.بی.
-	-	۳	۸۱	۸۴	اس.پی. هویترز ۲۰۳ م.م. ام-۱۱۰ ای ۲
-	-	-	۱۰۰	۱۰۰	حمل و نقل دریایی، ام-۵۴۸
-	-	۴۶۰	-	۴۶۰ کیت	مدرن‌سازی تانک‌ها ۲
کیت					
برنامه‌ریزی نشده - احتمالاً خرید تجاری				۱	تأسیسات بازسازی خودروهای شنی دار ۳
برنامه‌ریزی نشده				۶	توپ ۲۰ م.م./ام-۱۹۷ ۴
-	-	-	۳۱	۳۱	جنگنده تاکتیکی اف-۴ ای
-	-	-	۵-۳	۵-۳	رادارهای سیار
-	-	-	۱	۱	آماد آی-هاوک
۱۰	۲۰	۲۰	۲۰	۷۰	جنگنده‌های تاکتیکی اف-۱۴
-	-	۱۲	-	۱۲	تانکر استراتژیک کی.سی-۰۷،
در مرحله تحقیق و توسعه - برنامه‌ریزی نشده - میزان مورد درخواست معلوم نیست.				۱۵۰/۱۰۰	هوایمای باری ای.ام.اس.تی.سی - ۱۳۰ ۵
-	-	۱۴-۱۱	-	۱۴-۱۱	رادارهای زمینی دوربرد
۴۸	۲۴	۲۴	-	۱۴۰	جنگنده تاکتیکی اف-۱۶
-	۳	-	۴	۷	هوایمای ASW پی-۳ سی
-	۴	۴	۴	۱۲	استاندارد کردن ناوچه‌ها
۶	-	-	-	۶	هلیکوپتر ضد مین آر.ایچ-۵۳ دی
غیر قابل تحویل				۴۰۰	اژدر ام.کی-۴۸
احتمالاً خرید تجاری				۱۰	یدک کش (بندر و ساحل)
-	-	-	۲	۲	یدک کش (نوع اقیانوس پیمای، T-ATF)
احتمالاً خرید تجاری				۳	تانکر استراتژیک کی.سی-۷۴۷

روابط نظامی ایران و آمریکا ۳۰۱

- ۱- با توجه به نیازمندی‌هایی که در سال قبل مورد موافقت قرار گرفت (حفظ برنامه موجود)
- ۲- ارتقای تانک‌های ام-۶۰ به ام-۶۰ ای ۳.
- ۳- از تیم تحقیقاتی برای تعیین نیازمندی‌ها سؤال شده است.
- ۴- جهت استفاده برای تضمین کیفیت آتش مهمات ۲۰ م.م. تولید شده در ایران. هیأت مستشاری استفاده از توانایی‌های موجود دولت ایران را توصیه می‌کند.
- ۵- هواپیماهای ای.ام.اس.تی هنوز در مرحله تحقیق و توسعه هستند (نمونه اولیه) و برای خریدهای نظامی خارجی آماده نیستند. هیأت مستشاری خرید موقت ۵۰ هواپیمای سی-۱۳۰ را تا قطعی شدن خرید ای.ام.اس.تی توصیه می‌کند.
- ۶- این مقادیر به تفکیک سال تأیید نامه پیشنهاد و خرید در مقابل سقف ارزش دلاری ارایه شده است و نه سال تحویل اقلام. توصیه برای برنامه‌های جدید خرید بر اساس تحلیل حوزه‌های مأموریت، تهدیدها، ملاحظات تولید، ظرفیت جذب سیستم‌ها و پیش‌بینی سقف فروش‌های نظامی دولت آمریکا ارایه شده‌اند.

برآورد ارزش هر قرارداد خریدهای نظامی خارجی در زمان قبول

سال مالی	سال مالی	سال مالی	سال مالی	۱- هزینه اولیه سیستم ۱
۸۲	۸۱	۸۰	۷۹	آماد هلیکوپتر
-	-	-	۲۰۰	اس.پی. هویتزر ۱۵۵ م.م.
-	-	۱۲۷	۴۷	ام-۱۰۹ ای. ۱ بی.
-	-	۳	۷۸	اس.پی. هویتزر ۲۰۳ م.م.
-	-	-	۱۱	ام-۱۱۰ ای. ۲
-	-	۹۲	-	حمل و نقل دریایی ام-۵۴۶
-	-	-	-	مدرن‌سازی تانک
-	-	-	-	تأسیسات بازسازی خودروهای شنی‌دار
-	-	-	-	توپ ۲۰ م.م. ام-۱۹۷
-	-	-	۳۹۰	جنگنده تاکتیکی اف-۴ ای
-	-	-	۷	رادارهای سیار
-	-	-	۲۰۰	آماد آی-هاوک
۴۰۰	۸۰۰	۷۴۰	۷۰۰	جنگنده تاکتیکی اف-۱۴

تأمین مالی تیم تحقیق از محل ذخایر مدیریتی
 هزینه تأسیسات نامعلوم- احتمالاً خرید تجاری
 تا اطلاع ثانویه به تعویق بیفتد

۳۰۲ اسناد لانه جاسوسی آمریکا

-	-	۳۵۰	-	تانکر استراتژیک کی.سی-۷۰۷
-	-	-	-	هوایماهای باری ای.ام.اس.تی.سی-۱۳۰
-	-	-	-	ای.ام.اس.تی. در مرحله تحقیق و توسعه - برنامه ریزی نشده - میزان درخواست سی-۱۳۰ نامعلوم
-	-	۲۰۰	-	رادارهای دوربرد زمینی
۱۳۰۰	۶۵۰	۶۰۰	-	جنگنده تاکتیکی اف-۱۶
-	۱۰۰	-	۱۰۰	هوایمای ASW، پی-۳ سی
-	۱۷۰	۱۵۵	۱۴۰	استاندارد کردن ناوچه‌ها
۱۰۰	-	-	-	هلیکوپتر ضد مین آر.ایچ-۵۳ دی
-	-	-	-	اژدر ام.کی-۴۸
-	-	-	-	یدک کش (بندر و ساحل)
-	-	-	۳۷	یدک کش نوع اقیانوس پیما، T-ATF
-	-	-	-	تانکر استراتژیک کی.سی-۷۴۷
۱۸۰۰	۱۶۲۰	۲۲۶۷	۱۹۱۰	جمع کل
-	-	-	-	۲- سایر داده‌های مربوط به هزینه
۱۲۰۰	۱۰۰۰	۹۰۰	۸۳۵	جریان سالیانه در ارتباط با پشتیبانی ۲
۵۰	۴۵۰	۱۱۶	۹۰	جریان در ارتباط با نیازمندی مهمات ۳
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	ذخایر مدیریتی
۳۱۵۰	۲۲۷۰	۳۳۸۳	۲۹۳۳	مجموع

- ۱- برآورد هزینه اولیه با ملحوظ کردن محصول نهایی، بعلاوه قطعات یدکی و مهمات اولیه، آموزش و هزینه‌های جاری عملیات و تعمیر و نگهداری محاسبه شده است.
- ۲- بر اساس هزینه برآورد شده برنامه‌های تحویل شده.
- ۳- هزینه برآورد شده برای آموزش و ایجاد ذخیره جنگی.

الف- (۸) ارزیابی اقلام پیش‌بینی شده

به پیوست اطلاعات جداگانه‌ای در ارتباط با هر یک از سیستم‌های جدیدی که دولت ایران به آن علاقمند است ارائه شده است.

توضیحات

- ۱- مقادیر مذکور بیانگر سال تأیید نامه پیشنهاد و قبول در برابر سقف ارزش دلاری دولت ایالات متحده است و نه سال تحویل. توصیه برای خریدهای جدید بر اساس تحلیل حوزه مأموریت، تهدیدها، ملاحظات تولید، ظرفیت جذب سیستم و پیش‌بینی سقف مجاز خریدهای

نظامی خارجی دولت ایالات متحده آمریکا است.

۲- برآورد هزینه‌های اولیه سیستم‌ها با احتساب هزینه محصول نهایی، قطعات و مهمات اولیه، آموزش‌ها و هزینه‌های عملیات و تعمیر و نگهداری جاری انجام شده است.

سیستم: شرکت پشتیبانی و نوسازی هلیکوپتری ایران

۱- برنامه خرید

تعداد به تفکیک سال تأیید نامه پیشنهاد و قبول				
تقاضای کل	سال مالی ۷۹	سال مالی ۸۰	سال مالی ۸۱	سال مالی ۸۲
۱	۱	-	-	-

۲- هزینه‌های تقریبی اولیه سیستم (مستقیم و غیرمستقیم) ۲۰۰ میلیون دلار

۳- اطلاعات تکمیلی

الف- ارزیابی اجمالی (نیاز - کاربرد):

نیازمندی‌های بیشتر به قرارداد WAL در چارچوب خریدهای نظامی خارجی مربوط است - که در ارتباط با عملیات پیمانکار شرکت پشتیبانی و نوسازی هلیکوپتری ایران (IHSRC) است. قرارداد WAL در اواخر ماه سپتامبر ۱۹۷۷ از سوی دولت ایران پذیرفته شد. بعداً مشخص شد ارزش این قرارداد از لحاظ کل کاری که باید انجام می‌شد، کمتر محاسبه شده است.

ب- تأثیر بر کنترل تسلیحاتی:

(۱) تأثیر بر ثبات منطقه:

خیر.

(۲) ایجاد توانایی‌های جدید:

خیر. توانایی‌های کنونی را ارتقا می‌دهد.

سیستم: توپ خودکشی هویتزر ۱۵۵ م.م. ام-۱۰۹ ای. ۱ بی.

۱- برنامه خرید

تعداد به تفکیک سال تأیید نامه پیشنهاد و قبول				
تقاضای کل	سال مالی ۷۹	سال مالی ۸۰	سال مالی ۸۱	سال مالی ۸۲
۲۱۴	۵۸	۱۵۶	-	-

۲- هزینه‌های تقریبی اولیه ۴۷ میلیون دلار

سیستم (مستقیم و غیرمستقیم)
میلیون دلار میلیون دلار

۳- اطلاعات تکمیلی:

الف- ارزیابی اجمالی (نیاز-کاربرد):

توپ اس.پی. هویتزر ۱۵۵ م.م.م/م-۱۰۹. نیاز به پشتیبانی آتش متحرک بیشتر بر اساس تحلیل تهدیدها (اساساً از طرف عراق) و جبهه گسترده‌ای که باید از آن دفاع شود استوار است. نیروی زمینی ارتش شاهنشاهی ایران در حال حاضر جبهه‌ای به بزرگی دو تا سه برابر آنچه ارتش آمریکا تقریباً همان میزان نیرو در اروپا دارد، دفاع می‌کند. توپ‌های خودکشی هویتزر توانایی انتقال نیروی رزمی بیشتر را به مناطق مورد نیاز و تا حدودی خنثی کردن برتری قابل پیش‌بینی زرهی و توپخانه‌ای عراق را ایجاد می‌کند. نیروی زمینی شاهنشاهی ایران همچنین یک لشگر زرهی را به منظور تأمین امنیت بخش شرقی ایران تشکیل خواهد داد. تعدادی از توپ‌های درخواستی برای تکمیل بخش توپخانه این لشگر زرهی است. بر اساس تحلیل اخیری که از زمان لازم برای تولید و برنامه‌های زمانی تحویل اقلام انجام گرفته است، به نظر می‌رسد بتوان این توپ‌ها را ظرف مدت سه سال به ایران تحویل داد. اگرچه نیروی زمینی شاهنشاهی ایران هنوز برنامه‌ریزی تفصیلی برای جذب تدریجی هویتزرهای اضافی انجام نداده است، تحلیل جاری ما از توانایی‌های آن برای جذب و آموزش خدمه و پشتیبانی این توپ‌ها نشان می‌دهد که آنها احتمالاً می‌توانند ظرف مدت چهار تا پنج سال هویتزرهای درخواستی را جذب کنند.

ب- تأثیر بر کنترل تسلیحاتی:

(۱) تأثیر بر ثبات منطقه:

موضع دفاعی ایران را تقویت می‌کند و انتظار نمی‌رود دشمنان بالقوه را به فکر گسترش توپخانه بیندازد.

(۲) ایجاد توانایی‌های جدید:

خیر. توانایی‌های کنونی را ارتقا می‌دهد.

سیستم: حمل و نقل، کاملاً شنی‌دار، ام-۵۴۸

۱- برنامه خرید

تعداد به تفکیک سال تأیید نامه پیشنهاد و قبول				تقاضای کل
سال مالی ۷۹	سال مالی ۸۰	سال مالی ۸۱	سال مالی ۸۲	
۱۰۰	-	-	-	۱۰۰
۱۱	-	-	-	۲- هزینه‌های تقریبی اولیه

سیستم (مستقیم و غیر مستقیم)
میلیون دلار

۳- اطلاعات تکمیلی:

الف- ارزیابی اجمالی (نیاز-کاربرد):

معمولاً هر دستگاه Cargo Carrier ام-۵۴۸ برای حمل مهمات و خدمه با یک قبضه توپ خودکشی همراه می شود. خرید ۱۰۰ دستگاه ام-۵۴۸ تقریباً سیستم کافی برای برنامه توپ های خودکشی که قبلاً مورد موافقت قرار گرفته و همچنین اولین نامه پیشنهاد برای هویتزهای خودکشی فراهم می آورد.

تصویب این درخواست نیروی زمینی شاهنشاهی ایران را قادر خواهد ساخت تا خدمه و مهمات لازم را برای استقرار هویتزهای خودکشی جهت خدمت با گردان های توپخانه صحرائی جابجا کند. بر اساس تحلیل اخیری که از زمان لازم برای تولید و برنامه های زمانی تحویل اقلام انجام گرفته است، به نظر می رسد بتوان این ام-۵۴۸ها را ظرف مدت سه سال به ایران تحویل داد.

ب- تأثیر بر کنترل تسلیحاتی:

(۱) تأثیر بر ثبات منطقه:

حداقل. این اقلام توانایی های توپخانه صحرائی موجود را تکمیل می کند و انتظار نمی رود تهدید بیشتری متوجه دشمنان بالقوه سازد.

(۲) ایجاد توانایی های جدید:

خیر. توانایی های کنونی را ارتقا می دهد.

سیستم: کیت ارتقای تانک های ام-۶۰ به ام-۶۰ ای. ۳

۱- برنامه خرید

تعداد به تفکیک سال تأیید نامه پیشنهاد و قبول			
سال مالی ۷۹	سال مالی ۸۰	سال مالی ۸۱	سال مالی ۸۲
-	۴۶۰	-	-

تقاضای کل

۴۶۰

۹۲

میلیون دلار

۲- هزینه های تقریبی اولیه

سیستم (مستقیم و غیر مستقیم)

غیر مستقیم

۳- اطلاعات تکمیلی:

الف- ارزیابی اجمالی (نیاز-کاربرد):

ارتقای تانک‌های ام. ۶۰ ای. ۱ نیروی زمینی شاهنشاهی ایران موجب بهبود کیفی نیروهای زرهی بدون نیاز به افزایش نیرو می‌شود. این اقدام تا حدودی موجب خنثی کردن برتری کمی نیروهای زرهی عراق و افزایش طول عمر تانک‌های سری ام-۶۰ نیروی زمینی شاهنشاهی می‌شود. علاوه بر این، اصلاحاتی که بر روی این تانک‌ها انجام می‌شود تا حدودی تانک‌های ام-۶۰ نیروی زمینی ایران را از لحاظ تکنولوژیکی با تانک‌های رزمی اصلی ایران، یا همان تانک بهبود یافته چيفتن که در ایران نام «شیر- ایران» دارد، قابل مقایسه می‌سازد. موجودی این کیت‌ها هنوز معلوم نیست، زیرا ارتش ایالات متحده هنوز طبقه‌بندی امنیتی برخی از اجزای این کیت‌ها را مشخص نکرده است.

ب- تأثیر بر کنترل تسلیحاتی:

(۱) تأثیر بر ثبات منطقه:

حداقل، توانایی فعلی را ارتقا می‌دهد و هیچ تهدید قابل ملاحظه‌ای متوجه دشمنان بالقوه نمی‌کند.

(۲) ایجاد توانایی‌های جدید:

خیر. توانایی‌های کنونی را ارتقا می‌دهد.

سیستم: تأسیسات بازسازی خودروهای شنی‌دار

۱- برنامه خرید

تعداد به تفکیک سال تأیید نامه پیشنهاد و قبول	تقاضای کل
سال مالی ۷۹ سال مالی ۸۰ سال مالی ۸۱ سال مالی ۸۲	۱
برنامه‌ریزی نشده	

۲- هزینه‌های تقریبی اولیه
سیستم (مستقیم و غیرمستقیم)
نیازمندی‌ها هنوز معلوم نیست. قرار است تیم تحقیق نیازمندی را مشخص کند و هزینه آن از محل ذخیره مدیریتی تأمین می‌شود.

۳- اطلاعات تکمیلی:

الف- ارزیابی اجمالی (نیاز - کاربرد):

نیروی زمینی ارتش شاهنشاهی ایران به منظور بهبود وضعیت آمادگی واحدهای توپخانه و زرهی خود به تأسیساتی برای بازسازی خودروهای شنی‌دار نیاز دارد. این تأسیسات قطعات قبضه

روابط نظامی ایران و آمریکا ۳۰۷

توپ‌های خودکشی، قبضه توپ‌های غیر خودکشی، خودروهای زرهی و سایر تسلیحاتی که از دولت ایالات متحده خریداری شده است بازسازی می‌کند. این تأسیسات با کاهش وابستگی نیروی زمینی ارتش شاهنشاهی ایران به آمریکا برای پشتیبانی تسلیحات، و کاهش ضرورت تعویض قطعات فرسوده تسلیحاتی در راستای اهداف ایالات متحده عملی خواهد کرد. وجود تأسیسات بازسازی به منظور پشتیبانی موجودی عظیم خودروهای شنی دار و سایر تسلیحات تصویب شده و افزایش طول خدمت این سیستم‌ها ضروری است.

هزینه‌های اولیه باید مشخص شود. برآورد نسبتاً دقیق هزینه‌ها تا زمان تکمیل تحقیقات میسر نخواهد بود.

زمان لازم برای تشکیل تیم تحقیق، انجام تحقیقات، ارزیابی دولت ایران از نتایج تحقیقات پیش از درخواست نامه پیشنهاد و قبول برای این تأسیسات و فرایندهای اداری نامه پیشنهاد و قبول حاکی از آن است که سال مالی ۱۹۸۱ اولین سالی است که می‌توان امید به شروع تأمین مالی تأسیسات فوق داشت.

ب- تأثیر بر کنترل تسلیحاتی:

(۱) تأثیر بر ثبات منطقه:

خیر.

(۲) ایجاد توانایی‌های جدید:

خیر. در صورت اجرا توانایی‌های کنونی را ارتقا می‌دهد.

سیستم: توپ ۲۰ م.م/ام-۱۹۷

۱- برنامه خرید

تعداد به تفکیک سال تأیید نامه پیشنهاد و قبول				
سال مالی ۷۹	سال مالی ۸۰	سال مالی ۸۱	سال مالی ۸۲	تقاضای کل
برنامه‌ریزی نشده				۶

معوق

۲- هزینه‌های تقریبی اولیه

سیستم (مستقیم و

غیرمستقیم)

۳- اطلاعات تکمیلی:

الف- ارزیابی اجمالی (نیاز-کاربرد):

شش توپ ۲۰ م.م. و ام-۱۹۷ از سوی MIO درخواست شده است. هدف از خرید این

توپ‌ها کنترل کیفی مهمات است. تهیه این سلاح باید تا زمانی که نیروی زمینی ارتش شاهنشاهی توپ مزبور را در انبار داشته باشد، به تعویق بیفتد. خرید پیشنهادی احتمالاً با انتقال این توپ‌ها از نیروی زمینی به MIO انجام خواهد شد.

ب- تأثیر بر کنترل تسلیحاتی:

(۱) تأثیر بر ثبات منطقه:

خیر

(۲) ایجاد توانایی‌های جدید:

خیر

سیستم: هواپیمای اف-۴ ای

۱- برنامه خرید

تعداد به تفکیک سال تأیید نامه پیشنهاد و قبول	تقاضای کل
سال مالی ۷۹	۳۱
سال مالی ۸۰	-
سال مالی ۸۱	-
سال مالی ۸۲	-

۳۹۰
میلیون دلار

۲- هزینه‌های تقریبی اولیه
سیستم (مستقیم و
غیرمستقیم)

۳- اطلاعات تکمیلی:

الف- ارزیابی اجمالی (نیاز-کاربرد):

این هواپیماها برای عملیات تدافعی به منظور خنثی کردن تهدید موشک‌های سام و AAA هدایت شونده توسط رادار بر فراز خاک دشمن و در طول خطوط لجستیکی ارتباطات و پایگاه‌های هوایی دشمن مورد نیاز است. دولت ایران بر این باور است که هرگاه دشمن عملیات خصمانه خود را شروع کند، بر اساس دکترین IAW شوروی سعی خواهد کرد کنترل حریم هوایی خاک طرف مقابل را با موشک‌های بسیار سریع‌الانتقال سام، AAA و سیستم‌های هواپیمایی خود کنترل کند.

به منظور مقابله با این اقدام، دولت ایران باید سیستم‌های سیار سام و AAA همراه با نیروی‌های زمینی مهاجم و همچنین رادارها و سیستم‌های ارتباطی لازم برای پشتیبانی این نوع عملیات را خنثی سازد.

نیروی هوایی ارتش شاهنشاهی توانایی اثبات‌شده‌ای برای راه‌اندازی و تعمیر و نگهداری هواپیماهای اف-۴ ای و همچنین تعداد کافی متخصص تعلیم دیده تعمیر و نگهداری برای

پشتیبانی این هواپیماهای اضافی دارد.

ب- تأثیر بر کنترل تسلیحاتی:

(۱) تأثیر بر ثبات منطقه:

حداقل. موازنه فعلی را حفظ می‌کند.

(۲) ایجاد توانایی‌های جدید:

تعداد هواپیماها در این خرید کمتر از تعداد پیش‌بینی شده هواپیماهای اف-۴ ای است که تا سال ۱۹۸۵ از رده خارج می‌شوند.

سیستم: رادار متحرک

۱- برنامه خرید

تعداد به تفکیک سال تأیید نامه پیشنهاد و قبول				تقاضای کل
سال مالی ۷۹	سال مالی ۸۰	سال مالی ۸۱	سال مالی ۸۲	۵-۳
-	-	-	-	

۷	۲- هزینه‌های تقریبی اولیه
میلیون دلار	سیستم (مستقیم و غیرمستقیم)

۳- اطلاعات تکمیلی:

الف- ارزیابی اجمالی (نیاز-کاربرد):

هیأت مستشاری نظامی از سوی وزارت جنگ اطلاع یافته است که فوراً به سیستم تجسس دفاع هوایی در طول مرزهای شرقی ایران نیاز است. دولت ایران به دلیل درگیری‌های اخیر در افغانستان تهدید جدیدی را احساس کرده است. وزارت جنگ بر این باور است که فوراً به پوشش تجسسی دفاع هوایی نیاز دارد.

ب- تأثیر بر کنترل تسلیحاتی:

(۱) تأثیر بر ثبات منطقه:

این سیستم، بخش تکمیلی سیستم فعلی هشدار دفاع هوایی است و یک سیستم دفاعی شناخته می‌شود. انتظار می‌رود تأثیرات آن ناچیز باشد.

(۲) ایجاد توانایی‌های جدید:

اضافه شدن ۳-۵ سیستم جدید، سیستم کنونی هشدار دفاع هوایی را برای مقابله با تهدید جدید گسترش می‌دهد.

سیستم: آماد آی-هاوک

۱- برنامه خرید

تعداد به تفکیک سال تأیید نامه پیشنهاد و قبول				تقاضای کل
سال مالی ۷۹	سال مالی ۸۰	سال مالی ۸۱	سال مالی ۸۲	۱
۱	-	-	-	۱

۲- هزینه‌های تقریبی اولیه سیستم (مستقیم و غیرمستقیم)	۲۰۰ میلیون دلار
--	-----------------

۳- اطلاعات تکمیلی:

الف- ارزیابی اجمالی (نیاز-کاربرد):

ایجاد تأسیسات تعمیر و نگهداری در سطح آماد برای سیستم کنونی آی-هاوک. تجهیزات مستقر شده فعلی آی-هاوک قرار است در سال ۱۹۸۰ مورد تعمیر و تغییرات اساسی قرار گیرد.

ب- تأثیر بر کنترل تسلیحاتی:

(۱) تأثیر بر ثبات منطقه:

خیر.

(۲) ایجاد توانایی‌های جدید:

به نیروی هوایی ارتش شاهنشاهی اجازه می‌دهد توانایی کنونی خود را حفظ کند.

سیستم: هواپیماهای اف-۱۴

۱- برنامه خرید

تعداد به تفکیک سال تأیید نامه پیشنهاد و قبول				تقاضای کل
سال مالی ۷۹	سال مالی ۸۰	سال مالی ۸۱	سال مالی ۸۲	۷۰
۲۰	۲۰	۲۰	۱۰	۷۰

۲- هزینه‌های تقریبی اولیه سیستم (مستقیم و غیرمستقیم)	۷۰۰ میلیون دلار	۷۴۰ میلیون دلار	۸۰۰ میلیون دلار	۴۰۰ میلیون دلار
--	-----------------	-----------------	-----------------	-----------------

۳- اطلاعات تکمیلی:

الف- ارزیابی اجمالی (نیاز-کاربرد):

عراق اصلی‌ترین و فوری‌ترین تهدید نظامی را متوجه ایران می‌کند و این امر به دلیل قرار گرفتن آن در نزدیکی میدان‌های نفتی ایران، قدرت قابل توجه و رو به گسترش نظامی و خطوط تدارکاتی کوتاه آن از اتحاد شوروی است. بُرد جنگنده‌ها و بمب‌افکن‌های عراق به بیش از ۸۰۰ مایل در داخل ایران می‌رسد. از سال ۱۹۷۳، عراق موجودی جنگنده‌های خود را به میزان ۵۰ درصد افزایش داده است. (پیش‌بینی می‌شود تا اواسط دهه ۱۹۸۰، نیروهای هوایی عراق ارتقا یافته و تهدیدی به مراتب بزرگتر از لحاظ کیفی و کمی متوجه ایران خواهد ساخت.) نقش اصلی اف-۱۴ها دفاع هوایی است، یعنی رهگیری و انهدام هواپیماهای نفوذی در بیشترین بُرد ممکن.

ب- تأثیر بر کنترل تسلیحاتی:

(۱) تأثیر بر ثبات منطقه:

افزوده شدن این تعداد هواپیماهای اف-۱۴ توانایی دفاعی ایران را ارتقا می‌دهد، بدون اینکه سطح انتقال تکنولوژی را افزایش دهد. دولت ایران در حال آموزش‌های توانایی هوا به زمین نیست و سیاست دفاعی تعریف شده‌ای دارد. پیش‌بینی می‌کنیم این هواپیماها موازنه قوا را در منطقه حفظ کند. (۲) ایجاد توانایی‌های جدید:

افزوده شدن این مقدار اضافی اف-۱۴، تکنولوژی جدیدی در منطقه خلیج فارس معرفی نمی‌کند.

سیستم: هواپیماهای کی.سی-۷۰۷

۱- برنامه خرید

تعداد به تفکیک سال تأیید نامه پیشنهاد و قبول				تقاضای کل
سال مالی ۷۹	سال مالی ۸۰	سال مالی ۸۱	سال مالی ۸۲	۱۲
-	۱۲	-	-	

۳۵۰	-	-	-	۲- هزینه‌های تقریبی اولیه سیستم (مستقیم و غیرمستقیم)
میلیون دلار				

۳- اطلاعات تکمیلی:

الف- ارزیابی اجمالی (نیاز-کاربرد):

این هواپیماها برای پشتیبانی جنگنده‌های موجود و هواپیماهای ایوکس و جنگنده‌هایی که

فروش آن تصویب شده است، کافی است. هواپیماهای مزبور نقش تدافعی و همچنین باربری هوایی استراتژیک ثانویه و توانایی سوخت‌گیری مجدد هوایی را ایجاد می‌کنند. ناوگان فعلی کی.سی-۷۰۷ برای پوشش دادن به نیازهای عملیاتی کنونی دولت ایران در زمان صلح کافی است، ولی در صورت وقوع جنگ مسلماً فشار زیادی بر آن وارد خواهد شد. پشتیبانی تانکری، توانایی تجهیزات نظامی را برای هواپیماهای پشتیبانی هوایی نزدیک بالا برده و حداکثر زمان پرواز جنگنده‌ها را افزایش می‌دهد. این هواپیماها همچنین بُرد لازم برای افزایش پشتیبانی هوایی و دفاع هوایی مرزهای شرقی ایران را از پایگاه‌های اصلی عملیاتی افزایش می‌دهد. خرید این تعداد هواپیمای اضافی می‌تواند هواپیماهای ایوکس و جنگنده‌هایی را که دولت ایران قصد خریدش را دارد، پوشش دهد. نیروی هوایی شاهنشاهی ایران توانایی خود را در راه‌اندازی و تعمیر و نگهداری هواپیماهای کی.سی-۷۰۷ ثابت کرده است.

ب- تأثیر بر کنترل تسلیحاتی:

(۱) تأثیر بر ثبات منطقه:

به نیروی هوایی شاهنشاهی انعطاف‌پذیری بیشتری برای حفاظت از مناطق وسیع‌تر با تعداد جنگنده‌های ثابت را می‌دهد. انتظار داریم تأثیر کلی حداقل باشد.

(۲) ایجاد توانایی‌های جدید:

گسترش توانایی فعلی.

سیستم: هواپیماهای ای.ام.اس.تی. / سی-۱۳۰

۱- برنامه خرید

تعداد به تفکیک سال تأیید نامه پیشنهاد و قبول				
تقاضای کل	سال مالی ۷۹	سال مالی ۸۰	سال مالی ۸۱	سال مالی ۸۲
۱۵۰/۱۰۰	۲۰	۲۰	۱۰	-
	سی-۱۳۰	سی-۱۳۰	سی-۱۳۰	

۲- هزینه‌های تقریبی اولیه			
سیستم (مستقیم و غیرمستقیم)	۲۸۰	۲۸۰	۱۴۰
میلیون دلار	میلیون دلار	میلیون دلار	میلیون دلار

مبالغ فوق برنامه‌ریزی نشده‌اند.

۳- اطلاعات تکمیلی:

الف- ارزیابی اجمالی (نیاز-کاربرد):

به اعتقاد هیأت مستشاری نظامی، ناوگان نیروی هوایی شاهنشاهی ایران متشکل از ۵۰

این رادارها در حکم بخشی از برنامه سیستم دفاع هوایی ایران، تقریباً شبیه به همان رادارهای ای.دی.اس.-۴ است که هم اینک در ارتش ایران خدمت می‌کند. سیستم فوق عملیات هفت هواپیمای ایوکس را که فروش آنها به ایران تصویب شده است، تکمیل می‌کند و یک سیستم هشدار دفاعی را در طول کل مرزهای ایران و داخل آن که سیستم‌های کنونی قادر به پوشش آن نیست، مستقر می‌سازد (اولین ایوکس در دسامبر ۱۹۸۱ به ایران تحویل داده خواهد شد).

ب- تأثیر بر کنترل تسلیحاتی:

(۱) تأثیر بر ثبات منطقه:

مکملی برای سیستم‌های موجود و تصویب شده است. رادار اصولاً یک دستگاه هشدار دهنده است و انتظار نمی‌رود که افزایش پوشش راداری عدم توازن در ثبات منطقه ایجاد کند.

(۲) ایجاد توانایی‌های جدید:

گسترش سیستم هشدار راداری کنونی.

سیستم: هواپیماهای اف-۱۶

۱- برنامه خرید

تعداد به تفکیک سال تأیید نامه پیشنهاد و قبول				تقاضای کل
سال مالی ۷۹	سال مالی ۸۰	سال مالی ۸۱	سال مالی ۸۲	۱۴۰
-	۲۴	۲۴	۴۸	

۲- هزینه‌های تقریبی اولیه سیستم (مستقیم و غیرمستقیم)

۶۰۰	۶۵۰	۱/۳
میلیون دلار	میلیون دلار	میلیارد دلار

۳- اطلاعات تکمیلی:

الف- ارزیابی اجمالی (نیاز-کاربرد):

عراق اصلی‌ترین و فوری‌ترین تهدید نظامی را متوجه ایران می‌کند و این امر به دلیل قرار گرفتن آن در نزدیکی میدان‌های نفتی ایران، قدرت قابل توجه و رو به گسترش نظامی و خطوط تدارکاتی کوتاه آن از اتحاد شوروی است. بُرد جنگنده‌ها و بمب‌افکن‌های عراق به بیش از ۸۰۰ مایل در داخل ایران می‌رسد. از سال ۱۹۷۳، عراق موجودی جنگنده‌های خود را به میزان ۵۰ درصد افزایش داده است. (پیش‌بینی می‌شود که تا اواسط دهه ۱۹۸۰، نیروهای هوایی عراق ارتقا یافته و تهدیدی به مراتب بزرگتر از لحاظ کیفی و کمی متوجه ایران خواهد ساخت.)

نقش اصلی اف-۱۶ها دفاع هوایی است، یعنی رهگیری و انهدام هواپیماهای نفوذی در بیشترین بُرد ممکن. هواپیماهای اف-۱۶ مکملی برای هواپیماهای اف-۱۴ خواهد بود و پیش‌بینی می‌شود که به نسبت ۲ اف-۱۶ به ازای ۱ اف-۱۴ به کار گرفته شود.

ب- تأثیر بر کنترل تسلیحاتی:

(۱) تأثیر بر ثبات منطقه:

افزوده شدن این تعداد هواپیماهای اف-۱۶ توانایی دفاعی ایران را ارتقا می‌دهد بدون اینکه سطح انتقال تکنولوژی را افزایش دهد. دولت ایران در حال آموزش‌های توانایی هوا به زمین نیست و سیاست دفاعی تعریف شده‌ای دارد. پیش‌بینی می‌کنیم این هواپیماها موازنه قوا را در منطقه حفظ کند.

(۲) ایجاد توانایی‌های جدید:

این هواپیماهای اف-۱۶ تکنولوژی جدیدی به منطقه خلیج فارس منتقل نمی‌کند.

سیستم: هواپیماهای پی-۳سی.

۱- برنامه خرید

تعداد به تفکیک سال تأیید نامه پیشنهاد و قبول				تقاضای کل
سال مالی ۷۹	سال مالی ۸۰	سال مالی ۸۱	سال مالی ۸۲	۷
۴	-	۳	-	

۱۰۰	-	۱۰۰	-	۲- هزینه‌های تقریبی اولیه
میلیون دلار		میلیون دلار		سیستم (مستقیم و غیرمستقیم)

۳- اطلاعات تکمیلی:

الف- ارزیابی اجمالی (نیاز-کاربرد):

دولت ایران معتقد است که توانایی کافی برای عملیات تجسسی ASW ندارد. ایران معتقد است که در دوره‌های پرتنش به پرواز همزمان ۵ هواپیما نیاز دارد، بنابراین به ۱۳ هواپیمای پی-۳سی. احساس نیاز می‌کند.

درخواست ایران برای هواپیماهای پی-۳سی به دلیل آن است که هواپیماهای پی-۳ اف را که در خدمت دارد، کافی نمی‌داند. دولت ایران درخواست خرید هفت هواپیمای پی-۳سی. و تبدیل شش هواپیمای پی-۳ اف کنونی خود به پی-۳سی را دارد. نیروی هوایی شاهنشاهی ایران ناوگانی متشکل از شش پی-۳ اف در خدمت داشته است.

ب- تأثیر بر کنترل تسلیحاتی:

(۱) تأثیر بر ثبات منطقه:

انتظار نداریم انتقال این سیستم تأثیری بر ثبات منطقه بگذارد، زیرا ایران تنها قدرت منطقه‌ایست که توانایی ASW را داراست و سایر دولت‌های منطقه هیچیک دارای زیردریایی نیستند.

(۲) ایجاد توانایی‌های جدید:

توانایی کنونی را گسترش می‌دهد تا نیازهای ایران را در دوره‌های پرتنش برطرف سازد. هواپیماهای پی-۳ سی دارای برخی توانایی‌های بیشتر نسبت به هواپیماهای پی-۳ اف هستند.

سیستم: استانداردسازی ناوچه‌ها

۱- برنامه خرید

تعداد به تفکیک سال تأیید نامه پیشنهاد و قبول	تقاضای کل
سال مالی ۷۹	۱۲
سال مالی ۸۰	۴
سال مالی ۸۱	۴
سال مالی ۸۲	-

۲- هزینه‌های تقریبی اولیه سیستم (مستقیم و غیرمستقیم)	۱۴۰	۱۵۵	۱۷۰	-
	میلیون دلار	میلیون دلار	میلیون دلار	

۳- اطلاعات تکمیلی:

الف- ارزیابی اجمالی (نیاز-کاربرد):

نیروی دریایی شاهنشاهی ایران قصد دارد دوازده ناوچه جدید از تولیدکنندگان اروپایی خریداری نماید و مایل است به منظور عملیاتی کردن، سازگاری، و استانداردسازی آنها با سیستم‌های رزمی آمریکا و سایر کشتی‌های آمریکایی موجود در این نیرو آنها را به کار گیرد. قرار است این ناوچه‌ها جایگزین کشتی‌های موجود شوند و توانایی نیروی دریایی شاهنشاهی را برای حفاظت از راهروهای دریایی در نواحی شمال ۱۰ درجه عرض شمالی افزایش دهند. قرار است هشت ناوچه اول جایگزین هفت ناوچه رزمی اصلی نیروی دریایی شوند که عمر مفید خدمت آنها سپری شده است (کشتی‌های آرتمیز، ببر و پلنگ هر کدام بیش از ۳۰ سال عمر دارند و منابع بیش از حدی باید برای نگاه داشتن آنها در سطح حداقل عملیاتی قابل قبول صرف شود. چهار ناوچه کلاس بایندر نیز بین ۱۰ تا ۲۰ سال عمر دارند و مجهز به سیستم‌های رزمی منسوخ هستند). چهار ناوچه آخر نیز جایگزین ناوچه‌های کلاس سام خواهند شد که هم اینک در خدمت نیروی دریایی است.

دوازده ناوچه جدید و ۴ رزم ناو سی.سی.جی-۹۹۳ نیروی دریایی شاهنشاهی را قادر خواهد ساخت تا در مواقع بحران یا درگیری کشتی‌های تجاری و به ویژه تانکرها را اسکورت کند. این ناوگان می‌تواند یک نیروی موثر در برابر تهدیدهای منطقه‌ای از جمله نیروهای هوایی مستقر در خشکی، زیردریایی‌ها و نیروهای سطحی مجهز به موشک باشد.

ب- تأثیر بر کنترل تسلیحاتی:

(۱) تأثیر بر ثبات منطقه:

نیروی دریایی شاهنشاهی می‌تواند با حفظ خطوط ارتباطی دریایی، سهم مهمی در ثبات منطقه ایفا کند. نیروی دریایی ایران همچنین می‌تواند از منابع ساحلی ایران دفاع کند، به ویژه تأسیسات نفتی بسیار مهم که به دلیل قرار گرفتن در نزدیکی خلیج فارس بسیار آسیب‌پذیر هستند.

(۲) ایجاد توانایی‌های جدید:

بخش عمده‌ای از سیستم‌های رزمی ایالات متحده که در ناوچه‌های جدید برای نیروی دریایی شاهنشاهی به کار رفته است، همان سیستم‌هایی خواهد بود که در چارچوب برنامه اسپراونس (سی.سی.جی-۹۹۳) برای ایران به تصویب رسیده است. هر جا که این سیستم‌ها یکسان نیست، تجهیزاتی که در ناوچه‌ها به کار رفته است پیچیدگی کمتری دارد و راه‌اندازی و تعمیر و نگهداری آنها ساده‌تر است. بنابراین، توانایی جدیدی با اجرای این برنامه ایجاد نخواهد شد.

سیستم: آر.ایچ-۵۳دی.

۱- برنامه خرید

تعداد به تفکیک سال تأیید نامه پیشنهاد و قبول	تقاضای کل
سال مالی ۷۹ سال مالی ۸۰ سال مالی ۸۱ سال مالی ۸۲	
- - - ۶	۶

۱۰۰	-	-	-	۲- هزینه‌های تقریبی اولیه
میلیون دلار				سیستم (مستقیم و غیرمستقیم)

۳- اطلاعات تکمیلی:

الف- ارزیابی اجمالی (نیاز-کاربرد):

خلیج فارس، تنگه هرمز و خلیج عمان آبراهه‌ای مهم برای بسیاری از کشورهای جهان است که به محموله‌های نفت از ایران و سایر کشورهای حاشیه خلیج فارس متکی هستند. این

آب‌ها، که عمدتاً کمتر از ۱۰۰ کله (۱۸۰ متر) عمق دارند، محل خوبی برای عملیات مین‌گذاری، چه از سوی دشمن و چه از سوی گروه‌های تروریستی، به حساب می‌آیند. نیروی دریایی شاهنشاهی قصد دارد یک نیروی MCM سطحی و واحدهای هلیکوپتری تشکیل دهد که قادر به مقابله با تهدید مین‌گذاری در این آب‌های کم عمق باشند. نیروی دریایی شاهنشاهی معتقد است که اسکادران فعلی متشکل از شش هلیکوپتر آر.ایچ-۵۳دی. برای پوشش MCM این منطقه مهم کافی نیست.

ب- تأثیر بر کنترل تسلیحاتی:

(۱) تأثیر بر ثبات منطقه:

هلیکوپترهای آر.ایچ-۵۳دی. یک سیستم تسلیحاتی دفاعی هستند و افزوده شدن شش واحد دیگر به آنها توانایی MCM ایران را افزایش می‌دهد، و بدین ترتیب یک نیروی موثر را که می‌تواند ثبات منطقه را افزایش دهد ایجاد می‌کند.

(۲) ایجاد توانایی‌های جدید:

افزوده شدن شش هلیکوپتر آر.ایچ-۵۳دی. توانایی جدیدی ایجاد نمی‌کند بلکه اسکادران MCM فعلی را که ایران به مدت ۱۸ ماه در اختیار داشته است، گسترش می‌دهد.

سیستم: اژدرهای ام.کی-۴۸

۱- برنامه خرید

تعداد به تفکیک سال تأیید نامه پیشنهاد و قبول				تقاضای کل
سال مالی ۷۹	سال مالی ۸۰	سال مالی ۸۱	سال مالی ۸۲	۲۵
-	-	-	-	ابتداءً ۴۰۰

-	-	-	غیر قابل تحویل	۲- هزینه‌های تقریبی اولیه سیستم (مستقیم و غیر مستقیم)
---	---	---	----------------	---

۳- اطلاعات تکمیلی:

الف- ارزیابی اجمالی (نیاز-کاربرد):

ایران سه زیردریایی را که سابقاً در خدمت نیروی دریایی آمریکا بوده خریداری کرده است تا هسته اصلی نیروهای زیردریایی رو به گسترش آن را تشکیل دهد. تحویل شش زیردریایی آلمانی کلاس HDW 1300 نیز این نیرو را توسعه خواهد داد. دولت ایران مایل است به منظور

۳۲۰ اسناد لانه جاسوسی آمریکا

ب- تأثیر بر کنترل تسلیحاتی:

(۱) تأثیر بر ثبات منطقه:

خیر

(۲) ایجاد توانایی‌های جدید:

خیر، تا جایی که به عملیات یدک‌کشی مربوط می‌شود. زیرا این توانایی‌ها تا حدودی از طریق قراردادهای تجاری نیز قابل دسترس هستند.

سیستم: یدک‌کش (نوع اقیانوس پیمای T-ATF)

۱- برنامه خرید

تعداد به تفکیک سال تأیید نامه پیشنهاد و قبول				تقاضای کل
سال مالی ۷۹	سال مالی ۸۰	سال مالی ۸۱	سال مالی ۸۲	۲
۲	-	-	-	
۳۷	-	-	-	۲- هزینه‌های تقریبی اولیه
میلیون دلار				سیستم (مستقیم و غیرمستقیم)

۳- اطلاعات تکمیلی:

الف- ارزیابی اجمالی (نیاز-کاربرد):

نیروی دریایی شاهنشاهی در حال حاضر توانایی ارگانیک یدک‌کشی، نجات و یا نجات‌زیردریایی در اقیانوس را ندارد و به همین دلیل به دنبال خرید کشتی چند منظوره‌ای نظیر T-ATF است.

ب- تأثیر بر کنترل تسلیحاتی:

(۱) تأثیر بر ثبات منطقه:

خیر

(۲) ایجاد توانایی‌های جدید:

توانایی ارگانیک پشتیبانی ناوگان اقیانوس پیمای را در اختیار نیروی دریای شاهنشاهی می‌گذارد.

چنانچه توانایی نجات زیردریایی نیز ارایه گردد، توانایی محدود جدیدی کسب خواهد شد.

سیستم: هواپیماهای کی.سی-۷۴۷

۱- برنامه خرید

تعداد به تفکیک سال تأیید نامه پیشنهاد و قبول	تقاضای کل
سال مالی ۷۹ سال مالی ۸۰ سال مالی ۸۱ سال مالی ۸۲	۳
- - - -	

۲- هزینه‌های تقریبی اولیه خرید تجاری سیستم (مستقیم و غیرمستقیم) توصیه می‌شود

۳- اطلاعات تکمیلی:

الف- ارزیابی اجمالی (نیاز-کاربرد):

این هواپیماها برای پشتیبانی جنگنده‌های موجود و هواپیماهای ایوکس و جنگنده‌هایی که فروش آن تصویب شده است، کافی است.

هواپیماهای مزبور نقش تدافعی و همچنین باربری هوایی استراتژیک ثانویه و توانایی سوخت‌گیری مجدد هوایی را ایجاد می‌کنند. ناوگان فعلی کی.سی-۷۴۷ برای پوشش دادن به نیازهای عملیاتی کنونی دولت ایران در زمان صلح کافی است ولی در صورت وقوع جنگ مسلماً فشار زیادی بر آن وارد خواهد شد. پشتیبانی تانکری توانایی تجهیزات نظامی را برای هواپیماهای پشتیبانی هوایی نزدیک بالا برده و حداکثر زمان پرواز جنگنده‌ها را افزایش می‌دهد.

این هواپیماها همچنین بُرد لازم برای افزایش پشتیبانی هوایی و دفاع هوایی مرزهای شرقی ایران را از پایگاه‌های اصلی عملیاتی افزایش می‌دهد. خرید این تعداد هواپیمای اضافی می‌تواند هواپیماهای ایوکس و جنگنده‌هایی را که دولت ایران قصد خریدش را دارد پوشش دهد.

نیروی هوایی شاهنشاهی ایران توانایی خود را در راه‌اندازی و تعمیر و نگهداری هواپیماهای کی.سی-۷۴۷ ثابت کرده است.

ب- تأثیر بر کنترل تسلیحاتی:

- (۱) تأثیر بر ثبات منطقه: به نیروی هوایی شاهنشاهی انعطاف‌پذیری بیشتری برای حفاظت از مناطق وسیع‌تر با تعداد جنگنده‌های ثابت را می‌دهد.
- (۲) ایجاد توانایی‌های جدید: گسترش توانایی فعلی.

سیستم: مهمات

۱- برنامه خرید

تعداد به تفکیک سال				تقاضای کل
تأییدنامه پیشنهاد و قبول				
سال مالی ۸۲	سال مالی ۸۱	سال مالی ۸۰	سال مالی ۷۹	
۲۵	۲۵	۲۵	۴۰	نیروی زمینی شاهنشاهی
میلیون دلار	میلیون دلار	میلیون دلار	میلیون دلار	
بسیار ناچیز	۴۰۰	۹۱	۵۰	نیروی هوایی شاهنشاهی
	میلیون دلار	میلیون دلار	میلیون دلار	
۲۵	۲۵	بسیار ناچیز	بسیار ناچیز	نیروی دریایی شاهنشاهی
میلیون دلار	میلیون دلار			
۵۰	۴۵۰	۱۱۶	۹۰	۲- هزینه‌های تقریبی اولیه
میلیون دلار	میلیون دلار	میلیون دلار	میلیون دلار	سیستم (مستقیم و غیرمستقیم)

۳- اطلاعات تکمیلی:

الف- ارزیابی اجمالی (نیاز-کاربرد):

نیروی زمینی شاهنشاهی - برآوردها بیانگر پیش‌بینی خریدهای سالیانه مهمات است.
 نیروی هوایی شاهنشاهی - سال مالی ۷۹ برآورد انباشت اولیه تأمین ذخیره یک جنگ ۹۰ روزه.
 سال مالی ۸۰ برآورد انباشت نهایی تأمین ذخیره یک جنگ ۹۰ روزه.
 سال مالی ۸۱ برآورد مهمات اضافی لازم برای هواپیماهای اضافی اف-۱۴ و اف-۱۶ است.

نیروی دریایی شاهنشاهی - برآوردها بیانگر پیش‌بینی خریدهای سالیانه مهمات است.

ب- تأثیر بر کنترل تسلیحاتی:

(۱) تأثیر بر ثبات منطقه:

خیر

(۲) ایجاد توانایی‌های جدید:

خیر؛ مهمات مزبور از نوع مهماتی است که هم اینک در خدمت نیروهای نظامی ایران قرار دارد.

الف- (۹) تأثیر اقتصادی خرید اقلام و خدمات پیش‌بینی شده بر اهداف اقتصادی و ذخایر ارزی:

تدوین و ابلاغ برنامه ششم توسعه اقتصادی ایران که اهداف توسعه اقتصادی کشور را برای سال‌های ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۲ تعیین می‌کند، یک سال به تأخیر افتاده است. اطلاعات موجود نشان می‌دهد که اهداف اقتصادی برای این دوره ۷ درصد رشد تولید ناخالص ملی و ۱۰ درصد رشد اقتصاد غیرنفتی خواهد بود. پیش‌بینی‌ها (نگاه کنید به صفحه ۱۰ پیوست یک) مطابق با این میزان رشد تولید ناخالص ملی و احتساب ۱۰ درصد نرخ تورم داخلی صورت گرفته است. برنامه‌ریزان اقتصادی ایران از برنامه‌های دفاعی آتی، حداقل از این جهت که این برنامه‌ها نیاز به منابع را افزایش می‌دهد، نفعی نمی‌برند. علاوه بر این، فرض‌ها و متدولوژی سازمان برنامه و بودجه شامل هیچگونه موازنه‌ای بین بودجه نظامی و غیرنظامی نیست. بنابراین، نیازمندی‌های نظامی به منابع برای این دوره برنامه‌ریزی با فرض وضعیت نسبی آن در بودجه سالهای اخیر محاسبه شده است. بنابراین، میزان بودجه دفاعی پیش‌بینی شده (صفحه ۱۰) به موازات رشد کلی بودجه افزایش یافته است، به نحوی که تأثیر خرید اقلام و خدمات نظامی آمریکا بر سایر متغیرهای اقتصادی، چه تولید ناخالص ملی و چه بودجه کلی یا بودجه نظامی، در دوره ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۲ کمتر از سالهای اخیر خواهد بود. به نسبت کاهش بودجه دفاعی پیش‌بینی شده، پیش‌بینی میزان خرید اقلام و خدمات نظامی آمریکایی نیز از ۲۲ و ۲۹ درصد در سال ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ به متوسط ۱۴/۹ درصد کاهش یافته است، بدین معنا که فشار به منابع موجود که باید برای توسعه اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد، کمتر از حال حاضر خواهد بود. به همین ترتیب، تأثیر بر ذخایر ارزی نیز نسبتاً کمتر خواهد بود، به ویژه اگر، چنانکه شرایط حاضر نشان می‌دهد، قیمت‌های نفت در اوایل دهه ۱۹۸۰ افزایش یابد.

الف- (۱۰) تأثیر بر کنترل تسلیحاتی:

به تفکیک هر یک از موارد در بخش الف (۸) ذکر شده است.

الف- (۱۱) حقوق بشر:

در سالهای اخیر ایران سعی داشته است تنش‌های حاصله از اهداف امنیت ملی، تمایل بیشتر به مشارکت سیاسی و فشار برای آزادی‌های مدنی بیشتر در بحبوحه تنش‌های اجتماعی ناشی از روند تند مدرن‌سازی را فرونشاند.

در این شرایط، ایران پیشرفت موقت ولی قاطعی در زمینه آزادی‌های مدنی داشته است- هم اکنون عملاً همه ناراضیانی که قانون را نقض کرده‌اند به جای دادگاههای نظامی در دادگاههای غیرنظامی محاکمه می‌شوند، حالا مقالات بیشتری در انتقاد از دولت به چاپ می‌رسد، شکنجه در حکم یک ابزار سیاستی پلیس کنار گذاشته شده است، و نامزدهای

انتخاباتی نیز که در حزب رسمی کشور عضویت ندارند می‌توانند در انتخابات پارلمانی ملی سال ۱۹۷۹ شرکت کنند.

روابط امنیتی ایران با ایالات متحده پیچیدگی‌های خاصی دارد که شامل ملاحظات عدیده‌ایست: سنت خودکامگی حکومت در ایران، حساسیت بیش از حد به امنیت کشور، تنش‌های اجتماعی حاصل از مدرن‌سازی، و نوع برداشت کشور از ضرورت ثبات در منطقه. ایالات متحده در برنامه‌ریزی مساعدت‌های امنیتی خود باید بر این امر اذعان داشته باشد که حقوق بشر اساسی در ایران دفاع از حق ملت برای ادامه حیات مستقل در برابر فشارهای خارجی، به ویژه از سوی اتحاد شوروی و هم‌پیمانان در منطقه است. در داخل ایران، حقوق بشر مستقیماً متأثر از رابطه نیروهای امنیتی و حقوق شهروندان آن است. ایران با مشکل تروریسم و تلاش برای براندازی حکومت مواجه است، با وجود این تلاش دارد فضای سیاسی را باز کند.

سیاست ایالات متحده باید تقویت و حمایت از این گام‌ها به سوی فضای بازتر و اصلاحات باشد. از آنجایی که دخالت نیروهای امنیتی در صحنه سیاست داخلی روز به روز کمتر می‌شود، سیاست ایالات متحده باید تضمین این امر باشد که نیروهای پلیس ایران می‌توانند حداکثر نظم را با حداقل خشونت در شرایط جدید که با آزادسازی فضای سیاسی همراه است، فراهم آورند.

با توجه به تهدیدهای خارجی نسبت به حقوق بشر در ایران، سیاست ایالات متحده باید کمک به دولت ایران در راستای کسب تسلیحاتی باشد که متقابلاً توافق داریم برای دفاع نظامی از مرزها و نقش منطقه‌ای ایران ضروری است.

در ارتباط با مسایل داخلی نظیر کمک به پلیس و نیروهای امنیتی، سیاست ایالات متحده باید تشویق خریدهایی باشد که به روند آزادسازی فضای سیاسی کمک می‌کند و منع خریدهایی باشد که به این روند کمکی نمی‌کند. علاوه بر این، همکاری نظامی و انتظامی با دولت ایران باید مشروط بر ادامه همکاری‌های اطلاعاتی بین دو کشور و همچنین حرکت به سوی معیارهای میثاق حقوق بشر سازمان ملل باشد.

الف- (۱۲) خلاصه‌ای از مساعدت‌های اقتصادی و نظامی سایر منابع:

۱- مساعدت‌های نظامی: نگاه کنید به صفحه ۴۰ پیوست.

۲- مساعدت‌های اقتصادی: خیر.

مساعدت‌های نظامی سایر منابع

۱- (بدون طبقه‌بندی) ایران تجهیزات نیز از چند کشور خارجی دیگر خریداری کرده و مستشارانی برای آموزش و پشتیبانی فنی از این کشورها به خدمت گرفته است.

۲- (محرمانه) برخی نمونه‌های عمده از مساعدت‌های کشور ثالث عبارتند از:

بریتانیا	تانک‌های چیفتن، خودروهای شناسایی، ناوچه، موشک‌های هاورکرافت، مستشاران آموزشی در نیروی دریایی
ایتالیا	هلیکوپتر
اتحاد شوروی	خودرو، توپخانه، تجهیزات پل‌سازی
فرانسه	قایق‌های گشتی
آلمان غربی	زیردریایی و ناوچه
هلند	ناوچه
اسرائیل	خمپاره، تجهیزات هدایت آتش

۳- (بدون طبقه‌بندی) بسیاری از کشورهای دیگر نیز به ایران مساعدت‌های نظامی داده یا به این روند ادامه می‌دهند. این کشورها شامل بلژیک، چکسلواکی، مجارستان، ژاپن، لهستان، سوئد، یوگسلاوی و اسپانیا هستند. اگرچه مشارکت اکثر این تولیدکنندگان بسیار ناچیز بوده است، این امر نشان می‌دهد که ایران مایل است از کشورهای صنعتی دیگر، از جمله کشورهای کمونیست، نیز تجهیزات نظامی خریداری کند. از سوی دیگر، خرید از کشورهای ثالث مسایل آموزشی و لجستیکی ایران را پیچیده‌تر می‌سازد. علاوه بر این، ممکن است این امر در صورت فشار بر منابع انسانی، موجب کاهش آمادگی عملیاتی شود. با وجود این، شاه از این مسایل آگاه است و مجدانه سعی دارد آنها را حل کند.

الف- (۱۳) (ج) نیروی انسانی سازمان مدیریت مساعدت‌های امنیتی:

در پاسخ به لزوم تهیه گزارش درباره سطوح نیروی انسانی در چارچوب برنامه مساعدت‌های امنیتی، سطح نیروی انسانی فعلی کاملاً قابل توجیه است زیرا امکان نیل به اهداف مرتبط با اجرای برنامه خریدهای نظامی خارجی را فراهم می‌آورد. تعداد نیروهای نظامی برای ارایه سیاست‌ها و هدایت روندها، مدیریت لجستیک، مدیریت قراردادهای خریدهای نظامی خارجی، حمل و نقل و اجرای قراردادها ضروری است. نیروهای غیرنظامی نیز برای امور منشی‌گری ضرورت دارد. سطح LWR نیز برای خدمات اداری و تایپ و ترجمه ضروری است. هرگونه کاهش در نیروی انسانی از سطح فعلی باید با توجه به تأثیر آن بر برنامه مساعدت‌های امنیتی انجام شود. تأثیر کاهش نیروی انسانی در ادامه مورد بحث قرار خواهد گرفت.

تعداد نیروی انسانی سازمان مدیریت مساعدت‌های امنیتی

سال مالی ۸۰

سطح	نظامی	غیرنظامی	LWR	جمع کل
۱	۱۴۲	۱۸	۳۴	۱۹۴
۲	۱۶۰	۲۲	۳۵	۲۱۷

۲۴۰	۳۸	۲۳	۱۷۹	۳
۲۵۳	۴۱	۲۶	۱۸۶	۴

سال مالی ۸۱

۱۹۴	۳۴	۱۸	۱۴۲	۱
۲۱۶	۳۵	۲۲	۱۵۹	۲
۲۳۹	۳۸	۲۳	۱۷۸	۳
۲۵۳	۴۱	۲۶	۱۸۶	۴

سال مالی ۸۲

۱۹۴	۳۴	۱۸	۱۴۲	۱
۲۱۶	۳۵	۲۲	۱۵۹	۲
۲۳۹	۳۸	۲۳	۱۷۸	۳
۲۵۳	۴۱	۲۶	۱۸۶	۴

سند شماره ۱۲۴

محرمانه

۲۷ سپتامبر ۱۹۷۸ - ۵ مهر ۱۳۵۷

از: سفارت آمریکا، تهران

به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی

موضوع: کاهش احتمالی خریدهای نظامی عمده ایران

۱- از شواهد و قراین روزافزون چنین بر می آید که تغییر اخیر محور برنامه‌های بودجه دولت ایران احتمالاً، در طول سال مالی آتی ایالات متحده، منجر به کاهش چشمگیر خرید تجهیزات نظامی از آمریکا در مقایسه با چند سال اخیر خواهد شد. با وجود این، شواهد موجود از کاهش مبالغ هنگفت پول که برای اجرای برنامه‌های خرید در چارچوب برنامه خریدهای نظامی خارجی لازم است، حکایت نمی‌کند.

۲- ظاهراً دلایل کاهش احتمالی خریدهای جدید، تغییر اولویت‌های دولت ایران به منظور پاسخگویی به نیازهای سیاسی داخلی، تورم و درک هر چه بیشتر ایرانی‌ها از هزینه‌های آتی سیستم‌های نظامی خریداری شده است.

۳- شواهدی که بر اساس آن پیش‌بینی می‌کنیم احتمالاً خریدهای نظامی جدید کاهش خواهد یافت، عبارتند از:

الف- تصمیم دولت ایران برای لغو خرید سه هواپیمای ۷۴۷ که قبلاً آنها را درخواست کرده بود.

ب- مشکلات بی‌سابقه‌ای که توفانیان در طول هفته‌های آخر سال مالی جاری ایالات



متحده برای کسب مجوز امضای تعداد زیادی از نامه‌های پیشنهاد و قبول داشت که منتظر امضا بودند. اگر چه در نهایت بسیاری از این نامه‌ها امضا شد، دولت ایران ارزش برخی قراردادها را بسیار کاهش داد و اجرای برخی دیگر را نیز به تعویق انداخت.

پ- اشاره خاص و روزافزون افسران ارشد ارتش ایران مبنی بر اینکه برنامه خریدهای عمده برای سال آتی یا کوچکتر خواهد شد و یا به تعویق خواهد افتاد.

ت- اشاره‌های خصوصی تیمسار ربیعی (فرمانده نیروی هوایی ایران) مبنی بر اینکه خرید تعداد بیشتر هواپیماهای اف-۱۴ احتمالاً قدری به تعویق خواهد افتاد و یا تعداد آنها کاهش خواهد یافت. ربیعی همچنین در برخی مذاکرات به لزوم توانایی بیشتر هواپرد اشاره کرده است.

ث- اظهار نظر «شخصی» توفانیان به نماینده سفارت در روز ۲۵ سپتامبر مبنی بر اینکه تعجیبی نخواهد کرد اگر دولت ایران خرید نظامی جدید عمده‌ای در طول سال آتی نداشته باشد. توفانیان می‌گویند تکیه کلام شاه در هفته‌های اخیر عبارت بوده است از «صرفه‌جویی»، «کاهش» و «به تعویق انداختن». توفانیان افزود که در هفته‌های آتی شاه و او فهرست نیازمندی‌های نظامی سال ۱۹۷۷ ایران را کاملاً مرور خواهند کرد.

۴- احتمالاً زمان زیادی طول خواهد کشید تا تصمیمات مشخصی در ارتباط با این روند عمومی اتخاذ شود. ولی با توجه به تحولات جاری در ایران، شواهد موجود حاکی از روندی قابل درک است. در طول هفته‌های آتی، ما و میهمانان واشنگتنی‌مان گوش به زنگ خواهیم بود تا ببینیم رویدادهای اخیر، برنامه معاملات تسلیحاتی خارجی ایران را به کدام سو سوق خواهند داد.

سند شماره ۱۲۵

۱۷ دسامبر ۱۹۷۸ - ۲۶ آذر ۱۳۵۷

محرمانه

از: هیأت مستشاری نظامی آمریکا، تهران - سرلشگر گاست

به: سفارت آمریکا، تهران - مایلز گرین - کنسول امور سیاسی - نظامی

موضوع: سند گزارش به کنگره در ارتباط با برنامه مساعدت‌های نظامی سال مالی ۱۹۸۰

۱- مرجع تلکس وزارت امور خارجه مورخ ۱ نوامبر ۱۹۷۸ (سری)، موضوع فوق.

۲- به پیوست پیش‌نویس پاسخی که از سوی نیروهای هیأت مستشاری به تلکس مرجع فوق تهیه شده است، ایفاد می‌گردد. خلاصه گزارش مقادیر و هزینه‌ها بر اساس اطلاعاتی که در برنامه اولویت‌بندی هیأت مستشاری نظامی موجود بوده تهیه شده است. توجیه و توصیف برنامه مساعدت‌های نظامی با توجه به گزارش تسلیمی ژوئیه ۱۹۷۸ صورت گرفته است. طبق کتابچه فروش‌های مساعدت‌های نظامی، پیش‌بینی میزان دلاری یا محتویات موافقت‌نامه‌های خریدهای نظامی خارجی برای سال بودجه یا سال مالی بعد از آن دارای طبقه‌بندی هستند،



ولی بعد از ارایه سند گزارش به کنگره، برای بررسی سال مالی که پیش‌بینی‌ها برای آن انجام شده است، از طبقه‌بندی خارج می‌شود.

۳- از سوی دولت ایران اطلاع یافته‌ایم که خرید اقلام عمده دفاعی تا اطلاع ثانوی به تعویق خواهد افتاد. در راستای همین امر نیز هزینه‌هایی که برای سال مالی ۱۹۸۰ محاسبه شده است اصولاً شامل گسترش پایه پشتیبانی لجستیکی و سیستم‌های مرتبط با اقلامی می‌شود که قبلاً خریداری شده است.

۴- اطلاع یافته‌ایم که سفارت اسناد زیر را ارسال و این اقدام را تکمیل خواهد کرد:
الف- یادداشت سفیر به وزارت امور خارجه (که رونوشت‌های آن بین مقامات ذیربط توزیع خواهد شد).
ب- اطلاعات مربوط به توجیه این برنامه.

فیلیپ. سی. گاست

سرلشگر نیروی هوایی ایالات متحده

رئیس هیأت مستشاری

توصیف برنامه

۱- اقلام، خدمات و آموزش‌های دفاعی که احتمالاً از ایالات متحده تقاضا خواهد شد - خریدهای نظامی خارجی - خریدهای تجاری:

میزان اقلام، خدمات و برنامه‌های آموزشی که احتمالاً ایران در سال مالی ۱۹۸۰ از ایالات متحده خریداری خواهد کرد، به شرح مندرج در جدول شماره ۱ است. ارزش دلاری این خریدها در جدول شماره ۲ درج شده است. این جداول بخشی از برنامه کلی خریدها را نشان می‌دهد که به منظور کمک به مدیریت برنامه خریدهای نظامی خارجی دولت ایران تا سقف مجاز انتقال سلاح، تهیه شده است. اطلاعات مندرج در ارتباط با قیمت و موجودی بر اساس دقیق‌ترین برآوردهای ممکن در کشور ایران ارایه شده‌اند.

۲- آماد هلیکوپتری مندرج در جداول بیانگر نیازمندی مرتبط با قراردادی است که یک سال زودتر مورد تصویب قرار گرفت و در چارچوب برنامه جاری ارایه شده است. تقاضای اضافی در چارچوب خریدهای نظامی خارجی - عملیات پیمانکاری برای شرکت پشتیبانی و نوسازی هلیکوپتری ایران (IHSRC) - به قرارداد WAL مربوط است. قرارداد WAL در اواخر سال ۱۹۷۷ از سوی دولت ایران به تصویب رسید. بعداً مشخص شد که ارزش قرارداد از لحاظ کل کارهایی که باید انجام می‌شد، کمتر از میزان واقعی محاسبه شده است. پیش‌بینی می‌شود سیستم توپ‌های هویتزر قدرت دفاعی ایران و توانایی فعلی آن را برای رفع نیاز به پشتیبانی بیشتر آتش متحرک تقویت کند. این نیاز بر اساس تحلیل تهدید و خط جبهه بسیار طولانی ایران ارزیابی شده است. معمولاً هر دستگاه حمل دریایی ام-۵۴۸ برای حمل مهمات و خدمه

با یک قبضه توپ خودکشی همراه می‌شود و امکان جابجایی سراسری خدمه و مهمات لازم را برای استقرار هویتزهای خودکشی جهت خدمت با گردان‌های توپخانه صحرایی فراهم می‌آورد. ارتقای تانک‌های ام-۱۶۰ی.۱ نیروی زمینی شاهنشاهی موجب بهبود کیفی نیروهای زرهی بدون نیاز به افزایش نیرو خواهد شد. علاوه بر این، اصلاحات فوق طول عمر سرویس دهی تانک‌های سری ام-۶۰ نیروی زمینی شاهنشاهی را افزایش و آنها را از لحاظ تکنولوژیکی با تانک‌هایی که در آینده در اختیار آن نیرو قرار می‌گیرد قابل مقایسه خواهد کرد. اصلاح هلیکوپترهای AH-1J برای حمل موشک‌های تاو توانایی آنها را برای استفاده از موشک‌های ضد تانک هدایت‌شونده سوار بر هلیکوپتر تا حدود ۷۰ درصد افزایش خواهد داد. خرید جنگنده‌های تاکتیکی اف-۱۴ و اف-۱۶ به منظور افزایش توانایی عملیات ضد هوایی، و همچنین کمک به بمباران مواضع دشمن، پشتیبانی نزدیک هوایی و پوشش هوایی نیروی دریایی انجام خواهد شد. سیستم تانکر استراتژیک کی.سی-۷۰۷ به منظور پشتیبانی از جنگنده‌های موجود و همچنین «ایوکس‌ها» و جنگنده‌هایی که در آینده خریداری خواهند شد، ضروری است. این تانکرها توانایی تجهیزاتی هواپیماهای پشتیبانی نزدیک هوایی را ارتقا داده و طول مدت عملیات جنگنده‌ها را افزایش خواهد داد. این تانکر همچنین بُرد لازم برای عملیات پشتیبانی هوایی و دفاع هوایی از مرزها را از پایگاه‌های عملیاتی اصلی افزایش می‌دهد. خرید موقت هواپیماهای سی-۱۳۰ قدرت انعطاف‌پذیری نیروی هوایی شاهنشاهی و زمان واکنش برای پشتیبانی لجستیکی و باربری هوایی را بهبود می‌بخشد. افزایش توانایی باربری هوایی امکان استفاده از نیروهای موجود را در سطحی وسیع‌تر، بدون نیاز به افزایش چشمگیر سخت افزار و نیرو به نیروی هوایی شاهنشاهی خواهد بخشید. هدف از برنامه PEACE LOG کمک به نیروی هوایی شاهنشاهی در نیل به خودکفایی لجستیکی تا سال ۱۹۸۳، و انجام عملیات پشتیبانی با کمترین اتکای ممکن به دولت‌های خارجی است. اعداد و ارقام مربوط به برنامه PEACE LOG در سال مالی ۱۹۸۰ نشان‌دهنده نیازمندی قراردادی است که یک سال زودتر مورد تصویب قرار گرفت و در چارچوب برنامه جاری ارایه شده است. سیستم دفاع هوایی بهبود یافته، عموماً متشکل از یک سیستم ارتقا یافته فرماندهی و کنترل مجتمع، رادارهای زمینی دوربرد، و هواپیماهای ایوکس است. رادار زمینی دوربرد ای.دی.اس-۴ در حکم بخشی از سیستم دفاع هوایی ایران عملیات هواپیماهای ایوکس را در استقرار یک سیستم هشدار دفاعی در کل مرز و داخل ایران که توسط سیستم‌های موجود پوشش داده نمی‌شود، تکمیل خواهد کرد. نیروی دریایی شاهنشاهی قصد دارد به منظور جایگزین کردن کشتی‌های موجود و افزایش توانایی حفاظت از خطوط دریایی بسیار مهم در زمان بحران یا جنگ، ناوچه‌هایی را از تولیدکنندگان اروپایی خریداری نماید. نیروی دریایی ایران مایل است این ناوچه‌ها با سیستم‌های رزمی آمریکایی به منظور عملیات مشترک، سازگاری و استانداردسازی، در سایر کشتی‌های آمریکایی موجود در نیروی دریایی ایران ادغام شوند. سیستم لجستیکی

مجتمع با تعیین نیازمندی‌ها و کمبودها و سپس نظارت بر برنامه‌ها به منظور تضمین استقرار یک سیستم کارآمد، چارچوب‌های سازمانی و نیازهای زیربنایی تکمیلی را برای ایجاد یک سیستم کارآمد لجستیکی در نیروی دریایی شاهنشاهی ارزیابی خواهد کرد.

خلاصه‌ای از میزان اقلام پیش‌بینی شده

هیأت مستشاری اطلاع یافته است که دولت ایران خریدهای عمده را تا اطلاع ثانوی به تعویق انداخته است.

با توجه به مشخص نبودن قصد دولت ایران، برنامه اولویت‌بندی هیأت مستشاری نظامی برای سال مالی ۱۹۸۰ به شرح زیر ایفاد می‌گردد. اقلامی که بیشترین احتمال خرید آنها از سوی دولت ایران وجود دارد شامل سیستم آماد هلیکوپتر، PEACE LOG، مدرن‌سازی تانک ام-۶۰، سیستم دفاع هوایی بهبودیافته، بعلاوه سیستم‌های پشتیبانی معمول مرتبط با هر یک از آنهاست.

ردیف	سیستم	سال مالی ۸۰
۱	آماد هلیکوپتر	۱
۲	(اس.پی) هویتزر ۱۵۵ م.م.م/۱-۱۱۰۹ ای.بی.	۵۰
۳	(اس.پی) هویتزر ۲۰۳ م.م.م/۱-۱۱۰ ای.بی.	*
۴	حمل و نقل دریایی، ام-۵۴۸	۵۰
۵	کیت مدرن‌سازی تانک، ام-۳۰۶ ای.بی.	۴۶۰
۶	مجهزسازی AH-1J به موشک‌های تاو	۴۶
۷	تأسیسات بازسازی خودروهای شنی‌دار	تعویق تا اطلاع ثانوی
۸	جنگنده‌های تاکتیکی اف-۱۴	*
۹	تانک‌های استراتژیک کی.سی-۷۰۷	*
۱۰	هوایماهای باربری سی-۱۳۰	۲۰
۱۱	PEACE LOG	۱
۱۳	سیستم دفاع هوایی بهبودیافته	-
۱۴	جنگنده‌های تاکتیکی اف-۱۶	*
۱۵	استانداردسازی ناوچه‌ها	۱۲
۱۶	سیستم لجستیکی مجتمع	۱

۱- [ردیف مربوط به سال مالی ۱۹۸۰] مقادیر مذکور بیانگر سال تأیید نامه پیشنهاد و قبول در برابر سقف مجاز ارزش دلاری دولت ایالات متحده است و نه سال تحویل. توصیه برای خریدهای جدید بر اساس تحلیل حوزه مأموریت، تهدیدها، ملاحظات تولید، ظرفیت جذب سیستم و پیش‌بینی سقف مجاز خریدهای نظامی خارجی دولت ایالات متحده آمریکاست.

- ۲- [ردیف ۱] نیازمندی‌های مربوط به قراردادهای تصویب شده در سال قبل (که در برنامه جاری ارایه شده است)
- ۳- [ردیف ۵] ارتقای تانک ام-۶۰ به ام-۶۰ ای. ۳
- ۴- [ردیف ۱۰] هواپیماهای ای.ام.اس.تی هنوز در مرحله تحقیق و توسعه (نمونه اولیه) قرار دارند و برای خریدهای نظامی خارجی قابل تحویل نیستند. هیأت مستشاری خرید موقت ۵۰ هواپیمای سی-۱۳۰ را تا اتخاذ تصمیم بر سر هواپیماهای ای.ام.اس.دی توصیه می‌کند.
- ۵- [ردیف ۳، ۸، ۹، ۱۰، ۱۴] وضعیت نامشخص.
- ۶- [ردیف ۱۳] دولت ایران قبلاً هفت رادار زمینی دوربرد ای.دی.اس-۴ را در حکم بخشی از این سیستم خریداری کرده است. رادارهای ای.دی.اس-۴ خرید هواپیماهای ایوکس را که قبلاً تأیید شده است، تکمیل می‌کند.

سیستم تسلیحاتی - پشتیبانی
خلاصه برآورد هزینه‌های خرید
(به میلیون دلار)

هیأت مستشاری اطلاع یافته است که دولت ایران خریدهای عمده را تا اطلاع ثانوی به تعویق انداخته است. با توجه به مشخص نبودن قصد دولت ایران، برنامه اولویت‌بندی هیأت مستشاری نظامی برای سال مالی ۱۹۸۰ به شرح زیر ایفاد می‌گردد. اقلامی که بیشترین احتمال خرید آنها از سوی دولت ایران وجود دارد شامل سیستم آماد هلیکوپتر، PEACE LOG، مدرن‌سازی تانک ام-۶۰، سیستم دفاع هوایی بهبودیافته، بعلاوه سیستم‌های پشتیبانی معمول مرتبط با هر یک از آنهاست.

سال مالی ۸۰

هزینه‌های اولیه سیستم

ردیف	توضیح	سال مالی
۱	آماد هلیکوپتر	۲۰۰
۲	(اس.پی) هویتزر ۱۵۵ م.م.م/۱-۱۱۰۹ ای.بی.	۳۳
۳	(اس.پی) هویتزر ۲۰۳ م.م.م/۱-۱۱۱۰ ای.بی.	*
۴	حمل و نقل دریایی، ام-۵۴۸	۶
۵	کیت مدرن‌سازی تانک، ام-۱۶۰ ای.بی.	۹۲
۶	مجهزسازی AH-1J به موشک‌های تاو	۳۵
۷	تأسیسات بازسازی خودروهای شنی‌دار	تعویق تا اطلاع ثانوی

۸	جنگنده‌های تاکتیکی اف-۱۴	*
۹	تانکرهای استراتژیک کی.سی-۷۰۷	*
۱۰	هوایماهای باربری سی-۱۳۰	۲۰۰
۱۱	PEACE LOG	۲۰۰
۱۳	سیستم دفاع هوایی بهبود یافته	-
۱۴	جنگنده‌های تاکتیکی اف-۱۶	*
۱۵	استانداردسازی ناوچه‌ها	۲۷۰
۱۶	سیستم لجستیکی مجتمع	۶۵
	جمع کل	۱۱۰۱
سایر اطلاعات		
۱۷	پشتیبانی مرتبط سالیانه	۱۰۵۰
۱۸	نیاز به مهمات مرتبط	۱۳۷
۱۹	ذخایر مدیریتی	۱۲
	جمع کل	۲۳۰۰

- ۱- [سال مالی] ارزش تقریبی قرارداد در زمان قبول پیشنهاد
- ۲- [هزینه‌های اولیه سیستم] هزینه‌های اولیه تقریبی سیستم شامل محصول نهایی، قطعات و مهمات اولیه، آموزش‌ها و هزینه‌های جاری عملیات و تعمیر و نگهداری.
- ۳- [ردیف ۱۷] بر اساس هزینه تقریبی برنامه تحویل شده. هزینه‌های TAFT/SAA نیز در آن گنجانده شده است.
- ۴- [ردیف ۱۸] هزینه تقریبی برای آموزش و ایجاد ذخیره جنگی.
- ۵- [ردیف ۸، ۹، ۱۰، ۱۴] وضعیت نامشخص.
- ۶- [ردیف ۱] علاوه بر ۲۰۰ میلیون دلاری که باید در سال مالی ۱۹۷۹ تأمین شود.
- ۷- [ردیف ۲] علاوه بر ۱۳۵ میلیون دلاری که باید در سال مالی ۱۹۷۹ تأمین شود.
- ۸- [ردیف ۴] علاوه بر ۳۹ دلاری که باید در سال مالی ۱۹۷۹ تأمین شود.
- ۹- [ردیف ۱۳] برنامه جاری در سال مالی ۱۹۸۰. انتظار نداریم که هیچ قرارداد خرید نظامی خارجی در سال مالی ۱۹۸۰ برای این برنامه به امضا برسد. پنجاه میلیون دلار به منظور ارتقای تأسیسات و عملیاتی کردن هفت رادار زمینی دوربرد که قبلاً از سوی دولت ایران در حکم بخشی از سیستم آی.ای.دی.اس. خریداری شده بود، پرداخت شده است.
- ۱۰- [ردیف ۱۵] علاوه بر ۸۰ میلیون دلاری که باید در سال مالی ۱۹۷۹ تأمین شود.
- ۱۱- [ردیف ۱۶] سیستم لجستیکی مجتمع نیروی دریایی شاهنشاهی ایران، علاوه بر ۵ میلیون دلاری که باید در سال ۱۹۷۹ تأمین شود.

منافع ایالات متحده و اهداف مساعدت‌های امنیتی

۱- منافع آمریکا در ایجاد رابطه مساعدت امنیتی با ایران

اهمیت اصلی ایران به موقعیت مهم جغرافیایی آن، جایگاهش در حکم یک تولیدکننده عمده نفت و کشوری دارای ذخایر گازی عظیم، وابستگی شدید برخی از هم‌پیمانان اصلی ما و همچنین وابستگی کمتر ما به نفت ایران، و نقش نوظهور ایران در رهبری منطقه خلیج فارس به طور اخص و در منطقه به طور اعم است. ایران اساساً کشوری متمایل به غرب است، و این تمایل ناشی از مقاومت سنتی ایران در برابر هژمونی شوروی (و قبل از آن روسیه) بوده است. ایالات متحده آمریکا از زمان جنگ جهانی دوم به این سو تلاش کرده است با حمایت از ایران در ایجاد اقتصاد و ارتشی قوی- و در نتیجه با ثبات- این نقش را تقویت کند. ایران نیز از طریق همکاری در چارچوب پیمان سنتو به طور دو جانبه حقوق، اختیارات و تسهیلاتی در اختیار ایالات متحده قرار داده است. به طور خلاصه، تقویت روز افزون ایران سهم به سزایی در حفظ منافع ملی مشترک ما دارد.

۲- اهداف مشخص مساعدت‌های امنیتی شامل موارد زیر می‌شود

- الف- مساعدت به ایران در پرورش توانایی استفاده و تعمیر و نگهداری سیستم‌های تسلیحاتی کسب شده از ایالات متحده،
- ب- مساعدت به ایران در توسعه نیروهای نظامی متعارف به منظور تضمین امنیت کشور، که به نوبه خود به حفظ ثبات کشور و حفاظت از منافع آمریکا کمک خواهد کرد،
- پ- مساعدت به ایران در ایجاد و حفظ نیروهای رزمی و پشتیبانی لجستیک به منظور برآوردن نیازهای پیش‌بینی شده،
- ت- مساعدت به ایران در ایجاد و حفظ توان کافی و عملیاتی بسیج نیروها،
- ث- حمایت از ایجاد و حفظ همکاری‌های نزدیک‌تر منطقه‌ای به منظور مقاومت در برابر نفوذ کمونیسم علاوه بر اهداف دیگر،
- ج- تضمین دسترسی مستمر ایالات متحده و جهان آزاد به منابع نفت و گاز،
- چ- تشویق مشارکت ایران در ترتیبات امنیتی جمعی طرفدار غرب.

سند شماره ۱۲۶

۲۰ دسامبر ۱۹۷۸ - ۲۹ آذر ۱۳۵۷

محرمانه

از: دفتر وابسته دفاعی ایالات متحده، تهران به: سازمان اطلاعات دفاعی، واشنگتن دی.سی

موضوع: گزارش شلیک موشک هارپون [اژدر] توسط نیروی دریایی ایران

منبع: ۶۸۴۶۰۰۰۸

خلاصه: این گزارش درباره آخرین اطلاعات به دست آمده از شلیک یک موشک هارپون



توسط نیروی دریایی ایران است.

مشروح گزارش: (محرمانه - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان)

منبع اطلاعات زیر را گزارش کرده است:

۱- دو قایق تندروی موشک‌انداز LACOMBATTANTE از کلاس KAMAN در این مانور شرکت داشتند. قایق فرماندهی کمان - ۱۱۵ بود. قایق پشتیبان هم از کلاس کمان بود (که نامش را نمی‌دانیم).

۲- به دلیل مشکل نشت سوخت، قایق فرماندهی کمان - ۱۱۵ کنترل آتش را به قایق پشتیبان سپرد.

۳- هدف تقریباً در ۷۴-۸۰ کیلومتری جنوب قایق موشک‌انداز بود. موقعیت قایق موشک‌انداز ۲۱ درجه و ۴۵ دقیقه شمالی و ۱۸۰ درجه شرقی-غربی از چابهار بود.

۴- هدف یک LSU بود.

۵- یک کشتی شوروی در منطقه جنوب شرقی کشتی هدف قرار داشت، ولی فاصله آن مشخص نبود. مشاهده شد هلیکوپتری که از کشتی شوروی برخاسته است پس از اصابت موشک به هدف، به دور هدف چرخ می‌زند.

۶- منبع گزارش داد که دو موشک هارپون معیوب در انبار نیروی دریایی ایران وجود دارد.

سند شماره ۱۲۷

۳ ژانویه ۱۹۷۹ - ۱۳ دی ۱۳۵۷

به: دولت ایران

از: سفارت آمریکا، تهران

[موضوع]: موافقت ایالات متحده با تجدید موافقت‌نامه

حضور هیأت نظامی این کشور در ایران

یادداشت شماره ۰۰۴

سفارت ایالات متحده آمریکا ضمن تقدیم تعارفات خود به وزارت امور خارجه شاهنشاهی ایران افتخار دارد عطف به یادداشت‌های آن وزارتخانه شاهنشاهی محترم به شماره‌های ۷۴۱۱/۱۸ مورخ ۱۰ سپتامبر ۱۹۷۸؛ ۸۱۶/۱۸ مورخ ۱۷ اکتبر ۱۹۷۸؛ و ۱۰۰۸۰/۱۸ مورخ ۲۱ نوامبر ۱۹۷۸ مبنی بر تمایل دولت شاهنشاهی ایران برای تمدید موافقت‌نامه ۶ اکتبر ۱۹۴۷ در ارتباط با هیأت نظامی ایالات متحده در ایران به مدت یک سال دیگر، اظهار دارد که پس از کسب نظرات دولت ایالات متحده، این سفارت اختیار یافته است تا موافقت دولت آمریکا را با تجدید موافقت‌نامه ۶ اکتبر ۱۹۷۴ به مدت یک سال دیگر که از ۲۱ مارس ۱۹۷۹ شروع خواهد شد، به عرض برساند. سفارت موقع را برای تجدید ارادت خود به وزارت امور خارجه شاهنشاهی ایران مغتنم می‌شمارد.

سفارت ایالات متحده آمریکا، تهران - ۳ ژانویه ۱۹۷۹



۱۷ ژانویه ۱۹۷۹ - ۲۷ دی ۱۳۵۷

محرمانه

از: سفارت آمریکا، تهران

به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی

موضوع: وضعیت برخی پیمانکاران نظامی و پروژه‌هایشان در ایران



۱- در طول چند روز گذشته، کنسول سیاسی-نظامی سفارت وضعیت عملیات و نیروهای چندین شرکت بزرگ آمریکایی را که در چارچوب برنامه خریدهای نظامی خارجی یا قراردادهای مستقیم در پروژه‌های نظامی ایران فعالیت دارند بررسی کرده است. نتایج این بررسی عبارتند از: (الف) عملیات و تکمیل پروژه همه شرکت‌ها تا حد قابل توجهی، و در برخی موارد تا حد بحرانی، کاهش یافته و روند کار رو به کاهش است؛ (ب) به رغم این مسئله، همه شرکت‌ها قصد دارند تا آنجا که امکان دارد به تعهدات قراردادی‌شان عمل و اعتبار شرکت را برای آینده حفظ نمایند، هر چند احتمالاً قرارداد دو شرکت در آینده نزدیک تغییراتی خواهد کرد؛ (پ) تعداد نیروهای شرکت‌ها به حداقل لازم کاهش یافته است، ولی کمتر کسی مایل است هم اکنون ایران را ترک کند و روحیه نیروها به طور تعجب‌انگیزی بالاست؛ و (ت) علاوه بر احتمال عدم ایفای تعهدات قراردادی، بزرگترین و فوری‌ترین مشکلات موجود ناشی از سرخوردگی در زندگی روزمره است. در زیر خلاصه وضعیت چند شرکت، و نکاتی که در گفتگو با هیأت مستشاری نظامی به دست آمده، ذکر می‌گردد.

- لاکهید (برنامه PEACE LOG): کل نیروها به میزان بسیار ناچیزی کاهش یافته و به میزان فعلی ۴۴۰ نفر رسیده است. البته کارمندان جدیدی نیز به تازگی وارد تهران شده‌اند. مشکلات اصلی محل کار، نبود گرما و روشنایی است، که موجب کاهش بهره‌وری و غیبت کارمندان ایرانی می‌شود. مدیران لاکهید قصد دارند پروژه را ادامه دهند ولی معتقدند که هر چه بحران طولانی‌تر شود، نگاه داشتن نیروها در ایران نیز دشوارتر خواهد شد. شواهد دلالت بر آن دارد که نیروی هوایی شاهنشاهی ایران مایل به ادامه پروژه PEACE LOG است. اصولاً به نظر می‌رسد برنامه فوق وضعیت خوبی داشته باشد زیرا چندین ماه جلوتر از اهداف تعیین شده است.

- نورثروپ (برنامه پشتیبانی پایگاه هوایی در پایگاه خاتمی، بعلاوه برنامه‌های آموزش خلبانی و تعمیر و نگهداری هواپیماها): اخیراً استادان خود را از پایگاه‌های هوایی وحدتی (دزفول) و تبریز فراخوانده است، ولی برنامه پشتیبانی پایگاه هوایی در پایگاه خاتمی (اصفهان) در سطح حداقل ادامه دارد. دولت ایران هزینه فعالیت این شرکت را در سه ماهه جاری پرداخته است. با وجود این، دولت ایران باید خیلی زود هزینه فعالیت آن برای سه ماه آینده را نیز بپردازد. بسته به رویدادهای احتمالی هفته‌های آتی، شاید شرکت نورثروپ قرارداد پشتیبانی خود را در پایگاه خاتمی خاتمه یا کاهش دهد. ولی، به هر حال، اگر قرار باشد این کار را انجام دهد، بسیار آهسته و احتمالاً در طول دوره‌ای ۴ تا ۶ ماهه دست به چنین کاری خواهد

زد. احتمالاً شرکت نورثروپ مایل است در صورت امکان و با حفظ آبرو از قرارداد پشتیبانی پایگاه خاتمی خارج شود.

- شرکت هلیکوپترسازی بل ایترنشنال (آماد تهران؛ آموزش و عملیات در اصفهان و کرمانشاه): کل کارمندان شرکت که هم اکنون ۲۶۰۰ نفر هستند، ممکن است به ۲۰۰۰ نفر کاهش یابد، در حالی که شرکت قبلاً قدری بیشتر از ۴۰۰۰ نفر کارمند داشت. از ۹۹۰ اعضای خانواده کارمندانی که در ایران باقی مانده‌اند، فقط در حدود ۲۶۰ نفر آنها به خروج از ایران تمایل نشان داده‌اند.

به طور کلی، عملیات این شرکت در اصفهان و کرمانشاه با توجه به وضعیت در کوتاه مدت خوب بوده است، اگرچه نبود بنزین برنامه‌های آموزش پرواز را تعطیل کرده است. مشکل اصلی در آماد تهران است. نبود گرما و برق، تولید را به قدری بالاتر از صفر رسانده است. تنها فعالیت‌هایی که هم اینک در آماد تهران انجام می‌شود برنامه‌ریزی و تعمیر و نگهداری است. علاوه بر این، اگر قرار باشد فعالیت‌های آماد تهران از سر گرفته شود و ادامه یابد، باید تا ۱۵ فوریه قرارداد جدیدی با شرکت هلیکوپترسازی بل بسته شود. چنانچه برنامه آماد تهران متوقف شود، فعالیت‌های این شرکت در اصفهان و کرمانشاه نیز تا حد قابل توجهی کاهش خواهد یافت.

- TRW (برنامه‌ریزی برای نیروی هوایی شاهنشاهی ایران): برخی کارها در حال انجام است. به رغم دلمشغولی کارکنان به وضعیت جاری، روحیه‌ها خوب است. اکثر اعضای خانواده کارکنان، ایران را ترک کرده‌اند، به همین دلیل بیشتر کارکنان را در خانه‌هایی مجتمع ساخته‌اند که وضعیت سوخت در آن رضایت‌بخش است.

- ریتون (موشک آی-هاوک): اگرچه شرکت قصد دارد تا آنجا که ممکن است به تعهداتش عمل کند، ولی فعالیت‌های آن در هفته‌های اخیر به میزان ۵۰ درصد کاهش یافته است. کار در کارگاه‌های تهران نزدیک دو هفته پیش متوقف شد. به تقاضای فرمانده پایگاه وحدتی، کلیه نیروها از تاریخ ۳۱ دسامبر از این پایگاه تخلیه شدند. برنامه عملیات و آموزش در پایگاه بوشهر، به دلیل اینکه همه نیروها در خود پایگاه اقامت دارند، کم و بیش عادی است. همه نیروها و دفاتر شرکت‌ها به هتل هیلتون انتقال یافته‌اند.

- گرومن (اف-۱۴): شرکت همچنان کلیه فعالیت‌های آموزشی و تعمیر و نگهداری را که بدون نیاز به بنزین ممکن باشد در اصفهان و شیراز انجام می‌دهد. در اصفهان، که مشکلات بسیار عدیده‌ای وجود داشته است، وضعیت امنیت، غذا و سوخت منازل فعلاً قابل تحمل است. اصلی‌ترین و فوری‌ترین مشکل کمبود بنزین است، زیرا کمبایی آن موجب شده است که هر روز فقط نیمی از آمریکایی‌ها بتوانند به سر کارهایشان بروند. به رغم این مشکلات، مدیران شرکت خوش‌بین هستند که نیروهایشان می‌توانند فعلاً در سطح حداقل کار را ادامه دهند.

سولیوان

۲۳ ژانویه ۱۹۷۹ - ۳ بهمن ۱۳۵۷

به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی

محرمانه

از: سفارت آمریکا، تهران

مرجع: سفارت ۰۸۲۲

موضوع: وضعیت پیمانکاران نظامی

۱- (محرمانه - تمام متن).

۲- از زمان ارسال تلکس مرجع تاکنون وضعیت پیمانکاران عمده دفاعی در ایران مدام وخیم تر شده است. سرعت کاهش فعالیت‌ها و پیچیدگی وضعیت هر دو افزایش یافته‌اند. در زیر آخرین وضعیت برخی پیمانکاران عمده ارسال می‌گردد.

۳- شرکت هلیکوپترسازی بل اینترنشنال: تیمسار توکلی، معاون وزارت دفاع در امور تسلیحاتی، به شرکت بل گفته است که وزارتخانه متبوعش قبل از ۱۵ فوریه «ترتیبات» جدیدی را برای آماد تهران با آن شرکت امضا خواهد کرد. ولی در این فرایند، شرکت بل باید دو تغییر عمده در قراردادهايش بدهد: (الف) هزینه «ترتیبات» جدید آماد باید با اختصاص بودجه متعلق به دو قرارداد دیگر شرکت بل (آموزش و عملیات) به این ترتیبات پوشش داده شود، و (ب) به جای برنامه‌ریزی برای ۲۰۰۰ کارمند در ایران، شرکت باید برای ۱۰۰۰ کارمند در ایران برنامه‌ریزی کند. واکنش مدیران شرکت این بود که چند روز وقت خواستند تا احتمالات و امکانات آتی را با هیأت مستشاری نظامی در میان بگذارند. نظر شخصی مدیران شرکت در ایران این بود که شرکت می‌خواهد موقعیت و پروژه خود را حتی الامکان حفظ کند، و اگر دولت ایران تصمیم گرفته که این کار با ۱۰۰۰ نفر انجام شود، بنابراین همین‌طور می‌شود.

۴- ریتویون: در تلکس مرجع گفته بودیم که فعالیت‌های شرکت طبق گزارش‌ها حداقل ۵۰ درصد کاهش یافته است. هم اینک مدیران شرکت در ایران کاهش فعالیت‌ها را ۷۵ درصد برآورد می‌کنند.

۵- نورثروپ: مقامات عالی‌رتبه نیروی هوایی شاهنشاهی به شرکت گفته‌اند که هزینه مربوط به سه ماه آینده فعالیت پشتیبانی شرکت در پایگاه خاتمی که از اول مارس شروع می‌شود پرداخت خواهد شد. با وجود این، شرکت نورثروپ چندان امیدی به این پرداخت ندارد و جداً به تعطیل کردن فعالیت‌های خود در طول چند ماه آتی می‌اندیشد.

۶- گرومن: وضعیت گرومن در اصفهان از زمان ارسال تلکس مرجع بسیار تغییر کرده است. اولین مشکل، عدم پرداخت هزینه فعالیت مدرسه آمریکایی‌ها از سوی دولت ایران است. گرومن فکر می‌کرد در صورت بسته شدن مدرسه، تعداد زیادی از اعضای خانواده کارکنانش ایران را ترک خواهند کرد. نهایتاً ایران با تسلیم یک چک در روز ۲۲ ژانویه موقتاً هزینه‌های مدرسه را متقبل شد و مدرسه به مدت چند هفته دیگر باز خواهد بود. البته طبق گزارش‌ها چک مزبور در روز ۲۳ ژانویه برگشت خورده است. مسئله‌ای که اوضاع را سردرگم‌تر کرد،



اعتصابی است که از امروز صبح (۲۳ ژانویه) به رهبری همافرها در پایگاه هوایی خاتمی شروع شده است، و رهبران اعتصاب گفته‌اند که (الف) هر هواپیمایی که نیروی هوایی شاهنشاهی ایران بخواهد استفاده کند، خراب خواهند کرد، و (ب) مایل نیستند هیچ خارجی در فعالیت‌های نیروی هوایی مشارکت داشته باشد. گرومن همه نیروهای خود را از پایگاه خارج کرده است. گرومن درخواست کرده است دو هواپیمای در دست دیگر در طول سه روز آینده به اصفهان برود و اسباب و اثاثیه و همچنین کارمندان و اعضای خانواده‌هایشان را که مایل هستند، از ایران خارج سازد. مدیران شرکت معتقدند که فقط تعداد بسیار اندکی از نیروهایشان در اصفهان باقی خواهند ماند.

سولیوان

سند شماره ۱۳۰

[موضوع]: یادداشت تفاهم

این یادداشت تفاهم بین دولت ایالات متحده و دولت ایران به منظور اصلاح نامه‌های پیشنهاد و قبولی که در چارچوب معاملات تسلیحاتی خارجی بین طرفین به امضا رسیده و در حال اجراست، به امضا می‌رسد.

به موجب این یادداشت تفاهم، دولت ایران موافقت خود را با اقدام سریع دولت ایالات متحده مبنی بر اجرای موارد زیر اعلام می‌کند:

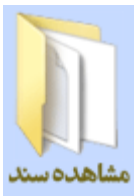
خاتمه و لغو کلیه اقدامات مربوط به تأمین برنامه‌ها - اقلام زیر:

- برنامه PEACE ZEBRA - کلیه قراردادهای موضوع برنامه خریدهای نظامی خارجی
- ۱۶۰ هواپیمای اف-۱۶ ای-بی، قطعات یدکی، AGE، Mods، مساعدت‌های فنی، آموزش و پشتیبانی (آماد فنی و پیمانکار)
- برنامه PEACE SKY - کلیه قراردادهای موضوع برنامه خریدهای نظامی خارجی
- ۷ هواپیمای ای-۳ ای، قطعات یدکی، AGE، Mods، مساعدت‌های فنی، آموزش و پشتیبانی (آماد فنی و پیمانکار)
- برنامه PEACE ROLL - کلیه قراردادهای موضوع برنامه خریدهای نظامی خارجی
- ۱۶ هواپیمای آر.اف-۴، قطعات یدکی، AGE، Mods، مساعدت‌های فنی، آموزش و پشتیبانی (آماد فنی و پیمانکار)
- کاهش تعداد اقلام قابل تحویل زیر به میزانی که در جدول ذکر شده است:

میزان کاهش

شرح اقلام

۲	ناوشکن‌های سی.سی.جی-۹۹۳، اسپراونس
۱	زیردریایی، کوسه، اس.اس.۵۶۳
۴۴۴	موشک، فونیکس، ای.آی.ام-۵۴ ای
۲۰۹	موشک، هارپون، آر.جی.ام-۸۴



۲۵۸	موشک، استاندارد، اس.ام-۱
۳۶۰	موشک، آی-هاوک، اکس.ام.آی.ان-۲۳ ب
۳۶۲	موشک، سایدویندر، ای.آی.ام-۹
۳۶۲	موشک، اسپارو، ای.آی.ام-۷
۲۱۴	اژدر، ام.کی-۴۶
۱۷۴	اژدر ام.کی-۳۷
همه اقلام	ای.سی.ام، ای.ال.کیو-۱۱۹
۱۱۳	حمل و نقل دریایی، ام-۵۴۸
۱	بریج، لانچر
۹	هویتزر، ام-۱۱۰، ۸ اینچ اس.پی.
۱۱۸۲	تاو، ضد تانک
۱۰۹۳۷	دراگن، ضد تانک
۱۰۸	ای.پی.سی، ام-۱۱۳
۹۹	جیپ، ام-۸۲۵
۱۱۷	تریلر، ام-۱۱۸ ای ۱ (۶ تن)
۶	تریلر، ام-۳۵۳ (۳/۵ تن)

تمامی تحویل‌های خودکار به

مهمات

گلوله‌های توپ ۹۰ م.م (ای.پی.تی و هیت)؛ ۱۵۵ م.م؛ ۱۷۵ م.م؛ حالت تعلیق درآید و فقط بنا به

درخواست ارسال شود ۱۰۵ م.م (هویتزر)؛ ۱۰۵ م.م (برای تانک‌های ام-۶۰)

۱۰۶ م.م.

کاهش کلیه قراردادهای پشتیبانی و تدارکاتی تکمیلی دولت ایران که در چارچوب برنامه خریدهای نظامی خارجی به امضا رسیده، از جمله طرح مشترک پشتیبانی تدارکات برای سیستم‌های مشترک تسلیحاتی که می‌توان با استفاده از شیوه درخواست مستقیم از دولت ایالات متحده آنها را اجرا کرد.

کاهش و تجدید ساختار کلیه قراردادهای امضا شده در چارچوب برنامه خریدهای نظامی خارجی برای اقلام پشتیبانی و خدماتی که پیمانکاران ارایه می‌دهند تا سطوح ذیل:

سقف	سیستم	قرارداد معاملات تسلیحاتی خارجی	پیمانکار
۵۰۰	هلیکوپتر	WAK, VZZ, WAL/WDC	شرکت بل هلیکوپتر اینترنشنال

۳۴۰ اسناد لانه جاسوسی آمریکا

۶۰	اف-۱۴/فونیکس	GFZ	شرکت گرومن، هیوز، پرت و ویتنی، شرکت هریس، پی.آر.ی الکترونیکس دیویژن، شرکت تله کام سیستمز، بوز آلن ریتبون
۲۰	موشک آی-هاوک تی.اس.کیو-۷۳	VSI, WCC, VUU	لیتن
۹۷	PEACE LOG	ZAA	شرکت خدمات هواپیمایی لاکهید
۵۰	پیمانکار مهندسی خدمات فنی	GJJ	متفرقه
		WAG, WDM	

کاهش هفتصد و سی (۷۳۰) نیروی نظامی و غیرنظامی دولت ایالات متحده که هم اینک در ایران در حال انجام مأموریت هستند (به رغم اجازه وزارت دفاع آمریکا برای اعزام ۹۶۹ نیرو به ایران) که دولت ایران به موجب قراردادهای معاملات تسلیحاتی خارجی برای گروه مستشاری نظامی، تیم‌های میدانی مساعدت‌های فنی و پشتیبانی به آنها حقوق می‌پردازد به میزان حداکثر ۲۵۰ نیروی مجاز.

دولت ایالات متحده آمریکا، از طریق سازمان مساعدت‌های امنیتی دفاعی، و دولت ایران، از طریق وزارت جنگ، موافقت می‌کنند که ظرف مدت سی (۳۰) روز تمامی قراردادها- برنامه‌های مفتوح خریدهای نظامی خارجی را به منظور حصول اطمینان از این مطلب مرور کنند که فقط آن دسته از خدمات و اقلام دفاعی که به بهترین نحو نیازهای فوری امنیتی ایران را برآورده می‌سازند و همچنین خرج هزینه برای آنها از محل وجوه امانی دولت ایران به صرفه‌تر است، تولید و تحویل خواهد شد.

دولت ایالات متحده آن بخش از وجوه خرج شده از حساب صندوق امانی دولت ایران را که بتوان به واسطه خاتمه و یا لغو قراردادهای تأمین قطعات، کاهش تحویل تعداد اقلام سفارش شده، کاهش مبلغ قراردادهای خدمات و پشتیبانی، و همچنین کاهش نامه‌های پیشنهاد و قبول قابل اجرا، جبران کند (به صندوق امانی دولت ایران) مسترد خواهد ساخت. تمامی مدارک مورد نیاز در خصوص مبالغ غیرقابل استرداد نیز برای بررسی و تأیید دولت ایران در اختیار آن قرار خواهد گرفت. دولت ایالات متحده حتی‌المقدور هرگونه دارایی باقیمانده و تحویل نشده را به وزارت دفاع آمریکا و یا سایر حساب‌های برنامه معاملات تسلیحاتی خارجی خواهد فروخت تا مبلغ کامل آن را به صندوق امانی دولت ایران مسترد سازد. چنانچه قیمت فروش اقلام فوق کمتر از قیمتی باشد که دولت ایران برای آنها پرداخته است، دولت ایالات متحده قبل از فروش آن اقلام با دولت ایران تماس گرفته و موافقت آن را کسب خواهد کرد.

دولت ایران و دولت ایالات متحده به طور مشترک، در روز ۲۴ ژوئیه ۱۹۷۹ و یا قبل از آن، طرح‌های اصلاح شده تأمین قطعات و تجهیزات و جدول زمانی تولید برنامه‌هایی را که به حالت تعلیق درآمده، از جمله تأثیر آنها بر هزینه‌ها و برنامه زمانی تحویل اقلام فوق مورد بررسی قرار می‌دهند تا دولت ایران بتواند برنامه‌های تحویل قطعات و تجهیزاتی را که باید ادامه یابد، خاتمه یابد و یا لغو شود، منوط به شرایط کلی نامه‌های پیشنهاد و قبول، مشخص نماید. دولت ایالات متحده نیز موافقت می‌نماید که سریعاً و پیش از ۲۴ ژوئیه ۱۹۷۹ به دولت ایران اطلاع دهد که چه برنامه‌های تحویل قطعات و تجهیزاتی باید به دلیل انقضای شرایط تولید کاملاً لغو شود. دولت ایالات متحده همچنین موافقت می‌نماید که توصیه‌هایی را در ارتباط با این امر که مزایای ادامه اجرای کدام برنامه‌های تحویل قطعات و تجهیزات بیشتر از بار مالی خاتمه و یا لغو قرارداد، به دلیل عدم نیاز دولت آمریکا و یا مشتریان دیگر برنامه خریدهای نظامی خارجی به اقلام مزبور، خواهد بود در اختیار دولت ایران قرار دهد. قابل درک است که به منظور پرهیز از خاتمه قرارداد و امکان استرداد مبلغ کامل قراردادها (به صندوق امانی دولت ایران) از محل فروش مجدد دارایی‌های باقیمانده تحویل نشده، شاید لازم باشد دولت ایالات متحده آمریکا (برای مدت یک دوره کوتاه انتقالی) تا زمانی که فروش آنها به وزارت دفاع ایالات متحده و یا مشتریان دیگر برنامه خریدهای نظامی خارجی تصویب نشده و آنها مسئولیت مالی و هزینه‌های مربوط به اقلام فوق را بر عهده نگرفته‌اند، به انجام تعهدات و پرداخت هزینه از محل صندوق امانی دولت ایران ادامه دهد.

دولت ایالات متحده یک حساب بهره‌دار به نام دولت ایران افتتاح خواهد کرد تا وجوه خرج شده‌ای که مازاد بر تعهدات مالی دولت ایران به صندوق امانی مسترد می‌گردد، به آن حساب واریز شده و به آن بهره تعلق گیرد. علاوه بر این، دولت ایالات متحده کلیه وجوه خرج نشده را به این حساب انتقال خواهد داد. دولت ایران مجاز است موجودی این حساب را به هر حساب دیگری که از سوی دولت ایران برای معاملات تسلیحات خارجی تعیین شده است، انتقال دهد.

دولت ایالات متحده دولت ایران را کاملاً در جریان وضعیت حساب صندوق امانی دولت ایران و همچنین حساب جدید قرار خواهد داد.

این یادداشت تفاهم به محض امضا قابل اجرا و موثر است و تا زمانی که اصلاح و یا لغو نشود، کاملاً به قوت خود باقی خواهد ماند.

تهران

۱۳۵۷/۱۱/۱۴

دولت ایران

سپهبد ج.ت. توکلی

معاون وزارت جنگ در امور تسلیحاتی

تهران

۳ فوریه ۱۹۷۹

دولت ایالات متحده

اریک اف. فون ماربود

معاون سازمان مساعدت‌های امنیتی دفاعی

سند شماره ۱۳۱

محرمانه

۲۶ مارس ۱۹۷۹ - ۶ فروردین ۱۳۵۸

از: سازمان اطلاعات دفاعی، واشنگتن دی.سی

به: دفتر وابسته دفاعی، تهران

موضوع: فرماندهان جدید ارتش ایران

۱- (محرمانه - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) دریادار هوشنگ آریانپور (بازنشسته): آخرین اطلاعاتی که درباره زندگینامه این شخص در دست داریم به ۱۵ اوت ۱۹۷۳ باز می‌گردد. در آن زمان، او جانشین فرماندهی لجستیک فنی در نیروی دریایی شاهنشاهی ایران بود.

آریانپور آموزش‌های اولیه را در انگلستان گذراند و مدتی در یک کشتی آموزشی متعلق به نیروی دریایی سلطنتی بریتانیا (۱۹۴۵-۱۹۵۰) خدمت کرد و سپس وارد دانشکده فنی نیروی دریایی سلطنتی شد (۱۹۵۰-۱۹۵۳). او پس از گذراندن موفقیت‌آمیز امتحان نیروی دریایی بریتانیا در سال ۱۹۵۳ به درجه افسری مهندسی کشتی مفتخر شد. او همچنین در سال ۱۹۶۳ از دانشکده عالی نیروی دریایی ایالات متحده فارغ‌التحصیل و از سال ۱۹۶۳ تا ۱۹۷۳ عمدتاً به آموزش نیروها اشتغال داشت. از سال ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۳ فرمانده پایگاه نیروی دریایی بندر عباس بود. متولد ۲۱ ژانویه ۱۹۲۹ در تهران، نام همسرش پروین، دارای دو فرزند، متوسط‌الجثه، قد ۵ فوت و ۹ اینچ، وزن ۱۵۰ پوند. انگلیسی خوب. طبق گزارش متمایل به آمریکا و طرفدار شاه بوده است.

۲- (محرمانه - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) دریابان محمود علوی (بازنشسته اوریل ۱۹۷۷). آخرین اطلاعاتی که از زندگینامه این شخص در دست داریم به آوریل ۱۹۷۶ باز می‌گردد، زمانی که به درجه دریاداری ارتقا یافت. در آن زمان او معاون فرماندهی جنگ، برنامه‌ریزی و سیاستگذاری بود و در همین پست بازنشسته شد. او از سال ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۱ در آکادمی نیروی دریایی سلطنتی انگلستان آموزش دید و از آن آکادمی فارغ‌التحصیل شد. او همچنین فارغ‌التحصیل دانشکده «مید شپمن» انگلستان (۱۹۵۳) و دانشکده نظامی تهران (۱۹۵۳) است.

او از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۳ در دوره عمومی دانشکده عالی نیروی دریایی ایالات متحده شرکت کرد و در سال ۱۹۷۵ دوره مدیریت دفاعی افسران ارشد را پشت سر گذاشت. او مدتی در پست افسر ناوبری خدمت کرد، سپس فرمانده یک ناو شد، بعد از آن به ستاد انتقال یافت. دارای هیکلی کوچک، نزدیک ۵ فوت و ۹ اینچ قد، ۱۴۰ پوند وزن، همسرش را طلاق داده، حضانت فرزندش با اوست، انگلیسی خوب. اطلاع زیادی درباره شخصیت او نداریم. به نظر می‌رسد که طرفدار یک نیروی دریایی مدرن با استفاده از مشاوران و تجهیزات آمریکایی است. طبق گزارش‌ها او فردی باهوش، پرکار، با نظراتی سنجیده و متمایل به آمریکاست. (بقیه سند ناخواناست)



سند شماره ۱۳۲

محرمانه

۲۸ مارس ۱۹۷۹ - ۸ فروردین ۱۳۵۸

به: وزارت دفاع، واشنگتن دی.سی

از: هیأت مستشاری نظامی، تهران

موضوع: قراردادهای خریدهای نظامی خارجی نیروی دریایی ایران

۱- (بدون طبقه‌بندی) نامه رسمی زیر امروز از دفتر معاون وزارت دفاع ملی ایران خطاب به سرلشگر گاست، نماینده وزارت دفاع ایالات متحده مقیم در سفارت آمریکا در تهران، به دستمان رسید.

مرجع: ۱۴۰۱/۳۰۳-۰۱-۹۶-۲۵ تاریخ ۲۸ مارس ۱۹۷۹

موضوع: قراردادهای خریدهای نظامی خارجی

عطف به یادداشت تفاهم مورخ ۳ فوریه ۱۹۷۹ و نامه شما مورخ ۲۶ مارس ۱۹۷۹ با ملاحظه و عنایت به نیازمندی‌های جدید، از دولت ایالات متحده خواهشمند است اقدامات زیر را مبذول دارد:

(۱) خاتمه دادن و لغو کلیه قراردادهای خریدهای نظامی خارجی مربوط به زیردریایی SS-

565 کلاس TANG

(۲) در ارتباط با زیردریایی SS-566 کلاس TANG که تحویل شده است، خواهشمند است دولت ایالات متحده خرید این زیردریایی برای استفاده در نیروی دریایی ایالات متحده و یا فروش آن به کشور ثالث را مورد نظر قرار بدهد.

(۳) خاتمه دادن و لغو قرارداد خریدهای نظامی خارجی به شماره SAY-4 و کلیه قراردادهای مربوط به خرید ۲ ناوشکن باقیمانده کلاس اسپراونس. همچنین خواهشمند است ایالات متحده بودجه لازم برای بازخرید دو ناوشکن فوق را از دولت ایران، تخصیص دهد.

(۴) فعال‌سازی قرارداد خرید نظامی خارجی به شماره ABM-6 و تحویل مابقی موشک‌های

تحویل نشده هارپون و لوزام متعلقه

سرهنگ ج. کامکار

معاون وزارت دفاع ملی در امور تسلیحات

۲- (محرمانه) هیچ فرصتی برای گفتگو درباره اقدامات فوق با دریادار علوی و یا سایر مقامات نیروی دریایی ایران پیدا نکرده‌ایم. وقتی نامه به دستمان رسید، سرهنگ کامکار خاطر نشان ساخت که برنامه‌های آموزشی خدمه ناوشکن‌های اسپراونس و زیر دریایی TANG باید خاتمه یابد و نیروهای ایرانی به کشور بازگردند.

۳- (محرمانه) تقاضا برای فعال‌سازی قرارداد موشک‌های هارپون که برای نصب بر قایق‌های گشتی کلاس LA COMBITANTE استفاده می‌شوند وضعیت بسیار حساسی ایجاد

می‌کند زیرا به اعتقاد ما سیستم کنترل آتش این قایق‌ها با این موشک‌ها تطبیق داده شده است. خواهشمند است ما را راهنمایی کنید که آیا موشک‌های هارپون ABM-6 طبق خواسته ایران تحویل این کشور خواهد شد یا خیر. در صورت انجام نشدن این خواسته، آیا گزینه دیگری که برای نیروی دریایی ایران نسبتاً جذاب باشد وجود دارد (مثلاً اصلاح قرارداد FCS برای جایگزین کردن موشک‌ها؟)

سند شماره ۱۳۳

۷ آوریل ۱۹۷۹ - ۱۸ فروردین ۱۳۵۸

سری - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان

از: دفتر وابسته دفاعی ایالات متحده، تهران

به: سازمان اطلاعات دفاعی، واشنگتن دی.سی

موضوع: مذاکرات وابسته دفاعی با جانشین رئیس ستاد نیروی دریایی ایران

منابع: مشاهدات شخصی

خلاصه: (سری - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) این گزارش خلاصه‌ایست از مذاکرات نماینده دفاعی با دریادار علوی و شامل گزارش گفتگوهایی است درباره انتصاب دریادار علوی به این پُست و مسئولیت‌های جانشین رئیس ستاد نیروی دریایی؛ وضعیت زیردریایی ایران؛ بررسی وضعیت مستشاران نظامی آمریکایی، کشتی آمریکایی و وابسته دفاعی از سوی ایران؛ تغییر نیروها؛ هلیکوپترهای RH53D؛ و سایر موارد متفرقه.

مشروح گزارش (سری - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان)

الف - (محرمانه) پیش‌زمینه: در تاریخ ۴ آوریل ۱۹۷۹ سرهنگ شافر (وابسته دفاعی) و ناخدا سوم برایتن (هیأت مستشاری نظامی) با دریادار علوی، جانشین رئیس ستاد نیروی دریایی ایران ملاقات کردند. این دیدار بسیار دوستانه، صریح، واقع‌بینانه و دور از تنش بود. دریادار علوی لباس شخصی به تن داشت و هیچ ایرانی دیگری در جلسه حاضر نبود.

ب - (سری - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) سئوالات دریادار علوی: در اوایل مذاکرات، دریادار علوی علاقه زیادی به ساختار سازمانی، وظایف و مسئولیت‌های کل وزارت دفاع آمریکا نشان داد. سئوالات او بیشتر حول محور این بود که چه کسی ارتقای درجه و پُست‌ها را تأیید می‌کند، نقش کنگره در انتخاب و تأیید این موارد چیست، و JCS و شورای امنیت ملی چه بخشی از این تصویر کلی را تکمیل می‌کنند. او دیاگرامی برایمان ترسیم کرد و گفت که فکر می‌کند نظام دفاعی ما بر اساس آن سازمان یافته باشد. ولی قصد واقعی او از چنین صحبت‌هایی آن بود که به مدارک مربوط به ساختارهای سازمانی، وظایف و مسئولیت‌ها دست پیدا کند. او همچنین اظهار داشت که در حال بررسی ساختارهای دفاعی سایر کشورها نیز است. اگرچه علوی اذعان نکرد و یا نگفت که مطالعاتی برای سازمان‌دهی آتی ساختار ارتش - دفاعی ایران انجام می‌دهد، کاملاً واضح بود که یا علاقه‌ای شخصی به این مسئله دارد و یا برای



انجام این مطالعه دستوری صادر شده است. علوی مشخصاً از ما پرسید که کنگره در ارتباط با انتصاب‌ها و تصویب ارتقاهای نظامی چه اقداماتی انجام می‌دهد و فرمانده عملیات نیروی دریایی چگونه انتخاب و تصویب می‌شود.

پ- (سری - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) زیردریایی‌ها: دریادار علوی گفت که مایل نیست زیردریایی آمریکایی (کلاس TANG) فعلاً به ایران بیاید. او گفت خدمه ایرانی به دلیل عدم انضباط و نداشتن آموزش‌های لازم، هنوز آمادگی بازگرداندن زیردریایی را ندارند. او افزود که ناخدا معالی در سفر قریب‌الوقوعش به ایالات متحده در مورد مسئله بازگرداندن زیردریایی مذاکره خواهد کرد. علوی در ارتباط با خرید زیردریایی‌های آلمانی نیز گفت که این خریدها هنوز مفتوح هستند و ایرانی‌ها مایلند زیردریایی‌های آلمانی را به خدمت بگیرند.

ت- (محرمانه) انتصاب علوی و وظایف جانشین رئیس ستاد نیروی دریایی: دریادار علوی گفت که این دلیل به نیروی دریایی بازگشته است که افسران و ناوی‌های نیروی دریایی او را می‌خواهند. آنها به او احترام می‌گذارند هرچند او را افسر سختگیری می‌دانند که به نظم اهمیت می‌دهد. علوی گفت که آنها به آنها می‌گویند که او را انتخاب کرده‌اند گفته است باید دستش در تصمیم‌گیری‌ها باز باشد. نماینده دفاعی از علوی پرسید وقتی اقداماتش در پست فرماندهی باید به تصویب کمیته برسد، او چگونه می‌تواند وظایف فرماندهی‌اش را انجام دهد. علوی در پاسخ گفت اوست که تصمیم می‌گیرد و نه کمیته. علوی برای مثال گفت که اگر قرار باشد فلان کشتی را از فلان بندر به فلان بندر انتقال بدهد، اوست که تصمیم می‌گیرد. او افزود احتیاجی به کمیته‌ها نیست و کمیته‌ها منحل خواهند شد. وقتی نماینده دفاعی متذکر شد که اکثر تصمیمات نیروی هوایی ایران باید به تصویب کمیته برسد، علوی پاسخ داد که اخیراً با سرتیپ ایمانیان (رئیس ستاد نیروی هوایی) صحبت کرده و به او گفته است که باید استقلال رأی بیشتری از خودش نشان دهد. [ادامه سند یافت نشد]

سند شماره ۱۳۴

۸ آوریل ۱۹۷۹ - ۱۹ فروردین ۱۳۵۸

محرمانه

از: هیأت مستشاری نظامی آمریکا، تهران به: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی.
مرجع: الف- وزارت دفاع ۳۱۱۷۱۳ز - ۳۱ مارس ۱۹۷۹، ب- وزارت دفاع ۳۱۲۲۴۹ز -
۳۱ مارس ۱۹۷۹، پ- وزارت دفاع ۶۰۰۵۰ز - ۶ آوریل ۱۹۷۹

موضوع: خریدهای نظامی خارجی نیروی دریایی ایران

۱- (محرمانه) اولین تماس‌های ناخدا سوم برایتین، نماینده نیروی دریایی آمریکا، با رهبری جدید نیروی دریایی ایران در طول چند روز گذشته دلگرم کننده بود. در میان سه نیروی ارتش، ظاهراً نیروی دریایی کمترین صدمه را از انقلاب دیده است و پیش‌بینی می‌کنیم خیلی زود فعالیتش را در صحنه خریدهای نظامی خارجی شروع کند. علاوه بر این، نیروی دریایی



«مراقب خودش نیز هست.» بر خلاف سایر نیروهای ارتش، بازنشستگی افسران ارشد به تعویق افتاده است تا آنها بتوانند از مزایای کامل بازنشستگی بهره‌مند شوند. علاوه بر این، اطلاع یافته‌ایم که هیچ افسر ارشد نیروی دریایی در زندان نیست و رهبری جدید نیروی دریایی امیدوار است که افسران دون‌پایه‌تری را که «هنوز در زندان به سر می‌برند در اسرع وقت آزاد کند.» یکی از طرف‌های تماس در نیروی دریایی، دریادار علوی، کفیل‌جانشین رئیس ستاد نیروی دریایی، گفت که «نیروی دریایی ایران در جریان انقلاب با درایت و انسانی رفتار کرد.» در میان نیروهای ارتش، فقط نیروی دریایی است که نسبتاً از نفوذ کمیته‌ها «آزاد» است. علوی می‌گوید در همین ارتباط به فرمانده نیروی هوایی گفته است که باید استقلال رأی بیشتر داشته باشد و کمتر از کمیته‌ها بترسد. علوی مدعی است که در تصمیم‌گیری‌ها «دستش باز است.»

۲- (محرمانه) اطلاع یافته‌ایم که قرار بود هفته گذشته یک تیم چهار نفره خریدهای نظامی خارجی نیروی دریایی ایران به واشنگتن سفر کند ولی به دلیل اینکه دریادار مدنی از وزارت دفاع به فرماندهی نیروی دریایی منصوب شد، این سفر به تعویق افتاد. دریادار علوی می‌گوید این سفر در آینده نزدیک انجام خواهد شد. او همچنین می‌گوید این تیم فقط قصد انجام تشریفات مقدماتی را ندارد، بلکه قرار است «وارد مذاکره شود» و دامنه وسیعی از مسایل مربوط به خریدهای نظامی خارجی را حل و فصل کند. مذاکرات مهم نیز از طریق تلفن با ایران انجام خواهد شد. در رأس این تیم ناخدا سوم فریدون معالی قرار دارد که قبلاً عضو هیأت رئیسه پروژه‌های نیروی دریایی ایران بود. اعضای دیگر نیز (دیکنه نام آنها را دقیقاً نمی‌دانیم) طبق گزارش عبارتند از ناخدا سوم «سلتاد»، ناخدا سوم وحدت (از بخش لجستیک)، و یک نماینده از وزارت دفاع ایران. ژنرال گاست در ملاقاتی که روز شنبه با تیمسار معصومی داشت به سفر معالی اشاره کرد. ولی معصومی چیزی در مورد این سفر نشنیده بود، هر چند سرهنگ کامکار، معاون وزارت دفاع در امور تسلیحات، گفته بود که خودش در ترتیب دادن این سفر دخالت دارد. ما پیشنهاد کرده‌ایم اطلاعات مورد نیاز تیم معالی را در اختیارشان بگذاریم و یا در ایالات متحده کمک‌شان کنیم، ولی هنوز پاسخی دریافت نکرده‌ایم. هنوز نمی‌دانیم که آیا سفر معالی فایده‌ای دارد یا خیر، به ویژه اگر بخواهند بدون پرداختن به مسایل بزرگتر در مورد برخی برنامه‌های خرید وارد مذاکره شوند. با وجود این، نیروی دریایی ایران را دلسرد نکرده‌ایم زیرا اعتقاد داریم که هر تماسی خوب است. دریادار علوی می‌گوید در صورت لزوم، نیروی دریایی قادر است ظرف مدت یک ماه یا بیشتر وجوه جدیدی بابت پشتیبانی قطعات یدکی بپردازد. مسئله قطعات یدکی در نیروی دریایی مثل نیروی هوایی یک مسئله مهم است. هر چند فکر نمی‌کنیم که عملاً مسایل مالی حل شود، معتقدیم که باید از هم اکنون امکان اجرای برخی قراردادهای جدید پشتیبانی پایه از نیروی دریایی ایران را (مثل خدمات DRP و ROR و برخی خدمات دیگر) مورد بررسی قرار دهیم تا بتوانیم در مورد آنها با مقاماتی که از سوی ایران معرفی می‌شوند وارد مذاکره شویم.

۳- (محرمانه) رسیدگی به تقاضای ما برای ملاقات با جانشین جدید رئیس ستاد نیروی دریایی ایران (دریادار محمود علوی) و کفیل جدید مدیریت بخش لجستیک (ناخدا بهرام افضلی) تا بعد از برگزاری رفراندوم و نوروز «تصویب» نشد. ناخدا سوم برایتن ابتدا در تاریخ ۳ آوریل به مدت یک ساعت با افضلی ملاقات کرد و سپس در تاریخ ۴ آوریل به همان مدت با دریادار علوی دیدار و گفتگو داشت. هر دوی آنها در جریان وضعیت برنامه خریدهای نظامی خارجی قرار گرفتند و مسایلی که در مرجع (الف) تا (پ) آمده است مورد بحث و بررسی قرار گرفت. از نظر ما هر دو دیدار در ایجاد دیالوگ موفق بود و علوی به ما گفت «هر وقت بخواهیم» می‌توانیم با او ملاقات کنیم. وقتی ناخدا سوم برایتن صبح شنبه به ملاقات علوی رفت تا متعاقب دیدار قبلی‌شان برخی مسایلی را که فکر می‌کرد برای علوی جالب باشد به او بگوید، بدون هیچ مشکلی موفق به ملاقات او شد و برای مدت کوتاهی خیلی دوستانه با او صحبت کرد.

۴- (محرمانه) بازدید از دفتر نماینده نیروی دریایی در ساختمان ستاد. در همان روز ملاقات با علوی، از دفتر دریادار مجیدی با ناخدا سوم برایتن تماس گرفتند و به او اطلاع دادند می‌تواند برای جمع‌آوری وسایل شخصی دریادار کالین به دفاتر قدیمی نمایندگی نیروی دریایی آمریکا در ساختمان ستاد نیروی دریایی برود. برایتن مشاهده کرد که ایرانی‌ها دفتر کالین و دفاتر چسبیده به آن را ظاهراً برای پیدا کردن اسلحه کاملاً زیر و رو کرده‌اند. دفتر اداری نمایندگی نیروی دریایی در آن طرف راهرو هنوز با همان قفل اصلی‌اش بسته بود. ظاهراً درون آن دست نخورده بود. دفتر تدارکات تمیز و جمع و جور شده بود (همه اقلام پراکنده را درون جعبه گذاشته بودند) و فایل‌ها را هم به سوی دیوار برگردانده بودند (تا کسی نتواند آنها را باز کند). فایل‌ها همه دست نخورده بود و ظاهراً هیچ کس آنها را نگشته بود. برایتن اجازه نیافت سایر دفاتر را نیز بازدید کند، ولی در ملاقاتی که بعداً با علوی داشت، علوی به او گفت که می‌تواند به این دفاتر و یا فایل‌های طبقه‌بندی شده دسترسی داشته باشد. علوی گفت: «مسئلاً این چیزها به شما تعلق دارد.» ناخدا سوم برایتن به هنگام بازدید از دفاتر نماینده نیروی دریایی موفق شد خیلی کوتاه دریادار مجیدی را نیز ببیند. مجیدی هنوز در همان دفتر قدیمی‌اش چسبیده به بخش نمایندگی نیروی دریایی آمریکا کار می‌کند ولی دیگر دارد بازنشسته می‌شود. ناخدا سوم برایتن همچنین دریادار جهانبانی را دید که از دفتر فرمانده کل نیروی دریایی (که حالا به مدنی تعلق دارد) بیرون آمد ولی فرصت نیافت که با این دریادار قدیمی نیروی دریایی ایران سلام و علیک کند.

۵- (محرمانه) ملاقات با افضلی. افضلی پیش از آنکه به بخش لجستیک بیاید، معاون بخش مدیریت فنی بود. افضلی در مسایل لجستیک آدم واردی است و حرفی برای گفتن دارد. او «غیررسمی» صحبت می‌کند، ولی ظاهراً در جلسات سیاستگذاری که برای آماده کردن تیم معالی برای مذاکره در واشنگتن تشکیل شده است، نفوذ زیادی دارد. در طول ملاقات با

افضلی شخص دیگری به نام ناخدا مدنی (هیچ رابطه‌ای با مدنی، فرمانده نیروی دریایی ندارد) نیز حضور داشت که ساکت بود. در طول این ملاقات او حتی یک کلمه هم حرف نزد. هر دو افسر ایرانی اونیفورم به تن داشتند (بدون RIBBON). این دیدار بسیار دوستانه و جدی بود. در ارتباط با برنامه خریدهای نظامی خارجی، افضلی به نکات زیر اشاره کرد: (الف) سازمان «نیروی دریایی ملی اسلامی ایران» هیچ فرقی با سازمان «نیروی دریایی ایران» ندارد و فقط رهبران آن عوض شده‌اند؛ (ب) جلسات طولانی زیادی برای مهیا کردن تیم معالی برای سفر به واشنگتن تشکیل شده است؛ (پ) تیم معالی شامل نمایندگان خواهد بود که آمادگی بحث و بررسی کلیه مشکلات اساسی و مبرم را دارند. آنها مجاز به «مذاکره» هستند ولی در عین حال از طریق تلفن کاملاً با ایران تماس خواهند داشت؛ (ت) فقدان پشتیبانی تدارکاتی فعلاً اساسی‌ترین مشکل است؛ (ث) افضلی در ارتباط با نبود اعتبار کافی در صندوق امانی و تأثیراتش بر تدارکات گفت که امیدوار است ایالات متحده به آنها «کمک» کند تا در تلاش‌هایشان موفق شوند (معنایش این است که تغییر در رهبری به نفع هیچیک از طرفین نیست). افضلی گفت شایعاتی شنیده است: (۱) حال که کارآموزان نیروی دریایی ایران در آمریکا مهارت‌های لازم را فرا گرفته‌اند، دارند به استخدام نیروی دریایی آمریکا در می‌آیند، (۲) و اینکه نیروی دریایی آمریکا مایل به باز خرید هلیکوپترهای RH53D است. ما شایعه اول را قبلاً نشنیده بودیم و گفتیم شاید برخی از نفرات نیروی دریایی ایران درخواست کرده‌اند به جای بازگشت به ایران در ایالات متحده بمانند. افضلی نگران این بود که شاید آمریکا این اجازه را به آنها بدهد. ناخدا سوم برایتن دومین شایعه، یعنی تمایل به باز خرید هلیکوپترهای RH53D را تأیید کرد. افضلی پیشنهاد کرد تمایل خود را به صورت کتبی ابراز کنیم، ولی برایتن پاسخ داد که شاید وقت مناسبی برای این کار نباشد زیرا ممکن است برخی آن را تلاش برای اعمال نفوذ تعبیر کنند. ما نیز موارد زیر را به آنها خاطر نشان کردیم: چنانچه نیروی دریایی ایران در تصمیمش جدی باشد، می‌تواند فهرستی از تمامی اقلامی که فکر می‌کند دیگر نیازی به آنها ندارد، همراه با قیمت پیشنهادی تهیه کند. دولت ایالات متحده این فهرست را به منظور بررسی امکان باز خرید و یا خرید آنها برای کشورهای ثالث مورد نظر قرار خواهد داد. ایران می‌تواند هلیکوپترهای RH53D را نیز در این فهرست ذکر کند. قیمت باز خرید به وضعیت نگهداری اقلام بستگی دارد. (افضلی گفت هلیکوپترهای RH53D «تیپ ۲ یا ۳ نگهداری شده است»). در خاتمه افضلی گفت این ملاقات «بسیار ثمربخش» بوده است. روز بعد وقتی برایتن افضلی را خیلی کوتاه در ساختمان ستاد ملاقات کرد، او گفت «داریم مدارک را بررسی می‌کنیم» (منظورش گزارش‌هایی بود که روز قبل به او داده بودیم).

۶- (محرمانه) ملاقات با دریادار علوی. ملاقات ما ساعت ۱۷:۰۰ صورت گرفت، و با اینکه دیر وقت بود ولی بسیاری از افسران و کارمندان ستاد هنوز در حال کار بودند. هر چند که محل پذیرش میهمانان پُر بود، ولی به محض اینکه ناخدا سوم برایتن به آنجا وارد شد، به

داخل دفتر علوی راهنمایی شد. سرهنگ شافر، وابسته دفاعی آمریکا، نیز ده دقیقه بعد به جمع ما پیوست (او از این فرصت استفاده کرده بود تا با علوی ملاقات کند زیرا پاسخ به درخواست ملاقات از طریق دفتر وابسته دفاعی به دستمان رسیده بود). رفتار علوی بسیار دوستانه بود. او از این ملاقات و تمایل ما به کمک تشکر کرد. علوی به ویژه از تلاش‌های ناخدا سوم «هک» از نیروی دریایی آمریکا تشکر کرد و گفت زمانی که معاون بخش عملیات، اطلاعات و ارتباطات بود، ناخدا هک کمک‌های زیادی به او کرده است. فکر می‌کنیم این ماجرا به دو سال پیش بر می‌گردد که علوی هنوز بازنشسته نشده بود. علوی گفت پسرش دانشجوی USC است و یک برادر هم دارد که در آمریکا به سر می‌برد. او گفت برادرش اولین عمل پیوند قلب را در ایالات متحده انجام داده است (روی یک نوزاد در پنسیلوانیا یا نیویورک). علوی خیلی محتاطانه و متواضعانه صحبت می‌کرد، ولی می‌خواست خیلی غیر مستقیم به ما بفهماند که (الف) «آنها اصرار کرده بودند که علوی به خدمت بازگردد»، (ب) در بین افسران خیلی «محبوبیت» دارد هر چند همه او را آدم «سختگیری» می‌شناختند (که به نظم و انضباط خیلی اهمیت می‌دهد). برایتن همان روز شاهد بود که وقتی علوی وارد اتاق شد، افسران بلافاصله به صورت خبردار از جایشان پریدند. نکات دیگری که در مورد این ملاقات قابل ذکر است، عبارتند از: (پ) علوی نیاز به دانش فنی آمریکا در آینده را قطعاً ضروری می‌داند («از نظر او شش ماه خیلی دیر است»). او گفت به محض تثبیت اوضاع داخل کشور و فراهم آمدن شرایط مساعد، از «تکنسین‌ها» دعوت می‌شود به ایران بیایند. (ت) علوی غیر مستقیم گفت دارند خیلی از فرماندهان را عوض می‌کنند و افراد بسیاری برای احراز پست‌های جدید معرفی کرده‌اند که صلاحیت آنها باید تصویب شود. علوی گفت نامزد فرماندهی ناوگان، شخصی به نام ناخدا سجادی است که فعلاً در آمریکا به سر می‌برد. (البته شاید او از نامزدیش خبر نداشته باشد). ظاهراً جانشین فرمانده ناوگان که در پست خود ابقا خواهد شد، ناخدا سوم گلستان است. «کفیل» فعلی فرماندهی ناوگان، ناخدا سوم علوی است. علوی گفت به محض تصویب انتصابات جدید، فهرست کاملی از فرماندهان جدید را در اختیار ما خواهد گذاشت. (ث) معلوم بود علوی علاقه زیادی به نحوه سازمان وزارت دفاع آمریکا و JCS دارد. او سؤالاتی در مورد نحوه انتصاب‌ها، بازنشستگی‌ها، و اختیارات آنها در ارتباط با رئیس جمهور و کنگره داشت. علوی همچنین نگاهی نیز به سیستم‌های فرانسه و آلمان داشت و حدس می‌زنیم که قصد دارد راه حلی برای مسایل «اساسی» ناشی از سه نیرویی بودن ارتش و بهترین راه را برای رسمی کردن انتصاب‌هایی که قصد انجامش را دارند، بیابد. ناخدا سوم برایتن در دیدار صبح شنبه‌اش با علوی، مراجع اساسی مرتبط با این سؤالات را در اختیار او گذاشت. علوی نیز از این لطف او تشکر کرد. علوی گفت تیمسار فرید، رئیس جدید ستاد کل نیروی‌های مسلح، از او خواسته است در این باره نظر بدهد. علوی گفت فکر می‌کند بیشتر از هر کس دیگری در مورد این نوع مسایل سازمانی اطلاع داشته باشد. (ج) علوی در ارتباط با

وضعیت صندوق امانی خریدهای نظامی خارجی و تأثیر آن بر تجدید قراردادهای پشتیبانی، همان اطمینان خاطری را نشان داد که افضل‌ی نشان داده بود. او گفت «آمریکا به ما کمک خواهد کرد». او گفت شاید در صورت لزوم بتوانند وجوه بیشتری بابت پشتیبانی قطعات یدکی پرداخت نمایند. او گفت که در حال بررسی باز خرید اقلام (از جمله هلیکوپترهای RH53D) از سوی آمریکا هستند. آنها همچنین قصد دارند زیردریایی‌های آلمانی را بخرند ولی هنوز برای زیردریایی‌های کلاس TANG آمادگی ندارند. (حل و فصل مسئله زیردریایی یکی از اهداف سفر ناخدا سوم معالی است). علوی گفت عدم انضباط کامل خدمه می‌تواند در آینده نزدیک مشکلاتی در بهره‌برداری ایمن از این زیردریایی ایجاد کند و اینکه کارگاه کشتی‌سازی آنها ظرفیت پشتیبانی از این زیردریایی را ندارد.

۷- (محرمانه) ناخدا سوم برایتن در این هفته سعی می‌کند بار دیگر به دفاتر نماینده نیروی دریایی در ستاد دسترسی پیدا کند، مطالب طبقه‌بندی شده را از بین ببرد و با تیم خریدهای نظامی خارجی، معالی، مستقیماً تماس حاصل کند. به محض کسب اطلاعات جدید شما را در جریان قرار خواهیم داد.

سند شماره ۱۳۵

محرمانه
از: هیأت مستشاری نظامی آمریکا، تهران به: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی.
موضوع: ملاقات بین سرلشگر گاست، رئیس هیأت مستشاری نظامی آمریکا و
سرتیپ صفری در روز ۱۱ آوریل ۱۹۷۹



۱- (محرمانه) در روز ۱۱ آوریل، ژنرال گاست، رئیس هیأت مستشاری، و سرهنگ وارنر از نیروی هوایی ایالات متحده، با سرهنگ کامکار، معاون وزارت دفاع، بعلاوه دو تن از نیروهای زیر دستش و سرتیپ صفری، معاون فرماندهی لجستیک ستاد نیروی هوایی ایران، دیدار و گفتگو کردند. هدف از این ملاقات بحث و بررسی نیازمندی‌های پشتیبانی لجستیکی نیروی هوایی ایران بود. متوجه شدیم صفری از امضای یادداشت تفاهم ۳ فوریه و اقداماتی که متعاقب آن صورت گرفته است، اطلاع دارد.

۲- (محرمانه) سرتیپ صفری به ما اطلاع داد که هفت گروه در حال کار برای مشخص کردن ترکیب آتی نیروی هوایی هستند. آنها در حال بررسی تهدیدها، بازنویسی مأموریت‌ها، مشخص کردن ساختار مطلوب این نیرو و سپس توجه هزینه‌ها هستند. صفری گفت هزینه پشتیبانی سیستم‌های تسلیحاتی عامل مهمی در نگهداری و استفاده از این سیستم‌ها خواهد بود. نیروی هوایی تاریخ ۵ می ۱۹۷۹ را برای تکمیل این بررسی‌ها قرار داده است. کامکار گفت نیروهای دیگر ارتش نیز موظف به انجام این بررسی‌ها شده‌اند. وزارت دفاع پس از تکمیل بررسی‌های فوق، نتایج و توصیه‌ها را به نخست‌وزیر تسلیم خواهد کرد.

۳- (محرمانه) تیمسار صفری نگران تدارکات و پشتیبانی تعمیر و نگهداری ناوگان اف-۴، اف-۵ و سی-۱۳۰ در کوتاه مدت است. او گفت که این وسط گیر کرده است. واحدهای عملیاتی و تعمیر و نگهداری و همچنین رئیس ستاد نیروی هوایی از او سورتی پرواز می‌خواهند؛ با وجود این، او هیچ ارتباطی با نیروی هوایی ایران برای پشتیبانی از این هواپیماها ندارد. نیروی هوایی ایران مایل است فعلاً تا زمان حل مسایل و مشکلات بزرگتر به اندازه کافی سورتی پرواز برای حفظ تسلط خدمه پرواز و مانور هواپیماها داشته باشد. صفری سپس پرسید که چه ترتیباتی می‌توان برای تهیه ملزومات مصرفی، قطعات یدکی و قطعات قابل تعمیر اضطراری اندیشید. برای مثال، نیروی هوایی ایران سفارش خود را به قطعات مورد نیاز برای حفظ تسلط خدمه محدود خواهد ساخت. پاسخ دادیم دولت ایالات متحده برای حفظ صندوق امانی مجبور به انجام اقدامات بسیار دشواری شده است، و اینکه برنامه خریدهای نظامی خارجی اساساً از هم پاشیده است. برای استقرار مجدد برنامه خریدهای نظامی خارجی به نامه‌های جدید پیشنهاد و قبول و مبالغ جدید نیاز است. صفری پرسید آیا موجودی صندوق امانی برای ملزومات اضطراری و تعمیر قطعات قابل تعمیر کافی است. پاسخ دادم که نمی‌توانم در این باره اظهار نظری کنم، ولی این درخواست را به وزارت دفاع آمریکا مخابره خواهم کرد. خلاصه این مذاکرات آن بود که ستاد نیروی هوایی ایران نامه‌ای از طریق کانال‌های معمول به وزارت دفاع آمریکا خواهد فرستاد و از آنها تقاضا خواهد کرد تا تیم کوچکی از فرماندهی لجستیک ستاد نیروی هوایی آمریکا به تهران بیاید و در مورد مشکلات مذاکره کند، رویه‌های کلی را مشخص نماید، و فعلاً زمینه را برای پشتیبانی موقت فراهم سازد.

۴- (محرمانه) تیمسار صفری بسیار نگران دستورات فنی بود و گفت که احساس می‌کند به خاطر رویه‌های منسوخ عملیاتی و تعمیر و نگهداری، پروازهای ناامنی دارند. او خواستار از سرگیری پشتیبانی دستورات فنی بود. گفتم که دستورات فنی می‌تواند در حداقل سطح اضطراری ارایه گردد و اینکه درخواست او را مخابره خواهم کرد. مسئله دستورات فنی در تلکس جداگانه ارسال خواهد شد.

۵- (محرمانه) نیروی هوایی ایران اذعان دارد که به منظور سفارش ساز و برگ باید AUTODIN را مجدداً برقرار کند. گفتیم دقیقاً نمی‌دانیم چه کاری می‌توان کرد، ولی در هر صورت دولت آمریکا احتمالاً سایت ارتباطی ما را مجدداً فعال نخواهد کرد. گفتیم البته شاید این امکان وجود داشته باشد که در صورت دریافت یک درخواست رسمی به گزینه‌های دیگری فکر کنیم.

۶- (محرمانه) قبلاً از طرف نیروی دریایی ایران اطلاع یافته بودیم که قرار است تیمی به ریاست ناخدا سوم معالی به واشنگتن سفر کند و یکی از مأموریت‌های آن مذاکره بر سر مسایل خریدهای نظامی خارجی به جز برنامه آموزشی است. امروز متوجه شدیم که وزارت دفاع ایران سفر فوق را لغو کرده است، زیرا نمی‌خواهد که یک سازمان منفرد وارد مذاکره

شود. هنوز نمی‌دانیم آیا معالی تربیتی برای خاتمه برنامه‌های آموزشی خواهد داد یا خیر.
 ۷- (محرمانه) ما انجام دو اقدام را در کوتاه مدت میسر می‌دانیم. (الف) چنانچه وزارت دفاع ملی ایران تقاضای سفر یک تیم کوچک را برای مذاکره بر سر برنامه موقت پشتیبانی لجستیک به تهران تصویب کرد، قویاً توصیه می‌کنیم که دولت ایالات متحده نظر مساعد نشان دهد. (ب) چنانچه وزارت دفاع ملی ایران تقاضا کرد یک تیم اطلاعاتی درباره اقدامات جاری مرتبط با یادداشت تفاهم ارایه دهد، قویاً توصیه می‌کنیم که دولت ایالات متحده با آن موافقت کند. از نظر ما، هر دو اقدام به نفع هر دو دولت است. هیچ یک از این تیم‌ها هیچ یک از طرفین را متعهد نمی‌سازد، ولی نقش مفیدی در تعیین روابط نظامی آتی دو کشور خواهند داشت.
 گاست

سند شماره ۱۳۶

محرمانه
 از: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی هیأت مستشاری نظامی آمریکا، تهران
 مرجع: هیأت مستشاری نظامی ۵۱۱۳۸ ز - ۵ آوریل ۱۹۷۹
 موضوع: قراردادهای خریدهای نظامی خارجی



- ۱- (محرمانه) اطلاعات زیر مربوط به مواردی است که در نامه مورخ ۳ آوریل ۱۹۷۹ وزارت دفاع ملی ایران مطرح شده است. (شماره‌ها مطابق نامه مزبور است)
 - (۱) (بدون طبقه‌بندی) کلیه خودروهای ایستگاه فرماندهی M577 موضوع قراردادهای خریدهای نظامی خارجی تحویل شده است.
 - (۲) (محرمانه) خرید ۱۱۳ خودروی حمل و نقل دریایی M548 به موجب یادداشت تفاهم مزبور لغو شده است.
 - (۳) (بدون طبقه‌بندی) کلیه خودروهای M578 RECOVERY موضوع قراردادهای خریدهای نظامی خارجی به ایران تحویل شده است.
 - (۴) (محرمانه) خرید ۹ قبضه توپ ۸ اینچی هویتزر M110 به موجب یادداشت تفاهم مزبور لغو شده است.
 - (۵) (محرمانه) ۳۰ لوله یدکی توپ‌های ۱۷۵ م.م. نگاه داشته شده است (بخشی از قرارداد IR-B-VNR).
 - (۶) (بدون طبقه‌بندی) کلیه توپ‌های ۱۷۵ م.م. موضوع قرارداد IR-B-VNR تحویل داده شده‌اند.
 - (۷) (بدون طبقه‌بندی) خرید کلیه موشک‌های «دراگن» به همراه «لانچر» آنها به موجب یادداشت تفاهم فوق لغو شده‌اند.
 - (۸) (محرمانه) کلیه تجهیزات ش.م.ر. نگاه داشته شده‌اند.

- (۹) (بدون طبقه‌بندی) کلیه قراردادهای باقیمانده در ارتباط با خرید تجهیزات جنگ الکترونیکی برای نیروی زمینی ایران لغو خواهد شد.
- (۱۰) (بدون طبقه‌بندی) کلیه خودروهای ۱/۴ تنی M151 و خودروهای M151A2 موضوع قراردادهای خریدهای نظامی خارجی به ایران تحویل داده شده‌اند.
- (۱۱) (محرمانه) محموله قطعات یدکی و تجهیزات برای نیروی زمینی ایران همچنان در حالت تعلیق موقت به سر می‌برد.
- ۲- (بدون طبقه‌بندی) می‌توانید وضعیت فوق را به اطلاع سرهنگ کامکار برسانید.

سند شماره ۱۳۷

۲۵ آوریل ۱۹۷۹ - ۵ اردیبهشت ۱۳۵۸

به: وزارت دفاع، واشنگتن دی.سی.

از: هیأت مستشاری نظامی آمریکا، تهران

مرجع: هیأت مستشاری - ۱۱ آوریل ۱۹۷۹

موضوع: ملاقات نیروهای هیأت مستشاری با سرتیپ صفری، معاونت لجستیک

نیروی هوایی اسلامی ایران - ۲۴ آوریل ۱۹۷۹

- ۱- (محرمانه) در روز ۲۴ آوریل، سرهنگ دوم استول، ناخدا سوم شیرر و سرهنگ دوم مک‌ویلیامز با سرتیپ صفری و دو نفر از نیروهایش ملاقات کردند. هدف از این ملاقات گفتگو درباره نیازمندی‌های پشتیبانی لجستیکی نیروی هوایی ایران بود.
- ۲- (محرمانه) سرتیپ صفری اطلاع داد که سرهنگ کامکار، معاون وزارت دفاع ملی، به هر یک از قوای ارتش گفته است که درباره پشتیبانی لجستیکی جاری و آتی بر اساس برنامه‌های موجود با دولت آمریکا مذاکره کنند. تیمسار صفری بر تمایل خود به سفر تیم کوچکی از طرف فرماندهی لجستیکی نیروی هوایی آمریکا (OSD/AFCL) به ایران به منظور بررسی و گفتگو درباره مشکلات، نیازهای واقعی و تعیین رویه‌هایی برای انجام قراردادهای جدید پشتیبانی لجستیکی تأکید کرد.
- ۳- (محرمانه) تیمسار صفری یک بار دیگر نگرانی خود را، موضوع مرجع (الف)، در ارتباط با عدم دریافت دستورات فنی اظهار داشت. او تقاضا کرد تا زمانی که ارتباطات عادی برقرار شود یک نسخه از دستورات فنی از طریق افسر رابط در پایگاه هوایی «مک‌گوانر» در اختیار آنها قرار گیرد. (این مسئله موضوع یک تلکس جداگانه است.)
- ۴- (محرمانه) سرهنگ دوم استول پرسید آیا نیروی هوایی ایران از سهمیه‌های آتی دانشکده فرماندهی و ستاد- جنگ استفاده خواهد کرد. تیمسار صفری پاسخ داد که این مسئله را با رئیس ستاد در میان می‌گذارد، ولی کلیه برنامه‌های آموزشی در حال یک تجدید نظر جامع است، و تا اواخر سال احتمالاً نتایج آن مشخص نخواهد شد. (مسئله سهمیه‌ها موضوع یک تلکس جداگانه است.)



۵- (محرمانه) سرهنگ دوم استول، ناخدا سوم شیرر را به عنوان نماینده هیأت مستشاری در خصوص هواپیماهای اف-۱۴ معرفی کرد و گفت که ایشان با مراحل تعمیر و نگهداری و عملیات این هواپیما آشنا هستند. سرتیپ صفری خاطر نشان کرد که نیروی هوایی ایران در حال تهیه گزارشی از وضعیت هواپیماهای اف-۱۴ در اصفهان و شیراز است و هر گونه نیاز به تعمیر، پشتیبانی و یا نگهداری را در آینده به اطلاع خواهد رساند. (ناخدا سوم شیرر برای گفتگوهای بیشتر با سرهنگ دوم «علی‌ها»، نماینده در امور جنگنده‌ها، ملاقات خواهد کرد.) تیمسار صفری ظاهراً از حضور نماینده‌ای برای هواپیماهای اف-۱۴ در کشور بسیار خوشنود بود. امیدواریم بتوانیم از این فرصت برای کسب اطلاع بیشتر از وضعیت امنیتی هواپیماها، موشک‌ها و غیره استفاده کنیم.

۶- (محرمانه) سرهنگ دوم مک‌ویلیامز درخواست کتبی از سوی سرلشگر گاست مبنی بر بازگرداندن ده سیستم مخزن سوخت هوایی توسط هواپیماهای نیروی هوایی آمریکا به تیمسار صفری تسلیم کرد.

تیمسار صفری گفت فکر نمی‌کند مشکلی برای بازگرداندن این مخازن وجود داشته باشد. درباره این مسئله در آینده با سرلشگر گاست تماس خواهیم گرفت. سرهنگ دوم مک‌ویلیامز سپس پیشنهاد کرد که به منظور انتقال اموال و HHG دولت آمریکا از ایران، گروه کوچکی از هیأت مستشاری نظامی در قسمت نظامی فرودگاه مستقر شوند. تیمسار صفری گفت که در این ارتباط باید درخواستی کتبی از طرف سفارت آمریکا به وزارت امور خارجه تسلیم شود.

سرهنگ دوم مک‌ویلیامز از امکان سفر نیروهای نظامی آمریکا با هواپیماهای نیروی هوایی ایران به پایگاه هوایی مک‌گواثر سؤال کرد. یک بار دیگر تیمسار صفری همان پاسخ بالا را داد. ما فعلاً این دو تقاضا را پیگیری نخواهیم کرد.

۷- (محرمانه) چنانکه در تلکس مرجع نیز آمده است، تیمسار صفری بسیار نگران وضعیت کنونی و آتی برنامه پشتیبانی لجستیکی است. درخواست او برای تشکیل یک تیم مشترک فرماندهی لجستیکی نیروی هوایی آمریکا «در اسرع وقت» بیانگر همین موضوع است. یکبار دیگر توصیه می‌کنیم دولت آمریکا به این تقاضا پاسخ مثبت بدهد.

گاست

سند شماره ۱۳۸

۲ می ۱۹۷۹ - ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸

محرمانه

از: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی به: هیأت مستشاری نظامی آمریکا، تهران

موضوع: اقدامات شرکت گرومن در رابطه با ایران

۱- (محرمانه) وزارت دفاع امروز با خبر شد که شرکت گرومن قصد دارد بیانیه مطبوعاتی زیر را در ساعت ۱۷ روز ۲ می منتشر کند. این اقدام به رغم توصیه وزارت دفاع و وزارت



امور خارجه انجام می شود که به شرکت گرومن هشدار داده اند اقدام مزبور در زمانی که دولت آمریکا در ارتباط با موافقت نامه هایش با دولت ایران بسیار محتاطانه عمل می کند، مناسب نیست.

پیامدهای احتمالی این اقدام معلوم نیست، ولی به هر حال جهت اطلاع شما آخرین متنی را که به دست آورده ایم و ممکن است با اعلامیه اصلی تفاوت هایی داشته باشد، برایتان ارسال می کنیم.

۲- (بدون طبقه بندی) شروع:

مصالحه گرومن در دعوی حقوقی نمایندگان خرید ایران، مورخ ۲ می ۱۹۷۹ شرکت گرومن امروز اعلام کرد که در دعوی حقوقی ناشی از شکایت چندین نماینده خرید بابت پرداخت حق العمل در قرارداد سال ۱۹۷۴ برای فروش هواپیماهای اف-۱۴ به ایران که بین دولت آمریکا و ایران امضا شده بود، مصالحه کرده است. این ادعاها، که جمعاً شامل ۲۱/۱ میلیون دلار حق العمل بعلاوه ۱۰۰ میلیون دلار ادعای خسارت بابت توطئه ادعایی است، با پرداخت ۱۱/۹ میلیون دلار بعلاوه بهره قابل پرداخت آن برای مدت ۹ ماه، و مبلغ اضافی تا سقف ۴/۴ میلیون دلار بعلاوه بهره قابل پرداخت آن برای مدت ۶ سال حل و فصل شده است. در عین حال، شرکت گرومن اعلام کرده است با توجه به اینکه فعالیت های تجاری آن در ایران خاتمه یافته است، این شرکت دیگر هیچ تعهدی در رابطه با هواپیماهای اف-۱۴ ایران به رسمیت نمی شناسد و تنها تعهدی که در این ارتباط دارد ارسال قطعات یدکی به ارزش ۱/۶ میلیون دلار است که قبلاً در چارچوب یک توافق قبلی برای ارسال قطعات یدکی به ارزش ۲۴ میلیون دلار، به صورت رایگان صورت گرفته است.

چنانچه در ارتباط با موافقت نامه فروش قطعات یدکی ادعایی علیه شرکت گرومن صورت گیرد، در این مصالحه فرمولی پیش بینی شده است که به موجب آن شرکت می تواند بخشی از ۴/۴ میلیون دلاری را که باید به نمایندگان خرید سابقش بپردازد، برای حل و فصل چنین ادعایی در طول ۶ سال آینده پرداخت نماید. مبالغ قابل پرداخت بستگی به تاریخ ادعا، نحوه حل و فصل دعوی (مصالحه یا رأی دادگاه) و هزینه های آن برای شرکت گرومن دارد. نمایندگان سابق خرید این تضمین را دارند که از مبلغ ۴/۴ میلیون دلار، حداقل مجموع مبالغی برابر با ۱ میلیون دلار به آنها پرداخته خواهد شد.

شرکت گرومن علت مصالحه را پرهیز از هزینه های سنگین دادرسی اعلام کرد که احتمال داشت نهایتاً از مبلغ مصالحه نیز بیشتر شود. شرکت گرومن فکر نمی کند که وجهه المصلحه دعوی حقوقی مزبور و یا سایر موارد، تأثیر به سزایی بر وضعیت مالی آن بگذارد.

دولت سابق ایران مجموعاً ۸۰ هواپیمای اف-۱۴ خریده است که آخرین هواپیمای اف-۱۴ در ماه ژوئیه ۱۹۷۸ به ایران تحویل داده شد و شرکت گرومن پول خود را کاملاً دریافت کرده است. پایان

سند شماره ۱۳۹

محرمانه

۴ می ۱۹۷۹ - ۱۴ اردیبهشت ۱۳۵۸

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی به: سفارت آمریکا، تهران

موضوع: پرداخت حق العمل به مأموران خرید از سوی شرکت گرومن

۱- در کمیته ممیزی که ماه فوریه برگزار شد، و در ارتباط با ادعای پرداخت حق العمل از سوی شرکت گرومن به مأموران ایرانی و همچنین منافع احتمالی برای مقامات شرکت گرومن از محل این پرداختها تحقیق می کند، از مسئول بخش خاور نزدیک-ایران سؤال شد که آیا مناسب می داند تلاش هایی برای مصاحبه با مقامات کنونی و سابق ایران در ارتباط با این پرداختها صورت گیرد. در آن زمان پاسخ دادیم که چنین رویکردی را به مقامات ایرانی توصیه نمی کنیم زیرا می تواند جان آنها را به مخاطره بیندازد. علاوه بر این، شرایط ایران چنان به هم ریخته بود که مطمئن نبودیم پاسخی به درخواست کمیته، ممیزی داده شود.

۲- در گفتگوی بعدی که در تاریخ ۳ می داشتیم، اعضای کمیته همچنان علاقه خود را مصاحبه با ایرانی ها ابراز داشتند. به آنها گفتیم که احتمالاً حالا امکان صحبت با تیمسار بازنشسته معصومی، دریاسالار بازنشسته اردلان، و آقای بهرامی وجود دارد. البته به آنها گفتیم که نمی دانیم آیا این افراد تمایلی به گفتگو دارند یا خیر، و اینکه دولت موقت ایران اجازه چنین تماس هایی را می دهد یا خیر، و یا اینکه سفارت اصلاً چنین رویکردی را توصیه خواهد کرد یا خیر.

۳- موجب امتنان است که بدون تماس با دولت ایران، نظرتان را درباره امکان مصاحبه کمیته ممیزی با ایرانی هایی که اطلاعاتی درباره قراردادهای گرومن دارند، به اطلاع برسانید. چنانچه سفارت با ترتیب دادن چنین گفتگوهایی موافقت داشته باشد، آیا صلاح می داند پیش از تماس با اشخاص مورد نظر، تقاضای کمیته ممیزی را به اطلاع دولت موقت ایران برساند؟

۴- علاوه بر این، موجب امتنان خواهد بود اگر سفارت با توجه به شرایط کنونی، اطلاع دهد که آیا تماس با وزارت دادگستری و دفاع ایران برای کسب سوابق موجود در ارتباط با فعالیت های گرومن صلاح است یا خیر. ونس

سند شماره ۱۴۰

محرمانه

۶ می ۱۹۷۹ - ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی آمریکا، تهران به: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی

مرجع: الف- وزارت دفاع ۳۰۲۳۲۰ ز - ۳۰ آوریل ۱۹۷۹

موضوع: واگذاری زیردریایی کوسه و عزیمت پرسنل ایرانی

۱- (بدون طبقه بندی) نسخه پیش نویسی از نامه زیر از سوی دریادار علوی، جانشین رئیس ستاد نیروی دریایی در تاریخ ۵ می ۱۹۷۹ به نماینده نیروی دریایی آمریکا تسلیم شد. (نامه



رسمی از طریق کانال‌های دیپلماتیک در راه است.) موضوع این نامه عزیمت خدمه زیردریایی کوسه به ایران در تاریخ ۵ می است.

تاریخ: ۲ می ۱۹۷۹

شماره ۱۶۰۰-۰۴-۳۴/۳۲

از: نیروی دریایی ملی ایران (اداره خریدها)

به: نماینده نیروی دریایی ایالات متحده در ایران (وابسته)

موضوع: زیردریایی کوسه

۱- نظر به اینکه نیروهای زیردریایی کلاس TANG [کوسه] در روز ۵ می ۱۹۷۹ از ایالات متحده عزیمت خواهند کرد، نیروی دریایی ملی ایران مایل است زیردریایی مزبور به نیروی دریایی ایالات متحده بازگردانده و نسبت به فروش آن اقدام شود.

دریادار مدنی، رئیس ستاد نیروی دریایی ملی ایران

۲- طبق مرجع (الف) رونوشت نامه زیر به طور دستی به دفتر سرهنگ کامکار، معاون وزارت دفاع در امور تسلیحات، و نسخه‌های رسمی آن نیز به طور دستی به دفتر دریادار مدنی، رئیس ستاد نیروی دریایی، و دریادار علوی تسلیم شده است.

از: نماینده ارشد دفاعی ایالات متحده، سفارت آمریکا، تهران، تاریخ: ۳ می ۱۹۷۹
به: سرهنگ کامکار، معاون وزارت دفاع ملی در امور تسلیحات، نیروهای مسلح اسلامی
ملی ایران، تهران، ایران

موضوع: واگذاری زیردریایی کوسه (EX-USS TROUT)

۱- ناخدا ستوده، نماینده ارشد ارتش ملی ایران در واشنگتن، طی ملاقاتی که در روز ۱۸ آوریل ۱۹۷۹ با دریادار التوگ، از نیروی دریایی ایالات متحده، در واشنگتن دی.سی داشت اطلاع داد که دولت ایران قصد دارد تا تاریخ ۱۰ می ۱۹۷۹ تمامی خدمه زیردریایی کوسه را به ایران بازگرداند. نظر به این امر، و همچنین به منظور روشن کردن وضعیت کنونی واگذاری زیردریایی کوسه، احساس می‌کنم که تذکر چند نکته در ارتباط با این مسئله مهم باشد:

الف- چنانکه در نامه مورخ ۵ آوریل ۱۹۷۹ سرلشگر گاست به معاون وزارت دفاع ایران ذکر شده و همانگونه که دریادار التوگ بار دیگر به ناخدا ستوده تأکید کرده است، دولت ایالات متحده هیچ تمایلی به بازخرید زیردریایی کوسه ندارد.

ب- از آنجایی که مالکیت و مسئولیت‌های مالی این زیردریایی به عهده دولت ایران است، چنانچه زیردریایی فوق در ایالات متحده رها شود، هر گونه هزینه‌های احتمالی برای سلب مالکیت آن بر عهده ایران و قابل برداشت از صندوق امانی ایران خواهد بود، مگر اینکه از پیش

ترتیبات دیگری مورد توافق قرار گرفته باشد. دولت ایالات متحده تقاضا دارد که دولت ایران پیش از رها کردن زیردریایی فوق با اطلاعیه‌ای رسمی آن را مطلع سازد و اجازه برداشت از صندوق امانی را صادر نماید. با وجود این، چنانچه دولت ایران این مجوز و یا رهنمودهای دیگر را صادر نکند و زیردریایی کوسه را رها نماید، دولت ایالات متحده راه دیگری نخواهد داشت به جز اینکه هزینه‌های احتمالی را در هر صورت از محل صندوق امانی ایران جبران کند.

پ- همانگونه که دولت ایران درخواست نماید و در صورتی که فرصت مناسبی برای فروش زیردریایی مزبور ایجاد شود، دولت ایالات متحده حاضر است زیردریایی مزبور را به یک خریدار ثالث مناسب به قیمت کنونی بازار- بهترین قیمت بفروشد. با وجود این، هیچ تضمینی وجود ندارد که قیمت فروش برابر با مبلغی باشد که ایران پرداخته است. علاوه بر این، دولت ایران موظف است هزینه‌های نگهداری و تعمیر زیردریایی را تا پایان فروش آن متقبل شود.

ت- چنانچه دولت ایران از ایالات متحده بخواهد زیردریایی فوق را اسقاط کند، دولت آمریکا چنین کاری خواهد کرد، ولی چنین درخواستی باید کتباً صورت گیرد.

ث- چنانچه در زمانی که زیردریایی مزبور تحت تکفل ایالات متحده است، صندوق امانی قادر به پرداخت هزینه‌ها نشود، و شانسی هم برای فروش آن به یک کشور ثالث نباشد، دولت ایالات متحده برخلاف هر گونه ترتیبات دیگر، مجبور خواهد بود زیردریایی فوق را برای اسقاط بفروشد و وجوه آن را به صندوق امانی واریز نماید.

۲- از گفتگوهای ناخدا ستوده معلوم نبود که آیا دولت ایران قصد دارد نگهداری زیردریایی مزبور را به ایالات متحده واگذار نماید و یا می‌خواهد تعداد کمی از نیروی‌های ایرانی را به منظور حفظ امنیت و ایمنی در زیردریایی فوق باقی بگذارد تا تکلیف نهایی زیردریایی روشن شود. خاطر نشان می‌سازیم چنانچه دولت ایران قصد فروش زیردریایی مزبور را به کشور ثالثی داشته باشد، باید ملاحظات حقوقی و سیاسی این کار به دقت بررسی شود. چنین فروشی، اگر امکان داشته باشد، یک فرایند پیچیده است که در کوتاه مدت انجام نخواهد شد.

۳- هر وقت که مناسب بدانید آماده‌ایم در مورد این مسئله گفتگو کنیم و نهایت تلاش خود را در مساعدت به شما در سلب مالکیت موقت و نهایی زیردریایی کوسه مبذول خواهیم کرد.

ارادتمند

موریس تی. وارنر جی. آر، سرهنگ نیروی هوایی آمریکا مقیم در سفارت

رونوشت به دریادار مدنی، دریادار علوی در ستاد نیروی دریایی ملی ایران

[۴]- (محرمانه) در تماس تلفنی که روز ۵ می با سرهنگ کامکار، معاون وزارت دفاع ملی در امور تسلیحات گرفتیم تا او را از مفاد نامه فوق مطلع سازیم، او اظهار داشت که باید تمامی

روابط نظامی ایران و آمریکا ۳۵۹

مسائل مربوط به نیروی دریایی به ستاد آن نیرو ارجاع شود. دریادار مدنی، رئیس ستاد نیروی دریایی، چند روزی است که از تهران خارج شده است ولی پیش‌بینی می‌شود روز ششم یا هفتم می‌به ستاد بازگردد، که در آن تاریخ سعی خواهیم کرد پاسخ او را به بند ۲ نامه فوق جویا شویم. در مرجع (الف) آمده بود که امکان فروش زیردریایی کوسه به یک کشور ثالث وجود دارد. نظر به اینکه جزئیات امر را نمی‌دانیم، در مورد این مسئله با ایشان صحبت نخواهیم کرد. با وجود این، با توجه به بند ۱ نامه مدنی، خواهشمند است اطلاعات بیشتری در مورد امکان فروش زیردریایی و نقش ایران در یافتن یک خریدار دیگر و انجام معامله در اختیارمان بگذارید.

سند شماره ۱۴۱



۳۰۳/۱۴۰۱-۰۱-۹۶-۸۸ می ۷-۱۹۷۹-۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۸

از: معاون تسلیحاتی وزارت دفاع ملی ایران - سرهنگ کامکار. ۳۰۳/۱۴۰۱-۰۱-۹۶-۸۸

به: نماینده وزارت دفاعی آمریکا در ایران - سرلشگر گاست

موضوع: هواپیماهای آر. اف-۴ ای

عطف به یادداشت تفاهم فیما بین مورخ ۳ فوریه ۱۹۷۹، با توجه به نیازمندی‌های جدیدمان، خواهشمند است دولت آمریکا هشت هواپیمای آر.اف-۴ ای خریداری شده تحت کیس‌های SXA و SXX خریدهای نظامی خارجی را با تجهیزات و قطعات یدکی لازم تحویل نماید. خواهشمند است در اسرع وقت جدول زمانی تحویل را به این معاونت اطلاع دهید.

سرهنگ جهانگیر کامکار

معاون تسلیحاتی وزارت دفاع ملی

سند شماره ۱۴۲



محرمانه می ۷-۱۹۷۹-۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، تهران به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی - سی - فوری

مرجع: وزارت امور خارجه - ۱۱۳۵۲۷

موضوع: پرداخت حق‌العمل از سوی شرکت گرومن به مأموران

۱- (محرمانه- تمام متن. این تلکس به منظور رایحه گزارش و کسب تکلیف ارسال می‌شود.)

۲- خواهشمند است اطلاعات بیشتری در مورد کمیته ممیزی و محدوده‌ی تحقیقات این کمیته در اختیارمان بگذارید. تلکس مرجع، اولین اطلاعاتی است که در این باره به دست ما رسیده است.

۳- هیچ اطلاعی از محل اقامت و یا امکان دسترسی به دریا سالار اردلان نداریم. بهرامی نیز

در خصوص معاملات تسلیحاتی خارجی برای سرهنگ کامکار کار می‌کند. معصومی هم مشاور غیر رسمی در این امور است.

۴- نخست‌وزیر بازرگان و معاونش امیر انتظام در ملاقاتی که در روز ششم می با ما داشتند مشخصاً خواستار مساعدت‌های آمریکا در خصوص مشکلاتی شدند که ممکن است در ارتباط با قراردادها پیش بیاید. نوع رویکرد ما به مسئله شرکت گرومن می‌تواند پاسخ سریعی به این درخواست تلقی گردد.

۵- چنانکه می‌دانید، سوابقی که دولت ایران در اعتراض به پرداخت‌های احتمالی شرکت گرومن به مأموران خرید دارد، احتمالاً بسیار مفصل و حجیم خواهد بود، ولی کسی نمی‌داند که آیا این پرونده‌ها پیدا خواهد شد یا خیر. با توجه به این مورد، معصومی و بهرامی احتمالاً می‌توانند بدون اینکه ظن و گمان کسی را برانگیزند و موجب تضعیف شدید جایگاهشان شود با مأمور ممیزی ملاقات کنند. ولی نمی‌توان انتظار یک رویکرد حساب‌شده و متوازن را نسبت به مسئله فساد مالی داشت. بنابراین، پیش از تماس با دولت موقت ایران، مایلیم در صورت امکان شخصاً با معصومی صحبت کنم و در صورت پاسخگویی معصومی، یکی از مأموران گروه مستشاری نیز بعد از آن با بهرامی تماس بگیرد. لطفاً در این مورد نظراتان را اعلام کنید.

۶- از جنبه منفی این قضیه، بدون شک آگاه هستید که احتمال بازدید یک کمیته ممیزی می‌تواند به چه تبلیغات منفی دامن بزند، مثلاً در بوق و کرنا شدن «فساد مالی» یک شرکت آمریکایی و چیزی نظیر آن. ولی ابتکار عمل ما می‌تواند مشکلات را تا حدودی کمتر کند. نهایتاً اینکه امیدواریم بازدید کمیته ممیزی موجب سردرگمی و یا انحراف توجه از تلاش‌های ما برای حل مشکلات عدیده برنامه خریدهای نظامی خارجی نشود.

ناس

سند شماره ۱۴۳

۸ می ۱۹۷۹ - ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۸

محرمانه

از: هیأت مستشاری نظامی آمریکا، تهران به: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی

موضوع: گزارش گفتگو با سرتیپ صفری، معاونت لجستیک ستاد نیروی هوایی ایران.

۱- (محرمانه) در ساعت ۱۰:۰۰ مورخ ۷ می ۱۹۷۹، سرهنگ وارنر و ناخدا سوم شیرر از هیأت مستشاری نظامی با سرتیپ صفری، معاون فرماندهی لجستیک نیروی هوایی ایران ملاقات و گفتگو کردند. در این ملاقات چندین موضوع مورد بحث قرار گرفت.

۲- (محرمانه) سرهنگ وارنر خاطر نشان کرد که پیش از این ملاقات، ناخدا سوم شیرر گفتگوهای بسیار مثبتی با ناخدا علیجانی درباره بازگرداندن سیستم تانکرهای سوخت‌رسانی هوایی داشته است. سرتیپ صفری از این گفتگوها با خبر بود و تأیید کرد که مراحل بازگرداندن شش واحد سوخت‌رسانی هوایی که هم اینک در فرودگاه مهرآباد قرار دارند به



زودی شروع خواهد شد. هیأتی مشترک در روز ۹ می ۱۹۷۹ از این شش واحد بازرسی به عمل خواهد آورد.

توضیح: جزئیات گفتگوهای ناخدا سوم شیرر با ناخدا علیجانی درباره این تانکرهای سوخت‌رسانی هوایی و چهار تانکر دیگر که در شیراز قرار دارد، در تلکسی جداگانه ارسال خواهد شد.

۳- (محرمانه) به سرتیپ صفری اطلاع دادیم که تقریباً یک هفته پیش سرلشگر گاست و سرهنگ وارنر اجازه یافته بودند که وارد سایت ACCOM شده و فقط حیاط آن را بازرسی کنند. آنها اجازه دسترسی به ساختمان را نداشتند. فرمانده نگهبانان آنجا به طور محرمانه اظهار داشته بود که مسئولیت امنیت تأسیسات فوق بر عهده نیروی هوایی است و اینکه تجهیزات TAOSAT به پایگاه دوشان تپه انتقال یافته است. سرهنگ وارنر اظهار داشت که چون کلیه این تجهیزات به دولت ایالات متحده تعلق دارد، ما مایلیم آنها را تحویل بگیریم و پس از تعمیر به آمریکا بفرستیم. ظاهراً سرتیپ صفری از کل ماجرا بی‌خبر بود. البته احتمالاً بی‌خبری او صحت داشت زیرا او مسئول بخش لجستیک است و نه ارتباطات. با وجود این، سرتیپ صفری گفت چنانچه نام فرمانده نگهبانان را به او بگوییم، در دسترسی به ساختمان و تحویل تجهیزات دولت ایالات متحده به ما کمک خواهد کرد. هیأت مستشاری نیز تا دیر نشده این مطلب را دنبال خواهد کرد.

۴- (محرمانه) سپس موضوع ایجاد یک صندوق دیگر، جدای از صندوق امانی، به منظور خریدهای ضروری قطعات یدکی برای نیروی هوایی مورد بحث قرار گرفت. سرتیپ صفری از صحبت‌های قبلی‌اش با ژنرال گاست از این موضوع مطلع بود، و به او اطلاع دادیم که ISA با این اقدام موافقت کرده است. سرتیپ صفری از این خبر بسیار خوشحال شد و گفت که مایل است نماینده‌ای از فرماندهی لجستیک نیروی هوایی آمریکا در اسرع وقت به ایران بیاید تا با کمک هم این صندوق را ایجاد کنند. او همچنین اظهار داشت که بودجه نیروی هوایی حاضر است و آنها مایلند نه فقط سپرده‌ی اولیه‌ی برابر با ۵ میلیون دلار را به صندوق واریز کنند، بلکه می‌خواهند یک حساب دراز مدت (۱۲ میلیون دلاری یا بیشتر) را برای همین منظور تا سقف ۱۰۰ میلیون دلار باز نمایند. خواهشمند است در این ارتباط توصیه‌های لازم را ارسال فرمایید.

۵- (محرمانه) گفتگوها به وضعیت پرداخت‌های انجام شده به شرکت بهرینگ اینترنشنال برای ترخیص محموله‌های نیروی هوایی که به ایران ارسال می‌گردد کشانده شد. سرتیپ صفری اظهار داشت که نیروی هوایی ایران مبلغی تا سقف ۱/۰۵ میلیون دلار به شرکت بهرینگ پرداخت خواهد کرد که سهم بدهی نیروی هوایی و صنایع هواپیمایی در دعوای حقوقی را تسویه می‌کند ولی سهم بدهی ادعایی علیه ایران‌ایر به قوت خود باقی است. او گفت نیروی هوایی ایران و صنایع هواپیمایی ایران بدهی‌های خود را به طور بین‌المللی تسویه

خواهند کرد. صفری همچنین توضیح داد که چنانچه دولت آمریکا مایل به کرایه بیشتر هواپیماهای ۷۴۷ باشد، یعنی بیشتر از ده پروازی که هم اکنون مورد موافقت قرار گرفته است، مبالغ آن باید به یک حساب امانی واریز شود و تا پایان حل و فصل کامل دعوای حقوقی بهرینگ در آن حساب بماند.

۶- (محرمانه) سرتیپ صفری اظهار داشت دستورات فنی اقدامات اضطراری برای هواپیماهایی اف-۴، اف-۵ و سی-۱۳۰ هنوز به دست آنها نرسیده است. صفری از سرهنگ وارنر خواست تا به وضعیت دستورات فنی رسیدگی کند و ببیند آیا ترتیباتی که برای فرستادن آنها به پایگاه هوایی مک گوائر داده شده بود، موفق بوده است یا خیر. سرهنگ وارنر به او قول داد به این مسئله رسیدگی کند.

۷- سرهنگ وارنر پرسید که آیا تا به حال پیشرفتی در دسترسی دولت آمریکا به بخش مستشاری نیروی هوایی و دفاتر آی-هاوک صورت گرفته است یا خیر. سرتیپ صفری اظهار داشت که در طول انقلاب برخی افراد یاغی دفاتر را به هم ریخته بودند، ولی الان همه چیز مرتب است. [ادامه سند یافت نشد]

سند شماره ۱۴۴

۱۰ می ۱۹۷۹ - ۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۸

محرمانه

به: سفارت آمریکا، تهران

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی

مرجع: تهران ۰۴۷۳۴

موضوع: پرداخت‌های گرومن به مأموران [خرید]

۱- چنانکه به یاد دارید، وزارت امور خارجه [آمریکا] در ابتدا شرکت گرومن را به اتهام ارایه گزارش‌های غلط درباره پرداخت حق کمیسیون به دادگاه کشید. شرکت گرومن به عنوان بخشی از مصالحه در آن دعوی پذیرفت که کمیته ممیزی آن شرکت مبادرت به انجام دو تحقیق کند و نتایج آن را به دادگاه فدرال در واشنگتن ابلاغ نماید. این کمیته ممیزی متشکل است از پنج عضو هیأت مدیره گرومن که از کارمندان این شرکت نیستند. یکی از این تحقیق‌ها که درباره فروش‌های تجاری است تکمیل شده است. تحقیق دوم به ایران مربوط می‌شود. موسسه حقوقی الکساندر و گرین مستقر در نیویورک به نمایندگی از کمیته ممیزی در حال انجام این امور تحقیقاتی است. وکیل پرونده به نام آقای کارول می‌گوید که موسسه‌اش «تحت نظارت دادگاه فدرال فعالیت دارد.» وزیر امور خارجه و دادگاه فدرال مستقلاً یک نسخه از گزارش تحقیقات را دریافت خواهند کرد و متعاقب آن قاضی دادگاه تصمیم می‌گیرد که، در صورت لزوم، چه اقدامی علیه گرومن اتخاذ گردد.

۲- آقای کارول یک فهرست بلند بالا از نام اشخاصی تهیه کرده که مایل است با آنها در ایران صحبت کند، از جمله معصومی، اردلان (طبق آخرین اخباری که از او داریم، هم اکنون



بازنشسته و خانه‌نشین شده است) و بهرامی. البته آقای کارول فقط با کسانی صحبت خواهد کرد که مایلند او را ملاقات کنند. موجب امتنان ایشان خواهد بود اگر سفارت، نامه‌های دعوتی را جهت شرکت در یک جلسه خصوصی در تهران برای افراد مورد نظر ارسال نماید. مشکلی نخواهد بود اگر به طور خصوصی نظر معصومی، بهرامی و هر کس دیگری را که فکر می‌کنید بتواند ما را راهنمایی کند، جویا شوید. چنانکه در تلکس قبلی خاطر نشان کردیم، آقای کارول همچنین مایل است هر گونه سابقه موجود در وزارتخانه‌های دادگستری و دفاع را نیز بررسی نماید. چنانچه با وزیر دادگستری ایران تماس گرفتید، اگر صلاح دیدید این مسئله را با ایشان در میان بگذارید.

۳- کارول کاملاً وضعیت حساس حاکم بر ایران را درک می‌کند و کاملاً خشنود خواهد شد که نظرات شما را درباره نحوه انجام کار بداند، البته اگر نظری داشته باشید.

ونس

سند شماره ۱۴۵

۱۱ می ۱۹۷۹ - ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۸

محرمانه

از: هیأت مستشاری نظامی آمریکا، تهران

موضوع: (محرمانه) دعوای حقوقی شرکت بهرینگ علیه نیروی هوایی

ایران و صنایع هواپیمایی ایران

۱- (محرمانه) برابر درخواست سرهنگ وارنر، خلاصه‌ای از دعوای حقوقی شرکت بهرینگ علیه نیروی هوایی ایران و صنایع هواپیمایی ایران به شرح زیر ایفاد می‌گردد. این اطلاعات از 438/LGF و همچنین موسسه حقوقی فیلادلفیا که در حال حاضر نماینده نیروی هوایی ایران است (مورگان، لوئیس، باکینز) به دست آمده است.

۲- (محرمانه) عدم پرداخت بدهی نیروی هوایی ایران (۴۰۷۸۱۳ دلار) و بدهی صنایع هواپیمایی ایران (۶۴۴۰۰۰ دلار) به شرکت بهرینگ موجب شد تا این شرکت علیه هر دو اقامه دعوی کند. دادگاه مربوطه نیز حکم داد که تا زمان پرداخت بدهی نیروی هوایی و صنایع هواپیمایی ایران به شرکت بهرینگ، انتقال اموال دولت موقت ایران از تأسیسات متعلق به بهرینگ و تأسیسات نیروی هوایی ایران در پایگاه هوایی مک‌گوانر ممنوع شود.

۳- (محرمانه) دعوای حقوقی بر سر بدهی‌های نیروی هوایی ایران با ایجاد یک صندوق امانی نزد دادگاه مربوطه و واریز کردن هزینه هر یک از پروازهای هواپیماهای ۷۴۷ حامل اسباب و اثاثیه از ایران (۱۵۰۰۰۰ دلار) به این صندوق حل و فصل شد. این پول به صندوق امانی دادگاه مزبور واریز می‌شود و طلب شرکت بهرینگ از محل آن پرداخت می‌شود. در عوض، شرکت بهرینگ نیز محموله متعلق به دولت موقت ایران را در هواپیماهای نیروی هوایی و صنایع هواپیمایی ایران تصاحب می‌کند و دادگاه نیز اجازه خروج از آمریکا را می‌دهد.



تا به امروز، هفت پرواز نیروی هوایی ایران در این چارچوب انجام شده است. اصل بدهی ۴۰۷۸۱۳ دلار نیروی هوایی ایران به شرکت بهرینگ پرداخت شده است. هنوز مراحل دادرسی به این دعوی حقوقی به منظور حل و فصل چند مورد دیگر ادامه دارد: (الف) ادعای زیان درآمد بهرینگ علیه نیروی هوایی ایران، و (ب) بدهی ۶۴۴۰۰۰ دلاری صنایع هواپیمایی ایران. ظاهراً نیروی هوایی پذیرفته است که این بدهی‌ها را تا سقف ۱/۰۵ میلیون دلار تسویه کند. (مرجع تلکس هیأت مستشاری نظامی مورخ ۸ مه).

۴- (محرمانه) محموله‌های متعلق به دولت موقت ایران که به احتمال قوی برای پروازهای باقیمانده نیروی هوایی ایران در ماه می آزاد خواهند شد، تقریباً سه و نیم بار هواپیماهای ۷۴۷ خواهد بود. این مسئله اجازه می‌دهد که سه محموله از ۱۰ محموله اولیه که قرارداد آن برای پروازهای HHG بسته شده بود با پروازهای برگشت نیروی هوایی ایران حمل شوند. حمل بیشتر محموله‌های دولت موقت ایران (صنایع هواپیمایی ایران) از انبارهای ادیسن به دعوی حقوقی فعلی برای حل و فصل مسئله میزان و نحوه پرداخت بدهی بستگی خواهد داشت. در طول این مدت، تمامی مبالغی که به صندوق امانی دادگاه پرداخت شود، به صورت امانی نزد دادگاه باقی خواهد ماند.

۵- (محرمانه) تماس تلفنی با سازمان مساعدت‌های امنیتی دفاعی نشان می‌دهد که با درخواست ۱ می و ۴ ژوئن شما برای پروازهای ۷۴۷ نیروی هوایی ایران موافقت شده بود (مرجع تلکس وزارت دفاع مورخ ۱۰ می). با وجود این، چنانچه دعوی حقوقی مزبور هنوز حل و فصل نشده باشد، شاید هواپیماهای نیروی هوایی و صنایع هواپیمایی ایران مجبور شوند بدون هیچگونه محموله‌ای به ایران بازگردند. پیشنهاد می‌شود که این اطلاعات در مذاکره با نیروهای دولت موقت ایران تا زمان تکمیل مراحل رسیدگی به پرونده حساس تلقی گردد. چنانچه قرار باشد محموله‌های نیروی هوایی ایران در آینده نزدیک حمل شود، نماینده نیروی هوایی ایران (سرهنگ خاتمی) باید به اقدامات قانونی خود جهت حل و فصل و تسویه سهم بدهی نیروی هوایی ادامه دهد. توصیه می‌شود از سرتیب صفری بخواهید تا اختیارات واضحی برای گرفتن وکیل به منظور کسب مجوز حمل محموله‌های صنایع هواپیمایی ایران به سرهنگ خاتمی بدهد؛ البته اگر دولت موقت ایران قصد انجام چنین کاری را داشته باشد. چنانچه نتایج مذاکرات قبلی تان با تیمسار صفری (مرجع تلکس هیأت مستشاری ۹ می) که در آن تیمسار صفری اظهار داشت بدهی‌های نیروی هوایی و صنایع هواپیمایی ایران را پرداخت خواهد کرد هنوز به قوت خود باقی است، ایشان می‌تواند با صدور دستور به سرهنگ خاتمی برای تعقیب مسایل حقوقی آن در آمریکا مشکل را حل و فصل نماید.

۶- (محرمانه) در ارتباط با سؤال شما درباره ادعای بهرینگ علیه شرکت هواپیمایی غیرنظامی ایران (ایران‌ایر) هیچ اطلاعی از چنین ادعایی نداریم. نه نمایندگان قانونی نیروی هوایی ایران و نه 438/LGF هیچ اطلاعی درباره ادعا علیه ایران‌ایر ندارند. به هر حال، اگر

ادعایی هم علیه ایران ایر شده باشد، هیچ تأثیری بر دعوای بهرینگ علیه نیروی هوایی و صنایع هواپیمایی ایران نخواهد داشت.
۷- (بدون طبقه‌بندی) لطفاً MAW/LGF 438 را نیز در کلیه مکاتباتان در ارتباط با این موضوع بگنجانید.

سند شماره ۱۴۶

۱۶ می ۱۹۷۹ - ۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۸

محرمانه

از: هیأت مستشاری نظامی، تهران به: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی

مرجع: الف - هیأت مستشاری نظامی ۸۱۳۰۵ ز - ۸ آوریل ۱۹۷۹

موضوع: خریدهای نظامی خارجی نیروی دریایی ایران



۱- (بدون طبقه‌بندی) در تاریخ ۱۳ می ۱۹۷۹، ناخدا سوم برایتن، نماینده نیروی دریایی آمریکا نزد نیروی دریایی ایران، نائسروان انگلن (جانشین برایتن)، و ناخدا سوم شیرر (نماینده آمریکا نزد نیروی هوایی ایران - اف-۱۴)، با دریادار علوی، کفیل جانشین رئیس ستاد نیروی دریایی ایران ملاقات کردند. این ملاقات از سوی ناخدا سوم برایتن برای معرفی ناخدا سوم شیرر و انگلن ترتیب داده شده بود.

۲- (محرمانه) با رسیدن گروه نمایندگان به درب ورودی ستاد نیروی دریایی در ساعت ۱۶:۳۵، اسکورتی در اختیار گروه قرار گرفت. مردی که احتمالاً همان منصوریان بازنشسته بود ظاهراً مسئولیت آنجا را بر عهده داشت و با علامت دست اشاره کرد که به ما اجازه ورود بدهند. آقای ناصر کیانی نیز در کنار درب ورودی حضور داشت و خیلی دوستانه با ناخدا سوم برایتن حال و احوال کرد. گروه نزدیک به ۱۵ دقیقه در خارج از دفتر علوی منتظر ماند. مقرر ستاد نیروی دریایی خالی از نیرو بود، هر چند تعدادی کارمند در دفاتر ستاد مشغول به کار بودند. مردی در لباس شخصی در قسمت پذیرش بود و نامه‌هایی که باید به امضای علوی می‌رسید نیز به دفتر او می‌برد.

۳- (محرمانه) دریادار علوی در ساعت ۱۶:۵۰ گروه را به داخل دفترش پذیرفت (قرار ملاقات برای ساعت ۱۷:۰۰ بود). علوی خیلی صمیمی بود هر چند در مقایسه با ملاقات ۳ آوریل (مرجع الف) ظاهراً رسمی‌تر رفتار می‌کرد. دو بار اشاراتی به کمونیست‌ها شد (که هر بار علوی آن را مطرح ساخت). علوی بسیار نگران این مسئله است که کمونیست‌ها دارند به یک گروه مخالف بسیار سازمان یافته تبدیل می‌شوند. علوی در حالی که تأکید داشت بازسازی نیروهای مسلح نباید بیش از این به تعویق بیفتد گریزی هم به مسئله کمونیست‌ها زد. او گفت: «حتی یک روز هم زیاد است.» علوی در این ارتباط سخت تلاش می‌کند، و گفت در ملاقاتی که همین امروز صبح با تیسمار فرید داشته این مسئله را مطرح کرده است. علوی در ارتباط با مسئله خریدهای نظامی خارجی نیروی دریایی ایران، ساختار نفرات این نیرو، و یا سازمان

یافتن آن نظر دقیقی نداد. علوی فقط در ارتباط با لغو قرارداد خرید زیردریایی‌های آلمانی، گفت به اعتقاد او برخی تصمیم‌ها عجولانه و بدون بررسی‌های کافی صورت گرفته است. همچنین در ارتباط با موضوع زیردریایی کوسه (که خود او مطرح کرد) گفت که پیش‌بینی می‌کند ۴۰ تا ۴۵ نفر دوره‌های آموزشی را بگذرانند.

۴- (محرمانه) در جریان گفتگوها صحبت از تحصیل پسر علوی در آمریکا به میان آمد که همان موقع مسئول بخش پذیرش وارد اتاق شد. علوی بلافاصله موضوع صحبت را عوض کرد و آن را به زیردریایی کشاند و در پاسخ به این سؤال که «آیا کاری از دست ما بر می‌آید که برای شما یا پسران انجام دهیم؟» گفت: «نه خیر، همه خدمه خوب هستند.» این مسئله نشان دهنده فضای پرتنش است که علوی در آن کار می‌کند، هر چند خودش می‌گوید که جایش محکم است.

۵- (محرمانه) مسایل کلی‌تر:

الف- علوی بدون هیچ تمایزی نام «آیت‌الله» را می‌برد. او گفت که دولت باید خیلی زود تصمیماتی در جهت کمک به ارتش بگیرد و آیت‌الله باید اهمیت این مسئله و تهدید بالقوه را «درک کند».

ب- علوی خاطر نشان کرد که دریادار مدنی موظف است همه انتصاب‌ها را تصویب کند و اینکه حتی خیلی افراد نیز سعی می‌کنند از نفوذشان بر او استفاده کنند.

پ- علوی گفت که ناخدا میربها (از هوادریا، بوشهر) برای فرماندهی پایگاه دریایی در بندر عباس انتخاب شده است. علوی از این انتخاب چندان راضی نبود.

ت- دفاتر نمایندگی نیروی دریایی. ناخدا سوم برایتین گفت که خانم نسرين فداکار نتوانسته است به این دفاتر راه پیدا کند. علوی گفت این مشکل را باید «خودش» حل کند و به آن رسیدگی خواهد کرد. او خانم فداکار را برای این کار تأیید کرد، ولی وقتی پیشنهاد شد در صورتی که فعالیت خانم فداکار مشکل‌ساز است یک افسر ایرانی این کار را انجام دهد، علوی هیچ پاسخی نداد.

ث- علوی گفت که دریادار جهانبانی در زندان است ولی مسئله مهمی نیست (ادعا می‌شود که او به خاطر شکایت یک افسر جزء به زندان افتاده است). او ابراز امیدواری کرد که همه افسران زندانی نیروی دریایی را از زندان آزاد کند، ولی نمی‌دانست دقیقاً چه زمانی این اتفاق می‌افتد.

۶- (محرمانه) برداشت کلی: علوی خسته و قدری عصبی به نظر می‌رسید (کارش بسیار سنگین است). در هنگام گفتگو سعی می‌کرد بسیار سنجیده حرف بزند و همانطور که صاف نشسته بود دستهایش را لای پایش فشار می‌داد. از آخرین دیداری که از ستاد نیروی دریایی داشتیم، نظم و انضباط بیشتری بر آن حکمفرما بود ولی ظاهراً هنوز یک مرجع تصمیم‌گیری قاطع در آن وجود ندارد.

۷- (محرمانه) ملاقات ما تقریباً ۴۵ دقیقه طول کشید. هیچ کسی ما را به بیرون ساختمان همراهی نکرد، و ما از همان راهروی دفتر نمایندگی نیروی دریایی از ساختمان خارج شدیم. از دفتر آموزش صدای حرف زدن می‌آمد که البته دقیقاً نمی‌دانیم موضوع چه بود. وارنر

سند شماره ۱۴۷

۱۶ می ۱۹۷۹ - ۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۸



از: نماینده ارشد دفاعی آمریکا - سرهنگ موریس تی. وارنر
به: معاون تسلیحاتی وزارت دفاع ملی ایران - سرهنگ کامکار

[موضوع]: نامه هیأت مستشاری نظامی آمریکا به معاون وزارت دفاع ایران

پیام زیر از طرف سپهد گریوز در پاسخ به نامه مورخ ۷ می ۱۹۷۹ شما به شماره ۸۸-۹۶-۰۱-۳۰۳/۱۴۰۱ دریافت شده است که عیناً تکرار می‌گردد.

شروع: سرهنگ کامکار عزیز

نامه درخواست شما برای تحویل هشت هواپیمای آر.اف-۴ ای از سوی آمریکا، که قبلاً در چارچوب قراردادهای SXA و SXK خریدهای نظامی خارجی سفارش داده شده بود، به دستمان رسید. همچنان علاقمند هستیم با دولت ایران جهت رسیدن به ترتیبیاتی برای برنامه‌های جدید خریدهای نظامی خارجی به حسب درخواست دولت شما که برای طرفین قابل قبول باشد همکاری نماییم. یکی از گام‌های مهم و اساسی پیش از فروش هر تجهیزات عمده جدیدی، حل و فصل مسایل ناشی از قراردادهای خریدهای نظامی خارجی پیشین است. چنانکه جلسه توجیهی مفصلی که خیلی زود از طرف هیأت مستشاری نظامی ارایه می‌شود نشان خواهد داد، ایالات متحده در چارچوب مفاد یادداشت تفاهم سوم فوریه که برای هر دو طرف مفید بود، گام برداشته است. در واقع، ما فقط می‌توانیم در ارتباط با تأمین مالی خریدهای نظامی خارجی فقط در چارچوب قوانین آمریکا عمل کنیم و یا بخش عمده‌ای از یک برنامه موجود را لغو نماییم و یا کل قرارداد را خاتمه دهیم. ما شق اول را انتخاب کنیم.

درخواست شما برای تحویل هواپیماهای آر.اف-۴ ای، و همینطور درخواست‌های قبلی تان برای تحویل موشک‌های هارپون و کامیون‌های ام-۸۲۵ اهمیت رسیدن به توافق بر سر مسایل ناشی از قراردادهای خریدهای نظامی خارجی موجود را تأیید می‌کند. طبق قوانین ایالات متحده، وزارت دفاع باید اطمینان حاصل کند که وجوه کافی برای تأمین مالی خریدهای نظامی خارجی وجود دارد. بنابراین توافق بر سر تقویت مالی صندوق امانی ایران تا سطحی که برای پوشش دادن تعهدات خریدهای نظامی خارجی که قبلاً منعقد شده‌اند کافی باشد، اهمیت عاجلی دارد.

چنانکه می‌دانید، اقداماتی که ما در چارچوب یادداشت تفاهم انجام دادیم به منظور تضمین

توانایی صندوق امانی برای پرداخت بدهی‌هایش فقط برای مدت نسبتاً کوتاهی بود. با توجه به لغو برنامه آر.اف-۴ ای، در تاریخ ۱۵ فوریه دستوراتی جهت خاتمه اکثر قراردادهای مرتبط با این برنامه صادر شد، زیرا هیچ خریدار احتمالی دیگری وجود نداشت. با وجود این، تولید موتورهای J79-17 ادامه یافت زیرا این موتورها در مراحل پایانی تولید بودند و پیش‌بینی می‌کردیم که نهایتاً خریداران دیگری برای آن پیدا خواهیم کرد (و مبالغ آن را به صندوق امانی ایران واریز خواهیم کرد). البته بازگشایی خط تولید چندان دور از ذهن نیست، ولی مسلماً هزینه و زمان تحویل از گذشته بیشتر خواهد بود. با وجود این، چنانکه در بالا توضیح دادم، نمی‌توانیم تأمین تجهیزات جدید عمده را تا زمانی که بر سر مسایل ناشی از قراردادهای خریدهای نظامی خارجی موجود به توافق نرسیده‌ایم، مورد نظر قرار دهیم. به اعتقاد من، پس از جلسه توجیهی هیأت مستشاری نظامی در آینده نزدیک، ملاقات ما در واشنگتن می‌تواند در حصول توافق بر سر برنامه‌های موجود خریدهای نظامی خارجی، رفع سوء تفاهم‌های احتمالی و شفاف‌سازی هر گونه روابط مجدد که متقابلاً مفید باشد، بسیار کمک خواهد کرد.

بنابراین از حضور یک هیأت ایرانی در واشنگتن برای بررسی وضعیت برنامه‌های گذشته خریدهای نظامی خارجی و بحث بر سر نظرات شما درباره روابط آتی‌مان در چارچوب خریدهای نظامی خارجی استقبال می‌کنیم. پایان

ارادتمند - سپهدارنست گریوز

سند شماره ۱۴۸

۲۲ می ۱۹۷۹ - ۱ خرداد ۱۳۵۸

محرمانه

از: هیأت مستشاری نظامی، تهران به: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی

موضوع: توضیح وضعیت صندوق امانی

- ۱- در طول ملاقات مجدد با سرهنگ کامکار در دفترش در روز ۲۲ می، کامکار گفتگوها را با اظهار این مطلب شروع کرد که پیام مهمی از سوی تیمسار ریاحی، وزیر دفاع ملی، دارد. تیمسار ریاحی از طرف آمریکایی خواسته است که بدانند رویدادهای سیاسی اخیر (که به وضوح به قطعنامه اخیر سنا و اقدامات متعاقب آن اشاره دارد) هیچ تأثیری بر گفتگوهای ما ندارد. به گفته کامکار، موضع ریاحی این است که روابط نظامی باید برقرار شود، و گفتگوهای سیاسی به سیاستمداران مربوط می‌شود. ژنرال گاست نیز با این نظر موافق بود. در پایان ملاقات، کامکار به خاطر این جلسات از ما تشکر کرد و گفت که ارتش ایران باید تدارکات نظامی دریافت کند و برخی قراردادها باید ادامه یابد.
- ۲- تلکس جداگانه‌ای در ارتباط با گفتگوها ارسال خواهد شد.

گاست



۲۶ می ۱۹۷۹ - ۵ خرداد ۱۳۵۸

به: معاون وزارت دفاع

از: هیأت مستشاری نظامی آمریکا، تهران

موضوع: وضعیت قراردادهای خریدهای نظامی خارجی

۱- در حال حاضر مشغول بررسی مجدد قراردادهای خریدهای نظامی خارجی هستیم.

اطلاعاتی که درخواست کردیم به شرح زیر است:

الف- میزان ارقام سفارش شده

ب- میزان ارقام تحویل شده

پ- ارزش هر قرارداد

ت- ارزش تقریبی اقلامی که تحویل شده است

ث- گزارش مرکز حسابداری سازمان مساعدت‌های امنیتی از صورتحساب‌های پرداخت شده

ج- هزینه [خسارات] خاتمه قراردادهای

چ- کل تعهد تکمیل قرارداد (ت + ج)

ح- کل مبلغ هزینه شده به دولت ایران تا این تاریخ

خ- کل پرداخت‌های دریافت شده

د- پرداخت‌هایی که باید انجام شود (خ + ح)

ذ- پول نقد موجود از محل خاتمه قراردادهای (خ + چ)

پس از اینکه این اطلاعات توسط مرکز هیأت مستشاری در واشنگتن دی.سی جمع‌آوری

شد، هر وقت صلاح بدانید آن را به شما ارایه خواهیم کرد.

۲- به تازگی اطلاعاتی در رابطه با یادداشت تفاهم ۳ فوریه ۱۹۷۹ بین دولت ایران و دولت

ایالات متحده به دست آورده‌ایم.

این اطلاعات به پیوست ارسال شده است. ما به ارایه این نوع اطلاعات برای قراردادهای

خریدهای نظامی خارجی و همچنین مساعدت به شما در ارتباط با سایر نیازهایتان ادامه

خواهیم داد.

۳- از تاریخ ۹ ژانویه تا کنون دولت ایران هیچ پرداختی به صندوق امانی نداشته است.

وضعیت صندوق امانی با استرداد وجوه آن و یا خاتمه قراردادهای در نوسان خواهد بود.

دان موسز

سرهنگ ایالات متحده

هیأت مستشاری نظامی



برنامه/قلم	میزان ذکر شده در یادداشت تفاهم	تحویل در زمان امضای یادداشت تفاهم	تحویل نشده قرار به لغو	اقدامات انجام شده
PEACE ZEBRA هوایماهای اف-۱۶/بی (F-16/B)	۱۶۰	-	۱۶۰	خاتمه تهیه وسایل برای ۱۰۵ هوایما- توقف کار بر روی ۵۵ هوایما و تقاضای بودجه تکمیلی برای ۵۵ هوایما از دولت آمریکا
PEACE SKY هوایماهای ایوکس (E-3A/AWACS)	۷	-	۷	تعلیق هر گونه تعهد آتی و لغو برنامه
PEACE ROLL هوایماهای آر.اف-۴ ای (RF-4E)	۱۶	-	۱۶	خاتمه تولید ۱۶ هوایمای مزبور به دلیل نبودن خریدار دیگر
ناوشکن سی جی-۹۹۳ (CG-993)	۲	-	۲	درخواست بودجه تکمیلی از دولت آمریکا برای خرید دو کشتی
زیردریایی اس-۵۶۳ (SS-563)	۱	-	۲	خاتمه هرگونه قرارداد برای زیردریایی دوم، توقف تعمیر و نگهداری اساسی زیردریایی اول، بازگرداندن به شرایط ایمن برای نگهداری در انبار
موشک فونیکس (PHOENIX)	۴۴۴	۱۶	۴۲۸	تعلیق تهیه وسایل برای ۹۸ موشک، لغو قرارداد ۱۰۸ موشک، تحصیل بودجه تکمیلی از دولت آمریکا برای خرید ۱۵۰ موشک
موشک هارپون (HARPOON)	۲۰۸	-	۲۰۸	تحصیل بودجه تکمیلی از دولت آمریکا برای خرید ۲۰۸ موشک
موشک استاندارد (STANDARD)	۲۵۸	-	۲۵۸	تحصیل بودجه تکمیلی از دولت آمریکا برای خرید ۲۵۸ موشک

روابط نظامی ایران و آمریکا ۳۷۱

فروش ۳۰ موشک به یک خریدار دیگر و تلاش جهت پیدا کردن خریدار برای ۳۳۰ موشک باقیمانده خاتمه قرارداد. هیچ مشتری دیگری موجود نبود	۳۶۰	-	۳۶۰	موشک آی-هاوک (I-HAWK)
نیروی هوایی آمریکا ۳۶۲ موشک را خواهد خرید	۳۶۲	-	۳۶۲	موشک اسپارو (SPARROW)
فروش ۱۷۸ اژدر به یک خریدار دیگر و تلاش جهت پیدا کردن خریدار برای ۳۶ اژدر باقیمانده ادامه تحویل ۴۰ اژدر به ایران. فروش ۲۴ اژدر به خریدار دیگر و تلاش جهت پیدا کردن خریدار برای ۱۰۲ اژدر باقیمانده	۲۱۴	-	۲۱۴	اژدر ام کی-۴۰ (MK-40)
همه در حال تولید. خریدار دیگری برای آن پیدا شود. تا موقع فروش در انبار	۱۶۶	۸	۱۷۴	اژدر ام کی-۳۷ (MK-37)
ارتش آمریکا همه ۱۱۳ دستگاه را خواهد خرید	۵۸	۱۵	۳	ای.سی.ام، ای.ال.کیو-۱۱۹
ارتش آمریکا آن را خریداری خواهد کرد	۱۱۳	-	۱۱۳	حمل و نقل دریایی ام-۵۴۸ (M548)
فروش به خریدار دیگر	۱	-	۱	بریج لاونچر
فروش ۹ به خریدار دیگر	۹	-	۹	هویتزر ام-۱۱۰ (M110)
فروش به خریدار دیگر	۱۱۸۲	-	۱۱۸۲	موشک ضد تانک تاو
فروش ۳۲۴۲ به خریدار دیگر. پیدا کردن خریدار برای ۷۶۹۵ فروند دیگر	۱۰۹۳۷	-	۱۰۹۳۷	موشک ضد تانک دراگن
ارتش آمریکا ۲۵ دستگاه را خواهد خرید	۲۵	۸۳	۱۰۸	نفربر زرهی ام-۱۱۳ (M113)

فروش به خریدار دیگر	۹۹	-	۹۹	جیب ام-۸۲۵ (M825 Truck)
همگی تولید شده‌اند. اگر خریداری پیدا نشد، همه ۱۱۷ دستگاه را به ایران تحویل بدهید	۱۱۷	-	۱۱۷	تریلر ام-۱۱۸ (M118) (۶ تن)
همگی تولید شده‌اند. اگر خریداری پیدا نشد، همه ۷۰ دستگاه را به ایران تحویل بدهید	۷۰	-	۶	تریلر ام-۳۵۳ (M353) (۳/۵ تن)
همگی تولید شده؛ یک خریدار دیگر پیدا کنید	۱۱۹۱۸۹	-	هیچکدام	گلوله توپ [؟] میلیمتری نشده
همگی تولید شده؛ ۱۰۲۴۰۰ به خریدار دیگری فروخته شده؛ خریدار برای ۳۱۵۰۰۰ باقیمانده پیدا کنید (بدون شرح)	۴۱۷۴۰۰	-	هیچکدام	گلوله توپ [؟] میلیمتری نشده
همگی تولید شده؛ خریدار دیگری پیدا کنید	۱۳۸۵۶۸	-	هیچکدام	گلوله توپ [؟] میلیمتری (تانک) نشده
فروش به خریدار دیگر	۱۴۲۹۰	-	هیچکدام	گلوله توپ [؟] میلیمتری نشده
همگی تولید شده؛ فروش به خریدار دیگر	۵۴۹۱۴	-	هیچکدام	گلوله توپ [؟] میلیمتری نشده
کاهش به سطح حداقل برای حداقل پشتیبانی بر حسب درخواست ایران	-	-	کاهش به سطح حداقل	پشتیبانی لجستیکی عملیات
کاهش به زیر سقف؛ پروژه‌های باقیمانده به درخواست ایران لغو شد	-	-	سقف ۵۰۰ نفر نیرو	شرکت هلیکوپترسازی بل ایترنشنال

روابط نظامی ایران و آمریکا ۳۷۳

شرکت گرومن، هیوز، پرت و وینتی، شرکت هریس، شرکت تله کام سیستمز، بوز آلن (اف-۱۴) فونیکس)	-	-	سقف ۶۰ نفر نیرو	-	به خدمات قراردادی خاتمه داده شده، ولی قرارداد قطعات یدکی گرانقیمت حفظ شده است
ریتون، لیتن I-HAWK/TSQ- (73)	-	-	سقف ۲۰ نفر نیرو	-	دارد به خدمات قراردادی خاتمه داده می شود، ولی قرارداد قطعات یدکی گرانقیمت حفظ شده است
خدمات هواپیمایی لاکهد (لجستیک برنامه PEACE LOG)	-	-	سقف ۹۷ نفر نیرو	-	برنامه را خاتمه دهید
سایر پیمانکاران خدمات فنی و مهندسی	-	-	سقف ۵۰ نفر نیرو	-	خاتمه یافت
دولت آمریکا، وزارت دفاع آمریکا	-	-	سقف ۲۵۰ نفر نیرو	-	به زیر سقف کاهش یافته است

سند شماره ۱۵۰

محرمانه

۲۷ می ۱۹۷۹ - ۶ خرداد ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی آمریکا، تهران به: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی.
مرجع: (الف) وزارت دفاع - ۱۰ می ۱۹۷۹، (ب) هیأت مستشاری نظامی - ۱۶ می ۱۹۷۹،
موضوع (محرمانه)، (پ) هیأت مستشاری نظامی - ۱۸ می ۱۹۷۹، موضوع (محرمانه)، (ت)
هیأت مستشاری نظامی - ۲۲ می ۱۹۷۹ - ۲۲۱۳۴۷ز، موضوع (محرمانه)، (ث) هیأت
مستشاری نظامی - ۲۲ می ۱۹۷۹ - ۲۲۱۳۵۶ز، موضوع (محرمانه)، (ج) هیأت مستشاری
نظامی - ۲۳ می ۱۹۷۹، موضوع (محرمانه)

موضوع: جلسه توجیهی در مورد وضعیت صندوق امانی برای دولت ایران

۱- جلسات توجیهی و مذاکرات با ستاد کل مشترک و نمایندگان قوای ارتش همانگونه که
در مرجع (ب) شرح داده ایم، انجام شد. همچنان تأکید داشتیم که سیاست های مربوط به



برنامه‌های خریدهای نظامی خارجی باید در طول سفر یک هیأت نمایندگی دولت ایران به واشنگتن دی.سی. مورد بحث و بررسی قرار گیرد. جلسات توجیهی منجر به برنامه‌ریزی جلسه‌ای در دفتر سرهنگ کامکار در روز ۲۷ می با حضور نمایندگان J-5، ستاد کل مشترک، و قوای ارتش شد. به ما گفته‌اند اطلاعاتی که در طول جلسات توجیهی در اختیار آنها قرار داده‌ایم بررسی و سپس توصیه‌هایی را در این ارتباط به تیمسار ریاحی، وزیر دفاع ملی، تسلیم خواهند کرد. بر این باوریم که تیمسار ریاحی نیز توصیه‌هایی را در این ارتباط به هیأت دولت خواهد کرد. این امر ثابت می‌کند که جلسات توجیهی به یک هدف بسیار ارزشمند رسیده است، و آن هم افزایش ارتباطات بین اداره‌های مختلف ارتش ایران است که از زمان پیروزی انقلاب نیاز فراوانی به بهبود داشت. هر یک از ۴ جلسه توجیهی و مذاکراتمان مورد تأکید قرار خواهد گرفت، که این مسئله به ایجاد بصیرت نسبت به رویه‌های جاری در درون اداره‌های مختلف ارتش کمک خواهد کرد.

۲- سرهنگ کامکار (معاون تسلیحاتی وزارت دفاع)، سرهنگ افراسیابی (جانشین فرماندهی ستاد ارتش)، سرهنگ ریاحی (J-5)، سرهنگ خاکزاده (J-7)، سرهنگ حداد (معاون J-4) و ۵ افسر دیگر از J-5 و J-7 در جلسه توجیهی حضور داشتند. همه آنها اونیفورم‌های نظامی به تن داشتند. علاقه شدید آنها به این مسئله از گفتگوها، سئوالات، و یادداشت‌های مکررشان پیدا بود. ظاهراً اطلاعات سرهنگ ریاحی (J-5) و سرهنگ چگینی (در J-5) از همه اعضای دیگر ستاد کل مشترک درباره وضعیت خریدهای نظامی خارجی نیازهای ارتش بیشتر بود. همه افسران حاضر اساساً به ارزش کل برنامه خریدهای نظامی خارجی دولت ایران، اقلامی که تحویل شده، و مبلغ کل پولی که پرداخته شده است، علاقمند بودند. آنها از دیدن مجدد سرهنگ پتی خوشحال شدند و فضای دوستانه و راحتی بر جلسه حاکم بود.

۳- گفتگوها با نمایندگان نیروی دریایی در بخش مدیریت لجستیک آنها صورت گرفت. فکر می‌کنیم که مترجم و دو نفر لباس شخصی حاضر در جلسه از مأموران کمیته بودند. یک ناخدا و چهار نفر دیگر نیروی دریایی اونیفورم نظامی به تن داشتند. مترجم مراحل سؤال و جواب را کنترل می‌کرد، و دو نفر دیگر تصمیم می‌گرفتند که چه وقت جلسه باید لغو شود و دستور دادند که نام و مقام حاضرین در جلسه به ما داده نشود، در حالی که در جلسات دیگر این فهرست بدون هیچ مشکلی در اختیار ما قرار گرفته بود. یکی از آن دو نفر فهرستی از قراردادها را در اختیار داشت و چند نفر از حاضرین بر این عقیده بودند که هزینه کامل قراردادهاشان از جمله CG-993ها پرداخت شده است. علاقه اصلی آنها به CG-993ها و سه زیردریایی بود، و می‌خواستند بدانند که نیروی دریایی چگونه می‌تواند از محل استرداد وجوه [به صندوق امانی] برای خریدهای سرمایه‌گذاری کند. یکی از آنها پرسید چنانچه نیروی دریایی ایران قصد خرید زیردریایی‌ها را نداشته باشد، آیا می‌توان خریداری در آمریکا برای آن پیدا کرد. ما نیز مراحل مربوط به خریدهای کشور ثالث را برایشان شرح دادیم. آنها سؤال

کردند که آیا صورتحساب ۲۶۷ میلیون دلاری برای خریدن زمان ارایه نشده است، و اینکه آیا واقعاً ۲۶۷ میلیون دلار به صندوق باز خواهد گشت. سرهنگ پتی دلایل هزینه‌ها و پرداخت‌ها و همچنین مشکلاتی را که ممکن است در صورت عدم توانایی صندوق امانی در پرداخت بدهی‌هایش پیش بیاید، توضیح داد. برداشت ما این بود که این گروه متعصب‌ترین نگرش بعد از انقلابی را دارند و اصلاً مایل نیستند برای حل مشکلاتی که به رژیم گذشته نسبت می‌دهند تلاشی بکنند. آنها در پاسخ به توصیه ما که تیمی از طرف دولت ایران برای مذاکره با دولت آمریکا در ارتباط با سیاست‌های خریدهای نظامی خارجی به واشنگتن بیاید گفتند که یک شورای کلی در نیویورک از طرف نیروی دریایی مذاکره خواهد کرد، و این وزیر امور خارجه، و نه نیروی دریایی، است که درباره لزوم سفر به واشنگتن تصمیم خواهد گرفت. معاون وزارت دفاع قبلاً مسئولیت اینکه چه کسانی در جلسه حضور خواهند داشت بر عهده گرفته بود، نائسروان انگلن به ناخدای نیروی دریایی اطلاع داد که مایل است گفتگوهای بیشتری بر سر وضعیت جاری خریدهای نظامی خارجی، برداشت از صندوق امانی، استرداد وجوه به آن، و مراحل پرداخت‌ها با نیروی دریایی داشته باشد.

۴- سرهنگ افراسیابی (جانشین فرماندهی ستاد) و سرهنگ حاتمی (معاونت لجستیکی ستاد) جلسات توجیهی و مذاکرات با ارتش [نیروی زمینی] را هماهنگ کردند. نفراتی از معاونت لجستیک، ارتباطات، و اطلاعات ستاد و همچنین نمایندگان از فرماندهی لجستیکی و مدیریت مهمات در جلسات حضور داشتند. نمایندگان هوانیروز در جلسه حضور نداشتند که بیانگر استقلال بود که از پیش از انقلاب دارا بودند. سرهنگ افراسیابی از بابت غیبت آنها عذرخواهی کرد و گفت که در جلسات آتی از طرف آنها نیز نمایندگانی حاضر خواهند بود. آنها گفتند که قبلاً توصیه‌هایی بابت قراردادهایی که مایلند ادامه پیدا کند تسلیم معاونت تسلیحاتی وزارت دفاع ملی کرده‌اند. سرهنگ افراسیابی و سرهنگ حاتمی تأکید کردند که نفوذ چندانی در تصمیمات مربوط به پرداخت هزینه‌ها و توصیه سفر هیأت ایرانی به واشنگتن ندارند. ارتش هنوز سعی دارد مشخص کند که چه قراردادهایی تحت کنترل خود اوست و چه قراردادهایی تحت کنترل معاونت تسلیحاتی وزارت دفاع است. ما به آنها کمک خواهیم کرد تا این مسئله را روشن کنند. آنها یک بار دیگر اظهار داشتند که به قطعات یدکی نیازمند هستند، و ترجیح می‌دهند برای کاهش هزینه و زمان انتظار، آنها را از طریق یک قرارداد خرید نظامی خارجی موجود خریداری نمایند.

۵- گفتگو با نمایندگان نیروی هوایی یک بار دیگر ثابت کرد که سرتیپ صفری، معاونت لجستیک ستاد نیروی هوایی، یکی از مطلع‌ترین نفرات ارتش دولت ایران در ارتباط با قراردادهای خریدهای نظامی خارجی است. او اظهار داشت قصد دارد طیف وسیعی از نفرات نیروی هوایی را به جلسات توجیهی نیروی هوایی دعوت کند تا اهمیتی را که لجستیک در نیروی هوایی دارد بفهمند. او خصوصاً مشتاق بود که نفرات نیروی هوایی وضعیت یادداشت

تفاهم ۳ فوریه ۱۹۷۹ را درک کنند و چیزهایی درباره صندوق امنی یاد بگیرند. علاوه بر سرتیپ صفری، تقریباً ۵ سرهنگ، یک سرهنگ دوم، دو سرگرد، چهار سروان، هفت ستوان، پنج همافر، و یک لباس شخصی در جلسه حضور داشتند. حداقل دو نفر از افسران از بخش عملیات بودند، بنابراین سرتیپ صفری توانسته بود طیف وسیعی از افسران را در جلسات حاضر کند. اصلی‌ترین سؤال آنها ضرورت تأمین قطعات یدکی و مراحل خرید آنها توسط نیروی هوایی بود. آنها علاقمند بودند بدانند از کجا می‌توانند صورتحساب‌ها را دریافت کنند. تیم صورتحساب‌ها را در تاریخ ۲۲ می ۱۹۷۹ به معاونت وزارت دفاع داده بود تا به نیروهای ذیربط تحویل دهد. انتظار داشتیم گفتگوهای بیشتری درباره درخواست اخیر آنها برای پرواز اف-۱۴ها انجام شود ولی ظاهراً پاسخی که قبلاً به معاونت وزارت دفاع و نیروی هوایی داده بودیم، برای آنها کافی بود. سرتیپ صفری ترتیبی داد که بلافاصله بعد از این جلسه، ملاقاتی نیز با نفرات نیروی هوایی داشته باشیم.

۶- اطلاعات بیشتر در ارتباط با این جلسات توجیهی طی گزارش سرهنگ پتی ارسال خواهد شد. نکته جالب این بود که هیچ اشاره‌ای به دو تظاهراتی که در روزهای ۲۴ و ۲۵ می ۱۹۷۹ در برابر سفارت آمریکا صورت گرفته بود نشد.

۷- از تلاش سازمان مساعدت‌های امنیتی دفاعی و نیروهای ارتش برای آماده کردن مطالب جلسات توجیهی بسیار سپاسگزاریم. سرهنگ پتی و استوار ریگان عملکرد بسیار خوبی داشتند. سرهنگ کامکار در روز ۲۶ می به سرلشکر گاست اطلاع داد که وزارت دفاع ملی قصد دارد گزارشی در طول چند روز آینده به هیأت دولت تسلیم کند. وزارت دفاع ملی مایل است به هیأت دولت توصیه کند که حداقل بخشی از صورتحساب ۲۶۷ میلیون دلاری پرداخت شود تا به دولت آمریکا ثابت کنیم که ایران مایل به ادامه رابطه لجستیکی و «برخی قراردادهاست». زمان برای این کار مطلوب نیست، ولی آنها مصمم هستند که این کار را انجام دهند. هنوز نمی‌توان نتیجه آن را پیش‌بینی کرد.

سند شماره ۱۵۱

۷ ژوئن ۱۹۷۹ - ۱۷ خرداد ۱۳۵۸

محرمانه

از: هیأت مستشاری نظامی آمریکا، تهران

به: وزارت دفاع، واشنگتن دی.سی.

موضوع: ملاقات نفرات هیأت مستشاری با سرتیپ صفری، معاونت

لجستیک نیروی هوایی اسلامی ایران

۱- در روز ۴ ژوئن ۱۹۷۹، ناخدا سوم شیرر، سرهنگ دوم رینکر، و خانم نسرين سَهي کیش، منشی بخش نیروی هوایی، با سرتیپ صفری معاونت لجستیک نیروی هوایی اسلامی ایران و دو نفر دیگر از پرسنل زیر دستش دیدار و گفتگو کردند. هدف از این ملاقات، گفتگو درباره پشتیبانی لجستیکی نیروی هوایی ایران بود.



۲- ناخدا سوم شیرر ابتدا سرهنگ دوم رینکر را به عنوان نماینده معاونت لجستیکی نیروی هوایی معرفی کرد و توضیح داد که به منظور بررسی راههای ممکن برای پشتیبانی نیروی هوایی ایران به اینجا آمده است. ظاهراً سرتیپ صفری از اینکه دولت آمریکا نماینده‌ای از معاونت لجستیکی نیروی هوایی به ایران فرستاده بود، خیلی خشنود شد. او گفت «اختلافات سیاسی به ما مربوط نمی‌شود» و ارتش کار خودش را می‌کند و هر وقت مسایل سیاسی حل شد، دوباره آماده معامله است.

۳- قبل از مذاکرات مفصل درباره مسایل لجستیک، ناخدا سوم شیرر یکبار دیگر از سرتیپ صفری درباره امکان ورود به مجتمع نیروی هوایی آمریکا سؤال کرد. سرتیپ صفری گفت که خیلی متأسف است که برنامه بازدید دوم ژوئن لغو شد و اظهار امیدواری کرد که اجازه ورود برای روز ششم ژوئن صادر شود. در اینجا قابل ذکر است که در خلال گفتگوها سرتیپ صفری به فارسی به خانم سهی کیش گفت که خیلی زود دفترش در بخش نیروی هوایی ساختمان هیأت مستشاری در اختیار او قرار خواهد گرفت.

۴- ناخدا سوم شیرر یکبار دیگر درباره وضعیت سایت ACCOM به ویژه امکان ورود به آن و انتقال دو خودروی آمریکایی از آن به جای دیگر از صفری پرسید. تیمسار صفری لبخندی زد و گفت که هنوز دارد روی این مشکل کار می‌کند و اینکه هیچ کنترلی روی نگهبانان نیروی هوایی که در آنجا گماشته شده‌اند ندارد.

۵- ناخدا سوم شیرر گفت که بازگرداندن شش سیستم مخزن سوخت هوایی به خوبی دارد انجام می‌شود. شش مخزن سوخت هوایی مستقر در ترمینال MAC در فرودگاه مهرآباد منتظر تخلیه و حمل هستند. در ارتباط با چهار مخزن سوخت هوایی در شیراز نیز ناخدا سوم شیرر تقاضا کرد نیروی هوایی ایران به جای نیروی هوایی آمریکا آنها را به فرودگاه مهرآباد منتقل کند. سرتیپ صفری بلافاصله این پیشنهاد را پذیرفت و گفت که این بهترین راه برای حداقل کردن رؤیت آمریکایی‌هاست. ناخدا سوم شیرر همچنین تقاضا کرد که او و یک متخصص سوخت نیروی هوایی آمریکا به شیراز سفر کنند و وضعیت چهار سیستم فوق را از لحاظ استحکام و شرایط کلی بررسی کنند، زیرا این امر انتقال آنها را از شیراز به آلمان منتفی کرده و در هزینه‌ها صرفه‌جویی خواهد کرد. سرتیپ صفری گفت که از نظر او این امر هیچ اشکالی ندارد. نامه تقاضایی در همین ارتباط، در اسرع وقت تسلیم سرتیپ صفری خواهد شد.

۶- ناخدا سوم شیرر سؤال کرد که وضعیت جلسات توجیهی درباره صندوق امانی کل برای وزرات دفاع ملی چگونه است. تیمسار صفری پاسخ داد که نمایندگان قوای ارتش روز گذشته در ارتباط با همین موضوع با معاونت تسلیحاتی وزارت دفاع جلسه‌ای داشته‌اند. به جز اشکالات بسیار کوچکی که در ارتباط با نیروی دریایی وجود داشت، آنها دستور جلسه‌ای درباره وضعیت صندوق امانی برای وزارت دفاع ملی تهیه کرده‌اند. گفت که آنها وضعیت را «بزرگنمایی» کرده‌اند تا دیگران جدیت مسئله را بهتر بفهمند. او افزود که فکر نمی‌کند مشکلی

در پذیرش آن از طرف وزارت دفاع وجود داشته باشد. با وجود این، او نمی‌دانست بالاخره چه وقت تصمیمی گرفته می‌شود و اینکه نگفت توصیه‌هایی که به وزارت دفاع شده، چه بوده است.

۷- سرهنگ دوم رینکر صحبت‌هایش را با رساندن سلام ژنرال رایدر شروع کرد که موجب خوشحالی تیمسار صفری شد. سرهنگ دوم رینکر به تیمسار صفری گفت که برای کمک به اینجا آمده است. او از تیمسار پرسید که دقیقاً چه نیازهایی دارد و قصد دارد پشتیبانی از چه میزان آمادگی و نوع پروازی صورت گیرد. تیمسار صفری اظهار داشت که مسایل پشتیبانی لجستیکی را برای مسئولان بخش عملیات توضیح داده است و اینکه آنها کاملاً مشکلات را درک کرده‌اند و سورتی خاصی را دیکته نخواهند کرد. او گفت در کوتاه مدت آنها اصولاً قصد انجام عملیات پروازی VFR روزانه را برای حفظ آمادگی خدمه پرواز دارند. او گفت فعلاً می‌توان با هواپیماهایی که فقط توانایی پرواز داشته باشند نیز به این هدف رسید. تیمسار صفری گفت در آینده تقاضای حفظ آمادگی و سورتی FSC کمتری نسبت به گذشته خواهیم داشت. اهداف بلند مدت او ۷۰ درصد قابل پرواز، ۶۰ درصد FSC، ۱۲ درصد NORS، و ۱۸ درصد NORM بود. او گفت سه اولویت اصلی قطعات یدکی، قطعات قابل تعمیر، و نشریات هستند. سرهنگ دوم رینکر از صفری پرسید که چه مبالغی بابت وسایل یدکی و قطعات قابل تعمیر به طور جداگانه در نظر گرفته‌اند. سرتیپ صفری گفت در وقتش ۵ میلیون دلار بابت آنها هزینه خواهند کرد. صفری در فکر استفاده از نیروی هوایی ایران برای انتقال حداقل بخشی از تجهیزات است.

۸- سرهنگ دوم رینکر سپس از صفری پرسید که قصد پشتیبانی از چه هواپیمایی را دارد، و او گفت هواپیماهای اف-۴، اف-۵ و سی-۱۳۰. وقتی درباره هواپیمای اف-۱۴ از آنها پرسید، تیمسار صفری و دو نفر از نفراتش که حضور داشتند فقط لبخندی زدند و هیچ تمایلی به گفتگو درباره هواپیماهای اف-۱۴ و پشتیبانی آنها نداشتند.

۹- سرهنگ دوم رینکر سپس پرسید آیا RAPS هنوز در PCC کار می‌کند. سرتیپ صفری بعد از گفتگویی کوتاه با نفراتش پاسخ داد که در این باره مطمئن نیست. سرهنگ دوم رینکر گفت در صورت نبودن AUTODIN می‌توان از سیستم RAPS برای ارسال پیام‌های بسیار فوری استفاده کرد. سرهنگ دوم رینکر سپس پرسید آیا می‌تواند از MMCC دیدار کند تا ببیند آیا RAPS هنوز کار می‌کند. ترتیب دیدار از آنجا بعد از این ملاقات داده شد. (نکته جالب اینجاست که سرهنگ دوم رینکر توانست کمی بعد از این ملاقات برای ژنرال رایدر یک پیام بفرستد). سرتیپ صفری و نفراتش به استفاده از RAPS در حکم یک وسیله کم هزینه برای سفارش تقاضاهای فوری علاقه نشان دادند. (گزارش مفصل تری از گفتگوهای سرهنگ دوم رینکر با تلکس جداگانه ارسال خواهد شد).

۱۰- در طول گفتگوها، هم سرهنگ دوم رینکر و هم ناخدا سوم شیرر مکرراً تأکید کردند

که برای کمک به اینجا آمده‌اند، و قصد دارند شرایط را برای زمانی که مقامات بالاتر دولت آمریکا و دولت ایران اجازه شروع برنامه قطعات یدکی را دادند، آماده کنند. آنها اظهار داشتند اقدامات مرتبط با صندوق امانی کل و مسایل سیاسی جاری بر این تلاش‌ها تأثیر خواهد گذاشت. تیمسار صفری گفت که این مسئله را درک می‌کند و ما باید مسایل سیاسی را به سیاستمداران واگذاریم و ارتش باید آماده باشد تا هر وقت مسایل در سطوح بالاتر حل و فصل شد، برنامه‌اش را شروع کند. سرهنگ دوم رینکر سپس پرسید که تیمسار صفری و نفراتش چه زمانی آماده‌اند تا جزییات برنامه پشتیبانی لجستیکی را مورد مذاکره قرار دهند، و تیمسار صفری پاسخ داد: «یک روز قبل از دیروز». قرار شد یک جلسه کاری در ساعت ۸:۳۰ صبح ۶ ژوئن ۱۹۷۹ برای بحث درباره جزییات نیازمندی‌ها و شیوه اطلاع این نیازمندی‌ها به سازمان‌های مربوطه برگزار شود.

۱۱- هم سرهنگ دوم رینکر و هم ناخدا سوم شیرر نوعی حس اضطراب را در صحبت‌های تیمسار صفری احساس کردند. به نظر می‌رسید که او نفراتش را برای بحث درباره نیازها و چگونگی بازسازی نیروی هوایی اسلامی ایران آماده کرده است.

سند شماره ۱۵۲

محرمانه

۷ ژوئن ۱۹۷۹ - ۱۷ خرداد ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی آمریکا، تهران

موضوع: گفتگو و پیگیری برنامه پشتیبانی لجستیکی نیروی هوایی اسلامی ایران

بین سرتیپ صفری، معاونت لجستیکی نیروی هوایی ایران و سرهنگ دوم رینکر،

بخش نیروی هوایی هیأت مستشاری نظامی

۱- این تلکس مکمل تلکس قبلی هیأت مستشاری به تاریخ ۶ ژوئن است که جزییات بیشتری درباره موضوع پشتیبانی لجستیکی مطرح در آن ملاقات ارائه می‌دهد.

۲- ناخدا سوم شیرر پس از آنکه درباره موضوعات اولیه با تیمسار صفری گفتگو کرد، دنباله گفتگو را به سرهنگ دوم رینکر واگذار کرد. سرهنگ دوم رینکر در آغاز ابراز امیدواری کرد که بتواند به تیمسار صفری و فرمانده بخش لجستیکی، سرهنگ وحدانی (که در جلسه حضور داشت)، کمک کند تا نیازهای آتی نیروی هوایی را مشخص کند و روش‌هایی برای کسب پشتیبانی لازم پس از تصمیم دولت آمریکا برای ادامه این نوع پشتیبانی‌ها پیدا کنند. سرتیپ صفری با آگاهی کامل از تأخیراتی که ممکن است در کار پیش بیاید، این امر را تصدیق کرد.

۳- وقتی سرهنگ دوم رینکر از تیمسار صفری خواست تا توضیحی درباره نیازهای فوری نیروی هوایی ایران بدهد، تیمسار صفری خیلی بی‌پرده وضعیت موجود را توضیح داد. نیروی هوایی دائماً از موجودی قطعات یدکی خود استفاده کرده و دارد سریعاً به نقطه‌ای می‌رسد که



دیگر نخواهد توانست سورتی پروازهای کافی برای آماده نگاه داشتن خلبانانش انجام دهد. علاوه بر این، به موازات کاهش سطح موجودی انبارها، سطح توانایی تعمیر و نگهداری و تسلط نیروهای تعمیر و نگهداری نیز کاهش یافته است. تیمسار صفری اظهار داشت نیاز فوری آنها به قطعات یدکی و قطعات قابل تعمیر برای عملیاتی نگاه داشتن هواپیماهای اف-۱۶، اف-۵ و سی-۱۳۰ در سطح حداقلی است که خدمه آنها بتوانند تسلط خود را حفظ کرده و یا بازبند. صفری گفت قبلاً اهداف آمادگی عملیاتی بسیار بالایی داشته‌اند ولی او سعی دارد بیشتر به سطح ۷۰ درصد پروازهای عملیاتی برسد، هر چند فکر نمی‌کند برای شروع به بیشتر از ۶۰ درصد برسد.

۴- برابر دستورات قبلی ژنرال گاست برای گرفتن تأیید درباره سطح مبالغی که در اختیار تیمسار صفری قرار دارد، سرهنگ دوم رینکر از ایشان پرسید آیا مبلغ ۵ میلیون دلاری که قبلاً ذکر کرده بودند، مبلغ صحیحی است، و اگر پاسخ مثبت است، آیا احتمال افزوده شدن به این مبلغ وجود دارد. تیمسار صفری اظهار داشت که ۵ میلیون مبلغ خوبی است که البته شاید اندکی به آن اضافه شود. ولی مشکل اینجاست که او باید این ۵ میلیون دلار را از منابع نیروی هوایی کسب کند و همین امر انعطاف‌پذیری او را محدود می‌کند.

۵- سرهنگ دوم رینکر پرسید آیا فرماندهی لجستیک در موقعیتی هست که بتواند فهرست اقلام مورد نیازش را نهایی کند. تیمسار صفری گفت قبلاً کارگروههایی برای انجام این وظیفه تشکیل داده است. سرهنگ دوم رینکر سپس پرسید آیا می‌تواند با این گروهها همکاری کند و ببیند که چه نیازمندی‌هایی مورد نظر است تا پس از مشخص شدن سیاست‌های آمریکا در موقعیت بهتری باشند. تیمسار صفری ابتدا قدری تأمل کرد و گفت شاید اعضای این گروهها با دیدن رینکر فکر کنند که از قبل تصمیم‌ها گرفته شده است. تیمسار صفری سپس به فارسی با سرهنگ وحدانی صحبت کرد، و بعد گفت شاید بد نباشد که ما با اعضای این گروهها همکاری کنیم و آمادگی بیشتری داشته باشیم و از این طریق در وقت صرفه‌جویی کنیم. او سپس از سرهنگ دوم رینکر پرسید چه زمانی برای کار آماده است. پاسخ ما هم این بود که در اسرع وقت، و همینطور هر وقت که تیمسار صلاح بداند. بعد از آن قراری برای یک جلسه در ساعت ۸:۳۰ روز چهارشنبه ۵ ژوئن گذاشتیم و تیمسار صفری به سرهنگ وحدانی گفت که ترتیب این کار را بدهد. تیمسار صفری گفت در ابتدای جلسه توضیحاتی به اعضای گروه خواهد داد (احتمالاً جهت توجیه حضور نماینده نیروی هوایی آمریکا) و سپس از ما خواهد خواست کار را شروع کنیم.

۶- تیمسار صفری اظهار داشت علاوه بر وسایل یدکی و قطعات تعمیری بسیار واجب، نشریات نیز از جمله نگرانی‌های عمده او هستند. سرهنگ دوم رینکر توضیح داد که اشتراک فعلی دستورات فنی در روز ۱۴ ژوئن به پایان می‌رسد و پس از این تاریخ باید اشتراک جدیدی با توجه به یک تجدید نظر کلی در نیامندی‌ها شروع شود. با وجود این، او به تیمسار

صفری خاطر نشان ساخت که چنانچه بتوان یک قرارداد جدید را تا پیش از تاریخ ۱۴ ژوئن در مرکز لجستیک هوایی در آکلاهما به مورد اجرا گذاشت، شاید بتوان نیازمندی‌ها را در همان سطح گذشته نگاه داشت. از آنجایی که وقت بسیار ضیق بود، تیمسار صفری پرسید آیا می‌توان با تمدید قرارداد فعلی از طریق پرداخت پول از محل ۵ میلیون دلار زمان بیشتری برای یک نامه جدید پیشنهاد و قبول، به دست آورد. سرهنگ دوم رینکر پاسخ داد که ما نمی‌توانیم بدون تأیید سازمان مساعدت‌های امنیتی دفاعی کاری انجام دهیم، ولی می‌توانیم پیامی برای آنها ارسال کنیم و موقعیت را به آنها توضیح دهیم و بپرسیم که چه کاری می‌توان در این باره انجام داد.

۷- سرهنگ دوم رینکر سعی کرد با کشاندن صحبت به وضعیت صنایع هواپیمایی ایران اطلاعاتی درباره وضعیت موتورهای J-79 و قطعات یدکی به دست آورد. تیمسار صفری یک بار دیگر به فارسی با سرهنگ وحدانی صحبت کرد و سپس اظهار داشت که صنایع هواپیمایی ایران هنوز به کار خود ادامه می‌دهد و نیروی هوایی ایران و صنایع هواپیمایی ایران هر زمان که نیاز باشد به یکدیگر کمک می‌کنند. با وجود این، سرهنگ دوم رینکر احساس کرد که تیمسار صفری تمایلی به ادامه بحث ندارد، برای همین موضوع را عوض کرد.

۸- آخرین موضوعی که سرهنگ دوم رینکر مطرح ساخت مسئله مرکز کنترل اولویت و پایانه سیستم برنامه‌ریزی تحلیل گزارش‌ها بود. سرهنگ دوم رینکر درباره وضعیت و قابل استفاده بودن این پایانه پرسید و توضیح داد که این پایانه می‌تواند به هنگام از سرگیری خطوط تدارکاتی حساس، بسیار مفید واقع شود. تیمسار صفری گفت که دارد به وضعیت AUTODIN رسیدگی می‌شود و ظاهراً توانایی و امکانات بالقوه پایانه سیستم برنامه‌ریزی تحلیل گزارش‌ها را برای انجام ارتباطات سریع نمی‌دانست. پس از گفتگوی کوتاهی درباره میزان خسارات وارد شده به AUTODIN و هزینه مالی و زمانی تعمیر آن، سرهنگ دوم رینکر خاطر نشان کرد که با داشتن پایانه سیستم برنامه‌ریزی تحلیل گزارش‌ها در اینجا و امکاناتی که در پایگاه هوایی رایت-پترسن وجود دارد، استفاده از آن برای درخواست قطعات ضروری بسیار با صرفه‌تر از به کار انداختن مجدد AUTODIN است. تیمسار صفری پاسخ داد صرفه‌جویی و زمان مهمترین عوامل هستند. او سپس به سرهنگ وحدانی دستور داد تا ترتیب بازدید سرهنگ دوم رینکر و ناخدا سوم شیرر را از مرکز کنترل اولویت داده شود.

۹- در پایان گفتگوها، سرهنگ طوسی، رئیس بخش مرکز کنترل اولویت، سرهنگ دوم رینکر و ناخدا سوم شیرر را به ساختمان مدیریت تجهیزات که پایانه سیستم برنامه‌ریزی و تحلیل گزارش‌ها و مرکز کنترل اولویت در آن قرار دارند هدایت کرد. پیش از بازدید از تجهیزات، یک ملاقات دیگر نیز در دفتر مدیریت تجهیزات انجام شد و سرهنگ دوم رینکر و ناخدا سوم شیرر به سرهنگ پورنصیری، که جانشین سرتیپ تات شده بود، معرفی شدند. گفتگوهای مفصلی در ارتباط با پایانه سیستم برنامه‌ریزی تحلیل گزارش‌ها انجام شد. ظاهراً

سوء تفاهمی در ارتباط با قصد ما از استفاده از این پایانه ایجاد شده بود. با وجود این، در آنجا یک سروان نیروی هوایی به نام سروان جعفری حضور داشت که در ایالات متحده با سرهنگ دوم رینکر در برنامه اف-۱۶ همکاری کرده بود، و بسیار تلاش کرد تا افسران جزء و همافرها را متقاعد سازد که بگذارند سرهنگ دوم رینکر شخصاً تجهیزات را واریسی نماید. سپس سرهنگ دوم رینکر و ناخدا سوم شیرر به محوطه مرکز کنترل اولویت راهنمایی شدند و در آنجا سرهنگ دوم رینکر برای آزمایش تجهیزات از طریق مرکز کنترل اولویت واقع در پایگاه هوایی رایت-پترسن یک پیام کوتاه برای فرماندهی لجستیک نیروی هوایی آمریکا فرستاد. پس از انجام این کار، سرهنگ دوم رینکر و ناخدا سوم شیرر آنجا را ترک کردند.

گاست

سند شماره ۱۵۳

۷ ژوئن ۱۹۷۹ - ۱۷ خرداد ۱۳۵۸

محرمانه

به: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی

از: هیأت مستشاری نظامی، تهران

مرجع: الف - هیأت مستشاری ۱۶۱۳۵۸ از - ۱۶ می ۱۹۷۹ (محرمانه)، ب - هیأت مستشاری

۰۸۱۳۰۵ ز - ۸ آوریل ۱۹۷۹ (محرمانه)

موضوع: خریدهای نظامی خارجی نیروی دریایی ایران

۱- (بدون طبقه‌بندی) مرجع‌های الف و ب درباره دو دیدار قبلی با مقامات نیروی دریایی اسلامی ایران هستند. در تاریخ ۳ ژوئن ۱۹۷۹، ناخدا سوم هیگبی (رئیس بخش نیروی دریایی) و نائسروان انگلن با دریادار علوی، جانشین رئیس ستاد نیروی دریایی ایران، ملاقات کردند. نائسروان انگلن این ملاقات را برای معرفی ناخدا هیگبی ترتیب داده بود.

۲- (محرمانه) وقتی تیم نیروی دریایی ایالات متحده در ساعت ۱۶:۳۰ به درب ورودی ستاد رسید، فرمانده منصوریان که لباس شخصی به تن داشت بدون هیچ گونه معرفی به استقبال آن آمد. سه افسر جزء با لباس‌های نظامی بسیار مرتب در کنار درب ورودی ایستاده بودند. غیر از منصوریان هیچ کس دیگری با لباس شخصی آنجا نبود و عوامل کمیته هم آنجا حضور نداشتند. منصوریان تیم آمریکایی را مستقیماً به دفتر علوی هدایت کرد. هر چند نیم ساعت به موعد ملاقات مانده بود، ناخدا هیگبی و نائسروان انگلن بدون تأخیر به داخل دفتر علوی و ناخدا سوم منوچهر فلاح، که گویا معاون علوی در امور عملیاتی است، پذیرفته شدند.

۳- (محرمانه) رونوشتی از گزارش وضعیت صندوق امانی ایران که در تاریخ ۲۳ می ۱۹۷۹ به دفتر مدیریت لجستیک (ناخدا افضلی) تسلیم شده بود، در اختیار دریادار علوی قرار گرفت. ظاهراً علوی از گفتگوهایی که در مرکز فرماندهی لجستیک با ناخدا افضلی انجام شده بود اطلاع نداشت.

نائسروان انگلن توضیح کوتاهی در مورد نکات برجسته گزارش ارائه داد. علوی اذعان



داشت که به نفع هیچیک از دو ارتش نیست موجودی صندوق امانی صفر شود. علوی پرسید آیا از نظر ما نیروی دریایی ایران سهم خود را از صورت هزینه [؟] ۲۶۷ دلار پرداخت خواهد کرد. توضیح دادیم که در این ارتباط به هر یک از نیروی ارتش گزارش‌های جداگانه‌ای تسلیم شده است تا آنها بتوانند موضع ما را بهتر درک کنند و زمانی که وزارت دفاع ملی ایران و یا ستاد مشترک و یا J-5 نظر آنها را درباره صندوق امانی جویا شد، آمادگی بیشتری داشته باشند. ما نمی‌دانیم آیا از هر یک از نیروهای ارتش تقاضا خواهد شد تا سهمشان را از هزینه‌ها جداگانه بپردازند، هر چند که صورت هزینه‌ها به تفکیک نیروها تهیه شده است. ناخدا سوم فلاح پرسید اگر نیروی دریایی سهم خودش را بپردازد، آیا ممکن است صندوق امانی برای نیروی دریایی قابل استفاده باشد، ولی برای نیروهای دیگر نباشد. پاسخ دادیم که صندوق امانی یک صندوق کلی است و چنانچه موجودی آن صفر شود بر همه قراردادهای تأثیر خواهد گذاشت و فرقی نمی‌کند که آیا نیرویی سهم خود را پرداخته باشد یا خیر. علوی پرسید آیا به نظر ما [آیت‌الله] خمینی پرداخت مبالغ را تصویب می‌کند. پاسخ دادیم که چنین ملاحظاتی ماهیت سیاسی دارد و در حوزه صلاحیت هیأت مستشاری نیست.

۴- (محرمانه) این مسئله مطرح شد که نیروهای هوایی و زمینی ایران تمایل خود را به ادامه پشتیبانی قطعات قابل تعمیر ابراز کرده‌اند. در مورد گفتگوهایی که هم اینک بر سر این مسئله با نیروی هوایی در جریان است با آنها صحبت کردیم. متذکر شدیم که چنین گفتگویی با نیروی دریایی وجود ندارد و اینکه هر چه دیرتر شروع کنیم، دیرتر به نتیجه خواهیم رسید. علوی از نداشتن ارتباط پوزش خواست و به ناخدا سوم فلاح گفت با صدور «دستور مستقیم» از ناخدا افضلی بخواهد تا اینگونه گفتگوها را شروع کند. افضلی اهمیت وقت LEAD را در کسب پشتیبانی قطعات یدکی درک می‌کند.

۵- (محرمانه) مسایل کلی

الف- همه فایل‌ها و تجهیزات دفاتر نمایندگی نیروی دریایی آمریکا در ساختمان ستاد به درون یک دفتر انتقال یافته و مجتمع شده‌اند. علوی از ستاد مشترک اجازه خواسته است تا خانم فداکار (از کارمندان ایرانی) در مقام منشی نماینده نیروی دریایی آمریکا به این دفتر انتقال یابد و همچنین به ما اجازه دسترسی به این فایل‌ها را بدهند. علوی گفت شخصاً تلاش می‌کند تا تصمیم‌گیری در این باره را در J-2 «تسریع» کند. او گفت این تصمیم می‌تواند به نیروی زمینی و هوایی نیز مربوط باشد و به همین دلیل به تأخیر افتاده است.

ب- به علوی گفتیم که هنوز پاسخی رسمی به نامه‌مان در ارتباط با آموزش‌های MIDSHIPMEN دریافت نکرده‌ایم. علوی گفت فکر می‌کند این آموزش‌ها تصویب شده باشند، و به ناخدا سوم فلاح دستور داد که فوراً این نامه را پیگیری کند.

پ- ناخدا سوم فلاح درباره تجهیزات تیم TAFT در بندر انزلی (پهلوی سابق) گفت که این تجهیزات در حال حاضر دارد درون یک جعبه واقع در انبار قرار می‌گیرد. برداشت ما این است

که شرکت استنویک (چنانکه تقاضا شده است) خیلی زود بتواند آن را از بندر انزلی به تهران بیاورد و یا اینکه نیروی دریایی ایران خودش آن را به تهران حمل کند.

ت- در طول بحث، یک بار ناخدا سوم فلاح پرسید چه کسی افسر اطلاعاتی شماست. به وی توضیح داده شد که هرگز در هیأت مستشاری نظامی افسر اطلاعاتی حضور نداشته و ستاد فعلی تنها توسط واحدهای لجستیک پشتیبانی می‌شود.

ث- چندین بار تأکید شد که ما احساس می‌کنیم روابط بین ارتش‌های دو کشور می‌تواند حسنه باشد و اینکه بسیار مایلیم این روابط ادامه و بهبود یابد. علوی گفت از شنیدن این حرف بسیار خشنود است (ظاهراً انتظار این حرف را نداشت) و دلگرم شده است. او از ما دعوت کرد که «هر موقع» می‌خواهیم به دیدن او برویم و معلوم بود زیاد نگران حضور یک آمریکایی در ستاد و یا دفترش نیست.

۶- (محرمانه) صبح فردای همان روز، ناخدا سوم فلاح برای پیگیری برخی موضوعاتی که در دیدار روز گذشته مطرح شده بود با تلفن با بخش نیروی دریایی [در سفارت آمریکا] تماس گرفت. فلاح گفت قرار است فرماندهی آموزش خیلی زود در ارتباط با آموزش MIDSHIPMEN با او تماس بگیرد. او همچنین با بندر انزلی تماس گرفته و اطلاع یافته بود که مراحل بسته‌بندی خوب پیش می‌رود. او گفت برای مشخص شدن اجازه دسترسی ما به دفاتر نمایندگی نیروی دریایی آمریکا در ساختمان ستاد خیلی زود با ستاد مشترک تماس خواهد گرفت.

این اولین باری بود که نیروی دریایی ایران طی یک ماه گذشته با بخش نیروی دریایی تماس می‌گرفت. نیم ساعت بعد، نائسروانی به نام نوایی از فرماندهی آموزش تماس گرفت و گفت نیروی دریایی ایران هنوز به اجرای دوره آموزشی MIDSHIPMEN علاقه دارد و از «فرماندهی عالی» درخواست شده تا مبلغ ۳۰ هزار دلار را بابت قرارداد IR-TAR به صندوق امنی خریدهای نظامی خارجی انتقال دهد. او گفت که در این باره با ناخدا ستوده در واشنگتن تماس حاصل شده و او در جریان امور قرار دارد.

۷- (محرمانه) برداشت‌های کلی

گفتگوها بسیار صمیمی و دوستانه بود. حضور ناخدا سوم فلاح در جلسه و پیگیری او در روز بعد بسیار دلگرم کننده بود. علوی گفت نیروی دریایی سخت تلاش می‌کند طرح تجدید سازماندهی‌اش را تکمیل کند.

علوی اظهار داشت نیروی دریایی مشکلات کمتری نسبت به نیروی زمینی و هوایی در این زمینه دارد. او گفت افسران خیلی خوبی نظیر ناخدا فلاح برایش کار می‌کنند و اینکه امیدوار است ساختار جدید هر چه زودتر پیاده شود.

جلسه ۴۰ دقیقه طول کشید و تیم آمریکایی خیلی دوستانه تا محل خودروهایشان همراهی شدند.

۱۸ ژوئن ۱۹۷۹ - ۲۸ خرداد ۱۳۵۸

به: آژانس اطلاعات دفاعی، واشنگتن دی.سی

از: دفتر وابسته دفاعی، تهران

تهیه کننده گزارش: وابسته دفاعی، تهران

منبع تأیید کننده گزارش: تی.ای.شافر - سرهنگ نیروی هوایی، وابسته دفاعی

منبع: مشاهدات شخصی

موضوع: مذاکرات وابسته دفاعی با جانشین رئیس ستاد نیروی

دریایی ایران - دریادار علوی

خلاصه: این گزارش به جزئیات مذاکره وابسته دفاعی ایالات متحده با جانشین رئیس ستاد نیروی دریایی ایران، دریادار علوی، مربوط می شود. محورهای عمده بحث عبارت بودند از نفوذ چپی ها به درون ارتش، نظم و انضباط در نیروی دریایی، توانایی های عملیاتی نیروی دریایی ایران، دریادار مدنی، دریاسالاران نیروی دریایی و بنادر نیروی دریایی.

مشروح گزارش (محرمانه - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان)

الف - کلی: (بدون طبقه بندی) در ساعات واپسین بعد از ظهر یکشنبه ۱۷ ژوئن ۱۹۷۹، وابسته دفاعی با خودروی خود به ساختمان ستاد نیروی دریایی ایران رفت تا با دریادار علوی، جانشین رئیس ستاد نیروی دریایی ایران، ملاقات کند. این ملاقات در چارچوب دیدارهای معمول وابسته نظامی و صرفاً برای حفظ تماس با نیروی دریایی ایران صورت می گرفت. برای اولین بار پس از پیروزی انقلاب، وابسته نظامی مجبور نشد برای ورود به یک ساختمان نظامی ایران از خودروی خود پیاده شود و با پست نگهبانی صحبت کند. نگهبانان درب ورودی، که تماماً لباس های سفید مرتب نیروی دریایی به تن داشتند، خودرو ویا وابسته دفاعی را شناختند و بلافاصله زنجیر ورودی را پایین آوردند و بدون اینکه خودرو را متوقف کنند به هنگام ورود ما به درون محوطه با سلام نظامی احترام گذاشتند. وقتی به ساختمان ستاد رسیدیم، یک ناوی جوان درب خودرو را باز کرد و یک افسر نیروی دریایی ایران وابسته دفاعی را تا دفتر علوی همراهی کرد. هر چند هشت دقیقه زودتر از موعد به آنجا رسیده بودیم، ولی بلافاصله به دفتر خصوصی علوی راهنمایی شدیم. صحبت هایمان که ۳۰ دقیقه به طول انجامید کاملاً دوستانه و صمیمی بود. خروج از ساختمان ستاد نیز به همراه تشریفات حرفه ای و بدون هیچ مشکلی انجام شد.

ب - نفوذ چپی ها به درون ارتش (محرمانه - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان): تقریباً در اواسط صحبت هایمان بود که دریادار علوی پرسید آیا اطلاعاتی درباره نفوذ عناصر چپی و عوامل شوروی در نیروی های ارتش ایران در اختیار داریم یا خیر. پس از آنکه وابسته دفاعی پاسخ داد که هیچ اطلاعات خاصی در این باره نداریم، علوی گفت که به اعتقاد او این مسئله در نیروی دریایی و سایر نیروی های ارتش مشکل ساز است. او گفت «باید حواسمان به این



مشکل باشد» چون «ممکن است آنهایی که ظاهراً دوست هستند، واقعاً دوست نباشند.» او افزود به تازگی در دیداری که با تیمسار فرید (رئیس ستاد کل ارتش) داشته در مورد این مسئله با او صحبت کرده است. علوی گفت گروههای چپی شبیه آنهایی هستند که در طبقه کارگر غیرنظامی نفوذ کرده‌اند. علوی واقعاً از این مسئله نگران بود، و در همان حال، گویی که با خودش صحبت می‌کند، گفت «از دست فرماندهی بندر انزلی (قبلاً بندر پهلوی) راضی نیستم.» و اینکه «باید یک نفر دیگر به جای او بگذارم.» برای وابسته نظامی معلوم نیست که آیا علوی به فرمانده انزلی اعتماد نداشت یا اینکه مشکلات دیگری با او داشت، ولی برایش عجیب بود که علوی مشکلات مربوط به فرماندهانش را علناً به او بگوید.

پ- نظم و انضباط در نیروی دریایی (محرمانه): در اوایل صحبت، وابسته دفاعی به نظم و انضباط و رفتار عالی نگهبانان درب ورودی اشاره کرد. علوی گفت در نیروی دریایی نظم و انضباط خوبی حکمفرماست و این تنها راهی است که از طریق آن می‌توانیم احترام نیروها را نگاه داریم و نیروهایمان را مدیریت کنیم. او گفت نیروهای تحت امرش رهبری قدرتمند می‌خواهند و نیاز دارند که از آنها نظم و انضباط بخواهد. او افزود نظم و انضباطی که در ستاد نیروی دریایی دیده می‌شود در همه جای نیروی دریایی نیز وجود دارد.

ت- توانایی‌های عملیاتی (محرمانه - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان): دریادار علوی اظهار داشت که آمادگی عملیاتی نیروی دریایی چندان خوب نیست، و افزود مشکلات عمدتاً به قطعات یدکی مربوط می‌شود. او گفت هر گونه تلاش وابسته دفاعی برای کسب قطعات یدکی از ایالات متحده موجب امتنان خواهد بود. وابسته دفاعی گفت هیأت مستشاری نظامی سعی دارد این مشکل را حل کند و در صورت لزوم باید با آنها تماس بگیرند.

ث- دریادار مدنی (محرمانه): وابسته دفاعی حال دریادار مدنی را پرسید و گفت که آیا مدنی در تهران است یا خیر. دریادار علوی پاسخ داد که مدنی در اهواز به سر می‌برد و سرگرم مشکلات استان خوزستان است. علوی گفت «مدنی به خاطر کارش در خوزستان کفایت بیشتری پیدا کرده است» و افزود به اعتقاد او «مدنی دارد طرفداران بیشتری در میان مردم پیدا می‌کند.» از لابه‌لای صحبت‌ها پیدا بود که مدنی وقت چندان برای رتق و فتق امور نیروی دریایی ندارد و علوی در واقع همه کاره‌ی نیروی دریایی است.

ج- دریاسالاران نیروی دریایی (محرمانه): وابسته دفاعی پرسید هم اینک چند دریاسالار در نیروی دریایی خدمت می‌کند، و علوی سریعاً پاسخ داد «فقط یکی»، ولی وقتی به مدنی اشاره شد، گفت «فقط دو تا». همه دریاسالاران بازنشسته شده‌اند. علوی گفت حالا ناخدایان و ناخدا سوم‌ها رئیس من هستند. او گفت تا آنجا که می‌داند هیچیک از دریاسالاران سابق دستگیر نشده‌اند و مشکلی نداشته‌اند. علوی در پاسخ به سؤال وابسته دفاعی در مورد ساختار سازمانی کنونی نیروی دریایی و نام افسران ارشد این نیرو گفت که در حال بررسی این مسئله هستند و اطلاعات مربوطه در آینده به دستش خواهد رسید.

چ- بنادر نیروی دریایی (محرمانه - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان): دریادار علوی گفت بندر عباس پایگاه خوبی برای نیروی دریایی نیست و چابهار می‌توانست پایگاه دریایی خوبی باشد. او گفت هزینه زیادی بابت تأسیسات چابهار پرداخته شده و حالا همه آن هزینه‌ها بی‌فایده خواهد بود. به اعتقاد وابسته دفاعی، دریادار علوی نمی‌خواست وارد جزییات مسئله چابهار شود، ولی می‌خواست وابسته دفاعی بداند که از توقف عملیات ساخت و ساز در آنجا چندان راضی نیست.

نظرات تهیه کننده گزارش: (محرمانه - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) این دومین ملاقات با دریادار علوی نیز به همان اندازه ملاقات اول دوستانه بود. علوی گفت امیدوار است روابط حسنه درازمدتی با ایالات متحده برقرار شود. او به گونه‌ای رفتار می‌کند که گویی در نیروی دریایی همه کاره است، ولی مشکلاتی نیز دارد. علوی گفت هیچ کمیته‌ای در نیروی دریایی نیست. ولی منابع دیگر می‌گویند که این کمیته‌ها در نیروی دریایی نیز هستند، هرچند به اندازه کمیته‌های نیروی هوایی و نیروی زمینی قدرت ندارند. بر اساس گفتگوهایی که در این ملاقات انجام شد و به اعتقاد وابسته دفاعی، وضعیت نیروی دریایی سریعتر از نیروهای دیگر عادی خواهد شد. اگرچه نظم و انضباط در نیروی دریایی خوب است، [اما] هنوز نمی‌توان آن را یک نیروی نظامی کارآمد دانست.

سند شماره ۱۵۵

۲۳ ژوئن ۱۹۷۹ - ۲ تیر ۱۳۵۸

بدون طبقه‌بندی

از: هیأت مستشاری نظامی آمریکا، تهران به: فرماندهی MIRCUM - زرادخانه ردستون
موضوع: ورود به تأسیسات آی-هاوک در دوشان تپه



- در تاریخ ۱۸ ژوئن، ناخدا سوم شیرر به همراه یکی از مأموران کمیته و ۴ نفر افراد آی-هاوک نیروی هوایی ایران از دفاتر سابق آی-هاوک بازدید کرد. از دفاتر قبلی، فقط دو دفتر انتهای راهرو طبقه هم‌کف باقی مانده است. یکی از این دفاتر به نماینده نیروی هوایی آمریکا اختصاص یافته، و یکی دیگر هم انبار نشریات، وسایل اداری، فایل‌ها، کابینت‌ها و گاو صندوق‌ها شده است که همه آنها بدون هیچ نظم و ترتیبی روی هم ریخته شده‌اند. ناخدا سوم شیرر به کمک ۴ نفر از افسران علاقمند آی-هاوک نیروی هوایی ایران در حال دور ریختن، مرتب کردن، و ساماندهی به این وسایل در یک مرکز موقت آی-هاوک در ساختمان نیروی هوایی هستند.

- چون معلوم نیست وسایل شخصی به چه کسی تعلق دارد، جدا کردن آنها کار بیهوده‌ای به نظر می‌رسد و ناخدا سوم شیرر آنها را به نحو مقتضی دور خواهد ریخت.
- به استثنای یک گاو صندوق، کلیه گاو صندوق‌ها و قفسه‌های فایل‌ها دست نخورده بود و با بقیه وسایل در یک دفتر قرار داشت. صندوق دست خورده در اولین دفتر سمت راست درب

ورودی ساختمان قرار دارد و اندازه آن تقریباً [؟] در ۳ اینچ در ۳ اینچ است. خواهشمند است هر گونه اطلاعات موجود درباره محتویات و یا صاحب و رمز این گاو صندوق در دست دارید، برایمان ارسال نمایید. علاوه بر این، لطفاً اطلاع دهید آیا چیزهایی در این گاو صندوق‌ها هست که نباید در حضور یک مأمور کمیته باز شود.

- به منظور تسهیل در بسته‌بندی و بازیافت اموال دولت آمریکا، لطفاً اطلاعات مربوط به صاحبان ماشین‌های تایپ و سایر وسایل اداری را برایمان ارسال کنید.

گاست

سند شماره ۱۵۶

۲۷ ژوئن ۱۹۷۹ - ۶ تیر ۱۳۵۸

محرمانه

از: هیأت مستشاری نظامی، تهران

به: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی

موضوع: صندوق امانی خریدهای نظامی خارجی ایران



۱- (محرمانه) در جریان ملاقاتی که سرهنگ دیویس در تاریخ ۲۴ ژوئن ۱۹۷۹ با سرهنگ کامکار، معاون وزارت دفاع ملی ایران داشت سرهنگ کامکار اظهار کرد به دلیل فقدان اطلاعات تفصیلی درباره وضعیت دقیق صندوق امانی نمی‌تواند پرداخت فوری صورتحساب هزینه‌های ماه مارس را برای مقامات مافوق خود توجیه کند. سرهنگ کامکار یک بار دیگر اقدامات یکجانبه ایالات متحده را که به اعتقاد وی بدون اطلاع کافی دولت ایران صورت گرفته است، زیر سؤال برد. دولت ایران هنوز شدیداً به تعلیق ارسال قطعات یدکی از سوی دولت ایالات متحده حساسیت نشان می‌دهد. سئوالی که از سوی مقامات مافوق سرهنگ کامکار مطرح شده این است که: «چرا دولت آمریکا قطعات یدکی را (به دلیل کافی نبودن موجودی صندوق امانی) نگاه داشته در حالی که دارد بابت کشتی‌هایی که قرارداد آنها را لغو کردیم، از صندوق برداشت می‌کند؟» سرهنگ کامکار خواهان اطلاعات مفصل درباره وضعیت فعلی صندوق امانی (چنانکه در یادداشت تفاهم آمده است) و گزارش‌های دوره‌ای تقریباً ۱۰ روزه، شد تا بتواند مقامات را متقاعد به پرداخت هزینه‌ها کند. اظهارات کامکار کاملاً روشن ساخت که وزارت دفاع ملی ایران قصد ندارد بدون دست داشتن حقایق مستند و قابل فهم صورتحساب هزینه‌های رژیم قبل را بپردازد.

۲- (بدون طبقه‌بندی) بر اساس آنچه در بالا گفته شد، معتقدیم که بهترین راهکار موجود ارایه بیشترین اطلاعات در سریعترین زمان ممکن است. گزارش توجیهی صندوق امانی گام اول و خوبی بود ولی گویا این تلاش برای متقاعد کردن مقامات دولت ایران به پرداخت هزینه‌ها کافی نبوده است. به رغم اصرار هیأت مستشاری، نمایندگان وزارت دفاع ملی ایران هنوز احساس نمی‌کنند که سفرشان به واشنگتن در این زمان مناسبی داشته باشد. بنابراین، سفر هیأت ایرانی به واشنگتن ظاهراً گزینه‌ای نیست که بتوان مد نظر قرار داد.

۳- (بدون طبقه‌بندی) ما همچنان سعی خواهیم کرد تا مفهوم صندوق امانی کل و حقایق مرتبط با مسئولیت مالی خاتمه قراردادها را توضیح دهیم. اگرچه گاه نمی‌توان فهمید چرا آنها ظاهراً برخی مسایل را نمی‌پذیرند و یا نمی‌فهمند، از اینکه گفتگوها ادامه دارد دلگرم هستیم.

۴- (بدون طبقه‌بندی) چنانچه بتوانید فرمت پیام‌ها را به نحوی مورد تجدید نظر قرار دهید که بتوان آمار و ارقام جداول ذریبط مندرج در گزارش سرهنگ پتی را که در هفته (شروع روز ۲۱ ماه) می‌ارایه شد، به روز کرد، کمک بسیار بزرگی خواهد بود. در این صورت می‌توانیم تقریباً هر ده روز یکبار گزارش به روز شده‌ای به ایرانی‌ها ارایه دهیم. شاید اولین گزارش را بتوان هفته آینده آماده کرد.

۵- (بدون طبقه‌بندی) در طول ملاقات سرهنگ کامکار با سرهنگ دیویس، معاون وزیر دفاع ملی ایران نامه‌ای به سرهنگ دیویس تسلیم کرد که متن آن در زیر آمده است. کامکار در تماس تلفنی خود با رئیس هیأت مستشاری نظامی که پیش از ملاقات انجام شده بود، گفت دولت ایالات متحده باید نامه مزبور را تلاش صادقانه ایران برای یافتن پاسخ به مسایل و نشانه‌ای از تمایل ارتش ایران به تدام روابط بداند. سئوالاتی که در این نامه مطرح شده ما را امیدوار ساخته است که ارتش ایران هم اینک حداقل در حال یافتن خود و تلاش برای ایجاد مبناهایی است. نامه سرهنگ کامکار به شرح زیر است. خواهشمند است پاسخ سئوالات را برایمان ارسال نمایید.

سرلشگر گاست

نماینده وزارت دفاع ایالات متحده

موضوع: هزینه‌های خریدهای نظامی خارجی

مرجع شما:

صورت‌حساب‌های هزینه به مبلغ کل ۲۶۶۵۴۹۴۳۱/۹۵ دلار که در تاریخ ۲۲ ماه می ۱۹۷۹ به این وزارتخانه تسلیم شده است. مایلیم به اطلاع‌تان برسانیم که صورت‌حساب‌های فوق برای بررسی و اقدام به نیروی‌های ذریبط تسلیم شده‌اند. مبلغ خالص هزینه‌هایی که به این وزارتخانه مربوط می‌شود در حدود ۲۲۳ میلیون دلار است.

بررسی مقدماتی این صورت‌حساب‌ها نشان داد که برخی نکات نیاز به توضیح دارد:

۱- برنامه اف-۱۶ قراردادهای STA-STY:

اطلاعات ارایه شده از سوی وزارت دفاع آمریکا در گزارش مورخ ۲۲ می ۱۹۷۹ نشان می‌داد که کل برداشت‌های مورد نیاز برای این برنامه در حدود ۱۰۲/۴ میلیون دلار خواهد بود، در حالی که کل مبالغ مورد نیاز در صورت‌حساب شماره 79-03-NS مبلغ ۱۵۸/۷ میلیون دلار ذکر شده است. لطفاً درباره این اختلاف توضیح دهید.

۲- قراردادهای TAFT برای سال مالی ۱۹۷۹:

کل برنامه ارزشی بالغ بر ۱۱۴/۸ میلیون دلار دارد و کل مبلغ مورد نیاز در صورتحساب شماره 79-03-NK مبلغ ۹۹/۶ میلیون دلار ذکر شده است. نظر به اینکه نیروهای TAFT پیش از فوریه ۱۹۷۹ ایران را ترک کردند، به نظر می‌رسد که مبلغ مورد نیاز قدری بیشتر از واقع در صورتحساب قید شده است.

۳- قراردادهای پشتیبانی هلیکوپترها و سایر قراردادها با پیمانکار (قراردادهای خریدهای نظامی خارجی VZZ, WAK, WAL, WAG و غیره): مبالغ مورد نیاز (ستون ۱۲ فرم DD 645) بابت خدمات ارائه شده، لوازم تحویل شده، هزینه‌های جابجایی، و غیره باید به تفکیک ذکر شود.

۴- مبالغی که ظاهراً مازاد بر نیاز بوده از صندوق دارایی XFT به قراردادهای دیگر انتقال یافته است، مثلاً در تاریخ ۲۹ دسامبر ۱۹۷۹ مبلغی برابر با ۴۱/۵ میلیون دلار به قرارداد ABS (موشک‌های فونیکس) انتقال یافته که کل مبالغ پرداختی را به ۱۷۷/۷ میلیون دلار افزایش داده است.

نظر به اینکه بخشی از موشک‌های موضوع این قرارداد تحویل ایران نخواهد شد، انتقال مبلغ ۴۱/۵ میلیون دلار هیچ توجیهی ندارد.

۵- چنانکه چندین بار تذکر داده‌ایم، در نتیجه انتقال نامناسب وجوه از صندوق دارایی XFT، کل مبالغ پرداخت شده برای این قراردادها بیشتر از ارزش قرارداد بوده است. برخی نمونه‌های آن جهت اطلاع ذکر می‌گردد:

قرارداد	ارزش	پرداخت
VHU	۲۳۸۶۹۳/۰۰	۴۴۸۹۸۷/۰۰
CSF	۸۳۳۷۷۴/۰۰	۵۵۳۶۰۵۲/۰۰
TZE	۱۴۰۰۰۰/۰۰	۱۹۲۹۳/۰۰

۶- در تاریخ ۸ سپتامبر ۱۹۷۸، به هیأت مستشاری اطلاع داده شده که از اجرای قرارداد WFA خودداری کند. در تاریخ ۲۹ دسامبر ۱۹۷۸ مبلغ ۸۰۴۴/۰۰ [؟] دلار از صندوق دارایی XFT به این قرارداد انتقال یافته است.

۷- برآورد مبالغ مالی مورد نیاز در ستون ۱۱ فرم DD 645 شامل هزینه‌های خاتمه قرارداد برای برنامه‌های لغو شده‌ی خریدهای نظامی خارجی از سوی دولت ایران. توجه شما را به مفاد یادداشت تفاهم مورخ ۳ فوریه ۱۹۷۹ جلب می‌کنیم که در آن مشخصاً ذکر شده است که مدارک مربوط به این نوع هزینه‌ها باید به منظور بررسی و تصویب در اختیار دولت ایران قرار گیرد. بنابراین پیشنهاد می‌کنیم هزینه‌های خاتمه قرارداد از ستون ۱۱ شود و مدارک مربوط به هزینه خاتمه هر یک از قراردادها به منظور بررسی و تصویب به این وزارتخانه تسلیم گردد. رسید اطلاعات ثبتی فهرست شده در نامه مورخ ۲۶ مارس ۱۹۷۹ شما (که رونوشت آن به

پیوست ارسال می‌گردد) که هنوز در اختیار ما قرار نگرفته است و پاسخ به نکاتی که در بالا ذکر شد می‌تواند حل مشکل صندوق امانی را تسریع نماید.

معاون وزارت دفاع در امور تسلیحات

سند شماره ۱۵۷

برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران ۱ ژوئیه ۱۹۷۹ - ۱۰ تیر ۱۳۵۸

[موضوع]: شرایط خرید تجهیزات نظامی، ملزومات و خدمات آموزشی از آمریکا

۱- کشورها می‌توانند از دو طریق تجهیزات نظامی، ملزومات و خدمات آموزشی از ایالات متحده خریداری کنند.

الف- خریدهای تجاری. طبق آن دولت خارجی مستقیماً با یک شرکت تجاری آمریکایی قرارداد می‌بندد، مثلاً برای خرید هواپیماهای ۷۴۷ و ۷۰۷ که قابلیت حمل سلاح‌های مهلک را ندارند. در این مورد، شرکت تجاری آمریکایی باید از دولت آمریکا مجوز صادرات کسب کند.

- تنظیم قرارداد، شرایط آن و نحوه پرداخت بین دولت خارجی و شرکت آمریکایی توافق و اجرا می‌شود.

ب- شیوه دوم برنامه خریدهای نظامی خارجی است.

- چنانچه تجهیزات و قطعات مورد تقاضا در فهرست کنترل تسلیحاتی دولت ایالات متحده قرار داشته و شامل اکثر قطعات یدکی و تجهیزات پشتیبانی باشد، کشور خارجی باید از طریق برنامه خریدهای نظامی خارجی اقدام کند.

- این شیوه در حکم توافق یک دولت با دولت دیگر برای خرید و فروش است، و نتیجه آن نیز عقد قرارداد بین یک دولت با دولت دیگر خواهد بود.

۲- رویه‌های مربوط به قراردادهای برنامه خریدهای نظامی خارجی

الف- کشور خریدار، نیازهایش را مشخص می‌کند.

ب- کشور خریدار، قصد خود را برای خرید ملزومات از طریق نامه به دولت ایالات متحده اطلاع می‌دهد. شرح کلی ملزومات و همچنین درخواست رایه پیشنهاد فروش از دولت ایالات متحده در این هدف‌نامه ذکر می‌شود.

پ- دولت ایالات متحده موافقت اصولی خود را برای فروش ملزومات اعلام می‌کند.

- چنانچه دولت ایالات متحده موافقت اصولی خود را برای فروش ملزومات اعلام کند، نمایندگان دو دولت باید کل نیازمندی‌ها را مورد بررسی و توافق قرار دهند، مثلاً میزان قطعات یدکی و آموزش‌های مورد نیاز برای متخصصین.

ت- دولت ایالات متحده نامه پیشنهاد خود را تنظیم می‌کند. چنانچه تجهیزات مورد



درخواست شامل سلاح‌های مهلک و بیشتر از سقف دلاری مشخص شده باشد، نامه پیشنهاد و فروش باید در کنگره آمریکا به تصویب برسد.

ث- ایالات متحده نامه پیشنهاد خود را که شامل قیمت، موجود بودن اقلام و سایر شرایط است برای کشور خریدار ارسال می‌کند. کشور خریدار می‌تواند درخواست کند برخی مفاد نامه اصلاح و یا شفاف‌تر شود.

ج- چنانچه کشور خریدار نامه پیشنهاد را قبول و آن را امضا نماید، سند فوق به منزله نامه قبول و موافقت دولت با دولت و قرارداد محسوب خواهد شد.

۳- تعهدات اصلی هر یک از کشورها

الف- دولت ایالات متحده

- تحویل تجهیزات، قطعات یدکی و ارایه آموزش‌ها طبق جدول زمانی توافق شده
- کیفیت اقلام تحویل شده باید به اندازه و یا بالاتر از استانداردهای برنامه‌های ایالات متحده باشد.

- برنامه را با همان کیفیتی مدیریت کند که برنامه‌های نظامی آمریکا را مدیریت می‌کند.

- مراحل اجرای قرارداد را انجام بدهد.

ب- کشور خریدار

- در زمان مقتضی تأسیسات و نفرات مورد نظر را برای آموزش مهیا سازد.

- پرداخت‌ها را به موقع انجام دهد.

- هیچیک از تجهیزات، ملزومات و یا اطلاعات آموزشی را بدون تصویب دولت ایالات متحده به کشور ثالث انتقال ندهد.

۴- شرایط مالی قرارداد

الف- کشور خریدار به موجب نامه پیشنهاد و قبول متعهد می‌شود که مبالغی به صورت پیش‌پرداخت به دولت ایالات متحده بپردازد. دولت ایالات متحده از این مبالغ برای پرداخت به تولیدکنندگان و فروشندگان استفاده می‌کند. پرداخت‌ها برای پیشرفت کار و تحویل محصولات نهایی صورت می‌گیرد.

ب- قانون ایالات متحده، پرداخت از محل بودجه تخصیصی به دولت را، برای

هیچ بخشی از خریدهای هیچ کشوری در هیچ زمانی مجاز نمی‌داند.

پ- در قانون، هیچ سود یا زینانی برای دولت ایالات متحده پیش‌بینی نشده است.

۵- نحوه پرداخت

الف- نامه پیشنهاد و قبول شامل یک جدول زمانی برای پرداخت خواهد بود.

این جدول زمانی دو بخش دارد:

- پیش‌پرداخت اولیه

- پرداخت‌های تقریبی ماهیانه
 - ب- پیش‌پرداخت اولیه
 - پرداخت جهت پوشش هزینه‌های شروع کار
 - پرداخت جهت پیشرفت اولیه کار به پیمانکاران آمریکایی
 - پرداخت جزئی برای پوشش مسئولیت مالی خاتمه قرارداد (که در همین سند توضیح داده خواهد شد).
 - پ- بخش اول پرداخت‌های سه ماهه نیز باید از پیش پرداخت شود تا دولت ایالات متحده پول کافی برای پرداخت به تولیدکنندگان و فروشندگان را داشته باشد.
 - پیش‌بینی پرداخت‌های تقریبی سه ماهه از سوی کشور خریدار به منظور بودجه‌بندی و برنامه‌ریزی استفاده خواهد شد.
 - پرداخت‌های نهایی که بر اساس صورتحساب‌های هزینه تهیه شده از سوی ایالات متحده به کشور خریدار تسلیم می‌گردد.
 - صورتحساب‌های هزینه حاوی اطلاعات زیر خواهد بود:
 - مبلغ کل قرارداد
 - پرداخت‌هایی که تا آن تاریخ صورت گرفته است
 - پرداخت بابت اقلام تحویل شده و پیشرفت کار
 - پرداخت‌هایی که باید صورت بگیرد
 - ت- دولت ایالات متحده برای هر کشور خریدار یک صندوق امانی تأسیس می‌کند. دولت آمریکا سپس وجوه پرداختی از سوی خریدار را به این صندوق واریز می‌کند تا بتواند از محل آن برای پیمانکاران (تولیدکنندگان، تأمین‌کنندگان و فروشندگان) چک صادر کند. در حال حاضر، صورتحساب‌های هزینه شامل این اطلاعات می‌شود.
- ۶- قراردادهای خریدهای نظامی خارجی
- الف- هر یک از نامه‌های پیشنهاد و قبول در حکم یک قرارداد خرید نظامی خارجی محسوب شده و با عبارت خاصی شناخته می‌شود.
 - ب- برخی از این قراردادها از حیث ارزش دلاری بسیار بزرگ و برخی دیگر کوچک هستند، مثل قرارداد برای تحویل مطالب آموزشی.
 - پ- برخی برنامه‌ها نظیر برنامه خرید اف-۱۴ معمولاً شامل چندین نامه پیشنهاد و قبول است، مثلاً:
 - برای هواپیما
 - برای قطعات یدکی
 - برای آموزش

۷- مفهوم صندوق امانی

الف- دولت ایالات متحده برای هر کشور یک صندوق امانی تأسیس می‌کند.
 ب- حساب صندوق امانی از سوی مرکز حسابداری وزارت دفاع در دنور، کلرادو، افتتاح و مدیریت می‌شود.
 پ- هر یک از قراردادهای برنامه خریدهای نظامی خارجی مستقل از قراردادهای دیگر محسوب می‌شود.
 - پرداخت‌های خریدار و استرداد مازاد مبلغ از سوی دولت ایالات متحده به طور جداگانه در قبال هر قرارداد صورت می‌گیرد.
 ت- تحت شرایط عادی می‌توان وجوه صندوق را از قراردادی به قرارداد دیگر منتقل کرد.

- هر دو کشور باید انتقال وجوه از یک قرارداد به قرارداد دیگر را مورد موافقت قرار دهند، مثلاً قرارداد الف دارای مازاد بودجه و قرارداد ب دارای کسری بودجه است و برای تسویه حساب به مازاد بودجه الف نیاز دارد.
 - این رویه، در صورت لزوم، تسویه متقابل نام دارد.
 ث- در شرایط عادی، چنانچه وجوه کافی برای تسویه حساب‌های یک قرارداد خاص وجود نداشته باشد (هیچ پولی در صندوق امانی برای آن قرارداد نباشد) کار متوقف شده و آن برنامه خاص خاتمه خواهد یافت.

۸- مسئولیت مالی ناشی از خاتمه قرارداد

الف- دولت ایالات متحده، چه برای قراردادهای خودش و چه برای یک دولت دیگر، موظف است و باید وجوهی در اختیار داشته باشد تا در صورت خاتمه قرارداد از سوی دولت خریدار، بابت هزینه خاتمه قرارداد به پیمانکار بپردازد.
 ب- اقلامی نظیر هزینه لوازمی که تولید آنها به زمان زیادی نیاز دارد که پیمانکار تعهد و به کار گرفته است.

- نیروی کاری که غیرمولد شده و حقوق یا پاداش خاتمه خدمت نیروی کار
 - از دست رفتن کار، اموال، استهلاک تجهیزات و تأسیسات، هزینه‌های بالاسری و از دست رفتن سود در نتیجه خاتمه قرارداد.
 پ- طبق قوانین ایالات متحده، دولت آمریکا حق ندارد هیچگونه پرداختی از بابت مسئولیت مالی دولت‌های دیگر در چارچوب برنامه خریدهای نظامی خارجی انجام دهد.

ت- پرداخت‌هایی که از سوی کشور خریدار به دولت ایالات متحده صورت می‌گیرد مسئولیت مالی خاتمه قرارداد را به وسیله موارد زیر شامل می‌شود:
 - پرداخت‌های اولیه به صندوق امانی

- پرداخت‌های سه‌ماهه به صندوق امانی
ث- چنانچه برنامه‌ای خاتمه یابد، دولت آمریکا شرایط خاتمه آن را مورد مذاکره قرار
می‌دهد و مسئولیت مالی ناشی از آن از محل وجوه صندوق امانی تأمین خواهد
شد.

یادداشت تفاهم بین دولت ایران و دولت ایالات متحده

که مورخ ۳ فوریه ۱۹۷۹ به امضا رسید

۱- این یادداشت تفاهم (که از این پس در این سند یادداشت تفاهم نامیده خواهد شد) در
تاریخ ۳ فوریه ۱۹۷۹ به منظور اصلاح عمده برنامه خرید ملزومات نظامی از دولت ایالات
متحده به امضا رسید. این یادداشت تفاهم فقط به برنامه خریدهای نظامی خارجی مربوط
می‌شود و قراردادهای تجاری مستقیم را در برنمی‌گیرد. طبق این یادداشت تفاهم برخی رویه‌ها
نیز اصلاح شد. این رویه‌ها:

الف- ناقض قوانین ایالات متحده نبودند

ب- ناقض سیاست‌های ایالات متحده نبودند

پ- رویه‌های برنامه خریدهای نظامی خارجی را اصلاح کردند

ت- در راستای مصالح و منافع هر دو دولت بودند

۲- مشخصات اصلی این یادداشت تفاهم عبارت بودند از اینکه طبق یادداشت مزبور:

الف- لغو، کاهش و یا خاتمه چندین برنامه، نظیر موارد زیر:

- ۱۶۰ هواپیمای جنگنده اف-۱۶

- ۱۶ هواپیمای آر.اف-۴ ای

- ۲ کشتی کروز کلاس اسپراونس (از کل ۴ کشتی)

- ۱ زیردریایی کلاس کوسه

- ۷ هواپیمای دارای سیستم هشدار و کنترل هوایی (ایوکس)

- موشک‌های هوا به هوا، زمین به هوا، و قابل پرتاب از روی کشتی

- توپخانه و خودروی نظامی و غیره

- قطعات یدکی برای پشتیبانی اقلام فوق

- آموزش نفرات برای پشتیبانی اقلام فوق

- کاهش پشتیبانی خدمات پیمانکاران، مثلاً شرکت هلیکوپترسازی بل، ریتینون و لاکهید

ب- دولت ایالات متحده می‌تواند آنچه را که به طور مشروع نیازمند است از این

اقلام خریداری کند (که مستلزم تصویب و تخصیص بودجه از سوی کنگره
ایالات متحده است).

پ- دولت ایالات متحده می‌تواند بخشی از این اقلام را به کشورهای ثالث بفروشد.

ت- باید پول نقد حاصل از فروش اقلام به دولت ایالات متحده و یا هر کشور دیگر، به صندوق امانی ایران واریز شود.

ث- دولت ایالات متحده در صورتی که بازاری برای فروش اقلام سفارش ایران نباشد، تحت شرایط زیر تولید و یا خرید ملزومات فوق و تحویل آنها را به ایران ادامه خواهد داد:

- چنانچه هزینه خاتمه قرارداد بیشتر از حد معقول بوده و اقتصادی نباشد

- با مشورت با دولت ایران

ج- دولت ایالات متحده به منظور پرهیز از اضطراب می تواند از شیوه تسویه متقابل حسابها استفاده کند.

چ- بررسی برنامه‌های تجدیدنظر شده در تاریخ ۲۴ ژوئیه ۱۹۷۹ و یا قبل از آن توسط دولت ایران و دولت ایالات متحده

- تیم وزارت دفاع آمریکا در اوایل ماه می برای این بررسی‌ها در اینجا حضور داشت.

ح- دولت ایالات متحده اجازه یافت «(برای یک مدت کوتاه انتقالی)» همچنان به پرداخت هزینه از محل سپرده صندوق امانی ادامه دهد تا از خاتمه قراردادها در طول مدت یافتن خریدار [برای اقلام سفارش ایران] جلوگیری شود.

خ- دولت ایالات متحده وضعیت فروش‌ها و صندوق امانی را مدام به دولت ایران گزارش دهد.

- یک گزارش دیگر در اوایل ماه ژوئیه ارسال خواهد شد.

اقداماتی که متعاقب امضای این یادداشت تفاهم صورت گرفت

۱- دولت ایران در اواخر ماه مارس قرارداد دو کشتی کروز باقیمانده را نیز لغو کرد و خاتمه داد.

۲- برنامه‌های متعدد دیگری نیز لغو شدند و خاتمه یافتند، نظیر برنامه شرکت هلیکوپترسازی بل، برنامه PEACE LOG، یک برنامه پشتیبانی در نیروی هوایی.

۳- دولت ایالات متحده فروش اقلام به کشورهای دیگر را شروع کرد.

الف- برخی اقلام فروخته شده‌اند، نظیر ۵۵ جنگنده اف-۱۶ که قرارداد آنها امضا شده است. تلاش جهت یافتن خریدار برای سایر سیستم‌ها و ملزومات ادامه دارد.

ب- وزارت دفاع ایالات متحده یک لایحه بودجه تکمیلی سال ۱۹۷۹ را به منظور خرید دو کشتی موضوع یادداشت تفاهم و سایر اقلام مربوط به آن (یعنی موشک‌ها) به کنگره ارائه کرد. این لایحه بودجه برنامه‌ریزی نشده بود. اجرای چندین برنامه وزارت دفاع که نیاز به بودجه تکمیلی داشتند به تعویق افتاد تا این

خریدها انجام شود. این تصمیم به نفع هر دو دولت بود.
۴- دولت ایالات متحده مجبور شد صندوق امانی را حساب اصلی در نظر بگیرد و حساب قراردادهای را متقابلاً از محل وجوه صندوق تسویه کند.

رویکرد دولت ایالات متحده به صندوق امانی

۱- تمامی اقدامات و رویه‌ها با هدف حفظ منافع هر دو دولت صورت گرفت.
الف- تأمین قطعات مورد نیاز ایران
ب- جلوگیری از ناتوانی صندوق در پرداخت بدهی و بدین ترتیب پرهیز از شرایط اضطرار
- چنانچه صندوق توانایی لازم برای پرداخت بدهی خود را نداشت، طبق قانون ایالات متحده، دولت موظف بود به تمامی برنامه‌های خریدهای نظامی خارجی خاتمه دهد و جهت دریافت خسارات مالی ناشی از خاتمه قراردادهای اقدام نماید.

پ- انجام اقدامات فوق‌العاده به منظور حفاظت از صندوق امانی تا زمانی که دولت ایران جهت تضمین توانایی صندوق برای پرداخت بدهی‌اش، وجوهی را به آن واریز نماید و یا تا زمانی که لایحه بودجه تکمیلی وزارت دفاع تصویب گردد. اقدامات به شرح زیر است:

(۱) ادامه ساخت هر ۴ کشتی با استفاده از وجوه موجود در صندوق امانی ایران بر اساس تصمیم وزارت دفاع برای درخواست بودجه تکمیلی به منظور خرید کشتی‌ها.

خاتمه دادن قرارداد تمامی کشتی‌ها هزینه‌ای بالغ بر ۳۵۰ میلیون دلار در برداشت که موجب ناتوانی صندوق امانی در پرداخت بدهی‌هایش می‌شد. این امر دولت را مجبور به خاتمه تمامی برنامه‌ها و اقدام قانونی می‌کرد. به اعتقاد ما این امر به نفع هر دو دولت و پرهیز از این اقدامات بود.

(۲) هر جا به صرفه‌تر بود، برنامه‌های خرید قطعات یدکی را خاتمه داد و لغو کرد. این امر برداشت از وجوه صندوق امانی را کاهش داد.

(۳) از تحویل قطعات یدکی به منظور فروش آنها به سایر کشورها و ارتش ایالات متحده خودداری کرد. این امر درآمدی اضافی به صندوق امانی واریز کرد، و احتمال ایجاد شرایط اضطرار را تأخیر انداخت.

وضعیت صندوق امانی

۱- کل بدهی صندوق طبق صورتحساب هزینه ماه دسامبر ۱۹۷۸ تقریباً ۱/۳ میلیارد دلار

- بود. این مبلغ به جهت آنکه بدهی صورتحساب‌های قبلی به طور کامل پرداخت نشده بود، قدری بالا بود.
- ۲- مبلغ ۲۲۷ میلیون دلار که در ژانویه ۱۹۷۹ صورت گرفت، آخرین پرداخت دولت ایران بود.
- ۳- موجودی صندوق امانی در تاریخ امضای یادداشت تفاهم یعنی ۳ فوریه ۱۹۷۹ مبلغ ۶۳۹/۹ میلیون دلار بود.
- ۴- در نتیجه اقداماتی که به منظور خاتمه برنامه‌ها و جبران خسارات از محل فروش‌های مجدد که وجوه آن به صندوق امانی واریز شد، بدهی صندوق طبق صورتحساب ماه مارس به ۲۶۷ میلیون دلار رسید (در مقایسه با ۱/۳ میلیارد دلار در ماه دسامبر)
- ۵- صورتحساب ماه مارس شامل ۵۵۰ میلیون دلار خسارت مالی خاتمه قرارداد چهار کشتی، ۱۶ هواپیمای آراف-۴ ای، و سایر قراردادهای کوچک، بعلاوه هزینه‌های خاتمه قراردادهایی نظیر قرارداد شرکت هلیکوپترسازی بل نمی‌شود.
- ۶- برداشت از صندوق امانی به منظور تأمین هزینه پیشرفت کار ساخت کشتی‌ها، سایر برنامه‌ها و مطالبات ادامه دارد. استرداد پول به صندوق امانی از محل فروش اقلام به سایر کشورها نیز ادامه دارد.
- ۷- برداشت از صندوق در حال حاضر بیشتر از استرداد پول به آن است. دولت ایالات متحده پیش‌بینی می‌کند که صندوق امانی در اواسط ماه ژوئیه از پرداخت بدهی‌هایش ناتوان شود، مگر اینکه تا آن تاریخ یکی از دو اقدام زیر صورت بگیرد:
- الف- دولت ایران به صندوق پول واریز کند
- ب- لایحه بودجه تکمیلی وزارت دفاع آمریکا تصویب شود

وضعیت لایحه بودجه تکمیلی وزارت دفاع آمریکا

- ۱- پیشینه. لایحه‌ای که در اوایل ماه فوریه ارائه شد بر اساس یادداشت تفاهم یاد شده صورت گرفت که در آن فقط خرید دو کشتی لغو شده بود. وزارت دفاع، پس از آنکه دولت ایران در اواخر ماه مارس تصمیم گرفت قرارداد مربوط به خرید دو کشتی باقیمانده را نیز خاتمه دهد، تصمیم گرفت لایحه تکمیلی بودجه‌اش را اصلاح نکند و خواستار تخصیص بودجه برای خرید این کشتی‌ها در لایحه بودجه سال ۱۹۸۰ شد.
- ۲- با وجود این، رأی کنگره بر این شد که مجوز برای خرید هر ۴ کشتی و برخی از موشک‌ها صادر شود. البته این لایحه فقط به رئیس جمهور اجازه‌ی خرید ۴ کشتی را می‌دهد و نه پول خرید آنها را.
- ۳- یک لایحه دیگر، یعنی لایحه تخصیص بودجه، نیز باید در کنگره به تصویب برسد. این لایحه پول لازم برای خرید کشتی‌ها را در اختیار رئیس جمهور قرار خواهد داد.

- رویه‌های مذکور در بند ۱ و ۲ از جمله رویه‌های عادی برای همه خریدهای دولت آمریکا هستند و ضرورت قانونی دارند.
- ۴- لایحه تخصیص بودجه‌ای که در سنا به تصویب رسید، فقط هزینه خرید ۴ کشتی را در بر می‌گرفت و بودجه‌ای به خرید موشک‌ها اختصاص نیافت.
- ۵- لایحه تخصیص بودجه‌ای که در مجلس نمایندگان به تصویب رسید، فقط هزینه خرید ۲ کشتی را در بر می‌گرفت و بودجه‌ای به خرید موشک‌ها اختصاص نیافت.
- ۶- قرار است کمیته‌های مجلس سنا و مجلس نمایندگان به منظور رسیدن به یک لایحه مشترک در کنفرانس مورخ ۱۰ ژوئیه با یکدیگر ملاقات کنند، که امیدواریم این نتیجه حاصل شود، که در آن صورت لایحه فوق باید دوباره برای تصویب و رأی نهایی به مجلس نمایندگان و سنا عودت داده شود. نمی‌توانیم پیش‌بینی کنیم که تصویب لایحه تخصیص بودجه تا چه زمانی به طول می‌انجامد ولی امیدواریم تا اواسط ژوئیه این کار صورت بگیرد.

آینده صندوق امانی

- ۱- چنانچه ایران مبالغی به این صندوق واریز کند و یا لایحه بودجه تکمیلی وزارت دفاع به تصویب برسد، صندوق مزبور توانایی پرداخت بدهی‌هایش را در طول تابستان جاری خواهد داشت.
- ۲- چنانچه در لایحه بودجه تکمیلی وزارت دفاع فقط منابع مالی لازم برای خرید دو کشتی تخصیص یابد، و هیچ پولی برای خرید موشک‌ها تصویب نشود و دولت ایران نیز پرداختی به صندوق انجام ندهد، آنگاه:
- پیش‌بینی می‌کنیم صندوق امانی فقط تا آخر ماه سپتامبر توان پرداخت بدهی‌هایش را داشته باشد. از تاریخ ۳۱ سپتامبر موجودی آن تقریباً ۱۸۰ میلیون دلار خواهد بود.
- با وجود این، موجودی فوق بدون در نظر گرفتن ۳۹۰ میلیون دلاری است که باید در قبال خسارات ناشی از خاتمه قرارداد خرید دو کشتی دیگر و سایر اقلام پرداخته شود.
- ۳- چنانچه در لایحه بودجه تکمیلی وزارت دفاع منابع مالی لازم برای خرید ۴ کشتی تخصیص داده شود، ولی پولی برای خرید موشک‌ها اختصاص نیابد، پیش‌بینی می‌کنیم که موجودی صندوق از تاریخ ۳۱ دسامبر ۳۶۳ میلیون دلار خواهد بود. این موجودی بدون در نظر گرفتن خسارت ۲۸۰ میلیون دلاری ناشی از خاتمه قراردادهاست (برای موشک‌ها، جنگنده‌های آر.اف-۴ ای و غیره).
- موجودی صندوق امانی که در بند ۲ و ۳ آمده است به فروش اقلام سفارش ایران به کشورهای دیگر و استرداد وجه آن به صندوق بستگی دارد. بنابراین، پیش‌بینی‌های فوق ممکن است تغییر کند.

- ۴- از آنجا که احتمال تصویب لایحه مشترک تخصیص بودجه وجود دارد، موجودی صندوق امانی نیز به تبع آن تغییر خواهد کرد.
- ۵- چنانچه کنگره فقط بودجه خرید دو کشتی را در ماه ژوئیه تصویب کند، وزارت دفاع تخصیص بودجه برای دو کشتی باقیمانده را در لوایح دفاعی سال ۱۹۸۰ درخواست خواهد کرد.

سایر مشکلات جاری

- ۱- ارتش ایران مایل است تحویل قطعات یدکی ادامه یابد.
- هر یک از نیروهای ارتش و وزارت دفاع ملی ایران دارای قراردادهای خرید نظامی خارجی هستند و به تبع آن مبالغی در صندوق امانی دارند.
- نیروهای ارتش احساس می‌کنند چنانچه مبالغ مربوط به آنها در صندوق امانی برای پرداخت هزینه قراردادها کافی است و پیش‌پرداخت‌ها را نیز انجام داده‌اند، اقلام مورد سفارش‌شان باید به آنها تحویل گردد.
- ۲- دولت ایالات متحده تحت شرایط عادی با این درخواست موافقت می‌کرد. با وجود این، دولت آمریکا، در راستای منافع هر دو کشور، نمی‌تواند با این خواست موافقت کند زیرا این مسئله باعث ناتوانی کل صندوق در پرداخت بدهی‌ها شده و موجب تحقق اضطرار خواهد شد.
- ۳- در نتیجه، دولت ایالات متحده معتقد است که باید از تحویل قطعات یدکی خودداری کند و تنها اقلامی را به ایران بفروشد که صندوق توانایی پرداخت هزینه آنها را دارد.
- ۴- هر زمان که هر دو دولت احساس کنند صندوق امانی توانایی پرداخت بدهی‌هایش را دارد، قطعات یدکی و سایر اقلام تحویل ایران خواهد شد.
- ۵- دولت ایالات متحده در پی یافتن راهی برای تأمین قطعات یدکی اضطراری به نیروی هوایی ایران است.
- این امر می‌تواند با پیش‌پرداخت (مبلغی نزدیک به ۵ میلیون دلار) از سوی نیروی هوایی ایران و افتتاح یک صندوق امانی جدید عملی شود.

راه حل‌های درازمدت‌تر

- ۱- دولت ایالات متحده معتقد است که توانایی نظامی کافی برای رسیدن به اهداف دفاعی ملی به نفع و مصلحت ایران است، و نکته نهفته در این منافع آن است که دولت ایالات متحده نیز باید قطعات یدکی و اقلام دیگر را در پشتیبانی از سیستم‌های تسلیحاتی ایران به این کشور بفروشد.
- ۲- با وجود این، تا زمانی که صندوق امانی در خطر ناتوانی از پرداخت دیونش باشد،

قانون آمریکا فروش به کشورهای دیگر را منع می‌کند. علاوه بر این، طبق قوانین آمریکا، پیش‌پرداخت امری ضروری است.

۳- احتمالاً قراردادهای جدیدی باید بسته شود.

الف- می‌توان شرایط این قراردادهای جدید را مورد مذاکره قرار داد.

۴- قراردادهای جدید به تعیین سیاست و تخصیص منابع مالی نیازمند است.

۵- دولت ایالات متحده از تبادل اطلاعات و گفتگو در اسرع وقت استقبال می‌کند.

۶- ما از انجام مذاکرات توسط نمایندگان ایران در واشنگتن، یعنی جایی که اطلاعات و دانش بیشتری از سوی دولت ایالات متحده می‌تواند در اختیار آنها قرار گیرد، بیشتر استقبال می‌کنیم تا در ایران. ما درخواست اطلاعات بیشتری درباره وضعیت خریدهای نظامی خارجی و صندوق امانی دولت ایران کرده‌ایم تا بتوانیم به سوالات دولت ایران بهتر پاسخ دهیم. با وجود این، سفر نمایندگان دولت ایران به واشنگتن بسیار مطلوب خواهد بود. چنانچه سفر آنها به واشنگتن میسر نباشد، ما در اینجا تلاش‌هایمان را چند برابر خواهیم کرد.

سند شماره ۱۵۸

۱۲ ژوئیه ۱۹۷۹ - ۲۱ تیر ۱۳۵۸

محرمانه

به: سفارت آمریکا، ایران - فوری

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی

موضوع: قطعات نظامی غیر حساس

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- آگاه، کاردار ایران، در مورخه ۱۱ ژوئیه تماس گرفت تا در پی دستورات یزدی، وزیر امور خارجه، سئوالاتی درباره تأمین قطعات یدکی برای نیروهای هوایی ایران مطرح کند. آگاه گفت ایرانی‌ها علاقمند به سه گروه از این قطعات یدکی هستند:

- قطعاتی که ایران قبلاً هزینه آنها را پرداخته است.
- قطعاتی که ایران مایل است تحت حساب جدید که بعداً افتتاح خواهد شد، سفارش دهد.
- قطعات هواپیماهای ۷۴۷ که برای تعمیر به آمریکا فرستاده شده ولی هنوز به ایران ارسال نشده است.

معاون وزیر مشکل فقدان اعتبار لازم در صندوق امانی برای تسویه دیون را مطرح ساخت و توضیح داد که رأی مثبت کنگره در مورد ناوشکن‌های اسپراونس می‌تواند قدری از فشارهای مالی بکاهد. معاون وزیر گفت که امیدوار بودیم کمیته کنگره لایحه تخصیص بودجه را در تاریخ ۱۰ ژوئیه تصویب کند ولی بحث و بررسی‌ها تا ۱۱ ژوئیه ادامه پیدا کرد. چنانچه کمیته فوق خرید کشتی‌های سفارش ایران را توصیه کند، آنگاه این مسئله باید به طور جداگانه در مجلس نمایندگان و سنا به رأی گذاشته شود. ممکن است این رأی‌گیری ظرف مدت یک هفته انجام شود.

۳- چنانچه کنگره فشارهای مالی وارد بر صندوق امانی را بردارد، آنگاه موانع رفع توقیف



قطعات یدکی برای ایران می‌تواند برداشته شود. معاون وزیر معتقد بود که در صورت تحقق چنین امری در موقعیتی قرار خواهیم گرفت که می‌توانیم قطعات سفارش شده‌ای که ایران از قبل هزینه آنها را پرداخت کرده است، به ایران ارسال کنیم و حساب جدیدی برای فروش قطعات یدکی به نیروی هوایی و همچنین نیروی دریایی و واحد هلیکوپتری آن افتتاح کنیم.

۴- در چنین شرایطی، ارتش ایران باید فهرستی از اولویت‌های تجهیزاتی‌اش را که مایل به دریافت آنهاست، تهیه و ابلاغ نماید. مثلاً اگر تایر هواپیما در فهرست اقلام مجاز و قابل ارسال نیست ولی برای ایران اولویت دارد، این کشور می‌تواند سریعاً سفارش خرید آن را بدهد. ارتش ایران باید کاملاً اقلام مورد نیاز خود را مشخص نماید.

۵- دوم اینکه ایرانی‌ها باید برای حمل قطعات یدکی به ایران توسط یک شرکت حمل و نقل هوایی ترتیبات لازم را بدهند. چنانچه ایرانی‌ها هنوز با شرکت به‌رینگ مشکل دارند، باید ترتیبی برای رفع موانع موجود بیندیشند.

۶- خلاصه اینکه، معاون وزیر گفت ممنوعیت تحویل قطعات یدکی به دلیل نبود اعتبار کافی در صندوق امانی برای تسویه دیون است و اینکه کنگره دارد مسئله خرید ناوشکن‌های اسپراونس را بررسی می‌کند. معاون وزیر همچنین تأکید کرد که آمریکا مایل است ایران را در جریان کامل آخرین تحولات صندوق امانی قرار دهد و در ماه جاری گزارشی در خصوص وضعیت صندوق به ایران ارسال کند. او همچنین از مقامات ارتش ایران دعوت کرد که برای جلسات توجیهی به آمریکا سفر کنند.

۷- معاون وزیر در خصوص قطعات تعمیری هواپیماهای ۷۴۷ گفت اطلاعی در این باره ندارد. هنوز روشن نبود که تجهیزات ایرانی در دست شرکت بوئینگ است یا نیروی هوایی آمریکا. معاون وزیر پیشنهاد کرد مقامات نظامی ایران برای اطلاع از جزئیات مسئله با سفارت تماس بگیرند.

ونس

سند شماره ۱۵۹

بدون طبقه‌بندی
از: وزارت دفاع، واشنگتن دی.سی.
مرجع: الف- گزارش سرهنگ پتی در ماه می ۱۹۷۹، ب- وزارت دفاع ۱۱۲۰۲۲ از - ۱۱ ژوئیه ۱۹۷۹، با موضوع احتمال سفر هیأت ایرانی برای شرکت در کنفرانس ایالات متحده، پ- هیأت مستشاری نظامی ۰۹۱۱۵۷ ز - ۹ ژوئیه ۱۹۷۹، با موضوع یادداشت تفاهم و صندوق امانی



موضوع: وضعیت صندوق امانی و پیش‌بینی‌ها

۱- بدینوسیله آخرین اطلاعات مربوط به صندوق امانی ایران و اقدامات انجام شده در ارتباط با یادداشت تفاهم مورخ ۳ فوریه ۱۹۷۹ از تاریخ ۳۰ ژوئن ۱۹۷۹ به همراه پیش‌بینی

روابط نظامی ایران و آمریکا ۴۰۳

وضعیت برای باقیمانده سال ۱۹۷۹ ارایه می‌گردد. قالب اطلاعات مشابه با اسلایدهای مربوطه در گزارش ماه می ۱۹۷۹ سرهنگ پتی درباره صندوق امانی و یادداشت تفاهم است.

الف- آخرین اطلاعات مربوط به صندوق امانی (به میلیون دلار):

برداشت‌ها از تاریخ ۳ فوریه تا ۳۰ ژوئن ۱۹۷۹

برداشت‌ها	موجودی
۶۳۹/۹	موجودی در ۳ فوریه ۱۹۷۹
۳۰۰/۳	برنامه‌هایی که ادامه یافت
۱۲۲/۴	برنامه‌هایی که خاتمه یافت
۲۱۰/۷	برنامه‌هایی که ادامه یافت تا زمانی که اقلام آن به مشتری دیگری فروخته شد
۶۳۳/۴	جمع کل
۶/۵	کل موجودی پایان دوره

استرداد مبالغ به صندوق امانی ایران با یادداشت تفاهم از تاریخ ۳ فوریه تا ۳۰ ژوئن ۱۹۷۹

مبالغ مسترد	موجودی
۶/۵	شده
۶/۵	موجودی مانده از قبل
۳۵/۸	فروش به مشتریان آمریکایی و استرداد سرمایه‌گذاری ایران
۴۳/۹	فروش به سایر مشتریان خریدهای نظامی خارجی
۱۴/۶	استرداد مازاد مبالغ پیش‌پرداخت شده در قبال تعهدات ایران
۹۴/۳	جمع کل
۱۰۰/۸	موجودی در تاریخ ۳۰ ژوئن ۱۹۷۹

وضعیت صندوق امانی ایران در سال تقویمی ۱۹۷۹

(بر اساس کل اقدامات انجام شده، بدون در نظر گرفتن مبالغ مربوط به بودجه تکمیلی وزارت دفاع ایالات متحده)

۳ فوریه -	۱ ژوئیه -	۱ اکتبر -	
۳۰ ژوئن	۳۰ سپتامبر	۳۱ دسامبر	
۶۳۹/۹	۱۰۰/۸	۱۰۱/۶	موجودی شروع دوره
۶۳۳/۴	۲۸۰/۹	۲۲۰/۴	برداشت‌ها
۹۴/۳	۷۸/۵	۵۹/۰	استرداد به صندوق
۱۰۰/۸	(-۱۰۱/۶)	(-۲۶۳/۰)	موجودی پایان دوره

وضعیت صندوق امانی ایران در سال تقویمی ۱۹۷۹

(با در نظر گرفتن تصویب نهایی مبالغ مربوط به بودجه تکمیلی وزارت دفاع ایالات متحده)

۱ ژوئیه -	۱ اکتبر -	
۳۰ سپتامبر	۳۱ دسامبر	
۱۰۰/۸	۴۲۸/۴	موجودی شروع دوره
۲۵۰/۹	۱۵۰/۴	برداشته‌ها
۵۷۸/۵	۸۹/۰	استرداد به صندوق
۵۰۰/۰	نگاه‌کنید	بودجه تکمیلی برای ۴ کشتی CG-993
۷۸/۵	۵۹/۰	فروش اقلام به سایر مشتریان
۴۲۸/۴	۳۳۷/۰	موجودی پایان دوره

توضیح: ممکن است بعد از تاریخ ۱ ژانویه ۱۹۸۰ مبالغ بیشتری به صندوق واریز شود.

با تخصیص بودجه تکمیلی نهایی وزارت دفاع (از جمله خرید دو کشتی باقیمانده CG-993 از سوی نیروی دریایی) و فروش احتمالی به سایر خریداران برنامه خریدهای نظامی خارجی

۱ ژوئیه -	۱ اکتبر -	
۳۰ سپتامبر	۳۱ دسامبر	
۱۰۰/۸	۴۲۸/۴	موجودی شروع دوره
۲۵۰/۹	۱۴۱/۰	برداشته‌ها
۵۷۸/۵	۱۴۲/۰	استرداد به صندوق
۵۰۰/۰	نگاه‌کنید	بودجه تکمیلی برای ۴ کشتی CG-993
۷۸/۵	۵۹/۰	فروش اقلام به سایر مشتریان
۰	۵۳/۰	فروش اضافی احتمالی اقلام به سایر مشتریان خریدهای نظامی
۴۲۸/۴	۳۹۹/۴	موجودی پایان دوره

توضیح: ممکن است بعد از تاریخ ۱ ژانویه ۱۹۸۰ مبالغ بیشتری به صندوق واریز شود.

ب- آخرین اطلاعات در ارتباط با برخی اقلام قید شده در یادداشت تفاهم (به میلیون دلار)

۱۶- اف برداشته‌ها از صندوق امانی

۲۳/۰	پیش از ۳ فوریه ۱۹۷۹
۲۷/۳	از ۳ فوریه تا ۳۰ ژوئن ۱۹۷۹
۴۵/۰	برآورد برداشته‌های آتی

استرداد مبالغ به صندوق امانی

۳۷/۶	از ۳ فوریه تا ۳۰ ژوئن
۱۰/۰	از خریداران شناسایی شده
۲۰/۰	از خریداران بالقوه

برداشت‌ها از صندوق امانی

کشتی‌های CG-

993

۵۸۰/۰	پیش از ۳ فوریه ۱۹۷۹
۸۸/۶	از ۳ فوریه تا ۳۰ ژوئن ۱۹۷۹
۶/۲	برآورد برداشت‌های آتی

استرداد مبالغ به صندوق امانی

۰	از ۳ فوریه تا ۳۰ ژوئن
۵۰۰/۰	از خریداران شناسایی شده
ر.ک. توضیح	از خریداران بالقوه

توضیح: این مبالغ همگی تقریبی هستند. برداشت وجه از صندوق امانی در طول ماه ژوئن کمتر از انتظار بود.

بنابراین، مبلغ کمتری به صندوق باز خواهد گشت. با توجه به خرید احتمالی هر چهار کشتی از سوی نیروی دریایی ایالات متحده در ماه ژوئیه، به جای فقط دو تا کشتی در ماه اکتبر، برداشت کمتری از صندوق صورت می‌گیرد و در نتیجه مبالغ کمتری نیز به آن مسترد خواهد شد.

برداشت‌ها از صندوق امانی

موشک‌های

هارپون

۴۵/۲	پیش از ۳ فوریه ۱۹۷۹
۱۵/۰	از ۳ فوریه تا ۳۰ ژوئن ۱۹۷۹
۲۵/۰	برآورد برداشت‌های آتی

استرداد مبالغ به صندوق امانی

۰	از ۳ فوریه تا ۳۰ ژوئن
۰	از خریداران شناسایی شده
۰	از خریداران بالقوه

توضیح: موشک‌های فوق بخشی از بودجه تکمیلی وزارت دفاع را تشکیل می‌داد ولی خرید آنها تصویب نشد. از نیروی دریایی ایالات متحده خواسته‌ایم تا امکان فروش این اقلام را به

مشتریان دیگر برنامه خریدهای نظامی خارجی و برنامه‌ریزی مجدد نیروی دریایی برای این اقلام اعلام کند.

برداشت‌ها از صندوق امانی	برنامه هواپیمایی ارتش
۱۹۹/۷	پیش از ۳ فوریه ۱۹۷۹
۵۴/۶	از ۳ فوریه تا ۳۰ ژوئن ۱۹۷۹
۴۰/۰	برآورد برداشت‌های آتی
استرداد مبالغ به صندوق امانی	
•	از ۳ فوریه تا ۳۰ ژوئن
•	از خریداران شناسایی شده
•	از خریداران بالقوه
برداشت‌ها از صندوق امانی	اژدرهای MK-46
۳۵/۸	پیش از ۳ فوریه ۱۹۷۹
•	از ۳ فوریه تا ۳۰ ژوئن ۱۹۷۹
۰/۳	برآورد برداشت‌های آتی
استرداد مبالغ به صندوق امانی	
۱۲/۰	از ۳ فوریه تا ۳۰ ژوئن
۲/۱	از خریداران شناسایی شده
۷/۴	از خریداران بالقوه
برداشت‌ها از صندوق امانی	M113 APC
۱/۸	۳ فوریه ۱۹۷۹
۰/۵	از ۳ فوریه تا ۳۰ ژوئن ۱۹۷۹
•	برآورد برداشت‌های آتی
استرداد مبالغ به صندوق امانی	
۱/۴	از ۳ فوریه تا ۳۰ ژوئن
۰/۴	از خریداران شناسایی شده
•	از خریداران بالقوه

برداشت‌ها از صندوق امانی

کامیون‌های

M825

- ۰/۵ پیش از ۳ فوریه ۱۹۷۹
- از ۳ فوریه تا ۳۰ ژوئن ۱۹۷۹
- برآورد برداشت‌های آتی

استرداد مبالغ به صندوق امانی

- ۰/۳ از ۳ فوریه تا ۳۰ ژوئن
- ۰/۲ از خریداران شناسایی شده
- از خریداران بالقوه

برداشت‌ها از صندوق امانی

مهمات

توپ‌های

۱۷۵ م.م

- ۱/۵ پیش از ۳ فوریه ۱۹۷۹
- ۳/۷ از ۳ فوریه تا ۳۰ ژوئن ۱۹۷۹
- برآورد برداشت‌های آتی

استرداد مبالغ به صندوق امانی

- ۲/۶ از ۳ فوریه تا ۳۰ ژوئن
- ۲/۶ از خریداران شناسایی شده
- از خریداران بالقوه

برداشت‌ها از صندوق امانی

موشک‌های

AIM-7F

- ۸/۸ پیش از ۳ فوریه ۱۹۷۹
- ۳/۹ از ۳ فوریه تا ۳۰ ژوئن ۱۹۷۹
- برآورد برداشت‌های آتی

استرداد مبالغ به صندوق امانی

- ۶/۶ از ۳ فوریه تا ۳۰ ژوئن
- از خریداران شناسایی شده
- از خریداران بالقوه

برداشت‌ها از صندوق امانی

هوایماهای

آ.راف-۴ ای

۳۸/۰	پیش از ۳ فوریه ۱۹۷۹
۱۸/۴	از ۳ فوریه تا ۳۰ ژوئن ۱۹۷۹
۱۵/۰	برآورد برداشت‌های آتی

استرداد مبالغ به صندوق امانی

۰	از ۳ فوریه تا ۳۰ ژوئن
۰	از خریداران شناسایی شده
۳۱-۲۹	از خریداران بالقوه

توضیح: تلاش زیادی مبذول داشته‌ایم تا فهرست کاملی از تمامی قطعات تولید شده آ.راف-۴ ای به دست پیمانکاران فرعی و غیره تهیه کنیم تا بتوانیم فروش احتمالی این قطعات را مد نظر قرار دهیم. برآورد اولیه برگشت هزینه مبلغی بالغ بر ۱۵-۱۸ میلیون دلار است. فروش مجدد احتمالی ۲۴ موتور هوایمای آ.راف-۴ ای نیز می‌تواند ۱۳ میلیون دلار دیگر به صندوق امانی بازگرداند.

پ- علاوه بر مبلغی که بابت فروش احتمالی قطعات و موتورهای آ.راف-۴ ای به صندوق امانی مسترد خواهد شد، در حال بررسی احتمال فروش مجدد ۵۸ ALQ-119 ECM PODS هستیم که مبلغی بالغ بر ۱۰ تا ۱۵ میلیون دلار برای PODS و مبالغی اضافی را بابت قطعات یدکی و تجهیزات آزمایشی به صندوق بازخواهد گرداند.

ت- سایر مبالغی که به صندوق امانی بازگردانده شد، عبارتند از:

قراردادهای لجستیکی COOP	۱۹/۲ میلیون دلار
بازگرداندن مبالغی که اضافه پرداخت شده بود	۱۴/۶ میلیون دلار

سند شماره ۱۶۰

محرمانه

۲۳ ژوئیه ۱۹۷۹ - ۱ مرداد ۱۳۵۸

از: دفتر وابسته دفاعی، تهران

به: آژانس اطلاعات دفاعی، واشنگتن دی.سی

موضوع: تحولات ساختار فرماندهی نیروی دریایی ایران

منبع: وابسته نظامی خارجی

خلاصه: این گزارش درباره تحولات اخیر در ساختار فرماندهی نیروی دریایی ایران است. مشروح گزارش: (محرمانه)- در تاریخ ۲۳ ژوئیه، منبع گزارشگر به ساختمان ستاد نیروی دریایی ایران رفت، و اطلاعات زیر را به دست آورد که آن را به دفتر ارسال داشت. دریادار مدنی، رئیس ستاد نیروی دریایی و استاندار خوزستان، از پست فرماندهی‌اش استعفا داده است،



ولی سمت استانداری خوزستان را همچنان حفظ کرده است. جانشین او دریادار پرویز بیگلری است. طبق گزارش‌ها، دریادار بیگلری قبلاً در نیروی دریایی دریابان بوده ولی حالا با درجه دریاداری به خدمت فراخوانده شده است. جانشین رئیس ستاد نیروی دریایی، دریادار علوی، از پُست خود عزل شده و اطلاع یافته‌ایم که در حال حاضر جانشینی برای او تعیین نشده است. فرمانده جدید ناوگان نیروی دریایی دریادار دیهیمی است. فرمانده اطلاعات نیروی دریایی نیز ناخدا سنایی است (که به تازگی ارتقای درجه یافته است). نفر دوم فرماندهی اطلاعات در نیروی دریایی ناخدا سوم نامجویی است.

نظرات تهیه‌کننده گزارش: (محرمانه) از نظر ما تحولات کنونی در فرماندهی عالی نیروی دریایی در واقع سرآغاز موج جدیدی از تحولات است که ریاحی، وزیر دفاع، در درون ارتش ایجاد خواهد کرد. با توجه به مشکلاتی که در نیروی هوایی وجود دارد، از نظر ما منطقی‌تر گزینه بعدی برای بازنشستگی تیمسار ایمانیان است. احتمالاً ریاحی به دنبال مردانی است که بتواند به آنها اعتماد کند و حامی سرسخت سیاست‌هایش باشند و از تلاش‌های او برای جان بخشیدن به ارتش ایران متابعت کنند.

سند شماره ۱۶۱



۲۳ ژوئیه ۱۹۷۹ - ۱ مرداد ۱۳۵۸

بدون طبقه‌بندی

به: وزارت دفاع، واشنگتن دی.سی

از: هیأت مستشاری نظامی، تهران

مرجع: الف - وزارت دفاع ASD-ISA ۱۶۱۷۱۵ از - ۱۶ ژوئیه ۱۹۷۹ با موضوع فوق، ب -

گزارش سرهنگ پتی درباره وضعیت صندوق امانی - می ۱۹۷۹، پ - هیأت مستشاری -

۲۸ ژوئن ۱۹۷۹ با موضوع صندوق امانی خریدهای نظامی خارجی ایران

موضوع: وضعیت صندوق امانی موقت و پیش‌بینی‌ها

۱- مرجع الف آخرین اطلاعات موجود درباره صندوق امانی ایران و اقدامات انجام شده در ارتباط با یادداشت تفاهم مورخ ۳ فوریه را از تاریخ ۳۰ ژوئن، به همراه پیش‌بینی وضعیت تا پایان سال ۱۹۷۹ ارائه داده است. مرجع ب حاوی گزارش سرهنگ پتی درباره صندوق امانی است که در اواخر ماه می ۱۹۷۹ ارائه شد. مرجع پ یکی از چندین تلکس هیأت مستشاری است که در آن درخواست قالب‌های مختلف برای اطلاعات و ارائه اطلاعات تفصیلی درباره وضعیت موجود برای ارائه به مقامات دولت موقت ایران و اطلاع کاردار و رئیس هیأت مستشاری مطرح شده است.

۲- نتوانسته‌ایم اطلاعات مندرج در مرجع الف را با مرجع ب منطبق و تکمیل کنیم و اطلاعات به روز شده‌ای به دولت موقت ایران ارائه دهیم. به نظر می‌رسد اطلاعات مندرج در مرجع الف دارای ایراداتی است. ما به اطلاعاتی نیاز داریم که با استفاده از آن بتوانیم گزارشی تهیه کنیم که نیاز دولت موقت ایران را برطرف سازد.

۳- در مرجع ب ۳۳ قلم از لوازم عمدۀ مورد اشاره قرار گرفته است. مرجع الف اطلاعات جدیدی در ارتباط با فقط ۱۱ قلم از لوازم مزبور ارایه می‌دهد. البته درک می‌کنیم که شاید هیچ تغییری در وضعیت ۲۲ قلم لوازم دیگر حاصل نشده باشد؛ با وجود این، هنوز نمی‌توانیم دلیلی برای ناهمخوانی‌هایی که در مبالغ دلاری پیش‌بینی شده مشاهده می‌کنیم، بیابیم و حدس می‌زنیم که شاید این ناهمخوانی‌ها به ۲۲ قلم باقیمانده که گزارشی از آن به دستمان نرسیده است، مربوط باشد.

۴- برای توجیه تغییراتی که در اطلاعات ارسالی در مرجع الف رخ داده است، باید متن پیام به روز شود. بدون داشتن دلایل و حقایق نخواهیم توانست پاسخی برای سئوالات ارایه دهیم. در زیر مواردی که نیاز به توضیحات بیشتر دارد برایتان ارسال می‌گردد. البته هر اطلاعاتی مربوط به این موارد می‌تواند مفید باشد.

الف- برنامه PEACE ZEBRA (هوایماهای اف-۱۶): آخرین اطلاعاتی که در ارتباط با یادداشت تفاهم به دستمان رسیده است حکایت از آن دارد که مبلغ ۹/۸ میلیون دلار از مبلغ پیش‌بینی شده برای برداشت‌های آتی کاهش یافته است. لطفاً دلیل این کاهش را توضیح دهید.

ب- هوایماهای آر اف-۴ ای: در مرجع الف کل مبلغ پیش‌بینی شده بابت غرامت مبلغ جدید ۷۱/۴ میلیون دلار و مبلغ احتمالی قابل استرداد به صندوق بالغ بر ۲۶ تا ۳۱ میلیون دلار قید شده است. با وجود این، گزارشی که ماه ژوئن ۱۹۷۹ در ارتباط با اقدامات نیروی هوایی ایالات متحده به دستمان رسیده است (DSAA: (AR) 1135) حداکثر مبلغ برداشتی از صندوق امانی را ۹۶/۸ میلیون دلار نشان می‌دهد. لطفاً در این ارتباط توضیح دهید.

پ- کشتی‌های CG-993: مرجع الف بیان می‌کند که کاهش برداشت [غرامت] از صندوق منجر به کاهش مبالغ قابل استرداد به آن خواهد شد. مرجع الف نشان می‌دهد که مبلغ قابل برداشت به میزان ۳۲/۵ میلیون دلار نسبت به آمار و ارقام ماه می کاهش یافته است. با وجود این، مبالغ قابل استرداد به صندوق به میزان ۶۰ میلیون دلار کاهش یافته است. لطفاً درباره اختلاف ۲۷/۵ میلیون دلاری توضیح دهید.

ت- موشک‌های هارپون: مرجع الف بیانگر افزایش برداشت‌ها به میزان ۱۱/۹ میلیون دلار تا پایان ماه ژوئن است و فقط ۴/۰ میلیون دلار کاهش را در پیش‌بینی برداشت‌ها نشان می‌دهد. لطفاً علت افزایش ۷/۹ میلیون دلاری را در کل برداشت‌های قابل انتظار توضیح دهید.

ث- اژدهای ام.کی-۴۶: چرا مبالغ قابل استرداد به صندوق امانی از ۳۶ میلیون دلار به ۲۱/۵ میلیون دلار تغییر کرده است و چشم‌انداز بالقوه فروش این موشک‌ها چیست؟ چنانچه خریداری برای آنها پیدا نشود، چه تصمیمی برای آنها گرفته خواهد شد؟

ج- موشک‌های اسپارو: لطفاً مشکل کاهش برداشت‌ها و مبالغ قابل استرداد به صندوق امانی را توضیح دهید. چرا اختلاف بین مبالغ برداشتی و مبالغ قابل استرداد به صندوق افزایش یافته است؟

چ- ACQ-119 ECM PODS: مرجع الف نشان دهنده تلاش برای فروش همه اقلام و استرداد

مبلغ ۲۳/۰ میلیون دلار به صندوق امانی است، ولی گزارش شماره ۱۱۳۵ مورخ ژوئن بیانگر فروش بالقوه فقط ۳۶ PODS است. لطفاً توضیح دهید چنانچه فقط ۳۶ عدد PODS به فروش برسد، چه تصمیمی برای مابقی آنها گرفته خواهد شد.

ح- M113 APC: از تاریخ ۱۱ می ۱۹۷۹ تا ۳۰ ژوئن مبلغ ۰/۵ میلیون دلار بابت این اقلام از صندوق امانی برداشت شده است. خواهشمند است این مورد را توضیح دهید، زیرا در گزارش قبلی به شماره USASAC DSAA (AR) 1135 مورخ ۱۵ ژوئن ۱۹۷۹ هیچگونه برداشتی پیش‌بینی نشده نبود.

خ- پشتیبانی هلیکوپترها: از تاریخ ۱۱ می تا ۳۰ ژوئن ۱۹۷۹ مبلغ ۹/۳ میلیون دلار بابت این اقلام از صندوق امانی برداشت شده است. لطفاً ریز مبالغی را که بابت هر مورد از صندوق برداشت شده است (یعنی هزینه جابجایی نیروها، ادعای خسارت به شرکت و اموال نیروها، و غیره) قید کنید.

۵- در مرجع الف، جدول شماره ۵ با عنوان «با در نظر گرفتن تصویب (قطعی) کل بودجه تکمیلی وزارت دفاع (به میلیون دلار)» بیانگر مبلغ مسترد شده‌ای برابر با ۸۹/۰ میلیون دلار از تاریخ ۱ اکتبر تا ۳۱ دسامبر و موجودی پایان دوره‌ای برابر با ۳۳۷/۰ میلیون دلار است. هنوز نمی‌دانیم آیا باید میزان استرداد مبالغ را ۵۹/۰ میلیون دلار بخوانیم و یا موجودی پایان دوره را باید ۳۶۷ میلیون دلار بدانیم.

۶- همین ایراد در مرجع الف، و در جدولی با عنوان «با تخصیص بودجه تکمیلی نهایی وزارت دفاع (از جمله خرید دو کشتی باقیمانده CG-993 از سوی نیروی دریایی)، و فروش احتمالی به سایر خریداران برنامه خریدهای نظامی خارجی (به میلیون دلار)» وجود دارد. مبالغ مسترد شده از تاریخ ۱ اکتبر تا ۳۱ دسامبر بالغ بر ۱۴۲/۰ میلیون دلار و موجودی پایان دوره صندوق بالغ بر ۳۹۹/۴ میلیون دلار است. طبق محاسبات ما، مبالغ قابل استرداد باید ۱۱۲/۰ میلیون دلار و موجودی پایان دوره باید ۴۲۹/۴ میلیون دلار باشد. ما معتقدیم موجودی پایان دوره باید ۴۲۹/۴ میلیون دلار باشد. این مبلغ بر اساس محاسباتی است که از اعداد و ارقام همه جداول به دست آمده است.

۷- لطفاً هزینه‌های خاتمه قرارداد را تا جایی که امکان دارد به طور مفصل برای هر مورد ذکر کنید.

۸- مرجع پ که در تاریخ ۲۸ ژوئن ۱۹۷۹ ارسال شده است در ارتباط با ملاقات بین سرهنگ دیویس (از هیأت مستشاری نظامی) و سرهنگ کامکار (معاون وزارت دفاع ملی ایران) بود، و در آن به دلمشغولی سرهنگ کامکار از فقدان اطلاعات مفصل درباره وضعیت دقیق صندوق امانی اشاره شده بود. مرجع پ نیز هفت مورد خاص را در صورتحساب هزینه‌های ماه مارس خاطر نشان می‌کرد که نیاز به توضیحات بیشتری داشت. پیش از آنکه بخواهیم گزارشی به دولت ایران ارائه دهیم، باید پاسخ سئوالات فوق را داشته باشیم.

۹- امیدواریم نیاز مبرم ما را به اطلاعات درک نمایید. گاست

سند شماره ۱۶۲

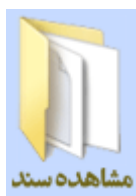


محرمانه
از: اداره حقوقی وزارت امور خارجه - ۳۴۶۲/۱۸
به: سفارت آمریکا، ایران
[موضوع]: نامه دولت موقت به سفارت آمریکا درباره خریدهای نظامی
یادداشت

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران تعارفات خود را به سفارت ایالات متحده آمریکا اظهار و با اشاره به برنامه خریدهای نظامی ایران احتراماً علاقمندی دولت موقت جمهوری اسلامی ایران را به دریافت وسائل و خدمات زیر طبق قراردادهای منعقد شده به اطلاع می‌رساند:

- ۱- ۳۰ عدد لوله یدکی توپ ۱۷۵ م.م.
 - ۲- خودروهایی ام-۱۵۱ و ام-۱۵۲
 - ۳- تجهیزات ش.م.ر.
 - ۴- ۹۹ دستگاه جیب
 - ۵- قطعات و لوازم یدکی برای کلیه وسائل موجود در صورت لزوم.
 - ۶- ۸ فرزند هواپیمای آر.اف-۴ ای با لوازم مربوطه
 - ۷- بهسازی هواپیماهای سی-۱۳۰
 - ۸- بهسازی هواپیماهای اف-۴
 - ۹- آموزش پشتیبانی و قطعات یدکی برای کلیه وسائل موجود در صورت لزوم
 - ۱۰- ۹۶ عدد موشک هارپون
 - ۱۱- ۴ دستگاه قایق LCM-6
 - ۱۲- آموزش پشتیبانی قطعات و لوازم یدکی کلیه وسائل موجود در صورت لزوم
- موقع را برای تجدید احترامات فائقه مغتنم می‌شمارد

سند شماره ۱۶۳



۲۳ ژوئیه ۱۹۷۹ - ۱ مرداد ۱۳۵۸
از: هیأت مستشاری نظامی آمریکا، تهران
به: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی
موضوع: سیاست دولت موقت ایران در ارتباط با برنامه پشتیبانی نظامی دولت آمریکا
۱- (بدون طبقه‌بندی) در روز ۱۸ ژوئیه ۱۹۷۹، سرلشگر گاست از هیأت مستشاری نظامی، از طریق تماسی تلفنی از سرهنگ جذبی، از معاونت لجستیکی نیروی هوایی اسلامی ایران، اطلاع یافت که به طور رسمی به آنها ابلاغ شده است دولت ایران خواهان از سرگیری و ادامه دریافت پشتیبانی لجستیک از دولت آمریکاست. سرهنگ جذبی درخواست کرد که یکی از نمایندگان

دولت آمریکا با او ملاقات کند تا درباره پیامدهای این تحول جدید با یکدیگر گفتگو کنند. در همان موقع سرهنگ دوم رینکر، افسر لجستیک نیروی هوایی آمریکا، در دوشان تپه بود و برای گفتگو با سرهنگ جذبی درباره سیاست جدید دولت ایران به ملاقات او رفت. در کنار سرهنگ جذبی، یک سرهنگ دیگر نیز به نام ضرابی حضور داشت. قرار است سرهنگ ضرابی تا دو هفته دیگر (زمان تقریبی است) به هیأت خرید ایران در نیویورک بیوندد.

۲- (بدون طبقه‌بندی) افسران ایرانی اطلاعات زیر را در اختیار ما گذاشتند:

الف- (محرمانه) در روز ۱۷ ژوئیه جلسه‌ای با حضور وزیر امور خارجه ایران برگزار شد (فهرست حاضرین در جلسه مشخص نیست). موضوعاتی که در این جلسه مطرح شد شامل شرایط اجرای برنامه پشتیبانی و مشکلات آن بود. نتیجه این مباحثات آن بود که پشتیبانی تدارکاتی از سیستم‌های تسلیحاتی دولت ایران امری ضروری است، ولی این پشتیبانی باید فقط در حوزه تأمین ساز و برگ باشد، و نباید نفرات یا متخصصی در این برنامه‌ها گنجانده شود. (توضیح: در صحبتی که بعد از آن با منشی بخش نیروی هوایی که در آن جلسه حضور داشت انجام شد، او اطلاع داد که از گفتگوی فارسی سرهنگ ضرابی و سرهنگ جذبی درباره «متخصصین» فهمیده است که دکتر یزدی، وزیر امور خارجه ایران، در جلسه ۱۷ ژوئیه گفته بود که به حدود ۸ متخصص نیاز است، ولی ترجیحاً هیچکدام نباید آمریکایی باشند.

ب- (محرمانه) وقتی در مورد معنای «کلیه سیستم‌های تسلیحاتی» سؤال شد، پاسخ کاملاً واضح این بود که اف-۱۴ها مشمول آن نمی‌شوند. (هیچ توضیح دیگری داده نشد).

پ- (بدون طبقه‌بندی) سرهنگ ضرابی گفت یکی از نگرانی‌های دولت ایران بودجه برنامه پشتیبانی است زیرا پول دولت ایران در آمریکا مسدود شده است.

پ- (بدون طبقه‌بندی) هم سرهنگ جذبی و هم سرهنگ ضرابی اظهار داشتند که نیروی هوایی ایران به یک تیم متخصص برای تجزیه و تحلیل مشکلات‌شان نیاز دارد، ولی مشکل اینجاست که ما هنوز منتظر تصمیمات دولت آمریکا هستیم، و تا زمانی که تصمیم دولت به ما ابلاغ نشود، بیشتر از چیزی که هم اکنون داریم انجام می‌دهیم، کاری از دستان ساخته نیست. به آنها گفتیم که هر وقت درخواست کنند به آنها کمک خواهیم کرد، و پیشنهاد کردیم که در طول این مدت از متخصصان خود بخواهند بر روی مشخص کردن نیازمندی‌هایشان کار کنند.

ت- (بدون طبقه‌بندی) سرهنگ دوم رینکر به سرهنگ جذبی و سرهنگ ضرابی گفت مذاکرات فیما بین را به اطلاع ژنرال گاست خواهد رساند، ولی آنها باید یک نامه رسمی در ارتباط با تصمیم جدید و آنچه که به او گفته‌اند به هیأت مستشاری ارسال کنند. آنها نیز گفتند خیلی زود یک نامه رسمی برای هیأت مستشاری خواهند فرستاد.

ث- (بدون طبقه‌بندی) در اینجا جلسه پایان یافت و سرهنگ دوم رینکر آنجا را ترک کرد. این تلکس فقط جهت اطلاع ارسال شده و هیچ اقدام خاصی لازم نیست.

سند شماره ۱۶۴

۲۵ ژوئیه ۱۹۷۹ - ۳ مرداد ۱۳۵۸

محرمانه

به: سفارت آمریکا، ایران

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی - ۲۶۶۵

موضوع: قطعات یدکی

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- با توجه به رأی مثبت کنگره در خصوص خرید کشتی‌های [اسپراونس]، می‌توانید به دولت موقت ایران اطلاع دهید که حاضریم درخواست‌های این کشور را برای سفارش‌های جدید و یا ادامه خریدهای نظامی در چارچوب برنامه خریدهای نظامی خارجی برای قطعات یدکی غیرحساس بپذیریم و آنها را تأمین کنیم.

سفارش اقلام می‌تواند تا سقف مبلغ تقریباً ۵ میلیون دلار برای نیروی هوایی و مبالغ جداگانه‌ای برای برنامه خرید هلیکوپتر و نیروی دریایی صورت گیرد. چنانچه ارتش ایران تمایل به خرید قطعات یدکی برای سایر بخش‌های ارتش را نیز داشته باشد، با کمال میل سفارش آن را بررسی خواهیم کرد.

چنانکه قبلاً گفته شد، فروش‌ها به صورت نقدی و پیش پرداخت صورت خواهد گرفت. سایر جزئیات در تلکس وزارت دفاع خواهد آمد.

۳- همچنین می‌توانید به ایرانی‌ها اطلاع دهید که جهت ارسال قطعاتی که مجوز صدور آنها صادر شده است، اقداماتی خواهیم داشت. وزارت دفاع در خصوص جزئیات مربوط به تحویل این اقلام با هیأت مستشاری در تماس خواهد بود.

۴- وزارت دفاع به زودی پاسخ سئوالاتی را که شما و ژنرال گاست در خصوص وضعیت صندوق امانی پرسیده بودید، ارسال خواهد کرد.

در نظر داریم در اواخر ماه اوت جلسه‌ای توجیهی در مورد وضعیت صندوق امانی برگزار کنیم.

ونس

سند شماره ۱۶۵

۲۶ ژوئیه ۱۹۷۹ - ۴ مرداد ۱۳۵۸

سری

به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی

از: سفارت آمریکا، تهران

مرجع: الف) سفارت ۷۸۳۵، ب) سفارت ۷۴۳۰

موضوع: قراردادهای جدید خریدهای نظامی خارجی و

قطعات یدکی برای نیروهای مسلح ایران

۱- (سری - تمام متن)

۲- کاردار در طول ملاقاتش با یزدی، وزیر امور خارجه ایران، در تاریخ ۲۵ ژوئیه، وضعیت



کنونی قراردادهای جدید خریدهای نظامی خارجی و قطعات یدکی برای نیروهای مسلح ایران را که تا زمان روشن شدن وضعیت توانایی صندوق امانی برای پرداخت بدهی‌ها معوق مانده است، توضیح داد.

کاردار خاطر نشان ساخت که با توجه به تصویب بودجه تکمیلی وزارت دفاع آمریکا، هم اینک می‌توانیم به درخواست ایران برای تقریباً ۵ میلیون دلار قطعات یدکی برای نیروی هوایی ایران و قراردادهای جداگانه بر مبنای پیش‌پرداخت نقدی برای هلیکوپترها و نیروی دریایی ایران رسیدگی کنیم.

علاوه بر این آماده‌ایم درباره قراردادهای دیگر نیز بر مبنای پیش‌پرداخت نقدی مذاکره کنیم. و نهایتاً اینکه کاردار به یزدی گفت آماده‌ایم اقلام تعلیق شده را به ایران ارسال کنیم و ژنرال گاست در ارتباط با جزییات امر با وزارت دفاع ملی وارد مذاکره خواهد شد.

در ارتباط با یادداشت وزارت امور خارجه مورخ ۲۳ ژوئیه (مرجع الف)، کاردار گفت حاضریم به محض دریافت جزییات مربوط به قطعات مورد نظر و وضعیت صندوق امانی وارد مذاکره شویم.

البته او تأکید کرد که نمی‌توانیم تضمین کنیم هر چیزی را که ایران قبلاً سفارش داده است، بلافاصله موجود باشد.

۳- یزدی چند سؤال برای روشن شدن برخی نکات کرد، ولی به جز سئوالات مشخصی که درباره وضعیت هواپیماهای ۷۴۷ و سایر قطعات تعمیراتی (مرجع ب) پرسید، بدون هیچ نظر خاصی توضیحات کاردار را گوش داد.

۴- در روز ۲۶ ژوئیه، کاردار سندی در ارتباط با موضوع قطعات یدکی و آنچه را که می‌توانیم برای از سرگیری ارسال اقلامی که نیروهای ژنرال گاست تهیه دیده بودند، انجام دهیم، تسلیم بایندر، رئیس اداره چهارم سیاسی کرد. بایندر نیز مثل یزدی بدون هیچ نظر خاصی آن را تحویل گرفت و فقط برای روشن شدن چند نکته، سئوالاتی کرد. بایندر بدون شکایت این احتمال را پذیرفت که ممکن است برخی اقلام به دلیل اینکه اقلام تولید شده اولیه برای حفظ موجودی صندوق امانی فروخته شده و یا اینکه آمریکا ابتدا خواهان تضمین امنیت اقلام حساس است، بلافاصله موجود نباشد.

کاردار خاطر نشان ساخت که هر چند ما حاضریم با نمایندگان وزارت امور خارجه و وزارت دفاع ملی ایران بر سر رویه‌ها مذاکره کنیم، از نیروهای وزارت دفاع شنیده‌ایم که از نظر آنها این مذاکرات ضرورتی ندارد. در عین حال، در ارتباط با مذاکره بر سر جزییات حساب‌ها و وضعیت صندوق امانی که در یادداشت ۲۴ ژوئیه وزارت امور خارجه ایران (مرجع الف) درخواست شده بود، باید تا زمان کسب اطلاعات مربوطه، که امیدواریم در ماه اوت به دست بیاید، صبر کرد.

سند شماره ۱۶۶

محرمانه

۲۷ ژوئیه ۱۹۷۹ - ۵ مرداد ۱۳۵۸

از: وزارت دفاع، واشنگتن دی.سی
مرجع: الف- وزارت امور خارجه ۱۱۲۱۲۱ از - ۱۱ ژوئیه ۱۹۷۹ - در خصوص قطعات یدکی نظامی غیرحساس، ب- وزارت دفاع ۱۴۱۶۴۴ از - ۱۴ ژوئیه ۱۹۷۹ - وزیر دفاع در خصوص تأمین قطعات برای نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران، پ- تلکس وزارت دفاع ۱۸۱۵۵۳ از - مورخ ۱۸ ژوئیه ۱۹۷۹ وزیر دفاع در خصوص تعلیق محموله‌های ایران، ت- وزارت امور خارجه ۲۱۲۲۲۶ ز - ۲۱ ژوئیه ۱۹۷۹ - وزیر امور خارجه در خصوص تخصیص بودجه، ث- AFLC/ILC ۳۱۲۰۳۰ ز - ۳۱ می ۱۹۷۹ - در خصوص قطعات قابل تعمیر نیروی هوایی ایران، ج- تهران ۲۳۰۹۴۷ ز - ۲۳ ژوئیه ۱۹۷۹ - در خصوص وضعیت قطعات یدکی موضوع صندوق امانی.

موضوع: تدارک قطعات یدکی برای ایران

این پیام دارای دو بخش است، که بخش دوم برای همه است.

۱- (محرمانه) دولت ایالات متحده علاقه وافری به ایجاد روابط سالم با دولت جدید ایران دارد. به دلایل مهم سیاسی، اقتصادی، و امنیتی ایران همچنان کشوری بسیار مهم برای ایالات متحده محسوب می‌شود. یکی از محورهای اصلی تلاش‌هایمان در ماه‌های آتی برقراری روابطی توأم با احترام و اعتماد متقابل با شخصیت‌های اصلی کشوری و رهبری نظامی ایران خواهد بود. یکی از عناصر اصلی این تلاش برقراری رابطه تدارکاتی نظامی مثبت، هر چند محدود، است.

۲- (محرمانه) البته مشکلات بسیار جدی وجود دارد که مسیر عادی‌سازی روابط دفاعی با ایران را سد خواهد کرد. تکلیف وضعیت مالی صندوق امانی برنامه خریدهای نظامی خارجی هنوز معلوم نیست و ما نیز در موقعیتی نیستیم که بتوانیم ریسک عدم توانایی پرداخت دیون از سوی ایران را در این نوع معاملات بپذیریم. رهبری ایران هنوز به طور قطع جایگاه محکمی نیافته است و پیش‌بینی می‌کنیم که در آینده تغییرات بیشتری در آن رخ دهد. آمریکایی‌ستیزی گسترده در ایران، همکاری آشکار رهبران این کشور را با ایالات متحده دشوار ساخته است. به همین سبب، ما بایم آهسته به پیش‌رویم و عمدتاً در قالب پاسخ به درخواست‌های آنها عمل کنیم. نمی‌خواهیم سریع‌تر از آنچه ایرانی‌ها خودشان می‌خواهند، برای ایجاد روابط به آنها فشار بیاوریم، بلکه قصد داریم نسبت به مشکلات سیاسی شدیدی که گریبانگیر اشخاص متمایل به آمریکا و همچنین آنهایی که خواهان روابط سازنده‌ای با ما هستند، حساسیت نشان دهیم. با وجود این، قصد نداریم به درخواست‌هایی که منجر به تقویت ارتش و در نتیجه دولت می‌شود به طور مثبت و کامل پاسخ دهیم.

۳- (محرمانه) کمک به تقویت ارتش ایران سهم به‌سزایی در ایجاد ثبات در این کشور



خواهد داشت. واضح است که تأمین قطعات یدکی برای حفظ توانایی‌های عملیاتی تجهیزاتی که ایران از ما خریدیده، ضروری است. با توجه به اقدام مثبت کنگره مبنی بر خرید ناوشکن‌های سفارش ایران از محل بودجه تکمیلی سال ۱۹۷۹ وزارت دفاع، هم اینک آماده‌ایم تأمین محدود قطعات یدکی غیر حساس را که برای حفظ توانایی عملیاتی هواپیماهای ایران و سایر تجهیزاتی که از ما خریداری کرده‌اند، ضروری است به ترتیب زیر از سر گیریم.

۴- (محرمانه) چنانکه در پیام‌های قبلی بحث کرده بودیم، هیأت مستشاری نظامی می‌تواند به مقامات ذیربط وزارت دفاع ملی ایران اطلاع دهد که آماده تصویب تقاضانامه‌های جدید و یا ادامه قراردادهای قبلی برای قطعات یدکی غیرحساس برای هر یک از نیروهای نظامی ایران هستیم. به دلیل وضعیت نامشخص صندوق امانی در آینده، ضروری است خریده‌ها به صورت نقدی و پیش پرداخت صورت گیرد.

۵- (محرمانه) متعاقب درخواست ایران، حاضریم نامه پیشنهاد و قبولی را به مبلغ ۵/۵ میلیون دلار برای نیروی هوایی ایران تصویب کنیم، و موارد مشابه نیز پس از دریافت درخواست ایران برای نیروهای زمینی و دریایی بررسی خواهد شد. ما در مورد مبالغ سقف خاصی قایل نیستیم. این مبالغ بیانگر درخواست‌های ایران تا این تاریخ و از سرگیری استفاده از وجوه محدودی بوده است که هنوز برای خریدهای ارتش ایران در دسترس ما قرار دارد. علاوه بر این، مایل نیستیم در شرایطی که وضعیت صندوق امانی برای مدتی بلا تکلیف است، بار مالی زیادی بر این برنامه تحمیل کنیم.

۶- ایرانی‌ها باید بدانند چنانچه صندوق امانی بدهکار شود، ایالات متحده مجبور خواهد شد برای جبران طلب خود، دارایی‌های دولت موقت ایران را در ایالات متحده ضبط کند. این مسئله در مورد بدهی پرداخت نشده‌ی قراردادهای خرید قطعات یدکی جدید نیز صدق خواهد کرد. البته فکر نمی‌کنیم چنین چیزی اتفاق بیفتد، زیرا فروش کشتی‌های اسپراونس تا حدود زیادی مشکلات مالی صندوق امانی را حل خواهد کرد.

۷- حمل قطعات یدکی به محض تهیه آنها و یا اجازه صدور و پس از پرداخت هزینه و برآورده شدن شرایط، صورت خواهد گرفت. ایرانی‌ها باید دقیقاً اطلاع دهند که محموله چگونه باید به آنها تحویل داده شود.

۸- (بدون طبقه‌بندی) علاوه بر این، هیأت مستشاری نظامی باید به وزارت دفاع ملی ایران اطلاع دهد که هر گاه نیروی دریایی آمریکا اولین بخش از پرداخت خود را بابت خرید کشتی‌های اسپراونس به صندوق امانی انجام داد، محموله قطعات غیرحساس موضوع برنامه خریدهای نظامی خارجی که مجوز آنها صادر شده ولی ارسال آنها به حالت تعلیق درآمده و همچنین برخی قطعات دیگر که هزینه آنها پرداخت شده و آماده حمل هستند، به ایران ارسال خواهند شد.

۹- (بدون طبقه‌بندی) در حال حاضر نمی‌توانیم اقلام حساسی نظیر مهمات، ECCM، ZCM

و هارپون را، که البته به این چند قلم محدود نمی‌شود، به ایران ارسال کنیم. برای اطلاع شما، در حال تعیین اقلام حساس هستیم تا بدانید که چه قطعات و تجهیزاتی برای ایران ارسال نخواهد شد. در ابتدا کلیه محموله‌های ارسالی برای ایران فقط شامل قطعات بدون طبقه‌بندی خواهد بود. درخواست برای اقلام طبقه‌بندی شده مورد به مورد بررسی خواهد شد. نظر به مذاکرات آتی در خصوص خرید احتمالی هواپیماهای اف-۱۴ از ایران، فعلاً قصد نداریم از این سیستم پشتیبانی کنیم، مگر در مواردی که برای حفظ آنها ضروری باشد.

۱۰- پیش‌بینی می‌کنیم نیروی دریایی ظرف دو هفته آینده هزینه خرید کشتی‌های اسپراونس را به صندوق امانی پرداخت نماید. در حال تهیه فهرستی از قطعات یدکی هستیم که مجوز ارسال آن صادر گردیده است و اطلاعات فوق را برای هیأت مستشاری نظامی ارسال خواهیم کرد. در این ارتباط نیز ایرانی‌ها باید دقیقاً نحوه حمل قطعات را به ما اطلاع دهند. مثلاً آیا ایران هنوز قصد دارد از شرکت حمل و نقل بین‌المللی به‌رینگ استفاده کند یا خیر؟

۱۱- (محرمانه) کاملاً از مطلوبیت ارایه هر چه سریع‌تر اطلاعات کامل در مورد وضعیت صندوق امانی به ایران آگاه هستیم. به همین سبب سعی می‌کنیم حتی‌المقدور و در اسرع وقت به سئوالاتی که ایرانی‌ها و سفارت و هیأت مستشاری نظامی مطرح ساخته‌اند پاسخ دهیم. ایرانی‌ها باید بدانند پاسخ به سئوالاتی که گاه به خوبی طرح نشده‌اند، دشوار است. کل جامعه مرتبط با برنامه خریدهای نظامی خارجی در تلاش است تا گزارشی کامل و مفصل از کل برنامه خریدهای تسلیحاتی ایران تهیه کند. تکمیل این تلاش گسترده تا اواسط و یا اواخر اوت مقدور نخواهد بود. بزرگی این تلاش را باید با توجه به برنامه ۲۰ میلیارد دلاری معاملات تسلیحاتی خارجی ایران با دامنه وسیع تغییراتی که از صندوق امانی تا اجرای قراردادها در قالب خرید کشورهای ثالث تا هزاران پیمانکار اصلی و فرعی در آن صورت گرفته است، دریافت. حساب و کتاب مربوط به لغو برخی قراردادها ممکن است یک سال یا بیشتر به طول انجامد، زیرا به منظور حفظ منافع دولت آمریکا و ایران، لازم است به ادعاهای مربوط به هر یک از قراردادها رسیدگی شود. ما باید هزینه بسیاری از موارد را برآورد کنیم و مسلماً تغییرات بیشتری در این قراردادها صورت خواهد گرفت. البته در نهایت و حتی‌المقدور در اسرع وقت، تحلیل مورد به مورد قراردادها ممکن خواهد شد. با وجود این، غیرواقعی است که انتظار تهیه گزارش جامعی از آنچه را که قبلاً گزارش سالانه و یا دوره‌ای برنامه معاملات بود، داشته باشیم، چرا که در آن زمان صدها نفر نیروی ایرانی و هیأت مستشاری نظامی در تهیه گزارش‌های ماهیانه و به روز رسانی اطلاعات دست داشتند، در حالی که هم اینک کل سیستم برنامه خریدهای نظامی خارجی تلاش می‌کند برنامه خریدهای تسلیحاتی ایران را با تغییرات عظیمی که در آن صورت گرفته است، تطبیق دهد. علاوه بر این، شاید هر آن ادعایی علیه صندوق امانی ایران صورت گیرد و مسلماً برخی تأثیرات بر صندوق امانی، خود را یک سال بعد و یا بیشتر نشان خواهد داد.

۱۲- (محرمانه) با وجود این و به رغم همه مشکلات، در حال تهیه گزارش جامعی هستیم که در اواخر ماه اوت به ایرانی‌ها ارائه خواهد شد. قویاً ترجیح می‌دهیم نمایندگان دولت موقت ایران این گزارش را در ایالات متحده دریافت کنند. زیرا ارائه چنین گزارشی در ایران ضرورتاً به دلیل محدودیت دسترسی آسان به اطلاعات و مدیران برنامه که در ایالات متحده هستند، محدودیت‌هایی از حیث جزییات و پاسخگویی مسئولین ایجاد می‌کند. باید سعی کنید وزارت دفاع ملی ایران را در ارتباط با این مسئله متقاعد نمایید. جزییات بیشتر را در پیامی جداگانه در پاسخ به پیام سفارت به شماره ۷۸۳۵ ارسال خواهیم کرد.

۱۳- (محرمانه) سفارت می‌تواند با استفاده از این تلکس پاسخی ابتدایی به یادداشت مورخ ۲۳ ژوئیه وزارت امور خارجه ایران بدهد. در خصوص مسئله گزارش معاملات تسلیحاتی ایران در تلکس‌های بعدی جزییات بیشتری ارسال خواهیم کرد.

قسمت دوم پیام درباره CNO, CSA, CSAF است.

۱۴- (بدون طبقه‌بندی) شما مجاز هستید به محض اینکه مرکز امور مالی مساعدت‌های امنیتی دریافت پیش‌پرداخت مربوط به هر مورد را تأیید کرد با قطعات یدکی غیرحساس و قطعات تعمیر شده با توجه به مبلغ دلاری مصوب اقدام به تدارک و پشتیبانی نیروهای مسلح ایران کنید. مبلغ مصوب برای نیروی هوایی آمریکا ۵/۵ میلیون دلار است. برای ارتش و نیروی دریایی آمریکا نیز مبلغ پس از درخواست‌های مشخص ایران معین خواهد شد.

۱۵- (بدون طبقه‌بندی) به شما اطلاع خواهیم داد که چه وقت با پرداخت اولین بخش از مبلغ مربوط به خرید کشتی‌های سفارش ایران از سوی نیروی دریایی آمریکا، اقلام غیر حساس موضوع معاملات تسلیحاتی خارجی از حالت تعلیق خارج خواهد شد.

۱۶- وزارت امور خارجه موافقت دارد.

سند شماره ۱۶۷

۳۰ ژوئیه ۱۹۷۹ - ۸ مرداد ۱۳۵۸

بدون طبقه‌بندی

از: نماینده ارشد دفاعی سفارت آمریکا، سرلشگر گاست

به: سرتیپ ایمانیان، رئیس ستاد نیروی هوایی اسلامی ایران

موضوع: اطلاعات درباره بسته پشتیبانی ۵ میلیون دلاری

۱- جزییات بسته پشتیبانی موضوع این نامه را با سرتیپ صفری، معاون فرماندهی لجستیک ستاد نیروی هوایی، و نیروهای مدیریت ساز و برگ فرماندهی لجستیک مورد بحث و بررسی قرار داده‌ایم. این نیروها اقلام اضطراری لازم برای پشتیبانی سیستم‌های تسلیحاتی خاص را شناسایی کرده‌اند.

۲- اقداماتی که هم‌اینک در ایالات متحده در ارتباط با صندوق امانی ایران در جریان است ظاهراً به سوی یک راه حل مطلوب پیش می‌رود. رسماً به ما ابلاغ شده که دولت ایالات متحده



آمریکا با پشتیبانی موارد درخواستی شما برای قطعات یدکی هواپیماهای اف-۴، اف-۵ و سی-۱۳۰ به مبلغ ۵/۵ میلیون دلار موافقت کرده است. چنانچه به مبلغ بیشتری نیاز باشد، دولت ایالات متحده درخواستی برای مبلغ بیشتر تسلیم خواهد کرد. برای شروع کار در ارتباط با تقاضایان، اقدامات زیر باید انجام شود.

الف- پیش از حمل اقلام و یا شروع هر اقدامی بابت تهیه اقلام، مرکز حسابداری مساعدت‌های امنیتی باید مبلغ ۵/۵ میلیون دلار را نقداً و از پیش دریافت کرده باشد. به محض رسید مبلغ فوق، می‌توانید درخواست خود را تسلیم نمایید که مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

ب- باید قطعاً مشخص شود که نیروی هوایی ایران مایل است این اقلام چگونه برایش ارسال گردد. به منظور حصول اطمینان از حمل سریع این اقلام، توصیه می‌شود ابتدا از ترتیب حمل آنها اطمینان حاصل کرده و این دفتر را در اسرع وقت از نتیجه مطلع فرمایید. ما نیز تضمین می‌کنیم که به منظور پرهیز از تأخیرهای غیرضروری، دستور حمل برای فرماندهی لجستیک نیروی هوایی آمریکا صادر شود.

پ- باید خاطر نشان ساخت که چنانچه صندوق امانی بدهکار شود، دولت ایالات متحده مجبور است از کلیه دارایی‌های موجود دولت ایران، از جمله موجودی سپرده پرداخت شده در این بسته پشتیبانی خاص، برای پرداخت این بدهی‌ها استفاده کند. دولت ایالات متحده چنین چیزی را پیش‌بینی نمی‌کند، زیرا فروش کشتی‌های اسپراونس تا حدود زیادی مشکلات مالی صندوق امانی را برطرف خواهد کرد.

۳- در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر، لطفاً با دفتر اینجانب تماس بگیرید.

سند شماره ۱۶۸

۳۰ ژوئیه ۱۹۷۹ - ۸ مرداد ۱۳۵۸

بدون طبقه‌بندی

به: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی

از: هیأت مستشاری نظامی، تهران

مرجع: الف- وزارت دفاع ASD:ISA/DSAA - ۱۴۱۶۴۳ از - ۱۴ ژوئیه ۱۹۷۹ (محرمانه)

موضوع برنامه بازدید هیأت خریدهای نظامی خارجی ایران، ب- هیأت مستشاری

۰۹۱۱۵۷ ز - ۹ ژوئیه ۱۹۷۹ (محرمانه) با موضوع یادداشت تفاهم و صندوق امانی، پ-

هیأت مستشاری ۲۸۱۰۰۱ ز - ۲۸ ژوئن ۱۹۷۹ (محرمانه) با موضوع برنامه خریدهای نظامی

خارجی - صندوق امانی ایران

موضوع: بررسی برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران و صندوق امانی

۱- مرجع الف خلاصه‌ای از گزارش مربوط به برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران بود که قرار است در واشنگتن ارائه شود. مرجع ب درباره تمایل وزارت دفاع ملی ایران به اعزام تیمی به واشنگتن برای بررسی کلی برنامه خریدهای نظامی خارجی و صندوق امانی، و



همچنین شک و تردید هیأت مستشاری درباره صدور مجوز این سفر در آینده نزدیک بود. مرجع پ شامل نامه‌ای از معاونت وزارت دفاع ملی ایران با سئوال‌ات متعدد در مورد مسایل مربوط به صورتحساب‌های ارایه شده بود.

۲- یک یادداشت دیپلماتیک از طرف وزارت امور خارجه ایران که در تاریخ ۲۵ ژوئیه به دستمان رسید حاکی از تمایل دولت ایران به بررسی کامل برنامه خریدهای نظامی خارجی و درخواست برای انجام این کار در ایران است. علاوه بر این، نامه‌ای از سوی سرهنگ کامکار، معاون وزارت دفاع ملی ایران در امور تسلیحاتی، دریافت داشتیم که در آن درخواست کرده بود جلسه بررسی برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران که در یادداشت تفاهم مورخ ۳ فوریه ۱۹۷۹ قید شده بود، به تعویق بیفتد. بخش‌هایی از نامه مذکور جهت اطلاع در زیر آمده است:

«در نامه تفاهم مورخ ۳ فوریه ۱۹۷۹ قید شده است که نمایندگان ایالات متحده و دولت ایران به طور مشترک برنامه خریدها و برنامه‌ریزی برای تحویل اقلام موضوع موافقت‌نامه‌هایی که به حالت تعلیق درآمده و همچنین تبعات مالی آن را تا تاریخ ۲۴ ژوئیه مورد بررسی قرار دهند. نظر به اینکه اطلاعات درخواست شده در ارتباط با قراردادهای خریدهای نظامی خارجی هنوز از سوی وزارت دفاع ایالات متحده ارایه نشده است، خواهشمند است تاریخ فوق تمدید شود. همچنین خواهشمند است موافقت خود را با تمدید تاریخ فوق‌الذکر کتباً به این معاونت اطلاع دهید.»

۳- چنانکه در مرجع ب گزارش شد، به نظر می‌رسد دولت ایران در مقابل فرستادن یک هیأت به ایالات متحده مقاومت کرده و همچنان فشار خواهد آورد تا بررسی‌ها در ایران صورت گیرد. این موضوع را مفتوح نگاه داشته و هر گونه پیشرفت را گزارش خواهیم داد.

۴- خواهشمند است صورتحساب‌های هزینه مربوط به ماه ژوئن و همچنین مدارک مربوطه را در اولین فرصت ممکن برایمان ارسال کنید تا نمایندگان ایران بتوانند آن را مورد بررسی قرار دهند. علاوه بر این، خواهشمند است پاسخ سئوال‌ات ایران را که در مرجع پ قید شده است، برایمان ارسال کنید.

۵- به دولت ایران توصیه شده که زودترین تاریخ برای بررسی موضوع، اواخر ماه اوت و بعد از انتشار آخرین صورتحساب‌های مالی خواهد بود.

سند شماره ۱۶۹

۳۰ ژوئیه ۱۹۷۹ - ۸ مرداد ۱۳۵۸

محرمانه

به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی

از: سفارت آمریکا، تهران

مرجع: وزارت امور خارجه ۱۲۰۶۵، موضوع قطعات بوئینگ و سایر مشکلات

موضوع: فهرست قطعات برای هواپیماهای ۷۰۷ و ۷۴۷

۱- وزارت امور خارجه ایران خواهان مساعدت سفارت در ارتباط با یک فهرست ۳۹



صفحه‌ای از قطعات برای هواپیماهای ۷۰۷ و ۷۴۷ شده است. ظاهراً این فهرست به قطعات قابل تعمیری مربوط می‌شود که نیروی هوایی ایران تحت یک قرارداد مستقیم قبل از انقلاب برای پن‌آمریکن فرستاده است. دولت موقت ایران هم اکنون از ما خواسته است تا برای رفع نیاز مبرم این هواپیماها به قطعات تعمیری، ترتیبی دهیم که قطعات فوق تعمیر و به ایران بازگردانده شود. این اولین درخواست رسمی آنها در ارتباط با هواپیماهای ۷۰۷ و ۷۴۷ است.

۲- وزارت امور خارجه ایران به اشتباه این درخواست را به بسته ویژه ۵ میلیون دلاری پشتیبانی که هم اینک در حال بررسی است، مرتبط کرده است. این نکته را برای آنها روشن خواهیم کرد و توضیح خواهیم داد که این قطعات بخشی از یک قرارداد تجاری هستند که باید موضوع آن را در درخواست جداگانه‌ای مطرح سازند.

۳- اگرچه می‌دانیم دولت آمریکا نمی‌تواند اقدام مستقیمی در ارتباط با درخواست آنها انجام دهد، سفارت مایل است پاسخی به آنها بدهد. تلکس مرجع درباره هواپیماهای بوئینگ مفید خواهد بود و معتقدیم که اطلاعات مشابهی درباره پن‌ام نیز مفید واقع خواهد شد. شاید مسئله پن‌ام قدری پیچیده‌تر از این باشد، زیرا فکر می‌کنیم مسایل پرداخت دیگری نیز با دولت موقت ایران، ایبکس، ایران‌ایر و صنایع هواپیمایی ایران وجود داشته باشد.

۴- هیأت مستشاری نظامی فهرست قطعات را برای فرماندهی لجستیک نیروی هوایی ارسال کرده است که تا چند روز دیگر به دستشان خواهد رسید. اگر موافقت داشته باشید، فرماندهی لجستیک می‌تواند برای کسب خبر درباره وضعیت فیزیکی قطعات با پن‌ام تماس بگیرد. گزارش وضعیت می‌تواند شامل این باشد که چه قطعاتی تعمیر شده و چه قطعاتی تعمیر نشده‌اند، و اطلاعاتی نظیر آن.

۵- هر گونه اطلاع مفیدی در این ارتباط موجب امتنان خواهد بود.

سند شماره ۱۷۰

۱ اوت ۱۹۷۹ - ۱۰ مرداد ۱۳۵۸

موضوع: یادداشت وزارت امور خارجه ایران - ۳۴۶۲/۱۸

در ارتباط با یادداشت وزارت امور خارجه ایران به شماره ۳۴۶۲/۱۸ مورخ ۲۳ ژوئیه ۱۹۷۰ اطلاعات زیر را از پرونده‌هایمان استخراج کرده‌ایم. اکثر موارد مذکور در یادداشت قابل فهم نیست و احتمالاً به ترجمه مجدد نیاز دارد. شماره‌های مندرج در اینجا با شماره‌های یادداشت مطابقت دارد.

۱- ۳۰ لوله یدکی توپ ۱۷۵ م.م. به منظور جلوگیری از تحمیل هزینه اضافی بر صندوق امانی در اختیار دولت ایران قرار نگرفت. در حال حاضر اطلاعات چندانی در مورد آنها نداریم ولی احتمالاً این اقلام به مشتریان دیگر فروخته شده است.

۲- خودروهای ام-۱۵۲ و ام-۱۵۱ ای ۲: پرونده‌ها حاکی از آن است که کلیه آنها به ایران



تحویل شده‌اند.

۳- تجهیزات ش.م.ر.: کلیه اقلام یا به مشتریان دیگر فروخته شده، یا لغو شده و یا حمل آنها به حالت تعلیق درآمده است.

۴- در نامه مورخ ۷ می ۱۹۷۹، مورد ۹۹ جیپ مذکور را که موضوع یادداشت تفاهم نیز بودند، به سرهنگ کامکار توضیح داده‌ایم. به ایشان اطلاع داده‌ایم که کلیه ۹۹ جیپ مذکور به سایر مشتریان فروخته شده است ولی دولت آمریکا می‌تواند درخواست جدید ایران را مد نظر قرار دهد.

۵- اطلاعات مربوط به پشتیبانی برای قطعات یدکی غیرحساس (مثلاً بسته پشتیبانی نیروی هوایی به ارزش ۵/۵ میلیون دلار) در اختیار نیروهای [مربوطه ارتش ایران] قرار گرفته است. همچنین به نیروهای ارتش ایران اطلاع داده‌ایم که تجهیزات و قطعات غیرحساسی که حمل آنها به حالت تعلیق درآمده است به محض تصویب لایحه تکمیلی تخصیص بودجه و استرداد وجه از سوی نیروی دریایی ایالات متحده به صندوق امانی، برای حمل آماده خواهند شد. تصویب لایحه بودجه تکمیلی بسیار قریب‌الوقوع است، ولی به رغم اصرار ما در طول دو هفته گذشته، نیروهای ارتش ایران هنوز دستوری برای حمل اقلام فوق نداده‌اند. فهرستی از قطعات حمل آنها به حالت تعلیق درآمده است برای سفارت ارسال خواهد شد، ولی دقیقاً نمی‌دانیم که چه زمانی می‌توانیم انتظار دریافت آنها را داشته باشیم. قابل تذکر است که به منظور حفظ توانایی صندوق امانی برای پرداخت بدهی‌هایش برخی قطعات به مشتریان دیگر فروخته شده است.

۶- ۱۶ هواپیمای آر.اف-۴ ای سفارش داده شده بود که نهایتاً قرارداد آنها به موجب یادداشت تفاهم لغو شد. از آنجایی که خریدار مناسبی برای این هواپیماها یافت نشد، قراردادهای خاتمه یافت. تولید موتور و برخی لوازم دیگر این جنگنده‌ها تا حدود زیادی تکمیل شده و چشم‌انداز یافتن مشتری برای آنها خوب بود. بنابراین، تولید این وسایل و لوازم ادامه یافت. معاون وزارت دفاع ملی ایران در نامه مورخ ۷ می ۱۹۷۹ خواستار تحویل ۸ هواپیمای اف-۴ از دولت آمریکا شد که قرارداد آن به موجب یادداشت تفاهم لغو شده بود. به معاون وزارت دفاع ملی ایران اطلاع داده شد که شاید بتوان خط تولید آنها را بازگشایی کرد، ولی مسلماً هزینه تولید و زمان تحویل متفاوت خواهد بود. همچنین به او اطلاع داده شد که قبل از هر گونه اقدامی، باید در خصوص مسایل مربوط به قراردادهای موجود خریدهای نظامی خارجی به توافق رسید.

سند شماره ۱۷۱

۲ اوت ۱۹۷۹ - ۱۱ مرداد ۱۳۵۸

محرمانه

به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی

از: سفارت آمریکا، تهران

موضوع: یادداشت وزارت امور خارجه ایران - پشتیبانی نظامی

۱- (محرمانه - تمام متن - این گزارش برای کسب تکلیف ارسال می‌شود)



۲- یادداشتی دیپلماتیک با تاریخ ۲۳ ژوئیه ۱۹۷۹ در تاریخ ۳۰ ژوئیه ۱۹۷۹ به سفارت واصل گردید. این یادداشت از اداره حقوقی وزارت امور خارجه ایران صادر شده بود، که ترجمه آن در زیر می‌آید:

یادداشت

وزارت امور خارجه

۳۴۶۲/۱۹

اداره حقوقی

۲۳ ژوئیه ۱۹۷۹

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران تعارفات خود را به سفارت ایالات متحده آمریکا اظهار و با اشاره به برنامه خریدهای نظامی ایران، احتراماً علاقمندی دولت موقت جمهوری اسلامی ایران را به دریافت وسائل و خدمات زیر طبق قراردادهای منعقد شده به اطلاع می‌رساند:

۱- ۳۰ عدد لوله یدکی توپ ۱۷۵ م.م.

۲- خودروهای ام-۱۵۱ و ام-۱۵۲

۳- تجهیزات ش.م.ر.

۴- ۹۹ دستگاه جیب

۵- قطعات و لوازم یدکی برای کلیه وسائل موجود در صورت لزوم.

۶- ۸ فروند هواپیمای آر.اف-۴ ای با لوازم مربوطه

۷- بهسازی هواپیماهای سی-۱۳۰

۸- بهسازی هواپیماهای اف-۴

۹- آموزش پشتیبانی و قطعات یدکی برای کلیه وسائل موجود در صورت لزوم

۱۰- ۹۶ عدد موشک هارپون

۱۱- ۴ دستگاه قایق LCM-6

۱۲- آموزش پشتیبانی قطعات و لوازم یدکی کلیه وسائل موجود در صورت لزوم

موقع را برای تجدید احترامات فائقه مغتنم می‌شمارد.

۳- از نظر ما این یادداشت یک قدم مشکل ولی مثبت است که دولت موقت ایران در مسیر درخواست پشتیبانی لجستیک ایالات متحده از سیستم‌های تسلیحاتی ساخت آمریکا برداشته است. با وجود این، برخی از جوانب این یادداشت ذهن ما را به خود مشغول داشته و نیاز به شفاف‌سازی دارد.

الف- اگرچه سرهنگ کامکار، معاون وزارت دفاع، قبلاً به طور شفاهی به ما گفته بود که نخست وزیر ایران با امضای نامه‌ای مجوز ادامه روابط نظامی را با ایالات متحده صادر کرده است، ولی محتویات آن نامه را برای ما فاش نساخت.

ب- نه وزیر امور خارجه و نه هیچکس دیگری در صحبت‌های اخیر حرفی از این نامه به

ما نزده بود.

پ- این نامه از اداره حقوقی وزارت امور خارجه صادر و حداقل با اداره چهارم سیاسی (قاره آمریکا) در همان وزارتخانه هماهنگ شده است. شاید این مسئله بدان معنا باشد که آنها می‌خواهند فعلاً از سطحی نسبتاً پایین این درخواست را مطرح کنند و یا اینکه تبعات حقوقی برای این معاملات قایل هستند. چنانکه قبلاً نیز گزارش شده است، دفتر معاونت وزارت دفاع مکرراً این مسئله حقوقی را مطرح ساخته که دولت ایالات متحده، برخلاف آنچه در یادداشت تفاهم قید شده، در مورد تمامی اقداماتی که باید برای حفظ توانایی پرداخت بدهی‌های صندوق امانی ایران انجام می‌داد، با وزارت دفاع ایران مشورت نکرده است. نمونه‌هایی که آنها ذکر می‌کنند به شرح زیر است:

(۱) خاتمه قراردادهای مربوط به کلیه هواپیماهای آر.اف-۴ ای به رغم درخواست ایران برای خرید هشت فروند از هواپیماهای فوق.
(۲) انجام هزینه از پولهای صندوق امانی برای ادامه ساخت ۴ کشتی، بعد از اعلام توسط رژیم سابق و دولت موقت ایران، مبنی بر این که قرارداد هر ۴ کشتی لغو شده است.
(۳) نگاه داشتن و فروش قطعات یدکی که دولت ایران قبلاً هزینه آنها را پرداخته بود. اگرچه ما برای هر اقدام دلایل منطقی ارایه داده‌ایم، فکر می‌کنیم ایرانی‌ها باز هم این مسئله را مطرح خواهند کرد.

ت- پاسخهای پیشین، برخی گزینه‌ها را که خواهان پاسخ هستید، کفایت می‌کند.
ث- ما قادر به ترجمه دقیق بعضی از گزینه‌ها نیستیم.

۳- قصد داریم برای شفاف‌سازی هر یک از مواردی که در یادداشت وزارت امور خارجه ایران قید شده است، درخواست کنیم تا جلسه مشترکی با حضور نمایندگان وزارت امور خارجه ایران، معاونت وزارت دفاع، بخش سیاسی سفارت و هیأت مستشاری برگزار شود. علاوه بر این سعی می‌کنیم نظر آنها را درباره نحوه حل این مسایل جویا شویم. در همین ارتباط، معتقدیم وزارت دفاع آمریکا باید این موارد را در طول جلسات توضیحی و مباحثاتی که برای اواخر ماه اوت برنامه‌ریزی شده است، مورد بررسی قرار دهد. چه ما ابتکار عمل به خرج بدهیم و چه ندهیم، هیچ شکی نیست که دولت موقت ایران در زمان برگزاری کنفرانس مزبور این مسئله را مطرح خواهد کرد. موارد یک، دو، سه، چهار، پنج، شش، و ده قدیمی هستند و بقیه موارد قدری جدیدترند.

۴- کاردار روز دوشنبه ۶ اوت با تیمسار ریاحی، وزیر دفاع ایران، ملاقات خواهد کرد. این یک ملاقات غیررسمی است که پیش از دریافت یادداشت وزارت امور خارجه ترتیب داده شده بود. کاردار سعی می‌کند از بحث مفصل درباره این یادداشت پرهیز کند.

۵- زمان برگزاری جلسه مشترکی که در بند ۳ ذکر شد، هنوز مشخص نشده است. امیدواریم این جلسه در نیمه دوم هفته‌ی آینده ایرانی برگزار شود. بسیار مفید خواهد بود اگر

وزارتخانه‌های مربوطه پیش از برگزاری این جلسه، اطلاعات و راهنمایی‌هایی در اختیار ما قرار دهند. در زیر سئوالات و توضیحاتی که درباره موارد مذکور در یادداشت وزارت امور خارجه ایران داریم، برایتان ارسال می‌گردد:

- الف. ما درباره وضعیت ۳۰ لوله یدکی توپ‌های ۱۷۵ م.م. هیچ اطلاعی نداریم.
- ب. طبق سوابقی که در سفارتخانه داریم، خودروهایی ام-۱۵۱ و ام-۱۵۲ (ام-۱۵۱-ای ۲) به ایران تحویل شده‌اند. آیا سوابقی از این مسئله وجود دارد؟
- پ. تجهیزات ش.م.ر. قبلاً به معاون وزارت دفاع ایران اطلاع داده شده بود که تجهیزات فوق در ایالات متحده توقیف شده‌اند. آیا تغییر در این وضعیت حاصل شده است؟
- ت. ۹۹ دستگاه جیپ. این مسئله چندان جدید نیست. تلکس هیأت مستشاری نظامی به شماره ۰۱۱۲۴۷ از مورخ ۱ اوت ۱۹۷۹ با موضوع تقاضا برای اطلاعات و راهنمایی‌های بیشتر.
- ث. قطعات و لوازم یدکی برای کلیه وسائل موجود در صورت لزوم. فکر می‌کنیم این مورد مربوط به قراردادهای جدید پشتیبانی باشد.
- ج. ۸ فروند هواپیمای آر.اف-۴ ای با لوازم مربوطه. این مورد احتمالاً شامل چند مسئله است:
 - (۱) هزینه‌های بالای خاتمه قرارداد که پول زیادی از آن به صندوق مسترد نشده است.
 - (۲) آیا اگر پرداخت جدیدی صورت گیرد، می‌توان تولید این هواپیماها را از سر گرفت؟
 - (۳) چنانچه این هواپیماها خریداری شوند، افزایش هزینه‌ها به سبب خاتمه قراردادهای و افزایش تورم با گذشت زمان چقدر خواهد بود؟
 - (۴) چه اتفاقی برای لوازمی می‌افتد که بخشی از آنها تولید شده‌اند؟
- چ. بهسازی هواپیماهای سی-۱۳۰ و اف-۴. نمی‌دانیم دقیقاً چه چیزی مد نظر ایرانی‌هاست، ولی فکر می‌کنیم منظور آنها سرویس کلی آماد فنی و تعمیرات است. به اعتقاد ما زمان زیادی طول می‌کشد تا صنایع هواپیمایی ایران توانایی انجام کار در سطح آماد فنی را دوباره به دست آورد. آیا تأسیسات آماد فنی که تحت کنترل نیروی هوایی ایالات متحده است می‌تواند این بار کاری را جذب کند؟
- ح. آموزش پشتیبانی قطعات و لوازم یدکی کلیه وسائل موجود در صورت لزوم. اصلاً منظور ایرانی‌ها را درک نمی‌کنیم. شاید منظورشان این باشد:
 - (۱) آموزش در ایالات متحده برای تکنسین‌ها و مدیران؛
 - (۲) تیم‌های TDY به منظور حل مشکلات لجستیک؛ هرچند در این مرحله غیرمحمول است، درخواست‌های بیشتر برای آموزش تکنسین‌ها، غیرنظامیان یا نظامیان.

- خ. ۹۶ راکت هارپون. این مسئله هم چندان جدید نیست. ما پاسخی را که از ISA و مرکز امور مالی سازمان مساعدت‌های مالی دریافت کرده بودیم، به آنها ارایه داده‌ایم: مایل نبودیم در حالی که کنگره در حال بررسی لایحه بودجه تکمیلی وزارت دفاع است، موجب اختلال در آن شویم و درخواست آنها را در آینده بررسی خواهیم کرد. هیأت مستشاری نیز به طور غیررسمی به اطلاع سرهنگ کامکار رسانده است که تا زمانی که دولت ایالات متحده از امنیت کافی موشک‌ها مطمئن نشود، موشک‌های هارپون برای ایران ارسال نخواهد شد. مسایلی که احتمالاً مطرح خواهند شد عبارتند از:

- (۱) دولت ایالات متحده موافقت کرده بود موشک‌های هارپون را برای استفاده در قایق‌های گشتی تندروی فرانسوی LACOMBATTANTE در اختیار ایران قرار دهد. ولی حالا ایرانی‌ها ۹ قایق از ۱۲ قایق سفارش خود را در اختیار دارند بدون آنکه موشکی به آنها تحویل شده باشد، و این به معنای آن است که قایق‌ها بی‌فایده‌اند.
 - (۲) چنانچه دولت ایالات متحده با خرید و تحویل آنها موافقت کند، دولت موقت ایران باید مبالغ اضافی بابت افزایش قیمت آنها در طول سال و همچنین هزینه مرور زمان را بپردازد.
- د. چهار قایق LCM-6. هیچ اطلاعی از این بابت نداریم.
- ذ. ظاهراً مورد دوازده تکرار مورد ۹ است.

لینکن

سند شماره ۱۷۲

۳ اوت ۱۹۷۹ - ۱۲ مرداد ۱۳۵۸

محرمانه

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی
مرجع: الف- تهران ۷۸۳۵، ب- وزارت امور خارجه ۲۷۲۳۳۲۲ز - ۲۷ ژوئیه ۱۹۷۹
موضوع: صندوق امانی ایران، قطعات یدکی برای نیروهای مسلح ایران

۱- (بدون طبقه‌بندی) علاوه بر کلیه نامه‌های پیشنهاد و قبول و تغییرات و اصلاحاتی که در آنها صورت گرفته است، معتبرترین منابع اطلاعاتی موجود در ارتباط با برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران عبارتند از: صورت‌حساب‌های هزینه خریدهای نظامی خارجی، صورت‌حساب‌های حساب دارایی خریدهای نظامی خارجی، فرم‌های شماره ۱۵۱۳-۱ و ۲، اطلاعات مربوط به خاتمه قراردادهای و گزارش (ای.آر) ۱۱۳۵ درباره تجدید ساختار برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران. همه این مدارک به طور متناوب برایتان ارسال خواهد شد. می‌توانید برای پاسخ به یادداشت وزارت امور خارجه ایران مورخ ۲۳ ژوئیه ۱۹۷۹ از این مدارک استفاده کنید.

۲- (بدون طبقه‌بندی) سازمان مساعدت‌های امنیتی دفاعی برای کمک به دولت موقت ایران در درک و بازسازی سوابق خریدهای نظامی خارجی ایران، از سیستم گزارش‌دهی RCS 1100 اطلاعات زیر را ارسال خواهد کرد:



گزارش (C) - فهرست ماهیانه مربوط به وضعیت کلیه قراردادهای (شامل قراردادهای انجام شده)

گزارش (E) - وضعیت ماهیانه خرید و تحویل اقلام در ارتباط با کلیه قراردادهای اجرا شده و مفتوح

گزارش‌های سه ماهیانه زیر برای کلیه قراردادهای امضا شده، قبول شده، اجرا شده و به انجام رسیده:

گزارش (D) - خلاصه وضعیت خریدها

گزارش (G) - خلاصه وضعیت برخی اقلام

گزارش (H) - وضعیت خریدها و تحویل‌ها

گزارش (I) - اقلام خریداری شده با شماره انبارداری ملی

اولین مجموعه کامل از این گزارش‌ها تا تاریخ ۶ اوت ۱۹۷۹ بوسیله نامه برای شما ارسال خواهد شد.

۳- (بدون طبقه‌بندی) باید تأکید شود که امور مربوط به حسابداری فروش اقلام به مشتریان دیگر، برنامه‌ریزی مجدد و لغو قراردادها هنوز ادامه دارد. بنابراین سیستم گزارش‌های RCS 1100 ضرورتاً قدری عقب‌تر از تجدید ساختار واقعی کل برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران خواهد بود.

۴- (محرمانه) چنانکه در تلکس جداگانه گزارش شد، اولین وجوه حاصل از فروش اقلام سفارش ایران به مشتریان دیگر (یعنی ۴۹۰/۵ میلیون دلار) بابت فروش کشتی‌های اسپراونس به نیروی دریایی ایالات متحده به صندوق امانی ایران مسترد شد. همین مسئله اجازه داد تا حمل قطعات یدکی و سایر اقلام بدون طبقه‌بندی آزاد شود. به محض آنکه دولت موقت ایران دستورات کافی برای حمل آنها را صادر کند، این اقلام آماده تحویل خواهند بود.

۵- (بدون طبقه‌بندی) ما هنوز بر این باوریم که به منظور درک بیشتر و بهتر، حضور یک تیم خریدهای خارجی ایرانی در ایالات متحده، بهتر از حضور یک تیم از ایالات متحده در ایران است. شما، با در نظر گرفتن پاسخ مثبت ایالات متحده نسبت به تقاضاهای خرید لوازم یدکی و ارسال آنها که برای طرف مقابل خشنود کننده است، باید تلاش خود را در تشویق اعزام یک تیم برای بازدید از ایالات متحده ادامه دهید.

۶- (بدون طبقه‌بندی) در کنفرانس ۲۲-۲۴ اوت، ادارات نظامی گزارش‌های مربوط به برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران را به سازمان مساعدت‌های امنیتی دفاعی و غیره ارائه خواهند داد. نمایندگان هیأت مستشاری نیز برای حضور در این کنفرانس دعوت شده‌اند و پیش‌بینی می‌شود با اطلاعات بیشتر و درک بهتری از برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران به این کشور بازگردند و بتوانند آنها را در اختیار مقامات ذیربط کشور قرار دهند.

سند شماره ۱۷۳

محرمانه

۳ اوت ۱۹۷۹ - ۱۲ مرداد ۱۳۵۸

از: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی
مرجع: الف- هیأت مستشاری ۱۸۱۰۴۲ از - ژوئیه ۱۹۷۹ و ملاقات هیأت ایرانی درباره برنامه خریدهای نظامی خارجی، ب- وزارت دفاع ۱۶۱۷۱۵ از - ۱۶ ژوئیه ۱۹۷۹، وضعیت موقت صندوق امانی و پیش‌بینی‌ها، پ- وزارت دفاع ۱۷۲۳۳۳ از - ژوئیه ۱۹۷۹، درخواست برای مدارک مربوط به برنامه‌های خریدهای نظامی خارجی

موضوع: اطلاعات مربوط به برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران و ملاقات [با ایرانیها]

۱- (بدون طبقه‌بندی) معتبرترین منابع موجود در ارتباط با اطلاعات تفصیلی تجدید ساختار برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران عبارتند از: گزارش‌های (ای.آر) ۱۳۵، صورت‌حساب هزینه‌ها، و صورت وضعیت حساب دارایی. آنها را در اسرع وقت برایتان ارسال می‌کنیم.

۲- (بدون طبقه‌بندی) در ارتباط با موارد مربوط به بند ۵ مرجع الف، خواهشمندیم مطالب زیر را به اطلاع مقامات ذیربط ایرانی برسانید:

الف- (بدون طبقه‌بندی) می‌توانید اطلاعات تفصیلی مربوط به تسویه‌های متقابل را با خواندن صورت وضعیت حساب دارایی که همراه با صورت‌حساب هزینه‌های ماه می ۱۹۷۹ برایتان ارسال شد، به دست آورید. یک صورت وضعیت دیگر برای حساب دارایی همراه با صورت‌حساب آتی هزینه‌ها در ماه اوت برایتان ارسال می‌گردد. مرکز امور مالی سازمان مساعدت‌های امنیتی صورت وضعیت جداگانه‌ای مربوط به ماه ژوئن و ژوئیه ۱۹۷۹ برای حساب دارایی تهیه و در اسرع وقت برایتان ارسال خواهد کرد.

ب- (بدون طبقه‌بندی) ظاهراً روند حسابرسی از دست دولت موقت ایران خارج شده است، مثلاً لغو برخی درخواست‌ها از سوی معاون وزیر دفاع ملی ایران، به ویژه لغو قراردادهای مربوط به مهمات، شامل اقلامی می‌شود که مدتها پیش به ایران تحویل و استفاده شده است.

پ- (بدون طبقه‌بندی) خسارات مالی تقریبی ناشی از خاتمه قراردادهای: بخشی از بسیاری از قراردادهای ولی نه همه آنها، در جداول زمانبندی پرداخت‌های نامه‌های پیشنهاد و قبول و همچنین صورت‌حساب‌های سه ماهیانه بدون در نظر گرفتن ستونی جداگانه برای آنها و بدون محاسبه جداگانه در هزینه‌های صندوق امانی ملحوظ شدند.

۳- (بدون طبقه‌بندی) چنانچه دولت موقت ایران مایل به دریافت اطلاعات بیشتری باشد، باید آن را مشخصاً در تقاضای خود ذکر کند تا ببینیم اطلاعات فوق را چگونه می‌توانیم ارائه کنیم. خواهشمند است تمامی تلکس‌های مربوط به اطلاعات مالی و صندوق امانی برای AFAC و مرکز امور مالی سازمان مساعدت‌های امنیتی نیز ارسال گردد.



۴- (بدون طبقه‌بندی) به محض دسترسی به اطلاعات مفید نظیر اطلاعات مربوط به صندوق امانی (مرجع ب)، مدارک مربوط به خریدهای نظامی خارجی (مرجع پ)، و فهرست لوازمی که ارسال آنها به حال تعلیق درآمده است (بوسیله نامه برایتان ارسال خواهیم کرد).

۵- (محرمانه) اولین گزینه ما همچنان این است که تیمی از ایران برای بررسی برنامه خریدهای نظامی خارجی به آمریکا سفر کند. همچنان داریم خودمان را برای کنفرانس اواخر اوت آماده می‌کنیم. با وجود این، از پیشنهاد شما برای اعزام نمایندگان هیأت مستشاری برای کسب اطلاعات بیشتر در ایالات متحده استقبال می‌کنیم. پیشنهاد می‌کنیم نمایندگان فوق در کنفرانسی که قرار است برای بررسی برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران با حضور نمایندگان ادارات نظامی در روزهای ۲۲ تا ۲۴ اوت در پنتاگون برگزار شود، شرکت کنند. با توجه به مأموریت گردشی و مدت مأموریت آنها در ایران، ناخدا سوم شیرر، نائسروان انگلن، و استوار ریگان ظاهراً نامزدهای حائز شرایط برای حضور در کنفرانس پنتاگون و سپس دیدار از مرکز امور مالی سازمان مساعدت‌های امنیتی برای کسب اطلاعات درجه اول خواهند بود. در خاتمه این مأموریت، آنها می‌توانند با اطلاعات کامل و به روز شده از این کنفرانس، گزارش‌های (ای.آر) ۱۱۳۵، صورت‌حساب هزینه‌ها و صورت وضعیت حساب دارایی، و همچنین اطلاعات دیگری مربوط به ایران بازگردند.

سند شماره ۱۷۴

محرمانه

۳ اوت ۱۹۷۹ - ۱۲ مرداد ۱۳۵۸

از: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی. به: هیأت مستشاری نظامی، تهران

مرجع: الف- هیأت مستشاری نظامی ۲۳۰۹۰۲ز - ۲۳ ژوئیه با موضوع بالا، ب- هیأت مستشاری نظامی ۲۱۰۹۰۵ز - ۲۱ ژوئیه با موضوع بالا، پ- وزارت دفاع - ۱۶۱۷۱۵ز - ۱۶ ژوئیه با موضوع بالا، ت- هیأت مستشاری نظامی ۲۸۱۰۰۱ز - ۲۸ ژوئن ۷۹، موضوع صندوق امانی خریدهای نظامی خارجی ایران

موضوع: وضعیت صندوق امانی موقت و پیش‌بینی‌ها

۱- (بدون طبقه‌بندی) وضعیت صندوق امانی موقت و پیش‌بینی‌ها و گزارش ماه می ۱۹۷۹ سرهنگ پتی در مورد صندوق امانی بهترین برآوردها در زمان تهیه آن بود. اگرچه تغییرات عمده‌ای در بزرگی این برآوردها رخ نداده است، به موازات پیشرفت ما در فرایند تعیین تکلیف قراردادهای و دستیابی به اطلاعات موثق‌تر، قراردادهای منفرد در فرایند پیچیده و طولانی لغو قراردادهای، برنامه‌ریزی‌های مجدد، فروش اقلام به مشتریان دیگر، و مذاکره در مورد آنها تغییراتی را که در این برآوردها حاصل شده است منعکس خواهد کرد.

۲- (بدون طبقه‌بندی) از اینکه به دلیل اشتباه در درک صحیح مرجع ت پاسخ کامل به آن قدری به تأخیر افتاد، پوزش می‌طلبیم. اطلاعات لازم در بند ۴ قسمت «ر» همین تلکس آمده



است. سئوالات آتی خود را در مورد اطلاعات مربوط به صورتحساب‌های هزینه مستقیماً برای مرکز امور مالی آژانس مساعدت‌های امنیتی ارسال نمایید.

۳- (بدون طبقه‌بندی) مرجع پ را نباید در حکم اطلاعات تکمیلی تلقی کرد، زیرا تغییراتی که فقط در بودجه تکمیلی وزارت دفاع اعمال شد، اطلاعات را کاملاً تغییر داد. ردیف‌های مربوط به استرداد وجه به صندوق امانی (مرجع الف، بند ۵ و ۶) باید به ترتیب ۵۹ و ۱۱۲ میلیون دلار باشد.

۴- (بدون طبقه‌بندی) سایر اطلاعات اضافی به شرح زیر است:

الف- (بدون طبقه‌بندی) برنامه PEACE ZEBRA- تغییرات مثبت حاصل از فروش دارایی‌های اف-۱۶ به مشتریان دیگر در همان ابتدا در برآوردهای بعدی هزینه ملحوظ شد و بنابراین به برداشت کمتری از صندوق امانی نیاز دارد.

ب- (بدون طبقه‌بندی) برنامه PEACE ROLL- مشابه مورد بالا

پ- (بدون طبقه‌بندی) برنامه کشتی‌های CG-993- این برنامه به منظور تفکیک هزینه‌های نیروی دریایی ایالات متحده و حساب‌های ایران بر اساس محورهای قیمت‌گذاری منصفانه اقلام سفارش این کشور جهت فروش آنها به نیروی دریایی در حال بررسی است. به موازات پیشرفت این بررسی‌ها، برآورد هزینه‌ها و میزان استرداد وجوه به صندوق امانی نیز اصلاح می‌شود. این بررسی‌ها شامل ۵۰۰ ردیف مجزای تعهد و نزدیک به ۵۰ قرارداد بزرگ است. تا زمانی که این تلاش به انجام برسد، برآوردهای خود را اصلاح خواهیم کرد و دلیل تغییراتی که در اعداد و ارقام مشاهده می‌کنید نیز همین است.

ت- (بدون طبقه‌بندی): اصلاح برآوردهای اولیه، علت افزایش مبالغ کنونی است. چنانکه در مرجع پ خاطر نشان شده است، هیچ بودجه تکمیلی به خرید موشک‌های هارپون اختصاص نیافته است و نیروی دریایی ایالات متحده در حال بررسی امکان فروش آنها به مشتریان دیگر و یا برنامه‌ریزی مجدد برای آنهاست.

ث- (بدون طبقه‌بندی) اژدرهای ام.کی-۴۶: با توجه به چشم‌انداز نه چندان خوب یافتن مشتریان بالقوه برای این اقلام، برآوردهای اولیه که قدری خوش‌بینانه بود کاهش پیدا کرده است. هنوز تکلیف نهایی اژدرها مشخص نشده است. از تاریخ ۲۴ ژوئیه ۱۹۷۹، مبالغ واقعی که به صندوق مسترد شده است کلاً ۱۴/۹ میلیون دلار بوده و مبالغ بالقوه‌ای که احتمالاً مسترد خواهد شد ۷/۴ میلیون دلار برآورد می‌شود.

ج- (بدون طبقه‌بندی) موشک‌های اسپارو- اصلاح مبالغ اولیه‌ای که برآورد می‌شد به صندوق امانی ایران مسترد شود، همراه با محاسبه بهتر هزینه‌هایی که بر عهده ایران و خریدار جدید قرار دارد، موجب کاهش اعداد و ارقام مربوط به این مبالغ شده است.

چ- (محرمانه) ECM PODS- چنانچه برای همه این اقلام مشتری دیگری پیدا نشود، هنوز تصمیمی قطعی درباره مابقی آنها گرفته نشده است.

ح- (بدون طبقه‌بندی): M113 APC- مبلغ ۰/۵ میلیون دلاری که از صندوق امانی برداشت شده است بابت سیستم مربوط به موشک‌های تاو بوده و پیش‌بینی می‌کنیم که با فروش آن به یک مشتری دیگر، کل مبلغ به صندوق امانی مسترد شود.

خ- (بدون طبقه‌بندی) پشتیبانی هلیکوپترها (نیروی هوایی ارتش). افزایش مبالغ به دلیل پرداخت‌های زیر بود که از ۱ می تا ۲۰ ژوئن ۱۹۷۹ انجام شد:

مبلغ به هزار دلار	شرح	قرارداد	ردیف
		CASE WAK	(۱)
۱۱۳۷	استرداد مبالغ بابت خدمات انجام نشده		
۶۳۲	ارایه خدمات آموزش زبان		
۶۲۰۲	هزینه‌های آماده سازی		
		CASE WAL	(۲)
۷۵۲	استرداد مبالغ بابت خدمات انجام نشده		
۶۲	ارایه خدمات آموزش زبان		
۴۰۳	هزینه‌های آماده سازی		
		CASE VZZ	(۳)
۵۶۸	استرداد مبالغ بابت خدمات انجام نشده		
۴۹۱۵	هزینه‌های آماده سازی		
۱۲	استرداد مبالغ بابت خدمات انجام نشده	CASE VCC	(۴)
۷۱	قراردادهای فرعی		
۷۵۹۳	هزینه‌های آماده سازی		
		CASE VCB	(۵)
۵	استرداد مبالغ		
	هزینه‌های آماده‌سازی شامل هزینه جابجایی نفرات و وسایل، فوق‌العاده مأموریت و محل سکونت (که شامل محل امن موقت نیز بود) و تسویه برخی مطالبات		(۶)

د- (بدون طبقه‌بندی): هزینه و خسارت خاتمه همه قراردادهای مربوطه به محض خاتمه آنها ارایه خواهد شد. در بسیاری از موارد، تعیین هزینه و خسارت خاتمه قراردادها بعد از مذاکره با پیمانکاران انجام خواهد شد.

ذ- (بدون طبقه‌بندی): بند ۸ مرجع الف پاسخ سئوالات سرهنگ کامکار را داده است.

(۱) برنامه اف-۱۶ - CASE STA-STY

(الف) گزارش‌های نیروی هوایی از تاریخ ۶ ژوئیه نشان می‌دهد که:

برآورد کل خسارات مالی (بدون ملحوظ کردن هزینه‌های اداری)	CASE
۲۵/۰ میلیون دلار	STA-STY FRAME
۵۹/۳ میلیون دلار	STB-STY SUPPORT

(ب) بدهی‌هایی که در صورت حساب ماه مارس ۱۹۷۹ ارایه شد بر اساس اطلاعاتی بود که نیروی هوایی در آن زمان در دست داشت. حساب تجهیزاتی که به سایر منابع فروخته شد کاملاً اصلاح نشده بود، زیرا نیازهای سایر مشتریان کاملاً مشخص نبود.

(۲) قراردادهای مربوط به تیم TAFT (سال مالی ۱۹۷۹، AAI, AAM, AAL, AAK, AAJ, AAH)

(الف) پیش‌بینی مبالغ در صورت حساب ماه مارس ۱۹۷۹ با ملحوظ کردن نیازهای مالی احتمالی تا پایان ماه سپتامبر محاسبه شده بود، به شرح زیر است.

قراردادهای سال مالی ۱۹۷۹	۷۲/۳ میلیون دلار
قراردادهای سال مالی ۱۹۷۸	۲۷/۳ میلیون دلار
جمع کل	۹۹/۶ میلیون دلار

(ب) از مبالغ پیش‌بینی شده فوق، هزینه‌های زیر در طول ماه ژوئن ۱۹۷۸ گزارش شده بود که در صورت حساب هزینه‌های ماه ژوئن ۱۹۷۹ منعکس خواهد شد.

قراردادهای سال مالی ۱۹۷۹	۴۷/۳ میلیون دلار
قراردادهای سال مالی ۱۹۷۸	۷/۸ میلیون دلار

(پ) هزینه تخلیه نفرات و اعضای خانواده‌هایشان که تحت پوشش این قراردادها بودند، بازگرداندن اثاثیه منزل آنها، و مطالبات دیگری که مرتبط با آنهاست در هزینه‌های مربوط به این قراردادها گنجانده خواهد شد. تعیین مبلغ دقیق هزینه‌ها ممکن است چندین ماه به طول انجامد.

(۳) قرارداد پیمانکاران برای پشتیبانی هلیکوپترها و سایر خدمات (قراردادهای WAK, VZZ, WAL, WAG, ETC)

(الف) در صورت لزوم، مرکز امور مالی مساعدت‌های امنیتی می‌تواند فهرست کاملی از هزینه‌های متعلقه به این موارد را تهیه کند. فهرست فوق با قالب فهرست تفصیلی تحویل (FKA/B) تهیه خواهد شد. این فهرست با ذکر شماره انبار، شماره قطعه، اگر لوازم تحویل شده باشد، خدمات انجام شده، و یا مشخصات مشابه در صورتی که هزینه‌ها بابت خدمات باشد، ارایه خواهد شد.

(ب) در صورت نیاز به نسخه رونوشت، لطفاً مشخصات قرارداد مورد نظر را برایمان ارسال کنید. این فهرست‌ها قبلاً به همراه صورتحساب‌های هزینه ارایه شده است.

(۴) موشک‌های فونیکس (ABS)

(الف) موشک‌های فوق تولید شده‌اند و هزینه آنها بر عهده ایران است. جدول زمانبندی پرداخت‌ها که در ماه آوریل ۱۹۷۹ از نیروی دریایی به دستمان رسیده است، بدهی نقدی برابر ۱۷۷/۷ میلیون دلار را نشان می‌دهد. مرکز امور مالی سازمان مساعدت‌های امنیتی پرداخت‌هایی را که قبلاً انجام شده بود بابت اقلام تحویل شده و پیشرفت کار بعلاوه مبلغ اضافی پیش‌بینی شده برای برداشت از صندوق امانی تا پایان ماه سپتامبر ۱۹۷۹ محاسبه کرده است، که مبلغی برابر با ۱۷۷/۷ میلیون دلار را شامل می‌شود. به منظور پوشش دادن این بدهی‌ها، مبلغ ۴۱/۵ میلیون دلار از حساب دارایی XFT برداشت شده است.

(ب) جدول زمانبندی اصلاح شده‌ای در ارتباط با پرداخت‌ها، از تاریخ ۹ ژوئیه ۱۹۷۹، به دست مرکز امور مالی سازمان مساعدت‌های امنیتی رسیده است که ظاهراً نشان می‌دهد برآوردهای پیشین بسیار بالا بوده است. پس از محاسبه نهایی هزینه‌ها در صورتحساب ماه ژوئن، وجوه اضافی در این ارتباط به حساب دارایی XFT مسترد شده و در صورت وضعیت حساب فوق منعکس خواهد شد. همین رویه درباره موارد دیگر نیز اجرا خواهد شد.

(۵) گزارش وجوهی که انتقال یافته است.

(الف):

قرارداد	ارزش به دلار	ارزش تحویل‌های گزارش شده	توضیحات
VHU	۲۳۸۶۹۳	۴۴۸۹۸۷	مبالغ منتقل شده از حساب XFT برای تسویه تحویل‌ها
CSF	۳۹۲۶۲۹۸	۵۵۸۲۷۵۶	مبالغ منتقل شده از حساب XFT برای تسویه تحویل‌ها
TZE	۱۰۰۴۴۱	۱۹۲۲۹۳	مبالغ منتقل شده از حساب XFT برای تسویه تحویل‌ها

(ب) CASE CSF: ارتش ایالات متحده بار دیگر صحت مبلغ گزارش شده بابت اقلام تحویلی را تأیید می‌کند. این قرارداد به مدت ۴ ماه (مارس تا ژوئیه ۱۹۷۶) جهت درخواست لوازم اضافی تمدید شده بود.

(پ) CASE TZE: ارتش ایالات متحده بار دیگر صحت مبلغ گزارش شده بابت اقلام تحویلی را تأیید می‌کند. این قرارداد در حال خاتمه یافتن است.

(ت) CASE VHU: در ارتباط با این قرارداد، هزینه تحویل یکی از اقلام اشتبهاً دو بار قید شده بود که ارتش آمریکا در حال اصلاح این مورد است. پس از اصلاح این مورد از سوی مرکز امور مالی سازمان مساعدت‌های امنیتی، وجوه اضافی به حساب دارایی بازگردانده خواهد شد. مبلغ صحیح ارزش اقلام تحویل شده برابر است با ۲۱۴۵۹۴/۰۰ دلار.

CASE WFA (۶)

(الف) مرکز امور مالی سازمان مساعدت‌های امنیتی دستوری مبنی بر لغو این قرارداد دریافت نکرده بود. این دستور هم اینک تأیید شده و قرارداد مذکور در صورتحساب آتی هزینه منظور نخواهد شد. مبلغ ۶۰۸۰۴۴ دلاری که بابت این قرارداد از سوی ایران پرداخت شده بود، در تاریخ ۱۰ ژانویه ۱۹۷۹ دریافت شده و مبلغ مذکور تا شروع اجرای قرارداد در صندوق دارایی XFT نگهداری می‌شد. این مبلغ به حساب XFT مسترد خواهد شد.

(۷) هزینه‌های لغو قراردادها - این هزینه‌ها در ستون شماره ۱۱ فرم DD 645، «صورتحساب هزینه‌ها» گنجانیده شده است. صورتحساب هزینه‌ها باید منعکس کننده بهترین برآورد ما از مبلغ کل مورد نیازی باشد که باید از سوی ایران برای خاتمه قراردادهای خریدهای نظامی خارجی پرداخت شود. ملحوظ نکردن برخی مبالغ، تصویر غلطی ارایه خواهد داد و ممکن است این تصور را در ذهن مشتری القا کند که از این هزینه‌ها صرف‌نظر شده است.

سند شماره ۱۷۵

۴ اوت ۱۹۷۹ - ۱۳ مرداد ۱۳۵۸

فقط برای استفاده اداری

از: نماینده ارشد دفاعی آمریکا، سرهنگ رونالد آر. دیویس

به: معاون وزیر دفاع ملی ایران در امور تسلیحاتی، سرهنگ کامکار

موضوع: پشتیبانی قطعات یدکی

۱- خوشنودم به اطلاع حضرت‌عالی برسانم که دولت ایالات متحده آماده ازسرگیری برنامه پشتیبانی قطعات یدکی برای ارتش ایران و تصویب نامه‌های پیشنهاد جدید و یا ادامه قراردادهای قبلی برای قطعات غیرحساس است. به سبب آنکه آینده صندوق امنی هنوز بلا تکلیف است، خریدها باید لزوماً به شیوه پیش‌پرداخت نقدی انجام شود.

۲- دولت ایالات متحده حاضر است به محض دریافت مبلغ پیش‌پرداخت درخواست‌های



ایران را در قبال وجه ۵/۵ میلیون دلاری که قبلاً برای پشتیبانی نیروی هوایی در مورد آن بحث شده بود، بپذیرد. می‌توان قراردادهای مشابهی نیز برای نیروی دریایی، نیروی زمینی، و هواپیمایی ارتش ترتیب داد. سقف فروش محدود و ثابت نیست و می‌توان بر اساس توافق متقابل آن را تغییر داد. حمل لوازم یدکی به محض تهیه لوازم و یا تجمیع آنها پس از دریافت تقاضای ایران ممکن خواهد بود. باید به ما اطلاع بدهید که قطعات یدکی را به کدام شرکت حمل و نقل تحویل دهیم.

۳- همچنین مایلیم به اطلاع حضرتعالی برسانیم که رئیس جمهور ایالات متحده لایحه تخصیص بودجه تکمیلی را تصویب کرده و نیروی دریایی ایالات متحده وجوهی بابت خرید کشتی‌های اسپراونس به صندوق امانی مسترد ساخته است. بنابراین، دولت ایالات متحده حمل اقلام غیرحساس موضوع خریدهای نظامی خارجی ایران را که مجوز آنها صادر شده بود از حالت تعلیق خارج کرده است. ما فهرست لوازم موجود برای حمل را درخواست کرده‌ایم که احتمالاً تا یک هفته دیگر به دستمان خواهد رسید. در این ارتباط نیز به دستور حمل شما نیاز داریم.

۴- دولت ما مایل است پاسخگوی نیازهای شما باشد. در حال حاضر، سخت تلاش می‌کنیم تا به سئوالات شما پاسخ گوئیم و تا آنجا که امکان داشته باشد درباره وضعیت برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران اطلاعات در اختیارتان بگذاریم. متأسفانه به دلیل اینکه در واشنگتن مشغول تجدید ساختار برنامه فوق هستیم، پاسخگویی به برخی موارد زمان بسیار زیادی لازم دارد. نهایت تلاش خود را مبذول می‌داریم تا درخواست شما را اجابت کنیم.

۵- کارمندان من اطلاعات فوق را به قسمت پشتیبانی خدمات ارایه داده‌اند.

ارادتمند

رونالد آر. دیویس

سرهنگ نیروی هوایی آمریکا، نماینده دفاعی آمریکا

سند شماره ۱۷۶

۶ اوت ۱۹۷۹ - ۱۵ مرداد ۱۳۵۸

محرمانه

به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی

از: سفارت آمریکا، تهران

موضوع: هیأت اعزامی پن‌ام به تهران

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- ما در جریان نتایج ملاقات مورخ ۱ اوت نماینده منطقه‌ای پن‌ام، رندن، و افسران لجستیک نیروی هوایی ایران که به درخواست رندن توسط هیأت مستشاری نظامی در ایران ترتیب داده شده بود، قرار گرفته‌ایم. رندن می‌گوید در جریان این ملاقات به افسران نیروی هوایی (و نه فرمانده لجستیک، تیمسار صفری، که در مرخصی است) توضیح داده است که پن‌ام بسیار نگران عدم توانایی‌اش برای وصول مطالبات در چارچوب قراردادهای موجود



است. در پاسخ، سخنگوی نیروی هوایی اظهار تعجب کرده و گفته است که اعتبارنامه‌ای در نیویورک موجود است که «دفتر مرکزی پن‌ام می‌داند چگونه باید از آن وجه وصول کند.» رندن سعی کرده بود مراحل انتقال پول را به آنها توضیح دهد ولی موفق نشده بود، زیرا افسران نیروی هوایی (و از نظر ما رندن) اطلاعات کافی درباره مکانیسم انتقال وجه نداشتند. چنانکه پن‌ام می‌داند، اعتبار نامه‌های مربوطه در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۷۸ باطل شده‌اند.

۳- افسران نیروی هوایی نیز به نوبه خود در ارتباط با «۱۲۷۱ قطعه‌ای» که از سوی نیروی هوایی برای تعمیر به پن‌ام فرستاده شده بود، بر رندن فشار آورده بودند. آنها گفتند قبلاً در ارتباط با وضعیت تعمیر قطعه‌ها یک فهرست کامپیوتری دریافت می‌کردند، ولی شش ماه است که چنین فهرستی برای آنها ارسال نشده است. اخیراً نیروی هوایی ایران «فهرست ۱۲۷۱ قطعه» را به وزارت امور خارجه ایران تسلیم کرده بود که وزارتخانه مزبور نیز در خلال گفتگوها با کاردار سفارت درباره مسایل دیگر، این فهرست را به او تحویل داده بود. افسر هیأت مستشاری با موافقت رندن داوطلب شد که در طول هفته ۶ اوت آن را به مسئولان پن‌ام در نیویورک تسلیم کند. (جهت اطلاع، ما بر این عقیده‌ایم که رندن باید فهرست مزبور را از کانال‌های تجاری معمول برای پن‌ام ارسال می‌کرد؛ تحویل از طریق هیأت مستشاری به هیچوجه به معنای تأیید موضع نیروی هوایی ایران در ارتباط با تعهدات پن‌ام نیست و فقط جهت تسریع در ارتباطات صورت می‌گیرد).

۴- نظرات گزارشگر: از گفتگوهای کنسول اقتصادی با مسئولان پن‌ام در نیویورک در اواسط ژوئیه اینگونه فهمیده‌ایم که الف) آنها مایلند هر چه زودتر «بر سر تسویه قراردادهای قبلی و شروع قراردادهای جدید» مذاکره کنند و ب) نگران پرداخت‌های معوق هستند. رندن می‌گوید پن‌ام مایل است مذاکراتی بر سر ایکس و قراردادهای تعمیر و نگهداری موتورها و همچنین تسویه حساب‌ها در نیویورک شروع کند. نیروی هوایی ایران نیز دقیقاً به همان دلایلی که پن‌ام خواستار دیدار نیویورک است، از آن ظفره می‌رود. این مسئله بسیار پیچیده است و هر دو طرف یک تیم بزرگ را با «متخصص دم دست» لازم می‌دانند که مدام در رفت و آمد باشد. با وجود این، باید تأکید کنیم که هیچیک از مقامات دولت موقت، هر قدر هم که در کارش استاد باشد، این روزها نمی‌تواند تصمیم بزرگی بگیرد تا مردم فکر نکنند که دارد گول می‌خورد. فکر می‌کنیم اگر پن‌ام به تهران بیاید، منافعی بهتر تأمین خواهد شد.

۵- درخواست اقدام: مسئول میز خاور نزدیک- ایران با معاون پن‌ام، جیمز دی. لیت، در نیویورک تماس بگیرد تا با توجه به مطالب فوق این توصیه سفارت را به اطلاع او برساند که تیم ذیصلاحیتی برای گفتگو بر سر آینده قراردادهای موجود و مشکلات مالی در اولین فرصت به تهران اعزام کند. سفارت حاضر است در ترتیب دادن ملاقات‌هایی با صفری (که خیلی زود از مرخصی باز خواهد گشت) و مسئولان دولت موقت در وقت مقتضی به رندن کمک کند. لطفاً نظر خود را اعلام فرمایید.

لینگن

سند شماره ۱۷۷

۷ اوت ۱۹۷۹ - ۱۶ مرداد ۱۳۵۸

محرمانه

از: هیأت مستشاری نظامی، تهران
مرجع: الف- وزارت دفاع ۲۷۲۳۲۲ز - ۲۷ ژوئیه با موضوع پشتیبانی قطعات یدکی برای نیروی دریایی اسلامی ایران، ب- CNC ۲۳۲۲۵۷ز - ۲۳ ژوئیه - با موضوع لجستیک ایران و دفاتر تدارکات فنی در ایالات متحده

موضوع: نیروی دریایی اسلامی ایران- گزارش آخرین وضعیت

۱- (محرمانه) مرجع (الف) درباره از سرگیری پشتیبانی قطعات قابل تعمیر برای ایران است. مرجع (ب) گزارشی است از ادامه فعالیت دفاتر تدارکات فنی و پشتیبانی نمایندگان نیروی دریایی ایران در ایالات متحده

۲- (محرمانه) ناخدا سوم هیگبی و ناوسروان انگلمن صبح روز ۳۰ ژوئیه ۱۹۷۹ با نمایندگان بخش لجستیک نیروی دریایی اسلامی ایران ملاقات کردند. نامه‌هایی که شرایط لازم برای مرجع‌های (الف) و (ب) را توضیح می‌داد به نمایندگان نیروی دریایی تسلیم شد. اگرچه طبق برنامه قرار بود ناخدا افضلی (رئیس بخش لجستیک نیروی دریایی اسلامی ایران) نیز در این جلسه شرکت کند، ایشان در این جلسه حضور نداشت. به دلیل عدم حضور او، جلسه خیلی کوتاه و مختصر بود. پیش‌بینی می‌کنیم به محض اینکه افضلی فرصت بحث و بررسی نامه‌ها را پیدا کند، گفتگوهای بیشتری در پیش باشد.

۳- (بدون طبقه‌بندی) نمایندگان نیروی دریایی ایران اظهار داشتند که قراردادهای جدید (منظور همان بودجه جدید) باید از سوی وزارت امور خارجه به تصویب برسد. به همین دلیل، آنها اعتقاد داشتند که نمی‌توانند از قراردادهای موجود برای از سرگیری برنامه پشتیبانی استفاده کنند. آنها پیش‌بینی می‌کنند که به سه قرارداد جدید نیاز داشته باشند: یکی برای قطعات یدکی کشتی‌ها، یکی برای قطعات یدکی کارگاه کشتی‌سازی و یکی هم برای قطعات یدکی هواپیماها. به آنها متذکر شدیم که پیش از شروع فرایند تهیه نامه‌های جدید پیشنهاد و قبول آنها باید درخواست رسمی خود را برای قراردادهای جدید کتباً تسلیم کنند. علاوه بر این، به آنها توضیح دادیم که اجرای قراردادهای جدید می‌تواند از سرگیری برنامه پشتیبانی را حداقل به مدت ۶۰ روز به تعویق بیندازد (ر.ک. بند ۶).

۴- (بدون طبقه‌بندی) نمایندگان نیروی دریایی ایران در ارتباط با ارسال قریب‌الوقوع محموله‌های تعلیق شده اظهار داشتند که همچنان شرکت کشتی‌رانی ملی آریا وظیفه حمل و نقل چنین محموله‌هایی را از سوی آنها دارد.

۵- (بدون طبقه‌بندی) نمایندگان نیروی دریایی ایران پرسیدند آیا امکان افتتاح یک حساب بانکی در ایالات متحده که مرکز امور مالی مساعدت‌های امنیتی بتواند در صورت لزوم از آن برداشت کند، وجود دارد. گفتیم افتتاح یک حساب در ایالات متحده که ناخدا سوم صبوری



بتواند از آن وجوهی را به مرکز امور مالی مساعدت‌های امنیتی انتقال دهد ترجیح دارد.

۶- (محرمانه) بعد از ظهر روز ۳۰ ژوئیه، سرهنگ دیویس (رئیس ستاد هیأت مستشاری نظامی) به همراه ناخدا سوم هیگبی و نائسروان انگلمن به ملاقات دریادار علوی (جانشین رئیس ستاد نیروی دریایی) رفتند. رونوشت نامه‌هایی که همان روز به فرماندهی لجستیک نیروی دریایی تسلیم شده بود، در اختیار علوی قرار گرفت. او از شنیدن خبر از سرگیری پشتیبانی تدارکات و حمل قریب‌الوقوع اقلام محموله‌های تعلیق شده ابراز خشنودی کرد. علوی اظهار داشت دولت موقت ایران هنوز تصمیم نگرفته است که آیا ایران اصلاً باید نیروی دریایی داشته باشد یا خیر و اینکه چگونه باید نیروی دریایی فعلی را پشتیبانی کرد. با اشاره به اینکه ظاهراً ریاست بخش لجستیک مایل است به جای ادامه قراردادهای موجود برای شروع پشتیبانی قطعات یدکی، قراردادهای جدیدی منعقد کند، اظهار داشتیم که شاید در سیاست وزارت امور خارجه در قبال تأمین مالی خریدهای نظامی خارجی سوءبرداشتی ایجاد شده باشد. به علوی تأکید کردیم که می‌توان از همین قراردادهای موجود نیز استفاده کرد، و اینکه استفاده از قراردادهای فعلی در واقع تنها راه موجود برای تأمین نیازمندی‌های دارای اولویت در آینده نزدیک خواهد بود.

مورد هلیکوپترهای RH53D را به عنوان نمونه‌ای از سیستم‌های نیروی دریایی مثال زدیم که ممکن است به پشتیبانی اضطراری نیاز داشته باشد. علوی اذعان داشت که با هلیکوپترهای RH53D قدری مشکل دارند، ولی هنوز با AB-212 و AB-214 پرواز می‌کنند. از این گفته علوی چنین برداشت می‌کنیم که هلیکوپترهای RH53D قابل پرواز نیستند.

۷- (محرمانه) سرهنگ دیویس به علوی گفت که هیأت مستشاری نظامی در واقع در ساختار کاری سفارت آمریکا ادغام شده است. [ادامه سند یافت نشد]

سند شماره ۱۷۸

۸ اوت ۱۹۷۹ - ۱۷ مرداد ۱۳۵۸

محرمانه

از: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی
به: سفارت آمریکا، تهران

مرجع: الف- مستشاری نظامی ۰۲۱۲۳۰ز - ۲ اوت ۱۹۷۹ - موضوع فوق، ب- وزارت دفاع ۱۹۰۰۲۸از - ۱۹ آوریل ۱۹۷۹ - موضوع قراردادهای خریدهای نظامی خارجی، پ- وزارت دفاع ۱۴۲۱۲۸از - ۱۴ آوریل ۱۹۷۹ - موضوع آر.اف-۴ ای برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران، ت- وزارت دفاع ۱۶۰۰۲۵از - ۱۶ می ۱۹۷۹ - موضوع درخواست برای هواپیماهای آر.اف-۴ ای، ث- وزارت دفاع ۲۷۲۳۲۲ز - ۲۷ ژوئیه ۱۹۷۹ - موضوع پشتیبانی قطعات یدکی برای ایران

موضوع: وزارت امور خارجه ایران- پشتیبانی نظامی (بدون طبقه‌بندی)

۱- (بدون طبقه‌بندی) اطلاعات زیر در پاسخ به بند ۵ مرجع الف ارسال می‌گردد:



الف- (بدون طبقه‌بندی) لوله‌های توپ ۱۷۵ م.م.: همه ۳۰ لوله توپ ۱۷۵ م.م. موضوع قرارداد IR-VNR پیش از این به ۱۹۷۷/۲۸۵ حمل شده‌اند. با وجود این، یک لوله توپ ۱۷۵ م.م. موضوع قرارداد IR-VLN هنوز موجود است و تعداد ۱۲ قبضه توپ کامل نیز (BREACH and TUBE) موضوع قرارداد IR-UZM در حال بهسازی بودند که با توجه به بلا تکلیفی وضعیت ایران به حالت تعلیق درآمدند.

ب- (بدون طبقه‌بندی) خودروهای ام-۱۵۱ و ام-۱۵۱-ای-۲: چنانکه در مرجع ب آمده است، همه این خودروها به ایران حمل شده و دیگر هیچ خودرویی نیست که آماده حمل باشد.

پ- (بدون طبقه‌بندی) تجهیزات CBR: تمام تجهیزاتی که امکان حمل دارد، به همراه پوششهای محافظتی و تجهیزات پاک‌کننده ارسال خواهد شد.

ت- جیب‌های ام-۸۲۵: همه این جیب‌ها به مشتریان دیگر فروخته شده و مبالغ آنها نیز دارد به صندوق امانی ایران واریز می‌شود (۳۰۰ هزار دلار واریز شده و ۲۰۰ هزار دلار دیگر نیز واریز خواهد شد).

ث- (بدون طبقه‌بندی) هواپیماهای آر.اف-۴ ای: برای پاسخ کامل به مرجع پ و ت مراجعه کنید. نظر وزارت امور خارجه ایران را به نامه آژانس مساعدت‌های امنیتی دفاعی که خطاب به معاون وزارت دفاع ملی ایران نوشته و در مرجع ت آمده است، جلب کنید.

ج- موشک‌های هارپون: نیروی دریایی ایالات متحده هنوز در حال بررسی راههای ممکن برای فروش این موشک‌ها به مشتریان دیگر و استرداد نهایی وجوه حاصل از آن به صندوق امانی است. وضعیت فعلی به شرح زیر است:

(۱) احتمال بسیار قوی فروش ۱۰۰ موشک هارپون به یک مشتری دیگر برای تحویل در سال مالی ۱۹۸۳ و استرداد وجوه آن به صندوق امانی.

(۲) نیروی دریایی ایالات متحده پیشنهاد داده است که بودجه سال مالی ۱۹۸۰ برای نزدیک به ۱۰۵ موشک هارپون مورد تجدید نظر قرار گیرد. ترجیح ما این است که قرارداد با استفاده از وجوه صندوق امانی ایران ادامه یابد؛ و وزارت دفاع برای تصویب اصلاحیه بودجه نیروی دریایی و همچنین تصویب آن در کنگره فشار بیاورد. صد و پنج موشک اول به نیروی دریایی ایالات متحده تحویل خواهد شد. می‌توانید به دولت موقت ایران اطلاع دهید که باقیمانده سفارش نیز تولید خواهد شد، ولی در حال حاضر نمی‌توانیم تجهیزات طبقه‌بندی شده را تحویل دهیم. به اعتقاد ما، چنانچه موشک‌های هارپون به ایران تحویل نشود، می‌توان آنها را نهایتاً به مشتری دیگری فروخت و وجوه حاصله را به صندوق امانی ایران مسترد ساخت. تصمیم مثبت برای ارسال موشک‌های هارپون به ایران تا زمانی که مناسب بودن وضعیت امنیتی این کشور برای سیستم طبقه‌بندی شده مزبور تأیید نشود، اتخاذ نخواهد شد.

چ- (محرمانه) قایق‌های LCM-6: برای اطلاع شما، پیش از آنکه از علاقه جدید ایران به این

سیستم اطلاع یابیم، خرید قایق‌های فوق را به رئیس بخش عملیاتی نیروی دریایی عربستان سعودی پیشنهاد دادیم که آنها نیز پیشنهاد ما را قبول کردند، و حالا دیگر نمی‌توانیم پیشنهاد خود را پس بگیریم. فروش قایق‌های فوق به سعودی‌ها در حال انجام است.

ح- (محرمانه) لوازم و قطعات یدکی برای تجهیزات موجود: به مرجع ت مراجعه کنید. حمل محموله‌ها به محض دریافت دستور حمل از سوی دولت موقت ایران صورت خواهد گرفت. محموله‌ها شامل کلیه لوازم بدون طبقه‌بندی است که تولید شده، تهیه شده و یا به موجب قراردادهای موجود در حال تولید است، و همچنین شامل لوازم بدون طبقه‌بندی خواهد بود که در چارچوب ترتیبات جدید پیش‌پرداخت نقدی تقاضا شده است. با وجود این موارد ۵، ۷، ۸، ۹ و ۱۲ که در یادداشت وزارت امور خارجه آمده است نیاز به توضیح دارد، موجب امتنان خواهد بود که ایران نظرش را در مورد این اقلام واضح‌تر بیان کند. برای اطلاع شما، به نظر می‌رسد که نمی‌توان باقیمانده برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران را به نحوی اصلاح کرد که تقاضای به این بزرگی در آن جای گیرد (مثلاً هیچ قرارداد مفتوحی برای بهسازی هواپیماهای اف-۴ و سی-۱۳۰ وجود ندارد).

خ- (بدون طبقه‌بندی) نمی‌توانیم درخواست اجرای مجدد قراردادها یا موارد لغو شده را بپذیریم. این نوع درخواست‌ها باید در چارچوب ترتیبات پیش‌پرداخت نقدی جدید مطرح شوند.

۲- (بدون طبقه‌بندی) پس از آنکه درخواست واضح‌تر و یا توضیحات ایران را در مورد برنامه آموزش و پشتیبانی دریافت کردیم، ظرفیت ایالات متحده را برای تعمیر و نگهداری آماد و پشتیبانی فنی و یا آموزش مورد بررسی قرار خواهیم داد. ایرانی‌ها از همان اول باید بدانند که باید یک نامه پیشنهاد و قبول جدید از ما درخواست کنند.

۳- (محرمانه) ما همچنین معتقدیم که در اعتراض دولت موقت ایران تناقض‌هایی وجود دارد، زیرا آنها مدعی‌اند که چرا دولت ایالات متحده بابت قراردادهای چهار کشتی (اسپراونس) از صندوق امانی وجوهی هزینه کرده است، ولی در مورد هواپیماهای آر.اف-۴ ای این اتفاق نیفتاده است.

در ارتباط با چهار کشتی فوق، وجوهی که هزینه شد اجازه می‌داد مبالغ بیشتری از مشتری بالقوه به صندوق بازگردد، ولی در ارتباط با هواپیماهای آر.اف-۴ ای که پیش‌بینی نمی‌شد مشتری پیدا کند، دولت ایالات متحده با لغو قرارداد بلافاصله از صرف هزینه‌های بیشتر جلوگیری کرد.

در این ارتباط هیچ نیازی به عذرخواهی نمی‌بینیم. زمانی که این تصمیم اتخاذ می‌شد، عملاً امکان ارتباط با نمایندگان نظامی (یا سیاسی) ایران وجود نداشت. توصیه می‌کنیم این نکته را، که در مرجع ت (و مجدداً در گزارش سرهنگ پتی) آمده است، بار دیگر به آنها گوشزد کنید. چنانچه زمانی که دست به خاتمه برخی قراردادهای فروش اقلام آن به مشتریان دیگر زدیم این

اقدام را انجام نمی‌دادیم، هیچ گزینه دیگری به جز خاتمه کل برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران برایمان باقی نمی‌ماند.

این مسئله نه فقط ایران را از تجهیزات مورد تقاضایش محروم می‌ساخت، بلکه به احتمال قوی کل موجودی صندوق امنی را خالی می‌کرد و بدهی سنگینی بابت عدم اجرای تعهداتشان در چارچوب برنامه خریدهای نظامی خارجی بر روی دستشان می‌گذاشت.

۴- (بدون طبقه‌بندی) به سبب تغییر و تحول در نفرات سفارت، شاید برخی مرجع‌های فوق برایتان آشنا نباشد. به هر حال، در صورت نیاز بار دیگر مرجع‌های فوق را برایتان ارسال خواهیم کرد.

۵- (بدون طبقه‌بندی) وزارت امور خارجه نیز با این امر موافقت دارد.

سند شماره ۱۷۹

۱۰ اوت ۱۹۷۹ - ۱۹ مرداد ۱۳۵۸

محرمانه

از: وزارت دفاع، واشنگتن دی.سی

مرجع: الف- جلسه مرور سیاست‌های آمریکا در قبال ایران - ۹ اوت ۱۹۷۹، ب- هیأت

مستشاری ۲۶۰۳۱۹ز - ۲۶ ژوئیه ۱۹۷۹، درباره محموله‌های در حال تعلیق برای ایران

موضوع: اقلام طبقه‌بندی شده در برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران

۱- (محرمانه) این تلکس در تأیید دستور شفاهی به سازمان مساعدت‌های امنیتی دفاعی در طول جلسه مرجع الف، ارسال می‌گردد. علاوه بر اطلاعاتی که در مرجع ب درخواست شده بود، برای بررسی سیاست‌ها و اجرای آنها، به فهرستی به روز شده از تمامی اقلام طبقه‌بندی شده ایالات متحده در موجودی انبار ایران و اقلام مربوط به باقیمانده برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران نیازمندیم، نظیر آنچه ممکن است در قراردادهای مفتوح و یا محموله‌های تعلیق شده باشد.

۲- (محرمانه) فهرست مزبور باید شامل موارد زیر باشد: تعداد اقلام عمده، دستگاه یا سیستمی که نهایتاً یک قلم برای پشتیبانی آن به کار می‌رود یا بخشی از آن است، تأثیر آن بر سطح عملیاتی یا تعمیر و نگهداری دستگاه یا سیستم نهایی اگر قلم مزبور تحویل نشود، محل (ایران، آمریکا-در انبار، در قرارداد، غیره) و توصیه برای رفع تعلیق و یا لغو.

۳- (محرمانه) سایر اقلام حساس نظیر مهمات، کلاهک‌های جنگی، و موشک‌ها ممکن است جزو اقلام طبقه‌بندی نبوده ولی حساس شناخته شده باشند. چنین اقلامی که جزو اقلام مربوط به باقیمانده برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران هستند باید جداگانه فهرست شوند (فقط مهمات فوق با کالیبر ۲ م.م.)، ولی به همراه اطلاعات ذکر شده در بند ۲ همین تلکس.

۴- (بدون طبقه‌بندی) درخواست می‌شود فهرست مزبور را تا تاریخ ۱۶ اوت ۱۹۷۹ به

سازمان مساعدت‌های امنیتی دفاعی ارسال کنید.



سند شماره ۱۸۰



بدون طبقه‌بندی
از: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی
مرجع: الف- هیأت مستشاری ۳۰۹۰۶ز - ۳۰ ژوئیه ۱۹۷۹ - موضوع بالا، ب- وزارت
دفاع ۲۳۲۰۵۶ز - اوت ۱۹۷۹ - اطلاعات درباره برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران و
دیدار شما، پ- وزارت دفاع ۳۲۱۴۴ز - ۳ اوت ۱۹۷۹ - درباره صندوق امانی ایران،
قطعات یدکی برای نیروی‌های مسلح ایران، ت- وزارت دفاع ۱۷۲۳۳۳ز - ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۹
- درباره درخواست برای اسناد مربوط به خریدهای نظامی خارجی، ث- وزارت دفاع
۳۲۰۴۳ز - ۳ اوت ۱۹۷۹ - درباره وضعیت موقت صندوق امانی و پیش‌بینی‌ها، ج-
وزارت دفاع ۳۰۲۲۴۰ز - ۳۰ ژوئیه ۱۹۷۹ - درخواست برای لغو

موضوع: بررسی برنامه خریدهای نظامی خارجی، صندوق امانی ایران

۱- همچنان ترجیح می‌دهیم که یک تیم ایرانی برای بررسی برنامه خریدهای نظامی
خارجی ایران که در یادداشت تفاهم مورخ ۳ فوریه ۱۹۷۹ پیش‌بینی شده است، به ایالات متحده
سفر کند. با توصیه شما به دولت ایران موافقیم که بررسی‌ها نباید زودتر از اواخر اوت صورت
گیرد تا بتوان از گزارش حسابداری خریدهای نظامی خارجی استفاده کرد و ایران را قادر
ساخت تا اطلاعات ارائه شده در مرجع‌های بالا را هضم کند.

۲- می‌توانید تأیید کتبی موافقت ما با تمدید تاریخ بررسی‌ها را به دولت ایران تسلیم کنید.
۳- مرجع الف بند ۴، حدس می‌زنیم که منظور شما صورت‌حساب حساب دارایی ماه ژوئن
باشد، این صورت‌حساب از سوی مرکز امور مالی در حدود ۳۱ ژوئیه برایتان پست شد. مرجع پ
شامل پاسخ‌هایی به سئوالات باقیمانده هیأت مستشاری نظامی بود که در تلکس شماره ۲۸۱۰۰۱ز
مورخ ۲۸ ژوئن ۷۹ در مورد برنامه خریدهای نظامی خارجی و صندوق امانی ایران مطرح شده بود.

سند شماره ۱۸۱



محرمانه
از: نماینده ارشد دفاعی، سفارت آمریکا، تهران- سرهنگ دیویس
به: معاون وزارت دفاع ملی ایران- سرهنگ کامکار
مرجع: الف- یادداشت وزارت امور خارجه ایران ۳۴۶۲/۱۸ - ۲۳ ژوئیه ۱۹۷۹، ب- نامه
نماینده ارشد دفاعی - ۲۴ آوریل ۱۹۷۹ - با موضوع قراردادهای مربوط به برنامه خریدهای
نظامی خارجی، پ- نامه نماینده ارشد دفاعی - ۲ ژوئن ۱۹۷۹ - موضوع قراردادهای
WAP و WCI خریدهای نظامی خارجی

موضوع: قراردادهای مربوط به برنامه خریدهای نظامی خارجی

اطلاعات زیر می‌تواند شما را در آمادگی برای جلسه روز ۱۴ اوت با وزیران دفاع ملی و

امور خارجه، و مقامات سفارت آمریکا و هیأت مستشاری نظامی که در آن مسئله پشتیبانی نظامی (مرجع الف) مورد بحث قرار خواهد گرفت، یاری دهد. قبلاً اطلاعاتی نیز در نامه‌های موضوع مرجع ب و پ برایتان ارسال شده بود.

۱- ۳۰ لوله یدکی توپ ۱۷۵ میلی‌متری: در مرجع ب خاطر نشان شده بود که ارسال لوله‌های یدکی فوق به حالت تعلیق درآمده است. بررسی‌های بیشتر وزارت دفاع آمریکا نشان داد که هر ۳۰ لوله یدکی توپ ۱۷۵ میلی‌متری (موضوع قرارداد VNR) پیش از تاریخ ۱۲ اکتبر ۱۹۷۷ حمل شده‌اند.

با وجود این، یک لوله یدکی توپ ۱۷۵ میلی‌متری (موضوع قرارداد VLN) نگه داشته شده بود که هم اینک آماده حمل است. ۱۲ قبضه توپ کامل (موضوع قرارداد UZM) نیز در حال بازسازی بود که این کار تا روشن شدن وضعیت در آینده متوقف شده است.

۲- خودروهای نظامی ام-۱۵۱ و ام-۱۵۱-ای-۲: همه خودروهای سفارش شده به ایران تحویل شده‌اند.

۳- تجهیزات ش.م.ر: کلیه تجهیزاتی که مجوز آنها صادر شده است به ایران حمل خواهند شد، که عمدتاً شامل لباس‌های ایمنی و اقلامی برای رفع آلودگی‌ها هستند.

۴- ۹۹ دستگاه جیب: قرارداد ۹۹ جیب ام-۸۲۵ باقیمانده به موجب یادداشت تفاهم مورخ ۳ فوریه ۱۹۷۹ لغو و به مشتریان دیگری فروخته شد. از بابت فروش این خودروها مبلغ ۲۷۵۰۰۰ دلار به صندوق امانی مسترد شد و مبلغ ۲۴۸۰۰۰ دلار دیگر نیز که بابت کامیون‌ها هزینه شده بود، به صندوق مسترد خواهد شد. در حال حاضر هیچ خودروی ام-۸۲۵ دیگری برای تحویل به ایران نیست، با وجود این، دولت ایالات متحده جهت تأمین نیازهای دولت موقت ایران یک نامه پیشنهاد و قبول دیگر را مد نظر قرار خواهد داد. قیمت تقریبی هر یک از خودروهای ام-۸۲۵ نزدیک به ۱۰۷۴۲ دلار خواهد بود. قیمت واحد همین خودروها در نامه پیشنهاد و قبول قبلی دولت ایران (قرارداد IR-WAP ژانویه ۷۸) ۹۴۸۷ دلار بود. زمان تقریبی برای تهیه این خودرو بین ۳ تا ۶ ماه خواهد بود.

۵- قطعات و لوازم یدکی برای کلیه وسایل موجود، در صورت لزوم: حمل همه قطعاتی که مجوز آنها صادر شده است به محض اینکه دستور حمل از دفتر شما ارایه شود، آغاز خواهد شد.

۶- ۸ فروند هواپیمای آر.اف-۴ ای: از آنجایی که هیچ خریداری برای این جنگنده‌ها پیدا نشد، طبق یادداشت تفاهم مورخ ۳ فوریه ۱۹۷۹، قرارداد مربوط به آنها (به استثنای ۳۶ موتور اف-۴ که تولید آنها ادامه یافت) لغو شد. هرگونه اقدام در این ارتباط باید در چارچوب یک موافقت‌نامه جدید صورت گیرد.

۷ و ۸- بهسازی هواپیماهای سی-۱۳۰ و اف-۴: دقیقاً نمی‌دانیم که منظور شما از این درخواست چیست. از آنجایی که قبلاً چنین خدماتی ارایه نداده‌ایم، محتاج توضیح بیشتری

- هستیم. در هر صورت، باید نامه‌های جدید پیشنهاد و قبول صادر شود.
- ۹- آموزش پشتیبانی و قطعات یدکی: باید نوع و گستردگی برنامه‌های آموزشی مورد درخواست خود را کاملاً مشخص کنید.
- ۱۰- ۹۶ عدد موشک هارپون: به دلیل شناسایی مشتریان بالقوه و انتظار بازگشت پول حاصل از فروش این نوع موشک‌ها به صندوق امانی، تولید آنها ادامه یافته است. دولت ایالات متحده در حال حاضر نمی‌تواند تجهیزات طبقه‌بندی شده را از توقیف درآورد، و تا زمانی که وضعیت امنیتی موشک‌های فوق کاملاً مشخص نشود از تصمیم‌گیری در این مورد خودداری خواهد کرد.
- ۱۱- ۴ قایق LCM-6: این قایق‌ها به مشتری دیگری فروخته شده و دیگر موجود نیست.
- ۱۲- ظاهراً تکرار مورد ۹ است.

رونالد آر. دیویس
سرهنگ نیروی هوایی ایالات متحده
نماینده دفاعی ایالات متحده

سند شماره ۱۸۲



۱۲ اوت ۱۹۷۹ - ۲۱ مرداد ۱۳۵۸

سرری
از: سفارت آمریکا، تهران

به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی

موضوع: جلسه ۱۴ اوت برای مذاکره درباره تدارکات نظامی

۱- (سرری - تمام متن)

۲- چنانکه وزارت از گزارش گفتگوهای اینجانب با بازرگان و یزدی در روز ۱۱ اوت آگاهی یافته است، ملاقاتی را که در ابتدا برای مذاکرات کاری بر سر رویه تدارکات نظامی به وزارت امور خارجه ایران پیشنهاد کرده بودیم، هم اینک به سطح وزیر ارتقا یافته است. هم آقای یزدی و هم تیمسار ریاحی در این جلسه حضور خواهند داشت. این جلسه در ساعت ۱۱:۰۰ صبح روز سه شنبه ۱۴ اوت برگزار خواهد شد.

۳- یکی از سئوالاتی که تقریباً مطمئنیم از ما خواهند پرسید این است که منظورمان از ارسال فقط اقلام غیر حساسی که (در چارچوب قراردادهای جدید) مورد تأیید قرار گرفته است، چیست. در تلکس وزارت دفاع و دستیار وزیر در امور امنیتی بین‌المللی به شماره ۲۷۲۳۳۲۲ مورخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۷۹ از قصد آمریکا برای رسیدگی به تقاضای اقلام طبقه‌بندی شده به صورت مورد به مورد نیز صحبت شده است.

۴- البته درک می‌کنم که احتمالاً قصد داریم در این ارتباط سیاست‌هایمان قدری مبهم باشد. با وجود این، هر گونه راهنمایی وزارت قبل از این جلسه می‌تواند مفید باشد.

لینگن

سند شماره ۱۸۳

۱۳ اوت ۱۹۷۹ - ۲۲ مرداد ۱۳۵۸

محرمانه

از: هیأت مستشاری نظامی، تهران
مرجع: الف- وزارت دفاع ۰۳۲۰۵۶ ز - ۳ اوت - درباره خریدهای نظامی خارجی و دیدار، ب- وزارت دفاع ۱۴۱۶۴۳ از - ۱۴ ژوئیه - درباره سناریوی دیدار برای برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران، پ- وزارت دفاع ۰۳۲۰۴۳ ز - ۳ اوت - درباره وضعیت صندوق امانی و پیش‌بینی‌ها

موضوع: جلسه بررسی برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران

۱- مرجع الف و ب برنامه پیشنهادی بررسی خریدهای نظامی خارجی ایران زمانبندی شده برای ۲۲-۲۴ اوت ۱۹۷۹ را مورد بررسی قرار داده است.

۲- نمایندگانی که از هیأت مستشاری در این کنفرانس حضور خواهند داشت عبارتند از سرهنگ دیویس، نائسروان انگلن، و استوار یکم ریگان. آنها در روز ۲۱ اوت وارد واشنگتن خواهند شد. درخواست رزرو هتل در مجتمع کریستال را برای شب‌های ۲۱ تا ۲۴ اوت ۱۹۷۹ دارند. همچنین خواهشمند است فردی را که باید در واشنگتن با او تماس بگیریم و تأیید رزرو هتل را تا شب ۱۷ اوت ۱۹۷۹ به اطلاع ما برسانید.

۳- نمایندگان هیأت مستشاری در تاریخ ۲۵ ات ۷۹ واشنگتن را به مقصد دنور ترک خواهند کرد و تقاضا دارند جلسه گزارش مرکز امور مالی سازمان مساعدت‌های امنیتی برای روز ۲۷ اوت برنامه‌ریزی شود و روز ۲۸ اوت نیز در صورت نیاز ما در اختیارمان قرار گیرد. خواهشمند است طرف تماس در مرکز امور مالی سازمان مساعدت‌های امنیتی را معرفی کنید و برای روزهای ۲۵ تا ۲۸ برایمان هتل رزرو نمایید.

۴- هیأت مستشاری اطلاعات اضافی را که در مرجع پ در مورد صندوق امانی ارایه شده بود، مرور کرده است. ما همچنین از نیروهای مختلف ارتش ایران و وزارت دفاع ملی این کشور خواسته‌ایم سئوالات خود را مطرح کنند. سئوالات دولت موقت ایران که باید در کنفرانس اوت به آن پاسخ دهیم قبل از ورودمان به واشنگتن برایتان ارسال می‌گردد.

دیویس

سند شماره ۱۸۴

۱۴ اوت ۱۹۷۹ - ۲۳ مرداد ۱۳۵۸

سری

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی
به: سفارت آمریکا، تهران
موضوع: جلسه ۱۴ اوت در رابطه با تدارکات نظامی

۱- (سری - تمام متن)

۲- امیدواریم بتوان از مسئله اقلام حساس طفره رفت. در حال بررسی این موضوع هستیم



و قصد داریم در آینده توضیح جامعی در ارتباط با موضع ایالات متحده ارائه دهیم.

۳- چنانچه خبرنگاران ایرانی درباره ارسال اقلام حساس در این جلسه پرسیدند، می‌توانید بگویید تا زمانی که ایالات متحده از امنیت کافی این اقلام در تأسیسات ایران اطمینان حاصل نکند، نمی‌تواند با ارسال اقلام مزبور موافقت کند. چنانکه ایرانی‌ها می‌دانند، ما یک موافقت‌نامه متقابل برای حفاظت از اطلاعات و تجهیزات طبقه‌بندی شده امضا کرده‌ایم و در حال حاضر نمی‌توانیم تأیید کنیم که حفاظت‌های مورد نظر در ایران تضمین شده است.

۴- اساساً فکر می‌کنیم در ارتباط با تدارک قطعات یدکی، توپ در زمین ایرانی‌ها باشد. ما منتظر دستور آنها در ارتباط با نحوه تحویل تجهیزات تأیید شده هستیم. ما همچنین منتظر تصمیم ایران برای سفارش تجهیزات نظامی قرارداد ۵ میلیون دلاری و همچنین قراردادهای خریدهای نظامی خارجی هستیم که اخیراً برای سفارش‌های جدید قطعات یدکی به تصویب رساندیم. قرارداد کالیبراسیون موشک‌های تاو نیز در دست شماس است. اگر ایرانی‌ها درخواست دیگری داشته باشند، با کمال میل آن را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

ونس

سند شماره ۱۸۵

محرمانه

۱۴ اوت ۱۹۷۹- ۲۳ مرداد ۱۳۵۸

به: وزارت دفاع، واشنگتن دی.سی

از: هیأت مستشاری نظامی، تهران

موضوع: تجهیزات پشتیبانی زمینی موشک‌های تاو AH-1J برای ایران

- ۱- (بدون طبقه‌بندی) عطف به فهرست تجهیزات تشکیل دهنده یک مجموعه کامل سیستم موشک تاو و تجهیزات پشتیبانی زمینی (جی.اس.ای) با قید تاریخ و محل حمل.
- ۲- (محرمانه) طبق اظهار نفرات نیروی هوایی اسلامی ایران، تنها بخشی که باید برای کالیبراسیون و آموزش سیستم موشک‌های تاو راه‌اندازی شود، ایستگاه آزمایش کارکردی سفارشی اتوماتیک است که اخیراً نصب آن کامل شده است. آنها می‌گویند هزینه مربوط به آموزش و نصب و کالیبراسیون ایستگاه موضوع قرارداد SAM P2 پرداخت شده، ولی این قرارداد هنوز تکمیل نشده است. دو ایستگاه در شیراز و اصفهان قرار دارند.
- ۳- هیأت مستشاری نظامی پیش‌بینی می‌کند به دلیل وضعیت امنیتی متزلزل کشور، کالیبراسیون و آموزش سیستم پشتیبانی زمینی موشک‌های تاو AH-1J در فرودگاه مهرآباد تهران انجام شود. علاوه بر این، می‌دانیم که سیستم TAFT قابل حمل و انتقال نیست.
- ۴- (محرمانه) به دلیل قصور و یا عدم توانایی نیروی هوایی اسلامی ایران در ارائه فهرستی از تجهیزات و اجزای راه‌اندازی شده موجود در کشور، لطفاً از آنها درخواست کنید تا فهرستی از کمترین تجهیزات راه‌اندازی شده سیستم پشتیبانی زمینی را که باید در تهران برای انجام کالیبراسیون و آموزش در اختیار تیم قرار گیرد، اعلام کنند. ما می‌خواهیم به نیروی هوایی



اسلامی ایران و تیم کارشناسان اعزامی کمک کنیم تا در کمترین مدت ممکن کار را تکمیل کنند. با وجود این، به دلیل نبود دانش کارشناسی کافی در اختیار هیأت مستشاری و همچنین در نیروی هوایی اسلامی ایران، دشوار می‌توانیم تجهیزات لازم برای این کار را مشخص کنیم. ضمناً آیا آموزش‌ها می‌تواند در تهران انجام شود لطفاً به ما اطلاع دهید.

دیویس

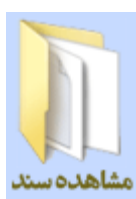
سند شماره ۱۸۶

۱۶ اوت ۱۹۷۹ - ۲۵ مرداد ۱۳۵۸

محرمانه

از: هیأت مستشاری نظامی، تهران به: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی

موضوع: بررسی برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران ۲۲-۲۴ اوت



۱- (محرمانه) در تاریخ ۱۴ اوت ۱۹۷۹ مذاکراتی برای بررسی نظرات ایران درباره برنامه خریدهای نظامی خارجی، صندوق امانی، و از سرگیری پشتیبانی‌های نظامی از این کشور با مقامات دولت موقت ایران انجام دادیم. مقامات ایرانی شامل دکتر یزدی (وزیر امور خارجه)، تیمسار ریاحی (وزیر دفاع ملی)، تیمسار صفری (مسئول پشتیبانی نیروی هوایی اسلامی ایران)، و سرهنگ کامکار (معاون وزیر دفاع در امور تسلیحاتی) بود. آقای لینگن (کاردار)، آقای تامست (نماینده سیاسی-نظامی سفارت)، و سرهنگ دیویس (فرمانده هیأت مستشاری نظامی) نیز نمایندگان دولت ایالات متحده در این جلسه بودند.

۲- در طول این ملاقات، دولت موقت ایران خواستار دریافت اطلاعات تفصیلی در خصوص قراردادهای برنامه خریدهای نظامی خارجی و وضعیت صندوق امانی شد. شرح اطلاعاتی که دولت موقت ایران تقاضا کرده است برای اطلاع شما ارسال می‌گردد. پاسخ تفصیلی به این سئوالات (در صورت امکان با قالب درخواستی) می‌تواند در رفع شک و تردیدهای دولت موقت ایران در ارتباط با برنامه خریدهای نظامی خارجی و مدیریت آن از سوی ما مفید باشد. البته می‌دانیم که بخش اعظم اطلاعات درخواستی ایران در ارتباط با قراردادهای برنامه خریدهای نظامی خارجی، قبلاً در قالب صورتحساب‌های سه ماهانه در اختیار ایران قرار گرفته است. ما این مسئله را به نمایندگان دولت ایران تأکید کردیم. همچنین خاطر نشان شد که هدف از جلسه ۲۲ تا ۲۴ اوت ارایه تصویر کاملی از برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران و صندوق امانی این کشور است.

۳- اطلاعات دقیقی که دولت موقت ایران در جلسه ۱۴ اوت از ما تقاضا کرد به شرح زیر

است:

اطلاعات درخواستی در ارتباط با هر یک از قراردادهای خریدهای نظامی خارجی:

۱- قرارداد خرید نظامی خارجی

۲- شرح ارقام و یا خدمات خریداری شده

- ۳- میزان اقلام خریداری شده و یا نفر- ماه نیروها
 - ۴- هزینه تقریبی هر قرارداد شامل هزینه بسته‌بندی، جعبه‌بندی، حمل تا محل بارگیری، هزینه‌های اداری و غیره.
 - الف- ارزش قرارداد اولیه
 - ب- ارزش قرارداد(های) اصلاح شده
 - ۵- مبلغ واقعی که بابت هر قرارداد هزینه شده است، شامل هزینه بسته‌بندی، حمل تا محل بارگیری، هزینه‌های اداری و غیره.
 - الف- ارزش قرارداد اولیه
 - ب- ارزش قرارداد(های) اصلاح شده
 - ۶- مبالغ پرداخت شده از سوی دولت ایران
 - ۷- مقدار اقلام یا (چنانچه خدمات است) نفر- ماه نیروها که تحت قرارداد تحویل یا انجام شده
- توضیح: در صورت عدم دسترسی به ارقام مربوط به مقدار اقلام تحویل شده، درصد آن ذکر شود.
- ۸- هزینه اقلام تحویل شده و یا خدمات ارائه شده
 - ۹- آیا قرارداد لغو شده است یا خیر.
 - ۱۰- کل خسارت لغو قراردادها
 - ۱۱- میزان خسارات لغو قراردادها که از محل حساب صندوق امانی به تولیدکنندگان پرداخت شده است.
 - ۱۲- مبالغی که از فروش مجدد اقلام موضوع قراردادهای لغو شده جبران شده است.
 - ۱۳- مبلغ مورد نیاز برای تکمیل قراردادها

توضیح: جدول فوق باید برای هر یک از قراردادهای وزارت دفاع ملی ایران به صورت جداگانه در اختیار نیروهای سه‌گانه (ارتش، نیروی هوایی، نیروی دریایی) قرار گیرد. (توضیح هیأت مستشاری نظامی: مورد شماره ۱۳ بیانگر تمایل دولت موقت ایران برای بازگشت به فرایند تصمیم‌گیری در مورد صندوق امانی و یادداشت تفاهم است. آنها به اطلاعات فوق نیاز دارند تا خودشان تصمیم بگیرند آیا قراردادی باید لغو شود (یا باید لغو می‌شده) یا خیر.)

اطلاعات لازم در ارتباط با حساب صندوق امانی

- ۱- قیمت کل تمامی قراردادهای امضا شده بین ایالات متحده و دولت‌های ایران از زمان شروع برنامه خریدهای نظامی خارجی، شامل هزینه تجهیزات، خدمات، بسته‌بندی، جعبه‌بندی،

- حمل تا محل بارگیری، هزینه‌های اداری، و غیره
- ۲- کل مبالغی که دولت ایالات متحده در ارتباط با موضوع بند یک فوق از دولت ایران دریافت کرده است
 - ۳- کل مبالغی که دولت ایالات متحده برای همه قراردادهای هزینه کرده است، شامل پرداخت به تولیدکنندگان، هزینه بسته‌بندی، جعبه‌بندی، حمل تا محل بارگیری، هزینه‌های اداری و غیره
 - ۴- قیمت کل تجهیزات و خدمات تحویل شده به دولت ایران
 - ۵- فهرست پرداخت‌های انجام شده از محل حساب صندوق امانی از تاریخ ژانویه ۱۹۷۹ به تفکیک اقلام
 - ۶- کل مبالغ جبران شده از محل فروش مجدد اقلام موضوع قراردادهای لغو شده (چه مسترد شده باشد و چه نشده باشد)
 - ۷- موجودی کنونی حساب صندوق امانی
 - ۸- قیمت تقریبی تجهیزاتی که قرار است فروخته شود
 - ۹- موجودی تقریبی حساب صندوق امانی پس از تسویه حساب نهایی
 - ۱۰- کل خسارات مالی مرتبط با قراردادهای لغو شده
 - ۱۱- کل هزینه لغو قراردادها از محل صندوق امانی

قطعات یدکی

- ۱- فهرست اقلام آماده برای حمل
- ۲- فهرست اقلامی که در حال تولید هستند
- ۳- فهرست اقلام تعمیری که هنوز بازگردانده نشده‌اند
- ۴- فهرست نشریات و جزوات فنی که آماده حمل است
- ۵- جدول زمان‌بندی برای تحویل اقلام فوق
- ۶- قطعات یدکی به ارزش ۵/۵ میلیون دلار باید از طریق یک حساب جداگانه خریداری شود

۴- دولت موقت ایران بیشتر دلمشغول نوع و ارزش اقلام لغو شده، میزان جبران منابع مالی از محل لغو این قراردادها و مبالغ پرداخت شده بابت خسارات مالی ناشی از لغو این قراردادها (مورد به مورد) است. کنفرانس ماه اوت می‌تواند با ارایه پاسخ‌های تفصیلی در خصوص خسارات مالی خاتمه قراردادها، تسویه متقابل وجوه، ارزش زیادی برای دولت موقت ایران داشته باشد. ما درک می‌کنیم که درخواست ایران برای اطلاعات مربوط به برنامه خریدهای نظامی خارجی از تاریخ شروع آن (یعنی ۱۹۶۶) غیر واقع‌بینانه است. به اعتقاد ما روشن شدن

وضعیت قراردادهای مربوط به خریدهای نظامی خارجی که پیش از انقلاب امضا شده و در حال اجرا بود، کافی خواهد بود.

۵- درخواست ایران برای دریافت این حجم عظیم از اطلاعات تفصیلی بیانگر تمایل و همچنین ناتوانی دولت موقت ایران برای درک بزرگی برنامه خریدهای نظامی خارجی است. تنها راه فهماندن برنامه خریدهای نظامی خارجی اجرای یک برنامه آموزشی گسترده در این ارتباط است که غالباً باید از مراحل بسیار ابتدایی آغاز شود.

دیویس

سند شماره ۱۸۷

۱۷ اوت ۱۹۷۹ - ۲۶ مرداد ۱۳۵۸



از: نماینده ارشد دفاعی، سفارت آمریکا، تهران - سرهنگ دیویس

به: معاون وزارت دفاع ملی ایران - سرهنگ کامکار

مرجع: نامه وزارت دفاع ملی ایران - ۳۰۳-۳۰۶-۰۳-۲-۸۰-۲۳ ژوئن ۱۹۷۹

موضوع: صورت حساب هزینه‌های خریدهای نظامی خارجی

۱- اطلاعات زیر در ارتباط با سئوالات شما در نامه فوق‌الذکر به دستمان رسیده است:

الف- برنامه اف-۱۶ - قراردادهای STA و STY

(۱) طبق گزارش‌های نیروی هوایی از تاریخ ۶ ژوئیه مبلغ تقریبی خسارات مالی ناشی

از خاتمه این قراردادها برابر است با:

۲۵/۰ میلیون دلار	(بدون هزینه‌های اداری)	STA AIR FRAME
۵۹/۳ میلیون دلار	(بدون هزینه‌های اداری)	STB-STY SUPPORT
۸۴/۳ میلیون دلار		مبلغ کل

(۲) برآورد منابع مالی مورد نیاز به مبلغ (۱۵۶/۷ میلیون دلار) در صورت حساب هزینه ماه مارس ۱۹۷۹ بر اساس برآوردهای آن زمان از سوی نیروی هوایی صورت گرفته بود. متعاقب آن، برآوردهای اصلاح شده مبلغ فوق را به ۱۰۲/۴ میلیون دلار کاهش داد (گزارش ماه می ۱۹۷۹). اصلاح برآوردها بر اساس فروش تجهیزات به سایر مشتریان، مبلغ کل فوق را به ۸۴/۳ میلیون دلار کاهش داده است.

ب- قراردادهای مربوط به ایستگاه آزمایش کارکردی اتوماتیک سفارشی برای سال مالی

۱۹۷۹ (AAJ, AAK, AAL, AAM, AAH):

(۱) مبلغ تقریبی مذکور در صورت حساب ماه مارس ۱۹۷۹ شامل هزینه‌های ضروری تا پایان

سپتامبر ۱۹۷۹ بود، که عبارت بودند از:

(توجه داشته باشید که هزینه‌های ضروری شامل برخی قراردادهای مربوط به سال مالی

۱۹۷۸ نیز هستند که هنوز مفتوح است.)

قراردادهای سال مالی ۱۹۷۹	۷۲/۳ میلیون دلار
قراردادهای سال مالی ۱۹۷۸	۲۷/۳ میلیون دلار
مبلغ کل	۹۹/۶ میلیون دلار

(۲) از این مبالغ پیش‌بینی شده، هزینه‌های واقعی زیر در طول ماه ژوئن ۱۹۷۹ گزارش شد، و در صورت‌حساب ماه ژوئن ۱۹۷۹ ملحوظ خواهد شد.

قراردادهای سال مالی ۱۹۷۹	۴۷/۳ میلیون دلار
قراردادهای سال مالی ۱۹۷۸	۷/۸ میلیون دلار
مبلغ کل	۵۵/۱ میلیون دلار

(۳) هزینه تخلیه نیروهای آمریکایی و بستگانشان که در چارچوب این قراردادها پوشش داده شده است، و همچنین هزینه بازگرداندن اسباب و اثاثیه و سایر مطالبات و ادعاها از مبلغ این قراردادها کسر خواهد شد. مبلغ دقیق هزینه‌ها ممکن است تا چندین ماه دیگر مشخص نشود.

پ- قرارداد پشتیبانی برای هلیکوپترها و سایر قراردادهای خدماتی با پیمانکاران (قراردادهای خریدهای نظامی خارجی با شناسه VZZ, WAK, WAL, WAG, Ect):

فهرست اقلام تحویلی که به همراه صورت‌حساب‌ها ارایه شده است نشان می‌دهد که منابع مالی مورد نیاز در ستون ۱۲ فرم شماره ۶۴۵ وزارت دفاع، به استثنای برآورد مبالغ مورد نیاز، کاهش یافته است. از مرکز امور مالی سازمان مساعدت‌های امنیتی خواسته‌ایم که در پیش‌بینی منابع مالی لازم در صورت‌حساب‌های آتی‌اش این مبلغ را کاهش دهد. در صورت امکان، آن را برایتان ارسال خواهیم کرد.

ت- انتقال نامناسب وجوه از حساب دارایی XFT به قراردادهای خریدهای نظامی خارجی (۱) موشک‌های فونیکس (ABS): موشک‌ها تولید شده‌اند و هزینه آنها بر عهده ایران است. جدول زمانبندی پرداخت‌ها که در آوریل ۱۹۷۹ از نیروی دریایی ایالات متحده دریافت شد بیانگر منابع مالی مورد نیاز بالغ بر ۱۷۷/۷ میلیون دلار است. مرکز امور مالی سازمان مساعدت‌های امنیتی بابت تحویل اقلام و پیشرفت کار بعلاوه مبلغ اضافی پیش‌بینی شده بابت خسارات ناشی از خاتمه قراردادها تا پایان سپتامبر ۱۹۷۹ مبلغی برابر با ۱۷۷/۷ میلیون دلار ایران را بدهکار کرد. به منظور پوشش این هزینه‌ها، مبلغ ۴۱/۵ دلار از حساب دارایی XFT برداشت شد. یک جدول زمانبندی اصلاح شده برای پرداخت‌ها از تاریخ ۹ ژوئیه ۱۹۷۹، از

روابط نظامی ایران و آمریکا ۴۵۳

سوی مرکز امور مالی سازمان مساعدت‌های امنیتی برایمان ارسال شده است که نشان می‌دهد ظاهراً برآوردهای قبلی خیلی بالا بوده است. پس از محاسبه نهایی صورت‌حساب هزینه‌های ماه ژوئن مبالغ اضافی به حساب دارایی XFT مسترد خواهد شد. (۲) رویه مشابهی در خصوص موارد زیر به کار بسته خواهد شد:

قرارداد	ارزش	تحویل‌های گزارش شده	توضیحات
VHU	۲۳۸۶۹۳ دلار	۴۴۸۹۸۷ دلار	مبالغ انتقال یافته از XFT بابت هزینه تحویل‌ها
در ارتباط با این قرارداد، هزینه تحویل یکی از اقلام اشتبهاً دو بار قید شده بود که ارتش آمریکا در حال اصلاح این مورد است. پس از اصلاح این مورد از سوی مرکز امور مالی سازمان مساعدت‌های امنیتی، وجوه اضافی به حساب دارایی بازگردانده خواهد شد. مبلغ صحیح ارزش اقلام تحویل شده برابر است با ۲۱۴۵۹۴/۰۰ دلار.			
CSF	۳۹۲۶۲۹۸ دلار	۵۵۸۲۷۲۶ دلار	مبالغ انتقال یافته از XFT بابت هزینه تحویل‌ها
ارتش آمریکا صحت مبالغ گزارش شده برای اقلام تحویلی را مجدداً تأیید می‌نماید. این قرارداد به منظور درخواست اقلام اضافی چهار ماه تمدید شد (مارس-ژوئیه ۱۹۷۶).			
TZE	۱۰۰۴۴۱ دلار	۱۹۲۲۹۳ دلار	مبالغ انتقال یافته از XFT بابت هزینه تحویل‌ها
ارتش آمریکا صحت مبالغ گزارش شده برای اقلام تحویلی را مجدداً تأیید می‌نماید. این قرارداد در حال بسته شدن است. توضیح اقلام تحویلی به ارزش ۹۱۸۵۱/۲۷ دلار مذکور در فهرست مربوط به اقلام تحویلی خریدهای نظامی خارجی به دفتر شما ارسال شده است.			

ث- قرارداد WFA

مرکز امور مالی سازمان مساعدت‌های امنیتی دستوری مبنی بر لغو این قرارداد دریافت نکرده بود. این دستور هم اینک تأیید شده و قرارداد مذکور در صورت‌حساب آتی هزینه منظور نخواهد شد. مبلغ ۶۰۸۰۴۴ دلاری که بابت این قرارداد از سوی ایران پرداخت شده بود، در

تاریخ ۱۰ ژانویه ۱۹۷۹ دریافت شده و مبلغ مذکور تا شروع اجرای قرارداد در صندوق دارایی XFT نگهداری می‌شد. این مبلغ به حساب XFT مسترد خواهد شد.

ج- هزینه‌های خاتمه قراردادها

این سؤال را به سازمان مساعدت‌های امنیتی ارسال داشتیم ولی آنها به خوبی سؤال مذکور را درک نکردند. این مسئله در جلسه‌ای که در تاریخ ۲۲ تا ۲۴ اوت ۱۹۷۹ در واشنگتن در ارتباط با خریدهای نظامی خارجی برگزار خواهد شد، مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت. اطلاعات اضافی پس از بازگشتمان از واشنگتن ارائه خواهد شد.

۲- خوشحال می‌شوم که من و یا کارمندانم بتوانیم کمک بیشتری به شما بکنیم.

رونالد آر. دیویس

سرهنگ نیروی هوایی آمریکا

نماینده دفاعی

سند شماره ۱۸۸

۱۹ اوت ۱۹۷۹- ۲۸ مرداد ۱۳۵۸

محرمانه

به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی

از: سفارت آمریکا، تهران

موضوع: ملاقات با وزیر امور خارجه و وزیر دفاع ایران

۱- (محرمانه- تمام متن)

۲- این پیام شامل خلاصه مذاکرات انجام شده در ملاقات ۱۴ اوت با وزیر امور خارجه دولت موقت ایران و وزیر دفاع ملی ایران است. هیأت ایرانی شامل مقامات زیر بود: دکتر یزدی (وزیر امور خارجه) که در رأس هیأت بود، سرتیپ ریاحی (وزیر دفاع ملی ایران)، سرتیپ صفری (مسئول بخش پشتیبانی نیروی هوایی جمهوری اسلامی)، سرهنگ کامکار (مسئول بخش تسلیحات در وزارت دفاع ملی)، آقای بایندر (رئیس اداره چهارم سیاسی) و آقای بهرامی (دستیار سرهنگ کامکار). نمایندگان آمریکا نیز عبارت بودند از آقای لینگن (کاردار آمریکا)، آقای تامست (کفیل کنسول سیاسی) و سرهنگ دیویس (رئیس ستاد هیأت مستشاری نظامی). این ملاقات اصولاً به درخواست سفارت و در حکم یک ملاقات کاری به منظور بحث و بررسی و شفاف‌سازی یادداشت دیپلماتیک وزارت امور خارجه ایران در مورد برنامه پشتیبانی نظامی، درخواست شده بود.

۳- کاردار آمریکا بار دیگر بر استقبال دولت آمریکا از روابط با ایران تأکید کرد و توضیح داد که قصد ما از برگزاری این جلسه تلاش برای شفاف‌سازی مسایل مربوط به برنامه پشتیبانی‌های نظامی است. ایشان اظهار داشت تلاش ما از فوریه ۱۹۷۹ این بوده که صندوق امانی در وضعیتی باشد که توان تسویه دیون را داشته و موجب نشود کل برنامه خریدهای



نظامی خارجی با ایران به خطر بیفتد. وقتی کاردار قدری در مورد پیشینه صندوق امانی توضیح داد، یزدی به دو سند که قبلاً در مورد همین مسئله در اختیارش قرار داده بودیم اشاره کرد و گفت که این توضیحات ضرورتی ندارد، و اینکه آنها خواهان اطلاعات دقیق‌تری در مورد برنامه خریدهای نظامی خارجی هستند. سپس سرهنگ کامکار فهرست سئوالاتی را که ایرانی‌ها مایل بودند به آنها پاسخ دهیم ارائه داد (این سئوالات در تلکسی که برای بخش خاور نزدیک- ایران ارسال شد، گنجانده شده است).

۴- کاردار توضیح داد که مقصود از برگزاری جلسه‌ی ماه اوت در واشنگتن دقیقاً بحث بر سر همین مسایل است، و بار دیگر دولت ایران را تشویق به شرکت در این جلسه کرد. ولی هیأت ایرانی به درخواست کاردار توجهی نکرد، و به همین دلیل کاردار توضیح داد چنانچه ایران نماینده‌ای به این جلسه اعزام نکند، هیأت مستشاری نظامی تلاش خواهد کرد به نحو احسن نظرات دولت ایران را در این جلسه انعکاس دهد. سرهنگ دیویس نیز گفت که بخش اعظم اطلاعاتی که در خصوص برنامه خریدهای نظامی خارجی درخواست شده است، به استثنای فهرست مفصل هزینه خاتمه قراردادها، در صورتحساب‌های سه‌ماهه‌ای که به دولت ایران ارائه می‌شود، قید شده است، و برای مثال چند نمونه از صورتحساب‌های ماه مارس را ذکر کرد، که فهرست تحویل اقلام و صورتحساب کل دارایی را شامل می‌شد که همه آنها برای دکتر یزدی بسیار جالب بود. سرهنگ دیویس تقریباً ۴۵ دقیقه را صرف توضیح روند تهیه صورتحساب و پاسخ دادن به سئوالات دکتر یزدی درباره حساب صندوق امانی ایران کرد. در طول این «مدت آموزشی» و تا مدتی بعد از آن نمایندگان ایران به زبان فارسی بین خود صحبت می‌کردند و گویا یزدی از ارائه این همه اطلاعات قدری متعجب شده بود (البته ایشان در ملاقاتی که اخیراً کاردار با نخست‌وزیر ایران داشت به کاردار گفته بودند که دولت آمریکا از سال ۱۹۶۶ تا کنون هیچگونه فاکتوری در اختیار ایران قرار نداده است).

۵- در این زمان آقای بهرامی اذعان کرد که بخش اعظم اطلاعات در اختیار آنها قرار گرفته است، ولی گفت «اطلاعاتی که به ما اجازه می‌دهد حساب‌هایمان را ببندیم» هنوز به آنها ارائه نشده است، و افزود هر چند که اطلاعات مورد نظر آنها را در اختیارشان قرار داده‌ایم ولی آنها جدولی می‌خواهند که نشان دهد از سال ۱۹۶۶ بابت هر خرید چه مبلغی پرداخت شده است. سرهنگ دیویس گفت احتمالاً قادر به ارائه این نوع اطلاعات نخواهیم بود ولی سعی می‌کنیم حتی‌المقدور اطلاعات درخواستی ایران را تهیه کنیم. کاردار برای اینکه بزرگی و حجم کار تجدید ساختار برنامه خریدهای نظامی خارجی را نشان دهد، بخشی از تلکس وزیر دفاع را که به «کل جامعه درگیر در این برنامه» اشاره داشت برای هیأت ایرانی قرائت کرد.

۶- سرهنگ دیویس در پاسخ به سئوالات یزدی در ارتباط با حساب و کتاب نهایی قراردادهای خاتمه یافته توضیح داد که احتمالاً حساب و کتاب این نوع قراردادها به دلیل پر شمار بودن پیمانکاران فرعی درگیر در قراردادها، که در بسیاری موارد مستلزم مذاکره با آنها و

تعیین خسارت خاتمه قراردادها خواهد بود، یک سال به طول می‌انجامد.

۷- آقای بهرامی تأکید کرد که ایران باید بداند دارد چه مبلغی را صرف قراردادهای مفتوح می‌کند، و گفت آمریکا باید «خط روشنی بین معاملات رژیم گذشته و معاملات جدید بکشد.» یزدی اذعان کرد که «رویه‌های حسابرسی ما را درک می‌کند، و یا اینکه حداقل برایش قابل درک‌تر است.» یزدی درخواست کرد که حساب‌ها به ۳ گروه تقسیم شوند، ابتدا حساب قراردادهای انجام شده (که باید حسابرسی شوند)، دوم حساب قراردادهای لغو شده، و سوم حساب قراردادهای مفتوح. ما گفتیم که قراردادهای لغو شده «بسیار دردسرساز» است و اینکه برخی از قراردادها قبلاً لغو شده‌اند ولی بعداً ایرانی‌ها گفته‌اند که تجهیزات سفارش شده را می‌خواهند. سرهنگ دیویس مورد آر.اف-۴ ای را مثال زد و جزئیات آن و همچنین دلیل و منافع لغو قرارداد آر.اف-۴ ای و ادامه تولید موتورها را برای دولت ایران شرح داد.

۸- تیسمار ریاحی گفت باید وضعیت هر یک از مواردی که لغو شده است روشن شود و یزدی نیز اظهار داشت که دولت ایران مایل است «مورد به مورد» قراردادهایی را که لغو شده و یا آنهایی را که موضوع آن هنوز در حال تولید است، بررسی کند.

۹- همین مسئله منجر به بحثی طولانی در مورد نحوه تأمین مالی سفارش‌های جدید شد. یزدی در ابتدا با تأکید بسیار، و سپس با تأکید کمتری، اصرار داشت که حساب وجوه جدید کاملاً از صندوق امانی قدیم جدا شود. او اظهار داشت نمی‌تواند قبول کند در صورت اتمام اعتبار صندوق امانی، از وجوه سفارش‌های جدید برای تأمین اعتبار آن استفاده شود. کاردار گفت موضع دولت ایران را درک می‌کند و سپس موضع دولت آمریکا را نیز بازگو کرد. (سؤال از وزیر امور خارجه و وزیر دفاع: آیا دولت آمریکا در این مورد انعطاف نشان خواهد داد؟ احساس می‌کنیم که مسئله‌ی چندان مهمی نباشد، به ویژه با توجه به وضعیت کنونی صندوق امانی، ولی گویا دولت ایران این مسئله را خیلی اساسی می‌داند.) سرهنگ دیویس توضیح داد که دولت آمریکا در ارتباط با تعیین روند معاملات برای سفارش‌های جدید امتیازاتی داده است و به یزدی یادآور شد که دولت علناً از وزارت دفاع انتقاد کرده که چرا پول کافی برای پرداخت خسارات ناشی از لغو قراردادها از ایران دریافت نکرده است.

۱۰- مسئله شرکت حمل و نقل بار دیگر مطرح شد و آقای بایندر از اینکه برخی پیمانکاران آمریکایی اموال و حساب‌های بانکی ایران را توقیف کرده‌اند (مثلاً شرکت EDS) ابراز ناخشنودی کرد. بحث بر سر این مسئله و همچنین پرونده مربوط به شرکت بهرینگ به این تصمیم ختم شد که مبالغی پول به منظور تأمین هزینه‌های قانونی و تضمین عدم توقیف قطعات سفارش شده، در یک حساب امانی سپرده شود.

۱۱- کاردار به یزدی خاطر نشان کرد که ما هنوز منتظر مذاکره بر سر هواپیماهای اف-۱۴ هستیم و یزدی نیز اذعان داشت که قرار است محل، زمان و سایر اطلاعات مربوط به مذاکرات را به اطلاع ما برساند.

۱۲- ما نامه پیشنهاد برای آزمایش کالیبراسیون موشک‌های تلو را به سرهنگ کامکار تسلیم کردیم.
 ۱۳- کاردار تأکید کرد که ایران اجازه ورود آمریکایی‌ها را به «خلیج [فارس]» و مناطق دیگر بدهد تا آنها اموال متعلق به دولت آمریکا را از این اماکن منتقل کنند. دکتر یزدی گفت دارد در این ارتباط «سخت تلاش» می‌کند (در نتیجه این مذاکرات، کاردار به پیوست یک نامه، فهرستی از اموال نظامی و پرونده‌های دولت آمریکا را که هنوز در دسترس ما قرار نگرفته است، برای یزدی ارسال کرد).

سند شماره ۱۸۹

۲۸ اوت ۱۹۷۹ - ۶ شهریور ۱۳۵۸

محرمانه

موضوع: برنامه خریدهای خارجی ایران
 وضعیت موجودی مربوط به اقلام تحویل نشده
 (مبالغ به میلیون دلار)



مبلغ	شرح
۱۲۵۸۱	موجودی صندوق مربوط به اقلام تحویل نشده از تاریخ ۱ ژانویه ۱۹۷۹
-۴۷۹۷	منهای هزینه کاهش قراردادهای که تا ۳۱ ژوئیه انجام شد
-۴۸۰۰	منهای هزینه قراردادهایی که قرار است کاهش یابد
+۲۹۸۴	مبالغ تقریبی مربوط به اقلام تحویل نشده از تاریخ ۱ ژانویه منهای خسارات ناشی از کاهش قراردادهای
-۳۹۵	منهای مبالغ مربوط به اقلام تحویل شده که قبل از ۱۱ فوریه ۱۹۷۹ صورت گرفته ولی بعد از ۱ ژانویه ۱۹۷۹ ثبت شده است
-۱۵۰۰	منهای ارزش تقریبی اقلام و خدماتی که تحویل شده ولی ثبت نگردیده است
۱ -۷۰۰	منهای ارزش تقریبی نهایی قراردادهای خاتمه یافته (یعنی هزینه‌های باقیمانده دولت موقت ایران بابت خاتمه قراردادهای پس از استرداد مبالغ حاصل از فروش اقلام سفارش ایران به مشتریان دیگر)
۳ +۳۸۹	خالص موجودی برای تحویل اقلام
۴۰	مبالغ مربوط به اقلامی که موقتاً در انبار نگهداری می‌شوند

۱۰	مبالغ مربوط به اقلام تعمیری
۵۵	مبالغ مربوط به تکمیل دوره‌های آموزشی
۲۵۰	مبالغ مربوط به برنامه‌هایی که مجوز تحویل گرفته‌اند
۲	۳۴ مبالغ مربوط به برنامه‌هایی که مجوز تحویل نگرفته‌اند
۳	۳۸۹+ خالص موجودی برای تحویل اقلام

- ۱- با فرض فروش ۲۰۸ موشک هارپون، ۱۵۰ موشک فونیکس، و ۲۵۸ موشک استاندارد، و شامل همه قراردادهای لغو شده مربوط به مهمات برای ارتش و ALQ-119 pods.
- ۲- مهمات برای نیروی هوایی.
- ۳- محاسبات مذکور در این سند برآوردهای کلی است که بر اساس داده‌های ناقص حسابداری صورت گرفته و هنوز قابل انتشار نیست.

وضعیت صندوق امانی ایران در سال تقویمی ۱۹۷۹
(بر اساس تکمیل اقدامات برنامه‌ریزی شده)

شرح	۳ فوریه - ۳۱ ژوئیه	۱ اوت - ۳۰ سپتامبر	۱ اکتبر - ۳۱ دسامبر	ژانویه - مارس آن	پس از آن
موجودی در شروع دوره	۶۳۹/۹	۵۳۵/۰	۳۳۹/۳	۱۹۲/۴	۱۳۲/۹
هزینه خاتمه قراردادها	۷۰۸/۴	۲۱۲/۷	۲۰۳/۰	۱۲۹/۹	۱۴۵/۹
استرداد مبالغ حاصل از فروش اقلام سفارش ایران	۶۰۳/۵	۱۷/۰	۵۶/۱	۷۰/۴	۹۵/۰
بودجه تکمیلی نیروی دریایی آمریکا	۴۹۰/۵	۰	۰	-	۷۰/۰
سایر بودجه‌های تکمیلی آمریکا	۷۵/۶	۷/۱	۲/۶	۲۳/۹	۲/۲
خریدهای نظامی خارجی	۲۲/۸	۲/۵	۵۳/۵	۴۶/۵	۲۲/۸
سایر مبالغ مسترد شده به صندوق	۱۴/۶	۷/۴	۰	-	-
موجودی پایان دوره	۵۳۵/۰	۳۳۹/۳	۱۹۲/۴	۱۳۲/۹	۸۲/۰

- ۱- هنوز اطلاعات زیادی در مورد برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران نامعلوم است. این اطلاعات شامل هزینه‌های نهایی خاتمه قراردادها، امکان فروش بیشتر اقلام سفارشی ایران به مشتریان دیگر، محاسبه نهایی سهم دولت موقت ایران در برنامه سی.جی. ۹۹۳، و قیمت‌گذاری

نهایی اقلامی که از پیمانکاران آمریکایی تأمین می‌شود. تا زمانی که این مبالغ مشخص نشود (و یا اینکه مبالغ تقریبی به حقیقت نزدیکتر نشود) نمی‌توان کاملاً مشخص کرد که آیا دارایی‌های موجود و بالقوه صندوق امانی برای تسویه بدهی‌ها کافی است یا خیر.

سند شماره ۱۹۰

۲۹ اوت ۱۹۷۹ - ۷ شهریور ۱۳۵۸

محرمانه

از: وزارت امور خارجه آمریکا، واشنگتن دی.سی

به: سفارت آمریکا، تهران

موضوع: حق‌العمل مأموران خرید

۱- (استفاده محدود اداری - تمام متن)

۲- وکیل جان وستبرگ قصد دارد مشخص نماید که از چه زمانی وزارت جنگ یا سایر سازمانهای دولت ایران استفاده از مأموران خرید یا واسطه‌ها را در قراردادهای دفاعی ممنوع کرده است. فکر می‌کنیم مدارکی در همین ارتباط از تیمسار توفانیان و یا سایر مقامات در بین سال‌های ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۵ در «بایگانی دایمی» دفتر سیاسی - نظامی موجود باشد. خواهشمند است این بایگانی را جستجو کنید و هر گونه مدرک رسمی مرتبط یا گزارش سفارت را که به ممنوعیت پرداخت حق‌العمل به مأموران خرید از سوی دولت ایران ارتباط دارد، برایمان پُست کنید.

ونس

سند شماره ۱۹۱

۳۰ اوت ۱۹۷۹ - ۸ شهریور ۱۳۵۸

از: سرلشگر فیلیپ گاست - نماینده ارشد وزارت دفاع

به: وزیر دفاع ملی ایران

موضوع: بررسی برنامه معاملات تسلیحاتی خارجی ایران

۱- در نامه مورخ ۹ اوت ۱۹۷۹ اطلاع داده بودیم که کلیت برنامه خریدهای نظامی خارجی ایران در جلسه‌ای که از تاریخ ۲۲ تا ۲۴ اوت ۱۹۷۹ در واشنگتن برگزار می‌شود، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. علاوه بر این، در نامه ۹ اوت از شما درخواست شده بود که چنانچه دولت متبوعتان سئوالی در خصوص برنامه خریدهای نظامی خارجی دارد، آن را مطرح سازید تا در این جلسه مورد بررسی قرار گیرد. سئوالاتی که شما در تاریخ ۱۴ اوت ۱۹۷۹ به ستاد اینجانب تسلیم کردید به واشنگتن ارسال شد تا مورد بررسی قرار گیرد. سه نفر از اعضای ستاد اینجانب برای شرکت در جلسه فوق به واشنگتن رفته‌اند و در تاریخ ۶ سپتامبر به ایران باز می‌گردند.

۲- دولت ایالات متحده از من خواسته است تا اطلاعات زیر را در اختیار دولت موقت ایران قرار دهم. دولت آمریکا به این نتیجه رسیده است که رایه اطلاعات مفصلی که ایران درخواست کرده است مستلزم انجام تلاش فوق‌العاده‌ایست. این تلاش مستلزم آن است که ۱۰ نفر به مدت ۶ ماه در مرکز امور مالی مساعدت‌های امنیتی در دنور، کلرادو، مشغول کار باشند.



این نوع بازسازی پرونده تا به حال از سوی دولت آمریکا برای هیچ کشوری صورت نگرفته است. با وجود این، دولت ایالات متحده به مزایای متقابل این نوع بازسازی اذعان دارد و مایل است در این ارتباط پیشنهادهای زیر را مطرح سازد:

الف- دولت موقت ایران هفت نماینده و مرکز امور مالی مساعدت‌های امنیتی سه نماینده برای بازسازی مورد به مورد قراردادها مشخص نمایند. مرکز امور مالی مساعدت‌های امنیتی دسترسی کامل به پرونده‌ها و فضای اداری مناسب برای تیم بازسازی را در اختیار این تیم قرار خواهد داد. این نوع ترتیبات، دانش عمیقی در ارتباط با برنامه معاملات تسلیحاتی خارجی در اختیار نمایندگان شما قرار خواهد داد.

ب- دولت موقت ایران می‌تواند به جای اعزام یک تیم حسابداری از یک شرکت حسابداری معتبر آمریکایی بخواهد خدمات بازسازی پرونده‌های فوق را به سفارش ایران انجام دهد. می‌توان از چندین شرکت حسابداری خواست تا پیشنهادهای خود را در این ارتباط ارائه دهند. دولت آمریکا پیش از انتخاب نهایی شرکت حسابداری برای حصول اطمینان از پذیرش آن با دولت موقت ایران مشورت خواهد کرد. اطلاعات مربوط به هزینه خدمات چنین شرکت‌هایی در حال حاضر در دست نیست.

۴- پیشنهادهای ذیل جهت بررسی ایفاد می‌گردد*:

الف- نمایندگان دولت موقت ایران شامل معاون وزارت دفاع ملی، نمایندگان سه نیروی ارتش ایران، و دفتر نماینده ارشد دفاعی یک کارگروه مشترک را تشکیل دهند. هدف این گروه تدوین و سازماندهی تمامی اطلاعات گسترده‌ای خواهد بود که دولت ایالات متحده می‌تواند در نتیجه کنفرانس اخیر واشنگتن ارائه دهد. لازم است وزارت دفاع ملی و نیروهای سه‌گانه ارتش کلیه پرونده‌های مربوط به معاملات تسلیحاتی خارجی را ارائه دهند.

ب- وقتی این اطلاعات جمع‌آوری و سازماندهی شد آنگاه دولت موقت ایران می‌تواند در مورد قبول یکی از پیشنهادهای ارائه شده از سوی دولت آمریکا در بند ۳ تصمیم بگیرد.

۵- می‌توانید برای گفتگو در مورد پیشنهادهای دولت آمریکا با ما تماس بگیرید. ما از برگزاری یک جلسه زودهنگام استقبال می‌کنیم و معتقدیم اطلاعاتی که در جلسه سپتامبر ارائه می‌شود باید به محض ابراز تمایل از سوی شما در اختیار نمایندگان قرار گیرد.

سرلشگر فیلیپ گاست - نیروی هوایی ایالات متحده

نماینده ارشد دفاعی

رونوشت:

وزیر امور خارجه ایران

معاون وزارت دفاع ملی در امور تسلیحات

سند شماره ۱۹۲

۴ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۱۳ شهریور ۱۳۵۸

سری

از: دفتر وابسته دفاعی، تهران

به: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی

موضوع: ملاقات وابسته دفاعی با رئیس ستاد و معاونت لجستیک نیروی هوایی ایران

خلاصه: (سری - غیرقابل رؤیت برای بیگانگان) وابسته دفاعی برای اولین بار ملاقات رسمی با سرلشگر باقری، رئیس جدید ستاد نیروی هوایی ایران، خواهد داشت و دیدار سرتیپ صفری، معاون لجستیک نیرو را نیز پس خواهد داد. گفتگوها شامل وضعیت سایت‌های به‌شهر و کبکان، بازگشت همافرها بر سر کار، انحلال کمیته‌ها، فراخواندن سرتیپ‌های بازنشسته به سر کار، ایبکس، فعالیت‌های نیروی هوایی در غرب ایران، مشکلات کارگران فیلپینی در ایران، صنایع هواپیمایی و هواپیماها خواهد بود.

مشروح: الف- (محرمانه) در ساعات واپسین بعداز ظهر یکشنبه ۲ سپتامبر، وابسته دفاعی با خودروی خود به پایگاه دوشان تپه رفت تا سرلشگر امیر بهمن باقری، رئیس ستاد نیروی هوایی ایران، و سرتیپ کمال صفری، معاون فرماندهی لجستیک نیروی هوایی را ملاقات کند. ورود از درب اصلی بدون مشکل انجام شد. چهار نگهبان که دو تای آنها با اسلحه ژ-۳ ایستاده بودند، به هنگام عبور خودروی ما از درب اصلی، تشریفات نظامی را به جا نیاوردند. از آنجا که تقریباً ساعت ۱۶:۰۰ بود، نفرات بسیار کمی را دیدیم. تقریباً همه دفاتر بسته بود زیرا ساعات کار تا ۱۴:۰۰ بیشتر نیست. (یعنی از زمانی که تیمسار باقری آمده است یک ساعت بیشتر از ساعات عادی). وابسته دفاعی با لباس شخصی بدون همراه و بدون هیچ مانعی وارد ساختمان اصلی شد و به سمت دفتر سرتیپ صفری در طبقه دوم رفت. وابسته دفاعی ۱۰ دقیقه زودتر رسیده بود و فرصت پیدا کرد که (عمدتاً به فارسی) با یک ستوان و چند گروهان نیروی هوایی صحبت کند. گفتگو بیشتر درباره رئیس جدید، همافرها و ساعات کار بود. ستوان مزبور تیمسار باقری را یک فرمانده منظم و خوب توصیف کرد که کنترل نیروی هوایی را به دست گرفته است. وقتی وابسته دفاعی از گروهان‌ها درباره همافرها پرسید آنها با لبخندی که بر چهره‌شان بود گفتند که حالا همافرها هم باید کار کنند و ریش‌هایشان را بتراشند. گروهان‌ها اونیفورم مرتبی به تن داشتند، کاملاً آنکاره کرده و بسیار منظم بودند. به ویژه از زمانی که تیمسار صفری بازگشته است، آنها با اطمینان به نفس بیشتری نسبت به گذشته حرف می‌زنند و رفتار می‌کنند. وقتی از آنها ساعات کار را پرسیدند، گفتند که از هشت صبح تا دو بعداز ظهر است، و توضیح دادند که قبلاً از ساعات هشت صبح تا یک بعد از ظهر بوده است، ولی اخیراً رئیس جدید آن را تا ساعات دو بعد از ظهر اضافه کرده است و حتی ممکن است تا ساعت ۳ بعد از ظهر هم اضافه کند.

وابسته دفاعی در حدود ۳۰ دقیقه با سرتیپ صفری ملاقات کرد و سپس [ادامه سند یافت

نشد]



سند شماره ۱۹۳

استفاده محدود اداری
از: سفارت آمریکا، تهران - ۹۷۶۰
مرجع: وزارت امور خارجه ۲۲۷۷۲۱
۴ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۱۳ شهریور ۱۳۵۸
به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی



موضوع: حق العمل مأموران

۱- پس از بررسی پرونده‌های سیاسی - نظامی موجود در سفارت هیچ پاسخی برای سؤال شما که در تلکس فوق‌الذکر مطرح کرده بودید، نیافتیم. تنها اشاره‌ای که به ممنوعیت پرداخت حق‌العمل به مأموران در معاملات نظامی یافتیم در صورتجلسه ملاقات دستیار تیمسار توفانیان، هوشنگ دهش، با مقامات هیأت مستشاری نظامی بود که در مورخ ۱۹۷۳/۱۱/۸ صورت گرفته بود. طبق این صورتجلسه، دهش گفته بود که دولت ایران شدیداً با پرداخت هرگونه وجه یا پورسانتی در معاملات تسلیحاتی خارجی مخالف است، حتی اگر دولت ایالات متحده نیز احساس کند که چنین هزینه‌ای در چارچوب ASPR قابل قبول باشد.

۲- طبق تلکس شماره ۰۹۱۳۳۵ ز مورخ ژوئیه ۱۹۷۵، ژنرال توفانیان به ژنرال بَرت گفته است که «شدیداً و قطعاً با پرداخت هر گونه حق‌العمل و یا وجوه اضافی دیگری برای تأمین تجهیزات دفاعی مخالف است.»

۳- پرونده‌های موجود در سفارت شامل هیچگونه اطلاعات روشنی درباره نحوه یا زمان ممنوعیت پرداخت حق‌العمل به مأموران نیستند. مستشاری نظامی پیشنهاد کرده است که این سؤال را از سازمان مساعدت‌های امنیتی دفاعی بپرسید. شاید معاون این سازمان اطلاعات بیشتری در مورد این نوع پرونده‌ها و یا پیشینه این موضوع داشته باشد.

۴- سفارت نسخه‌های مربوط به این اسناد را با نامه برایتان ارسال خواهد کرد.

تامست

سند شماره ۱۹۴

محرمانه
از: هیأت مستشاری نظامی آمریکا، تهران
موضوع: هیأت نظامی ایران
۶ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۱۵ شهریور ۱۳۵۸
به: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی



۱- چند روز قبل، آقای بهرامی از دفتر معاونت تسلیحاتی وزارت دفاع به هیأت مستشاری نظامی اطلاع داد که پیشنهادی برای استقرار یک هیأت نظامی ایرانی در واشنگتن دی.سی تهیه کرده است. ظاهراً این پیشنهاد در وزارت دفاع در دست بررسی است. بهرامی گفت مأموریت اصلی این هیأت انجام خریدهای تجاری و ارتباط با وزارت دفاع و وزارت امور خارجه آمریکاست. او نظر هیأت مستشاری را در صورت تأیید چنین پیشنهادی از سوی دولت موقت

ایران جویا شد. به بهرامی پاسخ دادیم که هیأت مستشاری قبلاً نیز استقرار یک هیأت ایرانی را در واشنگتن تشویق کرده بود و به اعتقاد ما دولت ایالات متحده از این پیشنهاد استقبال خواهد کرد.

۲- در طول گفتگوهای هیأت مستشاری با سرتیپ صفری، معاونت فرماندهی لجستیک ستاد نیروی هوایی، در تاریخ ۵ سپتامبر، وی توضیحات بیشتری درباره پیشنهاد فوق ارائه داد. صفری می‌گوید که نزدیک ۵۰ نفر در این هیأت عضو خواهند بود. علاوه بر اطلاعاتی که بهرامی در اختیار ما گذاشته بود، صفری توضیح داد که نیروی هوایی ایران افسران رابط خود را نظیر افسرانی که در فرماندهی ساز و برگ هوایی در «آگدن» دارد، به این هیأت منتقل خواهد ساخت. همچنین، هیأت خرید نیروی هوایی ایران نیز از نیویورک در این هیأت ادغام خواهد شد.

۳- فکر می‌کنیم آنها قصد داشته باشند که پرداخت‌های صندوق امانی خریدهای نظامی خارجی نیز از سوی این هیأت صورت گیرد.

۴- تحولات آتی را گزارش خواهیم داد.

سند شماره ۱۹۵



محرمانه
از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی-۴۶۶۲ به: سفارت آمریکا، ایران- فوری
موضوع: پروژه شرکت باوون- مک‌فلین- یورک (بی.ام.وای) در MIS
۱- (محرمانه- تمام متن)

۲- در جلسه‌ای که در تاریخ ۶ سپتامبر ۱۹۷۹ در وزارت امور خارجه برگزار شد، رئیس شرکت باوون-مک‌فلین-یورک، چارلز برانسن و دستیارانش اطلاع دادند که شرکت متبوعشان نامه‌ای از سرهنگ کامکار دریافت داشته به این مضمون که شرکت فوق سه متخصص را به مدت شش ماه برای ارزیابی تکمیل پروژه روزآمد کردن تانک‌های پاکستانی که این شرکت پیش از انقلاب مشغول انجام آن بود به MIS اعزام کند. درخواست دیگری نیز برای اعزام یک نفر متخصص برای تعمیر دستگاه Heattreat در MIS صورت گرفته است. برانسن نظر ما را درباره امنیت کارمندان در MIS و همچنین معقول بودن کار با ایرانی‌ها در این برهه جویا شد. به برانسن گفتیم که اصولاً ما از بازگشت شما و تکمیل برنامه روزآمد کردن تانک‌ها کاملاً حمایت می‌کنیم، زیرا این امر به نفع آمریکا، ایران و پاکستان خواهد بود. البته به آنها تذکر دادیم که پیش از مبادرت به هر اقدامی ابتدا از امنیت کارمندان خود در ایران اطمینان حاصل کنند. به او قول دادیم که این مطلب را با سفارت در میان خواهیم گذاشت.

۳- فکر نمی‌کنیم اخیراً کسی از مأموران سفارت و یا هیأت مستشاری از MIS دیدار کرده باشد. بهتر است از سرهنگ کامکار بپرسیم که دولت موقت ایران حاضر است چه تدابیر امنیتی برای کارکنان شرکت باوون-مک‌فلین-یورک در نظر بگیرد، و از نظر ما حتی بهتر آن است که یک نفر شخصاً وضعیت MIS را از نزدیک بررسی کند. چیزی که به برانسن گفتیم این بود که

حداقل یکی از کارکنان خود را به همراه متخصص دستگاه Heatteart به ایران بفرستد. آنها می‌توانند ابتدا به سفارت در تهران بیایند تا توضیحات لازم در اختیارشان قرار گیرد و سپس با کامکار مذاکره کنند. آنگاه نفرات شرکت می‌توانند به همراه نماینده سیاسی- نظامی سفارت به MIS بروند تا شرایط را از نزدیک ارزیابی کنند؛ چه برای روزآمد کردن تانک‌ها و چه کل تأسیسات. معتقدیم همراهی یکی از کارکنان سفارت با نفرات شرکت در دیدار از MIS می‌تواند از لحاظ جمع‌آوری اطلاعات مهم و مفید باشد و همچنین مایلیم نظر شما را در خصوص امکان همراهی و اقامت چند روزه مأمور سفارت در MIS جویا شویم.

۴- شرکت باوون- مک‌فلین- یورک مدعی است که هیچ مشکل حل نشده خاصی با دولت موقت ایران و یا کارکنان سابقش ندارد. البته پیش از آنکه آنها قطعاً تصمیم به بازگشت بگیرند، باید مسایل زیادی حل شود، ولی مهمتر از همه مسئله امنیت کارکنان در MIS است. ظاهراً کامکار مایل است این کار هر چه زودتر انجام شود و شرکت بی.ام.وای هم حاضر است به محض چراغ سبز ما اقدام کند. بنابراین، خواهشمندیم هر چه سریعتر نظرتان را اعلام کنید.

ونس

[بدون تاریخ]

در پاسخ به تلکس وزارت [امور خارجه] مبنی بر اینکه شرکت باوون-مک‌فلین-یورک (بی.ام.وای) به پیشنهاد وزارتخانه برای اعزام یک کارمند شرکت به همراه متخصص دستگاه heatteart و یکی از کارمندان سفارت به MIS برای ارزیابی وضعیت امنیتی آن آمادگی دارد، نماینده گروه مستشاری بلافاصله با سرهنگ کامکار (در وزارت دفاع ملی ایران) و سرهنگ راستین (رئیس پشتیبانی نیروهای زمینی) تماس گرفت. هم‌اینک منتظر پاسخ رسمی وزارت دفاع ملی هستیم که احتمالاً روز شنبه به دستمان خواهد رسید. احتمالاً جزییات مربوط به سفر (مثلاً محل اقامت و غیره) در همین پاسخ و یا کمی بعد از آن اعلام خواهد شد. هیأت مستشاری هر روز در همین ارتباط با مقامات وزارت دفاع ملی در تماس بوده است. به محض اینکه آنها تصمیم بگیرند و ترتیب این سفر را بدهند، نتایج به واشنگتن اطلاع داده خواهد شد. نماینده سیاسی-نظامی سفارت و نماینده گروه مستشاری (استوار یکم ریگان) نیز نفرات شرکت بی.ام.وای را در سفر به MIS همراهی خواهند کرد.

سند شماره ۱۹۶

۸ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۱۷ شهریور ۱۳۵۸

محرمانه

به: وزارت دفاع، واشنگتن دی.سی

از: هیأت مستشاری نظامی، تهران

موضوع: خرید نظامی خارجی نیروی دریایی اسلامی ایران

۱- (بدون طبقه‌بندی) ناخدا سوم هیگبی در روز ۵ سپتامبر ۱۹۷۹ با درباردار علوی،



جانشین رئیس ستاد نیروی دریایی، و ناخدا افضلی، مدیر بخش لجستیک نیروی دریایی اسلامی ایران ملاقات کرد.

۲- (محرمانه) دریادار علوی اظهار داشت نیروی دریایی اسلامی ایران در تاریخ ۹ سپتامبر ۱۹۷۹ درخواستی برای چهار قرارداد خرید نظامی خارجی به هیأت مستشاری نظامی تسلیم خواهد کرد. این قرارداد شامل خرید قطعات برای تعمیر کشتی‌ها به مبلغ ۷ میلیون دلار، مواد خام برای کارگاه کشتی‌سازی به مبلغ ۳ میلیون دلار، انتشارات به مبلغ ۱ میلیون دلار، و پشتیبانی دفاتر نیروی دریایی اسلامی ایران در ایالات متحده به مبلغ ۵۰ هزار دلار خواهد بود. نیروی دریایی اسلامی ایران در مذاکرات قبلی اظهار داشته بود که هر گونه درخواست آتی در قالب قراردادهای جدید صورت خواهد گرفت، ولی امروز گویا نظر آنها اضافه کردن این درخواست‌ها به قراردادهای موجود بود.

۳- (بدون طبقه‌بندی) در تلکس هیأت مستشاری به شماره ۰۴۱۳۴۸ ز مورخ ۴ سپتامبر ۱۹۷۹ اطلاع داده بودیم که نیروی دریایی اسلامی ایران شرکت آریا را به عنوان شرکت حمل و نقل خود انتخاب کرده است. دریادار علوی و ناخدا افضلی به ناخدا سوم هیگبی اطمینان دادند که شرکت آریا و آمادهای فنی لجستیک نیروی دریایی اسلامی ایران آمادگی جابجایی و نگهداری هر گونه محموله‌ای را دارند.

۴- (محرمانه) به محض دریافت تقاضانامه برای پشتیبانی لجستیک، مراتب را به اطلاع خواهیم رساند.

گاست

سند شماره ۱۹۷

۱۱ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۲۰ شهریور ۱۳۵۸

محرمانه

از: هیأت مستشاری نظامی، تهران به: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی

موضوع: پشتیبانی از نیروی دریایی اسلامی ایران

۱- نامه محرمانه زیر در تاریخ ۹ سپتامبر ۱۹۷۹ به دست هیأت مستشاری رسیده است.

از: (اداره خریدها) نیروی دریایی اسلامی ایران

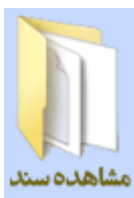
به: نماینده نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا

موضوع: درخواست نامه پیشنهاد و قبول

۱- نیروی دریایی اسلامی ایران قصد انعقاد چهار قرارداد خرید نظامی خارجی را در ارتباط با موارد زیر دارد: قطعات یدکی، قطعات هواپیما و مواد خام پروازی.

الف) قطعات یدکی، قطعات قابل تعمیر، و انتشارات مربوط به FLOATING UNIT به مبلغ ۷۰۰۰۰۰۰ (هفت میلیون دلار).

ب- قطعات قابل تعمیر و انتشارات مربوط به پرواز به مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰ (یک میلیون دلار).



پ- مواد خام کارخانه‌ای به مبلغ ۳۰۰۰۰۰۰ (سه میلیون دلار).
ت- فضای اداری در ایالات متحده به مبلغ ۵۰۰۰۰ (پنجاه هزار دلار).
۲- خواهشمند است اقدام مقتضی را مبذول نموده و نامه جدید پیشنهاد و قبول را به اداره خریدهای نیروی دریایی اسلامی ایران ارسال نمایید.
امضا- دریادار علوی، از طرف دریادار مدنی - رئیس ستاد

۲- (محرمانه) نیروی دریایی اسلامی ایران این قراردادهای جدید را ادامه قراردادهای پشتیبانی مربوطه‌ای می‌داند که پیش از انقلاب در حال اجرا بود. قرارداد الف و پ باید با همان شرایط خاص قرارداد خریدهای نظامی خارجی شماره IR-P-JPO-78 ادامه یابد. قرارداد الف مربوط به قطعات یدکی و قابل تعمیر و انتشارات برای واحدهای فعال AFLOAT نیروی دریایی ایران است. هدف از قرارداد پ نیز تدارک و پشتیبانی لوازم و مواد لازم برای کارگاه کشتی‌سازی و تأسیسات تعمیر و نگهداری است. قرارداد ب نیز باید با همان شرایط خاص قرارداد خریدهای نظامی خارجی شماره IR-P-JFN-78 با هدف پشتیبانی از RH-53D ادامه یابد. قرارداد ت فقط به منظور پشتیبانی از دفتر تدارکات فنی در فیلادلفیا درخواست شده است، که احتمالاً جمع‌بندی سه قرارداد خریدهای نظامی به شماره‌های IR-P-GGN و GGO و GGP-78 است. دولت به موجب قرارداد شماره IR-GGA پشتیبانی برای دفتر تدارکات فنی را تا ۳۱ مارس ۱۹۸۰ تمدید کرده است، بنابراین قرارداد جدیدی باید نوشته شود تا پشتیبانی فوق از تاریخ ۱ آوریل ادامه یابد.

۳- (بدون طبقه‌بندی) پس از آماده شدن نامه پیشنهاد و قبول آن را به آدرس زیر ارسال نمایید:

نماینده ارشد دفاعی

سفارت آمریکا در ایران، تهران

اتاق پستی وزارت امور خارجه

واشنگتن دی.سی. ۲۰۵۲۰

۴- (محرمانه) هیأت مستشاری به نیروی دریایی اسلامی ایران تأکید کرده است که آماده کردن قراردادهای جدید، شروع مجدد پشتیبانی تدارکات را حداقل ۶۰ روز به تأخیر می‌اندازد. نیروی دریایی اسلامی ایران اظهار می‌دارد که در حال حاضر هیچ نیاز اضطراری ندارد. با وجود این، چنانچه این تأخیر بیش از حد تشخیص داده شود، نیروی دریایی اسلامی ایران می‌تواند موقتاً وجوهی را در قبال قراردادهای موجود پرداخت نماید. خواهشمند است هیأت مستشاری نظامی را در جریان آماده کردن قراردادهای جدید و هرگونه تأخیر احتمالی قرار دهید.

گاست

۱۱ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۲۰ شهریور ۱۳۵۸

از: دفتر وابسته دفاعی ایالات متحده، تهران به: سازمان اطلاعات دفاعی، واشنگتن دی.سی

موضوع: برنامه آموزش نیروهای دریایی ایران

خلاصه: (محرمانه) هر ساله ۲۰ دانشجوی نیروی دریایی ایران به آلمان غربی سفر می‌کنند تا دوره‌های دانشکده و خدمت بر روی کشتی را بگذرانند. دریادار مغانی (بازنشسته) در پست فرماندهی پایگاه بندر انزلی (پهلوی سابق) به خدمات فرا خوانده می‌شود. مشروح گزارش:

الف- (محرمانه) هر ساله ۲۰ دانشجوی نظامی نیروی دریایی ایران به منظور گذراندن دوره‌های آموزشی دانشکده دریایی و خدمت بر روی کشتی به آلمان غربی اعزام می‌شوند. طول دوره آموزشی سه سال است، و دانشجویان پس از گذراندن موفقیت‌آمیز این دوره درجه افسری دریافت می‌کنند. نیروی دریایی ایران مایل است تعداد دانشجویانی که در این دوره شرکت می‌کنند افزایش یابد. با وجود این، منبع (الف) می‌گوید که از نظر او وضعیت آموزش زبان آلمانی در ایران آنقدر خوب نیست که بتوان تعداد دانشجویان اعزامی به این دوره‌ها را افزایش داد. او گفت با تعدادی از دانشجویانی که قرار است به آلمان اعزام شوند صحبت کرده است، ولی زبان آلمانی آنها در حد استاندارد نیست. او گفت همه کتاب‌های درسی و دستورات به زبان آلمانی است، و احتمالاً تعداد زیادی از این دانشجویان موفق به ادامه دوره نخواهند شد. دانشجویان ایرانی باید پا به پای دانشجویان آلمانی پیش بروند. منبع خبری گفت که در آینده دانشجویان نیروی دریایی ایران برای آموزش فقط به دانشکده‌های آلمان غربی و ایتالیا اعزام خواهند شد.

ب- (بدون طبقه‌بندی) منبع ب، دریادار بازنشسته نصرالله [احتمالاً نوغانی]، به وابسته دفاعی گفت که تا یک یا دو ماه دیگر از او دعوت خواهد شد تا فرماندهی مرکز آموزش بندر انزلی را بر عهده گیرد. او گفت دریادار علوی خاطر نشان کرده است که در نیروی دریایی به فرماندهان باتجربه‌تر نیاز داریم و ممکن است تعداد بیشتری از بازنشستگان به خدمت فرا خوانده شوند.

نظرات گزارشگر: (محرمانه) منبع الف، وابسته نیروی دریایی آلمان غربی است که مستقیماً در برنامه آموزش دانشجویان نیروی دریایی ایران دست دارد. منبع ب، یعنی دریادار [نوغانی]، قبلاً F-6 رده بندی شده بود زیرا وابسته دفاعی هیچ تماسی با او نداشته است، ولی احتمالاً انتخاب او برای فرماندهی پایگاه بندر انزلی حقیقت دارد زیرا دریادار علوی قبلاً به وابسته دفاعی گفته بود که به یک فرمانده مورد اعتماد و باتجربه برای اداره پایگاه بندر انزلی احتیاج دارد. دریادار [نوغانی] قبلاً در پست وابسته نیروی دریایی در واشنگتن دی.سی خدمت می‌کرد. او فارغ‌التحصیل دانشکده نیروی دریایی ایالات متحده است، و قبلاً افسر رابط تدارکات در فیلادلفیا بوده است. او شش سال در ایالات متحده به سر برده است.



سند شماره ۱۹۹

۱۸ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۲۷ شهریور ۱۳۵۸

به: وزارت امور خارجه، واشنگتن

موضوع: نامه وزارت امور خارجه ایران در ارتباط با شرکت «الکترونیک دیتا سیستمز»

۱- (محرمانه - تمام متن.)

محرمانه

از: سفارت آمریکا، تهران



الف- متن زیر ترجمه‌ایست از نامه مورخ ۲۸ اوت ۱۹۷۹ از سوی وزارت امور خارجه ایران (اداره چهارم سیاسی - قاره آمریکا) در ارتباط با موضوع شرکت الکترونیک دیتا سیستمز که در سفارت صورت گرفته است. داریوش بایندر، مسئول اداره سیاسی که این نامه را به سفارت نوشته است، شخصاً متن ترجمه را اصلاح کرده است.

- وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران تعارفات خود را به سفارت ایالات متحده آمریکا در ایران اظهار داشته و افتخار دارد که از طرف دولت موقت جمهوری اسلامی ایران مطالب زیر را در خصوص مسدود شدن ۱۶ میلیون دلار وجوه متعلق به نیروهای هوایی و دریایی ایران متعاقب شکایت شرکت «الکترونیک دیتا سیستمز» از سازمان تأمین اجتماعی ایران، و متعاقب مذاکراتی که در همین خصوص در روز ۱۴ و ۱۶ اوت امسال بین مقامات وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و سفارت آمریکا صورت گرفت، به عرض برساند.

- چنانکه سفارت استحضار دارد، دادگاههای بخش دالاس و نیویورک، بر خلاف مفاد قرارداد، رأی به داشتن صلاحیت قضایی رسیدگی به دعوای حقوقی شرکت الکترونیک دیتا سیستمز علیه سازمان تأمین اجتماعی ایران داده‌اند و در نتیجه دادگاه نیویورک دستور مسدود شدن مبلغ ۱۶ میلیون دلار وجوه متعلق به نیروهای دریایی و هوایی ایران را که به تسویه دیون باقیمانده این نیروها تخصیص یافته بود، صادر کرده است.

- صرف نظر از جوانب حقوقی این رأی و دعوای هر یک از طرفین علیه دیگری، دولت موقت جمهوری اسلامی ایران لازم می‌داند توجه سفارت آمریکا را به پیامدهای سیاسی مهم رأی دادگاههای آمریکا که در واقع به معنای سلب صلاحیت قضایی دادگاههای ایران است (آن هم بر خلاف مفاد قرارداد) و مسدود کردن وجوه متعلق به دولت ایران جلب کرده و نکات زیر را در همین ارتباط خاطر نشان سازد:

(۱) مسدود کردن وجوه متعلق به نیروهای هوایی و دریایی ایران نه فقط بر خلاف قوانین و عرف مسلم بین‌المللی است، بلکه ناقض قوانین ایالات متحده نیز هست، از جمله مفاد قانون مصونیت دولت‌های خارجی مصوب سال ۱۹۷۶.

(۲) رأی دادگاههای نیویورک و دالاس بر اینکه «هرج و مرج قضایی» در ایران حاکم بوده و امنیت حقوقی از بین رفته است، ناشی از تعصب سیاسی بی‌پایه و اساس قضات دادگاههای مزبور بوده است.

۳- اقدام غیرقانونی مسدود کردن دارایی‌های دولت ایران سابقه‌ای بسیار خطرناک در روابط بین‌الملل به جای خواهد گذاشت و بنیان اطمینان و اعتماد دولت موقت جمهوری اسلامی ایران، و به طور بالقوه دولت‌های دیگر را به نظام قضایی ایالات متحده آمریکا متزلزل خواهد ساخت و زیان‌های فراوانی به روابط تجاری متقابل بین آنها که لازمه آن علم و اعتماد به رویه‌های قضایی حل و فصل اختلافات است، وارد خواهد کرد.

- نظر به اینکه رأی عجیب و خودسرانه قضات آمریکایی در دعوی حقوقی مزبور وضعیتی ایجاد کرده است که مسلماً بر روابط بین دولتمندان ایران و آمریکا اثر سوء خواهد گذاشت، وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران از سفارت آمریکا تقاضا دارد از دولت ایالات متحده بخواهد در اقدامی قاطع و عاجل توجه مقامات قضایی کشور را به عواقب صدور چنین احکامی جلب نموده و در اسرع وقت اقدامات مقتضی را جهت ابطال احکام مذکور به دلایل فوق‌الذکر مبذول دارد.

- وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران فرصت را مغتنم دانسته و بار دیگر مراتب احترام فائقه خود را ابراز می‌دارد.

لینکن

سند شماره ۲۰۰

محرمانه

۱۸ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۲۷ شهریور ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی، تهران به: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی

موضوع: توضیح وضعیت صندوق امانی و یادداشت تفاهم به دولت موقت ایران

۱- (بدون طبقه‌بندی) در روز ۱۲ سپتامبر توضیحاتی درباره صندوق امانی و یادداشت تفاهم مورخ ۳ فوریه ۱۹۷۹ در اختیار سرهنگ کامکار (معاون وزارت دفاع ملی ایران) و دو نفر از زیردستانش (آقای بهرامی و آقای مهدیزاده) گذاشته شد. این توضیحات از سوی سرهنگ دیویس ارائه شد، ولی سرلشگر گاست، سرهنگ دوم استوکلن و یک نفر از نیروهای هیأت مستشاری نظامی نیز در این جلسه حضور داشتند. فضای حاکم بر جلسه دوستانه بود و ظاهراً مقامات ایرانی با فهمیدن این مسئله که صندوق امانی هنوز توانایی پرداخت بدهی‌هایش را دارد نفس راحتی کشیدند.

۲- (محرمانه) آقای بهرامی یک بار دیگر قیمت کشتی‌ها را پرسید و مهدیزاده هم به افزایش ۱۰۰ میلیون دلاری هزینه‌ها در مقایسه با گزارش ماه می اشاره کرد. فکر می‌کنم پاسخمان به این سؤالات کافی بود و موافقت کردیم موشک‌ها و اژدرها را نیز در جدول مربوط به استرداد وجوه به صندوق امانی بگنجانیم. آنها همچنین پیشنهاد کردند متعاقب تغییرات حاصله پس از امضای یادداشت تفاهم، اصلاحاتی برای مجتمع کردن برنامه‌های درخواستی نیروهای مسلح ایران صورت گیرد، و همچنین پیشنهاد کردند اطلاعات اضافی دیگری نظیر ارزش برنامه‌ها و



قراردادها در اختیار آنها بگذاریم. این پیشنهاد از آن جهت ارایه شد که وقتی بدانیم ارزش برنامه خرید اف-۱۶ بالغ بر ۳ میلیارد دلار بود، آنگاه ضرر و زیان آن چندان به چشم نمی‌آید. توضیحات را به گونه‌ای اصلاح کردیم که نظرات آنها نیز در آن ملحوظ شده باشد.

۳- (بدون طبقه‌بندی) آنها درباره قطعات هواپیماهای آر.اف-۴ ای پرسیدند و ما نیز پاسخ دادیم که این قطعات قابل تحویل است. همچنین به آنها گفتیم که احتمالاً خریداری برای تریلرهای ام ۱۱ پیدا شده است و نظر آنها را درباره آن جویا شدیم. آنها گفتند که باید تریلرها را بفروشیم و چنانچه خریداری برای آنها پیدا نشد، به ایران تحویل بدهیم. از آنها خواستیم این مسئله را کتباً به ما ابلاغ کنند. با وجود این، مقتضی خواهد بود ارتش ایالات متحده درخواستی کتبی برای کسب تکلیف درباره فروش این تجهیزات ارسال نماید. (از آنجایی که انتظار می‌رود واکنش به این نوع درخواست‌ها بسیار کند باشد، متن درخواست مزبور باید به گونه‌ای تنظیم شود که در صورت عدم پاسخ تا یک تاریخ مشخص، ارتش بتواند اقدام نماید).

۴- (محرمانه) در پاسخ به امکان تحویل ۹۶ موشک هاریون، ژنرال گاست رویه‌های امنیتی دولت آمریکا را توضیح داد و احتمال لزوم تجدید نظر مشترک موافقت‌نامه سال ۱۹۷۴ و امکان لزوم امضای یک موافقت‌نامه جدید را گوشزد کرد. ظاهراً طرف مقابل این توضیح را پذیرفت. ولی این پاسخ مسلماً مسایلی را که به اعتقاد ما مکرراً ایجاد خواهد شد، حل نمی‌کند.

۵- (بدون طبقه‌بندی) در تاریخ ۱۶ سپتامبر، همان تیم (بعلاوه آقای داتری، مسئول سیاسی - نظامی سفارت) توضیحاتی در اختیار نمایندگان وزارت امور خارجه، وزارت دفاع ملی، ستاد مشترک و نیروهای مسلح ایران قرار دادند. ژنرال گاست توضیحی در مورد وضعیت خریدهای نظامی خارجی ارایه داد و تمایل ما برای پاسخگویی به نگرانی‌های دولت ایران بابت این برنامه‌ها را ابراز داشت. تقریباً ۴۰ نفر در این جلسه حضور داشتند و نمایندگان حاضر در جلسه از رده‌های دوم و سوم دولت بودند. آقای ایزدی (دستیار آقای بایندر، رئیس اداره امور قاره آمریکا) از طرف وزارت امور خارجه، و سرهنگ کامکار از طرف وزارت دفاع در آن جلسه حضور داشتند. به استثنای سرتیپ صفری (نیروی هوایی ایران)، بقیه حضار سرهنگ و یا درجه‌ای پایین‌تر از سرهنگ داشتند. سرهنگ کامکار از ما خواست که توضیحات کوتاه باشد و به همین دلیل سئوالات برای آخر جلسه ماند. فقط دو سؤال اصلی پرسیده شد: سرتیپ صفری گفت گزارشی درباره وضعیت هواپیماهای آر.اف-۴ ای نیمه تولید شده در MACAIR به دست او رسیده است و پرسید چگونه می‌تواند این هواپیماها را تحویل بگیرد. ژنرال گاست گفت ابتدا باید یک درخواست کتبی ارسال شود و آنگاه دولت آمریکا درخواست شما را مورد بررسی قرار خواهد داد. تأکید کردیم که چنانچه توافقی حاصل شود، امضای یک قرارداد خرید نظامی خارجی و پیش‌پرداخت نقدی حتماً ضروری است. گفتیم انتظار داریم که هر چه زودتر فرم درخواست به دستمان برسد. سرهنگ حداد (از ستاد مشترک، J-4) درباره قرارداد TAFT پرسید. در این باره توضیحی ارایه نشد زیرا احساس نمی‌کردیم اطلاعات کافی را در اختیار

داشته باشیم. پیش از پاسخ به آنها در این ارتباط به اطلاعات اضافی نیازمند هستیم. سرهنگ دوم استوکلن به هنگام بازگشت نیازهای ما را اطلاع خواهد داد.

۶- (بدون طبقه‌بندی) سرهنگ دوم استوکلن همچنین با خود رونوشت اسلایدها و نوشته‌های اصلاح شده جلسات توجیهی را خواهد آورد. او گزارش مفصل‌تری آماده کرده است.

۷- (بدون طبقه‌بندی) بدینوسیله از مرکز حسابداری مساعدت‌های دفاعی به خاطر فرستادن سرهنگ دوم استوکلن تشکر می‌کنیم. اطلاعات عالی او در تهیه گزارش‌های توجیهی و پاسخ به بسیاری از سؤالات در همان جلسه، بسیار مفید واقع شد. وزارت دفاع ملی ایران از حضور او بسیار استقبال کرد و فکر می‌کنیم حضور او به اعتبار جلسات توجیهی افزود.

دیویس

سند شماره ۲۰۱

۱۸ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۲۷ شهریور ۱۳۵۸

محرمانه

به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی

از: سفارت آمریکا، تهران

مرجع: (الف) سفارت - ۱۰۱۵۵، (ب) سفارت - ۹۱۳۷

موضوع: درخواست دولت ایران برای دخالت دولت آمریکا

در پرونده شرکت الکترونیک دیتا سیستمز

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- سفارت یادداشتی از وزارت امور خارجه ایران (تلکس جداگانه) در ارتباط با مسدود شدن ۱۶ میلیون دلار دارایی متعلق به نیروهای دریایی و هوایی ایران در ایالات متحده در ارتباط با پرونده شرکت الکترونیک دیتا سیستمز به حکم دادگاههای عادی آمریکا دریافت داشته است.

۳- در گفتگوهایی که در ارتباط با این یادداشت با آقای بایندر، رئیس اداره امور آمریکا در وزارت امور خارجه ایران انجام شد، بایندر تأکید کرد که دولت موقت ایران این اقدام دادگاه را مسئله‌ای با انگیزه‌های سیاسی بین ایالات متحده و ایران می‌داند و نه یک مسئله حقوقی. یادداشت فوق سعی دارد این پرونده را سیاسی جلوه دهد و از دولت ایالات متحده خواسته است تا توجه «مقامات قضایی آمریکا» را به تأثیرات منفی احکامی نظیر حکم مربوط به پرونده شرکت الکترونیک دیتا سیستمز جلب کند و اقداماتی جهت ابطال حکم مزبور اتخاذ نماید. بایندر آشکارا نگران بود که این حکم به سابقه و رویه‌ای حقوقی بدل شود.

۴- مسئول سفارت، تفکیک و استقلال قوای مجریه و قضاییه را در ایالات متحده به آقای بایندر خاطر نشان ساخت و توضیح داد که رسیدگی به این پرونده از سوی دادگاه عالی خیلی زود آغاز خواهد شد. او گفت ای کاش دولت ایران پیش از اینکه این نوع مسایل به دادگاه



کشیده می‌شد به آنها رسیدگی می‌کرد و نمی‌گذاشت کار به اینجا کشیده شود.

۵- معلوم بود بایندر مسئله تفکیک قوا را چندان جدی نگرفته است و مسئول سفارت خاطر نشان کرد که هر چند ممکن است تفکیک قوا در برخی کشورها واقعی نباشد، [اما] این مسئله در آمریکا کاملاً واقعیت دارد. بایندر گفت بسیاری از مقامات وزارت امور خارجه این اقدام دادگاه را نشانه خصومت آمریکا با ایران تلقی کرده‌اند. چنانچه دادگاهها اجازه داشته باشند چنین احکامی صادر کنند، این مسئله مسلماً می‌تواند نتایج بسیار زیانباری برای روابط آمریکا و ایران داشته باشد.

۶- بایندر گفت مطمئن است وزارت امور خارجه آمریکا بدون دخالت در رویه‌های قضایی، توجه دادگاههای آمریکا را به مشکلاتی که این پرونده در روابط بین دو کشور ایجاد کرده است، جلب خواهد کرد. بایندر گفت از این مسئله نگران است که «قضات» پرونده نسبت به ایران خصومت داشته باشند و اگر دولت آمریکا اقدامی انجام ندهد، این پرونده را کیش بدهند.

نظر گزارشگر: البته نمی‌دانیم اصل این رویکرد از کجا آب می‌خورد، ولی به اعتقاد ما بخشی از این موضع افراطی ناشی از سبک و سیاق مذاکراتی شخص بایندر است.

۷- کنسول اقتصادی سفارت در گفتگویی که روز ۱۲ سپتامبر با بایندر داشت، مطالبی را که در تلکس شماره ۲۳۶۶۵۷ وزارت امور خارجه آمده بود به او ابلاغ و یک یادداشت تسلیم او کرد. به اعتقاد ما این مسئله در پاسخ به بایندر در ارتباط با مسئله شرکت الکترونیک دیتا سیستمز کافی باشد. البته کنسول اقتصادی در گفتگوهایش با بایندر دقیقاً به این مسئله اشاره نکرده است، ولی از آنجایی که دستور مغایری در تلکس مورخ ۱۴ سپتامبر وزارت امور خارجه داده نشده است، قصد دارد به بایندر توضیح دهد که یادداشت ۱۲ سپتامبر تنها پاسخی است که در حال حاضر می‌توانیم به یادداشت او بدهیم. کنسول اقتصادی به بایندر تأکید خواهد کرد که مراحل فرجام‌خواهی در حال انجام است و سیاست وزارت امور خارجه هنوز ایجاب نمی‌کند که در این مرحله از رسیدگی به پرونده به دادگاه برود و نظر دهد. وزارت امور خارجه مراحل رسیدگی را به دقت زیر نظر خواهد داشت و چنانچه شرایط نظردادن وزارت پیش آمد، مسلماً آن را مد نظر قرار خواهد داد.

سند شماره ۲۰۲

۲۰ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۲۹ شهریور ۱۳۵۸

محرمانه

از: سفارت آمریکا، تهران به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی - فوری - ۳۸۸۵

موضوع: صندوق امانی، گزارشی در خصوص یادداشت تفاهم

به وزیر امور خارجه ایران

[الف]- (محرمانه - تمام متن)

[ب]- سرهنگ کامکار، معاون وزیر دفاع ملی، به سرهنگ دیویس، رئیس ستاد هیأت



مستشاری نظامی، اطلاع داد که وزارت دفاع ملی در روز ۲۲ سپتامبر جلسه‌ای برای ارایه برخی توضیحات با دکتر یزدی برگزار خواهد کرد. این جلسه اصولاً برای ارایه توضیحاتی در خصوص وضعیت صندوق امانی و یادداشت تفاهم برگزار می‌شد. کامکار خاطر نشان کرد که ابتدا وزارت دفاع ملی گزارش خود را به یزدی ارایه می‌کند، و سپس چنانچه نیاز به توضیحاتی از سوی آمریکایی‌ها بود، به آنها اطلاع خواهند داد. کامکار توضیح داد که فکر نمی‌کند تا بازگشت یزدی از جلسه مجمع عمومی سازمان ملل نیازی به توضیح آمریکایی‌ها باشد، البته اگر اصلاً نیازی باشد. وزیر امور خارجه ایران خاطر نشان ساخته است که احتمالاً از مذاکره با نماینده گروه مستشاری نظامی پس از برگزاری این جلسه استقبال خواهد کرد.

[پ]- چنانچه یزدی تمایلی به ملاقات با نمایندگان وزارت دفاع آمریکا در نیویورک نشان دهد، انتظار می‌رود با توجه به گزارش مربوط به صندوق امانی و یادداشت تفاهم که در تاریخ ۱۶ سپتامبر به او تسلیم شد و همچنین توضیحات کامکار کم و بیش از جزئیات امر مطلع باشد. علاوه بر مسئله صندوق امانی، ممکن است برخی موضوعات دیگر نیز که در ذیل آمده در جلسات آتی با یزدی و یا اعضای تیم اعزامی ایران مطرح شود:

- حساب تفصیلی هزینه‌های به حساب رفته ایران بابت کشتی‌های دی-۹۹۳. طبق یادداشت تفاهم برخی وجوه «غیرقابل استرداد» است که بایندر (مدیر امور قاره آمریکا در وزارت امور خارجه ایران) یکبار دیگر از ما جزئیات آن را سؤال کرده است. صرف‌نظر از توضیحات مربوط به این مسئله، ظاهراً دولت موقت ایران هنوز احساس می‌کند تمام پولی که باید از محل لغو قرارداد خرید کشتی‌های مذکور به دست می‌آورد به آن مسترد نشده است. در آخرین ملاقاتمان، آقای بایندر از نماینده سیاسی- نظامی سفارت خواستند تا اطلاعاتی که نیروی دریایی آمریکا برای برآورد هزینه‌ها و خسارات ناشی از لغو قرارداد مورد استفاده قرار داده است، در اختیار او قرار دهیم.

- موشک‌های هارپون: دولت موقت ایران هم قصد و هم نیاز به تهیه موشک‌های فوق برای تجهیز قایق‌های گشتی LA COMBATANTE دارد و به همین دلیل پیش‌بینی می‌کنیم برای اتخاذ یک سیاست مطلوب در خصوص آن تلاش کند.

- هواپیماهای آر.اف-۴ ای: تیم ایرانی که در کنفرانس مورخ اوت ۱۹۷۹ در ارتباط با تولید هواپیماهای آر.اف-۴ شرکت کرده بود، گزارش داده است که به هنگام لغو قرارداد پنج یا شش هواپیمای آر.اف-۴ ای سفارش ایران در مراحل نهایی تولید بودند. پیش‌بینی می‌کنیم دولت موقت ایران خواهان خرید این هواپیماها به قیمت منصفانه‌ای باشد (البته این اصطلاحی است که آنها استفاده می‌کنند). آنها به طور غیر رسمی تمایل خود را به تحویل این هواپیماها به افسران هیأت مستشاری و مسئولان وزارت امور خارجه آمریکا ابراز داشته‌اند، و به خوبی اطلاع دارند که پیش از انتقال هواپیماها

از خط تولید به انبار باید به طور رسمی تقاضای خرید خود را مطرح سازند.
 ت- هزینه لغو قراردادها: وزارت امور خارجه ایران یک بار دیگر خواستار اطلاعات مربوط به هزینه لغو قراردادها، به خصوص نحوه برآورد ۸۱/۳ میلیون دلار خسارت لغو قرارداد خرید هواپیماهای اف-۱۶ شده است. ما اطلاعاتی در خصوص هزینه‌های مختلف لغو قرارداد در اختیار آنها گذاشته و تأکید کرده‌ایم که فعلاً نمی‌توانیم جزئیات مربوط به هزینه‌های مذکور را ارایه دهیم، ولی گویا آنها هنوز قانع نشده‌اند. تا زمانی که اطلاعات بیشتری ارایه شود همین رویکرد فعلی را دنبال خواهیم کرد. با وجود این، هر جزئیاتی که بتواند علت برآورد هزینه‌های فوق را توضیح دهد از نظر ما مفید خواهد بود.

[ث]- قیمت فروش تجهیزات سفارش ایران به مشتریان دیگر: پول فروش تجهیزات سفارش ایران به وزارت دفاع آمریکا و یا مشتریان دیگر نیز مشکل آفرین شده است. ظاهراً نباید در ارتباط با تعیین قیمت‌های پایین‌تر برای اقلامی که به صورت تولید انبوه بوده و در ابتدای تولید سفارش شده‌اند (مثلاً موشک‌های اسپارو) سردرگمی وجود داشته باشد. با وجود این، ایرانی‌ها نسبت به فروش اقلام فوق به قیمتی زیر قیمت تمام شده برای ایران شدیداً ظنین هستند و می‌گویند ارزش اقلام واقعاً بالاتر از قیمت فروش آنهاست. ایرانی‌ها می‌پرسند چرا دولت آمریکا اقلام مزبور را به قیمتی که ادعا می‌کند نقطه سر به سر و یا حتی زیر قیمت تمام شده است، فروخته و چرا آنها را به قیمت بالاتری فروخته است. زمانی که آقای بایندر این سؤال را از نماینده سیاسی-نظامی سفارت پرسید به او گفته شد که چنانچه و هر گاه موارد مشخصی از این ادعا به دست آمد، سؤال ایشان در ارتباط با همان مورد خاص قابل بررسی است. البته قبلاً توضیحاتی در این ارتباط ارایه داده‌ایم (مثلاً قیمت‌های فوق برای پیدا کردن خریدار برای اقلام سفارشی ایران ضروری بوده است). پیش‌بینی می‌کنیم این مسئله در آینده نیز مکرراً مطرح شود.

۴- به رغم شخصیت کلاً بدبین ایرانی‌ها و همچنین ضرورت سیاسی عدم اعتماد به ایالات متحده، ارتش ایران نشان داده است که بخش اعظمی از اطلاعات ارایه شده به آن را درک- و حتی حاضر است آن را قبول کند. ولی وزارت امور خارجه ایران تا به امروز چنین تمایلی از خود نشان نداده است. آنها اطلاع کافی در مورد ساز و کار اجرای برنامه خریدهای نظامی خارجی و قراردادهای نظامی ندارند. البته ما هنوز نمی‌دانیم که آیا ارتش می‌تواند ذهن آنها را در جلسه ۲۲ سپتامبر روشن کند یا خیر. فشارهای سیاسی احتمالاً مسئولان وزارت امور خارجه را وادار خواهند کرد که در ارتباط با این مسایل و صرف نظر از عقاید شخصی خود، شدیداً با ایالات متحده مخالفت کنند و به همین دلیل پیش‌بینی می‌کنیم یزدی فشار زیادی از این بابت وارد کند. به هر حال، چنانچه آقای یزدی بخواهد این مسئله را علنی کند، مسلماً وجهه بدی به آنچه تا به حال یک روند منصفانه و معقول بوده، خواهد داد.

لینگن

سند شماره ۲۰۳

محرمانه

۲۳ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۱ مهر ۱۳۵۸

از: دفتر وابسته دفاعی ایالات متحده، تهران به: سازمان اطلاعات دفاعی، واشنگتن دی.سی
موضوع: وضعیت ناوگان هلیکوپترهای RH53D نیروی دریایی ایران

خلاصه: (محرمانه - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) منبع خبری گزارش داده است که شش هلیکوپتر RH53D که در خدمت نیروی دریایی اسلامی ایران قرار دارد و در بوشهر مستقر هستند، «زمین گیر» شده‌اند. طبق گزارش، هر ۶ هلیکوپتر از کار افتاده‌اند و به تعمیرات کلی نیاز دارند. این هلیکوپترها هشت ماه است که پرواز نکرده‌اند و منبع خبری معتقد است که برای بازگرداندن این ناوگان به وضعیت پروازی و عملیاتی به سطح آماد فنی، تعمیر و نگهداری ایالات متحده نیاز است. علاوه بر این، بخش تدارکات هلیکوپترهای RH53D شدیداً به قطعات یدکی نیاز دارد و بسیاری از اقلام مورد نیاز موجود نیست.

نظرات گزارشگر: (محرمانه - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان)

الف- منبع یک خلبان هلیکوپتر نیروی دریایی است که با سیستم هلیکوپترهای RH53D آشنایی دارد. کد رده‌بندی این منبع F-2 خواهد بود زیرا این اولین اطلاعاتی است که از سوی او ارائه می‌شود. با وجود این، گزارشگر احساس می‌کند اطلاعات ارائه شده صحیح است.
ب- (محرمانه - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) گزارشگر احساس می‌کند این گزارش کلاً منعکس کننده وضعیت ناوگان هلیکوپتری نیروی دریایی ایران است.

سند شماره ۲۰۴

محرمانه

۲۳ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۱ مهر ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی، تهران به: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی
مرجع: سفارت ۲۰۱۳۵۳ ز - ۲۰ سپتامبر ۱۹۷۹ (محرمانه) - با موضوع گزارش وضعیت صندوق امانی و یادداشت تفاهم

موضوع: تیم نظامی ایران که قرار است وزیر امور خارجه را همراهی کند

۱- مرجع فوق درباره ملاقات بین وزیر امور خارجه ایران و معاون وزارت دفاع ملی برای بحث و بررسی وضعیت صندوق امانی و یادداشت تفاهم بود.
۲- ملاقات مزبور طبق برنامه انجام شد. با وجود این، ظاهراً وقت آن محدود بوده و مقامات معاونت وزارت دفاع اطلاع داده‌اند که یزدی در جریان کامل گزارش مربوط به وضعیت صندوق امانی و یادداشت تفاهم قرار نگرفته است. (یک نسخه از گزارش قبلاً در اختیار وزیر امور خارجه قرار گرفته بود). امکان دسترسی به گزارش مفصل این ملاقات برایمان میسر نیست، ولی از منابع مختلف شنیده‌ایم که مقامات عالی‌رتبه معاونت وزارت دفاع ملی و نیروی‌های ارتش از این فرصت استفاده کرده و نیازهای خود را به اطلاع وزیر امور



خارجه رسانده‌اند. (گزارش گفتگویی که با دریادار علوی، جانشین رئیس ستاد نیروی دریایی داشتیم در تلکس جداگانه ارسال خواهد شد).

۳- تصمیم عمده‌ای که در این جلسه گرفته شد این بود که تیمی متشکل از مشاوران نظامی، دکتر یزدی را برای مذاکره درباره نیازهای ارتش ایران به نیویورک همراهی کند. اعضای این تیم عبارتند از آقای بهرامی، دستیار سرهنگ کامکار (معاون وزارت دفاع ملی)؛ سرتیپ صفری (معاونت لجستیک ستاد نیروی هوایی) و ناخدا سوم وحدت از لجستیک نیروی دریایی (البته عناوین دقیق آنها را نمی‌دانیم). برنامه دقیق سفر آنها را نمی‌دانیم، ولی این گروه تصمیم دارد در روز ۲۵ سپتامبر با یک هواپیمای نیروی هوایی، ایران را ترک کند و در روز ۲۶ سپتامبر وارد خاک آمریکا شود. بهرامی در پاسخ سؤال ما گفت که آنها به نیویورک خواهند رفت و هنوز معلوم نیست آیا به واشنگتن هم خواهند رفت یا خیر. او گفت که آنها در مذاکرات مربوط به مسایل نظامی بین یزدی و وزیر امور خارجه آمریکا، «یا هر کس دیگری»، حضور خواهند داشت.

۴- نکات مختصر زیر می‌تواند به آمادگی و انجام مذاکرات با این مقامات کمک کند. آقای بهرامی فردی بسیار باهوش است که زبان انگلیسی را عالی صحبت می‌کند. احتمالاً با توجه به اینکه مدت هشت سال برای معاونت وزارت جنگ کار کرده است، به اندازه هر کس دیگری در دولت ایران درباره برنامه خریدهای نظامی خارجی اطلاع دارد. او دست راست آقای کامکار است. تمایلات او هنوز کاملاً مشخص نیست، ولی غالباً دوستانه رفتار می‌کند، هر چند گاهی درباره معاملات قبلی با ایران مضمون است و ابایی از پرسیدن سئوالات مستقیم ندارد. سرتیپ صفری در تلاش برای از سرگیری برنامه پشتیبانی از نیروی هوایی ایران خیلی دوستانه و صمیمانه با نمایندگان هیأت مستشاری نظامی آمریکا همکاری کرده است. صفری آمریکایی‌ها و نحوه کارکردنشان را خیلی خوب می‌شناسد. علاوه بر این، ظاهراً او محرم راز و مشاور مقامات وزارت دفاع ملی ایران است زیرا غالباً در جلسات سطح بالایی که لزوماً به مسایل نیروی هوایی مربوط نمی‌شود نیز شرکت می‌کند. صفری فردی منطقی، و فرماندهی باهوش است که عمدتاً از روابط محکم با ایالات متحده حمایت می‌کند- او یک دوست است. ما هیچ اطلاعاتی در مورد ناخدا سوم وحدت نداریم، ولی او از سوی دریادار علوی انتخاب شده است که علناً به لزوم برنامه‌های پشتیبانی آمریکا اذعان دارد.

۵- احساس می‌کنیم همراهی این تیم نظامی با یزدی یک قدم مثبت است و می‌تواند در توسعه روابط ثمر ثمر باشد. امیدواریم مقامات وزارت دفاع آمریکا فرصت ملاقات با آنها را داشته باشند، چه در نیویورک و چه در واشنگتن. پیش‌بینی می‌کنیم گفتگوها دوستانه ولی صریح باشد.

البته پیش‌بینی می‌کنیم تعدادی از اعضای گروه حداقل به فشارهای داخلی برای گرفتن مساعدت‌های نظامی از کشورهای دیگری غیر از آمریکا اشاره کنند. البته احتمال این امر نیز

روابط نظامی ایران و آمریکا ۴۷۷

وجود دارد که یزدی در طول دیدارش از سازمان ملل با مقامات کشورهای دیگری که مایل به
ارایه مساعدت‌های نظامی به ایران هستند، ملاقات و گفتگو کند.

دیویس

سند شماره ۲۰۵

۲۴ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۲ مهر ۱۳۵۸

محرمانه

به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی

از: سفارت آمریکا، تهران

موضوع: نیروی دریایی ایران

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- روز دوشنبه، مورخ ۲۴ سپتامبر، روزنامه کیهان خبری با عنوان «اولین رزمایش نیروی
دریایی آغاز شد» در صفحه اول خود به چاپ رساند. این خبر درباره رزمایش ۵ روزه ناوگان
خلیج فارس است (که روز گذشته، یکشنبه ۲۳ سپتامبر شروع شده) و در آن از هاورکرافت،
قایق‌های گشتی موشک‌انداز، ناوشکن و رزم‌ناو استفاده می‌شود. در این خبر آمده است که
فرماندهی رزمایش را دریادار مدنی، رئیس ستاد نیروی دریایی ایران، و استاندار خوزستان بر
عهده دارد.

۳- شاید این خبر هم جالب توجه باشد که فرمانده ناوگان خلیج فارس، دریادار دیهیمی،
روز دوشنبه، ۲۴ سپتامبر در تهران بود، و قصد داشت برای سفر به ایالات متحده ویزا دریافت
کند.

سند شماره ۲۰۶

۲۴ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۲ مهر ۱۳۵۸

محرمانه

به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی

از: سفارت آمریکا، ایران

موضوع: پروژه شرکت باوون - مک‌لفلین - یورک (بی.ام.وای) در MIS

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- نماینده هیأت مستشاری نظامی در تاریخ ۲۳ سپتامبر اطلاع یافت که «به دلایل مختلف»
برای نفرات شرکت باوون - مک‌لفلین - یورک و مقامات سفارت مقدور نیست که از MIS دیدار
کنند. مقامات نظامی ایران اظهار داشته‌اند که به مسئولان هیأت مستشاری و نماینده سیاسی -
نظامی [سفارت] اطلاع خواهند داد که چه وقت این دیدار ممکن خواهد شد.

۳- تصمیم اخیر کاملاً بر خلاف تصمیمی است که در تاریخ ۲۲ سپتامبر توسط همین
مقامات اتخاذ شده بود و دیدار از محل فوق را در اسرع وقت تشویق می‌کرد. نماینده هیأت
مستشاری نظامی معتقد است که ممانعت از دیدار فوق صرفاً به دلیل ملاحظات امنیتی صورت
گرفته است.



۴- می دانیم که رؤسای شرکت بی.ام.وای سرخورده خواهند شد، همانگونه که خودمان سرخورده شده ایم. مسئولان هیأت مستشاری و نماینده سیاسی-نظامی سفارت همچنان ناظر بر اوضاع خواهند بود تا فرصتی برای این دیدار بیابند.

لینگن

سند شماره ۲۰۷

محرمانه

۲۵ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۳ مهر ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی، تهران به: وزارت دفاع، واشنگتن دی.سی

موضوع: گزارش آخرین وضعیت نیروی دریایی اسلامی ایران

۱- در روز ۲۲ سپتامبر ۱۹۷۹، سرهنگ اسکات، سرهنگ دیویس، و ناوسروان انگلمن با دریادار علوی، جانشین رئیس ستاد نیروی دریایی اسلامی ایران ملاقات کردند. این ملاقات به منظور معرفی سرهنگ اسکات در مقام رئیس آینده هیأت مستشاری انجام شد.

۲- دریادار علوی به ما اطلاع داد که او و رؤسای ستاد سایر نیروهای ارتش همان روز با دکتر یزدی (وزیر امور خارجه ایران) دیدار و گفتگو کرده اند. او گفت ملاقات مزبور به منظور آماده کردن یزدی برای سفر آتی اش به ایالات متحده انجام شده است. ما قدری در مورد این جلسه با یکدیگر گفتگو کردیم.

۳- دریادار علوی گفت ارتش در گفتگوهایش با یزدی بر چهار محور تأکید داشته است. ابتدا درخواست ارتش برای اتخاذ یک سیاست محکم از سوی دولت درباره نحوه ارتباط با پیمانکاران و دولت های خارجی که خدمات مورد نیاز ارتش را تدارک می کنند. علوی به یزدی توضیح داده است که ارتش (حداقل نیروی دریایی اسلامی ایران) خودکفا نیست. نیروهای ارتش برای خدمات مختلف در زمینه تعمیر و نگهداری و پشتیبانی به منابع خارجی وابسته هستند. سران ارتش بر اهمیت تجدید پشتیبانی قطعات تعمیراتی و اجرای نامه های جدید پیشنهاد و قبول تأکید داشتند. ارتش یک بار دیگر سعی داشت حمایت دولت را از برنامه های همکاری ارتش با دولت ها و پیمانکاران خارجی جلب کند. این مسئله در ارتباط با محور سوم که علوی ذکر کرد نیز صدق می کند؛ یعنی ضرورت تجدید برنامه های آموزشی. یک بار دیگر عدم خودکفایی ارتش و وابستگی آن به مساعدت های خارجی گوشزد شد.

۳- محور* چهارمی که علوی به آن اشاره کرد لزوم حل مشکلات حقوقی و مالی بود که هم اینک گریبانگیر معاملات تسلیحاتی ایران با غرب شده است. تا زمانی که ایران دعاوی به حقی را که علیه آن مطرح شده است، پاسخ نگوید و تسویه نکند هر گونه سرمایه گذاری ایران احتمالاً مشمول دعاوی حقوقی خواهد شد. علوی به مذاکرات کنونی نیروی دریایی اسلامی

* در اصل سند شماره ۳، دوبار تکرار شده است.



ایران با شرکت «براون اند روت» اشاره کرد و اظهار داشت نیروی دریایی قصد دارد قرارداد شرکت مزبور را به ساخت تأسیسات IMA در بندر عباس و ساخت تأسیسات بندری تجاری کوچک در چابهار محدود کند.

۴- علوی معتقد بود یزدی دلمشغولی‌های ارتش را درک می‌کند. نمایندگان از نیروی هوایی و نیروی دریایی یزدی را در سفرش به ایالات متحده همراهی خواهند کرد. ناخدا وحدت از بخش لجستیکی نیروی دریایی اسلامی ایران نماینده این نیرو خواهد بود. (ر.ک. به تلکس شماره ۲۳۱۳۱۳ از همین مستشاری مورخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۹ با موضوع اطلاعات تکمیلی درباره نمایندگان ارتش که در هیأت همراه یزدی حضور خواهند داشت.)

۵- علوی دو بار متذکر شد در حالی که ایرانی‌ها سعی دارند مشکلات عدیده‌ای که به سبب انقلاب پیش آمده است حل کنند، لازم است ایالات متحده همچنان به ایرانی‌ها حسن نیت نشان دهد. علوی مذاکرات اخیر و ظاهراً موفقیت‌آمیز نیروی دریایی اسلامی ایران با شرکت راکول بر سر پروژه پرل را نمونه‌ای از این نوع حسن نیت‌ها دانست. علوی از ارتش ایالات متحده انتظار دارد که از نفوذ خود بر پیمانکاران خصوصی استفاده کند و آنها را تشویق نماید تا درخواست‌های جدید بعد از انقلاب ایران را بپذیرند. توضیح دادیم که اکثر پیمانکاران مایلند با ایران وارد مذاکره شوند ولی درباره بازگشت به ایران مردد هستند زیرا از امنیت جانی نفرات خود اطمینان ندارند. اگر معلوم شود این نگرانی‌ها بی‌اساس است، چنانکه در ارتباط با شرکت راکول معلوم شد، ایران می‌تواند توقع بازگشت و مذاکره با پیمانکاران بیشتری را داشته باشد.

۶- هر چند انتظار داشتیم این جلسه غیررسمی خیلی کوتاه باشد، ولی صحبت‌هایمان بیشتر از یک ساعت طول کشید. معلوم بود علوی از قبولاندن نظراتش به یزدی خوشحال است و می‌خواهد آن را با ما نیز در میان بگذارد.

اسکات

سند شماره ۲۰۸

محرمانه

۲۷ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۵ مهر ۱۳۵۸

از: دفتر وابسته دفاعی ایالات متحده، تهران به: سازمان اطلاعات دفاعی، واشنگتن دی.سی.

موضوع: بر اساس گزارش، رزمایش نیروی دریایی کاهش یافته است

خلاصه: (محرمانه - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) این گزارش اطلاعاتی درباره رزمایش نیروی دریایی ایران ارائه می‌دهد که در خلیج فارس در جریان است. اهمیت این گزارش از آن جهت است که مطالب آن خلاف اخباری است که در مورد همین رزمایش در روزنامه‌ها به چاپ رسیده است.

مشروح گزارش:

الف- (محرمانه- غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) منبع خبری گزارش می‌دهد که اخبار



مطبوعات درباره رزمایش‌های بزرگ نیروی دریایی در خلیج فارس تقریباً هم‌اکنون دروغ است و فقط اهداف تبلیغاتی دارد.

روزنامه‌ها نوشته‌اند که چهار کشتی بزرگ و تعداد زیادی شناور کوچک‌تر (قایق‌های گشتی موشک‌انداز) در این رزمایش شرکت دارند. منبع می‌گوید حداکثر دو کشتی بزرگ و تعداد انگشت شماری شناور کوچک در این رزمایش شرکت داشته‌اند. منبع افزود که اندازه ناوگان عملیاتی از آنچه در رسانه‌های خبری آمده است، بسیار کوچک‌تر شده است. منبع اظهار داشت به دلیل عدم انجام عملیات تعمیر و نگهداری سیستم‌های پیچیده کنترل آتش، کشتی‌های ایران بیشتر به یک تخته چوب می‌مانند. منبع اشاره کرد که احتمالاً دریادار مدنی می‌خواهد با بزرگنمایی این رزمایش در روزنامه‌ها قدرت خود را نشان دهد زیرا گویا قصد دارد برای انتخابات ریاست جمهوری نامزد شود.

ب- (محرمانه - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) منبع گفت هیچ یک از پرنده‌های نیروی دریایی، چه بال ثابت و چه بال متحرک، در این رزمایش شرکت ندارند، صرفاً به این سبب که همه آنها قابلیت پرواز خود را از دست داده‌اند. منبع گفت وضعیت هلیکوپترهای RH53D بسیار وخیم است.

پ- (محرمانه - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) منبع گفت نیروی دریایی قصد دارد تصمیم رژیم گذشته برای بستن پایگاه خرمشهر را لغو کند. این تصمیم احتمالاً به سبب تهدیداتی که از سوی عراق احساس می‌شود، اتخاذ شده است. این امر بدان معناست که ایران هم اکنون دو تهدید را در خلیج [فارس] می‌بیند، یکی عراق و دیگری تنگه هرمز. جای شک است که وضعیت نیروی دریایی ایران به نحوی باشد که این نیرو بتواند همزمان و به طور موثر با هر دو تهدید مذکور مقابله کند.

[ت]- (محرمانه - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) کیهان و تهران تایمز، دو روزنامه انگلیسی زبان تهران، تصاویری از ناوگان نیروی دریایی ایران در حال «عملیات» چاپ کرده‌اند. کشتی‌هایی که در این تصاویر دیده می‌شوند همان کشتی‌هایی نیستند که در اخبار ذکر شده‌اند. یکی از تصاویر مربوط به کشتی «پلنگ» (قبلاً DD 780) است که دارد یک موشک استاندارد شلیک می‌کند. در مقالات ذکر نشده است که کشتی «پلنگ» نیز در این رزمایش‌ها شرکت دارد، و منبع خبری نیز گفته است که شک دارد نیروی دریایی ایران توانایی شلیک موشک‌های استاندارد را در این زمان داشته باشد.

نظرات گزارشگر: (محرمانه - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) رتبه‌بندی این منبع B-3 خواهد بود زیرا او خودش این خبرها را از یک نفر دیگر شنیده است. منبع دوم به منبع اول گفته است که تا حد ممکن سعی می‌کند در تهران نباشد زیرا ستاد نیروی دریایی در تهران به دست یک مشت «احمق و حیوان» اداره می‌شود، که اشاره‌اش به کمیته مستقر در ستاد نیروی دریایی است. منبع دوم به منبع اول گفته است که اعضای کمیته یک مشت بچه‌اند ولی آنقدر قدرت دارند که

به دریاداران و ناخدایان بگویند چه کاری می‌توانند بکنند و چه کاری نمی‌توانند بکنند.

سند شماره ۲۰۹

۲۷ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۵ مهر ۱۳۵۸

از: مستشاری نظامی، تهران-۴۲۹
مرجع: گفتگوی تلفنی سرهنگ غنی‌پور، مدیر صنایع هواپیمایی ایران، با شیراز نفرات
مستشاری نظامی در تاریخ ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۹



موضوع: سطح آماد فنی تجهیزات پشتیبانی و تعمیر و نگهداری برای AH1J و اف-۱۴
۱- سرهنگ غنی‌پور به منظور ارزیابی توانایی صنایع هواپیمایی ایران برای تأمین سطح آماد فنی لازم برای تعمیر و نگهداری هواپیماهای اف-۱۴ و AH1J، با اشاره به تماس تلفنی فوق‌الذکر اطلاعات زیر را درخواست کرد:

- الف- چه سطح آماد فنی از تجهیزات به صنایع هواپیمایی ایران تحویل شده است؟
- ب- تحویل چه تجهیزاتی هم اینک در حالت تعلیق قرار گرفته است؟
- پ- چه تجهیزات دیگری باید به منظور تأمین توانایی آماد فنی سفارش داده شود؟
- ت- چه نوع تیم آماد فنی (آمریکایی) برای اداره آن نیاز است؟
- ۲- هر گونه اطلاعاتی در خصوص موارد بالا کمک زیادی در سازمان‌دهی پرونده‌ها و سوابق به صنایع هواپیمایی ایران کرده و برای بهبود سطح توانایی آماد فنی آن مفید خواهد بود.

سند شماره ۲۱۰

۱ اکتبر ۱۹۷۹ - ۹ مهر ۱۳۵۸

از: نماینده ارشد دفاعی سفارت آمریکا، تهران - سرلشگر گاست
به: مقرر فرماندهی نیروی هوایی آمریکا، واشنگتن دی.سی
مرجع: نامه فرماندهی - ۶ سپتامبر ۱۹۷۹ - موضوع فوق



موضوع: درخواست مدارک مربوط به خریدهای نظامی خارجی

۱- نامه مرجع به همراه هشت نسخه رونوشت از فرم DD 1513-2 «ابلاغ پیشنهاد و قبول» و درخواست تأیید رسید از طرف دولت موقت ایران بود. علاوه بر این درخواست شده بود که سه نسخه امضا شده آن به مرکز حسابداری مساعدت‌های امنیتی و سه نسخه آن به مقرر فرماندهی نیروی هوایی آمریکا ارسال شود.

۲- در حال حاضر تمایلی به تسلیم این نسخه‌ها به دولت موقت ایران نداریم، زیرا احساس می‌کنیم هیچ کس در اینجا نمی‌خواهد تغییرات حاصله را بپذیرد. علاوه بر این، بسیاری از تغییراتی که در طول تجدید ساختار اولیه و متعاقب امضای یادداشت تفاهم انجام شد، هنوز در حال بررسی است. هزینه‌ای که در فرم‌های DD 1513-2 منعکس شده است می‌تواند با توجه به

جلسات توجیهی که اخیراً برگزار کرده‌ایم، بحث‌انگیز شود. مثلاً، در ارتباط با قرارداد SVA در چارچوب برنامه خریدهای نظامی خارجی، در نامه پیشنهاد و قبول مورد PEACE SKY، ما کاهش هزینه‌ای برابر با ۶۱۸۴۱۰۰۰۰ را منعکس کرده‌ایم که مبلغ جدید را به ۱۰ میلیون دلار اصلاح می‌کند. علاوه بر این، ما هزینه‌های تقریبی اداری را ۱۸۸۵۲۰۰۰ دلار نشان داده‌ایم که کل هزینه را برای دولت ایران به ۲۸۸۵۲۰۰۰ دلار می‌رساند. ولی ما در جلسات توجیهی مان گفته‌ایم که کل مبلغ برداشتی از صندوق برای برنامه PEACE SKY ۹/۵ میلیون دلار خواهد بود.

۳- با توجه به اختلاف نظری که ممکن است در حال حاضر ایجاد شود، و همچنین عدم اطلاع ما از هزینه‌های اضافی اداری، و عدم تمایل مقامات دولت موقت ایران برای امضای این نسخه‌ها، تسلیم این نسخه‌ها را تا زمانی که نامه بعدی، یا نهایی آماده امضا شود به تعویق خواهیم انداخت. در آن زمان، به شرط آنکه شرایط در دولت موقت ایران مطلوب‌تر شود، نسخه‌های فوق را برای امضا تسلیم آنها خواهیم کرد.

فیلیپ. سی. گاست

سرلشگر نیروی هوایی ایالات متحده

نماینده ارشد دفاعی

سند شماره ۲۱۱

محرمانه

۲ اکتبر ۱۹۷۹ - ۱۰ مهر ۱۳۵۸

به: سفارت آمریکا، تهران - فوری

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی - ۹۲۳۸

مرجع: گروه مستشاری - ۹۷۱۲ - ۲ سپتامبر ۷۹

موضوع: تعمیر و نگهداری شش هواپیمای پی-۳ اف

نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران

در مرجع فوق آمده بود که نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران قصد دارد به منظور اجرای یک بسته تعمیر و نگهداری استاندارد در سطح آماد فنی برای شش هواپیمای پی-۳ اف مستقیماً با شرکت لاکهید قرارداد امضا کند، خواسته بود که به سئوالات زیر پاسخ داده شود.

الف) آیا قرار بود طرح قبلی برای هواپیماهای فوق در چارچوب برنامه خریدهای نظامی خارجی انجام شود یا به صورت قرارداد مستقیم باشد؟

ب) آیا امضای یک قرارداد مستقیم، تأثیری بر ارقام موضوع معاملات تسلیحاتی خارجی خواهد گذاشت؟

پ) آیا دولت آمریکا هیچ مخالفتی با قراردادهای مستقیم از این نوع دارد یا خیر؟

۲- نماینده شرکت لاکهید در ارتباط با تعمیر و نگهداری آماد فنی این شش هواپیمای پی-۳ اف

که از نیمه اول ۱۹۸۰ در کارخانه لاکهید در اونتاریو کالیفرنیا شروع خواهد شد، با وزارتخانه تماس گرفته است. پیش‌بینی می‌شود هزینه کل طرح بالغ بر ۲ تا ۴ میلیون دلار و زمان لازم برای



اجرای طرح ۱۸ ماه باشد، که حداقل ۹۰ تا حداکثر ۴۸۰ روز به تعمیر اساسی هر هواپیما اختصاص خواهد داشت. هواپیماها توسط خلبانان ایرانی به ایالات متحده پرواز کرده و توسط آنها به ایران بازگردانده خواهند شد. علاوه بر این، نماینده لاکهید گف شرکت مزبور هر دو نوع شیوه کار، یعنی قرارداد مستقیم یا ترتیبات موضوع معاملات تسلیحاتی خارجی را می‌پذیرد.

۳- در ماه ژوئیه ۱۹۷۸، دولت سابق ایران تقاضای یک پیشنهاد قیمت را برای تعمیر و نگهداری استاندارد شش هواپیمای پی-۳ اف در تأسیسات نیروی دریایی ایالات متحده مطرح ساخت که شامل هر گونه تغییرات مهندسی و یا فنی قابل قبول بر روی آنها نیز باشد. پیشنهادی که مورخ ۳۰ نوامبر ۱۹۷۸ برای دولت ایران فرستاده شد، مورد قبول قرار نگرفت و مهلت آن تمام شد. در تاریخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹ شرکت خدمات هواپیمایی لاکهید به نیروی دریایی ایالات متحده اطلاع داد که قصد دارد پیشنهاد قیمتی قطعی و ثابت را برای تعمیر و نگهداری هواپیماهای فوق مستقیماً به نیروی هوایی اسلامی ایران تسلیم کند. شرکت خدمات هواپیمایی لاکهید خاطر نشان ساخت که مایل است سرویس فوق را چه در چارچوب معاملات تسلیحاتی خارجی و چه در قالب قراردادی مستقیم بین نیروی هوایی اسلامی ایران و شرکت متبوعش انجام دهد، و از نیروی دریایی ایالات متحده کسب تکلیف کرد. نیروی دریایی نیز پاسخ داد که این نیرو هیچ مخالفتی با تسلیم یک پیشنهاد رسمی از سوی شرکت لاکهید برای تعمیر و نگهداری استاندارد هواپیماهای فوق در قالب قرارداد مستقیم با نیروی هوایی اسلامی ایران ندارد. با وجود این، نیروی دریایی به وضوح اظهار داشت که موافقت آن نیرو با رویکرد شرکت لاکهید، چه به صورت صریح و چه ضمنی به معنای تعهد برای قرض دادن، اجاره و یا فروش تجهیزات دولت و یا ارایه اطلاعات به لاکهید در اجرای هر گونه قراردادی که ممکن است بین این شرکت و نیروی هوایی اسلامی ایران به امضا برسد نخواهد بود. نیروی دریایی ایالات متحده همچنین بیان داشت در صورتی که دولت ایالات متحده تجهیزات و یا اطلاعات فنی در اختیار داشت که احتمالاً برای اجرای قرارداد لاکهید در خصوص تعمیر و نگهداری استاندارد هواپیماهای فوق ضروری بود، شرکت لاکهید موظف است از دولت ایران بخواهد شرکت لاکهید را به عنوان نماینده خود برای دریافت این تجهیزات و اطلاعات معرفی کند. اطلاع یافته‌ایم که شرکت خدمات هواپیمایی لاکهید پیشنهادی به نیروی هوایی اسلامی ایران ارایه داده است و اینکه نیروی هوایی اسلامی ایران در حال بررسی هر دو پیشنهاد است (پیشنهاد نیروی دریایی آمریکا و پیشنهاد لاکهید) ولی هنوز هیچ تصمیمی در ارتباط با آنها اتخاذ نکرده است.

۴- تأثیر قرارداد مستقیم بر برنامه خریدهای نظامی خارجی تا زمانی که شرکت خدمات هواپیمایی لاکهید موارد تدارکاتی مورد نیاز خود را به طور مشخص و دقیق به اطلاع نیروی دریایی آمریکا نرسانده و آن نیرو نیز آنها را بررسی نکرده باشد، مشخص نخواهد شد. با وجود این، عواملی که می‌تواند بر توانایی دولت ایران و نیروی دریایی آمریکا برای برآوردن شرایط لازم به منظور عقد قرارداد مستقیم تأثیر بگذارد، موجود بودن رویه‌های مؤثر تعمیر و

بازگرداندن و درخواست مستقیم است.

۵- اجرای موفقیت‌آمیز قرارداد مستقیم در ارتباط با طرح عظیمی همانند تعمیر و نگهداری هواپیماهای پی-۳ اف به زیرساخت‌های سازمانی مستقری نیاز دارد که بتواند تعیین ملزومات، انتخاب پیمانکاران، مذاکره در خصوص قیمت، تضمین کیفیت و غیره را انجام دهد. امضای یک قرارداد مستقیم بدون داشتن توانایی‌های سازمانی فوق می‌تواند مشکلات عدیده‌ای ایجاد کند، مثلاً نیاز به هزینه و وقت بیشتری از آنچه در قرارداد آمده، مشکلات کنترل کیفیت، مشخصات ناکافی قرارداد، و غیره که منجر به انتقاد فراگیر و یا حتی عدم موفقیت در اجرای قرارداد خواهد شد، به وجود آورد. فکر نمی‌کنیم دولت موقت ایران در حال حاضر دارای این توانایی‌ها باشد و یا اینکه بتواند توانایی‌های فوق را در طول جدول زمانی لازم برای تعمیر اساسی هواپیماهای پی-۳ اف به دست آورد.

۶- نیروی دریایی ایالات متحده توانایی اجرای موفقیت‌آمیز قراردادهای تعمیر و نگهداری استاندارد هر یک از کشتی‌ها و یا هواپیماهای خود را در تأسیسات نیروی دریایی و در قالب قراردادهای مستقیم با شرکت‌های تجاری آمریکایی دارد، و این امر به اثبات رسیده است. در واقع، نیروی دریایی ایالات متحده هم اینک در حال اجرای یک قرارداد سرویس کامل استاندارد برای هواپیمای پی-۳ توسط یک شرکت بازرگانی (غیر از لاکهید) است و پیشنهاد دیگری نیز برای انجام یک قرارداد سرویس کامل استاندارد برای هواپیمای پی-۳ متعلق به نیروی دریایی آمریکا و یک کشور دیگر در حال بررسی است.

۷- از شما تقاضا می‌شود اطلاعات مندرج در بند ۴، ۵ و ۶ این پیام را به اطلاع سرتیپ صفری و سایر مقامات ایرانی برسانید. علاوه بر این، باید آنها را متقاعد سازید که تحت قرارداد در قالب برنامه خریدهای نظامی خارجی، نیروی دریایی آمریکا همان دقت، مسئولیت و درایت مالی را به خرج خواهد داد که در قراردادهای خودش به خرج می‌دهد. با وجود این، تصمیم در مورد انتخاب قرارداد مستقیم و یا چارچوب معاملات تسلیحاتی خارجی با مقامات ایرانی است.

سند شماره ۲۱۲

۲ اکتبر ۱۹۷۹ - ۱۰ مهر ۱۳۵۸

محرمانه

به: وزارت دفاع، واشنگتن

از: هیأت مستشاری نظامی آمریکا، تهران

مرجع: الف- سفارت آمریکا، تهران ۲۱۲۳۰ ز - ۲ اوت ۱۹۷۹ - موضوع یادداشت وزارت

امور خارجه ایران درباره پشتیبانی نظامی

موضوع: ملاقات با سرهنگ کامکار، معاون وزیر دفاع در

امور تسلیحات - ۲ اکتبر ۱۹۷۹

۱- مرجع فوق به متن یادداشت دیپلماتیک وزارت امور خارجه ایران مورخ ۲۳ ژوئیه



۱۹۷۹ مربوط می‌شود که در آن علاقه نیروهای مسلح اسلامی ایران به دریافت تجهیزات و خدمات برای اقلام موضوع قراردادهای خریدهای نظامی خارجی در ۱۱ ردیف بیان شده بود. ۲- سرلشگر گاست و سرهنگ اسکات در روز ۲ اکتبر ۱۹۷۹ به ملاقات سرهنگ کامکار، معاون وزارت دفاع ملی ایران، در دفترش رفتند.

۳- کامکار خسته به نظر می‌رسید. او گفت سرماخورده است، کارش سنگین است و معمولاً بی‌حال است. به رغم این مسایل، خیلی صمیمی با ما برخورد کرد، و خود را با شور و اشتیاق نشان داد، و خوب به سخنان نمایندگان هیأت مستشاری گوش داد و پاسخ گفت.

۴- نکاتی که مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت به شرح زیر بود:

الف- سرهنگ کامکار گفت قرار است همان روز جلسه‌ای با وزیر جدید دفاع ملی، دکتر مصطفی چمران، برگزار شود. ژنرال گاست از کامکار پرسیده بود که نظر او درباره عملکرد آتی وزیر جدید دفاع ملی ایران چیست و اینکه آیا احتمالاً او تغییراتی خواهد داد که روابط نظامی دو کشور، مجدداً رو به بهبود، هر چند بسیار محدود، بگذارد. کامکار گفت از زمانی که چمران وزیر دفاع شده، هنوز با او ملاقات نکرده است، ولی نخست وزیر امروز بعد از ظهر (۲ اکتبر) او را برای معارفه به وزارت دفاع خواهد آورد. کامکار گفت از نظر او توجیه چمران قدری مشکل است و برداشت ما این بود که کامکار می‌داند انتصاب چمران سفارشی بوده است. کامکار «نقش چمران در لبنان» را یادآور شد و گفت که وزیر جدید دفاع ملی قدری از مسایل نظامی سر در می‌آورد. نکته جالب اینجاست که کامکار گفت چمران در جلسات مقامات رده بالای دفاع ملی در ماه ژوئیه (احتمالاً در سمت معاون نخست وزیر در امور انقلاب) که در آن مسئله قطعات یدکی و نیاز به تجهیزات در نیروهای مسلح مطرح شده بود، شرکت داشت. ظاهراً هنوز تمایل چندانی به بحث مستقیم درباره قراردادهای خریدهای نظامی خارجی در چنین جلساتی وجود ندارد. طبق گفته کامکار، چمران پیشنهاد کرده بود تقاضای خود را کتبا به آمریکایی‌ها ابلاغ کنیم، که این تقاضا به صورت یادداشت دیپلماتیک ۲۳ ژوئیه به دست ما رسید. (مرجع الف)

ب- سرهنگ کامکار تقریباً با حسرت گفت که مسئله اصلی و مبرم این است که «ارتش را راه بیندازیم» که اشاره واضحی به مشکلات مربوط به نیروها، تعمیر و نگهداری و از همه مهمتر روحیه و نظم در ارتش بود. کامکار گفت تلاش زیادی برای حل این مشکلات کرده‌اند، ولی نتایج دلسرد کننده بوده است.

پ- ژنرال گاست خیلی کلی وضعیت صندوق امانی و تلاش‌هایی را که برای حفظ توانایی پرداخت آن مبذول شده است و همچنین تلاش‌های متقابل برای برقراری مجدد روابط نظامی بین دو کشور را توضیح داد. در پاسخ، کامکار نیز بر تمایل ایران برای داشتن نیروهای دفاعی توانمند تأکید کرد.

ت- گاست با اشاره به برنامه‌ریزی برای تیم پشتیبانی لجستیکی نظامی ایران در ایالات

متحده، به مذاکرات قبلی درباره برنامه مورد نظر ایران جهت استقرار یک تیم پشتیبانی لجستیکی در ایالات متحده اشاره کرد. کامکار اذعان داشت که چنین مسئله‌ای در رده‌های بالای وزارت دفاع ملی با نیروهای مختلف ارتش مطرح شده است و تصمیم‌گیری درباره آن ۳ تا ۴ ماه طول خواهد کشید. کامکار گفت نظر آنها بیشتر بر تشکیل یک تیم مجتمع از نمایندگان همه نیروهاست، که تحت نظارت وزارت دفاع ملی کار کند. گاست یک بار دیگر به کامکار گفت که دولت ایالات متحده از این نوع ترتیبات استقبال خواهد کرد و ترتیبات مشابهی نیز با سایر کشورها وجود دارد. همچنین این مسئله مطرح شد که با ماندن فقط ۶ نفر در هیأت مستشاری، تلاش برای ارسال به موقع اطلاعات لجستیکی و فهرست نیازمندی‌ها به ایالات متحده بسیار دشوار است. این مسئله موضوع یک تلکس جداگانه خواهد بود.

ث- جهت اطلاع، کامکار گفت وظیفه سرتیپ صفری که همراه با یزدی به ایالات متحده سفر خواهد کرد، تلاش برای فروش شیبه‌سازهای اف-۴ و اف-۵ است که هنوز تصور می‌شود در ایالات متحده باشند. کامکار می‌دانست پیمانکار این پروژه شرکت سینگر است و به گفته صفری یک خریدار برای آن پیدا شده است، ولی قیمت خرید چندین رضایت‌بخش نیست.

ج- کامکار همچنین گفت پس از بازگشت یزدی و صفری از نیویورک، احتمالاً بسته به نتایج که از مذاکرات هفته جاری‌شان با مرکز حسابداری مساعدت‌های دفاعی به دست بیاید، سراغ جزییات صندوق امانی خواهند رفت. کامکار گفت شاید آنها یک کارگروه تشکیل دهند و سپس مشخص کنند که آیا سفر به آمریکا برای بررسی جزییات ضرورتی دارد یا خیر.

سند شماره ۲۱۳

بدون طبقه‌بندی
از: هیأت مستشاری نظامی آمریکا، تهران
۳ اکتبر ۱۹۷۹ - ۱۱ مهر ۱۳۵۸
به: وزارت دفاع، واشنگتن دی.سی.
موضوع: نامه درخواست برای ۵ هواپیمای آر. اف-۴ ای



۱- نامه موضوع این تلکس همین الان از طرف سرهنگ کامکار، معاون وزارت دفاع در امور تسلیحات، به دستمان رسیده است. کامکار تقاضا کرده است ۵ هواپیمای آر. اف-۴ ای که قبلاً در چارچوب برنامه PEACE ROLL سفارش داده شده و متعاقباً به موجب یادداشت تفاهم مورخ ۳ فوریه لغو شده بود، مجدداً مورد نظر قرار گیرد و نامه پیشنهاد، فرم DD 1513، به دفتر ایشان فرستاده شود.

ترجمه انگلیسی متن این نامه جهت اطلاع و اقدام مقتضی ارسال می‌گردد:

شروع/ موضوع: هواپیمای آر. اف-۴ ای

برابر اطلاعات واصله از نماینده دولت ایران در آمریکا ۵ فروند از ۸ فروند هواپیماهای آر. اف-۴ خریداری شده تحت کیس: SXX-SXT مراحل آخر تولید را طی می‌نماید.

خواهشمند است دستور فرمایید پیشنهاد لازم برای ۵ فروند هواپیمای فوق تهیه و جهت اقدام لازم به این معاونت ارسال گردد.

امضا: سرهنگ جهانگیر کامکار (سرهنگ ستاد)

معاون تسلیحاتی وزیر دفاع ملی/پایان

۲- خواهشمند است هر چه سریع‌تر این اطلاعات را در اختیار ونس، وزیر امور خارجه، و سرهنگ دوم گریوز قرار دهید تا در ملاقاتشان با دکتر یزدی، وزیر امور خارجه دولت موقت ایران، آن را در دست داشته باشند.

سند شماره ۲۱۴

۶ اکتبر ۱۹۷۹ - ۱۴ مهر ۱۳۵۸

به: وزارت امور خارجه، واشنگتن

سری

از: سفارت آمریکا، تهران - ۲۶۱۴

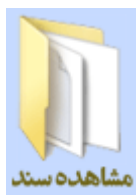
موضوع: ملاقات با وزیر امور خارجه، یزدی، در ارتباط با مسایل دفاعی

۱- (سری - تمام متن)

۲- در روز چهارم اکتبر، یزدی به همراه افسران ارتش و مقامات وزارت امور خارجه ایران در ملاقاتی سه ساعته با معاون وزیر امور خارجه آمریکا، بنسن، دستیار وزیر امور خارجه، «مک گی فرت»، و ژنرال گریوز به بحث و گفتگو درباره مسایل دفاعی پرداختند. فضای حاکم بر گفتگوها کلاً دوستانه، و گاه با سئوالات رک و صریح هیأت ایرانی و اعتراضات آنها همراه بود. اگر چه ظن و تردید بر این مذاکرات سایه افکنده بود، هیچیک از طرفین تندی به خرج نداد. طرف آمریکایی با شکیبایی و درک فوق‌العاده به سخنان طرف مقابل گوش می‌داد و مکرراً تمایل خود را به بررسی موضوعات فارغ از مسایل حاشیه‌ای و ارایه اطلاعات اضافی در صورت امکان ابراز می‌کرد. شرح مفصل این ملاقات ارسال خواهد شد. خلاصه‌ای از مذاکرات را در ذیل به اطلاع می‌رساند.

۳- معاون وزیر امور خارجه، بنسن، گفتگوها را با ذکر این مطلب آغاز کرد که ایالات متحده مایل است هر گاه ممکن باشد در ارتباط با امور دفاعی مورد علاقه طرفین با ایران همکاری کرده و آن را یاری دهد. او بار دیگر بر استقلال، تمامیت ارضی و حفظ امنیت ایران تأکید کرد، و خاطر نشان نمود که هر دو کشور ایالات متحده آمریکا و ایران ملاحظات سیاسی داخلی مربوط به خود را دارند که بر روابط طرفین تأثیر می‌گذارد.

۴- دستیار وزیر امور خارجه، «مک گی فرت» نیز با مروری بر سیاست‌های کلی آمریکا در قبال منطقه‌ی خلیج فارس ابراز داشت که آمریکا مایل است در صورت مساعد بودن شرایط سیاسی روابط دفاعی جدیدی با ایران برقرار نماید. واضح بود که هیچیک از طرفین تمایلی به اعاده روابط پیشین نداشتند و اینکه [معتقد بودند] گسترش همکاری‌های جدید باید منوط به بهبود مناسبات سیاسی دو کشور باشد. «مک گی فرت» اظهار داشت یک سال آینده را باید



صرف تسویه وجوه صندوق امانی کرده و تدبیری برای از سرگیری فروش قطعات یدکی بیندیشیم.

۵- ژنرال گریوز نیز به اجمال درباره مدیریت صندوق امانی صحبت کرد و پیشنهاد داشت تفاهمی را که در سوم فوریه به امضا رسید توضیح داد و تلاش‌های وزارت دفاع آمریکا را برای حفظ منافع ایالات متحده و ایران گوشزد کرد. یزدی نیز که بهرامی و صفری شدیداً او را یاری می‌کردند، سئوالاتی که قبلاً توسط سفارت به اطلاع وزارت امور خارجه رسیده بود، مطرح ساخت:

- مبلغ نهایی معاملاتی که در چارچوب خریدهای نظامی خارجی انجام شده: که در این ارتباط گریوز گفت فهرستی به همراه مبلغ کلی آنها تهیه و در اختیار ایران قرار خواهد گرفت. او افزود در صورت سفر برخی نیروهای ایرانی به منظور کمک به دولت آمریکا برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به این معاملات، می‌توان به اطلاعات جامع‌تری دست یافت.

- رفع توقیف از قطعات یدکی طبقه‌بندی شده: که در این ارتباط به یزدی گفتیم آمریکا تمایل دارد رفع توقیف هر یک از قطعات یدکی طبقه‌بندی شده را با توجه به ماهیت آن و فارغ از مسایل حاشیه‌ای مورد بررسی قرار دهد. علاوه بر این، احتمال دارد برخی درخواست‌های ایران مثلاً برای دریافت اطلاعات فنی جهت راه‌اندازی و عملیاتی کردن هواپیماها، بدون هیچ حساسیتی پذیرفته شود. ولی رفع توقیف اقلام حساس‌تر منوط به تأیید دوباره موافقت‌نامه‌ی دوجانبه ژوئن بر سر حفاظت از اطلاعات طبقه‌بندی شده خواهد بود. در آن موافقت‌نامه، طرفین موافقت کردند به تیم‌های امنیتی اجازه بازرسی از محل نگهداری اطلاعات طبقه‌بندی شده را بدهند. یزدی از امضای چنین موافقت‌نامه‌ای ابراز بی‌اطلاعی کرد و گفت مسلماً در ایران با بازدید از پایگاه‌های ایران از سوی بازرسان آمریکایی شدیداً مخالفت خواهد شد. او گفت «ما احتمالاً ترجیح می‌دهیم میلیاردها دلار تجهیزات ضرر کنیم ولی این اتفاق نیفتد.» یزدی گفت باید موافقت‌نامه را ببیند که یک نسخه از آن را در اختیار وی قرار دادیم و به او پیشنهاد کردیم مورد را بررسی کند و پیش از اتخاذ تصمیم قطعی با ما مذاکره نماید. به یزدی گفتیم حتی می‌توانیم یک تیم امنیتی به تهران بفرستیم تا در مورد نگرانی‌های آمریکا با تهران گفتگو کند.

- موتور هلیکوپترهای بل ۲۱۴: ژنرال گریوز گفت با ایرانی‌ها ملاقات خواهیم کرد تا امکان از سرگیری کار برای بهبود موتورهای مزبور را بررسی کنیم.

- قطعات یدکی اف-۱۶: ژنرال گریوز گفت همچنان در پی یافتن مشتریانی هستیم که اقلام باقیمانده را به آنها بفروشیم، ولی در ارتباط با برخی قطعات اقلام سفارش شده، بسیار بیشتر از نیاز سایر خریداران اف-۱۶ است. در اینگونه موارد، یافتن خریدار برای این اقلام قدری مشکل‌تر است. گریوز تمایل خود را به بحث و بررسی بیشتر این موضوع ابراز کرد.

- قطعات یدکی زمان‌بندی شده برای تحویل به ایران: صفری از ما خواست فهرستی از

اقلام زمان‌بندی شده برای تحویل به ایران را در اختیار آنها قرار بدهیم، که گریوز قول داد این اطلاعات را تهیه کند.

- هواپیماهای آر.اف-۴ ای.اس: گریوز پیشینه لغو سفارش هواپیماهای مذکور و هزینه هنگفت راه‌اندازی مجدد خط تولید آنها را توضیح داد. اطلاعات کامل در این ارتباط را در اختیار ایرانی‌ها قرار خواهیم داد.

- موشک‌های هارپون: رفع توقیف موشک‌های مزبور به توافق بر سر امنیت اطلاعات طبقه‌بندی شده منوط شد.

- قیمت‌گذاری تجهیزات سفارشی ایران که قرار است به خریداران دیگر فروخته شود، به خصوص ناوشکن‌های اسپروانس: توضیح دادیم که برای یافتن خریداران دیگر، باید قیمت‌گذاری در سطح هزینه دولت موقت ایران انجام شود (یعنی با کسر تورم و هزینه‌های خاص ایران) تا اقلام هر چه سریعتر به خریداران دیگر فروخته و مبالغ آن دریافت شود. این امر به خصوص در ارتباط با متقاعد ساختن کنگره برای تخصیص بودجه‌ای جهت خرید کشتی‌های اسپروانس که مازاد بر برنامه کشتی‌سازی نیروی دریایی آمریکا بر آن تحمیل شده بود، صدق می‌کرد. یزدی شکایت داشت که در ارتباط با قیمت‌گذاری ناوشکن‌ها باید با دولت ایران مشورت می‌شد. او گفت باید در مورد این مسئله بحث و تبادل نظر بیشتری صورت گیرد.

- خرید تجهیزات نظامی از تأمین‌کنندگان ثالث: یزدی گفت سیاست دولت موقت ایران این است که با خرید تجهیزات نظامی آمریکایی از تأمین‌کنندگان مجاز اروپایی منابع تأمین تجهیزات نظامی‌اش را متنوع‌تر کند. «مک گی فرت» گفت ما هیچ مخالفتی با این امر نداریم. در مواردی که آمریکا خودش مایل به فروش اقلام باشد، هیچ ایرادی ندارد که ایران آن اقلام را از منابع اروپایی خریداری کند. ولی اگر حاضر به فروش برخی تجهیزات نباشیم، مسلماً از صدور مجوز فروش آن از سوی منابع اروپایی نیز خودداری خواهیم کرد. علاوه بر این، مشکلات عملی تنوع بخشیدن به خریدهای نظامی را نیز به آنها گوشزد کردیم.

۶- یزدی در پاسخ به سؤال آقای «مک گی فرت» که آینده خریدها را چگونه ارزیابی می‌کند گفت ابتدا مایل است حساب جاری مربوط به فروش تجهیزات نظامی تسویه شود، مسئله امنیت تجهیزات طبقه‌بندی حل گردد و بعد از آن خریدها به صورت نقدی در ازای هر معامله صورت گیرد.

۷- به نظر می‌رسد ملاقات مذکور به طور کلی نتایج مثبتی به همراه داشت. اگرچه همچنان در مورد برخی مسایل با ایرانی‌ها اختلاف نظر خواهیم داشت، ولی ظاهراً فقط مسئله امنیت اطلاعات طبقه‌بندی شده در آینده‌ی نزدیک به یک مسئله سیاسی جدی مبدل خواهد شد. اگر ایرانی‌ها در ارتباط با این مسئله نظر سفارت را جویا شدند، به آنها بگویید که آمریکا مایل است نگرانی‌های امنیتی خود را هر وقت که از نظر دولت موقت ایران مناسب باشد، مفصلاً با آنها در میان بگذارد.

سند شماره ۲۱۵

۱۷ اکتبر ۱۹۷۹ - ۱۵ مهر ۱۳۵۸



از: نماینده ارشد دفاعی سفارت آمریکا، تهران - سرلشگر گاست
به: معاونت لجستیکی ستاد نیروی هوایی ایران - سرتیپ صفری
موضوع: قطعات یدکی اف-۱۴

۱- در روزهای ۱۲ و ۱۶ سپتامبر جلساتی توجیهی در ارتباط با وضعیت یادداشت تفاهم مورخ ۳ فوریه و صندوق امانی برگزار شد. در بخش مربوط به هواپیماهای اف-۱۴ (اسلاید شماره ۱۵) درباره قطعات یدکی این هواپیماها توضیحاتی ایراد شد. در این توضیح آمده بود که قطعات یدکی در انبار نگهداری می‌شوند. علاوه بر این، از دولت ایران خواستیم تا اطلاع دهد که آیا این قطعات را باید به نیروی هوایی ایران تحویل دهیم و یا همچنان در انبارهای ایالات متحده نگهداری کنیم.

۲- فهرستی از قطعات یدکی هواپیماهای اف-۱۴ که، منتظر ابلاغ تصمیم شماست، و در ایالات متحده انبار شده‌اند به پیوست ایفاد می‌گردد. این فهرست به قطعاتی ارتباط دارد که پیش از تاریخ ۲۳ ژوئیه ۱۹۷۹ به انبار انتقال یافته است. هر وقت فهرست مربوط به اقلام انبار شده پس از ۲۳ ژوئیه ۱۹۷۹ نیز به دستمان برسد، آن را برایتان ارسال خواهیم کرد.

۳- خواهشمند است فهرست مزبور را مطالعه و تصمیمتان را در مورد حمل یا ادامه نگهداری آنها در اسرع وقت اطلاع دهید.

۴- در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر، لطفاً با یکی از نیروهای من تماس بگیرید.

فیلیپ. سی. گاست

سرلشگر نیروی هوایی

نماینده ارشد دفاعی

سند شماره ۲۱۶

۹ اکتبر ۱۹۷۹ - ۱۷ مهر ۱۳۵۸



محرمانه

از: وزارت امور خارجه آمریکا، واشنگتن دی.سی
به: سفارت آمریکا، تهران
موضوع: فروش بوئینگ ۷۴۷

۱- (محرمانه-تمام متن)

۲- برنان، نماینده بوئینگ، به ما اطلاع داد که شرکتش جلسه «بسیار بسیار مفیدی» با تیمسار صفری و آقای بهرامی در نیویورک داشته و به نظر می‌رسد احتمالاً ایرانی‌ها بدهی‌های خود را پرداخت خواهند کرد. بدین ترتیب، ترتیباتی برای تحویل آخرین هواپیمای ۷۴۷ در ماه نوامبر داده خواهد شد.

۳- نماینده شرکت گفت ایرانی‌ها از علاقمندی‌شان به فروش تعدادی از هواپیماهای ۷۰۷ و

۷۴۷ صحبت کرده‌اند. شاید بد نباشد به طرف‌های ایرانی یادآور شوید که قرارداد هواپیماهایی که در چارچوب خریدهای نظامی خارجی، و با کسب مجوزهای کنترل مهمات و احتمالاً اجزای اقلامی که با موافقت وزارت بازرگانی خریداری شده‌اند مشمول قوانین و مقررات انتقال به کشور ثالث هستند. ایرانی‌ها باید در صورت داشتن قصد فروش احتمالی هواپیماها از همان ابتدا با ما مشورت کنند. البته از نظر ما مشکلی برای فروش آنها وجود ندارد، ولی می‌خواهیم از همان ابتدا ترتیبات کار به درستی چیده شود.

ونس

سند شماره ۲۱۷

۹ اکتبر ۱۹۷۹ - ۱۷ مهر ۱۳۵۸

محرمانه

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی-۴۲۶۸ به: سفارت آمریکا، تهران- فوری

موضوع: حمل قطعات یدکی نظامی

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- ارتش و نیروی دریایی دستور دارند قطعات یدکی سفارشی ایران را که مجوز ارسال آنها صادر گردیده از حالت تعلیق خارج کرده و به نماینده شرکت کشتیرانی آریا تحویل نمایند. تا به حال، فقط چند قلم به شرکت آریا تحویل شده است، ولی انتظار می‌رود ارسال محموله‌های فله به زودی شروع شود.

۳- هنوز منتظر هستیم تا ایرانی‌ها برای حمل قطعات یدکی نیروی هوایی که ارسال آنها تصویب شده است، یک شرکت حمل و نقل معرفی کنند. به محض اینکه شرکت فوق معرفی شود، قطعات یدکی ارسال خواهند شد.

۴- بر اساس ترتیباتی که دو هفته پیش با تیمسار صفری توافق شد، قطعات یدکی هلیکوپترهای موضوع برنامه خریدهای نظامی خارجی برای حمل آماده می‌شود. پیش‌بینی می‌شود قطعات فوق ظرف مدت دو هفته دیگر به پایگاه «مک گوائر» برسد تا از آنجا با هواپیماهای نیروی هوایی ایران حمل شود. شرکت هلیکوپترسازی بل اطلاع داده است که طبق این ترتیبات باید در حدود ۹۰ هزار پوند قطعات یدکی موضوع برنامه خریدهای نظامی خارجی را به پایگاه «مک گوائر» حمل کند. شرکت بل همچنین حدود ۱۱۰ هزار پوند قطعات تجاری برای حمل دارد. شرکت مزبور به دنبال کرایه در بست یک هواپیما برای حمل این قطعات یدکی است. چنانکه سفارت مستحضر است شرکت بل تا به حال به هزینه خود مقداری قطعات یدکی را با هواپیماهای سی-۱۳۰ و دی.سی-۸ حمل کرده است.

۵- سفارت می‌تواند از اطلاعات فوق‌الذکر استفاده کند و به وزیر جدید دفاع ملی، و سفیر ایران آقای انتظام و سایر مقامات دولت موقت ایران که ظاهراً فکر می‌کنند ما از ارسال قطعات یدکی خودداری می‌کنیم، توضیحاتی ارائه دهد. (ظاهراً یزدی هنوز همین اعتقاد را داشت تا اینکه کاردار یک بار دیگر در نیویورک توضیحات کافی را به او داد و نظر او را اصلاح کرد.)



همچنین می‌توانید محترمانه به ایرانی‌ها خاطر نشان سازید که تأخیر در ارسال قطعات از اوایل ماه اوت تا کنون به دلیل عدم معرفی یک شرکت حمل نقل بوده است.

سند شماره ۲۱۸

۱۰ اکتبر ۱۹۷۹ - ۱۸ مهر ۱۳۵۸

از: ارنست گریوز-سازمان مساعدت‌های امنیتی دفاعی به: آقای بهرامی - وزارت دفاع ایران
[موضوع]: اقلام معاملات انجام شده بین ایران و آمریکا

آقای بهرامی عزیز

به پیوست دو نسخه از فهرست اقلام مربوط به معاملات انجام شده که در ملاقات روز چهارم اکتبر به شما قول داده بودم، ارسال می‌گردد. برداشت من این بود که فهرست‌های مزبور در طول ملاقاتی که به منظور بررسی معاملات در تاریخ ۱۲ سپتامبر در تهران برگزار شد، به حضورتان تقدیم شده است. چنانکه می‌دانید، وضعیت جاری معاملات مفتوح در صورتحساب‌های مفصلی که در طول ملاقات‌هایمان در تهران تقدیم حضورتان شده، انعکاس یافته است.

ما لزوم ارزیابی جزئیات اساسی مربوط به معاملات تسلیحاتی پیشین با ایران را درک کرده‌ایم و به همین سبب جزئیات بیشتری در مقایسه با کشورهای دیگری که در چارچوب برنامه خریدهای نظامی خارجی از ما تجهیزات خریداری می‌کنند، در قالب جلسات توجیهی و اطلاعات تکمیلی در اختیار ایران قرار داده‌ایم. البته شاید حتی این مقدار جزئیات نیز نیاز شما را برطرف نکند. به همین دلیل، بار دیگر مایلم پیشنهاد ژنرال گاست را که در ملاقات ۱۲ و ۱۶ سپتامبر در تهران مطرح شد، متذکر شوم و تأکید کنم که از سفر یک تیم متشکل از مقامات ایرانی برای بررسی جزئیات موجود در سوابق این نوع معاملات در مرکز امور مالی سازمان مساعدت‌های امنیتی در دنور استقبال خواهد شد. نفرات کم شمار این مرکز قادر به بازیابی همه این اطلاعات و خلاصه کردن آن به شکلی که مورد نیاز شما باشد، نیستند. با وجود این، از آنجایی که اهمیت زیادی برای رضایت خاطر دولت موقت ایران قائلیم، سه نفر از نیروهای این مرکز را به مدت سه ماه مأمور بازیابی این اطلاعات خواهیم کرد، البته مشروط بر اینکه دولت موقت ایران نیز تیم مورد نیاز ایرانی را برای انجام این وظیفه به آمریکا اعزام نماید. طبق برآورد ما، برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز شما، تقریباً هفت نفر نیروی ایرانی نیاز است که به مدت شش ماه در این مرکز مشغول به کار باشند. البته میزان دقیق کار به جزئیاتی بستگی دارد که شما برای تطبیق حساب‌هایتان با آنچه ایالات متحده در استفاده از وجوه صندوق امانی مدعی است، نیاز دارید.

ارادتمند

ارنست گریوز

سپهدار ارتش ایالات متحده آمریکا

مدیر سازمان مساعدت‌های امنیتی دفاعی



سند شماره ۲۱۹

۱۱ اکتبر ۱۹۷۹ - ۱۹ مهر ۱۳۵۸

از: وزارت دفاع، واشنگتن دی.سی - ۳۵۵۳ به: گروه مستشاری نظامی، تهران

موضوع: معاملات انجام شده

در طول ملاقات مورخ ۴ اکتبر با یزدی، وزیر امور خارجه، آقای بهرامی درخواست کرد فهرستی از معاملات انجام شده را در اختیار آنها قرار دهیم. آنطور که اطلاع یافته‌ایم چنین فهرستی قبلاً در ملاقات ماه سپتامبر در اختیار ایشان قرار گرفته بود. با وجود این، یک فهرست به روزتر تهیه کرده و سعی داریم تا وقتی که ایشان هنوز در کنسولگری حضور دارند، آن را برایشان ارسال کنیم. در صورتی که موفق به این کار نشدیم، فهرست مزبور را برای شما ارسال خواهیم کرد.

سند شماره ۲۲۰

۱۷ اکتبر ۱۹۷۹ - ۲۵ مهر ۱۳۵۸

بدون طبقه‌بندی

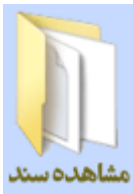
از: هیأت مستشاری نظامی آمریکا، تهران به: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی

موضوع: اطلاعاتی درباره هواپیماهای اف-۱۴

متن زیر ترجمه انگلیسی بخشی از اظهارات دکتر ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه ایران، در برنامه اخبار رادیو ایران است که روز ۱۶ اکتبر ۱۹۷۹ پخش شد:

توضیح: در ارتباط با سؤال یک خبرنگار درباره سیاست دولت در قبال خرید قطعات یدکی برای ارتش و همچنین سرنوشت جنگنده‌های اف-۱۴، وزیر امور خارجه گفت: «برخی از شرایطی که برای فروش قطعات یدکی از طرف آمریکا مطرح شده است از نوعی است که برای ما قابل قبول است زیرا مغایر با حاکمیت ملی ما نیست. مثلاً، آنها ممکن است بگویند که باید پول قطعاتی را که می‌خواهیم نقداً پرداخت کنیم. تا جایی که به حاکمیت ملی و استقلال ما مربوط می‌شود این شرط اشکالی ندارد؛ ولی شرایط دیگری نیز وجود دارد که به وضوح برخلاف سیاست حفاظت از استقلال و حاکمیت ملی ماست. مثلاً، آنها ممکن است بگویند فقط در صورتی قطعات یدکی را به شما می‌فروشیم که اجازه بدهید هر وقت بخواهیم وارد کشور شما بشویم. خُب، این شرط مسلماً برای ما قابل قبول نیست.

در مورد سرنوشت اف-۱۴ها هم آنچه قبلاً گفته‌ام در واقع فقط نظرات وزارت امور خارجه بوده است که از نقطه نظر سیاست خارجی این مسئله را بررسی کرده؛ آنچه گفتم نظرات دولت نبوده و نیست؛ کاری که ما انجام داده‌ایم این است که نظراتی که قبلاً هم اظهار کرده‌ام به هیأت دولت اطلاع داده‌ایم، و آن نظر هم این است که اگر اف-۱۴ها را نگاه داریم، به معنای حضور ۲۰۰ تا ۴۰۰ مستشار آمریکایی در ایران برای تعمیر و نگهداری از این هواپیماها خواهد بود؛ مسلم است که این مستشاران با زن و بچه‌هایشان به ایران می‌آیند؛ آن وقت برای



بچه‌هایشان مدرسه می‌خواهند؛ این مدرسه‌ها هم معلم می‌خواهد، که آنها هم با خانواده‌هایشان می‌آیند و بعد از مدتی همان وضعیتی را خواهیم داشت که در رژیم سابق داشتیم، یعنی تعداد زیادی مستشار آمریکایی در ایران خواهد بود.

ما نظرم‌ان را به هیأت دولت ابلاغ کردیم و دولت هم گفت که اختیار لازم برای تصمیم‌گیری درباره سرنوشت اف-۱۴ها را ندارد، بنابراین شورای انقلاب دارد به مسئله رسیدگی می‌کند و تصمیم نهایی را شورا می‌گیرد. یکبار دیگر تأکید می‌کنم که نظر فوق موضع رسمی دولت نیست، بلکه نظری است که در نتیجه ارزیابی‌های وزارت امور خارجه در ارتباط با سیاست‌های خارجی مملکت و همچنین با توجه به روابطمان با آمریکا گرفته شده است.»

۲- همچنان به تلاش‌هایمان در ارتباط با مشخص شدن سرنوشت هواپیماهای اف-۱۴ در ایران ادامه می‌دهیم. چنانچه و هر وقت تصمیمی در این ارتباط اخذ شود، فوراً به اطلاع خواهیم رساند.

سند شماره ۲۲۱

۱۸ اکتبر ۱۹۷۹ - ۲۶ مهر ۱۳۵۸

بدون طبقه‌بندی

از: سازمان مساعدت‌های امنیتی دفاعی - سپهبد ارنست گریوز

به: وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران - ابراهیم یزدی

[موضوع]: قطعات یدکی مورد نیاز ایران

مایلم برداشت اشتباهی را که ممکن است در طول ملاقاتمان در تاریخ ۴ اکتبر ۱۹۷۹ به هنگام بحث درباره فروش مجدد قطعات هواپیماهای اف-۱۶ سفارش ایران ایجاد کرده باشم، تصحیح کنم.

در آن ملاقات، اینجانب به اشتباه گفتم که میزان برخی قطعات تا اندازه‌ای است که کفاف نیاز ۵۰ سال را می‌دهد. طبق تمایل صریح دولت ایران، چرخه تأمین قطعات برای پشتیبانی هواپیماهای اف-۱۶ سفارش ایران معادل موجودی ۲۶ ماه قطعه مورد نیاز به هنگام تحویل اولین هواپیما به ایران بود.

عواملی که در محاسبه میزان قطعات یدکی مورد نیاز ملحوظ شد از سوی دولت ایران در اختیار ما قرار گرفته بود. سطح این عوامل به دلیل مدت زمان لازم برای ارسال قطعه جهت تعمیر و سپس بازگرداندن آن به ایران و همچنین میزان بالای پرواز هواپیما برابر با ۲۵ ساعت در ماه به ازای هر هواپیما، بالاتر از عواملی بود که نیروی هوایی ایالات متحده در برنامه‌ریزی‌های خود به کار می‌برد. این سیاست قبلاً نیز در ارتباط با هواپیماهای اف-۴، اف-۵، و اف-۱۴، و سی-۱۳۰ از سوی نیروی هوایی ایران به کار گرفته شده بود.

از زمان خاتمه یافتن برنامه PEACE ZEBRA در فوریه ۱۹۷۹، ما تلاش فراوانی برای به حداقل رساندن خسارات ناشی از خاتمه این قرارداد مبذول داشته‌ایم. در زمان ملاقاتمان،



اینگونه برآورد کرده بودیم که کل هزینه‌های ناشی از خاتمه یک قرارداد ۳/۲ میلیارد دلاری در حدود ۹۹ میلیون دلار خواهد بود. پس از ملاقاتمان نیز به تلاش‌هایمان ادامه داده‌ایم و خوشحالم به اطلاع برسانم که برآورد کل مسئولیت مالی فعلی شما ۶۱/۴ میلیون دلار است، که از این مبلغ تقریباً ۴۵/۶ میلیون دلار به هزینه‌های خاتمه قرارداد قطعات یدکی مربوط می‌شود. کاهش هزینه‌ها از طریق فروش اقلام به سایر خریداران و خرید قطعات یدکی از سوی نیروی هوایی ایالات متحده و استرداد وجوه آن به صندوق‌های امنیتی خریدهای نظامی خارجی ایران صورت گرفته است. در تلاش برای یافتن مشتریان دیگری جهت فروش مجدد قطعات باقیمانده هستیم.

امیدوارم اطلاعات فوق در ادامه تلاش‌های متقابلمان برای حل و فصل مسایل باقیمانده مرتبط با تأمین تجهیزات نظامی ایران از سوی ایالات متحده مفید واقع شود.

ارنست گریوز

سپهبد ایالات متحده

مدیر سازمان مساعدتهای دفاعی

سند شماره ۲۲۲

۱۹ اکتبر ۱۹۷۹ - ۲۷ مهر ۱۳۵۸

محرمانه

از: هیأت مستشاری نظامی، تهران - ۱۱۰۴ به: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی

موضوع: ملاقات با سرهنگ کامکار، معاون وزیر دفاع ملی در امور تسلیحات

۱- سرهنگ اسکات از گروه مستشاری نظامی صبح روز ۱۸ اکتبر ۱۹۷۹ ملاقات نیم ساعته‌ای با سرهنگ کامکار، معاون وزارت دفاع، آقای بهرامی، دستیار کامکار، و سرهنگ صادقی، دستیار معاون وزیر دفاع ملی در امور بودجه داشت. این ملاقات به درخواست هیأت مستشاری نظامی صورت گرفت و هدف از آن ابراز مجدد تمایل هیأت مستشاری به کامکار برای مشارکت در یک کارگروه مشترک به منظور کمک به ایرانی‌ها برای سازماندهی و قالب‌بندی اطلاعات گسترده‌ای بود که در جلسه اواسط سپتامبر در ارتباط با صندوق امانی و یادداشت تفاهم در اختیار دولت موقت ایران قرار گرفته بود. ما همچنین قصد داشتیم مراتب تمایل خود را به دسترسی به تأسیسات و اموال دولت آمریکا که از زمان پیروزی انقلاب از ما دریغ شده بود، به کامکار ابراز کنیم.

۲- خلاصه نکاتی که در این ملاقات مورد بحث و گفتگو قرار گرفت در ذیل آمده است:

الف- کارگروه مشترک ایران و آمریکا در ارتباط با صندوق امانی. پس از آنکه تمایل خود را به تشکیل و آغاز فعالیت کارگروه مشترک در اسرع وقت ابراز داشتیم، اسکات پیشنهاد کرد تاریخ و اهداف مشخصی برای شروع کارگروه فوق مورد توافق قرار گیرد. در گفتگوهایی که در پی این پیشنهاد انجام شد، دو طرف توافق کردند هدف از تشکیل کارگروه فوق باید



سازماندهی و قالب‌بندی اطلاعاتی باشد که دولت ایالات متحده پس از جلسه مورخ ۲۲ تا ۲۴ اوت در ارتباط با مرور برنامه ایران در سازمان مساعدت‌های امنیتی دفاعی در اختیار دولت موقت ایران قرار داده است؛ و بررسی همه موارد با تأکید بر مواردی که به رغم تلاش‌های گذشته دولت آمریکا هنوز برای برخی مقامات دولت موقت ایران، مثلاً یزدی وزیر امور خارجه، «مسئله‌دار» است. کامکار نیز اذعان داشت که باید هر چه سریعتر کار شروع شود، ولی افزود ابتدا باید جزییات کارگروه پیشنهادی را پس از بازگشت دکتر چمران، وزیر دفاع ملی، از کردستان با او مورد بحث و بررسی قرار دهد. کامکار خودش به ما اطلاع داد که چمران قرار است روز شنبه ۲۰ اکتبر از کردستان بازگردد. کامکار وعده داد روز «یکشنبه یا دوشنبه» با هیأت مستشاری نظامی تماس می‌گیرد و ترتیبات مربوط به تشکیل کارگروه مشترک را به همراه تاریخ شروع کار آن و فهرست کسانی که در این گروه خواهند بود نهایی می‌کند. برای اطلاع شما: فعلاً نمی‌دانیم چقدر طول می‌کشد تا کارگروه مشترک کارش را تکمیل کند. فکر می‌کنیم کارمندان وزارت دفاع ملی کار چندان زیادی بر روی اطلاعاتی که در ماه سپتامبر به آنها داده شد انجام نداده‌اند. ما بر سر مدیریت کار به این نحو به توافق رسیدیم که ابتدا مواردی را که نسبتاً بحث‌انگیز نیستند (یعنی مواردی که ایرانی‌ها فکر نمی‌کنند پولی از بابت آنها از دست داده‌اند) سریعاً بررسی کنیم، ولی بیشتر توجه خود را صرف موارد «مسئله‌دار» می‌کنیم، و تلاش خواهیم کرد سئوالات دقیقی مطرح کنیم که امیدواریم پاسخ به آنها سوءتفاهم و یا ظن جا افتاده دولت موقت ایران را درباره فعالیت‌های صندوق امانی بر طرف سازد. البته امیدوار نیستیم که بتوانیم پاسخی برای سئوالات پیچیده‌تر بیابیم، ولی امیدواریم بتوانیم به ایرانی‌ها کمک کنیم تا سئوالات دقیق و مشخصی پرسند که مدیران ذریبط برنامه، خدمات و یا سازمان مساعدت‌های امنیتی دفاعی قادر به پاسخگویی آنها باشند. علاوه بر این، از ایرانی‌ها سئوال کردیم مایلند از طریق چه سیستمی پاسخ مربوط به سئوالات خود را پس از تکمیل مأموریت کارگروه دریافت کنند. ایرانی‌ها هیچ تصمیمی در مورد این مسئله که آیا می‌خواهند تیمی را برای بررسی صورتحساب‌ها به مرکز امور مالی مساعدت‌های امنیتی اعزام کنند، و یا گروه کوچکی از متخصصین و کارشناسان به ایران بیایند تا به سئوالات پیچیده‌تر آنها پاسخ دهند، و یا پاسخ‌های کتبی به سئوالاتشان را می‌پذیرند، نگرفتند. ما یک بار دیگر نظر ایرانی‌ها را در طول برگزاری جلسات کارگروه جویا خواهیم شد و به اطلاع شما خواهیم رساند.

ب- کمیته مشترک آمریکا و ایران برای انتقال تأسیسات و اموال دولت آمریکا از ایران. اسکات بار دیگر مسئله فوق را با مرور تلاش‌های گذشته برای حل این مشکل و اطلاع آشکار دکتر یزدی از تشکیل یک کمیته مشترک آمریکایی - ایرانی در ارتباط با آن مطرح ساخت. اسکات توضیح داد که هر چند می‌دانیم احتمالاً وزارت امور خارجه مسئول اصلی این کمیته مشترک است، مایلیم هر گونه اطلاعات تکمیلی لازم را در اختیار وزارت دفاع ملی و یا وزارت امور خارجه و یا کمیته مشترک قرار دهیم و حاضریم به هر شیوه‌ای که مقتضی بدانید

به کمیته مزبور کمک کنیم. کامکار اذعان داشت که حل این مشکل حائز اهمیت است، ولی گفت کاملاً انتظار دارد وزارت امور خارجه مسئولیت کمیته فوق را برای فراهم آوردن امکان دسترسی به این تأسیسات و قرار دادن اموال متعلق به دولت آمریکا در کنترل ما بر عهده گیرد. برای اطلاع شما: انتظار نداشتیم پاسخ مشخص و مثبتی از کامکار دریافت کنیم. نکته فوق فقط محض ابراز علاقه به این مسئله و ابراز امیدواری به اقدام مثبت وزارت امور خارجه در این ارتباط مطرح شد، زیرا یزدی اعلام کرده بود که فکر می‌کند کمیته مزبور اخیراً تشکیل شده باشد.

۳- کامکار باید در یک جلسه دیگر حاضر می‌شد بنابراین وقت ما بسیار محدود بود. پس از رفتن کامکار، اسکات با بهرامی و صادقی گفتگو کرد. در طول این گفتگوی عمدتاً غیررسمی و راحت، بهرامی ابراز عقیده کرد که بسیاری از سوء تفاهم‌ها و شک و شبهه‌های کنونی رژیم در مورد مدیریت صندوق امانی نهایتاً برطرف خواهد شد. با وجود این، به قول کامکار این مسئله به وقت و تلاش فراوان وزارت دفاع ملی ایران و وزارت دفاع آمریکا نیاز دارد، زیرا رژیم ایران نسبت به تمامی قراردادهایی که رژیم گذشته بسته است، با دیده شک و تردید نگاه می‌کند.

سند شماره ۲۲۳

محرمانه

۱۹ اکتبر ۱۹۷۹ - ۲۷ مهر ۱۳۵۸

از: دفتر وابسته دفاعی ایالات متحده، تهران به: سازمان اطلاعات دفاعی، واشنگتن دی.سی.
موضوع: رزمایش نیروی دریایی ایران

خلاصه: (محرمانه) این گزارش اطلاعاتی درباره رزمایش اخیر ناوگان نیروی دریایی ایران در خلیج فارس که در اواخر ماه سپتامبر ۱۹۷۹ و اوایل ماه اکتبر ۱۹۷۹ صورت گرفت، ارائه می‌دهد. گزارش حاضر نام کشتی‌ها، فعالیت آنها، مشکلات رزمایش، و ارزیابی این رزمایش را نیز شامل می‌شود.

مشروح گزارش:

الف- (محرمانه) نیروی دریایی ایران یک رزمایش دریایی ۵ تا ۶ روزه انجام داد که در تاریخ ۲ اکتبر ۱۹۷۹ خاتمه یافت. بخش عمده ناوگان در شب ۲ اکتبر به بندرعباس بازگشت، و کشتی‌هایی که در بندر بودند با روشن کردن چراغ‌هایشان از آنها استقبال کردند. چنانکه قبلاً نیز گزارش شده بود، مطبوعات داخل ایران این رزمایش را به شیوه معمول خود در بوق و کرنا کرده بودند. افسران ارشد وزارت دفاع ایران این رزمایش را موفقیت بزرگی تلقی می‌کنند که بیانگر توانایی‌های رزمی نیروی دریایی است.

ب- (محرمانه) منبع خبری گزارش داده است که ده کشتی بعلاوه چند هاورکرافت و هلیکوپتر در این رزمایش شرکت داشته‌اند. ناوشکن آرتمیز (قبلاً HMS SLUYS, D60 قدیم) در



این رزمایش ناو سرفرماندهی بود. دو ناو پاسور به نام‌های سام و زال نیز از بندر عباس به آنها پیوستند. طبق گزارش‌ها ناوچه کهنموئی (قبلاً US PF106) از خرمشهر، کشتی فرود آب-خاکی لارک و کشتی تدارکاتی ناوگان به نام بوشهر هر دو از بندرعباس نیز در این رزمایش شرکت داشتند. چهار قایق تندروی موشک‌انداز LA COMBATTANTE کلاس کمان نیز از بوشهر به این ناوگان پیوست. دریادار دیهیمی و افسر جانشینش ناخدا گلستانی همراه ناوگان بودند.

پ- (محرمانه) رزمایش اصلی فرود کماندوها در جزیره خارک بود که با شرکت کشتی لارک، هاورکرافت و هلیکوپترها انجام شد. ولی شواهد محکمی دال بر اینکه این بخش از رزمایش واقعاً انجام شده باشد در دست نیست. رزمایش‌های دریایی و شلیک‌های سطحی، بدون شلیک موشک، صورت گرفت. از آنجایی که هیچ ناظر خارجی اجازه نظارت بر رزمایش را نداشت، از وسعت رزمایش و میزان مهارت ناوگان اطلاعی در دست نیست. یک قایق تهاجمی تندرو در جزیره خارک با سرعت زیاد وارد خشکی شد و پروانه‌اش شکست. یک افسر ایرانی گفت که برقراری ارتباط در رزمایش خیلی سخت بود. احتمالاً طرح اصلی رزمایش شامل کشتی‌های بیشتری بوده است که به سبب مشکلات تعمیر و نگهداری و یا مشکلات دیگر نتوانستند در رزمایش شرکت کنند.

ت- (محرمانه) این رزمایش در مقایسه با استانداردهای غرب به هیچوجه نشان دهنده قدرت یک نیروی دریایی نبود. با وجود این، رزمایش مزبور گام بسیار مهمی برای نیروی دریایی ایران به حساب می‌آید؛ به ویژه از لحاظ روحیه، اعتماد به نفس و تبلیغات.

نظرات گزارشگر- (محرمانه) اگرچه مطبوعات داخلی در موفقیت‌آمیز خواندن این رزمایش بسیار مبالغه کردند، از نظر ما این رویداد یک امتیاز مثبت برای نیروی دریایی ایران بود. حداقل گروه کوچکی از کشتی‌ها، که اطلاع یافته‌ایم برخی از آنها ماهها به دریا نرفته بودند، توانستند یک رزمایش محدود را اجرا کنند. بسیاری از ایرانی‌ها از اینکه نیروی دریایی کشورشان توانسته پس از تأخیری بسیار طولانی در بنادر به دریا برود و عملیات انجام دهد، بسیار خوشحال بودند و احساس غرور می‌کردند.

سند شماره ۲۲۴

۱۹ اکتبر ۱۹۷۹ - ۲۷ مهر ۱۳۵۸

به: لینکن

موضوع: ملاقات با سرتیپ صفری (مسئول بخش پشتیبانی نیروی هوایی ایران)

۱- در ملاقات مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۷۹ سرهنگ دوم رینکر و سروان نیدهم با سرتیپ صفری،

موارد زیر مورد بحث و بررسی قرار گرفت:

الف- فروش هواپیماهای ۷۰۷: سرتیپ صفری اظهار داشت که نیروی هوایی ایران در حال بحث و گفتگو بر سر فروش هفت هواپیمای ۷۰۷ است که قبلاً از شرکت تی.دبلیو.ای (تجاری) خریداری و با تانکر سوخت مجهز شده است. ظاهراً سرتیپ صفری از شرایط دولت



آمریکا برای فروش هواپیماها در این وضعیت آگاه بود و گفت که پیش از فروش تانکرهای سوخت از روی هواپیماها برداشته خواهد شد و هواپیماها به همان صورت اولیه‌شان درخواهند آمد. سرهنگ دوم رینکر فرصت را مغتنم شمرد و به سرتیپ صفری یادآور شد که دولت آمریکا باید قبلاً فروش به کشورهای ثالث را تأیید کند. این مسئله به اطلاع وابستگان نظامی و سیاسی رسیده و پیام با آقای داتری هماهنگ شده است.

ب- تایرهای اف-۴: سرتیپ صفری قبل از ملاقات با ناخدا سوم شیرر تماس گرفت و گفت که ایران نیاز مبرمی به تایرهای هواپیماهای اف-۴ دارد. البته فهرستی که قبلاً از نیازهای مبرم ایران به تجهیزات ارایه شده بود، فاقد تایر اف-۴ بود. از ایشان خواستیم هر چه سریعتر نامه‌ای بنویسد و با ذکر اقلام مورد نیاز خود ما را قادر سازد تا سفارش ایران را پس از تأمین مالی قرارداد MBK (کل بسته درخواستی به مبلغ ۵/۵ میلیون دلار) انجام دهیم.

پ- پرداخت مبلغ ۵/۵ میلیون دلار به مرکز امور مالی مساعدت‌های امنیتی: سرتیپ صفری گفت برای ارسال پول به این مرکز مشکلاتی به وجود آمده است که او مشکلات را بررسی کرده و روز یکشنبه به ما خبر خواهد داد (البته اگر در آن تاریخ هنوز در ایران باشد).

ت- قرارداد حمل هوایی و وضعیت شرکت حمل و نقل: قرارداد هنوز امضا نشده است. صفری اظهار داشت وکلای ایران در حال بررسی قرارداد هستند. صفری همچنین گفت نیاز به مجوز صادرات دارند. با وجود این، سرهنگ دوم رینکر به ایشان گفت که از AFLC/LLC به او اطلاع داده‌اند که مجوز روز سه شنبه صادر شده است.

ث- استفاده از پایگاه هوایی مک‌گواثر: تیمسار باقری طی نامه‌ای گفته است که نیروی هوایی ایران مایل است همچنان از پایگاه مزبور استفاده کند. به صفری گفتیم که پاسخ ایشان در حکم تقاضانامه خواهد بود و از او خواستیم آن را تأیید کند. ایشان نیز آن را تأیید کردند. گروه مستشاری از نیروی هوایی آمریکا خواسته است که نامه پیشنهاد و قبولی را تهیه و ارسال نماید.

ج- ارسال قطعات از شرکت هلیکوپترسازی بل به پایگاه مک‌گواثر: صفری تأیید کرد که قطعات با حمل زمینی به پایگاه مک‌گواثر ارسال شده است.

چ- قطعات یدکی اف-۱۴، و تعمیر و بازگرداندن قطعات اف-۱۴ و پی-۳: نامه و فهرست قطعات یدکی اف-۱۴ را که انبار شده است، به صفری تسلیم کردیم. از او پرسیدیم که با قطعات قابل تعمیر اف-۱۴ و پی-۳ در ایالات متحده چه کار باید کرد. هنوز پاسخی دریافت نکرده‌ایم. او گفت منتظر است تا تصمیمی در مورد اف-۱۴ها اتخاذ شود (ظاهراً او از عدم اقدام مسئولان ایرانی دلگیر بود).

ح- پایانه سیستم برنامه‌ریزی تحلیل گزارش‌ها: اطلاعاتی در ارتباط با تلکس پشتیبانی بین‌المللی در اختیار صفری قرار دادیم و گفتیم که چنانچه نیروی هوایی ایران خواستار تلکس است باید یک تقاضانامه تسلیم کند. همچنین گفتیم که خیلی زود اطلاعاتی را در خصوص

شرایط جدید «پایانه سیستم برنامه‌ریزی تحلیل گزارش‌ها» در اختیار او قرار خواهیم داد تا آن را ارزیابی کند و باید خیلی زود تصمیم خود را به ما اعلام نماید.
۲- این برداشت را از ذهنیت صفری داشتیم که از دست بلاتکلیفی مدیران مافوق خود و همچنین بی‌مسئولیتی زیردستانش وقتی که او نیست، خسته شده است.

اسکات

سند شماره ۲۲۵

۲۱ اکتبر ۱۹۷۹ - ۲۹ مهر ۱۳۵۸

سری

از: هیأت مستشاری نظامی آمریکا، تهران به: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی.
مرجع: ملاقات سرتیپ صفری، معاونت لجستیک نیروی هوایی، و هیأت مستشاری نظامی
در تاریخ ۲۱ اکتبر ۱۹۷۹

موضوع: نیروی هوایی ایران

۱- سرهنگ اسکات، ناخدا سوم شیرر و ناخدا نیدهم از هیأت مستشاری نظامی به منظور گفتگو درباره مسایل مورد علاقه طرفین در روز ۲۱ اکتبر ۱۹۷۹ با سرتیپ صفری، معاونت لجستیک ستاد نیروی هوایی، ملاقات کردند. در طول گفتگوها، سرتیپ صفری اطلاع داد که ظرف سه روز آینده بازنشسته خواهد شد. وقتی علت را از او جویا شدیم، گفت فشار زیادی بر سرلشگر باقری، رئیس ستاد نیروی هوایی، وارد آورده‌اند که به علت روابط نزدیک صفری با شرکت‌های آمریکایی، نمایندگان ارتش آمریکا، و دو سفرش به ایالات متحده شخص دیگری جایگزین او کند.

۲- سرتیپ صفری در این بخش از گفتگوها بسیار رک و صادقانه صحبت کرد. او گفت به رغم همه زحماتی که کشیده است، آنها می‌خواهند اجباراً بازنشسته‌اش کنند. او سپس درباره میزان افراد متخصصی که در بخش فرماندهی لجستیک باقی مانده‌اند صحبت کرد. او معتقد بود هیچ کس دیگری نیست که بتواند بخش لجستیک نیروی هوایی را به سازمانی کارآمد و عملیاتی تبدیل کند. صفری اظهار داشت که بعد از رسیدگی به امور شخصی‌اش ایران را ترک می‌کند تا شاهد مرگ نیروی هوایی نباشد.

۳- بازنشستگی قریب‌الوقوع سرتیپ صفری ما را عمیقاً نگران کرده است. از زمان انقلاب تا کنون سرتیپ صفری نیروی مشوق هر گونه پیشرفتی بوده که در نیروی هوایی ایران صورت گرفته است. علاوه بر این، تا به حال او مطلع‌ترین مقام نظامی ایران در امور خریدهای نظامی خارجی و مشاور نزدیک اعضای دولت موقت و وزارت دفاع ملی در این زمینه بوده است. به اعتقاد ما چنانچه صفری برود، مذاکرات آتی مان همراه با دشواری و سوءظن خواهد بود.

۴- در حال حاضر هیچ دلیلی وجود ندارد که فکر کنیم امنیت شخصی سرتیپ صفری به خطر افتاده باشد، ولی به او گفته‌ایم هر کمکی از دستمان بریاید، برایش انجام خواهیم داد.



۵- موضوعات دیگری که در خلال این ملاقات و گفتگوهای متعاقب آن با سرلشگر باقری، رئیس ستاد نیروی هوایی، مطرح شد، موضوع یک تلکس جداگانه خواهد بود.

سند شماره ۲۲۶

۲۳ اکتبر ۱۹۷۹ - ۱ آبان ۱۳۵۸

محرمانه

از: هیأت مستشاری نظامی آمریکا، تهران به: وزارت دفاع آمریکا، واشنگتن دی.سی.
مرجع: (الف) ملاقات هیأت مستشاری و سرتیپ صفری، معاونت لجستیک نیروی هوایی - ۲۱ اکتبر ۱۹۷۹، (ب) ملاقات هیأت مستشاری و سرلشگر باقری، رئیس ستاد نیروی هوایی - ۲۱ اکتبر ۱۹۷۹

موضوع: ملاقات با تیمسارهای نیروی هوایی ایران

۱- در طول این ملاقات مرجع (الف) سرهنگ اسکات، ناخداسوم شیرر، و ناخدا نیدهم برای گفتگو بر سر مسایل مختلف مورد علاقه طرفین با سرتیپ صفری ملاقات کردند، که شامل گفتگوهای زیر شد:

الف- صفری یک بار دیگر از ما پرسید که ۵/۵ میلیون دلار وجه قطعات یدکی را باید به کجا واریز کند. ناخدا نیدهم شماره تلکس و نشانی پستی مرکز حسابداری سازمان مساعدت‌های امنیتی را در اختیار او گذاشت. سرتیپ صفری اعتراف کرد که برای فرستادن این پول به آمریکا دچار مشکلاتی شده است. از صحبت‌های او و سایر ملاقات‌هایی که در ستاد نیروی هوایی داشتیم چنین فهمیده‌ایم که نیروی هوایی ایران برای فرستادن پول قطعات یدکی جدید به آمریکا با مقاومت شدید سطوح بالاتر دولت موقت ایران مواجه است.

ب- ملاقات مرجع (ب) در واقع ادامه ملاقات اول بود، ولی در این جلسه علاوه بر سرتیپ صفری، سرلشگر باقری، رئیس ستاد نیروی هوایی، و سرتیپ قربانزاده، جانشین فرماندهی ستاد، حضور داشتند. گفتگوها به قرار زیر بود:

الف- سرلشگر باقری پرسید آیا محدودیتی برای پرواز هواپیماهای تانکر ۷۴۷ به سایر کشورها وجود دارد، به ویژه اینکه ایران ایر قصد دارد هواپیماهای باربری و تانکر ۷۴۷ را برای پرواز در کل خاورمیانه کرایه دهد. گفتیم که نمی‌دانیم آیا در قرارداد محدودیتی برای این امر وجود دارد یا خیر، ولی در این باره استعلام خواهیم کرد.

۲- به دنبال این صحبت‌ها، سرلشگر باقری پرسید که بالاخره تصمیم آمریکا درباره اف-۱۴ چیست. پاسخ دادیم که دولت موقت ایران باید در این باره تصمیم بگیرد، و اینکه ما اصلاً در موقعیتی نیستیم که نظری درباره آن بدهیم یا دخالتی در این امر داشته باشیم. ناخداسوم شیرر تأکید کرد صرف‌نظر از هر تصمیمی که گرفته شود، ما آماده‌ایم به نیروی هوایی ایران کمک کنیم. سرلشگر باقری سپس پرسید اگر ایران اف-۱۴ها را نگاه دارد، آیا از آنها پشتیبانی خواهیم کرد. باقری همچنین سؤال کرد اگر ایران سعی کند به هدف آمادگی



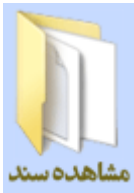
عملیاتی ۷۰ درصد برسد، چند نفر نیروی آمریکایی باید در ایران بمانند. پاسخ دادیم که این امر به چند عامل بستگی دارد، مثلاً شرایط امکانات پشتیبانی، میزان آموزش‌هایی که به تکنسین‌ها داده شده است، موجودی قطعات یدکی و میزان پروازهایی که برای عملیات آتی در نظر دارند. سرتیپ صفری افزود که علاوه بر اینها، نزدیک ۱۰۰ تکنسین نیز باید برای پشتیبانی آماد فنی در صنایع هواپیمایی ایران مشغول خدمت باشند. سرلشگر باقری پاسخ داد که ماندن آمریکایی‌ها در کشور یک مسئله سیاسی است که سطوح بالاتر به آن علاقه‌ای ندارند. سرلشگر باقری سپس گفت که خیلی زود باید کاری انجام داد چون ۴۰ هواپیما معطل ۱۵ یا همین حدود قطعه یدکی است و اینکه آنها فقط روزی یک تا ۲ سورتی پرواز دارند.

۳- بر همین اساس، خواهشمند است اطلاعات زیر را در اختیار هیأت مستشاری نظامی قرار دهید:

الف- وضعیت نرم‌افزار تاکتیکی AWG-9 هواپیماهای اف-۱۴ ایران و تاریخ تقریبی اجازه ترخیص.

ب- اطلاعات قراردادی در ارتباط با محدودیت پرواز هواپیماهای باربری و تانکر ۷۴۷ به سایر کشورهای خاورمیانه.

سند شماره ۲۲۷



بدون طبقه‌بندی ۲۵ اکتبر ۱۹۷۹ - ۳ آبان ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی، تهران به: مرکز امور مالی سازمان مساعدت‌های امنیتی

موضوع: صندوق امانی ایران

نیروی هوایی ایران روز گذشته اطلاع داد که قصد دارد مبلغ ۵/۵ میلیون دلار بابت قرارداد IR-D-MBK از طریق تلکس به حساب سپرده شماره ۳۸۰۰ نزد بانک فدرال رزرو در دنور واریز کند. لطفاً واریز این مبلغ را به ما اطلاع دهید.

سند شماره ۲۲۸



سری ۲۹ اکتبر ۱۹۷۹ - ۷ آبان ۱۳۵۸

از: هیأت مستشاری نظامی، تهران به: وزارت دفاع، واشنگتن دی.سی - با اولویت

موضوع: ملاقات با سرهنگ کامکار - امور تسلیحاتی وزارت دفاع ملی ایران

۱- سرهنگ اسکات، در تاریخ ۲۷ اکتبر ۱۹۷۹ در دفتر کامکار با او و سرهنگ صادقی و همچنین آقایان «مطاع‌زاده» و بهرامی (که فقط ۱۵ دقیقه آخر این جلسه یک ساعته در آن حضور یافتند) ملاقات کرد. در این ملاقات برخی نکات مورد علاقه طرفین مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

۲- محور اصلی بحث دقیقاً همان روال گذشته را دنبال می‌کرد، یعنی تأکید مجدد کامکار

بر موضع مورد توافق دو کشور مبنی بر لزوم تشکیل یک گروه مشترک برای حل «مشکلات صندوق امانی». در طول گفتگوها، مسایل دیگری نیز که ذهن معاون وزارت دفاع ملی را به خود مشغول کرده است، مطرح شد. خلاصه‌ای از این دو مسئله در ذیل آمده است:

الف- حساب بهره‌دار به منظور پرداخت بهره به وجوهی که به دولت موقت ایران مسترد شده ولی برای انجام تعهدات باقیمانده ایران در حساب صندوق امانی به آن نیازی نیست. آقای «مطاع‌زاده» این مسئله را مطرح ساخت. او گفت می‌داند که طبق یادداشت تفاهم ۳ فوریه ۱۹۷۹ هرگاه مشخص شود که بخشی از وجوه مسترد شده به صندوق امانی برای انجام تعهدات باقیمانده ایران مورد نیاز نیست، این وجوه باید به حسابی به نام دولت موقت ایران واریز شود که به آن بهره تعلق می‌گیرد. او گفت که هم اکنون صندوق امانی دارای «۵۰۰ میلیون دلار» مازاد است، و باید به این پول بهره تعلق گیرد. آقای اسکات از او پرسید که این آمار را از چه منبعی کسب کرده است، زیرا آمار فوق با برآوردهای موجودی که در دسترس قرار دارد، نمی‌خواند. مطاع‌زاده گفت که در مورد مبلغ دقیق مطمئن نیست، ولی این مسئله برای دولت موقت ایران حائز اهمیت است. او افزود هرگاه مدیران صندوق امانی مشخص کنند که صندوق دارای وجوه «مازاد» بر نیاز است، این وجوه باید به حساب بهره‌دار واریز شود. برای اطلاع شما: اعتقاد داریم که به موازات ارایه گزارش بهبود وضعیت مالی صندوق امانی به ایران، آنها نیز به دفعات بیشتری این مسئله را مطرح خواهند ساخت. همچنین معتقد هستیم که به موازات بهبود احتمالی موجودی صندوق امانی در ماههای آتی (البته با فرض اینکه موجودی صندوق واقعاً بهبود یابد)، دولت موقت ایران نیز به تدریج شرایط پیش پرداخت نقدی برای قطعات یدکی را که هم اکنون در حال بررسی است، زیر سؤال ببرد.

ب- گزارش‌های دوره‌ای درباره وضعیت صندوق امانی. سرلشگر گاست احتمالاً این مسئله را در گزارش‌های کاری خود با سازمان مساعدت‌های امنیتی دفاعی در میان گذاشته است. هم‌کامکار و هم مطاع‌زاده در جلسه ۲۷ اکتبر این مسئله مطرح کردند. آنها خواهان دریافت گزارش‌های دوره‌ای (در صورت امکان ماهیانه) در مورد وضعیت صندوق امانی و همچنین تغییرات عمده در وضعیت آن به همراه فهرست مورد به مورد و برآورد «کمترین موجودی» به هنگام کامل شدن گزارش هستند. هم اکنون مرکز امور مالی مساعدت‌های امنیتی گزارش‌های سه‌ماهه‌ای به ایرانی‌ها ارایه می‌دهد، ولی آنها معتقدند که گزارش‌های مزبور اطلاعات به موقعی در اختیارشان قرار نمی‌دهد. برای اطلاع شما: نمایندگان معاون وزارت دفاع ملی قبلاً نظرات خود را درباره موضوع گزارش‌های دوره‌ای در خصوص وضعیت صندوق امانی ابراز کرده‌اند، ولی گویا حالا می‌خواهند دفعات ارایه این نوع گزارش‌ها را مطرح سازند. صادقانه بگویم، ظاهراً کارمندان کامکار اطلاعاتی را که پس از جلسه مورخ ۱۶ سپتامبر ۱۹۷۹ در ارتباط با به صندوق امانی و یادداشت تفاهم به آنها تسلیم کردیم، چندان تجزیه و تحلیل نکرده‌اند، و حتی شاید یک نگاه هم به گزارش‌های ماهیانه‌ای (گزارش سری ۱۱۰۰) که طبق روال به آنها

ارایه می‌شود، نینداخته باشند. آنها ظاهراً برگه وضعیت حسابی را که مرکز امور مالی مساعدت‌های امنیتی در تاریخ ۳۰ اوت ۱۹۷۹ در ارتباط با وضعیت برنامه خریدهای نظامی خارجی برایشان ارسال شده اشتباه خوانده و یا اشتباه تفسیر کرده‌اند. در این مورد خاص، آنها ظاهراً اخطار و ارقامی را که به برآورد وضعیت نهایی صندوق امانی در بخش کسور جدول مربوط می‌شود (۱۵۶/۵ میلیون دلار) نادیده گرفته‌اند. با توجه به فضای بی‌اعتمادی نسبت به هر نوع توافقی بین ایران و غرب، به ویژه آمریکا، که ظاهراً در طول چند روز گذشته شدت یافته است، پیش‌بینی می‌کنیم تلاش‌هایمان برای حل مسایل مربوط به صندوق امانی با مشکلات فزاینده‌ای مواجه شود.

۳- همچنان به پیشنهاد برای ملاقات با نمایندگان معاونت وزارت دفاع ملی ایران در قالب کارگروه در هر زمان ممکن ادامه خواهیم داد. تا به حال نتوانسته‌ایم کامکار را وادار کنیم تا تاریخ مشخصی برای شروع این نوع جلسات تعیین کند. با این حال، بهرامی از سوی کامکار موظف شده است تاریخ مشخصی در هفته آینده برای شروع جلسات کارگروه تعیین کند.

۴- از نظر ما سئوالاتی که در خصوص حساب بهره‌دار و دفعات ارایه گزارش وضعیت صندوق امانی مطرح شد، به وضوح حکایت از آن دارد که هم‌تایان ایرانی ما در معاونت وزارت دفاع ملی سعی دارند با دنبال کردن خطوط حزبی، موقعیت کنونی خود را حفظ کنند. به اعتقاد ما کامکار و بهرامی کاملاً دلایل اقدامات ما را در قبال صندوق امانی درک می‌کنند، ولی هر وقت که فرصتی بیابند، سعی می‌کنند مسایلی از این دست را بهانه قرار دهند. با وجود این، معتقدیم ارایه خلاصه گزارش‌های ماهیانه درباره وضعیت صندوق امانی به ایران می‌تواند کار عاقلانه‌ای باشد. چنانچه هر گاه در برآوردهایمان اطمینان حاصل کردید که وضعیت نهایی صندوق امانی دارای مازادی است که باید به دولت موقت ایران مسترد شود، آنگاه مطمئن باشید که مسئله واریز آن به یک حساب بهره‌دار به مسئله‌ای بسیار حساس مبدل خواهد شد. در این صورت، که البته فکر نمی‌کنیم به این زودی‌ها اتفاق بیفتد، شرط پیش‌پرداخت نقدی برای قراردادهای جدید و یا اصلاح شده معاملات تسلیحاتی خارجی نیز از سوی دولت موقت ایران زیر سؤال خواهد رفت.

سند شماره ۲۲۹

۲۹ اکتبر ۱۹۷۹ - ۷ آبان ۱۳۵۸

به: وزارت دفاع، واشنگتن دی.سی

از: مستشاری نظامی، تهران - ۱۳۹۸

مرجع: ملاقات سرهنگ غنی‌پور، مدیر عامل صنایع هواپیمایی ایران، و نیروهای مستشاری نظامی در ۲۵ اکتبر ۱۹۷۹

موضوع: صنایع هواپیمایی ایران

۱- ناخدا سوم شیرر و سروان نیدهم از نیروهای مستشاری نظامی در روز ۲۵ اکتبر ۱۹۷۹



با سرهنگ غنی‌پور و همکارانش ملاقات کردند. مقصود از این ملاقات بحث در خصوص امکان خرید تجهیزات و خدمات از وزارت دفاع آمریکا در چارچوب برنامه خریدهای نظامی خارجی بود. سرهنگ غنی‌پور پرسید که آیا صنایع هواپیمایی ایران می‌تواند در چارچوب برنامه خریدهای نظامی خارجی از وزارت دفاع آمریکا (ارتش، نیروی دریایی و نیروی هوایی) خرید کند. او توضیح داد که صنایع هواپیمایی ایران ۱۰۰٪ متعلق به وزارت دفاع ملی ایران است و همچون آماد فنی برای تجهیزات، تعمیر و نگهداری هواپیماهای نیروی هوایی عمل می‌کند. سرهنگ غنی‌پور اظهار داشت که صنایع هواپیمایی ایران قصد خرید قطعات یدکی، تعمیر قطعات در آماد فنی، و خرید سفارش‌های فنی، نقشه‌های مهندسی و غیره دارد.

۲- ناخدا سوم شیراز از سرهنگ غنی‌پور پرسید آیا صنایع هواپیمایی ایران قبلاً مسئله این خریدهای جداگانه را با وزارت دفاع ملی ایران در میان گذاشته است. سرهنگ غنی‌پور پاسخ داد که صنایع هواپیمایی ایران از طریق وزارت دفاع ملی اقدام خواهد کرد.

۳- خانم فرحزاد، مدیر تهیه و تولید، پرسید که آیا ما قیمت و زمان تحویل قطعات یدکی، و همچنین زمان لازم برای ارسال قطعات برای تعمیر و بازگشت قطعات تعمیرشده به ایران را معین و تضمین می‌کنیم. سرهنگ غنی‌پور نیز پرسید اگر صنایع هواپیمایی ایران هواپیمایی را آماده پرواز آزمایشی کرد، آیا وزارت دفاع آمریکا قادر به تأمین ۱ یا ۲ قطعه از انبار ما خواهد بود یا خیر. سروان نیدهم توضیح داد که وزارت دفاع آمریکا قیمت‌ها، زمان تحویل، و یا حتی زمان لازم برای تعمیر قطعات را تضمین نمی‌کند و اینکه سیاست نیروی هوایی آمریکا آن است که درخواست برای یک یا دو قطعه را جداگانه بررسی می‌کند و اینکه نیروی هوایی آمریکا فوراً جایگزینی یا تأمین درخواست قطعات برای مأموریت‌های هوایی را تضمین نخواهد کرد.

۴- سرهنگ غنی‌پور پرسید آیا صنایع هواپیمایی ایران می‌تواند T.O.S، پیشنهاد اصلاحات، ملزومات T.O، تغییرات T.O، و نقشه‌های مهندسی را دریافت کند. او همچنین در مورد مشارکت گروه هماهنگی فنی برای اف-۴ سؤال کرد. سروان نیدهم به غنی‌پور گفت که در مورد انتشارات و مشارکت گروه هماهنگی فنی می‌تواند درخواست کتبی خود را ارسال کند.

۵- سرهنگ غنی‌پور سپس در مورد آموزش‌های لازم آماد فنی در خصوص هواپیماهای اف-۱۴ برای نفراتش و همچنین فهرست تجهیزات مورد نیاز برای این نوع هواپیماها سؤال کرد. او همچنین از تعمیر موتورهای تی-۴۰۰ که بر روی هلیکوپترهای AH-1J سوار می‌شود، توسط نیروی دریایی پرسید. او به ویژه به بسته‌ی کاری اشاره کرد و می‌خواست بداند آیا می‌تواند نسخه‌ای از جزییات آن را در اختیار داشته باشد. ناخدا سوم شیراز گفت که در معاملات خریدهای نظامی خارجی می‌توان هزینه آموزش و تجهیزات مورد نیاز اقلام خریداری شده را نیز ملحوظ کرد و اینکه در مورد وضعیت موتورها پیگیر خواهد شد.

۶- سروان نیدهم شیوه‌های خرید قطعات یدکی (CO-OP LOG، اعلام درخواست، و سفارش قطعی)، شیوه‌های درخواست تعمیر و سرویس کلی خدمات، و انتشارات نیروی

هوایی را توضیح داد. او درصدد بود که شیوه CO-OP LOG نیروی هوایی را توضیح دهد که سرهنگ غنی پور از او خواست در فرصت دیگری این کار را انجام دهد.

۷- خانم فرحزاد درباره شرایط پرداخت پرسید و سروان نیدهم توضیح داد که در تمامی موارد هزینه باید به صورت نقدی و از پیش پرداخت شود. خانم فرحزاد نمی دانست که آیا انتقال پول از ایران به مرکز امور مالی مساعدت‌های امنیتی امکان دارد یا خیر.

۸- سروان نیدهم متذکر شد که صنایع هواپیمایی ایران باید دقیقاً سطح کمی و دامنه قطعات یدکی مورد نیاز خود، ارزش دلاری اقلام، و تعداد و نوع اقلامی را که مایلند در آماد فنی تعمیر کنند، مشخص نماید. او همچنین گفت پیش از آنکه وزارت دفاع آمریکا بتواند اطلاعات مورد نیاز صنایع هواپیمایی ایران را ارائه دهد، این اطلاعات باید در اختیار آن قرار گیرد.

۹- در طول ملاقات مدیر صنایع هواپیمایی ایران شدیداً مشتاق بود بداند که آیا دولت آمریکا اجازه خرید تسلیحات در چارچوب برنامه خریدهای نظامی خارجی را به ایران خواهد داد یا خیر. با توجه به آنچه گفته شد، هر گونه توضیح یا راهنمایی لازم ارائه خواهد شد.

سند شماره ۲۳۰

۳۱ اکتبر ۱۹۷۹ - ۹ آبان ۱۳۵۸

محرمانه

از: هیأت مستشاری نظامی آمریکا، تهران
به: وزارت دفاع، واشنگتن دی.سی.
مرجع: ملاقات سرتیپ صفری، معاون لجستیک نیروی هوایی ایران، و ناخدا سوم شیرر در تاریخ ۳۰ اکتبر ۱۹۷۹

موضوع: نیروی هوایی ایران

۱- در طول این ملاقات، سرتیپ صفری به ناخدا سوم شیرر اطلاع داد که در وزارت دفاع ملی ایران بر سر بازنشسته کردن یا نکردن او اختلاف نظر پیش آمده است. صفری گفت ارتش توانسته بود روحانیان اسلامی را متقاعد سازد که او بر سر کار خود باقی بماند، حداقل به طور موقت، و امور لجستیکی نیروی هوایی را اداره کند. سرتیپ صفری گفت فکر می کند برای مدت یک تا سه ماه دیگر در این سمت باقی بماند تا بتواند قدری به اوضاع سرو سامان دهد و سپس کار را به یک نفر دیگر واگذار کند.

او یک بار دیگر خاطر نشان کرد که فکر نمی کند هیچ کس دیگری هنوز در نیروی هوایی باقی مانده باشد که شایستگی جایگزینی او را در معاونت لجستیکی داشته باشد، ولی این مسئله دیگر به او مربوط نیست.

۲- سرتیپ صفری گفت روز گذشته او و سرلشگر باقری، رئیس ستاد نیروی هوایی، ملاقاتی پنج ساعت و نیمه با آقای چمران، وزیر دفاع ملی، داشتند و درباره مسایل مختلف قطعات یدکی با یکدیگر بحث و گفتگو کردند. صفری گفت در خلال صحبت‌ها به خرید



قطعات یدکی هواپیماهای اف-۱۴ و تجهیزات وابسته به آن اشاره کرده و به چمران گفته است که صرف نظر از هر تصمیمی که درباره اف-۱۴ها گرفته می‌شود، ایران نهایتاً به همه این قطعات یدکی نیاز خواهد داشت. گویا قرار است چمران گزارش‌ها را تجزیه و تحلیل کند و در آینده نزدیک نظرش را اعلام نماید.

۳- ظاهراً فرماندهان نیروی هوایی اهمیتی سرتیپ صفری را در ارتباط با تلاش‌هایشان درک می‌کنند و از این فرصت استفاده کرده‌اند تا در مقابل انقلابیون تندرویی بایستند که مشتاقند آنهایی را که تصور می‌کنند رابطه نزدیکی با ارتش آمریکا دارند، از ارتش بیرون بپندازند.

به اعتقاد ما اگر تلاش آنها برای ابقای سرتیپ صفری بی‌نتیجه بماند، همان اندک پیشرفتی نیز که بعد از انقلاب در نیروی هوایی رخ داده، از بین خواهد رفت.

سند شماره ۲۳۱

[موضوع]: قطعات یدکی، یادداشت تفاهم، صندوق امانی

۱- لایحه بودجه تکمیلی وزارت دفاع آمریکا مراحل نهایی تصویب در کنگره را طی می‌کند. تصویب این لایحه بودجه لازم را برای خرید چهار ناوشکن سفارشی ایران در اختیار دولت آمریکا قرار می‌دهد.

۲- به محض تصویب نهایی لایحه فوق، دولت ایالات متحده اقدامات زیر را برای رفع تعلیق و ارسال قطعات یدکی تصویب شده انجام خواهد داد:

- وزارت دفاع آمریکا فهرستی از قطعات یدکی در اختیار نمایندگان دفاعی سفارت قرار خواهد داد که آنها نیز به نوبه خود وزیر دفاع ملی ایران را از این فهرست آگاه خواهند ساخت.

- هنوز قطعاً وزن و حجم قطعات فوق را نمی‌دانیم.

- حدس می‌زنیم جهت حمل قطعات یدکی دارای اولویت برای ایران، تقریباً ۱۰ هواپیمای ۷۴۷ نیاز باشد.

- البته حمل بقیه قطعات یدکی از طریق زمینی به مراتب به صرفه‌تر خواهد بود.

- دولت موقت ایران مسئولیت معرفی شرکت حمل و نقل را به عهده دارد. این شرکت باید قطعات فوق را تحویل بگیرد و حمل کند.

- شاید دولت موقت ایران مایل باشد از هم‌اکنون برنامه حمل کالا را با یک شرکت حمل و نقل هماهنگ سازد. اختلاف آنها با شرکت بهرینگ اینترنت‌شنال ممکن است در حمل قطعات تأخیر ایجاد کند. دولت ایالات متحده برای حمل قطعات نیاز به معرفی یک شرکت حمل و نقل از سوی ایران دارد.

۳- در صورت تصویب نهایی لایحه بودجه تکمیلی و با این فرض که سفارش جدیدی از



سوی ایران صورت نگیرد، صندوق امانی وجوه لازم برای پرداخت کلیه معاملات را به مدت شش ماه به دست خواهد آورد. وضعیت مطلوب صندوق امانی دولت ایالات متحده را قادر می‌سازد تا درخواست‌های ایران برای قراردادهای پشتیبانی را بپذیرد و اجرا نماید. این امر می‌تواند به دو شیوه انجام شود:

الف- یک شیوه همان روند مورد توافق برای پشتیبانی و تدارک قطعات یدکی اضطراری است.

- پیش پرداخت، در این مورد ۵ میلیون دلار در قبال یک قرارداد خرید نظامی خارجی اعتبار می‌شود، و این مورد از معاملاتی که هزینه آن از محل ذخیره صندوق امانی پرداخت می‌شود جدا خواهد بود.

- به هنگام سفارش قطعات از سوی نیروی هوایی اسلامی ایران، هزینه آن نیز پرداخت می‌شود، و اطلاعات لازم در خصوص باقیمانده پول و وضعیت تحویل به اطلاع نیروی هوایی اسلامی ایران خواهد رسید.

- نماینده دفاعی سفارت این رویه‌ها را با نیروی دریایی اسلامی ایران و نیروی هوایی اسلامی ارتش ایران در میان گذاشته است. هر دو نیروی دریایی و هوایی به این شیوه تمایل نشان داده‌اند. دولت ایالات متحده خشنود خواهد شد که این ترتیبات را با نیروی دریایی اسلامی، نیروی هوایی اسلامی و سایر نیروهای وابسته به ارتش ایران به مورد اجرا بگذارد.

ب- شیوه دیگری که می‌توان استفاده کرد گفتگو و توافق از طریق نامه پیشنهاد و قبول است.

- اصولاً رویه‌های مشابهی با آنچه در بند الف ذکر شد، دنبال خواهد شد.
- پیش‌پرداخت انجام می‌شود و به هنگام سفارش قطعات هزینه آن باید پرداخت شود.
- دولت ایالات متحده هیچ ترجیحی برای هر کدام از شیوه‌های فوق قایل نیست.
- جزئیات مربوط به این شیوه‌ها در اختیار وزیر دفاع ملی ایران قرار خواهد گرفت.
۴- اطلاعات مفصلی در ارتباط با وضعیت اقلام موضوع یادداشت تفاهم و صندوق امانی در اختیار نماینده دفاعی سفارت قرار می‌گیرد.

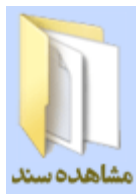
- اطلاعات فوق به محض وصول به وزیر دفاع ملی ایران تسلیم می‌شود.
- با قالبی که مورد توافق آن وزارتخانه است.

- دولت ایالات متحده، چنانکه درخواست کرده‌اید، آماده است تا در اواخر ماه اوت جلساتی برای ارائه توضیحات کلی و بحث و بررسی برگزار نماید.

۵- نمایندگان سیاسی و دفاعی سفارت آماده‌اند تا در مورد این موضوعات با نمایندگان وزارتخانه‌های امور خارجه و دفاع ملی ایران به بحث و گفتگو بنشینند. پیشنهاد می‌کنیم ملاقات‌ها به صورت مشترک انجام شود.

سند شماره ۲۳۲

[موضوع]: دستور جلسه



- ۱- اطلاعات لازم برای هر یک از معاملات خریدهای نظامی خارجی (پیوست شماره ۱)
- ۲- اطلاعات تفصیلی وضعیت حساب صندوق امانی در ارتباط با عملیات صندوق از زمان شروع برنامه خریدهای نظامی خارجی (پیوست شماره ۲)
- ۳- قطعات یدکی و اقلام پشتیبانی (پیوست شماره ۳)
- ۴- وضعیت قراردادهای خریدهای نظامی خارجی
 - الف- قراردادهای انجام شده
 - ب- قراردادهای لغو شده
 - پ- قراردادهای معوقه
- ۵- هر نوع فعالیت دیگر

اطلاعات لازم برای هر یک از قراردادهای خریدهای نظامی خارجی

- ۱- قرارداد خریدهای نظامی خارجی
- ۲- شرح اقلام و یا خدمات خریداری شده
- ۳- مقدار اقلام خریداری شده و یا نفرات (نفر- ماه)
- ۴- هزینه تقریبی هر قرارداد شامل هزینه بسته‌بندی، جعبه‌بندی، حمل تا محل بارگیری، هزینه‌های اداری و غیره
 - الف- قرارداد اولیه و اصلی
 - ب- قرارداد(های) اصلاح شده
- ۵- مبلغ واقعی که بابت هر یک از قراردادها هزینه شده است، شامل هزینه بسته‌بندی، جعبه‌بندی، حمل تا محل بارگیری، هزینه‌های اداری، غیره
 - الف- قرارداد اولیه و اصلی
 - ب- قرارداد(های) اصلاح شده
- ۶- مبلغ پرداخت شده از سوی دولت ایران
- ۷- مقدار اقلام یا (چنانچه خدمات است) نفر- ماه نیرو که تحت قرارداد تحویل یا انجام شده توضیح: در صورت عدم دسترسی به ارقام مربوط به مقدار اقلام تحویل شده، درصد آن ذکر شود
- ۸- هزینه اقلام تحویل شده و یا خدمات ارایه شده
- ۹- آیا قرارداد لغو شده است یا خیر
- ۱۰- کل خسارت لغو قرارداد
- ۱۱- میزان خسارات لغو قرارداد که از محل حساب صندوق امانی به تولیدکنندگان پرداخت شده است

- ۱۲- مبالغی که از فروش مجدد اقلام موضوع قراردادهای لغو شده جبران شده است
 - ۱۳- مبلغ مورد نیاز برای تکمیل قرارداد
- توضیح: جدول فوق باید برای هر یک از قراردادهای وزارت دفاع ملی ایران به صورت جداگانه در اختیار نیروهای سه‌گانه (ارتش، نیروی هوایی، نیروی دریایی) قرار گیرد

اطلاعات لازم در ارتباط با حساب صندوق امانی

- ۱- قیمت کل تمامی قراردادهای امضا شده بین ایالات متحده و دولت‌های ایران از زمان شروع برنامه خریدهای نظامی خارجی، شامل هزینه تجهیزات، خدمات، بسته‌بندی، جعبه‌بندی، حمل تا محل بارگیری، هزینه‌های اداری، و غیره
- ۲- کل مبالغی که دولت ایالات متحده در ارتباط با موضوع بند یک فوق از دولت ایران دریافت کرده است
- ۳- کل مبالغی که دولت ایالات متحده برای همه قراردادهای هزینه کرده است، شامل پرداخت به تولیدکنندگان، هزینه بسته‌بندی، جعبه‌بندی، حمل تا محل بارگیری، هزینه‌های اداری و غیره
- ۴- قیمت کل تجهیزات و خدمات تحویل شده به دولت ایران
- ۵- فهرست پرداخت‌های انجام شده از محل حساب صندوق امانی از تاریخ ژانویه ۱۹۷۹ به تفکیک اقلام
- ۶- کل مبالغ جبران شده از محل فروش مجدد اقلام موضوع قراردادهای لغو شده (چه مسترد شده باشد و چه نشده باشد)
- ۷- موجودی کنونی حساب صندوق امانی
- ۸- قیمت تقریبی تجهیزاتی که قرار است فروخته شود
- ۹- موجودی تقریبی حساب صندوق امانی پس از تسویه حساب نهایی
- ۱۰- کل خسارات مالی مرتبط با قراردادهای لغو شده
- ۱۱- کل هزینه لغو قراردادهای از محل صندوق امانی

قطعات یدکی

- ۱- فهرست اقلام آماده برای حمل
- ۲- فهرست اقلامی که در حال تولید هستند
- ۳- فهرست اقلام قابل تعمیر که هنوز بازگردانده نشده‌اند
- ۴- فهرست نشریات و جزوات فنی که آماده حمل است
- ۵- جدول زمان‌بندی برای تحویل اقلام فوق
- ۶- قطعات یدکی به ارزش ۵/۵ میلیون دلار باید از طریق یک حساب جداگانه خریداری شود.

بخش سوم

سفارت شوروی در ایران

سند شماره ۲۳۳



۲۲ ژوئن ۱۹۵۳ - ۱ تیر ۱۳۳۲

استفاده محدود - اطلاعات امنیتی

از: دفتر وابسته نظامی، سرهنگ دوم ریچارد موشگیان

موضوع: مقامات سفارت شوروی

نام خانوادگی: دولین

کشور: اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی

نام کامل: گریگوری ایوانویچ دولین

درجه: سرهنگ

رسته: پیاده نظام

پست فعلی: دستیار وابسته نظامی در ایران

تاریخ تولد: ۱۹۱۸

محل تولد: روستف، اتحاد شوروی

وضعیت تأهل: متأهل

تعداد فرزندان: نامعلوم

تحصیلات: (غیر نظامی) - نامعلوم

زبان: روسی، انگلیسی نسبتاً خوب

سوابق حرفه‌ای:

در سال ۱۹۳۷ وارد ارتش شد

فارغ التحصیل دانشکده پیاده نظام [؟]

۱۹۴۱ - ۱۹۴۵ خدمت در نیروهای کالینین و اولین جبهه‌های قبل از بالتیک

۱۹۴۸ - ۱۹۵۰ دستیار وابسته نظامی، ایران

۱۹۵۰ - ۱۹۵۳ فرمانده لشکر عملیاتی تفنگدار

آوریل ۱۹۵۲ ارتقا به درجه سرهنگی

۱۸ آوریل ۱۹۵۳ دستیار وابسته نظامی، ایران

او تا به حال فرمانده گردان، تیپ و لشگر بوده است.

ظاهر فیزیکی: قد ۵ فوت و ۷ اینچ، پوست سفید، موهای بلوند که از جلو دارد طاس

می‌شود، فردی آرام، گوشه‌گیر ولی صمیمی، بدون اعتماد به نفس بالا در حضور خارجی‌ان.

عکس: به ضمیمه ارسال می‌شود.

از چپ به راست: سرهنگ گریگوری ایوانویچ دولین، دستیار وابسته نظامی؛ سرهنگ

الکساندر ایوانویچ رودیونف، وابسته نظامی؛ سرتیپ عطاءالله کیانی، معاون دوم رئیس ستاد

ارتش ایران؛ سرتیپ تقی ریاحی، رئیس ستاد ارتش ایران.

سند شماره ۲۳۴

۲۷ ژوئیه ۱۹۵۳ - ۵ مرداد ۱۳۳۲
به: سفارت آمریکا، تهران

محرمانه - اطلاعات امنیتی
از: وزارت امور خارجه آمریکا
مرجع: گزارش سفارت تهران - الف ۱۵-۱۷ ژوئیه ۱۹۵۳

[موضوع]: انتصاب سفیر جدید شوروی در ایران

عطف به تلگرام مورخ ۱۵ ژوئیه سفارت در ارتباط با انتصاب آناتولی آی. لاورنتیف به سمت سفیر شوروی در ایران به جای آی. وی. سادچیکف. اطلاعات بیوگرافی زیر جهت اطلاع سفارت ارسال می‌گردد.

لاورنتیف از تاریخ ژوئیه ۱۹۵۲ سفیر شوروی در بخارست بوده و قبلاً نیز در سمت سفیر در پراگ (نوامبر ۱۹۵۱ تا ژوئن ۱۹۵۲) و بلگراد (۱۹۴۶ تا ۱۹۴۹)، خدمت کرده است. سادچیکف قبل از مأموریت در ایران عهده‌دار سفارت شوروی در بلگراد بود و با اعزام شدنش به تهران، لاورنتیف جانشین او در بلگراد شد. مأموریت لاورنتیف در چکسلواکی و رومانی با تغییرات عمده‌ای در سلسله مراتب رهبری این کشورها مصادف شد.

او که در بین سال‌های ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۱ معاون وزارت امور خارجه شوروی بود در مأموریت‌های دیپلماتیکی که با فرستادگان و امور کشورهای اقماری در ارتباط بود، شرکت داشت. بنابراین او فرد با تجربه‌ای در امور بالکان و متخصص دکترین تیتو است.

لاورنتیف که در سال ۱۹۰۴ به دنیا آمده است، با سایر دیپلمات‌های برجسته شوروی (یعنی گرومیکو، مالیک، پوشکین، لاوریشیف) از نسل بعد از انقلاب به حساب می‌آید، و در رشته اقتصاد و علوم فنی درس خوانده است.

او در سال ۱۹۳۱ از مؤسسه مولوتف انرژتیکس در مسکو فارغ التحصیل شده و یک ریاضی‌دان و متخصص هیدرودینامیک است. لاورنتیف پس از دو سال کار در شورای عالی اقتصاد ملی، نامزد علوم فنی و استاد مدعو مؤسسه مولوتف شد.

لاورنتیف در سال ۱۹۳۸ عضو کمیساریای صنایع سنگین خلق شوروی و در سال ۱۹۳۹ نایب رئیس شورای فنی کمیساریای نیروگاه‌های برق و صنایع الکتریکی خلق شوروی شد. او برای مدت کوتاهی در سال ۱۹۳۹، در سمت رئیس بخش اروپای شرقی کمیساریای وزارت امور خارجه خلق شوروی خدمت کرد.

پس از انعقاد پیمان شوروی با نازی‌ها در اوت ۱۹۳۹، لاورنتیف به بالکان اعزام شد، و ابتدا در سمت وزیر مختار در بلغارستان و سپس (ژوئن ۱۹۴۰) در سمت وزیر مختار در رومانی خدمت کرد و تا زمان حمله آلمان‌ها به شوروی در ژوئن ۱۹۴۱ در پُست اخیر ماند. از سال ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۳ در سمت معاون مسئول خبرگزاری تاس، و بین سال‌های ۱۹۴۳ تا ۱۹۴۴ در پُست ریاست اداره اول اروپا (فرانسه - سوئیس و کشورهای جنوب [اروپا]) و سپس ریاست



اداره خاور نزدیک در کمیساریای وزارت امور خارجه مشغول خدمت شد. در سال ۱۹۴۴ RSFSR کمیساریای وزارت امور خارجه خلق شد و تا زمان مأموریت در بلغراد در سال ۱۹۴۶ در همین پُست خدمت کرد. او به مدت سه سال ناظر رشد و توسعه تیتوایسم بود، و برخی ناظران بخشی از مسئولیت قطع ارتباط یوگسلاوی و شوروی را در ماه ژوئن ۱۹۴۸ بر عهده او می‌دانند.

لاورنتیف در مقایسه با برخی دیپلمات‌های شوروی تماس‌های بسیار اندکی با مناطقی داشته است که خارج از حوزه نفوذ و تسلط شوروی بوده‌اند. او در کنفرانس سازمان ملل در ارتباط با سازمان‌های بین‌المللی در سانفرانسیسکو (۱۹۴۵)، اولین مجمع عمومی سازمان ملل در لندن (۱۹۴۶)، و کنفرانس معاونین وزیران امور خارجه در پاریس (۱۹۵۱) شرکت داشته است.

همچنین در طول خدمتش در سمت معاون وزیر امور خارجه به چندین کشور اقماری سفر کرده است. نشان داده است که از گفتگوهای رسمی با همکاران غیرکمونئیستش در هیأت‌های دیپلماتیک ابایی ندارد، ولی او را شخص «پیچیده و تیزی» توصیف کرده‌اند به راحتی از پاسخ دادن به سئوال‌های مهمی که از او می‌شود ظفره می‌رود.

دالز

سند شماره ۲۳۵

۱۳ می ۱۹۵۵ - ۲۲ اردیبهشت ۱۳۳۴

فقط جهت استفاده اداری

[موضوع]: خروج سفیر شوروی، آناتولی لاورنتیف، از ایران

در روز ۷ می ۱۹۵۵، آناتولی لاورنتیف، سفیر شوروی، به طور خیلی غیرمنتظره با اتومبیل تهران را به قصد بندر پهلوی در ساحل دریای خزر ترک کرد و قرار است از آنجا با کشتی به مقصد باکو حرکت کند.

عمدتاً تصور می‌شود که بازگشت او به مسکو برای شرکت در مراسم مبادله تصویب‌نامه‌های کنوانسیون مرزی و مالی ایران و شوروی است. با وجود این، مقامات وزارت امور خارجه ایران هیچ اطلاعی از دلیل عزیمت ناگهانی او نداشتند و احتمال تغییر او را نیز رد نکردند.

همچون موارد گذشته در غیبت لاورنتیف، کنسول سفارت شوروی آقای سیمن تاراسویچ، موقتاً در سمت کاردار سفارت انجام وظیفه خواهد کرد.

برای کاردار سفارت ایران

ویلیام کورن

کنسول سفارت در امور سیاسی



سند شماره ۲۳۶

۸ ژوئیه ۱۹۵۵ - ۱۶ تیر ۱۳۳۴

استفاده محدود اداری

گزارش گفتگو

طرف‌ها: آقای ال. ای. ورونین، دبیر اول سفارت شوروی؛ آقای ای. ای. الکساندروف، دبیر دوم و کنسول سفارت شوروی؛ آقای یان کوجوگارو، دبیر سوم دفتر نمایندگی سیاسی رومانی؛ آقای ال. بروس لینگن، دبیر دوم سفارت آمریکا؛ گرانت ای. موزر، دبیر دوم سفارت آمریکا

موضوع: دوستی شوروی-آمریکا، کنفرانس ژنو،

دیدار قریب‌الوقوع جاستیس داگلاس از اتحاد شوروی

احتمالاً در تأیید دوستی غیرمعمولی که آقای مولوتف در سفر اخیرش به سانفرانسیسکو نسبت به ایالات متحده و ملت آن نشان داد، دو تن از مقامات سفارت شوروی در میهمانی ۸ ژوئن آقای مارامیس از دفتر نمایندگی سیاسی اندونزی، نزد من و آقای لینگن آمدند. هر دو مقام روسی به طور مبسوط درباره دوستی اتحاد شوروی و ملتش با ایالات متحده و ملتش صحبت کردند و برای موفقیت کنفرانس قریب‌الوقوع ژنو ابراز امیدواری کردند.

ابتدا آقای ورونین با آقای لینگن و من صحبت کرد، و آقای کوجوگارو از دفتر نمایندگی سیاسی رومانی صحبت‌هایش را برایمان ترجمه می‌کرد. او مکرراً بر دوستی مردم اتحاد شوروی و آرزوی آنها برای حل و فصل مسالمت‌آمیز کلیه اختلافات موجود بین اتحاد شوروی و ایالات متحده در کنفرانس ژنو تأکید کرد. من و آقای لینگن هم به او اطمینان دادیم که ایالات متحده نیز صادقانه آرزوی موفقیت کنفرانس ژنو را دارد و اینکه مردم آمریکا هیچ احساس دیگری غیر از دوستی با مردم اتحاد شوروی ندارند. از آقای ورونین پرسیدم که آیا نخست‌وزیر بولگانین، آقای خروشچف و آقای مولوتف از طرف اتحاد شوروی در کنفرانس ژنو شرکت خواهند کرد و او حضور بولگانیان و مولوتف را تأیید کرد، ولی گفت درباره حضور آقای خروشچف در این کنفرانس اطلاعی ندارد. آقای ورونین حداقل دو بار دیگر از طریق آقای کوجوگارو همان جملاتی را که ابتدا گفته بود تکرار کرد. من و آقای لینگن هم متقابلاً به اظهارات او پاسخ دادیم ولی این نوع ارتباط سه ضلعی را در نهایت خیلی خسته‌کننده و بی‌معنی یافتیم.

پس از او آقای الکساندروف، کنسول شوروی، نزد من آمد و همان آرزوی موفقیت برای کنفرانس ژنو را تکرار کرد. او سپس پرسید که جاستیس داگلاس و آقای کندی چه زمانی وارد ایران خواهند شد، زیرا به او دستور داده بودند که ویزای سفر آنها را به اتحاد شوروی صادر کند. او سپس افزود قرار است هشتم اوت به مرخصی برود و امیدوار است داگلاس و کندی پیش از عزیمت او به ایران بیایند تا شخصاً ویزای آنها را صادر کند. به او گفتم شنیده‌ام که آقای داگلاس در حدود اول اوت به ایران می‌رسد، ولی از این تاریخ مطمئن نیستم. از او



پرسیدم که کشتی‌های شوروی چند وقت یکبار از بندر پهلوی به قصد باکو حرکت می‌کنند و او گفت به طور منظم در روزهای دوم، هشتم و بیستم هر ماه.* این کشتی‌ها فقط از نوع کشتی‌های مسافربری بودند و سفر نیز تقریباً ۱۷ ساعت طول می‌کشید. کشتی‌های باربری تاریخ حرکت منظمی نداشتند. او همچنین گفت کشتی‌ها کوچک هستند، و خیلی راحت نیستند، ولی برای سفر به این کوتاهی مناسبند. از باکو خطوط آهن و خطوط هوایی به همه جای اتحاد شوروی متصل است.

از آقای الکساندروف پرسیدم که مرخصی‌اش را در کجای روسیه می‌گذرانند، او گفت ابتدا به دیدن فامیل در مسکو می‌رود و سپس امیدوار است به قفقاز برود. الکساندروف اظهار داشت که از مأموریتش در تهران خیلی راضی نیست و دوست دارد بعد از تمام شدن این مأموریت پستی در اروپای غربی به او بدهند. به اینجا که رسید، آه بلندی سر داد و گفت در طول جنگ جهانی دوم، پس از جنگ، و در طول روی کار آمدن کمونیست‌ها در چین در این کشور خدمت کرده است. او گفت از این می‌ترسد که به خاطر اطلاعاتی که درباره چین، مردمش و زبانش دارد یک بار دیگر به این کشور مأمور شود، و افزود در طول جنگ دوستان آمریکایی زیادی در چونگ‌کینگ چین پیدا کرده بود، که البته اظهارات او در فضای حاکم بر گفتگوی ما دو نفر، سبب شد تا یک بار دیگر حسن نیت خود را به ایالات متحده ابراز دارد و برای موفقیت کنفرانس ژنو آرزو کند.

سند شماره ۲۳۷

۱۴ نوامبر ۱۹۵۵ - ۲۲ آبان ۱۳۳۴

محرمانه

سفارت آمریکا، تهران

[موضوع]: فضای حاکم بر مراسم جشن پیروزی انقلاب اکتبر

در سفارت شوروی دوستانه بود

در تاریخ ۷ نوامبر ۱۹۵۵، سفارت شوروی به مناسبت سی و هشتمین سالگرد پیروزی انقلاب اکتبر مراسمی برگزار کرد. در غیاب سفیر لاورنتیف که هفته گذشته به طور ناگهانی ایران را ترک کرد (نگاه کنید به گزارش سفارت به شماره ۲۸۹ مورخ ۱ نوامبر ۱۹۵۵)، سیمن بی. بازاروف، میزبانی مراسم را بر عهده داشت. مقامات زیادی در این مراسم شرکت کرده بودند، ولی به جز نخست وزیر علاء، مقامات عالی‌رتبه ایرانی بسیار اندکی در این مراسم حضور داشتند.

آمریکایی‌هایی که در مراسم حضور داشتند، و در واقع همه با هم وارد شدند و با هم

* در صحبت‌های پیشین کنسول شوروی به آقای راوتتری گفته بود که کشتی‌ها در روزهای دوم، هشتم و دوازدهم هر ماه حرکت می‌کنند.



مجلس را ترک کردند، عبارت بودند از وزیر مختار-کنسول و خانم جونز، و وابسته‌های ارتش و نیروی دریایی و همسرانشان. سفیر و وابسته نیروی هوایی نیز برای شرکت در این مراسم دعوت داشتند ولی به دلیل دوری از تهران نتوانستند در آن حضور پیدا کنند.

فضای حاکم بر مجلس به مراتب دوستانه‌تر از مناسبت‌های قبلی از همین نوع بود. بازاروف سعی داشت با همه میهمانان خوش و بش کند. البته روس‌ها آشکارا سعی کردند رؤسای هیأت‌های دیپلماتیک و میهمان عالی‌رتبه‌تر ایرانی را از اتاق محل اجتماع سایر میهمانان جدا بود کنند. آنها تقریباً موفق به انجام این کار شدند و بازاروف بیشتر وقتش را با میهمانان عالی‌رتبه‌تر گذراند، شخصاً تلاش کرد وقتی را به هر یک از آنها اختصاص دهد. بازاروف به وضوح سعی کرد توجه ویژه‌ای به سفیر هند و سفیر مصر مبذول کند ولی با پاسخ نسبتاً سرد آنها مواجه شد. سفیر هند به بازاروف شکایت کرد که فقط نوشیدنی الکلی سرو می‌شود، و او نیز به الکل لب نمی‌زند.

وابسته‌های نظامی شوروی که با همسرانشان در مراسم حضور داشتند، به ویژه خود را بسیار صمیمی نشان می‌دادند. در میهمانی‌های قبلی، همسران وابسته‌های نظامی کم و بیش در گوشه‌ای جمع می‌شدند، ولی در این مراسم آنها نیز در جمع میهمانان پخش بودند و با آنها صحبت می‌کردند. همسر دستیار وابسته نظامی شوروی، سرگرد نیکلای کوچیف، همه آمریکایی‌های حاضر در مجلس را با زبان انگلیسی نسبتاً روان خود متعجب ساخت، زیرا تا آن زمان هیچ کس نمی‌دانست که او انگلیسی بلد است.

تلاش مقامات شوروی برای حاکم کردن فضایی صمیمی و دوستانه بر مراسم بر هیچ کس پوشیده نبود. در میهمانی‌های قبلی سفارت شوروی، مقامات آمریکایی متوجه شده بودند که روس‌هایی که از نظر آنها مأموران اطلاعاتی هستند، نزدیک آنها می‌ایستادند و سعی می‌کردند دزدانه به گفتگوهای آنها گوش بدهند. در این میهمانی نیز مأموران اطلاعاتی حضور داشتند، ولی اصلاً تلاش نکردند به گفتگوهای آنها گوش دهند.

فضای ایجاد شده در این میهمانی با توجه به شکست دیپلماتیک نسبتاً شدیدی که روس‌ها فقط چند هفته پیش با اعلام تعهد ایران به پیمان بغداد متحمل شده بودند، قابل توجه بود. در آن زمان، بسیاری از ناظران نه فقط انتظار داشتند که شوروی دست به انتقام‌جویی بزند، بلکه پیش‌بینی می‌کردند مقامات شوروی در ایران نیز ماه‌ها از خود خصومت نشان دهند. فضای حاکم بر میهمانی در تضاد کامل با رفتاری بود که طبق گزارش سفارت آمریکا در مسکو مقامات عالی‌رتبه شوروی در مراسم سالگرد تولد شاه در ۲۸ اکتبر در سفارت ایران از خود نشان داده بودند.

(نگاه کنید به تلگرام شماره ۹۹۹ مورخ ۲۷ اکتبر ۱۹۵۵ سفارت آمریکا در مسکو).

فیلیپ کلاک

دبیر اول سفارت

سند شماره ۲۳۸

۲۰ دسامبر ۱۹۵۵ - ۲۸ آذر ۱۳۳۴

به: بخش سیاسی

تاریخ: ۲۰ دسامبر ۱۹۵۵

طرف‌ها: ای. کی. فدولف، وابسته بخش کنسولی سفارت شوروی، و رابرت جی. کارل

موضوع: گزارش گفتگو

محرمانه

از: رابرت جی. کارل

مکان: رستوران سورنز



اطلاعات بیوگرافی

فدولف در سال ۱۹۲۷ در مسکو به دنیا آمد. فارغ التحصیل دانشکده وزارت امور خارجه شوروی است. تخصص او در مطالعات شرقی است. زبان‌ها: فارسی - خوب؛ انگلیسی - نسبتاً خوب. متأهل و دارای یک پسر ۵ ماهه است. همسرش فارغ التحصیل دانشگاه مسکو است. در ماه دسامبر ۱۹۵۵ وارد تهران شده است. اولین مأموریت خارج از کشور اوست.

توصیف فیزیکی

تقریباً ۵ فوت و ۹ اینچ قد، ۱۵۰ پوند وزن، با موهای قهوه‌ای روشن یا بلوند تیره، و چشمان خاکستری-سبز، لاغراندام با گونه‌های برآمده.

پیشینه

فدولف در ارتباط با تقاضای تأیید سوابق دانشگاهی استیک نیکلاونا نرسسیان و واگان آروتیونویچ کرسنجیان، دو تبعه شوروی که در دانشسرای آمریکایی تبریز و تهران درس خوانده بودند، به بخش کنسولی آمده بود. در همین موقع بود که گزارشگر را به صرف ناهار دعوت کرد.

موضوع گفتگو

۱- فعالیت‌های بنیاد تولستوی و مهاجرت اتباع روس به ایالات متحده
۲- تعداد آمریکایی‌های مقیم ایران و مقاصد صلح‌آمیز اتحاد شوروی
۳- تسهیلات زبان‌آموزی برای سرویس خارجی شوروی در مسکو
۴- دیدار گزارشگر از اتحاد جماهیر شوروی
در زیر خلاصه‌ای از اظهارات فدولف ایفاد می‌گردد. بخشی از گفتگوی ما به زبان فارسی و بخش دیگر به زبان انگلیسی انجام شد.

۱- فدولف پرسید فعالیت بنیاد تولستوی در تهران در چه زمینه‌ایست و سپس می‌خواست بداند چند نفر از اتباع روس داشتند به ایالات متحده مهاجرت می‌کردند. در همین ارتباط او پرسید که آیا کشورها برای مهاجرت به آمریکا دارای سهمیه خاصی هستند یا خیر. فدولف همچنین اظهار داشت که دفترش نیز در حال بازگرداندن آمریکایی‌ها به اتحاد شوروی است.

۲- وابسته سفارت شوروی پرسید چرا این همه آمریکایی در ایران هستند و اینکه آیا حقیقت دارد که ایالات متحده می‌خواهد پایگاه نظامی در ایران مستقر سازد. در این ارتباط گفت واقعاً جای تأسف دارد که رهبران ایالات متحده مصمم به ادامه جنگ سرد هستند در حالی که اتحاد شوروی برای صلح تلاش می‌کند.

۳- فدولف گفت امکانات آموزش زبان در دانشکده وزارت امور خارجه شوروی بسیار ناچیز است. او گفت تأکید اصلی بر دستور زبان و ادبیات است و آموزش ویژه‌ای برای مکالمه داده نمی‌شود. او افزود اعضای سرویس خارجی شوروی به ازای هر زبانی که بلد باشند ۱۰ درصد حقوق بیشتری دریافت می‌کنند.

۴- گزارشگر درباره امکان دیدار از اتحاد شوروی پرسید. فدولف گفت می‌تواند به سادگی ترتیب این کار را بدهد و ظرف مدت کمتر از یک ماه ویزای او را آماده کند.

نظرات

علاوه بر موضوعات فوق، درباره مسایل دیگر نیز به طور مبسوط صحبت کردیم. نمی‌توانم بگویم که آیا به دنبال اطلاعات خاصی بود یا خیر. از آنجایی که گزارشگر مسئول صدور ویزاست، شاید فدولف به برنامه پناهندگی سفارت علاقه داشته باشد. فضای حاکم بر گفتگوی ما بسیار دوستانه بود و به نظر می‌رسید وابسته شوروی کاملاً به ادامه تماس‌ها علاقه دارد.

سند شماره ۲۳۹

۲۲ دسامبر ۱۹۵۵ - ۳۰ آذر ۱۳۳۴

محرمانه

به: بخش سیاسی

از: رابرت جی. کارل

تاریخ: ۲۰ دسامبر ۱۹۵۵

مکان: رستوران سورنز

طرف‌ها: ای. کی. فدولف، وابسته بخش کنسولی سفارت شوروی و رابرت کارل

موضوع: گزارش گفتگو

اطلاعات بیوگرافی

فدولف در سال ۱۹۲۷ در مسکو به دنیا آمد. فارغ التحصیل دانشکده وزارت امور خارجه شوروی است. تخصص او در مطالعات شرقی است. زبان‌ها: فارسی - خوب؛ انگلیسی - نسبتاً خوب. متأهل و دارای یک پسر ۵ ماهه است. همسرش فارغ التحصیل دانشگاه مسکو است. در ماه دسامبر ۱۹۵۵ وارد تهران شده است. اولین مأموریت خارج از کشور اوست.

توصیف فیزیکی

تقریباً ۵ فوت و ۹ اینچ قد، ۱۵۰ پوند وزن، با موهای قهوه‌ای روشن یا بلوند تیره، و



چشمان خاکستری - سبز، لاغر اندام با گونه‌های برآمده.

آقای فدولف در حدود ساعت ۱۱:۳۰ صبح در ارتباط با دعوتی که روز ۱۵ دسامبر برای صرف ناهار از من کرده بود، تماس گرفت و قرار شد همدیگر را ساعت ۱:۰۰ بعد از ظهر در رستوران سورنز ملاقات کنیم.

ما درباره موضوعات پراکنده‌ای صحبت کردیم و بخشی از گفتگوهایمان به فارسی و بخشی نیز به انگلیسی بود. فدولف مشخصاً می‌خواست بداند که بنیاد تولستوی در تهران چه فعالیت‌هایی انجام می‌دهد. او همچنین به دانستن تعداد ویزاهایی که برای اتباع روس صادر شده است، علاقه نشان داد. در زیر خلاصه‌ای از گفتگوها ایفاد می‌گردد:

فدولف سر صحبت را با پرسیدن احوال همسر و فرزندم شروع کرد. او گفت پسرش این اواخر قدری کسالت داشته است. به نظر فدولف، پسرش گریپ داشت. گفت همسرش تهران را دوست ندارد و دلش برای مسکو خیلی تنگ شده است. گفت قصد دارد به محض خوب شدن پسرش او و همسرش را به مسکو بفرستد زیرا آب و هوای تهران به آنها نمی‌سازد. از فدولف درباره امکان دریافت ویزای اتحاد شوروی پرسیدم. گفت به سادگی می‌تواند ترتیب صدور ویزا را بدهد. درباره هزینه سفر به شوروی پرسیدم. گفت یک تور سیاحتی برای توریست‌ها وجود دارد که کل هزینه آن روزانه ۱۵ دلار است.

آقای فدولف سپس پرسید که این همه آمریکایی در ایران چه می‌کنند و اظهار داشت که آیا احتمالاً آمریکا قصد استقرار پایگاه‌های نظامی را در ایران دارد. پرسید سیاست آمریکا در ایران چیست و افزود هر چند ملت آمریکا طرفدار صلح است، متأسفانه رهبران آمریکا به دنبال جنگ سرد هستند. دلایلش برای داشتن ایده مزبور این بود که ایالات متحده باید حداقل ۵۰ درصد تولید ناخالص ملی‌اش را صادر کند و برای خلاص شدن از مازاد محصولات خود به بازارهای خارجی نیاز دارد. آقای فدولف گفت که آقای آیزنهاور بدون شک آدم خوبی بود، ولی آقای دالز با طرفداری از ادامه تاکتیک‌های جنگ سرد نشان داده است که با اتحاد شوروی شدیداً خصومت دارد.

آقای فدولف پس از اظهار این نظرات سیاسی قدری هم درباره آموزش‌هایی که در مسکو دیده بود، صحبت کرد. گفت امکانات آموزش زبان در دانشکده وزارت امور خارجه شوروی بسیار ناچیز است. همه استادان روس هستند و هیچ معلم انگلیسی‌زبانی در آنجا کار نمی‌کند. تأکید بیشتر بر دستور زبان و ادبیات است و آموزش‌های خاصی برای مکالمه وجود ندارد. آقای فدولف گفت که در طول تحصیلش در دانشگاه، جایزه استالین را دریافت کرده و شاگرد اول کلاس بوده است.

آقای فدولف سپس درباره قوانین مهاجرت آمریکا پرسید و گفت آیا کشورها دارای سهمیه خاصی برای مهاجرت به ایالات متحده هستند. اظهار داشت انگشت‌نگاری از مهاجران در ایالات متحده شرم‌آور است و روس‌ها فقط از جنایتکاران انگشت‌نگاری می‌کنند. خیلی گذرا

گفت که سفارت شوروی در تهران تعداد زیادی از اتباع آمریکایی را به اتحاد شوروی بازگردانده است.

ملاقات ما در ساعت ۳:۳۰ بعداز ظهر تمام شد و آقای فدولف من را با یک بیوک سدان ۱۹۴۲ به سفارت آمریکا بازگرداند. وقتی به سفارت رسیدیم گفت مایل است بیشتر با هم ملاقات کنیم زیرا تبادل آرا برای آشنایی و درک بهتر یکدیگر ضروری است. همچنین گفت او و همسرش با کمال میل دعوت من را خواهند پذیرفت.

سند شماره ۲۴۰

محرمانه

۲۷ دسامبر ۱۹۵۵ - ۵ دی ۱۳۳۴

به: بخش سیاسی - آقای کلاک

از: رابرت جی. کارل

موضوع: پیش‌زمینه صرف ناهار با فدولف از سفارت شوروی

چند ماه پیش فدولف به همراه یکی از همکارانش به بخش کنسولی آمدند و تقاضای مساعدت کردند. آنها از سفارت تقاضا داشتند صحت و اصالت مدرکی را که دانشسرای آمریکایی زنان در تبریز در سال ۱۹۲۸ برای خانم آستیک نیکولایونا نرسیان صادر کرده بود، تأیید کند.

آنها همچنین از سفارت تقاضا داشتند مدارک مربوط به تحصیل شخصی به نام واگان آروتیونویچ کرسنجیان را که در سال ۱۹۳۰ در دانشسرای آمریکایی تهران درس خوانده بود، از دانشسرای فوق درخواست کنیم. آنها توضیح دادند که هر دو نفر از اتباع شوروی هستند و تأیید مدارک تحصیلی آنها در ارتباط با اشتغالشان در اتحاد شوروی ضروری است. آقای لاوسن موافقت کرد که در این امر به آنها کمک کند. با مساعدت کنسولگری آمریکا در تبریز، مدرک تحصیلی صادر شده از دانشسرای آمریکایی تبریز تأیید شد و به سفارت شوروی تحویل گردید.

فدولف چند بار در ارتباط با بخش دوم درخواستش، به من تلفن زد و در نهایت قرار ملاقاتی برای گفتگو درباره آن ترتیب دادیم.

در همین مدت، اطلاعات مورد نظر او به دست آمده بود و زمانی که فدولف در تاریخ ۱۵ دسامبر به دفتر من آمد، اطلاعات مزبور به او تحویل شد. او چند دقیقه‌ای درباره زندگی در تهران صحبت کرد و سپس من را به صرف ناهار در هفته آینده دعوت کرد.

به دلیل موضوعات بسیار پراکنده‌ای که به هنگام صرف ناهار درباره آنها صحبت کردیم، نمی‌توان گفت که آیا فدولف به دنبال اطلاعات خاصی بود یا خیر. از آنجایی که من مسئول صدور ویزا در سفارت هستم و اینکه فدولف درباره برنامه پناهندگی، و فعالیت‌های بنیاد تولستوی و تعداد ویزاهای صادر شده برای اتباع روس پرسید، احتمالاً علاقه اصلی او به این موضوع بوده است.



سند شماره ۲۴۱

از: رابرت جی. کارل، دبیر سوم سفارت آمریکا
طرف‌ها: ای. کی. فدولف، وابسته بخش کنسولی سفارت اتحاد شوروی و رابرت کارل،
دبیر سوم سفارت آمریکا

موضوع: خلاصه گفتگوهای فدولف و گزارشگر

محل: دانشگاه تهران

مناسبت: برنامه فرهنگی دفتر نمایندگی سیاسی لهستان



موضوع گفتگو

- ۱- تعداد آمریکایی‌های مقیم ایران
- ۲- دانشجویان ایرانی عازم به خارج
- ۳- نظام مرخصی سرویس خارجی شوروی
- ۴- پایگاههای خارجی آمریکا و تمایل شوروی به صلح
- ۵- رئیس جمهور بعدی ایالات متحده

پیش زمینه

گزارشگر، فدولف را در خلال یک برنامه فرهنگی که از سوی دفتر نمایندگی سیاسی لهستان در دانشگاه تهران ترتیب داده شده بود، ملاقات کرد. در زیر خلاصه‌ای از گفتگوهای طرفین که عمدتاً به زبان انگلیسی انجام شد ایفاد می‌گردد.

۱- فدولف اظهار داشت تعداد آمریکایی‌ها در تهران خیلی زیاد شده است و می‌خواست بداند که آنها در تهران چه می‌کنند. او خاطر نشان کرد فراوانی سیگارهای آمریکایی در بازار سیاه بیانگر فراوانی سربازهای آمریکایی در ایران است.

۲- او پرسید چند دانشجوی ایرانی عازم آمریکا هستند و اینکه آیا به طور خصوصی به آمریکا می‌روند و یا از طرف دولت به آنجا اعزام می‌شوند. او توضیح داد که از زمان مداخله آمریکا در ایران، از تعداد دانشجویان ایرانی عازم شوروی بسیار کاسته شده است.

۳- فدولف در پاسخ به گزارشگر گفت اعضای سرویس خارجی شوروی در طول هر سال یک ماه مرخصی استحقاقی دارند. او افزود چنانچه کسی از مرخصی‌اش استفاده نکند به جای آن حقوق دریافت می‌کند.

۴- آقای فدولف از آنچه شبکه رو به گسترش پایگاههای آمریکایی در خارج خواند، ابراز تأسف کرد. او گفت اتحاد شوروی برای صلح تلاش می‌کند. او برای اثبات این امر، به کاهش ده درصدی هزینه‌های نظامی شوروی اشاره کرد. فدولف گفت متأسفانه رهبران کنونی آمریکا بر خلاف روزولت علاقه‌ای به صلح ندارند. فدولف پذیرفت که البته دولت متبوع او نیز

اشتباهاتی مرتکب شده است. مخصوصاً در عدم درک زودتر شر «بریا».

۵- فدولف به نتیجه انتخابات آتی ریاست جمهوری در آمریکا ابراز علاقه کرد. از گزارشگر پرسید که آیا اگر استیونسن انتخاب شود، برای صلح تلاش خواهد کرد.

نظرات

انگلیسی فدولف بهتر از آن چیزی است که در ابتدا به نظر می‌رسید. فدولف خیلی دوستانه رفتار کرد و گویی از مصاحبت با گزارشگر لذت می‌برد. او بر هیچ موضوع خاصی تأکید نداشت. با وجود این، باز هم همان سئوالی را که در ملاقات اول با گزارشگر درباره تعداد آمریکایی‌های مقیم ایران پرسیده بود، تکرار کرد.

سند شماره ۲۴۲

۴ آوریل ۱۹۵۶ - ۱۵ فروردین ۱۳۳۵

به: رئیس بخش سیاسی

زمان: ۸ شب - ۴ آوریل ۱۹۵۶

موضوع: نمایش فیلم توسط بخش مطبوعاتی دفتر نمایندگی سیاسی لهستان

فقط جهت استفاده اداری

از: رابرت جی. کارل، دبیر سوم

محل: سینما رویال، تهران

خلاصه و توصیف

در ابتدا قرار بود این فیلم در تاریخ ۱۴ مارس ۱۹۵۶ به نمایش درآید، ولی به دلیل فوت یکی از مقامات عالی‌رتبه کمونیست لهستان (بیروت) نمایش آن تا تاریخ ۴ آوریل به تعویق افتاد.

نمایش فیلم در ساعت ۸ شب در سینما رویال، که یک سینمای تجاری در خیابان شاهرضا است، صورت گرفت. برای حضور در سینما ارایه کارت دعوت ضروری بود. نزدیک به ۵۰۰ نفر در سینما حضور داشتند. گزارشگر افراد زیر را می‌شناخت:

۱- نفرات سفارت شوروی و در رأس آنها سفیر این کشور.

۲- نفرات هیأت‌های اقماری در تهران.

۳- نفرات سفارت هند و در رأس آنها آقای شاه.

۴- بسیاری از ایرانی‌ها از جمله برخی مقامات دون‌پایه از وزاتخانه‌های آموزش و پرورش

و امور خارجه.

نمایش فیلم در سه بخش انجام شد: ابتدا یک فیلم مستند درباره زندگی پرنده‌گان در لهستان، سپس یک کارتن، و در نهایت فیلم اصلی که «ساعت امید» نام داشت (خلاصه فیلم به پیوست ایفاد شده است).

پیش از نمایش فیلم چند نطق کوتاه نیز ایراد شد. ابتدا یکی از مقامات دفتر نمایندگی

سیاسی لهستان به زبان انگلیسی درباره پیشرفت صنعت فیلم‌سازی در لهستان از سال ۱۹۴۵ تا



کنون صحبت کرد. دو نطق دیگر از سوی دو منتقد ایرانی به فارسی در مورد همین موضوع ایراد شد. دکتر کاووسی که نام او در فهرست دعوت‌شدگان برای ایراد سخنرانی بود، در جلسه حضور نداشت. گزارشگر از دو مقام آشنا در سفارت شوروی درباره انتقاد از استالین در اتحاد جماهیر شوروی پرسید. هر دوی آنها گفتند که در غرب در این باره اغراق شده است و نباید آنها را باور کرد. آنها از ادامه بحث در این باره خودداری کردند.

نظرات

هیچ اتفاق خاصی رخ نداد. هیچ چیزی بین میهمانان سرو نشد و کل مراسم خیلی غیررسمی بود. فیلم‌ها خوش‌ساخت بود و ظاهراً حضار نیز از تماشای آنها لذت بردند. متوجه هیچ‌گونه تبلیغات ضدآمریکایی نشدم. از آنجایی که همان شب افسر کشیک بودم نتوانستم تا آخر مراسم آنجا باشم و واکنش نهایی حضار را ببینم.

سند شماره ۲۴۳

۱۶ آوریل ۱۹۵۶ - ۲۷ فروردین ۱۳۳۵

محرمانه

به: رئیس بخش سیاسی

از: رابرت جی. کارل، دبیر سوم

زمان: شب ۱۶ آوریل ۱۹۵۶

محل: هتل پارک، تهران

موضوع: ملاقات با ای. کی. فدولف، وابسته سفارت شوروی

خلاصه

فدولف در حدود ساعت ۴:۳۰ بعد از ظهر مورخ ۱۶ آوریل در اداره با من تماس گرفت. به من گفت که فردای همان روز به مدت یک ماه و اندی برای مرخصی به شوروی خواهد رفت و من را دعوت کرد برای صرف نوشیدنی و خداحافظی با او به دیدنش بروم. در ساعت ۸:۳۰ دقیقه شب او را در کنسولگری شوروی ملاقات کردم و با همدیگر به هتل پارک رفتیم. شام را در همانجا صرف کردیم و تا ساعت ۱۱:۰۰ با یکدیگر حرف زدیم. سپس خداحافظی کردیم و از یکدیگر جدا شدیم.

در طول گفتگوهایمان درباره موضوعات زیر صحبت کردیم:

- ۱- فوت نماینده تجاری شوروی در ایران
 - ۲- برنامه فدولف برای اوقات مرخصی‌اش در شوروی
 - ۳- جایز الخطا بودن استالین
 - ۴- حسن نیت اتحاد شوروی
 - ۵- پیمان بغداد و خاورمیانه
 - ۶- دستگیری وابسته نظامی شوروی در حال جاسوسی
- ۱- اطلاعات جدیدی در مورد این موضوع دستگیرم نشد. فدولف خیلی گذرا گفت که



نماینده تجاری شوروی پس از بازگشت از شوروی به ایران بر اثر سکت قلبی درگذشته است.
۲- فدولف تقریباً به صورت مبسوط درباره برنامه مرخصی‌اش در شوروی صحبت کرد. از اینکه به وطنش برمی‌گردد خیلی خوشحال بود. به طور خلاصه اینکه او می‌خواهد با اتوبوس به بندر پهلوی، از آنجا با کشتی به باکو، و از آنجا با قطار به مسکو برود، صحبت کرد. گفت ترجیح می‌داد با هواپیما به مسکو برود ولی همسرش می‌ترسد که مبادا هواپیما با یکی از بالن‌های هواشناسی آمریکا تصادف کند.

[وی گفت]: به محض رسیدن به مسکو قصد دارد یک اتومبیل بخرد (به قیمت ۱۰ هزار روبل) زیرا بالاخره در فهرست خریداران ماشین، نوبت به نام او رسیده است. و نهایتاً اینکه قصد دارد بیشتر اوقات مرخصی خود را با اتومبیلش به نقاط توریستی شوروی سفر کند.

۳- از فدولف خواستم تا توضیحاتی درباره تغییرات اخیر در اتحاد شوروی، به ویژه تقدس‌زدایی استالین، به من بدهد. او در ابتدا نسبتاً خصمانه رفتار کرد، و گفت شکی ندارد که من مطالب دروغ مطبوعات خارجی را خوانده و اطلاعات غلط به دست آورده‌ام. سپس با لحنی آرام‌تر توضیح داد که هر چند استالین مرد بزرگی بود، اشتباهات متعددی مرتکب شد، که بدترین آنها تمرکز قدرت در دستان خودش بود. فدولف ادامه داد این امر نشانه بلوغ، پیشرفت، و قدرت دولت شوروی است که توانسته است اقدامات گذشته خود را نقد کند.

از فدولف پرسیدم که آیا جرأت می‌کرد چند سال پیش این نوع انتقادات را مطرح کند. او گفت خیر، چون این کار خطرناک بود؛ با وجود این، گفت همان موقع هم به تمرکز بیش از حد قدرت در دستان استالین فکر کرده و با آن مخالف بوده است.

۴- پس از آن، فدولف به طور مبسوط و تقریباً ملتمسانه درباره لزوم روابط صلح‌آمیز و دوستانه بین آمریکا و اتحاد شوروی صحبت کرد. نکته اصلی سخنش این بود که ایالات متحده باید به جنگ سرد خاتمه دهد و به تلاش‌های صلح‌آمیز اتحاد شوروی برای گرمی روابط پاسخ گوید.

۵- فدولف سپس به پیمان بغداد و خاورمیانه اشاره کرد. او گفت با خواندن اخبار مطبوعات مبنی بر اینکه یک بحران جدی در خاورمیانه در حال شکل‌گیری است، حیرت‌زده شده است. او گفت تمامی مشکلات خاورمیانه نتیجه پیمان بغداد و یا رقابت آمریکا و انگلیس در این منطقه است. او سپس گفت که می‌داند عدم تعهد ایالات متحده، به دلایل سیاسی داخلی بوده است.

۶- از فدولف پرسیدم آیا خبر تازه‌ای درباره سرگرد کوزنتسوف دارد. ظاهراً مطرح کردن این مسئله او را خیلی ناراحت کرد زیرا کل موضوع را توطئه‌ای از سوی ایرانی‌ها با همدستی آمریکا خواند.

نظرات کلی

فدولف قدری قابل تحمل‌تر از همیشه‌اش بود. هر چند او دست از حملات معمولش به

سیاست‌های آمریکا بر نداشتن بود، نظراتش خیلی حزبی نبود و از گذشته راحت‌تر و دوستانه‌تر رفتار می‌کرد. فکر می‌کنم قصدش از دعوت کردن من، چنانکه قبلاً گفتم، واقعاً همان خداحافظی بود تا بدینوسیله بتواند در صورت بازگشت به ایران، تماس‌هایش را حفظ کرده باشد. برداشت من از چندین ملاقاتی که با او داشتم این است که فدولف قبل از دیدار من فهرستی از موضوعات مورد نظرش را یادداشت می‌کند و در طول صحبت بدون توجه به منطق و موضوع صحبت آنها را به ترتیب مطرح می‌سازد. رفتار او چیزی بین تلاش برای میج‌گیری و یا تحریک من و در عین حال دادن اطمینان خاطر از بابت حسن نیت شوروی بوده است.

سند شماره ۲۴۴

۱۹ آوریل ۱۹۵۶ - ۳۰ فروردین ۱۳۳۵

محرمانه

به: رئیس بخش سیاسی

از: رابرت اس. برت، دبیر دوم

محل: باشگاه شوروی، خیابان استالین

زمان: ساعت ۱۹:۳۰، تاریخ ۱۹ آوریل ۱۹۵۶

موضوع: نمایش فیلم توسط سفارت شوروی

خلاصه

نفرات سفارت شوروی و در رأس آنها سفیر و همسرش خانم لاورنتیف در مراسم نمایش فیلم «دوستی ملت‌های بزرگ» پذیرای تقریباً ۵۰ نفر بودند که اکثر آنها را اعضای تیم دیپلماتیک تهران تشکیل می‌دادند. این فیلم رنگی مستند درباره سفر بولگانین و خروشچف به هند بود. این فیلم تقریباً دو ساعت بود.

گزارشگر میهمانان زیر از جمله اعضای این سفارت را می‌شناخت:

- ۱- وزیر مختار سوئیس، آنتون آر. گنز
- ۲- سفیر افغانستان، سردار اعلا محمد عمر، و محمد ولی رکایی، دبیر دوم سفارت افغانستان

۳- سفیر فرانسه، ژاک امیل پری

۴- کاردار هلند، ان. وان دیجی

۵- نفرات هیأت‌های اقماری در تهران

۶- وابسته تجاری اتریش

پیش از نمایش فیلم، چای و شربت پرتقال سرو شد.

برخی از میهمانان از جمله سفیر فرانسه و افغانستان لباس رسمی پوشیده بودند و پیش از پایان فیلم باشگاه را ترک کردند. آنها احتمالاً به میهمانی کاخ گلستان می‌رفتند (سفیر فرانسه در کاخ گلستان رؤیت شد).

نظرات

فیلم از لحاظ فنی خوب و رنگ و تکنیک فیلم‌برداری آن قابل تحسین بود. ولی از لحاظ



کارگردانی ضعیف و بسیار طول و دراز بود. فیلم مزبور را دو ساعت تمام بدون هدف کش داده بودند در حالیکه ۴۵ دقیقه برای آن کافی بود. موضوع فیلم استقبال جمعیت عظیمی از هندی‌ها از این دو مقام شوروی، بوسیدن کودکان هندی و دادن آب‌نبات به کودکان از سوی آن دو شخصیت و استقبال گرم نهرو و سایر رهبران هند از این دو نفر بود. توضیح فیلم به زبان فارسی بود. بولگانین رئیس هیأت وزیران و خروشچف رئیس شورای عالی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی معرفی شدند. نکته جالب فیلم، دیدار این دو مقام شوروی از محل احداث سدی بود که مهندسان آمریکایی آن را طراحی کرده‌اند. برداشتی که فیلم می‌خواست القا کند این بود که روابط هند و اتحاد شوروی نمی‌تواند از این دوستانه‌تر باشد. هنوز تندیس استالین و تصویر بزرگی از او در حال اصلی باشگاه دیده می‌شد. یکی از مقامات سفارت شوروی که با یکی از آمریکایی‌های حاضر در مراسم صحبت کرده بود، کنجکاوی زیادی درباره محل اقامت ناظران آمریکایی مجلس مشورتی پیمان بغداد در تهران و اینکه چه کسی ترتیب اقامت آنها را داده، نشان داده بود.

سند شماره ۲۴۵

۲ می ۱۹۵۶ - ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۵

محرمانه

سفارت آمریکا، تهران

مرجع: CA-5388 - ۱۹ ژانویه و نامه سفارت - ۸۳۲ - ۴ آوریل ۱۹۵۶

[موضوع]: تماس با نمایندگان شوروی در ماه آوریل

نظرات کلی

هر چند روند مهمی در طول این ماه مشاهده نشد، ولی برخی مسایل قابل ذکر است. اول اینکه سفیر فرانسه، اچ. ای. ژاک پری، حضور پررنگ‌تری در میهمانی‌های روس‌ها پیدا کرده است. مثلاً، او تنها سفیر کشورهای عضو ناتو بود که در مراسم پخش فیلم سفارت شوروی که همزمان با میهمانی نخست‌وزیر ایران در کاخ گلستان به مناسبت کنفرانس پیمان بغداد در تهران برگزار شد، شرکت داشت. از نظر ما او به دستور دولت فرانسه این کار را انجام می‌دهد، هر چند ممکن است به رأی خویش در این میهمانی‌ها حضور پیدا کرده باشد. کلیه اعضای عالی‌رتبه هیأت دیپلماتیک شوروی، از جمله اقمار آن، به مجلس دوم [نخست وزیر ایران] دعوت شده بودند.

یک مسئله دیگر این بود که ظاهراً روس‌ها به عمد میهمانی پخش فیلم خود را همزمان با مجلس رسمی نخست وزیر ایران برگزار کردند. ظاهراً با این کار می‌خواستند بهانه‌ای برای



شرکت نکردن مقامات شوروی و اقرارش در میهمانی نخست وزیر بتراشند و تا آنجا که می‌توانند از میهمانان او بکاهند. (نگاه کنید به گزارش شماره ۹۰۷ به تاریخ ۲۴ آوریل ۱۹۵۶) وابستگان نظامی شوروی و دستیارانشان در طول این ماه چندان مشهود نبودند. تنها کسی که در چند موقعیت رؤیت شد، سرهنگ دولین، وابسته نظامی شوروی، بود. دیدار السکاندرف، وابسته سفارت شوروی، از اصفهان، که احتمالاً در ساختمان قدیمی کنسولگری شوروی در این شهر اقامت کرده است، و همچنین از شیراز، بیانگر این است که تعدادی از مقامات سفارت در حال گردش در ایران هستند. تعداد کمتری از دیپلمات‌های شوروی نیز در باشگاه تهران رؤیت شدند که رفتار و صحبت‌هایشان عادی بود.

۱- سروان جیزز ری، دستیار وابسته نیروی هوایی آمریکا، و سرگرد نیکلای کوگوشف، دستیار وابسته نظامی شوروی.

در تاریخ ۴ آوریل، سروان ری فیلم سیرک شوروی را که به او امانت داده بودند، بازگرداند. چنانکه در گزارش سفارت به شماره ۸۳۲ آمده است، به هنگام برگرداندن فیلم، دو شماره از نشریه‌های USIS به نام‌های «دموکراسی چیست؟» و «کمونیسم چیست؟» نیز به کوگوشف داده شد. او قبلاً به یکی از این کتاب‌ها که در دفتر وابسته نیروی هوایی دیده بود، علاقه نشان داده بود. وقتی فهمید که این دو کتاب به رسم هدیه به او داده شده است خیلی تعجب کرد. البته خیلی گذرا گفت که این کتاب‌ها «تبلیغاتی» هستند. سرهنگ دولین هم در این موقع حضور داشت. تنها نکته قابل ذکر در طول این ملاقات آن بود که کوگوشف به بیمارستان شوروی در تهران اشاره کرد و برای نشان دادن موفقیت گفت که اخیراً چشم یک گوسفند را به یک دختر ایرانی که چشمش آب مروارید داشته، پیوند زده‌اند. (این بیمارستان به روی ایرانی‌ها باز است.)

۲- پخش فیلم توسط سفارت لهستان

در تاریخ ۴ آوریل، لهستانی‌ها در یکی از سینماهای مرکز شهر مبادرت به اکران فیلم «ساعت امید» کردند. ابتدا قرار بود این فیلم در تاریخ ۱۴ مارس اکران شود ولی به دلیل فوت کمونیست لهستانی در بیروت اکران آن به تعویق افتاد. هیچ اتفاق مهمی رخ نداد. فیلم عمدتاً یک فیلم تبلیغاتی بود. تنها دیپلمات‌های غیر اقماری حاضر در سینما، هندی‌ها بودند. (برای جزئیات و بریده‌های جراید مربوط به همین مناسبت، نگاه کنید به پیوست شماره ۱).

۳- ملاقات خداحافظی دبیر سوم سفارت با ای. کی. فدولف، وابسته شوروی

در تاریخ ۱۶ آوریل، رابرت کارل، دبیر سوم سفارت، پیش از رفتن فدولف به مرخصی در شوروی به تقاضای او به دیدنش رفت. خلاصه گفتگوها این بود که فدولف با هواپیما به مسکو بازمی‌گردد چون همسرش از آن هراس دارد که هواپیما با یکی از بالن‌های هواشناسی آمریکا برخورد کند، تقدس‌زدایی از استالین نشان دهنده پختگی دولت شوروی است، مشکلات خاورمیانه نتیجه پیمان بغداد یا رقابت آمریکا و انگلیس در منطقه است، و این موضع

حزبی که پرونده جاسوسی کوزنتسوف یک توطئه بوده است دوباره تکرار شد. (نگاه کنید به گزارش سفارت به شماره ۷۴۶ مورخ ۳ مارس ۱۹۵۶).

- نظر آقای کارل این بود که فدولف نسبت به گذشته رفتار دوستانه‌تری داشت.

۴- میهمانی نمایش فیلم «دوستی ملت‌های بزرگ» به دعوت سفیر شوروی و خانم لاورنتیف تعداد ۱۶ نفر از نفرات سفارت دعوتنامه‌هایی به نام خود از سوی سفیر شوروی و همسرش برای شرکت در میهمانی نمایش فیلم فوق دریافت کردند که با میهمانی نخست‌وزیر ایران همزمان بود. معلوم بود همزمانی دو مراسم اتفاقی نیست. این فیلم ظاهراً همان فیلمی بود که روس‌ها ماه گذشته به نمایش گذاشته بودند و در پیوست شماره ۱ گزارش سفارت به شماره ۸۳۲ شرح آن داده شده است. موضوع فیلم سفر بولگانین و خروشچف به هند بود. (برای جزئیات برنامه و کپی دعوت‌نامه‌ها نگاه کنید به پیوست شماره ۳).

۵- کنسرت پیانوی موزیسین لهستانی در تاریخ ۲۹ آوریل

کاردار لهستان و همسرش میهمانی نسبتاً بزرگی به افتخار پیانیست لهستانی - باربارا هسه بوکوواکا در باشگاه افسران برگزار کردند. کنسرت شبیه مراسمی بود که قبلاً نیز از سوی لهستانی برگزار شده بود. مورد خاصی رؤیت نشد، تعداد زیادی از شخصیت‌های برجسته ایرانی در میان میهمانان حاضر بودند. (جهت رؤیت رونوشت دعوت‌نامه‌ها به پیوست شماره ۴ نگاه کنید)

فیلم کلاک

دبیر اول سفارت

پیوست‌ها:

۱- نمایش فیلم از سوی بخش مطبوعاتی دفتر نمایندگی سیاسی لهستان، ۴ آوریل ۱۹۵۶ (فقط جهت استفاده اداری)

۲- تماس با ای. کی. فدولف، وابسته سفارت شوروی، ۱۶ آوریل ۱۹۵۶ (محرمانه)

۳- نمایش فیلم از سوی سفارت شوروی، ۱۹ آوریل ۱۹۵۶ (محرمانه)

۴- دعوت به کنسرت پیانو، ۲۹ آوریل ۱۹۵۶ (بدون طبقه‌بندی)

سند شماره ۲۴۶

۲۱ اوت ۱۹۵۶ - ۳۰ مرداد ۱۳۳۵

محرمانه

به: سفارت آمریکا، تهران

موضوع: نیکلای میخائیلوویچ پگف، از مقامات شوروی

عطف به تلگرام شماره ۲۳۸ مورخ ۱۲ اوت ۱۹۵۶ سفارت آمریکا در تهران مبنی بر درخواست اطلاعاتی درباره ان. ام. پگف، یکی از اعضای حزب کمونیست شوروی، که نامزد پُست سفارت در ایران شده است.



ان. ام. پگف در سال ۱۹۰۵ در مسکو به دنیا آمد، و در سال ۱۹۱۹ در همان شهر در کارخانه‌ای مشغول کار شد. در سال ۱۹۲۳ به کمسومول پیوست و پس از آن از اعضای فعال این سازمان شد. در سال ۱۹۲۸ به ارتش سرخ پیوست و تا سال ۱۹۲۹ در «لشکر پرولتاریا» خدمت کرد، و پس از آن در یک کارخانه نساجی به نام «رز سرخ» که احتمالاً یک کارخانه ابریشم‌بافی بود در مسکو مشغول به کار شد. پگف بعد از ارتقای وضعیت از نامزد به عضو، در سال ۱۹۳۰ به حزب کمونیست (سازمان مسکو) پیوست. این اقدام فرصتی برای تحصیلات در اختیار او گذاشت، زیرا در سال ۱۹۳۱ دوره‌های ویژه راه‌اندازی و مدیریت کارخانه را در یک موسسه فنی، احتمالاً در مسکو، گذراند.

بر اساس یک بیوگرافی رسمی شوروی، پگف تحصیلاتش را در سال ۱۹۳۱ به اتمام رساند و پس از آن معاون کارخانه ابریشم‌بافی گورکی در مسکو شد. او پس از یک سال که در این سمت خدمت کرد به آسیای مرکزی منتقل شد، و از سال ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۵ مدیر کارخانه بزرگ ابریشم‌بافی /یمنی وی.وی. کویبیشف در جمهوری ازبک بود. او سپس به مدت چهار سال (۱۹۳۵-۱۹۳۸) در دانشکده صنعتی آل-یونیون (در رشته صنایع سبک) در /یمنی وی. ام. مولوتف در مسکو تحصیل کرد. در همین مدت دبیر سازمان حزب دانشکده بود و تجربیاتی در اداره حزب به دست آورد.

پس از اتمام تحصیلاتش از دانشکده صنعتی، در سمت دبیر سوم کمیته حزب کرای به خاور دور شوروی مأموریت یافت و در مدت کوتاهی به دبیر اولی کمیته حزب کرای پریمورسکی ارتقا یافت. کرای در اکتبر ۱۹۳۸ از کرای خاور دور جدا شده بود. در هجدهمین کنگره حزب آل-یونیون در مارس ۱۹۳۹، در کمیته مرکزی حزب عضویت یافت. پگف در طول جنگ جهانی دوم در سمتش در حزب کرای پریمورسکی باقی ماند، و در عین حال در شورای نظامی جبهه خاور دور نیز خدمت می‌کرد. او در مارس ۱۹۴۷ دبیر اولی حزب کرای را به ان. ان. اورگانف واگذار کرد و برای انجام «کارهای رهبری» به دستگاه کمیته مرکزی حزب در مسکو پیوست.

طبق یک گزارش، پست اولیه پگف در ارگان مرکزی حزب در سال ۱۹۴۷، معاونت بخش اداری در امور نظارت بر ارگان‌های حزب بود که به مدت یک سال در این سمت خدمت کرد. او در ارتباط با کارش در بخش اداری حزب، عضو هیأت تحریریه «پارتینایا ژیزن» از نشریات کمیته مرکزی بود که در ارتباط با مسایل سازمانی حزب انتشار می‌یافت. در دسامبر ۱۹۴۸، پگف رئیس بخش صنایع سبک، تحت نظر کمیته مرکزی حزب شد و احتمالاً این مقام را حداقل تا سال ۱۹۵۱ حفظ کرد.

در نوزدهمین کنگره حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی، که در اکتبر ۱۹۵۲ برگزار شد، پگف به سمت دبیر کمیته مرکزی و نامزد عضویت در شورای عالی رهبری کمیته مرکزی انتخاب شد. اگرچه در هیچ منبعی وظایف پگف بلافاصله قبل و بعد از این کنگره ذکر نشده

است، ولی دلایل چندی وجود دارد که فرض کنیم او ریاست بخشی از حزب، اتحادیه کارگری، و ارگان‌های کمسومول (کادر رهبری) را تحت نظارت کمیته مرکزی حزب، احتمالاً از سال ۱۹۵۱، بر عهده داشته است.

در تعدیل‌های سیاسی که پس از مرگ استالین (مارس ۱۹۵۲) اتفاق افتاد، پگف پست دبیری کمیته مرکزی و نامزدی عضویت در شورای عالی رهبری کمیته مرکزی را از دست داد. او به سمت دبیری شورای عالی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی انتقال یافت که تا کنون در همین سمت خدمت کرده است. در بیستمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی، در فوریه ۱۹۵۶، پگف یک بار دیگر به عضویت کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی انتخاب شد. در ماه می ۱۹۵۵ او عضو هیأتی بود که از سوی دولت شوروی از آلمان شرقی دیدن کرد، و در نوامبر ۱۹۵۵ در رأس هیأت پارلمانی شوروی به مجارستان رفت.

پگف از سال ۱۹۴۱ در شورای اتحاد، شورای عالی اتحاد جماهیر سوسیالیستی، (فقط با یک وقفه) خدمت کرده است. در ماه مارس ۱۹۴۱، در انتخابات ویژه‌ای که در کرای پریمورسکی برگزار شد، انتخاب گردید، و در ماه مارس ۱۹۴۶ از همان کرای به شورا بازگشت. او در انتخابات سال ۱۹۵۰ نامزد نبود، ولی در سال ۱۹۵۳ در انتخابات ویژه‌ای که در مولوتف اوبلاست (RSFSR) برگزار شد، به عضویت شورا درآمد. در ماه مارس ۱۹۵۴ او بار دیگر در همان اوبلاست انتخاب شد. پگف از سال ۱۹۵۱ نماینده ایوانو اوبلاست در شورای عالی RSFSR، و از سال ۱۹۵۰ معاون شورای شهر تاشکند (جمهوری ازبک) بوده است. طبق پرونده‌های موجود، پگف نشان‌های زیر را دریافت کرده است: دو نشان لنین، نشان سرخ کارگری، نشان جنگ وطن پرستانه، درجه یک، و چهار مدال.

پگف متأهل [و] طبق گزارش‌ها دارای دو دختر (۲۶ و ۲۴ ساله) و یک پسر تقریباً ۱۶ ساله است. طبق گفته‌های یک ناظر آمریکایی که به هنگام عضویت پگف در کرای پریمورسکی فعالیت‌های او را گزارش می‌کرد، پگف «سخنران خوبی است و ظاهر خوبی در بین عموم از خود به نمایش می‌گذارد.»

مورفی، کفیل

سند شماره ۲۴۷

۱۳ سپتامبر ۱۹۵۶ - ۲۲ شهریور ۱۳۳۵

محرمانه

سفارت آمریکا، تهران

[موضوع]: ورود سفیر جدید شوروی به تهران

خلاصه

انتصاب سفیر جدید شوروی در ایران مورد توجه زیاد مطبوعات این کشور قرار گرفت و این حدس و گمان‌ها را دامن زد که احتمالاً شوروی سیاست‌های خود را در قبال ایران تغییر



داده است. سفیر جدید به هنگام ورود به تهران تأثیر خوبی گذاشت زیرا نماینده نگرش جدید شوروی مبنی بر دوستی با ایران بود، ولی به رغم حسن نیتی که ظاهراً هر دو طرف از خود نشان می‌دهند، برخی از ایرانی‌ها هنوز سفیر قبلی را از یاد نبرده‌اند و [در مورد حسن نیت شوروی] ابراز تردید کرده‌اند. مقامات وزارت امور خارجه ایران نیز می‌گویند به رغم ژست دوستانه سفیر جدید، پیش‌بینی نمی‌کنند که تغییری در دیپلماسی شوروی رخ دهد.

روز ۱۳ اوت، وقتی اعلام شد که دولت شوروی شخصی را برای جانشینی آناتولی آی. لاورنتیف، سفیر شوروی در ایران، معرفی کرده است، مطبوعات ایران توجه زیادی به این موضوع مبذول داشتند، و برخی از آنها نیز تعویض اخیر را نشانه حسن نیت شوروی نسبت به ایران می‌دانند که در طول دیدار شاه از مسکو مورد بحث قرار گرفته است. دو روز بعد، وقتی وزارت امور خارجه ایران اعلام کرد که با انتصاب نیکلای میخائیلوویچ پگف در سمت سفیر شوروی در ایران موافقت کرده است، باز مطبوعات ایران پوشش خبری زیادی به این مسئله دادند و از قول «منابع آگاه» اعلام کردند که تغییر اخیر نتیجه گفتگوهای شاه با رهبران شوروی در سفر اخیرش به مسکو صورت گرفته است. در طول هفته، چندین نشریه در ایران عکس سفیر جدید شوروی را چاپ کردند، که یکی از آنها او را در مسکو در کنار شاه نشان می‌داد و زیر آن نوشته بود «سفیر جدید شوروی در دیدار شاه از مسکو به ایشان معرفی شده بود.» در واقع، شاه به سفیر چاپین گفته بود که به هنگام دیدار از مسکو از قصد رهبران شوروی برای تعویض سفیرشان در ایران به نشانه سیاست جدید این کشور برای دوستی با ایران آگاهی یافته بود. (تلگرام سفارت به شماره ۸۲، مورخ ۱۸ ژوئیه ۱۹۵۶).

در تاریخ ۱۸ اوت، پرتیراژترین روزنامه ایران به نام *اطلاعات* به نقل از «منابع وزارت امور خارجه ایران» نوشت که انتصاب پگف نشان از علاقه اتحاد شوروی به خاورمیانه دارد، زیرا «تا به حال هیچ مقامی تا این حد عالی‌رتبه به هیچیک از کشورهای خاورمیانه مأمور نشده است.» این روزنامه افزود که پگف در سمت دبیر شورای عالی رهبری شوروی، در تمام مذاکراتی که بین شاه و رهبران شوروی صورت گرفت، حضور داشت و با امور ایران آشنایی کامل دارد. ظاهراً تمامی اخباری که در ابتدا درباره انتصاب پگف منتشر می‌شد به نوعی هدف ایجاد پرستیژ برای سفیر جدید را دنبال می‌کرد، و در آنها کمتر از اهمیت این انتصاب برای روابط ایران و شوروی صحبت می‌شد. با وجود این، طولی نکشید که مطبوعات به این موضوع نیز پرداختند. در روز ۲۷ اوت، یعنی تقریباً دو هفته پیش از ورود پگف به ایران، روزنامه *اطلاعات* با لحنی انتقاد آمیز که ندرتاً از این روزنامه انتظار می‌رود، نوشت: «هر کجا که لاورنتیف سفیر شوروی بود، فعالیت‌های کمونیستی هم تشدید می‌شد.» این روزنامه به مأموریت لاورنتیف در رومانی و نسبت دادن فعالیت‌های حزب توده در ایران به مأموریت وی در ایران اشاره داشت. روزنامه *اطلاعات* سپس انتصاب جدید را نشانه‌ای از تمایل شوروی به برقراری روابط بهتر با

ایران توصیف کرد. در روز ۳۰ اوت، یک روزنامه ایرانی دیگر نوشت که اصول بنیادین سیاست شوروی مبنی بر نفوذ در ایران تغییر کرده است، و ابراز داشت پگف با پیشنهاد کمک‌های مهم فنی به دولت ایران دیپلماسی جدید شوروی را به مورد اجرا خواهد گذاشت. سه روز بعد، یک روزنامه ایرانی دیگر، با اشاره به پیشنهادهای قبلی شوروی برای مساعدت‌های فنی به ایران نوشت که پگف پیشنهادهای جدیدی به ایران ارائه خواهد داد، ولی «این بار هم» پیشنهادهای غیر قابل قبولی همراه خواهد بود. با وجود این، سردبیر همان روزنامه بعدها نوشت که انتظار داریم مرحله جدیدی در روابط ایران و شوروی شروع شود.

آقای پگف در تاریخ ۸ سپتامبر وارد تهران شد، و سعی کرد در همان فرودگاه بهترین وجهه را از خود ارائه دهد. در هواپیما با خبرنگاران رفتار صمیمی، محترمانه و دوستانه‌ای داشت، و خیلی راحت و سرزنده با آنها صحبت می‌کرد (البته احتمالاً از طریق مترجم چون خودش فقط روسی بلد است). سخنانی که به هنگام ورودش به تهران ایراد کرد، که البته از یک دیپلمات شوروی در ایران عجیب بود، از این جهت که سلام مردم شوروی را به مردم ایران رساند نیز اهمیت داشت. یکی از خبرنگاران ایرانی بعداً به یکی از کارمندان سفارت گفت که او و همکارانش شدیداً تحت تأثیر شخصیت و رفتار دوستانه آقای پگف، و همچنین این حقیقت قرار گرفته‌اند که او از دست بالا آنها را خطاب قرار نداده بلکه مثل همتایان خودش با آنها رفتار کرده است. نمونه‌ای از رفتار دوستانه او با خبرنگاران وقتی اتفاق افتاد که او وارد وزارت امور خارجه ایران شد و خبرنگاران او را محاصره کردند. در این هنگام او لبخند زنان دستش را روی شانه یکی از آنها گذاشت و وقتی یکی از مقامات وزارت امور خارجه به مزاح هشدار داد که مراقب خبرنگارها باشد چون آدم‌های خطرناکی هستند، او گفت که اتفاقاً بر عکس، آنها «انسان‌های خیلی محترمی» هستند، و او هیچ ترسی از آنها ندارد، و حاضر است هر کجا و هر زمان به سئوالات آنها پاسخ دهد. مطبوعات ایران خیلی از این رفتار دوستانه خوششان آمده و آن را در بوق و کرنا کرده‌اند، و روزنامه اطلاعات آن را «نشانه خوبی از شروع مرحله جدیدی از روابط دوستانه محکم‌تر بین ایران و اتحاد شوروی» خواند.

سفیر ایران در اتحاد شوروی نیز، که با همان هواپیمای روسی حامل پگف به تهران برگشته بود، سعی داشت شأن و مقام سفیر جدید شوروی را در ایران بالا ببرد، و به خبرنگاران گفت که پگف «یکی از مقامات بسیار عالی‌رتبه اتحاد شوروی است»، و همان داستان تکراری را گفت که در طول دیدار شاه از مسکو رهبران شوروی به او گفته‌اند که انتصاب «چنین شخص مهمی» در پست سفارت شوروی در ایران نشانه اشتیاق شوروی به برقراری روابط نزدیک‌تر با ایران و اثبات حسن نیت شوروی به مردم ایران است.

سفیر جدید استوارنامه خود را در روز ۱۲ سپتامبر تسلیم کرد. اگرچه در ابتدا قرار بود این مراسم در روز قبل برگزار شود، ولی به دلیل اینکه لباس پگف مناسب نبود، مراسم یک روز به تعویق افتاد. (تلگرام سفارت به شماره ۳۹۹، مورخ ۱۲ سپتامبر ۱۹۵۶). «ظاهر جدید» سفیر

شوروی نیز توجه مقامات وزارت امور خارجه ایران را به خود جلب کرد و به حدس و گمان‌هایی درباره آن دامن زد. هرمز قریب، رئیس تشریفات، به ویژه به سخنان غیرمعمول پگف در هنگام ورود به تهران و اصطلاح سلام رسانی «ملت به ملت» اشاره داشت، و اسماعیل مجیدی، رئیس اداره دوم سیاسی (اروپای شرقی و اتحاد جماهیر شوروی) نیز به یکی از مسئولان سفارت آمریکا گفت که به رغم رفتار متفاوت پگف، انتظار ندارد که هیچ تغییر عمده‌ای در دیپلماسی شوروی نسبت به ایران رخ دهد. اردلان، وزیر امور خارجه ایران نیز بعداً به سفیر چاپین گفت (تلگرام سفارت به شماره ۳۹۹، مورخ ۱۲ سپتامبر ۱۹۵۶) که پگف درباره تمایل اتحاد شوروی به برقراری روابط نزدیک‌تر با ایران از طریق مناسبات تجاری دوجانبه، نیروگاههای برق آبی، و پروژه‌های آبرسانی در طول مرزهای مشترک با او گفتگو کرده است، ولی اردلان گفت که پگف هیچ چیزی درباره قریب‌الوقوع بودن هر گونه کمک به اقتصاد ایران نگفته است.

به رغم تمامی حلاوت و ورود پگف به تهران، روزنامه کیهان در تاریخ ۸ سپتامبر دومین مقاله تلخ را در ستون متعلق به سردبیر منتشر ساخت. روزنامه کیهان با مروری بر دوره سفارت سلف پگف، نوشت فعالیت دیپلمات‌های شوروی در ایران در گذشته اشتباه بوده و موجبات نگرانی ایرانی‌ها را فراهم آورده است، و اینکه استفاده از عناصر برانداز (توده) برای پیشبرد اهداف شوروی فقط به ضرر اتحاد جماهیر شوروی بوده است، و به پگف پیشنهاد کرد به منظور جلب اعتماد مردم ایران تغییر در سیاست‌های شوروی ضروری است.

البته باید منتظر ماند و دید که آیا سفیر جدید شوروی به این توصیه توجه خواهد کرد و معنایی عملی به لبخندهایش خواهد داد یا خیر. واکنش ایرانی‌ها به انتصاب آقای پگف نشان می‌دهد که هر چند به خود اجازه داده‌اند قدری امیدوارانه به این مسئله نگاه کنند، واقعاً انتظار تغییر عمده‌ای ندارند.

برای سفیر
فیلیپ کلاک
دبیر اول سفارت

سند شماره ۲۴۸

استفاده محدود اداری

از: کی. او. کلارک

به: سفیر

موضوع: آقای ورونین، کاردار شوروی در تهران

آقای ورونین، کاردار جدید شوروی، قبلاً نیز دو بار در ایران مشغول انجام خدمت بوده است. چند سال پیش در سمت دبیر سوم در سفارت شوروی مشغول به کار شد، سپس به اتحاد شوروی رفت و بار دیگر در سمت دبیر اول به تهران بازگشت. او همچنین در اواخر



سال ۱۹۵۶ در سمت دستیار رئیس هیأت مرزی شوروی به ایران سفر کرد. ورونین پیش از انتصاب به سمت کاردار در تهران، معاون بخش خاورمیانه در [وزارت امور خارجه] مسکو بود. او در این سمت، میزبان هیأت مرزی ایران در طول سفرشان به شوروی بود. ورونین فارسی بلد است.

وقتی در سمت دبیر اول سفارت در سال ۱۹۵۵ در تهران مشغول به کار شد، در میهمانی ۸ ژوئن آقای مارامیس از دفتر نمایندگی سیاسی اندونزی، به اعضای سفارت آمریکا نزدیک شد و نهایتاً دوستی اتحاد شوروی و مردمش را با مردم آمریکا اظهار کرد. او همچنین تمایل شدید خود را به موفقیت کنفرانس ژنو ابراز داشت. در آن زمان ورونین از آقای کوچوگارو که از اعضای دفتر نمایندگی سیاسی رومانی بود خواهش کرد تا سخنانش را ترجمه کند. مقامات وزارت امور خارجه ایران از انتصاب او در سمت کاردار شوروی در ایران چندان راضی نیستند.

سند شماره ۲۴۹

سری

[موضوع]: نیکلای میخائیلویچ پگف

نیکلای میخائیلویچ پگف

متولد ۱۹۰۵

همسر: آگایاکولونا پگف

۱۹۴۷: دبیر اول کمیته حزب ماری تایم

۱۹۴۷-۱۹۵۲: رئیس بخش صنایع سبک، حزب همه اتحادیه‌ها

۱۹۵۰: معاون شورای شهر مسکو

۱۹۵۱: معاون منتخب RSFSR شورای عالی رهبری شوروی

۱۹۵۲: عضو کمیته مرکزی و دبیرخانه کمیته مرکزی

۱۹۵۳-۱۹۵۶: دبیر شورای عالی رهبری شوروی - خدمت کامل.

اوت ۱۹۵۶: سفیر شوروی در ایران

سند شماره ۲۵۰

۷ ژانویه ۱۹۵۷ - ۱۷ دی ۱۳۳۵

به: آقای اولکسیو

از: واترز

موضوع: تاگاشف پیشنهاد کمک [شوروی] را در بوق و کرنا کرده است

نماینده تاس دوره افتاده است و با ملاقات خبرنگارهای دیگر، پیشنهاد کمک پگف را در بوق و کرنا می‌کند. چون پیشنهاد کمک فقط یک روز روزنامه‌ها را شگفت‌زده کرد، او سعی



می‌کند علاقه به این مطلب را بر انگیزد. او به چند تن از خبرنگاران گفته است که این پیشنهاد بسیار جدی است و به صورت کتبی به وزارت امور خارجه تسلیم شده است. روز گذشته در یک مصاحبه مطبوعاتی از وزیر امور خارجه درباره این پیشنهاد پرسیده شد. او ارایه چنین پیشنهادی را تکذیب نکرد، ولی توضیحی نیز درباره آن نداد.

سند شماره ۲۵۱

محرمانه

از: چارلز ان. راسیاس

به: آقای نلسن بریکهم

موضوع: اس. ان. تاگاشف

اطلاعات زیادی درباره این شخص نداریم. فقط به زبان فارسی با هم احوالپرسی و قدری صحبت کردیم. او با شنیدن اسم من بلافاصله فهمید که یونانی تبار هستم و وقتی به او گفتم که بیشتر مردم با شنیدن اسم من فکر می‌کنند که اسپانیایی یا فرانسوی تبار هستم، خشنود شد. همسر من بعداً به من گفت که وقتی تاگاشف با او و خانم بولستر به زبانی مخلوط از انگلیسی و فارسی صحبت می‌کرد، نشان داده است که شخص باهوش و ذکاوتی است. او به وضوح از مصاحبت با خانم‌ها لذت می‌برد و خیلی دوست دارد با مخاطبش مزاح کند. او تنها روسی بود که تا آخر میهمانی ماند و ظاهراً با کاردار مجارستان، زولتان سزفیلی، خیلی دوست بود.

سند شماره ۲۵۲

محرمانه

فیلیپ کلاک

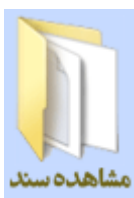
یادداشت جهت بایگانی

۴ فوریه ۱۹۵۷ - ۱۵ بهمن ۱۳۳۵

[موضوع]: ملاقات سفیر شوروی با مسئولین وزارت امور خارجه ایران

۱- روز شنبه مورخ ۲ فوریه، اسماعیل مجدی، مسئول بخش اروپای شرقی در وزارت امور خارجه ایران به DCM گفت که اخیراً با پگف، سفیر شوروی در ایران، دیدار و گفتگو داشته است. او گفت پگف را به خاطر مهارت دیپلماتیکش تحسین کرده است، ولی به DCM اظهار داشت پگف «مرد خطرناکی است، او خیلی به شاه نزدیک است، و همه‌اش به دیدن شاه می‌رود».

۲- او گفت در همان گفتگو پس از تحسین توانایی‌های دیپلماتیک پگف به روابط نزدیک ایران و شوروی اشاره کرده و گفته است که این روابط می‌تواند با آزاد کردن پزشکی که در کرمانشاه دستگیر شده است، بهبود یابد. ظاهراً این پزشک، که یکی از هفت فرد دستگیر شده است، در طول اشغال ایران در زمان جنگ یا به اصرار و یا توسط خود مقامات شوروی



دستگیر شده بود. در این مورد خاص، همسر پزشک مزبور از دولت ایران خواسته است که آزادی او را تضمین کند. پگف گفت که «به این مسئله رسیدگی خواهد کرد». بعد از مدتی به دولت ایران اطلاع داده شد که هر چند شش پزشک دیگر در شوروی در گذشته‌اند، پزشک کرمانشاهی هنوز زنده است، ولی گفته است که دوست دارد در شوروی بماند، و قصد بازگشت به ایران را ندارد. علاوه بر این، او به سفارت ایران در مسکو فرستاده شده است تا همین حرف‌ها را در آنجا نیز به اطلاع مقامات سفارت برساند. ولی سفارت ایران در پاسخ استعلام وزارت امور خارجه چنین چیزی را تکذیب کرد. با وجود این، در همین اثناء، همسر پزشک کرمانشاهی نامه‌ای از شوهرش دریافت کرد که نوشته بود قصد بازگشت به ایران را ندارد.

۳- در میهمانی سفارت یوگسلاوی که در تاریخ ۲۹ نوامبر ۱۹۵۶ برگزار شد، مجدی بار دیگر با گوشزد کردن دوستی خوب پگف با ایران و افزودن این جمله که «اگر خبر محروم بودن یک ایرانی از حق بازگشت به وطنش را به مطبوعات بدهم، یک رسوایی بزرگ ایجاد خواهد شد» درباره پزشک کرمانشاهی از پگف پرسیده بود. این مسئله پگف را ناراحت کرده و او دوباره گفته بود که به آن رسیدگی خواهد کرد. هم اقبال، وزیر دربار، و هم نخست وزیر به سفیر شوروی فشار آورده‌اند تا پزشک مزبور را آزاد کنند. در عین حال، پزشک کرمانشاهی هنوز در اتحاد شوروی است.

سند شماره ۲۵۳

۱۱ فوریه ۱۹۵۷ - ۲۲ بهمن ۱۳۳۵

محرمانه

به: چارلز ویدنی

از: فیلیپ کلاک

[موضوع]: فعالیتهای شوروی در تهران

اطلاعاتی برای کمک به جمع‌بندی فعالیت‌های شوروی در تهران

۱- وزیر امور خارجه ایران به DCM گفت سفیر شوروی و کنسولش، بازاروف، اخیراً با او ملاقات کردند تا درباره موافقت‌نامه پیشنهادی هواپیمایی غیرنظامی بین ایران و اتحاد شوروی با او گفتگو کنند.

پگف خواستار این بود که هیأتی با اختیارات زیاد برای مذاکره بر سر چنین توافقی از شوروی به ایران بیاید. ولی وزیر امور خارجه مطلوبیت اعزام چنین هیأتی را به ایران پیش از تعیین رئوس مذاکرات، زیر سؤال برده و توضیح داده است که شاید تبادل تلگرام‌ها بدون اینکه نتیجه مطلوبی داشته باشد برای مدت زیادی به طول بکشد و در نهایت شوروی‌ها نیز راضی نشوند. در عوض، وزیر امور خارجه از پگف درخواست کرده بود که رونوشت موافقت‌نامه‌هایی را که شوروی با کشورهای دیگر امضا کرده است در اختیار ایران قرار دهد. بدین ترتیب دولت ایران می‌تواند ببیند که شوروی‌ها در گذشته در این زمینه چه کارهایی



انجام داده‌اند. پگف با لغو مأموریت هیأت مزبور موافقت کرده و گفته بود که رونوشت موافقت‌نامه‌ها را در اختیار ایران خواهد گذاشت. DCM درباره امتیازات متقابل پرسید و وزیر امور خارجه گفت مسلماً در مورد آنها اصرار خواهد ورزید، ولی افزود از آنجایی که خطوط هوایمایی ایران از خلبانان آمریکایی استفاده می‌کند، مذاکرات، حتی اگر هم شروع شود، احتمالاً به نتیجه‌ای ختم نخواهد شد.

۲- مذاکرات ترانزیت: طبق گفته وزیر امور خارجه، سفارت ایران در مسکو گزارش داده بود که هیأت مذاکره کننده شوروی در راه تهران است تا گفتگوهای ترانزیت را شروع کند. در پاسخ، وزیر امور خارجه از سفارت تقاضا کرده بود که سفر هیأت مذکور را لغو کند، ولی سفارت اطلاع داده بود که هیأت قبلاً مسکو را ترک کرده است. مدیر کل وزارت امور خارجه می‌گوید که هیأت مزبور وارد تهران شده است. هیچ گفتگویی تا به حال صورت نگرفته است. زیرا کارشناسان حمل و نقل ایران برای مذاکرات بریتیش پترولیوم در بغداد به سر می‌برند. وزارتخانه مربوطه هم هنوز اعلام نکرده است که چه زمان برای شروع مذاکرات فوق آماده خواهد شد. جهت اطلاع، DG مشاهده کرده است که تعداد مقامات بازدید کننده روس از ایران بسیار افزایش یافته است.

سند شماره ۲۵۴

۲۰ ژوئن ۱۹۵۷ - ۳۰ خرداد ۱۳۳۶

فقط جهت استفاده اداری

موضوع: تاراسف

تاراسف، دبیر اول سفارت شوروی، یک مقام حرفه‌ای سرویس خارجی شوروی نیست، بلکه همچون دست راست سفیر پگف عمل می‌کند. او پیش از آمدن به تهران با پگف در شورای عالی رهبری شوروی کار می‌کرد.

سند شماره ۲۵۵

۲۷ اوت ۱۹۵۷ - ۵ شهریور ۱۳۳۶

محرمانه

به: کلیه دیپلمات‌ها و پُست‌های کنسولی ایالات متحده

موضوع: گزارش جابجایی دیپلمات‌های بلوک چین - اتحاد جماهیر شوروی

وزارت امور خارجه آمریکا در بخشنامه هوایی مورخ ۸ مارس ۱۹۴۸ و بخشنامه مورخ ۳ ژوئیه ۱۹۵۵ دستوراتی در ارتباط با تهیه گزارش از اطلاعات بیوگرافی مقامات شوروی و بلوک تابعه و همچنین جابجایی این نفرات ابلاغ کرد.

هدف از صدور بخشنامه حاضر تکرار و تأکید بر نیاز مداوم وزارت امور خارجه به گزارش‌های فوری در ارتباط با جابجایی نفرات دیپلماتیک بلوک چین و شوروی به یا از کشورهای می‌شوند.



این اطلاعات اهمیت ویژه‌ای برای وزارت امور خارجه و کل جامعه اطلاعاتی آمریکا دارد، بدین سبب که می‌تواند بیانگر و یا پیش‌بینی کننده موارد زیر باشد: (۱) تحولات سیاسی قریب‌الوقوعی که دارای اهمیت استراتژیک است، نظیر نتایج جلسات یا مجامع کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی؛ یا (۲) تغییرات تاکتیکی در سیاست خارجی این بلوک، نظیر آنچه که ممکن است در کنفرانس‌های دیپلماتیک وزارت امور خارجه شوروی ریشه بگیرد. بنابراین، جابجایی دیپلمات‌های این بلوک می‌تواند بیانگر تحولات بالقوه عظیمی باشد که بر دولت آمریکا تأثیر خواهد گذاشت و یا مورد علاقه آن خواهد بود.

به همین دلیل، وزارت امور خارجه از تمامی نفرات مربوطه تقاضا دارد، در صورت امکان با همکاری CAS، که:

- (۱) فوراً با تلگراف، اطلاعات مربوط به ورود یا خروج کلیه رؤسای هیأت‌ها، همراه با مطالب مربوط به برنامه‌ها، محل اقامت اعضای خانواده و غیره را اطلاع دهند.
 - (۲) اطلاعات مربوط به ورود و خروج دیپلمات‌های دون پایه‌تر و مقامات کنسولی عالی‌رتبه را با پست اطلاع دهند، مگر در مواقعی که به سبب مقام بالای دیپلمات و یا شرایط دیگر، ارسال اطلاعات از طریق تلگراف مناسب‌تر باشد.
- رویه و مراحل تهیه گزارش‌های مربوط به بیوگرافی دیپلمات‌ها، مقامات کنسولی و سایر مقامات، و گروه‌های نیمه‌رسمی و فرهنگی همان است که در بخشنامه‌های قبلی و اخیراً در دستورات مربوط به تماس‌های اجتماعی ابلاغ شده است.

دالز

سند شماره ۲۵۶

۲۷ سپتامبر ۱۹۵۷-۵ مهر ۱۳۳۶

سری

سروان سی. ال. مارچ

[موضوع]: مشاهدات و گفتگوهای شخصی

۱- گزارشگر در تاریخ ۲۷ سپتامبر ۱۹۵۷ نزدیک ۶ ساعت را در یک سفر ماهیگیری که به پیشنهاد ۱۶ سپتامبر ۱۹۵۷ اولیفرنکو انجام شد، گذراند. سوژه‌ها در طول سفر با خودروی پاکارد که یک راننده روس آن را می‌راند، به نوبت گزارشگر را همراهی کردند. ناهار را همان راننده تدارک دید.

۲- اطلاعات شخصی زیر از کوزنتسوف به دست آمد. او ۳۴ سال پیش در مسکو به دنیا آمده، فارغ‌التحصیل دانشگاه مسکو است، با یک دختر روس ازدواج کرده، و با او و دو پسر خردسالش در سفارت شوروی زندگی می‌کند. کوزنتسوف گفت که در طول جنگ جهانی دوم در ارتش شوروی خدمت می‌کرده و اولین بار که آمریکایی‌ها را دیده، وقتی بوده که همراه با نیروهای ژاکوف وارد برلین شده است. مدت سه سال است که در ایران به سر می‌برد، قدری



فارسی یاد گرفته است، ولی به زبان فارسی مسلط نیست.

۳- کوزنتسوف شخصی آرام، هر چند صمیمی، بود که ناخواسته نگرشی بسیار منفی نسبت به ایرانی‌ها از خود بروز می‌داد. او هیچ مسئله بحث‌انگیزی مطرح نکرد و وقتی به محل ماهیگیری رسیدم، خیلی سریع «ناپدید» شد. او در طول روز کاملاً مطیع اولیفیرنکو بود. کوزنتسوف در سمت وابسته در سفارت شوروی خدمت می‌کند.

۴- اطلاعات بیوگرافی اولیفیرنکو در گزارشی جداگانه ارسال شده است، هر چند در این سفر متوجه شدم که تعطیلات ماه ژوئیه و اوت خود را در محل تفریحی فتودوسیا در ساحل دریای سیاه گذرانده است.

۵- اولیفیرنکو از بحث و جدل‌های سیاسی خوشش می‌آید، و قبلاً و همچنین در طول این سفر، آمریکا را متهم ساخت که با نیروها و پایگاه‌های ناتو شوروی را محاصره کرده است، بدون دلیل، چین سرخ را به رسمیت نشناخته و در خاورمیانه دخالت می‌کند. او بر دوستی ملت شوروی با ملت آمریکا تأکید کرد، ولی گفت دموکراسی آمریکایی واقعاً دموکراتیک نیست، و تبعیض نژادی بر ضد سیاه پوستان و استثمار کارگران را نمونه آورد. اولیفیرنکو سپس درباره هر یک از نمونه‌هایی که ذکر کرده بود بحث کرد و مواضع معمول کمونیست‌ها را در این ارتباط بیان داشت.

گزارشگر نیز با آوردن نمونه‌هایی از حسن نیت ایالات متحده و مخالفت قاطعانه با بسیاری از استدلال‌های مبسوط اولیفیرنکو، در تأیید مواضعش، به او پاسخ داد تا اینکه بحث ناگزیر به بن بست رسید.

۶- اولیفیرنکو در تلاش برای جمع‌آوری اطلاعات از گزارشگر درباره منابع اطلاعاتی و مسیر مخابره اطلاعات پرسید، به ویژه اینکه آیا اطلاعات جمع‌آوری شده مستقیماً به واشنگتن مخابره می‌شود و یا ابتدا به سایر کشورهای خاورمیانه و ناتو ارسال می‌گردد. گزارشگر خاطر نشان ساخت که چنین سئوالی مناسب موقعیت ماهیگیری نیست. اولیفیرنکو هیچ تلاش آشکار دیگری برای جمع‌آوری اطلاعات انجام نداد.

او فاش ساخت که پگف، سفیر شوروی، در تاریخ ۱۵ اکتبر همراه با همسرش به تهران باز خواهد گشت، و بدین ترتیب خواست حدس و گمان‌های سفارت آمریکا در مورد جایگزینی او را خاتمه دهد. (پگف در تاریخ ۲۵ اکتبر همراه با دختر و نوه‌اش به تهران بازگشت - همسرش بعداً به آنها ملحق خواهد شد).

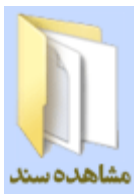
۷- محتویات این گزارش به محض تهیه در اختیار مقامات ذیربط سفارت آمریکا قرار گرفت.

جان. دبلیو. باسکا
سرهنگ، وابسته نیروی هوایی ایالات متحده

سی. ال. مارچ
سروان، دستیار
وابسته نیروی هوایی ایالات متحده

سند شماره ۲۵۷

۵ اکتبر ۱۹۵۷ - ۱۳ مهر ۱۳۳۶



فقط جهت استفاده اداری

سفارت آمریکا، تهران

مرجع: دستورات وزارت امور خارجه - ۲۷ اوت ۱۹۵۷

[موضوع]: جابجایی دیپلمات‌های بلوک شوروی

سفارت شوروی در تهران ورود دیپلمات‌های زیر را به تهران به ما اطلاع داده است:

اف. جی. کوزنتسف، دبیر اول

اف. ای. ساولچنکف، دبیر دوم، به همراه همسرش الیزاواتا

آر. پی. جاورونکف، وابسته، به همراه همسرش ناتالی

در همین حال، سفارت شوروی عزیمت دیپلمات‌های زیر را نیز اطلاع داده است:

ایوان افندیویچ شاربونکو، وابسته و بعداً دبیر سوم سفارت، که در تاریخ ۲۰ اکتبر ۱۹۵۶ به وزارت امور خارجه ایران معرفی شده بود، به همراه همسرش، نینا.

پاول واسیلیویچ رازاکف، دبیر دوم، که در تاریخ ۱۵ فوریه ۱۹۵۶ به وزارت امور خارجه ایران معرفی شده بود، به همراه همسرش، والتییا.

واسیلی پترویچ ولکف، دبیر دوم، که در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۵۵ به وزارت امور خارجه

ایران معرفی شده بود، به همراه همسرش، ماریا.

برای سفیر

چارلز. سی. استل

کنسول در امور سیاسی

سند شماره ۲۵۸

۱۰ دسامبر ۱۹۵۷ - ۱۹ آذر ۱۳۳۶



محرمانه

وابسته نیروی هوایی ایالات متحده، تهران - لئو. ام. براون

[موضوع]: اطلاعات بیوگرافی سرهنگ دوم سیمون نیکا نوروویچ سوکولف

۱- اطلاعات زیر ترجمه‌ایست از اصل سند فارسی که از طریق منبع ۲۰ به دست آمده و اطلاعاتی درباره بیوگرافی سرهنگ دوم سیمون نیکا نوروویچ سوکولف، دستیار وابسته نظامی شوروی در امور نیروی هوایی به دست می‌دهد. این افسر در تاریخ ۳۰ نوامبر ۱۹۵۷ وارد ایران شده است و جانشین سرهنگ نیکلای الکساندروویچ کوگوچف خواهد شد که به گفته خودش در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۵۷ ایران را به مقصد اتحاد شوروی ترک خواهد کرد.

بیوگرافی

نام و درجه: سرهنگ دوم سیمون نیکا نوروویچ سوکولف

مأموریت کنونی: دستیار وابسته ارتش، نیروی هوایی و دریایی شوروی در ایران

رسته سابق: نیروی هوایی شوروی، اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی
تاریخ و محل تولد: ۱۹۲۲، شهر ایوانو.

مذهب: مسیحی

تاریخ آخرین ارتقا: ماه می ۱۹۵۲

سابقه خدمت: از ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۱ دانشجوی آموزشگاه نیروی هوایی شوروی؛ ۱۹۴۱-۱۹۴۳ خلبان؛
۱۹۴۳-۱۹۴۵ خدمت در جبهه اول و چهارم اوکراین؛ ۱۹۴۶-۱۹۵۱ دانشجوی دانشکده نیروی
هوایی شوروی؛ ۱۹۵۱-۱۹۵۳ فرمانده اسکادران؛ ۱۹۵۳-۱۹۵۷ بازرس ستاد نیروی هوایی شوروی.
مدال‌ها و افتخارات: قهرمان اتحاد جماهیر شوروی؛ مدال ستاره طلایی؛ مدال لنین؛ دو مدال
«پرچم سرخ». افتخارات: الکساندر نوفسکی؛ «ستاره سرخ» جنگی درجه یک؛ مدال «به افتخار
خدمات جنگی»؛ مدال «پیروزی بر آلمان»؛ مدال «سی‌امین سالگرد تشکیل ارتش اتحاد جماهیر
شوروی»؛ مدال چکسلواکی «به افتخار شجاعت».

تاریخ ورود به ایران: ۹ آذر ۱۳۳۶ (۳۰ نوامبر ۱۹۵۷)

پست در سایر کشورها: نداشته است.

زبان: فارسی

تحصیلات نظامی و غیرنظامی: دانشکده هنرهای مکانیکی، آموزشگاه نیروی هوایی شوروی،
دانشکده نیروی هوایی شوروی
وضعیت تأهل و تعداد فرزندان: متأهل، دارای یک پسر و یک دختر.
نشانی و تلفن دفتر: تهران، خیابان چرچیل، سفارت شوروی.

نظرات گزارشگر

۲- سرهنگ کوگوچف به طور اتفاقی در دفتر G-2 به زمین خورد و کاسه زانویش شکست. او
به گزارشگر گفت اگر بلافاصله زانوی خود را در مسکو عمل نکند به دلیل معلولیت جسمی تا
آخر خدمتش وضعیت خدمت محدود پیدا خواهد کرد.

لئو. ام. براون

سرهنگ دوم،

کفیل وابسته نیروی هوایی ایالات متحده

سند شماره ۲۵۹

۱۰ دسامبر ۱۹۵۸ - ۱۹ آذر ۱۳۳۷

سری

سفارت آمریکا، تهران

مرجع: CA-4290 - ۱۰ نوامبر ۱۹۵۸

[موضوع]: زبان و حوزه مطالعات دیپلمات‌های شوروی

بدینوسیله اطلاعات اضافی موجود در ارتباط با دیپلمات‌های شوروی در تهران ایفاد



می‌گردد. اطلاعات مربوط به ۴ دیپلماتی که به تازگی وارد تهران شده‌اند، افزوده شده است. سفارت هیچ اعتراضی به طبقه‌بندی سند حاضر در رده محرمانه ندارد، ولی از آنجایی که اطلاعات مربوط به حوزه مطالعاتی نیز در این سند گنجانده شده است، نباید طبقه‌بندی پایین‌تری برای آن انتخاب شود.

نام	زبان	حوزه مطالعات
پگف، نیکلای ام.	طبق گزارش‌ها با زبان انگلیسی آشناست، ولی به آن اذعان ندارد	
کوپدیچیک، پتر پی.	(اطلاعات تازه‌ای وجود ندارد)	
کسکوف، پتر	(اطلاعات تازه‌ای وجود ندارد)	
اولیفیرنکو، گریگوری آی.	ترکی (احتمالاً) فارسی	
ولکف، میخائیل ام.	انگلیسی ۳	فارغ التحصیل مؤسسه زبان‌های خارجی مسکو
	فارسی ۵	
	پشتو ۵	
	اردو ۵	
ورونین، آلکسی ال.	فارسی ۵	
	انگلیسی ۲	
کوزنتسف، پاول جی.	انگلیسی ۲	
متروف، پاول ای.	(اطلاعات تازه‌ای وجود ندارد)	
[۴] الکساندر ای.	(اطلاعات تازه‌ای وجود ندارد)	
تاراسف، نیکلای کی.	انگلیسی ۳	
سولدیرف، ویلا کی.	فارسی ۵	
	فرانسه ۴	
کوشلف، سوریس وی.	(اطلاعات تازه‌ای وجود ندارد)	
کوزمین، دیمیتری تی.	فارسی ۴	مؤسسه مطالعات شرقی مسکو
	انگلیسی ۲	
ساوچنکو، فدور	فارسی	
(باید ساوچنکو خوانده شود)		
اسکیرنف، ویکتور ام.	انگلیسی ۲	
	آلمانی ۲	
	فرانسه ۳	
	فارسی ۴	

	تکاج، میخائیل کی.
انگلیسی ۲	ساراکف، دیمتری ام.
فارسی ۲	
فارسی ۵	کالیتا، ایوان وی.
انگلیسی	
(اطلاعات تازه‌ای وجود ندارد)	خارچنکو، میخائیل اف.
فارسی	پولیاکف، الکساندر وی.
فرانسه	
فارسی	رومانچوک، پطر کی.
فارسی ۵	شیکالف، واسیلی کی.
انگلیسی ۵	(باید اشکیلف خوانده شود)
(اطلاعات تازه‌ای وجود ندارد)	وروسیف، آدری او.
فارسی ۵	وسکانیان، گرانت او.
ارمنی ۶	
انگلیسی ۴	
(اطلاعات تازه‌ای وجود ندارد)	زوتف، کنستانتین آی.
آلمانی	دولیو، گریگوری آی.
فارسی ۴	اندریف، الکساندر ای.
انگلیسی ۲	کوگوشیف، نیکلای ای.
(اطلاعات تازه‌ای وجود ندارد)	مالیوئین، ونیامین وی.
فارسی	میونین، ویکتور آی.
فارسی	ساکالف، [؟]
	(باید سوکولف خوانده شود)
فارسی	تاباچنکف، آنتونیان ای.
فارسی ۵	آلکسیف، یوری کی.
فارسی ۴	فدولف، یوگنی کی.
انگلیسی ۴	
فارسی ۴	کوزنتسف، نیکلای ای.
انگلیسی ۴	
(اطلاعات تازه‌ای وجود ندارد)	روگف، ویکتور ام.
(اطلاعات تازه‌ای وجود ندارد)	اسمیروکف، ولادیمیر پی.
(اطلاعات تازه‌ای وجود ندارد)	ژاورونکف، روستیسلاو پی.

دانشسرای مطالعات شرقی
شوروی

احتمالاً دانشگاه مطالعات
شرقی مسکو

تازه واردان:

انگلیسی ۲	اسپولنیکف، ویکتور ان.
فارسی ۴	(وابسته ۵۸/۸)
فارسی ۴	کاپیشین، نیکلای وی.
انگلیسی ۲	دبیر سوم (۵۸/۹)
آلمانی ۲	
فارسی ۲	کوزمنکو، گریگوری ای.
	وابسته نظامی (۵۸/۷)
فارسی	سویخانکلف، شاکر دی.
ترکی	دبیر اول (۵۸/۹)

برای وزارت امور خارجه
جان. دبلیو. بولینگ
دبیر اول

سند شماره ۲۶۰

۲۱ مارس ۱۹۵۹ - ۳۰ اسفند ۱۳۳۷

محرمانه

از: سفارت آمریکا، تهران

مرجع: سفارت ۱۸۴۷ - ۲۱ مارس ۱۹۵۹ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی

موضوع: عزیمت سفیر شوروی، پگف، از تهران

نیکلای میخائیلوویچ پگف، سفیر اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی، صبح روز ۲۰ مارس ۱۹۵۹ همراه با همسرش ایران را ترک کرد. هنوز هیچ اعلامیه رسمی درباره برنامه پگف و یا اینکه به پستش در تهران بازخواهد گشت یا خیر، منتشر نشده است. با وجود این، برخی شایعات و حقایق در مورد عزیمت آقای پگف وجود دارد.

به گفته دفتر وابسته هوایی، عزیمت پگف از فرودگاه با تشریفات کامل صورت گرفت و تقریباً همه نفرات سفارت شوروی برای بدرقه و خداحافظی با پگف در فرودگاه حاضر بودند. علاوه بر این، تعدادی از مقامات وزارت امور خارجه ایران نیز به فرودگاه آمده بودند. پگف نیز شخصاً با همه دست داد و از بالای پله‌های هواپیمای برای همه بوسه فرستاد. به گفته نفرات دفتر وابسته که شاهد عزیمت پگف بودند، سفر پگف حال و هوای دائمی داشت.

خبر دیگر که شایعه بازنگشتن پگف را تا حدودی تقویت می‌کند، این گزارش مورد وثوق است که اسباب و اثاثیه تقریباً سنگین خانواده پگف از پیش برای حمل به شوروی به بندر پهلوی فرستاده شده بود. علاوه بر این، تعدادی از روزنامه‌های ایران نیز خبر یا شایعه



بازنگشتن پگف را منتشر ساخته‌اند.

یکی از روزنامه‌ها نوشت که پگف به این سبب برکنار شده است که جایی برای سفیر کنونی شوروی در قاهره، که رابطه‌های محکمتری با رهبران سیاسی شوروی نسبت به پگف دارد و منتظر شغل جدیدی است، باز شود. برخی منابع دیگر نیز نام پگف را در رابطه با وضعیت سفیر شوروی در قاهره برده‌اند.

از طرف دیگر، وزارت امور خارجه ایران، می‌گوید هیچ اطلاعی از دلایل سفر پگف ندارد، بجز اینکه پگف به مرخصی سالیانه‌اش رفته است و نهایتاً به سر کارش باز می‌گردد.

اخیراً یکی از کارمندان دفتر وابسته نظامی آمریکا با وابسته نظامی شوروی در تهران صحبت کرده بود، و وابسته شوروی گفته بود که به پگف «دستور داده بودند» به مسکو بازگردد، و دیگر به تهران باز نخواهد گشت، هر چند نمی‌توان به ضرس قاطع گفت که آیا این نظر شخصی وابسته نظامی شوروی بوده یا خیر. البته او این مسئله را یک تراژدی می‌دانست زیرا پگف سالهای زیادی از عمر حرفه‌ایش را به خاورمیانه و اخیراً نیز به بهبود روابط ایران و شوروی اختصاص داده بود. ولی شکست اخیر مذاکرات امضای یک پیمان عدم تخاصم به زندگی حرفه‌ای پگف خاتمه داده بود.

نظرات گزارشگر: البته این اخبار ضد و نقیض عمدتاً بلا تکلیفی آینده پگف را نشان می‌دهند، و بیشتر بر عدم بازگشت او به تهران تأکید دارند.

برای سفیر
جان. دبلیو. بولینگ
دبیر اول سفارت

سند شماره ۲۶۱

۲۱ فوریه ۱۹۶۰ - ۱ اسفند ۱۳۳۸

محرمانه

محل: سفارت عراق در تهران

شرکت کنندگان: کنستانتین ایوانویچ زوتف، دبیر اول سفارت شوروی، جی. پی. [؟] دبیر دوم سفارت آمریکا

[موضوع]: گزارش گفتگو - روابط ایران و آمریکا با شوروی

گزارشگر در مراسم تودیع حاجب شبیبی، دبیر سوم سفارت عراق در تهران به آقای زوتف معرفی شد.

کمی بعد از معرفی، زوتف گزارشگر را به گوشه‌ای کشاند و با جدیت درباره لزوم تفاهم بین آمریکا و شوروی، و روابط حسنه و «همزیستی مسالمت‌آمیز» صحبت کرد. او سپس بر اهمیت اعلام اخیر برنامه‌های شوروی برای کاهش نیروهای مسلح و به همان اندازه کاهش بودجه تسلیحاتی تأکید کرد.



او گفت امیدوار است ایالات متحده انگیزه‌های صادقانه اتحاد شوروی را در اتخاذ اقدامات یکجانبه درک و از الگوی شوروی پیروی کند.

در ارتباط با ایران، زوتف داوطلبانه گفت روابط ایران و اتحاد شوروی در وضعیت بدی است، ولی نپذیرفت که دولت اتحاد شوروی هم در ایجاد چنین وضعیتی مسئول است. در پاسخ به سؤال من درباره حملات تبلیغاتی بر ضد شاه و دولت ایران، زوتف قاطعانه گفت اتحاد شوروی در امور سایر کشورها دخالت نمی‌کند. او در ادامه همان توضیحات تکراری را در مورد مواضع اتحاد شوروی در قبال ایران ابراز کرد و تأکید داشت که وضعیت کنونی نتیجه مستقیم اقدام سال گذشته ایران در شروع و سپس قطع مذاکرات پیمان عدم تخاصم است. زوتف اصرار داشت که ابتدا دولت ایران پیش‌نویس پیشنهادی پیمان را به اتحاد شوروی داد که مبنای سفر هیأت مذاکره کننده شوروی به تهران بود، و از سوی اتحاد شوروی پذیرفته شده بود. با وجود این، دولت ایران پیشنهادش را پس گرفت و بدین ترتیب موجب شد که مذاکرات متوقف شود.

البته او تکذیب کرد که ممکن است اقدام ایران به سبب اصلاح برخی مفاد پیشنهادی از سوی اتحاد شوروی بوده باشد، و گفت هیأت شوروی کاملاً حاضر بود که همان پیشنهاد اصلی ایران را بدون هر گونه اصلاحی بپذیرد.

خلاصه نظراتی که زوتف پس از این اظهار نظر بیان کرد این بود که دولت ایران صداقت ندارد، قابل اعتماد نیست، و اینکه این ایرانی‌ها هستند، و نه روس‌ها، که از عادی‌سازی روابط بین دو کشور جلوگیری می‌کنند.

وقتی از او پرسیدم که سفیر پگف چه زمانی قرار است به تهران بازگردد، گفت هنوز معلوم نیست و توضیح داد که با توجه به روابط کنونی دو کشور، بازگشت سفیر چندان اهمیتی ندارد. او گفت روابط باید عادی شود و [ادامه سند یافت نشد]

سند شماره ۲۶۲

۲۳ فوریه ۱۹۶۰ - ۳ اسفند ۱۳۳۸

محرمانه

وابسته نیروی هوایی ایالات متحده، سرهنگ لارنس. ای. هوراس

[موضوع]: گفتگو با نفرات سفارت شوروی

نظرات نفرات سفارت شوروی درباره جشن روز ارتش سرخ

۱- اطلاعات زیر در گفتگو با وابسته سیاسی سفارت اتحاد شوروی در تهران به دست آمد

و بدینوسیله گزارش می‌شود:

الف- خبر شماره ۱- خلع سلاح شوروی: وابسته سیاسی اظهار داشت که واقعاً از بزرگی میزان کاهش نیروهای مسلح اتحاد جماهیر شوروی شگفت زده است. البته وقتی از او میزان کاهش را پرسیدم، یا نمی‌دانست و یا نخواست آمار و ارقام دقیقی در مورد آن ارائه دهد. وقتی او مسئله خلع سلاح را مطرح کرد، من هم در مورد وضعیت آموزش‌های نظامی غیرنظامیان از



او پرسیدم. به او گفتم وقتی کشوری به غیرنظامیان خود آموزش‌های نظامی می‌دهد و نام آنها را در فهرست نیروی‌های مسلح وارد نمی‌کند، پس خلع‌سلاح جزئی فقط فهرست رسمی توانایی‌های نظامی را کاهش می‌دهد [و نه فهرست واقعی آن را]. وابسته سیاسی در پاسخ من این جمله متعصبانه را گفت که اتحاد جماهیر شوروی دیگر به غیرنظامیان خود آموزش‌های نظامی نمی‌دهد، ولی نگفت که این رویه از چه زمانی خاتمه یافته است.

نظرات گزارشگر: وابسته نظامی ظاهراً صادق و مایل به گفتگو بود. نظرات او از این جهت مهم است که خط و خطوط حزبی عناصر مشغول به کار در سفارت شوروی را نشان می‌دهد. او خودش را ویکتور اسپولنیکف معرفی کرد.

ب- خیر ۲- مشاهدات پراکنده: فضای صمیمی و دوستانه‌ای بر جشن روز ارتش سرخ حاکم بود. یک میز مجلل و مقدار زیادی ودکا برای میهمانان چیده شده بود. مخصوصاً تلاش همسران وابستگان نظامی برای ایجاد فضای اجتماعی از نوع غربی چشمگیر بود. آنها در حد توان خود سعی می‌کردند رفتار گرم و صمیمانه‌ای داشته باشند و فضای میهمانی خیلی صمیمی‌تر از مراسم رسمی معمول سفارت اتحاد جماهیر شوروی بود.

نظرات گزارشگر: تلاش چشمگیر برای تلطیف روابط و میهمان‌نوازی به سبک غربی کاملاً مشهود و چشمگیر بود و با فضای مراسم رسمی قبلی سفارت شوروی کاملاً تضاد داشت.

لارنس. ای. هوراس

سرهنگ، وابسته نیروی هوایی ایالات متحده

سند شماره ۲۶۳

۲۹ فوریه ۱۹۶۰ - ۹ اسفند ۱۳۳۸

محرمانه

به: وزارت امور خارجه، واشنگتن

از: سفارت آمریکا، تهران

موضوع: گزارش گفتگو با کنستانتین ایوانویچ زوتوف، دبیر اول

سفارت شوروی در تهران

یادداشت پیوست در حکم نمونه‌ای از تماس‌های اجتماعی با مقامات شوروی در تهران جهت اطلاع وزارت امور خارجه ارسال می‌گردد. نظراتی که در این یادداشت ضبط است، غیرعادی و یا روشن‌گر نیست، و فقط احساس سرخوردگی شدید مقامات شوروی از شکست مذاکرات پیمان عدم تخصص در سال گذشته را نشان می‌دهد.

گفتگوی ما به دلیل پیوستن نماینده یک کشور دیگر به جمعمان ناتمام ماند و نتوانستم نظر زوتوف را درباره جزئیات تلاش برای عادی‌سازی روابط بین ایران و شوروی جويا شوم.

یادداشت بیوگرافی

اطلاعات مندرج در فهرست دیپلمات‌ها نشان می‌دهد که زوتوف از تاریخ ۲۶ آوریل ۱۹۵۸



در تهران بوده و متأهل است. طبق اطلاعاتی که از شخص ثالث نامبرده در بالا به دست آمد، همسر زوتف ماماست و در دو بیمارستان متعلق به شوروی در تهران خدمت می‌کند. طبق گفته یکی از منابع سفارت، زوتف بیشتر به امور اقتصادی در ایران علاقه دارد. زوتف قدی متوسط، و جثه‌ای نسبتاً سنگین دارد و موهایش بلوند و چهره‌اش [؟] است. نزدیک ۴۰ ساله به نظر می‌رسد و عینک به چشم می‌زند. انگلیسی را خوب صحبت می‌کند. او نیز همانند اکثر مقامات سفارت شوروی در تهران فارسی بلد است و به گزارشگر گفت که روزنامه‌های فارسی زبان را نیز مطالعه می‌کند. در گفتگو خیلی سریع پاسخ می‌دهد و بدون اینکه بی‌ادب باشد، رک و صریح است.

رابت. آر. اسکات

دبیر دوم سفارت

سند شماره ۲۶۴

۲۲ دسامبر ۱۹۶۰ - ۱ دی ۱۳۳۹

محرمانه

[موضوع]: گریگوری ایلچ اولیفیرنکو، کنسول، سفارت شوروی - تهران

در تاریخ ۱۱ دسامبر ۱۹۶۰ از سروان رابت ای. هال، دستیار وابسته نیروی هوایی، و همسرش در اقامتگاه تابستانی پذیرایی کرد.

خود را بسیار صمیمی نشان می‌داد و ظاهراً تحت نظارت نبود، و شماره تلفن شخصی خود را به سروان هال داد که هر وقت بخواهد بدون اینکه مجبور شود از طریق تلفنخانه سفارت شوروی با او صحبت کند، برای مناسبت‌های اجتماعی مستقیماً با او تماس بگیرد.

متأهل

به مدت ۵ سال در تهران به سر می‌برد (در تاریخ ۱۳ ژوئن ۱۹۵۵ وارد تهران شده است)، قبلاً در واشنگتن دی. سی خدمت می‌کرده و متولد شهر کی‌یف است.

از وابسته‌های سفارت آمریکا دعوت می‌کند به روسیه سفر کنند، و گفت که شخصاً صدور ویزا برای آنها را تسریع خواهد کرد؛ وقتی در مورد پرواز با هواپیمای خودشان به روسیه پرسیدند، پاسخی نداد.

او گفت دعوت به میهمانی‌های کوچک آمریکایی‌ها را می‌پذیرد؛ دلش می‌خواهد که مشکلات مربوط به U-2 فراموش شود.

آقای ویکتور نیکلایوویچ اسپولنیکف، وابسته سفارت شوروی نیز در اقامتگاه تابستانی حضور داشت. او مدت سه سال است که در تهران به سر می‌برد، هرگز در آمریکا نبوده است. در تاریخ ۱۵ اوت ۱۹۵۸ وارد تهران شده است.

ظاهراً با اولیفیرنکو خیلی دوست بود و شاید در سفارت با هم کار می‌کنند.



سند شماره ۲۶۵

۲۵ مارس ۱۹۶۱ - ۵ فروردین ۱۳۴۰

سری

از: جان اس. فورستر

به: بخش سیاسی سفارت آمریکا - وابستگان نیروی هوایی، ارتش و نیروی دریایی ایالات متحده

موضوع: نیکلای ایوانویچ کلیموف، کنسول سفارت اتحاد جماهیر شوروی

موضوع گزارش که جایگزین آلکسی لئونیدویچ ورونین است، در تاریخ ۷ مارس ۱۹۶۱ با همسرش، آلکساندرا پاولوا و پسرشان اولگ وارد ایران شد.

سابقه‌ای که از او در اختیار داریم به شرح زیر است:

۱۹۳۸ تا ۱۹۴۰	خدمت در تهران
۱۹۴۴	خدمت در بغداد
۱۹۴۵	بازگشت به تهران
۱۹۴۶	دیدار از لبنان و سوریه و ملاقات با کمیته بازگشت به وطن ارمنستان
۱۹۴۹ تا اوت ۱۹۵۱	کنسول سفارت شوروی در آمریکا
فوریه تا آوریل ۱۹۵۴	کنسول سفارت شوروی در استرالیا (قطع روابط دیپلماتیک پس از پناهندگی پتروف به استرالیا)
اوت ۱۹۵۵ تا ژوئیه ۱۹۵۹	کنسول سفارت شوروی در اسرائیل

آیا اطلاعات تازه‌ای درباره کنسول جدید سفارت شوروی، آقای نیکلای ایوانویچ کلیموف و همسرشان، که حدود دو هفته است جانشین آلکسی لئونیدویچ در تهران شده است، دارید؟ قبلاً نیز دو بار در سال‌های ۱۹۳۹-۱۹۴۰ و ۱۹۴۴-۱۹۴۵ در تهران بوده است. از ظاهرش اینگونه برمی‌آید که نزدیک به ۵۰ سال سن داشته باشد، دارای قد و جثه‌ای متوسط، موی سفید، و چشمان آبی است. انگلیسی را خوب صحبت نمی‌کند ولی زبان انگلیسی را خوب می‌فهمد.

سند شماره ۲۶۶

۲۴ فوریه - ۵ اسفند

[موضوع]: مشاهده افسر ارتش شوروی در تهران

گزارشگر شهری ما، سرگرد سبحان‌قلی‌اف، افسر ارتش شوروی را در خیابان سی‌متری، نزدیک دپوی نفت روس‌ها رؤیت کرده است. گزارشگر برای حصول اطمینان از هویت افسر مزبور نزد او رفت و آدرس دپوی پارچه را از او پرسید. افسر روس که فارسی را با لهجه ترکمنی صحبت می‌کند، آدرس را به گزارشگر نشان داده بود.



سرگرد سبحان قلی‌اف، که در جبهه‌های دُن، روستف، و خارکف جنگیده بود در طول دوره اشغال به ایران آمد و برنامه‌هایی برای خانه فرهنگ شوروی مدیریت کرد که از رادیو تهران پخش می‌شد. قلی‌اف زبان فارسی، ازبکی، ترکمن و فرانسه را بلد است. او لباس کارگری پوشیده بود.

سند شماره ۲۶۷

سری

[موضوع]: اطلاعات بیوگرافی

- ۱- نیکلای واسیلیوچ کاماردین
کارمند سفارت که در حدود ماه ژوئن ۱۹۶۱ به سمت وابسته ارتقا یافت.
- ۲- ویاجسلاو الکساندروویچ میلیوشین
وابسته (RIS معروف)
در تاریخ ۸ اوت وارد شد/همسرش یلنا پاولونا
(در ماههای فوریه تا ژوئن ۱۹۵۷ در سمت کارمند دفتری در ایران خدمت کرد)
- ۳- فدور ایوانوویچ ژاریکف
دبیر دوم
در تاریخ ۸ اوت به همراه همسرش زینایدا پترونا وارد شد
(در سال ۱۹۵۵ در سمت کارمند سفارت در ایران خدمت کرد)
در ژانویه ۱۹۵۶ به سمت وابسته ارتقا یافت؛ در اکتبر ۱۹۵۸ از ایران خارج شد.
- ۴- گریگوری ایلیچ اولیفیرنکو
کنسول سفارت
در حدود ۱۳ اوت از ایران خارج شد؛ احتمالاً به ایران برمی‌گردد.
- ۵- الکساندر الکساندروویچ سیرومیاتینکف
وابسته
در تاریخ ۶ ژوئن ۱۹۶۱ وارد ایران شد
همسر: ویرا میخائیلونا
[۶]- یوری کنستانتینوویچ الکسیف
دبیر سوم (قبلاً در سمت وابسته در همین جا خدمت می‌کرد)
همسر: یکاترینا فدورونا
در تاریخ ۲۰ ژوئن ۱۹۶۱
[۷]- فدور ایوانوویچ ژاریکف
دبیر دوم (قبلاً در سمت وابسته و کارمند سفارت در همین جا خدمت کرده بود)



همسر: زینایدا پترونا (که قرار است خیلی زود به او بیوندد)
[۸]- شاکر دولتشاکویچ سوخانکولف
دبیر اول (امور فرهنگی)
در تاریخ ۳ ژوئیه ۱۹۶۱ از ایران خارج شد (تغییر دائمی)

سند شماره ۲۶۸

فقط جهت استفاده اداری
از: سفارت آمریکا، تهران
۱ مارس ۱۹۶۲ - ۱۰ اسفند ۱۳۴۰
به: وزارت امور خارجه

موضوع: توصیف ظاهری و اطلاعات بیوگرافی

ایلن نیکلایویچ پتروفسکی - کنسول تازه وارد سفارت شوروی

اطلاعات مربوط به ظاهری و بیوگرافی در طول دیدار اخیر با کنسول این سفارت به دست
آمد:

توصیف

به نظر می‌رسد پتروسکی در سالهای اواخر ۴۰ سالگی و یا اوایل ۵۰ سالگی اش به سر
می‌برد. قد کوتاه، هیکلی تو پر، کله گرد با موهای قهوه‌ای روشن، چشمان خاکستری-سبز و
یک دندان سفید جلوزده دارد.

پیشینه

پتروسکی متأهل است و به همراه همسر و دو فرزندش به ایران آمده است. او گفت قبل از
آمدن به تهران در مسکو خدمت می‌کرده است، ولی قبلاً در بیروت و قاهره نیز خدمت کرده
است. زبان فرانسه را خیلی روان صحبت می‌کند، ولی خودش می‌گوید انگلیسی بلد نیست، و
در میان صحبت‌هایش گفت که قبلاً زبان فارسی را نیز خوانده است.

هلمز

سند شماره ۲۶۹

محرمانه
از: وزارت امور خارجه آمریکا- راسک
۲۹ مارس ۱۹۶۲ - ۹ فروردین ۱۳۴۱
به: سفارت آمریکا، مکزیکوسیتی

مرجع: سفارت آمریکا، مسکو ۲۴۶۵ - ۲۱ مارس ۱۹۶۲

موضوع: سفیر جدید شوروی در مکزیک

سیمن تاراسویچ بازارف، رئیس اداره اول اروپای (غربی) وزارت امور خارجه شوروی که
از آوریل ۱۹۵۹ عهده‌دار این مسئولیت بوده است، در پست سفیر جدید شوروی در مکزیک
منصوب شده است. اگرچه او حداقل از سال ۱۹۴۴ در وزارت امور خارجه شوروی خدمت



کرده است، هیچ شواهدی دال بر آشنایی، یا تجربه خاص او با مسایل آمریکای لاتین وجود ندارد.

بازارف که در طول جنگ جهانی دوم از اعضای هیأت دیپلماتیک شوروی بود، از جمله مقامات پرتعدادی بود که مدال افتخار (۱۹۴۴) و نشان جنگ وطن پرستانه (درجه دو، ۱۹۴۵) را به دلیل «انجام موفقیت آمیز مأموریت های دولتی» از سوی کمیساریای امور خارجه دریافت داشت. در طول سال های ۱۹۴۴ و ۱۹۴۵ او در مراسم امضای پیمان های مختلف بین اتحاد جماهیر شوروی و لهستان، چکسلواکی، یوگسلاوی و فنلاند حضور داشت. در ژوئن ۱۹۴۶، بازارف کنسول سفارت شوروی در سوئد شد و تا بهار سال ۱۹۵۱ در همین پُست خدمت کرد، و در بهار آن سال به مسکو بازگشت و ابتدا معاون و سپس رئیس بخش خاور نزدیک و خاورمیانه وزارت امور خارجه شوروی شد. در اکتبر ۱۹۴۹ ویزایی برای او صادر شد تا بتواند در مقام کنسول هیأت اعزامی اتحاد جماهیر شوروی در سازمان ملل متحد حضور یابد، ولی هیچ شواهدی دال بر انجام این سفر وجود ندارد.

بازارف در اکتبر سال ۱۹۵۳ کنسول سفارت شوروی در تهران شد و تا ژوئن ۱۹۵۷ در همین پُست خدمت کرد. در زمان خدمتش در تهران، طبق گزارش ها به محافل دیپلماتیک ایران رفت و آمد داشت و در غیاب سفیر، موقتاً به عنوان کاردار انجام وظیفه می کرد. پس از بازگشت به اتحاد جماهیر شوروی، معاون اداره اول اروپا شد و در ماه می ۱۹۵۹، به ریاست این اداره رسید و به عنوان کنسول هیأت دیپلماتیک شوروی به کنفرانس وزیران امور خارجه به ژنو اعزام شد. بعدها، در سفر ان. اس. خروشچف به فرانسه در مارس ۱۹۶۰ او را همراهی کرد و در پُست کنسول هیأت اعزامی شوروی به کنفرانس سران در پاریس که در ماه می همان سال برگزار شد، انجام وظیفه کرد.

به جز تاریخ تولد بازارف که ۲ اکتبر ۱۹۱۴ است، هیچ اطلاع دیگری از سال های اولیه زندگی او در دست نیست. همسرش نینا پترونا نام دارد.

سند شماره ۲۷۰

۲۱ آوریل ۱۹۶۲ - ۱ اردیبهشت ۱۳۴۱

سری

سفارت آمریکا، تهران

مرجع: CW-7863 - ۳ آوریل ۱۹۶۲

[موضوع]: میزان تسلط دیپلمات های شوروی در ایران به زبان های بیگانه

متعاقب دستورات وزارت امور خارجه در مرجع بالا، سفارت آمریکا در تهران بدینوسیله فهرستی از نام نمایندگان دیپلماتیک و فنی شوروی در ایران را همراه با توضیحاتی درباره تعداد زبان هایی که با آن آشنا هستند و سطح تسلط بر هر یک از آنها ایفاد می دارد. در اکثر موارد، تنها اطلاعات موجود درباره توانایی زبانی روس ها به این عبارت ختم می شود که او



فارسی، انگلیسی، و غیره را «تکلم می‌کند». هر جا اطلاعاتی در ارتباط با سطح زبانی آنها در دست بوده، قید شده است، ولی این اطلاعات ندرتاً برای طبقه‌بندی آنها در FSI در رتبه «S» کافی است.

به طور کلی، تسلط روس‌ها به زبان فارسی خیلی بالاست. چنانکه از فهرست زیر پیداست، حداقل دو نفر از دیپلمات‌های شوروی دوزبانه (فارسی) هستند، و چند نفر دیگرشان نیز تقریباً همین وضعیت را دارند؛ اکثر این افراد فارغ‌التحصیل رشته مطالعات فارسی از برنامه زبان‌آموزی و حوزه‌های مطالعاتی شوروی هستند.

۱- زبان‌هایی که در این پُست‌ها استفاده می‌شود

زبان اصلی: فارسی

زبان جایگزین اصلی: انگلیسی

زبان فرعی: ترکی

۲- میزان تسلط زبانی نمایندگان عالی‌رتبه دیپلماتیک شوروی

عنوان و نام	زبان(ها)	میزان تقریبی تسلط بر زبان
سفیر (پگف)	انگلیسی	S-2
کنسول (پتروفسکی)	فارسی	S-3
	انگلیسی	S-2
	فرانسه	S-4
کنسول (آنیسیمف)	فارسی	S-4
	انگلیسی	S-3
	فرانسه	S-3
کنسول (کلیموف)	فارسی	S-2
	انگلیسی	S-3
	فرانسه	S-2

۳- سطح تسلط زبانی سایر نفرات دیپلماتیک، فرهنگی و فنی سفارت شوروی

عنوان و نام	زبان(ها)	میزان تقریبی تسلط بر زبان
دبیر اول (ساولچنکف)	فارسی	
دبیر اول (شویتف)	فرانسه	
دبیر اول (سوبولف)	فارسی	
	انگلیسی	نسبتاً خوب

S-5	فارسی	دبیر اول (ولکف)
خوب	انگلیسی	(فارغ‌التحصیل مؤسسه زبان‌های
S-5	پشتو	خارجی مسکو)
S-5	اردو	
نسبتاً خوب	فارسی	دبیر اول (کوزنتسف)
S-2	انگلیسی	
	فرانسه	
ضعیف	فارسی	دبیر دوم (لبدف)
در حال مطالعه	فارسی	دبیر دوم (میکولسکی)
مسلط	فرانسه	
	فارسی	دبیر دوم (بورینسکو)
خوب	انگلیسی	
	پشتو	
S-4 مترجم شفاهی	فارسی	دبیر دوم (پانکراتف)
خیلی ضعیف	انگلیسی	
ضعیف	فارسی	دبیر دوم (پلاختی)
مسلط	فارسی	دبیر سوم (یرشف)
تا حدودی	انگلیسی	
مسلط	فرانسه	
در حال مطالعه	انگلیسی	دبیر سوم (دیلداکف)
S-5 مترجم شفاهی	فارسی	دبیر سوم (الکسیف)
	فارسی	دبیر سوم (گوریاجف)
در حال مطالعه	انگلیسی	
در حال مطالعه	فارسی	دبیر سوم (نیکلایف)
	انگلیسی	
	فارسی	وابسته (علی اف)
S-4	فارسی	وابسته (اسپولنیکف)
به حد کافی	انگلیسی	(فارغ‌التحصیل از مؤسسه مطالعات
		شرقی مسکو)
ضعیف	ژاپنی	وابسته (سیرومیا تنیکف)
	فارسی	وابسته (کستروف)
	انگلیسی	

معلم	انگلیسی	کارمند سفارت (والویچ)
	فارسی	کارمند سفارت (موزورف)
	انگلیسی	کارمند سفارت (ژوراوولف)
خوب	فارسی	کارمند سفارت (کرونف)
مترجم	فارسی	کارمند سفارت (کوريجين)
نسبتاً خوب	انگلیسی	
خوب	فارسی	کارمند سفارت (لیخوف)
در حال مطالعه	انگلیسی	کارمند سفارت (کوزلوا)
خوبی	انگلیسی	کارمند سفارت (کویومچیان)
	ارمنی	
مسلط	انگلیسی	کارمند سفارت (تروفیمف)
مسلط	هندی	
S-2	فارسی	وابسته نظامی (کوزمنکو)
	فارسی	دستیار وابسته نظامی (فوکوفسکی)
	ترکی	
	عربی	
	فارسی	دستیار وابسته نظامی (ملیگین)
مترجم	فارسی	کارمند دفتر وابسته نظامی (ولادیمیرف)
قدری	فارسی	کارمند دفتر وابسته نظام (یاکونین)
خیلی کم	انگلیسی	
خوب	فارسی	نماینده خبرگزاری تاس (ویستوسکی)
خوب	انگلیسی	معاون نماینده تجاری (پانتلیمونف)
خوب	انگلیسی	
	چینی	
مترجم	فارسی	کارمند TORGPRID (پاولف)
مترجم	انگلیسی	کارمند TORGPRID (لیسین)
شکسته و بسته	انگلیسی	رئیس بیمارستان (ماکارف)
ضعیف	فارسی	پزشک بیمارستان (وینیک)
در حال مطالعه	فارسی	رئیس بانک (ایلیچف)
	فرانسه	کارمند بانک (بوریسف)
در حد کافی، با لهجه غلیظ	فارسی	رئیس شعبه مشهد اینگوستراخ

روسی	آلمانی	(پاولنکو)
در حال مطالعه		
خوب، با لهجه مشخص روسی	فارسی	نماینده سابق تجاری، مشهد (یانکین)
خوب با لهجه‌ای نزدیک به ایرانی (در نوجوانی زبان فارسی را خوانده و فارغ‌التحصیل دانشگاه عشق‌آباد است)	فارسی	نماینده تجاری، مشهد (بردیف)

۴- برنامه‌های زبان آموزی

(۱) تعدادی از روس‌ها در حال گذراندن کلاس‌های خصوصی زبان فارسی، انگلیسی و فرانسه در تهران هستند.

[۲] - دو بخش از کلاس‌های زبان انگلیسی به فرزندان دیپلمات‌های شوروی اختصاص یافته است.

برای کاردار
هری. اچ. شوارتز
کنسول سفارت در امور سیاسی

سند شماره ۲۷۱

سری

[موضوع]: نیکلای میخائیلویچ پگف

۱- پگف، متولد سال ۱۹۰۵ در مسکو، از سپتامبر ۱۹۵۶ تا ژوئن ۱۹۶۳ به مدت هفت سال سفیر شوروی در ایران بود. اگرچه او قبل از سفارتش در ایران نیز سابقه درخشانی داشت، این اولین باری بود که در یک پست دیپلماتیک مشغول به خدمت می‌شد.

۲- پگف، با توسل به دیپلماسی شخصی‌اش، به رغم انتقاد برخی از اعضای سفارت از این رویکرد، با موفقیت کشتی روابط ایران و شوروی را از طوفان پر تلاطم آن دوران عبور داد. او در طول این دوران پر تنش شدیداً فعال بود و با تلاش خستگی‌ناپذیر و فداکارانه‌اش در به دوش کشیدن مسئولیت سنگین بهبود فضای نامطمئن و خصمانه‌ای که در بدو ورودش به تهران حاکم بود، از خود مایه گذاشت. اگرچه او برای مدت‌های نسبتاً طولانی، ظاهراً به منظور شرکت در جلسات کمیته مرکزی حزب کمونیسم اتحاد شوروی، به کشورش بازمی‌گشت، ماندنش در شوروی احتمالاً نوعی اعتراض به روابطی بود که شکست مذاکرات و استمرار



تبلیغات شوروی بر ضد ایران هر گونه امید به بهبود آن را نقش بر آب می‌کرد. گاه می‌گفت که به ایران باز نمی‌گردد، ولی همیشه در موقع مقتضی در ایران بود. قابل درک است که اظهارات بی‌موقع خروشچف به والتر لیپمن در ژوئن ۱۹۶۱ که مذاکرات تهران را مختل کرد، او را ناراحت کرده باشد.

۳- به رغم موانع بسیار، پگف همچنان هدف خود را که تنش‌زدایی روابط بود دنبال کرد و پس از بازگشتش به ایران در پاییز سال ۱۹۶۰ با عزم راسخ تلاشی همه‌جانبه را در این ارتباط و جبهه همت خویش ساخت. پگف در حوزه سیاسی بسیار فعال شد. او تمام وظایف رسمی و تشریفاتی یک سفیر را انجام می‌داد و در عین حال از هیچ یک از وظایف دیپلماتیک خویش نیز کوتاهی نمی‌کرد. صبح زود بر سر کارش حاضر می‌شد و تا دیر وقت مشغول کار بود. پگف علاقه آشکاری به میراث تاریخی ایران نشان می‌داد و از محل‌های توریستی دیدن می‌کرد، در مراسم بهره‌برداری از سدها شرکت می‌نمود، به بازدید تأسیسات نفتی می‌رفت، در روز قبل از افتتاح نمایشگاهها از آثار دیدن می‌کرد، و ... او همچنین وظایفی را در باشگاه شوروی و انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی بر عهده داشت. همیشه برای صحبت کردن آماده بود، و مصاحب خوبی هم بود.

۴- پگف در مناسبات اجتماعی‌اش شخص راحتی بود و همیشه لبخند می‌زد یا می‌خندید. رفتار دوستانه و صمیمی‌اش اصلاً نشان نمی‌داد که او عهده‌دار چه مسئولیت سنگینی است و با چه وظیفه‌شناسی خاصی کارهایش را انجام می‌دهد. گاه حتی به پُرگویی می‌افتاد. البته نمی‌شد همه حرف‌هایش را باور کرد، ولی او سرسختانه و به رغم سکت قلبی‌اش در اواخر اکتبر ۱۹۶۰ و مشکلات مکرر قلبی در ژانویه ۱۹۶۲، به دنبال نیل به هدفش بود.

۵- اگرچه نویسنده این سطور هیچگاه در گفتگوهای مهم پگف با مقامات حاضر نبوده است، چنین می‌اندیشد که پگف مذاکره‌کننده بسیار چیره‌دستی بوده است. مسلماً شخصیت جذاب او نقش به‌سزایی در نفوذ فرهنگی به درون محافل ایرانی داشت، و در همین نقش آشکارش بود که در عملیات سرویس مخفی روسیه شرکت کرد، تا جایی که به مأموران پرونده سرویس فوق‌شان و اعتبار بخشید و توانست آنهایی را که استعداد جاسوسی داشتند، مجذوب خود سازد. یکبار که یک مأمور اطلاعات مخفی نظامی روسیه ناشیانه به یک کارمند دولت آمریکا پیشنهاد کرد که می‌تواند در حکم میهمان دولت شوروی از طریق اتحاد جماهیر شوروی سفر کند، پگف از این پیشنهاد اطلاع یافت و شخصاً از چنین پیشنهادی حمایت کرد.

۶- پگف در گذشته با مالنکوف، کاگانویچ و شپیلوف و ... تماس سیاسی داشت، ولی ظاهراً این تماس‌ها هیچ تأثیر بدی بر او نداشت. تنها نقطه ضعف او، البته اگر بتوان آن را نقطه ضعف نامید، رابطه عاشقانه‌اش با ویتالیا استپانوا شاموسکایا، همسر وادیم مویسیویچ شاموسکی، از مقامات TORGPRED بود. البته ما هیچگونه مدرکی در این ارتباط نداریم و این بریتانیایی‌ها بودند که در ماه مارس ۱۹۵۸ چنین ادعایی نسبت به او کردند. بریتانیایی‌ها مدعی

بودند که شاموسکایا به پگف گفته بود که در طول غیبتش از ایران، آلکسی لئونیدویچ ورنین «چیزهایی» بر ضد او گفته است. به هر حال، هر چه بود، این مسئله هیچ تأثیر منفی بر زندگی حرفه‌ای پگف نداشت.

۷- برخورد ماهرانه با مطبوعات ایران از جمله عوامل موفقیت پگف بود. با تغییر دولت ایران، او بعد از پاییز سال ۱۹۶۲ تلاش بسیاری کرد که این برداشت را در اذهان ایجاد کند که روابط ایران و شوروی رو به بهبود است. ناگهان، پگف به شخصیت محبوب مطبوعات تبدیل شد و هر روز عکس‌هایی از او در روزنامه‌های داخلی ایران به چاپ می‌رسید که نشان می‌داد او در این یا آن مراسم شرکت کرده است. به دلیل توجهی که به او می‌شد، مطبوعات نیز در چاپ اخبار مربوط به او راه اغراق پیش گرفتند و عموم مردم نیز از این اخبار مطلع می‌شدند. پگف قبل از ترک همیشگی ایران، به طور بی‌سابقه‌ای برای خداحافظی به دیدن یوسف مازندی، نماینده خبرگزاری یونایتدپرس در ایران، و جهانگیر بهروز، در «اکو آو ایران»، رفت. جهانگیر بهروز در روز ۳۰ ژوئن ۱۹۶۳ با انتشار شماره فوق‌العاده‌ای که عکس پگف روی جلد آن بود، مقاله‌ای در تعریف و تمجید از پگف به چاپ رساند.

۸- روابط پگف با آمریکایی‌ها چندان صمیمی نبود. ویلز، سفیر سابق آمریکا در ایران، به هیچوجه دوست نداشت بیشتر از تماس‌های خشک و تشریفاتی رابطه دیگری با روس‌ها داشته باشد. هلمز، سفیر کنونی آمریکا در ایران، در روز ۱۱ ژوئن ۱۹۶۱ وارد تهران شد، یعنی یک روز قبل از عزیمت پگف به اتحاد جماهیر شوروی. پگف در روز ۱۲ ژوئیه به ایران بازگشت و سفیر هلمز در تاریخ ۲۳ سپتامبر به دیدن او رفت. پگف در تاریخ ۱۱ اکتبر بدون پس‌دادن دیدار سفیر هلمز، ایران را ترک کرد. معلوم نیست که آیا این عدم رعایت آداب اجتماعی عمدی بود یا اینکه پگف آنقدر درگیر مذاکرات سیاسی بود که از این مهم غافل شده بود و یا اینکه کارمندانش از یادآوری این وظیفه به او غفلت کرده بودند. پگف تا ۱۰ ژانویه ۱۹۶۲ به ایران بازنگشت. در همین حال، آنیسیمف، کاردار سفارت شوروی، دعوت کنسول سفارت آمریکا را برای شرکت در میهمانی ۲۹ ژوئن پذیرفت و در تاریخ ۴ ژوئیه ۱۹۶۲ نیز پتروفسکی، کنسول سفارت شوروی به جای پگف در ضیافت سفارت آمریکا شرکت کرد.

۹- با وجود این، چندین آمریکایی که در ضیافت‌های رسمی سفارت شوروی شرکت کرده بودند، همیشه با استقبال گرم پگف مواجه شده و پگف به آنها گفته بود: «بیاید و از باغ سفارت، از استخر سفارت و غیره استفاده کنید. هر وقت دلتان می‌خواهد به اینجا بیایید.» گویی که اگر کسی با آن دعوت، یکباره و بدون اصرار شخصی دعوت‌کننده به دروازه سفارت شوروی نزدیک می‌شد، کاری دور از آداب انجام داده بود. به هر حال، تماس‌های بسیار کم آمریکایی‌ها با پگف همچنان در سطح بسیار رسمی، البته دوستانه، ادامه یافت. پگف خودش رسماً این چند آمریکایی را دعوت نکرد، ولی در واقع کارمندان او در تماس‌های شخصی با این آمریکایی‌ها دعوت او را ابلاغ کرده بودند.

۱۰- می توان گفت پگف شخص خوش تیپی است. موهای پُر و یک دست سفیدش به او وقار خاصی می بخشد. او آدم خوش لباسی است، که تقریباً در لباس پوشیدن وسواس دارد، و هر گاه تنها در طول خیابان قدم می زند، چشمها به سویش برمی گردد. در او ظرافتی وجود دارد که معمولاً در روس ها نیست. او فرد متشخص و با وقاری است و اصالت خانوادگی از حرکات و سکنات او پیداست. او به حدی در رفتارش مهربان است که گاه حالتی پدر گونه پیدا می کند.

۱۱- به نظر می رسید پگف برای دیدار هر کسی که تقاضای دیدنش را می کرد، وقت داشت. او در همه چیز دست داشت، زیرا در همه تصمیم گیری هایی که در تأسیسات روس ها انجام می گرفت، مشارکت می کرد و در کوچکترین جزئیات امور با او مشورت می شد. تعدادی از کارمندان دون پایه اش او را «ارباب» خطاب می کردند، او همه امور سفارتخانه را کاملاً تحت کنترل داشت، و حتی قبول یا رد تقاضای رفتن به ماهیگیری و یا معالجه یک دوست وفادار در «خارج» از بیمارستان شوروی با او بود. همه اینها علاوه بر وظایف بی شمار دیگرش. او به کارمندانش توجه داشت و حتی نگران فیلم هایی بود که برای فرزندان کارمندانش به نمایش می گذارند، و شکایت داشت که یکی از فیلم ها آنقدر قدیمی است که بچه ها دیگر آن را حفظ هستند، و می گفت: «ما اصلاً به فرزندانمان توجه نداریم. می خواهیم بدانم چه فیلم هایی می توانیم برایشان نشان دهیم.»

۱۲- جای تعجب دارد که پگف با داشتن چنین زمینه ای، چرا حداقل یک زبان خارجی را هم یاد نگرفت. او می تواند چند عبارت احترام آمیز به انگلیسی، فرانسه و فارسی بگوید، به نحوی که شنونده به اشتباه گمان می کند او زبان های فوق را بلد است. ولی وقتی به این زبان ها با او صحبت کنید، کاملاً دست و پایش را گم می کند. همیشه یک مترجم همراه اوست.

۱۳- همسر پگف که زبان انگلیسی را نسبتاً خوب می داند، یک میزبان خوشرو، باوقار و با محبت است، و برای پگف یک گنج به حساب می آید. در طول دوره بهبود روابط ایران و شوروی از نوامبر ۱۹۶۲ تا ژوئن ۱۹۶۳، پگف و خانم پگف همه جا با هم ظاهر می شدند. در مقابل هر وقت هم میهمانی می داد، نه فقط میزبان خوبی بود، بلکه عالی بود.

۱۴- پگف ها در روابط خانوادگی شان نیز با یکدیگر و فرزندان شان بسیار مهربان و باعطوفت بودند، و مکرر با خانواده شان در مسکو تماس می گرفتند.

۱۵- اگرچه ویاجسلاو آناتولیویچ ویسوتسکی، نماینده خبرگزاری تاس، از اکتبر ۱۹۵۹ در تهران بود، ولی گویا او و پگف همدیگر را تا ماه مارس ۱۹۶۳ کشف نکرده و هنگام بازی شطرنج به یکدیگر علاقه پیدا نکرده بودند، البته شاید به این دلیل که ویسوتسکی می گذاشت پگف در بازی ببرد. گاه به هنگام بازی شطرنج، مشروباتی که نوشیده بودند بر آنها تأثیر می گذاشت و همسرانشان، که آنها هم ناگهانی با یکدیگر خیلی دوست شده بودند، می گفتند که شوهرانشان، در این شرایط «درست مثل پسر بچه ها می شوند»، یعنی دوست ندارند بازی شان

را قطع کنند.

۱۶- خانواده پگف علاوه بر زوجی که از آنها نام بردیم، ظاهراً روابط بسیار نزدیکی هم با دو خانواده دیگر روس داشتند، یکی گیرگوری اندریویچ کوزمنکو، وابسته نظامی، و دیگری نیکلای کنستانتینویچ تاراسف، کنسول سفارت، و همسرانشان. خانواده تاراسف با پگف‌ها نسبتی هم دارند. تاراسف می‌گوید که او با پگف روابط کاری نزدیکی دارد و در مجارستان نیز با او بوده است.

۱۷- پگف‌ها دوستان بسیاری در میان جامعه «روس‌های مقیم ایران» داشتند، و در زمان عزیمتشان در ماه ژوئن ۱۹۶۳، ایستگاه قطار مملو از روس‌هایی بود که برای بدرقه آمده بودند. مسلماً وقتی پگف ایران را ترک می‌کرد، وظیفه‌اش را به خوبی انجام داده بود، و احتمالاً حالا از گرمای فزاینده «دوستی» بین دو کشور و افزایش مبادلات آن دو بیشتر لذت می‌برد.

سند شماره ۲۷۲

۳۰ دسامبر ۱۹۶۳ - ۹ دی ۱۳۴۲

محرمانه

[موضوع]: اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی

آلکسی ولادیمیرویچ رومانف

رئیس کمیته دولتی صنعت سینمای اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی؛ معاون اول بخش عقیدتی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی

رومانف، که یک تبلیغاتچی کهنه‌کار است و نقشی اساسی در تشدید نظارت بر هنرمندان و روشنفکران اتحاد شوروی داشته، در ماه مارس ۱۹۶۳ به ریاست کمیته دولتی جدیدالتأسیس صنعت سینمای اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی منصوب شد. او در پست ریاست صنعت سینمای شوروی، رسانه‌ای را کنترل می‌کند که قدرتمندترین نیروی تبلیغاتی اتحاد شوروی توصیف شده است. او که از سال ۱۹۳۹ عضو حزب کمونیست بوده است، در بیست و دومین کنگره حزب در اکتبر ۱۹۶۱ نامزد عضویت در کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی شد و در همان کنگره به عضویت دفتر RSFSR درآمد که ریاست آن را ان.اس. خروشچف بر عهده دارد و ارگان اصلی حزب برای بزرگترین و مهمترین جمهوری‌های اتحاد شوروی به حساب می‌آید. رومانف که قبلاً افسر سرویس امنیت داخلی بود، در کمیسیون عقیدتی با نفوذ کمیته مرکزی عضویت دارد و معاون اول بخش عقیدتی کمیته مرکزی است.

رومانف در ۱۶ فوریه ۱۹۰۸ در خانواده یک کارمند دولت در بلف، توله اوبلاست، به دنیا آمد. پس از تکمیل دوره‌های عالی ادبیات دولتی از سال ۱۹۲۶ تا ۱۹۲۹ در مطبوعات شوروی مشغول به کار شد، و پس از مدتی معاون مسئول دبیر نشریه *پراودا*، سر دبیر روزنامه گورکی کومین و سوتسکایا دیوروسیا شد. در طول جنگ جهانی دوم، رومانف ظاهراً به عنوان خبرنگار جنگی خدمت می‌کرد، ولی طبق گزارش‌ها کارمند کمیساریای خلق در امور داخلی بود و



مأموریت «بازرسی شخصی» روشنفکران در جبهه را بر عهده داشت، شغلی که مسئولیت آن تضمین وفاداری شخصی و درستکاری روشنفکران بود. گفته می‌شود که در طول این سالها، رومانف که به درجه سرلشگری ارتقا یافته بود، روشنفکرانی را که به آنها مشکوک بود به خطرناک‌ترین مناطق جبهه می‌فرستاد. علاوه بر این، رومانف همان شخصی بود که در طول جنگ مسئولیت دستگیری و حبس الکساندر سولژنیتسین را برعهده داشت. سولژنیتسین در سال ۱۹۶۲ با موافقت شخص خروشچف زمانی با نام یک روز از زندگی ایوان دنیسویچ را در مورد زندگی در اردوگاههای کار اجباری استالینی منتشر ساخت. رومانف از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۹ در دانشکده عالی خبرنگاری حزب کمونیست اتحاد شوروی تحصیل کرد و ظاهراً در همان زمان تا سال ۱۹۵۵ بر کارمندان نشریه کومینفورم به نام زاپروچنی میر، زامردنیو دموکراتیو (برای صلح پایدار، برای دموکراسی مردمی) در بخارست نظارت داشت، از سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۳ دبیر مسئول و از ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۵ معاون سردبیر این نشریه بود.

در سال ۱۹۵۵، رومانف به ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی پیوست و در ماه مارس ۱۹۵۷ معاون بخش تبلیغات و بسیج عمومی جمهوری‌های اتحاد شوروی شد. به دنبال برگزاری کنگره سراسری حزب در سال ۱۹۶۲ که در آن کمیته مرکزی دستخوش تغییراتی ساختاری شد، و در ژانویه ۱۹۶۳، رومانف به معاونت اول بخش عقیدتی کمیته مرکزی منصوب شد، و در آوریل سال بعد به عضویت کمیسیون عقیدتی تازه تأسیس حزب درآمد، که ریاست آن را ال. اف. الیچف، رئیس سابق بخش بسیج عمومی، و دبیر کنونی حزب کمونیست اتحاد شوروی بر عهده دارد. بخش عقیدتی ظاهراً در حکم ارگان اجرایی امور عقیدتی و تحت نظارت کلی کمیسیون عقیدتی عمل می‌کند.

در سال ۱۹۴۹، رومانف که دبیر روزنامه سوتسکایا بلوروسیا بود هم به عضویت کمیته حزب مینسک اوبلاست و هم کمیته مرکزی حزب بلاروس درآمد. او در سال ۱۹۶۰ عضو کمیته مرکزی حزب آذربایجان شد، و در مارس ۱۹۶۲ به معاونت شورای عالی شوروی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی درآمد. در فوریه ۱۹۶۲، رومانف برای اولین بار عضو هیأت تحریریه پارتینایا ژیزن (حیات حزب) ارگان رسمی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی شد. رومانف مسئولیت برگزاری سومین جشنواره بین‌المللی فیلم مسکو را که در ژوئیه ۱۹۶۳ برگزار شد و جایزه بزرگ آن به فیلم جنجالی فدریکو فلینی با نام ۸۹ تعلق گرفت بر عهده داشت. رومانف شخصاً این فیلم را محکوم و اعلام کرد که انتخاب فیلم مزبور نباید به معنای انحراف از سیاست‌های اتحاد شوروی در ارتباط با هنر و ادبیات تلقی گردد.

طبق گزارش‌ها، رومانف در اواخر دهه ۱۹۴۰ به سیر و سیاحت در اروپای شرقی پرداخت. در ماه می ۱۹۶۱، به همراه هیأتی متشکل از دبیران نشریات شوروی به ایالات متحده سفر کرد و سال بعد در دهمین کنگره حزب پیشروی کار در قبرس شرکت نمود. در سال ۱۹۶۳، رومانف از مغولستان و جمهوری دموکراتیک آلمان دیدن کرد.

رومانف در پُست ریاست کمیته صنعت سینمای شوروی همچنان رویکرد عقیدتی سفت و سختی نسبت به مسایل هنری اتخاذ کرده و اظهار داشته است که مبارزه هنری با ایدئولوژی بورژوازی همچنان یکی از روندهای مبارزاتی شوروی است که هیچگونه مصالحه‌ای بر سر آن انجام نخواهد شد. او یک تندروی انعطاف‌ناپذیر و خشن است، و برخی روشنفکران حتی او را دشمنی خطرناک‌تر و سازش‌ناپذیرتر از ال‌تھیف می‌دانند. مقامات آمریکایی گزارش داده‌اند که فیلم‌سازان جوان شوروی به دلیل تلاش‌های رومانف برای کنترل آنها از او شدیداً نفرت دارند. در طول جنگ، رومانف به تعصب علیه لهستانی‌ها و یهودی‌ها و کلاً تعصب به روسیه شهرت داشت. او تا به حال دو نشان افتخار پرچم سرخ کارگری (۱۹۴۸، ۱۹۶۲) و یک مدال شجاعت کارگری (۱۹۴۷) دریافت کرده است.

سند شماره ۲۷۳

۲ ژانویه ۱۹۶۴ - ۱۲ دی ۱۳۴۲

به: رئیس بخش سیاسی

سری

از: منبع کنترل شده آمریکایی

موضوع: دعوت سفارت شوروی از نمایندگان مجلس [شورای ملی] و سنای ایران

مطالب زیر جهت اطلاع شما و هر گونه استفاده مقتضی در چارچوب امنیتی تعیین شده ارسال می‌گردد. هر گونه گزارش از این مطالب باید با درج عبارت «غیر قابل رؤیت برای بیگانگان» صورت گیرد، ولی احتیاجی به درج منبع کنترل شده آمریکایی به عنوان منبع نیست. منبع یک ایرانی صاحب نفوذ است (ب).

سفارت روسیه طی برگزاری ضیافتی در شب ۲۳ دسامبر ۱۹۶۳ چندین سناتور و همچنین چندین نماینده مجلس ایران را به سفارت دعوت، و پس از ضیافت مبادرت به نمایش فیلمی درباره برنامه «کوزمونوت» شوروی کرد. نزدیک به ۴۰ نماینده مجلس از جمله رئیس سنا، جعفر شریف امامی، آقا و خانم حسنعلی منصور (خانم منصور دعوت نشده بود و به اشتباه در این ضیافت حضور یافته بود)، دکتر محمود ضیایی، خانم مهرانگیز دولتشاهی، سناتور عباس مسعودی، سناتور مصاحب، و خانم هاجر تربیت در این ضیافت حضور داشتند.

سند شماره ۲۷۴

۲۳ مارس ۱۹۶۴ - ۳ فروردین ۱۳۴۳

بدون طبقه‌بندی

ایران، اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی

[موضوع]: خورتیلف آلک ایلاریونویچ

(املائی نام برگرفته از فارسی است)

رئیس شعبه مشهد، شرکت بیمه اینگوستراخ
انتقال داریم به تهران.



منبع: ردژپ نوریویچ بردیف، نماینده تجاری شوروی در مشهد که هم اینک مسئول فعالیت‌های اینگوستراخ در استان خراسان در ایران است.

مشهد

ج. پی. ام

(کارت فارسی - روسی که به همراه اصل فرستاده شده است.)

سند شماره ۲۷۵

۹ ژوئن ۱۹۶۴ - ۱۹ خرداد ۱۳۴۳

محرمانه

به: آقای نلسن بریکهم

از: چارلز. ان. راسیاس

موضوع: گرانت آوانسویچ و سکانیان

وسکانیان را برای دومین بار در منزل شما ملاقات کردم. قبلاً او را در میهمانی که به افتخار خانواده ترجلیان داده بودید، ملاقات کرده بودم.

وسکانیان ملاقات قبلی مان را به یادداشت، و پس از تعارفات معمول کارش را شروع کرد. وسکانیان از من پرسید که دقیقاً چه پستی در سفارت دارم. من هم گفتم که دیپلمات بخش سیاسی هستم و به امور بین‌المللی و داخلی ایران علاقه دارم. وقتی همین سؤال را از او کردم، او سعی داشت از پاسخ طفره برود، و فقط گفت من هم در بخش سیاسی کار می‌کنم.

او سپس از من پرسید آیا می‌دانم چرا وزارت امور خارجه اسناد سال ۱۹۴۳ مبنی بر توافق ادعایی بریتانیا-شوروی برای تقسیم ایران را منتشر ساخته است. پس از اینکه توضیحاتم را شنید، گفت که اسناد فوق برای اتحاد جماهیر شوروی ننگ و رسوایی به حساب نمی‌آید و اکثر خارجی‌ها انتشار این اسناد را تبلیغات آمریکا بر ضد شوروی قلمداد خواهند کرد. او با ظرافت طعنه زد که آمریکا اسناد فوق را به این جهت حالا منتشر ساخته است که بریتانیا را رسوا کند، زیرا با سیاست‌های آن در خاورمیانه موافق نیست. ما برای مدتی درباره همین موضوع صحبت کردیم.

از من پرسید که نظرم در مورد وضعیت ایران چیست و من هم پاسخ دادم که در حال پیشرفت است. او مخالفتی با نظر من نکرد، و پرسید که درباره سیاست خارجی اتحاد جماهیر شوروی چه فکر می‌کنم. من هم حرف را به رویارویی ایالات متحده و اتحاد شوروی در اکتبر ۱۹۶۲ کشاندم. او دو نظر درباره این موضوع داشت: (۱) خروشچف فقط می‌خواست راکت‌ها را در آنجا مستقر سازد تا بعداً برای برچیدن آنها از آمریکا امتیاز بگیرد و از آن بخواهد تا پایگاههای خود را که در نزدیکی مرزهای اتحاد شوروی مستقر ساخته، برچیند؛ (۲) تحت هیچ شرایطی اتحاد شوروی مبادرت به پرتاب راکت‌ها به خاک ایالات متحده نمی‌کرد.

در طول گفتگوی ۱۵ تا ۲۰ دقیقه‌ایمان، وسکانیان حواسش به این بود که چه کسی به میهمانی می‌آید. واسیلی موشویو از سفارت رومانی به محض ورود و دیدن من، به سوی ما



آمد تا احوالپرسی کند. او خیلی محترمانه با من احوالپرسی کرد، ولی فقط سری برای وسکانیان تکان داد و از ما جدا شد.

وقتی داشتیم از یکدیگر جدا می شدیم تا میهمانان دیگر را ملاقات کنیم، وسکانیان گفت که باید این بحث را ادامه دهیم. در پایان میهمانی هم وقتی که از میزبانان خداحافظی کرد دوباره برای من دست تکان داد و تکرار کرد که مایل است آن بحث را ادامه دهد.

در طول میهمانی، وسکانیان با خیلی از میهمانان گرم گرفته بود و به حالتی غیررسمی با آنها صحبت می کرد، به ویژه با چند بریتانیایی که آنها را نمی شناختم. ندیدم که با روس های دیگری که در میهمانی بودند، چندان صحبت کند. ظاهراً خیلی راحت با میهمانان گرم می گرفت، و ترجیح می داد که بیشتر با غربی ها صحبت کند.

برداشت من از وسکانیان این است که او دیپلماتی باتجربه، قابل دسترس، ولی باهوش است. او هیچ واکنش واضحی به اظهار نظرات کاملاً بی پرده من درباره فعالیت های شوروی در امور بین المللی نشان نداد.

سند شماره ۲۷۶

سری - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان
از: ویکتور ولف
به: آقای نلسن بریکهم

موضوع: دیپلمات های بلوک شرق

۱- اس. ان. تاگاشف

کاملاً معلوم است که آقای تاگاشف نوشیدنی الکلی را خیلی دوست دارد، و در اواخر میهمانی که در منزل شما برگزار شد قدری «شل و ول» شده بود. باز هم معلوم است که از خانم ها خوشش می آید، به ویژه اگر بلوند باشند.

در خلال گفتگوهایمان درباره زبان، آقای تاگاشف گفت به شدت از چینی های کمونیست نفرت دارد. آقای تاگاشف خوب می تواند از زبان فارسی برای راه انداختن کارهایش استفاده کند. با وجود این، زبان فارسی اش پشتوانه ادبی ندارد. او اصلاً اشاره هایی را که به کار بردم، از جمله چندین اشاره بسیار معروف به شعرهای سعدی و حافظ را نفهمید.

۲- آقای کاساتکین

این مقام، حرف های جالبی در مورد کنوانسیون جدید کنسولی بین اتحاد شوروی و ایالات متحده داشت.

متوجه شدم که عادت ندارد مستقیماً در چشم مخاطبش نگاه کند و دائماً به اطراف نگاه می کند. او دارای نگاهی است که دوشیزه فیتزجرالد «خیرگی مشروب کوکتل خیابان مدیسون» می نامد، چرا که همیشه از بالای شانه شما نگاه می کند ببیند چه کسی دارد وارد می شود.



۳- جی. ای. وسکانیان

آقای وسکانیان بدون شک انگلیسی را عالی صحبت می‌کند و در رفتارش با خارجی‌ها بسیار نرم و مؤدب است. ظاهراً او در حضور خارجی‌ها احساس ناراحتی نمی‌کند و از برقراری مناسبات اجتماعی کاملاً لذت می‌برد. او مشغله زیادی دارد زیرا همیشه در حال رفتن از این جمع به آن جمع است. خیلی یک جا بند نمی‌شود و هر موقع هم جایی آرام می‌گیرد به خودش سخت نمی‌گذراند. مثلاً به درختی تکیه می‌دهد، یا روی صندلی می‌نشیند، یا دستش را دور کمر مخاطبش می‌گذارد و به او تکیه می‌دهد.

او خیلی علاقمند بود بداند چرا شاه دارد به ایالات متحده می‌رود، و از این پاسخ که برای افتتاح یک نمایشگاه هنری به آنجا می‌رود خیلی راضی نبود. او به خانم تنودور الیوت گفت که از تهران نفرت دارد و لحظه شماری می‌کند که به شوروی برگردد.

۴- زولتان سزفیلی

به آقای سزفیلی و همسرش در میهمانی خیلی خوش گذشت هر چند در اواخر میهمانی خانم سزفیلی عجله داشت که به منزل برگردد. معلوم است که از تاگاشف بدش می‌آید. برداشت خانم فیتزجرالد این بود که خانم سزفیلی قدری از رفتار شوهرش در میهمانی خجالت‌زده شده است. زولتان از آن آدم‌های «خوش‌مشرب» جامعه بلوک شرق است. آقای سزفیلی هم به خانم‌ها علاقه نشان می‌دهد- به هر نوع خانمی. وقتی فهمید که ماشین سفارت را صدا کرده‌ام تا دوشیزه استیس و دوشیزه فیتزجرالد را به خانه ببرد، مرا به گوشه‌ای کشاند و در گوشم گفت که این کار کرده‌ام تا دخترها فقط برای خود باشند.

سند شماره ۲۷۷

محرمانه

۲۰ ژوئن ۱۹۶۴ - ۳۰ خرداد ۱۳۴۳

به بخش سیاسی: آقای مارتین هرتز

از بخش سیاسی: دانیل او. نیوبری

[موضوع]: ملاقات با مقامات سفارت شوروی

در مراسم روز ملی کویت که شب گذشته در سفارت این کشور در تهران برگزار شد با آقای افندیف ملاقات کردم که مثل یک رفیق شفیق حالم را پرسید. چند هفته پیش او را در باشگاه سفارت شوروی ملاقات کرده بودم. آن موقع، به زبان ترکی با همدیگر صحبت کرده بودیم، ولی شب گذشته چون همکار افندیف، آقای جاریکوف، نیز در کنار ما بود، به زبان فارسی صحبت کردیم (که البته من فارسی شکسته و بسته و افندیف فارسی روان). بعد از اینکه جمع ما بزرگ‌تر شد، افندیف نشان داد که به همان اندازه به زبان انگلیسی مسلط است. بخش اعظمی از صحبت‌های ما به شهر استانبول مربوط می‌شد، و آقای افندیف از من در مورد آب و هوا و کلاً وضعیت شهر سؤال کرد.



از آن دو مقام شوروی پرسیدم که آیا تا به حال در کویت بوده‌اند، و جاریکوف خیلی محتاطانه توضیح داد که فقط چند ماه است که سفارت شوروی در کویت باز شده است. قدری پس از آن همسرم را برای ملاقات مجدد با آقای افندیف نزد او بردم (همسرم قبلاً او را در باشگاه شوروی ملاقات کرده بود). از او پرسیدم آیا می‌توانیم خانم افندیف را هم ببینیم، و او همسرش را که دور یک میز در جمع چند زن دیگر، که فکر می‌کنم همگی همسران مقامات سفارت شوروی بودند، اشاره کرد. به جای اینکه ما را به سمت میز ببرد، رفت و همسرش را صدا کرد. خانم افندیف اگر چه قدری چاق بود، ولی خیلی زیبا به نظرمان آمد، با چهره‌ای اروپایی و نزدیک ۵ فوت قد. او ظاهراً زبان دیگری غیر از روسی بلد نیست، ولی با توجه تمام به صحبت‌های ما گوش می‌داد و منتظر می‌ماند تا همسرش حرف‌هایمان را برایش ترجمه کند. در پاسخ سؤال ما گفت که دو دختر دارند، یکی ۸ ساله و دیگری ۴ ساله. آقای افندیف گفت ظاهراً با بزرگتر شدن بچه‌ها تربیت آنها نیز مشکل‌تر می‌شود.

همان شب، همسرم سر صحبت را با خانم اوسپیوا، که قبلاً هم در چند موقعیت دیگر با او صحبت کرده بود، باز کرد. تنها چیز قابل توجهی که از همسرم درباره خانم اوسپیوا شنیدم این بود که او تعجب کرده بود چرا هیچ یک از مقامات کویتی همسران خود را به میهمانی نیاورده‌اند. البته جالب است بدانید که این اولین باری بود که مقامات سفارت شوروی نیز همگی همسران خود را به میهمانی آورده بودند.

توضیح: آقای افندیف می‌گوید که اهل باکوست. ترکی و فارسی را خیلی روان صحبت می‌کند، ولی می‌گوید تحصیلات خود را کاملاً در روسیه گذرانده است.

سند شماره ۲۷۸

محرمانه

۲۰ ژوئن ۱۹۶۴ - ۳۰ خرداد ۱۳۴۳

از بخش سیاسی: ویکتور ولف، Jr. به بخش سیاسی: آقای مارتین اف. هرترز
موضوع: ملاقات با مقامات بلوک شرق

شب گذشته در سفارت کویت این فرصت را پیدا کردم که با چندین تن از مقامات سفارت‌های بلوک شوروی در تهران ملاقات کنم.

آقای افندیف اهل باکوست و چهره‌ای تاتاری دارد. خانم افندیف جثه کوچک و چاقی دارد و شبیه روس‌هاست. او فقط روسی صحبت می‌کند و ظاهراً فارسی بلد نیست. فارسی آقای افندیف عالی است و معلوم است که با ادبیات ایران نیز آشناست. او شعر فارسی را خوب می‌داند و چند بیت از سعدی برایمان خواند. آقا و خانم افندیف شش ماه است که در تهران به سر می‌برند و برای یک «مأموریت منظم» در تهران خواهند بود. البته من نفهمیدم منظور آنها از «مأموریت منظم» چیست. آقای افندیف آدم بذله‌گویی است، و وقتی فهمید که من هنوز مجرد هستم گفت که من دوستان زیاد و خوبی دارم که هنوز بار ازدواج را بر دوش من نگذاشته‌اند. وقتی گفتگوی ما را برای



زنش ترجمه کرد، او پاسخی نداد، ولی نگاهی سرزنش‌آمیز به من انداخت. آقای جاریکف فارسی را خوب بلد است، و در حدود سه سال است که در ایران به سر می‌برد. یک هفته دیگر مأموریتش تمام می‌شود و به مسکو بازمی‌گردد. او سر از پا نمی‌شناسد چون می‌گوید که از ایران نفرت دارد.

هم آقای افندیف و هم آقای جاریکف گفتند که موافقت‌نامه هواپیمایی غیرنظامی بین ایالات متحده و اتحاد شوروی «هم اینک عملاً در حال اجراست.» خانم «سینثیا رمزی» که کنار ما ایستاده بود از آنها پرسید آیا امکان استفاده از خط آهن سیبری برای رفتن از ولادی وستک به مسکو وجود دارد یا خیر. هر دو نفر آنها قدری یکه خوردند، ولی گفتند که این سفر هشت روز طول می‌کشد و افزودند که چنین سفری چندان لذت بخش نخواهد بود. بعد از آن به مزاح به آن دو نفر گفتم آیا به هنگام سفر به خاور دور، دانستن زبان چینی لازم است، و آقای جاریکف خیلی محکم گفت: «به هیچوجه».

سند شماره ۲۷۹

محرمانه

۱۱ اوت ۱۹۶۴ - ۲۰ مرداد ۱۳۴۳

تاریخ: ۱۱ اوت ۱۹۶۴

محل: میهمانی به صرف نوشیدنی در منزل «وی. موشویو»، کاردار سفارت رومانی
طرف‌های گفتگو: ولادیمیر پانکراتف، دبیر اول سفارت شوروی، ایو بوله، دبیر اول سفارت فرانسه

[موضوع]: گزارش گفتگوها

۱- مقدمه

الکساندر دیما، دبیر سوم سفارت رومانی، من را به آقای پانکراتف معرفی کرد. پانکراتف به همراه سه روس دیگر بود، که یکی از آنها را به اختصار وابسته نظامی جدید شوروی در ایران معرفی کرد. از آنجایی که زبان انگلیسی پانکراتف ضعیف است، ما به فارسی با همدیگر صحبت کردیم و به تدریج از دیگران فاصله گرفتیم تا اینکه آقای بوله چند دقیقه بعد به ما پیوست. در حین صحبت‌هایمان تعارفات معمول درباره خانواده و شغل را انجام دادیم. فارسی پانکراتف خیلی خوب است، و او آدم رک و صریحی است.

۲- شغل

پانکراتف گفت رابط سفارت با وزارت امور خارجه ایران است و بیشتر وقتش را به تنظیم کردن یادداشت‌ها و مذاکرات سطح پایین با همتایان ایرانی‌اش می‌گذراند. او گفت که به روابط ایران با کشورهای دیگر چندان علاقه‌ای ندارد، ولی اولین سؤال جاندارش نشان داد که واقعاً اینگونه نیست. (نگاه کنید به بند ۴ همین یادداشت).

۳- مذاکرات موافقت‌نامه هوایی شوروی-ایران



برای اینکه پانکراتف را محک بزخم پرسیدم مذاکرات ایران و شوروی بر سر موافقت‌نامه هواپیمایی غیرنظامی چگونه پیش می‌رود. او لبخندی زد و گفت که مذاکرات رضایت‌بخش است و اگر «به خاطر نفوذ و دخالت شما نبود» الان باید به نتیجه می‌رسید. بعد از اینکه به او گفتم ما هیچ دخالتی در این امر نداریم، از او پرسیدم واقعاً چه مشکلی مانع توافق نهایی شده است. او بدون تأمل گفت اتحاد جماهیر شوروی قبول نمی‌کند که اتباع خارجی به عنوان خدمه INAC پرواز کنند مگر اینکه اتباع کشوری باشند که اتحاد شوروی با آنها موافقت‌نامه هوایی دوجانبه داشته باشد. از نظر پانکراتف ایرانی‌ها بر این مسئله اصرار نخواهند کرد و هیأت سه نفره‌ای که از مسکو به ایران آمده است، احتمالاً ظرف چند روز آینده موافقت‌نامه را نهایی خواهند کرد.

(در همین موقع ایو بوله از سفارت فرانسه به جمع ما پیوست و از آنجایی که فارسی بلد نیست، و پانکراتف هم ظاهراً فرانسه بلد نیست، ما صحبت‌هایمان را به زبان انگلیسی ادامه دادیم.)

۴- TUPAIR

پانکراتف از من پرسید نظر آمریکا در مورد توافق اخیر ترکیه، پاکستان و ایران بر سر همکاری‌های نزدیک‌تر منطقه‌ای، اقتصادی و فرهنگی چیست. پاسخ دادم مسلماً ما مخالفتی با این توافق نداریم و فکر می‌کنیم این نوع همکاری به نفع همه طرف‌هاست. پانکراتف اصرار داشت که این توافق نمی‌تواند مزایای اقتصادی واقعی برای طرفین، مخصوصاً ایران، داشته باشد، زیرا اقتصاد هر سه کشور بسیار شبیه همدیگر است و اصلاً مکمل یکدیگر نیستند. بوله نیز گفت که کلاً با نظر او موافق است، ولی همکاری نزدیک‌تر سه کشور در زمینه کمک‌های فنی می‌تواند برایشان مفید باشد. همچنین، زمینه‌هایی نیز برای گسترش مناسبات فرهنگی وجود دارد، هر چند که ظاهراً چندان ساده نخواهد بود. پانکراتف نیز با تکان سر، نظر بوله را تأیید کرد، و سپس گفت از نظر او انگیزه اصلی این توافق جدید سیاسی است، و گفت دوست دارد بداند که توافق جدید چه تأثیری بر سنتو خواهد گذاشت. پاسخ دادم (البته سعی می‌کردم پاسخ‌م قانع‌کننده باشد) که از نظر من توافق جدید نباید لزوماً تأثیر مختل‌کننده‌ای بر سنتو داشته باشد و اینکه سه کشور ایران، ترکیه و پاکستان باز هم می‌توانند با حفظ پیمان سنتو منتفع شوند. بوله با این امر موافق بود، ولی افزود که از نظر او دلیل اصلی انعقاد پیمان جدید به وضوح سیاسی است، نه فقط بر اساس حمایت متقابل در برابر مشکلات بین‌المللی جاری که هر یک از این سه کشور با آنها مواجه است (مثلاً قبرس برای ترکیه، کشمیر برای پاکستان، و تهدیدهای «ناصری» برای خلیج فارس و خوزستان ایران)، بلکه همچنین نمایش استقلال از غرب و مانوری برای اعمال نفوذ بیشتر در حوزه سیاست آفریقا-آسیاست. گفتم نمی‌توانم با تحلیل بوله مخالفت کنم، ولی پانکراتف فقط حرف خودش را می‌زد. پیش از آنکه بتوانم بحث را ادامه دهم، مجبور شدم از جمع جدا شوم. بوله و پانکراتف برای مدتی به بحث ادامه دادند.

اطلاعات بیوگرافی

پانکراتف گفت که ازدواج کرده و دو فرزند دارد: یک پسر ۱۵ ساله که در شوروی درس می‌خواند و یک دختر ۵ ساله که در تهران است. وقتی به اختلاف سن فرزندانش اشاره کردم و گفتم به او نمی‌آید که یک پسر ۱۵ ساله داشته باشد، لبخندی زد و گفت: «دست خودم نبود. کار خدا بود.»

همان شب به هنگام پخش فیلم از پانکراتف پرسیدم که حال همکارش، وسکانیان، چگونه است. گفت حال او خوب است و هنوز در تهران به سر می‌برد. قدری تعجب کرد که طوری حال وسکانیان را می‌پرسم که انگار خوب او را می‌شناسم.

به نظر می‌رسد پانکراتف ایران را خوب گشته باشد. گفت خیلی به سواحل دریای خزر علاقه‌ای ندارد و از نظر او به استثنای مسجد اصفهان، این شهر چندان هم جذاب نیست. او گفت گرمای تهران کلافه‌اش می‌کند و خدا را شکر کرد که محل اقامت تابستانی سفارت در شمیران است. از من پرسید آیا در سفارت زندگی می‌کنم و یا یک منزل خصوصی خارج از سفارت دارم.

بخش سیاسی

سی.ان. راسیاس

سند شماره ۲۸۰

محرمانه

از: چارلز. راسیاس

۱۲ اوت ۱۹۶۴ - ۲۱ مرداد ۱۳۴۳

به: آقای رنسام هیگ

[موضوع]: ملاقات با وابسته نظامی، دریایی و هوایی جدید شوروی

در میهمانی شب گذشته کاردار رومانی، موشویو، به وابسته نظامی جدید شوروی، که یک سرهنگ بود، معرفی شدم، ولی نامش را متوجه نشدم.

او ۵ فوت و ۸ اینچ قد، ۱۷۵ پوندوزن و هیکل متناسبی دارد. نزدیک ۵۰ سال دارد، و موهایش تماماً سفید است که آن را به عقب شانه می‌کند. سفیدروست و چشمان روشنی (خاکستری یا آبی) دارد که هوش و ذکاوت در آنها پیداست. همیشه لبخند به لب دارد، ولی ظاهراً خیلی هم خجالتی است. چند بار که او را زیر نظر گرفتم، مثل تازه‌واردانی بود که انگار آشنای زیادی در اینجا ندارند.

این سرهنگ شوروی انگلیسی را خوب صحبت می‌کند. به من گفت که تازه وارد تهران شده است. معلوم بود خوب متوجه توضیحات ای. دیما از سفارت رومانی درباره من نشده است و از من درجه‌ام را پرسید و اینکه در کدام سفارت کار می‌کنم. وقتی به او توضیح دادم که یکی از چندین دبیر دوم‌های سفارت آمریکا هستم، خندید و به یک نفر تبعه چک (که نامش را نمی‌دانستم، نزدیک ۶ فوت قد، سر طاس، با عینک که از من حال آقای نلسن بریکهم



را پرسید) که کنارش ایستاده بود، گفت: «این آمریکایی‌ها همه جای جهان بیشترین نفرات را دارند.» پاسخ دادم البته عبارت «همه جا» برای همه کشورها صادق نیست، و او هم که منظور من را فهمیده بود، با نوعی خجالت‌زدگی توأم با احترام، لبخندی حواله‌ام کرد. وقتی از او پرسیدم در سفارت شوروی چه پستی دارد، گفت وابسته ارتش - نیروی دریایی - نیروی هوایی است، و سپس به مزاح گفت: «مردی با سه شغل ولی یک حقوق.»

سند شماره ۲۸۱

محرمانه
از بخش سیاسی: چارلز. ان. راسیاس
به بخش سیاسی: رنسام. اس. هیگ
۲۴ اوت ۱۹۶۴ - ۲ شهریور ۱۳۴۳
[موضوع]: سرهنگ فاشوگف

برای دومین بار جناب سرهنگ را در مراسم روز ملی رومانی که در تاریخ ۲۳ اوت در سفارت این کشور برگزار شده بود، ملاقات کردم. در جریان صحبت‌های بسیار کوتاهی که داشتیم از جناب سرهنگ پرسیدم که موافقت‌نامه هوایی ایران و شوروی چه زمانی به مورد اجرا گذاشته خواهد شد. جناب سرهنگ پاسخ داد که هیچ نقشی در این مذاکرات نداشته و هیچ اطلاعی هم از اجرای آن ندارد.

سند شماره ۲۸۲

محرمانه
از بخش سیاسی: چارلز. ان. راسیاس
به بخش سیاسی: رنسام. اس. هید
۲۴ اوت ۱۹۶۴ - ۲ شهریور ۱۳۴۳
[موضوع]: دی. ای. ریجوف، دبیر سوم سفارت شوروی

در صحبتی که مورخ ۲۳ اوت در مراسم روز ملی در سفارت رومانی با آقای ریجوف داشتم، او گفت که قبلاً زیر دست آقای شیبورین بوده است. آقای شیبورین در زمانی که من در سفارت آمریکا در رانگون مأمور بودم، سفیر روسیه در رانگون بود. آن طور که از صحبت‌های جسته و گریخته آقای ریجوف برمی‌آید، آقای شیبورین رئیس بخش اقتصادی وزارت امور خارجه در مسکو بوده است.

سند شماره ۲۸۳

محرمانه
از بخش سیاسی: رنسام. اس. هید
به بخش سیاسی: چارلز. ان. راسیاس
۲۴ اوت ۱۹۶۴ - ۲ شهریور ۱۳۴۳
[موضوع]: وای. کی. الکسیف، دبیر دوم سفارت شوروی

به گفته آقای پانکراتف از سفارت شوروی، آقای الکسیف اخیراً از دبیر سومی سفارت به دبیر دومی ارتقا یافته است. آقای پانکراتف می‌گوید که آقای الکسیف بهتر فارسی صحبت



می‌کند و آدم باهوش‌تری است. او گفت آلکسیف برای احراز این پُست آموزش‌های بسیار تخصصی دیده و در طول تقریباً سه سالی که در ایران گشته، «ایران را حتی بهتر از ایرانی‌ها می‌شناسد.»

سند شماره ۲۸۴

محرمانه

۲۴ اوت ۱۹۶۴ - ۲ شهریور ۱۳۴۳

از بخش سیاسی: چالز. ان. راسیاس به بخش سیاسی: رنسام اس. هیگ

[موضوع]: پانکراتف، دبیر اول سفارت شوروی

امروز صبح، ۲۴ اوت، با آقای پانکراتف در سفارت شوروی تماس گرفتم و از او دعوت کردم که صبح چهارشنبه با من و پسر من به اجرای تمرینی ارکستر سمفونی پیتزبورگ در مرکز فرهنگی IAS بیاید.

آقای پانکراتف ظاهراً از این تماس تلفنی خوشحال شده بود، و متوجه شدم که بدون هیچ تأملی دعوت من را پذیرفت. چون از زمان و مکان اجرای تمرینی ارکستر سمفونی مطمئن نبودم، پانکراتف از من خواست روز سه‌شنبه ساعت ۱۱:۳۰ برای تأیید قرارمان با او تماس بگیرم.

سند شماره ۲۸۵

محرمانه

۲۵ اوت ۱۹۶۴ - ۳ شهریور ۱۳۴۳

از بخش سیاسی: چالز. ان. راسیاس به بخش سیاسی: آقای رنسام. اس. هیگ

[موضوع]: ولادیمیر پانکراتف، دبیر اول سفارت شوروی

آقای ولادیمیر پانکراتف را برای دومین بار در مراسم روز ملی رومانی که در روز ۲۳ اوت در سفارتخانه این کشور در تهران برگزار شد، ملاقات کردم. او نزد من آمد و نسبتاً گرم سلام و احوالپرسی کرد.

اطلاعات بیوگرافی: در طول صحبت‌هایمان اطلاعات زیر را کسب کردم. همسرش زبان انگلیسی یا فرانسه نمی‌داند، و فقط به روسی صحبت می‌کند. هوای تهران را اصلاً دوست ندارد. پانکراتف یک یا دو انگشت دست راست را ندارد.

- ۱- موافقت‌نامه هوایی ایران-اتحاد جماهیر شوروی: او پیش‌بینی می‌کند که موافقت‌نامه هوایی با پرواز مقدماتی هواپیماهای ایرفلوت شوروی طی یک تا دو ماه دیگر به مورد اجرا گذاشته خواهد شد. (ایو بوله می‌گوید که عالیخانی همان شب امضای موافقت‌نامه هوایی ایران و اتحاد شوروی به او گفته است که اجرای کامل موافقت‌نامه بین دو تا سه سال طول خواهد کشید.)
- ۲- تبلیغات کمونیست‌ها: پانکراتف از من پرسید آیا سفارت آمریکا هیچ یک از نشریات



جمهوری خلق چین را که اخیراً به ایران ارسال شده، دریافت کرده است. به او گفتم که هیچ اطلاعی از دریافت چنین نشریاتی ندارم. او گفت سفارت شوروی نیز هیچ نشریه‌ای دریافت نکرده است، ولی می‌داند که سفارتخانه‌های دیگر چنین نشریاتی دریافت کرده‌اند. او همچنین گفت رادیو پکن در حدود یک یا دو هفته پیش شروع به انتقاد از رژیم ایران کرده است. گفتم ما متوجه نشده‌ایم که رادیو پکن مبارزه تبلیغاتی شدیدی بر ضد ایران راه انداخته است، ولی می‌دانیم که رادیوهای کمونیستی (NVI و پیک ایران) همچنان به تبلیغات منفی‌شان بر ضد ایران ادامه می‌دهند. پانکراتف سعی کرد انکار کند که این رادیوها تحت نفوذ شوروی هستند، ولی لبخندش نشان می‌داد که خودش بهتر هر کس دیگری می‌داند.

۳- نظرات کلی‌تر:

(الف) پانکراتف مدعی بود که فرانسه و جمهوری خلق چین هنوز واقعاً روابط دیپلماتیک رسمی با یکدیگر برقرار نکرده‌اند.

(ب) پانکراتف خیلی دوست داشت بداند چرا USIS برای رویدادهای فرهنگی مهم هیچ بلیط دعوت به سفارت شوروی نمی‌فرستند. پانکراتف گفت که مرکز قدیمی USIS در نادری را دیده است، ولی هنوز به مرکز فرهنگی جدید در عباس آباد نرفته است. در همین ارتباط به او گفتم که قصد داشتم او و همسرش را به کنسرت سمفونی پیتزبورگ دعوت کنم، ولی چون فکر می‌کردم کارمندان سفارت شوروی اجازه ندارند بدون حضور همکارانشان با کارمندان سفارت آمریکا ملاقات کنند، از این کار صرف نظر کردم. پانکراتف با خنده‌ای این حرف را رد کرد و گفت خوشحال می‌شود هر موقع بخواهم او را ببینم.

(پ) پانکراتف عقیده داشت که ایالات متحده دارد با دخالت در مسایل گوناگون در سرتاسر دنیا، حتی در مناطقی که منافع چندانی برای او ندارد، توان خود را هدر می‌دهد. وقتی به او گفتم که از نظر من شوروی نیز دارد دقیقاً همین کار را می‌کند، او لبخند زد و سپس خلاصه‌ای از تحلیل کمونیست‌ها را درباره اوضاع کنونی جهان برایم گفت. وقتی داشت این توضیح را به من می‌داد، که البته تلاشش برای نشان دادن بی‌طرفی قابل توجه بود، به من اطمینان داد که قصد ندارد من را یک کمونیست کند.

(ت) پانکراتف گفت بیشتر با روشنفکران و کارگران ایرانی تماس دارد، و اطلاعات یا تماس‌های زیادی با اصطلاحاً طبقات حاکم ندارد.

سند شماره ۲۸۶

۲۵ اوت ۱۹۶۴ - ۳ شهریور ۱۳۴۳

محرمانه

به بخش سیاسی: آقای رنسام. اس. هیگ

از بخش سیاسی: چارلز. ان. راسیاس

[موضوع]: دی. ای. ریجوف، دبیر سوم سفارت شوروی

در مراسمی که در روز ۲۳ اوت به دعوت موشوین، کاردار سفارت رومانی به مناسبت روز



ملی این کشور در سفارت رومانی برگزار شده بود، با ریجوف ملاقات کردم. ریجوف تقریباً ۴۲ ساله است، ۱۶۰ سانتیمتر قد دارد، لاغر است، پوست روشن و موهای قهوه‌ای روشن دارد و عینک به چشم می‌زند. زبان فارسی را خوب می‌داند ولی زبان انگلیسی اش ضعیف است. متأهل و دارای یک فرزند ۱۱ ساله است. مدعی است که بیش از ۱۱ سال را در سرویس دیپلماتیک کار کرده است، ولی مأموریتش به تهران اولین مأموریت خارج از کشور است. در واقع این دومین باری است که به ایران می‌آید زیرا حدوداً چهار سال پیش نیز در ایران بوده است.

نظرات گزارشگر: از نظر من ریجوف از آن دیپلمات‌های چیره‌دست سفارت شوروی نیست. او ظاهراً به خودش چندان اطمینان ندارد، و چنان هول‌زده است که رفتارش تقریباً ناشیانه جلوه می‌کند. او در حضور پانکراتف، دبیر اول سفارت شوروی، اصلاً اعتماد به نفس نداشت، و وقتی بدون دلیل اظهاراتی بیان کرد، پانکراتف خیلی سعی داشت در حضور من او را خجالت‌زده نکند.

جالب اینجاست که چند روز پیش، یعنی قبل از آنکه ریجوف را ملاقات کنم، آقای علی خردمهر، کارمند سابق اداره چهارم وزارت امور خارجه ایران، در مورد رفتار ناشیانه و هول‌زده یکی از دبیر سوم‌های سفارت شوروی به نام ریجوف برایم صحبت کرده بود. طبق گفته خردمهر، ریجوف همیشه به اداره چهارم وزارت امور خارجه می‌آید و می‌پرسد از روابط ایران و آمریکا تازه چه خبر. اگرچه کارمندان اداره چهارم به ریجوف فهمانده‌اند که دوست ندارند چنین سؤالاتی را بشنوند و اینکه رفتار او را غیر مؤدبانه تلقی می‌کنند، ولی او باز هم به کارش ادامه می‌دهد. حتی یکبار بدون اینکه به خردمهر خبر دهد به خانه او رفته بود، و وانمود کرده بود که آنها آنقدر با هم دوست هستند که این چیزها عادی است. خردمهر هم این مسئله را به مدیر سیاسی وقت وزات امور خارجه، میرفندرسکی، اطلاع داده بود، و میرفندرسکی هم با خنده گفته بود که ریجوف از آن دیپلمات‌های هول‌زده شوروی است که سعی می‌کند با نوشتن یادداشت‌هایی در مورد تماس‌هایش با اعضای اداره چهارم (قاره آمریکا) وزارت خارجه به بالادستانش برای خودش امتیاز کسب کند.

سند شماره ۲۸۷

۲۷ اوت ۱۹۶۴ - ۵ شهریور ۱۳۴۳

به بخش سیاسی: رنسام. اس. هیگ

محرمانه

از بخش سیاسی: چالز. ان. راسیاس

[موضوع]: ولادیمیر پانکراتف، دبیر اول سفارت شوروی

چنانکه قبلاً ترتیب داده بودیم، امروز صبح ساعت ۸:۱۵ او را ملاقات کردم. وقتی رسیدم او داشت نگاهی به محل نصب اعلانات می‌انداخت. سپس او را در مرکز فرهنگی IAS گرداندم، و او هم خیلی علاقه نشان می‌داد. پس از آن در آمفی تئاتر نشستیم و به اجرای تمرینی ارکستر



سمفونی پیتزبورگ گوش دادیم. تا ساعت ۱۰:۱۵ آنجا ماندیم و سپس برای صرف یک نوشیدنی به منزل من رفتیم. در ساعت ۱۰:۵۰ دقیقه هم آقای پانکراتف را به سفارت شوروی رساندم. ساعت ۱۱:۱۰ دقیقه به آنجا رسیدیم.

اطلاعات بیوگرافی

پانکراتف علاوه بر یک پسر ۱۵ ساله که در مسکو درس می‌خواند، یک دختر شش ساله نیز دارد که با او و همسرش در تهران زندگی می‌کند. پانکراتف مدعی است که اهل مسکو است. پانکراتف در پاسخ به سؤال من گفت که تهران اولین پست دیپلماتیک او در خارج از اتحاد جماهیر شوروی است و اینکه او قبلاً هم از سال ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۰ در تهران بوده است. او گفت اتحاد جماهیر شوروی کارمندان را برای مدت‌های طولانی، شاید قدری بیش از حد، در کشورها یا مناطقی که بابت آن آموزش‌های تخصصی دیده‌اند، نگاه می‌دارد. او ظاهراً به فرهنگ ایران علاقه دارد و قدری با آن آشناست، با وجود این، می‌گوید که دوست ندارد پس از اتمام مأموریت کنونی‌اش، که احتمالاً یک سال دیگر تمام خواهد شد، به ایران بازگردد.

وقتی داشتیم به موسیقی گوش می‌دادیم از او پرسیدم آیا خودش موسیقی می‌نوازد. او لبخندی زد و دست راستش را به من نشان داد، که انگشت نشانه نداشت. از او پرسیدم چه اتفاقی برای دستش افتاده است. پانکراتف گفت که در جنگ مجروح شده است. من از این فرصت استفاده کردم و سئوالاتی از او پرسیدم که نتیجه آنها این اطلاعات شد: او پیش از آنکه به سن سربازی برسد به پیاده نظام شوروی پیوسته بود. او در جبهه [؟] روسیه خدمت کرده و در سال ۱۹۴۳ مجروح شده بود، و در نتیجه آن به پشت جبهه اعزام شده و همانجا خدمت کرده بود. پیش از آنکه مجروح شود، در گروهی خدمت می‌کرد که اگر درست فهمیده باشم یک گروه شناسایی ویژه بوده است. او گفت اسلحه اصلی آنها فقط یک مسلسل سبک بوده، و آنها بیشتر وقت خود را در پشت جبهه آلمانی‌ها به جمع‌آوری اطلاعات محرمانه و غیرمحرمانه و ارسال آن برای واحدهای ارتش خود می‌گذراندند. این گروه دست به خرابکاری نمی‌زدند و از درگیری با دشمن هم پرهیز می‌کردند. (فکر می‌کنم این گروه نوعی «نیروی ویژه» بوده که در مناطق تحت اشغال آلمان مأموریت انجام می‌داده و در طول آن مردم آنها را یاری می‌رسانده‌اند).

پانکراتف از اینکه می‌شنید من بابت خانه‌ای که کرایه کرده‌ام ماهیانه فقط ۱۶۰۰ تومان می‌پردازم و خودروی شخصی خودم را سوار می‌شوم، خیلی تعجب کرد. او گفت که با همسر و دخترش در یک آپارتمان دو اتاقه در محوطه سفارت زندگی می‌کند. آپارتمانشان یک آشپزخانه و حمام دارد. البته او افزود که این مقدار هم برای آنها کافی است چون اکثر شهروندان مسکو به زندگی کردن در آپارتمان‌های حتی کوچک‌تر از این هم عادت دارند، زیرا بعد از جنگ جمعیت مسکو خیلی زیاد شده است.

پانکراتف سیگار «ال اند ام» می‌کشید و معتقد است که سیگار کشیدن تنش‌های عصبی را آرام می‌کند.

پانکراتف و سنجری

کمی بعد از اینکه به مرکز فرهنگی IAS رسیدیم، آقای حشمت سنجری، رهبر ارکستر سمفونی تهران، با خانواده‌اش وارد آنجا شدند، و سنجری با دیدن پانکراتف، نزد ما آمد و احوالپرسی گرمی با او کرد. با وجود این، چون مطمئن نبودم که او چه کسی است، از پانکراتف پرسیدم. پانکراتف هم نام او را به یاد نداشت، و گفت که رهبر ارکستر سمفونی تهران است. بعد از آن نامش یادش آمد.

در طول اجرای تمرینی سمفونی، من ۱۰ دقیقه با پیانیست صحبت کردم و در همان مدت پانکراتف مشغول صحبت با سنجری بود. از پانکراتف پرسیدم که سنجری چه می‌گفت، و پانکراتف پاسخ داد سنجری گفته است از نظر او ارکستر سمفونی پیتزبورگ یکی از بهترین ارکسترهای جهان است. این را از روی مشاهدات شخصی‌اش از ارکسترهای شوروی در طول سفرش به این کشور در سال گذشته می‌گفت.

امور ایران:

پانکراتف گفت به عقیده او اگر ایران به نحو احسن و کامل از درآمدهای نفتی‌اش استفاده کند، به یک «بهشت» مبدل خواهد شد. با وجود این، او احساس می‌کرد تا زمانی که ایرانی‌ها بعضی از عادات‌های روانی و اجتماعی‌شان را کنار نگذارند، این کار میسر نیست. او گفت سر و کار داشتن با ایرانی‌ها خیلی مایوس‌کننده است، زیرا انسان دقیقاً نمی‌داند آنها چه کاره‌اند. یک روز بر سر یک چیز توافق می‌کنند، فردای همان روز نظرشان عوض می‌شود، یا آن را فراموش می‌کنند و یا از زیر آن شانه خالی می‌کنند.

روابط اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده

در میان صحبت‌هایمان پانکراتف گفت که ای کاش رقابت آمریکا و شوروی به مسایل فرهنگی و فنی ختم می‌شد، و اختلافات ایدئولوژیک مردم جهان را به خطر نمی‌انداخت.

علاقه به علی پاشا صالح

وقتی به ارکستر گوش می‌دادیم، پانکراتف بدون مقدمه از من پرسید آیا سفارت هنوز علی پاشا صالح را در خدمت دارد. گفتم که هنوز در سفارت است ولی فقط به طور پاره وقت کار می‌کند. پانکراتف گفت در طول مأموریت اخیرش در تهران به مجلس می‌رفته و به سخنان نمایندگان گوش می‌داده است. از این راه فارسی خود را نیز تقویت می‌کرده است. او در آنجا آقای صالح را می‌دیده است.

سند شماره ۲۸۸

محرمانه

۱۲ سپتامبر ۱۹۶۴ - ۲۱ شهریور ۱۳۴۳

از بخش سیاسی: چالز. ان. راسیاس به بخش سیاسی: آقای رنسام. اس. هیگ

[موضوع]: شرح مشاهدات شخصی در میهمانی سفارت بلغارستان، ۹ سپتامبر ۱۹۶۴

۱- میهمان مجاری، چپرتلی، مجبور شد خیلی زود مراسم را ترک کند زیرا سفیر مجارستان که به تازگی وارد ایران شده به حدی مریض است که شاید نتواند استوارنامه خود را در روز ۱۲ سپتامبر، که از قبل تعیین شده، تسلیم کند.

۲- یک زوج جذاب مجار نیز اخیراً وارد ایران شده‌اند. مرد قد کوتاهی نزدیک به ۵ فوت ۵ اینچ، ولی جثه قوی ۱۶۵ پوندی، و موهای بلوند دارد. زن نیز تقریباً همان اندازه است، با موهای مشکی، و زیباست. زن انگلیسی بلد نیست. البته با مرد مجار صحبت نکردم و وقتی هم که به آن خانم معرفی می‌شدم، نامش را نفهمیدم. (شاید همان آنتال [؟] باشند که ماه مارس وارد تهران شدند).

۳- یک بلغاری جدید (که حدس می‌زنم دبیر سوم باشد) اخیراً وارد تهران شده است. نامش چیزی شبیه به [؟] است. نزدیک ۳۰ سال دارد، با قد ۵ فوت و ۹ اینچی، ۱۷۰ پوند وزن، موهای مشکی کم پشت، و عینکی تقریباً قهوه‌ای رنگ به چشم می‌زند. او قدری انگلیسی بلد است ولی همسرم شنیده است که او دارد با زبان رومانیایی صحبت می‌کند. او به همسرم گفته است که همسرش شش ماه پیش فرزندی آورده و به محض اینکه او در تهران جا گیر شود، همسرش نیز به اینجا خواهد آمد. او گفته است که در راه عزیمت به تهران، سه روز را در بغداد گذرانده و باورش نمی‌شود که آن شهر آنقدر کثیف باشد. خیلی خوشحال است که تهران خیلی از بغداد بهتر است.

۴- فکر می‌کنم میهمانان معمول سفارت شوروی نیز در آنجا بودند ولی من آنیسیمف، پانکراتف، یا وسکانیان را در آنجا ندیدم. ظاهراً یک نفر دیگر غیر از [؟] (که توصیف او در یادداشت جداگانه‌ای به عرض خواهد رسید) نیز وارد تهران شده است. این مرد نزدیک به ۵ فوت و ۶ اینچ قد، ۱۴۰ پوند وزن، با سری که دارد طاس می‌شود، ولی شاید بیشتر از ۳۵ سال هم نداشته باشد. همسر زیبا و بلوند خبرنگار تاس او را به هم بلوکی‌هایش معرفی می‌کرد. در همین اثنا، چشمم به چشم سرهنگ پاوشوکف افتاد که از بالای شانه کسی که با او صحبت می‌کرد مرا دید، سری تکان داد و (به شیوه معمولش که گویی قدری خجالت زده است) لبخندی به نشانه سلام حواله‌ام کرد. ظاهراً گونه‌هایش گل انداخته بود، و یا شاید هم قدری زیاد مشروب خورده بود.

۵- به هوتارک از دیپلمات‌های چکسلواکی که قدری دورتر از من ایستاده بود، سلام کردم. در کنار او یک خانم بلند قد و زیبا ایستاده بود که دیما از دیپلمات‌های رومانی به ما گفت همسر هوتارک است. قبلاً او را در هیچ یک از میهمانی‌ها در کنار هوتارک ندیده بودم.



سند شماره ۲۸۹

محرمانه

۱۲ سپتامبر ۱۹۶۴ - ۲۱ شهریور ۱۳۴۳

از بخش سیاسی: چارلز ان. راسیاس به بخش سیاسی: آقای رنسام. اس. هیگ

موضوع: ریجوف، دبیر سوم سفارت شوروی

در مراسمی که در تاریخ ۹ سپتامبر در سفارت بلغارستان برپا بود، وقتی داشتم با عباس مزدا صحبت می‌کردم، ریجوف به ما نزدیک شد تا با من صحبت کند.

با لهجه روسی غلیظ به فارسی گفت که اطلاعات دقیقی در مورد گروه رقص محلی روسی که قرار است در هفته آتی به رهبری آرام خاچاتوریان، موزیسین معروف، برنامه اجرا کند، ندارد. او گفت گروه فوق مستقیماً از کابل می‌آید.

ریجوف نظرم را در مورد انتخابات آتی آمریکا پرسید و اینکه قصد دارم به چه کسی رأی دهم. وقتی به او گفتم که هنوز تصمیم نگرفته‌ام، ریجوف گفت نمی‌تواند بفهمد آمریکایی‌ها چگونه می‌توانند از «این آدم دیوانه، گلد واتر» حمایت کنند. وقتی گفتم اول رسانه‌های تبلیغاتی شوروی بودند که لقب «دیوانه» را به سناتور مزبور دادند، حالت تدافعی به خودش گرفت و وقتی هم همسرم را به او معرفی کردم و گفتم که او نیز از طرفداران سناتور گلد واتر است، واقعاً چهره‌اش در هم شد.

ریجوف خیلی سریع موضوع صحبت را عوض کرد و پرسید چند فرزند داریم و سئوالاتی نظیر این. او گفت که فقط یک پسر ۹ ساله (به نام اسلوان) دارد، و دوست دارد که یک دختر هم داشته باشد. او گفت همسرش به این دلیل به میهمانی نیامده که حوصله رفتن به آرایشگاه را نداشته است. ریجوف گفت وضعیت سلامتی‌اش عالی است، و چکاپ آخرش هم چیزی نشان نداده است. او افتخار می‌کرد که فقط یکبار در بیمارستان بستری شده است، آن هم به دلیل تصادف جیپش در دوران جنگ. اگر حرف او را درست فهمیده باشم، او گفت که در بیمارستان با همسرش آشنا شده است. (ظاهراً همسرش یک پرستار بوده است.)

سند شماره ۲۹۰

محرمانه

۱۹ سپتامبر ۱۹۶۴ - ۲۸ شهریور ۱۳۴۳

از بخش سیاسی: چارلز ان. راسیاس بیوگرافی

[موضوع]: حسن ارسنجانی

پرویز راثین، خبرنگار محلی آسوشیتدپرس، می‌گوید ارسنجانی زمانی که وزیر کشاورزی بود یک بار به او گفته بود که هر چند به دلیل «سیاست‌های کم‌کسانی بی‌خاصیت» آمریکایی‌ها از دست آنها بسیار عصبانی است، از روس‌ها نیز دل خوشی ندارد. ارسنجانی درباره گفتگویی که با پگف، سفیر سابق شوروی در ایران داشته چیزهایی به راثین گفته است. ارسنجانی به راثین گفته است که شدیداً از «سیاست‌های تجاوزکارانه» اتحاد جماهیر شوروی



به پگف انتقاد کرده بود، و پگف نیز که مرد بافهم و شعوری بود، برخی از انتقادهای ارسنجانى را قبول کرده بود. راین جزییات این انتقادهای را به یاد نیورد، ولی می خواست نشان دهد که ارسنجانى فقط ضدآمریکایی نیست. در واقع، ارسنجانى اخیراً به او گفته است که اگر سیاستمداری بخواهد بین مردم محبوبیت پیدا کند سادهترین راه حمله به آمریکایی هاست، که به هر حال اکثر مردم آنها را مسئول تداوم رژیمى غیرمردمی و ستمکار در کشورشان می دانند. راین گفت به اعتقاد او چنانچه ارسنجانى به قدرت برسد، حتماً سعی خواهد کرد از شر آنچه او «مشاوران زیادى» می خواند، و اکثرشان هم آمریکایی هستند، خلاص شود. او احتمالاً سعی خواهد کرد تا تعداد مشاوران خارجی دیگر را نیز کاهش دهد، البته به جز اسرائیلی ها که بیشترین احترام و اعتماد را به آنها دارد. ارسنجانى معتقد است که ایران باید از مدتها قبل روابط دیپلماتیک قانونی با اسرائیل برقرار می کرد.

سند شماره ۲۹۱

محرمانه

۱۳ اکتبر ۱۹۶۴ - ۲۱ مهر ۱۳۴۳

به بخش سیاسى: رنسام. اس. هیگ

از بخش سیاسى: چارلز. ان. راسیاس

[موضوع]: گورمن بایکف، تاس، تهران



در میهمانی نمایش فیلم که به دعوت سفیر لهستان در تاریخ ۱۳ اکتبر برگزار شد، با بایکف صحبت کردم. وقتی داشتم با مازندى درباره تحولات همان روز صبح مجلس در ارتباط با کنوانسیون ژنو صحبت می کردم، بایکف به سوى ما آمد. همراه بایکف یک روس دیگر هم بود که تا آن وقت او را ندیده بودم. بایکف او را نیکلای کاپیشین، دبیر اول و وابسته مطبوعاتی سفارت شوروى معرفی کرد. (نگاه کنید به یادداشت جداگانه درباره کاپیشین). از آنجایی که کاپیشین و مازندى ظاهراً «رفقای قدیم» بودند، به تدریج از آنها جدا شدم و با بایکف سر صحبت را باز کردم.

به بایکف گفتم که همسرش را در میهمانی نمی بینم و او توضیح داد سرما خورده است. خودش هم سرماخوردگی شدیدی داشت و تازه حالش خوب شده بود. وقتی درباره کاپیشین سؤال کردم، بایکف گفت کاپیشین در ماه اوت به ایران آمده ولی سه سال پیش هم در ایران بوده است.

به بایکف بابت پیشرفت های فضایی شوروى تبریک گفتم، و او توضیح داد که سه نفر فضانورد روس بعد از ۲۴ تا ۲۵ ساعت پرواز در فضا در زمین فرود آمده اند. او تأکید کرد که اهمیت این پرواز فضایی آن بود که سه نفری که به فضا رفته بودند صرفاً فضانورد نبودند، بلکه در رشته های مختلف تخصص داشتند. خلبان یک مهندس بود، و دو نفر دیگر «دانشمند» بودند، که یکی از آنها یک پزشک بود. او همچنین گفت سفینه فضایی آنها در واقع یک آزمایشگاه فضایی بوده است. شهروندان شوروى طبعاً از این مأموریت فضایی بسیار خوشحال

بودند. اعتراف کردم به رغم چنین پیشرفت‌های فضایی عظیمی، قدری گیج و سردرگم هستم که پس چگونه آن صحنه خنده‌دار در فرودگاه مهرآباد اتفاق افتاد؛ وقتی که سفیر شوروی، همراه با چند تن از شخصیت‌های عالی‌رتبه ایرانی، برای استقبال از اولین هواپیمای ایرفلوت مسکو-تهران که قرار بود بنا به موافقت‌نامه هواپیمایی اخیر بین ایران و شوروی در فرودگاه مهرآباد به زمین بنشینند (که البته اصلاً پروازی انجام نشده بود) به فرودگاه رفتند. بایکف قدری سرخ شد و لبخندی خجالت‌آمیزی زد و گفت که در واقع نوعی بدشانسی بود- ولی سریعاً افزود که البته تقصیر سفارت شوروی نبود. او گفت در واقع مشکل از مسکو بود، زیرا شرکت ایرفلوت تا آخرین دقیقه نفهمیده بود که مجوز فرود و ترانزیت برخی کشورهایی که در مسیر قرار داشتند (مسکو-تهران-کراچی-کلمبو-جاکارتا) هنوز کسب نشده بود. او گفت پیش‌بینی می‌کند که در «آینده نزدیک» اولین پرواز، که احتمالاً یک پرواز «فنی» خواهد بود، در تهران فرود بیاید.

سند شماره ۲۹۲

محرمانه

۱۴ اکتبر ۱۹۶۴ - ۲۲ مهر ۱۳۴۳

از بخش سیاسی: چارلز. ان. راسیاس به بخش سیاسی: آقای رنسام. اس. هیگ
[موضوع]: میهمانی سفیر لهستان برای نمایش فیلم، ۱۳ اکتبر ۱۹۶۴

من و همسر من در ساعت ۱۹:۳۰ به میهمانی رسیدیم و در پایان نمایش فیلم در حدود ساعت ۲۲:۱۵ آنجا را ترک کردیم.

تخمین می‌زنم نزدیک به ۸۰ تا ۱۰۰ نفر در میهمانی حضور داشتند، که نزدیک نیمی از آنها ایرانی بودند، و برخی از آنها نیز ظاهراً در صنعت فیلمسازی فعالیت داشتند. تعدادی از اعضای جامعه مطبوعاتی ایران نیز در میهمانی بودند، مثلاً جهانگیر بهروز و «جو» مازندی و همچنین تعدادی از دانشجویان روسی زبان، یک معمار جوان، و غیره. نیم دیگر میهمانان هم دیپلمات‌های خارجی بودند که عمدتاً در پست وابسته فرهنگی و مطبوعاتی خدمت می‌کردند. البته، تعداد دیپلمات‌های بلوک شوروی نیز در میهمانی کم نبود. از سفارت شوروی، من فقط افراد زیر را شناختم و یا برای اولین بار با آنها ملاقات کردم: گورمن بایکف از خبرگزاری تاس؛ استانیسلاو کی. کوفریجین، وابسته؛ و نیکلای کاپیشین، دبیر اول (نگاه کنید به یادداشت جداگانه درباره او). البته روس‌های دیگری نیز در میهمانی بودند که آنها را نمی‌شناختم.

نام فیلم «معشوق جوان» بود و تقلید نه چندان بدی از به اصطلاح فیلم‌های «موج نو» فرانسوی و ایتالیایی بود. ایرانی‌هایی که بعد از نمایش فیلم قدری با آنها صحبت کردم ظاهراً از فیلم بدشان نیامده بود. از نظر میلوانویچ، کنسول یوگسلاوی، فیلم «مناسبی» نبود- احتمالاً به این خاطر که صحنه‌های «سکسی» زیادی داشت.

فیلم را بویکف، وابسته مطبوعاتی و فرهنگی سفارت لهستان که به تازگی وارد تهران شده،



با صدایی لرزان و مردد به زبان فرانسوی معرفی کرد. بویکوف در کنار سفیر کوپریلوک و همسرش از میهمانان استقبال می‌کرد. خیلی گرم با من و همسرم احوالپرسی کرد و چند دقیقه‌ای را با ما گذراند. در طول میهمانی به همه میهمانان سر می‌زد و فکر نمی‌کنم بیشتر وقتش را با گروه خاصی گذراند. میهمانی کلاً خیلی خوب برگزار شد و مسئول نمایش فیلم هم به کارش وارد بود. بویکوف به من گفت که همکاری روزالیچ قرار است خیلی زود از مرخصی در لهستان برگردد. نظر گزارشگر: در حال آماده کردن یادداشت‌هایی درباره ملاقاتم با نفرات بلوک شوروی در این میهمانی هستم.

سند شماره ۲۹۳

محرمانه

۱۷ اکتبر ۱۹۶۴ - ۲۵ مهر ۱۳۴۳

به بخش سیاسی: رنسام هیگ

از بخش سیاسی: چارلز. ان. راسیاس

[موضوع]: کوفریجین، وابسته سفارت اتحاد جماهیر شوروی

در میهمانی سفارت لهستان که به صرف نوشیدنی و نمایش فیلم در تاریخ ۱۳ اکتبر برگزار شد، جی. بایکوف از خبرگزاری تاس، آقای کوفریجین را که در آن میهمانی به سوی ما آمد به من معرفی کرد. چندی نگذشت که جهانگیر بهروز نیز که با کوفریجین مزاح می‌کرد نزد ما آمد. در طول صحبت‌هایمان، ان. کاپشین، دبیر اول سفارت شوروی، نیز تا زمان شروع نمایش فیلم به ما پیوست.

نکات زیر از اولین ملاقاتم با کوفریجین می‌تواند قابل توجه باشد:

او قدی نزدیک به ۱/۶۰ متر، وزنی در حدود ۶۸ کیلو، و چهره لاغر پسرانه‌ای دارد، هر چند سن و سالش باید بین ۳۰ تا ۳۲ سال باشد. موهایش قهوه‌ای روشن، چشمانش قهوه‌ای و چهره‌اش قدری سبزه است. او مرد خوش‌قیافه‌ایست و به سبک غربی‌ها لباس می‌پوشد. اولین بار که او را دیدم گمان کردم یکی از اشراف‌زادگان ایرانی است که در غرب درس خوانده است. کوفریجین متأهل است و یک پسر هفت ساله دارد. کوفریجین ابتدا از پاسخ به سئوالات من در مورد سابقه خدمت دیپلماتیکش خودداری می‌کرد ولی بالاخره گفت که شش ماه و نیم در لندن بوده، البته نه در پُست دیپلماتیک. ظاهراً برای فراگیری زبان انگلیسی به لندن اعزام شده بود. از حرف‌هایش پیدا بود که قبلاً هیچ پُست دیپلماتیکی نداشته و احتمالاً وقتی در لندن بوده، به او پست دیپلماتیکی داده‌اند. او گفت سه سال است که در تهران به سر می‌برد، ولی فهرست دیپلمات‌ها نشان می‌دهد که او در فوریه ۱۹۶۳ وارد ایران شده است.

کوفریجین انگلیسی را خوب صحبت می‌کند، ولی ترجیح داد به زبان فارسی با من حرف بزند. او گفت متأسفانه قسمت زیادی از زبان انگلیسی را که بلد بوده فراموش کرده است. (هر



چند من اینطور فکر نمی‌کنم. از همان تماس کوتاه برداشت من این بود که انگلیسی‌اش خوب است).

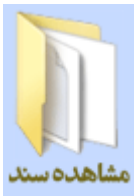
به کوفریجین و کاپیشین (که به ما پیوسته بود) در مورد پیشرفت‌های فضای خیر شوروی تبریک گفتم و سعی کردم موضوع صحبت را عوض کنم (چنانکه همیشه با بایکوف انجام داده بودم) و درباره نرسیدن اولین پرواز ایرفلوت از مسکو به تهران سؤال کردم. هر دوی آنها هم همان داستانی را که بایکوف برایم تعریف کرده بود، گفتند. (نگاه کنید به یادداشت مورخ ۱۴ اکتبر).

در حین گفتگو به کوفریجین و کاپیشین پیشنهاد کردم که برای تقویت زبان انگلیسی‌شان به تماشای فیلم‌های آمریکایی یا انگلیسی بنشینند. کوفریجین فرصت را غنیمت شمرد و گفت که فیلم «نامزد منچوری» را دیده است. (البته نگفت چه وقت و کجا). اعتراف کردم که آن فیلم را ندیده‌ام ولی شنیده‌ام که یک ملودرام خوش‌ساخت است. کوفریجین پذیرفت که فیلم از لحاظ تکنیکی بسیار خوب است ولی صحنه‌های خشونت‌آمیز و تبلیغاتی زیادی دارد. او اصرار داشت که فیلم فوق احساسات روس‌ها را جریحه‌دار می‌کند زیرا در آن، اینگونه القا شده است که افسران روسی که با کمونیست‌های چینی کار می‌کردند، در طول جنگ کره، بعضی از زندانیان آمریکایی را شستشوی مغزی داده بودند تا وقتی به وطنشان بازمی‌گردند رئیس جمهور آمریکا را ترور کنند. کوفریجین گفت که این جنبه از فیلم، بخصوص برای اتحاد جماهیر شوروی توهین‌آمیز بود زیرا اکران عمومی آن در ایران فقط چند هفته پیش از ترور رئیس جمهور کنندی صورت گرفت. کوفریجین مدعی بود که نمایش این فیلم بدون شک به وجه شوروی در میان دانشجویان ایرانی لطمه زده است و گفت که خودش به هنگام تماشای فیلم از دهان چند دانشجوی ایرانی که اطرافش نشسته بودند شنیده است که حرف‌های زشتی در مورد شوروی می‌زنند. برایم خیلی عجیب بود که کوفریجین بعد از این انتقاد احساساتی و سطحی - که البته عاری از عصبانیت و کینه‌توزی بود - قبل از اینکه بخواهم ابراز نظر کنم، گفت: «البته، منظور این نیست که دولت آمریکا مسئولیت ساخت این فیلم را بر عهده دارد. می‌دانم که هالیوود تقریباً هر کاری که بخواهد انجام می‌دهد.» گویی می‌خواست هرکاری می‌تواند انجام دهد تا من در حضور همکاری‌های کاپیشین خجالت‌زده نشوم. (قبل از اینکه کاپیشین به جمع ما بیوندد، کوفریجین به من گفت که در بخش مطبوعاتی سفارت دستیار کاپیشین است. او گفت اولین بار کاپیشین را سه سال پیش در جلفا ملاقات کرده است. در آن زمان، کوفریجین عازم تهران بوده و کاپیشین بعد از اتمام اولین ایرانگردی‌اش قصد عزیمت به مسکو را داشته است.) (ظاهراً هر دو با هم صمیمی و راحت بودند. هیچ رابطه رئیس و مرئوسی بین آنها مشهود نبود. وقتی کاپیشین به ما پیوست اجازه داد که بیشتر صحبت‌ها را کوفریجین انجام دهد و خودش گاه نظرات جالبی در لابلای صحبت‌ها ابراز می‌کرد. (نگاه کنید به یادداشت جداگانه‌ای که در همین ارتباط ارسال شده است).

کوفریجین از من خواست که کارتی به او بدهم و عذرخواهی کرد که خودش کارتی همراهش نیاورده است. او (مثل کاپیشین) شماره تلفن منزل را می‌خواست. به او گفتم که همان روز صبح به من گفته‌اند که قرار است ظرف چند روز آینده شماره تلفنم - برای پنجمین بار - عوض شود. گفتم هر وقت شماره جدید را گرفتم به یکی از آنها اطلاع خواهم داد. (ظاهراً هر دوی آنها تمایلی نداشتند که در سفارت با من تماس بگیرند.)

نظرات گزارشگر: از نظر من کوفریجین شخصیت جذاب و جالبی و به نوعی به دل آدم می‌نشیند. هر چند با ذکاوت، احترام و علاقه صحبت‌ها را دنبال می‌کرد ولی ظاهراً فکرش جای دیگری بود. این برداشت را از او داشتم که شخصی واقع‌بین، معقول و گوشه‌گیر و در عین حال احساساتی، دلمشغول، و لذت‌جوست.

سند شماره ۲۹۴



۱۹ اکتبر ۱۹۶۴ - ۲۷ مهر ۱۳۴۳

محرمانه

از بخش سیاسی: چارلز. ان. راسیاس به بخش سیاسی: آقای رنسام. اس. هیگ
موضوع: نیکلای کاپیشین، دبیر اول سفارت اتحاد شوروی (وابسته مطبوعاتی)

اولین بار کاپیشین را در ضیافتی که از سوی سفیر لهستان در روز ۱۳ اکتبر به صرف نوشیدنی و تماشای فیلم برگزار شد ملاقات کردم. گورمن بایکوف، نماینده خبرگزاری تاس، وقتی داشتم با یوسف مازندی، خبرنگار محلی یونایتدپرس صحبت می‌کردم، او را به من معرفی کرد.

از آنجایی که مازندی و کاپیشین به دلیل آشنایی قبلی‌شان به هنگام سفر قبلی کاپیشین به تهران حرف‌های زیادی داشتند با هم بزند، در اولین فرصت ممکن مؤدبانه خود را از آن دو جدا کرده و توجه‌ام را معطوف بایکوف کردم. (نگاه کنید به یادداشت جداگانه مورخ ۱۷ اکتبر). با وجود این، آنقدر نزدیک بودم که بشنوم مازندی دارد از سفیر سابق شوروی در ایران، آقای پگف، تمجید و تحسین می‌کند و می‌گوید که در طول مدتی طولانی او کارآمدترین سفیر شوروی در ایران بوده است. کاپیشین اظهارات مازندی را تأیید یا رد نکرد، و فقط گفت که پیش از آمدنش به ایران در ماه اوت با پگف (که حالا سفیر شوروی در الجزایر است) ملاقات کرده است.

چندی بعد، وقتی داشتم با استانیسلاو کوریوئین، وابسته سفارت اتحاد جماهیر شوروی (نگاه کنید به یادداشت جداگانه در همین ارتباط)، و جهانگیر بهروز و گورمان بایکوف صحبت می‌کردم، کاپیشین به ما ملحق شد. پس از چند دقیقه بهروز و بایکوف از ما جدا شدند و من با کوفریجین و کاپیشین تنها ماندم.

برداشت‌های من از کاپیشین

در حدود ۱/۶۰ متر قد، با موهای بلوند مجعد که دارد کم پشت می‌شود. چهره روشنی دارد

که بیانگر سلامت جسمی است، و هیكلی توپر و قوی دارد. حدس می‌زنم نزدیک ۱۷۰ تا ۱۸۰ پوند وزن داشته باشد. چشمان آبی رنگ- و نافذی دارد. نگاه بی‌وقفه و آشکارش- که گویی دارد تصویری ذهنی از فرد می‌گیرد و آن را اندازه می‌کند- قدری عصبی‌ام کرد. لباس شیک و مرتبی به تن داشت- که البته به اندازه کوفریجین «شبیبه غربی‌ها» نبود. حدس می‌زنم که فرد سرحالی است که تازه وارد دهه چهل سالگی شده باشد.

فارسی کاپیشین خوب است و احتمالاً بهتر از آنچه خودش می‌گوید انگلیسی را صحبت می‌کند، ولی گفت ترجیح می‌دهد به فارسی صحبت کند. او گفت متأهل است و یک دختر شش ساله دارد و همسرش هم زبان انگلیسی را بلد است.

تا آنجا که من دیدم کاپیشین در طول میهمانی نوشیدنی میل نکرد.

صحبت در مورد تقویت زبان انگلیسی به اینجا کشید که به کاپیشین پیشنهاد کردم او و همسرش تا آنجا که می‌توانند با یکدیگر انگلیسی تمرین کنند. کاپیشین گفت که ترجیح می‌دهد با یک انگلیسی‌زبان درس بخواند. به او توصیه کردم نظری به کلاس‌های انگلیسی کانون زبان ایران و آمریکا و بیریتیش کانسل بیاندازد. وقتی نام بیریتیش کانسل را بردم، گفت که انگلیسی «آمریکایی» را ترجیح می‌دهد و به نظر او بهترین راه برای یاد گرفتن زبان داشتن یک معلم خصوصی است. (او داشت مشخصاً این برداشت را در من القا می‌کرد که دوست دارد به طور مدام آمریکایی‌ها (یا یک آمریکایی) را ببیند.) او ادامه داد که واقعاً مهم است که نمایندگان قدرتمندترین کشورهای روی زمین، زبان یکدیگر را یاد بگیرند تا حرف یکدیگر را بهتر درک کنند. من ضمن تأیید حرف او ابراز تأسف کردم که اصلاً روسی نخوانده‌ام.

نظراتی درباره تلویزیون آمریکایی در ایران

وقتی به او توصیه کردم که گوش دادن به برنامه‌های رادیو و تلویزیون نیروهای مسلح آمریکا در ایران می‌تواند به درک مکالمه انگلیسی «آمریکایی» کمک کند، کاپیشین لبخندی زد و گفت که با برنامه‌های تلویزیونی آشنایی دارد. من هم مزاح کردم و گفتم پس حالا دیگر خیالش جمع است که این برنامه‌ها چندان هم تبلیغاتی نیستند. کاپیشین پاسخ داد که از نظر او ایستگاه تلویزیون آمریکا در اینجا واقعاً کار تبلیغاتی مؤثری برای ایالات متحده انجام می‌دهد. او در ادامه توضیح داد که منظورش این نیست که این تبلیغات آگاهانه یا نظام‌یافته است، بلکه در واقع اصلاً شک داشت چنین چیزی باشد؛ با وجود این، کل برنامه‌هایی که از ایستگاه تلویزیونی آمریکا پخش می‌شد بدون شک تأثیر تبلیغاتی مثبتی بر اذهان بینندگان ایرانی می‌گذاشت. گفتم خیلی دوست دارم یک نمونه از برنامه‌هایی را که مد نظرش است، مثال بزند. او گفت منظورش این است که این برنامه‌ها کلاً تأثیر تبلیغاتی «مثبتی» دارند تا «منفی»، و منظورش این بود که این ایستگاه تلویزیونی، لااقل به صورت آشکار، سعی نداشت تبلیغاتی «بر ضد یک کشور یا ایدئولوژی دیگر داشته باشد، ولی تبلیغات خوبی برای دولت آمریکا و شیوه

زندگی آمریکایی بود.» کاپشین برای نمونه، به کلیپ‌هایی که به آمریکایی‌های مقیم خارج از کشور گوشزد می‌کرد حتماً برای دریافت برگه‌های رأی جهت شرکت در انتخابات آینده نام‌نویسی کنند؛ مروری بر جلسات حزب و مصاحبه با شخصیت‌های سیاسی آمریکا اشاره کرد. ولی این را کافی ندانست و اضافه کرد برنامه‌های خانوادگی مثل «شوی دنی تامس» حقایق جالب و جذابی درباره شیوه زندگی آمریکایی نشان می‌دهد. هر چند او فکر می‌کرد که بسیاری از برنامه‌های ما محتوای خشونت‌آمیز زیادی دارد (البته مثالی نزد)، کلاً فکر نمی‌کرد حتی این برنامه‌ها نیز از نقطه نظر تبلیغات آمریکا تأثیری منفی بر بسیاری از بینندگان ایرانی بگذارد.

درست قبل از آنکه برای تماشای فیلم لهستانی از یکدیگر جدا شویم، کاپشین گفت اطلاع یافته است ما (سفارت) (بر سر وضعیت نفرات هیأت مستشاری نظامی در چارچوب کنوانسیون وین) با مجلس دچار مشکل شده‌ایم. پاسخ دادم که بالاخره باید انتظار مناظرات آزاد را در نهادهای پارلمانی داشت. دیگر وقت نشد وارد جزئیات شویم. (دو روز بعد بهروز از «اکو آو ایران» به من گفت که او و یوسف مازندی درباره رأی نه چندان قوی مجلس به «لایحه مصونیت» با کاپشین صحبت کرده بودند، و اینکه او (بهروز) مطمئن بود که روس‌ها حتی نفهمیده بودند که می‌توانند چه تبلیغات مؤثری به نفع خود بر سر این موضوع به راه بیندازند.) کاپشین کارت خود را به من داد و شماره تلفن منزل را خواست، و آشکارا نشان داد که دوست ندارد در سفارت با من تماس بگیرد. از آنجایی که قرار است شماره تلفن منزل در هفته جاری عوض شود، به او گفتم به محض مشخص شدن شماره جدید آن را به او اطلاع خواهم داد. او (کوفریجین) از ملاقات و گفتگوی با من ابراز خوشحالی کرد و گفت امیدوار است خیلی زود دوباره همدیگر را ببینیم.

سند شماره ۲۹۵

۱۸ دسامبر ۱۹۶۴ - ۲۷ آذر ۱۳۴۳

سری

به: سفارت آمریکا، کوناگری

از: وزارت امور خارجه

موضوع: سفیر جدید شوروی در گینه

اطلاعات زیر برای بیگانگان قابل رؤیت نیست.

آلکسی لئونیدویچ ورونین، دیپلمات کهنه‌کار روس با نزدیک به ۲۰ سال تجربه در خاورمیانه، در نوامبر ۱۹۶۴ در پُست سفارت شوروی در گینه منصوب شد و جای دی.دی. دگتیار بیمار را گرفت. پیش از این، او تا ماه دسامبر ۱۹۶۲ در پُست کنسول و کاردار سفارت شوروی در آنکارا، ترکیه، خدمت می‌کرد.

ورونین در اولین مأموریت دیپلماتیکی که می‌شناسیم در ژانویه ۱۹۴۵ در پُست دبیر سومی سفارت شوروی در تهران، به ایران آمد. ورونین در اوت ۱۹۴۶ به پُست دبیر دومی سفارت



ارتقا یافت و حداقل تا دسامبر ۱۹۴۷ در تهران ماند. طبق گفته یکی از مقامات اطلاعاتی سابق شوروی، ورونین پیش از سال ۱۹۵۱ پستی در اداره مرکزی اطلاعات وابسته به وزارت دفاع شوروی داشت و سپس رئیس یکی از بخش‌های اداره سوم کمیته اطلاعات شد، که در آن زمان مسئول نظارت بر همه فعالیت‌های اطلاعاتی خارجی بود؛ پس از ۱۹۵۱، ورونین رئیس یکی از بخش‌های اداره مرکزی اطلاعات شد. در دسامبر ۱۹۵۴ ورونین به دبیر اولی سفارت شوروی در تهران ارتقا یافت، و تا اواخر سال ۱۹۵۵ یا اوایل سال ۱۹۵۶ در همین پست خدمت کرد.

در سال ۱۹۵۶، ورونین به مسکو بازگشت و مشاور اداره کشورهای خاورمیانه در وزارت امور خارجه شوروی شد. در سال ۱۹۵۷ او به معاون این اداره ارتقا یافت. یک ماه بعد او به تهران بازگشت و تا اکتبر ۱۹۶۰ در پست کنسول و کاردار سفارت خدمت کرد، و پس از آن دوباره به اداره کشورهای خاورمیانه در مسکو انتقال یافت، و تا انتصاب در پست جدیدش در همانجا خدمت کرد.

طبق گزارش‌ها، ورونین در تهران مثل «مقالات پروادا» حرف می‌زد، از استقلال رأی واهمه داشت، و عموماً عضو چندان مهم و مؤثری در محفل دیپلماتیک تهران تلقی نمی‌شد. اگرچه شخص مؤدبی بود، او را فرد کندذهنی می‌شناختند که به «جریحه‌دار کردن احساسات دیگران» شهرت داشت. برداشت کلی از ورونین عموماً او را در دسته دیپلمات‌های بی‌خاصیت، خوششرو، و سبک قدیم قرار می‌داد که معمولاً خیلی اهل تبلیغات نیستند. برخی از مقامات وزارت امور خارجه ایران او را آدم بی‌خودی می‌دانستند. با وجود این، طبق گزارش‌ها او نقش مهمی در کسب موافقت شاه با اعلامیه یکجانبه احداث هرگونه پایگاه نظامی خارجی در ایران داشت. در آنکارا نیز اگرچه گاه در مقایسه با سایر همکاران خودنما و آشکارا ستیزه‌جویی داشت، نمود کمتری داشت، و معمولاً با تواضع و شکسته‌نفسی با آنها رفتار می‌کرد، گفته می‌شود که ورونین اطلاعات قابل توجهی درباره مسایل جهانی، رویکردی بی‌سرو صدا ولی مؤثر، و قوای فکری بسیار منسجمی داشت. در طول هفته‌های آخر اقامتش در آنکارا، و به دنبال سفرش به مسکو، ناظران، متوجه اعتماد به نفس و انگیزه غیرعادی ورونین شدند که بیانگر «رأی اعتماد» رهبری جدید شوروی به او بود.

ورونین جثه‌ای متوسط، موهای بلوند تیره و چهره‌ای رنگ پریده دارد و عینک‌هایی با شیشه‌های بسیار کلفت به چشم می‌زند که به او قیافه‌ای انتزاعی، و روشنفکرانه می‌دهد. او زبان فارسی را خوب می‌داند، قدری ترکی بلد است، زبانه فرانسه‌اش نسبتاً خوب است، ولی اگر انگلیسی هم بلد باشد، چندان بر آن مسلط نیست. همسرش که زنی زیبا و خوش‌لباس است، قبلاً در سفارت شوروی در تهران تالیست بود و در آنجا با او آشنا شد. ورونین خیلی دوست دارد در مورد موسیقی و باله صحبت کند. گفته می‌شود او دوست صمیمی ام. ای. سوسلوف، نظریه‌پرداز حزب، و ای. اف. دوبرینین، سفیر شوروی در ایالات متحده است.

ارسال هر گونه اطلاعات تکمیلی در مورد ورونین، به ویژه تاریخ و محل تولد او، از سوی سفارت‌های آمریکا در مسکو، آنکارا، تهران، یا کوناگری موجب امتنان وزارت امور خارجه خواهد بود.

راسک

سند شماره ۲۹۶

۱۶ آوریل ۱۹۶۵ - ۲۷ فروردین ۱۳۴۴

مکان: منزل چارلز ان. راسیاس

محرمانه

گزارش گفتگو

حاضران در مجلس: مصطفی درخشش، مدیر نمایندگی‌های بین‌المللی، وزارت اقتصاد؛ چارلز ان. راسیاس

موضوع: نمایندگی اتحاد جماهیر شوروی

روس‌ها درخواست کرده بودند نمایندگانشان در طول ساعت‌های زیر باز باشد: ۹ تا ۱۲، و ۱۶ تا ۲۲. با وجود این، ساواک به درخشش گفته است به روس‌ها بگوید به عقیده وزارت اقتصاد ۱۰ شب خیلی دیر وقت است. به روس‌ها گفته‌اند که ساعات صبح ایرادی ندارد، ولی ساعات باز بودن نمایندگی در بعد از ظهر نباید از ساعت ۸ شب تجاوز کند. ساواک به درخشش گفته است که زیر نظر گرفتن فعالیت روس‌ها و چیزهایی نظیر آن بعد از ساعت ۱۰ شب برای ساواک مشکل است. او همچنین دستور داشت توصیه‌های ساواک را به عالیخانی اطلاع دهد تا اگر سفیر روسیه با او تماس گرفت تا در مورد ساعات نمایندگی اعتراض کند به هیچوجه تمديد ساعت نمایندگی را قبول نکند.

ساواک همچنین به درخشش گفته است به روس‌ها اطلاع دهد وزارت اقتصاد نمی‌تواند درخواست آنها برای توزیع گسترده پوسترهای تبلیغاتی‌شان را برای نمایندگی قبول کند. هیچ پوستری نباید در اتوبوس‌ها، بر روی دیوارها، و حتی بر روی دیوارها و نرده‌های خارج از نمایندگی نصب شود. تبلیغات فقط باید از طریق روزنامه‌ها و در داخل محوطه نمایندگی صورت گیرد. درخشش همچنین گفت یکی دیگر از «معاونان» سروف دیروز به تهران آمده است. نام او نوسوف است. او گفت ساواک توجه زیادی به این شخص دارد زیرا تصور می‌کند که نوسوف یک افسر اطلاعاتی است.

سند شماره ۲۹۷

۲ فوریه ۱۹۶۶ - ۱۳ بهمن ۱۳۴۴

محرمانه

مرجع: یادداشت - ۱۸ ژانویه ۱۹۶۶ با همین موضوع

[موضوع]: تماس با نفرات بلوک کمونیست

گران‌ای. وسکانیان، دبیر اول سفارت شوروی، و همسرش روز جمعه ۲۸ ژانویه نهار را در منزل من صرف کردند. ارت و لزلای گیس از سفارت آمریکا و یک پزشک انگلیسی به نام



دکتر آنتونی کمپبل که در دانشگاه ملی تدریس می‌کند و همسر ایرانی‌اش نیز در این میهمانی حضور داشتند. در آخرین ملاقاتی که روز ۱۴ ژانویه با وسکانیان داشتیم، قرار شد او هم به گروه کوچک غیر رسمی ما بپیوندد تا مقداری در ده درکه پیاده‌روی کنیم. ولی جمعه صبح که با او تماس گرفتم تا ساعت قرار را به او گوشزد کنم، گفت که نمی‌تواند به پیاده‌روی بیاید (زیرا همسرش قدری کسالت دارد) ولی برای صرف ناهار به خانه ما خواهند آمد.

وسکانیان مدتی با ارت گیس صحبت کرد که گزارش آن در یادداشت گیس مورخ دیروز برایتان ارسال شده است. من در واقع نتوانستم تنها با وسکانیان صحبت کنم، تا اینکه سایر میهمانان رفتند و ما مشغول بازی شطرنج شدیم. چنانکه در ملاقات‌های قبلی‌مان نیز اتفاق افتاده بود، وسکانیان به هیچوجه اجازه نداد بحث را به مسایل جدی بکشانم و موضوع صحبت را به مسایل صرفاً اجتماعی محدود کرد. تا این تاریخ، او به وضوح از صحبت درباره مسایل جدی با من خودداری کرده است، و در عین حال مشخص است که دوست دارد تماس ما ادامه پیدا کند، و بیشتر هم بشود.

دیروز، باجی، یا بهتر بگویم سرایدار خانه، گفت که وسکانیان از او پرسیده است آیا فامیلی در اتحاد شوروی دارد. او که یک ارمنی آذربایجانی است و روسی دست و پا شکسته‌ای صحبت می‌کند هیچ فامیلی در ارمنستان شوروی ندارد و همین را هم به وسکانیان گفته است. وسکانیان یک بار دیگر از من و همسرم دعوت کرده است که روز جمعه ۴ فوریه در یک رستوران (که نامش را نبرد) میهمان آنها باشیم. من هم گفتم ایده خوبی است.

پس از صحبت با هرترز، کنسول سیاسی و DCM در مورد موضوع کلی تماس‌های من با وسکانیان، با موافقت آنها قرار شد که به دعوت وسکانیان پاسخ مثبت دهم. با وجود این، پس از این ملاقات، اگر چندان مفیدتر از ملاقات‌های گذشته‌مان نبود، کاری می‌کنم که در آینده با فاصله زمانی بیشتری نسبت به گذشته همدیگر را ببینیم. در واقع می‌خواهم بدون اینکه تماس‌هایمان کاملاً قطع شود، اگر امکان داشته باشد قدری از تعداد آن بکاهم.

سند شماره ۲۹۸

۲۸ مارس ۱۹۶۶ - ۸ فروردین ۱۳۴۵

محرمانه

از: ویلیام. ام. کلاونجر، کنسول آمریکا، مشهد

به: ویلیام. ای. هلست، مأمور هماهنگی کنسولی، سفارت آمریکا، تهران

موضوع: ملاقات با اتباع شوروی



روز شنبه مورخ ۱۹ مارس، آقا و خانم جورج ای. تی. دانلی، معاون کنسولی و BPAO و من به دفاتر نمایندگی تجاری شوروی دعوت شدیم تا یک فیلم تهیه شده در لنینگراد را تماشا کنیم. خانم دانلی نتوانست در این جلسه شرکت کند، ولی آقا و خانم سسیل اف. اچ. مالوان، مدیر شورای بریتانیا در آنجا حضور داشتند. از طرف روس‌ها نیز آقا و خانم ان. ای. پاولنکو،

آقا و خانم جی. کی. باباخانوف و آقای ایوان پسکوف به آنجا آمده بودند. البته این مجلس چیزی بیشتر از نمایش یک فیلم در مورد لنینگراد بود و ظاهراً به دستور مقامات بالا ترتیب داده شده بود. پس از آنکه چند ماهی می‌شد که نمایندگان روس را ملاقات نکرده بودیم، از چند روز قبل ما را به این مجلس دعوت کرده بودند تا مطمئن باشند حتماً وقتمان را برای شرکت در آن آزاد می‌کنیم، علاوه بر اینکه دوستان روس ما ابراز ارادت بسیاری بین مردم روسیه و آمریکا می‌کردند. برای اولین بار بود که آقای ایوان پسکوف را ملاقات می‌کردم. او به عنوان «کارمند سفارت اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی در ایران، مشهد» معرفی شد. او گفت برای این منظور به مشهد آمده است که شعبه‌ای از بیمارستان شوروی را در مشهد تأسیس کند. او متأهل است و همسر و یکی از فرزندانش در تهران به سر می‌برند. یکی از فرزندانش نیز در مسکو تحصیل می‌کند. او گفت که مدتی است در مشهد به سر می‌برد و احتمالاً برای مدتی دیگر در این شهر خواهد ماند. او گفت همسرش به دلیل نبود مدرسه خوب در مشهد همراه او نیامده است. متوجه شدم که نام او در فهرست دیپلمات‌های تهران گنجانده نشده است.

آقای دانلی و من اطلاعات شخصی زیر را در مورد آقا و خانم باباخانوف و آقا و خانم پاولنکو به دست آوردیم. خانم باباخانوف یک پزشک است. او و شوهرش قرار بود به مدت دو ماه به مرخصی در روسیه بروند. خانم پاولنکو نیز مهندس تأسیسات تهویه مطبوع است. چنانکه قبلاً هم گزارش شده بود، آقای پاولنکو یک ایران‌شناس است که در مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه لنینگراد تحصیل کرده است. او در حال حاضر در مورد جامی، شاعر عرفانی ایران، تحقیق می‌کند.

من در ضیافت شامی که روز ۲۵ مارس به افتخار سفیر برای اعضای جامعه خارجی‌ان دادم، آقا و خانم پاولنکو و آقای پسکوف را نیز دعوت کردم. در این موقعیت، سفیر با آقای پاولنکو درباره لزوم جلوگیری از مانع شدن مسایل کوچکی چون ویتنام از بهبود روابط بین ایالات متحده و روسیه صحبت کردند. سفیر مایر همچنین بر تمایل آمریکا برای مذاکره بر سر ویتنام تأکید کرد. سفیر همچنین گفت که کاملاً سفیر زایتروف را می‌شناسند. آقای پاولنکو در این مجلس نشان داد که کاملاً نسبت به آقای پسکوف ارشدیت دارد و خیلی متفکرانه مسایلی درباره سیاست روسیه در آسیای مرکزی مطرح ساخت.

سند شماره ۲۹۹

۹ آوریل ۱۹۶۶ - ۲۰ فروردین ۱۳۴۵

محرمانه

سفارت آمریکا، تهران، ایران

کنسول آمریکا، مشهد، ایران

[موضوع]: تماس با اتباع شوروی

در روز ۴ آوریل، گزارشگر از آقای ان. ای. پاولنکو دعوت کرد که پس از افتتاح کلینیک جدید



دانشگاه مشهد توسط اعلیحضرت شاهنشاه ایران، برای صرف یک نوشیدنی به خانه‌اش بیاید. آقای پاولنکو این دعوت را پذیرفت، ولی گفت ترجیح می‌دهد با همسرش به منزل گزارشگر بیاید و به همین دلیل نیم ساعت پس از پایان مراسم به منزل او خواهد آمد. او و همسرش نیم ساعت پس از پایان مراسم به منزل گزارشگر آمدند. آقای کلیونجر، کنسول آمریکا، آقا و خانم پاولنکو، و گزارشگر و همسرش این جمع را تشکیل می‌دادند. آقای پاولنکو یک بُکس سیگار روسی به رسم هدیه با خود آورده بود و در پایان میهمانی گزارشگر به او یک کنسرو سوپ ماهی لوئیزیانا هدیه داد. در طول صحبت‌های گرمی که بین پاولنکو و گزارشگر صورت گرفت، نکات زیر مشخص شد:

- ۱- آقای پاولنکو یک لاتین‌دان است. با وجود این، او زبان لاتینی را فراموش کرده است. او خودش می‌گوید که «برای قبولی در امتحان» درس خوانده و بعد از آن همه چیز را فراموش کرده است. او می‌گوید زبان آلمانی و انگلیسی را هم همینطور یاد گرفته است.
- ۲- آقای پاولنکو هنرهای آبستره یا امپرسیونیستی را دوست ندارد. با وجود این، هم آثار دیگو ریویرا را دوست دارد و هم آثار پیکاسو را. او همچنین نقاشی آبستره‌ای را که گزارشگر به سبک جکسون پالاک کشیده بود، ستایش کرد و گفت خوبی این نقاشی این است که او می‌تواند لنین را در آن نقاشی ببیند و گزارشگر احتمالاً جورج واشنگتن را. در اثنای همین صحبت‌ها بود که گفت جورج واشنگتن را ستایش می‌کند.
- ۳- آقای پاولنکو آدم فرانسه‌دوستی است. البته شاید این فرانسه‌دوستی او نوعی احترام به نظرات من بود که از قبل با آن آشنا بود. با وجود این، او گفت هرگز فکر نمی‌کند تحت هیچ شرایطی فرانسه و روسیه رو در روی یکدیگر قرار گیرند. و اینکه اصلاً دوست ندارد ویرانه‌های پاریس را ببیند. آقای پاولنکو گفت تنها عمل انسانی نازی‌ها این بود که پاریس را با خاک یکسان نکردند.
- ۴- آقای پاولنکو خیلی دوست دارد چیزهای بیشتری درباره ایالات متحده بداند. او گفت فقط از روی معدود کتاب‌هایی که درباره ایالات متحده خوانده است آن را می‌شناسد و خیلی علاقه دارد به ایالات متحده سفر کند و یا مطالب بیشتری درباره آن بخواند.
- ۵- آقای پاولنکو دوست دارد زبان انگلیسی را بهتر بداند. او پرسید آیا می‌تواند در انجمن ایران و آمریکا زبان بخواند. گزارشگر که مدیر انجمن ایران و آمریکاست داوطلبانه گفت آقای پاولنکو می‌تواند به او روسی درس بدهد و او به آقای پاولنکو انگلیسی.
- ۶- آقای پاولنکو گفت که عضو حزب کمونیست نیست.
- ۷- کنسول و آقای پاولنکو در مورد مواضع دو کشور درباره ویتنام صحبت کردند. در طول این صحبت‌ها کنسول بر تمایل آمریکا برای مذاکره تأکید کرد. وقتی کنسول جمع را ترک کرد، آقای پاولنکو به گزارشگر گفت خوب است که با هم صحبت می‌کنیم، ولی «نه درباره ویتنام،

- چون ایشان (کنسول)، جانسن نیستند و من هم برژنف نیستم، پس بهتر است درباره مسایلی صحبت کنیم که می‌توانیم حلش کنیم.»
- ۸- آقای پاولنکو لنینگراد را به مسکو ترجیح می‌دهد. او گفت خیلی به موزه آرمیتاژ در لنینگراد علاقه دارد و همچنین اظهار داشت هم لنینگراد و هم مسکو حومه‌ای به نام «اسپوتنیک» دارند.
- ۹- خانم پاولنکو دو مدرک تحصیلی دارد، یکی در مهندسی مکانیک گرایش سردسازی و یکی هم در زبان روسی. او هر دو مدرکش را از دانشگاه لنینگراد گرفته است.
- ۱۰- فرزندان خانواده پاولنکو نزد مادر خانم پاولنکو در عشق‌آباد زندگی می‌کنند. خانم پاولنکو سه ماه تابستان، یعنی ژوئن، ژوئیه و اوت را به خانه برمی‌گردد. او و فرزندانش و مادرش همدیگر را در لنینگراد ملاقات می‌کنند. بچه‌ها تقریباً ۸ و ۱۲ ساله هستند. آنها در سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۱ در مشهد بودند، ولی از مشهد خوششان نیامد.
- ۱۱- خانم پاولنکو خیلی فارسی نمی‌داند. مکالمه انگلیسی هم بلد نیست، ولی اگر سئوالی را روی کاغذ برایش بنویسید، آن را می‌فهمد. گاهی اوقات به جای اینکه شفاهاً جواب شما را بدهد، آن را روی کاغذ می‌نویسد. نقاشی‌اش خوب است. دستور تهیه سوپ بورشت را به همسر گزارشگر داد.
- ۱۲- خانم پاولنکو مجله‌ی «وگ» را خیلی دوست دارد و از بازار هارپر هم خوشش می‌آید.
- ۱۳- خانم پاولنکو فقط نوشیدنی اسکاچ و سودایش را مززه کرد.
- ۱۴- خانم پاولنکو قبلاً پای چپش را جراحی کرده و قسمتی از استخوان آن را برداشته است. به همین دلیل، نمی‌تواند مدت زیادی بایستد و یا کفش‌های پاشنه بلند پایش کند.
- ۱۵- پدر خانم پاولنکو در یک کارخانه ریخته‌گری در لنینگراد کار می‌کند.
- ۱۶- خانم پاولنکو پرسید که آیا فقط گزارشگر و همسرش در آن خانه زندگی می‌کنند. ظاهراً از اینکه دو نفر چنین خانه‌ی بزرگی (که البته مسلماً چندان مجلل نیست) دارند، تعجب کرده بود.

سند شماره ۳۰۰

گزارش اطلاعات میدانی

۱۲ آوریل ۱۹۶۶ - ۲۳ فروردین ۱۳۴۵

سری

منبع: یک سرویس رسمی ایران

موضوع: اخراج سه دیپلمات اتحاد شوروی از ایران

۱- در تاریخ ۹ آوریل ۱۹۶۶، سازمان اطلاعات و امنیت کشور ایران (ساواک) فکرت اسفندیار اوغلی افندیف، وابسته کنسولگری شوروی در تهران را در حال انجام ملاقاتی پنهانی با یک جاسوس ایرانی که کارمند دولت بود، دستگیر کرد. ساواک افندیف را به وزارت امور خارجه برد و مأموران در آنجا او را به زور تفتیش کردند، و در جیب‌های او ۱۵۰۰۰ ریال پول



و سه گذرنامه شوروی یافتند که برای فرد جاسوس و اعضای خانواده‌اش صادر شده بود. وزارت امور خارجه ایران، پاول پتروویچ زوتف، کاردار شوروی در تهران را به وزارتخانه فراخوانده و اعلام کرده است که استوارنامه افندیف باطل شده و او باید ایران را ترک کند. وزارت امور خارجه ایران همچنین قصد دارد با ارسال یک یادداشت به سفارت شوروی از آنها بخواهد که ویکتور نیکولایویچ اسپولنیکف، دبیر اول سفارت، و اسماعیل مرتضی اوغلی علی‌یف، دبیر سوم سفارت، به دلیل دخالت قبلی‌شان در همین پرونده از ایران خارج شوند. افندیف در روز ۱۲ آوریل تقاضای خود را برای صدور مجوز خروج تسلیم کرده است. - نظرات گزارشگر: افندیف، اسپولنیکف و علی‌یف همگی از افسران ک.گ.ب هستند. زوتف نیز یک مأمور اداره مرکزی اطلاعات وزارت دفاع است.

۲- ساواک از سال ۱۹۶۲ که ابتدا اسپولنیکف با این جاسوس ملاقات و روی او کار کرد به دقت این مورد را زیر نظر دارد. در سال ۱۹۶۴ تماس با این جاسوس به علی‌یف واگذار شد، و پس از آن در اواسط سال ۱۹۶۵ که جاسوس فوق رسماً جهت تهیه اطلاعات امنیتی، به ویژه در مورد ساواک، به استخدام شوروی درآمد، افندیف مسئولیت او را بر عهده گرفت. جاسوس فوق به دستور ساواک اطلاعات کاملاً کنترل شده‌ای در اختیار شوروی قرار می‌داد تا آنکه مقامات ایرانی، با موافقت شاه، تصمیم به خاتمه این مورد گرفتند و چنانکه در بالا ذکر شد، افندیف را دستگیر کردند. مبلغ ۱۵۰۰۰ ریالی که افندیف به همراه داشت قرار بود به جاسوس ایرانی پرداخت شود. گذرنامه‌ها نیز به درخواست فرد جاسوس صادر شده بود تا در صورت افشای فعالیتش توسط ساواک، امکان محافظت از او وجود داشته باشد.

۳- وزارت امور خارجه ایران به احمد میرفندرسکی، سفیر خود در مسکو، دستور داده است تا با ارسال یک یادداشت رسمی به وزارت امور خارجه شوروی در همین ارتباط مراتب اعتراض دولت ایران را به دولت شوروی اعلام دارد.

۴- نظر گزارشگر: هنوز معلوم نیست که آیا اخراج سه دیپلمات اتحاد شوروی از ایران علنی شود. نعمت‌الله نصیری، رئیس ساواک، موافق علنی کردن موضوع است و احتمالاً در ملاقات روز ۱۴ آوریل خود با شاه این مسئله را توصیه خواهد کرد.

۵- [بقیه سند ناخواناست]

سند شماره ۳۰۱

گزارش اطلاعات میدانی

۱۶ آوریل ۱۹۶۶ - ۲۷ فروردین ۱۳۴۵

سری

منبع: یک سرویس رسمی ایران

موضوع: نگرانی رسمی ایران از شایعه پراکنی روس‌ها در این کشور

۱- مقامات عالی‌رتبه سازمان اطلاعات و امنیت کشور ایران (ساواک) از شایعه پراکنی‌ها و



تبلیغات بی پایه و اساس مقامات شوروی در بین سطوح مختلف جامعه در تهران نگران هستند. آنها احساس می کنند که این اقدام یک فعالیت هماهنگ از سوی روس ها برای اشاعه بدبینی و افکندن تفرقه در اذهان مردم ایران است که با هدف مختل کردن روابط ایران و غرب صورت می گیرد.

۲- دو تن از فعال ترین مقامات شوروی در این ارتباط فدور الکسیویچ ساولچنکوف، کنسول سفارت، و ویکتور یاکولویچ اسپوف، دبیر دوم سفارت، هستند. محور فعالیت های آنها دو موضوع است:

الف- پیمان سنتو امروز دیگر بی فایده است و ایران باید از آن خارج شود. آنها به این امر اشاره می کنند که در جریان جنگ هند و پاکستان سنتو هیچ کمکی به پاکستان نکرد.

ب- اختلاف زیادی بین شرکت ملی نفت ایران و کنسرسیوم نفتی وجود دارد، و کنسرسیوم بر خلاف خواست ایران برای افزایش تولید نفت، آن را افزایش نخواهد داد. قرارداد ایران با کنسرسیوم هم فایده ای ندارد، زیرا این قرارداد فقط به نفع کنسرسیوم و شرکت های نفتی غربی است.

۳- نظر گزارشگر: ساولچنکوف یک افسر اطلاعاتی شوروی است و گمان می رود که اوسپوف نیز افسر ک.گ.ب. باشد.

فهرست اعلام

آنگولا / ۱۹۰	آ. ۱
آنیسموف / ۵۷۸, ۵۶۰, ۵۵۵	آتن / ۸, ۱۲۲, ۱۶۹
آیزنهاور، دوایت / ۵۲۱	آروتیونویچ کرسنجیان، واگان / ۵۲۲, ۵۱۹
الهیچف / ۵۶۴, ۵۶۳, ۵۵۷	آریانپور، هوشنگ (دریادار) / ۳۴۲
اباضی / ۴۷	آژانس انرژی بین‌المللی / ۱۴۸
ابوظبی / ۳, ۷, ۸, ۱۱, ۱۷, ۳۰, ۳۷, ۴۶, ۵۵, ۵۸,	آسوشیتدپرس (خبرگزاری) / ۵۷۹
۶۱, ۶۳, ۶۵, ۷۹, ۹۱, ۹۹, ۱۰۲, ۱۰۳, ۱۰۴,	آفریقا / ۴۰
۱۰۹, ۱۱۲, ۱۱۳, ۱۱۵, ۱۱۶, ۱۱۷, ۱۱۸, ۱۲۰,	آفریقای جنوبی / ۱۵۶
۱۲۱, ۱۲۴, ۱۲۶, ۱۲۷, ۱۲۸, ۱۲۹, ۱۳۰, ۱۳۱,	آل عصفور، شیخ علی / ۳۶, ۳۲
۱۳۲, ۱۳۳, ۱۳۵, ۱۳۶, ۱۳۹, ۱۴۰, ۱۴۱, ۱۴۲,	آلاسکا / ۱۳۰
۱۴۴, ۱۴۶, ۱۴۷, ۱۴۹, ۱۵۷, ۱۵۸, ۱۵۹, ۱۶۰,	آلبانی / ۱۳۹
۱۶۱, ۱۶۲, ۱۶۸, ۱۶۹, ۱۷۳, ۱۷۷, ۱۸۱, ۱۸۳,	آلمان شرقی (جمهوری دمکراتیک آلمان) /
۱۹۶, ۱۹۹, ۲۰۳, ۲۰۷, ۲۱۱, ۲۲۱, ۲۲۲, ۲۲۳,	۱۴۲, ۱۵۱, ۵۳۲
۲۲۴, ۲۲۸, ۲۳۰, ۲۳۸, ۲۳۹, ۲۴۰, ۲۴۱, ۲۴۳,	آلمان غربی / ۷۱, ۷۲, ۷۳, ۱۲۹, ۱۳۲,
۲۴۴, ۲۴۹, ۲۵۲, ۲۵۵, ۲۶۱, ۲۶۴, ۲۶۹, ۲۷۲	۱۶۵, ۲۲۳, ۲۲۵, ۲۳۸, ۲۴۷, ۳۲۵, ۴۶۷
اتاوا / ۱۶۸, ۱۵۷, ۱۴۶	آلمان / ۱۹۳, ۲۷۰, ۳۴۹, ۳۷۷, ۵۷۶
اتحاد جماهیر شوروی - شوروی	آمریکا / صفحات متعدد
اتریش / ۵۲۷	آموزگار، جمشید / ۱۱۹, ۱۲۰
اتیوپی / ۵, ۱۵, ۵۲, ۱۹۰	آنتولی، آی. لاورنتیف / ۵۱۴, ۵۳۳
اجلاس آنکتاد / ۱۳۲	آندرسون، رابرت / ۲۳
اجلاس ابوظبی / ۱۳۰	آنکارا / ۸, ۵۸۷, ۵۸۸

- استل، چارلز / ۵۴۲
 استوکلن (سرهنگ دوم) / ۴۶۹، ۴۷۱
 استول (سرهنگ دوم) / ۳۵۳، ۳۵۴
 استیونسن / ۵۲۴
 اسرائیل / ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۴۱، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۶۴، ۱۳۳، ۱۳۷، ۱۴۰، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۷۸، ۱۸۷، ۱۹۴، ۱۹۷، ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۴۲، ۲۴۹، ۲۵۳، ۲۷۲، ۳۲۵، ۵۸۰
 اسکات (سرلشگر) / ۴۷۸
 اسکیرنف، ویکتور ام / ۵۴۴
 اسکات، (سرهنگ) / ۴۷۹، ۴۸۵، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳
 اسکات، رابرت / ۵۵۰
 اسکاتلند / ۲۶۷
 اسلام آباد / ۳۰، ۳۷، ۱۴۹، ۲۱۰، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۴۴، ۲۴۶، ۲۸۲
 اسلو / ۱۶۸، ۱۵۷
 اسماعیل، عبدالله / ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۸، ۱۶۹
 اسمیت / ۱۹۰، ۱۹۱، ۲۳۳
 اسمیروکف، ولادیمیر پی / ۵۴۵
 اسیوف، ویکتور پاکولویچ / ۵۹۴
 اصفهان / ۱۹۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۵۴، ۴۴۷، ۵۲۹، ۵۷۱
 اطلاعات (روزنامه) / ۵۳۳، ۵۳۴
 افراسیابی (سرهنگ) / ۳۷۴، ۳۷۵
 افضلی، بهرام (ناخدا) / ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۸۲، ۳۸۳، ۴۳۸، ۴۶۵
 افغانستان / ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۸۷، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۳۰۹، ۳۱۳
 افندیف، فکرت اسفندیار اوغلی / ۵۶۶، ۵۶۷
- اجلاس بغداد / ۱۳۱
 اجلاس خبرگان سازمان ناتو در خاورمیانه / ۲۲۳
 اجلاس طائف / ۵۹، ۶۲، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۷۳
 اجلاسیه بغداد / ۲۷، ۲۸
 اچ. ئی. ژاک پری / ۵۲۷، ۵۲۸
 احمد بن سیف آل ثانی / ۵۷، ۷۲
 احمد خلیفه السویدی / ۱۲۷
 احمد عبدالنبی مکی / ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹
 اخبار الخلیج (روزنامه) / ۳۶
 اردلان (دریاسالار) / ۳۵۶، ۳۵۹، ۳۶۲
 اردلان، علیقلی (دکتر) / ۵۳۵
 اردن / ۴، ۶۸، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۵۳، ۲۸۱، ۲۸۲
 ارسنجانی، حسن (دکتر) / ۵۷۹، ۵۸۰
 ارکستر سمفونی پیتزبورگ / ۵۷۳، ۵۷۶، ۵۷۷
 ارکستر سمفونی تهران / ۵۷۷
 ارمنستان / ۵۵۱، ۵۸۹
 اریک اف. فون ماربود / ۳۴۱
 ازهاری، غلامرضا (ارتشبد) / ۱۹۶
 اسپانیا / ۳۲۵
 اسپولنیکف، ویکتور نیکولایویچ / ۵۴۶، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۶، ۵۹۳
 اسپیلمن، فرانک / ۱۲۸
 استاپی، نورمان / ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲
 استالین (خیابان) / ۵۲۷
 استالین / ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۲
 استانبول / ۵۶۷
 استانتون (عضو کنگره آمریکا) / ۱۳۵، ۱۳۷
 استرالیا / ۵۵۱
 استرنر، ۱۰۲

- ۱۵۹, ۱۶۰, ۱۶۱, ۱۶۸, ۱۷۲
 العتيقي، عبدالرحمن / ۸۱, ۸۳
 العطيه، محمد (سرتيب) / ۱۹۰, ۱۹۱, ۱۹۷, ۲۲۶
 القبيسي / ۴۵
 الكساندروف / ۵۱۶, ۵۱۷
 الكسييف، يوري كنستانتيوويچ / ۵۴۵, ۵۵۲, ۵۵۶, ۵۷۲, ۵۷۳
 الكواري، عيسي / ۱۰۷
 اللوزي، سام / ۱۵۷, ۱۵۸, ۱۵۹
 المدرسي، محمدهادي / ۴۵
 المعتصم حمود ناصر السعيد (سرهنگ) / ۶۰
 الميثاب (عربستان) / ۱۹۳
 النويس، ناصر / ۱۱۷, ۱۲۹, ۱۳۲
 الوطن (روزنامه) / ۱۶۱, ۱۶۲
 الويتور، تي. دبليو. / ۷۴
 الي / ۱۲۰
 اليوت، تئودور / ۵۶۷
 ام سعيد (ترمينال آبي) / ۱۰۴
 امارات متحده عربي / ۵, ۶, ۷, ۸, ۱۹, ۳۷, ۳۸, ۴۴, ۵۵, ۵۶, ۵۸, ۶۶, ۶۹, ۹۹, ۱۰۱, ۱۱۵, ۱۱۶, ۱۱۸, ۱۲۰, ۱۲۱, ۱۲۲, ۱۲۷, ۱۲۸, ۱۲۹, ۱۳۰, ۱۳۱, ۱۳۲, ۱۳۳, ۱۳۴, ۱۳۵, ۱۳۶, ۱۳۷, ۱۳۸, ۱۳۹, ۱۴۰, ۱۴۱, ۱۴۲, ۱۴۳, ۱۴۶, ۱۴۷, ۱۵۰, ۱۵۷, ۱۵۸, ۱۵۹, ۱۶۰, ۱۶۱, ۱۶۳, ۱۶۵, ۱۶۸, ۱۶۹, ۱۷۰, ۱۷۴, ۱۷۷, ۲۰۴, ۲۱۰, ۲۱۹, ۲۲۳, ۲۳۳, ۲۳۴, ۲۳۶, ۲۳۷, ۲۳۸, ۲۳۹, ۲۴۰, ۲۴۴, ۲۵۳, ۲۶۴
 ام القصر (بندر) / ۲۱۳
 ام القوين / ۹۷, ۹۹, ۱۰۰, ۱۰۱, ۱۰۲, ۱۱۶, ۲۷۴
 امان / ۳, ۱۳, ۲۶, ۲۰۳, ۳۳, ۳۴, ۴۲, ۴۴, ۴۸, ۵۲, ۵۳, ۵۵, ۵۷, ۵۸, ۶۳, ۶۴, ۶۵, ۶۷, ۶۹, ۷۱, ۷۲, ۱۴۹, ۱۶۹, ۱۷۲, ۱۷۳, ۱۸۱, ۱۸۳
- ۵۶۸, ۵۶۹, ۵۹۲, ۵۹۳
 اقبال، منوچهر (دکتر) / ۵۳۸
 اقيانوس آتلاتتيک / ۲۲
 اقيانوس هند / ۴۰, ۵۳, ۱۵۰, ۱۵۱, ۱۵۲, ۲۲۰, ۲۲۱, ۲۳۱, ۲۳۲, ۲۳۳, ۲۵۵, ۲۵۶, ۲۹۶, ۳۱۹
 اکو آو ايران (نشریه) / ۵۶۰, ۵۸۶
 اکونوميست (نشریه) / ۲۱
 الباطن (عربستان) / ۱۹۳
 التوگ (دریادار) / ۳۵۷
 الثوره (روزنامه) / ۶۷, ۲۵۱
 الجزاير / ۱۵, ۸۳, ۱۴۷, ۱۵۸, ۱۵۹, ۱۶۵, ۲۱۴, ۵۸۴
 الجزيره (روزنامه) / ۶۳
 الجزيره / ۸, ۱۳, ۷۹, ۱۴۶, ۱۵۷, ۱۶۸
 الجمالی، قاسم / ۲۷۱, ۲۷۲
 الحرثي، حميد / ۹۷
 الحمر، عبدالملك / ۱۲۹
 الحوادث (نشریه) / ۱۵۷, ۱۵۸
 الدرشات / ۲۶۳
 الراشد، راشد / ۲۵۶, ۲۵۷, ۲۵۸
 الرنيابي، خليفه / ۱۱۴
 الريفا / ۳۵
 السکاندرف / ۵۲۹
 السويدي، احمد / ۶۶, ۱۲۹, ۱۳۱, ۱۳۲, ۱۳۳, ۱۳۴, ۱۳۵, ۱۳۷, ۱۳۹, ۱۵۷, ۲۶۴
 الشريفي، عيسي / ۳۶
 الشنغاري، سيد احمد / ۹۷, ۱۱۴
 الشوري، اسماعيل / ۶۶, ۷۳
 الشيراوي، يوسف / ۱۷۰
 العتيبه، مناسعيد / ۱۲۷, ۱۲۹, ۱۳۰, ۱۳۱, ۱۳۲, ۱۳۳, ۱۳۴, ۱۳۵, ۱۴۶, ۱۵۷, ۱۵۸

اورشلیم / ۸, ۱۶, ۲۷, ۲۸, ۳۳, ۷۲	۲۸۲, ۲۱۱, ۲۰۰
اورگانف، ان. ان. / ۵۳۱	امیر خلیفه بن حمد آل ثانی / ۱۰۶, ۲۹
اوسپیوف، ویکتور یاکولویچ / ۵۹۴	۲۲۶, ۲۱۰, ۲۰۹
اوگدن / ۴۶۳	امیرانتظام، عباس / ۳۰, ۳۶۰, ۴۹۱
اولکسیو / ۵۳۶	الانباء (نشریه) / ۲۲۵
اولیفیرنکو، گریگوری ایلچ / ۵۴۰, ۵۴۱, ۵۴۴	انبارهای ادیسن / ۳۶۴
۵۵۰, ۵۵۲	انجمن ایران و آمریکا / ۵۹۱
اونتاریو / ۴۸۲	انجمن دوستان خاورمیانه / ۲۶۵
اهواز / ۳۸۶	انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی / ۵۵۹
ایالات متحده - آمریکا	اندریف، الکساندر ای / ۵۴۵
ایتالیا / ۸۴, ۲۲۳, ۲۴۷, ۲۶۳, ۲۷۰, ۳۲۵, ۴۶۷	اندونزی / ۵۱۶
ایتو / ۱۱۳	انستیتو بروکینگز / ۱۵۴
ایران (اکثر صفحات)	انستیتو تکنولوژی ماساچوست / ۱۵۳
ایزدی / ۴۷۰	انگلستان - انگلیس
ایمانیان (تیمسار) / ۴۰۹, ۴۱۹, ۳۴۵	انگلمن (ناو سروان) / ۳۶۵, ۳۷۵, ۳۸۲
اینگرسل / ۲۸۵, ۲۸۶	۴۳۰, ۴۳۸, ۴۳۹, ۴۴۶, ۴۷۸
ایوانویچ رودیونف، الکساندر (سرهنگ) / ۵۱۳	انگلیس / ۱۴, ۱۵, ۲۰, ۲۱, ۲۲, ۲۳, ۲۴
ب	۲۵, ۲۶, ۳۰, ۵۲, ۱۲۱, ۱۲۳, ۱۵۱, ۱۶۵
باباخانوف / ۵۹۰	۱۷۴, ۱۷۵, ۱۷۶, ۱۷۷, ۱۷۸, ۱۷۹, ۱۸۰
بارتا، جان / ۱۴۴, ۱۴۵	۱۸۱, ۱۸۲, ۲۰۰, ۲۰۱, ۲۰۲, ۲۲۳, ۲۲۴
بازار هارپر / ۵۹۲	۲۲۵, ۲۳۶, ۲۳۹, ۲۴۷, ۲۶۰, ۲۶۱, ۲۶۲
بازارف، سیمن تاراسویچ / ۵۱۷, ۵۱۸, ۵۳۸	۲۶۳, ۲۶۴, ۲۶۶, ۲۶۷, ۲۶۸, ۲۷۲, ۲۷۳
۵۵۳, ۵۵۴	۲۷۴, ۲۷۵, ۳۲۵, ۳۴۲, ۵۲۹, ۵۶۵
بازرگان، مهدی (مهندس) / ۳۰, ۳۱, ۳۶۰, ۴۴۵	اوبلاست، ایوانو / ۵۳۲
باسکا، جان (سرهنگ) / ۵۴۱	اوپیک عربی / ۱۲۳
باشگاه شوروی (تهران) / ۵۲۷, ۵۲۸, ۵۵۹	اوپیک / ۷, ۸۰, ۸۲, ۸۳, ۸۴, ۸۵, ۸۷, ۹۰
باقری (سرلشگر) / ۴۶۱, ۴۹۹, ۵۰۰, ۵۰۱, ۵۰۲	۹۵, ۱۰۳, ۱۰۶, ۱۰۷, ۱۱۳, ۱۱۴, ۱۱۸
۵۰۶	۱۲۱, ۱۲۸, ۱۳۰, ۱۳۱, ۱۳۴, ۱۳۵, ۱۳۶
باکو / ۵۱۷, ۵۱۵, ۵۲۶, ۵۶۷, ۵۶۸	۱۳۷, ۱۴۳, ۱۴۶, ۱۴۷, ۱۴۸, ۱۵۷, ۱۵۸
بال، جورج / ۱۵۶	۱۵۹, ۱۶۴, ۱۶۵, ۱۶۷, ۱۶۸, ۱۶۹, ۱۷۰
بالکان / ۵۱۴	۲۱۱, ۲۱۳, ۲۲۴

برلین / ۵۴۰	بامداد (روزنامه) / ۲۲۵
برن / ۱۴۵	بانک صادرات ایران / ۷
برنان / ۴۹۰	بانک مرکزی عمان / ۹۵
برور، میل / ۷۷	بانک ملی ایران / ۷
بروستر / ۲۲۳	بانکوک / ۱۴۲
بروکسل / ۸، ۲۱، ۱۴۶، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۸، ۱۶۹	بایکف، گورمن / ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳
بریا / ۵۲۴	۵۸۴
بریتانیا - انگلیس	بایندر، داریوش / ۴۱۵، ۴۵۴، ۴۵۶، ۴۶۸
بریتیش بانک میدل ایست / ۱۲۴	۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴
بریکهم، نلسن / ۵۳۷، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۷۱	بحرین / ۲۸، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۶، ۴۲، ۴۴
بریمی / ۱۲۴	۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳
البطشی، علی / ۹۷، ۱۱۴	۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۸، ۶۱، ۶۳، ۶۵، ۶۶، ۶۷
بغداد / ۳، ۱۱، ۱۳، ۲۶، ۲۷، ۳۲، ۳۵، ۳۷، ۴۲	۶۸، ۶۹، ۷۸، ۱۰۵، ۱۲۳، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۴
۴۳، ۴۴، ۴۶، ۴۷، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۶۱	۱۵۰، ۱۵۲، ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۴
۶۳، ۶۶، ۶۸، ۶۹، ۷۳، ۷۹، ۱۲۸، ۱۴۶، ۱۴۹	۱۷۶، ۱۷۹، ۱۹۰، ۱۹۷، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶
۱۵۷، ۱۶۰، ۱۶۳، ۲۰۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳	۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۲۹
۲۲۴، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۷، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱	۲۳۰، ۲۳۱، ۲۴۴، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۳
۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۵، ۲۵۷، ۳۳۹، ۵۷۸	۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۷۰
بلژیک / ۱۷۴، ۳۲۵	۲۷۳، ۲۷۵
بلغارستان / ۱۴۲، ۵۱۴	بخارست / ۵۱۴، ۵۶۳
بلیف / ۵۶۲	برانسن، چارلز / ۴۶۳
بلگراد / ۱۶۱، ۵۱۴، ۵۱۵	براون، لئو (سرهنگ دوم) / ۲۶۴، ۵۴۲
بلومتال / ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸	۵۴۳
بن (شهر) / ۴۴، ۷۹، ۱۴۶، ۱۵۷، ۱۶۰، ۱۶۱	براون، هارولد / ۱۵۰، ۱۵۱
۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۲، ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۳۷، ۲۳۹	برایتن (ناخدا سوم) / ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۷
بنت / ۲۲۴	۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۶۵، ۳۶۶
بندر (شاهزاده) / ۲۲۱	بَرت، رابرت (ژنرال) / ۴۶۲، ۵۲۷
بندر انزلی / ۱۹۵، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۶، ۴۶۷، ۵۱۵	بردیف، ردزپ نوریویچ / ۵۵۸، ۵۶۵
۵۱۷، ۵۲۶، ۵۴۶	برزیل / ۸۴
بندر پهلوی - بندر انزلی	برژنف / ۵۹۲
بندر جبل علی / ۱۲۳، ۱۲۴، ۲۱۰	برژینسکی، زیگنیو / ۱۵۰
بندر جبیل / ۲۴۸	برگستن / ۱۳۵

۱۶۹, ۱۷۲, ۱۸۳, ۲۰۰, ۲۵۳, ۲۶۸, ۵۲۹, ۵۵۳	بندر چابهار / ۱۹۵, ۱۹۶, ۲۹۶, ۳۱۹, ۳۳۴
بیریتیش کانسل / ۵۸۵	۳۸۷, ۴۷۹
بیگان کامپس (مانور) / ۲۲۰, ۲۲۱, ۲۲۲	بندر راشد (دوبی) / ۶
بیگلری، پرویز (دریادار) / ۴۰۹	بندر سولمان / ۵۵
بیگلی، توماس (دریاسالار) / ۱۸۳, ۱۹۷, ۱۹۸	بندرعباس / ۱۹۵, ۲۹۶, ۳۴۲, ۳۶۶, ۳۸۷
بیل / ۷۷	۴۷۹, ۴۹۷, ۴۹۸
بیمارستان شوروی (تهران) / ۵۲۹	بنسن / ۴۸۷
	بنگاه نشر پنگوئن / ۲۱
	بنگلادش / ۲۷۱
پ	
پادگان اسمر / ۴۰	بنیاد تولستوی / ۵۱۹, ۵۲۱, ۵۲۲
پارتینایا ژیزن (نشریه) / ۵۳۱, ۵۳۳	بنیاد صلح برتراند راسل / ۲۱
پارسونز، سر آنتونی / ۲۰۱	بوتو، ذوالفقار علی / ۳۷, ۳۸, ۲۸۲
پاریس / ۸, ۱۳, ۲۶, ۳۰, ۶۷, ۱۲۸, ۱۳۵, ۱۳۸,	بورتا، جان / ۱۱۹, ۱۲۰, ۱۴۴
۱۴۵, ۱۴۶, ۱۵۷, ۱۶۰, ۱۶۱, ۱۶۸, ۱۶۹, ۲۰۰,	بوریسف / ۵۵۷
۲۲۰, ۲۲۱, ۲۲۲, ۲۲۳, ۲۲۵, ۲۳۷, ۲۳۹, ۲۴۷,	بوریسنکو / ۵۵۶
۲۴۹, ۲۵۰, ۲۵۵, ۲۶۴, ۲۶۶, ۲۶۹, ۵۱۵, ۵۵۴,	بوشهر / ۱۹۵, ۴۹۸
۵۹۱	البوشی، اسماعیل / ۹۷
پاکر، پاکس (دریاسالار) / ۲۲۲	بولگانین / ۵۱۶, ۵۲۷, ۵۲۸, ۵۳۰
پاکستان / ۳۷, ۳۸, ۳۹, ۴۰, ۴۱, ۱۸۶, ۲۲۲,	بوله، ایو / ۵۶۹, ۵۷۰, ۵۷۳
۲۸۲, ۲۹۲, ۲۹۵, ۴۶۳, ۵۷۰, ۵۹۴	بولینگ، جان / ۵۴۷
پاگانلی / ۱۸۴, ۱۹۱, ۱۹۲, ۱۹۸	بویکوف / ۵۸۱, ۵۸۲
پالاک، جکسون / ۵۹۱	بهرامی / ۳۵۶, ۳۵۹, ۳۶۰, ۳۶۳, ۴۵۴, ۴۵۵,
پالایشگاه ام النار / ۷	۴۵۶, ۴۶۲, ۴۶۳, ۴۶۹, ۴۷۶, ۴۸۸, ۴۹۰,
پالایشگاه شعیبه / ۸۶	۴۹۲, ۴۹۳, ۴۹۵, ۴۹۷, ۵۰۲, ۵۰۴
پاناما / ۱۶۷	بهروز، جهانگیر / ۵۶۰, ۵۸۱, ۵۸۲, ۵۸۴,
پانتلیمونف / ۵۵۷	۵۸۶
پانکراتف، ولادیمیر / ۵۵۶, ۵۶۹, ۵۷۰, ۵۷۱,	بهشهر / ۴۶۱
۵۷۲, ۵۷۳, ۵۷۴, ۵۷۵, ۵۷۶, ۵۷۷, ۵۷۸	بیت‌الدین / ۵۳
پاوشوکف (سرهنگ) / ۵۷۸	بیروت (کمونیست عالی رتبه لهستانی) /
پاولف / ۱۶۴, ۵۵۷	۵۲۴
پاولنکو / ۵۵۷, ۵۸۹, ۵۹۰, ۵۹۱, ۵۹۲	بیروت / ۱۳, ۲۶, ۴۴, ۴۸, ۵۲, ۵۵, ۵۷,
پایگاه بوشهر / ۳۳۶	۵۸, ۶۳, ۶۵, ۶۷, ۶۹, ۷۱, ۷۲, ۷۹, ۱۴۹,

- پلیک / ۷۳, ۶۶, ۵۹
 پیتاگون / ۱۵۰, ۱۵۱, ۱۵۲, ۱۵۳, ۱۵۴, ۴۳۰
 پنسیلوانیا / ۳۴۹
 پورنصیری (سرهنگ) / ۳۸۱
 پوشکین / ۵۱۴
 پولیاکف، الکساندر وی / ۵۴۵
 پونس، فرانسوا / ۱۶۰
 پیکاسو (نقاش) / ۵۹۱
 پیمان بغداد / ۲۴۹, ۵۱۸, ۵۲۵, ۵۲۶, ۵۲۸, ۵۲۹
 پیمان سنتو / ۲۹۱, ۳۳۳, ۵۷۰, ۵۹۴
 پیمان مصر و اسرائیل / ۲۶, ۲۷, ۲۸, ۳۱
- ت
 تاباچنکف، آنتونیان ای / ۵۴۵
 تات (سرتیپ) / ۳۸۱
 تاجر، مهدی / ۱۲۲, ۱۲۶
 تاجر، مارگارت / ۲۰, ۲۲
 تاراسف، نیکلای کنستانتینویچ / ۵۳۹, ۵۴۴, ۵۶۲
 تاراسویچ، سیمن / ۵۱۵
 تاس (خبرگزاری) / ۵۳۶, ۵۷۸, ۵۸۰
 تأسیسات صنعتی - پتروشیمی جبیل / ۱۳
 تاشکند (شهر) / ۵۳۲
 تاگاشف، اس. ان / ۵۳۶, ۵۳۷, ۵۶۶, ۵۶۷
 تامست / ۴۴۸, ۴۵۴, ۴۶۲
 تایمز کویت (روزنامه) / ۲۷۰, ۲۷۱
 تایوان / ۸۴, ۱۴۱
 تبریز / ۵۱۹, ۵۲۲
 تثام / ۲۲۴
 تربیت، هاجر / ۵۶۴
 ترجمان / ۵۶۵
 ترکیه / ۴۱, ۱۵۴, ۲۴۵, ۵۷۰, ۵۸۶
 ترکی ابن عبدالعزیز / ۱۹۴
- پایگاه دوشان تپه / ۳۶۱
 پایگاه مک گوائر / ۳۵۳, ۳۵۴, ۳۶۲, ۳۶۳
 ۴۹۹, ۴۹۱
 پایگاه نظامی شاه خالد / ۱۹۳
 پایگاه هوایی تبریز / ۳۳۵
 پایگاه هوایی خاتمی / ۳۳۵, ۳۳۷, ۳۳۸
 پایگاه هوایی رایت - پترسن / ۳۸۱, ۳۸۱
 پایگاه هوایی وحدتی (دزفول) / ۳۳۵, ۳۳۶
 پایگاه هوایی وفره بیاض / ۱۹۲
 پتروف / ۵۵۱
 پتروفسکی، ایلن نیکلایویچ / ۵۵۳, ۵۵۵
 ۵۶۰
 پترونا، زینایدا / ۵۵۲
 پتی (سرهنگ) / ۳۷۴, ۳۷۵, ۳۷۶, ۳۸۹
 ۴۰۲, ۴۰۳, ۴۰۹, ۴۳۰, ۴۴۱
 پراگ / ۵۱۴
 پراگنل، دونالد / ۲۰۱, ۲۰۲, ۲۰۳
 پراودا (نشریه) / ۵۶۲, ۵۸۷
 پرشت (سروان) / ۲۹۱
 پروتکل شارجه و کرسنت / ۱۱۸
 پروژه پرل / ۴۷۹
 پست / ۴۱
 پسکوف، ایوان / ۵۹۰
 پک / ۶۷
 پیگف، نیکلای میخائیلویچ / ۵۳۰, ۵۳۱
 ۵۳۲, ۵۳۳, ۵۳۴, ۵۳۵, ۵۳۶, ۵۳۷, ۵۳۸
 ۵۳۹, ۵۴۱, ۵۴۴, ۵۴۶, ۵۴۷, ۵۴۸, ۵۵۵
 ۵۵۸, ۵۵۹, ۵۶۰, ۵۶۱, ۵۶۲, ۵۷۹, ۵۸۰
 ۵۸۴
 پلاختی / ۵۵۶
 پلترو / ۳۳, ۳۴, ۳۵, ۳۷, ۴۳, ۴۶, ۴۸, ۵۵
 ۶۹, ۱۷۲, ۲۰۵, ۲۴۴, ۲۵۰

۶۹, ۷۰, ۷۱, ۷۲, ۷۳, ۷۴, ۷۷, ۷۹, ۹۱, ۹۷,	الترکی، العزیز / ۱۵۸
۱۰۲, ۱۰۹, ۱۱۴, ۱۱۸, ۱۲۰, ۱۲۱, ۱۲۲, ۱۲۷,	تروفیمف / ۵۵۷
۱۲۸, ۱۳۵, ۱۳۸, ۱۴۳, ۱۴۴, ۱۴۵, ۱۴۶, ۱۴۸,	تریپولی / ۱۳, ۱۴۶
۱۴۹, ۱۵۷, ۱۶۰, ۱۶۱, ۱۶۸, ۱۶۹, ۱۷۲, ۱۷۳,	تکاچ، میخائیل کی / ۵۴۵
۱۸۱, ۱۸۳, ۱۸۹, ۱۹۱, ۱۹۵, ۱۹۶, ۲۰۰, ۲۰۳,	تگزاس / ۹۳
۲۰۴, ۲۰۵, ۲۰۷, ۲۰۹, ۲۱۰, ۲۱۱, ۲۱۹, ۲۲۰,	تل آویو / ۳, ۵۷, ۱۴۹, ۲۰۳
۲۲۱, ۲۲۲, ۲۲۴, ۲۲۶, ۲۲۷, ۲۲۸, ۲۳۰, ۲۳۷,	تلکس / ۷۳
۲۳۹, ۲۴۰, ۲۴۱, ۲۴۳, ۲۴۴, ۲۴۶, ۲۴۷, ۲۴۹,	تمپل، شرلی / ۲۳
۲۵۰, ۲۵۱, ۲۵۲, ۲۵۵, ۲۵۷, ۲۶۴, ۲۷۱, ۲۸۸,	تنگه هرمز / ۴, ۱۵, ۲۴, ۴۴, ۴۸, ۵۰, ۵۶,
۳۲۷, ۳۳۵, ۳۳۶, ۳۳۷, ۳۴۲, ۳۵۱, ۳۵۲, ۳۵۹,	۵۸, ۶۵, ۶۸, ۷۰, ۱۱۲, ۱۵۰, ۱۶۱, ۱۶۲,
۳۶۳, ۳۸۴, ۳۸۶, ۴۲۹, ۴۳۶, ۴۳۷, ۴۴۷, ۴۴۸,	۱۶۳, ۲۲۰, ۲۲۱, ۲۲۲, ۲۲۳, ۲۲۴, ۲۲۵,
۴۷۷, ۴۸۰, ۴۸۸, ۴۹۲, ۵۰۲, ۵۱۴, ۵۱۵, ۵۱۷,	۲۳۳, ۲۳۴, ۲۳۵, ۲۳۶, ۲۳۷, ۲۳۸, ۲۳۹,
۵۱۸, ۵۱۹, ۵۲۰, ۵۲۱, ۵۲۲, ۵۲۳, ۵۲۴, ۵۲۷,	۲۴۰, ۲۴۱, ۲۴۲, ۲۴۳, ۲۴۴, ۲۴۵, ۲۴۶,
۵۲۸, ۵۳۰, ۵۳۲, ۵۳۳, ۵۳۴, ۵۳۵, ۵۳۶, ۵۳۸,	۲۴۷, ۲۴۸, ۲۴۹, ۲۵۰, ۲۵۱, ۲۵۲, ۲۵۳,
۵۳۹, ۵۴۱, ۵۴۲, ۵۴۳, ۵۴۴, ۵۴۶, ۵۴۷, ۵۴۸,	۲۵۴, ۲۵۵, ۲۵۶, ۲۵۷, ۲۶۸, ۲۹۲, ۲۹۶,
۵۴۹, ۵۵۰, ۵۵۱, ۵۵۳, ۵۵۸, ۵۶۰, ۵۶۱, ۵۶۴,	۳۱۷, ۴۸۰
۵۶۷, ۵۶۸, ۵۷۱, ۵۷۳, ۵۷۵, ۵۷۶, ۵۷۷, ۵۷۸,	توفانیان (تیمسار) / ۱۹۶, ۲۸۲, ۲۸۹, ۳۲۷,
۵۸۰, ۵۸۱, ۵۸۲, ۵۸۳, ۵۸۴, ۵۸۷, ۵۸۸, ۵۹۰,	۴۶۲, ۴۵۹
۵۹۴	توکی، ج.ت (سپهد) / ۳۳۷, ۳۴۱
تی. دبلیو. فیلتر / ۷۴	توکیو / ۷۹, ۱۴۶, ۱۴۸, ۱۵۷, ۱۶۰, ۱۶۱,
تیتو (مارشال) / ۵۱	۱۶۵, ۱۶۸, ۱۶۹, ۲۲۲, ۲۳۷, ۲۳۹, ۲۴۰, ۲۴۱,
	۲۴۷, ۲۵۰
ج	تولس اوبلاس / ۵۶۲
جاریکف / ۵۶۶, ۵۶۷, ۵۶۸, ۵۶۹	تونس / ۸, ۶۸
جاکارتا / ۱۴۶, ۱۵۷, ۱۶۸, ۲۶۷, ۵۸۱	تونلند، جان / ۲۱
جامی، عبدالرحمان (شاعر ایرانی) / ۵۹۰	تویتس، پیتر (سرگرد) / ۲۴۰
جان / ۲۷۱	توینام، ژوزف / ۳۷, ۱۳۵, ۲۴۲
جانسن / ۵۹۲	تهران تایمز (روزنامه) / ۴۸۰
جاورونکف / ۵۴۲	تهران / ۳, ۵, ۷, ۸, ۱۱, ۱۳, ۲۶, ۲۹, ۳۰,
جبهه آزادیبخش خلق بحرین / ۳۷, ۶۳	۳۱, ۳۲, ۳۳, ۳۴, ۳۵, ۳۶, ۳۷, ۴۲, ۴۳,
جبهه آزادیبخش خلق عمان / ۳۰, ۳۱, ۶۶	۴۴, ۴۶, ۴۷, ۴۸, ۴۹, ۵۲, ۵۳, ۵۴, ۵۵,
جبهه آزادیبخش خلق فلسطین / ۲۴۳, ۲۵۴	۵۶, ۵۷, ۵۸, ۵۹, ۶۱, ۶۴, ۶۵, ۶۶, ۶۷,

- جبهه خاور دور / ۵۳۱
 جبهه خلق آزادیبخش خلیج عربی / ۱۷۶
 جبیل (پایگاه دریایی) / ۱۹۳
 جدہ / ۳, ۵, ۱۱, ۱۳, ۲۹, ۳۳, ۳۴, ۳۵, ۳۷, ۴۳, ۴۶, ۴۷, ۴۸, ۵۴, ۵۵, ۵۷, ۵۹, ۶۱, ۶۳, ۶۵, ۶۶, ۶۷, ۶۹, ۷۱, ۷۴, ۷۹, ۹۱, ۹۷, ۱۰۲, ۱۱۴, ۱۲۰, ۱۲۲, ۱۲۸, ۱۳۵, ۱۳۸, ۱۴۵, ۱۵۷, ۱۶۰, ۱۶۱, ۱۶۹, ۱۷۳, ۱۸۱, ۱۸۳, ۱۸۹, ۱۹۱, ۱۹۶, ۲۰۰, ۲۰۳, ۲۰۴, ۲۰۵, ۲۰۷, ۲۰۹, ۲۱۰, ۲۱۱, ۲۱۹, ۲۲۰, ۲۲۲, ۲۲۳, ۲۲۴, ۲۲۵, ۲۲۶, ۲۲۸, ۲۳۰, ۲۳۹, ۲۴۰, ۲۴۱, ۲۴۳, ۲۴۴, ۲۴۶, ۲۵۰, ۲۵۲
 جذبی (سرهنگ) / ۴۱۲, ۴۱۳
 جرا / ۲۶۳
 جرالد، فیتز / ۵۶۶, ۵۶۷
 جزایر تنب (تنب بزرگ و تنب کوچک) / ۷۸, ۱۱۷, ۱۲۱, ۲۷۴
 جزایر کوریا موری / ۹۵
 جزیره ابوموسی / ۷۸, ۷۹, ۱۱۵, ۱۱۶, ۱۱۷, ۱۱۸, ۱۲۱, ۱۲۲, ۲۳۶, ۲۷۴
 جزیره خارک / ۴۹۸
 جزیره دیه گو گارسیا / ۱۵۱, ۱۵۲, ۱۵۶, ۲۱۰
 جزیره سر ابو نویر / ۱۱۵, ۱۱۶
 جزیره فلج المعلا / ۱۰۰, ۱۰۱
 جزیره قوین بزرگ / ۲۳۴, ۲۳۵
 جزیره قوین کوچک / ۲۳۵
 جزیره لارک / ۲۳۴
 جزیره مسندم / ۲۳۸
 جزیره مصیره / ۹۱, ۹۴, ۱۱۲, ۱۵۲, ۲۰۳, ۲۲۰
 جزیره هلول / ۱۰۴
 جزیره هنگام / ۲۳۳
 جشنواره بین المللی فیلم مسکو / ۵۶۳
 جعفر، حمید / ۱۱۵, ۱۱۷, ۱۱۸, ۱۱۹, ۱۲۰, ۱۴۴
 جعفری (سروان) / ۳۸۲
 جلفا / ۵۸۳
 جمهوری ازبک (ازبکستان) / ۵۳۱, ۵۳۲
 جمهوری دمکراتیک خلق یمن / ۱۴, ۶۲, ۶۶, ۶۸, ۷۳, ۹۴, ۱۳۸, ۱۷۶, ۱۹۷, ۲۲۰, ۲۵۶, ۲۷۰
 جمهوری عربی یمن / ۶۹
 جنگ اعراب و اسرائیل / ۲۶۲, ۲۶۳
 جنگ جهانی دوم / ۳۳۳, ۵۱۷, ۵۳۱, ۵۴۰, ۵۵۴, ۵۶۲, ۵۷۶
 جنگ ظفار / ۴, ۵, ۱۶, ۱۷, ۲۱, ۲۲
 جود، فرانک / ۲۰۱
 جورجیا (ایالت) / ۱۵۴
 جونز / ۵۱۸
 جهانبانی (دریادار) / ۳۴۷, ۳۶۶
 جی مگار، ادوارد (سرلشگر) / ۱۵۵
 جی. بیگلی، توماس / ۱۸۳, ۱۸۴, ۱۹۷
 جیوتی / ۲۱۹
 جیده، علی / ۱۰۷
 جیزز ری (سروان) / ۵۲۹
چ
 چاپین / ۵۳۳, ۵۳۵
 چاه نفتی قرن العلم / ۱۱۰
 چپر تلی / ۵۷۸
 چکسلواکی / ۱۳۹, ۱۴۱, ۱۴۲, ۱۴۳, ۳۲۵, ۵۱۴, ۵۵۴, ۵۷۸
 چگینی (سرهنگ) / ۳۷۴

- چمران، مصطفی (دکتر) / ۶۴, ۲۲۵, ۴۸۵, ۴۹۶, ۵۰۶, ۵۰۷
- چونگ کینگ (چین) / ۵۱۷
- چونینگ، رابرت (ژنرال) / ۲۳۱, ۲۴۰
- چیس (بانک) / ۱۲۲
- چین (جمهوری خلق چین) / ۱۳۹, ۱۴۰, ۱۴۱, ۱۷۵, ۱۷۶, ۲۶۵, ۲۶۷, ۵۱۷, ۵۳۹, ۵۴۱
- حُمید (ارتشبد) / ۱۹۴
- حوزه گازی دورا / ۸۸
- حوزه گازی غبره / ۱۱۲
- حوزه گازی بیال / ۱۱۲, ۱۱۳
- حوزه نفتی آرامکو / ۱۱۸
- حوزه نفتی ابوموسی / ۱۱۸
- حوزه نفتی البوندوق / ۱۰۴
- حوزه نفتی ام القوین / ۱۲۴
- حوزه نفتی امرادا - هس ارزنه / ۱۴۷
- حوزه نفتی امل / ۹۴, ۹۵, ۱۱۱
- حوزه نفتی بورگان / ۸۶
- حوزه نفتی دُخان / ۱۰۳, ۱۰۴, ۱۰۸
- حوزه نفتی راشد / ۱۱۶, ۲۵۶, ۲۵۷, ۲۵۸
- حوزه نفتی ظفار / ۱۴, ۹۱, ۹۳, ۹۴, ۹۵, ۱۰۹
- ۱۱۰, ۱۱۱, ۱۱۲, ۱۱۳, ۱۷۶, ۱۷۷, ۲۲۰
- حوزه نفتی فتح / ۱۱۶, ۱۲۴
- حوزه نفتی فلاح / ۱۱۶
- حوزه نفتی قبا / ۹۲, ۹۴, ۹۶
- حوزه نفتی لخوایر / ۹۲, ۱۱۰
- حوزه نفتی مبارک / ۹۸, ۱۱۵, ۱۱۷, ۱۱۸, ۱۴۴
- حوزه نفتی مرمول / ۹۴, ۹۵, ۱۱۱
- حوزه نفتی نصیر / ۱۱۱
- حوزه نفتی وفره / ۸۷
- حیدری، طاهر / ۱۰۷
- ح
- حاتمی (سرهنگ) / ۳۷۵
- حافظ اسد / ۱۶۳
- حافظ / ۵۶۶
- حبیب‌اللهی (دریاسالار) / ۱۹۶
- حداد (سرهنگ) / ۳۷۴, ۴۷۰
- حزب [کمونیست] آذربایجان (شوروی) / ۵۶۳
- حزب آل - یونیون / ۵۳۱
- حزب امل لبنان / ۶۴
- حزب بلاروس / ۵۶۳
- حزب پیشروی کار (قبرس) / ۵۶۳
- حزب توده / ۶۴, ۵۳۳, ۵۳۵
- حزب کرای پریمورسکی / ۵۳۱, ۵۳۲
- حزب کرای خاور دور / ۵۳۱
- حزب کمونیست اتحاد شوروی / ۵۳۰, ۵۳۱, ۵۳۲, ۵۴۰, ۵۵۸, ۵۶۲, ۵۶۳, ۵۹۱
- حزب ماری تایم / ۵۳۶
- حزب مینسک اوبلاست / ۵۶۳
- حسن (ولیعهد اردن) / ۶۸
- حسین آل رحمه / ۲۳۹
- حسین رشید الصباح / ۵۴
- حمادی، سعدون / ۶۷, ۲۵۰
- خ
- خاتمی (سرهنگ) / ۳۶۴
- خاچاتوریان، آرام / ۵۷۹
- خارچنکو، میخائیل اف / ۵۴۵
- خارطوم / ۱۳, ۲۶, ۱۴۹
- خاکزاده (سرهنگ) / ۳۷۴
- خالد محمد جعفر / ۱۵۳

۱۷۱, ۱۷۲, ۱۷۳, ۱۷۴, ۱۷۵, ۱۷۶, ۱۷۷, ۱۷۸,	خاور دور (شوروی) / ۵۳۱
۱۷۹, ۱۸۰, ۱۸۱, ۱۸۲, ۱۸۳, ۱۸۴, ۱۸۵, ۱۸۶,	خاورمیانه / ۱۵, ۳۹, ۴۸, ۵۱, ۱۳۳, ۱۳۶,
۱۸۷, ۱۸۸, ۱۸۹, ۱۹۱, ۱۹۷, ۱۹۸, ۱۹۹, ۲۰۱,	۱۳۷, ۱۳۹, ۱۴۰, ۱۴۸, ۱۴۹, ۱۵۲, ۱۵۳,
۲۰۳, ۲۰۴, ۲۰۵, ۲۰۶, ۲۰۹, ۲۱۱, ۲۱۲, ۲۱۴,	۱۵۴, ۱۵۵, ۱۵۶, ۱۶۲, ۱۶۳, ۱۶۴, ۱۶۵,
۲۱۷, ۲۱۸, ۲۱۹, ۲۲۱, ۲۲۴, ۲۲۵, ۲۲۶, ۲۲۷,	۱۶۶, ۱۶۷, ۱۶۹, ۱۷۱, ۱۹۱, ۱۹۳, ۲۱۱,
۲۲۸, ۲۳۰, ۲۳۱, ۲۳۳, ۲۳۴, ۲۳۶, ۲۳۸, ۲۳۹,	۲۱۳, ۲۱۷, ۲۴۰, ۲۴۱, ۲۴۲, ۲۵۲, ۲۵۳,
۲۴۰, ۲۴۱, ۲۴۳, ۲۴۵, ۲۴۶, ۲۴۸, ۲۴۹, ۲۵۰,	۲۶۵, ۲۷۰, ۵۰۱, ۵۰۲, ۵۲۵, ۵۲۶, ۵۲۹,
۲۵۱, ۲۵۲, ۲۵۳, ۲۵۴, ۲۵۵, ۲۵۶, ۲۵۷, ۲۵۸,	۵۳۳, ۵۳۶, ۵۴۱, ۵۴۷, ۵۵۴, ۵۶۵, ۵۸۶,
۲۵۹, ۲۶۰, ۲۶۲, ۲۶۵, ۲۷۲, ۲۷۳, ۲۷۴, ۲۹۱,	۵۸۷
۲۹۲, ۲۹۴, ۲۹۵, ۲۹۶, ۲۹۷, ۳۱۱, ۳۱۵, ۳۱۷,	خبرگزاری تاس / ۱۴۳, ۵۱۴, ۵۵۷, ۵۶۱,
۳۳۳, ۴۷۹, ۴۸۰, ۴۸۷, ۴۹۷, ۵۷۰,	۵۸۱, ۵۸۲, ۵۸۴
خلیفه بن سلمان آل خلیفه / ۴۷	خبرگزاری یونایتدپرس در ایران / ۵۶۰
خمینی، روح‌الله (امام) / ۱۱, ۲۹, ۳۰, ۳۱, ۳۳,	خدام / ۵۴
۳۴, ۳۶, ۳۹, ۴۴, ۴۵, ۴۶, ۴۷, ۴۹, ۵۲, ۵۴,	خراسان (استان) / ۵۶۵
۶۳, ۶۴, ۷۴, ۳۸۳	خردمهر، علی / ۵۷۵
خورتیلف، آک ایلاریونویچ / ۵۶۴	خرمشهر / ۴۸۰, ۴۹۸
خوزستان / ۳۰, ۴۵, ۶۳, ۶۴, ۳۸۶, ۴۰۸, ۴۰۹,	خروشچف، نیکیتا / ۵۱۶, ۵۲۷, ۵۲۸,
۵۷۰	۵۳۰, ۵۵۴, ۵۵۹, ۵۶۲, ۵۶۳, ۵۶۵,
خوف [منطقه گازی] / ۱۰۸, ۱۰۹	خلیج (روزنامه) / ۲۴۹
	خلیج تایمز (نشریه) / ۱۴۰, ۱۴۱
د	خلیج عمان / ۱۰۲, ۱۱۶, ۲۰۳, ۲۱۱, ۲۳۳,
داتری / ۴۷۰, ۴۹۹	۳۱۹, ۳۱۷
داکا / ۳۷, ۱۴۹	خلیج فارس شمالی / ۹۷
داگلاس، جاستیس / ۵۱۶	خلیج فارس / ۴, ۵, ۶, ۸, ۱۴, ۱۵, ۱۸, ۱۹,
دالاس / ۴۶۸	۲۵, ۲۶, ۲۷, ۲۸, ۳۲, ۳۷, ۳۸, ۳۹, ۴۰,
دالس / ۵۱۴, ۵۱۵, ۵۲۱, ۵۴۰	۴۱, ۴۳, ۴۴, ۴۵, ۴۶, ۴۸, ۴۹, ۵۰, ۵۲,
دان (خیابان) / ۲۱	۵۳, ۵۴, ۵۵, ۵۶, ۵۷, ۵۸, ۶۱, ۶۳, ۶۴,
دانشکده افسری مونس / ۲۶۳	۶۵, ۶۶, ۶۷, ۶۸, ۶۹, ۷۰, ۷۱, ۷۲, ۷۳,
دانشکده مید شیپمن (انگلیس) / ۳۴۲	۷۸, ۷۹, ۸۵, ۹۸, ۹۹, ۱۰۳, ۱۱۷, ۱۲۱, ۱۳۳,
دانشکده نظامی تهران / ۳۴۲	۱۳۴, ۱۳۸, ۱۴۰, ۱۴۶, ۱۴۹, ۱۵۰, ۱۵۱,
دانشگاه تگزاس / ۱۱۴	۱۵۲, ۱۵۳, ۱۵۴, ۱۵۵, ۱۵۶, ۱۶۱, ۱۶۲,
دانشگاه تهران / ۵۲۳	۱۶۳, ۱۶۴, ۱۶۵, ۱۶۶, ۱۶۸, ۱۶۹, ۱۷۰,

۶۰۶ اسناد لانه جاسوسی آمریکا

دماغه سوییک / ۱۵۲	دانشگاه سند هرست (انگلیس) / ۱۹۰, ۵۹
دماغه کوریا مورییا / ۱۱۱	۲۷۵
دماغه کوه / ۲۳۴, ۲۳۳	دانشگاه عشق آباد / ۵۵۸
دماغه مصیره / ۹۴	دانشگاه قاهره / ۲۶۸
دمان (پایگاه دریایی) / ۱۹۳	دانشگاه لندن / ۲۷۰
دمشق / ۳, ۸, ۱۳, ۴۴, ۴۷, ۴۸, ۵۲, ۵۳, ۵۵, ۵۷, ۵۸, ۶۳, ۶۵, ۶۷, ۶۹, ۷۱, ۷۲, ۱۴۶, ۱۵۷,	دانشگاه لیننگراد / ۵۹۲, ۵۹۰
۱۶۸, ۱۶۹, ۱۷۲, ۲۰۰, ۲۵۲, ۲۶۶	دانشگاه مشهد / ۵۹۱
دن موسز / ۳۶۹	دانلی، جورج / ۵۹۰, ۵۸۹
دنور / ۳۹۴, ۴۵۹, ۴۶۶, ۴۹۲, ۵۰۲	دبلیو. بولینگ، جان / ۵۴۶
دوبرینین / ۵۸۷	درخشش، مصطفی / ۵۸۸
دوبلین / ۱۶۰, ۱۶۱, ۱۶۹, ۱۷۲	دریاچه خزر / ۱۷, ۱۴, ۵۱۵, ۵۷۱
دوبی / ۶, ۷, ۸, ۱۳, ۳۲, ۳۳, ۳۴, ۳۵, ۴۲, ۴۴, ۴۷, ۴۸, ۵۳, ۹۸, ۱۱۶, ۱۲۲, ۱۲۴, ۱۲۵, ۱۲۶,	دریای سرخ / ۲۱۱, ۲۴۵
۱۴۰, ۱۴۱, ۱۴۳, ۱۵۹, ۲۰۵, ۲۲۵, ۲۳۰, ۲۳۹, ۲۶۳, ۲۷۰, ۲۷۲, ۲۷۳, ۲۷۴	دریای سیاه / ۵۴۱
دوچه شاختابو و دمینکس / ۱۱۵	دریای شمال / ۱۳۰
دوحه / ۵, ۱۱, ۱۳, ۲۹, ۳۰, ۳۲, ۳۵, ۳۷, ۴۲, ۴۳, ۴۴, ۴۶, ۴۸, ۵۳, ۵۶, ۵۷, ۵۸, ۵۹, ۶۱, ۶۳, ۶۵, ۶۶, ۶۷, ۶۹, ۷۱, ۷۳, ۹۱, ۹۷, ۱۰۸, ۱۰۹, ۱۱۴, ۱۲۰, ۱۲۲, ۱۲۸, ۱۳۰, ۱۳۵, ۱۳۸, ۱۴۳, ۱۴۵, ۱۴۸, ۱۵۷, ۱۶۱, ۱۶۸, ۱۷۲, ۱۸۳, ۱۸۴, ۱۹۰, ۱۹۸, ۱۹۹, ۲۰۰, ۲۰۳, ۲۰۴, ۲۰۷, ۲۱۰, ۲۲۱, ۲۲۳, ۲۲۴, ۲۲۵, ۲۲۸, ۲۳۰, ۲۳۷,	دریای عربی / ۱۵۱, ۲۹۶
۲۴۱, ۲۴۳, ۲۴۶, ۲۴۷, ۲۴۹, ۲۵۰, ۲۵۲	دریای عمان / ۲۹۲, ۲۹۶
دوسیلوا / ۶۰	دریای مدیترانه / ۲۴۵
دوشان تپه (پایگاه) / ۳۸۷, ۴۱۳, ۴۶۱, ۵۶۴	دریای هند / ۲۹۶
دولت‌شاهی، مهرانگیز / ۵۶۴	دفتر حفاظت منافع آمریکا (بغداد) / ۶۶, ۱۳۵
دولین، گریگوری ایوانویچ / ۵۱۳, ۵۴۵, ۵۲۹	دفتر نمایندگی سیاسی اندونزی (تهران) / ۵۳۶
دویک، یسری (قاضی) / ۱۴۵	دفتر نمایندگی سیاسی رومانی (تهران) / ۵۳۶
ده درکه / ۵۸۹	دفتر نمایندگی سیاسی لهستان (تهران) / ۵۲۳, ۵۲۴, ۵۳۰
دهش، هوشنگ / ۴۶۲	دفتر وابسته دفاعی ایالات متحده (تهران) / ۳۳۳, ۳۴۴, ۳۸۵, ۴۰۸, ۴۶۱, ۴۶۷, ۴۷۵, ۴۷۹, ۴۹۷
	دقم (روستا) / ۹۴
	دکترین تیتو / ۵۱۴
	دگتیار، دی. دی / ۵۸۶

رامپل مایر، بروکس / ۱۲۸, ۱۶۹, ۵۹۰	دہلی نو / ۳۷, ۱۴۹, ۲۲۰
رانگون / ۵۷۲	دیچی، ان. وان / ۵۲۷
رایدر (ژنرال) / ۳۷۸	دیکن، فرانسوا / ۸, ۱۱۶, ۱۱۷, ۱۲۱,
ربیع (تیمسار) / ۱۹۶, ۳۲۷	۱۲۲, ۱۲۶, ۱۳۵, ۱۳۸, ۱۴۳, ۱۴۵, ۱۴۸,
ردستور آرسنال (آلاباما) / ۲۰۹	۱۶۰, ۱۶۱, ۱۶۴, ۲۰۵, ۲۰۶, ۲۱۹, ۲۳۹,
رژیم ترکی - امین / ۴۰	۲۴۰
رژیم تیو / ۲۳	دیلداہکف / ۵۵۶
رکابی، محمد ولی / ۵۲۷	دیما، الکساندر / ۵۶۹, ۵۷۱, ۵۷۸
رکورد، جفری / ۱۵۴	دین، بن / ۱۷۱
رم / ۷۹, ۱۶۰, ۱۶۱, ۱۷۲, ۲۲۲, ۲۲۵	دیویس، راجر / ۷۷
رمزی، سینٹیا / ۵۶۹	دیویس، رونالد (سرہنگ) / ۳۸۸, ۳۸۹,
رندن / ۴۳۶, ۴۳۷	۴۱۱, ۴۳۵, ۴۳۶, ۴۳۹, ۴۴۳, ۴۴۵, ۴۴۶,
روپر (مؤسسہ آماری) / ۱۶۷	۴۴۸, ۴۵۱, ۴۵۴, ۴۵۵, ۴۵۶, ۴۷۱, ۴۷۲,
روتردام گروپ ویتول / ۱۱۵	۴۷۷, ۴۷۸
روحانی (آیت اللہ) / ۳۲, ۳۶, ۴۴, ۴۵, ۴۶, ۴۹,	دیہیمی (دریادار) / ۴۰۹, ۴۷۷, ۴۹۸
۵۴, ۶۳,	
روز اورشلیم (روز قدس) / ۳۳, ۳۴	ر
روزالیچ / ۵۸۲	رائین، پرویز / ۵۷۹, ۵۸۰
روزنامہ تایمز کویت / ۲۷۰	راجرز / ۱۸۱
روزولت، کرمیت / ۵۲۳	رادیو ایران / ۴۵, ۴۹, ۶۴, ۴۹۳
روستف / ۵۱۳	رادیو پیک ایران / ۵۷۴
روسیہ / ۵۱, ۱۶۷, ۱۶۸, ۱۷۶, ۲۹۱, ۲۹۵, ۳۳۳,	رادیو تہران / ۳۴, ۳۵, ۳۶, ۵۵۲
۵۱۷, ۵۵۰, ۵۵۹, ۵۶۴, ۵۶۸, ۵۹۰, ۵۹۱	رازاکف، پاول واسیلیویچ / ۵۴۲
روگف، ویکتور ام / ۵۴۵	رأس دہ / ۲۳۳, ۲۳۴
رومانچوک، پتر کی / ۵۴۵	رأس شیخ مسعود / ۲۳۳
رومانف، آلکسی ولادیمیریچ / ۵۶۲, ۵۶۳, ۵۶۴	رأس الخیمہ (امارات) / ۷۷, ۷۸, ۹۹, ۱۰۰,
رومانی / ۱۴۱, ۱۴۲, ۱۴۳, ۱۵۴, ۱۵۶, ۵۳۳,	۱۰۱, ۱۰۲, ۱۱۵, ۱۱۶, ۲۳۸, ۲۳۹, ۲۷۴
۵۷۲, ۵۷۳, ۵۷۸	راستین (سرہنگ) / ۴۶۴
ریاحی، تقی (تیمسار) / ۳۶۸, ۳۷۴, ۴۰۹, ۴۲۵,	راسک / ۵۵۳, ۵۸۸
۴۴۵, ۴۴۸, ۴۵۶, ۵۱۳	راسیاس، چارلز / ۵۳۷, ۵۶۵, ۵۶۹, ۵۷۱,
ریاض / ۱۳, ۱۹, ۲۰, ۴۳, ۴۷, ۷۴, ۱۴۵, ۱۴۹,	۵۷۲, ۵۷۳, ۵۷۴, ۵۷۵, ۵۷۸, ۵۷۹, ۵۸۰,
۱۹۳, ۲۱۹	۵۸۱, ۵۸۲, ۵۸۴, ۵۸۸

۶۰۸ □ اسناد لانه جاسوسی آمریکا

- ریجوف / ۵۷۲, ۵۷۴, ۵۷۵, ۵۷۹
ریسوت (بندر) / ۲۲۰
ریگان (استواریکم) / ۳۷۶, ۴۳۰, ۴۴۶, ۴۶۴
رینکر (سرهنگ دوم) / ۳۷۶, ۳۷۷, ۳۷۸, ۳۷۹, ۳۸۰, ۳۸۱, ۳۸۲, ۴۱۳, ۴۹۸, ۴۹۹
ریویرا، دیگو / ۵۹۱
- ز
- زاگرب / ۲۷۰
زاهدی، اردشیر / ۷۸, ۷۹
زایتزوف / ۵۹۰
زبیر، محمد / ۶۰
زرادخانه رdstون / ۳۸۷
زنگبار / ۲۶۱
زواوی، عمر / ۶۰, ۲۰۱
زواوی، قیس / ۵۹, ۶۰, ۶۱, ۶۲
زوتف، پاول پتروویچ / ۵۹۳
زوتف، کنستانتین ایوانویچ / ۵۴۵, ۵۴۷, ۵۴۸, ۵۴۹, ۵۵۰
- ژ
- ژاپن / ۷۳, ۱۲۹, ۱۳۲, ۱۵۰, ۱۶۷, ۲۱۳, ۲۱۷, ۲۲۳, ۲۲۴, ۲۳۴, ۲۴۰, ۲۴۵, ۲۴۷, ۳۲۵
ژاریکف، فدور ایوانویچ / ۵۵۲
ژاورونکف، روستیسلاوی / ۵۴۵
ژنو / ۱۴۶, ۱۵۷, ۱۶۸, ۵۵۴
ژوراوولف / ۵۵۷
ژیسکار دستن، والر / ۱۶۱, ۱۶۲
- س
- ساترلند / ۲۵۸
- ساحل غربی (کرانه باختری رود اردن) / ۵۱, ۱۶۳, ۱۷۲, ۲۴۲, ۲۵۳
سادات، محمد انور / ۱۶, ۲۶, ۲۷, ۱۳۳, ۱۴۰, ۲۴۲, ۲۷۲
سادچیکف، آی. وی / ۵۱۴
ساراکف، دیمتری ام / ۵۴۵
سازمان اطلاعات و امنیت کشور ایران / ۵۹۲, ۵۹۳
سازمان بین‌الدولی مشورتی دریانوردی / ۲۳۴
سازمان تأمین اجتماعی ایران / ۴۶۸
سازمان خلیج فارس / ۱۳۳
سازمان دانشجویان عمان / ۲۶۸
سازمان صنعت نفت کویت / ۸۱
سازمان عمران نفتی رومانی / ۱۴۱
سازمان مساعدتهای امنیتی دفاعی (آمریکا) / ۱۹۳
سازمان مسکو (حزب کمونیست) / ۵۳۱
سازمان ملل متحد / ۲۲۴, ۲۳۴, ۲۳۶, ۲۶۰, ۲۶۵, ۲۶۶, ۲۶۷, ۲۶۸, ۲۶۹, ۴۷۳, ۴۷۷, ۵۱۵, ۵۵۴
ساف (سازمان آزادیبخش فلسطین) / ۵۳, ۷۱, ۷۲, ۱۶۴, ۱۶۵, ۱۷۲, ۲۱۳
سامپسون (ناو جنگی) / ۲۴۳
ساندرز، هارولد / ۴۸, ۵۰, ۵۱, ۵۲, ۵۳, ۵۷, ۲۴۱, ۲۴۲, ۲۵۲, ۲۵۳, ۲۵۴, ۲۵۵, ۲۵۸
سانفرانسیسکو / ۵۱۵, ۵۱۶
ساولچنکف فدور، الکسویچ / ۵۴۲, ۵۴۴, ۵۵۵, ۵۹۴
سایزر / ۲۶
ستوده (ناخدا) / ۳۵۷, ۳۵۸, ۳۸۴
سجادی (ناخدا) / ۳۴۹
سردار اعلا محمد عمر / ۵۲۷

سفارت آمريکا (دوحه) / ۲۹, ۵۲, ۵۵, ۵۷, ۵۸,	سروف / ۵۸۸
۶۹, ۷۱, ۷۲, ۱۰۲, ۱۰۵, ۱۸۳, ۱۸۹, ۱۹۱, ۱۹۶,	سزفيلي، زولتان / ۵۳۷, ۵۶۷
۲۲۶, ۲۰۹	سعدی / ۵۶۶
سفارت آمريکا (قاهره) / ۲۶۹	سعود الفيصل / ۵۸, ۷۰
سفارت آمريکا (کويت) / ۷۹, ۲۰۳, ۲۰۵, ۲۰۷,	سعود بن علي آل خليفه / ۲۶۶
۲۱۱, ۲۵۵, ۲۷۱, ۲۷۲	سفارت آمريکا (تهران) / ۲۹, ۶۳, ۶۴, ۶۵,
سفارت آمريکا (لندن) / ۲۲۲, ۲۴۴	۱۲۰, ۱۸۳, ۱۹۸, ۲۲۳, ۲۲۴, ۲۲۵, ۲۴۴,
سفارت آمريکا (مسقط) / ۳, ۱۳, ۲۶, ۳۰, ۴۳,	۲۶۴, ۲۷۲, ۲۷۹, ۲۸۱, ۲۸۳, ۲۸۵, ۲۸۶,
۴۶, ۴۷, ۵۹, ۶۰, ۶۱, ۹۱, ۱۰۹, ۱۴۵, ۱۴۸,	۲۸۸, ۲۹۱, ۳۲۶, ۳۲۷, ۳۳۴, ۳۳۵, ۳۳۷,
۲۰۰, ۲۲۰, ۲۳۰, ۲۳۹, ۲۴۰, ۲۴۱, ۲۴۴, ۲۴۷,	۳۴۳, ۳۵۴, ۳۵۶, ۳۵۷, ۳۵۸, ۳۵۹, ۳۶۲,
۲۴۸, ۲۵۰, ۲۵۲, ۲۶۶, ۲۶۷	۳۶۳, ۳۷۶, ۳۸۴, ۴۰۱, ۴۱۲, ۴۱۴, ۴۱۹,
سفارت آمريکا (منامه) / ۳۲, ۳۳, ۳۴, ۳۵, ۴۲,	۴۲۱, ۴۲۳, ۴۲۷, ۴۳۶, ۴۳۹, ۴۴۳, ۴۴۵,
۴۴, ۴۷, ۵۳, ۶۷, ۱۶۹, ۲۰۴, ۲۲۸, ۲۴۳, ۲۴۴,	۴۴۶, ۴۵۱, ۴۵۴, ۴۵۹, ۴۶۲, ۴۶۳, ۴۶۴,
۲۴۹, ۲۶۲	۴۶۶, ۴۶۸, ۴۶۹, ۴۷۰, ۴۷۱, ۴۷۲, ۴۷۷,
سفارت افغانستان (تهران) / ۵۲۷	۴۷۸, ۴۷۸, ۴۸۲, ۴۸۴, ۴۸۷, ۴۸۸, ۴۹۰, ۴۹۱,
سفارت انگليس (ابوظبي) / ۱۶۸	۵۰۷, ۵۰۸, ۵۱۴, ۵۱۶, ۵۱۷, ۵۲۰, ۵۲۲,
سفارت انگليس (تهران) / ۴۳, ۷۹, ۲۶۴	۵۲۳, ۵۲۸, ۵۲۹, ۵۳۰, ۵۳۲, ۵۳۵, ۵۳۶,
سفارت انگليس (مسقط) / ۲۰۰, ۲۰۱, ۲۰۲	۵۴۱, ۵۴۲, ۵۴۳, ۵۴۴, ۵۴۶, ۵۴۷, ۵۴۹,
سفارت ايران (عمان) / ۳۰	۵۵۰, ۵۵۱, ۵۵۳, ۵۵۴, ۵۵۸, ۵۶۰, ۵۶۷,
سفارت ايران (مسکو) / ۵۱۸, ۵۳۸, ۵۳۹	۵۶۸, ۵۶۹, ۵۷۱, ۵۷۲, ۵۷۳, ۵۷۴, ۵۷۷,
سفارت بحرين (تهران) / ۳۶	۵۸۴, ۵۸۶, ۵۸۸, ۵۸۹, ۵۹۰
سفارت بلغارستان (تهران) / ۵۷۸, ۵۷۹	سفارت آمريکا (رانگون) / ۵۶۷
سفارت روماني (تهران) / ۵۶۷, ۵۶۹, ۵۷۰, ۵۷۲,	سفارت آمريکا (کوناکری) / ۵۸۶
۵۷۴, ۵۷۵	سفارت آمريکا (مسکو) / ۵۱۸, ۵۵۳
سفارت شوروی (آمريکا) / ۵۲۸, ۵۵۱	سفارت آمريکا (مکزیکوسیتی) / ۵۵۳
سفارت شوروی (آنکارا) / ۵۸۶	سفارت آمريکا (ابوظبي) / ۵, ۶, ۷, ۹۷,
سفارت شوروی (استراليا) / ۵۵۱	۱۱۴, ۱۱۷, ۱۲۰, ۱۲۲, ۱۲۷, ۱۳۵, ۱۳۸,
سفارت شوروی (اسرائيل) / ۵۵۱	۱۴۳, ۱۴۶, ۱۵۷, ۱۶۰, ۱۶۱, ۱۶۸, ۱۷۲,
سفارت شوروی (بلگراد) / ۵۱۴	۲۰۳, ۲۰۴, ۲۱۰, ۲۱۹, ۲۳۷, ۲۴۴, ۲۴۶,
سفارت شوروی (تهران) / ۵۱۳, ۵۱۵, ۵۱۷,	سفارت آمريکا (اسلام آباد) / ۲۲۱, ۵۲۴۴
۵۱۸, ۵۱۹, ۵۲۰, ۵۲۲, ۵۲۳, ۵۲۴, ۵۲۵, ۵۲۷,	سفارت آمريکا (پاریس) / ۱۶۰
۵۲۸, ۵۲۹, ۵۳۰, ۵۳۴, ۵۳۵, ۵۳۶, ۵۳۹, ۵۴۰,	سفارت آمريکا (جده) / ۵۸, ۵۹, ۶۵, ۷۳, ۱۴۹

۶۱۰  اسناد لانه جاسوسی آمريکا

سنجری، حشمت / ۵۷۷	۵۵۱, ۵۵۰, ۵۴۹, ۵۴۸, ۵۴۷, ۵۴۶, ۵۴۱
سنگاپور / ۱۵۵	۵۵۲, ۵۵۳, ۵۵۴, ۵۵۵, ۵۵۸, ۵۶۰, ۵۶۲
سوئد / ۳۲۵	۵۶۴, ۵۶۷, ۵۶۸, ۵۶۹, ۵۷۱, ۵۷۲, ۵۷۳
سوئیس / ۲۶۷, ۵۱۴	۵۷۴, ۵۷۶, ۵۷۸, ۵۷۹, ۵۸۰, ۵۸۱
سوئیکانکلف، شاکر دی / ۵۴۶	۵۸۲, ۵۸۳, ۵۸۴, ۵۸۶, ۵۸۷, ۵۸۸, ۵۹۰
سوئولف / ۵۵۵	۵۹۳, ۵۹۴
سوئسکایا بلوروسیا (روزنامه) / ۵۶۳, ۵۶۲	سفارت شوروی (سوئد) / ۵۵۴
سوئانکولف، شاکر دولتشاکویچ / ۵۵۳	سفارت شوروی (کویت) / ۵۶۸
سوئان / ۲۷, ۱۵۱	سفارت شوروی (گینه) / ۵۸۶
سوئیه / ۴, ۱۵, ۱۹, ۵۴, ۱۶۳, ۲۴۵, ۵۵۱	سفارت عراق (تهران) / ۵۴۷
سوئولف / ۵۸۷	سفارت عمان (لندن) / ۶۰
سوئولف، سیمون نیکانورویچ (سرهنگ دوم) / ۵۴۲	سفارت عمان (واشنگتن) / ۲۷۰
سوئلدانو / ۷۴	سفارت فرانسه (تهران) / ۵۷۱
سوئلیرف، ویلا کی / ۵۴۴	سفارت کویت (تهران) / ۵۶۹
سوئلژنیتسین، الکساندر / ۵۶۳	سفارت لهستان (تهران) / ۵۲۹, ۵۸۱, ۵۸۲
سوئلیوان، ویلیام / ۱۹۶, ۲۹۱, ۳۲۷, ۳۳۶, ۳۳۸	سفارت هند (تهران) / ۵۲۴
سوئمالی / ۱۵, ۱۴۰	سفارت یوگسلاوی (تهران) / ۵۳۸
سوئنا تراک / ۱۵۸	سلاله / ۳, ۹۴
سوئیدان، احمد / ۶۰	سلطان (ناخدا سوم) / ۳۴۶
سوئی کش، نسرين / ۳۷۶, ۳۷۷	سلطان (حاکم شارجه) / ۹۸
سوئیم عبدالله / ۱۹۰	سلطان تیمور / ۲۷۰
سوئیا / ۲۳, ۷۸, ۱۶۴, ۲۴۸, ۲۵۹, ۲۶۵, ۲۶۷	سلطان سعید بن تیمور آل بوسعید / ۲۷۴
سوئیب (فرودگاه بین المللی) / ۱۱۳	سلطان قابوس ابن سعید / ۳, ۴, ۵, ۱۴, ۱۵
سوئید طریق / ۲۷۱	۱۶, ۱۷, ۱۸, ۱۹, ۲۰, ۲۱, ۲۲, ۲۳, ۲۴
سوئرومیاتنیکیف، الکساندر الکساندرویچ / ۵۵۲	۲۵, ۲۶, ۲۸, ۳۰, ۵۹, ۶۰, ۷۱, ۲۰۱, ۲۰۲
۵۵۶	۲۲۱, ۲۵۵, ۲۵۶, ۲۵۷, ۲۶۵, ۲۶۶, ۲۶۸
سوئزر / ۲۸, ۳۲, ۲۴۱	۲۷۰, ۲۷۱, ۲۷۵
سوئسکو، جوزف / ۱۷۳	سوئمان بن حمد آل خلیفه / ۲۶۰
سوئینما رویال (تهران) / ۵۲۴	سوئیمان، صادق جواد / ۲۴۲, ۲۵۴, ۲۵۵
سوئیهات / ۱۳	۲۶۹, ۲۷۰, ۲۷۱
	سوئمز (ناو) / ۱۹۶, ۱۹۷, ۱۹۸
	سوئنایی (ناخدا) / ۴۰۹

شرکت براون اند روت / ۴۷۹	ش سوئز / ۲۰
شرکت پشתיانی و نوسازی هلیکوپتری ایران / ۳۲۸, ۳۰۳	شاخ آفریقا / ۱۴, ۱۵, ۱۳۴, ۱۳۸, ۱۴۰
شرکت خدمات هواپیمایی لاکهید / ۳۳۵, ۳۴۰	شاخبت / ۲۷۲
۴۸۴, ۴۸۳, ۴۸۲, ۳۹۵	شاربونکو، ایوان افندیویچ / ۵۴۲
شرکت راکول / ۴۷۹	شارجه (امارات) / ۶, ۷, ۸, ۹۸, ۹۹, ۱۰۱
شرکت سینگر / ۴۸۶	۱۰۲, ۱۱۵, ۱۱۶, ۱۱۷, ۱۱۸, ۱۱۹, ۱۲۰
شرکت کشتی رانی ملی آریا / ۴۳۸, ۴۶۵, ۴۹۱	۱۲۱, ۱۴۰, ۱۴۱, ۱۴۴, ۱۴۵, ۲۷۳, ۲۷۴
شرکت نورثروپ / ۳۳۵, ۳۳۶, ۳۳۷	شافر (سرهنگ) / ۳۴۴, ۳۴۹, ۳۸۵
شرکت هلیکوپترسازی بل / ۳۳۶, ۳۳۷, ۳۳۹	شاکر، قسام / ۲۳
۳۷۲, ۳۹۵, ۳۹۶, ۳۹۸, ۴۹۱, ۴۹۹	شاموسکایا، ویتالیا استپانوا / ۵۵۹, ۵۶۰
شرکت آرکو / ۱۱۲	شاموسکی، وادیم مویسیویچ / ۵۵۹
شرکت آسامرا / ۱۰۰	شاه (محمدرضا پهلوی) / ۲۸۴, ۲۸۵, ۲۸۶
شرکت آموکو / ۱۱۲	شاه حسین / ۱۶, ۱۹, ۵۱, ۲۵۳, ۲۸۲
شرکت آنا دارکوپر داکسیون / ۱۰۰	شاهرضا (خیابان انقلاب) / ۵۲۴
شرکت الکترونیک دیتا سیستمز / ۴۶۸, ۴۷۱	شاهزاده خالد (ولیعهد رأس الخیمه) / ۷۷
۴۷۲	۷۸, ۷۹, ۱۰۲
شرکت امرادا - هس / ۱۰۶	شاهزاده سعود / ۶۶, ۲۵۱
شرکت ایبکس / ۴۲۲, ۴۳۷, ۴۶۱	شاهزاده سلطان / ۹, ۱۰, ۲۳۰
شرکت ایچ / ۱۱۳	شاهزاده فهد / ۱۰
شرکت باوون - مکلفلین - یورک / ۴۷۷, ۴۷۸	شبه جزیره عربستان / ۱۴, ۱۹, ۲۰, ۲۱
شرکت براون اوروت / ۱۹۶	۶۲, ۶۸, ۷۳, ۲۰۴
شرکت برق دویی / ۱۲۴, ۱۲۵, ۱۲۶	شبه جزیره عربی / ۷۲, ۲۶۱
شرکت بک / ۲۶۳	شبه جزیره قطر / ۱۰۵
شرکت بوئینگ / ۴۰۲, ۴۹۰	شبه جزیره مسندم / ۹۳, ۱۰۹, ۲۳۴, ۲۳۵
شرکت بوتس اویل گاس / ۱۱۵, ۱۱۷, ۱۱۸	۲۴۳, ۲۴۴
۱۱۹, ۱۲۰, ۱۴۴	شیبی، حاجب / ۵۴۷
شرکت بهرینگ اینترنتشنال / ۳۶۱, ۳۶۲, ۳۶۳	شپیلوف / ۵۵۹
۳۶۴, ۳۶۵, ۴۰۲, ۴۱۸, ۴۵۶, ۵۰۷	شرکت ارس / ۲۸۴, ۲۸۹
شرکت بیمه اینگوستراخ / ۵۵۷, ۵۶۴, ۵۶۵	شرکت استنویک / ۳۸۴
شرکت بیمه لویلدز / ۱۶۳	شرکت باوون - مکلفلین - یورک
شرکت پن آمریکن / ۴۲۲, ۴۳۶, ۴۳۷	(بی.ام.وای) / ۴۶۳, ۴۶۴, ۴۷۷

۶۱۲ اسناد لانه جاسوسی آمریکا

شرکت گس اوشن/ ۹۶	شرکت پیناکل / ۹۸
شرکت گلف / ۸۰, ۱۱۲, ۱۱۳	شرکت تانکرهای نفتی کویت / ۸۷
شرکت مارین آریاز ابوظبی / ۱۰۴, ۱۱۶	شرکت تجاری تی.دبلیو.ای / ۴۹۸
شرکت ماهیگیری مارالا / ۲۳	شرکت تسورو تگزاس / ۹۶
شرکت مشاورتی تترا تک / ۱۱۴	شرکت تگزاس - پاسیفیک / ۹۸
شرکت ملی نفت ابوظبی / ۱۴۱, ۱۵۷, ۱۵۸, ۱۵۹	شرکت توسعه نفت عمان / ۹۱, ۱۱۰
شرکت ملی نفت امارات / ۱۶۰, ۱۶۱	شرکت توماس برگر / ۱۱۴
شرکت ملی نفت ایران / ۱۱۷, ۱۱۸, ۱۱۹, ۱۲۰, ۱۲۱	شرکت تی. دبلیو. دلتا / ۷۴
شرکت ملی نفت قطر / ۱۰۳, ۱۰۴, ۱۰۵, ۱۰۶, ۱۰۷, ۱۰۸	شرکت چارتر اوایل / ۱۰۶
شرکت ملی نفت کویت / ۸۰, ۸۱, ۸۲, ۸۳, ۸۴, ۸۵, ۸۶, ۸۷, ۸۸, ۸۹, ۹۰	شرکت رزرواویل دنور / ۱۰۱, ۱۰۲
شرکت موبیل / ۹۴, ۱۰۳, ۱۱۲	شرکت روم پترول / ۱۴۱
شرکت میدشپین / ۳۸۳, ۳۸۴	شرکت رویال داچ شل / ۱۰۳
شرکت نفت اراپ / ۹۳	شرکت ریتینون / ۲۰۶, ۲۰۸, ۳۳۶, ۳۳۷, ۳۹۵
شرکت نفت اسپانیا و کویت / ۸۹, ۹۰	شرکت زاپاتا اکسپلوراسیون / ۱۰۰
شرکت نفت البونودوق / ۱۰۴	شرکت سان اوایل / ۹۱, ۹۳
شرکت نفت انگلیس (لیبی) / ۱۲۱	شرکت سرمایه‌گذاری ابوظبی / ۱۲۹
شرکت نفت بحرین / ۲۶۳	شرکت سی. ایتو / ۱۴۸
شرکت نفت پارتکس / ۹۲	شرکت شل بریتیش پترولیم / ۷, ۷۹, ۸۰, ۸۴, ۸۵, ۸۸, ۸۹, ۹۱, ۹۲, ۹۴, ۹۵, ۹۶, ۹۷, ۹۸, ۱۰۸, ۱۱۰, ۱۱۱, ۱۱۳, ۱۱۴, ۱۴۸, ۱۴۹
شرکت نفت دویی / ۱۱۶, ۱۲۴, ۱۲۶	شرکت صنایع پتروشیمی دبلیو. آر. گریس / ۸۷
شرکت نفت سان اوایل / ۱۱۲	شرکت کانادین سوپریور / ۱۰۰
شرکت نفت سومیتومو / ۹۳, ۱۱۲	شرکت کرسنت / ۹۸, ۱۱۵, ۱۱۶, ۱۱۸
شرکت نفت عراق / ۱۰۳	۱۱۹, ۱۲۰, ۱۴۴, ۱۴۵
شرکت نفت عربی / ۸۸	شرکت کریستال پترولیم / ۹۸
شرکت نفت عمان / ۹۱, ۹۲, ۹۳, ۹۴, ۹۵, ۹۶, ۹۷, ۹۸, ۱۰۹, ۱۱۰, ۱۱۱, ۱۱۲, ۱۱۳, ۱۱۴, ۱۴۹	شرکت کوانی / ۱۰۰
شرکت نفت فرانسه / ۹۲, ۹۳, ۹۵, ۱۰۳, ۱۰۴, ۱۱۳, ۱۶۰	شرکت گاز قطر / ۱۰۳, ۱۰۸
شرکت نفت کاج / ۱۰۵	شرکت گرومن / ۳۳۶, ۳۳۷, ۳۳۸, ۳۴۰, ۳۵۵, ۳۵۶, ۳۵۹, ۳۶۰, ۳۶۲, ۳۷۳

شرکت هوستون اوپل و میزالز / ۹۸, ۹۹, ۱۰۰	شرکت نفت کالتکس / ۷, ۲۶۴
شرکت هولکار / ۱۰۵, ۱۰۶, ۱۰۷	شرکت نفت کوین تانا / ۹۳
شرکت یونانید ریفاینینگ / ۹۹, ۱۰۰	شرکت نفت مارشال تگزاس / ۱۱۲
شرکت یونیورسال پترولیوم دولپ منت / ۱۰۴	شرکت نفت هولکار / ۱۰۵
شرکت یونیون راینینگر / ۱۰۶	شرکت نفت هیسپانول (اسپانیا) / ۸۹
شریف امامی، جعفر (مهندس) / ۵۶۴	شرکت نفتی آرامکو / ۱۲, ۱۳, ۸۲, ۸۸
شلزینگر، جیمز / ۱۴۹	۱۱۴, ۱۳۰
شمس اردکانی، علی / ۲۲۵	شرکت نفتی اکسان / ۸۴, ۸۵, ۹۴
شمیران (تهران) / ۵۷۱	شرکت نفتی امین اوپل / ۸۲, ۸۵, ۸۷, ۸۸
شوارتز، هری / ۵۵۸	۹۰
شورای امنیت سازمان ملل متحد / ۵۳, ۲۴۲	شرکت نفتی بریتیش پترولیوم / ۸۰, ۸۱
۲۶۰	۸۲, ۸۳, ۸۵, ۸۹, ۱۰۳, ۱۰۴, ۵۳۹
شورشیان ظفار / ۱۴	شرکت نفتی پتروبراس / ۸۴, ۸۵
شوروی / ۵, ۱۵, ۲۲, ۲۵, ۳۷, ۳۹, ۴۰, ۴۹, ۵۱	شرکت نفتی زاپاتا / ۹۹
۶۱, ۶۸, ۱۳۶, ۱۳۷, ۱۳۹, ۱۴۰, ۱۴۲, ۱۴۹	شرکت نفتی سی ایچی / ۱۱۳
۱۵۰, ۱۵۱, ۱۵۳, ۱۵۴, ۱۵۶, ۱۷۵, ۱۸۰, ۱۸۱	شرکت نفتی شل قطر / ۱۰۲, ۱۰۳, ۱۰۴
۱۸۵, ۱۸۷, ۱۸۸, ۱۸۹, ۲۱۷, ۲۳۲, ۲۴۵, ۲۴۷	۱۰۵, ۱۰۶, ۱۰۷, ۱۰۸, ۱۰۹
۲۵۵, ۲۶۵, ۲۹۱, ۲۹۲, ۲۹۴, ۳۰۸, ۳۱۱	شرکت نفتی کرسنت پترولیوم / ۹۸, ۱۱۷
۳۱۴, ۳۲۴, ۳۲۵, ۳۳۳, ۳۳۴, ۳۸۵, ۵۱۳, ۵۱۴	۱۱۸, ۱۱۹, ۱۲۰, ۱۲۱, ۱۴۴
۵۱۵, ۵۱۶, ۵۱۷, ۵۱۸, ۵۱۹, ۵۲۰, ۵۲۱, ۵۲۲	شرکت نفتی کوین تانا اورسیز اینترنشنال /
۵۲۳, ۵۲۵, ۵۲۶, ۵۲۷, ۵۲۸, ۵۲۹, ۵۳۰, ۵۳۱	۹۱, ۱۱۲, ۱۲۴
۵۳۲, ۵۳۳, ۵۳۴, ۵۳۵, ۵۳۶, ۵۳۷, ۵۳۸, ۵۳۹	شرکت نفتی گتی / ۸۷
۵۴۱, ۵۴۲, ۵۴۳, ۵۴۵, ۵۴۶, ۵۴۷, ۵۴۸, ۵۴۹	شرکت نفتی گلف / ۸۰, ۸۱, ۸۲, ۸۳, ۸۵
۵۵۰, ۵۵۱, ۵۵۴, ۵۵۵, ۵۵۸, ۵۵۹, ۵۶۰, ۵۶۱	۸۹, ۱۰۰, ۱۴۸
۵۶۲, ۵۶۳, ۵۶۴, ۵۶۵, ۵۶۶, ۵۶۷, ۵۶۸, ۵۶۹	شرکت نفتی پارتکس / ۱۰۳, ۱۱۳
۵۷۰, ۵۷۱, ۵۷۲, ۵۷۳, ۵۷۴, ۵۷۵, ۵۷۶, ۵۷۷	شرکت نیکلوس اوپل اند گس / ۹۸
۵۷۹, ۵۸۰, ۵۸۱, ۵۸۳, ۵۸۷, ۵۸۸, ۵۸۹, ۵۹۰	شرکت وینترشال ا. جی / ۱۰۴, ۱۰۵, ۱۰۶
۵۹۲, ۵۹۳, ۵۹۴	۱۰۷, ۱۰۸
شویتف / ۵۵۵	شرکت هس / ۱۰۶
شهرداری دوی / ۱۲۶	شرکت هواپیمایی ایران ایر / ۳۶۱, ۳۶۴
شیبورین / ۵۷۲	۳۶۵, ۴۲۲, ۵۰۱
شیخ احمد بن رشید آل مولی / ۲۷۴	شرکت هواپیمایی ایرفلوت / ۵۷۳, ۵۸۱, ۵۸۳

- ۲۶۰, ۲۶۱, ۲۶۲, ۲۶۳, ۲۶۴, ۲۷۳, شیخ فیصل بن علی بن فیصل / ۲۶۵
 شیخ قابوس بن سعید آل ابوسعید / ۲۷۴
 شیخ مبارک / ۱۴۲
 شیخ محمد بن حمد الشرقی / ۲۷۳
 شیخ محمد بن مبارک آل خلیفه / ۳۲, ۳۳, ۴۵, ۴۸, ۴۹, ۵۰, ۵۱, ۶۸, ۶۹, ۲۴۹
 شیخ محمد بن رشید آل مکتوم / ۱۴۲
 شیراز / ۳۳۶, ۳۵۴, ۳۶۱, ۳۷۷, ۴۴۷, ۵۲۹
 شیرازیین (فرقه) / ۳۶
 شیراوی، یوسف / ۶۹, ۱۷۰, ۱۷۱
 شیرر (ناخدا سوم) / ۳۵۳, ۳۵۴, ۳۶۰, ۳۶۱, ۳۶۵, ۳۷۶, ۳۷۷, ۳۷۸, ۳۷۹, ۳۸۱, ۳۸۲, ۳۸۷, ۴۳۰, ۴۸۱, ۴۹۹, ۵۰۰, ۵۰۱, ۵۰۴, ۵۰۵, ۵۰۶
 شیکالف، واسیلی کی / ۵۴۵
- ص**
 صادقی (سرهنگ) / ۴۹۵, ۴۹۷, ۵۰۲
 صالح، علی پاشا / ۵۷۷
 صباح آل احمد آل صباح / ۳۲
 صبوری (ناخدا سوم) / ۴۳۸
 صحرای سینا / ۵۱, ۱۳۳, ۱۹۴
 صدام حسین / ۶۷, ۱۶۳
 صدر، امام موسی / ۶۴
 صفری، کمال (سرتیپ) / ۳۵۰, ۳۵۱, ۳۵۳, ۳۵۴, ۳۶۰, ۳۶۱, ۳۶۲, ۳۶۴, ۳۷۵, ۳۷۶, ۳۷۷, ۳۷۸, ۳۷۹, ۳۸۰, ۳۸۱, ۴۱۹, ۴۳۶, ۴۳۷, ۴۴۸, ۴۵۴, ۴۶۱, ۴۶۳, ۴۷۰, ۴۷۶, ۴۸۸, ۴۹۰, ۴۹۱, ۴۹۸, ۴۹۹, ۵۰۰, ۵۰۱, ۵۰۲, ۵۰۶, ۵۰۷
 صلاح الدین (سرهنگ) / ۱۹۰
 صنایع هواپیمایی ایران (سازمان) / ۳۶۱, ۳۶۳, ۳۶۴, ۳۶۵, ۳۸۱, ۴۲۲, ۴۲۶, ۴۸۱, ۵۰۲, ۵۰۴
- شیخ احمد بن سیف آل ثانی / ۵۲, ۵۳, ۵۶, ۵۷, ۶۹, ۷۰, ۷۱, ۷۲, ۷۳, ۲۷۳, ۲۷۴
 شیخ تاهنون بن محمد / ۱۵۷, ۱۵۹
 شیخ تویجیری / ۱۹۴
 شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی / ۴۸, ۹۷, ۱۰۲, ۱۱۶, ۱۸۳, ۱۸۴, ۱۹۰, ۱۹۱, ۱۹۲, ۱۹۷
 شیخ حمد بن عیسی بن سلمان آل خلیفه / ۲۶۳, ۲۷۵
 شیخ حمدان بن راشد آل مکتوم / ۱۴۱
 شیخ حمدان بن محمد آل نهیان / ۱۴۲
 شیخ حمدان / ۱۳۵
 شیخ خالد بن محمد القاسمی / ۲۷۴
 شیخ خلیفه بن زاید / ۱۳۵, ۱۳۶, ۱۳۷, ۱۳۸, ۱۵۷, ۱۵۹, ۱۶۰
 شیخ راشد بن حمید / ۲۷۳
 شیخ راشد بن سعید بن مکتوم / ۶, ۱۲۲, ۱۲۳, ۱۲۴, ۱۲۶, ۱۴۱, ۱۵۹, ۲۷۲, ۲۷۳, ۲۷۴
 شیخ زاید بن سلطان آل نهیان / ۱۱۵, ۱۱۶, ۱۳۹, ۱۴۰, ۱۴۲, ۱۴۶, ۱۵۹, ۱۶۰, ۱۶۱, ۱۶۲, ۲۶۴, ۲۷۲, ۲۷۳
 شیخ سالم الصباح / ۴۵, ۷۳, ۲۵۱
 شیخ سلطان / ۹۸, ۱۱۵, ۱۱۹, ۱۲۰, ۱۴۴, ۱۴۵
 شیخ سهیم بن حمد آل ثانی / ۱۹۰, ۱۹۷
 شیخ صغر / ۲۳۸
 شیخ صفر بن محمد القاسمی / ۲۷۴
 شیخ عبدالعزیز بن خلیفه آل ثانی / ۱۰۶, ۱۹۰, ۱۹۱
 شیخ عبدالله بن خلیفه آل ثانی / ۱۹۰, ۲۲۶
 شیخ عیسی بن سلمان آل خلیفه / ۲۵۹

- ۵۰۶, ۵۰۵
 صندوق عمران اقتصادی ابوظبی / ۱۳۳
 صندوق مالی ابوظبی / ۱۲۹
 صنعا / ۳, ۱۳, ۲۶, ۲۹, ۳۰, ۳۴, ۳۷, ۴۳, ۴۸, ۵۲, ۵۳, ۶۷, ۷۳, ۲۰۰, ۲۰۳, ۲۰۹, ۲۱۰, ۲۱۹, ۲۲۰, ۲۲۱, ۲۲۳, ۲۲۵, ۲۲۸, ۲۴۶, ۲۴۹, ۲۵۰, ۲۵۲, ۲۵۵
- عباس آباد (تهران) / ۵۷۴
 عبدالفتاح اسماعیل / ۶۲
 عبدالله سلط / ۱۰۷
 عبدالله، راشد / ۱۲۹, ۱۳۰, ۱۳۲, ۱۶۱, ۱۶۲, ۱۶۳
 عبدالملک الحمر / ۱۲۷
 عبدالناصر، جمال / ۲۶۴
 عبدالوهاب، اسماعیل / ۱۴۵
 عجمان (امارات) / ۹۹, ۱۰۲, ۲۷۳
 عدنان خیرالله تلفاح / ۴۵, ۲۶۲
 عراق / ۴, ۵, ۱۱, ۱۳, ۱۵, ۱۹, ۳۱, ۳۹, ۴۴, ۴۵, ۵۰, ۵۲, ۵۴, ۵۶, ۵۷, ۵۸, ۶۱, ۶۳, ۶۴, ۶۶, ۶۷, ۶۸, ۷۰, ۷۱, ۷۳, ۱۲۱, ۱۳۱, ۱۴۰, ۱۴۷, ۱۵۰, ۱۵۳, ۱۵۷, ۱۶۱, ۱۶۳, ۱۶۵, ۱۶۹, ۱۷۰, ۱۷۱, ۱۷۵, ۱۷۶, ۱۸۷, ۲۱۱, ۲۱۳, ۲۱۴, ۲۱۶, ۲۲۳, ۲۳۴, ۲۴۴, ۲۴۵, ۲۴۷, ۲۴۹, ۲۵۰, ۲۵۱, ۲۵۲, ۲۵۳, ۲۵۴, ۲۵۵, ۲۵۶, ۲۶۵, ۲۹۲, ۲۹۳, ۲۹۴, ۲۹۵, ۳۰۴, ۳۰۶, ۳۱۱, ۳۱۴, ۴۸۰
- عربستان بدون سلاطین (کتاب) / ۲۱
 عربستان سعودی / ۴, ۸, ۹, ۱۰, ۱۱, ۱۲, ۱۴, ۱۷, ۱۸, ۱۹, ۲۰, ۲۸, ۳۷, ۳۹, ۴۰, ۴۴, ۴۵, ۴۷, ۴۸, ۴۹, ۵۴, ۵۵, ۵۶, ۵۸, ۶۱, ۶۳, ۶۵, ۶۶, ۶۹, ۷۰, ۷۳, ۸۴, ۸۵, ۸۷, ۸۸, ۸۹, ۹۱, ۹۳, ۹۵, ۱۰۶, ۱۳۰, ۱۳۴, ۱۳۵, ۱۳۷, ۱۳۹, ۱۴۰, ۱۴۷, ۱۴۸, ۱۴۹, ۱۵۰, ۱۵۱, ۱۵۲, ۱۵۴, ۱۵۵, ۱۵۷, ۱۵۸, ۱۶۱, ۱۶۵, ۱۶۷, ۱۷۰, ۱۷۴, ۱۷۵, ۱۷۸, ۱۸۰, ۱۸۸, ۱۹۳, ۱۹۴, ۱۹۵, ۲۰۴, ۲۰۵, ۲۰۶, ۲۰۷, ۲۰۸, ۲۰۹, ۲۱۰, ۲۱۱, ۲۱۳, ۲۱۴, ۲۲۲, ۲۲۳, ۲۲۷, ۲۲۸, ۲۲۹, ۲۳۰, ۲۳۴, ۲۴۴, ۲۴۵, ۲۴۶, ۲۴۸, ۲۴۹, ۲۵۱, ۲۶۰, ۲۶۱, ۲۶۳, ۲۷۰, ۲۷۵
- عکری، محمدعلی / ۳۲, ۳۴, ۳۵, ۳۶
- ض
 ضرابی (سرهنگ) / ۴۱۳
 ضیاء الحق، محمد (ژنرال) / ۳۷, ۳۸
 ضیایی، محمود (دکتر) / ۵۶۴
- ط
 طائف / ۵۵, ۵۶, ۵۷, ۵۸, ۶۱, ۶۶, ۶۸, ۶۹, ۱۶۹, ۱۷۰, ۱۷۱
 طارق بن تیمور آل بوسعید / ۲۶۶, ۲۶۸, ۲۶۹
 طالقانی، سید محمود (آیت الله) / ۴۲, ۲۵۱
 طباطبایی، سید صادق (دکتر) / ۶۳, ۶۴, ۶۵
 طحنون / ۱۵۹
 طوسی (سرهنگ) / ۳۸۱
- ظ
 ظفار (استان) / ۱۷۶, ۲۳۶
 ظفار غربی / ۹۳
 ظهران (عربستان) / ۱۱, ۱۹۳, ۲۰۵, ۲۰۷, ۲۱۰, ۲۱۱
- ع
 عالیخان / ۵۷۳, ۵۸۸

علم، امیر اسدالله / ۷۸، ۲۸۸	عمر، یحیی / ۲۳
علوی (ناخدا سوم) / ۳۴۹	عملیات ستو (میدلینک) / ۲۲۱
العلوی، سلیم / ۶۱	عملیات نفتی ام القوین / ۱۰۰
علوی، محمود (دریادار) / ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴	عملیات نفتی ویتول / ۱۰۱
۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۶	عید فطر / ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۴۲
۳۵۷، ۳۵۸، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴	عیسی بن سلمان آل خلیفه / ۲۶۰، ۲۷۳
۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۴۰۹، ۴۳۹، ۴۶۴، ۴۶۵	
۴۶۶، ۴۶۷، ۴۷۶، ۴۷۸، ۴۷۹	غ
العلوی، یوسف / ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۴۳	غالب بن علی آل هنیووی / ۲۶۶، ۲۶۸
۴۴، ۵۶، ۶۰، ۶۱، ۲۴۷، ۲۴۹، ۲۵۱، ۲۵۲	غانم، سعید / ۱۲۹
۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۷	غباش، سعید / ۱۲۷
علی جیده / ۱۰۶، ۱۰۷	غراب، صلاح الدین (سرهنگ) / ۱۹۲
علی غلام تقی / ۳۶	غزالی، سالم (سرهنگ) / ۲۰، ۲۲، ۵۹، ۶۰، ۶۱
علی اف / ۵۵۶	۲۴۰، ۲۴۱
علیجانی (ناخدا) / ۳۶۰، ۳۶۱	غنی پور (سرهنگ) / ۴۸۱، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶
علی ها (سرهنگ دوم) / ۳۵۴	
علی یف، اسماعیل مرتضی اوغلی / ۵۹۳	ف
عمان / ۳، ۴، ۵، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹	فارلند / ۱۸۳
۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۰	فاز، استولت / ۷۹
۳۱، ۳۸، ۴۳، ۴۴، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۵۰، ۵۵	فاشوگف (سرهنگ) / ۵۷۲
۵۶، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۵، ۶۶، ۶۸	فترمن (سروان) / ۱۹۰، ۱۹۱
۶۹، ۷۱، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۹	فجیره (امارت) / ۹۷، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۱۶، ۲۳۸
۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵	۲۷۳
۱۱۶، ۱۲۴، ۱۳۹، ۱۴۵، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰	فداکار / ۳۸۳
۱۶۱، ۱۶۵، ۱۷۰، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷	فدولف، یوگنی کنی / ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲
۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۲۰۰	۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۴۵
۲۰۱، ۲۰۲، ۲۱۰، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳	فرانسه / ۵۲، ۹۶، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴
۲۲۴، ۲۲۵، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷	۱۶۵، ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۱، ۲۴۷، ۲۶۳، ۳۲۵، ۳۴۹
۲۳۸، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۷	۵۱۴، ۵۵۴، ۵۷۴، ۵۹۱
۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴	فرانسیس، دراس / ۷۹
۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷	فربد (تیمسار) / ۳۴۹، ۳۶۵، ۳۸۶
۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۴، ۲۹۶	فرحزاد (خانم) / ۵۰۵

قرارداد کمپ دیوید / ۱۴، ۱۶، ۲۱، ۲۲، ۲۴، ۲۶،
 ۲۷، ۲۸، ۴۰، ۵۰، ۵۱، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۳۷، ۱۶۴،
 ۱۶۹، ۱۷۰، ۲۰۲، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۷۲
 قرارگاه ساف / ۳۳
 قربانزاده (سرتیپ) / ۵۰۱
 قرن‌العلم (چاه نفتی) / ۱۱۰
 قریب، هرمز / ۵۳۵
 قطب‌زاده، صادق / ۶۴
 قطر / ۲۹، ۴۴، ۵۲، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۱، ۶۵،
 ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵،
 ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۳۴، ۱۵۰، ۱۶۱، ۱۶۵،
 ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۴، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۹،
 ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۱۰، ۲۲۶،
 ۲۲۷، ۲۳۴، ۲۴۴، ۲۵۳، ۲۶۳، ۲۷۳، ۲۷۴
 قفقاز / ۱۵۰، ۵۱۷
 قلی‌اف، سبحان (سرگرد) / ۵۵۱، ۵۵۲
 قم / ۳۶، ۶۳
 قنبر، شیخ جاسم / ۳۶
 قنوعی (نماینده الجزایر) / ۱۵۸

ک

ک.گ.ب / ۵۹۳، ۵۹۴
 کابل / ۳۷، ۴۰، ۵۷۹
 کاپیشین، نیکلای وی / ۵۴۶، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲،
 ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶
 کاخ گلستان / ۵۲۷، ۵۲۸
 کارخانه بل / ۲۸۸
 کارول / ۳۶۲، ۳۶۳
 کاساتکین / ۵۶۶
 کاگانویچ / ۵۵۹
 کالیتا، ایوان وی / ۵۴۵
 کالین (دریادار) / ۳۴۷

فرحزاد / ۵۰۶
 فرودگاه پاپ / ۱۵۴
 فرودگاه مهرآباد / ۳۶۰، ۳۷۷، ۴۴۷، ۵۸۱
 فریلند (سرهنگ) / ۲۹۰
 فلاح، منوچهر (ناخدا سوم) / ۳۸۲، ۳۸۳،
 ۳۸۴
 فلسطین / ۲۷، ۷۲، ۱۳۷، ۱۷۰، ۲۴۲
 فلینی، فدریکو / ۵۶۳
 فنلاند / ۵۵۴
 فورچون (نشریه) / ۱۴۹، ۲۰۳
 فورد، جرالده، (رئیس‌جمهور) / ۳، ۱۴۹
 فورستر، جان / ۵۵۱
 فوکوفسکی / ۵۵۷
 فوکودا / ۱۳۲
 فهد (ولیعهد عربستان) / ۴۷
 فهر (معاون نخست‌وزیر عمان) / ۵۹
 فیش، هاوارد (سپهبد) / ۱۹۳
 فیصل بن علی بن فیصل آل بوسعید / ۲۶۵،
 ۲۶۶، ۲۶۷
 فیگارو (روزنامه) / ۸۳
 فیلادلفیا / ۴۶۶، ۴۶۷
 فیلیپین / ۸۴، ۱۵۲، ۱۵۵

ق

قالب، شریف / ۱۲۲
 قاهره / ۸، ۱۳، ۲۶، ۳۰، ۳۴، ۳۹، ۴۷، ۴۸،
 ۵۲، ۵۵، ۵۷، ۵۸، ۶۳، ۷۱، ۷۲، ۷۹، ۱۲۷،
 ۱۲۸، ۱۳۵، ۱۴۶، ۱۶۱، ۱۶۸، ۱۶۹، ۲۰۳،
 ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۹، ۲۵۲، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶،
 ۵۵۳، ۵۴۷
 قبرس / ۵۷۰
 قرارداد ابوموسی / ۱۲۱

- کاماردین، نیکلای واسیلیویچ / ۵۵۲
 کانون زبان ایران و آمریکا / ۵۸۵
 کاووسی (دکتر) / ۵۲۵
 کبکان (سایت نظامی) / ۴۶۱
 کراچی / ۳۷، ۵۸۱
 کرمانشاه / ۱۹۵، ۳۳۶، ۵۳۷
 کرونف / ۵۵۷
 کستروف / ۵۵۶
 کسکوف، پطر / ۵۴۴
 کشمیر / ۵۷۰
 کلاک / ۵۲۲
 کلاونجر، ویلیام / ۵۸۹
 کلرادو / ۳۹۴، ۴۵۹
 کلمبو / ۵۸۱
 کلیموف، نیکلای ایوانویچ / ۵۵۵، ۵۵۱
 کلیونجر / ۵۹۱
 کمپبل، آنتونی (دکتر) / ۵۸۹
 کمسومول / ۵۳۱
 کندی، جان اف / ۵۱۶، ۵۸۳
 کنسولگری آمریکا (تبریز) / ۵۲۲
 کنسولگری شوروی (اصفهان) / ۵۲۹
 کنسولگری شوروی (تهران) / ۵۲۵، ۵۹۲
 کنفرانس ژنو / ۱۴۶، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۳۶
 کنوانسیون ژنو / ۵۸۰
 کنوانسیون وین / ۵۸۶
 کوپدیچیک، پتر پی / ۵۴۴
 کوجوگارو، ایان / ۵۱۶، ۵۳۶
 کوریجین / ۵۵۷
 کوریوئین، استانیسلاو / ۵۸۴
 کوزلوا / ۵۵۷
 کوزمنکو، گیریگوری اندریویچ / ۵۴۶، ۵۵۷
 کوزموناوت / ۵۶۴
 کوزنتسف / ۵۳۰
 کوزنتسف، پاول جی / ۵۳۰، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۴، ۵۵۶
 کوزنتسف، نیکلای ای / ۵۴۵
 کوزنتسفر (سرگرد) / ۵۲۶
 کوشلف، سوریس وی / ۵۴۴
 کوفریجین، استانیسلاو / ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴
 ۵۸۵، ۵۸۶
 کوگوچف، نیکلای ای (سرگرد) / ۵۱۸، ۵۲۹، ۵۴۵
 کوناکری (گینه) / ۵۸۸
 کویریلوک / ۵۸۲
 کویومچیان / ۵۵۷
 کیسینجر، هنری / ۱۸۲، ۲۸۱، ۲۸۷
 کی‌یف / ۵۵۰
 کاخ سفید (واشنگتن) / ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۷۳، ۱۸۲
 کاخ کرملین / ۱۷
 کاراکاس / ۷۹، ۱۵۷، ۱۶۸
 کارتر، جیمی / ۱۶، ۲۹، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۵
 ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۹۱
 ۲۵۵
 کارخانه گاز مایع طبیعی ام‌سعید / ۱۰۴
 کارل، رابرت / ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴
 ۵۲۵، ۵۲۹، ۵۳۰
 کارولینای شمالی / ۱۵۴
 کاسترو، فیدل / ۵۰، ۵۱
 کاظمی، عبدالمطلب / ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۵، ۸۸
 ۸۹
 کافمن، ویلیام / ۱۵۳
 کالاهان / ۲۰۱
 کالیفرنیا / ۴۸۲

- کامرون، جو آن / ۱۴۹
 کامکار، جهانگیر (سرهنگ) / ۳۴۳، ۳۴۶
 ۳۵۰، ۳۵۳، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۷
 ۳۶۸، ۳۷۴، ۳۷۶، ۳۸۸، ۳۸۹، ۴۱۱، ۴۲۱
 ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۷، ۴۳۳، ۴۳۵، ۴۴۳، ۴۴۸
 ۴۵۱، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۷، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۹
 ۴۷۰، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۶، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶
 ۴۸۷، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴
 کامل ادهم (اقامتگاه) / ۶۱
 کانادا / ۲۸
 کانال پاناما / ۱۶۷
 کاوانو (عضو کنگره آمریکا) / ۱۳۵
 کب، چارلز / ۲۳
 کپنهاک / ۱۶۰، ۱۶۱
 کراو، ویلیام (دریادار) / ۱۹۰
 کردستان / ۶۳، ۶۴، ۷۰، ۴۹۶
 کروه، حمرا / ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰
 کره جنوبی / ۱۶۸
 کره شمالی / ۱۴۱، ۱۶۸
 کریستوفر / ۱۷۲، ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۱۱، ۴۸۴
 کشتی لاسال / ۶۹
 کلاک، فیلیپ / ۵۱۸، ۵۳۰، ۵۳۵، ۵۳۷، ۵۳۸
 کنا (گزارش) / ۷۳
 کنتاکی / ۱۵۴
 کنسولگری آمریکا (ظهران) / ۱۱
 کنسولگری آمریکا (کراچی) / ۳۷
 کنفرانس بغداد / ۱۳۷
 کنفرانس جیده / ۱۳۰
 کنفرانس سه قاره / ۲۶۷
 کنفرانس ضدپایگاههای نظامی خارجی /
 ۲۶۷
 کنفرانس طائف / ۵۶، ۵۸، ۶۱، ۶۲، ۶۶، ۶۷
 ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۱۷۱، ۱۷۲، ۲۲۷
 کنفرانس کشورهای غیرمتعهد (هاوانا) / ۵۰، ۵۶
 ۶۲
 کنفرانس کمک امنیتی سالانه فرماندهی اروپا /
 ۱۹۳
 کنفرانس وحدت آفریقا و آسیا / ۲۶۶
 کوبا / ۱۵، ۱۴۰، ۲۵۶
 کوپر، ریچارد (دکتر) / ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۲
 ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵
 کور (معاون وزیر آمریکا) / ۴۱
 کورلد (معاون وزیر آمریکا در امور مربوط به
 مواد مخدر) / ۳۷
 کورن، ویلیام / ۵۱۵
 کومینفورم (نشریه) / ۵۶۳
 کویت / ۳، ۵، ۸، ۱۱، ۱۳، ۲۶، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۳
 ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۲، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷
 ۵۰، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۱
 ۶۲، ۶۳، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۱، ۷۲، ۷۳
 ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸
 ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۷، ۹۹، ۱۰۲، ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۱۳
 ۱۱۴، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۸، ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۴۳، ۱۴۵
 ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۷
 ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۷۳
 ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۲
 ۱۹۶، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸
 ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶
 ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵
 ۲۲۶، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۴۴، ۲۴۶
 ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۳، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲
 ۲۶۳، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۷، ۵۶۸
 کیانی، عطاءالله (سرتیپ) / ۵۱۳
 کیانی، ناصر / ۳۶۵

گیل گور / ۲۹، ۲۱۰، ۲۲۷
کیهان (روزنامه) / ۴۷۷، ۴۸۰، ۵۳۵
گی فرت، مک / ۴۸۷، ۴۸۹
گینه / ۵۸۶

ل

لاسال (ناو) / ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۲۲۶، ۲۳۱
لاگوس / ۱۵۷، ۱۶۸
لاورنتیف، آنا تولی / ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۷، ۵۳۳
لاوریشیف / ۵۱۴
لاوسن / ۵۲۲
لایحه سمینگتون / ۴۱
لبدف / ۵۵۶
لبنان / ۵۳، ۱۶۴، ۲۵۳، ۲۹۳، ۴۸۵، ۵۵۱
لشکر ۱۰۱ هوابرد فورت کامپ بل / ۱۵۴
لشکر ۸۲ هوابرد فورت براگ / ۱۵۴
لطفی، شریف / ۹۷
لمبراکیس / ۲۲۳، ۲۲۴
لندن / ۳، ۸، ۱۳، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۴۲، ۴۳، ۴۴،
۴۶، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۶، ۶۷، ۷۳، ۷۹، ۹۱، ۱۰۹،
۱۱۴، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۸، ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۴۶، ۱۴۸،
۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۸، ۱۷۲، ۱۷۳،
۱۸۱، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۳،
۲۲۴، ۲۲۵، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۴، ۲۴۶،
۲۴۷، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۵، ۵۱۵، ۵۸۲
لندن، تیم / ۲۳، ۵۹، ۶۰
لنین / ۵۹۱
لنینگراد / ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۲
لوس آنجلس تایمز (نشریه) / ۲۲۱
لوکاس، آیور / ۲۰۲
لوکزامبورگ / ۱۶۰، ۱۶۱
لوگار (سناتور) / ۱۳۵، ۱۳۶
لهستان / ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۲، ۳۲۵، ۵۲۴، ۵۵۴
۵۸۲

گ

گاست، فیلیپ (ژنرال) / ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۴۳،
۳۵۰، ۳۵۲، ۳۵۴، ۳۵۷، ۳۵۹، ۳۶۱، ۳۶۸،
۳۷۶، ۳۸۰، ۳۸۲، ۳۸۸، ۳۸۹، ۴۱۲، ۴۱۳،
۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۹، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۵، ۴۶۶،
۴۷۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۵، ۴۹۰، ۴۹۲،
۵۰۳
گالوپ (مؤسسه آماری) / ۱۶۷
گانز، آنتون / ۵۲۷
گران، ای. موزر / ۵۱۶
گرومیکو / ۵۱۴
گروه امل / ۶۴
گروه مستشاری نظامی / ۴۹۳، ۴۹۵، ۴۹۹
گروه نفتی ام القوین / ۹۷، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱،
۱۲۴
گرین، مایلز / ۳۲۷
گریوز، ارنست (ژنرال) / ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵،
۳۶۷، ۳۶۸، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۲، ۴۹۴،
۴۹۵
گلوسی / ۲۲۴
گلستان (ناخدا سوم) / ۳۴۹
گلستانی (ناخدا) / ۴۹۸
گلف (هتل) / ۱۹۰
گود (سناتور) / ۱۳۳
گور، کیل / ۲۹، ۵۳، ۵۷، ۷۱، ۷۲، ۷۳
گورکی کومین (روزنامه) / ۵۶۲
گوریچف / ۵۵۶
گیس، ارت / ۵۸۸، ۵۸۹
گیس، لزلی / ۵۸۸

- لیبی / ۱۵، ۳۸، ۳۹، ۱۲۱، ۱۶۲، ۱۶۵، ۱۶۷، ۲۹۳
 متروف، پاول ای / ۵۴۴
 مجارستان / ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۳۲۵، ۵۳۲، ۵۶۲
 لیپمن، والتر / ۵۵۹
 لیتون / ۲۰۸
 لیخوف / ۵۵۷
 لیسین / ۵۵۷
 لیندستورم / ۱۳
 لینگن، بروس / ۶۵، ۲۲۴، ۲۲۶، ۴۱۵، ۴۲۷، ۴۳۷، ۴۴۵، ۴۴۸، ۴۵۴، ۴۶۹، ۴۷۲، ۴۷۴، ۴۷۷، ۵۱۶، ۴۷۸، ۴۷۷
 مجمع عمومی سازمان ملل / ۴۴، ۶۱، ۱۲۷، ۲۶۸، ۵۱۵
 مجیدی (دریادار) / ۳۴۷
 مجیدی، اسماعیل / ۵۳۵
 مدرسی، شیخ عبدالهادی / ۳۶
 مدافع / ۱۳۵
 مدنی (دریادار) / ۶۴، ۲۲۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۶، ۳۸۵، ۳۸۶، ۴۰۸، ۴۶۶، ۴۷۷، ۴۸۰
 مراکش / ۱۵۱
 مرکز کندی / ۲۲۱
 مزدا، عباس / ۵۷۹
 مزدورها (کتاب) / ۲۱
 مسعودی، عباس (سناتور) / ۵۶۴
 مسقط / ۳، ۵، ۸، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۸، ۲۰، ۲۳، ۲۴، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۴۲، ۴۷، ۴۹، ۵۳، ۵۵، ۵۸، ۶۰، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۹، ۹۷، ۱۱۴، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۸، ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۴۹، ۱۵۷، ۱۶۱، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۷، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۶، ۱۹۹، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۹، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۶، ۲۴۹، ۲۵۵، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۷۰، ۲۷۴
 مسکو / ۳، ۸، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۲۲، ۲۶
- مؤسسه حقوقی الکساندر و گرین (نیویورک) / ۳۶۲
 مؤسسه حقوقی فیلادلفیا / ۳۶۳
 مؤسسه عمومی نفی قطر / ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۰۸
 مؤسسه مطالعات شرقی مسکو / ۵۵۶
 مؤسسه مولوتف (انرژتیکس) / ۵۱۴
 مؤسسه نفتی دویی / ۹۸
 مارامیس / ۵۱۶، ۵۳۶
 مارچ (سروان) / ۵۴۰، ۵۴۱
 مازندی، جو / ۵۸۱
 مازندی، یوسف / ۵۶۰، ۵۸۰، ۵۸۴، ۵۸۶
 ماکارف / ۵۵۷
 مالنکوف / ۵۵۹
 مالوان، سسیل / ۵۸۹
 مالیک / ۵۱۴
 مالیوئین، ونیامین وی / ۵۴۵
 مانیل / ۱۲۸، ۱۳۲
 مایسترون / ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۹، ۲۷۲
 مبارک، حسنی / ۴۷

۳۶, ۳۷, ۴۲, ۴۳, ۴۸, ۵۲, ۵۴, ۵۵, ۵۸, ۵۹,	۲۲۳, ۲۲۱, ۲۰۳, ۲۰۰, ۱۸۷, ۵۹, ۴۹, ۳۰,
۶۱, ۶۵, ۶۶, ۶۹, ۷۱, ۷۲, ۷۳, ۷۹, ۹۱, ۹۷,	۲۲۵, ۲۳۷, ۲۳۹, ۵۱۴, ۵۱۵, ۵۱۷, ۵۱۹,
۱۰۹, ۱۱۴, ۱۲۰, ۱۲۲, ۱۲۷, ۱۲۸, ۱۳۵, ۱۳۸,	۵۲۰, ۵۲۱, ۵۲۶, ۵۲۹, ۵۳۱, ۵۳۳, ۵۳۴,
۱۴۵, ۱۴۶, ۱۴۸, ۱۴۹, ۱۵۷, ۱۶۱, ۱۶۸, ۱۸۱,	۵۳۶, ۵۳۹, ۵۴۰, ۵۴۷, ۵۵۳, ۵۵۴, ۵۵۸,
۱۸۳, ۱۸۹, ۱۹۶, ۱۹۹, ۲۰۰, ۲۰۳, ۲۰۴, ۲۰۵,	۵۶۱, ۵۶۹, ۵۷۰, ۵۷۲, ۵۷۶, ۵۸۱, ۵۸۳,
۲۰۷, ۲۰۹, ۲۱۰, ۲۱۱, ۲۲۰, ۲۲۳, ۲۲۴, ۲۲۵,	۵۸۷, ۵۸۸, ۵۹۰, ۵۹۲, ۵۹۳,
۲۲۶, ۲۳۰, ۲۳۱, ۲۳۷, ۲۳۹, ۲۴۰, ۲۴۱, ۲۴۴,	مشهد / ۵۵۷, ۵۵۸, ۵۶۴, ۵۶۵, ۵۸۹, ۵۹۰,
۲۴۶, ۲۴۷, ۲۵۰, ۲۵۲, ۲۵۵,	۵۹۲
منصور، حسنعلی / ۵۶۴	مصاحب (سناتور) / ۵۶۴
منصوری، عبدالرحمن / ۶۵, ۶۶	مصر / ۱۶, ۲۷, ۳۰, ۳۱, ۳۸, ۴۷, ۵۱, ۱۲۹,
منصوریان / ۳۶۵, ۳۸۲	۱۳۳, ۱۳۷, ۱۴۰, ۱۴۸, ۱۵۰, ۱۵۲, ۱۶۳,
منطقه ابوظبی / ۱۱۶	۱۹۰, ۱۹۲, ۲۴۲, ۲۴۹, ۲۶۹, ۲۷۲, ۲۸۵,
منطقه بوطبول / ۱۱۲	۲۸۷, ۲۸۶
منطقه ربع الخالی / ۲۰	مطاعزاده / ۵۰۲, ۵۰۳
منطقه سیترا (منامه) / ۲۰۷	معالی، فریدون (ناخدا سوم) / ۳۴۵, ۳۴۶,
منطقه شل / ۱۰۵	۳۴۷, ۳۴۸, ۳۵۰, ۳۵۱, ۳۵۲,
منطقه صنعتی جبل علی / ۱۱۶	معصومی (تیمسار) / ۳۴۶, ۳۵۶, ۳۶۰,
منطقه ظفار / ۱۱۰, ۱۱۱, ۱۷۶	۳۶۲, ۳۶۳
منطقه قبا / ۱۱۰	مغانی، نصرالله (دریادار) / ۴۶۷
منطقه کوین تانا / ۱۲۴	مغولستان / ۵۶۳
منطقه مناقیش / ۱۹۲	مقام المدن / ۳۶
منطقه نفتی بلوک سونینا / ۹۱, ۹۳, ۱۱۲, ۱۱۳	مک ویلیامز (سرهنگ دوم) / ۳۵۳, ۳۵۴
منطقه نفتی فهود / ۹۲, ۹۶	مک کاسیکل، چارلز / ۷۷, ۲۶۴
موترا / ۲۶۹, ۲۷۰	مک کینلی، هاوارد / ۱۱۶
مورس، ادوارد / ۱۲۷, ۱۲۹	مکزیک / ۴۱, ۱۳۰, ۵۵۳
مورفی / ۵۳۲	مکه مکرمه / ۲۷, ۷۴
مورگان گرنفل (بانک) / ۱۲۲	مکی، احمد عبدالنبی / ۲۶۹, ۲۷۰, ۲۷۱,
موزورف / ۵۵۷	مکی، سالم حسن / ۲۶۹
موزه آرمیتاژ / ۵۹۲	ملالاه حبیب / ۴۶, ۴۷, ۲۴۷, ۲۵۰, ۲۵۱,
موزه ملی قطر / ۱۹۷	ملیگین / ۵۵۷
موسز، دن (سرهنگ) / ۳۶۹	مناطق نفتی ظفار / ۱۱۱
موشگیان، ریچارد (سرهنگ دوم) / ۵۱۳	منامه / ۳, ۵, ۸, ۱۱, ۱۳, ۲۸, ۳۰, ۳۳, ۳۵,

- ۳۸۴ / نوایی (ناو سروان) / ۵۷۲, ۵۷۱, ۵۶۹, ۵۶۵, ۵۷۴
 ۵۷۴ / نو سوف / ۵۸۸
 ۵۲۸ / نهرو، جواهر لعل / ۵۳۲, ۵۳۱, ۵۱۶ / مولونف اوبلاست / ۴۶۹ / مهدیزاده
 ۲۶۶ / نهضت انقلابی عمان / ۳۶۶ / میربها (ناخدا) / ۵۹۳, ۵۷۵, ۱۸۳ / میرفندر سکی، احمد / ۱۰۷ / میشال، سعید / ۵۵۶ / میکولسکی / ۵۸۱ / میلوانویچ / ۵۵۲ / میلیوشین، ویاجسلاو الکساندروویچ / ۵۴۵ / میونین، ویکتور آی / ۵۴۵
 ۲۲۲ / نیازی (دریاسالار) / ۱۴۷ / نیجریه / ۵۰۵, ۵۰۱, ۵۰۴, ۵۰۰, ۴۹۸ / نیدهم (ناوسروان) / ۵۰۶ / نیکلایف / ۱۴۹ / نیکسون، ریچارد / ۴۷, ۴۵, ۴۳ / نیکوزیا / ۵۶۷ / نیوبری، دانیل / ۵۵ / نیوزلند / ۲۲۵, ۱۲۷, ۶۱, ۴۹, ۴۸, ۴۵, ۴۴ / نیویورک / ۲۵۲, ۲۵۳, ۲۶۵, ۳۴۹, ۳۷۵, ۴۱۳, ۴۳۷, ۴۶۳, ۴۶۸, ۴۶۸, ۴۷۳, ۴۷۶, ۴۸۶, ۴۹۰, ۴۹۱
 و
 ۵۷۹ / واتر، گلد / ۵۳۶ / واترز / ۳۶۰, ۳۵۸, ۳۵۰ / وارنر، موریس (سرهنگ) / ۳۶۷, ۳۶۳, ۳۶۲, ۳۶۱ / وارنر، ولتی (سپهد) / ۱۵۵ / واشنگتن دی. سی / (اکثر صفحات) / واشنگتن، جورج / ۵۹۱ / والویچ / ۷۷ / وان توسانیت / ۲۰۲, ۲۰۱, ۲۲, ۲۰ / وایت هال (لندن) / ۲۲۱, ۲۰۳, ۱۴۹, ۶۲, ۶۱, ۴۷, ۴۴, ۵ / وایلی / ۲۳۸, ۲۳۹, ۲۴۰, ۲۴۸, ۲۵۲ / وحدانی (سرهنگ) / ۳۸۱, ۳۸۰, ۳۷۹ / وحدت (ناخدا سوم) / ۴۷۹, ۴۷۶, ۳۴۶
- ۵۶۳ / (نشریه) / ۵۶۳ / ناتو (سازمان پیمان آتلانتیک شمالی) / ۵۴۱, ۵۲۸, ۱۸۸ / نادری (خیابان) / ۵۷۴ / ناس / ۳۶۰ / ناصری / ۵۷۰ / ناگر، نیگل / ۲۰۲, ۲۰۱ / نامجویی (ناخدا سوم) / ۴۰۹ / نان، سام (سناتور) / ۱۵۴ / ناو هواپیمابر کانستلیشن / ۱۵۵, ۱۵۲, ۱۵۱ / ناوگان خلیج فارس / ۴۷۷ / نبرد اوگادن / ۱۴۰, ۱۵ / نرسسیان، استیک نیکلایونا / ۵۲۲, ۵۱۹ / نصیری، نعمت الله / ۵۹۳ / نعمت الله، یوسف / ۹۷ / نفیسی (پروفیسور) / ۱۴۴ / نمایشگاه تجاری کانتون / ۱۴۱ / نمیری / ۲۷ / نوار غزه / ۲۵۳, ۲۴۲, ۱۷۲, ۱۶۳

۳۵۱, ۳۵۲, ۳۵۳, ۳۵۴, ۳۵۶, ۳۶۰, ۳۶۵, ۳۶۸,	ورشو/ ۱۴۲
۳۷۳, ۳۷۶, ۳۷۹, ۳۸۲, ۳۸۸, ۳۸۹, ۳۹۱, ۳۹۶,	وروسیف، آدری او/ ۵۴۵
۳۹۸, ۳۹۹, ۴۰۰, ۴۰۲, ۴۰۳, ۴۰۴, ۴۰۹, ۴۱۱,	ورونین، آلکسی لئونیدویچ/ ۵۱۶, ۵۳۵,
۴۱۲, ۴۱۵, ۴۱۶, ۴۲۰, ۴۲۱, ۴۲۵, ۴۲۹, ۴۳۰,	۵۳۶, ۵۴۴, ۵۵۱, ۵۶۰, ۵۸۶, ۵۸۷, ۵۸۸
۴۳۸, ۴۳۹, ۴۴۳, ۴۴۴, ۴۴۶, ۴۴۸, ۴۶۱, ۴۶۲,	وزارت اقتصاد عمان/ ۲۶۶
۴۶۴, ۴۶۵, ۴۶۹, ۴۷۳, ۴۷۴, ۴۷۵, ۴۷۶, ۴۷۸,	وزارت امور خارجه آمریکا/ ۳, ۵, ۸, ۱۱,
۴۸۱, ۴۸۴, ۴۸۶, ۴۸۸, ۴۹۳, ۴۹۵, ۴۹۷, ۵۰۰,	۱۳, ۲۶, ۲۹, ۳۰, ۳۲, ۳۳, ۳۴, ۳۵, ۳۷,
۵۰۱, ۵۰۲, ۵۰۴, ۵۰۵, ۵۰۶, ۵۰۷	۴۲, ۴۳, ۴۴, ۴۶, ۴۷, ۴۸, ۵۲, ۵۳, ۵۵,
وزارت دفاع شوروی/ ۵۸۷	۵۸, ۵۹, ۶۱, ۶۳, ۶۵, ۶۶, ۶۹, ۷۱, ۷۲,
وزارت دفاع ملی ایران/ ۳۴۳	۷۳, ۷۷, ۷۸, ۹۱, ۹۷, ۱۰۲, ۱۰۹, ۱۱۷,
وست/ ۲۳۰	۱۲۰, ۱۲۱, ۱۲۲, ۱۲۷, ۱۲۸, ۱۳۴, ۱۳۵,
وستبرگ، جان (وکیل)/ ۴۵۹	۱۳۸, ۱۴۳, ۱۴۴, ۱۴۵, ۱۴۶, ۱۴۸, ۱۵۲,
وسکانیان، گرانت آوانسویچ/ ۵۴۵, ۵۶۵, ۵۶۶,	۱۵۷, ۱۶۰, ۱۶۱, ۱۶۲, ۱۶۴, ۱۶۶, ۱۶۸,
۵۷۱, ۵۷۸, ۵۸۸, ۵۸۹	۱۶۹, ۱۷۲, ۱۷۳, ۱۸۱, ۱۸۳, ۱۸۹, ۱۹۱,
وسکانیان، جی. ای./ ۵۶۷	۱۹۶, ۱۹۸, ۲۰۰, ۲۰۳, ۲۰۴, ۲۰۷,
وگ (نشریه)/ ۵۹۲	۲۰۹, ۲۱۰, ۲۱۱, ۲۱۹, ۲۲۰, ۲۲۱, ۲۲۲,
وئل/ ۹۷, ۱۱۴	۲۲۳, ۲۲۴, ۲۲۵, ۲۲۶, ۲۲۸, ۲۳۹, ۲۴۰,
ولادی وستک/ ۵۶۹	۲۴۱, ۲۴۴, ۲۴۶, ۲۴۷, ۲۴۹, ۲۵۰, ۲۵۲,
ولادیمیرف/ ۵۵۷	۲۵۵, ۲۶۹, ۲۷۱, ۲۹۰, ۲۹۱, ۳۲۶, ۳۳۵,
ولف، ویکتور/ ۵۶۶, ۵۶۸	۳۳۷, ۳۵۵, ۳۵۶, ۳۵۹, ۳۶۲, ۴۰۱, ۴۱۴,
ولکف/ ۵۵۶	۴۲۱, ۴۲۳, ۴۲۷, ۴۳۶, ۴۴۵, ۴۴۶, ۴۵۴,
ولکف، میخائیل ام/ ۵۴۴	۴۵۹, ۴۶۲, ۴۶۳, ۴۶۸, ۴۷۱, ۴۷۲, ۴۷۳,
ولکف، واسیلی پتروویچ/ ۵۴۲	۴۷۷, ۴۸۲, ۴۸۷, ۴۹۰, ۴۹۱, ۵۱۴, ۵۳۹,
ونزوئلا/ ۱۴۷, ۱۶۷	۵۴۰, ۵۴۶, ۵۵۳, ۵۸۶
ونس/ ۵۲, ۵۳, ۱۲۲, ۱۳۳, ۱۳۵, ۱۶۸, ۲۰۳,	وزارت امور خارجه بریتانیا/ ۷۹
۲۳۰, ۲۴۲, ۲۴۵, ۲۴۶, ۲۵۳, ۲۵۵, ۳۵۶, ۳۶۳,	وزارت امور خارجه پاکستان/ ۲۲۲
۴۰۲, ۴۱۴, ۴۲۸, ۴۴۷, ۴۵۹, ۴۶۴, ۴۸۷, ۴۸۹,	وزارت امور خارجه شوروی/ ۵۱۴, ۵۴۰,
۴۹۱	۵۵۳, ۵۵۴, ۵۹۳
ویتنام جنوبی/ ۲۳	وزارت امور خارجه عمان/ ۳۰, ۳۱, ۲۶۶,
ویتنام/ ۲۳, ۲۴, ۱۵۵, ۲۶۲, ۵۹۰, ۵۹۱	۲۷۰
ویتول/ ۱۰۱	وزارت دفاع آمریکا/ ۱۸۸, ۲۲۰, ۲۴۸,
ویدنی، چارلز/ ۵۳۸	۲۹۰, ۳۴۰, ۳۴۳, ۳۴۴, ۳۴۵, ۳۴۹, ۳۵۰,

- ویرجینیا / ۱۵۵
 ویستوسکی، ویچسلاو آناتالیویچ / ۵۵۷
 ۵۶۱
 ویلز / ۵۶۰
 ویلسون، هارولد / ۲۱، ۲۲
 ویلیامسون، فردریک ام. / ۱۹۷، ۱۹۸
 وین / ۱۶۲، ۱۷۲
 وینیک / ۵۵۷
- ه**
 هارینگتون، رابرت / ۱۰۰
 هاشم، جواد / ۱۲۷
 هاک / ۲۰۸
 هال، رابرت (سروان) / ۵۵۰
 هالکرو، سرویلیام / ۱۲۳
 هالمن، ویلیام / ۷۷
 هالیدی، فرد / ۲۱، ۲۲
 هالیوود / ۵۸۳
 هامل / ۳۷، ۲۲۲
 هاوانا / ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۶۸، ۲۶۷
 هاید (عضو کنگره آمریکا) / ۱۳۵
 هایدلبرگ / ۱۹۳
 هایزر، رابرت (ارتشبد) / ۱۹۵
 هایفونگ (بندر) / ۲۵۷
 هیروش، محمد / ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۲
 ۱۳۳، ۱۳۵
 هتل اینترکننتینال (مکه مکرمه) / ۷۴
 هتل پارک (تهران) / ۵۲۵
 هتل والدروف (نیویورک) / ۶۸
 هرتز، مارتین / ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۸۹
 هسه بوکوواکا، باربارا / ۵۳۰
 هک (ناخدا سوم) / ۳۴۹
- هلست، ویلیام / ۵۸۹
 هلم، دیک / ۱۷۳
 هلمز، ریچارد / ۲۸۳، ۲۸۶، ۲۸۸، ۲۸۹، ۵۵۳
 ۵۶۰
 هلند / ۳۲۵
 هلنر / ۷۱، ۷۲
 هند / ۳۹، ۱۳۳، ۱۸۶، ۱۸۷، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۳۰
 ۵۹۴
 هنی / ۲۲۲، ۲۲۳
 هوتارک / ۵۷۸
 هوراس، لارنس (سرهنگ) / ۵۴۸، ۵۴۹
 هوستون (مارشال) / ۹۳
 هوفوف / ۱۲
 هیأت ارزی ابوظبی / ۱۲۹
 هیأت مستشاری نظامی آمریکا (تهران) / ۲۹۰
 ۲۹۱، ۳۰۱، ۳۰۹، ۳۱۲، ۳۲۷، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۵
 ۳۳۷، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۵۰، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴
 ۳۵۶، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹
 ۳۷۳، ۳۷۶، ۳۷۹، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۶، ۳۸۷
 ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۴۰۲، ۴۰۹، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳
 ۴۱۴، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۵
 ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸
 ۴۳۹، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۷۸، ۴۴۴، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹
 ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۹، ۴۷۳، ۴۷۵
 ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۹۳، ۴۹۵
 ۴۹۶، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۶، ۵۸۶
 هید، رنسام / ۵۷۲
 هیگ، رنسام / ۵۷۱، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۸
 ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۴
 هیگبی (ناخدا سوم) / ۳۸۲، ۴۳۹، ۴۶۴، ۴۶۵
 هیلتن (هتل) / ۳۳۶
 هیما / ۹۴

ی

یاسر عرفات / ۷۴, ۱۶۲, ۲۵۳

یاکونین / ۵۵۷

یانکین / ۵۵۸

یانگ / ۱۰۹

یرشف / ۵۵۶

یزدی، ابراهیم (دکتر) / ۳۰, ۴۴, ۴۵, ۴۸,

۴۹, ۵۶, ۶۴, ۶۵, ۲۲۵, ۲۵۱, ۴۰۱, ۴۱۳,

۴۱۴, ۴۱۵, ۴۴۵, ۴۴۸, ۴۵۴, ۴۵۵, ۴۵۶,

۴۵۷, ۴۷۳, ۴۷۴, ۴۷۵, ۴۷۶, ۴۷۷, ۴۷۸,

۴۷۹, ۴۸۶, ۴۸۷, ۴۸۸, ۴۸۹, ۴۹۱, ۴۹۳,

۴۹۴, ۴۹۶, ۴۹۷

یک روز از زندگی ایوان دنیسویچ (کتاب) /

۵۶۳

یمانی، زکی / ۱۵۸, ۱۶۸

یمن جنوبی / ۵, ۱۴, ۱۵, ۶۲, ۶۶, ۱۴۰,

۱۵۰, ۱۵۱, ۲۴۷, ۲۶۲

یمن شمالی / ۱۷, ۱۵۱, ۱۵۲

یمن / ۴۰, ۱۸۳

یورومانی (نشریه) / ۱۲۲, ۱۲۳, ۱۲۴, ۱۲۵,

۱۶۸, ۳۲۵, ۵۱۵, ۵۵۴

یونایتدپرس (خبرگزاری) / ۵۸۴

یونسکو / ۲۶۹

یونیاام / ۴۳